

پیوست‌ها

توجه:

لازم به تذکر است که بعضی از پیوست‌ها در داخل متن کتاب آمده است. با مراجعه به فهرستی که در اول کتاب آمده مورد و محل آن مشخص خواهد شد.

پیوست شماره ۱: مربوط به صفحه ۶۳

نوشته‌ی معظم له در مورد خدمات اسلامی مرحوم حاج شیخ احمد حجبی

۱۵ ج ۱/۱۳۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم

در سنین کودکی به معیت پدرم که خدایش محافظت فرماید در نجف آباد اصفهان به مسجدی می‌رفتم. امام جماعت مسجد نیز بسیار به منزل و باغ ما رفت و آمد داشت. مردی بود بی‌آلایش و رفتارش با کوچک و بزرگ بسیار عادی و بدون تشریفات بود. کم‌کم بزرگتر شدم و با خواندن و نوشتن آشنا شدم و با ترغیب آن مرد بزرگ پدرم مرا به منظور آموزش علوم اسلامی به اصفهان و قم فرستاد. در ایام تعطیلات در نجف آباد از جماعت و تدریس آن مرد بزرگ استفاده می‌کردم و در خدمت ایشان هم چند سفر به اصفهان و یک سفر به قم رفتم. با اینکه از جهت فضل و کمال ممتاز بود و بیشتر مردم آن منطقه به ایشان ارادت می‌ورزیدند و مرجع وجوه شرعیه بود زندگی ایشان بسیار ساده و متوسط بود و با رفتار و عمل مردم را به دین و مذهب سوق می‌داد.

همش ترغیب مردم مخصوصاً جوانان به تعلم و فراگرفتن علوم اسلامی بود و با یک فرد محصل و طالب علم همچون پدر مهربان رفتار می‌کرد و طلاب را بسیار مورد تشویق قرار می‌داد و روی این اصل در منطقه نجف آباد و اطراف و حومه آن، عده بسیاری به سراغ تحصیلات علوم دینیه رفتند و بین آنان اساتید و فضلاء کثیری پیدا شد. بسیاری از مردم نجف آباد از تاجر و کاسب و زارع با علوم عربی و کتب دینی آشنا شدند و در اثر اخلاق عمومی ایشان و برخورد خوبی که با اشخاص داشت در اکثریت قاطع مردم محل گرایش مذهبی عجیبی پیدا شد.

با یک برداشت و درک صحیحی از دین و مذهب، که هنوز پس از حدود سی سال که از وفات آن مرد بزرگ می‌گذرد، به دنباله تحولی که ایشان پایه ریزی کردند شهرستان نجف آباد را می‌توان کانون علم و دانش و مذهب شمرد و گذشته از علماء و فضلاء آن شهر، حدود نیمی از مردم عادی نجف آباد تا اندازه‌ای با علوم عربی و اسلامی آشنا می‌باشند و در درک مسائل مذهبی امتیاز خاصی دارند.

خداوند به ما توفیق دهد که بتوانیم به پیروی از آن مرد بزرگ خدمت به اسلام و مسلمین را وجهه همت خود قرار دهیم و در انجام وظایف دینی و وجدانی کوتاهی نکنیم و تجملات و علائق دنیای فانی ما را نفریبد، آمین یا رب العالمین.

آن مرد بزرگ که خدا درجاتش را عالی کند و با محمد و آل محمد محشورش فرموده و حقوق او را بر ما جبران فرماید مرحوم مغفور حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ احمد حججی نجف آبادی بود. نورالله مرقدہ الشریف بحق محمد و آله الطاهرين. والسلام علی جمیع اخواننا المومنین و رحمة الله و برکاته.

حسینعلی منتظری نجف آبادی

۱۳۹۵/۱/۲۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درستین گوید که جمعیت پدرم که خدا پس محافظت فرماید در نصف اولی آنها مسجدی می‌رفت - امام جماعت مجتهد
 بسیار بمنزل و باغی ما رفتند و مدت مردی بودی آلاس و وقتش ما نزدیک بسیار و کسی دیده آن را نداشت
 لم لم بزرگتر مردم و با هم آمدن و در این استادم و ما ترنسیان مرد بزرگ مردم مرا منظور آن روز علوم اسلامی
 با هم رفتیم و در ایام تعطیلات در کفایه از علمت و در این آن مرد بزرگ استقامت میکردم و در وقت آن تمام
 چند نفر با هم رفیقان و یک نفر هم رفیق - ما اینکه در جهت فضل و کمال ممتاز بود و بیشتر مردم از منطقه بایان ارادت می‌رفتند
 و مرجع و جبهه ترغیب بود زندگی آن بسیار سادگی و تسلط بود و با رفتار و علم مردم را بدین و خداوند سبحان میداد
 هستن ترغیب مردم مخصوصاً جوانان تبعلم و فرا گرفتن علوم اسلامی بود و ما بعد از تحصیل و طالب علم همچون پدر ما رفتار
 و طلاب را بسیار مورد توجه قرار میداد و روی این اصل در منطقه کفایه و اطراف و معلوم آن عنقه بسیار می‌سرایه تحصیلات
 علوم دینی رفتند و این آنان استند و فضلا و کسری میدادند - بسیاری از مردم کفایه از راه کار و بار و راه علوم عربی و کتب دینی
 آنستند و در این اخلاق عمومی آنان در هر فرد معلوم که ما را کمال داشت در اکثریت تا طبع مردم غیر از این مذهبی هم میدادند
 با یکدیگر داشت و در جمعی از این مذهب که امروز هم از هر دو پس سوال می‌آورد و آن مرد بزرگ می‌گفتند بدینا که آن
 با به زبانی کردند که در میان کفایه را می‌دان که این علم و دانش و علمت سر و کلاه است از علم او و فضلا و آن که هر چند دینی از مردم
 عادی کفایه را مانند با علوم عربی و اسلامی آنستای با سر و در مسائل مذهبی بسیار خفا هم دارند .
 خداوند ما ترغیب دهد که بتوانیم به پیروی از آن مرد بزرگ حدیث با سلام و صلواتی را و همه همت خود قرار دهیم
 در انجام وظایف دینی و عهدانه توانایی کنیم و تحولات و علل و مسائل فایده ما را فرسید آیین ما را با تمام
 آن مرد بزرگ که خدا در عالم کفایه و ما کمال و کمال هر محسوس کرده و حقوق او را بر ما جبران فرماید
 مرحوم سعید محمد الاسلام و المبین آقای حاج شیخ احمد محمدی کفایه بود نور الهی بر قلبه شریف کفایه و اولاد الطاهرین
 و السلام علی جمیع المؤمنین و المؤمنات و رحمته الرحمة الواسعة

پیوست شماره ۲: مربوط به صفحات ۸۸ و ۱۴۵

نوشته معظم له پیرامون آشنایی ایشان با آیت الله شهید مرتضی مطهری

بسم الله الرحمن الرحيم

در سال یکهزار و سیصد و بیست شمسی هجری در سن نوزده سالگی برای ادامه تحصیل، به تشویق بعضی از دوستان اصفهان عازم قم شدم، و در مدرسه مرحوم حاج ملاصادق ساکن شدم، و پس از چندی در مدرسه فیضیه در درس سطح کفایه جلد اول باب اوامر که به وسیله مرحوم آیت الله آقای حاج سید محمد محقق یزدی معروف به داماد تدریس می شد شرکت کردم، مجموع شرکت کنندگان از ده نفر کمتر بودند.

پس از چندی یک نفر از شرکت کنندگان که می نمود چند سالی از من بزرگتر است پیشنهاد کرد مطالب درس را با یکدیگر بحث کنیم. در اول من با سردی از این پیشنهاد استقبال کردم ولی به تدریج ارتباط و علاقه ما به یکدیگر بیشتر می شد، و در بحث به مطالب درسی قناعت نمی کردیم، بلکه مسائل مختلف اسلامی و حتی مسائل فلسفی و عرفانی را در حدود استعدادمان مورد مذاکره قرار می دادیم. این جوان با هوش و خوش استعداد و پرکار و با همت و متقی و مقید به آداب و سنن اسلامی مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی خراسانی بود، اعلی الله مقامه و رفع فی الخلد درجته.

باری ایشان در مدرسه فیضیه سکونت داشتند و من هم به مدرسه فیضیه منتقل شده بودم و به تدریج در زندگی و دخل و خرج و درس و بحث و گردش و تفریح و حضور در مجالس و محافل دینی و اخلاقی با یکدیگر ملازم بودیم و هرچند از نظر مادی هر دو با عسرت و سختی می گذراندیم، ولی با درس و مذاکره و شرکت در بعضی محافل و انجمن های آموزنده مخصوصا درس اخلاق حضرت آیت الله العظمی امام خمینی که عصرهای پنج شنبه و جمعه در مدرسه فیضیه تدریس می شد دلخوش بودیم و از درسهای خارج مرحوم آیت الله داماد و آیت الله حجت تبریزی استفاده می کردیم. ضمنا هر دو نفر دوراودر نسبت به مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج آقا حسین بروجردی طاب ثراه که در آن زمان در بروجرد بسر می بردند ارادتی خاص پیدا کردیم، چنانچه مرحوم آیت الله مطهری در تابستان ۱۳۶۲ قمری و من در

تابستان ۱۳۶۳ به بروجرده رفتیم و با درس و مذاق و اخلاق آن مرحوم آشنا شدیم و پس از اینکه آن مرحوم در محرم ۱۳۶۴ قمری به دعوت بزرگان و اساتید قم از جمله حضرت آیت الله العظمی امام خمینی به قم آمدند ما دونه‌فر از ملتزمین درس اصول و فقه آن مرحوم شدیم و ضمناً منظومه حکمت و سپس اسفار را نزد آیت الله خمینی می‌خواندیم. پس از چندی چون درسهای مرحوم آیت الله بروجرده عمومی و شلوغ بود و ما احتیاج داشتیم به یک درس خصوصی که بتوانیم در آن بحث آزاد داشته باشیم، لذا مباحث عقلیه اصول را نیز نزد آیت الله خمینی شروع کردیم و از اینجا دروس عالیه آیت الله خمینی در حوزه علمیه قم پایه‌گذاری شد؛ و ضمناً ما غیر از مباحثات فقهی و اصولی جلد اول اسفار را نیز با یکدیگر بحث می‌کردیم و هر کدام نیز جداگانه حوزه تدریس داشتیم و در شبهای پنج‌شنبه و جمعه نیز در جلسه بحث فلسفی آیت الله علامه طباطبایی شرکت می‌کردیم و همین بحث‌ها پایه کتاب اصول فلسفه شد. این جریان حدود ده سال برقرار بود تا اینکه مرحوم آیت الله مطهری در اثر گرفتاری‌های زندگی دیگر قدرت اقامت در قم را نداشت لذا به تهران مهاجرت کردند، ولی بحمدالله وجود ایشان در تهران منبع فیض بود و در محیط دانشگاه و بیرون از دانشگاه به تدریس و تالیف و نشر معارف اسلامی پرداخت. شکرالله مساعیه الجميله.

مرحوم آقای مطهری در علوم اسلامی از قبیل تفسیر و اصول فقه و اصول دین و فلسفه شرق مجتهد و اهل نظر بود و مخصوصاً اعماق مسائل فلسفه صدرالمتألهین شیرازی را دقیقاً لمس کرده بود و گفتار و تالیفات آن مرحوم دقیق و پخته و آموزنده بود و برای نسل جوان دانش پژوه بسیار سودمند و ارزنده است. آن مرحوم در شناساندن مکتب اسلام اصیل و در مبارزاتی که به رهبری امام خمینی شروع شد نقش موثری داشت و در پانزده خرداد که آیت الله خمینی و عده‌ای از علمای اعلام و روشنفکران بازداشت شدند آن مرحوم نیز جزء بازداشت شدگان بود و همیشه از یاران با وفای انقلاب و رهبر انقلاب بود. و از ویژگی‌های آن مرحوم اینکه محیط پرتلاطم تهران ایشان را آلوده نکرد و صفا و خلوص و سادگی و جهات اخلاقی و معنوی ایشان کماکان باقی ماند و چه فضیلت بزرگی است برای انسان که محیط در او اثر سوء نگذارد، بلکه او بتواند در محیط اثر خوب داشته باشد. -و نیز از ویژگی‌های آن مرحوم تقید و علاقه مفرط ایشان بود به ذکر و دعا و تهجد و شب بیداری- بیاد دارم که در همان اوایل

آشنایی ما با یکدیگر ایشان به نماز شب مقید بود و مرا نیز بدان تحریص می کرد و من به بهانه اینکه آب حوض مدرسه شور و کثیف و برای چشمانم مضر است از آن شانه خالی می کردم. تا اینکه شبی در خواب دیدم که خوابم و مردی مرا بیدار کرد و گفت من عثمان بن حنیف نماینده حضرت امیرالمومنین علی(ع) می باشم، و آن حضرت به تو دستور داده اند بپاخیز و نماز شب را بپای دار و این نامه را نیز آن حضرت برای تو فرستاده اند. در آن نامه با حجم کوچکی که داشت با خط سبز روشن نوشته شده بود: «هذه براءة لك من النار»، من در عالم خواب با توجه به فاصله زمانی حضرت علی(ع) متحیرانه نشسته بودم که ناگاه در همان حال تحیر مرحوم آیت الله مطهری مرا از خواب بیدار کرد درحالی که آفتابه آبی در دست داشت و گفت این آب را از رودخانه تهیه کرده ام برخیز و نماز شب بخوان و بهانه مجوی.

آن مرحوم فیض بزرگ شهادت را دریافت. گوارا باد او را، حشره الله تعالی مع الشهداء والصالحین و رزق الله اولاده و اهل بینه الصبر والاجر بجاه محمد و آله.

به تاریخ ۱۶ ربیع الاول ۱۴۰۰

قم - حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۳: مربوط به صفحه ۱۱۵

نامه آیت الله العظمی بروجردی به هنگام اعزام معظم له به تبلیغ

بسم الله الرحمن الرحيم

معروض می دارد مکتوب آقایان رسید معلوم می شود که آنجا از آقایان کسی نیست که مردم را هدایت نماید لذا جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای آشیخ حسینعلی منتظری دامت افاضاته که از اجله فضلاء هستند فرستادم، مقتضی است اهالی از وجود معظم له قدردانی نموده و استفاده و استفاضه نمایند. از همه ملتمس دعاء هستم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۶ صفر ۱۳۷۲ - حسین الطباطبائی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

میف که

معلم

معروض میدارد بکتاب اقیان رسید

لذرا

انجا از اقیان کسی نیست که مردم را بداند

دا

منظری

بن کتب تفهیم الاسلام از شیخ حنیف

انالی

مقتضی

انفا که از جمله فضلاء هستند فرستادم

صفا

از وجود منظم که قدر دان غصه و شفا ده

ورقا

نامه زین عمر دعای اسم و السلام علیکم



۱۵ مهر ۱۳۴۲

پیوست شماره ۴: مربوط به صفحه ۱۸۱

سند ساواک در رابطه با ناراحتی اطرافیان شاه از ضد بهایی بودن معظم له

وزارت جنگ

ریاست ستاد ارتش

اداره: لشکر ۹ زرهی

دائرة: رکن ۲

شماره ۲/۶۶۸۶ ۳۴/۵/۲۹ محرمانه

در باره وضع بهاییها در نجف آباد

پیرو شماره ۳۶۱۶ - ۳۴/۳/۲۴ - رکن ۲

برابر گزارش شهربانی اصفهان، شیخ حسینعلی منتظری خود را نماینده آیت الله بروجردی در نجف آباد معرفی و روز ۳۴/۵/۲۰ از وعاظ و معتمدین و اصناف و سایر طبقات دعوت و اظهار داشته که به موجب فتوای آیت الله بروجردی معامله مسلمین با بهاییها تحریم گردیده و مسلمین نباید با بهاییها رابطه و خرید و فروش داشته باشند. با اینکه قبلا آموزش کافی به شهربانی اصفهان داده شده بود مجددا تاکید گردید که از هرگونه تحریکات و اقدامات نامبرده جدا جلوگیری شود. فعلا آرامش در نجف آباد برقرار بوده و مامورین انتظامی مراقب اوضاع می باشند. م - ع

فرماندهی لشکر ۹ زرهی اصفهان - سرتیپ ضرغام



اداره لشکر فتنه ای اصفهان

دائرة رکن ۲

شماره ۲۹۹۸۲

۳۴۵۱۲۹

ریاست مستاد ارتش

وزارت جنگ

مرمانه

در باره وضع بهائیهها در نجف آباد

بهر شماره ۳۹۱۹ رکن ۲

۱۲/۳/۳۴

بها بزرگوار در شهر اصفهان نشین حسینعلی منتظری خود را نمایند
آیتالله بروجردی در نجف آباد معرفی و روز ۳۴/۵/۴۰ انوعاظ و معتمدین
واصفان و سایر طبقات دعوت و اظهار داشته که بموجب فتوای آیتالله
بروجردی معامله مسلمین با بهائیهها تحریم گردیده و مسلمین نباید
با بهائیهها رابطه و خرید و فروش داشته باشند باینکه قبلاً آموزش کافی
به شهر اصفهان داده شده بود مجدداً تاکید گردید که از هرگونه
تحرکات و اقدامات نامبرده جدا مجلو گیری شود فعلاً امر در نجف آباد
برقرار میسر و ما مورین این نظامی مراقب اوضاع میباشد - م - م - غ

کتاب
سازمان

فرمانده لشکر فتنه ای اصفهان - سر تیس فرغام

Handwritten signature

۷۱۸

دادگاه ۲۸/۳/۳۴

رأی این محترم در ارتش

در این خصوص

در این خصوص

در این خصوص

در این خصوص

سر تیس فرغام

۱۱۷۲۲

۱۳۰۶۳

۳۹۱۵
۱۳۰۶۳

پیوست شماره ۵: مربوط به صفحه ۲۰۹

متن تلگراف امام خمینی به آقای اسدالله علم -نخست‌وزیر- در مورد ورود زنها به مجلسین و انجمن‌های ایالتی و ولایتی

بسم الله الرحمن الرحيم

تهران، جناب آقای اسدالله علم نخست‌وزیر ایران

در تعطیل طولانی مجلسین دیده می‌شود که دولت اقداماتی را در نظر دارد که مخالف شرع اقدس و مباین صریح قانون اساسی است. مطمئن باشید تخلف از قوانین اسلام و قانون اساسی و قوانین موضوعه مجلس شورا برای شخص جنابعالی و دولت ایجاد مسئولیت شدید در پیشگاه مقدس خداوند قادر قاهر و نزد ملت مسلمان و قانون خواهد کرد، ورود زنها به مجلسین و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شهرداری مخالف قوانین محکم اسلام که تشخیص آن به نص قانون اساسی محول به علمای اعلام و مراجع فتوا است و برای دیگران حق دخالت نیست و فقهای اسلام و مراجع مسلمین به حرمت آن فتوا داده و می‌دهند، در این صورت حق رای دادن به زنها و انتخاب آنها در همه مراحل مخالف نص اصل دوم از متمم قانون اساسی است و نیز قانون مجلس شورا مصوب و موشح ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را در انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شهرداری از زنها سلب کرده است. مراجعه کنید به مواد هفت و نه قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی و پانزده و هفده قانون انجمن بلدی (شهرداری) در این صورت چنین حقی به آنها دادن تخلف از قانون است و نیز الغاء شرط اسلام در انتخاب کننده و انتخاب شونده که در قانون مذکور قید کرده و تبدیل قسم به قرآن مجید را به کتاب آسمانی تخلف از قانون مذکور است و خطرهای بزرگی برای اسلام و استقلال مملکت دارد که یا غفلتاً یا خدای نخواستہ عمداً اقدام به این امر شده است. اکنون که اعلیحضرت درخواست علمای اعلام را به دولت ارجاع فرموده اند و مسئولیت به دولت شما متوجه است انتظار می‌رود به تبعیت از قوانین محکم اسلام و قوانین مملکتی اصلاح این امر را به اسرع وقت نمایید و مراقبت کنید که نظائر آن تکرار نشود و اگر ابهامی در نظر جنابعالی است مشرف به آستانه قم شوید تا هرگونه ابهامی حضوراً رفع شود و مطالبی که به صلاح مملکت است و نوشتنی نیست تذکر داده شود، و در خاتمه یادآور می‌شود که علمای اعلام ایران و اعیان مقدسه و سایر مسلمین در امور مخالفه با شرع مطاع ساکت نخواهد ماند و به حول و قوه خداوند تعالی امور مخالفه با اسلام رسمیت نخواهد پیدا کرد.

۴۱/۷/۲۸ - روح الله الموسوی الخمينی

پیوست شماره ۶: مربوط به صفحه ۲۳۶

متن تلگراف علمای مهاجر به تهران - پس از قیام خونین پانزده خرداد - به امام خمینی که توسط معظم له تنظیم و به امضای علما رسیده است. مورخه ۱۳۴۲/۴/۲۷

تهران - شماره ۳۰۶ - به وسیله ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

محضر مبارک آیت الله العظمی آقای خمینی مرجع عالیقدر تقلید

رونوشت: حضرت آیت الله محلاتی

رونوشت: حضرت آیت الله قمی دامت برکاتهم

روحانیون شهرستان‌های ایران پس از تقدیم سلام به جناب عالی و ابراز تاجر از پیشامدهای ناگوار و اهانت به مقام شامخ روحانیت و مرجعیت برای اظهار همدردی و پشتیبانی از هدف مقدس روحانیت از شهرستان‌ها به تهران حرکت نموده، استخلاص حضرتعالی و کلیه محبوسین حوادث اخیر و موفقیت شما را برای اعلای کلمه اسلام از خداوند متعال خواستاریم.

الحاج بحر العلوم الرشتی - الحاج سید محمود ضیابری الرشتی - حسین الموسوی الخادمی اصفهانی - علی ابن ابراهیم همدانی - مرتضی الحائری - روح الله کمالوند - حاج سید حسین رودباری رشتی - الاحقر علی اصغر صالحی کرمانی - نصرالله الموسوی بنی صدر همدانی - الاحقر عبدالله مجتهدی تبریزی - محمود علوی شیرازی - الاحقر سید یوسف الهاشمی تبریزی - الاحقر عبدالرسول قائمی آبادانی - الاحقر عبدالجواد همایونشهری - حسین الحسینی الیزدی الشیرازی - محمد جعفر طاهری شیرازی - الاحقر علی آقا یقینینی شیرازی - الاحقر سید احمد خسروشاهی تبریزی - محمد حسن النجفی الرفسنجانی - الاحقر محمد الموسوی الشمس آبادی اصفهانی - محمد هاشمیان - الاحقر حسین گوگانی تبریزی - الاحقر الفانی محمدتقی مراغه ای - الاحقر سید احمد پیشوا کازرونی - الاحقر السید عبدالله موسوی شبستری - الاحقر رفیع مدرس تبریزی بستان آبادی - الاحقر محمد الصدوقی الیزدی - الاحقر احمد امینی مراغه ای - العبد مجتبی العراقي - سید مهدی یثربی کاشانی - حسینعلی منتظری نجف آبادی - ابراهیم امینی نجف آبادی.

پیوست شماره ۷: مربوط به صفحه ۲۶۱

متن تلگرام جمعی از روحانیون شهرستان نجف آباد به امام خمینی در پی انتقال ایشان از ترکیه به نجف اشرف، مورخه مهرماه ۱۳۴۴

نجف اشرف

مرجع تقلید شیعه حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی انتقال حضرتعالی از ترکیه به عراق تا اندازه ای موجب مسرت، ولی ملت ایران عموماً منتظر مراجعت حضرتعالی به حوزه علمیه قم هستند تا از افاضات و رهبری‌های شما بهره مند گردند. امید است در آتیه بسیار نزدیک این موفقیت حاصل شود.

حسینعلی منتظری، عباس ایزدی، ابوالقاسم حججی، غلامرضا حجتی، سید محمود مدرس، سید جواد سجادی، ابراهیم توسلی، اسدالله فتاح الجنان، سید هادی طباطبایی، محمد علی صالحی، محمد حسین کاظمی، سید کمال حسینی، حسین بهرامی، سید جعفر طباطبایی، سید اکبر حسینی، سید حسن هاشمی، محمدجعفر رحیمی، محمد علی موحدی، سید حسن حسینی، غلامرضا داوری، سید فخر هاشمی، حسین معزی، جعفر جعفری، الاحقر محمد استکی، سید ولی الله موسوی، سید حیدر کاظمی، سید هاشم امانی، سید حسین هاشمی، الاحقر ابوطالب مصطفایی، مهدی حسینی.

پیوست شماره ۸: مربوط به صفحه ۲۶۱

متن نامه فضلا و محصلان حوزه علمیه قم به امام خمینی در پی انتقال ایشان از ترکیه به نجف اشرف، مورخه مهرماه ۱۳۴۴

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مقدس بزرگ مرجع عالم تشیع حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی متع الله
المسلمین بطول بقائه

هر چند انتقال حضرتعالی از ترکیه به عتبات عالیات از جهتی مایه خرسندی است ولی
ادامه تبعید آن مرجع عالیقدر که به خاطر دفاع از قرآن و حقوق ملت اسلام و حمایت از
استقلال و تمامیت ارضی کشور اسلامی ایران صورت گرفته است، بسی موجب تأثر و تنفر
عموم ملت ایران است. ملت شریف مسلمان ایران و حوزه علمیه قم که از منویات مقدس
آن قائد عظیم الشان پیروی می کنند و برای تامین و اجرای آن از هیچ گونه فداکاری دریغ
ندارند، انتظار دارند که به زودی موانع برطرف شود تا با مراجعت حضرتعالی به حوزه
علمیه قم و با تدبیرات خردمندانه و رهبری های ارزنده آن زعیم عالیقدر، مصالح عالییه اسلام
و ایران و حقوق از دست رفته ملت تامین گردد.

ادام الله ظلکم علی رئوس الانام

حسین نوری، احمد آذری قمی، ربانی شیرازی، علی اصغر مروارید، محمد علم الهدی
خراسانی، حسینعلی منتظری، ابوالفضل النجفی الخوانساری، سید محمدرضا سعیدی، علی
المشکینی الاردبیلی، ناصر مکارم شیرازی، محمدتقی مصباح یزدی، ابوالقاسم خزعلی،
علی اکبر مسعودی، سید موسی شبیری زنجانی، محمد مفتاح، مهدی الحائری الطهرانی،
غلامرضا صلواتی عراقی، جوادی آملی، سید مصطفی علم الهدی.

پیوست شماره ۹: مربوط به صفحه ۲۶۱

متن تلگرام فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم به امام خمینی در پی انتقال ایشان از ترکیه به نجف اشرف، مورخه مهرماه ۱۳۴۴

نجف اشرف

محضر مقدس آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی

گرچه انتقال حضرتعالی از ترکیه به عراق از آن جهت که محیط مناسبتری است مایه خوشوقتی است، ولی ادامه محرومیت ملت ایران و مخصوصا حوزه علمیه قم از افاضات آن مرجع عظیم الشان موجب افسردگی شدید عموم است. امیدواریم در آینده بسیار نزدیک با مراجعت حضرتعالی به قم مردم ایران از نعمت رهبری‌های ارزنده آن زعیم عالیقدر که موجب تامین مصالح اسلام و مسلمین است بهره مند گردند.

ابوالفضل النجفی الخوانساری، الاحقر محمد شاه آبادی، حسینعلی منتظری، مکارم شیرازی، سید محمدباقر ابطحی، ربانی شیرازی، سیدمصطفی علم الهدی، محمد حسین مسجدجامعی، عبدالعظیم محصلی، اکبر هاشمی، حسین نوری، علی پناه اشتهاردی، حسین المظاهری، ابوالقاسم خزعلی، سید یوسف تبریزی، علی المشکینی، ابراهیم امینی، جعفر سبحانی، علی قدوسی، احمد پایانی اردبیلی، سید موسی شبیری زنجانی، مصطفی اعتمادی، یحیی انصاری شیرازی، محمد محمدی گیلانی، نعمت الله صالحی، سید مهدی حسینی لاجوردی، محمد مفتاح، سید محمدرضا سعیدی، هاشم تقدیری، ابوالقاسم محجوب، احمد آذری، محمد موحدی، محمدعلی گرامی، احمد جنتی، محمدرضا توسلی.

پیوست شماره ۱۰: مربوط به صفحه ۲۶۱

متن نامه جمعی از علما و فضایی حوزه علمیه قم به امیرعباس هویدا -نخست وزیر-

درباره تبعید امام خمینی، مورخه ۱۳۴۴/۸/۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت: دیوانعالی کشور

بیش از یک سال است که پیشوای عالیقدر و مرجع تقلید شیعه حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی ادام الله ظلّه بر خلاف قانون در زندان استعمار (ترکیه) تحت نظر و سپس در عراق به طور تبعید به سر می برند. در طی این مدت، مردم ایران به ویژه حوزه علمیه قم از رهبری های ارزنده و تعالیم و تربیت های فروزنده ایشان محروم بوده و با کمال بی صبری در انتظار قدوم شریف ایشان دقیقه شماری کرده اند.

وضع مسلمانان و روش ناهنجار دولت های غیر ملی به جایی کشیده که مرجع دینی یک ملت نتواند احکام الهی را صریحاً بیان کند و از آزادی ملت و استقلال کشور خود دفاع نماید، و به جرم اعتراض (به کاپیتولاسیون منفور) بیش از یک سال در حال تبعید و ناراحتی به سر برد؛ آری به جرم اعتراض به کاپیتولاسیون یعنی به جرم اعتراض به لایحه ای که می گوید ملت ایران باید در برابر اراده و خواسته های اجانب تسلیم، و حق هیچ گونه دفاع از مال و جان و ناموس خود نداشته باشد. ما نفهمیدیم اگر کاپیتولاسیون به نفع و صلاح ملت است چرا یک روز برای الغای آن جشن ها گرفتند و الغای آن را از افتخارات هیئت حاکمه آن روز شمردند، و اگر به ضرر است چرا دو مرتبه آن را با وضع فجیع تری به ملت ایران تحمیل کردند، آیا دولت ها فکر نمی کنند این مملکت آتیه ای دارد نسل دیگری در پی این نسل است؟ تاریخ، پس از این کارهای ما را دقیقاً بازگو می کند، نسل آینده گذشته ها را مورد بررسی قرار داده و در صفحات تاریخ واقعیت کردار ما را رنگین یا ننگین مجسم می سازد.

آن روز که بزرگ مرجع جهان شیعه مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد حسن شیرازی حکم تحریم تنباکو را صادر فرمود، شاید هیئت حاکمه که پافشاری زیاد برای خشتی کردن آن حکم داشت خیال نمی کرد تاریخ آینده با قضاوت صحیح، خادم و خائن را مشخص نموده و هر یک را در صفحه ای به عظمت و حقارت، به خدمت یا خیانت

معرفی کرده و در معرض افکار جهانیان قرار می دهد.

آن روز که نابغه شرق سید جمال الدین اسدآبادی برای گسستن زنجیرهای استعمار و مبارزه با خودکامگی و استبداد قد علم کرد و لوای آزادی خواهی برافراشت، زمامداران آن روز تصور می کردند با تهمت‌های ناروا، تحریف حقایق و تبعید آن مجاهد رشید می توانند تاریخ را مسخ نموده و افکار نسل‌های آینده را منحرف سازند؛ ولی اکنون بر خلاف تصور آن‌ها تاریخ قضاوت می کند که هیئت حاکمه آن روز ایران با سرپیچی از راهنمایی‌های آن بزرگ مرد، ملت ایران را از سعادت و سیادت که به آن‌ها رو آورده بود محروم نموده و با تبعید او رشد و ترقی را از آسیا به جانب آفریقا سوق داد.

تاریخ دائما گذشته‌ها را به صورت نوینی تجدید می کند. امروز همان بزرگ مرجع شیعه و همان نابغه شرق هر دو در شخصیت حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی متمثل شده؛ و تاریخ همان آزادی خواهی، همان مبارزه با استعمار و استبداد، همان تبعید و همان محرومیت ملت ایران را به صورت تازه منعکس می سازد؛ با این تفاوت که مردم امروز ایران در تشخیص حقایق از خرافات و تمیز خادم از خائن دقیق‌تر، و در برابر افکار متضاد بهتر از عهده قضاوت برمی آیند. (امروز هیئت حاکمه ایران هر گونه آزادی خواهی، هرگونه شکوه از فقر و بیچارگی و بالاخره هر گونه مبارزه با عوامل فساد و ایادی استعماری را با تهدید، ارباب، حبس، شکنجه، تبعید و اعدام پاسخ می دهد و دائما کوشش می کند نفس‌ها را در سینه‌ها خفه سازد و خفقان را بیشتر گسترش دهد.) روزی نمی گذرد که خبر تازه موحشی به گوش نخورد و ناراحتی جدیدی به سراغ مردم نیاید.

درهای زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها به روی مردم باز است؛ محاکم در بسته نظامی، بی حساب به حساب‌ها رسیدگی می کند؛ ملت از جریان روزمره مملکت به هیچ‌وجه اطلاعی ندارد؛ بر خلاف خواست سازمان‌های پلیسی چیزی در روزنامه‌ها منعکس نمی شود؛ دسته دسته مردم رشید به اعدام و تبعید و حبس‌های طویل‌المدت محکوم می شوند و ملت از جریان محاکمه آنان خبری پیدا نمی کند.

هنوز حبس‌های دسته جمعی، اعدام، شکنجه، آزار روحانیون و مردم متدین پایان نیافته که خبر ناراحت کننده تازه ای افکار را به خود مشغول نموده و خانواده‌هایی را تحت ناراحتی قرار داده است. شایع است که به تازگی متجاوز از صد نفر دانشجو، کسبه و روحانی را در ظرف یکی دو روز به جرم شرکت در جلسات دینی گرفته اند

و پدرها و مادرها از جرم و یا از علت جلب و مکان و احوال آنان هیچ گونه اطلاعی ندارند، و بازار مسلمانها را سیاه و تجار محترم نوعاً رو به ورشکستگی می روند و کسی جرأت حقوقی ندارد. این است معنی آزادی در مملکت دمکراسی ایران! درست است که در سایر کشورها ناراحتی‌هایی نیز وجود دارد ولی تفاوت فاحش است بین دولت‌هایی که به خاطر ملت با استعمار می جنگند و دولتی که به خاطر استعمار با ملت می جنگد.

آقای هویدا! ملت ایران نمی تواند ببیند مرجع تقلید و پیشوای مذهبی خود در تبعید و سایر رهبران ملی محدود بوده باشند و با این حال ساکت نشسته، به کارهای هیئت حاکمه صحنه گذارند. شما خیال نکنید با انتقال حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی از ترکیه به عراق می شود احساسات افروخته این ملت را خاموش کرد؛ ادامه تبعید حضرت آیت الله خمینی در هرجا و به هر صورتی که باشد مایه ناراحتی و خشم عموم ملت است.

آقای هویدا! هر چه در نظر شما محترم است وجدان، مذهب، قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر، با این طرز حکومت مخالف است. شما یقین بدانید حکومت‌هایی که پایه آن بر ظلم و ستم به ملت است بقاء و ثباتی ندارد «الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم»، «قد مکر الذین من قبلهم فاتی الله بنیانهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم و آتیهم العذاب من حیث لایشعرون». ما در خاتمه متذکر می شویم لازم است به این وضع اسفناک خاتمه داده شود و با ارجاع حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی به قم و خاتمه دادن به حبس، شکنجه، اعدام و مبارزه با دین و ملت شکاف بین مردم و دولت را پر کنید.

ما تا به حال کراراً به منظور صلاح ملک و ملت تذکراتی به شما و دولت‌های قبل داده و عواقب سوء ظلم و ستم را متذکر شده ایم. امید است که تذکرات مشفقانه ما مورد قبول واقع شود.

ابوالفضل النجفی الخوانساری، علی حیدری نهاوندی، حسن حسن زاده آملی، حسینعلی منتظری، علی المشکینی الاردبیلی، عبدالرحیم الربانی الشیرازی، سید محمدرضا سعیدی، حسین نوری، سید یوسف تبریزی، مهدی الحسینی الروحانی، علی قدوسی، علی اکبر مسعودی، حسین المظاهری، مرتضی مقتدایی اصفهانی، محمدمهدی ربانی، اکبرهاشمی، محمدمحممدی گیلانی، محمد حسین مسجدجامعی، ابوالقاسم مسافری، یحیی فاضل همدانی، محسن حرم پناهی، رضا گلسرخی کاشانی،

سید حسن طاهری، علم الهدی اهوازی، الاحقر عبدالعظیم محصلی، سید عبدالمجید ایروانی، عباس محفوظی، محمد علی گرامی، کریمی، العبد محسن الخراسانی، الاحقر محمد الشاه آبادی عفی عنه، مصطفی اعتمادی، یدالله پورهادی، سید محمدعلی موسوی، محمد باقر حسنی، جوادی آملی، سید احمد موسوی، مهدی الحائری، ابوالفضل علمایی، هاشم تقدیری، یحیی انصاری، محمد مومن، احمد آذری قمی، محمد حسینی خامنه ای، سید حسین خلخالی، یعقوب الموسوی الزنجانی، غلامحسین عابدی، یوسف صانعی، مصطفی زمانی نجف آبادی، الشیخ محمد الهمدانی، محمد کاظم شرفی یزدی، علی کاظمی، سید محمود دعایی، سید ابوالفضل الموسوی التبریزی، احمد آیتی اصفهانی، سید محمد صادق زیارتی، عبدالحسین معزی تهرانی، محمد خندق آبادی، قاسم تهرانی، میرآقا موسوی زنجانی، علی احمدی، محمد تقی مصباح یزدی، محمد علی منتظری، سید صدرالدین طاهری شیرازی، حجت الله کیانی، محی الدین فاضل هرنندی، علینقی فرایی زنجانی، محمد صدرالدین طباطبایی مهریزی، غلامرضا زندی، محسن دوزدو زانی، علی تهرانی پهلوانی، فتح الله شهاب، سید محمد حسینی، مهدی کروی، حسین مفید دلجانی، حجت کشفی، غلامحسین ایزدی، سید محمد تقی محصل همدانی یزدی، سید محمد تقی شاهرخی خرم آبادی، ابولقاسم وافی یزدی، محسن فیض، سید جعفر حسینی یزدی، جواد حاتمی، مهدی مویدی، محمدعلی شرعی، محمد عبایی خراسانی، محمدرضا مویدی، عباس شیرازی رفسنجانی، سید جواد موسوی، عبدالعلی معزی تهرانی، سید تقی موسوی درچه ای، لطفعلی فقیهی، محمد تقی نصیری سمنانی، محمد فاکر خراسانی، محمد باقر شریعتی سبزواری، محمد اشرفی اصفهانی، سید حسن شجاعی کیاسری، سید احمد موسوی اصفهانی، محمد حسین بنی پور، یحیی سلطانی اصفهانی، محمد مهدی غفاری تهرانی، حبیب الله مرزوقی شمیرانی، دین پرور، عباس مناقبی یزدی، علی اکبر ناطق نوری، محمد آقا رحیمی اصفهانی، سید حسن اسماعیلیان، فضل الله قاسمی، سید فخر الدین هاشمی، محمدرضا رحیمی، علی یزدانی، علیرضا احمدی، حسن حبیب الهی، حسن صالحی، رضا مطلبی، مهدی تسلیمی، السید مجتبی الموسوی الکاآشانی، سید هادی هاشمی، سید محمود سجادی، محمد باقر منتظری، سید باقر موسوی، محمد جعفری رودسری، محمد رواق پور کرمانی، سید محمود هاشمی، علی اصغر طاهری کنی، خلیل صادقی، احمد توکلی، حسین کریمی، سید محمد مدنی، عبدالرسول شاهرخی، سید محمدکاظم ارفع، غلامحسین فلاح، حسین نبوی خویی، الاحقر سید جعفر کاظمی اصفهانی، حجت الله ساکی خرم آبادی، الاحقر سید محمدتقی کاظمی اصفهانی، ابوالقاسم جلالی، حجت الله قاسمی، محمد حسین غفاریان، سید علیرضا حسینی کجانی، غلامرضا ملایوسفی، الاحقر بزرگ کازرونی، سید محمد فقیه زاده، مطهری یزدی، عیسی خطیبی گیلانی، نورالله طباطبایی، سید علی متقی مازندرانی، عباس حسینی کرمانی، محمد محمودی تویسرکانی، محمد حسین املائی اصفهانی، محمد علی دهخدا کرمانی، سید ضیاء الدین نجم الهدی یزدی، محمد حسین زندی، مرتضی ربانی،

عبدالحسین کرم اللهی خرم آبادی، سید محمد شاهرخی، محمدابراهیم محمدی، محمد اسماعیل غائبی، محمد رهنما، حسین طالبی، فتحعلی صاحب الزمانی، اسدالله روح اللهی نجف آبادی، فتح الله امید، رسول پناهنده، محمدعلی روحانی خراسانی، جابر صباری، جعفر حسنی، نصرالله صالحی، محمدرضا یاسینی، ضیاءالدین الحسینی الاشکوری، حسن تهرانی، قربانعلی ذوالقدری زنجان، هادی دولت مهدی، مهدی مهدوی، علی حسین جاهدی، حمید ارجمندی، سید ایوب، سید حسن، حیدر حمزه زاده، محمدتقی رضوانی، حسین ایمانی، علی عظیمی، رحیم داستانی، جواد حیدری خلخال، محمد واعظی، عبدالله واعظی، علی طاهری، حسن سلطان آبادی، موسی سلیمی میانجی، سید التفات میرصالحی ترکی، مظاهر نظری، خلیل سودمند، محمد مهدی حجتی میانجی، محمد علی ذوالقدری میانجی، اللهوردی زیارتی، سید حسن حسینی، سید سلیمان میر رحمتی، سید سجاد چاوشی میانجی، محمدحسین یوسفی، سید حسن موسوی، سلمان واعظی میانجی، علی نصر ملازاده میانجی، سید جعفر عظیمی میانجی، سید اسماعیل برزندی، سید کمال الدین چاوشی، محمد امین بناورانی، صالح قدرتی میانجی، علی محمدی میانجی، قدرت الله اسکندری میانجی، عزت الله قاسمی میانجی، علی رشید خوانی میانجی، جواد عزیزی میانجی، عزیز رضانی، سید مختار عظیمی، اقل علی باقری، محمد جابری، عباس عباسی میانجی، ذکرعلی اسلامی سرابی، سید احمد هاشمی میانجی، رحیمی میانجی، احمد خردمند سرابی، یونس ستاری میانجی، عبدالله شفیع، عبدالناصر قره چمنی، علی قره داغی، محبوب ابراهیم زاده، عبدالفیاض محمدی، کلام الله رضایی، الاحقر احمد بدائی، محمد ذاکری، سید سجاد وحیدی، محمد محمدی میانجی، احمد موسوی میانجی، مرتضی اشراقی اصفهانی، علی حسین زاده تبریزی، صالح شکری میانجی، علی عظیمی میانجی، فیض الله رستمی میانجی، مرتضی مصطفایی، علی گمندی تبریزی، سید جعفر صالحی رضاییه، سید ابوالقاسم موسوی رضاییه، ضیاءالدین اجارودی، سید جلال صفوی تبریزی، سید عباس میرزاده اهری، حسینیقلی برهانی سرابی، حسین پزشکی تبریزی، زین العابدین مجاهدی خویی، رضا واعظی تبریزی، عبدالله شاکری، عباس جباری ماکویی، سید علی حسین ماکویی، ابراهیم اسکندری، سید حیدر موسوی، حسن هاتفی خویی، هادی علی زاده، جعفر محمدزاده، سید علی اکبر مهرداد خویی، غلامحسین جعفرپور تبریزی، باقر آخوندی تبریزی، غلامحسین قدیمی، حسن امامی، سید محمد سیدی، عزت الله حکیمی، سید علی علوی، علی صادقی سرابی، حسین شفیع، احمد داود تبریزی، عبدالعلی حاتمی، عبدالجواد ملکی تبریزی، الاحقر مهدی جمال آبادی، سید جواد علوی، سید محمود نوری زاده مشکینی، علی اکبر شریفی اردبیلی، حسین احمدی، اسحاق حسین زاده تبریزی، اصغر عدل سرابی، محمد اسماعیل غفاری تبریزی.

پیوست شماره ۱۱: مربوط به صفحه ۲۶۳

متن اعلامیه معظم له و آیت الله ربانی شیرازی درباره اعلیت امام خمینی، مورخه

خررداد ۱۳۴۹

بسم الله الرحمن الرحيم

مردم مسلمان ایران! ما ضمن تسلیت نسبت به درگذشت حضرت مستطاب آیت الله العظمی آقای حکیم قدس سره اعلام می داریم: در این لحظات حساس که جامعه ما بر سر دو راهی انتخاب و تثبیت وضع آینده قرار گرفته، لازم می دانیم برحسب وظیفه دینی و تکلیف خطیری که به عهده داریم وظیفه مردم را به طور قاطع و روشن تعیین و ابلاغ نماییم.

موقعی که بزرگ مرجع تقلید شیعه مرحوم شیخ مرتضی انصاری به جوار قدس الهی رحلت کردند، مرحوم حجة الاسلام میرزای شیرازی، بزرگان تلامذه شیخ را در مجلسی دعوت نموده و تذکر دادند که شیخ ما از جهان رفته و عالم اسلامی احتیاج به فردی دارد که در ده جزء علم و نه جزء عقل و درایت دارا باشد تا بتواند احتیاجات جامعه را تشخیص دهد و با درایت کامل قیام به امر امت نماید. شاگردان شیخ که از علمای طراز اول و واجد صلاحیت مرجعیت بودند بالاتفاق ابراز داشتند که چنین شخصیتی با این اوصاف منحصر به شخص شماسست و دیگری را چنین صلاحیتی نیست و با اتفاق کلمه مرحوم میرزای شیرازی را به زعامت مسلمین انتخاب نمودند و خدمات ارزنده آن مرحوم مرهون چنین فداکاری بود. امروز وضع جامعه بسی حساس تر و اوضاع عالم اسلامی آشفته تر است و لزوم انتخاب فردی مدبر، روشن بین و واقف به مصالح اسلام و مسلمین شدیدتر و محسوس تر است. امروز جامعه ما در مرحله ای واقع شده که درست بر سر دو راهی عزت و ذلت، رشد و انحطاط و بالاخره بقاء و زوال است، و سرنوشت امت اسلام مرهون صفات و خصلت‌های رهبری است که انتخاب گردد. امروز ما نباید خاموش و بی تفاوت بنشینیم تا دیگران به ما راه نشان دهند، ما نباید منتظر بمانیم تا دیگران فرد یا افرادی را که از رشد اجتماعی، شهامت، شجاعت و جهان بینی اسلامی بی بهره یا کم بهره اند بر ما تحمیل کنند؛ خود ما باید سرنوشت خود را تعیین نماییم و فردی را که لایق تر و اصلح به حال اسلام و مسلمین

باشد، فردی که به اوضاع جهان و حوادث واقعه آشنایی کامل داشته باشد، فردی که بتواند اسلام واقعی را به مردم معرفی کند، فردی که در همه شئون اسلامی صاحب نظر باشد انتخاب نماییم.

حوزه علمیه قم با شناسایی کامل و بصیرت کافی که به وضع حوزه‌های علمیه و روحیه افراد داشته، با رعایت کامل مقررات دینی و دقت شدید در تشخیص صفات لازمه برای زعیم اسلامی، به کرات نظریه خود را پیرامون شخصیت بارز و بی نظیر مرجع عالم اسلام، حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی متع الله المسلمین بطول بقائه بیان نموده و مراتب اتکاء و اعتماد خود را نسبت به ایشان ابراز داشته است؛ اینک مجدداً بالصراحه وظیفه عموم را روشن نموده، ابلاغ می‌دارد: با توجه به وضع روز و موقعیت خطیر مسلمانان، حضرت معظم له لایق‌ترین شخصیت برای رهبری و زعامت و شایسته تقلید و مراجعه عموم است، و مصداق اجلای حدیث مروی «اما من كان من الفقهاء، صائنا لنفسه، حافظا لدينه، مخالفا لهواه، مطيعا لامر مولاه، فللعوام ان يقلدوه» ایشان هستند. از این رو لازم است آن عده از مردمی که تا به حال از ایشان تقلید ننموده به اکثریت مردم ایران بپیوندند و از ایشان بدون هیچ گونه تردید تقلید نمایند، تا ان شاء الله با ایجاد یکپارچگی و وحدت کلمه در تعظیم اسلام و اعتلای مسلمین و دفع مفسد بکوشند. از خداوند متعال توفیقات ملت اسلامی را در راه پیشبرد اسلام عزیز خواهانیم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

حسینعلی منتظری - ربانی شیرازی

پیوست شماره ۱۳: مربوط به صفحه ۲۶۴

نامه معظم له به آیت الله خادمی در مورد مرجعیت امام خمینی، ۱۴/۳/۱۳۴۹ شمسی

بسمه تعالی

حضرت مستطاب آیت الله آقای خادمی دامت برکاته

پس از تقدیم سلام و عرض تسلیت نسبت به درگذشت حضرت آیت الله العظمی آقای حکیم قدس سره به عرض عالی می‌رساند، چون راجع به اوضاع اصفهان صحبت به میان آمد لازم شد به چند کلمه مصدع شوم:

با لحاظ مراتب علمی و عملی حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی و مجاهدات پیگیر ایشان به نظر اینجانب معظم له برای مرجعیت شیعه متعین و تعیین و ترویج ایشان به صلاح اسلام و مسلمین می‌باشد. بجاست حضرتعالی مصلحت اسلام را رعایت کرده و با کمال شهادت نسبت به تعیین ایشان اقدام فرمایید. در خاتمه از حضرتعالی ملتمس دعا می‌باشم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۲۹ ع ۱۳۹۰/۱ - حسینعلی منتظری

بسمه تعالی

حضرت تظاہر آیتہ آقا خادمی دامت برکاتہم

سزا ز تقدیم سلام و عرض تسلیت نسبت بہ درگذشت حضرت آیتہ العظمی
 آقا حکیم قدس سرہ جو میں عالم بریں ہوں راجع ماوضیہ اہل بیت علیہم السلام
 لازم شد کہ تکلم بصدع شرم : بالی طواریت علی و عملی حضرت آیتہ العظمی
 آقا رحیمین مظاہر العالی و مجاہدات بگراہی سطر اسیر جانب تعظیم لہ برائی
 مرجعیت شیعہ یعنی و تعیین درویش این اصلاح اسلام اولیٰ و ثانی کا بابت
 سہادت حضرت تکلم مصلحت اسلام را رعایت کرده و امکان نہایت
 نسبت بہ تعیین این اقدام و راستہ در مقامہ از حضرت علی مرتضیٰ دہلوی بابت
 والسلام علیکم ورحمۃ اللہ وبرکاتہ ۱۳۹۰/۱۴/۲۹

علی مرتضیٰ دہلوی
 (مختصر)

پیوست شماره ۱۴: مربوط به صفحه ۲۶۴

نامه معظم له به آیت الله اشرفی اصفهانی در مورد مرجعیت امام خمینی، ۱۳/۳/۱۳۴۹

بسمه تعالی

حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای حاج میرزا عطاءالله دامت افاضاته پس از اهداء سلام و عرض تسلیت نسبت به درگذشت حضرت آیت الله العظمی آقای حکیم قدس سره به عرض می رساند نظر به اینکه راجع به اوضاع کرمانشاهان با آقازاده حضرتعالی صحبتی به میان آمد مناسب شد به چند کلمه مصدع شوم. به عقیده اینجانب حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی برای مرجعیت شیعه متعین می باشند و در شرایط فعلی تعیین ایشان و ترویج از ایشان به صلاح اسلام و مسلمین می باشد، بجا است حضرتعالی بدون تزلزل و با کمال شهامت نسبت به این وظیفه اسلامی اقدام فرمایید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۲۸ ع ۱/۱۳۹۰ - حسینعلی منتظری

بسمه تعالی

حضرت شهاب محمد (ع) که در حین عزیمت از اصفهان به راه افغانها
 در راه اهداء (ع) و عرض تسلیت نسبت به درگذشت حضرت آیه الله العظمی
 آن حکیم قدس سره بعضی فریادها نظر بانگه را جمع با و نهادند که در آن
 با آقا زاده حضرت آیه الله العظمی آقا محمد تقی صاحب کرامت
 تعقیب این طایفه حضرت آیه الله العظمی آقا محمد تقی صاحب کرامت
 شرف تعقیب فرمودند و در سراط فیه تعقیب ایشان و ترویج از ایشان
 اسلام و مسلمانی می باشد بحاکمیت حضرت آیه الله العظمی آقا محمد تقی صاحب کرامت
 نسبت به این وظیفه سهمی اداء فرمائید و السلام علیکم و علیکم و علیکم

۱۳۹۰ / ۱۲ / ۲۸
 محمد تقی صاحب کرامت

پیوست شماره ۱۵: مربوط به صفحه ۲۶۷

پیام تسلیت امام خمینی به معظم له به مناسبت شهادت شهید محمد منتظری، به تاریخ

۸ تیرماه ۱۳۶۰

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت حجة الاسلام والمسلمين آقای منتظری دامت برکاته

گرچه تمام شهیدان عزیز و معظم یک شنبه شب از برادران ما و شما بودند و ملت قدرشناس برای آنان به سوک نشستند و دشمنان اسلام در شهادت آنان شاد و اسلام عزیز سرافراز است، لکن از فرزند عزیز شما شناختی دارم که باید به شما با تربیت چنین فرزندی تبریک بگویم. او از وقتی که خود را شناخت و در جامعه وارد شد ارزش‌های اسلامی را نیز شناخت و با تعهد و انگیزه حساب شده وارد میدان مبارزه علیه ستمگران گردید. او با دید وسیعی که داشت سعی در گسترش مکتب و پرورش اشخاص فداکار می نمود. محمد شما و ما خود را وقف هدف و برای پیشبرد آن سر از پا نمی شناخت. شما فرزندی فداکار و متعهد و متفکر و هدف دار تسلیم جامعه کردید و تقدیم خداوند متعال. او فرزند اسلام و فرزند قرآن بود. او در زجرها و شکنجه‌ها و از آن بدتر شکنجه‌های روحی از طرف بدخواهان عمری به سر برد. او به جوار خداوند متعال شتافت و با دوستان و برادران خود راه حق را طی کرد. خدایش رحمت کند و با موالیانش محشور فرماید. از خداوند متعال برای جنابعالی و بازماندگان آن فرزند برومند اسلام صبر و اجر خواهانم.

والسلام علیکم و رحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

بسم پر ارحم الراحمین

حضرت سید محمد باقر حسین در تفسیر روایت بر آنست

اگر چه تمام سیدان انقلب و سیدان عزیز و مسلم که شیبه شب از برادران ما و ما بودند و دست قریش سر بران را میگردانیدند
 و سیدان بهیم در سعادت آنان شد و بهیم عزیز سر فرزند است کسی که فرزند فرزند شایسته حق دارم که باید شما با سید حسین
 فرزند سید یک یک گویم او از دینی که خدا را شناخت در راه سعادت و سعادت از دشمنان سید می دانید شناخت و با تعهد و پیکره
 حساب شده دارد سیدان بن برزه علیه السلام آن کردید او با دید و سیدی که در دست کسی در کسرت سید و پرورش سیدان کار میبرد
 همه شاد و خدا را وقف هفت برابر شیردان سر از پایش شناخت شایسته فرزند فرزندان و سعادت و سعادت و هفت دار تسلیم جامع کرده
 و تقدیم خداوند تعالی او فرزند بهیم و فرزند قرآن بود او در زجر و شکنجه و دوزخ و در آن بدتر شکنجه از دینی از قبیل قرآن آن علم بر
 بر او بجز خداوند تعالی شناخت و با دوستی و برادران خود راه حق را طی کرد خدا پرست است که با ما سیدان فرزند فرزند
 از خداوند تعالی بر ارحم الراحمین و با زاهدان آن فرزند برودند بهیم صبر و اجر خاتم و بهیم علمم در همه هم روح الهی

پیوست شماره ۱۶: مربوط به صفحه ۲۶۷

جواب معظم له در پاسخ به پیام تسلیت امام خمینی

بسمه تعالی

محضر مبارک مرجع بزرگ انقلاب آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی بعد از سلام، پیام روح آفرین و تسلی بخش آن حضرت را شنیدم. ضمن تشکر و تبریک و تسلیت متقابل، از این که خدای متعال توفیق عطا فرمود و توانستم فرزندی با آن ویژگی‌هایی که حضرت تعالی اشاره فرمودید تقدیم خدای منان کنم بسیار مفتخر و خوشوقتم. گرچه من امید داشتم که در آینده خدمت بیشتری به انقلاب عظیم اسلامی که عمر خود را در آن صرف نمود بنمایم و حاکمیت اسلام در تمام جهان مستضعفین و محرومین را که به آن عشق می‌ورزید و محور تمام تلاش او بود، از نزدیک ببیند ولی لابد تقدیر الهی و مصلحت چنین بود که خون پاک او و سایر همسنگران و هم‌زمان عزیزش، رسیدن به آن هدف بزرگ را سرعت بخشد. شاید دشمنان اسلام که به دست گروه‌های وابسته چنین فاجعه‌ای را به وجود آوردند و عده‌ای از ابرار و شخصیت‌های موثر در انقلاب را از جامعه انقلابی ما گرفتند خیال کنند که خلئی را در ادامه و گسترش انقلاب بوجود آورده‌اند، ولی باید بدانند که این شجره طیبه که به دست توانای پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام در بستر تاریخ بشریت غرس شده و تا کنون با خون‌های مقدس آبیاری گردیده و اکنون رسالت حفظ و بارور نمودن این امانت بزرگ الهی به دست با کفایت رهبر عظیم الشان اسلام سپرده شد، اصلها ثابت و فرعها فی السماء، و هرگز از باروری در سخت‌ترین شرایط نمی‌ایستد.

دشمنان خدا و مردم نمی‌توانند خلاقیت و تاثیرات معنوی خون شهید و برکات وجود حضرت تعالی را درک نمایند. من مطمئنم امت قهرمان و بیدار ما در پرتو رهبری‌های صحیح حضرت تعالی و پشتیبانی روحانیت متعهد این بار سنگین را به منزل اصلی می‌رساند و هرگز چنین کارهای کور و بی‌هدف تأثیری در تصمیم قاطع آنان نداشته و ندارد. از خدای بزرگ علو درجات معنوی برای تمام شهدای عزیز اسلام و صبر و اجر عظیم برای بازماندگان و خانواده‌های محترم آنان مسئلت دارم.

ادام الله ظلکم علی رؤوس المسلمین

۶۰/۴/۹ - حسینعلی منتظری

(پیوست شماره ۱۷ داخل متن کتاب آمده است)

پیوست شماره ۱۸: مربوط به صفحه ۲۸۱

اجازه نامه امام خمینی به معظم له در مورد اخذ وجوه شرعیه و وکالت تامه ایشان در

امور شرعیه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين

و لعنة الله على اعدائهم اجمعين

و بعد، جناب مستطاب عماد العلماء الاعلام و حجة الاسلام آقاي حاج شيخ حسينعلی منتظری دامت افاضاته وکیل اينجانب می باشند در اخذ وجوه شرعیه از قبیل سهم مبارک امام عليه السلام و سهم سادات عظام و مجهول المالك و غيرها.

كسانی که می خواهند وجوه شرعیه خود را به اینجانب برسانند به وسیله ایشان بفرستند، اخذ ایشان و قبض رسید ایشان به منزله اخذ و قبض رسید اینجانب است، و نیز وکیل هستند در دستگردان نمودن وجوه شرعیه و امهال به قدری که صلاح دانستند و اخذ.

و اوصیه ایده الله تعالی بما اوصی به السلف الصالح من ملازمه التقوی والتجنب عن الهوی والتمسک بعروه الاحتیاط فی الدین والدنیا و ارجو من جنابه الدعاء والنصيحه والسلام عليه و على عبادالله الصالحين و رحمة الله و بركاته.

به تاریخ ليله ۱۱ شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۹۰

روح الله الموسوی الخمينی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی من لا ینبغی له الوبان
 وبعدهما بیات علی العلاء علی السلام وجمعه بهم السلام علی من تبعه
 حقیقاً وکفر ايماناً بیانشند در افتاد و جوه شریعت
 هم نیک و عیبه السلام و هم در عظیم و مهیول مالک و غیره
 کما که میخوانند و جوه شریعت خود را با ایجاب برسانند و
 ایستاده بفرستند و تقدیر است و بقدر سیه است و بفرستند
 و بقدر سیه ایجاب است و بزرگتر بفرستند در دستگیر
 نمودن و جوه شریعت و احوال بعد از که صلح دانستند و
 دارد چه این امر را با اوصی به تلف احوال من مذمت است
 و همچنین علی الهادی و سید مرتضی و غیره است
 و در جوسن جناب امیر و نصیحه و سلام علیه
 عبودیه بسیار در همه امور و در راه تاریخ
 ۱۳۹۰
 در جوسن



پیوست شماره ۱۹: مربوط به صفحه ۲۸۱

اجازه نامه آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی شیرازی به معظم له

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين من الان الى قيام يوم الدين.

و بعد، جناب مستطاب مروج الاحكام و ثقة الاسلام آقای شيخ حسينعلی منتظری دامت افاضاته از جانب حقير مجاز و مأذون می باشد در تصدی امور حسیه که در زمان غیبت منوط به اذن فقیه است و در اخذ وجوه شرعیه از قبیل زکوات و مجهول المالک و مظالم مردوده و غیرها و صرف آنها در موارد مقرر و كذلك مجاز و مأذون هستند در اخذ سهم مبارک امام علیه الصلوة والسلام که به مقدار احتیاج صرف امور طلاب علوم دینیه و مواردی که موجب تقویت اسلام است بنمایند و چنانچه مازادی باشد بفرستند نزد اینجانب برای ادامه و اقامه حوزه‌های مهمه علمیه و البته رعایت احتیاط در کلیه امور خواهند نمود. و المرجو ان لایسانی من صالح دعواته کما لا انساه انشاءالله تعالی، والسلام علیه و علی اخواننا المومنین و رحمة الله و برکاته.

مورخه نوزدهم شهر شوال المکرم ۱۳۷۵ - حسین الطباطبائی

بسمه تعالی شانه

جنابعالی در امور مزبوره فوق به همان نحو که از ناحیه مرحوم آیت الله فقید قدس سره الشریف مجاز بودید از قبل احقر نیز مجازید، و لدى الاقتضاء در اجازه دادن به طلاب متدینین حوزه علمیه نجف آباد دامت توفیقاتهم نیز مجازید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۲ ذق ۱۳۸۰ - الاقل عبدالهادی الحسینی شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله
الطيبين الطاهرين ولعنوا الله على اعدائهم اجمعين من الآن الى قيام
يوم الدين وبعد جناب مستطاب بمرجع الاحكام وثقة الاسلام آية الله العظمى
دامت اخافته از جانب حجر مجاز وماضون پسند در تصدی امور حسبه که در زمان
منوط باذن فقیه است در اخذ وجه شرعی از قبیل زکوات و محمول الممالک
موجوده و غیره و صرف آنها در موارد موقته و كذلك مجاز و ماضون پسند در اخذ سهم
امام علیه الصلوة والسلام که بمقتدا احتیاج صرف امور طلاب علوم دینی و موارد دیگر
تقومت اسلام است بنماید و چنانچه بار ادر باشد بفرستند اینجانب بر ادا امر و اقامه
موردی بر همه علیه و السله رعایت احتیاط را در کلیه امور خواهند نمود و المرحومان
من صالح دعواته کمال است و سلام علیه و علی اخوان المؤمنین و رحمة ربهم
مورخه نوزدهم ترمه سال الحکم ۱۳۷۵ صید الفیاطی



بسم الله الرحمن الرحيم
رحم الله به فقيدنا سره الشريف مجاز بوديد از قبيل حجرت
مجازيد و لدى القضاء در اجاره و اذن لطيف تدين
حوزه علميه نجف آباد دارت ترفقا هم نيز مجازيد و السلام
در عهد ديكره ۱۳ ذى الحجه ۱۳۸۰



پیوست شماره ۲۰: مربوط به صفحه ۲۸۱
اجازه نامه آیت الله العظمی حکیم به معظم له

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين

واللعن الدائم على اعدائهم اجمعين

و بعد، جناب مستطاب ملاذ الانام حجة الاسلام آقای آقاشیخ حسینعلی منتظری دامت برکاته که از مفاخر فضلاء و اجله علماء میباشند از قبل اینجانب مجاز هستند در تصدی به امور حسبیه که تصدی به آنها در زمان غیبه ولی امرعجل الله تعالی فرجه الشریف منوط به اذن حاکم شرع اقدس و فقیه جامع الشرائط است و نیز مجاز می باشند در اخذ و قبض حقوق منطبقه و سهم مبارک امام علیه السلام و صرف تا نصف از آنها در محل بر علماء و طلاب علوم دینیه و امور معاشیه خود علی النحو المتعارف و باقی را برای اینجانب به نجف اشرف ایصال تا در حفظ و اقامه حوزه های علمیه به مصرف برسد، و بر اخوان مومنین لازم است از وجود شریف جناب معظم بهره مند شوند و از احترامات لائقه به مقام ایشان کوتاهی ننمایند. و اوصیه بملازمه التقوی والاحتیاط فی جمیع اموره و ان لاینسانی من صالح دعواته کما لا انساه ان شاء الله.

۱۵ حج ۱۳۸۰ - محسن الطباطبائی الحکیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين واللعن

الدائم على اعدائهم اجمعين و معبد جناب مستطاب ملاءذلتنا ^{السلام} حجة

اقا اقا شيخ حسينه شطري ديت برة كه از نانا فضلده و حله علماء

ميا سنده از قبل اينجاب مجاز سنده در تصدى با در حسيه كه تصدى ^{انها}

در زمان غيبه و له او عبي الله تعالى و وجهه پريف مزط با دن حاكم شرع الله

و نقيه جامع ابر اطاعت و نيز مي زي ميا سنده در اخذ و قبض حقوق ^{منظومه}

و سهم مبارك امام عليه السلام و صرف تا نصف از انها در محل

بر علماء و طلب علوم دينيه و امر ما يسه خود على النعم المتعارف

و باءه را بر اينجاب نجات هرف اصال تادر حفظ واقامه جزها

علمه بمصرف رسد و برا خوان نرين لدر زميت و لز وجود هرف

جناب مستظم بيه منده شونه و لرا احكامات لدر نتمه بمقام ^{صند}

كوتاهي نماينده و لاده ببلد زنة المقوس والديق ط ^ط

جميع امره و ان لدر نسانه من صالح دعواته كلاله نسا ^{نسا}

والصالحين

۱۳۸۰
حج ۱۵



پیوست شماره ۲۱: مربوط به صفحه ۲۸۱

اجازة نامه آیت الله العظمی شاهرودی به معظم له

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف بريته محمد و آله الطيبين الطاهرين
و لعنة الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين.

و بعد، مخفی نماند که جناب مستطاب علم الاعلام ملاذالانام حجة الاسلام آقای شیخ
حسینعلی منتظری نجف آبادی دامت برکاته از مفاخر فضلاء کرام و اجله علماء اعلام
می باشند و از جانب احقر مجازند در امور حسبيه که منوط به اذن فقيه است در زمان غیبت
-على مغيبها آلاف التحية والثناء- تصرف نمایند و نیز مجازند سهم مبارک امام علیه السلام
را اخذ نموده تتمیم معاش خود کنند و به مصرف طلاب و سایر جهاتی که مربوط به اعلاء
کلمه اسلام است برسانند و مازاد را به اینجانب ایصال نمایند. و اوصیه ایده الله برعایه
الاحتیاط الذي هو طريق النجاة و ان لا ينساني من صالح الدعوات في الحياة و بعد الممات.
والسلام عليه و على اخواني المومنين و رحمة الله و برکاته.

محمود الحسيني الشاهرودي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ

بَيْتِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَالْعَنَةُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمُ الْجَمِيعِينَ الْيَوْمَ الْكَلِيمِ

و بعد از آنکه این کتاب علم الاموم و از اهل علم و تقیه الاموم است و این

منظری کجف الهی و امت برکات از نظر فضل و کرامت و اهل علم و تقیه الاموم

و از جانب اهل حق نیز در امر صبیبه که منوط باذن فقیه است در زمان

مع غیبهها الالف الثمینه و الثمینه - لغزهای نهم و نوزدهم که در کتاب

علیه السلام را از فخر کرده تقیم معانی خود کنند و بمصروف طواری و بر چه بنده

مربوط با محراب کلمه الام است بر نند و ما زاد را با بنیاب اهل نند

و اوصیه آیه الله بر می آید الا صیاط الالهی بطریق النبیة دان که بنیاب

صلح الدعوات فی الحیوة و بعد الحیات و السلام علیه و علی آفران المؤمنین در جمله آیه دعا

موسوی



پیوست شماره ۲۳: مربوط به صفحه ۲۹۶

لایحه دفاعیه معظم له نسبت به رای کمیسیون امنیت اجتماعی قم دائر بر اقامت اجباری به مدت سه سال در شهرستان طبس، مورخه ۱۳۵۲/۱۰/۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

دادگاه محترم شعبه ۱۵ دادگاه‌های استان مرکز (تهران) (راجع به پرونده شماره ۷۴۴/۵۲) در تعقیب اعتراضات سابقه مورخه ۵۲/۵/۳۰ و ۵۲/۶/۱۸ نسبت به رای کمیسیون امنیت اجتماعی شهرستان قم مبنی بر اقامت اجباری اینجانب حسینعلی منتظری نجف آبادی دارنده شناسنامه شماره ۷۵۸۳ صادره نجف آباد اصفهان به مدت سه سال در شهرستان طبس، پس از اعتذار از عدم حضور به علت بعد مسافت و بدی راه و کمبود وسائط نقلیه و گرفتاری‌های خانوادگی و ضعف مزاج و سرمای زمستان و ابهام نتیجه حضور و نداشتن محل مناسبی برای ورود که بعداً مورد عتاب مقامات نشود (چنانچه سابقاً شده است) و علل اخری بطول ذکرها.

و پس از گله از عدم توجه قضات محترم به جمله (فورا خارج از نوبت) در ماده ۴ قانون و تاخیر رسیدگی تا این تاریخ.

و پس از تذکر به اینکه اولاً خدا را شاهد و ناظر بدانید و دین و وجدان خودتان را حکم قرار دهید (واتقوا یوما لاتجزی نفس عن نفس شیئا و لایقبل منها شفاعة و لایؤخذ منها عدل و لاهم ینصرون. سوره بقره، ۴۸) و ثانیاً حیثیت مقام قضایی و استقلال آن را در نظر داشته باشید و سعی کنید قوه مجریه طمع در تسخیر قوه قضاییه نکند و آبروی قوه قضاییه محفوظ بماند.

پس از این تذکرات به عرض می‌رساند:

۱ - با اینکه اینجانب یکی از مدرسین دروس عالی‌ه حوزه علمیه قم بودم و حدود چهار صد نفر به درس من حاضر می‌شدند و متجاوز از سی سال است که در قم ساکن می‌باشم معذک حدود یک سال و نیم بود که تحت فشار ساواک و شهربانی قم (بدون ارائه دلیل و با تهدید به اینکه اگر از قم نروم تو را تبعید می‌کنیم) عملاً از اقامت در قم محروم بودم و فقط چون خانواده و منزل من در قم بودند از روی ناچاری گاهگاهی یک شب دو شبی برای رسیدگی به اوضاع آن‌ها به قم می‌آمدم و از منزل هم بیرون

نمی‌رفتم تا اینکه در اواخر خرداد ماه جاری یعنی برج ۳ از تهران به قصد نجف آباد حرکت و رسماً با خانواده به نجف آباد منتقل و در آنجا به تدریس و اقامه جماعت اشتغال داشتم و ابتدا از آنجا مسافرت نکردم، هر روز حدود شصت نفر به درس من حاضر می‌شدند و هر شب حدود هزارنفر در مسجد جامع نجف آباد به جماعت من حاضر می‌شدند و هر روز جمعه حدود سه هزار نفر به نماز جمعه من حضور می‌یافتند- بعلاوه مامورین شهربانی نجف آباد من و منزل مرا در نجف آباد دائماً زیر نظر داشتند، پس بودن من در نجف آباد امری است واضح و آشکار- بعلاوه گذشته از مقامات شهربانی و امنیتی نجف آباد و اصفهان، خود مقامات شهربانی و امنیتی شهرستان قم هم از نبودن من در قم مطلعند، مگر اینکه بخواهند عمداً سهو کنند، و تحقیق در این امر برای دادگاه کاری است آسان و چنانچه باز تردیدی باشد به خود من محول شود تا به نجف آباد بروم و شواهد آن را جمع‌آوری و ارائه دهم- بنابراین آیا تعجب آور نیست که کمیسیون امنیت اجتماعی قم در روز ۵۲/۵/۲۲ نسبت به من که در نجف آباد بوده ام سرا و بدون اطلاع اینجانب رای صادر کند و سپس به شهربانی اصفهان دستور بدهند به معیت شهربانی نجف آباد مرا از منزل نجف آباد بازداشت و مستقیماً به قم بیاورند و در شهربانی قم ورقه ارائه دهند بی امضا و بدون ذکر دلیل دائر بر اینکه تو از طرف کمیسیون امنیت اجتماعی قم محکوم به سه سال اقامت اجباری در طبرس می‌باشی- یاللعجب من مدت‌ها در قم نباشم ولی کمیسیون امنیت اجتماعی قم مرا مشمول بند (الف) یا بند (ب) ماده ۲ قانون امنیت اجتماعی بدانند، مگر اینکه وجود مثالی یا به اصطلاح بعضی‌ها وجود هورقلیایی من به نحو اعجاز در قم منشأ آثاری بوده است و من نمی‌دانسته‌ام!!

۲- پرونده تنظیم شده هرچند مفصلاً به نظر من نرسیده است ولی آنچه به نحو استراق بصر از پرونده در قم به چشم من خورد حاکی بود از اینکه جانشین ریاست سازمان اطلاعات و امنیت قم در کمیسیون تشکیل شده در فرمانداری قم جریان کشته شدن پاسبانی را در قم در روز ۵۲/۴/۲۷ به دست سه نفر از اهل نهاوند مطرح کرده و بعداً می‌گوید: «عده ای از طلاب که اسامی آنان ذیلاً درج می‌شود در این‌گونه ماجراها دست داشته اند به نحوی که ادامه حضورشان در شهرستان قم موجب سلب آسایش اهالی و ایجاد مزاحمت برای ۱۱ هزارنفر طلابی است که برای تحصیل علم و

کسب معارف اسلامی به قم آمده اند.»

اولا به قول ایشان در روز ۵۲/۴/۲۷ یک پاسبان در بازار قم به دست چند نفر نهباندی کشته شده چه ربطی به من دارد که نه تا حال نهباند رفته ام نه پاسبان را می شناسم و نه نهباندی ها را و نه در آن تاریخ در قم بوده ام - گنه کرد در هند آهنگری به شوشتر بریدند سر مسگری - جای شکرش باقی است که خود آقای جانشین ریاست سازمان قم گفته است در این گونه ماجراها - و نه گفته است در این ماجرا.

ثانیا خیلی تعجب است که ایشان دایه مهربان تر از مادر شده اند. من یکی از مدرسین دروس عالییه حوزه علمیه قم هستم و بیش از نیمی از فضلاء قم، چه رسد به طلاب سال های متوالی به درس من حاضر می شدند، به فکر تحصیل طلاب و کسب معارف اسلامی ایشان نیستم ولی آقای جانشین ریاست سازمان قم دلسوز طلاب علوم دینییه شده اند و حتی آمار حوزه علمیه قم را هم به طور دقیق ۱۱ هزار نفر قلمداد کرده اند!! خوب است آقایان قضات تحقیق کنند: آقایانی را که ایشان به نام عده ای از طلاب مورد اتهام قرار داده اند اغلب آنان از مدرسین معروف حوزه علمیه قم می باشند و عمده دروس حوزه علمیه قم را آقایان اداره می کردند.

ثالثا لازم است دادگاه محترم از افراد کمیسیون امنیت اجتماعی قم از قبیل فرماندار و رییس شهربانی و غیره... و یا از آقای استاندار مرکز بپرسند که اصلا آنان را تا حال رویت کرده اند یا می شناسند و به خصوصیات و روحیات من و سایر آقایان آشنایی دارند که چنین رایی را امضا کرده اند یا اینکه به محض اینکه جانشین ریاست سازمان امنیت قم موضوعی را طرح و صورتی تنظیم شد فوراً آقایان آن را وحی منزل دانسته هر کدام یک خط به نام امضا زیر آن کشیده اند بدون اینکه فکر کنند چه آثار شومی بر این امضائات نامیمون مرتب می شود. جالب توجه اینکه همین آقایانی که «محض جلب رضایت بالاترها» برای اشخاص پرونده سازی می کنند و بی جهت مزاحم اشخاص می شوند از خدا و قیامت و حساب و کتاب هم دم می زنند!!

۳ - مطابق اصل ۲۸ متمم قانون اساسی قوای ثلاثه مملکت همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود - بنابراین اساسا قانون امنیت اجتماعی برخلاف اصول مشروطیت است و اعتبار ندارد، زیرا در آن به کمیسینی حق رای و حکم داده شده که

اکثریت قاطع آن را قوای مجریه تشکیل می‌دهد. واقعا جای تعجب است که کمیسیون خودش بدون احضار طرف حکم صادر کند و سپس طرف را جلب و بدون ارائه دلیل و پرونده تنظیم شده خودش حکم خودش را اجرا نماید- و حتی با اینکه در متن قانون ذکر شده است که محکومین به اقامت اجباری بدون مستحفظ به نقطه تعیین شده بروند «ماده ۱۶ قانون مجازات عمومی که در ماده ۵۳ قانون امنیت اجتماعی به آن احاله شده» طرف را با چند ژاندارم با کمال شدت عمل به محل اقامت اجباری تعیین شده ببرند.

۴ - مطابق اصل ۷۸ متمم قانون اساسی، احکام صادره باید مدلل و موجه باشد -لابد مقصود مدلل بودن در عالم مثال و یا به اصطلاح فلاسفه با عالم عقول و نفوس کلیه نیست- بلکه مقصود این است که حکم با دلیل به طرف ابلاغ شود تا اینکه طرف به جرم خود واقف شود، پس چرا در حین توقیف اینجانب از نجف آباد و پس از آوردن به شهربانی قم و فرستادن به طبرس با آن شدت عمل‌های معموله نه پرونده به من نشان دادند و نه علت توقیف و بازداشت و توابع آن را، البته روزگاری از ناحیه من در قم انتقاداتی موجه از کارهای دولت دربین بوده است که به حق یا نا حق «البته نا حق بوده است» مرا بازداشت و زندانی کردند و سپس هم محاکمه و محکوم نمودند، ولی مطالب سابق که مجازات آن هم تمام شده چه ربطی به حال دارد که اولاً من در قم نبوده‌ام و ثانیاً مطلب تازه از ناحیه من در بین نبوده است.

۵ - اصف الی جمیع ذلک اینکه چون اصل دوم متمم قانون اساسی «که برحسب تصریح متن آن تا ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تغییر پذیر نخواهد بود» در قوانین جاریه رعایت نشده، پس هیچکدام از آن‌ها ارزش قانونی ندارند و برخلاف اصول مشروطیت ایران می‌باشند. فیا الهی رضا بقضائک و تسلیم لامرک و الیک المشتکی.

والسلام علی من اتبع الهدی و رحمة الله و برکاته

دهم دی ماه ۱۳۵۲ - شهرستان طبرس - حسینعلی منتظری

بسم الله الرحمن الرحیم
 دادگاه محترم شعبه ۱۵ دادگاههای تهران مرکز تهران (راجح بر روزنامه ۱۳۴۴/۵۲) در کیفیت اعتراضات
 سابقه سرخ ۵۳۰۵۳۰ - ۱۸۳۵۲ ثبت به رای گمراه آنست (جمعی نه تنها تمام برائت اجباری
 این جانب چنین شکی نیست که برای در بر شان نامه شماره ۷۵۸۳ صادره تحت اقرار این مدت که سال
 ده تهران طبع می باشد از عدم حضور کفایت بحد مسامت و بدی راه دوم بر روابط فله و بر تالیفات خادمان
 و وصف خارج و برای زستان و انجام نتیجه حضور و نمایندگان کلی ناهمی برای و بعد که بدو امور و کسب است نه در
 و چندین سابقه شده است و در عمل اوستی بطریق زکرها

و پس از گذر از مصدق تصدقات محرم به جلد (در فرج خاب گذشت) در راه ۳ تا ۴ تا از آن و با غیر رسیدن میان تاریخ
 و پس از گذر بر تأیید اولاً اخبار تا حد ظاهر بداند و بر ج و وجدان خردان را حکم برانده و (و انرا بر با ترمیمی نفس
 سخن نفس مستی و لا یفعل منها شفاعه ولا یفرخ منها عدل و لا یمسک - سورته نوره ۱۸) و تا بنا بچیت تمام قضای
 و استقالات آن را مد نظر داشته باشید و نمی گنجد و جریه طبع بدست قوه قضائیه نگذرد و آبروی قوه قضائیه محفوظ مانده
 پس از این تذکرات لریض برساند - ۱- با اینکه این جانب گهی از درین درین عالی حیزه علمیه تم دریم و حدود
 چهار صد نفر بیشین حاضر میشدند و بعد از این سال است که بدم مکان بی نام مع زکف حدود یکسال و نیم بود که محبت
 نشانی را سوادک و فخر و کرامت (بدون لایحه ارائه دلیل با تهمید باینکه امر از تم نزدی ترا مییدیم کنیم) سخن از آن است که در
 بدیم فقط چون خاندان و منزلت و نام درین روزی ناچاره گاه گاهی کفایت رویشی مجلس و دیگر با وضع آریا نام
 می آیدم و از منزلت هم بیرون نمی رفتیم تا اینکه در او فرود راه جاری اینی برج بالا از تهران لغت محف که بر حرکت در
 ما ناچارم به محف که بر مشق و در انها تبدیل و اما در محبت از انتقال داریتم و در آن از آنجا از تریتم و روزی در
 شست قدر درین سخن حاضر میشدند و در وقت حدود طوره قدر در مسجد جامع کوی کوی و محبت سخن حاضر میشدند و هر در
 همه حدود صد نفر تا زمانه همه سخن حضور می یافتند - بعد از آن درین روزی محف که در آن روز و وقت که
 را نمی توانم در ملاحظه پس در آن سخن در وقت که بر این است و با فصح و در شان - بعد از آن در ملاحظه که در این
 و اینی محف که بر و امتهان خود محبات نهانی و اینی نه تنها تم هم از درون سخن مطلقه که بر این که در آن
 که کشته و تحقیق در این امر برای دادگاه کاری است و شان و چنانچه باز تروی یافته نموده سخن از آنجا که بر
 مردم و قراداد تراجم آوری و در آنجا هم - بنا بر این که آیا تعجب که در این که کمترین امنیت اجتماعی تم در روز
 ۱۳۴۲ هجری ثبت سخن که در وقت که بر اولم مژده و بعد از اطلاع این جانب از آن عادت کرد و سخن نهانی از محفل
 در تهران بعد محف نهانی محف که بر اولم مژده و بعد از اطلاع این جانب از آن عادت کرد و سخن نهانی از محفل
 و بعد می اسماعیل و در آن ذکر دلیل را شکر بر این که در طرف کمترین امنیت اجتماعی تم معلوم همه سال کتابت اجباری
 در مجلس میباشی - با لایحه من در آن روز تم تا ششم و بی کمترین امنیت اجتماعی تم هر استوار شد (الف) با بند است
 ماده ۱ قانون امنیت اجتماعی بدانند می آید و در جرمی یا با اطلاع و بی صدا و جرح در مقامی من بجز انجا در ممتنا
 که برای این است و من نمی دانم ! ! !

۲- بر روزی عظیم شده هر چند منصرف بملزم رسیده است ولی آنچه خود امتزاج ابر از روزی در تم بچشم سخن خود حکایت کرد
 از آنکه جانشین ریاست سازمان اطلاعات و امنیت تم در کمترین شکل شده در زمانه در آن تم جریان گشته و
 با سابقی را در تم در روز ۲۲ اردیبهشت ۵۳ بدرستی که نیز در عمل با وجود مطلع کرده و بعد از آن که در آن
 که در ساسی که آن دیو و در میزد این گونه ناچار است را گشته و در آنجا از او هم خردان در جهت محف که بر این

روز شنبه این روز چهارم از یک پیمان در بازار قم است چند نفر باونی گشته شده چه بطلبی بکنند و در کون
 تا حال نمانده رفته اند پیمان را پس نداده و نه باوند با خود در آن تاریخ برقم آورده اند که در روز چهارم
 در روز شنبه برین دستگیری بجای شکر من باقی است که خورد کوفی جایزین در این سال زمان تم گفته است
 در این روز باهاها سه گفته است در این باجرانیا باخ فقیه است که ایشان را به براتر از بار خنده اند
 من یمن از مدرین در این عالیله عوزه علیه تم هتم و شیراز همی از فضل برقم ما چه رفته طولات سالی استراحتی در می
 من حاضر میگردند و بعد تحصیل طلب در کت معارف اسلامی ایشان بیستم وی کوفی خانین است سازین تم درین
 طلب علم دینیه نموده اند و حتی کفار عوزه علیه تم را هم بطور دقیق الا غرار لغز نموده اند که در این
 خوب است که ایشان قضات تحقیق کنند که آیا باقی را که ایشان بنام عده از طولات مرور از تمام برار داده اند اغلب کتا
 از نظر این معترف عوزه علیه تم بسیارند و عده در این عوزه علیه تم از کوفی این روز را هم می گردند اما لازم است
 درگاه محترم از انوار کیمین امنیت لاجتماعی تم از قبیل خرمسند و درین شهرت و غیره و با این کوفی استراحتی در
 گردید به برین که اصل کتان تا حال را در وقت کرده اند با این نامند و محرم قیامت در دعوات من و سایر کوفیان
 کوفیانی دارند که چنین اثراتی را از یاد کرده اند یا اینکه کوفی ایند جایزین است سازان امنیت تم موقوعی را هم
 و درین تنظیم شده فرزند کوفیان آنرا و حتی تمل دانسته اند ام یک خط بنام اعداد در آن کشیده شده است که
 کینه چه کوفی میوان امنای است تا ایمن رب بشود جائز ایند همین که آیا ایند (یعنی حسب رفعت بالاتر است)
 برای ایشان میروند سازنی می کنند و وقت زام ایشان بشوند از خدا دعوات و دعا و کتاب هم در میزند
 ۴- مطابق اصل ۲۸- تتم مانور اساسی شورای ملی مملکت همین که از یکدیگر ممتاز و منقسم خواهد بود - تا این
 - اساساً ازین امنیت اجتماعی برخلاف اصل بشر و طلیت است و اعتبار از در این آید که در این حق
 رژیم و حکم داده شده که اکثریت مطلق آن را قرائی صورت تکمیل میدهد و اما جای کتب است که کس
 خود در بدون احضار طرف حکم صادر کند و پس طرف را حسب و بدون اراده دلیل در معنی تنظیم تم خود را حکم
 خود را اجرا نماید - و حتی با اینکه در این قانون ذکر شده است که مکملین با نامت را جباری بدون مستثنای
 نقطه تغییر شده بر عده (۱۵- تا ازین هم از ات محمدی که در ماده ۱۳- تا ازین امنیت اجتماعی در آن احاطه نموده
 طرف را با چند زندانم با کمال شدت عمل نه مثل آماست جباری تیرن نمیرند
 ۴- مطابق اصل ۲۸- تتم مانور اساسی احکام صادره باید بدل و سرقت باشد - لا بر مقصد و بدل کردن در عالم صالح و با
 با مصلحت و خلاصه با تمام عقول و فاضل کلیه نیست - بلکه مقصد این است که قسم بار این بلطف اطلاع شود تا اینکه طرف مجرم خود
 و اخذ شود پس چرا در همین توفیق این جانب از خوف که بود و سرزند کردن نیزانی تم فرستادن مجلس تا آن حدت
 عملی می عمل نه بر درین نشان دارند و نه ملت توفیق و باز بایت و درین آرا البته روزگاری از ناحیه من همه
 تم انتقاری تم در کارهای دولت درین برهه است که - حق یا با حق لا البته تا حق دیوانت و با باز داشت فزونی
 کردند پس هم نامه و کلام کردند و مطالب سابق که هم از است آن هم نام تم چه بطلب - حال را در که در این درم نبودام و نامت
 مطلب تازه از نا همه من درین نبود است

۵- راضی الی جمیع زنگ رکنه چون اصل درم تتم مانور اساسی لا در حسب تصریح متن آن با ظهور حضرت علی
 عصر تجلی الهی بود اشرف لشکر نبوت بود که در این جابیه رعایت شده پس بیگد ام از آنجا که از نظر تاریخی
 ندارند و برخلاف اصل شرط طلیت ایران می باشند قیامی زماناً بقضاتک و لیسماً لا درک و اللیساً لیسماً
 و الله و علی (ع) ابع الهدی و رعه الی و کتانه درم ریا ۱۳۵۲ ثرتان طرس حسن منتظرکی

پیوست شماره ۲۴: مربوط به صفحه ۳۰۰

اعلامیه معظم له از تبعیدگاه طبس مبنی بر هوشیاری و حفظ وحدت خطاب به علما و مراجع معظم تقلید، مورخه ۱۳۵۲/۷/۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و عليه التكلان

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين، قال الله تعالى في كتابه الكريم: يا ايها الذين آمنوا ادخلوا في السلم كافة ولا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين (بقره ۲۰۸).
واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا- ولا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جائهم البينات و اولئك لهم عذاب عظيم (آل عمران ۱۰۵-۱۰۳).
و اطيعوا الله و رسوله و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم و اصبروا ان الله مع الصابرين (انفال ۴۶).

و بعد برحسب ضرورت فقه شيعه اماميه و اخبار ماثوره از پيغمبر اکرم صلى الله عليه و آله و سلم و ائمه معصومين سلام الله عليهم اجمعين علمای عدول و شایسته که هم عالم به احکام و هم حادثه شناس و آشنا به زمان خود باشند در عصر غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جانشینان پيغمبر اکرم (ص) و مرجع حوادث و مجری احکام الهیه می باشند و موظفند که با تفاهم و شورا از اسلام و مسلمین دفاع کنند و مصالح کلیه آنان را زیر نظر بگیرند و با همبستگی کامل علیه مخالفین اسلام (که بلاد مسلمین و همه شئون آنان را ملعبه و بازیچه خود قرار داده اند) مبارزه نمایند، و بر همه طبقات از مسلمین نیز لازم است که آنان را در انجام این وظیفه سنگین حمایت کنند، ولی متاسفانه عدم توجه به یک سنخ مسائل اجتماعی از طرفی و تحریکات دشمنان و استعمارگران از طرف دیگر این نیروی عظیم را تقریبا از خاصیت و اثر انداخته است. من برحسب وظیفه از این شهرستان دور افتاده از آیات عظام و علمای اعلام استدعا می کنم و به فضایل کرام و طلاب محترم تذکر می دهم که به خود آیند و متوجه شوند که دشمنان و استعمارگران با چه دسائس و لطائف الحیلی ما را به خود مشغول کرده اند - این نیروی عظیم که در صورت اتفاق کلمه مورد حمایت اکثریت قاطع ملت

است به جای اینکه در مقابل دشمنان جبهه گیری نماید در اثر تحریکات غیرمستقیم به مصرف تضعیف و بی خاصیت کردن خود می رسد- هر روز شایعه سازان خارجی و داخلی مساله تازه ای را طرح و مطالب دروغی را بر سر زبان‌ها می اندازند و اتهاماتی را نسبت به افرادی وارد می نمایند، و سپس در داخل حوزه‌ها کار منازعه و مشاجره و لعن و طرد گاهی به زد و خورد منجر می شود؛ چنانچه اخیراً در قم و تهران و مشهد و اصفهان و برخی نقاط دیگر اتهام سنی گری و وهابیت نسبت به عده ای از علما و فضلاء بی گناه بر سر زبان‌ها افتاده و کار به جایی رسیده است که حتی دایه‌های مهربان‌تر از مادر هم گاهی به اسم دفاع از ولایت و تشیع حرف‌هایی می زنند و کارهایی انجام می دهند! آیا آقایان توجه ندارند که مذهب وهابیت مذهب کثیفی است که مبدع آن محمد بن عبدالوهاب در نجد بوده و عقائد چرندی دارد که حتی اکثریت قاطع اهل سنت هم از آن عقائد بیزارند و فقط حکومت حجاز که پایگاه آن در نجد است از آن حمایت می کند؟ آیا چگونه ممکن است مذهبی که حتی اکثریت اهل سنت از آن بیزارند، مورد علاقه دانشمندان و فضلاء شیعه واقع شود؟ البته ممکن است از بعضی افراد در برخی مسائل اشتباهاتی واقع شود (چنانچه از اغلب علما در جمیع اعصار چنین اشتباهاتی رخ داده) ولی آیا ما باید به این بهانه عده زیادی را متهم کنیم و تمام نیروی خود را صرف خردکردن آن‌ها بنمائیم و قهراً جنگ داخلی شروع شود و در بین طبقات مردم نیز تحیر و اختلاف و حس بدبینی ایجاد کنیم؟! خوب است آقایان محترم احتمال بدهند که در بین حاشیه نشینان و مراجعین آنان حتی اخص خواص و اقرب اقارب، افراد ساده و جاهل نیز وجود دارند و همچنین افراد مغرض و مرموزی که یا از جاهائی تحریک می شوند و یا نسبت به اشخاص عقده دارند و می خواهند بدین وسیله عقده‌های خود را جبران کنند. جای تاسف است که بعضی از آقایان محترم در داخل منزل نشسته و خبر ندارند که به اتکای پول یا نوشته آنان چه افرادی در چه منطقه‌هایی چه جنایاتی به اسم دفاع از دین و ولایت انجام می دهند.

«اللهم فان كانوا اهلا للهدايه فاهداهم و الا فاخذلهم كما يخذلون الدين باسم الدين» در نهج البلاغه (خطبه ۱۴۱) چنین وارد شده: «ايها الناس من عرف من اخيه وثيقه دين و سداد طريق فلا يسمعن فيه اقاويل الرجال اما انه قد يرمى الرامي و تخطى السهام و يحيك الكلام و باطل ذلك بيور والله سميع شهيد. اما انه ليس بين الحق و الباطل الا اربع اصابع.

فستل علیه السلام عن معنی قوله هذا، فجمع اصابعه و وضعها بين اذنه و عينه ثم قال: الباطل ان تقول سمعت و الحق ان تقول رايت».

آری چه بسا در برداشت و فهم کلمات ائمه اطهار(ع) و مسائل اسلامی در بعضی موارد اختلاف نظرهایی وجود داشته باشد و سنخ درک افراد متفاوت باشد ولی این موضوع نباید موجب لعن و طرد و نزاع گردد؛ از خود آیه شریفه «ولاتنازعوا فتفشلوا» استفاده می شود که منشأ نزاع (اختلاف نظر) قهراً وجود دارد و الا سالبه به انتفاء موضوع می شود - فرق است بین اختلاف نظر و بین نزاع و تشاجر، و راه صحیح در صورت اختلاف نظر بحث علمی است نه نزاع و لعن و شتم و دسته بندی‌ها و زد و خورد‌های بچه گانه - در کتاب ایمان و کفر اصول کافی بابی منعقد شده به نام «باب درجات الایمان»، از اخبار این باب و باب بعد استفاده می شود که اختلاف برداشت و درک اشخاص در مسائل نباید موجب تبری و بیزاری شود. ضمناً یادآور می شود که اگر کسی گفت: «ما شیعه امامیه با اینکه با اهل سنت راجع به مساله امامت و خلافت اختلاف نظر داریم ولی در شرائط فعلی که مسلمین گرفتار کفار و یهود می باشند لازم است همه مسلمین از شیعه و سنی با هم در مبارزه علیه کفار متحد شوند» ما حق نداریم گوینده این جمله را به سنی گری متهم کنیم، و معنای این جمله هم این نیست که ما شیعه باید از عقائد خود نسبت به ائمه اطهار(ع) و امامت آنان و وظائف تشیع دست برداریم، بلکه منظور همبستگی عملی در مبارزه با کفار است؛ اصولاً اهل سنت که سهل است چه بسا کفار و اهل کتاب نیز اگر فرضاً با مسلمین سر جنگ نداشته باشند و بلاد اسلامی را تصرف نکرده باشند و به مصالح مسلمین نیز لطمه وارد نکنند برطبق دستور قرآن شریف مسلمین مجازند نسبت به آنان به نیکی رفتار نمایند.

«لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبروههم و تقسطوا الیهم، ان الله یحب المقسطین» (ممتحنه ۸)؛ اللهم اشهد انی لم ابادر الی کتابه هذه الصحیفة المختصره الا للعمل بالوظیفه الشرعیه و لاداء بعض الحقوق ممن و جب حقه علی من العلماء العظام و الاصدقاء الکرام حفظنی الله و ایاهم من الشرور و الاثام و الی الجمیع اهدی التحیه والسلام.

پنجم رمضان المبارک ۱۳۹۳، شهرستان طبس، حسینعلی منتظری نجف آبادی

پیوست شماره ۲۸: مربوط به صفحه ۳۳۸

اقدام مرحوم آیت الله العظمی حکیم جهت استخلاص معظم له و آیت الله ربانی شیرازی از زندان، مورخه ششم جمادی الثانی ۱۳۸۶ هـ ق

بسمه تعالی

جناب مستطاب ثقة الاسلام والمسلمین آقای سید جمال الدین صهری پس از ابلاغ سلام و استعلام از حالات شریف بر مرقومه که آقایان علما و طلاب حوزه علمیه اصفهان امضا نموده اند اطلاع حاصل از گرفتاری آقای منتظری و آقای ربانی تذکر داده بودید، روزی که خبر محبوس شدن ایشان و دیگر آقایان شنیده شد موجب ناراحتی و تاثیر شدید گشته و آقای سفیر کبیر را طلبیده و درباره افراج از کلیه آقایان مذاکرات اکیده نمودم و قول دادند که به تهران حرکت و با مقامات مربوطه صحبت نمایند و تاکنون به عراق مراجعت ننموده اند و نامه در این خصوص نیز به حضرت آیت الله آشتیانی نوشته که ایشان هم با مسئولین مذاکره فرمایند و به هر نحوی هست آقایان را مستخلص کنند و از اقدامات خود مضایقه نداشته و ندارم و ان شاء الله تعالی با توجهات حضرت ولی عصر ارواحنا فداه اقدامات منتج خواهد شد و از ادعیه خود فراموشم نفرمایید کما لا انساکم.

والسلام علیکم و رحمة الله

مورخه ۶ ج ۱۳۸۶/۲

الطباطبایی الحکیم

خبرستانه کسبیه آقا ان سید صالح لعلین عمیر

برای اطلاع مسلم و دستم از جادیت کسبیه بر رقمه که آقا جان علماء و طلبه حوزه

عمی صنها انشاء نموده اند و اطلاع جمعی از کفایتی آقا مستطری و آقا کمالی
 نیز کرده بودید روز یکشنبه محرم سن ۱۳۸۶ در کربانایان مشیده در مسجد
 ناراضی و نماز است بر گشته و آقا سید کبیر را طلبیده در باره افواج لید
 آقا جان مذاکرات الیوم محرم قول دادند که بظمان حرکت و با مسامحت بر طبق
 صحت نمایند و تا کنون بقرآن راحت نمرده اند و نام در این صهر میر
 حضرت آیه اله پستان زشته که این آیه هم با سئولین مذاکره فرمائید
 و بهر نحوی است آقا با نراستمنه کنند و از ادوات خود مصانیه نموده
 و نامم دانم هم با کجهاست حضرت ولی عصر ارواح فداه اقدامات
 خواسته و کز ادعیه خود فرار شده نوزمانید که این کم و دستم کسبیه

و ربیع ۱۳۸۶
 ۲۸۶
 سید صالح
 محکم



پیوست شماره ۲۹: مربوط به صفحه ۳۴۲

متن نامه معظم له و آیت الله ربانی شیرازی از زندان قزل قلعه به آیات عظام و

مسئولین قضایی کشور، مورخه ۱۳۴۵/۶/۱۶

بسم الله الرحمن الرحيم

بازداشتگاه قزل قلعه

تیمسار دادستان ارتش

رونوشت: اداره دادرسی ارتش

رونوشت: دیوانعالی کشور

رونوشت: نیویورک، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

رونوشت: حضور مقدس مراجع عظام و حضرات آیات الله و حجج اسلام:

نجف: آقای حکیم، آقای خمینی، آقای شاهرودی، آقای خویی، آقای طاهری (آقا سید

عبدالله طاهری شیرازی)

کربلا: آقای سید محمد شیرازی

قم: آقای گلپایگانی، آقای شریعتمداری، آقای نجفی

تهران: آقای خوانساری، آقای آشتیانی، آقای آملی، آقای سعید، آقای فلسفی

مشهد: آقای میلانی، آقای قمی شیراز: آقای محلاتی، آقای دستغیب

اهواز: آقای بهبهانی، آقای علم الهدی آبادان: آقای قائمی

همدان: آقای معصومی، آقای بنی صدر اصفهان: آقای ارباب، آقای خادمی

رشت: آقای ضیابری، آقای بحرالعلوم سوادکوه: آقای کوهستانی

کرمان: آقای صالحی یزد: آقای صدوقی

تبریز: آقای قاضی کرمانشاه: آقای جلیلی، متع الله المسلمین بطول بقائهم

حدود شش ماه است که در بازداشتگاه قزل قلعه با تضييقات شديد که تناسب با یک زندان سیاسی ندارد و به هیچ وجه با شئون روحانیت تطبیق نمی کند بازداشت می باشیم؛ با اینکه تقریباً بیش از سه ماه است اجازه ملاقات با خانواده را داده اند و این امر حاکی از رفع بیم تبانی است، مع ذلک بر خلاف قانون به منظور ادامه تضييقات و ادامه ناراحتی ما را در زندان انفرادی نگه داشته اند.

روز اول و دوم فروردین ماه سال جاری شهر قم شاهد جریانی شگفت آور و تاسف بار بود؛ جریانی که از روی خلافاکاری‌ها و قانون‌شکنی‌های مامورین آن در تمام مراحل بازجویی پرده برمی دارد.

چنانچه در مورد اینجانب حسینعلی منتظری و فرزندم محمدعلی منتظری که از محصلین حوزه علمیه قم است نه تنها بدون مجوز رسمی و به بهانه پوچ بازداشت صورت گرفت، بلکه ضمن بازرسی خانه که در غیاب من انجام شد بر خلاف قانون تعدادی کتب علمی و دینی را ضبط و از وجوه شرعیه ای که اخیرا رسیده بود و مورد مصرف برای طلاب و سادات روی پاکت مشخص شده بود صورت برداری و سپس آن را نیز ضبط کردند و تا به حال در نزد آن‌ها باقی است. در مراحل بازجویی نیز از هیچ گونه اهانت نسبت به مراجع بزرگ روحانیت شیعه و ضرب و شکنجه و فحش‌هایی که موجب حد شرعی است نسبت به اینجانب و فرزندم خودداری نشد، چنانچه هنوز آثار صدمات جسمانی ناشی از شکنجه‌های متوالی در فرزندم باقی است.

و در مورد اینجانب ربانی شیرازی بازداشت بدون احضار رسمی و مجوز قانونی صورت گرفت و علی‌رغم تذکر قبلی اینجانب در مورد بیماری خانواده و مخاطره جانی برای ایشان و بچه اش، حدود ده نفر از مامورین سازمان امنیت و شهربانی و آگاهی به خانه من حمله ور شدند و به شیوه ای عمل کردند که موجب اتلاف بچه من و بیماری ممتد خانواده در اثر هراس گردید؛ مامورین که معلوم نبود به چه منظور منزل را محاصره و مورد بازرسی قرار داده اند، پس از کنجکاوی دقیق و نیافتن مدارک جرمی، بر خلاف قانون، مقداری کتب دینی و حقوقی جمع و ضبط نمودند. پس از انتقال به قزل قلعه در مراحل بازجویی‌های ممتد و طولانی که بعضی جلسات آن تا حدود ساعت ۱۱ شب به طول انجامید، بازجوها از حدود نزاکت خارج و سعی می نمودند با ارعاب و تهدید مطالبی را به نفع دستگاه از اینجانب اقرار بگیرند، ولی با کارگر نیفتادن این روش غیرقانونی سعی نمودند با سئوالات مکرر و بیجا پرونده ضخیمی درست نمایند.

توضیح آنکه فکر اصلاح برنامه‌های تدریس حوزه علمیه قم و امور تبلیغاتی و نشر کتب مفیده دینی از ۲۰ سال پیش در بین عده ای از فضلاء و اساتید حوزه علمیه قم وجود داشت و بارها بدین منظور جلساتی تشکیل داده و از مرحوم آیت الله العظمی بروجردی تقاضای اقدام و مساعدت می کردند؛ در تعقیب این هدف حدود ۳ سال پیش

عده ای از اساتید و فضیلاي حوزه علمیه جلساتی به منظور مشورت برای انجام اصلاحات فوق تشکیل دادند که متأسفانه مانند جلسات قبلی بدون اخذ نتیجه تعطیل گردید. اینک سازمان امنیت برای کوبیدن عده ای که از روش ضد دینی و قانونی دولت‌ها و تبعید حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی انتقاد می نمودند، پس از گذشت ۳ سال این جلسات را دستاویز کرده و آن را سیاسی تلقی نموده و شروع به پرونده سازی کرده است. در عرض مدت زندانی بودن اینجانبان و سایر رفقا، سازمان که خود را مواجه با اعتراض و نارضایتی جامعه محترم روحانیت به ویژه مراجع عظام متع الله المسلمین بطول بقائهم و سایر اصناف مردم می دید، با وعده‌های دروغی و اینکه آقایان به زودی آزاد می شوند در اسکات آنان کوشید، ولی با توجه به روش سازمان در عدم ایفای وعده‌ها، نارضایتی شدیدتر و موج احساسات، هر آن بیشتر گسترش پیدا می نمود تا ناچار سازمان امنیت دونفر از فضلاء را که شریک پرونده بودند آزاد کرد، و در تعقیب اقدامات حضرات علمای اعلام و مراجع عظام چندی قبل از طرف سازمان جلسه ای در اداره و جلسه دیگری در دفتر قزل قلعه با حضور عده ای از محترمین علمای عظام تشکیل یافت و از طرف سازمان پیشنهاد شد که ما تعهد کنیم شش ماه در شهرستان قم یعنی محلی که وطن فعلی و محل کار ماست نباشیم. سازمان می خواست که ما داوطلبانه حاضر به تبعید از قم شویم، چون که می دید تبعید جبری نگرانی و احساسات را شدیدتر می نماید، ولی این امر چون مغایر با موازین دینی و قانون اساسی و آزادی مسکن و اعلامیه حقوق بشر و مستلزم اعتراف ضمنی به جرم واقع نشده بود از طرف اینجانبان رد شد.

آیا سازمان به جای آنکه از اعمال خلاف قانون خود: بازداشت بدون سبب، اهانت‌ها، شکنجه‌ها، اتلاف نفس بچه معصوم، مریضی و ناراحتی خانواده‌ها و تضييعات شدید در مدت پنج ماه پوزش بطلبد و رییس سازمان قم را به جرم جنایت‌های وارده محاکمه کند، صحیح بود خلاف قانون تازه مرتکب شود؟ و با (درخواست) تعهد فوق صورت قانونی به کارهای خود دهد؟ آیا درخواست این موضوع، فکری را که مدت‌هاست گسترش پیدا کرده است که دولت درصدد است حوزه علمیه قم را تضعیف نماید تقویت نمی کند؟ اگر ما امروز این چنین تعهدی را قبول می نمودیم چه چیز مانع دولت بود که فردا عده دیگری از اساتید حوزه را به عناوین واهی بازداشت کند و پس از مدتی با اخذ تعهد عدم

سکونت در قم آزاد نماید؟ و بالتیجه حوزه علمیه قم را تضعیف و عملاً منحل سازد! با استناد به مطلب فوق و خلافاً فکری‌های دیگری که در موقع خود ذکر می‌شود، پس از اظهار تاسف از رویه سازمان امنیت و دولت صریحاً اعلام می‌داریم که دولت هرگونه آزادی قلم و بیان را از بین برده، نمی‌خواهد در قلمرو حکومتش کسی از حق آزادی سخن گوید. دولت می‌خواهد جامعه روحانیت را که مسئول امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد مردم و دفاع از اسلام و حقوق مسلمین و حفظ مصالح جامعه اسلامی است، از وظیفه خطیر الهی خود ممنوع سازد، درحالی که این ممنوعیت و فشار با روح اسلام و قانون اساسی کشور مخالفت دارد.

دولت در این راه کار را به جایی رسانیده که اگر مبلغ یا گوینده‌ی اسلامی کوچکترین اشاره نسبت به مفاسد اخلاقی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم می‌نماید، مورد تعقیب و بازداشت مامورین قرار می‌گیرد و در مقابل با روش مرموزی به تدریج روح دینی را در مردم تضعیف نموده و اخلاق اسلامی را از جامعه سلب می‌نماید.

ممنوعیت هرگونه انتقاد صحیح، آزاد گذاشتن هرگونه فعالیت‌های ضد دینی و ضد اخلاقی، وضع کثیف مطبوعات، سینماها، کاباره‌ها و سایر اماکن فساد، توسعه بلای خانمان سوز و دین برانداز فقر و بیکاری، تصویب قوانین و اعمالی که نتیجه آن تضييع حقوق سیاسی و اقتصادی ملت مسلمان ایران است، دلیل زنده بر این مدعاست. بالاتر از این می‌توان ادعا کرد که اساس دین و مذهب در این کشور در معرض خطر است، چون که دین و مذهب زمانی رسمیت دارد که تشکیلات جامعه براساس آن دور زند، و با آنکه دولت‌ها عملاً نظام اجتماعی ایران را بر مبنای قوانین نجات بخش اسلام قرار نداده رسماً نیز سعی می‌شود که اسمی از اسلام در لوایح مصوبه نباشد؛ چنانچه در مورد قانون جدید استخدام، شرطیت «مطلق دین» و در آگهی استخدامی ارتش شرط تدین به اسلام حذف شده است.

آیا عملیات چند سال اخیر از حبس، زجر، شکنجه و تبعید نسبت به جامعه روحانیت و سایر مردم آزاده مسلمان، و جریان مدرسه فیضیه، صحن مطهر قم نشانه‌ای از اهداف ضدملی و ضداسلامی دولت‌ها نیست؟ آیا حبس و تبعید یکی از مراجع تقلید شیعه و ممنوعیت فروش رساله ایشان را به چه چیز می‌توان تعبیر کرد؟ آیا آزادی غیر محدود بعضی از اقلیت‌های جاسوسی و عوامل صهیونیسم و شرکت دادن آن‌ها در امور

حکومتی و مسلط نمودن آن‌ها بر سرنوشت اقتصادی و اجتماعی ملت ایران توهم خطر را نسبت به حریم اسلام تشدید نمی نماید؟! ما از این گوشه زندان از این وضع ناهنجار اظهار تاسف نموده، و مخاطراتی را که برای اسلام عزیز و روحانیت و اخلاق عمومی کشور پیشامد نموده به مراجع دینی و حقوقی تذکر داده، آنان را از عواقب سوء آن برحذر می داریم. ما هرگونه ناراحتی را به منظور حفاظت از اسلام و روحانیت و مملکت ایران تحمل نموده، مطمئنیم اگر محکمه صالحی با حضور نمایندگان مراجع عظام و جامعه روحانیت و طبقات مختلفه مردم تشکیل شود، پرده از روی بسیاری دیگر از اقدامات ضد دینی و قانونی دولت برداشته خواهد شد. «ما النصر الا من عندالله العزيز الحكيم».

حسینعلی منتظری - الاحقر عبدالرحیم الربانی الشیرازی

پیوست شماره ۳۰: مربوط به صفحه ۳۴۳

نامه معظم له به امام خمینی برای اقدام در جهت پیشگیری از اعدام رهبران و بنیانگذاران اولیه سازمان مجاهدین خلق، مورخه ۱۳۵۱/۱/۱۱ شمس

۱۵ صفر ۱۳۹۲

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی مدظله العالی

پس از تقدیم سلام و تحیت به عرض عالی می‌رساند: چنانچه اطلاع دارید عده زیادی از جوان‌های مسلمان و متدین گرفتارند و عده‌ای از آنان در معرض خطر اعدام قرار گرفته‌اند. تصلب آنان نسبت به شعائر اسلامی و اطلاعات وسیع و عمیق آنان بر احکام و معتقدات مذهبی معروف و مورد توجه همه آقایان و روحانیین واقع شده است، و بعضی از مراجع و جمعی از علماء بلاد اقداماتی برای تخلص آنان کرده‌اند و چیزهایی نوشته شده، بجا و لازم است از طرف حضرتعالی نیز در تایید و تقویت و حفظ دماء آنان چیزی منتشر شود، این معنا در شرایط فعلی ضرورت دارد چون مخالفین سعی می‌کنند آنان را منحرف قلمداد کنند، البته کیفیت آن بسته به نظر حضرتعالی است. در خاتمه از حضرتعالی ملتتمس دعای خیر می‌باشم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ح - ع - م^۱

^۱ در سال ۵۱ - ۵۰ چند نفر از موسسین سازمان مجاهدین خلق محکوم به اعدام شدند، و خانواده‌های آنان به منازل مراجع قم مراجعه نموده و در بیت مرحوم آیت الله شریعتمداری متحصن شدند.

در آن زمان طلاب حوزه از این تحصن استقبال کردند، اکثر اشخاص مبارز و چهره‌های روحانی از حکم اعدام آنان ناراحت بودند و هرکس به نحوی تلاش می‌کرد تا از اعدام آنان جلوگیری شود؛ تا آنجا که مرحوم امام موسی صدر که مورد توجه شاه بود از طرف مراجع وقت: آیات عظام گلپایگانی، خوانساری، شریعتمداری و نجفی با شاه ملاقات نموده و حامل پیام شفاهی حضرات مراجع برای شاه مبنی بر عفو آنان از اعدام گردید.

نامه فوق نیز از طرف معظم له در همین ارتباط برای حضرت امام ارسال شده است.

خودداری از نوشتن صریح نام امام و امضای صریح به جهت جنبه‌های امنیتی بوده است.

ماه سه تا ۲
 ۱۳۹۲

حضرت آیه الله العظمی مظلوم العالی

بر از تقدیم سهم و تکلیف بعضی عیال برسانند ^و حاجت الله در راه
 عذر زیاده ای از جوانان نهی مسلمان و مقدسین گرفتارند و عذر از
 آنان در بعضی خطره اهدام فرار گرفته اند تصدیق آنان نسبت
 بقدر اسلام و الهیه عات و وسیع و عمیق آنان بر الهام و معتقد
 مذی مودف و مورد توجه همه اقایان و روحانیان واقع شده است
 و بعضی از مراجع و جمعی از علماء بلاد اقدام برای تکلیف آنان کرده
 و عذرهای نوشته شده بحاجت و لازم است از طرف حضرت عالی نیز در این
 و تقویت و حفظ دماء آنان ضروری میسر شود این بعضی در زیر این
 ضرورت دارد چون مخالفین سعی می کنند آنان را منحرف و قتل
 کنند البته کیفیت آن مستحق نظر حضرت عالی است در فائده از حضرت
 ملتس دعا و غرض می بایم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ع - ع - م

پیوست شماره ۳۴: مربوط به صفحه ۴۱۵

پیام معظم له به ملت مسلمان و شریف ایران، مورخه ۱۳۵۷/۸/۱۰

بسمه تعالی

ملت مسلمان و شریف ایران

اینک که در نتیجه مبارزات خستگی ناپذیر همه اقشار و طبقات ملت ایران اعم از مراجع عالیقدر، روحانیون، دانشگاهیان، فرهنگیان و جمعیت‌های سیاسی و حقوقی و تجار و پیشه‌وران و سایر طبقات از زندان آزاد شده‌ام، با ملتی عزادار مواجه شده‌ام که در راه تحقق اهداف مقدس اسلامی و انسانی خود قربانی‌ها داده و خون‌ها نثار کرده است.

شکی نیست که آزادی خود و دیگر برادران آزاد شده را مدیون همین تلاش‌ها و فداکاری‌ها می‌دانم. از این رو ضمن تشکر از همه قشرها و طبقات، خود را در جمیع مصیبت‌های وارده شریک دانسته و مراتب همدردی و تسلیت خود را به همه خانواده‌های داغدار تقدیم می‌دارم و امیدوارم با پیگیری مبارزات به رهبری مراجع معظم به ویژه حضرت آیت الله العظمی خمینی دامت برکاته العالیه و فشرده کردن صفوف و تصفیه از عناصر مشکوک که احیاناً در جهت مخالف جنبش اسلامی گام برمی‌دارند و با همبستگی کامل برادران اسلامی به پیروزی کامل جنبش خود و برقراری یک نظام صددرصد اسلامی و دینی موافق و منطبق با شرائط و پیشرفت زمان نائل شویم. اینجانب اکنون به علت کثرت ایاب و ذهاب و عوارض زندان که نتیجه فشارها و شکنجه‌های جسمی و روحی گوناگون می‌باشد در وضعی نیستم که در این فرصت کوتاه بتوانم به تفصیل در باره اوضاع حساس کشورمان سخنی بگویم.

کوتاه سخن آنکه در شرائط فعلی و اوضاع آشفته سامان یافتن وضع کشور ما فقط با بازگشت و پیروی از اهداف و منویات مرجع و زعیم عظیم الشان اسلام حضرت آیت الله العظمی خمینی امکان پذیر است، ان شاء الله.

در فرصت‌های آینده، دیدگاه‌ها و نقطه نظرهای خود را مفصلاً در معرض افکار عمومی ملت مسلمان قرار می‌دهم.

در خاتمه توجه به این نکته لازم است که بحمدالله جنبش اسلامی ملت ما به

مرحله ای رسیده که با توطئه‌ها و شیوه‌هایی نظیر تغییر لباس مامورین و استخدام کولی‌ها و زاغه نشین‌ها و... نمی‌توان از موج فزاینده آن جلوگیری نمود. ملت مسلمان در اثر رشد و آگاهی مذهبی و سیاسی خود ریشه این توطئه‌ها را تشخیص می‌دهد. امید است به لطف خداوند متعال و توجهات حضرت ولی عصر ارواحنا فدا هرچه زودتر ملت مسلمان ایران به پیروزی کامل برسد و با اتحاد و همبستگی، ایادی استعمار چپ و راست را از کشور قطع نماید.

ضمناً یادآوری می‌شود که من هنگام وداع با دوستان از زندان با چشم گریان بیرون آمدم زیرا سایر هم‌بندیهای خود را در بند می‌دیدم در صورتی که بیشتر آقایان به اتهاماتی سست و بی‌اساس از قبیل خواندن یک کتاب و یا یک اعلامیه و یا ایراد یک سخنرانی مذهبی و یا فرضاً کمک مختصری به خانواده بی‌بضاعت یک زندانی دستگیر و محاکمه و به زندان‌های طویل‌المدت محکوم شده‌اند، لذا وظیفه خود و همه قشرهای آگاه می‌دانم که تا سر حد موفقیت درخواست آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی را یکی از خواسته‌های خود قرار دهند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱۳۵۷/۸/۱۰ - حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۳۵: مربوط به صفحه ۴۱۵

تلگراف تسلیت معظم له به امام به مناسبت فقدان آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی

۵۷/۸/۱۱ - اول ذی الحجه ۹۸

بسمه تعالی

قم - پاریس، حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی مدظله العالی
مصیبت جانگداز از دست دادن عالم عامل و فاضل مجاهد، فرزند عزیز و همراهتان
حضرت حجة الاسلام آقای حاج آقا مصطفی موسوی طاب ثراه را به آن حضرت و خانواده
محترمه تسلیت عرض نموده، ضمنا مراتب تاسف و انزجار شدید خود را از رفتار غیر
انسانی رژیم‌های ایران، عراق و کویت نسبت به آن حضرت اظهار داشته، امیدوارم هجرت
جنابعالی به تحولی در جنبش عظیم اسلامی ملت مسلمان ایران بیانجامد. عظم الله اجورکم
فی تحمل تلك المصائب و ابقى وجودکم الشریف لتقوية الاسلام و قيادة الامة الاسلاميه.
حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۳۶. مربوط به صفحات ۴۱۵ و ۴۲۵

پیام معظم له به مردم غیور اصفهان و نجف آباد

۴ ذی الحجّه ۹۸ - ۵۷/۸/۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران مسلمان استان اصفهان و شهرستان نجف آباد ایدهم الله تعالی سلام بر شما همه برادران و خواهران مبارز و مسلمانی که در راه به دست آوردن حقوق انسانی و اسلامی خود از هیچ گونه رنج و تلاشی دریغ نمی نمایید. درود بر شهدای اسلام و قرآن، درود بر شهدای وقایع اخیر ایران که در راه عظمت بخشیدن جامعه اسلامی به شهادت رسیده اند. درود بر خانواده‌های داغ‌دیده که با از دست دادن جوانان رشید و عزیز خود بیش از پیش چهره شوم استبداد حاکم بر ایران را رسوا نمودند.

این فداکاری شما مردم شرافتمند و مسلمان اصفهان و حومه بود که رسوایی رژیم استبدادی ایران را بیش از پیش آشکار ساخت و او را برای اولین بار به اعلان حکومت نظامی واداشت. اکنون که به وسیله فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌های ملت مسلمان از زندان آزاد شده و آزادی خود و سایر زندانیان سیاسی را که به اتهامات واهی و سست سال‌ها عمر خود را در سیاهچال‌های زندان سپری نموده، مدیون مجاهدت‌های ملت مسلمان می بینم.

بدیهی است این فداکاری‌ها تا پیروزی نهایی و استقلال و آزادی کامل مملکت از چنگال اجانب چپ و راست و تشکیل حکومت اسلامی به رهبری علمای اعلام خاصه مرجع عالیقدر اسلام حضرت آیت الله العظمی نایب الامام خمینی دامت برکاته ادامه خواهد داشت.

با اشتیاق فراوان که به دیدار شما مسلمانان آگاه و فداکار دارم، تصمیم داشتم روز جمعه ۹ ذی الحجّه ۹۸ خدمت رسیده و حضوراً از احساسات پاک شما تشکر کنم، ولی کثرت رفت و آمد و ضعف جسمی که در اثر ناملایمات و فشار زندان برایم پیش آمده سفرم را به تاخیر انداخت. ان شاءالله در فرصت مناسب به دیدار شما برادران و خواهران مسلمان خواهیم رسید.

بدین وسیله از محبت‌های خالصانه و بی شائبه شما سپاسگزاری می‌شود، و با یاری خداوند متعال مبارزات حق طلبانه ملت ما تا پیروزی نهایی و تشکیل یک نظام صددرصد اسلامی ادامه خواهد یافت.

در پایان، توفیق همگان را در اجرای اهداف مقدس قرآن و خدمت به همه مسلمین و قطع ایادی استبداد و استعمار از کشورهای اسلامی به ویژه مملکت عزیزمان از خداوند بزرگ مسألت می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته
۴ ذی الحجه ۱۳۹۸ - حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۳۷. مربوط به صفحه ۴۱۵

پیام معظم له به اساتید دانشگاه اصفهان، مورخه ۱۳۵۷/۸/۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

اساتید محترم دانشگاه اصفهان، برادران و خواهران دانشگاهی

اکنون که در نتیجه مبارزات ملت مسلمان ایران به آزادی نسبی دست یافته ام، با شرایط حساس و سرنوشت ساز کشورمان روبرو شده ام، شرایطی که کوچکترین ساده نگری و غفلت ممکن است کشور را به پرتگاهی عمیق سوق دهد.

مرحله کنونی نهضت که ملت مسلمان را در آستانه پیروزی قرار داده ارزان به دست نیامده، بلکه نتیجه مستقیم شهادت‌ها، زندان‌ها، تبعیدها، محرومیت‌ها و قتل عامهای پی در پی مردم مسلمان شهرهای ایران است که متأسفانه هنوز هم ادامه دارد؛ نمونه جدید و بارز آن حمله وحشیانه اخیر به دانشجویان عزیز دانشگاه تهران و سایر مردم مسلمان حمایت کننده از آنان است که به قتل و جرح عده کثیری انجامیده و نفرت مسلمانان خاصه حوزه علمیه را بیش از پیش برانگیخته و متأسفانه هنوز از تعداد کشته‌ها و مجروحین اطلاع دقیقی نداریم.

برادران و خواهران مسلمان، توجه دارید که در این شرایط حساس چه مسئولیت سنگینی متوجه ما می باشد. رژیم حاکم که تمام درها را به روی خود بسته می بیند، دست به آخرین تلاش‌های خود زده و به این حقیقت رسیده که ملت مسلمان ایران در این جنبش عظیم اسلامی خود به رهبری مراجع معظم بالاصح حضرت آیت الله العظمی نایب الامام خمینی دامت برکاته تا رسیدن به حکومت اسلامی زیر نظر روحانیت آگاه و رجال سیاسی متعهد، از دادن هزاران قربانی و شهید دریغ نکرده و نخواهد کرد، و از طرفی توطئه‌های اخیر خود را که با شیوه‌های مختلفی از قبیل تغییر لباس مامورین و استخدام کولی‌ها و زاغه نشین‌ها صورت گرفته شکست خورده می بیند، از این رو ملت مسلمان ما باید آگاهانه با مسائل جاری برخورد کند تا به خواست خداوند متعال محصول این همه فداکاری‌ها و قربانی‌ها را خود در جهتی که انتخاب کرده به دست آورد؛ بدین منظور تذکر چند نکته لازم است:

۱ - جنبش عظیم ملت ما از آغاز با زیربنای ایدئولوژی اسلامی آغاز گشته و در تمام طول عمر خود با همه نوسانات و بحران‌ها و توطئه‌هایی که در سر راهش بوده اصالت اولیه خود را حفظ کرده و تا پایان نیز حفظ خواهد کرد، و در پرتو رشد مذهبی-سیاسی ملت مسلمان که محصول رهبری‌های قاطعانه حضرت آیت الله

العظمی نایب الامام خمینی می باشد از هرگونه انحرافی محفوظ خواهد ماند، و تلاش‌های نامرئی و مرموز برای لکه دارکردن جنبش اسلامی بی نتیجه خواهد بود.

۲ - پیروزی نسبی به هیچ وجه نباید ما را فریفته و موجب غرور کاذب و ساده اندیشی گردد، و در شرایط کنونی که ملت مسلمان ما بر سر دو راهی مرگ و حیات است و دستاورد نهضت اسلامی مورد تهدید و توطئه‌های بین المللی چپ و راست قرار گرفته دچار تردید سازد، چه آنکه در منطق قرآن پیروزی نیروهای توحیدی در برابر طاغوت در سایه مبارزه و استقامت قطعی است «فاصبر ان وعدالله حق و لایستخفنک الذین لایوقنون».

۳ - پیشرفت روز افزون نهضت بزرگ ملت ما رژیم را سخت در تنگنا قرار داده، و آگاهی و هوشیاری اقشار ملت مسلمان به هیچ وجه نخواهد گذاشت تا بر سر خون‌های شهدای عزیزش که به سرنوشت ملت بزرگ اسلام مربوط می شود مصالحه و معامله انجام گردد.

۴ - وحدت کلمه و همبستگی اسلامی از مهمترین شرایط پیروزی است؛ بنا براین با تمام قدرت و کمال هوشیاری لازم است با سیاست‌های استعماری و نفاق افکن رژیم در هر شکل و قیافه ای باشد مبارزه را ادامه داد، در راه اراده خلل ناپذیر مردم نباید تغییری ایجاد شود.

۵ - آنچه در خور تقدیر و ستایش است همبستگی اسلامی شدیدی است که بین قشرهای روحانی، دانشگاهی، فرهنگی، تجار، کسبه، کارگران، کشاورزان و همه گروه‌های اجتماعی و سیاسی بوجود آمده، به طوری که همگی در صف واحد قرار گرفته اند با آهنگی بس سریع که در شکل اعتصابات گسترده شان نمایان گردیده، به نهضت اسلامی شکوه خاصی بخشیده اند.

از این رو اینجانب ضمن ارسال پیام خود به اساتید و دانشگاہیان محترم دانشگاه اصفهان مراتب تشکر عمیق خود را از جمیع طبقات و اقشار مردم مسلمان و مبارز اصفهان اعلام می دارم، و امیدوارم در پرتو توجه خاص حضرت ولی عصر ارواحنا فداه پایه‌های این همبستگی اسلامی روز به روز با پیوستن کلیه افراد لشکری و کشوری به آن محکم‌تر شود، و همگی با تشکل نیروهای اسلامی به پیروزی کامل جنبش با برقراری یک نظام اسلامی برسیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۵ ذی الحجه ۱۳۹۸ - حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۳۸. مربوط به صفحه ۴۱۵

مصاحبه معظم له با خبرنگار رادیو و تلویزیون آمریکا (ای بی سی) در

تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۹

بسم الله الرحمن الرحيم

س ۱ - حضرت آیت الله، به نظر شما در حال حاضر در ایران به چه چیز نیازمند هستید؟
ج: در حال حاضر رفع هرگونه استبداد و فشار بر ملت و بازیافتن آزادی و شخصیت برای ملت مورد نیاز ما است.

س ۲ - در شرایط کنونی که یک دولت نظامی روی کار آمده فکر می کنید اگر از طرف رهبران دینی دستور جهاد داده شود با موفقیت روبرو خواهد شد؟

ج: فعلا که چنین دستوری داده نشده ولی اگر از طرف مراجع دینی چنین دستوری داده شود با موفقیت همراه خواهد بود چون ارتش ما از همین مردم مسلمان تشکیل می شود و جز عده کمی بقیه به عقاید دینی پایبند می باشند و برای مراجع دینی احترام قائلند. البته ممکن است در آغاز، امر را بر عده ای مشتبه کنند و با مشکلاتی مواجه شویم ولی در دراز مدت به صف ملت خواهند پیوست.

س ۳ - ممکن است بفرمایید پس اکنون ارتشی که اکثراً پشتوانه مذهبی دارند پس چرا دست به کشتن برادران مسلمان خود می زنند؟

ج: آنهایی که دست به کشتار می زنند عده قلیلی هستند از کسانی که هنوز تحت تاثیر تبلیغات رژیم مانده اند و گرنه آنهایی که حقیقت را شناخته اند یا به صف ملت ملحق شده و یا حد اقل دست به برادرکشی نمی زنند و نمونه اش اخباری است که حکایت از پیوستن عده ای از افسران و سربازان به صفوف مردم می کند.

س ۴ - حضرتعالی آیا امکان پیروزی بر چنین رژیمی را بدون خونریزی پیش بینی می کنید؟
ج: اگر ابرقدرت ها و بخصوص آمریکا و شوروی دست از حمایت رژیم موجود بردارند و به خواست ملت که همان خواست روحانیت و شخصیتی همچون آیت الله العظمی خمینی که رهبری نهضت اسلامی را به عهده دارند می باشد توجه کامل شود هرگز خونریزی نمی شود و خواست ایشان جز با تشکیل جمهوری اسلامی متکی به آراء عمومی تامین نخواهد شد.

س ۵ - این جمهوری که فرمودید خواست ملت و حضرت آیت الله خمینی می باشد آیا با بودن شاه امکان آن هست؟

ج: فکر نمی‌کنم در خواسته‌های آیت الله خمینی که در اعلامیه‌ها و مصاحبه‌های ایشان منعکس است ابهامی وجود داشته باشد.

س ۶ - آیا شرکت در حکومت یاد شده برای همه افراد مقدور است؟

ج: بلی برای همه مقدور است و اقلیت‌های مذهبی هم حقوقشان محفوظ و محترم می‌باشد و روابط چنین حکومتی با سایر کشورها حسنه خواهد بود.

س ۷ - در حال حاضر که شاه اعتراف کرده که در گذشته اشتباهات بزرگی شده و هرگز تکرار نخواهد شد آیا این امکان هست که با بودن شاه در راس قدرت دست به تشکیل حکومت اسلامی و یا انتخابات آزاد زد؟

ج: اینجانب نظری غیر از آنچه که ملت و رهبر مذهبی‌شان آیت الله خمینی می‌گویند ندارم و بدون راضی کردن مردم و ایشان هیچ عملی ممکن نیست.

س ۸ - در شرایط کنونی که شاه وعده انتخابات آزاد داده به نظر شما آیا ممکن است با انتخاب آیت الله خمینی از طرف مردم، اختلاف موجود بین رژیم و مردم از بین برود؟

ج: اختلاف آیت الله خمینی با رژیم یک اختلاف اساسی است، مسئله این نیست که ایشان بخواهند وزیر یا وکیل بشوند بلکه ایشان خواهان تشکیل یک حکومتی هستند که در آن مردم نقش اصلی را داشته باشند و به خواسته‌های واقعی آنها عمل شود و چنین چیزی جز در پرتو یک حکومت اسلامی ممکن نیست و خیال نشود که پیشنهاد چنین حکومتی به معنی نفی مجلس شورا و قوه مجریه و نفی وزارت و وکالت برای اداره مملکت است. در حکومت اسلامی هم مجلس شورا داریم و هم قوه مجریه و افرادی که از بین مردم برای اجرای دستورات اسلام انتخاب شوند، نهایت نقش آیت الله خمینی و سایر علما در چنین حکومتی تشخیص قوانین و مقررات اسلامی و نظارت بر اجرای دقیق آنها است.

س ۹ - به نظر شما کدام بخش از قوانین و یا فرهنگ اسلامی در رژیم موجود صدمه خورده و یا بکلی نابود شده؟

ج: در نظام موجود یک روز هم قانون و فرهنگ اسلام به تمام معنی الکنمه پیاده نشده، توجه دارید که فرهنگ اسلام قابل تفکیک و تجزیه نمی‌باشد.

س ۱۰ - در صورت جایگزین شدن حکومت اسلامی به جای حکومت فعلی به چه نوع اصلاحاتی دست خواهید زد؟

ج: واضح است به اقدامات اساسی و زیربنایی که فعلا مجال بیان آنها نیست دست خواهیم زد.

س ۱۱ - جهادی که قبلا گفته شد ممکن است از طرف علمای دین اعلام شود کیفیت و شرایطش چیست؟

ج: تا کنون چنین امری پیش نیامده، در صورت لزوم و اعلام آن شرایطش از طرف رهبران مذهبی بیان خواهد شد.

س ۱۲ - اگر رژیم فعلی تغییر کند و یک دولت اسلامی روی کار بیاید موضع و خط مشی سیاسی اجتماعی شما در قبال ایالات متحده آمریکا چیست؟

ج: دولت اسلامی اصولا با تمام دولت‌های غرب و شرق روابط حسنه خواهد داشت خصوصا غرب که اگر قصد استعمار و استثمار نداشته باشد می توان گفت در رابطه با وجه مشترکی که بین مسیحیت و اسلام وجود دارد چنین دولتی خود را به غرب نزدیکتر می بیند برخلاف شرق که اساسا علاوه بر استعمار و استثمار الحاد زیربنای مکتب سیاسی اقتصادی آن‌ها قرار گرفته که تضادش با اسلام بدیهی است. البته ملت ایران اکنون به علت حمایت صریح کارتر و دیوید اوئن وزیر خارجه انگلستان از رژیم کنونی نسبت به دولتین ایالات متحده و بریتانیا سخت خشمگین شده زیرا در شرایطی که ملت هستی خود را در راه مبارزه با ستم به خطر انداخته و در این راه کشته‌های فراوانی می دهد کارتر و دیوید اوئن با تظاهر شدیدشان به دفاع از حقوق بشر! هیچ ارزشی برای احساسات و عواطف ملت قائل نشده و همچنان به سیاست حمایت از رژیم فعلی ادامه می دهد.

س ۱۳ - آیا شما پیامی برای مردم دنیا دارید که توسط ما به آن‌ها برسانید؟

ج: پیام من به ملت‌های دنیا این است: در زمانی که هر ملتی حق دارد سرنوشت خودش را به دست خویش تعیین کند آیا ملت مسلمان ایران این حق را نخواهد داشت که سرنوشتش را خود تعیین نموده و دیگران برای او تصمیمی نگیرند؟ آیا روا است که جنبش عظیم اسلامی را در ایران که بدون اتکاء به قدرت‌های شرق و غرب در جریان است و به قیمت از دست دادن هزاران کشته و تحمل خسارت‌های مادی فراوانی تمام می شود نادیده گرفته و هیچ گونه حمایتی از آن به عمل نیاید بلکه به عکس گاهی آنرا به ارتجاع و زمانی به پیوند با چپ نسبت دهند، بدینوسیله من از تمام مردم جهان می خواهم که با ملت مسلمان ایران هم صدا شده و نهضت اصیل آن‌ها را در سطح جهانی تایید و یاری کنند و این احساسات و عواطفی را که مردم ما با خون خود امضاء می کنند نادیده نگیرند.

پیوست شماره ۳۹: مربوط به صفحه ۴۱۵

پیام معظم له به آیت الله شبیر خاقانی درباره کشتار وحشیانه رژیم شاه در مراسم نماز
عید قربان خرمشهر، مورخه ۱۳۵۷/۸/۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمد طاهر خاقانی دامت برکاته

پس از اهدای سلام، خبر تاثرانگیز حمله و کشتار وحشیانه دژخیمان رژیم در خرمشهر
در مراسم نماز عید قربان باعث ناراحتی شدید گردید، «انا لله و انا الیه راجعون». مردم غیور
خرمشهر نیز همگام با دیگر شهرها نشان دادند که برای اعلای کلمه حق و نابودی باطل تا
آخرین قدم به مبارزه ادامه خواهند داد.

ضمناً بجاست به پیروی از اوامر موکد مرجع عظیم الشان اسلام حضرت آیت الله العظمی
خمینی مدظله العالی به وضع کارمندان اعتصابی دوائر دولتی و کسبه مخصوصاً شرکت
نفت رسیدگی جدی شود، و در رابطه با تنگنا قرارگرفتن از جهت مسکن، علمای اعلام
اقدام فرموده و مردم شریف و متدین در منازل خویش از آنان پذیرایی نموده و داستان
مهاجرین و انصار را بار دیگر در تاریخ اسلام تکرار نمایند.

از خداوند متعال توفیق همگان را در ادامه نهضت تا برقراری نظام صددرصد اسلامی
خواستارم.

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۴۰: مربوط به صفحه ۴۱۵
تلگرام آیت الله شبیر خاقانی در پاسخ به پیام معظم له

۱۵ ذی الحجه ۱۳۹۸ - ۱۳۵۷/۸/۲۵

خرمشهر - قم

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری دامت برکاته پس از اهداء تحیات، مراتب تسلیت آن جناب راجع به وقایع تاسف بار و غم انگیز خرمشهر واصل، بدیهی است این ایام که ملت مسلمان ایران به پیروی از منویات مقدس جامعه روحانیت برای نیل به اهداف عالیہ اسلامی و اعلامی کلمه حق تحت لوای حکومت اسلامی بپاخاسته متاسفانه هر روز در سرتاسر کشور با مصائب دردناکی از طرف حکومت استبداد مواجه می شود. حادثه جانگداز روز عید قربان خرمشهر که باعث کشته و مجروح شدن عده کثیری از مسلمانان غیور این منطقه حساس شد بار دیگر قلب مقدس ولی عصر(عج) را جریحه دار و جامعه روحانیت و ملت مسلمان را عزادار نمود، ولی مسلم است که ملت مسلمان ایران با این گونه اعمال در راه این هدف مقدس تا کسب آزادی از پای نخواهد نشست. اینجانب ضمن عرض تسلیت به پیشگاه ولی الله المنتقم(ع) و جامعه روحانیت و ملت مسلمان از خداوند متعال توفیق همگان و ریشه کن شدن ظلم و فساد را خواستارم.

خرمشهر - محمد طاهر آل شبیر خاقانی

پیوست شماره ۴۱: مربوط به صفحه ۴۱۵

پاسخ معظم له به پیام روحانیون شهرستان نجف آباد پیرامون جنایات خونبار رژیم در این شهرستان ...

۱۳۵۷/۸/۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات حجج اسلام و وعاظ محترم شهرستان نجف آباد دامت افاضاتهم پس از سلام و تحیت، نامه تاثر انگیزتان مشتمل بر اخبار مولمه در رابطه با آخرین حملات وحشیانه رژیم حاکم به مردم بی دفاع و شجاع آن شهرستان واصل شد و موجب تاسف عمیق گردید.

این روزها در ایران، فجیع‌ترین جنایات و کشتار - که در حقیقت چهره واقعی «فضای باز سیاسی» و «آشتی ملی» می باشد - عادی‌ترین شکل را به خود گرفته و ریختن خون انسان‌های بی گناه، حتی زنان و کودکان معصوم، امری عادی شده، هر روز و هر ساعت از نقاط مختلف، فاجعه یا فجایعی گزارش می شود که هر یک از دیگری دلخراش‌تر است. این وقایع بر خلاف تفاوت‌های ظاهری، حکایت از تحولاتی در روند جنبش اسلامی ملت ایران دارند که از باب نمونه به برخی از آنها اشاره می شود:

۱ - ملت مسلمان ما بر اساس پیروی از آیات عظام و علمای اعلام به ویژه مرجع عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی در راه گسستن زنجیرهای استبداد و استعمار و نیل به آزادی و استقلال در پرتو حکومت اسلامی مصمم و قاطع است و در این مسیر که مسیر انبیای عظام و ائمه اطهار علیهم السلام است از دادن قربانی‌ها و تحمل خسارات مالی و جانی هر قدر لازم باشد دریغ ندارد.

۲ - رژیم حاکم که از ابتدا هیچ گونه پیوندی با ملت نداشته با جنایات و کشتارهای پی در پی در سراسر کشور روز به روز برکینه و نفرت مردم مسلمان افزوده به نحوی که خصومت و تضاد با نظام حاکم در متن زندگی همه طبقات قرار گرفته و هر روز به شکلی نمایان می شود.

۳ - وحدت کلمه و همبستگی همه اقشار ملت مسلمان ما که از یک اصل اعتقادی و ایدئولوژیکی سرچشمه می گیرد در مراحل مبارزات کنونی رشد یافته و روز بروز بر

تشکل و یکپارچگی همه طبقات افزوده می شود و دیگر سیاست تفرقه و نفاق افکنی موثر نخواهد بود. ضمناً یادآوری می شود که بر همه ما لازم است که به شناخت خود از اسلام عزیز و جنبه های اقتصادی و سیاسی آن عمق بیشتری داده و با همبستگی کامل در اجرای دستورات اسلام و عمل به آن جدیت و کوشش خود را مبذول داریم تا دشمنان شناخته شده اسلام و مسلمین و استعمارگران شرق و غرب را در نقشه های شومشان علیه مکتب اسلام ناکام سازیم.

اینجانب بار دیگر تاسف عمیق خود را از وقایع اسف انگیز شهرستان نجف آباد و سایر شهرستان های ایران بدین وسیله ابراز، مراتب همدردی خویش را با ملت مسلمان و فداکار ایران اعلام می نمایم و برای شهدای عزیزمان رضوان و مغفرت حق را آرزو می کنم و از خداوند قادر توفیق صبر و استقامت توأم با بینش و هوشیاری را برای ملت شجاع و مبارزمان در ادامه نهضت مقدس افتخارآمیزمان تا نیل به پیروزی نهایی و برقراری حکومت عدل اسلامی مسئلت می نمایم.

۱۴ ذی الحجّه ۹۸ - قم، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۴۲: مربوط به صفحه ۴۱۵

پیام معظم له به آیت الله شبیر خاقانی درباره اعتصاب شرکت نفت

۲۷ ذی الحجه ۹۸ - ۵۷/۹/۷

بسمه تعالی

حضرت مستطاب آیت الله آقای حاج شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی دامت برکاته
العالیه

پس از اهداء سلام، سلامت و موفقیت شما و همه برادران مسلمان را در راه اعلاء کلمه توحید و نصرت اسلام از خداوند متعال خواستارم. باری پیرو حکم مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی الخمینی مدظله العالی در اعلامیه مورخه ۲۱ ذی الحجه مبنی بر قطع صدور نفت ایران به خارج و تاکید بر اینکه اعتصابات نفت همراه با جنبش اسلامی ملت ایران آغاز و ادامه یابد، به نظر رسید بسیار بجا خواهد بود که علمای اعلام منطقه خوزستان به ویژه حضرتعالی به تایید این حکم و تقویت روحیه برادران خوزستانی خصوصاً کارمندان و کارگران صنعت نفت و اظهار انزجار نسبت به فشارهایی که بر آنان واقع شده، اقدام فرموده و در پشتیبانی از نظریه معظم له پیشقدم شوند، به همین منظور پیشنهاد می شود روز شنبه اول ماه محرم ۹۹ که سرآغاز ماه شهادت و انقلاب است به عنوان روز همبستگی ملت ایران با کارکنان صنعت نفت اعلام شود و از همه اقشار مردم برای همبستگی با کارگران و کارمندان نفت دعوت عمومی به عمل آید. مناسب است که این دعوت ابتدائاً از ناحیه حضرتعالی و سایر علمای اعلام خوزستان آغاز شود و طبیعی است که مورد تایید و پشتیبانی حوزه علمیه قم و مقامات روحانی قرار خواهد گرفت. توضیح بیشتر در این زمینه را حامل نامه که از دوستان مورد اعتماد است حضوراً عرضه خواهد کرد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حسینعلی منتظری

باسم تعالی

حضرت آیت الله العظمی آقا محمد تقی میرزا قزوینی مد ظله العالی

میرزا ابوالفضل سلام سلامت و رفعت شاد و به برادران مسلمان را در راه اعلام کلمه توحید و نصرت اسلام

در خداوند تعالی خداوندیم - باری و سر و حکم مصلح عالیقدر حضرت آیت الله العظمی آقا محمد تقی

مد ظله العالی مد ظله العالی الاذنی الحجه مبین بر قطع صدور نفقته ایران بخار و مالکد بر اندک انصاف است

همراه با جناب مصلح ملت ایران آقا زواد امام باوند ، بنظر رسید بسیار دجا خود برود که علماء اسلام

منطقه قزوین بر سر حضرت تعالی به نمایندگی حکم و نفیست و عینه برادران قزوین است خصوصاً کلاهدوزان

و کارگران صنعت نفت و انظار از نظر نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست

در رسیدن از نظر منظم است نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست

ماه زودت و انقلاب است نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست

و از هم آفرین مردم برای همتگاران کارگران و کارمندان نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست

سازد است که این طریقه است نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست

که مورد تأیید و تصدیق حکومت ملیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست

چنانچه نام مبارک حضرت زودت است نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست نفیست

۲۷ ذی الحجه ۱۳۸۰

پیوست شماره ۴۳: مربوط به صفحه ۶۱۵

پیام معظم له به مناسبت راهپیمایی تاسوعا و عاشورا و کشتار وحشیانه رژیم شاه در شهرهای اصفهان و نجف آباد، مورخه ۱۳۵۷/۹/۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

«يا ايها الذين آمنوا استعينوا بالصبر والصلوة، ان الله مع الصابرين، و لا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله اموات بل احياء و لكن لا تشعرون. و لنبلونكم بشيء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين. الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله و انا اليه راجعون. اولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئك هم المهتدون.»

ملت مسلمان و شجاع ایران

بار دیگر رژیم استبدادی ایران دست به جنایتی وحشتناک زد که ابعاد آن به مراتب از جنایات قبل بیشتر و هولناک‌تر بود. چون ملت شریف ایران در روزهای تاسوعا و عاشورای سرور شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام راهپیمایی‌های عظیم و باشکوهی را که در حقیقت یک فراندوم تاریخی بود در سراسر کشور، حتی در قراء و قصبات، ترتیب داد و بدین وسیله نظام استبدادی موجود را محکوم و خواست خود را مبنی بر تشکیل حکومت جمهوری اسلامی به رهبری مراجع عالیقدر اسلام، به ویژه حضرت آیت الله العظمی خمینی مدظله العالی اعلام نمودند.

رژیم ایران به دنبال این فراندوم تاریخی (که در هر کشور دیگر به وقوع می پیوست رژیم آن قهراً ساقط می شد) فهمید که هیچ گونه پایگاهی در میان مردم ندارد؛ به ناچار تحت تظاهرات به اصطلاح ملی و میهنی! به نفع رژیم عده ای از اشرار و اوباش مزدور را در پناه مامورین دلال در اکثر شهرهای ایران به راه انداختند و با شعار «جاوید شاه» به ملت مسلمان حمله کردند و عده زیادی را کشته و یا مجروح کردند؛ مساجد و بیمارستان‌ها، منازل، مغازه‌ها و وسایل نقلیه را به آتش کشیده و یا تخریب نمودند و حتی نوامیس مردم را مورد تجاوز و هتک قرار داده و به مقدسات مذهبی اهانت نمودند.

از باب نمونه، عمال و مزدوران رژیم در روزهای یازده و دوازده محرم در یک عقب نشینی تاکتیکی ناگهان به طور بی سابقه و هولناکی شهر اصفهان و حومه

و نجف آباد را محاصره نموده و از زمین و هوا مردم بی دفاع را مورد حمله وحشیانه قرار دادند و از هیچ جنایتی خودداری نکردند؛ زدند و کشتند و سوختند و غارت کردند و این دو شهر را به صورت شهر جنگ زده درآوردند و بدین وسیله محیطی توأم با رعب و وحشت بوجود آوردند که مردم به ناچار به خانه‌ها و مساجد و کوچه‌های بن بست پناه بردند، ولی متأسفانه در آنجاها نیز مردم از یورش مامورین بدتر از مغول محفوظ نماندند؛ داروخانه‌ها به آتش کشیده شد و بیمارستان‌ها مورد هجوم واقع شد و حتی مردمی که برای اهدای خون رفته بودند، در بیمارستان و اطراف آن به شهادت رسیدند؛ خانه پزشکان مسلمان و متعهد را به گلوله بستند، به نحوی که در این دو شهر صدها کشته و هزاران مجروح به جای مانده است.

آری این است معنای حفظ امنیت و نگاهداری از اموال و نفوس مردم، ولی رژیم ایران باید بداند که با این گونه حملات وحشیانه نمی‌تواند ملت متعهد را از انجام وظایف شرعی باز دارد؛ ملت رشد و آگاهی پیدا کرده و به وظایف خود آشنا شده است و برای نیل به پیروزی نهایی از هیچ گونه فداکاری دریغ نخواهد کرد و از تهدیدات رژیم پوشالی نمی‌هراسد؛ به اعتصابات خود ادامه خواهد داد، و مخصوصاً کارگران و کارمندان صنعت نفت که حیات اقتصادی ملت ایران در اختیار آنهاست با کمال شجاعت و شهامت از دستور رهبر عالیقدر جهان اسلام مبنی بر ادامه اعتصابات پیروی خواهند کرد.

اینجانب ضمن تسلیت به برادران و خواهران داغدیده و مصیبت زده، مراتب تأسف عمیق و همدردی خود را به عموم ملت مسلمان ایران به ویژه مردم اصفهان و حومه و نجف آباد اظهار داشته، و به پیروی از رهبر نهضت روز دوشنبه هفدهم محرم را روز عزا و تعطیل عمومی اعلام می‌دارد، و بدین وسیله از تمام ملت‌های مسلمان و آزادیخواه جهان و مجامع حقوقی و بین‌المللی استمداد کرده و صدای مظلومیت ملت مسلمان ایران را به گوش آنها می‌رسانم، و پشتیبانی آنها را از جنبش اسلامی ایران که الگویی برای سایر کشورهای اسلامی منطقه و ملل آزادیخواه جهان درآمده تقاضا دارم. به امید پیروزی نهایی در سایه صبر و استقامت.

جمعه ۱۴ محرم ۱۳۹۹ - قم، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۴۴: مربوط به صفحه ۴۱۵

پیام معظم له به ملت مسلمان ایران در مورد توطئه جدید عمال شاه و ایجاد اختلاف بین مردم شهرها و روستاهای ایران، مورخه ۱۳۵۷/۱۰/۳

بسم الله الرحمن الرحيم

ولايجرمنکم شنآن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی

برادران و خواهران مسلمان، همانطور که آگاهی کامل دارید پس از شکست توطئه اخیر رژیم مبنی بر براه انداختن دسته‌های اشرار و چماق بدست و حمله به جان و مال مردم، عمال شاه که فعلا از چنگ مردم گریختند به این فکر افتادند که باید صفوف متحد و فشرده مردم و روح اخوت اسلامی حاکم بین شهرها و روستاها را تضعیف نمود، تا بدین طریق روح عناد و بدبینی و خصومت که شیوه دیرینه استعمار است، احیاء شده و شیرازه وحدت لازم در پیشبرد جنبش اسلامی را متلاشی سازد؛ لذا از خشم مردم از حمله چماق بدستان سوءاستفاده کرده و به عنوان عکس العمل کار زشت آنان افراد بی گناه و احياناً اطفال کوچک را مورد ضرب و قتل قرار داده و به مردم نسبت داده اند. چنانچه شنیده شده در اطراف نجف آباد چند بچه خرد سال را کشته و وانمود کرده اند که این مردم اند که چنین واکنشی نشان می دهند. در این رابطه لازم است تذکر دهم با توجه به حساس بودن مرحله کنونی جنبش و اینکه دشمن شکست خورده از هیچ کوششی برای فرصت تدارک نیرو و بازیافتن رمق تازه خود داری نمی کند، برادران غیور و مسلمان باید کاملاً آگاه باشند و گرفتار حالت انتقام‌جویی نشوند و بدانند که چنین اعمال ضد انسانی جز از طرف عمال شاه نمی تواند باشد، زیرا علاوه بر اینکه با موازین اسلامی مخالفت صریح دارد مسلمانان را گروهی آناارشیست و هرج و مرج طلب معرفی می کند و جنبش عظیم و مقدس ما را که جهانیان به آن چشم دوخته اند لکه دار می سازد. لازم است ضمن حفظ نظم و اخوت اسلامی بین شهرها و روستاها افراد فاسد و چماق بدست را شناسایی کامل کرده و زیر نظر داشته باشند تا به زودی پس از اعلام جمهوری عدل اسلامی به رهبری آیات عظام خاصه قائد بزرگ اسلام حضرت امام خمینی مدظله افراد ذکرشده در دادگاه‌های شرعی و صالح محاکمه و به مجازات برسند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۲۴ صفر ۱۳۹۹ - ۱۳۵۷/۱۰/۳ - حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۴۵: مربوط به صفحه ۴۱۵

پیام معظم له به مناسبت چهل‌م شهدای اصفهان و نجف آباد، مورخه ۱۳۵۷/۹/۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم

ونريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين
برادران و خواهران مسلمان، اکنون که ملت قهرمان و مسلمان ما فداکاری و از خود
گذشتگی را به اوج خود رسانده، اکنون که ملت ما پس از عبور از راه دشوار و پر پیچ و
خم نهضت به هدف خود نزدیک می شود، اکنون که شهیدان ما با خون خود جنبش عظیم
اسلامی را آبیاری نموده و شکست و رسوایی را برای دشمن خدا و خلق ما - رژیم سفاک
پهلوی - بجای نهادند، اکنون که ملت ما با پشت سر گذاشتن شب تاریک، طلیعه غلبه حق
بر باطل و اسلام بر کفر را مشاهده می کند، و بالاخره اکنون که ملت مسلمان و قهرمان ما
در پرتو رهبری‌های قاطعانه علمای اعلام و آیات عظام و بالاخص قائد بزرگ اسلام
حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی با فرار شاه در آستانه سرنگونی کامل
رژیم ارتجاعی و ضد اسلامی شاهنشاهی و برقراری حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفته،
بار دیگر خاطره شهیدان این جنبش اسلامی را که با نثار خون‌های خود درخت نهضت و
انقلاب اسلامی را بارور کرده گرامی می داریم و برای آن عزیزان از دست رفته مغفرت
حق تعالی و علو درجات را طلب می کنیم. عزیزانی که با آگاهی و خون خود تمام
توطئه‌های دشمن را در نطفه خفه کردند و ثابت نمودند که مرگ با افتخار در راه خدا از
زندگی مذلت بار به مراتب بهتر است.

در چهل روز پیش بود که رژیم خونخوار شاه دو شهر اصفهان و نجف آباد را به خاک و
خون کشید و در یک یورش وحشیانه چماق بدستان مزدور خود در حمایت پلیس، این
دو شهر را به صورت شهر جنگ زده در آورد و صدها کشته و زخمی و بسیار خانه و
مغازه سوخته بجای گذاشت و اموال زیادی از مردم مسلمان به غارت رفت. تاریخ سیاه
پنجاه سال دیکتاتوری گذشته بخصوص یک سال اخیر ایران را با خون باید نوشت،
شهادت‌ها و قهرمانی‌های ملت ما در شهرهای گوناگون این سرزمین اعجاب جهانیان را
برانگیخته است. با اینکه شاه مخلوع از کشور فرار کرده و هیچ پایگاه مردمی نداشته و

ندارد، در همین دو روز عمال جنایتکار او با اجرای توطئه‌های محکوم به شکست اربابانش در شهرهای دزفول، اندیمشک، اهواز، اراک و منطقه نهاوند و نجف آباد و برخی نقاط دیگر دست به حمله وحشیانه زده و پس از نابودکردن وسائل و اموال مردم عده ای را به خاک و خون کشیدند. ملت آگاه ایران می داند که لحظات بسیار حساسی را می گذرانند و کوچکترین غفلت و ساده نگری ممکن است از سرعت روند جنبش عظیم بکاهد و به دشمن اسلام و مردم مجال تدارک نیرو و ترتیب حمله مجددی را بدهد. لذا لازم است نکات زیر مورد توجه واقع شود:

۱ - ملت مسلمان ایران باید صفوف خود را بیش از پیش فشرده و متحد نماید و به عناصر احیاناً فریب خورده و مزدور اجازه ندهد تا به بهانه‌های واهی و پوچ در جبهه متحد آنان رخنه نمایند.

۲ - از برخورد خصمانه با برادران ارتشی که دستشان به جنایت و خونریزی آلوده نشده جداً بپرهیزند و بلکه دست برادری به آنان بدهند و با کمک آنان در تقویت استقلال کشور و حفظ آن از حملات استعمارگران و تجزیه طلبان شرق و غرب کوشش نمایند.

۳ - از افراد پلیس و ارتش می خواهیم که بیش از این راضی نشوند که خود را فدای رژیم نمایند که ثروت و منافع مملکت را درانحصار خود و هزار فامیل خود قرار دادند و مملکت را به خاک سیاه نشانند. رژیم که منفور ملت است و ملت با رفراندوم‌های پیاپی بخصوص در تاسوعا و عاشورا و اربعین حسینی، بی اعتباری و بی پایگی آن را ثابت نمود. اینجانب ضمن اعلام همدردی با تمام خانواده‌های شهدای اخیر، مراتب تسلیت خود را به همه ملت ایران به ویژه اهالی شهرستان اصفهان و نجف آباد که روز یکشنبه ۲۲ صفر را به مناسبت چهلمین روز شهدای اخیر خود به سوک می نشینند تقدیم داشته و امیدوارم هرچه زودتر پیروزی جنبش ما با تشکیل جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی مبشر نجات تمام مسلمین و مستضعفین جهان باشد. والسلام علیکم.

پیوست شماره ۶: مربوط به صفحه ۴۱۵

پیام معظم له به مناسبت پایان اعتصاب ملت مسلمان و شجاع ایران، مورخه

۱۳۵۷/۱۱/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت مسلمان ایران، برادران و خواهران گرامی

اکنون که به خواست خداوند قاهر غالب، نهضت انقلابی اسلامی شما که با خون شهیدان پاکتان آبیاری شد، به ثمر رسیده و از زیر بار استبداد و استعمار سرخ و سیاه رها شده اید، لازم است به نکات زیر توجه شود:

۱ - حفظ و ابقاء آزادی و عدالت تحصیل شده نیز بسته به مقدار رشد و فداکاری شما است.

۲ - لازم است همه اقشار ملت همبستگی و وحدت کلمه خود را همچون گذشته حفظ نمایند و متوجه تحریکات دشمنان باشند زیرا اینک تنها سلاح دشمن ایجاد اختلاف و تفرقه افکنی است.

۳ - افراد غیر مسئول از بازداشت افراد بطور کلی خود داری نمایند و مطمئن باشند که افراد فاسد و لازم التعقیب، شناسایی شده و می شوند و به زودی بازداشت و مجازات خواهند شد.

۴ - پخش اسلحه و مهمات جنگی در بین مردم عادی، امنیت کشور را در معرض خطر قرار می دهد. واجب و لازم است اسلحه و مهمات جنگی به مراکز و افراد تعیین شده از طرف کمیته های اسلامی تحویل گردد تا به مراکز و افراد صالحه انتقال یابد.

۵ - از کارمندان و کارکنان و مسئولین محترم ادارات دولتی و موسسات عمومی تقاضا می شود که کاملاً بر کار خود مسلط شوند و در حفظ و پاسداری اموال دولتی و عمومی جدیت کنند و با احساس مسئولیت و رویی باز با مراجعین خود مواجه شوند. از کار و انجام وظایف محوله فرار نکنند و در هر لحظه خدا را شاهد و ناظر رفتار خود بدانند.

۶ - از تجار و اصناف و پیشه وران استدعا می شود در کسب و کار خود انصاف و عدالت را رعایت فرمایند و از کسب های حرام و معاملات ربوی اجتناب کنند، از سد

معايير عمومى پرهيز نمايند و با روى باز و اخلاق خوش با مراجعين برخورد نمايند و چون در اثر اعتصاب بازار و بانكها اوضاع سفته‌ها و چكها و مطالبات آشفته شده ، با صلح و سازش با يكدیگر رفتار نمايند. طلبكاران به بدهكاران فشار نياورند و بدهكاران نيز در پرداخت بدهكارى‌هاى خود سهل انگارى و مسامحه نکنند.

۷- از کشاورزان محترم تقاضا مى شود كه درتوليد محصولات كشاورزى و ارزاق عمومى و توسعه دامپرورى كوشش نمايند و هميشه توكل به خدا داشته باشند و از حرام اجتناب نمايند و فعلا به زمينهاى شركت‌هاى زراعى و وسائل كشاورزى دولتى و جنگل‌ها و كليه اموال دولتى وابسته به شاه و اطرافيانش دستبرد نزنند و در حفظ و حراست آنها كوشش نمايند، و نگذارند به يغما رود تا از طرف مراجع صالحه دينى تكليف قطعى آنها تعيين شود. اميد است همه شما اين وظيفه مى و دينى را به خوبى انجام دهيد. همه شما پاسداران اموال عمومى و اسلامى هستيد. خدا به همه شما اجر بدهد. بيش از همه ترقى و تعالى كشور وابسته به همت و جديت كشاورزان و كارگران محترم است. شما هستيد كه با كوشش و فعاليت خود اوضاع اقتصادى كشور را سامان مى دهيد و كشور را از وابستگى اقتصادى به كشورهاي استعمارگر نجات مى دهيد.

ضمنا توصيه مى شود از ذبح حيوانات باردار اهلى و جنگلى و ذبح بره‌هاى شيرخوار حتى المقدور پرهيز شود زيرا اين امر گذشته از جنبه عاطفى به اوضاع اقتصادى كشور لطمه مى زند. خوب است با حس ترحم با حيوانات رفتار شود.

۸- از محصلين و دانشجويان و اساتيد محترم تقاضا مى شود اوضاع نابسامان دبستان‌ها و دبيرستان‌ها و دانشگاه‌ها را مرتب كنند و سعى نمايند كه احتياج و نياز كشور را از جهت نيروى انساني رفع نمايند تا در سايه استقلال واقعى بتوانيم سرنوشت كشور را به دست خودمان تعيين كنيم. خداوند همه ما را در انجام وظيف اسلامى و انساني خود پيروز و موفق فرمايد.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

۱۸ ربيع الاول ۱۳۹۹ - ۵۷/۱۱/۲۷ - حسينعلى منتظرى

پیوست شماره ۴۷: مربوط به صفحه ۴۱۵

پیام معظم له به مناسبت اولین سالگرد فاجعه خونین هفده شهریور،

مورخه ۱۳۵۸/۶/۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

ولانقولوا لمن يقتل فی سبیل الله اموات بل احياء عند ربهم يرزقون

بیایید اکنون که پیوند مکتب و خون در انقلاب اسلامی ما مستحکم گشته، رسالت خون و شهادت را عمیقا درک کرده و در این لحظه‌های خون رنگ زمان که سرزمین اسلامی ایران، به خون هزاران شهید رنگین است پیام شهیدان را به گوش تاریخ برسانیم.

برادران و خواهران مسلمان، احساسات پرشور و بی شائبه ای که به مناسبت بزرگداشت شهادت شهدای به خون خفته هفده شهریور سال ۵۷ ابراز می دارید و شور و هیجانی که با اشک و سوز و فریاد همراه است، بیانگر راستین روحیه انقلابی شماست. روحیه ای که در طول مبارزات خستگی ناپذیر ملت مسلمان ایران به رهبری قائد اعظم حضرت امام خمینی همواره پشتوانه فریادها و خروش‌ها و اقدامات و تصمیمات ما بوده است.

ملت مسلمان ایران، انقلاب اسلامی شما از همان نقطه ای آغاز شد که حرکت انقلابی توحید در طلیعه تاریخ آغاز گشت یعنی گفتن نه در برابر هر پدیده، نظام، قدرت و تشکیلاتی که با نظام عقیدتی و سیاسی توحیدی راستین مغایرت دارد. موضع گیری پشت سنگر لاله الاالله و نفی شرک طاغوت و استعمار در همه چهره و اشکال شرقی و غربی و چپ و راستش و شوریدن به بی عدالتی و استبداد و ستم در کل زمین و کل تاریخ.

توحید ابراهیمی، اسلام محمد و تشیع علی از این نقطه آغاز شد و موضع گیری قاطعانه و انقلابی مبارزان خداپرست همه ادوار تاریخ به قیمت خون‌ها، اشک‌ها، سوزها، کشتارها، قتل عام‌ها، آتش سوزی‌ها، محرومیت‌ها، اعدام‌ها و آوارگی‌ها تمام شد تا امانت پاک خدا و رسالت انسان که بر کوه، زمین و زمان عرضه شده و تنها انسان پذیرای آن گشت سالم به دست انسان متعهد این قرن سپرده شود و اکنون شما ملت شجاع ایران امانت دار پاک باز و راستین این امانت بزرگ الهی بوده که در راه حفظ و

حراست آن لحظه ای از پای ننشسته و بی دریغ حتی جان عزیز خویش را به پیشگاه این ودیعه آسمانی و توحیدی تقدیم می کنید.

راستی فداکاری‌های بی شائبه ملت غیور ایران قبل از پیروزی و پس از آن و امروز و بخصوص در برخورد با توطئه‌های امپریالیسم و صهیونیسم و شرکت در بسیج عمومی و جهاد مقدس غرب ایران، شایسته تقدیر و تجلیل است.

کشتار ۱۷ شهریور و فاجعه قتل عام جوانان سلحشور اسلامی هرچند از نظر زمانی یک پدیده گذشته تلقی می گردد ولی بدون شک این فاجعه یکی از تجلی‌گاه‌های پیکار حق و باطل و نبرد مستضعفین و مستکبرین بوده و همپای زمان و تاریخ و انسان پی آمدهای آن تداوم خواهد یافت چه آنکه از یک سو نمایانگر نقش استعماری و میزان تسلط آمریکا و اسرائیل در حکومت خودکامه شاه مخلوع است و از سوی دیگر بیانگر سلامت مکتب و اصالت خط مشی اسلامی نهضت و میزان ایمان و صداقت مبارزان راه خدا بوده که در برابر رگبار بی امان گلوله‌های آمریکایی و اسرائیلی پایمردی و مقاومت نمودند تا به درجه رفیعه شهادت نائل گشتند. درود پیوسته کل انسانیت به روان پاک آنان که با خون خود رسالت شهادت و نقش موثر آنرا در تکامل نهضت انبیاء و تشیع تجسم داده و به دنیا ثابت نمودند که ملتی پرخاشگر و انقلابی و مومن و صادق خواهد توانست بر یکی از عظیم ترین ارتش‌های مجهز جهان پیروز گردد.

شما شهیدان به خون خفته راه خدا پیوند مکتب و خون که در تاریخ نهضت‌های شیعی و انقلاب‌های توحیدی تنها در بعد ادبی و ذهنی از آن یاد می شود، به تبلور عینی و ملموس رساندید و با قطرات خون خویش بر تارک تاریخ حماسه جاودانگی ایدئولوژی اسلامی و نهضت حق طلبانه شیعه را رقم زدید.

اکنون شما با یک دنیا افتخار و عظمت سر به تیره تراب نهاده و در قلوب آزادیخواهان ماوی گرفته اید و ما و شما وارث خون شهدا و عهده دار به ثمر رساندن مکتب شما «شهادت» و فلسفه آن «مقاومت» و نتیجه آن «حکومت اسلامی» هستیم.

اکنون ما پس از قرن‌ها انتظار که صاحبان زر و زور و تزویر صلابت ایمان و عفت و فکر و اندیشه و فرهنگ و اخلاقمان را به سنگ استبداد و سرنیزه خود شکستند، با عبور از گذرگاه خونین عاشورا که سندی زنده بر اصالت روح مقاومت و ایثار در برابر خدا و خلق بود، دیگر بار به هفده شهریور و میدان شهداء قدم نهاده و خود را در صحنه یک

جهاد مداوم با همه جباران و خونخواران و ابرقدرت‌های تاریخ یافته و با فریادی از خون برخاسته از حنجره شما بار دیگر سخن شما را تکرار می‌کنیم:

سوگند به خون و خونین پیام شهداء و مقاومت و محرومیت که خط رهبری و امامت حضرت آیت الله العظمی امام خمینی را تا حصول پیروزی نهایی دنبال خواهیم کرد. سوگند به نیرو بخش جهان و آفریدگار نیروها که اجازه نخواهیم داد یک لحظه رسالت مقدس شهادت و فلسفه مقاومت فراموش گردد.

سوگند به طراوت خون شهید و روح پرخاشگر انقلابی که توطئه‌های اهریمنان و سیاست‌های توسعه طلبانه و تجزیه گری و پیمان‌های شوم مثلث ابرقدرت‌ها را نه تنها با دست و فریاد که با خون و آتش متلاشی خواهیم کرد.

سوگند به عنصر مقاومت و محرومیت که هرگز خاطره تلخ و وحشتناک استعمار زدگانی چون خلق قهرمان فلسطین، فیلیپین، افغانستان، اریتره، فطانی و... را از یاد نبرده و با تمام امکانات آنان را یاری خواهیم کرد.

سوگند به عاشورا و کربلا و میدان شهداء که دست آوردهای انقلاب اسلامی ایران را در جزء جزء خاک گرامی این مرز و بوم پاسداری خواهیم کرد.

سوگند به مستضعفین، محرومین و منکوبین همه تاریخ که سیاست پلید آمریکا و اسرائیل در کردستان و دیگر نیرنگهای محافل جاسوسی شرق و غرب ما را از راه مقدس منحرف نخواهد نمود.

و سوگند به حق همه پیامبران بر حق خدا و ائمه بزرگ شیعه و رهبران وادی توحید که راه شهیدان را تا آخر ادامه خواهیم داد.

«وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم».

والسلام علی من اتبع الهدی

۵۸/۶/۱۵ - ۱۴ شوال ۱۳۹۹

تهران، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۴۸: مربوط به صفحه ۴۲۰

متن اعلامیه اساتید و فضیای حوزه علمیه قم درباره خلع محمدرضا شاه از مقام سلطنت، مورخه ۱۳۵۷/۹/۳۰، ۱۹ محرم الحرام ۱۳۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم

بیش از یک سال است که ملت مسلمان ایران به پا خاسته و مخالفت خود را با شاه صریحاً اعلام داشته است، و این اظهار مخالفت به صورت تعطیلات سراسری و تشکیل اجتماعات و راهپیمایی و دادن شعارهای ضد شاه و تصویب قطعنامه‌ها و اعتصابات در کارگاه‌ها و ادارات و موسسات دولتی و خصوصی و گونه‌های دیگر انجام گرفته است، در همه شهرستان‌ها این ملت به پا خاسته با آتش اسلحه گرم دولت شاه مواجهه، و هزاران شهید و به مراتب بیش از آن مجروح و مصدوم داده است.

با تمام این مصائب، ملت نستوه و آگاه ایران داوطلبانه و شجاعانه در دو روز تاسوعا و عاشورای سال جاری (۱۹ و ۲۰ آذر ۱۳۵۷) راهپیمایی عظیم و بی سابقه‌ای را در سراسر کشور ترتیب داد، و با صراحت هر چه تامتر در غالب شعار، پلاکارد و قطعنامه مخالفت خود را با شخص شاه و رژیم شاهنشاهی بیان داشت و خواستار تشکیل حکومت جمهوری اسلامی به رهبری نایب الامام حضرت آیت الله العظمی خمینی دام ظلّه شد. ملت ایران در این فراندوم صددرصد آزاد که مورد تصدیق مراجع عالیقدر بوده و خبرگزاری‌های بزرگ دنیا هم گزارش آن را داده اند رای صریح خود را داد.

ما امضاکنندگان ذیل با در نظر گرفتن فراندوم مذکور، وظیفه مذهبی و ملی خود می دانیم که رسماً به شخص شاه و دولت و ارتش و مقامات وزارت کشور و همچنین به دولت‌هایی که با کشور ما رابطه‌ای در حد تبادل سفیر دارند از طریق سفارتخانه‌ها ابلاغ نماییم که:

۱ - شاه و رژیم شاهنشاهی به هیچ وجه پایگاهی در میان ملت ندارد، و مردم حتی در زیر فشار سرنیزه و مسلسل هم آن را تحمل نمی کنند، و قهراً شاه از مقام خود مخلوع و سلطنت او غیر قانونی است و فوراً باید کناره گیری خود را اعلام دارد و بساط شاهنشاهی برای همیشه باید از این مملکت برچیده شود.

۲ - هر چه زودتر می بایست حکومت جمهوری اسلامی زیر نظر نایب الامام حضرت

آیت الله العظمی خمینی دام ظلّه تشکیل گردد.

- ۳ - دولت نظامی از هاری و هر دولت دیگری به هر نحو شکل بگیرد غیرقانونی است.
- ۴ - امرای ارتش و افسران و درجه داران و سربازان که ارتش ملتند لازم است به ملت بپیوندند و به هیچ وجه از شاه مخلوع و رژیم مردود اطاعت و جانبداری نکنند و تمام نیروی خود را برای برآوردن خواستهای ملت بسیج نمایند.
- ۵ - کلیه استانداران و فرمانداران و بخشداران و روسای دوایر که خدمتگزاران ملتند لازم است به ملت پیوسته، از دولت غیرقانونی اطاعت نکنند.
- ۶ - دولت‌های خارجی توجه داشته باشند که شاه و دولت او از نظر ملت ایران غیر قانونی و غاصب می باشند و هرگونه همکاری و پشتیبانی از شاه، نقض حقوق بشر و دشمنی با ملت ایران است، و هر نوع قرارداد سیاسی-نظامی و اقتصادی و فرهنگی و غیر آن با دولت او از نظر ملت ایران ارزش و اعتبار قانونی نخواهد داشت.

مسلم ملکوتی، حسین نوری، محمد شاه آبادی، مهدی حسینی روحانی، حسینعلی منتظری، ابوالفضل النجفی الخوانساری، سیداسدالله مدنی، مصلحی اراکی، علی احمدی میانجی، هاشم تقدیری، محمد حسین مسجد جامعی، حسین راستی کاشانی، محمد محمدی گیلانی، ابوطالب تجلیل، محسن دوزدوزانی، محمد مهدی ربانی، عباس محفوظی، محمد مومن، مرتضی بنی فضل، رضا استادی، سیدابوالفضل موسوی، سید حسین برقی، حسن تهرانی، احمد آذری قمی، سید حسن طاهری خرم آبادی، محمد فاضل، محمد یزدی، محسن حرم پناهی، محمد علی شرعی، علی مشکینی، احمد جنتی، سید یوسف مدنی تبریزی، رضا بهاءالدینی، سید محمد ابطحی کاشانی، رضا توسلی، سید محمد تقی شاهرخی، ابوالقاسم خزعلی، صادق خلخالی.

پیوست شماره ۴۹: مربوط به صفحه ۴۲۴

متن تشکر و اعتذار معظم له از علمای محترم و مردم شریف و قهرمان غرب ایران

بسمه تعالی

اینجانب پس از بازگشت از زیارت مرجع و قائد عالیقدر اسلام حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی در پاریس، و پس از زیارت مشاهد مشرفه علی مشرفها آلاف الثنا و التحیه در سوریه و عراق، با علمای اعلام و احساسات گرم مردم شریف شهرهای غرب کشور مواجه شدم و به خاطر مسئولیت‌های فوری و سنگینی که به عهده ام بوده نتوانستم از احساسات و عواطف آقایان کما هو حقہ قدردانی کنم، لذا بدینوسیله مراتب اعتذار و تشکر عمیق خود را از علمای اعلام و برادران و خواهران شهرهای: قصرشیرین، سرپل ذهاب، اسلام آباد، کرمانشاه، کنگاور، مرینج، همدان و ساوه اعلام می دارم.

شکی نیست که ایمان و استقامت و فداکاری‌های جانی و مالی شما و دیگر برادران و خواهران سراسر کشور بود که جنبش اسلامی ملت ما را در پرتو رهبری قاطعانه علمای اعلام و آیات عظام بالاخص آن زعیم عالیقدر به اوج خود رساند و دشمن را در همه سنگرهای استبدادی و استعماری خود شکست داد.

امید است به زودی شاهد پیروزی نهایی و برقراری حکومت جمهوری عدل اسلامی باشیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱۷ صفر ۱۳۹۹ - حسینعلی منتظری

(پیوست شماره ۵۰ داخل متن کتاب آمده است)

پیوست شماره ۵۱: مربوط به صفحه ۴۳۱

متن اعلامیه معظم له درباره پیوستن ارتش ایران به صفوف ملت و مطلع نمودن آنان
به جنایات رژیم شاه، مورخه ۱۳۵۷/۱۱/۶

بسم الله الرحمن الرحيم

«الجنود باذن الله حصون الرعية و زين الولاة و عزالدين و سبل الامن...» نهج البلاغه
«ارتش با الهام از مکتب الهی دژ محکم ملت و مایه سربلندی زمامداران و عظمت و مجد
دین و برقراری آرامش کشور است.»

برادران ارتشی، افسران، همافران، درجه داران و سربازان شریف، در این لحظات
حساس که نسیم حیات و آزادی از قطرات خون هزاران شهید که در راه تحقق
ارزش‌های الهی و آزاد ساختن کشور از یوغ اجانب به پیکره این سرزمین می‌وزد، در این
فرصتی که با فداکاری‌های همه جانبه جمیع اقشار ملت آرزوی دیرینه ملت مسلمان
مبنی بر به دست گرفتن سرنوشت خویش و طرد جمیع عمال استعمار جهانی از کشور
در پرتو تشکیل جمهوری عدل اسلامی به رهبری قائد بزرگ حضرت آیت الله العظمی
امام خمینی مدظله العالی در آستانه تحقق قرار گرفته، در این هنگام که امید است ارتش
غیور و مسلمان ما شخصیت اسلامی خود را باز یابد و از شکل استعماری و عامل اجرای
مقاصد ضد مردمی دشمنان اسلام بودن به درآید و در راه حفظ منافع اسلامی و ملی
مردم ما کوشا باشد و از آثار ننگ کاپیتولاسیون تحمیلی (مصونیت قضایی مستشاران
نظامی آمریکا) برای همیشه خود را پاک گرداند، در این مرحله حساس انقلاب که ملت
مسلمان ایران خود را برای بزرگترین استقبال تاریخی از رهبر انقلاب اسلامی خود
آماده می‌کند تا با ادامه رهبری قاطع معظم له از نزدیک و همت شما برادران ارتشی
و سایر اقشار ملت به نوسازی کشور پرداخته و ملت محروم را از وضع موجود نجات
دهد، و بالاخره در این زمان که ملت به حکم و وظیفه شرعی و فرمان رهبر بزرگوارش
ارتش را از خویش و خود را از ارتش جدا نمی‌بیند و از ارتشیان آزاده با آغوش باز
استقبال می‌کند، مشاهده می‌شود که دولت غیرقانونی و ضد ملی کنونی، شما را
همچون گذشته وسیله ارباب و تهدید و کشتار مردم قرار داده، و حتی به دست برخی از
مزدوران و فریب خوردگان به اسم شما برادران فرودگاه‌های کشور را بسته و مانع

تشریف فرمایی رهبر انقلاب اسلامی ایران گشته، و به وسیله مزدوران خود مردمی را که در حال تدارک استقبال بودند به گلوله بستند و عده ای را کشتند تا از این راه مردم را به عقب نشینی وادارند، ولی ملت مسلمان ایران چون برای خدا و رفاه خلق خدا به رهبری آیات عظام خاصه فائده بزرگ قدم برداشته و متحمل هزاران قربانی و محرومیت‌های فراوانی شده، همچنان به پیش رفته و به فکر عقب نشینی نمی افتد. این ازهارى‌ها و اویسی‌هایند که پس از ایجاد صحنه‌های قتل عام کشتار و حشیانه مردم، چون خود را در بین ملت، منفور و از صفوف ارتش مسلمان جدا می دیدند، پا به فرار نهاده و با خارج نمودن ثروتهای غارت شده ملت محروم همچون دیگر غارتگران بیت المال و در راس آنان شاه خائن در بیلاق‌های خارجی به عیاشی مشغولند که البته دیری نخواهد گذشت که به خواست خدا و همت ملت مسلمان و مبارز ایران به کشور کشانده شده و در دادگاه عدل اسلامی محاکمه خواهند شد.

ارتشیان آزاده! آیا شما تا چند سال پیش و حتی هم اکنون مورد اهانت و آزار چنین فرماندهانی نبودید؟ آیا مستشاران نظامی آمریکا که اکنون در اثر مبارزات جرأت خروج از منازل خود را ندارند تا دیروز بر شما ارتشیان محترم حکومت مطلقه نداشتند؟ آیا نمی دانید که این مستشاران با گرفتن حقوق‌های گزاف صد هزار تومانی به بهترین وجه زندگی می کنند و در مقابل، شما که از ملتید و صاحب این ثروتها می باشید باید از جهت مخارج مادی و مسکن در تنگنا قرار گرفته و به بدترین نحو زندگی نمایید؟ آیا در طی سال‌های متمادی برای شما برادران مسلمان که باید نمونه عالی یک سرباز رشید اسلام باشید، امکان کسب معنویات و فضایل انسانی گذاشته اند؟ و آیا کوشش نکرده اند تا شما را با فرهنگ ضد اسلامی شاهنشاهی تربیت نمایند و کورکورانه در خدمت مشتی فرمانده فاسد و از خدا بی خبر قرار دهند؟ آیا در سال‌های گذشته که بودجه کشور به جیب مستشاران نظامی خارجی ریخته می شد به شما کوچکترین اعتنائی می نمودند؟ اگر می بینید اینک به ظاهر به فکر شما افتاده و رعایت حال شما را می کنند این نیز از ثمرات مبارزات مردم بوده، و به منظور اغفال و دور نگهداشتن شما از امواج انقلاب اسلامی ملت صورت می گیرد، و بالاخره آیا اسلحه ای که در دست شماست و از پول این ملت ستمدیده مسلمان تهیه شده و باید در راه حفظ استقلال کشور و دفاع از ملت از آن‌ها استفاده شود، سزاوار است که در راه حفظ منافع و اجرای

توطئه‌های ابرقدرت‌های شرق و غرب و حفظ شخص خائنی که کشور را در آستانه سقوط مادی و معنوی قرار داد به کار رود؟ شخصی که ثروتها و منابع طبیعی را در انحصار خود و خانواده و اطرافیانش قرار داد و آنها را به بانک‌های خارجی سرازیر نمود.

برادران عزیز! در طول ۵۰ سال گذشته استبداد سیاه که روحانیت و همه آزادیخواهان در ایران مورد هجوم وحشیانه عوامل خاندان ننگین پهلوی بودند، کشته می دادند و اسارت و شکنجه تحمل می کردند، آیا جز برای آن بود که منابع کشور و عقاید ملت مسلمان در حال غارت شدن بود؟ و مگر نه این است که رهبر ملت ایران برای دفاع از حیثیت و شرافت و استقلال این کشور و به جرم اعتراض به تصویب قانون ننگین کاپیتولاسیون از کشور خود به خارج تبعید شد؟

شما باید بدانید که اینک ارتش بر سر دو راهی قرار گرفته، راه خدا و اسلام و استقلال کشور که همان راه ملت و رهبر آن است و راه اربابان رژیم دست نشانده موجود که راه طاغوت و بردگی و اسارت و کشتار ملت است که در نتیجه به ضرر ارتش و به قیمت سقوط حیثیت و وابستگی آن تمام می شود.

ملت ما، علاوه بر دادن هزاران قربانی و خسارت زیاد که هم اکنون از طریق سلاح نفت یکی از موثرترین ضربه‌ها را به حامیان رژیم فاسد زده، در انتظار است شما برادران ارتشی نیز هر چه بیشتر با توجه به هویت اسلامی و ملی خود دین خود را به اسلام و مسلمین ادا نمایید، تا این سلاح قوی که دشمن بدان متکی بوده و هست، همچون سلاح نفت در خدمت اسلام و مردم درآید، که خوشبختانه طلیعه آن را در تظاهرات و اعتصابات و راهپیمایی‌های مکرر برادران ارتشی در شهرهایی نظیر تهران، اصفهان، همدان، شیراز و... می بینیم، و امید است با یکپارچگی و تشکل همه جانبه ملت و ارتش به زودی پرچم جمهوری عدل اسلامی به رهبری حضرت آیت الله العظمی خمینی در ایران به اهتزاز درآید تا همگی با فراست کامل و برخورداری از امکانات موجود، برای اجرای قوانین عادلانه اسلامی در کشور خود بکوشیم. از خداوند متعال سربلندی و شرافت استقلال ارتش ایران را خواستارم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۲۷ صفر ۱۳۹۹ - حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۵۳: مربوط به صفحه ۴۴۴

حکم امام امت (ره) درباره نصب معظم له به امامت جمعه تهران، مورخه ۱۳۵۸/۶/۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمين آقای منتظری دامت افاضاته
مرحوم مجاهد بزرگوار آقای طالقانی پس از عمری مجاهدت و پاسداری از اسلام به
رحمت خداوند پیوست و ما را سوگوار کرد. تکلیف پاسداری از اسلام به عهده همه
ماست، و من شما را که مجاهدی بزرگوار و فقیهی عالیقدر می دانم برای دژ محکمی که آن
فقید سعید پاسدار آن بود انتخاب و منصوب نمودم. نماز جمعه که نمایشی از قدرت
سیاسی و اجتماعی اسلام است باید هرچه شکوهمندتر و پرمحتواتر اقامه شود. ملت گمان
نکند که نماز جمعه یک نماز عادی است؛ نماز جمعه با شکوهمندی که دارد برای نهضت
کوتاه عمر ما یک پشتوانه محکم و در پیشبرد انقلاب اسلامی عامل موثر و بزرگی است.
ملت عظیم و عزیز با شرکت خود باید این سنگر اسلامی را هرچه عظیم تر و بلندپایه تر
حفظ نماید تا به برکت آن توطئه‌های خائنانه و دسیسه‌های مفسدان خستی شود. از خداوند
تعالی دوام نهضت و عظمت اسلام را خواستارم.

۲۱ شهریور ماه ۱۳۵۸ - روح الله الموسوی الخمينی

پیوست شماره ۵۴: مربوط به صفحه ۴۴۴

متن استعفانامه معظم له از امامت جمعه تهران، مورخه ۱۳۵۸/۱۰/۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مقدس آیت الله العظمی حضرت امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام به عرض می رساند ضمن تجدید تشکر از اینکه حضرتعالی اینجانب را به عنوان امام جمعه تهران نصب فرمودید، چون من علاقه مفراط دارم که در حوزه علمیه قم باشم و به مباحثات و مذاکرات علمی ادامه دهم، لذا از محضر حضرتعالی تقاضا می کنم یک نفر از آقایان واجد شرایط را به عنوان امام جمعه تهران برای ادامه نماز جمعه در دانشگاه تعیین فرمایید. ادام الله ظلکم.

۲۳ دیماه ۵۸ برابر با ۲۴ صفر ۱۴۰۰ هـ ق

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۵۵: مربوط به صفحه ۴۵۰

نامه معظم له به امام خمینی در مورد مسائل و اختلافات اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام، برحسب نگرانی حضرتعالی از مسائل اصفهان و امر شما نسبت به حل آن‌ها جلسه ای با حضور آقایان (با حذف القاب) طاهری اصفهانی، پرورش، ناطق نوری، طاهری خرم آبادی، ربانی املشی، شیخ عباسعلی روحانی، شیخ عبدالله نوری و حاج احمد آقا تشکیل شد و پس از مذاکرات مفصل و بیان اشکالات چنین به نظر رسید که ریشه عمده اختلافات روحانیت مبارز اصفهان که محور آن آقای طاهری است و حزب جمهوری اسلامی که محور آن آقای پرورش است می باشد، لذا تصمیم گرفته شد که من طی دو نامه از آقایان طاهری و پرورش جداً بخواهم که این دو ارگان را هم آهنگ و در یکدیگر ادغام کنند و آقایان هم پذیرفتند. امید است به زودی مشکل حل و نگرانی حضرتعالی بکلی برطرف گردد.

والسلام علیکم و ادام الله ظلکم

۱۳ شوال ۱۴۰۲ - حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

من از سلام بر عجب نکر از حضرت عالی از من سئوال نمودند و در جواب گفتند که آنجا
 جمله ای با حضور آقا یان در باغچه آقا ب (طاهری اهلباغ) - پرورش - طاهری
 طاهری فرم آبادی - ربان الملکی - شیخ عباس عراقی - شیخ عبدالرزاقی و جمیع اجراء
 تشکیل شد و پس از مذاکرات مفصل و بیان اشکالات چندی بنظر رسید که در مسئله
 اختلافات روحانیت مبارز اهلباغ که محور آن آقای طاهری است و فوج جمهوری اسلامی
 که محور آن آقای پرورش است می باشد لذا تصمیم گرفته شد که فرطی دو نامه از آقا یان
 طاهری و پرورش جدا جدا بفرستیم که این دو در لایحه راهم آید و در مکتب ادراس
 و آقا یان هم پذیرفتند امید است بروی مشکل عتر و نکر از حضرت عالی بکار بر آید
 والسلام علیکم و اهلکم و ارحمهم و انکم
 ۱۳۰۲ سوال ۱۳۰۲



پیوست شماره ۵۶: مربوط به صفحه ۴۵۰

نامه معظم له به آیت الله طاهری در مورد مسائل و اختلافات اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب آیت الله طاهری امام جمعه محترم اصفهان دامت برکاته
پس از سلام، برحسب نگرانی عمیق حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی
نسبت به مسائل اصفهان و امر معظم له به حل سریع آن‌ها و مذاکراتی که در جلسه منعقد
در ۶۱/۵/۱۱ با حضور جنابعالی و آقای پرورش وزیر محترم آموزش و پرورش و حجج
اسلام آقایان طاهری خرم آبادی، ناطق نوری، ربانی املشی، شیخ عباسعلی روحانی، شیخ
عبدالله نوری و حاج احمد آقا خمینی دامت افاضاتهم انجام شد مستدعی است جنابعالی با
همکاری آقای پرورش هرچه زودتر دو ارگان انقلابی اصفهان: روحانیت مبارز و حزب
جمهوری اسلامی اصفهان را هم آهنگ و در یکدیگر ادغام کنید؛ و از عناصر و اعضای این
دو ارگان انقلابی اصفهان ضمن تقدیر و تشکر از خدمات ارزنده آن‌ها به انقلاب تقاضا
می‌کنم که به پاس خون شهدای انقلاب و بعد از انقلاب در این امر حیاتی که به سود
انقلاب و خواست رهبر انقلاب است با شما و آقای پرورش همکاری نمایند.

والسلام علیکم و علیهم و رحمة الله و برکاته

حسینعلی منتظری

بسم الله الرحمن الرحيم

چند سبب است که آیه اهل بیته امیر المومنین حضرت امام جعفر مجتهد صلی الله علیه و آله و سلم
 پس از سلام بر حسب نظر اعمق حضرت آیه اهل العظمی امام محمد تقی صلی الله علیه و آله و سلم
 نسبت به آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم و ذکر آنکه در جلسه سبقت
 ۱۱۰۵ را با حضور جناب آقا و آقای پرورش در محترم آئین پرورش و حج الاسلام
 آقایان طبری غم آبادی - ناطق نوری - ربانی زینبی - شیخ عبدالعزیز
 شیخ عبدالنوری و جمیع اهل آقا صلی الله علیه و آله و سلم انجام شد مستدعی است
 با همکاری آقای پرورش هر چه زودتر دوارگان انقلاب صلی الله علیه و آله و سلم
 و خوب همواری اسلامی صلی الله علیه و آله و سلم را هم آهنگ و درنگ نگذاریم کند و از عین
 و اعضا و این دوارگان انقلاب صلی الله علیه و آله و سلم تعقد و تشکر از خدمات ارزنده آن
 با انقلاب تقاضا میکنیم که بیاس فزون نهد و انقلاب و بعد از انقلاب در این امر
 که بود انقلاب و خوار است رهبر انقلاب است با جمیع آقای پرورش همکاری نماید
 والسلام علیکم وعلیهم ورحمتهم وبرکاته

پیوست شماره ۵۷: مربوط به صفحه ۴۵۰

نامه معظم له به آقای پرورش در مورد مسائل و اختلافات اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب آقای سید علی اکبر پرورش وزیر محترم آموزش و پرورش دام توفیقه پس از سلام، بر حسب نگرانی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی نسبت به مسائل اصفهان و امر معظم له به حل سریع آن‌ها و مذاکراتی که در جلسه منعقد شده در ۶۱/۵/۱۱ با حضور جنابعالی و آیت الله طاهری و حجج اسلام آقایان طاهری خرم آبادی، ناطق نوری، ربانی املشی، شیخ عباسعلی روحانی، شیخ عبدالله نوری و حاج احمد آقا خمینی دامت افاضاتهم انجام شد لازم است جنابعالی هرچه زودتر ضمن سفری به اصفهان به معیت و همکاری آیت الله طاهری، دو ارگان انقلابی اصفهان یعنی روحانیت مبارز و حزب جمهوری اسلامی را هم آهنگ و در یکدیگر ادغام کنید و از عناصر و اعضای این دو ارگان انقلابی، ضمن تقدیر و تشکر از خدمات ارزنده آن‌ها به انقلاب تقاضا می‌کنم که به پاس خون شهدای انقلاب و بعد از انقلاب در این امر حیاتی که به نفع انقلاب و خواست رهبر انقلاب است با شما و آیت الله طاهری همکاری نمایند.

شکرالله مساعیکم و مساعیهم، و بجاست جنابعالی در نماز جمعه اصفهان شرکت و پیش از آن سخنرانی کنید تا بدین وسیله بعضی سوء تفاهمات محتمله برطرف گردد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳ شوال ۱۴۰۲ - حسینعلی منتظری

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب لفظ ب آقای سید علی اکبر پرویز وزیر محترم آئین و پرویز دام توفیق
 من از سلام بر عید نگردان حضرت آیت الله العظمی امام خمینی منظمه لکانت
 بسا تل لفظ و او عظیم لم بجز سرع آئین و مذاکره که در جلسه انعقد در
 ۱۱/۵/۶۱ با حضور جناب آیت الله طهرانی و حجج اسلام آقایان طهرانی فرام آبادی
 ناطق نوری - ربانی املشی - شیخ عبدالمعروف - شیخ عبدالرزاق و شیخ الهادی
 خمینی دالتهای تمام انجام شد لازم است جناب طهرانی زودتر ضمن معرفی با هیئت
 معیت و همکاری آیت الله طهرانی دوارگان انقلاب لفظنا یعنی روحانیت مبارز
 و حزب جمهوری اسلامی راهم آهنگ و در یکدیگر ادغام کند و از عناصر و اعضاء
 این دوارگان انقلاب ضمن تقدیر و تشکر از خدمات ارزنده آن با انقلاب
 تقاضای کنیم که بیاس عفو کند از انقلاب و بعد از انقلاب در این امر جمعی که بیفیع
 انقلاب و عفو است و بعد از انقلاب است با هم و آیت الله طهرانی همکاری نمایند
 شکر از من عظیم و ما عظیم و بجا است جناب در نماز جمعیه لفظنا شرکت و پیش از
 آن سخنرا کند تا بدین وسیله بعضی سوء تفاهات محتمله بر طرف گردد و اسلام علیکم
 در قم در کتبه ۱۳۰۲

پیوست شماره ۵۸: مربوط به صفحه ۴۵۲
اعتبارنامه نمایندگی مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

بسمه تعالی

دولت موقت جمهوری اسلامی ایران

وزارت کشور

اعتبارنامه نمایندگی مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

بر اساس فرمان رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و دستور شماره ۱۳۹/م مورخ سیزدهم تیرماه هزار و سیصد و پنجاه و هشت جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و بر طبق قانون انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ایران مصوب هفتم تیر ماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی ایران و برحسب نامه شماره ۱۳۱۱/۵۲۶۲/۵۳ مورخ ۱۳۵۸/۴/۱۸ جناب آقای مهندس هاشم صباغیان وزیر کشور، انتخابات نمایندگی مجلس بررسی قانون اساسی حوزه انتخابیه استان تهران برگزار گردید و ما امضاء کنندگان زیر، اعضای انجمن نظارت گواهی می‌دهیم که حضرت آیت الله حسینعلی منتظری نجف‌آبادی فرزند علی دارای شناسنامه شماره ۷۵۸۳ متولد سال ۱۳۰۱ در انتخابات این حوزه که در تاریخ دوازدهم مرداد ماه ۱۳۵۸ انجام شده است با اکثریت ۱۶۶۳۴۲۳ رای از مجموع ۲۵۲۵۳۸۱ رای به نمایندگی مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انتخاب گردیده و انتخاب نامبرده با رعایت مقررات قانون و آئین نامه ستاد مرکزی انتخابات کشور بعمل آمده است و مشروح برگزاری این انتخابات نیز در صورت جلسه پایان انتخابات حوزه انتخابیه استان تهران مندرج می‌باشد.

بتاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۵

امضای فرماندار و مهر فرمانداری

ایرج تبریزی

امضای اعضاء و مهر انجمن نظارت:

میرزایی - فضل الله محلاتی - سیدجواد شرافت - حسین مظفری نژاد - صدر واثقی

ابوالقاسم شریفیان - گوهرالشریعه دستغیب



فرمانداری
تهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دولت موقت جمهوری اسلامی ایران

وزارت کشور

اعبارنامه‌نماینده مجلس بررسی نهائی قانون اساسی

بر اساس فئوسرمان طبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و دستور شماره ۱۳۲۹ م توخ نیزدم
 تیراه هزار و سیصد و پنجاه و هشت بناب آقای مندرس ممدی بازگان است وزیر دولت موقت جمهوری
 اسلامی ایران و بر طبق قانون انتخابات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی ایران مصوب نهم تیر ۱۳۵۸
 شورای انقلاب اسلامی ایران و بر حسب نامه شماره ۱۳۱۱/۵۲۶۲/۵۳ توخ ۱۳۵۸، ۴۱۸، ۱۳۵۸ جآ.
 آقای مندرس هاشم صباغیان وزیر کشور، انتخابات نمایندگی مجلس بررسی نهائی قانون اساسی تورا آخانیه است.
 بجزیرنده برگزار کرده و ما امضا کنندگان زیر اعضای این نظارت کواچی میدیم که حضرت
 آیینه حسنیت بنده بیچاره ای که فرزند دارای شانس نامه شماره X. ۵۸۳.
 متولد سال : ۱۳۰۱. در انتخابات این حوزه که در تاریخ دوازدهم مرداد ماه ۱۳۵۸ انجام شده
 با اکثریت ۲۰۴۲۳ بجو ۱ رای از مجموع ۲۰۹۲۰۳۸۱. رای نمایندگی مجلس بررسی نهائی
 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انتخاب کرده و انتخاب نامبرده با رعایت مقررات قانون و
 آیین نامه سازمان مرکزی انتخابات کشور عمل آمده است و شرح برگزاری این انتخابات نیز در صورت جلسه
 بیان انتخابات حوزه آخانیه است. بنده بجزیرنده منبج نباشد.

تاریخ ۲۵، ۵، ۱۳۵۸

امضای فرماندار و مهر فرمانداری
ایچ بربری

امضای اعضا و مهر آنجناب نظارت
فضل الله محمدی

امضای ...

فرمانداری
تهران

حسن نظری زاده
صدر دای

گروه انتریم رتعیب

پیوست شماره ۵۹: مربوط به صفحه ۴۵۵

جزوه «مجموعه دو پیام»، نظرات معظم له راجع به پیش نویس قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم

اولین پیام و نظریات آیت الله منتظری نسبت به پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۵۸/۴/۱

ملت مسلمان ایران

اینک که پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است از همه برادران و خواهران اسلامی که اهل نظر می باشند انتظار می رود متن آن را که زیربنای حکومت آینده کشور است به دقت مورد مطالعه قرار دهند و نظریات خودشان را اعلام فرمایند.

طبیعی است که مسلمان واقعی هم از مسامحه و مجامله به دور است و هم از تعصب‌های جاهلانه، و هدفی جز روشن شدن حق و حقیقت ندارد. اینجانب نیز به سهم خود نسبت به چند اصل از اصول آن، نکته‌هایی را تذکر می دهم و از برادران و خواهران اسلامی بخصوص برادران اهل سنت استدعا دارم منصفانه و برادرانه قضاوت فرمایند.

۱ - اصل ۱۳ چنین است:

دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری است که مذهب اکثریت مسلمانان ایران است. و مذاهب دیگر اسلامی اعم از زیدی، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی معتبر و محترم است و در مناطقی که مسلمانان پیرو این مذاهب اکثریت دارند مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق این مذاهب خواهند بود ولی در احوال شخصی و در تعلیم و تربیت دینی هر مسلمانی در هر نقطه از ایران بر طبق مذهب اسلامی خود عمل می کند.

این اصل بسیار منصفانه تنظیم شده است، فقط جمله ذیل لازم است اضافه شود: و این اصل تا ظهور حضرت ولی عصرعجل الله فرجه باقی است و به هیچ نحو قابل تغییر نیست.

در اینجا دیده می شود بعضی از برادران اهل سنت اصرار دارند که به (اسلام) اکتفا شود و از مذهب نامی به میان نیاید و می گویند: تسنن و تشیع واژه‌هایی است که خود ساخته ایم، در اینجا خاطر برادران و خواهران را به دو نکته متوجه می کنم:

۱ - با اینکه مسلمین همه برادرند و در اسلام شرکت دارند ولی انشعاب مسلمین به مذاهب مختلفه واقعیتی است انکار ناپذیر. فقه جعفری با فقه شافعی یا مالکی یا حنبلی تفاوت دارد و همچنین خود مذاهب چهارگانه اهل سنت با یکدیگر اختلاف دارند و قهراً هر مسلمانی در

مقام عمل یکی آن‌ها را مقیاس عمل خود قرار می‌دهد و در نتیجه چون اکثریت قاطع مردم تابع فقه جعفری هستند باید در شئون مربوط به آنان چه در مجلس قانون‌گذاری و چه در دادگستری فقه جعفری مورد عمل قرار گیرد بدون اینکه حقوق سایر برادران تزییع شود، و این امر به خوبی در متن اصل ۱۳ ملحوظ شده است؛ چنانچه در هر یک از کشورهای اسلامی دیگر چون مراکش، مصر، عربستان سعودی، یمن، عمان، پاکستان، افغانستان و اندونزی یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت مذهب رسمی است بدون اینکه مزاحم سایر مذاهب باشند.

چرا وقتی که یکی از مذاهب چهارگانه حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی بر اساس اکثریت پیروان در کشوری رسمیت پیدا می‌کند اشکالی در میان نیست ولی هنگامی که مذهب جعفری که متکی بر فقه اهل بیت پیغمبر است بر مبنای اکثریت پیروان مذهب رسمی تلقی می‌شود داد و فریاد راه می‌افتد؟!.

نکته دوم: واژه «شیعه» چیزی نیست که ما ساخته باشیم بلکه ریشه آن در کلام پیغمبر اکرم (ص) است، از باب نمونه جلال الدین سیوطی در کتاب در المنثور در تفسیر سوره بینه می‌فرماید: «و اخرج ابن عساکر عن جابر بن عبدالله قال كنا عند النبي صلى الله عليه و آله فاقبل علي (ع) فقال النبي (ص): والذی نفسی بیده ان هذا و شیعته لهم الفائزون یوم القیامه. و اخرج ابن عدی عن ابن عباس قال لما نزلت «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه» قال رسول الله (ص) لعلی (ع) هو انت و شیعته یوم القیامه راضین مرضیین».

و در حدیث معروف «ثقلین» از طرق شیعه و سنی به نحو تواتر از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده است، چنانچه مسلم و ترمذی و احمد حنبلی و بسیاری دیگر از مؤلفین اهل سنت از سی و چهار نفر از اصحاب پیغمبر از جمله: زید بن ارقم، ابوسعید خدری و جابر بن عبدالله از پیغمبر (ص) نقل کرده‌اند و خلاصه مجموع متون نقل شده بدین مضمون است:

«من از میان شما می‌روم و دو چیز نفیس در میان شما باقی می‌گذارم که اگر بدان‌ها تمسک جوئید گمراه نخواهید شد (کتاب خدا و عترت من)، این دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا بر من وارد شوند». در این حدیث شریف عترت پیغمبر در عرض کتاب خدا قرار داده شده که باید امت پیغمبر بدان تمسک جویند و بدین وسیله راه حق پویند.

و از این جهت است که شیعه امامیه قرآن مجید و سنت پیغمبر و دستورات عترت آن حضرت را اساس فقه خود قرار داده‌اند؛ پس مساله تشیع و پیروی از امامان شیعه خود ساختگی نیست بلکه ریشه آن فرموده‌های پیغمبر اکرم (ص) است و در حقیقت شیعه امامیه به کتاب خدا و سنت پیغمبر عمل می‌کنند و سنت آن حضرت را از راه عترت و اهل بیت آن حضرت به دست می‌آورند، و اهل البیت اداری بما فی البیت.

آری فقه عترت و اهل بیت پیغمبر در مقایسه با فقه فقهاء دیگر همچون ابوحنیفه، مالک بن انس، شافعی و احمد حنبل به واقع و سنت واقعی پیغمبر نزدیکتر است.

و لکن سیاست‌های طاغوتی و شیطانی خلفای اموی و عباسی اهل بیت پیغمبر را کنار زدند و نسبت به آنان سانسور شدید اعمال می‌شد و قهراً پیروان آنان در اقلیت قرار گرفتند، و امامان شیعه با اینکه خود را احق می‌دانستند ولی برای حفظ اتحاد و وحدت کلمه و عظمت و شوکت مسلمین سفارش می‌کردند که شیعیان آنان با سایر مسلمین همگام باشند و رفت و آمد خود را حفظ کنند و در جماعت و جمعه آنان شرکت نمایند تا مبادا دشمنان اسلام از تفرق و اختلاف آن‌ها سوء استفاده نمایند، و همین است وظیفه همه مسلمین در عصر حاضر و گرنه استعمارگران شرق و غرب از آب گل آلود ماهی می‌گیرند. بالاخره ما بر حسب وظیفه اسلامی و دستور ائمه اطهار سلام الله علیهم دست همه برادران مسلمان خود را می‌فشاریم ولی این وظیفه مانع از آن نیست که آنچه را که انسان تشخیص می‌دهد حقیقت است بیان نکند، زیرا کتمان حقیقت خود گناهی است بزرگ.

«ان الذین یکتُمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون»

تا اینجا مربوط بود به اصل سیزدهم، و ضمناً از اطلاع سخن معذرت می‌خواهم.

- ۲ - آنچه در ذیل اصل ۱۴۷ قید شده: «درخواست مراجعه به آراء عمومی باید از طرف رئیس جمهور یا دو سوم نمایندگان مجلس شورای ملی باشد» بهتر است ذیل اصل ۱۷ ذکر شود.
- ۳ - در اصل ۲۶ راجع به آزادی تشکیل انجمن‌های دینی باید قید شود: دین‌های رسمی کشور، زیرا ادیان غیر رسمی ممکن است از این اصل سوء استفاده کنند.
- ۴ - در اصل ۴۶ که مراتع از اموال عمومی شمرده شده است لازم است مراتع وابسته به دهات که جزء مرافق آن‌ها محسوب است استثناء شود، زیرا مالکین دهات به این قبیل مراتع احقند و جنبه عمومی ندارد.
- ۵ - در اصل ۴۸ اهمال شرایط انتخاب شوندگان درست نیست، بلکه لازم است شرایط آن‌ها از جهت سن و مذهب و سواد داشتن و آشنابودن به مسائل اسلامی و حسن سابقه اخلاقی و دینی ذکر شود.
- ۶ - در اصل ۷۶ راجع به شرایط رئیس جمهور باید اضافه شود: «چون اکثریت قاطع ملت ایران جعفری مذهبند رئیس جمهور باید جعفری مذهب و دارای حسن سابقه اخلاقی و دینی و کاملاً آشنا به مسائل اسلامی و چه بهتر که مجتهد باشد در مسائل اسلامی»، و همچنین در اصل ۱۰۶ راجع به شرایط نخست‌وزیر.

۷- پس از اصل ۱۲۵ یک اصل اضافه شود و در آن شرایط افسران و سران ارتش از جهت مذهب و اخلاق ذکر شود.

۸- در فصل هشتم راجع به قضات یک اصل اضافه شود و در آن شرایط قاضی از جهت مذهب و اخلاق عمومی و آشنایی به مسائل اسلامی ذکر شود و اینکه بالاخره باید قضات از طرف مجتهدین تعیین شوند.

۹- در اصل ۱۴۲ راجع به شورای نگهبان قانون اساسی گفته شده که تشکیل می شود از پنج نفر علمای طراز اول منتخب از میان علمای پیشنهاد شده از طرف مراجع تقلید و شش نفر از صاحب نظران منتخب از طرف مجلس شورا.

در نتیجه علمای طراز اول که باید نظارت کنند بر قوانین موضوعه در مجلس، در این شورا در اقلیت می باشند در صورتی که در قانون اساسی سابق علمای طراز اول مستقل بودند و حق «وتو» داشتند نسبت به قوانین موضوعه.

از خداوند متعال موفقیت و پیروزی همه مسلمین را چه در ایران و چه در سایر کشورهای اسلامی مسألت می نمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۲۷ رجب ۱۳۹۹ - قم، حسینعلی منتظری

دومین پیام:

بسمه تعالی

برادران و خواهران

پس از انتشار پیش نویس قانون اساسی ایران به همه برادران و خواهران تذکر دادم که چون قانون اساسی زیربنای سیاست آینده کشور است لازم است اهل نظر به مقدار امکان در اصول آن دقت کنند و بدون اعمال حب و بغض بلکه فقط به منظور کتمان نکردن حقیقت آنچه را به نظرشان می رسد تذکر دهند و خود اینجانب نیز در نظر سطحی اول نکته‌هایی را تذکر دادم و اینک باز نکته‌هایی را یاد آور می شوم:

۱- چون انقلاب اسلامی ایران راحت و رایگان به دست نیامد بلکه متجاوز از سی هزار شهید و هزاران مجروح و میلیاردها تومان خسارت بجای گذاشت و ایمان، استقامت، اتحاد و همبستگی همه اقشار ملت و رهبری علما و روحانیین متعهد و مسئول بخصوص حضرت

آیت الله العظمی آقای خمینی مدظله العالی مهمترین عوامل پیروزی نهضت بود، لذا لازم است قبل از هر چیز در مقدمه قانون اساسی تاریخچه مختصری از اختناق، فشارها، ظلم و جنایات، زندان‌ها و شکنجه‌های دوران پهلوی و سپس قیام ملت و برخوردها، درگیری‌ها و خسارات جانی و مالی و بالاخره عوامل پیروزی ملت ذکر شود تا نسل آینده متوجه فداکاری‌های نیاکان خود گردد و در حفظ و حراست دست آوردهای انقلاب کوتاهی نکند.

۲ - در اصل ۳ ذکر شده است: «آراء عمومی مبنای حکومت است» این نحو تعبیر با دموکراسی غربی که پای بند ضوابط خاصی نیستند بیشتر قابل انطباق است، فرض می‌کنیم پس از تشکیل شوراها آراء عمومی ربا و یا شرب خمر را تجویز کردند آیا ما آن را تجویز می‌کنیم؟ باید این اصل بدین نحو تصحیح شود «آراء عمومی بر اساس قوانین حیات بخش اسلام مبنای حکومت است».

۳ - در اصل ۴ معنویت و اخلاق اسلامی را مبنای روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار می‌دهد - معنویت و اخلاق اسلامی بجای خود، ولی ما در اسلام نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی صریحاً قانون داریم پس باید در این اصل به دنبال معنویت و اخلاق کلمه «قوانین» اضافه شود.

۴ - در اصل ۱۳ ذکر شده است:

دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری است، که مذهب اکثریت مسلمانان ایران است، و مذاهب دیگر اسلامی اعم از زیدی، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی معتبر و محترم است و در مناطقی که مسلمانان پیرو این مذاهب اکثریت دارند مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق این مذاهب خواهد بود الخ....

اولا به دنبال کلمه جعفری کلمه اثناعشری باید اضافه شود زیرا اسماعیلیان نیز جعفری مذهبند.

ثانیا در عداد مذاهب دیگر باید مذهب اسماعیلی نیز اضافه شود.

ثالثا در آخر این اصل باید اضافه شود: «این اصل تا ظهور حضرت ولی عصر عجل الله فرجه باقی است و به هیچ نحو قابل تغییر نیست، نه رفراندوم در آن راه دارد و نه مجلس موسسان».

در اینجا بسیاری از برادران اهل سنت اصرار دارند که در این اصل به اسلام اکتفاء شود و نامی از مذهب خاص به میان نیاید، با عرض معذرت به عرض می‌رساند:

اولا اختلاف در اصول اساسی اسلام یعنی توحید و نبوت و معاد راه ندارد و همه مذاهب در اصول اتفاق دارند و همه پیرو قرآنند و از دستورات محکم قرآن سربلندی نمی‌کنند و اجازه جنگ و نزاع هم ندارند.

و ثانیا ما هم از تشنگی و تفرق رنج می‌بریم و چه بسا همین اختلاف مذاهب اسلامی

دراعصار گذشته راهی برای نفوذ دشمنان اسلام بوده است و پیروان خام مذاهب را به جان یکدیگر می انداختند.

ولی چه باید کرد که در مقابل عمل انجام شده فرار گرفته ایم زیرا تقسیم شدن مسلمین به مذاهب مختلفه و اینکه اهل هر مذهبی برای خود یک روش فقهی خاصی را اختیار کرده اند واقعیتی است انکار ناپذیر و این موضوع به دست من و شما نیست و امری هم نیست که تازه رخ داده باشد بلکه این تفرق و اختلاف بلافاصله پس از پیغمبر اکرم (ص) شروع شد و در اواخر قرن دوم به اوج خود رسید و البته مذاهب فقهی خیلی بیش از اینها بود تا اینکه در اواخر قرن چهارم مذاهب اهل سنت در چهار مذهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی منحصر شد و سایر مذاهب فقهی را کنار زدند و فعلا در عصر ما آنچه عملا وجود دارد تقریبا مذاهب هفت گانه: اثناعشری، زیدی، اسماعیلی، حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی است.

اینک ما از برادران اهل سنت می پرسیم چه کنیم؟ فردا که مجلس شورای ملی و یا در دادگستری لازم می شود بر اساس فقه اسلام قانونی را تصویب کنند و یا حکمی را صادر نمایند، کدام یک از روشهای فقهی موجود را اساس قرار دهند؟

آیا با اینکه اکثریت قاطع ایران تابع فقه جعفری هستند فقه حنفی یا شافعی را مثلا اساس قرار دهند و فقه جعفری را کنار بزنند در صورتی که شیعه امامیه فقه خود را از طریق عترت و اهل بیت پیغمبر گرفته است و معتقد است که چون در حدیث ثقلین (که میان دو فریق شیعه و سنی متواتر است) عترت و اهل بیت پیغمبر در کنار کتاب خدا حجت قرار داده شده، تمسک بدانها واجب شده است.

بنابراین فقه عترت پیغمبر از فقه ابوحنیفه و مالک و شافعی و احمد حنبل که نه در عصر پیغمبر بوده اند و نه نسبت به آنها از طرف پیغمبر سفارشی شده است برای کشف سنت واقعی پیغمبر بیشتر مورد اعتماد است، آیا فردا برای هر قانونی از قوانین اسلام که در مجلس شورا و یا در دادگستری مورد احتیاج می شود شروع کنیم جنگ شیعه و سنی راه بیندازیم، یکی طرفدار فقه جعفری شود و یکی دیگر طرفدار فقه شافعی؟

آیا چون در اسلام مذاهب فقهی مختلفی پیدا شده بطور کلی از فقه اسلام صرف نظر کنیم؟! چه باید کرد؟!؟

آیا می فرمایید شیعه امامیه ایران بگذارند ایران هم به سرنوشت عراق دچار شود؟ زیرا در عراق با اینکه جنبش استقلال طلبی به رهبری علمای شیعه بود و اکثریت ملت عراق هم شیعه مذهبند ولی بالاخره حکومت عراق فقه حنفی را محور عمل قرار داد و کلاه شیعیان پس معرکه ماند.

آیا چون اسلام به وحدت و اتحاد دعوت کرده است شیعه امامیه باید از فقه عترت و اهل بیت پیغمبر صرف نظر کنند و فقه ابو حنیفه یا شافعی را مثلا محور عمل قرار دهند تا اتحاد برقرار شود؟

بالاخره وجود مذاهب مختلف فقهی در ایران واقعیتی است انکار ناپذیر و تغییر آن هم در شرایط فعلی غیر ممکن است، اکثریت ایران عملا تابع فقه جعفری هستند و کردستان تابع فقه شافعی و اهل سنت بنادر و جنوب خراسان تابع فقه حنفی و هر فرقه ای فقه خودشان را صحیح می دانند و دیگران را تخطئه می کنند و جبر و اکراهی هم در میان نیست.

آیا در این صورت راهی هست جز اینکه بگوییم همه مذاهب معتبر و محترمند و پیروان هر مذهبی به فقه خودشان عمل کنند و جنگ و درگیری هم نباید در میان باشد؟ و این است مفاد اصل ۱۳ اگر شما راه عملی معقولانه بهتری سراغ دارید بفرمایید، پس نزاع در اصل ۱۳ غلط و بیهوده است.

۵ - اصل ۱۶ چنین است: «قوای ناشی از حق حاکمیت ملی عبارتند از قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه مجریه که باید همیشه مستقل از یکدیگر و ارتباط میان آن‌ها بر طبق این قانون به وسیله رئیس جمهور برقرار گردد.» در اینجا توجه به یک نکته دقیق لازم است.

خداوند عزوجل همه افراد بشر را مستقل و آزاد خلق کرده است، همه مخلوق خدا، همه ملک خدا و وابسته به وجود خدا می باشند، خدا بر همه موجودات تکوینا تسلط دارد و همه پرتو وجود اویند.

و هیچ یک از افراد بشر نسبت به یکدیگر تسلط و اختیار ندارند حتی پیامبران خدا از جهت پیامبری فقط حق ابلاغ دستورات خدا را دارند و نه حق حاکمیت، حق حاکمیت و فرماندهی اولاد و بالذات منحصر است به خدایی که همه ملک اویند و تار و پود وجودشان به او وابسته است. «ان الحکم الا لله» (سوره یوسف) ولی اگر خداوند که حاکم است به کسی حق حاکمیت بدهد و او را خلیفه و جانشین خود قرار دهد، او حاکم و فرمانروا می شود و همه باید از او اطاعت کنند، چنانچه خداوند در حق داود علیه السلام می فرماید: «یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق» (سوره ص) داود ترا خلیفه قرار دادیم در زمین پس میان مردم به حق حکم کن. از این آیه شریفه به دست می آید که اگر داود خلیفه نبودی حق حکم و قضاوت نداشتی و همچنین در قرآن راجع به پیامبر اسلام می فرماید: «النبی اولی بالمومنین من انفسهم» در این آیه شریفه ولایت و سلطه حاکمیت پیغمبر اسلام نسبت به مومنین از طرف خدا تثبیت شده و اگر جنبه ولایت برای حضرتش نبود فقط پیغمبر بود و حق حاکمیت نداشت و به عقیده شیعه امامیه، پیغمبر اکرم این حق حاکمیت را از طرف خدا در روز غدیر خم به علی(ع)

تفویض کرد و چنانچه فرمود: «الست اولی بکم من انفسکم؟ قالوا بلی، قال من کنت مولاه فهذا علی مولاه. دقت شود که پیغمبر اکرم (ص) در تفویض ولایت به علی (ع) تکیه بر ولایت خود کرد نه بر نبوت خود، و بالاخره پس از علی (ع) ولایت به فرزندان علی (ع) یکی پس از دیگری تفویض شد تا امام دوازدهم و در زمان غیبت کبری آن حضرت به کسانی که دارای شرایط ذیل باشند تفویض شده:

۱ - متخصص و کارشناس مسائل اسلامی باشند. (فقیه و مجتهد)

۲ - عادل و با تقوی باشند.

۳ - آشنا به حوادث و مسائل روز باشند.

این است عقیده شیعه امامیه، پس ولایت و حق حاکمیت فقیه از ناحیه امام است و حق حاکمیت امام از ناحیه پیغمبر و حق حاکمیت پیغمبر از ناحیه خدا و حق حاکمیت خدا بالذات است و از آثار مالکیت تکوینی است که نسبت به همه مخلوقات خود دارد.

اگر از طرف خدا یا حاکمی که از طرف خدا ولو با واسطه حاکم قرار داده شده دستوری صادر شود (چه در مقام قانون گذاری و چه در مقام قضاوت و فصل خصومت) انسان چون خودش را وابسته به خدا و ملک خدا می داند وجداناً خود را موظف می داند که دستور نامبرده را اطاعت کند و اگر اطاعت نکند خودش را شرمنده و گناهکار می داند ولی اگر از طرف شخصی که مثل خود اوست دستوری صادر شود انسان بر حسب وجدان خودش را موظف به اجرای آن نمی داند. و به عبارت دیگر: دستور خدا و یا حاکمی که از طرف خدا باشد در وجدان انسان معتقد به خدا ضامن اجرا دارد ولی دستور دیگران در وجدان انسان ضامن اجرا ندارد و دستوری که در وجدان انسان ضامن اجرا و پشتوانه ندارد بی ارزش است.

ضمناً یادآوری می شود که یک سنخ قوانین و دستورات کلی داریم که از طرف خدا به وسیله وحی تعیین شده و کارشناس استنباط و تشخیص آن در زمان غیبت، فقیه عادل است (احکام فقهی) و یک سنخ قوانین و دستورات جزئی است که حاکم بر حق هر زمان بر حسب مقتضیات و شرایط و احتیاجات در منطقه حکومت خود قرار می دهد (احکام ولایتی) و بالاخره از آنچه به نحو فشرده و فهرست وار بیان کردیم نتیجه می گیریم که حکومت و قضاوت و تشخیص قوانین کلی و جعل قوانین و دستورات جزئی در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف به فقیه عادل آشنا به حوادث و مسائل روز تفویض شده، در خطبه منسوب به حضرت سید الشهداء روحی و ارواح العالمین له الفداء وارد است: مجاری الامور بید العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه.

و بالاخره حکومت و قانون باید به فقهای عادل و آشنا به حوادث و مسائل روز باشند منتهی شود و قوه مجریه هم باید زیر نظر و فرمان آنان باشد و در حقیقت قوه مجریه نمایندگان

آنان می باشند و از خود استقلالی ندارند و قضاوت هم حق فقیه و یا منصوب از ناحیه اوست، پس سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه به یکدیگر مربوطند و از یکدیگر جدا نمی باشند و هر سه به فقیه عادل آشنا به مسائل روز منتهی می شوند. این اجمالی بود از مطلب، و تفصیل و ذکر ادله آن در این نامه مختصر میسر نیست.

از آنچه گذشت چند نتیجه به دست می آید:

۱ - قوای سه گانه از یکدیگر جدا نیستند و رابط همه آنها فقیه عادل آشنا به مسائل روز می باشند و اگر بنا است رابط آنها رئیس جمهور باشد پس باید رئیس جمهور فقیه عادل و یا منصوب از ناحیه او باشد.

۲ - نمایندگان مجلس که قوه مقننه می باشند یا باید خودشان فقیه عادل آشنا به مسائل روز باشند و یا قانونی را که تصویب می کنند باید به نظر فقیه عادل برسد و او تصویب کند و از این جهت در اصل دوم متمم قانون اساسی سابق با اینکه در زمان طاغوتها تصویب شده بود قید شده که باید پنج نفر علمای طراز اول در مجلس باشند و آنان بر قوانین مصوبه مجلس صحه بگذارند و اگر صحه نگذارند جنبه قانونی ندارد، ولی متأسفانه این اصل در قانون اساسی فعلی حذف شده و به جای آن دو اصل ۱۴۴ و ۱۴۵ ذکر شده که ناقص و ناتمام است چنانچه در جای خود اشکالات و نواقص آنها را روشن خواهیم کرد.

۳ - رئیس جمهور یا باید فقیه عادل آشنا به مسائل روز باشد و یا از طرف او منصوب شود و زیر نظر او انجام وظیفه کند.

۴ - حق حکم به انحلال مجلس شورا، توشیح قوانین، فرماندهی نیروهای نظامی، اعلان جنگ، متارکه جنگ، عفو عمومی و یا تخفیف مجازات مربوط به فقیه عادل آشنا به حوادث و مسائل روز است و اگر بنا است مربوط به رئیس جمهور باشد پس باید رئیس جمهور فقیه عادل و یا اقلماً منصوب از ناحیه او باشد.

۵ - قضات یا باید فقیه عادل باشند و یا اقلماً منصوب از ناحیه او و شخصاً آشنا به مسائل و احکام اسلام باشند.

۶ - ذیل اصل ۱۴۷ راجع به درخواست مراجعه به آراء عمومی بهتر است در ذیل اصل ۱۷ ذکر شود.

۷ - اصل ۲۲ چنین است: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد در برابر قانون مساویند» لازم است اضافه شود مگر در مواردی که اسلام بر حسب اقتضاء و استعداد ذاتی برای هر کدام حکم خاصی قرار داده باشد.

۸ - اصل ۲۶ چنین است: «تشکیل احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های دینی، سیاسی و صنفی آزاد است» لازم است به دنبال کلمه «دینی» قید شود: از ادیان رسمی و گرنه دین‌های

غیر رسمی سوء استفاده می کنند.

۹ - اصل ۴۶ «منابع زیر زمینی و دریایی و معادن و جنگل‌ها و بیشه‌ها و رودخانه‌ها و آبهای عمومی دیگر و اراضی موات و مراتع از اموال عمومی است»
اولاً: جنگل‌ها معمولاً از اموال عمومی است ولی کلمه «بیشه» اصطلاحاً بر مجتمع اشجاری که از طرف مالکین خصوصی احداث شده باشد اطلاق می شود بنابراین بیشه‌ها از اموال عمومی نیست.

ثانیاً: از اراضی موات و مراتع آنچه حریم املاک شخصی و از مرافق آنها محسوب می شود مانند راه‌ها، ممر سیل‌ها و چراگاه گوسفندان دهات، مالکین نسبت به آنها احقند و از اموال عمومی نیست.

۱۰ - در اصل ۴۸ ذکر شده «شرایط انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان را قانون معین خواهد کرد».

شرایط اساسی انتخاب شوندگان از جهت سن و مذهب و تقید به آداب و اخلاق مذهبی و حسن سابقه دینی و اخلاقی و آشنا بودن به مسائل اسلامی در غیر اقلیت‌های مذهبی لازم است در خود قانون اساسی تعیین شود بخصوص که پس از تصویب قانون اساسی بلافاصله برای مجلس اول مورد نیاز است.

۱۱ - اصل ۷۵ چنین است: «رئیس جمهور بالاترین مقام رسمی کشور در امور داخلی و روابط بین‌المللی و اجراء قانون اساسی است و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را به عهده دارد».

سابقاً در رقم ۵ روشن شد که حکومت در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه از شئون فقیه عادل آشنا به حوادث و مسائل روز است، و او است بالاترین مقام رسمی کشور و رابط بین قوای سه‌گانه و ناظر بر همه شئون و قوای سیاسی کشور، اگر خود او ریاست جمهوری را بپذیرد او بالاترین مقام رسمی کشور است و اگر به دیگری محول کند باز خود او بالاترین مقام است و رئیس جمهور زیر نظر او انجام وظیفه می کند و چه بهتر که فقیه عادل آشنا به مسائل روز اداره امور کشور را به شورایی مرکب از سه یا پنج نفر محول کند که زیر نظر او انجام وظیفه کنند زیرا در این صورت کشور از استبداد و دیکتاتوری محفوظ تر است و بالاخره تفویض سیاست کشور به یک رئیس جمهور بدون در نظر گرفتن ولایت و حکومت فقیه عادل سبک حکومت غربی است و با اسلام بخصوص مذهب شیعه اثنا عشریه سازگار نیست.

۱۲ - اصل ۷۶ چنین است: «رئیس جمهور باید مسلمان و ایرانی الاصل و تابع ایران باشد».
تنظیم این اصل با این کیفیت بسیار عجیب است، اگر در ریاست جمهوری که مطابق

اصل ۷۵ بالاترین مقام رسمی کشور است به صرف مسلمان و ایرانی قناعت کنیم فردا هر بی سر و پای با پول و تاکتیک و پروپاگاندا خود را به این مقام والا می‌رساند. مگر این همه پادشاهان جبار و طاغوت، مسلمان و ایرانی نبودند و به زیارت عتبات عالیات نمی‌رفتند؟! پس چه فرقی است بین حکومت اسلامی و حکومت‌های جابراجه سابق؟ اگر بنا است حکومت اسلامی در کشور برقرار باشد حکومت اسلام در زمان غیبت حضرت حجت(ع) از شئون فقیه عادل آشنا به مسائل روز است و اگر خود او عنوان ریاست جمهوری را بپذیرد چه بهتر و گرنه رئیس جمهوری زیر نظر او انجام وظیفه می‌کند و بالاخره رئیس جمهوری باید دارای چند شرط باشد:

۱ - مسلمان باشد.

۲ - عاقل باشد.

۳ - دارای عدالت و تقوا و حسن سابقه دینی و اخلاقی باشد.

۴ - یا فقیه عادل آشنا به مسائل روز باشد و یا زیر نظر او انجام وظیفه کند و شخصاً به مسائل اسلامی و مسائل روز آشنا باشد.

۵ - چون اکثریت قاطع جمعیت کشور شیعه اثناعشری می‌باشند رئیس جمهور باید دارا و مروج این مذهب باشد.

۶ - بر حسب اجماع فقهاء و حدیث نبوی «لا یفلح قوم ولیتهم امراه» رئیس جمهور باید مرد باشد، در اینجا ممکن است برخی روشنفکران خدشه کنند و یا به ساحت مقدس خواهران برخورد کند ولی حقیقت باید گفته شود چون کتمان حقیقت خود گناهی است بزرگ، بر حسب فقه شیعه امامیه بلکه فقه اسلام و اخبار وارده حکومت و قضاوت برای خانم‌ها نیست و این نه به خاطر بی احترامی به ساحت مقدس خواهران و یا نادیده گرفتن حقوق آنان می‌باشد، حکومت و قضاوت حق نیستند، بلکه تعهد و مسئولیت اند و دو بار گرانی هستند که بر دوش هرکس گذاشته شوند اگر واقعا بخواهد حق آن‌ها را ادا کند زیر بار مسئولیت له می‌شود.

لذا خدای کریم رحیم نخواست است خواهران که دارای روح لطیف و احساسات محبت آمیز هستند و جنبه‌های عاطفی و احساسی خانواده و اجتماع به عهده آنان گذاشته شده آلوده و گرفتار شوند و اعصابشان زیر بار سنگین مسئولیت خرد شود.

در اینکه جنبه تفکر و تدبیر و مآل اندیشی نوعاً در مردان بیشتر و جنبه‌های عاطفی و محبت و احساس نوعاً در خانم‌ها بیشتر است شکی نیست، البته ممکن است احیاناً خانمی از جهت تعقل و تفکر از مردی جلو باشد و بالعکس مردی در جهات عاطفی از زنان کمتر نباشد ولی حکم تابع اکثریت است.

زن هر چند با سواد و درس خوانده و دنیا دیده باشد بالاخره نوعاً زود رنج و سریع التاثر

است و در مقابل تبلیغات و یا التماس و لابه تحت تاثیر واقع می شود ولی شخص حاکم و یا قاضی باید بردبار، محکم و بی تفاوت باشد وگرنه ممکن است به طرف باطل بلغزد و تحت تاثیر تبلیغات غلط و یا التماس و لابه طرف واقع شود پس این بار سنگینی را که جز تعهد و مسئولیت چیزی نیست بدوش خانمها گذاردن نسبت به آنها ظلم و ناروا است. این حقیقت را روش دنیا نیز ثابت می کند زیرا می بینیم در دنیای غیراسلامی از شرق و غرب با اینکه تقید به مردبودن رئیس جمهور یا نخست وزیر یا قاضی ندارند ولی عملاً ریاست جمهوری یا نخست وزیر یا قضاوت نوعاً به عهده مردان گذاشته می شود و آنها حائز این مقامها می گردند و این نیست مگر برای اینکه استعداد ذاتی مردان برای تحمل بار مسئولیت بیشتر است و بالاخره اطمینان دارم خواهرانی که مقید به دستورات اسلام می باشند از بیان دستورات اسلامی نمی رنجند و به جان و دل احکام خدا را می پذیرند.

۱۳ - در اصل ۸۲ در سوگند نامه رئیس جمهور ذکر شده است: «قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است» چون گفتیم رئیس جمهور یا باید مجتهد و فقیه عادل باشد و یا از ناحیه او تعیین شود پس در سوگند ذکر شود: قدرتی را که از ناحیه ائمه اطهار و یا از ناحیه رهبر مذهبی با تایید ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده شده است.

۱۴ - اصل ۸۳: «توشیح قوانین با رئیس جمهور است» چون حکومت اسلامی است و قوانین کشور باید براساس قوانین اسلام باشد پس رئیس جمهور یا باید مجتهد و فقیه باشد و یا منصوب از طرف فقیه و شخصاً آشنا به مسائل اسلامی باشد تا حق توشیح داشته باشد.

۱۵ - اصل ۱۰۲: «هرگاه رئیس جمهور به خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور متهم شود مجلس شورای ملی باید به اتهام او رسیدگی کند و اگر سه چهارم همه نمایندگان مجلس رای به تعقیب او دادند هیات عمومی دیوان عالی کشور به اتهام رسیدگی و بر طبق قوانین عمومی مجازات او را معین می کند» این تبعیض بر خلاف اسلام است اگر فرضاً رئیس جمهور مرتکب گناه و جرم علنی شد چرا دستگاه قضایی نتواند او را تعقیب کند و تعقیب او توقف بر رای سه چهارم نمایندگان داشته باشد.

۱۶ - اصل ۱۰۶: «هیچ کس نمی تواند به مقام نخست وزیر و وزارت برسد مگر اینکه مسلمان و ایرانی الاصل و تابع ایران باشد.»

۱ - نخست وزیر و وزراء باید مسلمان باشند.

۲ - چون اکثریت جمعیت ایران شیعه مذهبند نخست وزیر و وزراء باید شیعه مذهب باشند.

۳ - باید آشنا به مسائل و دستورات اسلام باشند.

۴ - باید دارای تقوا و حسن سابقه دینی و اخلاقی باشند.

۵ - باید با سواد باشند.

۱۷ - اصل ۱۱۲: «نخست‌وزیر و وزیران در صورتی که متهم به خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور گردند اتهام آن‌ها در مجلس مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و چنانچه اکثریت مجلس رای داد تعقیب متهم در هیئت عمومی دیوان عالی کشور» این هم باز تبعیض بی جایی است چرا هنگامی که نخست‌وزیر و یا یکی از وزراء مرتکب جرم و گناهی شد دستگاه قضایی کشور نتواند او را تعقیب کند و تعقیب او متوقف باشد به آراء اکثریت نمایندگان مجلس، از کجا که نخست‌وزیر با نمایندگان مجلس گاوبندی نکند و خود را از مجازات نرھاند. مگر نه این است که شریح قاضی که از طرف حضرت علی(ع) برای قضاوت نصب شده بود در نزاع حضرت علی با یک مرد یهودی حضرت علی را به محاکمه کشید.

۱۸ - اصل ۱۲۱: راجع به ارتش لازم است یک اصل اضافه شود و شرایط افسران استخدامی و سران ارتش از جهت مذهب و اخلاق ذکر شود.

۱۹ - اصل ۱۲۷: «قوه قضاییه مستقل» البته قوه قضاییه از قوه مجریه جدا و مستقل است ولی بر حسب موازین حکومت اسلامی که فقیه عادل در راس حکومت قرار دارد هر یک از قوه مجریه و قوه قضاییه زیر نظر او انجام وظیفه می‌کنند و نصب و عزل و یا تغییر محل ماموریت آنان هم به دستور او و یا نمایندگان او انجام می‌شود.

۲۰ - اصل ۱۳۰: «قضات محاکم را نمی‌توان از مقامی که شاغل‌اند بطور موقت یا دائم بدون محاکمه و ثبوت جرم منفصل کرد یا محل خدمت یا سمت آن‌ها را بدون رضای آنان تغییر داد» در حکومت اسلامی هر یک از قوه مجریه و قوه قضاییه زیر نظر حاکم که فقیه عادل است انجام وظیفه می‌کنند و حاکم می‌تواند هر که را صلاح دید عزل و یا محل ماموریتش را تغییر دهد، تغییر محل خدمت لازم نیست در اثر جرم باشد بلکه ممکن است وجود یک قاضی خاصی در محل دیگری ضرورت داشته باشد، در این صورت حاکم که هم فقیه است و هم عادل و هم آشنا به مسائل و حوادث روز او را بدان محل اعزام می‌کند.

۲۱ - در اصل ۱۳۹ می‌گوید: «شورای عالی قضایی اداره امور مربوط به قوه قضاییه اعم از استخدام و نصب و عزل قضات و تغییر محل ماموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند این‌ها را به عهده دارد، و این شورا مرکب است از:

۱ - سه نفر از مستشاران یا روسای شعب دیوان عالی کشور به انتخاب آن دیوان.
 ۲ - شش نفر از قضاتی که دارای لااقل ده سال سابقه خدمت قضایی باشند به ترتیبی که قانون معین می‌کند.

۳ - رئیس دیوان عالی کشور که ریاست شورا را نیز به عهده دارد.
 ۴ - دادستان کل کشور، اعضای انتخابی شورا به مدت پنج سال انتخاب می‌شوند» قبلاً متذکر شدیم نصب و عزل قضات و تغییر محل ماموریتشان از وظائف فقیه عادل یا نمایندگان

اوست. آری ممکن است فقیه عادل که متصدی حکومت اسلامی است شورای عالی قضایی را به کیفیت مزبور مامور اداره امور قضات بنماید ولی او هر وقت بخواهد افراد شورا را کم و زیاد کند مانعی ندارد و مقید به پنج سال نیست چه بسا برخی افراد شورا فاسد یا نامناسب درآیند، چطور ممکن است شخص فاسد الزاما تا مدت پنج سال سر کار باشد.

۲۲ - اصل ۱۴۰: «حکم انتصاب رییس دیوان عالی کشور و روسای شعب و مستشاران و دادستان کل کشور با امضای رییس جمهور صادر و سایر احکام به امضای وزیر دادگستری می رسد»، قاضی یا باید مجتهد و فقیه عادل باشد یا شخصاً آشنا به مسائل و احکام اسلام باشد و از طرف فقیه عادل منصوب گردد و اگر بناست قضات از طرف رییس جمهور یا وزیر دادگستری منصوب شوند پس قهراً رییس جمهور یا وزیر دادگستری باید فقیه عادل یا منصوب از طرف فقیه عادل باشد.

ضمناً در اینجا یک اصل باید اضافه شود و در آن شرایط قضات از جهت دین و مذهب و عدالت و اجتهاد و یا منصوب بودن از طرف مجتهد عادل، و عقل و مذكر بودن ذکر شود.

۲۳ - خلاصه از اصل ۱۴۲ و ۱۴۳: «به منظور پاسداری از قانون اساسی شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود: پنج نفر از میان مجتهدین در مسائل حقوقی، سه نفر از اساتید دانشکده‌های حقوق و سه نفر از قضات دیوان عالی کشور که به وسیله مجلس شورا انتخاب می شوند، این اشخاص برای مدت ده سال انتخاب می شوند».

اصل ۱۴۴ «شورای نگهبان به درخواست یکی از مراجع معروف تقلید یا رئیس جمهور یا رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور صلاحیت رسیدگی به قوانین را پیدا می کند مشروط به اینکه از تاریخ توشیح قانون بیش از یک ماه نگذشته باشد»

اصل ۱۴۵ «در صورتی که شورا قانون عادی را به دلیل مخالفت صریح با اصول مسلم شرعی یا سایر اصول این قانون متعارض با قانون اساسی بداند آن را برای تجدید نظر با ذکر دلایل متعارض به مجلس برمی گرداند و مجلس با توجه به دلایل ذکر شده تجدید نظر به عمل می آورد»

اصل ۱۴۶ «تصمیم‌های شورای نگهبان با رای حد اقل دو سوم اعضاء معتبر است»

خوانندگان محترم توجه دارند که شورای نگهبان در این قانون به جای پنج نفر علمای طراز اول است که در اصل دوم متمم قانون اساسی سابق ذکر شده بود ولی تفاوت بین این دو از زمین تا آسمان است: مفاد اصل دوم متمم قانون اساسی سابق این بود که پنج نفر علمای طراز اول باید در مجلس شورا حضور داشته باشند و قوانین مصوبه مجلس به نظر آنان برسد، اگر قوانین مصوبه را مخالف شرع اسلام یافتند قوانین مصوبه ارزش قانونی ندارند و از درجه اعتبار ساقط اند و به اصطلاح علمای طراز اول نسبت به قوانین مصوبه حق «وتو» داشتند ولی

شورای نگهبان در قانون فعلی که مرکب است از ۱۱ نفر پنج نفر علماء طراز اول و شش نفر از حقوق دانان منتخب از ناحیه مجلس شورا.

اولاً: در قانون ذکر نشده که این شورا در مجلس حضور دارند یا نه.

ثانیاً: خود شورا هرچند قوانین مصوبه را بر خلاف اسلام یا قانون اساسی تشخیص دهد ولی حق اظهار نظر ندارد مگر به درخواست یکی از مراجع تقلید یا رییس جمهور یا رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور که اگر یکی از این مقامها درخواست نکند قانون تصویب شده اجرا می شود ولو به نظر شورای نگهبان بر خلاف اسلام باشد.

ثالثاً: اگر یک ماه از زمان توشیح قانون بگذرد دیگر نه شورا و نه مراجع تقلید و نه سایر مقامها حق اظهار نظر ندارند ولو قانون توشیح شده صریحاً برخلاف اسلام باشد و باید اجرا شود.

رابعاً: بر فرض یکی از مقامهای مزبور از شورا درخواست کند و شورا هم اعتراض نماید شورا قوانین مصوبه را لغو نمی کند بلکه قوانین مصوبه را به مجلس برمی گردانند و مجلس تجدید نظر می کند و چه بسا مجلس اعتراض را رد نماید و قانون مورد اعتراض را تصویب کند هرچند به نظر شورا و مراجع تقلید و سایر مقامهای مزبور برخلاف اسلام باشد.

خامساً: اگر فرضاً هر پنج نفر علمای طراز اول قانون مصوب را بر خلاف بدانند ولی شش نفر دیگر سکوت کنند یا برخلاف اسلام ندانند نظر علمای طراز اول بی اثر می شود و قانون تصویب می گردد.

سادساً: اگر فرضاً دو نفر از حقوق دانان نیز با علمای طراز اول هم رای شوند و چهار نفر دیگر سکوت یا مخالفت کنند باز نظر هفت نفر بی اثر خواهد بود.

سابعاً: اگر خود مراجع تقلید قوانین مصوبه را برخلاف اسلام تشخیص دهند ولی شورای نگهبان سکوت کنند نظر مراجع تقلید بی ارزش خواهد بود البته این اشکال بر قانون سابق نیز وارد بود، بالاخره قانون اساسی پیشنهادی طوری تنظیم شده که مراجع تقلید و فقهای عدول که محور حکومت اسلامی می باشند نقشی در قوانین و اداره کشور ندارند.

این بود یک سلسله اشکالاتی که در نظر ثانوی به نظر اینجانب رسید. امید است مقامهای مسئول توجه کنند.

۱۴ شعبان ۱۳۹۹

قم، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۶۰: مربوط به صفحه ۴۵۸

نامه معظم له در پاسخ به نامه انجمن اسلامی مهندسين و مرحوم مهندس مهدی
بازرگان در ارتباط با مساله هدف از بعثت انبياء(ع)، مورخه ۱۳۷۲/۸/۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب آقای مهندس بازرگان دام عزه و توفيقه

پس از سلام و تحیت، مرقومه مورخه ۷۲/۷/۲۲ جنابعالی به ضمیمه نامه انجمن اسلامی مهندسين و جزوه «آخرت و خدا تنها برنامه بعثت انبياء» در تاریخ ۷۲/۸/۱۱ واصل شد و جزوه نامبرده مطالعه شد، نسبت به برخی از مسائل مطرح شده اینجانب نظر مخالف دارم. البته توجه دارید که رفتارهای غلط و ناصواب حکام نباید در قضاوت ما نسبت به اصل مسائل و ارزش‌های اسلامی تاثیر نماید.

و شرح مسائل متاسفانه در نامه نمی‌گنجد ولی اجمالا به عرض می‌رساند: در اینکه هدف عمده انبياء توجه دادن بشر به خدا و قیامت است شکی نیست، ولی بالاخره ادیان الهی بخصوص دین مقدس اسلام صلاح و سعادت انسان را در همه مراحل از بدو انعقاد نطفه تا مرحله مرگ و پس از مرگ مورد توجه قرار داده‌اند. و کلمه «یزکیهم» با دید وسیع شامل همه مراحل وجودی انسان و علل و شرایط تکامل انسان و از جمله اصلاح محیط اجتماعی برای رشد معنوی و تربیت او به نحو احسن می‌باشد. حکومت صالحه عادلانه بسیار موثر است در تربیت و تکامل انسان‌ها. و بر این اساس پیامبراکرم(ص) خود بنیانگذار یک حکومت ساده صددرصد عادلانه مناسب با زمان خود بود و برای بعد از خود نیز برنامه ریزی کرد، متنها پس از رحلت آن حضرت انقلاب الناس علی اعقابهم. مطالعه دقیق کتاب و سنت و توجه به متن احکام اسلام که در معاملات و سیاسات و جزائیات و قضاء و شهادات تشریح شده گواه بر این است که دین اسلام آمیخته با حکومت و سیاست است و حکومت جزء بافت اسلام می‌باشد.

چنانچه در هر مساله آخرالامر مساله به امام و حاکم مسلمین ارجاع می‌شود. بجاست برای تفصیل این موضوع به جلد اول ولایت فقیه اینجانب مراجعه شود. البته حکومت وسیله است نه هدف، همان طور که مرقوم داشته‌اید تکامل بشر به وسیله توجه به خدا و قیامت است. من هم مانند جنابعالی معتقدم که حکومت صحیح

و عادلانه محول به انتخاب ملت است و ادله کسانی که فقهاء را منصوب از طرف خدا می‌دانند در کتاب ولایت فقیه مورد مناقشه قرار داده‌ام. ولی چنین نیست که اسلام نسبت به اصل حکومت و شرایط حاکم بی تفاوت مانده باشد و منتخب ملت را هر که باشد پذیرفته باشد.

از کتاب و سنت هشت شرط برای فرد منتخب استفاده می‌شود (ولایت فقیه ج ۱ ص ۲۵۷ به بعد) و چون ائمه معصومین علیهم السلام به نص پیامبر اکرم و ائمه هداة در رتبه اول این شرایط بودند بر ملت لازم بود آنان را انتخاب نمایند و انتخاب دیگران انحراف از دستور اسلام بود و در اخبار ما از آنان به نام طاغوت یاد شده و قهراً حکم و جوب اطاعت شامل آنان نیست؛ و بالاخره بی تفاوت بودن مردم نسبت به سرنوشت سیاسی خود و انتخاب حاکم واجد شرایط، گناهی است بزرگ. در اخبار صحیحه انتخاب والی صالح از دعائم و ستونهای اسلام شمرده شده، از جمله صحیحه زراره از امام پنجم (ع) قال: «بنی الاسلام علی خمسة اشیاء: علی الصلاة والزكاة والحج والصوم والولاية، قال زراره: فقلت: و ای شی من ذلك افضل؟ فقال: الولاية افضل لانها مفتاحهن و الوالی هو الدلیل علیهن» الحدیث (اصول کافی ج ۲ ص ۱۸ و الوسائل ج ۱ ص ۷) توجه دارید که ولایت به معنی حکومت است نه دوستی اهل بیت، چنانچه اشتقاق کلمه والی که به معنی حاکم است بر این معنی گواه است. این حدیث شریف در مقام بیان وظائف و دستورات عملی و اجرایی اسلام است از قبیل نماز و روزه و حج و زکات و تعیین والی زمان و لذا از اصول عقاید از قبیل توحید و نبوت و معاد نامی برده نشده. پس همین طور که مردم نسبت به اقامه نماز و اعطاء زکات و انجام روزه و حج وظیفه دارند نسبت به تعیین و انتخاب حاکم صالح واجد شرایط که کلید اجراء آنهاست نیز وظیفه دارند، منتها به عقیده ما امامیه با وجود ائمه معصومین (ع) انتخاب دیگران غلط بوده. و بالاخره از سخنرانی مفصل جنابعالی استفاده می‌شود که حکومت و سیاست از متن دین جداست و این همان چیزی است که استعمارگران خارجی می‌گفته‌اند و به نظر اینجانب این اشتباه است.

ضمناً از تاخیر جواب و اطاله نامه معذرت می‌خواهم، ان شاء الله موفق باشید. از جنابعالی و همه دوستان ملت‌مس دعای خیر می‌باشم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱۳۷۲/۸/۲۶ - حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۶۱: مربوط به صفحه ۴۵۸

نامه مجدد انجمن اسلامی مهندسين و آقای مهندس مهدی بازرگان به معظم له

بسمه تعالی

تاریخ ۱۳۷۳/۸/۲۸

حضرت آیت الله جناب آقای حسینعلی منتظری دام بقائه

با سلام، بدینوسیله به اطلاع جنابعالی می‌رساند که انجمن اسلامی مهندسين در نظر دارد با برگزاری سمینار «دین و حکومت» با مشارکت صاحب نظران، دیدگاه‌های مختلف پیرامون رابطه دین و حکومت را مورد نقد و بررسی قرار دهد و در صورت امکان نظرات گوناگون و جمع بندی سمینار را تدوین و منتشر نماید.

با تقدیم فهرست عناوین مربوط به این سمینار به پیوست، خواهشمند است آمادگی خود برای شرکت در این سمینار، و دیدگاه مورد نظر برای ارائه را حداکثر تا پایان آذرماه جاری اعلام فرمایید. ضمناً در صورتی که دیدگاه دیگری مورد توجه جنابعالی است مرقوم فرمایید تا به فهرست عناوین اضافه شود.

در این سمینار هر یک از دیدگاه‌ها، مستند به منابع اسلامی و تاریخی و همچنین مقتضیات زمان ارائه و مورد بحث و تبادل نظر قرار خواهد گرفت. در صورتی که برای حضور در سمینار آمادگی نداشته باشید خواهشمند است نظرات مکتوب خود را ارسال فرمایید. این نظرات بنام خود جنابعالی در سمینار معرفی می‌شود و در صورت موافقت جنابعالی در مجموعه تدوین شده برای تکثیر و انتشار نیز اضافه خواهد شد. برنامه سمینار متعاقباً به اطلاع خواهد رسید.

امید است طرح و نقد و بررسی نظرات موجب آگاهی و آشنایی بیشتر مردم با معارف اسلامی گردیده و راه برای ایجاد تفاهم در زمینه مسائل و مشکلات فرهنگی جامعه کنونی هموار گردد.

قبلاً از همکاری شما با این برنامه صمیمانه تشکر می‌نماید.

انجمن اسلامی مهندسين

امضاء - مهر

بسمه تعالی

۷۳/۱۰/۱۰

سرور گرامی آیت الله منتظری سلام علیکم

قرار بود این نامه وسیله مبارک و بهانه سعادت بنده برای رسیدن به حضور انورتان باشد. چندی تحویل نشده بود و بعد اشتغالات عدیده و داعی نشدن فرصت برای سفر به قم باعث تاخیر گردید. حالا هم که در نظر است با دعا و اجازه جنابعالی مسافرت استعلاجی به دیار «کفر و استکبار» بنمایم، محرومیم از زیارتتان ان شاءالله برای مدت موقت قطعی شده است. چهارشنبه شب ۱۰/۷ که حضرات کرام آقایان باقی، جلالی و میرعماد با معرفی و لطف جناب آقای یوسفی اشکوری حامل تفقد و عنایات جنابعالی شده بودند، با تشکر فراوان از مراجع حضرتعالی و محبت‌های آقایان، از جناب آقای یوسفی اشکوری خواهش کردم حال که عازم دیدار و درک خدمتتان هستند حامل سلام و امتنان بنده و این نامه نیز باشند. دوستان انجمن بسیار خرسند و سرفراز خواهند شد که جنابعالی نیز این سمینار را که تاریخ موعود آن عقب افتاده ولی امید است در ماه‌های آخر سال شمسی، یا در بهار سال آینده اگر عمر و امکانی باشد تشکیل گردد ولی در هر حال زیارت مرقومه و نظریات ارزنده تان نعمت و غنیمتی خواهد بود.

از آن پیش آمد بسیار متأسف و منزجر شدیم و بحمدالله که استواری و اخلاص در راه حق حضرتعالی، جهال را سنگ روی یخ کرده است.

ایام عزت مستدام

مهدی بازرگان

بسمه تعالی

انجمن اسلامی مهندسان

تأسیس: ۱۳۳۶
شماره ثبت: ۲۲۰۹

شماره
تاریخ: ۱۳۷۳/۸/۲۸

حضرت استر

جناب آقای حسین منتظری داماد

با سلام ، بدینوسیله به اطلاع جنابعالی میرساند که انجمن اسلامی مهندسان در نظر دارد با برگزاری سمینار "دین و حکومت" با مشارکت صاحب نظران ، دیدگاه‌های مختلف پیرامون رابطه دین و حکومت را مورد نقد و بررسی قرار دهد و در صورت امکان نظرات گوناگون و جمع‌بندی سمینار را تدوین و منتشر نماید .

با تقدیم فهرست عناوین مربوط به این سمینار به پیوست ، خواهشمند است آمادگی خود برای شرکت در این سمینار و دیدگاه مورد نظر برای ارائه را حداکثر تا پایان آذرماه جاری اعلام فرمائید . ضمناً در صورتیکه دیدگاه دیگری مورد توجه جنابعالی است مرقوم فرمائید تا به فهرست عناوین اضافه شود .

در این سمینار هریک از دیدگاهها ، مستند به منابع اسلامی و تاریخی و همچنین مقتضیات زمان ارائه و مورد بحث و تبادل نظر قرار خواهد گرفت . در صورتی که برای حضور در سمینار آمادگی نداشته باشید خواهشمند است نظرات مکتوب خود را ارسال فرمائید . این نظرات بنام خود جنابعالی در سمینار معرفی میشود و در صورت موافقت جنابعالی در مجموعه تدوین شده برای تکثیر و انتشار نیز اضافه خواهد شد .

برنامه سمینار متعاقباً به اطلاع خواهد رسید .

امید است طرح و نقد و بررسی نظرات موجب آگاهی و آشنائی بیشتر مردم با معارف اسلامی گردیده و راه برای ایجاد تفاهم در زمینه مسائل و مشکلات فرهنگی جامعه کنونی هموار گردد .
قبلاً از همکاری شما با این برنامه صمیمانه تشکر می نمایم .

۷۴/۱۰/۱۸

سرور آقای ایراج منتظری سلام علیکم

در روز آینه سینه مبارک و زمانه سلامت سینه دار بودن
بعضی از بزرگان بود . بهر تقدیر نشسته بود و دیدن شما که
عبدی در آن نشسته بود و در سوختن ما را با خود نگه داشت .
که در نظرت ما را عاقلانه و عادلانه محاکمه است و هر چه برای
و بر یکبار بنوع محدودیت از زبان ایشان نشناختم ما را در صورت نظر
شعب . همدار شدت ۱۰/۱۷ که حضرت اله افان باقی -
دهانه و بر خلاف ما بودی و لطف فدای پرستی سگوار جانته
و عدالت ما با رسیده بودی ، با نگران از مردم صورتی
و بیشتر اقایان از سبب بر روی بزرگ و بزرگ حال که عام
دیوار در رک هرستان برشته ما در سیم و پنهان سینه و از سینه
نیز بسته . در میان کوش بسیار خورنده و کاردار علامه شد که
هنگامی که تیرای بسیار را که نیک و مؤمنان عقب نگاه داشتند



انجمن اسلامی مهندسان

در این مورد که در صورت نظر
و در صورتی که برای حضور در سمینار آمادگی نداشته باشید خواهشمند است نظرات مکتوب خود را ارسال فرمائید . این نظرات بنام خود جنابعالی در سمینار معرفی میشود و در صورت موافقت جنابعالی در مجموعه تدوین شده برای تکثیر و انتشار نیز اضافه خواهد شد .

برنامه سمینار متعاقباً به اطلاع خواهد رسید .

پیوست شماره ۶۲: مربوط به صفحه ۴۵۹

نامه معظم له به امام خمینی و پاسخ ایشان پس از تدوین قانون اساسی

بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران

مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

۱۳۵۸ هجری شمسی

شماره ۸۴

تاریخ ۵۸/۸/۲۴

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

رهبر انقلاب اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در دوازده فصل مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل تنظیم و با اکثریت دو سوم مجموع نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در تاریخ بیست و چهارم آبان ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت شمسی به تصویب رسیده است، به پیوست تقدیم می گردد.

رییس مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

حسینعلی منتظری

بسم الله الرحمن الرحيم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به وسیله نمایندگان محترم ملت ایران که اکثر آنان از علماء اعلام و حجج اسلام و مطلعین به احکام مقدسه اسلام بودند تهیه و به تصویب اکثریت ملت معظم رسید.

امید است ان شاء الله تعالی با اجراء و عمل به آن آرمانهای اسلامی برآورده شود و تا ظهور بقیة الله ارواحنا له الفداء باقی و مورد عمل باشد.

والسلام علی عبادالله الصالحین

سه شنبه ۷ بهمن ۱۳۵۹ - ۲۰ ربیع الاول ۱۴۰۱

روح الله الموسوی الخمینی

بیت‌میتعالی

جمهوری اسلامی ایران

مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

۱۳۵۸ خورشیدی

شماره ۸۴
تاریخ ۵۸.۸.۲۴

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

رهبر انقلاب اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در دوازده فصل، شصت و یک ماده و هفتاد و پنج
ماده تنظیم و با اکثریت دو سوم مجمع نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی
در تاریخ بیست و چهارم آبان ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت شمسی به تصویب
رسیده است. به پیوست تقدیم میگردد.

رئیس مجلس بررسی نهایی قانون اساسی
حسن مستغری

بسم الله الرحمن الرحیم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که رسیده تا بینای محترم ملت ایران که اگر آنان از علم و هدایت
و حج اسلام مطلعین با حکام متمدن و مسلم بودند تیره و تیره و تیره با اکثریت محترم و عظیم
ایستاد است. برقرار با اجرا و عمل به آن امر، نهادهای جمهوری برآوردن شود و تا ظهور حضرت
بعثت پروردگانه الهی باقی درود همیشگی و سلام عجبی در این لحظه ۷ شهریور ۱۳۵۸
۲۰ بهج اهدل ۱۴۰۱ ۲۰ بهج شهریور

پیوست شماره ۶۳: مربوط به صفحه ۴۶۰
پیام معظم له به هنگام انتشار مشروح صورت مذاکرات مجلس خبرگان و تاکید و
توصیه ایشان بر اجرای قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم

«و ان احکم بینهم بما انزل الله و لاتتبع اهلوائهم و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما
انزل الله الیک»

در سرزمین ایران که در بست در اختیار جهانخواران قرار گرفته بود، در پرتو ایمان و
استقامت ملت و همبستگی و هماهنگی همه اقشار و رهبری دایمانه و قاطعانه رهبر انقلاب
امام خمینی مدظله العالی در بهمن ۱۳۵۷ انقلاب ملت به پیروزی رسید.

و چون هر انقلابی معلول ارزش‌ها و اهداف خاصی است که انگیزه و محرک عاملان
آن می باشد انگیزه و هدف اساسی در انقلاب ایران تحقق ارزش‌های الهی و حاکمیت
قوانین اسلامی و نیل به استقلال کامل و قطع وابستگی‌های سیاسی، نظامی،
اقتصادی و فرهنگی از بیگانگان و مستعمرین بود، آنچه در شعارهای ملت در
راهپیماییها و تظاهرات چند میلیونی در طول مبارزات سخت و خونین خود از
۱۵ خرداد ۴۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ به شکل روح حاکم بر مبارزات و فداکاری‌ها به چشم
می خورد، حاکمیت اسلام و حق و عدالت و قطع هر نحو وابستگی بود؛ و با این انگیزه
مقدس و به منظور تحکیم انقلاب بود که ملت ما پس از پیروزی، اقدام به تشکیل مجلس
خبرگان و تصویب قانون اساسی نمود زیرا ملت به خوبی واقف بود که آنچه عامل
ثبات کشور و دلگرمی ملت و حافظ حقوق همه اقشار است قانون است و بس-
قانون اساسی تبلور تمام انگیزه‌ها و اهداف عالی انقلاب و شعارهای اصولی صاحبان
نهیضت و تنها سند نشان دهنده اصالت انگیزه‌ها و شعارهای انقلاب برای نسل‌های آینده
است. از این رو باید به موقعیت قانونی و تاریخی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که
با تلاش بسیاری از متفکرین و دانشمندان و مجتهدین تنظیم شد و به تایید مراجع عظام و
رهبر انقلاب و تصویب اکثریت قریب به اتفاق ملت رسید، و به اهمیت و نقش آن در حفظ
معیارها و ارزش‌های اسلامی و انسانی و ترسیم خط مستقیم انقلاب در برابر نوسانات و
جریانات چپ و راست کاملاً توجه شود.

امروز بعد از گذشت بیش از شش سال از پیروزی انقلاب و تثبیت نظام جمهوری اسلامی و گذر از حوادث تلخ و فتنه‌ها و توطئه‌های گوناگون از خارج و داخل، به اصالت و محتوای عمیق قانون اساسی که ثمره خون شهداء عظیم الشان انقلاب است پی می‌بریم. البته این بدین معنی نیست که در قانون اساسی ما که خبرگان آن هیچ تجربه‌ای از قانون‌نویسی برای یک انقلاب نوین نداشتند هیچ نقص و ضعفی وجود ندارد؛ وجود نواقص لازمه طبیعی ساخته‌های انسان‌های غیر معصوم است، و امیدواریم که شرائطی پیش آید که نواقص آن به عنوان متمم برطرف گردد.

ولی در شرائط فعلی نباید به بهانه‌های واهی و سست، ارزش‌های اسلامی و قانونی قانون اساسی که بر اساس کتاب خدا و سنت و عقل تنظیم شده سست گردد. داشتن یک قانون اساسی اصیل و عمیق و مدون و تقدیس از آن در شعارها کافی نیست و دردی را دوا نمی‌کند؛ آنچه مهم است توجه عملی در تمام شئون اداره کشور و قوای سه‌گانه آن به ارزش‌ها و محتوای آن می‌باشد.

اگر نسل معاصر انقلاب نتواند در عصر خود سند اصلی انقلابش را بر شئون مختلف کشور حاکم گرداند چه انتظاری از نسل‌های آینده (که باید انقلاب و ابعاد و شعارهای آن را از لابلای صفحات تاریخ بیابند) می‌توان داشت. اصلاً به طور کلی آنچه رابط بین همه قوا و ارگان‌های مختلف کشور است و حقوق همه اقشار و ثبات کشور را تضمین می‌کند قانون است و بس. اگر بنا باشد هر فردی و یا ارگانی بخواهد اراده و فکر خود را در محیط کارش حاکم گرداند جز هرج و مرج و اختلال نظام چیزی عاید کشور نخواهد شد، وقتی که خداوند متعال به خاتم پیمبران با همه مقام و عظمتش دستور می‌دهد: «و ان احکم بینهم بما انزل الله و لاتتبع اهوئهم و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما انزل الله الیک» (مائده، ۴۹) یعنی: «بر اساس قانون خدا بین مردم حکم کن و از خواسته‌های آنان پیروی نکن و مواظب باش ترا از قانون خدا منحرف نکنند» پس قهراً من و شما در هر مقام و پستی باشیم حق نداریم خود سرانه و یا بر اساس روابط و توصیه‌های بیجا تصمیم بگیریم و اقدام نماییم.

اینجانب ضمن تقدیر از زحمات و تلاش‌های پیگیر چهره‌های ارزنده و متفکری که در تنظیم و تصویب قانون اساسی نقش داشتند و بخصوص برادران عزیزانی که به فیض شهادت نائل شدند، از همه مسئولین کشور در قسمت‌های مختلف تقاضا می‌کنم به

منظور حفظ ثبات کشور و آرامش خاطرها و تامین حقوق همه طبقات، حرمت قانون اساسی و سایر قوانین مصوبه کشور را در همه شئون و نسبت به همه اقشار ملت حفظ کنند. و مبدا چنین باشد که ضعفاء و محرومین را به قانون محول کنیم و نسبت به طبقات بالا روابط و ملاحظات دیگر را حاکم نماییم.

حضرت امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر می فرماید:

«سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول فی غیر موطن: لن تقدس امة لایوخذ للضعیف فیها حقہ من القوی غیر متعتع» یعنی: «بارها از پیامبر خدا شنیدم ملتی که حقوق ضعیفان آن از قوتمندان با صراحت و قاطعیت گرفته نشود منزله و پاک نخواهد شد». از خدای بزرگ نصرت و عظمت اسلام و بیداری و قوت همه مسلمین و مستضعفین جهان را مسئلت می نمایم. والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله و برکاته.

۶۴/۸/۱۳، مطابق ۲۰ صفر ۱۴۰۶

حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِأَنزِلِ اللَّهُ مِنَّا الذِّكْرَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنِ بَعْضِ مَا أُنزِلَ اللَّهُ إِلَيْكَ»

در سرزمین ایران که در بست در اختیار جهانخواه‌ها قرار گرفته بود، در پیروان و پیروان ملت و همبستگی و هماهنگی هم آسار و رهبری دایمانه و قاطعانه رهبر انقلاب امام خمینی مظلوم العالی در بهمن ۱۳۵۷ - انقلاب ملت به پیروزی رسید.

در چون هر انقلاب معلول ارزشها و اهداف خاصی است که انگیزه و محرک عاملان آن می باشد انگیزه و هدف سیاسی در انقلاب ایران تحقق ارزشهای الهی و حاکمیت قوانین اسلامی و نیز استقلال کامل و قطع وابستگیهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از بیگانگان و مستعمرین بود. آنچه در شعارهای ملت در راهیماها و نظایر آن چند میلتو در طول مبارزات سخت و خونین خود از ۱۵ خرداد ۴۳ تا بهمن ۵۷ بکل روح حاکم بر مبارزات و فداکاریها یکپارچه می نمود

حاکمیت اسلام و حق و عدالت و قطع هرگونه وابستگی بود. و با این انگیزه مقدس و منظور تحکیم انقلاب بود که ملت مایس از پیروزی، اقدام به تشکیل مجلس خبرگان و تصویب قانون اساسی نمود. زیرا ملت بخوبی واقف بود که آنچه عامل ثبات کشور و دلگرمی ملت و حافظ حقوق همه اقشار است قانون است و پس. قانون اساسی تبلور تمام انگیزه که و اهداف عالی انقلاب و شعارهای اصولی صاحبان نهضت و تنها سند آن دهنده اصالت انگیزه که و شعارهای انقلاب برای نسلهای آینده است. از این رو با بدیع و قیامت قانون و تاریخی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با تلاش بسیاری از متفکرین و دانشمندان و مجتهدین تنظیم شد و بنیاد مراجع عظام و رهبر انقلاب و تصویب اکثریت قریب با اتفاق ملت رسید، و با همبستگی و نفس آن در حفظ معیار که دار ارزشهای اسلامی

۳ و این در سیم خط مستقیم انقلاب در برابر نوسانات و جریانات چپ و راست کاملاً متوجه شود .
 امروز بعد از گذشت بیست و شش سال از سرسبز شدن انقلاب و تثبیت نظام جمهوری اسلامی و
 گذر از حوادث تلخ و قهقهه‌های گوناگون از خارج و داخل با همت و محتوای عمیق
 قانون اساسی که ثمره خون شهداء عظیم الشان انقلاب است چه می‌بینیم . البته این بدین معنیست
 که در قانون اساسی ما که خبرگان آن هیچ تجربه‌ای از قانون نویسی برای یک انقلاب نوین نداشتند
 هیچ نقص و ضعفی وجود ندارد . وجود نقص لازمه طبیعی ساخته‌های انسانهاست غیر نقص است
 و امید داریم که شرانگهی پیش‌آمده در اقصای آن بعنوان هشتم بر طرف گردد .

و در دستور اطفاع بنیاد به بهانه‌های واهی دست از سرهای اسلامی و قانونه قانون اساسی که
 بر این کتاب خداوندت و عقل تنظیم شده است بردارند . در این یک قانون اساسی اصلاحی
 و بدون تقدیس از آن در شعار که کافوریت و دردی را در او نمی‌کند . آنچه مهم است توجه عمل در تمام
 شئون اداره کشور و قوای سه‌گانه آن به ارزشها و محتوای آن می‌باشد .
 اگر نسل بعدی انقلاب نتواند در عصر خود سندهای اصلاحی انقلاب را بر شئون مختلف کشور حاکم گرداند
 چه انتظاری از نسلهای آینده (که باید انقلاب و ابعاد و شعارهای آن را از لابلای صفحات تاریخ بیابند)
 می‌توان داشت . اصلاً بطور کلی آنچه را بطن همه قوای و ارگانهای مختلف کشور است و حقوق
 همه اقرب و بیات کشور را تضمین میکند قانون است و بس . اگر بنیاد سدها بر فردی و یا ارگانهای
 بخوابد اراده و فکر خود را در محیط کارش حاکم گرداند جز هرج و مرج و اختلال نظام چیزی ماند کشور نخواهد
 داشت .

۴۹ و قتیکه خداوند تعالی بخاتم پیامبران با هم تمام و عطفش دستور میدهد :
 « و ان احکم عندهم با انزل الله ولا تتبع اهل الهم و اجذرهم ان یفتنوا عن بعض ما انزل الله علیهم »
 یعنی : « بر اساس قانون خدا بین مردم حکم ~~کن~~ و از خواسته‌های آنان پیروی نکن و لوازم
 باشن سرا از قانون خدا منحرف نکنند . » پس قدر آن و ساد در تمام و بسی باشیم حق نداریم

۳

خود سرانه و یا بر اساس روابط و توصیه‌های بی‌تصمیم بگیریم و اقدام نماییم .
 این جانب ضمن تقدیر از زحمات و تلاش‌های پُر کُسر چهره‌آفرین ارزننده و تفکری که در تنظیم و
 تصویب قانون اساسی نقش داشتند و بخصوص برادران عزیز من که بفضیلت‌های نامشروع
 از همه مسئولین کشور در قسمتهای مختلف تقاضا می‌کنم بمنظور حفظ بیعت کشور و از این خطا
 و تأمین حقوق همه طبقات، حرمت قانون اساسی و سایر قوانین مصوبه کشور را در همه شئون
 و نسبت بهم اقرارت حفظ کنند، و بسیار آچنین باشد که ضعیفان و محرومین را بقانون محو
 و نسبت طبقات بالا را روابط و ملاقات دیگر را حاکم نماییم .

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه نامه ۵۳ خطاب با کاتب میفرماید :
 « سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول فی غیر موطن : ان تقدر الله لایؤخذ للضعیف
 فیها حق من القوی غیر مستعج « یعنی : « بارگاز پیغمبر خدا شنیدم ملتی که حقوق ضعیفان
 آن از قویان باصراحت و قاطعیت گرفته شود نترسد و پشیمان نخواهد شد »

از خدای بزرگ نصرت و عظمت اسلام و بیداری و قوت همه مسلمین و مستضعفین جهان را
 و السلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله وبرکاته ۱۳۱۳ ر ۴ ر ۶ مطابق ۲۰ صفر ۱۴۰۴

روح‌بخش
 نسلت



پیوست شماره ۶۶: مربوط به صفحه ۴۷۱

سند ساواک که نشان دهنده عنایت امام و مردم به معظم له می باشد.

گزارش خبر

خیلی محرمانه

صفحه یکم یک از یک صفحه

نسخه شماره چهار از پنج نسخه

۱ - به ۳۱۲

۲ - از ۲۱ هـ

۳ - شماره گزارش ۲۱ / ۱۳۰۸۲ ن

۴ - تاریخ گزارش ۵۷/۱۰/۱۳

۵ - پیوست

۶ - گیرنده خبر ۲۲ جهت استحضار

۷ - منبع ۹۷۶۹

۸ - منشأ

۹ - تاریخ وقوع اخیراً

۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع ۵۷/۱۰/۱

۱۱ - تاریخ رسیدن خبر به رهبر عملیات محل ۵۷/۱۰/۵

۱۲ - ملاحظات حفاظتی ---

موضوع: حسینعلی منتظری

طی یک سال گذشته در بین طرفداران خمینی ضمن بحث و گفتگو درباره اینکه پس از خمینی چه کسی می تواند جانشین وی و راه او را دنبال نماید نام اشخاصی از جمله سید صادق روحانی، صدوقی یزدی، شیخ حسینعلی منتظری و یا آیت الله طالقانی بر سر زبانها بوده لیکن پس از آزادی منتظری و طالقانی و انتشار نامه‌هایی که خمینی به عنوان آنان نوشته روی این دونفر بیشتر بحث و اخیراً که منتظری به مسافرت خارج به منظور ملاقات با خمینی رفته این مسئله از یک طرف و از طرف دیگر ناراحتی سید صادق روحانی که چرا خمینی نامه ای به عنوان وی نوشته موجب گردیده که نتیجه گیری شود که شخص منحصر به فردی که جانشین خمینی خواهد شد منتظری می باشد به خصوص که پس از آزادی او و اقامت در حوزه علمیه قم

درصدد پرداخت و جوهی به عنوان شهریه می باشد و چه بسا با کمک گرفتن از خمینی و طرفداران او پس از مراجعت از فرانسه اقدام به پرداخت شهریه و ایجاد زمینه مساعدی برای گسترش فعالیت‌های خود با پیروی از راه خمینی برآید.

نظریه شنبه - منتظری قبل از مسافرت به فرانسه پول‌هایی پرداخت نموده و اصولاً چون ساکن حوزه علمیه است بهتر می تواند نظریات خمینی را پیاده نماید.

نظریه سه شنبه - اخیراً آیت الله شریعتمداری و سایر آیات روی منتظری حساسیت و حتی از آزادی عملی که به وی داده شده اظهار نگرانی نموده اند. کیاوشی

آقای نهرایی

به تعداد نفرات تکثیر و ضمیمه پرونده‌های مربوطه نمایید.

۵۷/۱۰/۷ - امضاء

پیوست شماره ۶۹: مربوط به صفحه ۴۷۴

نامه آیت الله مشکینی رییس مجلس خبرگان رهبری در پاسخ به نامه معظم له

۱۳۶۴/۷/۱

در جواب نامه مورخه ۱۳۶۴/۶/۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم

سماحه الاخ الكريم آيت الله المنتظري دام وجوده الشريف و ظله النافع ان شاء الله
 پس از اهداء سلام و درخواست توفيق وافر و ذات الابعاد درباره آن جناب، با اختصار
 كلام بالنسبه الي ما ينبغي ان يقال في المقام، خاطر شريف را به مطالب زير معطوف
 مي دارد، و قبل روشن باشد مطالب معروضه نشات يافته از اخلاص و محبت ديرينه
 است اميد است گاهي بي پرده و گاهي جسارت آميز بودن مورد عفو باشد، اينكه مرقوم
 داشته ايد مطرح نمودن شخص آن جناب در اجلاسيه اخير خبرگان مصلحت نبوده،
 البته اين سخن با ملاحظه عظمت روح و صفای باطن جنابعالی امری مترقب است و
 ليس ظننا بك الا هكذا، لكن آن جناب بيش از ديگران از عظمت و خطر كار رهبري و
 لزوم حفظ حدود و سد ثغور خطرات احتمالی آن اطلاع داريد، و می دانيد اگر حادثه ای
 خدای نکرده رخ دهد كار کشور چگونه می شود با وجود دشمنان زخم خورده خارجي
 و آتش های زير خاکستر داخلی و روحانی های ضدانقلاب و مرده عبيد الفلوس آن ها در
 شهرها و روستاها که امکان دارد آن ها جنجالی برپا کنند و ناراضی های بالذات و بالعرض
 را دور خود جمع نمایند و استان ها را پر از آشوب کنند؛ و ایادی نفوذی قدرت ها نیز
 سر و صدایی از کارخانه ها و مدارس و غیرها برپا نمایند و خوابانیدن چنین فتنه ای
 مشکل باشد، علاوه اینکه در داخل حوزه ای که تشریف داريد عده کثیری از
 ابوالهیاکل ها هستند که پیوسته با لبخند تمسخرآمیز به انقلاب و ولایت فقیه
 و مرجعیت رهبر و رهبری مرجع سخن از تخطئه می زنند و بيش از آن را جرئت ندارند
 که نمی گویند و نمی کنند و ليس عدد هم بقليل و یوحی الیهم اولیائهم و هم یوحون
 الی اولیائهم، اصف الی ذلک اختلاف نظر در نهادها از اهل مجلس گرفته تا ارتش،
 سپاه و باب فعلل و تفعلل و تا حال وحدت راهبري و نیروی معنوی آن مقام مقدس است
 که همه چیز را کنترل کرده و هر وقت احتمال بروز فتنه ای را داده با بیان متکی به تقوا
 خاموش نموده و می نماید فیضرب بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق، علاوه بر

عدم رضایت کثیری از مردم از رفتار ادارات و قوه قضاییه و غیره و علاوه بر در کمین بودن دشمن که با هر وسیله فرصت را عنداللزوم مغتنم می‌شمارد، بنده گاهی فکر می‌کنم در توجه قلوب ملت به رهبر انقلاب و عشق و محبت آن‌ها و ارزش این امر و اثرات آن در حل معضلات جامعه در رفع خطرات هنگام هجوم حوادث که با یک دستور مردم یکجا تکان می‌خورند و مهمترین مشکل به آسانی حل می‌شود و باز فکر می‌کنم آیا مردم اگر روزی این دل را از وی کنند به کجا خواهند برد، آیا جانشینی با آن سوابق ممتد و خاص دارد که این علاقه‌ها به وی متوجه شود؟ و آیا خبرگان می‌توانند این امر پرارزش را که به منزله رشته تسبیح است به شخصی متوجه نمایند تا انقلاب و حکومت اسلامی سالم بماند؟ این فکر برایم ناراحت کننده است و اما کلی صحبت کردن و اجلاس را با بیان شرائط و مطالب کلی گذراندن فلا یسمن و لایغنی من جوع، چه آنکه تعیین فرد در این مرحله اباحتش بیش از کلیات است، به ویژه اینکه شرائط کلی غالباً مورد توافق آراء است و مبحث محل اختلاف و جنجال آفرین تعیین مصادیق است که قانون اساسی می‌گوید: «خبرگان منتخب مردم درباره همه کسانی که صلاحیت مرجعیت و رهبری دارند بررسی و مشورت می‌کنند» (اصل ۱۰۷) آیا صلاح است خبرگان آن را بگذارند برای روزی که خود روز آشوب و جنجال است؟ و آیا در آن روز زبان‌ها و قلم‌های فتنه جویان، منتظرالولایه‌ها و سیاستمدارها ساکت می‌مانند و خبرگان را به حال خود می‌گذارند که انتخاب اصلح کنند؟ خاصه با ملاحظه حال برخی از اعضاء محترم، آن‌ها که ترک اولی را جاز می‌دانند و لذا مطالب جلسه را که اکیدا توصیه بر عدم نشر آن شده بود حتی به خبرنگارها داده اند و تحریف نیز فرموده اند. و اما قولکم دام ظلکم که فعلا مقام رهبری از نعمت سلامت برخوردارند بلی الحمدلله علی هذه النعمه و نسئل الله دوامها، لکن می‌دانید این امیدها مانع از پیش بینی حوادث و انجام وظائف نیست و نباید باشد و ما خدا را می‌شناسیم که عند اقتضاء الصلاح مشیة بالغه او هر امری را بخواهد محقق می‌سازد و لایستشیر من احد، این همان خداست که اگر در اواخر عمر مبارک پیامبر اسلام یک هفته یا کمتر به آن حضرت مهلت می‌داد علی القاعده یا قطعاً مسیر اسلام و مسلمین غیر از این بود که فعلا هست، و لعل دنیای امروز همه مسلمان‌های صحیح العقیده بودند، حال همان خدا اگر خواست ماها شب بخوابیم و فردا را طور دیگر ببینیم خبرگان باید چه کنند؟

و اما قولکم: با وجود حضرات آیات عظام تعیین آن جناب توهین به مقام رهبری و آیات است فنقول لا باس بذلک فی الجملة زیرا مقدمه آن را قبلاً عده ای از بزرگان در مصاحبه‌ها و روزنامه‌ها به جا آورده اند و خود جنابعالی نیز با اعلام آمادگی عملی برای مرجعیت و رهبری و انجام برخی از مقدمات هر دو امر اقدام فرموده اید فلاضیر فیه و لاجرح، عمده مطلب در اینجا کیفیت معامله خبرگان با آن‌هاست و این خود معضله ای است بالاستقلال، خبرگان باید برای آن فکر کنند و محتمل آن است که تعجیل در تعیین فرد خاص به عنوان بیان مصداق لایبشرط بود نه بشرط لا، و بعداً در این باره بحث خواهند کرد و در این مراحل اگر نظریه ای دارید ولو به نحو غیر مستقیم ارائه فرمایید.

و فی الجملة خبرگان جازم بودند که به هیچ وجه تاخیر امر صلاح نیست بلکه باید کار در نزد آن‌ها روشن و مبرهن شود که عند اللزوم در تمام کشور از حلقوم همه یک صدا در آید باشد مترصدین کدورة المیة لآخذ الحیتان در مقابل عملی که دبر بلیلة القدر باشد قرار گیرند.

و ضمناً معلوم شود که حضرتعالی نوشته اید «در چنین شرائطی مطرح نمودن شخص مخلص صلاح نبوده» اگر مراد آنکه به عنوان طرف احتمالی و تردید هم صلاح نبوده فلا یقبله الخبرگان منکم، و اگر مراد تعیین است اصل ذلک الطرح ای التعیین در اختیار کسی نبوده، زیرا فردی به عنوان نطق قبل از دستور و یا بغیر ذلک مطرح می کند و نمی توان گفت نه و ضمناً در اینجا برخی از مطالب مجلس در خلال صحبت‌ها عرض شد ولکن می دانم بیش از این‌ها به سمع مبارک رسیده است فلم اخالف ما عهدنا علیه.

در خاتمه چون کلام بدینجا کشید جسارتاً معروض می دارد نظر اغلب دوستان برای روز مبادا شما بید، لکن با یک نگرانی خاص از ناحیه بیت و بعضی حواشی آن جناب که متأسفانه به قول آن مرحوم مراجع قبلی پس از مرجعیت گرفتار می شدند و شما قبل از آن، من در این باره لامثال امرکم کلی می گویم پیوسته از دوستان صمیمی تان اظهار ناراحتی می شنوم حتی در مجلس نیز مطرح شد و بی سر و صدا گذشت، و قبلاً هم پس از سمینار ائمه جمعه برخی به حقیر می گفتند به حضورتان گفته شود و اینان از دوستان مخلص آن جنابند و شما را برای اسلام می دانند و راضی

نیستند شخصی که از آن عموم است در قبضه خصوص باشد. من به عقیده خود موقع را مغتنم دیدم و گفتم و بعد از این نیز خواهم گفت کائنا ما کان، من در عمر ۶۴ ساله ام از اصفهانی(ره) گرفته تا به بعد این گرفتاری‌ها را درک کرده ام، و امید اینکه عرایضم نزد خودتان باشد و اگر درست هم نباشد مانند برخی اباطیل که می شنوید بایگانی شود، و نیز معلوم شود که علاقه من به جنابعالی به واسطه قدمت و رسوخ با این مطالب کاسته نمی شود و توفیقتان را پیوسته خواستارم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۶۴/۷/۱ - محبکم، علی المشکینی

در جواب نامه مورخه ۱۳۶۶/۳

۱۳۶۳/۷/۱

بسم الله الرحمن الرحيم

سماحة باغ اکرم ایدیه المنطری دام دجوده لشریفه وطلون باغ

پس از ابراء سلام و در خوبت توفیق داخل در ذات لایعاد در باره انتخاب ، با اختصار کلام
 بالنسبه به ما یعنی ان یتقال فی المقام خاطر سترت را بمطالب زیر معطوفت میدارد ، و جمله
 روشن باشد مطالب معروضه نشأت یافته از خلاص دمجت درینست بدینست که اینجانب
 و گماهی جارت اینجانب در رد معروضه ، بکلی مرقوم داشته اند مطرح نمودن شخص
 انتخاب در جلسه غیر فیران مصلحت نبوده البته این سخن با ملاحظه عظمت روح و صفای
 باطن جناب امری مترقیست و پس طننا بکلی بگذارد ، کن اینجانب پیش از دیگران از عظمت
 و نظریات رهبری در انم حفظ حدود و سد شعور خطرات احتمالی اطلاع دارید ، بدین
 اگر حادثه ای صدای گزیده رخ دهد کار کشور چگونه میشود با وجود دشمنان زخم نموده خارجی
 دستانهای زیرکتر داخلی در صحنه ضد انقلاب و مردم عیب نفوس آنها در دستهای
 که بجان دارد آنها قیامی برپا کند و ناراضیهای اللذات و بالعوض را صبر خود جمع نماید دستها
 پرازد شوپ کند ، و ایادی نفوذی قدرتها نیز سرحدی از کارخانه و مدارس و غیره
 برپا نماید و جوابانیدن چنین فتنه ای مشکل شد ، علاوه بر این در راجع حوزه ای
 که نسبت دارید عدله گیزی از اولیایا کل هستند که پیوسته با لجنه مستخر آبرو نهاد
 و ولایت فقیه و مرجعیت رهبر در رهبری مرجع سخن از خطئه میزنند و پیش ازین را
 حجت ندارند که می گویند دینی کند و پس علاوه بر تقیل و بوجوه الیوم او بیایم و هم چون
 الی ادلایم ، صفت به کند قیلاف نظر در نهاد از اهل مجلس گرفته تا ارتش است
 و با فعل و تعطل و تا حال وحدت رهبری دینوری معنوی بمقام معتمد است
 که همه چیز را کنترل کرده دهر وقت احتمال بروز فتنه ای داده با بیان سستی بنوعی
 خاموش نموده و بنماید فیضرب باقی عم باطل قید معنفاذا هو زا هست ، علاوه
 بر عدم رضایت گزیری از مردم از رفتار ادارات و قوه قضائیه و غیره و علاوه بر
 کلی بودن دشمنی که با هر وسیله فرصت را عند لزوم متعمد میسازد ، شده گماهی

کندیم در وجه قلب ملت بر سر انقلاب عشق و محبت آنها در ارزش این امر دایرات آن در
 حل عضلات جامعه در رفع خطرات هنگام هجوم حوادث که با یک دست مردم یکجا نگان
 میزند و لاهوتین مشکل با آن حل میشود و با آنکه بکنیم آیا مردم اگر روزی این دل را از دل
 کنند یکجا خواهند بود، آیا جانشین با آن سوختن حمت و خاص دارد که این علامه؟
 بوی منوجه شود؟ و آیا فرزگان میتوانند این امر پر ارزش را که بمنزله رشته تسمیه است
 شخصی منوجه نمایند تا انقلاب و حکومت اسلامی سالم بماند؟ این فکر برام ناراحت کننده است
 و اما کلی صحبت کردن و اجلاس را با بیان شرط و مطالب کلنی گذراندن خداست
 و باغبانی من جمیع چه بکند تعیین فرد در این مرحله بگشایش بیش از کلیات است بجز آنکه
 شرط کل غالباً مورد توافق است و بحث محل اختلاف و مجال این تعیین مصداق است
 که تا آن پس میگوید (فرزگان تنگ مردم در باره همه کس صلوات مرحمت در شهری
 برسی دستور میزند) (ص ۱۰۷) آیا صلاح است فرزگان آن را بگذارند برای روزی که
 فرد، روز است و مجال است؟ و آیا درین روز زبانها و قلمهای قند جوان، منظره است؟
 دستمدرار ساکت میمانند و فرزگان را مجال خرد بگذارند که تهنیت صلح کند؟ چه باطله
 حال بعضی از اعضا، محترم آنها که ترک اولی را حاضر بدانند و لذا مطالب صلح که اگر توصیه
 بر عدم نشر آن شده بود حتی بگرنایه درازند و تحریف نیز فرمودند، و اما توکم در آن
 که قصد مقام رهبری از نعمت سلامت برخوردارند بای الحادیت عن بنه لغت و شکل به حرامها،
 کنی بدانند این امید؟ مانع از پیش بینی حوادث و انجام وظایف نیست و بدانند
 و ما خدا را میبایم که عند قبضه اصلاح مستیة بالغه او به امری خواهد محقق مسأله
 و استیسی من حد این همان خداست که اگر در آخر عمر رک بیا بر سلام یک بنفصه یا کمتر
 با حضرت مهلت بدارد عن بقاعده یا قطعاً سیر سلام و سبب غیر از این بود که قصد است
 و لعل دنیای امروز همه مسلمانهای صلح لعنیده بودند حال آنکه خدا اگر خواست ما را شکر
 و خرد را طور دیگر به بیم فرزگان باید چه کند؟

و اما توکم: با وجود حضرات ائمه عظام تعیین انجام توپیی بجام رهبری
 دایات است فغول لا یس بکنده لجه زیرا مقدمه آن را قبلاً عده ای از فرزگان

در مصاحبه [در روز نامه] سجا آورده اند و خود جناب لایق نیز با بلام آماده علی
 برای مرتبه و در سبب و در انجام برخی از خدمات هر دو هر اقلام فرموده اند فلذا ضمیر
 فیه و لا عرج ، عمدتاً در اینجا کیفیت معاطه فرنگان با آنهاست و این خود
 مصدق است با استقلال فرنگ باید برای آن مکرر کند و محتمل آن است که تجلیل در
 تعیین فرد خاص بعنوان بیان مصدق لا بشرط بود نه بشرط لا و بعد از این باره
 بحث خواهند کرد در این مرتبه اگر نظریه‌ای دارید دلخواه غیر مستقیم ارائه فرمائید
 و مع الجملة فرنگان حاضر بودند که بهیچ وجه تأخیر امر صلاح نیست بلکه باید کار را
 نزد آنها روشن و برهنه شود که عند لزوم در تمام کشور از حلقه هم یک صدا در آید باید
 مرتصدین کدوره المایه لاخذ لیمان در مقابل عملی که در بینه لهدر شد قرار گیرند
 و حق معلوم شود که حضرت لایق نوشته اند (در چنین شرایطی مطرح نمودن شخص مختص صلاح نبوده)
 اگر مراد آنکه بعنوان طرف شمال در دید هم صلاح نبوده فلذا تسلیه لفرنگان است و اگر مراد تعیین آن
 اصل مطرح است در چارگی نبوده زیرا فردی بعنوان لطق قبل از رسیدن و با خبر که مطرح کنید
 و منی توان گفت نه و حتی برخی از مطالب مجلس در ضلع صحبتها عرض شد و گویید انام
 پیش از اینها بسع صد بارک رسیده است فم خالف ما عهدنا علیه

در خانه چون کلام بدینا کنید حساباً موضوع بیدار نظر حضرتان برای روز
 با شماست گوی با یک به گزالی خاص از ناحیه بیت و بعضی جوانی سنجی است در خانه
 بعقول ان مرحوم مراجع قبل پس از مرتبه گرفتار میشوند و شما قبل از آن من در این باره
 لا مثال امرکم کلی یقولم ، پیوسته از حضرتان صمیمی تان اظهار ناراضی میشوند حتی مجلس
 نیز مطرح شد و به تروصد گذشت و جلا هم پس از همین ر آنه جمعه برخی بجهت تکلیف
 بجزورتان گفته شود و این از حضرتان مختص بکتابند و شما را بری بلام بدانند در ضمن استند
 شخصی که از آن عموم آدر قبضه مختص شد من بعضی خود برقع را نغمه دیم و گفتم و بعد از این شرط است
 گمانا آن من در عمر ۴۰ ساله از صوفیای را گرفته تا بعد این گرفتاریها را در بر کرده ام و بدین عرضم کرد
 خودتان باید و اگر درست هم نباشد مانند برخی اطفال که مشغول با لگانه شود و نیز معلوم شود که بلام
 بکلی بهیچ دست در روح با این مطالب گاسته نمی شود و توفیقاً را پیوسته فوست هم و بعد از این هم در

۶۴/۷/۱
 حکم

پیوست شماره ۷۲: مربوط به صفحه ۴۸۳

نامه آیت الله العظمی گلپایگانی به امام خمینی در مورد آیت الله العظمی شریعتمداری

قم - طهران

شماره ۱۳۴ - ۱۲۸ - ۱۱۵

طهران - جماران، حضرت مستطاب آیت الله آقای خمینی دامت برکاته

با ابلاغ سلام مزید توفیقات را مسئلت دارم.

آنچه بین حضرتعالی و آیت الله شریعتمداری طاب ثراه واقع شده، حکومت واقعی با خداوند متعال و ظاهر هم با تاریخ می باشد. امید است مصداق آیه کریمه «و نزعنا ما فی صدورهم من غل اخوانا علی سرر متقابلین» بشوید. فعلا که خبر تاسف انگیز رحلت ایشان منتشر شده است لازم دانستم ضمن ابراز نگرانی و تسلیت از جریان تجهیز که بدون تشییع و احترامات لازمه و تدفین مخفیانه در محل غیر مناسب واقع شده ابراز تاسف شدید نمایم. انتظار دارم اکنون هم در حد ممکن اهانت‌هایی را که به ایشان و مقام مرجعیت شده شخصاً تدارک فرمایید.

اعلاء کلمه اسلام و مسلمین را از خداوند متعال مسئلت دارم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۲۴ رجب ۱۴۰۶ - الگلپایگانی

قسم - طهران - شماره ۱۳۴ - ۱۲۸ - ۱۰ ۱

طهران - جماران حضرت مستطاب: آیت ۰۰۰ آقای خمینی دامت برکاته

با ابلاغ سلام مزید توفیقات را مسئلت دارم:

آنچه بین حضرتعالی و آیت ۰۰۰ شریعتمداری طاب ثراه واقع شده

حکومت واقعی با خداوند متعال و ظاهر هم با تاریخ میباشد امید است

مراقب ایه کریمه " وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ "

بشود. فعلا که خیر تاسف انگیز رجعت ایشان منتشر شده است لازم دانستم

ضمن ابراز نکزانی و تنبیه از جریان تجهیز که بدون تشییع و احترامات

لازمه و تدقین مخفیانه در محل غیر مناسب واقع شده ابراز تاسف شدید مینمایم

انتظار دارم اکنون هم در حد ممکن با امانتهائی را که بایشان و مقام مرجعیت

شده شخصاً تدارک فرمائید اعلای کلمه اسلام و مسلمین را از خداوند متعال

مسئلت دارم . والسلام علیکم ورحمه ۰۰۱ و برکاته

۲۴ رجب ۱۴۰۶ الکلایکانس.

پیوست شماره ۷۳: مربوط به صفحه ۴۸۷

نامه آقای حاج سید احمد خمینی به معظم له

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای منتظری دام عمره

پس از عرض سلام، بارها مطالبی را که می خواهم خدمتتان عرض کنم به افراد نزدیک شما گفته ام ولی نتیجه ای نداده است.

۱ - احساس می شود که می خواهند شما را با زور و فشار آیت الله سیاسیون مذهبی کنند این خطرناک است. شما از متن مردم جوشیده اید و صلاح نیست دسته ای خاص شما را از آن خود کنند و هرچه بخواهند بکنند و اگر دیدند از امام آبی گرم نمی شود بیایند با تعریف و تمجید شما را وادار کنند تا مسائلی را مطرح کنید که بعداً تکذیب نمایند و یا به این هم کفایت نکنید و از آنچه قبلاً تکذیب کردید تعریف هم بنمایید.

۲ - شما مطمئن باشید کسانی که می خواهند به وسیله رادیو تلویزیون و روزنامه امید امام و امت درست کنند در اشتباهند، این حرکات عکس العمل درست می کند که کرده است، نمی بینید چه صریح مردم به شما فحش می دهند. آیا واقعا شمایی که باید هدایت کننده قسمتی از امت مسلمان باشید با این روش می توانید باشید. شما را برای بعد از امام کار ندارند زیرا خود هستند، شما را برای زمان امام کار دارند که کاملاً دیده ایم. بارها گفته ام شما بگویید رادیو و تلویزیون وظیفه دارد شرعاً اسم من را از شعارها قطع کند ولی نگذاشتند بگویند. اینکه عکس مرا نیاورید کافی نیست، باید درود بر منتظری امید امت و امام بعد از الله اکبر خمینی رهبر حذف شود که اگر نشود چیزی نمی گذرد که سلام بر موسوی قهرمان امید مستضعفان رسم می شود و دیری نمی پاید که صلوات بر مشکینی تو سر خود دینی و از این قبیل و همینطور کار به جایی کشیده می شود که تنها یک تصدیق نیم ساعت طول خواهد کشید و خمینی رهبر را هم از نفوذ سیاسیش ساقط خواهد کرد، خود فکری کنید، لابد می دانید که من روی محبت این را می گویم و روی غرض و مرض نیست.

۳ - نمی دانم این دیگر چه رسمی شده است که هرکس با شما ملاقات کند باید

رادیو بگوید، آخر شما که رهبر انقلاب نیستید، تنها این نوع کارها که به دست اطرافیان شما که متاسفانه مسائل اجتماعی را درست درک نمی کنند صورت می گیرد، این نیز خطرناک است. زیرا اولاً علما را تحریک می کند که کرده است. امروز یک مدرس در قم با شما خوب نیست چرا؟ امروز مراجع با شما خوب نیستند چرا؟ شما که به آن‌ها بدی نکردید، آیا این درست بدین دلیل نیست که حرکتی کرده اند که آنان ناراحت شده اند، آیا همین که شما را بدون دلیل همیشه از رادیو مطرح می کنند خود دلیل این انعکاس نمی شود. آخر هرکس آمده است آنجا به نحوی او را رنجانده اند. آیا افرادی که امروز به عنوان اطرافی شما در آنجا هستند درک مسائل سیاسی برایشان از اصعب امور نیست. سریعاً فکری بنمایید که از این بدتر نشود.

۴ - شما در تمام مسائل سیاسی دخالت می کنید، چرا؟ چه اشکالی دارد که شما یک سال در مسائل سیاسی دخالت نکنید و یا در حدی که در شأن شماست. یادتان نرفته است که از شما هر موقع که امام پیامی داشت پیامی می گرفتند مثلاً برای عید، برای پیروزی انقلاب، که بعداً من گفتم و شما هم قبول کردید. امروز هم من می گویم شما را دارند ضایع می کنند، این نشد که شما تفسیر بگویید، نهج البلاغه بگویید، نماز جمعه را یک مرتبه خلاصه اش کنند و بگویند، یک مرتبه همه اش را بگویند، یک مرتبه در رادیو و یک مرتبه در تلویزیون، با کمال تاسف گاهی هم سطح مطلب پایین است و موجب ناراحتی، مگر اطرافیان شما فکر می کنند (به قول آقای شریعتی) که شما کمبود اطلاعیه دارید!!

۵ - مساله دیگر قضیه دفتر آیت الله منتظری است که دیگر این تماشایی است، آخر شما دفتر می خواهید چه کنید، اگر مطلبی دارید خود بفرمایید و اگر مطلبی است که باید غیر بگوید خود آن شخص از قول شما بگوید، همه می گویند این دفتر یک تقلید باطل از دفتر امام است.

مطلب زیاد دارم ولی نمی شود همه را گفت، فقط خود می دانید که به زور نمی شود رهبر شد و به زور نمی شود مرجع شد، شما که هرگز دنبال این امور نبوده اید، سعی کنید جلوی فعالیتهای غلط دسته دیگری که از بزرگ کردن شما می خواهند به نفع خود استفاده کنند را بگیرید و این تنها در این خلاصه می شود که اعلام کنید حرام

است کسی این گونه اعمال را انجام دهد و یا راضی نیستم و یا به رادیو تلویزیون دستور دهید قطع کنند، البته باید علناً بگویید تا اثر خوبی داشته باشد.

امید وارم نگویند این هم نقشه است.

بار دیگر از شما خواهش می کنم که جلو این جریان که می خواهد از شما سوء استفاده کند را بگیرید. اینها دارند از نام شما استفاده می کنند، ولو این به ضرر شما باشد. این کار نوع تحلیل گروه‌هایی است که باید به یک مقام آویزان شوند و الا نمی توانند روی پای خودشان بایستند.

قربان شما - احمد خمینی

بسم الله

حضرت کبیر علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بارکات بر او است ای امیر مومنان عزیز من به اهل بیت و اولاد و زوایا علیه السلام

و لا یتجدد الا بانه است

۱- ای سروری بزرگ که می‌خواهد سواران را از درون رامت آید پس چون منتهی کند این خطرات است
تا از منی مردم جوینده دید و صدق نیست در اصلاح حاضران را از آن خود کند و هر چه بخواند بکند
و اگر بخواهد از امام آید کرم بکشد و بپایند و با توبه و توبه سواران دار کند تا استماع
کند که بعد از تکریم باشد و یا به این کیفیت بکند و گویند چو ما بود

۲- سلاطین باید که در منی دهند و بعد از آن توبه و توبه در روزنامه اسلام دست در دست است

در اینها چند این حرکات عملی است که در کتب است فریبیدیم هر چه مردم به نفس می دهند آنجا
واقع شده که با هر عبادت که قسمتی از است مسلمان باشند با این روش می توانند باشند سوار
بکلر و بعد از امام کار دارند زیرا خود هستند سواران کلر زبان امام کار دارند که کاند در اسلام.

بارکات که اسم سلاطین را در توبه و توبه و طیفه دارد در نماز اسم من را از دست قطع کند
و نه کند استند بگویند این که کلر را می‌دارد که کاف میت باید درود بر بقره است
و امام بعد از آن که کلر رهبر حرف شود که اگر سواران غیر می‌شود که مسلم بر سواران

فهرتانی است که می‌شود در این زمان که صورت برشکنی تو صد صد دینی و لذایع سیر

پیوست شماره ۷۴: مربوط به صفحه ۴۹۲

ارجاع حل مشکل موسسه خیریه مرحوم همدانیان از طرف امام خمینی به معظم له

تاریخ ۱۳۶۴/۸/۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک رهبر بزرگ انقلاب آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی پس از سلام، راجع به موسسه خیریه مرحوم همدانیان که حضرتعالی رسیدگی و نظارت آن را به حقیر احاله فرموده بودید.

روند کار این است که مرحوم حسین همدانیان در ۱۳۴۴/۳/۲۴ اساسنامه ای را با اختیار خود تنظیم کرده که مصرف را اصفهان و اختیار مال را در زمان حیات با خودش قرار داده سپس در ۵۳/۴/۳۰ در اصفهان به بهانه ای بازداشت و چون مال او زیاد بوده و اولاد نداشته دستگاہ به مال او طمع می کند. بالاخره او در ۵۴/۲/۸ در بیمارستان خورشید اصفهان درحالی که هنوز بازداشت بوده مسئول ثبت اصفهان را طلب می کند و اساسنامه دیگری را تنظیم و به ثبت می رساند که ضمناً حاوی اهداف خودش بوده و قهراً دستگاہ را قانع نمی کند. بعداً در ۵۵/۱۱/۳۰ در کرج با توافق نمایندگان سازمان شاهنشاهی اساسنامه سومی تنظیم می شود که اسما موسسه را به سازمان مذکور وابسته می سازد ولی چون باز حاوی اهداف خودش بوده دستگاہ مافوق را قانع نمی کند و به ثبت نمی رسد و بالاخره با اعمال فشار دستگاہ بدون اطلاع و رضایت موسس به استناد ماده ۱۱ اساسنامه ۵۴ که ثبت شده، هیئت امناء را تغییر می دهند و اموال او را صددرصد در اختیار سازمان قرار می دهند او هم تعقیب می کند و صدایش به جایی نمی رسد.

اینجانب پس از مطالعه اساسنامه‌های مختلف و اطلاع از اهداف موسس و پس از مذاکره و استفسار از مسئول ثبت آن زمان که اتفاقاً مورد شناخت سابق و مورد اعتماد اینجانب می باشد و فعلاً بازنشسته است و پس از مذاکره حضوری با خواهر همدانیان و نماینده برادرش که فراری است و شرعاً وارث او می باشند و کتبا هم از حضرتعالی تقاضا کرده اند امر موسسه را به حقیر محول فرمایید چنین تشخیص می دهم که رعایت قانون ثبت رسمی و اهداف موسس و رضایت وارث (که شبهه اکره در

اساسنامه‌ها و انتقال مال به آنان قوی است) و پیشگیری از تغییرات یا تصرفات ناروا و بالاخره رعایت احتیاط من جمیع الجهات ایجاب می‌کند که اساسنامه ثبت شده رسمی در ۱۳۵۴/۲/۸ که موسس می‌گفته اگر به آن عمل شود مورد رضایت من است (و طبق اسناد موجود در پرونده حتی بعد از اساسنامه کرج، در مقام عمل به آن تکیه داشته) مورد عمل قرار گیرد.

در این اساسنامه مصرف اصفهان است و هیئت امنا عبارت است از پنج مقام و دو شخص: ۱- رییس دیوان عالی کشور ۲- استاندار اصفهان ۳- مدیر بانک ملی ایران ۴- رییس دانشگاه اصفهان ۵- رییس دادگستری اصفهان و دونفر شخص که فعلا نیستند و سه مقام اول اتفاقا در اساسنامه کرج هم ذکر شده اند و چون دو شخص وجود ندارند مطابق ماده ۱۰ اساسنامه پنج مقام دونفر را انتخاب کنند.

فقط چیزی که لازم است اضافه شود این است که در ماده ۱۱ که اختیارات هیئت امنا ذکر شده گفته شده که: «اختیار انحلال موسسه و تغییر نحوه مصرف را ندارند باید اضافه شود که: «اختیار تغییر پنج مقام هیئت امنا را نیز ندارند» تا پیشگیری‌های لازمه انجام شده باشد. و ضمنا چون بسیاری از رقبات موسسه تصرف شده، هیئت امنا با نفوذ خود باید رقبات از دست رفته را برگردانند تا رضایت موسس و وارث و رضایت خدا حاصل گردد. این است نظر و تشخیص مخلص. اجراء و تنفیذ آن بسته به امر مبارک است. والسلام علیکم.

حسینعلی منتظری

بسمه تعالی

با تشکر از زحمات مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای خادمی رحمة الله علیه و با تشکر از کلیه حضرات آقایان که با تصویب اینجانب موسسه همدانیان را اداره نمودند و در این راه کوشش نموده و اموال را حفظ نمودند و در این امر خیر به اسلام خدمت کردند اکنون که پس از بررسی طولانی مفاد وصیت نامه و وقف نامه مشخص شده است لازم است به همان نحو که در ورقه مرقوم شده است عمل شود. والسلام علیکم.

۲۱ آبان ۶۴ - ۲۸ صفر ۱۴۰۶

روح الله الموسوی الخمینی

تاریخ ۱۳۶۴/۸/۱۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
مخبر مبارک رهبر بزرگ انقلاب است - اللّٰهُ الْعَظِیْمُ اِمَامٌ حَقِیْقٌ مُّطَهَّرٌ

پس از سلام و احوال بخیر غیره مرحوم مهدایان که حضرتنا رسیدگرفتار است آنرا مجتهد اهل فرموده بودید .
روند کار این است که مرحوم حسین مهدایان در ۲۴/۳/۱۳۴۴ سالنامه ای را با اختیار خود تنظیم کرده که مصرف اولیاد و این خستارگان
در زمان هیئت بافوق قرار داده ، سپس در ۳۰/۴/۵۳ در اصفهان به بهانه ای بازگشت و چون مال او نیز بکوبیده و اولادند است و نگاه مال او طبعی
بالافره او در ۲۸/۲/۱۳۵۴ در ساریتین خود کشید (اصولاً در حال که هنوز بازگشت بوده مسئول هیئت اصفهان را طلب میکنند و آن سال هم در ساریتین
و به هیئت میرسد که هیئت اصفهان از اهداف خود فرسوده و تهر استگناه را قانع نمی کند . بعداً در ۳۰/۱۱/۵۵ در کرج با توافق نمایندگان
سازمانت هیئت سالنامه مستقیم تنظیم می شود که اگر آن سالنامه در این زمان مذکور و بسته می ماند و چون باز عاوی ابتدا خود فرسوده است نگاه
ما فوق را قانع نمی کند و به هیئت می رسد و بالاخره با اعمال فن و استگناه بدون اطلاع و رضایت مؤسس ، با تعداد ۵۵ سالنامه ۵۴ که هیئت
هیئت اصفهان را تغییر میدهد و احوال او را صد در صد در اختیار سازمان قرار می دهند او هم تعقیب میکند و بعد از این بجا نمی رسد . هیئت
این هیئت پس از مطالعه سالنامه که می بخلف و اطلاع از اهداف مؤسس و پس از مذاکره و گفتار از مسئول هیئت آن زمان که اتفاقاً مؤسس
در در اختیار این هیئت می باشد و اطلاع از بسته است و پس از مذاکره حضور می یابد و هیئت اصفهان و نماینده برادرش که در هیئت و کرج قرار است
می باشد و هیئت اصفهان از حضرتنا (توافقاً) فرموده اند از مؤسس را مجتهد محول فرمایند هیئت شخص می دهد که رعایت قانون نیست رسمی و اهدا
مؤسس در هیئت و ارس (که گفته کرده در سالنامه که و اتفاقاً مال با نان قوی است) و بیشتر کثیر از تغییرات با تصرفات ناخوا
و بالاخره رعایت هیئت طبعی هیئت اصفهان است که هیئت اصفهان در ۲۸/۲/۱۳۵۴ که مؤسس می گفته اگر هم آن عمل خود فرسوده
مست است (و طبق این موجود در روزی بعد از سالنامه کرج و در مقام چهارم آن نگه داشته) مورد عمل قرار گیرد .

در این سالنامه مصرف اولیاد نیست و هیئت اصفهان است از پنج مقام و دو شخص : ۱- رئیس دیوان عالی کرج ۲- نماینده هیئت
پس بعد از آنکه ملی ایران می رئیس استگناه (اصولاً) رئیس دادگستری اصفهان و دو نفر شخص که فعلاً می بینند و سه مقام اول اتفاقاً در
سالنامه کرج هم ذکر نموده و چون دو شخص وجود ندارد در طبق ماده ۱۰ سالنامه پنج مقام و دو نفر از آقایان می کنند .
فقط چیزی که لازم است این فرموده این است که در ماده ۱۱ که اختیار است هیئت اصفهان ذکر نموده گفته شده که : « اختیار احوال مؤسس و تعیین و تغییر اولیاد
با ایدان فرموده : در اختیار تعیین و مقام هیئت اصفهان نیز ندارد تا به این گریه که لازمه ای می باشد با نامه
و ضمناً چون بسیاری از وقت مؤسس تصرف هیئت اصفهان و با نفوذ خود مایه رقابت از دست رفته را برگرداند تا رعایت مؤسس و وادار و رعایت
شده گردد . این است نظر و شخص محض او را در تعیین آن بسته با خبر مبارک است و السلام علیکم



تایید

باست که از مقامات مرحوم جبهه دوم و سایر مقامات و خبرهای و غیره علیه و بیشتر کثیر در هیئت اصفهان که به تغییر احوال است به این راه
و در این راه کوشش نمود و احوال را حفظ نمود و در این امر خبر بسیار می کرد که اگر کوشش کردی بر روی طاعت نماز و جسته و قوی تر می گرد
نمونه است همان نموده بود در مراسم است به خبر شود . اللهم علیکم ۲۱/۱۱/۶۴ / ۲۸ صفر ۱۴۰۶ (مجموعه پیر

پیوست شماره ۸۰: مربوط به صفحه ۵۰۲

نامه معظم له به آقای نجفی وزیر علوم و آموزش عالی برای اختصاص دادن محل مرکز مطالعات مدیریت سابق به دانشگاه امام صادق(ع)

تاریخ ۱۳۶۰/۱۰/۸

بسمه تعالی

جناب مستطاب آقای نجفی وزیر محترم علوم و آموزش عالی دام توفیقه پس از سلام، همان گونه که مطلعید مدتی پیش در محلی واقع در خیابان ولی عصر(عج) جامعه الامام الصادق (ع) پایه گذاری شد، ولی با توجه به اهداف عالی آن و نیاز به محلی وسیع دوستان مطلع دانشگاهی محل مرکز مطالعات مدیریت سابق واقع در بزرگراه چمران را پیشنهاد کردند که مورد قبول هیات امناء و مدیره جامعه واقع گردید، از این رو مقتضی است جنابعالی که خود علاقه مند به نشر فرهنگ اصیل اسلامی می باشید مرکز مزبور را برای این هدف در اختیار حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدرضا مهدوی کنی دامت افاضاته که سرپرستی جامعه را قبول فرموده اند یا نماینده اعزامی ایشان قرار دهید.

توفیق جنابعالی را در حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی از خدای بزرگ مسألت می نمایم. والسلام علیکم.

حسینعلی منتظری

بسمه تعالی

تاریخ ۸/۱۰/۱۳۶۰

شماره.....

عباد مستطاب آقای نجفی وزیر محترم علوم و آندوز سرکارم که توفیق
 من از سلام شماست که مطلعید مدت پیش در محلی واقع در جنبان و در عصر
 فجر الی تعالی فرموده که امام الصادق علیه السلام پایه گزاری است
 و با توجه با اهداف عالی آن و نیاز محلی وسیع دوستان مطلع در تشریح
 محل مرکز مطالعات مدیریت سابق واقع در بزرگ راه هم آن را پیشنهاد کردند
 که مورد قبول هیئت انشاء و مدیره باشد و واقع گردید از این رو تقاضای
 عینا باینکه که مورد علاقه مسند نشر فرهنگ اصیل اسلامی می باشد مرکز فرزندان
 برای این هدف در اختیار حضرت حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد رضا امیری
 کنی داشت آن هنگام که سررئیسی آنرا قبول فرموده اند باینکه این امر
 این قرار امید توقیف این بنا را در حفظ داشته و در گامی انقلاب اسلامی
 در عین بزرگ مسکن می تمام و السلام علیکم



پیوست شماره ۸۱: مربوط به صفحه ۵۰۳
 نوشته معظم له در مورد واگذاری اموال موقوفه مرحوم تولیت به جامعه الامام
 الصادق(ع) در پاسخ نامه همسر آن مرحوم

۱۳۶۶/۱۱/۱۳

بسمه تعالی

محضر مبارک قائم مقام رهبری کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی
 جناب آقای منتظری دام ظلّه العالی
 احتراماً

به عرض می‌رساند همانگونه که استحضار دارند مرحوم حاج سید ابوالفضل تولیت که
 پیوسته سعی در انجام امور خیر داشت، به تاسیس شرکت عام المنفعه ای با سهام بی نام
 اقدام نمود تا بدین وسیله بتواند به علت خفقان دوران گذشته اهدافش را که بیشتر جنبه
 علمی و تحقیقاتی اسلامی به ویژه مذهب تشیع دارد دنبال نماید.

با توجه به سند رسمی شماره ۲۳۵۰۱ مورخه ۵۴/۴/۱۱ (اقرار نامه مرحوم تولیت) که
 حکایت از تعلق کلیه وجوه مذکور و سهام شرکت عام المنفعه طاهر قم و سایر شرکت‌ها به
 اینجانبه می‌نماید، اینجانب قلباً تمایل داشته و دارم که این اموال نیز جهت نیل به اهداف
 خیرخواهانه آن مرحوم به مصرف برسد، به همین دلیل کلیه سهام و اموال مذکور را در
 اختیار موسسه غیر انتفاعی بنیاد اسلامی طاهر قرار دادم و در تایید عرایض فوق
 مشروحه ای نوشته شد که جناب آقای هاشمی رفسنجانی نیز در هاشم آن وقفیت اموال را
 اعلام و تایید نموده اند که صیغه وقفیت آن را خود ایشان جاری ساخته اند (که فتوکپی آن
 به ضمیمه تقدیم می‌شود).

اکنون با استجازه از محضر مبارک، کلیه حقوق عینیه و فرضیه خود را که در سند شماره
 ۲۳۵۰۱ منعکس است (به استثناء اثاث البیت و مخارجی که تاکنون و بعد از این برای
 وصول وجه خارج ضروری است و برداشت مخارج متعارف زندگی) حضور محترم تقدیم
 و تفویض می‌نمایم تا در صورت اقتضاء مقرر فرمایید برای پیشرفت اهداف علمی و
 تحقیقاتی به یکی از دانشگاه‌های اسلامی اختصاص داده شود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

با تقدیم احترام - طاهره غفاری

باسمه تعالی

پس از سلام، بر حسب تقاضای شما و سایر آقایان هیئت امناء، مقتضی است سهام و اموال مذکور را تحویل جامعه الامام الصادق بدهید و آقایان هیئت امناء جامعه الامام الصادق احتیاطاً اموال آن مرحوم را تخمیس کنند و بقیه را در مصارف مورد نظر آن مرحوم صرف نمایند و جناب مستطاب آیت الله مهدوی کنی مقدمات تحویل گرفتن اموال و سهام مذکور را فراهم خواهند کرد.

ان شاء الله موفق باشید.

۶۶/۱۱/۱۴ - حسینعلی منتظری

۱۴/۱۱/۱۳۸۵

بسمه تعالی

محضر مبارک قائم مقام رهبری کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت آیه الله العظمی جناب آقای منتظری دام ظلّه العالی

احتراما

بعرض میرساند همانگونه که استحضار دارند مرحوم حاج سید ابوالفضل تولیت که بیوسته سعی در انجام امور خیرداشت، به تاسیس شرکت عام المنفعه‌ای با سهام بی نام اقدام نمود تا بدین وسیله بتواند بعلت خفقان دوران گذشته اهدافش را که بیشتر جنبه علمی و تحقیقاتی اسلامی بویژه مذهب تشیع دارد دنبال نماید.

با توجه به سند رسمی شماره ۲۳۵۰۱ مورخ ۵۴/۴/۱۱ (اقرارنامه مرحوم تولیت) که حکایت از تعلق کلیه وجوه مذکور و سهام شرکت عام المنفعه ظاهر رقم سایر شرکتها به اینجانبه می نماید. اینجانب قلبا تمایل داشته و دارم که این اموال نیز جهت نیل به اهداف خیر خواهانه آن مرحوم به مصرف برسد، به همین دلیل کلیه سهام و اموال مذکور را در اختیار مؤسسه غیرانتفاعی بنیاد اسلامی طاهر قرار دادم و در تایید عرایض فوق مشروح‌های نوشته شد که جناب آقای هاشمی رفسنجانی نیز در هامش آن وقفیت اموال را اعلام و تایید نموده‌اند که صیغه وقفیت آن را خود ایشان جاری ساخته‌اند (که فتوکپی آن به ضمیمه تقدیم میشود).

اکنون با استجازه از محضر مبارک، کلیه حقوق عینیه و فرضیه خود را که در سند شماره ۲۳۵۰۱ منعکس است (به استثناء اثاث البیت و مخارجی که تا کنون و بعد از این برای وصول وجه خارج ضروری است و برداشت مخارج متعارف زندگی) حضور محترم تقدیم و تفویض می نمایم تا در صورت اقتضاء مقرر فرمائید برای پیشرفت اهداف علمی و تحقیقاتی به یکی از دانشگاههای اسلامی اختصاص داده شود.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته
با تقدیم احترام

محمد تقی محمدی

بسم الله
سید رسول محمد تقی محمدی
همینا بنا بر تقاضای شما و اموال مذکور را
کلیه اموال و سهام شرکت عام المنفعه و سایر شرکتها
را به بنیاد اسلامی طاهر (بنیاد اسلامی طاهر) وقف
نمودیم و در هامش آن وقفیت اموال را اعلام و تایید
نموده‌ایم. اینجانب قلبا تمایل داشته و دارم که این اموال
نیز جهت نیل به اهداف خیر خواهانه آن مرحوم به مصرف
برسد، به همین دلیل کلیه سهام و اموال مذکور را در اختیار
مؤسسه غیرانتفاعی بنیاد اسلامی طاهر قرار دادم و در تایید
عرایض فوق مشروح‌های نوشته شد که جناب آقای هاشمی
رفسنجانی نیز در هامش آن وقفیت اموال را اعلام و تایید
نموده‌اند که صیغه وقفیت آن را خود ایشان جاری ساخته‌اند
(که فتوکپی آن به ضمیمه تقدیم میشود).

پیوست شماره ۸۲: مربوط به صفحه ۵۰۴

نامه معظم له به آقای هاشمی رفسنجانی در مورد اموال مرحوم تولیت، مورخه

۱۳۷۶/۶/۲۳

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی دامت افاضاته

پس از سلام و تحیت و آرزوی سلامتی و موفقیت برای شما؛

اخیرا قسمت‌هایی از کتاب شرح خاطرات جنابعالی را مطالعه کردم، هرچند نوشتن خاطرات توسط مبارزین و مجاهدین در راه تحقق انقلاب شکوهمند اسلامی همچون جنابعالی بسیار ارزشمند خواهد بود و به همین دلیل هرچه دقت بیشتر و غور و بررسی در زوایا و جزئیات کاملتر باشد ارزش چنین اثری فراوان تر و در آینده استناد به آن راحت تر خواهد شد، ولی بجاست در مواردی که به دیگران ارتباط پیدا می کند به حافظه خود قناعت نکنید بلکه حتی الامکان از آنان استفسار شود.

از باب مثال در صفحه ۲۸۵ جلد اول کتاب خاطرات جنابعالی در مورد اموال مرحوم تولیت چنین آمده است:

«با این مقدمات زمینه دخالت آقای منتظری پیش آمد که ایشان حکم کردند که اموال تولیت تخمیس شود. خمس آن را خود ایشان برداشت و بقیه به جامعه الصادق که ایشان هم از اعضای تصمیم گیرنده آن بودند واگذار شد که فعلا در اختیار دانشگاه امام صادق است».

لازم به توضیح است که مدتی پس از فوت مرحوم تولیت همسر ایشان به اتفاق اعضای شرکت طاهر در اثر نظرات مختلفی که داشتند به اتفاق جناب آقای خانیان یکی از امناء جامعه الصادق نزد اینجانب آمدند و اظهار نمودند که اموال به جامعه الصادق منتقل شود و در این امر مصر هم بودند؛ و من صحبت‌هایی کردم و از آن جمله اینکه لازم است اموال آن مرحوم تخمیس شود و دیگر اینکه لااقل ۱۵-۱۰ مدرسه در قم از محل اموال او ساخته شود چون آن مرحوم به کارهای فرهنگی در قم نظر داشتند که البته هیچکدام از این دو پیشنهاد عملی نشد و بر خلاف آنچه که نوشته اید هیچگاه خمس آن را من برنداشتم؛ اموال ایشان باغات بود و پول‌های ثابت در

بانک لندن، از کدام آن‌ها من خمس برداشتم؟! مقتضی است در مجلدات آینده و یا به هر نحو دیگر تصحیح و جبران نمایید.

در ضمن پرونده‌های ساواک قم در اول انقلاب همه در اختیار من بود که با تلفن آقای ری شهری من همه را در اختیار اطلاعات قرار دادم در صورتی که ممکن بود فتوکپی پرونده خودم را بردارم، فعلا چنانچه ترتیبی دهید که فتوکپی اسناد پرونده اینجانب را در اختیار من قرار دهند موجب مزید امتنان خواهد بود، تصدیق می‌کنید که این امر حق مشروعی است برای مثل اینجانب.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱۳۷۶/۶/۲۳ - قم، حسینعلی منتظری

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی دامت افاضاته

پس از سلام و تحیت و آرزوی سلامتی و موفقیت برای شما؛

اخیراً قسمتهایی از کتاب شرح خاطرات جنابعالی را مطالعه کردم، هر چند نوشتن خاطرات توسط مبارزین و مجاهدین در راه تحقق انقلاب شکوهمند اسلامی همچون جنابعالی بسیار ارزشمند خواهد بود و به همین دلیل هر چه دقت بیشتر و غور و بررسی در زوایا و جزئیات کاملتر باشد ارزش چنین اثری فراوان تر و در آینده استناد به آن راحت تر خواهد شد، ولی بجاست در مواردی که به دیگران ارتباط پیدا می کند به حافظه خود قناعت نکنید بلکه حتی الامکان از آنان استفسار شود.

از باب مثال در صفحه ۲۸۵ جلد اول کتاب خاطرات جنابعالی در مورد اموال مرحوم تولیت چنین

آمده است:

«با این مقدمات زمینه دخالت آقای منتظری پیش آمد که ایشان حکم کردند که اموال تولیت تخمیس شود. خمس آن را خود ایشان برداشت و بقیه به جامعه الصادق که ایشان هم از اعضای تصمیم گیرنده آن بودند واگذار شد که فعلاً در اختیار دانشگاه امام صادق است.»

لازم به توضیح است که مدتی پس از فوت مرحوم تولیت همسر ایشان به اتفاق اعضای شرکت طاهر در اثر نظرات مختلفی که داشتند به اتفاق جناب آقای خانیان یکی از ائمه جامعه الصادق نزد اینجانب آمدند و اظهار نمودند که اموال به جامعه الصادق منتقل شود و در این امر مصرّ هم بودند؛ و من صحبت‌هایی کردم و از آن جمله اینکه لازم است اموال آن مرحوم تخمیس شود و دیگر اینکه لاقلاً ۱۵-۱۰ مدرسه در قم از محل اموال او ساخته شود چون آن مرحوم به کارهای فرهنگی در قم نظر داشتند که البته هیچکدام از این دو پیشنهاد عملی نشد و بر خلاف آنچه که نوشته اید هیچگاه خمس آن را من برنداشتم؛ اموال ایشان باغات بود و پولهای ثابت در بانک لندن، از کدام آنها من خمس برداشتم؟! مقتضی است در مجلدات آینده و یا به هر نحو دیگر تصحیح و جبران نمایند.

در ضمن پرونده های ساواک قم در اول انقلاب همه در اختیار من بود که با تلفن آقای ری شهری من همه را در اختیار اطلاعات قرار دادم در صورتی که ممکن بود فتوکپی پرونده خودم را بردارم، فعلاً چنانچه ترتیبی دهید که فتوکپی اسناد پرونده اینجانب را در اختیار من قرار دهند موجب مزید امتنان خواهد بود، تصدیق می کنید که این امر حق مشروعی است برای مثل اینجانب. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۷۶/۶/۲۳

قم - حسنعلی حنظری



پیوست شماره ۸۳: مربوط به صفحات ۵۰۷ و ۵۱۸
نامه هیات امنای مرکز جهانی علوم اسلامی و نوشته معظم له

بسم الله الرحمن الرحيم
شورای سرپرستی طلاب غیر ایرانی
حوزه علمیه قم

حضرت آیت الله منتظری دامت برکاته
پس از اهداء سلام، با توجه به گستردگی فعالیتهای مرکز جهانی علوم اسلامی و ارتباط
تنگاتنگ آن با وزارتخانه‌های مختلف، مشکلات و نیازهای مادی و معنوی آن مرکز در
جلسات هیات امناء مورد بحث قرار گرفت و ضرورت اختیار داشتن هیات امناء در اخذ
تصمیمات لازم حسب مورد و در راستای پیشرفت مرکز مورد بحث و نظر قرار گرفت.
مقتضی است نظرتان را در این مورد مرقوم دارید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
هیات امناء مرکز جهانی علوم اسلامی
۶۹/۵/۲۱ - علی مشکینی

بسمه تعالی

پس از سلام و تحیت، آنچه اکثریت هیات امناء مرکز مذکور
به مصلحت آن تشخیص دهند با حفظ استقلال و موقعیت آن
مورد تایید اینجانب می باشد. والسلام علیکم.

۶۹/۵/۲۵ - حسینعلی منتظری



از:

:۴

موضوع:

تاریخ:

شماره:

حضرت آیه الله منتظری دامت برکاته

پس از اهداء سلام ، با توجه به گستردگی فعالیت‌های مرکز جهانی علوم اسلامی و ارتباط تنگاتنگ آن با وزارتخانه های مختلف مشکلات و نیازهای مادی و معنوی آن مرکز در جلسات هیئت امناء مورد بحث قرار گرفت و ضرورت اختیار داشتن هیئت امناء در اخذ تصمیمات لازم حسب مورد و در راستای پیشرفت مرکز مورد بحث و نظر قرار گرفت . مقتضی است نظرتان را در این مورد مرقوم دارید .

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

هیئت امناء مرکز جهانی علوم اسلامی
علی مشکینی

باسمه تعالی
بی از سلام و تحیات
هیئت امناء مرکز جهانی علوم اسلامی
رخصه دهند با حفظ استعانت و تقویت آن
نور آید از این فعالیت‌ها
۹۹/۵/۲۵

پیوست شماره ۸۴: مربوط به صفحه ۵۱۳

نامه حجة الاسلام آقای دکتر احمدی به امام خمینی درباره بخش تربیت مدرس
مدرسه دارالشفاء و پاسخ ایشان

شماره ۳۲۴

تاریخ ۶۸/۲/۱۳

بسمه تعالی

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی جعلت فداه با تقدیم شایسته ترین تحیت، به استحضار خاطر شریف می رساند که: با توجه به ضرورت تدریس معارف دینی در دانشگاه‌ها و نارسایی‌های کنونی از سال گذشته قریب نودنفر از طلاب حوزه علمیه قم که دو سال درس خارج خوانده اند گزینش شده اند تا با گذراندن برنامه مخصوص پس از سه سال به تدریس دروس معارف دینی در دانشگاه‌ها پردازند، و هم اکنون قریب یک سال تحصیلی از این برنامه را در مدرسه دارالشفاء قم گذرانده اند و قرار است در آینده هم گرفتن طلاب تا رفع نیاز ادامه یابد. قسمت عمده کار اجرایی و درسی و برنامه هم زیر نظر اینجانب انجام می گیرد، از محضر مبارک تقاضا می شود با توجه به موقعیت کنونی تکلیف این بخش را معلوم فرمایید. پ

دکتر احمد احمدی

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی

بسمه تعالی

جناب حجة الاسلام آقای احمدی دامت افاضاته

از این پس مدرسه دارالشفاء قم در صورت توافق شورای مدیریت حوزه علمیه قم زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی اداره گردد، و در صورت توافق حق لغو با شورای مدیریت قم می باشد. ان شاء الله موفق باشید. والسلام علیکم

۶۸/۲/۱۹ - روح الله الموسوی الخمینی

شماره ۳۰۳
تاریخ ۱۳۳۲
پست ۱۰۰



جمهوری اسلامی ایران
شورای عالی انقلاب فرهنگی
" بسمه تعالی "

محضر مبارک رهبر کبیرا انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خمینی جعلت فدا

با تقدیم شایسته ترین تحیت، به استحضار خاطر شریف میرساند که: با توجه به ضرورت تدریس معارف دینی در دانشگاهها و مراکز شبهای کانونی از سال گذشته قریب نود نفر از طلاب حوزه علمیه قم که دوسال درس خارج خوانده اندگزینش شده اند تا به کلاسها رهنمون گردند. مخصوصاً پس از سه سال به تدریس دروس معارف دینی در دانشگاهها بپردازند و همگاماً کانون قریب یکسال تحصیلی از این برنامها در مدرسه دارالشفاء قم گذرانده اند و تقریباً در آئینده هم گرفتن طلاب تا رفع نیازها را مد نظر قرار داده اند. اجرای و درسی و برنامها هم زیر نظر اینجانب انجام میگیرد، از محضر مبارک تقاضا میشود با توجه به موقعیت کانونی، تکلیف این بخش را معلوم فرمائید. / پ.

دکتر احمد احمدی

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی



بسمه تعالی
جناب آقای دکتر محمد باقر باقری

از این پس در رسد دارالشفاء قم در صورت توافق شورای مدیریت حوزه علمیه قم زیر نظر شما را به انجمن وضع اداره گردد و در صورت توافق حق لغو با شورای مدیریت قم میباشد. اینجانب در صورتی

با سلام و احترام
محمد باقر باقری

۶۸/۲/۱۹

پیوست شماره ۸۵: مربوط به صفحه ۵۱۳

نامه آیت الله فاضل به آقای وافی در مورد قسمت تربیت مدرس مدرسه دارالشفاء

شماره: ۱/۲۱۱۶

تاریخ: ۶۸/۲/۲۶

بسمه تعالی

حجة الاسلام جناب آقای حاج شیخ ابوالقاسم وافی دامت افاضاته چون حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران مدظله العالی بررسی و تصمیم گیری نسبت به ادامه کار تربیت مدرس (مستقر در مدرسه دارالشفاء) جهت دانشگاه‌ها و نظارت بر آن را به عهده شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم واگذار فرموده اند، لذا جنابعالی به اتفاق حجة الاسلام جناب آقای حاج شیخ جعفر امامی شیرازی دامت افاضاته کلیه برنامه‌های درسی و آموزشی آن را ضمن نشستهایی که با دست اندرکاران اجرای آن خواهید داشت رسیدگی و بررسی نموده، و نتیجه را با پیشنهادات اصلاحی با توجه به رهنمودهای شورای عالی مدیریت به شورا ارائه فرمایید.

شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم

۶۸/۲/۲۶ - محمد فاضل



مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

شورای مدیریت

بیتعالی

شماره ۲۱۱۶/۱

تاریخ ۲۶/۲/۶۸

پوست

حجة الاسلام جناب آقای حاج شیخ ابوالقاسم وافی دامت افاضاته چون حضرت آية الله العظمی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران مدظله العالی، بررسی و تصمیم گیری نسبت به ادامه کار تربیت مدرس (مستقر در مدرسه دارالشفاء) جهت دانشکامها و نئارت بر آن را بعهده شورایعالی مدیریت حوزه علمیه قم واگذار فرموده اند لذا جنابعالی بهاتفاق حجة الاسلام جناب آقای حاج شیخ جعفر امامی شیرازی دامت افاضاته کلیه برنامه های درسی و آموزشی آن را ضمن نشستی که با دست اندرکاران اجرای آن خواهیم داشت رسیدگی و بررسی نموده و نتیجه را با پیشنهادات اصلاحی با توجه به رهنمودهای شورایعالی مدیریت به شوری ارائه فرمائید.

شورایعالی مدیریت، حوزه علمیه قم



پیوست شماره ۸۶: مربوط به صفحه ۵۱۳

نامه آیت الله فاضل به آقای ملکا در مورد ساختمان و تاسیسات و لوازم مدرسه
دارالشفاء

شماره: ۱/۲۱۱۵

تاریخ: ۶۸/۲/۲۶

بسمه تعالی

حجة الاسلام جناب آقای حسین ملکا دامت افاضاته

چون حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی مدظله العالی اداره
مدرسه دارالشفاء و برنامه‌های جاری آن را به شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم واگذار
فرمودند، لذا جنابعالی به اتفاق حجة الاسلام آقای محمد مهدی صباحی نسبت به تحویل و
نظارت بر ساختمان، تاسیسات و لوازم اداری و ادغام تشکیلات مشابه در واحدهای مربوطه
مرکز مدیریت منصوب می شوید که ان شاء الله در زمان مناسب گزارش آن را به شورا ارائه
خواهید داد.

شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم

۶۸/۲/۲۶ - محمد فاضل

شماره ۱۲۱۱۵
تاریخ ۶۸/۲/۲۶
پوست

بیت‌اللهی

مرکز مدیریت حوزه علمیه قم
شورای مدیریت

حجة الاسلام جناب آقای حسین ملکا دامت افاضاته
چون حضرت آیه الله العظمی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب
اسلامی مدظله العالی اداره مدرسه دارالشفاء و برنامه های
جاری آنرا به شورایعالی مدیریت حوزه علمیه قم واگذار
فرمودند لذا جنابعالی باتفاق حجه الاسلام آقای محمد مهدی
صباحی نسبت به تحویل و نظارت بر ساختمان، تأسیسات و لوازم
اداری و ادغام تشکیلات مشابه در واحدهای مربوطه مرکز
مدیریت منصوب می شوید که انشاء الله در زمان مناسب
گزارش آنرا به شوری ارائه خواهید داد.

شورایعالی مدیریت حوزه علمیه قم



پیوست شماره ۸۷: مربوط به صفحه ۵۱۳

تعیین هیات امنای مدرسه دارالشفاء توسط معظم له

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات حجج اسلام آقایان حاج سید حسن دیباجی، حاج شیخ قربانعلی دری، حاج شیخ غلامحسین نادی، حاج شیخ محمد عبداللہیان، حاج شیخ حسین ملکا دامت افاضاتہم پس از سلام

چنانچه اطلاع دارید مدرسه دارالشفاء قم که در جنب مدرسه فیضیه و آستانه مقدسه حضرت معصومه سلام الله علیها واقع شده احتیاج به تجدید بنا داشت و در مدرسه چندین خانه مسکونی واقع شده بود که رفت و آمد در آنها مناسب با وضع مدرسه نبود و از قدیم الایام مزاحم مدرسه بودند و بعلاوه مدرسه نیاز مبرم به توسعه داشت لذا اینجانب برای خرید خانه‌های متعددی که در جنب مدرسه بود اقدام نمودم و بحمدالله با همه مشکلات موفق شدم، و یکی از دوستان خیر برای ساختمان و تجدید بنای مدرسه قریه الی الله سرمایه گذاری کرد و زحمات زیادی را متحمل شد که خدایش اجر کامل عنایت فرماید ان شاءالله.

و مدرسه بحمدالله و منته به صورت قسمت اداری برای انجام کارهای اداری حوزه مقدسه قم و انجام کارهای تحقیقاتی و سالنها و مدرس‌های متعدد برای کتابخانه و محل تدریس و برگزاری برنامه‌های تبلیغی و اجتماعی حوزه مقدسه و قسمتی هم برای سکونت طلاب علوم دینیہ درآمد، و چون اداره قسمت‌های مختلف مدرسه نیاز به اشراف و برنامه ریزی دقیق دارد لذا شما آقایان محترم از قبل اینجانب به عنوان هیات امناء مدرسه منصوب می شوید.

امید است با تشریک مساعی و هم آهنگی کامل اقدام نمایید به نحوی که هرچه بهتر از قسمت‌های مختلف مدرسه استفاده شود. ان شاءالله زحمات شما مورد رضایت خداوند متعال و توجه کامل حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

۱۰ ربیع الثانی ۱۴۱۰ - ۶۸/۸/۱۹ - حسینعلی منتظری

بتعالی

تاریخ _____

شماره _____

پیوست _____

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات حجج اسلام آقایان حاج سید حسن دیباجی - حاج شیخ قربانعلی درزی - حاج شیخ غلامحسین نادی -
حاج شیخ محمد عبداللطیف - حاج شیخ حسین طکا دانست افانها تم بین از سلام :

چنانچه اطلاع دارید مدرس دارالافتاء قم که در جنب مدرسه فضیله در کمانه تعداد حضرت معصومه سلام الله علیها واقع است
احتمالاً بعد از بنیاد دانست و در مدرسه چندین خانه مسکنه واقع شده بود که رفت و آمد در آنها مناسب با وضع مدرسه نبود
و از قدیم الایام فراخ مدرسه بودند و بعلاوه مدرس نیاز به مدرسه دانست لذا این جنب برای خرید خانه های متعددی
که در جنب مدرسه بود اقدام نمودم و بجدار به با هم مشکلات موقت کردم . و یکی از دوستان خیر برای ساختمان و تعداد
بنای مدرسه قرینه ای را سرمایه گذاری کرد و زحمات زیادی را متحمل شد که خدا ایسرا و کلام عنایت فرماید ان شاء
الله بجد الله و منتنه بصورت قسمت اداری برای انجام کارهای اداری حوزه تقدیرم و انجام کارهای تحقیقاتی
و سالنها و مدرسه های متعدد برای کتبخانه و محقرت مدرسه و نیز گذارین برنامه های تبلیغی و اجتماعی حوزه تقدیرم
و قسمتی هم برای مسکنت طلاب بسلام دینی در آمد . و چون اداره قسمتهای مختلف مدرسه نیاز به اسراف و زیاده روی
دقیق دارد لذا اسم آقایان محترم از قبل این جنب بعنوان هیئت انشاء مدرسه منصوب میگردید
امید است با تشریح مسامی دهم آهنگی کلام اقدام ناسید بخوبی که هر چه بهتر از قسمتهای مختلف مدرسه استفاده شود
ان شاء الله زحمات سحر مرور عنایت خداوند تعالی و توبه کلام حضرت و صلوات علیهم السلام فرج الشریف خواهد بود
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۱۰ - ۱۹/۱۸/۶۸



پیوست شماره ۸۸: مربوط به صفحه ۵۱۳

تعیین آقای کاملان به عنوان عضو هیات امنا و متولی و مدیر مدرسه دارالشفاء

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج شیخ صادق کاملان دامت افاضاته پس از سلام، اکنون که مدرسه دارالشفاء قم با تحمل زحمات فراوان و خرید منازل متعدد توسعه پیدا کرده و با اقدام و کمک مالی مرد خداجوی خیری - که خدایش خیر و برکت و اجر کامل عنایت فرماید - ساختمان آن تجدید شده و به صورت یک مدرسه آبرومند و وسیع مشتمل بر حجرات زیاد برای سکونت طلاب علوم دینی، و سالنهای متعدد برای تدریس مدرسین والامقام، و یک کانون بزرگ برای اداره و رفع احتیاجات حوزه علمیه قم «صانهاالله تعالی عن الحدثن الی یوم ظهور ولی العصر صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» درآمده است، احتیاج مبرم به یک متولی و مدیر متعهد و کاردان و دلسوز دارد که هم حفاظت این مدرسه و کانون و تاسیسات وسیع و اداره آنها را به عهده بگیرد، و هم برای استفاده و بهره برداری از این موسسه بزرگ اسلامی به عنوان یک فرد از هیئت امناء که قبلا منصوب شده اند با آنان در برنامه ریزی‌های صحیح شرکت کند و با جدیت آنها را اجرا نماید. لذا نظر به شناخت کاملی که نسبت به تعهد و تقوی و تدبیر و مدیریت جنابعالی دارم مسئولیت اداره این مدرسه و کانون را به جنابعالی محول می‌کنم و شما را به عنوان متولی و مدیر آن و یک فرد از هیئت امناء منصوب می‌نمایم. امیدوارم با توفیقات خداوند متعال و پشتیبانی سایر هیئت امناء محترم دامت افاضاتهم بتوانید به این مجموعه بزرگ اسلامی که آبرویی است برای حوزه علمیه قم خدمت نمایید، و درمسائل مهم که نیاز به مشورت دارد با مشورت هیئت امناء اقدام نمایید، و در برنامه ریزی‌ها با مقررات و برنامه ریزی‌های شورای مدیریت حوزه علمیه قم نیز هم آهنگی به عمل آورید تا ان شاءالله ازاین موسسه بزرگ به نفع اسلام و حوزه علمیه استفاده کامل شود. خداوند به شما سلامت و توفیق و اجر جزیل عنایت فرماید.

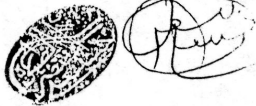
والسلام علیکم و رحمة الله

۱۲ جمادی الاولی ۱۴۱۲ - ۱۳۷۰/۸/۲۹

حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جناب مستطاب حججه الاسلام آقای حاج شیخ صادق کامران دست افشان
 پس از سلام اکنون که مدرسه دارالافتاء عم با تحلیلات فراوان و خرید منازل متعدد توسعه پیدا کرده و
 وبا اقدام و کمک های مرد خدا جدی غرضی - که خدا این خیر و برکت و اجر کامل عنایت فرماید بفرمان آن بزرگوار
 و بصورت یک مدرسه آبرو مند و وسیع مشتمل بر حجرات زیاد برای سکونت طلاب علوم دینی، و سالنهای
 متعدد برای تدریس مدرّسین و الا تعام، و یک کانون بزرگ برای اداره و رفیع احتیاجات حوزه علمیه قم
 - صافنار الله تعالی عن الحدیث ان الایوم ظهور و الا عصرها بعد الزمان بحمد الله تعالی فرجه کبیر -
 در آمده است، اجتماع مبرم به یک تنوع و مدیریت متعدد و کار دان و دل نواز دارد که اهم حفاظت
 این مدرسه و کانون و تأسیسات وسیع و اداله آنها را بعهده بگیرد، و هم برای استفاده و بهره برداری
 از این توسعه بزرگ اسلامی بعنوان یک فرد از هیئت انصار که قبلاً منصوب گردیدند با آمان در برنامه
 ریزیهای مهمی شرکت کنند و با جدیت آنها را اجرا نمایند. لذا نظر شایسته گامی مثبت به تعهد
 و تقوی و تدبیر و مدیریت جناب عالی دارم که توفیق ادا این مدرسه و کانون را بجنابها محول میکنم
 و هم را بعنوان متولی و مدیر آن و یک فرد از هیئت انصار منصوب می نمایم. امیدوارم با توفیقات
 خداوند تعالی و تشیبات سایر هیئت انصار محترم دست افشانانم بتوانید به این مجموعه بزرگ
 اسلامی که آبرو هست برای حوزه علمیه قم خدمت نمایند. در مسائل مهم که نیاز به صورت دارد
 با مشورت هیئت انصار اقدام نمایند، و در برنامه ریزیها با مقورات و برنامه ریزیهای شورای
 مدیریت حوزه علمیه قم نیز هم آهنگی بعمل آورید تا ان شاء الله از این توسعه بزرگ بیفایده اسلام
 و حوزه علمیه استفاده کامل شود. خداوند با صلاح و توفیق و اجر جزیر عنایت فرماید و السلام علیکم و علی
 آئالتکم و سلم

۱۲ جمادی الاول ۱۳۱۲ - ۲۹ / ۱ / ۱۳۷۰


پیوست شماره ۸۹: مربوط به صفحه ۵۱۴

یادداشت معظم له خطاب به امام خمینی در مورد ساختمان مدرسه دارالشفاء

باسمه تعالی

پس از سلام، شنیده شد که حضرتعالی مدرسه دارالشفاء قم را کتبا به شورای مدیریت حوزه محول فرموده اید:

نمی دانم تا چه حد از وضع فعلی مدرسه دارالشفاء اطلاع دارید؟ مدرسه دارالشفاء حدود دو هزار و پانصد متر زمین داشت و تقریباً به صورت مخروطی ای درآمده بود. اینجانب حدود هفت سال پیش یکی از دوستان را که دنبال کار خیر می گشت پیدا کردم او حاضر شد مدرسه را با پول خودش تجدید بنا کند و فقط بانی ساختمان بود و تا حال حدود صد میلیون تومان (یک میلیارد ریال) خرج کرده و هنوز هم برای تعمیرات و تاسیسات مخارج زیادی لازم است که اشتغال دارد، و من با خرید خانه‌های مجاور با چه مشقتهایی مدرسه را به حدود هفت هزار متر رسانده ام و برای پول زمینها از افراد مختلف تا حال کمک گرفته ام و هنوز حدود بیست میلیون تومان بابت خرید زمین خانه‌ها بدهکارم و سند زمینها به اسم من است.

و مدرسه در دو قسمت ساخته شده: یک قسمت که عمده آن را زمین سابق مدرسه تشکیل می دهد مدرسه علمیه چند طبقه شده است برای سکونت طلاب و قسمت دیگر را مدرس‌های زیاد برای دروس حوزه و حدود صد اطاق و سالن برای کارهای اداری حوزه و سمینارها و اجتماعات و محل امتحانات و کتابخانه و نحو ذلک اختصاص داده ایم که الان مدرس‌ها مورد استفاده مدرسین حوزه است و حدود پنجاه اطاق و سالن را هم من تا حال در اختیار شورای مدیریت حوزه قرار داده ام برای کارهای اداری و امتحانات و پرونده‌ها و نحو ذلک.

و هدف این بوده است که در مدرسه غیر از کارهای اداری و تشکیلات، در سه برنامه استفاده شود:

۱ - تربیت مدرسین معارف و اخلاق اسلامی برای دانشگاه‌ها با تصویب شورای انقلاب فرهنگی.

۲ - تربیت طلاب با برنامه و امتحانات طبق برنامه‌های حوزه.

۳ - تربیت افرادی متخصص در رشته‌های مختلف از حدیث و تفسیر و فلسفه و اقتصاد اسلامی در کنار دروس حوزوی، که چون ساختمان مدرسه هنوز تکمیل نشده فقط قسمت اول در اول سال تحصیلی شروع شد، و با امتحان از طلاب که دو سال خارج خوانده باشند و قسمت‌هایی از فلسفه را نیز خوانده باشند حدود یکصد نفر انتخاب و دوره تدریس آنان سه سال معین شده است که سال اول در شرف اتمام است، و این قسمت در حقیقت کمک به کار شورای انقلاب فرهنگی است و باید با تصویب شورای انقلاب فرهنگی باشد و آن دو قسمت دیگر ربطی به شورای انقلاب فرهنگی ندارد.

در حوزه قم همه آقایان درجه اول و دوم و سوم اعم از انقلابی و غیرانقلابی مدرسه ساخته اند و طلبه تربیت می کنند، البته اغلب برنامه‌های آنان با برنامه‌های شورای مدیریت هم آهنگ است، و خود من هم چندین مدرسه در اختیار دارم که زیر نظر آقای امینی گذاشته شده و ایشان اداره می کنند و چون مدرسه دارالشفاء یک مرکز فرهنگی جالب در نزدیک آستانه است متأسفانه در وضعی که پیش آمده ارگان‌های مختلفی به مدرسه طمع کرده اند به نحوی که شخص بانی را هم دلسرد کرده اند که البته من او را تشویق به اتمام کردم. اگر منظور حضرتعالی این است که قسمت اول با نظر شورای انقلاب فرهنگی و قسمت‌های دیگر با ملاحظه برنامه‌های کلی شورای مدیریت اداره شود امری است صحیح و من هم با آنان هم آهنگ می کردم ولی اصل مدرسه با زحمات هفت ساله من ساخته شده است و هنوز من پول زمینها را بدهکارم و بانی هم به خاطر من اقدام کرده است. همه آقایان در حوزه مدارسشان را به نام خود ساخته اند ولی من برای خطوط کاشیها علاوه بر آیات قرآن و احادیث راجع به علم و تقوی دستور داده بودم جملاتی از فرمایشات حضرتعالی را هم روی کاشیهای مدرسه حک کنند که حک شده است و اسمی از من هم درجایی نوشته نشده، بالاخره این است خلاصه تاریخ تجدید بناء مدرسه.

باسمه‌تعالی

تاریخ

کس از سلام ننشسته که حضرت آقا در مدرسه دارالفنا و تقم را کلبه کبوترهای مدیریت مولود محمول فرموده اند و
 بنده اینم تا چه حد از وضع فعلی مدرسه دارالفنا و اطلاع رادید؟ مدرسه دارالفنا حدود چهار دهه یا صد ساله است و در این مدت
 متغیر بوده است و در این میان حدود هشت سال پیش کمی از دسترس راکم دنیا (کارخانه عیادت پیدا کردم و حاضر شد مدرسه را با منم خود
 تجدید بنا کند فقط با ۱۵ نفر از بزرگان حدود صد مینیون توان (بسیار دریا) خنجر کرده و هنوز هم برابر تعمیرات و تأسیسات مخارج
 زیاد می‌لازم است که احتمال دارد و نیز با خرید خانه کمی مجامع در باجه سفتها ۲ مدرسه را که در حد هشت از دسترس راکم است. برای برکنار شدن از آن فرود
 مختلف تا حال کمک گرفته ام و هنوز هم حدود هشت لیلیون تومان بابت خرید زمین خانه که بدکارم و سندی منها با اسم من است
 و مدرسه در دو قسمت است: یک قسمت که عمل آن را از زمین سابق مدرسه تشکیل میدهد و مدرسه علیه جنبه عقیدت است بران سکونت طلاب
 و قسمت دیگر مدرسه‌های زیاد برادران جوان و حدود ده ساله و بران کارهای امداد و جوان و میماند که اولیای است و عمل استانی است
 و کماکان و خود را اختصاص داده ام که الان مدرسه‌ها برود کشفه مدرسه‌های جوان است و حدود پنجاه اتفاق و بران را هم تا حال در اختیار
 شورای مدیریت جوان قرار داده ام برای کارهای امداد و این است و بر وضعی که می‌خواهد
 و بدین این جمله است که در مدرسه میزان کارهای امدادی و تسهیلات بود در سر بر نام استفاده فرود
 تربیت بر زمین و در واقع برای دانش آموزان با تقویه در راه انقلاب فرهنگی ۲۰ تربیت طلاب با برنامه و برنامه است پس برنامه که می‌خواند
 در تربیت اولاد مخصوص در رشته‌های مختلف از فنی و حرفه و اقتصاد و کلام در کنار دروس خودی که چون سابقان مدرسه منوط تکمیل کلی
 فقط قسمت اول در تحصیل اولاد سال تحصیلی شروع شد و با اتمام از طلاب که در سال فارغ التحصیل باشند و قسمت اول از فلسفه را نیز خوانند
 حدود صد نفر از اتمام دوره در سال سی سال یعنی شصت که سال اول در برقرار است و این قسمت در عقیدت که کار برادران انقلاب
 فرهنگی است و باید با تقویه در راه انقلاب فرهنگی باشد و این دو قسمت فی‌الذیل در راه انقلاب فرهنگی می‌ماند
 در همان قم هم آمان در هم اول دووم و سوم هم از انقلاب و غیر انقلابی مدرسه ساخته اند و طلبه تربیت میکنند البته اغلب برنامه که می‌ماند با برنامه
 شورای مدیریت است اما اینها را حدود خزانم چندین مدرسه در اینجا دارم که زیر نظر آقای امینی گذاشته شد و این اداره میکنند
 و چون مدرسه دارالفنا و دیگر نیز فرهنگی غالب در زود است اما همه متاسفانه در وضعی که پیش آمده کارگانه‌های مختلفی بدست طمع کرده اند
 بنی که کسطن با برنامه در سر کرده اند که البته زود است و این است که قسمت اول با نظر شورای
 انقلاب فرهنگی و قسمت‌های دیگر با نظر برنامه که می‌ماند شورای مدیریت اداره می‌شود و هم با برنامه هم اضلاع می‌کند
 و این نیز مدرسه با زحمت تمامه هر ساله است و هنوز خزانم زود است و با برنامه بخاطر خزانم کرده
 هم آمان در همان مدارس ان را بنام خود ساخته اند و از برای خطوط کارها علاوه بر آن قرآن و لغات و ریاضی و علوم و فقه
 دستور داده بودم جلای آن را در حق حضرت آقا در این روزگارهای سرگردانند که هرگز کسی و اینجی از خزانم در خانه نشسته نشد
 بالله این که صلا به تاریخ تجدید بنا و مدرسه

پیوست شماره ۹۰: مربوط به صفحه ۵۱۸
نامه معظم له به آقای امینی در مورد مدارس علمیه

تاریخ ۶۵/۹/۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ ابراهیم امینی دامت افاضاته پس از سلام، نظر به اینکه جنابعالی نسبت به مسائل حوزه علمیه و روش برنامه ریزی و تعیین دروس لازمه تجربه لازم و شناخت کافی دارید مستدعی است اداره مدارس علمیه «رسول اکرم(ص)، امام باقر(ع)، امام صادق(ع) و بعثت» و نظارت بر همه قسمت‌های آنها را به عهده بگیرید و با اختیار تام ضمن تعیین مسئول برای هر یک از آنها ترتیبی بدهید تا برنامه‌های درسی و فکری و اخلاقی مدارس فوق از هر جهت کامل تر از گذشته و از هر نظر مرضی خداوند متعال و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه باشد.

ان شاء الله با جدیت کامل و نظارت دقیق جنابعالی و هم کاری فضلاء محترم و هم آهنگی طلاب و محصلین عزیز و با هم آهنگی شورای مدیریت حوزه علمیه قم، محصلین عزیز بتوانند به نحو احسن از امکانات استفاده نمایند و در آینده وجودشان برای اسلام و مسلمین منشأ آثار و برکات کثیره گردد و جنابعالی عندالله ماجور و زحمات شما مورد توجه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه واقع شود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حسینعلی منتظری

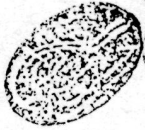
﴿ بسمه تعالی ﴾

تاریخ: ۲۹.۹.۹۵

شماره:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب منتظاب حجة الاسلام دام ظلهم اقای فاضل شیخ ابراهیم اصفهانی است افاضلنا
 پس از سلام نظر بانیکه جنابعا نسبت بمن ترهون علمیه دروس برنامه ریزی و تعیین
 دروس لازمه تجربه لازم و شناخت کافی دارند مستدعی است اداره مدارس علمیه
 « رسول اکرم ص، امام باقر ع، امام صادق ع و بصیبت » نظر است بر همه قسمت های
 آنها را بعهده بگیرد و با اختیار تمام ضمن تعیین مسئول برای هر یک از آنها ترتیبی
 بدهد تا برنامه های درسی و فکری و اخلاقی مدارس فوق از بهر جهت کامل تر گردند
 و از هر نظر مرضی قرار دهند تعالی و حضرت ولای عصره خیر الله تعالی فرجه باشد
 ان شاء الله با جدیت کامل و نظر است دقیق جنابعا و هم کاری فضلای محترم و هم آشنایان
 طلاب و محصلین عزیز و با هم آشنایان شورا می مدیریت حوزه علمیه قم، محصلین عزیز بپروانند
 بنمایند از امکانات استفاده نمایند و در آینده وجودی آن برای اسلام و مسلمانی
 نشانی آثار و برکات کثیره گردد و جنابعا عند الله مأجور و زحماتش برودتوجه حضرت
 ولای عصره خیر الله تعالی فرجه واقع شود و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



پیوست شماره ۹۱: مربوط به صفحه ۵۲۲

بخشنامه شورای عالی قضایی در ارتباط با عمل به رهنمود معظم له

تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۱

شماره ۲۲/۶۴/ب/ش

شورایعالی قضایی

دادگستری جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

بخشنامه به کلیه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب اسلامی

در اجرای رهنمود حضرت آیت الله العظمی منتظری

بنا به تصویب جلسه (۸۱) مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۴ شورای عالی قضایی لازم است:

احکام مصادره (استرداد) اموال که به استناد حکم حکومتی حضرت امام مدظله العالی یا قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم صادر می شود بدواً به دادگاه عالی قم ارسال شود و پس از تنفیذ و تصدیق به عدم خطاء در تشخیص موضوع انشاء حکم گردد. /ص

رییس شورای عالی قضایی

موسوی اردبیلی



شورای عالی قضائی
 واکتبری جمهوری اسلامی ایران
 بتعلمی

تاریخ ۱۳۶۴-۱۱-۱۱
 شماره ۴۴۲۲۲۲۲۲

پیوست

بخشنامه کلیه دادگاهها و دادسراهای انقلاب اسلامی

در اجرای رهنمود حضرت آیت ا... العظمی منتظری

بنابه تصویب جلسه (۸۱) مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۴ شورای عالی قضائی

لازم است :

احکام مصادره (استرداد) اموال که باستناد حکم حکومتی حضرت
 امام مدظله‌العالی یا قانون نحوه اجرای اضل چهل ونهم صادر میشود
 بدو " به دادگاه عالی قم ارسال شود و پس از تنفیذ و تصدیق بعدم
 خطا در تشخیص موضوع انشاء حکم گردد / ص

رئیس شورای عالی قضائی

موسوی اردبیلی
 عبدالمجید
 ۳

پیوست شماره ۹۲: مربوط به صفحه ۵۲۲

نامه معظم له به امام خمینی در جهت تبیین برخی ابهامات موجود در حکم معظم له جهت مصادره اموال سران سلسله پهلوی و وابستگان آنها، به تاریخ ۶ ذی الحجه ۱۴۰۴

بسمه تعالی

محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام، چنانچه خاطر شریف مستحضر است حدود سه سال است که پرونده‌های اعدام و مصادره اموال به دادگاه عالی قم ارجاع و پس از تایید آنان اجرا می شود و این امر مخصوصاً با وضع قضات ما بسیار لازم و مفید بوده است.

از طرف دیگر حضرتعالی در اوائل انقلاب فرموده اید: «تمام اموال منقول و غیر منقول سلسله پهلوی و شاخه‌ها و عمال و مربوطین به آنها که در طول مدت سلسله غیر قانونی از بیت المال مسلمین اختلاس نموده اند به نفع مستمندان و کارگران و کارمندان ضعیف مصادره شود» راجع به این امر حضرتعالی جهاتی مورد بحث واقع شده:

۱ - آیا این فرمایش انشاء حکم بوده از حضرتعالی و قضات فقط تشخیص موضوع می دهند و به دادگاه عالی ارجاع نمی شود، یا دستور بوده به قضات برای حکم مصادره و قهراً به دادگاه عالی ارجاع می شود.

۲ - عمال و مربوطین مقول به تشکیک است حتی کدخدای یک ده و اقوامش هم از عمال و مربوطین محسوبند.

۳ - از بیت المال مسلمین اختلاس نموده اند قید است یا وصف توضیحی؛ و بالاخره گفته شده که حضرتعالی حکم جزمی فرموده اید و این قبیل مصادره‌ها به دادگاه عالی ارجاع نمی شود، در صورتی که احتیاط در اموال مردم بخصوص با سعه مفهوم عمال و مربوطین و احتمال توضیحی بودن وصف اقتضا می کند که به دادگاه عالی ارجاع شود. مستدعی است نظر شریف را بیان فرمایید که مورد حاجت است. و الامر الیکم.

حسینعلی منتظری

بسمه تعالی

تاریخ: ۶ ذی‌الحجه ۱۴۰۴

شماره:

محضر مبارک آیه الله العظمی امام خمینی منظره العالی
 بین از سلام چند نخبه عالم شریف مستحضرات حدود ۳ سال است که بروی
 اعدام و صادره سوال به دادگاه عالی ارجاع و در این زمینه آنگاه ابراهیم
 و این امر موضوعاً با وضع قضات بسیار لازم و مستند بوده است.

از طرف دیگر حضرتعالی در اوایل انقلاب فرموده اند: «تمام سوال منقول
 و غیر منقول سلسله پهلوی من فیه که احتمال و مربوطین به آن که در طول سلسله
 و نوزد از بیت المال سلیمین اجتناب نموده اند بیفایستند آن و کارگران و کارمندان اصغیر
 صادره کرد» - راجع به این امر حضرتعالی فرمودند: «واقع شد:

۱- این فرمایش آن حکم بوده از حضرتعالی و قضات فقط آن شخص رضاعی میدهند و بدادگاه
 ارجاع میدهند یا دستور بوده بقضات برای حکم صادره و در دادگاه عالی ارجاع میدهند.
 ۲- احتمال و مربوطین تعول بتکلیف است حتی که خدا می‌کند و اقوال از عمل و مربوطین محسوب
 ۳- از بیت المال سلیمین اجتناب نموده اند قید است یا وصف توضیحی - و بالاخره گفته شد

که حضرتعالی حکم فرموده اند و این قید صادره که بدادگاه عالی ارجاع میدهند
 در صورتیکه احتیاط در سوال مردم مخصوص با سه مفهوم احتمال و مربوطین و احتمال توضیحی
 وصف آفتضا و نکند که بدادگاه عالی ارجاع شود مستحق است نظر شریف را بسیار فراموش
 که در درها حد است و الا و الا لکم السلام علیکم

پیوست شماره ۹۳: مربوط به صفحه ۵۲۲

نامه معظم له به شورای عالی قضایی در مورد ارجاع احکام اعدام و مصادره اموال
به دادگاه عالی قم

تاریخ ۶۴/۱۱/۱۳

بسمه تعالی

هیات محترم شورای عالی قضایی دامت برکاتهم
پس از سلام، پیرو مذاکراتی که با بعضی از آقایان محترم انجام شد، با توجه به حرمتی که
در دین مقدس اسلام نسبت به دماء و اموال و اعراض منظور شده و با توجه به لزوم حفظ
حرمت اسلام و مقام معظم رهبری مدظله العالی و با توجه به اینکه عده ای از آقایان قضات
محترم دارای مرتبه فقاهت و اجتهاد نیستند و به علاوه ممکن است در شهرستانها تحت
تاثیر جو و محیط قرار بگیرند و هیچ یک از ما معصوم از خطا نیستیم و موارد اشتباه هم
مشاهده شده است لازم است احکام مصادره بر اساس اصل ۴۹ قانون اساسی نیز مثل سایر مصادره‌ها و
مدظله العالی و احکام مصادره بر اساس اصل ۴۹ قانون اساسی نیز مثل سایر مصادره‌ها و
اعدامها به دادگاه عالی قم ارسال شود و پس از تایید دادگاه عالی و تصدیق به عدم خطا در
تشخیص موضوع اجرا شود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

ج/۲۲ - ۱۴۰۶/۱ - حسینعلی منتظری

بسمه تعالی

تاریخ ۱۳۰۱/۱۱/۲۹

شماره

هیت محترم شورای عالی قضایه داد است برکات الله

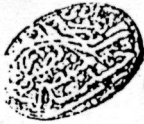
پس از سلام پیروند اگر آنگاه که با بعضی از آقایان محترم انجام شد

با توجه بحکمی که در دین تقدیر اسلام نسبت به دمار و اموال و اعراض منظور است
و با توجه بلزوم حفظ حرمت اسلام و تقام معظم رهبری منظمه العالی

و با توجه باینکه علی‌الاولی از آقایان قضایه محترم دارای عریته فقهیه و اجتهادیه
و علاوه ممکن است در کثیرین مواردی که تأثیر جدی و محیط قرار بگیرند و هیچ یک از آنها
از حفظ نیستیم و موارد اثباته هم من هم شد است لازم است اعلام صادره
بر اساس حکم حکومتی حضرت امام منظمه العالی و اعلام صادره بر اساس مهر ۱۳۹۱

قانون اساسی نیز مندرجاً صادره که و اعدادها بداد گاه عالی تم ارسال شود

و پس از تأیید دادگاه عالی و تصدیق بعد از حفظ در شخص موضوع احوال شود



مهر
مجلس

۱۳۰۱/۱۱/۲۲

پیوست شماره ۹۴: مربوط به صفحه ۵۲۲

نامه معظم له به شورای عالی قضایی در مورد ضرورت رعایت آزادی تجارت

تاریخ ۶۵/۲/۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای عالی محترم قضایی دامت برکاتهم

پس از سلام، حضرات توجه دارند که بر حسب موازین اولیه تجارت اسلامی، هر صاحب متاعی نسبت به اصل فروش یا نحوه فروش یا قیمت جنس خود آزاد است، و تجارت باید با تراضی طرفین واقع شود، و طبعاً همین امر موجب رونق بازار و شوق تجار و عرضه اجناس فراوان و مختلف خواهد شد.

و عن رسول الله (ص): «دعوا الناس یرزق الله بعضهم من بعض» (الوسائل ج ۱۲ ص ۳۲۸) البته اگر آزادی مطلق تجار موجب ضرر و اجحاف بر مردم شود در این صورت حاکم مسلمین به مقدار رفع ضرر و اجحاف حق دخالت دارد. پس در امتعه و اجناس غیر ضروریه جامعه دخالت حکومت اصلاً روا نیست، و نسبت به امتعه ضروریه و مورد نیاز جامعه، به مقدار ضرورت و رفع ضرر و اجحاف دخالت جایز است. (الضرورات تتقدر بقدرها)، در مرحله اول حاکم فقط از اصل احتکار منع می کند، بدون تعیین قیمت، و اگر صاحب متاع در قیمت اجحاف کرد او را از اجحاف منع می کند، و اگر موثر نشد حاکم نرخ تعیین می کند با رعایت مصلحت طرفین، و اگر طرف از فروش ابراء کرد، خود حاکم از باب ولایت به نرخ عادلانه با ملاحظه مصلحت طرفین و عدم تضرر مالک متاع را می فروشد.

و شخص متخلف در مرحله اول نصیحت و بعد توبیخ و بعد تعزیر بدنی می شود به مقدار ضرورت و لزوم، و اگر فرضاً تعزیر بدنی موثر نباشد و تعزیر مالی و جریمه در ردع او و ارتداع دیگران موثرتر باشد نوبت به تعزیر مالی می رسد علی قدر ضرورت. ولی مشاهده می شود در بعضی از دادگاه‌های انقلاب از این موازین در مراحل مختلفه تخطی می شود، و بعلاوه احکام صادره نوعاً یک نواخت و هم آهنگ نیست، و چه بسا بعضی از محدودیتها و تدروی‌ها خود سبب کمبود اجناس مورد نیاز هم شده است؛ و قهراً من و شما نیز از عواقب و گناه تخلفات و اشتباهات دادگاه‌ها بی بهره نیستیم.

ففى الحديث: «قيل للنبي(ص): لو سعت لنا سعرا فان الاسعار تزيد و تنقص، فقال(ص): ما كنت لالتقى الله ببذعة لم يحدث الى فيها شيئا، فدعوا عبادالله ياكل بعضهم من بعض.» (الوسائل ج ۱۲ ص ۳۱۸) و فى الحديث ايضا عن ابى سعيد قال: غلا السعر على عهد رسول الله(ص) فقالوا: لو قومت يا رسول الله قال: «انى لارجو ان افارقكم و لا يطلبنى احد منكم بمظلمة ظلمته.» (ابن ماجه ج ۲ -التجارات- الحديث ۲۲۰۱) و فى الحديث ايضا عن انس بن مالك قال: قال الناس: يا رسول الله غلا السعر فسعر لنا، فقال رسول الله(ص): «ان الله هو المسعر القابض الباسط الرازق، و انى لارجوان التقي الله و ليس احد منكم يطالبنى بمظلمه فى دم او مال» (رواه ابوداود و ابن ماجه فى السنن ج ۲ ص ۲۴۴ الحديث ۲۲۰۰ و احمد فى المسند ج ۳ ص ۱۵۶ و نحوه عبدالرزاق فى المصنف الحديث ۱۴۸۹۷) والخبار فى هذا الباب كثيره جدا من طرق الشيعة والسنة.

و حضرت امام خمينى مدظله العالى احتكار محرم را منحصر در غلات اربع و روغن زيتون کرده اند و بعد فرموده اند: «و يجبر المحتكر على البيع و لايعين عليه السعر على الاحوط بل له ان يبيع بما شاء الا اذا اجحف، فيجبر على النزول من دون تسعير عليه، و مع عدم تعيينه يعين الحاكم بما يرى المصلحة.» (تحريرالوسيله ج ۱ ص ۵۰۲)

بنابراين لازم است طى بخشنامه اى به دادگاه‌هاى انقلاب اولاً: لزوم رعايت مراتب ضرورت در دخالتها و در تخلفات اعلام شود، و ثانياً: دستور داده شود اگر فرضاً جريمه نقدى ضرورت پيدا کرد جريمه بيش از يكصد هزار تومان براى بررسى مجدد به دادگاه عالى قم ارجاع شود تا مبدا حقى از كسى ضايع شود، فان الاحتياط طريق النجاة و حرمة مال المومن كحرمة دمه. وفقكم الله تعالى لمرضاته و جعل سعيكم مشكورا.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

۳ رمضان المبارک ۱۴۰۶ - حسينعلى منتظرى

تاریخ ۲۳/۲/۵۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
شورای عالی محترم قضات دامت برکاتنا

پس از سلام حضرات توجه دارم در عهد بروزین اول تجارت اسلامی، هر صاحبی می‌توانست با هر فردی یا گروهی یا قبیله‌ای نسبت به خود ابراهیم
و تجارت با دیگران در طین واقع شود، و طبیعتاً همین اثر موجب رونق بازار و رونق تجارت و عرضه اجناس فراوان و مختلف خواهد شد.
و عین رسول الله ص: «دعا الناس یرزق الله بعضهم من بعض» (الروایة ۷۲ ص ۳۲۸) - الله اکر ارا دی مطلق تجارت میسر در اینجا بر مردم خود ابراهیم
عالم سلطنتی بمقدار ضرورت و اجتناف حتی دخالت دارد. پس در آن عهد و اجتناف میسر غیر ضروری است و دخالت حکومت اصلاح و انقیاد است و نسبت با الله ضروری و در صورت
جامع، بمقدار ضرورت و دفع ضرورت و اجتناف و دخالت جائز است. (الضروریات تقدیر بعد از ۱) - در هر عمل اول عالم فقط از امور اعتباری منع می‌کند،
بدون تعیین قیمت، و اگر صاحبی در قیمت اجتناف کرد او را اجتناف منع می‌کند. و اگر فروشنده عالم نفع تعیین می‌کند با عاریت صحت طین
و اگر طرف از خود ابراهیم در خود حق تم از باب ولایت بیرون بخارند با ملاحظه صحت طین و عدم تعهد مالک بیع و اعیان و سود
و شخص مختلف در هر عمل اول نصیحت و بعد توبیخ، و بعد تفریب و بعد بمقدار ضرورت و لزوم. و اگر فرضاً تفریب تفریباً شد و تفریباً و در وجه او
و در بیع دیگران مؤثرتر آمد نسبت به تفریب مال میسر است عاریت الفروقه. و این است که بعضی از دادگاهها عین انقلاب از این موارد در راه هر محله
تخطی می‌کند. و علاوه اظهار صادره نوزاداً بر آن جهت مردم آشنای نیست. و وجه بسیاری از محدودیتها و محدودیتها خود سبب گناهان مردم است که از آن است
و تفریب و تفریب نیز از عوارض است که مختلف است و نسبتاً است دادگاهها به بهره نیتیم. ضمن الحودس: «دقیقاً یعنی حق: لوسعوت لنا سعة فان الاعراض تری
و تنقص، فقال من: ما كنت لالعی الله بیده لم یحدث الا شئاً شئاً، قد عوا عن الله بالکل بعضهم من بعض». (الروایة ۷۲ ص ۳۲۸)
و فی الحدیث الضامن ای سعید قال: غلامی شیخ محمد بن رسول الله ص فقالوا: لوقد تمت بارسل الله قال: «ان لا یروان انما قدکم ولا یطین اعیانکم عظیمه طلمه»
این است که ۲۰ - التجارات الحدیث (۲۲۰۱) - و فی الحدیث الضامن عن ابن ابی نجران قال: قال اناس: یا رسول الله غلامی سعید قال: فقال رسول الله ص
: «ان الله یوالسقر العاقض الناسط الرازق، و ان لا یروان ان العقیقة و انس احمد بنکم طین عظیمه فی ذم ابراهیم» (در راه انوار اود و این است که ۲۰ ص ۲۴۰)
الحدیث ۲۳۰۰ و احده فی المسند ۳ ص ۱۵ و نحوه عبد الرزاق فی المصنف الحدیث (۱۴۸۹۷) و الاخبار فی هذا الباب کثیرة جداً من طرق معتدلة و السنة
و حضرت امام خمینی عظیم الله اعلم محترم را من بعد در غلات اربع در عین و در سنون کرده اند و بعد فرموده اند: «و یجوز التجرک علی البیع و لا یعیس علیها
بله ان- بیع ما ش: الازاد الحنفی: یجوز علی الزول من دون سعة علیه، و مع عدم تعیین تعیین الحاکم ما بری المصلی» (تحریر الرسول ۱ ص ۵۰)
بنابر این لازم است طین تجسّم می به دادگاهها عین انقلاب و اولاً لزوم رعایت مراتب ضرورت در دخالتها و در تخلفات اعلام شود.
و اما دستور داده شود اگر فرضاً جمعیت می ضرورت پیدا کرد چه بیس از یکصد هزار تومان برای برسی مجدد به دادگاه عالم ارجاع شود تا بعد از حق ارضی
ضایع شود فان الاحتمال طین التیة و حقه مال المؤمن کرمه و مه. و قد تم الله تعالی فی هذا و بعد رسیم مشهوراً.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
۱۴۰۶ رمضان المبارک
عبدالمجید

پیوست شماره ۹۵: مربوط به صفحه ۵۲۲

نامه معظم له به شورای عالی قضایی در مورد سفارش به رعایت احتیاط در دماء و اموال مسلمین و ارجاع پرونده‌ها به دادگاه عالی قم، مورخه ۶۷/۴/۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات علماء اعلام شورای عالی قضایی دامت برکاتهم

پس از سلام و تحیت، چنانچه توجه دارید بسیاری از قضات ما فاقد مرتبه اجتهاد می باشند و علاوه بسا ممکن است بعضی از آنان در مواردی تحت تاثیر جو و محیط واقع شوند. و احتیاط در دماء و اموال مسلمین از اهم واجبات است که رعایت آن بیش از همه از وظائف شورای محترم قضایی است، و بر این اساس دادگاه عالی قم با نظر حضرت امام مدظله العالی تشکیل شد و بنا شد احکام اعدام و مصادره اموال و جریمه‌های بیش از یک میلیون ریال به شعب دادگاه عالی قم ارسال و پس از تایید دادگاه عالی اجرا شود.

ولی شنیده می شود اخیرا بعضی از احکام مذکوره به دادگاه عالی قم ارجاع نمی شود. لذا یادآور می شود که لازم است شورای عالی قضایی رعایة لحرمة الدماء و الاموال دستور اکید دهد کمافی السابق احکام مذکوره بلا استثناء به دادگاه عالی قم ارجاع و پس از تایید اجرا شود. در خاتمه سلامت و توفیق آقایان محترم را از خدای بزرگ مسألت می نمایم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۲۳ ذی القعدة ۱۴۰۸ - حسینعلی منتظری

بسمه تعالی

تاریخ ۱۳۰۴/۴/۶

شماره

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حضرات علماء اعلام مودامی عالی قضاة دستبرکاتکم

پس از سلام و تحیت چنانچه توجه دارد بسیاری از قضاة ما فاقد مرتبه جهاد می باشند
و علاوه بر این است بعضی از آنان در مواردی تحت تأثیر هو و محیط واقع شوند
و احتیاط در دماء و اموال مسلمین از اہم واجبات است کہ رعایت آن بیش از همه از وظایف
سورامی محترم قضاة است، و بر این اساس دادگاہ عالی قم با نظر حضرت امام مظلوم العالی تشکیل
و بنیاد احکام اعدام و صادره اموال و جویمه جمعی بیش از یک میلیون ریال رعیت
عالی قم ارسال و پس از تأیید دادگاہ عالی اجراء شود.
و لکن شنیده میشود اخیراً بعضی از احکام مذکوره بدادگاہ عالی قم ارجاع میشود.
لذا باید آورید کہ لازم است سورامی عالی قضاة لرغمانه لرحمة الدماء و الاموال دستورالعمل
کافی السابق احکام مذکوره بلا استثناء بدادگاہ عالی قم ارجاع و پس از تأیید اجراء شود
در خاتمه سلامت و توفیق آقا مان محترم را از غذای بزرگ مسألت می نمایم و سلام علیکم و رحمة اللہ وبرکاتہ



۲۳ ذی القعدة ۱۳۰۸ هـ

(پیوست های شماره ۹۶ الی ۹۸ داخل متن کتاب آمده است)

پیوست شماره ۹۹: مربوط به صفحه ۵۳۳

یادداشت معظم له که برای وقت دیدار با امام خمینی نوشته بودند.

بسمه تعالی

- ۱- راجع به صحبت‌ها و انتقادات من در رابطه با مسائل کشور و دولت و امور اقتصادی
- ۲- در بسیاری از امور جزئی از حضرتعالی خرج می‌کنند که چه بسا صلاح نباشد حتی مثلا کیفیت شلاق تعزیر.
- ۳- راجع به اختلاف عمیق مسئولین محترم کشور و جامعه مدرسین قم و روحانیت مبارز تهران و غیرهم و خط و خطوط مختلف کشور فکری باید کرد، این اختلافات و خطوط تا به اعماق جبهه‌های جنگ و روزنامه‌ها و رادیوهای خارج هم کشیده شده است. عجالتا به نظر می‌رسد جلسه ای متشکل از آقایان: حاج احمد آقا، هاشمی رفسنجانی، خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، جنتی، مهدوی کنی، ربانی، ابطحی کاشانی، مشکینی یا فاضل یا امینی تشکیل شود بلکه در آن جلسه تفاهمی حاصل شود.
- ۴- راجع به وضع فعلی حزب و مساله ائمه جمعه
- ۵- راجع به تبلیغات
- ۶- بجاست از علماء و فضلاء و مدرسین واقعی معروف حوزه علمیه قم توسط آقای صانعی (حجة الاسلام حاج شیخ حسن) مثلا تفقد و دلجویی شود و این امر چند ماه یک بار بر حسب مراتب تکرار شود.
- ۷- موضوع دختر دکتر نفیسی و نظائر آن
- ۸- الرائد لایکذب اهلہ - نارضایتی بیش از اندازه شده و دهن کجی‌ها نسبت به روحانین و علما بسیار زیاد شده است- و علت عمده وضع بد ادارات و اشکال تراشیهای مختلفه و کم کاری‌های آنان و خرابی اوضاع اقتصادی و تبعیضات ناروا و سوء استفاده‌ها و حاکمیت روابط و رفاقت بازی‌ها و روشن نبودن تکلیف در مسائل مهم اقتصادی از قبیل تورم و دو نرخ فاحش اغلب اجناس و مالکیت زمین و سرمایه و حقوق کارگر و حدود اختیارات دولت در کنترل قیمت‌ها و محصولات کارخانه‌ها و امور مربوط به عرضه و

تقاضا و اشکال تراشیهها نسبت به واردات و صادرات و مالیاتهای سنگین بی تناسب و سپردن بعضی کارها به افراد غیر وارد یا تند و عقده دار و منزوی کردن افراد عاقل و دلسوز می باشد، و از طرف دیگر متاسفانه شورای نگهبان و مجلس و دولت و شورای عالی قضایی گرفتار ضعف و عدم قاطعیت و خط و خطوط متناقض می باشند و با این حال توفیق آنان در رفع مشکلات موجوده مشکل است و به جای هم آهنگی قوای چهارگانه بسا سعی در تخریب و خشتی کردن عمل دیگران می شود.

۹- به نظر می رسد با قطع نظر از ترکیب فعلی دولت و مسئولین، لجنه ای قوی از صاحب نظران متعهد و متخصص در مسائل سیاسی و اقتصادی اعم از روحانی و غیر روحانی بدون سر و صدا و تبلیغات تشکیل شود و به آنان تکلیف شود تا بنشینند و مسائل مورد نظر را مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار دهند تا شاید برای دراز مدت طرحی اساسی ارائه شود، و یا مجلس در کمیسیونهای مختلفه از صاحب نظران متخصص در رشتههای متناسب بدون تشریفات به عنوان مشاور دعوت کند تا کمیسیونها بتوانند در مسائل و مشکلات طرح و برنامه صحیح و قابل اجرا ارائه دهند، چون خود نمایندگان متاسفانه نوعاً تخصص ندارند و این نیاز به دستور حضرتعالی دارد.

۱۰- مساله جنگ هنوز مهمترین مساله کشور است و به نظر می رسد تا مشکلات سپاه حل اساسی نشود پیشرفت نظامی در جبههها میسر نخواهد بود - در این رابطه باید علل اصلی کم شدن فوق العاده جاذبه معنوی سپاه و افزایش روزافزون استعفاها و تمردها و فرارها بررسی شود- در سپاهی که عشق و ایمان حاکم بود و بچهها برای رفتن به جبههها بر یکدیگر سبقت می گرفتند وضع جدا تغییر کرده ، فساد اخلاق و برخوردهای غیراسلامی و تهمت های ناروا و انگ زدن به افراد و عزل و نصبهای بی ملاک و رفاقت بازی و ملاحظات گروهی بسیار شایع شده - اعتماد و ایمان توده سپاه و حتی فرماندهان جزء به فرماندهان بالا کاهش یافته- و فرماندهی سپاه و نمایندگی حضرت امام مدظله تسلط معنوی بر سپاه ندارند و وقتی که بنا باشد به هر دلیلی به فرماندهی ایمان نداشته باشند مساله جنگ حل نمی شود و تایید بافت فعلی جز تسکین موقت نتیجه ای ندارد.

و متاسفانه مسائل داخلی سپاه به رادیوهای بیگانه و منافقین نیز رسیده و مورد

تجزیه و تحلیل آنان قرار گرفته -آقایان هاشمی و خامنه ای نیز علاوه بر اینکه در مسائل جنگ و جبهه‌ها تخصص ندارند با گرفتاری‌های زیادی که دارند نمی‌توانند مسائل پیچیده جنگ و نیروها را حل کنند، و حتی گاهی گزارش‌های دروغ و بی‌اساس هم به آنان داده می‌شود و حقائق تلخ داخل سپاه و جبهه‌ها را در اختیار آنان نمی‌گذارند، و چه فرصت‌های خوبی که در اثر همین اهمال کاری‌ها از دست رفته و می‌رود- شورای جنگ باید از صاحب نظران متعهدی که کارشان فقط بررسی مسائل و مشکلات جنگ و طرح و برنامه ریزی برای آن باشد تشکیل گردد و سپس ارتش و سپاه و بسیج با هماهنگی مجری باشند.

ضمناً طرح اخیر سپاه نارضایتی فوق‌العاده ایجاد کرده، و علاوه بر اینکه دردی از جنگ دوا نمی‌کند خالی کردن شهرها از سپاه موجب تخریب گروه‌ها و افراد فاسد شده و در صحبت‌ها به طرح براندازی سپاه معروف شده.

ص ۱

بسمه تعالی

تاریخ

شماره

۱- راجع به صحبتها و انتقادات فر در رابطه با مسائل کشور و دولت و امور اقتصادی
۲- در بسیاری از امور جزئی از حضرتعالی غرض می کنند که چه بصلاح باشد
حقاً مسلماً لیسیت سلاق تعزیر .

۳- راجع باختلاف همین مسئولین محترم کشور و جامعه مدرسین قم در وجهانیت تبارز
آمران و غیرهم و حفظ و خطوط مختلف کشور فکری باید کرد - این اختلافات
و خطوط تا باحقان چه هم نمی جنگد و روزنامه که وارد بود که تا خارج ام کشیدند
عجالتاً بنظر برسد همه این مشکلات از آقایان : حاج احمد آقا - کاشی رفسنجانی
خانم ای - موسوی اردبیلی - حبیبی - مهدوی کنی - رانی - ابطی کاشانی
مشکین یا فاضل یا این تشکیل شود بلکه در آن جهت تفاهمی حاصل شود

۴- راجع بر وضع وضع حزب و مسئله آنه جمع

۵- راجع به تبلیغات

۶- بجا است از علماء و فضلا و مدرسین واقعی معروف حوزه علمیه قم توسط آقای عسکری مسلماً
تفقد و رجوع شود و این امر چند ماه یک بار بر حسب مراتب تکرار شود

۷- موضوع دختر دکتر نفیس و نظائر آن

بسمه تعالی

تاریخ

شماره

A الرائد لکذب اهلہ - ناراضی بلی از اندازه بی و دهن کجهاست
 بر و عاینی و علماء بسیار زیاد لک است - و علت عمل وضع بدادارات و اشکال
 تر استهای مختلفه و کم کارهای آنان و فواجب او و ضایع اقتصادی و تبعیضات ناروا
 و سوء التفاهه که و عاکیست روابط و رفاقت با آنها در روشن نبودن تکلیف در مسائل
 مهمه از قبیل تورم و دو زرفی فاعس اغلب اجناس و مالکیت زمین و سرمایه و حقوق
 کارگر و حدود اختیارات دولت در کنترل قیمتها و محصولات کارخانه‌ها و امور مربوطه
 بعرضه و تقاضا و اشکال تر استی که نسبت بر واردات و صادرات و مالیاتهای سنگین به شایسته
 و بپردن بعضی کارها به افراد غیر وار دیا تند و عقده دار و منزوی کردن افرادی که در سود
 داز طرف دیگر متاسفانه شورای نگهبان و مجلس و دولت و شورای عالی قضایا گرفتار ضعف
 و عدم قاطعیت و خط و مخطوط متناقض می باشند و با این حال ترفیع آنان در رفع مشکلات
 موجوده مشکل است و بجای هم آهنگی توألی بگانه با سعی در تحریک و ضمن کردن عمل دیگران میشود
 ۹- بنظر میرسد با قطع نظر از ترکیب فعلی دولت و سولان لجنه ای قوی از صاحب نظران
 سعادت و تخصص در مسائل سیاسی و اقتصادی اعم از روهانی و غیر روهانی بدون سر و صدا
 و تبلیغات تشکیل شود و به آنان تکلیف شود تا بنشینند و مسائل مورد نظر را مورد بحث و مبحث
 و تحلیل قرار دهند تا مع بد برای دراز مدت طرفی اس ملی اراده شود
 و با مجلس در کمیسیونهای مختلفه از صاحب نظران تخصص در رشته‌های مختلفه بدون تشریفات بیسوان
 ش و در دعوت کنند تا کمیسیونها بتوانند در رفع مشکلات طرح و برنامه صحیح و قابل اجرا ارائه دهند
 چون نمودن ایندگان متاسفانه نوعاً تخصص ندارند و این نیاز بدستور حضرتعالی دارد .

ص ۱۰

بسمه تعالی

تاریخ

شماره

۱۰. مسئله جنگ هنوز همتری مسئله کسور است و بنظر میرسد تا مشکلات سپاه عذرایی نرسد
 بیشتر نظر می درجهیم که بیشتر نخواهد بود - در این رابطه باید علل اصلی کم کردن فرق العاده جاری
 معنوی سپاه و افزایش روز افزون استعفا و کم و کزادگی بررسی شود - در سپاهی که عشق و ایمان
 حاکم بود و بجهت برای رفتن به جبهه کم بر میدگر سفت می گرفتند و وضع جدا تعیین کرده
 فساد اخلاق و برافروزی غیر اسلامی و لایممت می ناروا دانند زدن به افراد و عزل و نصب
 به ملاک و در خفاقت بازی و ملاحظاتی گروهی بسیار رایج نم - اعتنا هم در این توره سپاه
 و حتی فرماندهان جزو به فرماندهان بالا کاهش یافته - و فرماندهی سپاه و نمانند که حضرت امام
 مد ظله تسلط معنوی بر سپاه ندارند و وقتیکه بنایا شد بهر دلیل به فرماندهی ایمان ندانسته بمانند
 مسئله جنگ هم نمی شود و تا باید یافت فعل جزئی که در وقت نتیجه ای ندارد
 و تا گفته می شود و تا بدی بافت فعل جزئی که در وقت نتیجه ای ندارد
 قرار گرفته - اما این که سستی و خامنه ای نیز علاوه بر اینکه در ستر جنگ و جبهه کم
 تخصص ندارند با گرفتاریهای زیادی که دارند نمی توانند مسائل پیچیده جنگ و نبرد
 هم کنند و حتی گاهی گزارشهای دروغ و بی اساس هم به آنان داده میشود و عیال
 در اجزای سپاه و جبهه کم را در اختیار آنان نمی گزارند و چه فرصتهای خوبی که در امر همین
 ا همان کارها از دست رفته و میرود - شورای جنگ باید از صاحب نظران معنوی که
 کارشناسان فقط بررسی مسائل و مشکلات جنگ و طرح و برنامه ریزی برای آن باشند
 تشکیل گردد و پس ارتش و سپاه و بیج با هم آهنکی مجری باشند
 ضمناً طرح اجزای سپاه نارضاقتی فرق العاده ایجاد کرده و علاوه بر اینکه دردی از جنگ و
 نمی کند خالی کردن شهر کم از سپاه بر عیب تجزی گروهها و افراد فاسد شده در خجبتها
 به طرح براندازن سپاه معروف شده

پیوست شماره ۱۰۰: مربوط به صفحه ۵۳۳
یادداشت معظم له که برای دیدار با سران مملکت نوشته بودند.

بسمه تعالی

- ۱ - مسئله نارضایتی‌ها که نوعاً مربوط به امور اقتصادی و تبعیضات و دو نرخ‌ها است.
- ۲ - ضعف مدیریت‌ها بخصوص در مسائلی که مستقیماً با مردم ارتباط دارد مانند وزارت بهداشت و درمان و دارو، مسئله زمین شهری و امتناع از دادن سند و آب و برق و امکانات
- ۳ - مسئله کم کاری در ادارات و بی‌اعتنایی و توهین به مردم و شیوع رشوه و پارتی بازی و انقلاب اداری تا حال در حد شعار بوده
- ۴ - بدبینی‌های زیاد و تبلیغات سوء نسبت به روحانیت و برخوردهای منفی در ادارات و اتوبوس‌ها و بیمارستان‌ها و خطر یک قیام همگانی علیه روحانیت بطور کلی
- ۵ - مسئله مصادره‌ها و شعارهای تند غیر واقع که از مردم احساس امنیت مالی و آبرویی را گرفته و همه را به وحشت انداخته
- ۶ - مسئله اطلاعات و زندانی‌ها و برخورد اطلاعات حتی با نهضت‌های خارج مثل فلسطین
- ۷ - تندروی کمیته‌ها و سپاه و حملات به مجالس نهضت آزادی و بطور کلی جلو آزادی‌ها را گرفتن
- ۸ - مسئله موقوفات شمال تهران و نارمک و امثال این‌ها
- ۹ - لزوم ارتباط تدریجی با ملت مصر ولو از طریق بازرگانی
- ۱۰ - مسئله ارتباط با فرانسه مخصوصاً نسبت به صنایع نظامی
- ۱۱ - فکر اساسی برای همه مسائل کشور و در این رابطه لازم است ۱۰الی ۱۵ نفر افراد متخصص در رشته‌های مختلف از سیاست و اقتصاد و فنون نظامی که شاغل هم نباشند و چند نفر مخالف خوان هم در آن‌ها باشد دعوت شوند و بدون تبلیغات و شناساندن آنان خطوط کلی سیاست کشور را تنظیم کنند.
- ۱۲ - مسئله شورای مدیریت حوزه که به اتکاء امام کارهایی را انجام می‌دهند.
- ۱۳ - محکوم کردن‌های سازمان ملل

۱۳ محکوم گردنهای سازمان ملل

بسمه تعالی

تاریخ

شماره

- ۱ مسئله نارضایتیها که نوعاً مربوط با امور اقتصادی و تبعیضات و دوزخیهها است
- ۲ ضعف مدیریتها مخصوص در مالی که مستقیماً با مردم ارتباط دارد مانند وزارت بهداشتی و درمان و دارو و مسئله زمین شهری و استخراج از دادن سند و آب و برق و امکانات
- ۳ مسئله کم کاری در ادارات و بی اعتنائی و نودینی مردم و شیوع رشوه و پارتی بازی و انقلاب اداری تا حال در حد شعار بوده

۴ بی نظمیهای زیاد و تبعیضات سوء نسبت بروانیت و بر خوردگی منفی در ادارات و اتوبوها و بیمارستانها
و خطری که تمام همگانی علیه روانیت بطور کلی

۵ مسئله مصدوره که و شمارگی تند غیر واقع که از مردم احساس انصافت مایه و آبرو و آرا گرفته و بهر را اگر حقیقتاً

- ۶ مسئله اطلاعات و زردیها و بر خورد اطلاعات صحیح با انصاف کسی خارج مکرر لطیفی
- ۷ تند رویی کمیتگی و پناه و حملات به مجالس انصاف آزادی و بطور کلی جلوه آزادیها را اگر رفتنی
- ۸ مسئله موقوفات حساس لایق و نامرنگ و اصل آنها

۹ لزوم ارتباط تدریجی با ملت مصر و لوز طریق بازرگانی

۱۰ مسئله ارتباط با فرانسه مخصوصاً نسبت بصنایع نظامی

۱۱ فکر کسی برای همه ما هر کس در در این رابطه لازم است ده الی ۱۵ نفر افراد متخصص در رشته کمی

مختلف از سیاست و اقتصاد و فزون نظامی که در عین هم بنامند و چند نفر مخالف فزون هم در آنها با نمد دعوت شوند و بدون تبعیضات و شانس نزن آنان خطوط کلی سیاست کشور را تنظیم کنند

۱۲ مسئله کسری مدیریت همزه که با تکیه و انجام کار که در انجام میدهند

پیوست شماره ۱۰۱: مربوط به صفحه ۵۳۳

یادداشت برای تذکر به مسئولین در جلسات خصوصی با آنان، در ارتباط با مسائل جنگ و دیگر مسائل کشور

باسمه تعالی

۱ - باید صرفه جویی در ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و انقلابی جدا تعقیب شود و کمیته ای مخصوص این امر تشکیل گردد و در برنامه‌های صدا و سیما متوالیا مطرح شود.

۲ - ظاهراً در تصویب لایحه نظام پزشکی در مجلس همزمان با اعتصاب پزشکان عجله شده و بیشتر پزشکان کشور را ناراضی کرده، لذا بجاست با نمایندگان آنان مذاکره شود و با طرح بعضی از نکات مثبتی که در خواسته‌های آنان وجود دارد از طریق شورای نگهبان حتی المقدور نظر آنان تامین گردد.

۳ - به نظر می رسد در برخورد با پزشکان تند روی شد و قهراً منجر به کتک زدن آنان در بعضی از شهرها و تظاهرات و شعارهای تند علیه آنان شد و مساله به سازمان‌های جهانی رسید و ضدانقلاب خارجی نیز زیاد بهره برداری کردند در صورتی که هیچ ضرورتی در کار نبود و الان هم باید هر چه زودتر با صفا و کدخدای منشی مساله را حل نمود و زندانیان آنان را آزاد نمود و اخراجی‌های آنان را به دانشگاه برگرداند.

۴ - با این برخورد تند اعتبار دعوت از اساتید و پزشکان خارج از کشور بکلی از بین رفت، مساله پزشکی و استاد و تدریس مسائل ظریفی است و با تند روی و خشونت حل نمی شود، و گره ای که با دست باز می شود نباید با دندان باز کرد.

۵ - اینکه هر روز به بهانه ای از طرف آقای محسن رضایی شورا و کمیته ای جدید با نام‌های مختلف برای جذب نیرو و کمک‌های مردمی اعلام می شود ضربه بزرگی به اعتبار نهادها و سازمان‌های مسئول همان اهداف از قبیل بسیج و ستاد جذب و هدایت کمک‌های مردمی زده می شود و مردم گرفتار ابهام و تردید می شوند چرا از طریق همان نهادها اهداف تعقیب نمی شود؟

۶ - اصرار روی اینکه امسال سال آخر جنگ است و سال پیروزی است صحیح نیست، اگر خدای ناکرده موفق نشدیم در سال آینده به مردم چه خواهیم گفت و آیا

مردم در صداقت مسئولین تردید نمی کنند.

۷ - با اینکه صدام شروع کننده جنگ بوده است در اثر انقطاع ما از میجامع جهانی ما را در دنیا جنگ طلب و صدام را طالب صلح معرفی کرده و می کنند، و ابرقدرت‌ها عملاً همسایگان ما را از ناحیه ما وحشت زده کرده اند و این امر در اثر انقطاع ما است، همه به یاد داریم که در جنگ ویتنام با اینکه بین طرفین جنگ و فعالیت‌های نظامی برقرار بود در پاریس کمیته ای برای مذاکره دائم برقرار بود و اخبار آن در دنیا منعکس می شد، بالاخره لازم است در کنار فعالیت نظامی فعالیت سیاسی نیز انجام شود. باید روی این موضوع بیشتر فکر کرد و مقدمات آن عاقلانه فراهم شود و این امر با تعقیب جنگ منافات ندارد.

۸ - مساله فعالیت در داخل عراق و بسیج نیروهای عراقی باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد، و قرارگاه رمضان تا حال کاری از پیش نبرده و اخیراً متاسفانه ضربه بزرگی هم خورده است.

۹ - برای پدافند از کارخانه‌ها و مراکز صنعتی مهم باید فکر اساسی کرد، در درجه اول باید مسئول متخصص این قسمت شناسایی و تعیین شود. لازم نیست مصدر همه این امور روحانی باشد، اصلاً ارتشیان شاید حساسیتی هم نسبت به دخالت روحانین داشته باشند.

۱۰ - صنایع نظامی ارتش کما هو حقّه از آن استفاده نمی شود، با همه امکانات زیادی که دارد باید برای آن فکری کرد، متاسفانه سیستم آن به نحوی است که هر کس وارد آنجا می شود هضم مقررات خشک و استعماری آن می شود.

اسمه

- ۱ با بد صرفه جویی در راهکارها و سرمایه‌های دولتی و انقلابی جدا تفکیک شود و کمیته ای مخصوص این امر تشکیل گردد در زیر نظر
- ۲ نظامی در خصوص لایحه نظام پزشکی در مجلس همزمان با انحصار پزشکان ششگانه و بیشتر پزشکان شورانگاری که کرده
- ۳ لذا بجا است تا نمایندگان آنان مذاکره شود و باطریق بعضی از نکات معین که در فرآیند کمی آنان بهر دو دارد از طریق شورای ملی
- ۴ حتی المقدور نظر آنان تامین گردد .
- ۵ منظر میسر در بر خورد با پزشکان سندی و سندی و تهرانی به نظر کردن آنان در بعضی از شهرها و نظایرات و سایر کمیته‌های آنان
- ۶ و سایر سازمانها و هیاتها رسد و بعد انقلاب فاجعه نیز زیادتر بر دوش می‌گذرد در صورتیکه هیچ ضرورتی در کار نبود
- ۷ و الا نه هم باید هر چه زودتر با همف و کدخدائی می‌شود که راهکار خود و زندانیان آنان را آزاد بخورد و او را بهیای آنان را به ارتقاء برود
- ۸ با این بر خورد سندی اعتبار دعوت از اساتید پزشکان فارغ از کشور بکلی از بین رفته ، مگر آنکه از اساتید و سندی
- ۹ می‌تواند یعنی است و با سندی و هیئت هم می‌تواند و گره ای که با دست باز می‌دهد نباید با دادن باز کرد .
- ۱۰ اینکه هر روز بهانه ای از طرف آقای محسن رهت شور او کمیته ای جدید با نامهای مختلف برای جذب نیرو و گلهای مردمی
- ۱۱ اعلام می‌شود ضرب زنگ به اعتبار نهاد که سازمانهای مسئول همان اهداف از قبیل بسیج و ستاد جذب و هدایت گلهای مردمی
- ۱۲ زده می‌شود و مردم گرفتار با هم در درید می‌شود چرا از طریق همان نهاد که اینها تفکیک می‌شود .
- ۱۳ اصرا درون اینکه اصل سال اف جنگ است و سال بیرونی است هیچ نسبت از طرفی نام کرده موفق نبودم در اصل این
- ۱۴ مردم چه خواهد گفت و آیا مردم در صداقت سندی تردید نمیکنند .
- ۱۵ با اینکه صدای شروع گندم بوده است در اثر انقطاع و ما از جمیع جهات ما در دنیا جنگ طلب و صدای را طلب صلح
- ۱۶ معرفی کرده و میکنند و اینقدر در عین حالان ما از راهی ما و جهت زده کرده اند و این امر در اثر انقطاع ما است
- ۱۷ همه بیاد داریم که در جنگ و بیابان با اینکه بین طرفین جنگ و فضائلیهای نظامی برقرار بود ، در پارس کمیته ای برای مذاکره
- ۱۸ دائما برقرار بود و این در دنیا منسک عمد بالاخره لازم است در کنار فعالیت نظامی فعالیت سیاسی نیز انجام شود
- ۱۹ باید در این موضوع بیشتر فکر کرد و مقدمات آن عاقلانه فراهم شود و این امر با تفکیک جنگ و فعالیت ندارد .
- ۲۰ اما که فعالیت در دفتر عراق و بیج نیروی عراقی باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد و قرارگاه در فضای آهال گامها از پیش برده
- ۲۱ و اخیرا متاسفانه ضرب زنگ هم فورده است
- ۲۲ برای پیدا کردن کارخانه که مراکز صنعتی هم باید فکر اساسی کرد درجه اول باید مسئول مشخص این قسمت شناسایی و تعیین شود
- ۲۳ لازم نیست مصدر هم این امور و دهان با مرد اصلاح آریان می‌دهد سستی هم نسبت به فعالیت روحانی در سستی با کمیته
- ۲۴ اصلا بی نظمی است که امروزه از آن استفاده نمی‌شود با هم امکانها زیاد است که دارد باید برای آن فکری کرد ،
- ۲۵ متاسفانه سستی آن بخشی است که پرسش وارد این می‌شود و هم تقورات جنگ و استقامت آن می‌شود .

پیوست شماره ۱۰۲: مربوط به صفحه ۵۳۳
یادداشت برای صحبت و تذکر در جلسات سران که هر چند مدت یکبار در حضور
معظم له تشکیل می گردید.

باسمه تعالی

تذکرات:

۱ - لازم است کمک‌ها و امکانات رفاهی و بهداشتی و عمرانی و فرهنگی به طرف روستاها و مراکز تولید و کار متوجه شود و از امکانات شهری بخصوص سوبسید در امور غیر ضروری امثال آهن و تلویزیون و اتومبیل و نحو این‌ها کاسته شود و بلکه به تدریج حذف گردد، به نحوی که به تدریج ماندن در روستاها و مراکز تولید و دست زدن به کارهای تولیدی مقرون به صرفه شود و جاذبه شهرها کم شود.

۲ - اصلا به طور کلی به تدریج باید سیاست دولت به طرف حذف سوبسید منعطف شود و فقط برای کارمندان و کارگران دولت امکاناتی فراهم گردد.

۳ - سعی شود مازاد تولیدات کشاورزان و تولید کنندگان دیگر به قیمت خوب خریداری شود و جایزه پولی به آنان داده شود نه اجناس، زیرا دادن جنس به آنان مصرف گرایی را در روستاها رواج می دهد و اگر بفروشند وضع بازار و نرخها را متزلزل می کنند.

۴ - قرض دادن به کشاورزان به صورت تهیه آب و وسائل کشاورزی و اصلاح زمین و ایجاد امکانات باشد نه به صورت پول دادن به آنان.

۵ - ناهماهنگی و تضاد بین جنگلبانی و حفظ مراتع با مساله توسعه کشاورزی و دامداری باید هر چه زودتر به نحوی حل شود.

۶ - سیاست کشتن گوسفندهای ماده به بهانه نداشتن علوفه و حفظ مراتع سیاست غلطی است و بوی استعمار می دهد، بر فرض لازم باشد وارد کردن علوفه بهتر است از وارد کردن گوشت.

۷ - در کم کردن بودجه وزارتخانه‌ها و موسسات باید اولویت‌ها رعایت شود، مثلا از بودجه و امکانات بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها و دارو و وسائل پزشکی و از بودجه زندان‌ها و زندانیان و از بودجه دانشگاه‌ها کم کردن صحیح نیست، و ممکن است کمبود این‌ها را از راه زیاد کردن قیمت امثال آهن و تلویزیون و اتومبیل و یخچال و امثال این‌ها جبران

کرد.

۸ - لازم است مردم در تجارت و زراعت و صنایع و ایجاد تاسیسات و کارخانجات عام المنفعه و سایر شغل‌ها آزاد باشند مگر در موارد ضرورت، نه اینکه اصل بر منع و محدودیت باشد مگر با اجازه دولت. دولت دولت است نه بازرگان و یا کشاورز و یا کارخانه دار.

۹ - دولت باید حسن اجراء دستورات و بخشنامه‌های خود را بررسی کند و توجه داشته باشد که مامورین و مسئولین جزء، دستورات را متوقف و ختئی نکنند.

۱۰ - دولت باید حتی الامکان مستقلاً تصمیم بگیرد و برای هر امر جزئی نخواهد به مجلس مراجعه کند، مثلاً چه لزومی دارد که برای واردکردن مواد اولیه کارخانه‌های عام المنفعه و ضروری به مجلس مراجعه شود.

۱۱ - لازم است از قوانین و مقررات دست و پاگیر که کارها را متوقف یا کند و مردم را ناراضی و بر حقوق بگیران دولت می‌افزاید جداً کاسته شود.

۱۲ - برای خانه‌ها و منازل ساخته شده مسکونی به هر علتی انجام شده بالاخره باید برای آب و برق و سند مالکیت آن‌ها فکری کرد و ناراضی‌ها را برطرف کرد.

۱۳ - در عزل و نصب‌ها باید لیاقت اشخاص و ضوابط عقلی و شرعی ملاک باشد نه روابط شخصی و گروهی، و در عزلها باید حیثیت اشخاص حفظ شود و با مقدمه انجام گردد.

۱۴ - بنیاد مستضعفین با وضع فعلی جز ضرر و وبال و بدبینی نتیجه‌ای ندارد و چیزی عاید مستضعفین نمی‌شود، باید به وسیله فروختن رقبات آن‌ها بر دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و بهداشتی افزود.

۱۵ - آقای نخست‌وزیر و وزرا باید بیشتر با کمیسیون‌های مختلف مجلس تماس داشته باشند.

۱۶ - بجاست هیاتی از افراد بی طرف و مورد اعتماد و دلسوز و غیر شاغل که در رشته‌های مختلف تخصص دارند برای تنظیم خطوط سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی کشور بدون نام و نشان و تبلیغات تشکیل شود و نظریات نهایی آنان به هیئت دولت گزارش شود.

۱۷ - باید به صنایع نظامی اهمیت بیشتری داده شود و از مخترعین در این قسمت

استفاده شود تا هر چه زودتر از این جهت خودکفا شویم.

۱۸ - سعی شود از دانشمندان و نویسندگان و مغزهای متفکر زندانیان در طرح‌های مفید و ترجمه کتاب‌های علمی و فنی استفاده شود و قهراً آنان به تدریج جذب شوند، و همچنین زمینه جذب مغزهای فراری که به توهم فرار کرده اند و قابل جذب هستند فراهم شود.

۱۹ - ارتش با همه مصرف زیادش ارگان کم خاصیتی شده و از طرفی وجود آن ضرورت دارد، بنابراین باید سیاست کلی کشور به طرف تصفیه و نوسازی ارتش و انسجام نیروهای خوب و متعهد آن منعطف شود، و چون وجود دو نیروی مستقل و مجهز مقتدر ممکن است در آینده به ضرر کشور باشد چون بالاخره دوئیت موجب تضاد است «لو کان فیهما الهة الاالله لفسدتا» لذا باید به تدریج ارتش تصفیه و مجهز شود و حفظ مرزها به آن محول شود و بسیج نیز نیرویی پشتیبان و احتیاط باشد و سپاه نیز به حسب قانون اساسی برای حفظ انقلاب به داخل کشور برگردد.

۲۰ - باید به تدریج از موسسات تکراری که جز مصرف زیاد و ایجاد تضاد ثمری ندارد کاسته بشود و مثلاً به تدریج نیروهای خوب کمیته‌ها جذب شهربانی و شهربانی تصفیه شود و کمیته حذف گردد و فعلاً نیز کمیته‌ها بیشتر متوجه مرزها شوند زیرا جلوگیری از مواد مخدر راهی جز بستن محکم مرزهای زمینی به وسیله نیروهای متعهد ندارد.

۲۱ - باید به تدریج حقوق کارمندان در وزارتخانه‌های مختلف هم سطح شود و اختلاف فاحش در بین نباشد.

۲۲ - مسئولین و روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی در انتقاداتشان باید رعایت ادب کنند و بعضی از ارگان‌ها و شخصیت‌های خدمتگزار را زیر سؤال نبرند که بسا موجب فرار شخصیت‌ها خواهد شد، و اصلاً چرا هر چیزی باید در روزنامه‌ها پخش شود؟

۲۳ - باید به تدریج از شعارهای توخالی که جز دلسردی برای عده ای و توقعات بیجا برای عده ای دیگر و جز عدم ثبات وضع کشور نتیجه ای ندارد کاسته شود.

۲۴ - و بالاخره سرمایه انقلاب و کشور ملت می باشد و اگر زود نجنیم ملت بیشتر از حال ناراضی و از صحنه خارج و قهراً ضدانقلاب به صحنه می آید.

۲۵ - در خاتمه باید مساله جنگ و حل آن را در راس مسائل قرار داد و برای فرماندهی واحد و قوی و طرح اساسی و امکانات آن فکر اساسی کرد.

بسته ششم

تذکرات :

- تاریخ
- ۱ لازم است ملکی و املاکات رفاهی و بهداشتی و عمرانی و فرهنگی بطرف روستا که در مرکز تولید و کار مستقر بود و از املاکات شهری مخصوصا سوسید در امور غیر ضروری امثال آهن و تلو بیرون داند بیل و کجایین که گاسته شود و بلکه بطریق حذف و لغو مبدی که بتدریج مانده در روستا که در مرکز تولید و دولت زدن بجای آنی تولیدی معرون بصرفه شود و مجاز به تهر کم شود .
 - ۲ اصلاح بطور کلی بتدریج باید میسر است دولت بطرف حذف سوسید منتف است و فقط برای کار آمدن و کارگران دولت املاکات فراهم گردد
 - ۳ سعی شود در تولیدات حج و روزان دیر کند گمان بصیحت خوب فرماید بگذرد و با نوزده بول بان دادنه شود نه اجناس زیاد آدن عین آن آن در صورتی که در روستا که در واقع سید به و اگر بنوشند وضع با زا در هر نما را متزن ل میکنند .
 - ۴ ضمن دادن بیابان و روزان بصورت آبه آب و در صورتی که در روزی در امتداد زمین و ایجا املاکات میده بصورت سول دادن بانان
 - ۵ ناهیا هیچ بین جنگلی و حفظ مراع با سکه نوسه کی و روزی و دامداری باید هر چه زودتر منجی قرار گیرد .
 - ۶ سیاست گسترش گاو گوسفند کی ماده بهمانند نهادهای مختلف و حفظ مراع بسیار است مصلحتی است و برای استوار سید به روز به لازم بگردد و اگر در صورتی که از وارد کردن گوسفند .
 - ۷ در کم کردن بودجه وزارتخانه که در مؤسسات باید اولویتها رعایت شود مثلا از بودجه و املاکات به استقامتها در میانها و در داد و ستد سالیانه و در بودجه زندانها و زندانیان و از بودجه دانشگاهها کم کردن صحیح نیست و ممکن است کمبود اینها از راه زیاد کردن قیمت آهن و تلو بیرون داند و تلو بیل و منجی لی و امثال اینها جبران کرد
 - ۸ لازم است مردم در تجارت و زراعت و صنایع و دامداریات و کارخانجات عام المنفعه و سایر مشاغل آزاد با بنده نگردد در ضرورت نه اینکه اصل بر منع و محدودیت باشد بلکه با اجازه دولت . دولت دولت است نه باز لایان و مانع و در روستا و کارخانه دار .
 - ۹ دولت باید ضمن اجرا و دستورات و قوانین که برای خود را بر مردم کند و توجه داشته باشد که ما مردم مسئولین خود را دستورات و ممنوعیت وضع کنند
 - ۱۰ دولت باید ضمن لایحان مساعله تقسیم بکود و بر این امر و جز آنکه با مجلس محلیه کند مشورتی وجود دارد که برای وارد کردن مردم اولیه کارخانه آبی منفعه و ضروری مجلس محلیه شود .
 - ۱۱ لازم است در زمین و موات دولت و ناگردد که کار را ممنوع یا کند مردم را تا راهی و بر حقوق بگردد دولت می افزاید جدا گاسته شود .
 - ۱۲ برای خانه که در میان سافته نشو بگو بهر علیت انجام نشود بالاخره باید برای آبه برق و سنده مالک آنها نگردی کرد و تا زمانها را بر طرف کرد .
 - ۱۳ در عزل و نصب باید لایحات انان و صورابط معاضد و شرعی ملاک باشد نه روابط شخصی و گروهی و در نظر لها باید حیثیت انان من حفظ شود و باید انجام گردد
 - ۱۴ بنیاد استضعفین با وضع ضل و ضرر و وبال بدینی بنیوم ان ندارد و چیزی مانده استضعفین بشود باید بر سلیم فروختی رقبات آنها برداشته آنها و مراکز آموزشی و بهداشتی افزود

- ۱۵ آقاي تخت وزير و زرار بايد بشيرت بالميسر نماي مختلف همين آقا مست داشته باشند.
- ۱۶ بيايست هيات آزا فوايد لطيف و مورد امتياز و دول لوز و غيرت غره که در رسته کاي مختلف تخصص دارند بران تنظيم خلوط سياسی و اقتصادى و نظامى و فرهنگى کشور بدون نام و نشان و سلفيتا تکلل شود و نظريات نهائى آنان به همت دولت گزارى شود.
- ۱۷ بايد بصيحه نى اهميت بيشترى داده شود و از توجه نديان سمت استغاده شود تا هم زودتر از اين جهت خودکفائى شوند.
- ۱۸ معنی شود از دانشمندان و روشندان و مغز کاي سفير زندگيا ن در طرقاتى سفيد و ترجمه گياي علمى و فني استغاده شود و بهتر آنان بشيخ پذيرند و همچنين زمينه جذب مغز کاي خردى که موسم قرار کرده اند و با بريد بستر فراهم شود.
- ۱۹ ارزش با همه به خيزاوش ارگان کم فاصيصى نشد و از طريف و صورت دارد بنا بر اين بايد سياست کلا کوزا لطف تصفيه و نوسازى او نشي و البته نام نيز کاي خوب و سعادت آن لفظ نشد و چون زحرد و نيز نوسازى شغل و مجز سعادت ممکن است استر
- ۲۰ نسر کوزا با هر چون مالا فوه دوست مطيب تصا ديت «لوکان فنه الله الا الله لفر ما» از اما بايد بديرج او نشي آهسته به پير من و حفظ بديرج آن مخرن بود و بايد نيز سيرى بر و اجسى و از با نر و بسياه بحدت نند ان نير ان ايقاير و نير کوزا کرده
- ۲۱ بايد بديرج از نوسازى بگرايى که خبر لفظى و ديکارا تصا د نيزى بردار کار نشود و مثلا بديرج نوز کاي خوب گسيه که هر سيزا نر و در اول ياقه بشود و کسيه حذف گرود و صفا نيز کسيه که بشيرت توجه مرز که شونوز برا جيلو گزي از نواد نند راهى جز بشي حکم مرز کاي زمينى بوليد نر و کاي کسيه سزا
- ۲۱ بايد بديرج حقوق کار نندان در وزارتخانه گاه مختلف هم سطح شود و اختلاف و جسي در متن نمايند.
- ۲۲ مسئولين در وزارتخانه که دروس نه آي گروه در انتقادان ن خلاصت اد بگشند و بسفي از ارگانهاى فدراسيون بيز پر شا نيز بديرج در سزا
- و با فرار شخصيتهاى فوايد بديرج و اهر چيزى بايد در روزنامه آج بخش شود.
- ۲۳ بايد بديرج از نوسازى کاي توفان که جز دل سزدن بران عمل و در وقتا ت بيا بران البته اى نر و در جيلو گزي و جندم مراتب و نفع کوي نيم اى بوارد کار
- ۲۴ و بلا فوه سرمايه اقتصاد بکوزا ملت بى باشند و اگر نوز و بجنيتم ملت بشيرت ارهان نارالغى و از رخنه خايل و ندر استغاد انتقواب بجهت ايتا
- ۲۵ در رفاهت بايد سلسله جنگ و عمل آن را در راس مى بند و زار داد در ران و نمانده و تو و طر و کس و امکانات آنان مگر اى کرد.

پیوست شماره ۱۰۳: مربوط به صفحه ۵۳۳

یادداشت برای تذکر به مقامات قضایی در دیدار خصوصی با آنان

باسمه تعالی

- ۱ - کارها بین اعضای شورای عالی قضایی کمافی السابق تقسیم شود و هر رشته به شخصی متناسب با موقعیت او محول شود.
- ۲ - مسئول دادرها یک بررسی دقیق و تصفیه عاقلانه و خدا پسندانه نسبت به دادرها، و مسئول قضات یک بررسی دقیق و عاقلانه و خدا پسندانه نسبت به قضات انجام دهد و اگر فرضاً تقسیم کار انجام نشد مرجعی برای مراجعه قضات و دادستان‌ها تعیین شود چون تقاضا در این جهت...
- ۳ - در جذب و حفظ افراد برخوردارها و سابقه‌های ذهنی شخصی ملاک نباشد بلکه با وسعت نظر و گذشت ملاک استخدام ارزش کار و قاطعیت طرف و عقل و تدبیر او باشد و از باب مثال از امثال آقایان رضانی و مظاهری که پرکار و قاطعند در پستهای مناسب استفاده شود و نگذارید استعفاء دهند که قهراً سبب دلسردی عده ای دیگر هم خواهد شد بر فرض روزی چیزی گفته باشند بجاست صرف نظر شود .
- ۴ - فرمایش حضرت امیرالمومنین به مالک اشتر که فرمودند: «ثم اکثر تعاهد قضائه و افسح له فی البذل ما یزیل علته و تقل معه حاجته الی الناس و اعطه من المنزله لدیک ما لا یطمع فیه غیره من خاصتک» مورد توجه واقع شود و خلاصه استقلال مالی و سیاسی قاضی خوب تامین شود.
- ۵ - اعضاء محترم شورا از شعارهای توخالی و تحت تاثیر جو و بسا با یکدیگر متضاد که شورا را بی اعتبار و مردم را دلسرد می کند پرهیز کنند.
- ۶ - دادگاه عالی قم هم توجیه و هم تایید شود.
- ۷ - بطور کلی اگر ثابت شد حکمی برخلاف واقع شده به هر نحو شده محترمانه ابطال شود تا حقی ضایع نگردد.
- ۸ - نسبت به اعدام‌ها و مصادره‌ها دقت بیشتری انجام شود، و حتی المقدور غیر از قاتلین و سران رده بالا که سبب اقوی از مباشر و یا مفسد محسوب اند اعدام نشود.
- ۹ - درامر زندان‌ها یک بررسی دقیق و تصفیه کادرها انجام شود، و افراد تند

غیر متعادل محترمانه تصفیه شوند و کمبودها برطرف شود.

۱۰ - احکام دادرسیها و دادگاهها در مورد مصدوره یا رفع توقیف اموال قاطعانه اجرا شود و چند نفر افراد متدین و قاطع مسئول این کار شوند، وگرنه حکمها بی ارزش و دستگاه قضایی بی اعتبار خواهد شد و حقوق مردم نیز تضییع می شود و هم چنین احکام هیئت پنج نفری نسبت به کارشان.

۱۱ - دیوان عدالت اداری در مورد برگشت کارکنان ادارات که مرتکب جرم مهمی نشده اند رسیدگی و از تاریخ صدور حکم حقوق آنان پرداخت گردد و برای این جهت ماده واحده ای به تصویب برسد.

۱۲ - مدت تبعید معتادان به جزیره تعیین شود و بخشنامه‌های عفو شامل آنان هم بشود.

۱۳ - به نظر می رسد آقای رضائی برای دادستانی انقلاب تهران و آقای مظاهری دایاری دادرسی انتظامی قضات مناسب باشند. چون هر دو قاطع و اهل برخورد با متخلفین می باشند.

۱۴ - در خاتمه توفیق بیشتر آقایان را برای اصلاح اساسی تشکیلات قضایی از خدای بزرگ مسئلت می نمایم.

۱۵ - راجع به مواد مخدر کارهایی که تا حال شده از اعدامها و زندانها و فرستادن به جزیره موفق نبوده باید فکر اساسی کرد.

۱۶ - هیئت شناسایی و جذب قاضی و دادستان در قم و مشهد تقویت شود و طلاب و فضلا جذب دستگاه قضایی شوند.

۱۷ - مسئله قاضی سیار و قاضی تحکیم و تشکیل خانه‌های عدل و انصاف در مناطق کوچک و استفاده از علماء شهرستانها و مناطق بررسی شود تا فشار بر دادگستری کم شود.

بسمه تعالی

- ۱ کار که بین اعضا و سران می‌انفصالی که از ان بوی تقسیم شود و هر رشته شخصی مناسب با موقعیت او محمول شود
- ۲ مسئول دادسرا که یک بررسی دقیق و تصفیه می‌کند. و بعد از آن نسبت به ادسرا که . و مسئول قضات یک بررسی دقیق و عادلانه و بعد از آن نسبت به قضات انجام دهد و از طرف قضات که انجام می‌دهد هر چه برای هر شعبه قضایی دادستان تعیین شود چون تعداد در این شعبه
- ۳ در جذب و حفظ افراد بر فرورد که سابقه کمی ذهنی شخصی ملاک نباشد بلکه با وضعیت نظر و کدومت ملاک استخدام ارزش کار و فعالیت طرف و عقده و بند بر او باشد و از باب مثال از ان سوال آید ان در قضایای وظیفه‌ها که بر کار و فعالیت در این سمت است با استفاده شود و نگذارید استعفا دهند که تمهیدات لازم برای دیگر هم فراهم می‌شود بر فرورد و در این چیزی که تعیین می‌شود باید به است و نظر شود .
- ۴ زمانی حضرت امیرالمؤمنین با کلمه که فرمودند: «مَنْ كَرِهَ نَعْمًا بِرِضَايَاهُ وَاضْمَحَ فِي الْبَدَلِ مَا يَزِيدُ عَلَيْهِ وَنَقَلَ عَنِ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهَا سَأَلَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا لِي إِذَا سَأَلْتُ النَّاسَ فَمَنْ مَنَعَ عَنِّي مِنَ الْمَنَافِعِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا لِي إِذَا سَأَلْتُ النَّاسَ فَمَنْ مَنَعَ عَنِّي مِنَ الْمَنَافِعِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا لِي إِذَا سَأَلْتُ النَّاسَ فَمَنْ مَنَعَ عَنِّي مِنَ الْمَنَافِعِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
- ۵ اعضا و محترم بودی از سرکار که می‌تواند و حکمت ما بر خود و باطلد که تقاضا که مورد ارجح اعتبار و مردم را در مورد سبب بر هر چند
- ۶ دادگاه می‌تواند هم توجه و هم نماید شود .
- ۷ بطور کلی اگر ثابت شد حکمی برخلاف واقعیت است بر خود و حتمانه ابطال شود تا وقتی ضابطه نگردد .
- ۸ نسبت با عدم ها و مصداق که وقت بهتری انجام شود و حق القدر و غیره از قایلین و سران رده بالا که سبب تقوی از سایر حقوق اند اعدام
- ۹ در او زندانها یک بررسی دقیق و تصفیه کار در آن انجام شود ، و افراد تند غیر معادل حتمانه تصفیه شوند و کمبود که بر طرف شود .
- ۱۰ احکام دادسرا که در دادگاهها در مورد مصداق با رافع توقیف احوال قاطعانه اجرا شود و چند نفر افراد تند و فاعل مسئول این کار شوند و اگر نه حکمها به از سر و دستگاره قضایای اعتبار خود پذیرد و حقوق مردم نیز تصنیع می‌شود و هم چنین احکام هیئت تشخیص نسبت با اطفال
- ۱۱ دیوان عدالت اداری در مورد برگشت کارکنان ادارات که در سبب بوم نمی‌شوند و رسیدگی و از تاریخ صدور حکم حقوق آنان برداشت گردد و برای این جهت ماده دوازده ای به تصویب برسد .
- ۱۲ مدت تبعید معنادان به جزیره تعیین شود و بختند که با بختند بر آنان هم شود .
- ۱۳ بنظر می‌رسد آقا سی رضا نه برای دادستان و انقلاب استبدان و آقا سی رضا همی دادیاد من دادسرای انتظامی قضات مناسب باشند چون هر دو قاطع دایره بر فرورد با تکلیفی می‌باشند .
- ۱۴ در خانه توقیف بیشتر آقا یان را (برای اصلاح) پس تشکیل قضات از خدای نزدیک مسئله می‌توانم .
- ۱۵ رایج عمواد خود کار که که تا حال من از اعدا و زندانها و سران بخیریه موفق نبوده باشد فکر آن می‌شود .
- ۱۶ هیئت شناسایی قضات قاضی دادستان در قم در مورد تقویت شود و طلاب و قضات بر جذب دستگاه قضایای شوند .
- ۱۷ من که قاضی سیار و قاضی حکیم و تشکیل خانه محمد و انصاف در میان می‌گردد و ستاده از علماء و کرامت‌ها و من و من بوی شود تا فای بر دادستان

پیوست شماره ۱۰۴: مربوط به صفحه ۵۳۳

یادداشت معظم له برای سخنرانی در جمع نمایندگان خود در دانشگاهها

بسمه تعالی

- ۱ - حفظ قداست روحانیت و ساده زیستن و بی اعتنایی به دنیا و مقام؛ کونوا دعاء الناس بغير الستکم
- ۲ - مراعات دقیق جهات اخلاقی بخصوص در برخورد با خواهران و پرهیز از مواضع تهمت
- ۳ - احترام نسبت به اساتید و شخصیت‌های دانشگاهی و تقدیر از کارهای خوب آنان
- ۴ - چون در دانشگاه‌ها علاوه بر گروه‌های انحرافی و التقاطی دو قشر مذهبی: انقلابی تند و لیبرالیسم وجود دارد باید بین مزایای هر دو قشر جمع کرد و از افراط و تفریط طرفین اجتناب نمود.
- ۵ - نسبت به گروه‌ها هم لازم است به نحو منطقی برخورد شود نه به نحو تکفیر و تحقیر که هرچند جذب نشوند اقلأً اتمام حجت شده باشد.
- ۶ - انتخاب مطالب مفید و منطقی و احتراز از شعارهای بی محتوا و حرف‌های تکراری مبتذل و یا بی دلیل، و اگر متون قرآن و حدیث در مباحث الهی یا سیاسی یا فلسفی یا اقتصادی جمع آوری شود و خود متون با ذکر مدارک به طالبین عرضه شود بسیار مفید خواهد بود و جاذبه هم دارد و در قسمت‌های مختلف سعی شود اساتید و فضلاء خوب شناسایی و از آنان دعوت شود.
- ۷ - اصلاً بجاست سعی شود افراد و نیروهای متخصص در گوشه و کنار شناسایی شوند و به مسئولین معرفی شوند.
- ۸ - سعی شود با تشکیل جلسات خصوصی با مسئولین دانشگاه‌ها و جهاد دانشگاهی مسائل اختلافی حل شود و از افشاگری‌ها و هتک حرمت اشخاص پرهیز شود که هم ضرر دارد و هم شرعاً جائز نیست.
- ۹ - هرچند به نظر می‌رسد در دامن زدن به اختلافات در دانشگاه‌ها افرادی نفوذی با ژست حق بجانب و ظاهر الصلاح نقش داشته باشند ولی این احتمال نباید موجب حمله به جوانان ظاهر الصلاح و یا تند شود زیرا خود این حمله بزرگترین سوزده برای

مخالفین است و موجب تحریک افشار خوب هم می‌شود، باید با حکمت و موعظه حسنه با آنان برخورد نمود.

۱۰ - بطورکلی در اختلافات سعی کنید بی‌طرفی خود را حفظ کنید و در کانال قشر خاص نیفتید.

۱۱ - لازم است برای اداره دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها اشخاص خوش سابقه مدیر و مدبر و مقبول نزد عموم انتخاب شود.

۱۲ - بالاخره در هر محیطی واقعیت‌های موجود ملحوظ گردد و با لحاظ آن‌ها تصمیم گرفته شود.

بسمه تعالی

تاریخ

شماره

- ۱ حفظ عدالت و همانیت و ساده زیستن و بی‌المناحتی به دنیا و تمام کوشش‌ها را برای توفیق امری که خداوند تعالی بخواهد
- ۲ مراعات دقیق جهات اختلافی بخصوص در برخورد با افراد و پرهیز از مواضع نامت
- ۳ احترام نسبت به اساتید و شخصیت‌های دانشگاهی و تقدیر از کارهای خوب آنان
- ۴ چون در دانشگاه‌ها علاوه بر گروه‌ها، انجمن‌ها و انجمن‌های دانشجویی و علمی وجود دارد باید بین فراموشی هر دو توجه جمع کرد و از افراط و تفریط پرهیز اجتناب نمود
- ۵ نسبت بگروه‌ها هم لازم است نحو منطقی برخورد نمود نه بنحوی تکفیر و تحقیر که هر چند عقیدت‌آمیز است
- ۶ انتساب بطریق بی‌فید و منطقی و اعتدال از رفتارهای بی‌مجموعی و حرف‌های تکراری مبتذل و بی‌دلیل و اگر مستون قرآن و حدیث در مباحث الهی یا سیاسی یا فلسفی یا اقتصادی جمع آوری شود و فرد مستون با ذکر مدارک بطریق عرصه نمود بسیار مفید خواهد بود و جایز است که در قسمتهای مختلف سعی نمود
- ۷ اساتید و فضلای خوب دانشگاه را از آنان دعوت نمود
- ۸ اصلاً بجای است سعی نمود افراد و نیروهای متخصص در گوشه و کنار شناسایی نمود و بکارهای مفیدی بکار نمود
- ۹ سعی نمود با تکلیف جلب حضور اساتید و دانشکاهها و دهها دانشگاهی سایر اختلافات حل نمود
- ۱۰ و از آن‌ها گریز و هتک صورت اشکال پرهیز نمود که هم ضرر دارد و هم گریزها جز نیست
- ۱۱ هر چند نظر میرسد در دامن زدن با اختلافات در دانشگاهها از ادس نفوذی با رست حق بپایان برساند
- ۱۲ نقش دانسته باشند و این اعمال بنا بر موجب جمله بخوانان ظاهر اصلاح و پائین‌تر شود زیرا خود را این جمله بر زمین سوز بران نمی‌افیند است و موجب تحریک آتش از خوب هم میشود باید با حکمت و موعظه حمت با آنان برخورد نمود
- ۱۰ بطور کلی در اختلافات سعی کنید بی‌طرفانه خود را حفظ کنید در کارها ناچاراً بیشتر حاضر نیستید
- ۱۱ لازم است برای اداره دانشگاهها و دانشکده‌ها اشخاص فکور و با تجربه و مدبر و مصلوب و مصلوب
- انتخاب نمود
- ۱۲ بالاخره در هر محیطی واقعیه‌های موجود ملحوظ گردد و با لحاظ این تصمیم گرفته شود

پیوست شماره ۱۰۵: مربوط به صفحه ۵۳۳
یادداشت معظم له برای ملاقات با استانداران سراسر کشور

- ۱ - تشکر و تقدیر از استانداران و تبریک
- ۲ - به شهرهای کوچک و روستاها بیشتر مسافرت شود و با مردم تماس گرفته شود.
- ۳ - به ادارات مختلف بیشتر سر زده شود بدون اطلاع قبلی.
- ۴ - در امور جزئی نخواهند به مرکز و مقامات مراجعه کنند و قاطعیت به خرج بدهند.
- ۵ - نصب و عزل‌ها بر حسب لیاقت و شرایط محل انجام شود نه روابط شخصی و گروهی
- ۶ - کمک‌ها و امکانات رفاهی و عمرانی و بهداشتی و فرهنگی حتی المقدور به طرف روستاها و مراکز تولید متوجه شود.
- ۷ - تضاد موجود بین جنگلبانی و حفظ مراتع با کشاورزان و دامداران حتی المقدور برطرف شود.
- ۸ - بی طرفی خود را در انتخابات آینده و مقدمات آن حفظ کنند و مردم را آزاد بگذارند و معجری خط خاصی نباشند.
- ۹ - بالاخره سرمایه شما و اسلام مردم می باشند، سعی کنید رضایت آنان را حتی المقدور تحصیل کنید.
- ۱۰ - مسئله جنگ با وضع فعلی باید در راس مسائل قرار گیرد و بیش از شعار به نیرو و امکانات توجه شود.

نهج البلاغه، نامه مالک ص ۹۳ و اشعر قلبک الرحمة للرعیة

ص ۹۶ ولیکن ابعده رعیتک منک

ص ۹۸ والصق باهل الورع والصدق

ص ۱۰۵ ثم انظر فی امور عمالک

ص ۱۱۲ واجعل لذوی الحاجات منک قسما

ص ۱۱۴ واما بعد فلا تطولن احتجابک

- ۱ تشکر فقید از استان داران و سرباست
- ۲ بزرگی کی بعد و رویتا که بیشتر مرتب شود و با مردم مالم گرفتار شود
- ۳ با ادوات مختلف بیشتر سرزده شود بدون اطلاع قبلی
- ۴ در امور غیره نخواهند مگر کمز و مقامات و مراجع کتبی و قاطعیت بخیر بد
- ۵ نصب و عزلها بر حسب بیادت و شرایط محلی انجام شود نه روابط کفنی و گروهی
- ۶ کمکها و امکانات رفاهی و غیره اولاد آنها در خدمت حق المقدر و در ظرف و رویتا که و مراکز تولید می شود
- ۷ تضاد بود بین جنگلی و حفظ مراتع با کوه و زمین و در این حد امداد حق المقدر بر طرف اولاد می شود
- ۸ بطرف خود در امداداتی است که بعد از آن حفظ کنند و مردم را از ادعای زیاد و بی ادبی می کنند
- ۹ با افزای سرمایه عم و اسلام مردم می باشند سعی کنند از خدمات آنان را حق المقدر محسوس کنند
- ۱۰ سانه جنگ با وضع فعلی باید در رأس امر قرار گیرد و بیسی از رعایا به نیرو و امکانات توهم شود

نهی البلاغه نامه مالک ص ۹۳	در توفیق الهم لله للعلمه
ص ۹۶	ولیکن ان بعد رعیتک منک
ص ۹۸	والصوق باهر الورع والصدق
ص ۱۰۵	عم النظرة المورع مالک
ص ۱۱۲	ول بعد لدوی الحامات منک
ص ۱۱۴	واما بعد فلا تطولن اقبابک

پیوست شماره ۱۰۶: مربوط به صفحه ۵۳۳

محور مطالبی که پیش از ملاقات با مسئولین روزنامه‌ها توسط معظم له یادداشت شده بود که بیانگر بخشی از دیدگاه‌های ایشان می باشد.

- ۱ - تشکر و تقدیر از مدیران و متصدیان روزنامه‌ها و جراید و نویسندگان که موجب رشد و تحکیم فرهنگ جامعه می باشند.
- ۲ - رشد و تعالی انسان‌ها به رشد و تکامل در ایدئولوژی و فرهنگ و اخلاق آنان است، و زیربنای همه شئون انسان اندیشه و فرهنگ اوست نه اقتصاد و شکم.
- ۳ - نویسندگان محترم تحت تاثیر جوهای کاذب تند قرار نگیرند، بلکه جوهای کاذب را بشکنند و واقعیت‌های جامعه را درک و منعکس کنند.
- ۴ - همیشه سعی کنند به ملت و به دولت خط صحیح اسلامی را ارائه کنند نه اینکه ثناگوی مبتذل یا تضعیف کننده و انتقام جو باشند.
- ۵ - برخورد روزنامه‌ها و نمایندگان مجلس و ارگان‌ها با یکدیگر و با دولت و مسئولین برخورد صحیح و به منظور اصلاح باشد نه انتقام جویی و خرد کردن طرف.
- ۶ - در اسلام به آبرو و حیثیت اشخاص زیاد اهمیت داده شده، افشاگری‌ها و پخش اعلامیه‌های راست یا دروغ مونتاژ از گناهان بزرگ است و ضرر آن برای جامعه زیاد است، نیروها را منزوی و اطمینان‌ها را برطرف و موجب سقوط ارگان‌ها و کشور می شود (و ان اربی الربا عرض الرجل المسلم) و انتقاد باید برای ساختن و اصلاح طرف و تذکر به او باشد نه خردکردن و ترور شخصیت.
- ۷ - روزنامه‌ها وسعت نظر پیدا کنند و اجازه دهند افکار و اندیشه‌های مختلف پخش شود تا احساس انحصارطلبی و تحمیل عقائد در کار نباشد.
- ۸ - در شرایط فعلی کشور روی مبارزه منفی با دشمنان و احتراز از لوکس گرایی و مصرف گرایی و اسراف و ریخت و پاش اصرار و قلم فرسایی شود.
- ۹ - در درجه اول در ادارات و ارگان‌ها و سپاه باید از ریخت و پاشها جلوگیری شود.
- ۱۰ - به طور کلی باید خط مستقیم را طی نمود و از افراط و تفریط پرهیز نمود (الیمین و الشمال مضلة و الطريق الوسطی هی الجادة).
- ۱۱ - مثلا در امر به معروف و مبارزه با فساد و فحشا نه سستی و نه تندروی، زیرا

غرض ارشاد و تنبه طرف است و تندی نتیجه معکوس دارد.

۱۲ - در اقتصاد نه سرمایه داری افراطی غرب و نه اقتصاد دولتی شرق - توزیع واقعا نه اسماً فقط به مردم محول شود - دخالت مستقیم دولت: ۱- موجب تنفر و بغضاء ملت
۲- رکود استعدادهای ۳- استخدام پرسنل زیاد ۴- نبود انگیزه برای بسط و تکامل.

۱۳ - در جلوگیری از احتکار درجات رعایت شود - احترام مال مردم منظور گردد - و فرمایش پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) مورد توجه قرار گیرد، ضمناً تجار نیز باید در شرائط فعلی از احتکار و گرانفروشی اقران خود اظهار شرمندگی کنند و خودشان جلو آنان را بگیرند.

۱۴ - باید جامعه احساس آرامش و امنیت جانی و مالی کنند، و تندروری‌ها امنیت و آرامش را از جامعه می‌گیرد.

۱۵ - در رفتن به جبهه هم باید حساب شده کار کرد، پست‌های حساس و ادارات و دانشگاه‌ها را نباید خالی کرد.

۱۶ - از شعارهای تند بی محتوا و تکراری و هیجان‌زا باید پرهیز کرد.

۱۷ - بچه‌هایی که به دام گروه‌ها افتاده اند پس از روشن شدن ماهیت آنان و خیانتشان به دامن ملت برگردند و ملت هم باید از آنان استقبال کند، زیرا سهو و خطا همیشه در بشر بوده است وقتی حق برای انسان روشن شد لجبازی غلط و گناه نابخشودنی است.

۱۸ - در مقابل شبکه‌های کفر و صهیونیسم جهانی، تنها نیروی ما هماهنگی و اتحاد است؛ اتحاد و هماهنگی ما را به پیروزی رساند، باید آن را حفظ کرد.

۱۹ - دولت باید برای کارمندان و کارگران حقوق بگیر فکر اساسی بکند و از سوبسید عمومی شهرها بکاهد و برای کارمندان، کارگران، کشاورزان و تولیدکنندگان امکانات فراهم کند تا قهراً جلو کم کاری‌ها و احیاناً رشوه‌ها گرفته شود.

۲۰ - در خاتمه همه را به تقوی و نیت خالص دعوت می‌کنم، والسلام علیکم جمیعا.

۱ - من لایحضره الفقیه: قیل للنبی (ص): لو سرعت لنا سعرا فان الاسعار تزیید و تنقص. فقال (ص) ما کنت لالتقی الله ببدعة لم یحدث الی فیها شیئا - فدعوا عباد الله یاکل بعضهم من بعض.

۲ - تهذيب شيخ: ان رسول الله مر بالمحتكرين فامر بحكرتهم ان تخرج الى بطون الاسواق و حيث تنظر الابصار اليها فليل لرسول الله(ص): لو قومت عليهم فغضب رسول الله(ص) حتى عرف الغضب في وجهه فقال: انا اقوم عليهم؟ انما السعر الى الله يرفعه اذا شاء و يخفضه اذا شاء.

۳ - ابن ماجه عن ابى سعيد: غلا السعر على عهد رسول الله(ص) فقالوا: لو قومت يا رسول الله(ص) قال: انى لارجو ان افارقكم و لا يطلبنى احد منكم بمظلمة ظلمته.

۴ - نهج البلاغه: و اعلم -مع ذلك- ان فى كثير منهم ضيقا فاحشا و شحا قبيحا و احتكارا للمنافع - و تحكما فى البياعات و ذلك باب مضره للعامة و عيب على الولاة فامنع من الاحتكار فان رسول الله منع منه وليكن البيع بيعا سمحا بموازين عدل و اسعار لاتجحف بالفريقين من البايع والمبتاع.

تاریخ

- ۱ تشکر و تقدیر از مدیران و معتمدین روزنامه آ و چراغ و نویسندگان که موجب رشد و تکمیل فرهنگ جامعه می‌شوند.
- ۲ رشد و ترقی این نهاد بر مبنای مصلحت و عدالت و اولویت دادن به فرهنگ و اولویت دادن به اقتصاد و کمک به نویسندگان قلم که تاثر جوئی کاذب ننهند و نگنند - بلکه جوئی کاذب را بشکند و واقعیتها را بجا بیاورد و تسکین کند.
- ۳ همیشه سعی کنند محبت و به دولت خط مصلحتی را بر آورده کنند نه اینکه مصلحتی مبتذل یا تضعیف کننده و انتقام جو باشند.
- ۴ بر ضرورت روزنامه که خوانندگان مجلس و درگاهها باید بگویند و با دولت و مسئولین برخورد مصلحتی و بمنظور اصلاح باشد نه انتقام جو و خودگردن طرف.
- ۵ در کلام *بصیرت* آبرو و حیثیت آنها من زیاده اهمیت داده شد - این کورینا و بخش اصلاحیه که می‌رست یا دروغ نوشتن از این گن بزنی است و ضرورت آن بر اینهاست - نیز که را من زوی و احمیتها را بر طرف و موجب سقوط آنها و کور می‌شود.
- ۶ در این باره با بعضی از اهل علم و دانش و انتقاد باید برای س حق و اصلاح طرف و نیز که به او باشد نه خود گردن و در در خصیت روزنامه که وسعت نظر پیدا کنند و اجازه دهند افکار و اندیشه که می‌تواند مختلف باشد تا اها بر انضام طلبی و تجدید عقاید در کارسانند.
- ۸ در مصلحتی کور روی مبارزه منافی با دشمنان و اعتراض کورس گران و مصرف گران و اسراف و ریختن و پاسی اصرار و تبلیغ صادق شود.
- ۹ در وجه اول در ادارات و در گالنها و میانه باید از مکتب و پاسنها جلوگیری شود.
- ۱۰ بطور کلی باید خط مستقیم را طی نمود و از انحراف و تقویط پرهیز نمود (البین و التمام مصلحه و الطریق الوسطی هم الحاده).
- ۱۱ مثلاً در امر معروف و نهی منکر و نه تسبی و نه تندی - زیرا هر چه از این دو جنبه طرف است و تندی نیمی بکلوس دارد.
- ۱۲ در اقتصاد و نه سرمایه داری افزایش خوب و نه اقتصاد دولتی شرک - توزیع واقعا نه استراحت مردم چون شود - دخالت مستقیم دولت واجب است و بعضا دولت باید که در استقامت بر سر زیاده - بنود اندک برای ربط و تکامل.
- ۱۳ در جلوگیری از احتکار در جات رعایت شود - و احترام مال مردم منظور گردد - در مابین بیمه و ائمه الهی را مورد توجه قرار نگیرد.
- ۱۴ باید جامعه احساس آراست و امنیت جهان کند - و تندر و دنیا امنیت و آرامش را ازها بعم میکند.
- ۱۵ در رفتن بجهت هم باید حسابش کار کرد - دولت که می‌حس و ادارات و دستگاهها را بنیادین کار کرد.
- ۱۶ از نوعا و کمی تند و محتوا و تکرارها و هیجان را باید پرهیز کرد.
- ۱۷ چه که نه بدام گروها افتاده اند پس از روشن شدن ماهیت آنان و صفاتشان بدین ملت برگردند و ملت هم باید از زمان استقبال کنند زیرا هنوز هم در بر بوده است وقتی حق برای این روشن شد که با نری غلط و ناهنجار است.
- ۱۸ در مقام بر شکیه که می‌گفت و همسایه همسایه ما هم آهنگی و اتحاد است اتحاد و هم آهنگی ما را میسر و روزی باید آن را حفظ کرد.
- ۱۹ دولت باید برای کارمندان و کارگران حقوق بگیر فکر اساسی بکند و از رسیدن عمومی مردم بجا باید و برای کارمندان و کارگران هر کس و روزان و نویسندگان المکان است و راهم کنند تا هر آنگه مملکت را به دامن نازده که گرفته شود.
- ۲۰ در خاتمه هم را بتقوی و نیت فالحی دعوت میکنم و السلام علیکم جمعاً.

در این باره با بعضی از اهل علم و دانش و انتقاد باید برای س حق و اصلاح طرف و نیز که به او باشد نه خود گردن و در در خصیت روزنامه که وسعت نظر پیدا کنند و اجازه دهند افکار و اندیشه که می‌تواند مختلف باشد تا اها بر انضام طلبی و تجدید عقاید در کارسانند.

۱ من الحیفه الفقیه: غیرالبین من: لوسرت لنا سعراً فان الاعمار تزد و تقصص. فقال من ما كنت للفتح الله سبحانه
لم یحدث الا فیها مریماً - فدعوا عبدا لله بالكل بعضهم من بعض

۲ تهذیب شیخ: ان رسول الله ص بالحدیث ان فاحکم لهم ان تخرج الابطون الا لوان وصیبت نظر الابصار اليها
فقد ارسل الله من: لو قومت عليهم فغضب رسول الله من حتى عرف الضرب في ظهره فقال: انا اقوم عليهم؟ انما نسر
اليه رفعه اذا ساء وكيفية اذا ساء

۳ ابن ماجه عن الاميد: غدا العرس لهد رسول الله ص فقالوا: لو قومت يا رسول الله من قال: ان لا اذبحوا ان افارتم
ولا يظلموا احد منكم فظلمت

نهي البلاغ: واعلم - مع ذلك - ان في كثير منهن ضيقاً فاحشاً وسماً قبيحاً واهتلافاً للذناح - وكلها في البيهقي - وذكر باب
مضرة العامة وطيب على الولاة فالمنع من الاهتلاف فان رسول الله منع منه وليس البيع بعاسماً يجوز من عدل
والعاد لا تجوز بالوفيق من البيع والمباح

پیوست شماره ۱۰۷: مربوط به صفحه ۵۳۳

یادداشت برخی محورهای اساسی برای تذکر به مسئولین در جهت بهبود مراسم حج

بسمه تعالی

- ۱ - توجیه حجاج در ایران به وسیله رادیو و تلویزیون راجع به برخوردها و خریدها و رعایت اخلاق و ظواهر شرع
- ۲ - عدم سخت گیری در فرودگاهها و ترک کارهای موهن و مضر به حیثیت جمهوری اسلامی
- ۳ - حذف بعضی مصارف غیر ضروری و غیر لازم مثل بردن آلو مثلا
- ۴ - تقلیل مدت ماندن حجاج در حجاز به ۲۵ الی ۲۷ روز
- ۵ - عدم تبعیض نسبت به منازل و امکانات و جلوگیری از گدابازیها
- ۶ - دقت در انتخاب روحانیین و محول کردن آن به ائمه جمعه استانها و ارشاد استانها
- ۷ - امتحان دقیق از روحانی و کمک روحانی نسبت به مسائل حج بدون تبعیض و مسامحه، راجع به این موضوع شکایت زیاد بوده.
- ۸ - حتی المقدور مقدم داشتن افراد مسن که تاخیر ممکن است سبب محرومیت آنان شود.
- ۹ - حتی المقدور مقدم داشتن کسانی که تا حال مشرف نشده اند و حج واجب دارند.
- ۱۰ - تحمیل نکردن افراد به کاروانها به اسم کارگر و محول کردن تعیین کارگر به خود آنها
- ۱۱ - حذف سهمیه ارگانها بجز خانواده شهداء
- ۱۲ - ساده کردن تشکیلات بعثه امام و تقلیل افراد منتسب به آن
- ۱۳ - تماس بیشتر بعثه امام با علماء و شخصیت‌های کشورهای اسلامی و بها دادن به آنان
- ۱۴ - تهیه کتابچه جامع به زبانهای مختلف در رد اشکالات و تبلیغات سوء علیه جمهوری اسلامی
- ۱۵ - بردن مناسک و کتب لازمه با پست سیاسی یا وسیله دیگر و توزیع بین حجاج در حجاز
- ۱۶ - حتی المقدور نرفتن مسئولین کشور به حج مگر اینکه مستطیع باشند و قرعه به نامشان بیفتد.
- ۱۷ - دولت لوازمی را که حجاج به عنوان سوغات می آورند قبلا بخرد و وارد کند و در فرودگاه به حجاج بفروشند.

بسمه تعالی

تاریخ

شماره

- ۱- ترجمه صحیح در ایران بر سبیل راد بر مبنای روز رابع به بر ضرورت و خرید و در مقام اجلا و ظواهر شرع
- ۲- عدم سخت‌گیری در فرودگاهها در رد کارهای موین و سفر به حبس جمهوری اسلامی
- ۳- حذف بعضی مصارف غیر ضروری و غیر لازم مثل بردن آلوشلا
- ۴- تسهیل مدت ماندن مجامع در محازبه ۲۵ تا ۲۷ روز
- ۵- عدم تبعیض نسبت به منازل دامکانات و جلوگیری از گدا با زینا
- ۶- دقت در انتخاب روحانیین و محول کردن آن به آنکه جمع آستانها دارند در آستان
- ۷- آستان دقت از روحان و کادر روحان نسبت به طرح بدون تبعیض و مسمی - راجع به این موضوع نگاه
- ۸- حتی المقدور تقدم دهی افراد مسن که تا حد ممکن است سبب محولیت آنان شود
- ۹- حتی المقدور تقدم دهی کس که تا حال شرف نند و حج واجب دارند
- ۱۰- تجنیز کردن افراد به کاروانها به اسم کارگر و محول کردن تعیین کارگر به فردان
- ۱۱- حذف سهمیه ارگانها بحرف زاده سردار
- ۱۲- ساده کردن تسهیلات عبئه امام و تعلیل افراد غلبه به آن
- ۱۳- تأمین بنیة عبئه امام با علماء و کصینتها کی کسورگی اسلامی و بنا کردن به آنان
- ۱۴- آئینه کتابچه جامع زبانهای مختلف در دستکالات و تبلیغات کسور علیه جمهوری اسلامی
- ۱۵- بردن مشارک دولت لازم بایست سیاسی یا وسیله دیگر و توزیع بین مجامع در محاز
- ۱۶- حتی المقدور زرفتن مسئولین کسور به حج مگر اینکه مستطیع باشند و قرع بنایان بیفقد
- ۱۷- دولت کسور می داند مجامع بعنوان کسورات می آورند قبلاً بخرد و وارد کند در فرودگاه مجامع بفرستند

پیوست شماره ۱۰۸: مربوط به صفحه ۵۳۳

نمونه ای از یادداشت‌های معظم له پیش از ملاقات و سخنرانی عمومی برای مردم

۶۷/۳/۱۵

۱ - طلب رحمت برای شهداء ۱۵ خرداد و همه شهداء تا حال و تسلیت به بازماندگان آنان

۲ - تقدیر و تشکر از مردم که از ۲۵ سال پیش تا حال با همه شهادت‌ها و خرابی‌ها و آوارگیها و مشکلات زندگی در صحنه باقی مانده اند، و این دلیل است بر اینکه انقلاب شما مردم برحسب هوس و احساس فقط نبوده بلکه ریشه دار بوده و هست.

۳ - پس باید مسئولین برخوردشان با این مردم به این خوبی محترمانه باشد و کرامت انسانی آنان حفظ شود و حتی از لغزش‌ها حتی المقدور صرف نظر شود، چنانچه امیرالمومنین(ع) خطاب به مالک فرمود: (نامه ۵۳ نهج البلاغه) «واشعر قلبک الرحمة للرعية و المحبة لهم و اللطف بهم، و لاتکونن علیهم سبعا ضاريا تغتتم اکلهم فانهم صنفان: اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق، یفرط منهم الزلل و تعرض لهم العلل و یوتی علی ایدیهم فی العمد و الخطا فاعطهم من عفوک و صفحک مثل الذی تحب ان یعطیک الله من عفوه و صفحه».

۴ - انقلاب ما برای اسلام و ارزش‌های معنوی و اخلاقی بود، شعار مردم: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بود. هدف فقط تبدیل حکومت و حاکم نبود، -علی(ع) به مجرد حرف، مزاحم کسی نمی شد- خوارج تا قیام مسلحانه انجام ندادند مزاحمشان نشد.

۵ - اگر عملا اسلام و ارزش‌های دینی و اخلاقی و انسانی حفظ شود انقلاب الگو می شود و جاذبه پیدا می کند و ملت‌ها جذب می شوند و همین است راه صدور انقلاب، باید به علم و صنعت و تکنیک و موازین اسلامی اهمیت داد تا کشور خودکفا و الگو شود.

۶ - فرمان اخیر امام مدظله نسبت به آقای هاشمی نباید در حد شعار بماند بلکه باید با یک تصمیم انقلابی در نیروهای مسلح که «حصون الرعية و عز الدین و سبل الامن» می باشند یک تحول انقلابی پیدا شود و تضادها و ناهماهنگی‌ها برطرف شود.

۷ - کشور یک نیروی نظامی و یک نیروی انتظامی لازم دارد، یک صنایع نظامی، یک

نیروی هوایی، یک نیروی دریایی و هکذا اسم مهم نیست، ادغام نیروها وقتی میسر است که هیچ نحو ملاحظه کاری در میان نباشد و قاطعانه عمل شود.

۸ - جمعیت ایران بیش از سه برابر عراق است و ایمان مردم ما هم کمتر نیست، عمده اشکال در عدم برنامه و عدم هماهنگی و عدم فرماندهی ما است.

۹ - باید از نیروهای مجرب و متعهد موجود در همه ارگان‌ها و موسسات از ارتش و سپاه و جهاد و سایر موسسات استفاده شود.

۱۰ - آقای هاشمی باید عمده وقت خود را صرف این موضوع کنند و از کارهای دیگر صرف نظر کنند و با مشاغل متعدد امکان موفقیت نیست.

۱۵ خرداد ۱۳۷۲

- ۱ طلب رحمت بر این کردار ۱۵ خرداد و همه سردار تاهال در سببیت بازماندگان آنان
- ۲ تقدیر و تشکر از مردم که از ۲۵ سال پیش تاهال با همه ریه دلتها و خرابیهها و آوارگیها و مشکلات زندگی در صحنه باقی مانده اند و این دلیل است بر اینکه انقلاب همه مردم بر عصب همسر و احماس ^{تفنگ} نبوده بلکه ریه دار بوده است .
- ۳ پس باید مسئولین بر فرد در آن با این مردم باین خود به محرمه نامه باشد و کلمات آن در امان حفظ شود -
 و حتی از لغزشها حتی المقدور در حرف نظر شود چنانچه امیرالمؤمنین خطاب بانکه فرمود : (نامه ۵۳ به ابی عبدالله)
 « و انظر عليك الرحمة للرحمة والمحبة لهم واللطف بهم ، ولا تكون عليهم سبعا ضاربا تصفهم الكلام فانهم صنفان : اما الخ لك في الدين او يطير لك في الخلق ، يفرط منهم الزلل ويعرض لهم العلل ويؤثر على ايدهم في العذر والحق فان عظمهم من غفروا وصغروا من عذرتهم ان عظمهم من غفروا وصغروا »
- ۴ انقلاب ما برای اسلام و ارزشهای معنوی و اخلاقی بود - شعار مردم : استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی بود -
 هدف فقط تبدیل حکومت و نظام نبود - عیان بخود حرف خراهم کسی نمیزند - خوار و عیان تمام میماند انجام ندادند خرافان
- ۵ اگر شعار اسلام و ارزشهای دینی و اخلاقی و انزلی حفظ شود انقلاب الگو میزند و عذاب پیدا میکند و ملتها جذب میزند و همین است ~~صحنه~~ راه صدور انقلاب باید به علم و صنعت و تکنیک و روزی اصلاح اهمیت داد تا کشور خودکفا و الگو شود
- ۶ فزون از اجرام مظلمه نسبت با قای که هیچ بناید در ره سعادت بر ماند بلکه باید با یک تصمیم انقلاب در نیروهای مسلح که
 « حصون الرحمة و عز الدين وسبل الامن محي بائند » یک تحول انقلابی پیدا شود و تضاد که و ناهم هماهنگی بر طرف شود
- ۷ کشور یک نیروی نظامی و یک نیروی انتظامی لازم دارد - یک صنایع نظامی - یک نیروی هوایی - یک نیروی دریا و کوه و کوه
 اسم تمام نیست - ادغام نیروی و قوی نیست که هیچ تحولی در نظام کاری در میان نیامد و واقعا هم عمل نکرد -
- ۸ جمعیت ایران بیش از سه برابر عراق است و اما مردم ما هم کمتر نیست - عمل ^{تفنگ} در عدم برنامه و عدم هم آهنگی و عدم فرزند و
- ۹ باید از نیروی محرم و متعهد بود در هم ارکانها و مؤسسات از ارتش و سپاه و جهاد و سایر نهادهای استعدادهای
- ۱۰ آقایی که هیچ باید عهد و دوست خود را هر خط این بر زمین کشند و از کارهای دیگر صرف نظر کنند و با ما هم تعداد امکان فرقی نیست

پیوست شماره ۱۰۹: مربوط به صفحه ۵۳۳

یادداشت برای گفتگو و مذاکره در دیدار آقای میرحسین موسوی - نخست‌وزیر وقت - که اتفاقاً سران مملکتی نیز حضور داشتند.

خطاب به جناب آقای موسوی نخست‌وزیر

تاریخ ۶۷/۷/۹

باسمه تعالی

- ۱ - پس از جنگ انتظار تحول اساسی در اقتصاد و سیاست و برخورد با مردم می رفت.
- ۲ - کمبودها و تبعیض‌ها و تورم و درآمد کم و اختلاف قیمت‌های بی رویه که منشأ عمده آن‌ها خود دولت و عدم تخصص و دلسوزی و تنگ نظری‌ها و سخت گیری‌های بعضی مسئولین بازرگانی و صادرات و واردات کشور و دخالت و تصدی بسیاری از ارگان‌ها نسبت به تجارت بی حساب از قبیل سپاه و بنیاد شهید و امثالها می باشد، این‌ها همه وضع اقتصادی کشور را فلج کرده است.
- ۳ - در بازرگانی خارجی دولت موفق نبوده و بیست درصد برای بخش خصوصی بسیار کم است، دولت بیشتر باید نظارت کند.
- ۴ - امروز کشورهای چپ رو و تند هم به اشتباه خود واقف شده اند و سیاست درهای باز را تعقیب می کنند و به مردم بیشتر بها می دهند، باید مسئولین تنگ نظر و سختگیر و بی اعتنا به مردم اساساً تعویض شوند چون ترک عادت برای بعضی میسر نیست.
- ۵ - امروز بهانه جنگ برطرف شده، باید به تدریج صف و کوپن را کنار گذاشت و به مردم بیشتر بها داد.
- ۶ - تعزیرات حکومتی موفق نبوده است و ناراحتی زیاد درست کرده، کار نوعاً به دست بچه‌های خام و عقده دار افتاده و خود این سیاست موجب بسیاری از کمبودها و نابرابری‌ها شده، شما به گزارش‌های مسئولین صد درصد اعتماد نکنید.
- ۷ - اطلاعات و سپاه و کمیته‌ها و دادستانی‌ها و بازجوها و امثالهم باید در روش خود تجدید نظر کنند، ما از باز داشت‌های زیاد و تندی‌ها و تعزیرات و بستن‌ها و کشتن‌ها نتیجه نمی گیریم، به علاوه مردم را که سرمایه کشور و انقلاب‌بند زیاد ناراضی می کنیم، و به عده زیادی در اثر اشتباه مسئولین و مامورین ظلم‌های بی جبران می شود، «و الملک یبقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم». دنیا هم با تبلیغات خود ما را محکوم می کند و در انزوای سیاسی قرار می گیریم، در بازداشت‌ها و تعزیرات باید به مقدار ضرورت قناعت

کرد. اساس دین مقدس اسلام بر عفو و اغماض و گذشت است، سوره‌های قرآن با نام رحمن و رحیم شروع می‌شود و پیغمبر ما رحمة للعالمین است و امیرالمومنین (ع) در خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «و اشعر قلبک الرحمة للرعیة و المحبة لهم و اللطف بهم، و لا تكونن علیهم سبعا ضاریا تغتنم اکلهم فانهم صنفان: اما اخ لك فی الدین او نظیر لك فی الخلق یفرط منهم الزلل و تعرض لهم العلل و یوتی علی ایدیهم فی العمد و النخطا فاعطهم من عفوك و صفحك مثل الذی تحب ان یعطیک الله من عفوه و صفحه». باید سیره و روش پیغمبر اکرم (ص) در فتح مکه و جنگ هوازن و سیره امیرالمومنین (ع) در فتح بصره برای ما الگو و نمونه شود.

۸ - چند میلیون ایرانی آواره ما در خارج از کشور داریم که فرضاً صد هزار از آنان مثلاً ضدانقلاب و ضد اسلام باشند بقیه نوعاً بی تفاوت بلکه بعضاً علاقه مند به اسلام و انقلابند و مایلند به کشور برگردند، و تبلیغات و جوها و بعضی تندها آنان را وحشت زده کرده، و در بین آنان مغزهای متخصص و متفکر مورد نیاز کشور زیاد وجود دارد، در صورتی که نفس وجود هر یک از آنان در محیط خارج یک وسیله تبلیغ علیه کشور است و حکایت از وجود یک نحو ترس و خشونت در کشور می‌کند، باید یک عفو و گذشت عمومی اعلام شود. و مثلاً هر کس به سفارت ما در خارج یا هیئتی از وزارت خارجه و اطلاعات و سپاه مثلاً در کنار سفارت مراجعه کند و یک تعهد کتبی بدهد که مقررات کشور و ظواهر شرع را رعایت کند و از خشونت پرهیز کند بتواند آزادانه وارد کشور شود و هیچ ارگانی حق تعرض و بازجویی نسبت به او نداشته باشد و بر گذشته‌ها همه صلوات. و هر مقدار جنس حلال و مشروع هم مجاز باشد با خودش به کشور وارد کند و در امور و صنایع هم بتواند سرمایه‌گذاری کند، خود این امر افراد و سرمایه‌ها را جذب و بسیاری از کمبودها را برطرف می‌کند، و پس از ده سال از انقلاب تحول جدیدی خواهد بود.

۹ - نسبت به سرمایه‌گذاری در صنایع و تولیدات کشاورزی و دامداری تشویق کمتر می‌شود و سخت‌گیری و مقررات دست و پاگیر زیاد است، باید کاری کرد که مردم علاقه مند شوند و احساس کنند که سرمایه آنان محفوظ و سودآور است. اگر ملت ما در فعالیتهای اقتصادی خود احساس امنیت جانی و مالی و آبرویی کند احتیاج به سرمایه‌گذاری خارجی نداریم.

۱۰ - در سیاست داخلی و خارجی کشور و تصمیم‌گیرندگان و وزارتخانه‌های مختلف

باید هماهنگی کامل وجود داشته باشد و یک سیاست پخته شده مشورت شده حکم فرما باشد. و ملت را باید در مسائل مهم اساسی به حساب آورد، تصمیمات مهمه و ارتباطات و خط مشی‌ها بالاخره مخفی نمی ماند و دروغ‌های مصلحت آمیز و توریه‌ها بالاخره فاش می شود، چرا دشمنان بدانند و افشا کنند و ما از خود ملت مخفی نماییم. اصلاً سیاست صحیح و اسلامی سیاستی است مبتنی بر صداقت و راستگویی، ملت ما الحمدلله رشد عقلی و فکری دارند و خودشان مصالح و مفاصد را درک می کنند.

۱۱ - ادارات و ارگان‌ها و موسسات پر خرج و تکراری باید به تدریج اصلاح و در یکدیگر ادغام شوند، و مقررات دست و پاگیر اداری حذف شود، و اصل را باید بر صحت و سلامت ملت گذاشت نه بر فساد و انحراف آنان.

۱۲ - برای تعدد موسسات نظامی و انتظامی و صنایع نظامی هر چه زودتر باید فکر اساسی کرد تا دارای یک قدرت متشکل هماهنگ نظامی و یک نیروی هماهنگ انتظامی باشیم و گرفتار تضادها و خرج‌های تکراری نشویم، واضح است که بقاء حیات سیاسی و اجتماعی ما مرهون صحت و هماهنگی و نظم این دو قوه است.

۱۳ - دولت باید در ایجاد کار و شغل‌های واقعی مورد نیاز هر چه بیشتر فعالیت کند، و سرمایه گذاری در امر تولیدات و صنایع را بر سرمایه گذاری در مصارف و تشریفات مقدم بدارد. اکثر اعتیادهای مضر و شیوع مواد مخدره و فسادهای اجتماعی و رشوه‌ها و دزدی‌ها و فحشاها معلول بیکاری‌ها و نداشتن راه درآمد مشروع است. ما به جای مبارزه با علل اصلی همیشه با معلول‌ها مبارزه می کنیم و لذا موفق نیستیم، مردم نوعاً خوبند و بالفطره جانی نیستند، ضرورت آنان را به فساد می کشاند.

۱۴ - کارها را باید به کاردان‌های شجاع عاقل و متخصص متعهد محول کرد و اگر فرضاً وزیری یا مسئولی یا مقامی احساس کرد کاری برایش سنگین است عقل و منطق و وجدان و دین حکم می کند کار را به اهلش واگذار کند.

۱۵ - اگر در جایی با شکست مواجه شدیم باید ریشه یابی کنیم که چرا به اینجا رسیدیم و چه عواملی ما را به اینجا رساند تا دوباره گرفتار نشویم، نه اینکه فقط به اشتباه خود اقرار کنیم و اظهار ناراحتی کنیم، تغییر عوامل و مسئولین یک امر عاقلانه خدایسندانه متعارف دنیا است. در خاتمه سعی کنید خدا را شاهد رفتار و گفتار خود بدانید و از خدا غفلت نکنید. والسلام علیکم. ان شاء الله موفق باشید.

خطاب بجزایرة مولای تخت وزیر

ص ۱

باسمه تعالی

تاریخ ۶۷/۷/۹

۱- پس از جنگ انتظامی و تحویل اراضی در اقتصاد دولتیست و بر خود با مردم میرفت .
 ۲- کمبود و تبعیضها و تورم در آمد کم و اختلاف قیمتها می بود که منافع آنها مورد دولت و عدم تخصیص بود
 و نیز نظریه و بحث گریها می بعضی مسئولین بازرگانه و صادرات و واردات کشور و فعالیت اقتصادی بسیار از کارگزاران
 نسبت بی ترتیبی است به حساب از جسد سپاه و پیمانها و اسنادها می با مردم آنها هم دفع اقتصاد می کشور را فاجعه کرده است
 ۳- در بازرگانه خارجی دولت موفق نبوده و به دست در عهد برای بخش خصوصی بسیار کم است دولت بهتر باید نظارت کند
 ۴- امروزه کشور کمی چپ رو و تند هم با نسبتها هژد واقف نشوند و سیاست در کمی با زار تعقیب می نشوند
 و مردم بهترها میدهند ، باید مسئولین نگاه نظر و بحث کرد و به امتنا و مردم را شوقین شوند هرگز برای عادت برای بعضی
 ۵- امروزها نه جنگ بر طرف شد ، باید بیداری صفت دولتی را اندازند است و مردم بهتر به بر داد .
 ۶- تقریرات حکومتی موفق نبوده است و نا راهی زیاد درست کرده ، کار نوعاً بدست بجه کمی فایده و بلعده دارا
 و خود این سیاست بود بسیار از کمبود که و با برابرها شد ، تا بنگارهای مسئولین هژد اعتماد نشوند
 ۷- اطلاعات و سپاه و مکتب که در دولتها پیدا و با وجود که و اعتماد باید در دروس خود تجدید نظر کنند ، ما از با زدگیها
 و تندها و تقریرات و نسبتها و نسبتها نتیجه نمی گیریم ، به علاوه مردم را که سر با نه کشور و انقلابند ما زار افقی میکنیم ،
 و بعضی زیاد می در امر نسبتها و مسئولین و ما مورین طلبها می به جبران نمود ، و الملک یعنی مع الکفر و لا یغنی عن الظلم
 دنیا هم با تبلیغات خود ما را محکوم میکنند در امر و امرینا پس قرار میگیریم ، در با زدگیها و تقریرات باید بقدر ضرورت
 اسس دین تقدیر بر کفر و الحاض و لذت است ، نوره که قرآن با نام رحمن و رحیم شروع میورد و پیغمبر ما رحیم لقمان
 و امر المؤمنین در خطاب با لک شریف ما نند : «در امر بندگان الرحمة للرحمة و المحبة لهم و اللطف بهم ، و لا تكون علیهم
 سبعا مناراً لغنم الکلام فانهم صنفان : اما اولی لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق یفرط منهم الزلل و تعویض
 لهم العلل و یؤثر علی ایدیهم فی العبد و الخلق فاعطاهم من عفو و وصفی و من الذی یحب ان یعطوا من عفو و وصفی .»
 با بد سیره در و س پیغمبر اکرم حق در فتح مکه و جنگ هوازن و سیره امیر المؤمنین ع در فتح بصره برای اللہ و سیرت

تاریخ

۸ چند میلیون ایرانی آواره مادر خارج از کشور داریم که فرضاً صد هزار از آنان سلاخه انقلاب و ضد اسلام باشند نسبتاً نوعاً به تفاوت بلکه بعضاً علاقه مند با اسلام و انقلابند و مانند بکسور گردند و تبلیغات و جوک و بعضی تندها آنان را وحشت زده کرده در بین آنان نگرانی مخصوص و متفکر مورد نیاز کشور زیاد وجود دارد در صورتیکه نفس معبود هر یک از آنان در محیط خارج یک وسیله تبلیغ علیه کشور و حکایت از وجود یک خورس و خوسنت در کشور میکنند، باید یک عفو و گذشت عمومی اعلام شود.

و سلاخه کس بفشارت مادر خارج یا هستی از وزارت خارجه و اطلاعات و سپاه شکر در کنار فشارت مراجعه کند و یک تعهد کتبی بدهد که مقررات کشور و طواهر شرع را رعایت کند و از خوسنت هر هنر کند شود از راننده وارد کشور شود و هیچ ارگانه حق تعریف و بازگویی نسبت به او نداشته باشد و برگزیده هم صلوات و بهر تعداد جنس حلال و مشروع هم مجاز باشد با خود کس بکسور وارد کند و در امور و وسایع هر چه تواند بکسور نماید اگر از آن خود این امر افراد و سرمایه را جذب و بیادین از کسب و کار بر طرف میکند، و برزده سال انقلاب تحول جدیدی خواهد بود.

۹ نسبت به سرمایه گزاران در صنایع و تولیدات و در زیر و دامادان تسویق کمتر میشود و سخت گیری و مقررات دست و پاگیر زیاد است باید کاری کرد که مردم علاقه مند شوند و این امر کند که سرمایه انان محفوظ و سود او را امنیت مادر فعالیتها ایمنه دی خود ایمنی امنیت جان و مال او برود کند احتیاج سرمایه گذاری خارجی نداریم.

۱۰ در سیاست داخلی و خارجی کشور و تصمیم گیرندگان و وزارتخانه های مختلف باید هم آهنگی کامل وجود داشته باشد و سیاست سخنه شده مشورت شده حکم فرما باشد. دولت را باید در مسائل مهم سیاسی بحاج آورد، تصمیمات مهم و ارتباطات و خط مشی که بالا فرود محقق نمی ماند در دوشهای نصیحت آمیز و توری که بالا فرود خاسته نمیشود؛ هر آدمی بداند و آفریند و ما از خود ملت محقق نمائیم اصلاح سیاست همی و در لایحه سیاسی است مبنی بر وحدت و راستی، ملت ما الحکومت را بر عقلی و فکری داد و وفود در آن مصالح و نفع را در نظر میکنند.

۱۱ ادارات و ارگانها و موسسات پرخرج و بکسورانی باید بتدریج اصلاح و در یکدیگر ادغام شوند، و مقررات دست و پاگیر اداری حذف شود و احصا را باید بر صحت و سلامت ملت گذارست نه بر فشار و انحراف آنان.

تاریخ

۱۲ برای تعدد مؤسسات نظامی و انتظامی و صنایع نظامی هر چه زودتر باید فکر را نسی کرد تا در امری یک قدرت متشکل هم آهنگ نظامی و یک نیروی هم آهنگ انتظامی باشیم و گرفتار تضاد و کج خلقیها نگردانیم. و آنچه هست که بقا و وحدت سیاسی و اجتماعی ما در صورت هم آهنگی و نظم این دو قوه است

۱۳ دولت باید در ایجاد کار و مشغلههای واقعی مورد نیاز هر چه بیشتر فعالیت کند، و سرمایه گزاری در امر تولیدات و صنایع را بر سرمایه گزاری در مصارف و تشریفات مقدم بدارد.

اگر احتیاجات و منویح مواد مخدزه و فساداتی اجتماعی در کشور وجود دارد و در زوایا و خفاها معلول بیکارها و نداشتن راه درآمد مشرووح است. ما بجای مبارزه با علل اصلی همی با معلول مبارزه می کنیم.

ولذا موقوف نیستیم مردم نوماً خوبند و با لفظه جان نمیکنند ضرورت آمان را با لفظ دستگیرند.

۱۴ کار که را باید به کار دانایان و شیخ عاقل و متحصصی سپرد و محمول کرد و اگر فرضاً وزیر می یا مسئول یا نظامی احساس کرد کاری برای او سنگین است محض و منطوق و وجدان و دین حکم میکنند کار را با او بسوزد و اگر آزاد کند.

۱۵ اگر در جاهای باشکست مولد بسوزم باید در سینه یا به نینم که چرا با نینم بسوزم و چه عواطفی ما را با نینم سازد و دوباره گرفتار نسوزم نه اینکه فقط با نینم و عذر اقرار کنیم و اظهار ناراحتی کنیم، تغییر عواطف و مسئولین یک امر عاقلانه است خداوند آنست که تقاضای دنیا است در فحاشی کنید خدا را از بد رفتار و گفتار خود بداند و از خدا عقابت نینماید و ان عزم و تقوی با نینم ۶۷/۷/۹



پیوست شماره ۱۱۰: مربوط به صفحه ۵۳۳

یادداشت برای تذکر به نمایندگان خود در دانشگاه‌ها و مسئولین دانشگاه‌ها و اساتید
و دفتر مرکزی نمایندگان

تاریخ ۶۷/۸/۵

- ۱ - تشکر از آقایان نمایندگان و همچنین مسئولین دانشگاه‌ها و اساتید و دفتر مرکزی نمایندگان
- ۲ - فضیلت علم و عالم و ترغیب در علم از جهات مختلفه، و اطلاق نسبت به همه علوم مفیده حتی علوم جدید
- ۳ - سعی در تعلم و بالا بردن سطح علمی دانشگاه‌ها و احترام متقابل استاد و شاگرد
- ۴ - برخورد خوب با دانشجویان و دانشگاهیان و احتراز از تفسیق و تکفیر و انگ زدن و ایجاد وحشت و نفرت در آنان
- ۵ - ملاک همیشه باید فعلیت اشخاص باشد و باید نسبت به گذشته‌ها و خطاها با اغماض برخورد کرد، «کل ابن آدم خطاء فخير الخطائين التوابون».
- ۶ - نمایندگان و اساتید معارف بیشتر حضور داشته باشند و با دانشجویان بیشتر تماس داشته باشند برای رفع شبهات و مشکلات، نه اینکه به صورت استادان حرفه ای در آیند که هدف فقط تدریس در کلاس باشد.
- ۷ - شورای انقلاب فرهنگی اقدام به استخدام رسمی اساتید معارف واجد شرائط بنماید.
- ۸ - روسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها در نصب و عزل اساتید نظر نمایندگان را در امور مربوط به تعهد دینی اساتید جلب نمایند.
- ۹ - برای بالا بردن سطح علمی دانشگاه‌ها از اساتید و فارغ التحصیلان ایرانی خارج دعوت شود و به آنان بها داده شود تا جذب شوند و برای آنان امکانات فراهم گردد، دانشمندان و متخصصین سرمایه‌های با ارزش کشور هستند باید علم را به کشور آورد.
- ۱۰ - بجا است در کنفرانس‌های روساء دانشگاه‌ها و هیات امناء دانشگاه‌ها از

نمایندگان و یا اقلأ دفتر مرکزی دعوت شود.

۱۱ - آزادی بیان و انتقاد سازنده برای بالا بردن کشور و ترقی جامعه ضروری است، جلو جولانات فکری را نگیرید.

سوره فاطر آیه ۲۷ و ۲۸: «الم تر ان الله انزل من السماء ماء فاخرجنا به ثمرات مختلفا الوانها و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف الوانها و غرايب سود- و من الناس والدواب والانعام مختلف الوانه كذلك انما يخشى الله من عباده العلماء ان الله عزيز غفور».

اصول کافی ج ۱ ص ۳۶ معاويه بن وهب قال: سمعت ابا عبدالله(ع) يقول: اطلبوا العلم و تزينوا معه بالحلم و الوقار، و تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم و لا تكونوا علماء جبارين فيذهب باطلكم بحقكم.

اصول کافی ج ۲ ص ۳۸۲ عن زراره قال: دخلت انا و حمران او انا و بكير على ابي جعفر(ع) قال: قلت له: انا نمد المطمار، قال: و ما المطمار؟ قلت: التمر، فمن وافقنا من علوی او غيره توليناه و من خالفنا من علوی او غيره برئنا منه. فقال لى: يا زراره قول الله اصدق من قولك فاين الذين قال الله عز و جل «الا المستضعفين من الرجال و النساء و الولدان لا يستطيعون حيلة و لا يهتدون سبيلا»؟ اين المرجون لامرالله؟ اين الذين خلطوا عملا صالحا و آخر سيئا؟ اين اصحاب الاعراف؟ اين المؤلفه قلوبهم؟ و زاد حماد فى الحديث فارتفع صوت ابي جعفر(ع) و صوتى حتى كان يسمعه من على باب الدار.

اصول کافی ج ۲ ص ۴۵ عبدالعزیز القراطیسی قال: قال لى ابو عبدالله(ع) يا عبدالعزیز ان الايمان عشر درجات بمنزلة السلم يصعد منه مرقاة بعد مرقاة فلايقولن صاحب الاثنین لصاحب الواحد: لست على شى حتى ينتهى الى العاشر، فلاتسقط من هو دونك فيسقطك من هو فوقك و اذا رايت من هو اسفل منك بدرجة فارفعه اليك برفق و لاتحملن عليه ما لايطيق فتكسره فان من كسر مومنا فعليه جبره.

ح - ع - م

- ۱- اشکراز آمان نایندگان و همچنین مستولین دانشکاهها و اساتید و دفتر مرکزی نایندگان تاریخ ۶۷/۸/۲۵
- ۲- فضیلت علم و عالم و رعینب در علم از جهات مختلفه و اطلاق نسبت به علم غیبه حق علوم جدید
- ۳- سبب در تقیم و بالابردن سطح علمی دانشکاهها و اقدام متعاقبات و دست‌گرد
- ۴- بر فرورد حزب باد انجوبیان و دانشکاهیان و بعد از از تعین و تکفیر و انگ زدن و یکجا و جهت و نفع در آنا
- ۵- ملاک همیشه باید فعلیت رسمی هر باشد و باید نسبت گذشته که فقط با باغها بر فرورد کرد کل این آدم خطا
- ۶- فخر الحظایین الترابون
نایندگان و اساتید معارف بیشتر حضور داشته باشند و با دانشجویمان بیشتر ماسر داشته باشند بر این نفعیهات و مشکلات
نه اینکه بصورت استخوان حرفه در آید که هر ف فقط در این در کلاس باشد
- ۷- سؤالی انقلاب فرهنگی اقدام در آید ام رسمی اساتید معارف و بعد از این بنا شد
- ۸- سؤالی در دانشکاهها و دانشگاه که در نصب و عزل اساتید نظر نایندگان را در امر مربوط به همه دینی اساتید حلیت نایندگان
- ۹- برای بالابردن سطح علمی دانشکاهها از اساتید و فارغ التحصیلان از این خارج دعوت شود و با نایندگان داده شود تا به نایندگان
- ۱۰- برای آنان امکانات فراهم گردد دانشمندان و متخصصین سرانجام کمی بازرسی شود اساتید با علم را بگو و آورد
- ۱۱- بجا است در گفتوگوهای رؤسای دانشکاهها و هیئت انصاف دانشکاهها از نایندگان و با اولاد دفتر مرکزی دعوت شود
- ۱۲- آزادی بیان و انتقاد سازنده برای بالابردن کسور و تره جماعه ضروری است جلوه جلالهات فکری را تیرید

سوره طایبه ۲۷ و ۲۸: «الم تر انزلنا من السماء ماء فاحینا به ثمراث مختلفا الوانها ومن الجبال جرد بقیض و حجر مختلف الوانها و غرابیب سود - ذین الغالب والدواب والالغام مختلف الوانه کذلک انما نحیی الهم من عباده العالوان الهم غیر منطوقه .
 اصول کانه ۳۱ ص ۳۳ معاویه بن وهب قال: سمعت ابابعد السرح یقول: اطلبوا العلم و تریبوا مع به بالحلم والوقار ، و تواضعوا لمن تعلموا به العلم و تراضعوا لمن طلبتم منه العلم و لا تکرهوا علما و جمعا من فیه هب باطلکم بحکمکم .
 اصول کانه ۲ ص ۲۸۲ عن زراره قال: دخلت انا وجران اوانا و بکر عی: یحیی عی: قال: قلت له: انما المظار قال: واما المظار؟ قلت: الرث، فمن واقعا من علوی او غیره تلیناه و من جالغنا من علوی او غیره بر صاعه . فقال له: ما زراره
 قول الهم اهدق من قولک فاین الزین قال الهم عز و جل الالمستضعفین من الرجال والنساء و اولاد ان لا یستضعفون حدکم
 و لا یتدبون سبیلا؟ این الهمون لا عراه؟ این الذین خلطوا عللا صالحا وافرینا؟ این الهماب الاعراف؟ این المولکة تلکم
 و نراد هماد فی الحدیث فان نفع صوت الهمی عی و صولا حتی کان یسمع من علی باب الدار
 اصول کانه ۲ ص ۲۸۲ عن عبد الوهیب قال: قال ابو عبد الله ع ما عبد الفریزان الا ان یمن عدها بمنزلة الهم تصعد منه فرقاة بعد فرقاة
 فلا یقرن صاحب الایمن لصاحب الولهف: کت عیاشی عی منی الی انما کثر فلا یقرن من یهود و کثر فیه قطک من یهود و کثر و اذ ارایت من
 یواسف لک بدرجه فارفع الیک برقی و لا یجئ علیک الا لیطیق فیکره فان من کثر منک ما ضلیب جبره ۲ ع م

پیوست شماره ۱۱۲: مربوط به صفحه ۵۴۳

مکتوب معظم له مبنی بر ضرورت هماهنگی نمایندگان ایشان در دانشگاه‌ها با
نمایندگان جهاد دانشگاهی و اتحادیه انجمن‌های اسلامی

تاریخ ۶۶/۱۱/۱۱ شماره ۳۸۶/م.گ

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی منتظری مدظله العالی

با ابلاغ سلام و تحیات وافره، پیرو اطلاعیه ای که در روزنامه‌ها در مورد آقایان دکتر معین و مهندس وحید احمدی منعکس گردیده است معروض می‌دارد همان طور که نظر مبارک آن حضرت در حکم صادر جهت شورای مرکزی نمایندگان است، شورای مرکزی طبق نظر مطاع آمادگی دارد با انجمن‌های اسلامی و جهاد دانشگاهی و نمایندگان دانشجویان ارتباط مستقیم برقرار نماید، و چنانکه در پاسخ انجمن‌های اسلامی مرقوم فرموده اید نظریات و پیشنهادهای آقایان نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانشجویان و جهاد دانشگاهی را به عنوان رابط مورد توجه قرار دهد و در این رابطه مجدداً نظر مبارکتان را استعلام می‌نماید. طول عمر و دوام عزت روزافزون آن ولی فقیه و قائم مقام رهبری را مسئلت دارد.

از طرف شورای مرکزی نمایندگان حضرت آیت الله العظمی منتظری در دانشگاه‌ها

۶۶/۱۱/۱۱ - محمد محمدی گیلانی

باسمه تعالی

پس از سلام و تحیت، همان طور که قبلاً صحبت شد جهاد دانشگاهی و اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دو ارگان فعال در دانشگاه‌ها می‌باشند و اغلب اعضای آن‌ها بچه‌های مومن و علاقه مند به انقلاب و مذهب هستند و در اثر تماس مستقیم و دائم با اساتید و دانشجویان به روحیه آنان آشنا می‌باشند، لذا لازم است شورای مرکزی نمایندگان همان طور که مرقوم فرموده اید با نمایندگان آنان ارتباط مستقیم برقرار نماید و نظریات و پیشنهادهای آنان را مورد توجه قرار دهد و حتی المقدور نظر آنان را تأمین نماید، ولی بالاخره شناخت آقایان محترم اعضای شورا نسبت به روحیات و درجات علمی علما و اساتید معارف اسلامی بیشتر است بالتلیجه تصمیم نهایی مربوط به حضرات اعضای شورا می‌باشد، و از آقایان نمایندگان جهاد و اتحادیه هم انتظار می‌رود کاملاً هماهنگ باشند زیرا غرض و هدفی جز خدمت به اسلام و انقلاب و علم در کار نیست. قال الله تعالی: «و شاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله».

۶۶/۱۱/۱۳ - حسینعلی منتظری



جمهوری اسلامی ایران

دفتر مرکزی نمایندگان حضرت
آیت الله العظمی منتظری در دانشگاه

بسم تعالی

تاریخ ۱۱/۱۱/۹۶
شماره ۲۸۸/۲
پیوست

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت مبارک حضرت آية الله العظمی منتظری مظلّم العالی

با بلوغ سلام و تحیات و افزونه بیرون آطلاعیه ای که از روزنامه «در مورد آقایان کریمین و منیرین»
منتسکس گردیده است. معروف می‌دارد به‌طوریکه نظر مبارک حضرت وحکم صادر جهت شورای مرکزی نمایندگان
شورای مرکزی طبق نظر مطاع آمادگی دارد با اجتماعهای اسلامی و جهاد دانشگاهی و نمایندگان دانشجویان
ارتباط مستقیم برقرار نماید و چنانکه در پاسخ اجتماعهای اسلامی مرفوع فرموده اید نظریات و پیشنهاد های
آقایان نمایندگان اجتماعهای اسلامی دانشجویان و جهاد دانشگاهی را بعنوان رابط مورد توجه قرار داده و در
رابطه مجدد آن نظر مبارک آن استلهم ینما ید طول عمر و دوام عزت و کرامت آن در لایحه و تقاضای مقام برت

از طرف شورای مرکزی نمایندگان
حضرت آیت الله العظمی منتظری در
دانشگاهها
۹۶/۱۱/۱۱
مهر ماه



بسم الله
این از سلام و تحیات
با انظار و افزونه
و اگر این اجتماعهای اسلامی را
در این اجتماعها می‌تواند و از طریق
الغالب و در حدیث است و در این
بر وجهی از آن شما می‌باشند و از این
فرموده اید این اجتماعها را از این
نور در وجهی از آن شما می‌باشند و از این
الطمانه و در این اجتماعها را از این
السلام و تحیات و افزونه
بسم الله
۹۶/۱۱/۱۱
مهر ماه



پیوست شماره ۱۱۳: مربوط به صفحه ۵۴۳

مکتوب معظم له مبنی بر استفسار نمایندگان ایشان در دانشگاه‌ها از دفتر حضرت امام

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات حجج اسلام والمسلمین آقایان محمدی گیلانی، جنتی، محفوظی، اعضای محترم دفتر مرکزی نمایندگان اینجانب در دانشگاه‌ها دامت افاضاتهم پس از سلام و تشکر از زحمات و خدمات ارزنده شما آقایان محترم و نمایندگان به عرض می‌رساند: چون تعیین نمایندگان روحانی برای دانشگاه‌ها بر حسب مصوبه ستاد انقلاب فرهنگی منصوب از طرف حضرت امام مدظله بود که ظاهراً به تصویب شورای انقلاب فرهنگی نیز رسیده است لازم است دفتر مرکزی از بیت حضرت امام استفسار کند و نظر معظم له را جویا شوند. اگر ایشان صلاح دانستند کار دفتر مرکزی و نمایندگان را تایید فرمایند که زیر نظر بیت معظم له به کار خود ادامه دهند؛ و اگر صلاح نمی‌دانند انحلال آن را اعلام فرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱۳۶۸/۱/۱۴ - حسینعلی منتظری

بسمه تعالی

تاریخ

شماره

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات صحیح اسلام و المسلمین آقایان محمدی گیلانی، جنس، محفوظی اعضاء محترم
دفتر مرکزی نمایندگان این جانب در دانشکاهها دامت افاضات.

پس از سلام و تشکر از زحمات و خدمات ارزنده شما آقایان محترم و نمایندگان

بعضی می‌رساند چون تعیین نمایندگان روحاً برای دانشکاهها بر حسب مصوبه

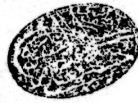
شماره انقلاب فرهنگی منصوب از طرف حضرت امام مظلوم بود که ظاهراً بتصویب

شورای انقلاب فرهنگی نیز رسیده است لازم است دفتر مرکزی از بیت حضرت امام

استفسار کند و نظر معظم له را جویا شوند اگر این صلاح دانستند کار دفتر مرکزی

و نمایندگان را تأیید فرمایند که زیر نظر بیت معظم له بکار خود ادامه دهند.

و اگر صلاح نمی‌دانند انحلال آن را اعلام فرمایند والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.



محمد علی
۱۳۶۸/۱/۱۴

پیوست شماره ۱۱۴: مربوط به صفحه ۵۴۴
تعیین نماینده برای انجمن اسلامی معلمان سراسر کشور

تاریخ ۶۴/۶/۲۵

بسمه تعالی

جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ جعفر سعیدیان دامت افاضاته
پیرو درخواست شورای مرکزی انجمن اسلامی معلمان سراسر کشور دامت توفیقاتهم
مبنی بر تعیین نماینده ای از طرف اینجانب، همان گونه که در اساسنامه انجمن معلمان قید
شده است مقتضی است جنابعالی که التزام و تعهدتان در اسلام محرز می باشد مسئولیت
شرکت در انجمن مذکور را به نمایندگی اینجانب بپذیرید، و سعی نمایید با همت و
مشورت با اعضاء محترم انجمن اهداف دینی و انقلابی موسسین بزرگوار همچون شهداء
عزیز مرحومین رجایی و باهنر طاب ثراهما را به نحو احسن پیاده نمایید، و ترتیبی داده
شود که معلمان سراسر کشور ایده‌م الله تعالی این قشر فداکار و خدمتگزار بیش از پیش
منسجم گردند، و در زمینه رشد فکری و فرهنگی خودشان و خدمت به جوانان عزیز
دانش آموز موفق باشند و بتوانند نیازهای آینده اسلام و انقلاب را مرتفع نمایند.
از خدای بزرگ توفیق همه خدمتگزاران به اسلام و مسلمین را مسئلت می نمایم. والسلام
علیکم و علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله و برکاته.

حسینعلی منتظری

بسمه تعالی -

تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۵۸

شماره

جناب حجه الاسلام آقای حاج شیخ جعفر سعیدیان مدتی از شما

پیرو در عهد است شورای مرکزی انجمن اسلامی معلمان سراسر کشور را که تحت توفیق الهی
 بنی بر لیسان نامند از طرف اینجانب بهمان گونه که در اسامی به انجمن معلمان سراسر کشور
 متفقین است چنانچه که التزام و تعهدتان در اعلام و اطلاع سراسر محرومی بهر مسوولیت شرکت
 در انجمن مذکور را به نیت بزرگ این جانب پذیرد و سعی نماید با حمت و وسوسه با ایشان در فکر
 اهداف دینی و انقلابی خود سعادت بزرگوار هم چون که در امر عزیز مرعوفین زحمت و دانه
 طاب سراه را بنویسند بیایده نمایند و ترغیب داده شود که معلمان سراسر کشور و
 این قشر فدای کار و خند و تندرستی از پیش چشم بگردند و روز عید رسد تکریم و احترام خود
 و خدمت بپروانان عزیز دانش آموز موفق باشند و بتوانند نیازهای آن عزیزان را
 و انتظارات را برتفع نمایند - از خدای بزرگ تو خشنم چه قدر متذکران به اعلام و اطلاع
 تسلیت عرضیم - در اعلام علیکم و علی اهل بیتهم و علی ائمه اطهار و علی سادات



پیوست شماره ۱۱۵: مربوط به صفحه ۵۴۵

نامه برخی از علما و روحانیون و گروه‌های اسلامی افغانستان به معظم له و پاسخ ایشان در جهت تحکیم وحدت بین نیروهای مسلمان و مبارز افغانستان،

مورخه ۱۳۶۵/۲/۳

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک فقیه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی منتظری دامت برکاته

با سلام و احترام

نظر به اینکه با ابتکار حضرتعالی موج خونریزی و درگیری‌های گروهی در مناطق شیعه نشین افغانستان مهار گشته است، اکنون به منظور تحکیم صلح و آتش بس در مناطق مزبور مستدعی است ضمن اعلام حکم شرعی نسبت به زد و خورد‌های گروهی و جنگ‌های داخلی آن سامان تکلیف علماء و روحانیون و احزاب را تعیین فرمایید.

طول عمر مقام معظم رهبری انقلاب حضرت امام خمینی و سرکار عالی و پیروزی رزمندگان اسلام در ایران و افغانستان و... را از خداوند متعال خواستاریم.

پاسداران جهاد اسلامی افغانستان، نهضت اسلامی افغانستان، جبهه متحده انقلاب اسلامی افغانستان، حرکت اسلامی افغانستان، سازمان نیروی اسلامی افغانستان، دعوت اسلامی افغانستان، حزب الله افغانستان، جنبش اسلامی مستضعفین افغانستان.

سید غلامحسین موسوی، سید عبدالخالق علوی، سید ابوالحسن فاضل، سید میرهادی سجادی مزاری، علی جبرئیلی هروی، غلام سخی مصباح، صالحی.

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات علماء اعلام و فضلاء کرام و برادران مسلمان افغانی دامت توفیقاتکم بحق محمد و آله و خذل الله عدوکم و عدو الاسلام والمسلمین بنصره و عزه در این شرایط حساس که استعمارگران شرق و غرب علیه اسلام و نهضت جهانی مسلمین متحد شده اند و نسبت به کشور مسلمان افغانستان درصدد توطئه جدید و معامله سیاسی می باشند، بر همه گروه‌ها و احزاب و سازمان‌های اسلامی افغانستان واجب و لازم است که از اختلاف گروهی و درگیری‌های داخلی بپرهیزند و آتش بس هیئت اعزامی را محترم شمارند و از هر حرکتی که منجر به درگیری و خونریزی مجدد بین مسلمین می گردد خود داری نمایند و هر فرد یا گروهی که عالماً عامداً به وحدت کلمه اسلامی و آتش بس فعلی بی‌اعتنایی کند معرفی نمایند تا تکلیف شرعی ملت مسلمان افغانستان و مسئولان مربوطه نسبت به آنان تعیین گردد.

حضرات علماء و فضلاء و برادران مسلمان اعم از شیعه و سنی به حساسیت مقطع فعلی کشورشان توجه دارند. اگر در این مرحله که استعمارگران مشغول معامله سیاسی روی کشور شما می باشند گرفتار مسامحه و کوتاهی و تنگ نظری و انحصارطلبی شوید، برای همیشه توسط دشمنان اسلام، اسلام و مسلمین در افغانستان شکست خورده و از صحنه خارج می شوند. باید همه احزاب و گروه‌ها به دور از گرایش‌های خاص گروهی و فرقه ای و مذهبی بر حول محور اسلام و قرآن یک شکل سیاسی از افراد متدین متعهد عاقل بوجود آورند و نگذارند ملت مسلمان و مظلوم افغانستان گرفتار توطئه استعمارگران و بازیگران سیاسی شوند و خون‌های پاک شهیدان به هدر رود و تاریخ و نسل آینده شما را محکوم نمایند و نزد خداوند قهار و اولیاء خدا شرمسار باشید. از خدای بزرگ نصرت و عظمت اسلام و مسلمین و شکست نقشه‌های استعمارگران را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۲۴ شعبان ۱۴۰۶ - حسینعلی منتظری

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک فقیه عالیقدر حضرت آیه الله العظمی منتظری دامت برکاته

با سلام و احترام .

نظر باینکه با ابتکار حضرتعالی مع خونریزی و درگیریهای گروهی در مناطق شیعہ نشین افغانستان مهار گشته است ، اکنون بمنظور تحکیم صلح و اتش‌بس در مناطق مزبور مستدعی - است ضمن اعلام حکم شرعی نسبت به زد و خورد های گروهی و جنگ های داخلی انسانان - تکلیف علما و روحانیون و احزاب را تعیین فرمائید .

طول عمر مقام رهبری انقلاب حضرت امام خمینی و سرکار عالی و پیروزی رزمندگان -

اسلام در ایران و افغانستان و را از خداوند متعال خواستاریم .



جبهه متحده انقلاب اسلامی افغانستان

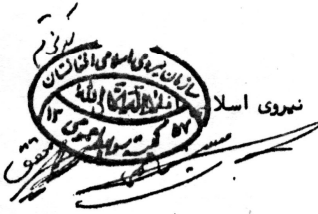


جمهوری اسلامی افغانستان



پاسد اران جبهه اسلامی

تبریز خلیجی



نیروی اسلام



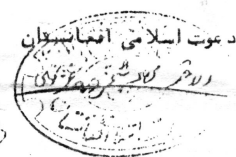
حرکت اسلامی



جبهه اسلام



جبهه اسلام



دعوت اسلامی افغانستان

سید ابوالحسن خاشی

سید محمد باقر خاشی

سید محمد حسن خاشی

عبدالمجیب مصباح

علی حیدری

سید محمد باقر خاشی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حضرات علماء اسلام و فضلاء کرام و برادران مسلمانان افغان در مدت ترفیقا تم کجی محمد صالح و فضل الله عمده و عدو اسلام و اللین مغیره و غیره در این شرایط است که استعمارگران شرق و غرب علیه اسلام و اخلافت جهان مسلمین متحد شده و نسبت به مسلمانان افغانستان در صدد توطئه جدید و معامله سیاسی می‌باشند بر همه گروهها و افراد و از اجزای اسلامی افغانستان و لعل و لاله است که از اختلافات گروهی و دیدگاههای داخلی بپرهیزند و آتش بی حسنهت اغوا می‌را محترم می‌رند و از هر عملی که بجز تبه‌دگریری و غرض‌نوی مجده یعنی مسلمانان می‌گذرد خودداری نمایند و هر فرد یا گروهی که عمالاً عاصد ابو عدوت علیه السلامی و آتش بی حسنهت با اعتماد کند مرتبه تا تکلیف شرعی ملت مسلمانان افغانستان و مسکولان بر او مله نسبت با آنان تعیین گردد .

حضرات علماء و فضلاء و برادران مسلمانان اعلیٰ از شعور و بصیرت بجی مسیبت تقطیع فضا گزیدگان توجه دارند اگر در این عرصه که استعمارگران مسکول عالم سیاسی روی گزیده می‌باشند قضا گزیده و کوی تا هیچ و متذکر نظری و انحصار طلبی شود برای هر مسلمانی توسط دشمنان اسلام و مسلمانی در افغانستان شکست خورده و از هر کس خنای می‌شوند باید همه اجزای و گروهها بدور از گرایشهای فاضلی گروهی و فرقه‌ای و مذهبی بر همه اصول محور اسلام و قرآن یکدگر شکل سیاسی از افراد مسکولی متعهد و ماعقل بر خود آورند و ننگه‌اند ملت مسلمان و مظلوم افغانستان گرفتار توطئه استعمارگران و باغیگران سیاسی بشوند و عوینهای پاک شهیدان بهبود رود و تاریخ دژل آینه عجم را محکوم نامند و نرد خداوند قهار و دادگیار خدا شرمسار بشوند از خند این بزرگ نصرت و عظمت اسلام و مسلمانی و مشورت نشسته همی استعمارگران را خوار سازد و السلام علیهم

در عقیده ام و بر گانه ۲۴ شعبان ۱۳۰۶



پیوست شماره ۱۱۶: مربوط به صفحه ۵۴۵

نامه معظم له به آقای خامنه ای در مورد تلاش برای ایجاد وحدت در بین گروه‌های مبارز شیعه افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمين آقای حاج سيد علي خامنه ای رئيس جمهور محترم ايران دامت افاضاته

پس از سلام و تحیت، جنابعالی توجه دارید که گروه‌های شیعه افغانستان به جای جنگ با حکومت مارکسیستی و قوای اشغالگر روس به برادرکشی اشتغال داشتند، و در اثر اعزام یک هیئت به سرپرستی جناب حجة الاسلام آقای جواهری با چه مشقاتی به جنگ‌های داخلی خاتمه داده شد، و در آن وقت رادیو مسکو و کابل تبلیغات زیادی علیه هیئت انجام دادند، و من چقدر وقت و نیرو مصرف کردم تا گروه‌های شیعه را به یکدیگر نزدیک کردم و بین آنان پیمان وحدتی منعقد شد که همه امضاء کردند ولی متاسفانه گروه نصر به اتکاء بچه‌های وزارت خارجه به بهانه‌های واهی از امضای پیمان سرپیچی کردند و مثل اینکه حکومت آینده افغانستان را منحصر در تیول خود می دانستند. اینک که زمزمه تشکیل دولت موقت و دولت در تبعید از طرف گروه‌های متحده هفت گانه اهل سنت شنیده می شود اگر همه گروه‌های شیعه مذهب هم آهنگ و متحد نشوند که یک گروه قوی و نیرومندی را تشکیل دهند مسلماً کلاه آنان در معاملات سیاسی در پس معرکه خواهد بود و آنان را سهمی در حکومت آینده نخواهد بود.

و بالاخره آقای شیخ آصف محسنی هرچند مورد اشکال باشد از رهبران سنی مذهب و بعضاً متمایل به وهابیت که بدتر نیست و کاربرد گروه‌های افغانی مخصوصاً پس از اتحاد مسلماً از مجلس اعلای عراق بیشتر است و ارزش صرف وقت را دارد. بنابراین بجای آنکه لازم است جنابعالی به هر نحو شده علماء و روسای گروه‌های شیعه را هرچه زودتر دعوت کنید و بین آنان یک وحدت و

انسجام اساسی ایجاد فرمایید. من که فعلا به برکت وزارت محترم اطلاعات شما حتی زندگی خانوادگی من درهم و برهم شده و حال و فکری برایم نمانده ولی جنابعالی که در مقام ریاست جمهوری کشور انقلابی ایران قرار گرفته اید و بحمدالله از نطق و بیان رسا و بینش سیاسی بهره مند می باشید لازم است درانجام این خدمت مهم هرچه سریعتر اقدام فرمایید. شکرالله سعیکم، و لازم نیست در رسانه‌ها گفته شود تا اشکال سیاسی برای شما داشته باشد.

۶۵/۱۰/۲۹ - حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِالسَّعْيِ

جناب مستطاب حججه الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا علی قاضی خانی صاحب مدینه ای دینش محمود محترم ایران در است افاضه
بی از سلام و کتبت جنابنا آید که در اینده که گروههای شیعه افغانستان بجای جنگ با حکومت مارکسیستی و قوای
افغانی که برادرش استقلال داشتند، و در امر اعلام یک هیئت سه پیرای شیعه حججه الاسلام آقایان جوهری باقی
بجنگهای داخلی ختم داده شد؛ و هر چه قدر وقت و نیرو صرف کردم تا گروههای شیعه را یکدیگر نزدیک کردم
و بی آنکه میان آنها منعقد شود که همه آنها گردند و آنها را گروه نصر بنیامین بجای کسی وزارت فراهم بیاورد
و اهل از آنها بیامان سرپیچی کردند و مثل اینکه حکومت آئینه افغانستان را انقضای در سون فردید آید
اینکه که زخمه تشکیل دولت نویت و دولت در تبعید از طرف گروههای شیعه هفت گانه ابرار نشین شدند
اگر هم گروههای شیعه مذهب هم آنها را متحد نشوند که یک گروه قوی و نیرومندی را تشکیل دهند مسلماً کلاه
در معاملات سیاسی در این معرکه قرار ببرد و آنان را راهی در حکومت آئینه نخواهد بود.

فهرست کارنامه
طی در دوران دست اندازی و باقی ماندن در این

و بلا فوه آقای شیخ آصف محسنی هر چند مورد اشغال باشد از هر دو طرف از منی مذهب و بعضاً آنها را بر یوهای است که در
و کار در گروههای افغانی مخصوصاً لیب از اتحاد مسلمانان و مجلس اعلیای عراق بیشتر است و از طرف وقت را دارد
بنابر این بجای بلکه لازم است جنابنا بهر خود مشوره علماء و رؤسا و گروههای شیعه را هر چه زودتر دعوت کرد و بی آن
بد و عدت دانشگاه آسین ای دی فزاید، هر که فعلاً بیست وزارت محترم اطلاعات می آید حتی زندگی خانواده از
در هم و بر هم شده و حال و فکر برای ما من و لا جنابنا که در مقام ریاست جمهوری کشور اقوال ایران قرار گرفته آید
و بحمد الله از نطق و بیان رسا و بینش سیاسی بهره مند می بایند لازم است در انجام این حکومت تمام هر چه

در این معرکه قرار ببرد و آنان را راهی در حکومت آئینه نخواهد بود.

سر قضاة اوقام فرمایند که در این معرکه
۱۳۶۹ ر ۵/۱۰
سید علی



پیوست شماره ۱۱۷: مربوط به صفحات ۵۵۰ و ۷۸۶

پاسخ معظم له به سؤال جمعی از اساتید دانشگاه در مورد حکم شرعی تشکیل احزاب مستقل و عضویت در آن.

و له الحمد

محضر مبارک حضرت استاد آیت الله العظمی منتظری

با سلام و دعای خیر

با توجه به لزوم تطبیق نظام جمهوری اسلامی ایران با موازین شرع از یکسو و القائات برخی از افراد و جریانات در باب وارداتی بودن رقابت حزبی و غربی بودن تحزب، متمنی است حکم شرعی تشکیل احزاب مستقل از دولت و عضویت در آن را مرقوم فرمایید. همچنین منع از آن چه حکمی دارد؟

جمعی از اساتید دانشگاه

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از سلام و تحیت، خداوند خالق قادر حکیم در آیه ۷۱ سوره توبه: «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» فریضه امر به معروف و نهی از منکر را صریحاً به عهده همه مومنین و مومنات قرار داده؛ و چون امر و نهی دیگران یک نحو دخالت در کار دیگران است، خداوند به عنوان مقدمه این فریضه الهی همه افراد را نسبت به یکدیگر ولی و صاحب اختیار قرار داده -ولایت مقول به تشکیک و دارای مراتب می باشد، یک مرتبه آن عمومی است ولی در شعاع انجام این فریضه الهی - و وجوب این فریضه وجوب تعدی فردی فقط نیست، بلکه هدف بسط معروف است در جامعه، و جلوگیری از هر منکر و عدوان و ظلمی که ممکن است اتفاق افتد. در خبر جابر از امام پنجم(ع) نقل شده: «ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصالحین، فریضة عظيمة بها تقام الفرائض و تامن المذاهب و تحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و یتنصف من الاعداء و یتستقیم الامر» (وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۹۵) و پر واضح است که مترتب شدن این همه آثار و برکات بر این واجب خدایی میسر نیست مگر با تحصیل قدرت وسیع و نیروی مجهز و فعال؛ و در

ضمن حدیث مفصل از پیامبر اکرم (ص) نقل شده: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة». (صحیح بخاری ۱/۱۶۰ کتاب الجمعة)

پس افراد جامعه حق ندارند نسبت به آنچه در جامعه می گذرد بی تفاوت باشند. و حتی در برابر قدرتمندان ستمگر نیز سکوت جامعه روا نیست. حضرت سید الشهداء (ع) - در مسیر کربلا برای تبیین جهت قیام خود- از رسول خدا (ص) نقل فرمودند: «من رای سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله ناکثا لعهد الله مخالفا لسنة رسول الله (ص) یعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان فلم یغیر علیه بفعل ولا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله». (تاریخ طبری چاپ لیدن ۳۰۰/۷)

و در کلمات قصار نهج البلاغه (۳۷۴) - در ضمن کلام مفصلی راجع به امر به معروف و نهی از منکر- می فرماید: «و ما اعمال البر کلها والجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف والنهی عن المنکر الا کنفثة فی بحر لجی، و ان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر لایقربان من اجل و لاینقصان من رزق، و افضل من ذلک کله کلمه عدل عند امام جائر»؛ با اینکه جهاد فریضه بسیار مهم و با مشقتی است و آثار و برکات کارهای نیک بسیار زیاد می باشد، ولی چون جهاد امری موقت و مقطعی است -به علاوه یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر می باشد- و ادامه کارهای نیک نیز وابسته به انجام امر به معروف و نهی از منکر است، لذا این فریضه را که امری دائمی و همیشگی است از همه آنها مهمتر شمرده اند، به گونه ای که نسبت آنها را در مقایسه با این فریضه الهی نسبت آب دهانی در برابر دریای عمیق به حساب آورده اند.

و بالاخره امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر وجوب فردی و مقطعی در موارد جزئی، نسبت به ساختار جامعه دینی و اخلاقی نیز واجب موکد است؛ و این امر میسر نیست مگر با تشکل و تحزب افراد مومن و آگاه و صالح و همبستگی آنان و تهیه مقدمات و وسائل لازمه هماهنگ با شرایط زمان و مکان؛ و به حکم عقل تحصیل مقدمه واجب، واجب است؛ خواه مسئولین بالای حکومت صالح باشند یا ناصالح، اگر صالح باشند احزاب متدین و قوی و علاقه مند نیروی فعال و مردمی آنان خواهند بود، و اگر غیر صالح باشند احزاب در مقابل انحرافات و تعدیات آنان می ایستند؛ و حتی اگر در راس حکومت مانند پیامبر خدا (ص) یا امیرالمومنین (ع) باشد باز همه جامعه و مسئولین، صالح نمی باشند و طبعا نیاز به نیروی متشکل متدین فعال وجود دارد؛ و در

صدر اسلام نیز تا اندازه‌ای تشکل‌ها و همبستگی عشیره‌ای و قبیله‌ای عربها یک نحو تحزب محسوب می‌شد؛ و اگر افراد خوب و صالح متشکل نشوند طبعاً صحنه اجتماع برای تسلط نیروهای فاسد و ناصالح خالی می‌شود و جامعه به فساد کشیده می‌شود.

امیرالمومنین (ع) - پس از ضربت خوردن - در وصیت خود می‌فرماید: «لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یستجاب لکم» (نهج البلاغه، نامه ۶۷) یعنی امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید وگرنه طبعاً بدان شما بر شما مسلط می‌شوند، و هرچند هم دعا کنید مستجاب نخواهد شد - زیرا که مقصر خود شما هستید -.

و در خطبه ۲۵ - در اشاره به نیروهای معاویه - می‌فرماید: «و انی والله لاظن ان هولاء القوم سیدالون منکم باجماعهم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم» می‌خواهند بفرمایند که در حقیقت علت و ملاک تسلط و قدرت، اجتماع و همبستگی است؛ پس اگر اهل حق هم بخواهند حق را در جامعه پیاده کنند باید تجمع کنند، وگرنه پیروزی و دولت از آن باطل خواهد بود.

البته تحزب باید بر اساس ایدئولوژی اسلامی و طرح‌های پخته و عاقلانه، و با شرکت افراد علاقه‌مند و آگاه و دلسوز، و اهداف دینی و مردمی باشد؛ و باید به کیفیت افراد توجه کرد نه به کمیت، عضوگیری افراد زیاد کاری است پرهزینه و کم‌خاصیت؛ و چون امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی می‌باشند نه عینی، همین که افراد متخصص عاقل متدین و پرکار به اندازه کفایت و نیاز اقدام کردند طبعاً از عهده دیگران ساقط می‌شود، و آنان متصدی کارهای دیگر می‌شوند.

تعدد احزاب هم خوب بلکه لازم است، زیرا با رقابتهای عاقلانه و منطقی و تضارب افکار مختلف طرح‌ها پخته‌تر و ملت نیز دلگرم‌تر و فعال‌تر می‌شوند.

و بر همه مسئولین متعهد و آگاه کشور است که راه را برای تشکل و تحزبهای صحیح بازگذارند بلکه تشویق نمایند، که این خود موجب تقویت مسئولین در رسیدن به اهداف خدایی آنان می‌باشد، و جلوگیری از آن و سلب آزادیهای مشروع از افراد - علاوه بر اینکه گناه و تجاوز به حقوق طبیعی مردم می‌باشد - موجب دلسردی و بی‌تفاوتی آنان و جدایی ملت از دولت و مسئولین می‌گردد، و دولتی که متکی به قلوب ملت خود نباشد قهراً در روابط بین الملل مورد فشار قرار می‌گیرد.

و کلمه حزب واژه غربی وارداتی نیست بلکه کلمه اسلامی و قرآنی است: «فان حزب الله هم الغالبون» (مائده ۵۶) «الا ان حزب الله هم المفلحون» (مجادله ۲۲) و چه قدر هماهنگ است این آیه با آیه ۱۰۴ سوره آل عمران: «و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون» و حزب الله واقعی و قتی تحقق می یابد که افرادی با فکر و ایده صحیح و برنامه جامع مناسب با شرایط زمان و مکان و مطابق با دین و عقل و منطق هماهنگ شوند و به تدریج رشد پیدا کنند، نه اینکه با تحریکاتی آنی و خلق الساعه جمع شوند و پس از ساعتی هياهو و شعار غیب شوند.

و احزاب خوب و قوی و ریشه دار می توانند انتخابات عمومی کشور را در مراحل مختلف به نفع ملت و کشور و اسلام انسجام دهند و دولت خوب و متعهد و مقتدر روی کار آورند، و در هر حال رابط بین مسئولین و دولت و ملت باشند و جلوی تعديات و انحرافات و استبدادها را بگیرند. و قهراً ملت نیز گرفتار احزاب و گروه های خلق الساعه که طبعاً پیش از هر انتخابات می رویند نگردد.

و بالاخره خاطره سوء مردم از بعض احزاب که در اثر سوء مدیریت ها و جهات دیگر نتوانسته اند خدمت شایانی انجام دهند، نباید مانع شود از انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به معنای وسیعی که گفته شد.

ضمناً بجاست برای آگاهی بیشتر از مسائل امر به معروف و نهی از منکر و درجات و مراتب و شرایط آن به کتاب های مفصل و از جمله به کتاب ولایت فقیه اینجانب (ج ۲ ص ۲۱۳) و ترجمه آن به نام مبانی فقهی حکومت اسلامی (ج ۳ ص ۳۳۵) مراجعه شود؛ و چون نامه گنجایش شرح بیشتر و ترجمه آیات و احادیث عربی را نداشت از برادران واقف به زبان عربی انتظار دارد به وسیله ترجمه و توضیح آیات و احادیث مذکوره، برادران و خواهران را یاری نمایند.

والسلام علیکم و علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله و برکاته.

۴ رجب ۱۴۱۸ - ۱۳۷۶/۸/۱۴

قم المکرمه - حسینعلی منتظری

(پیوست شماره ۱۱۸ داخل متن کتاب آمده است)

پیوست شماره ۱۱۹: مربوط به صفحه ۵۵۶

نامه معظم له به حجة الاسلام معادیخواه - وزیر ارشاد وقت - جهت اعلام هفته وحدت

بسمه تعالی

جناب حجة الاسلام آقای معادیخواه وزیر محترم ارشاد اسلامی دامت افاضاته همانگونه که توجه دارید جهان اسلام، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مورد توجه دشمنان دیرینه اسلام و مسلمین و بخصوص شیطان بزرگ آمریکا و صهیونیسم قرار گرفته و هر روز به شکلی کشورهای اسلامی را دچار تفرقه و خصومت می کنند... هم اکنون جهان اسلام با سرعت و با الهام از انقلاب ایران بر اساس حرکت اسلامی و محور رهبری معظم انقلاب حضرت امام خمینی مدظله، در حال تولدی جدید می باشد، از این رو بجاست طبق آیه شریفه «و من یعظم شعائرالله فانها من تقوی القلوب» و سیره پیامبر و ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین، بر خلاف خواسته دشمنان اسلام، به شعائر عظیم اسلام که مورد احترام و قبول امت بزرگ اسلامی بوده توجهی بیشتر مبذول گردد. یکی از این شعائر میلاد پربرکت پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) می باشد ولی از آنجا که مع الاسف تاریخ این میلاد که در حقیقت آغاز حرکت جدید در تاریخ بشریت بود از اختلاف مصون نمانده و در بسیاری از کشورهای اسلامی برخلاف آنچه در تاریخ و بین ملتها قطعی است به جای هفده ربیع الاول، دوازده ربیع الاول را تاریخ میلاد آن حضرت می دانند؛ بسیار مناسب و بجاست که روزهای دوازده الی هفده ربیع الاول را هفته وحدت اعلام داشته تا ضمن هماهنگی با سایر مسلمانان به خواست الهی با تنظیم برنامه‌های پرمحتوا در داخل و خارج کشور صدای انقلاب اسلامی ملت ایران را به گوش جهان محرومین و مستضعفین برسانیم. توفیق همگان را در این رسالت اسلامی از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۱۳۶۰/۹/۶ - حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۲۰: مربوط به صفحه ۵۶۲

نامه دفتر معظم له به وزارت خارجه در رابطه با نشر کتاب «الخمینی فی میزان الشرعیه» که جهت ایجاد اختلاف، در خارج از کشور چاپ شده بود.

بسمه تعالی

تاریخ ۶۲/۱۱/۱۲

وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران دام مجده پس از سلام، اخیراً ضدانقلاب در خارج و داخل کشور دست به شیوه جدیدی زده و کتابی را با عنوان «الخمینی فی میزان الشرعیه» که مشتمل بر یک سری مطالب بی سر و ته و اکاذیب و افتراءاتی نسبت به انقلاب عظیم اسلامی و مقام معظم رهبری آن مدظله العالی می باشد با اسم حضرت آیت الله منتظری دامت برکاته منتشر و برای کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و مطالعاتی ارسال داشته است.

از این رو لازم است مراتب فوق را به منظور افشای توطئه جدید ضدانقلاب، آن وزارتخانه محترم به نمایندگی‌های خود در خارج کشور جهت اقدام مقتضی و مناسب اطلاع دهد. توفیق همگان را در حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و تحکیم نظام مقدس جمهوری اسلامی و طول عمر رهبر بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی مدظله را از خدای متعال مسئلت داریم. والسلام علیکم ورحمة الله.

دفتر حضرت آیت الله منتظری

رونوشت جهت اطلاع:

مقام معظم ریاست جمهوری

مقام معظم ریاست دیوان عالی کشور

مقام معظم ریاست مجلس شورای اسلامی

مقام معظم نخست‌وزیر محترم

پیوست شماره ۱۲۱: مربوط به صفحه ۵۶۲

نامه دفتر معظم له به سازمان تبلیغات در رابطه با نشر کتاب «الخمینی فی میزان الشرعیه»

بسمه تعالی

تاریخ ۶۲/۱۱/۱۶

سازمان محترم تبلیغات اسلامی دام مجده

پس از سلام و آرزوی موفقیت، اخیراً ضدانقلاب در خارج و داخل دست به شیوه جدیدی زده و کتابی را تحت عنوان «الخمینی فی میزان الشرعیه» که مشتمل بر مطالب بی سر و ته و اتهامات و افتراهای نسبت به انقلاب عظیم اسلامی و مقام معظم رهبری آن می باشد به نام حضرت آیت الله العظمی منتظری منتشر نموده و برای مراکز مطالعاتی و کتابخانه‌ها ارسال داشته است، از این رو لازم است آن سازمان محترم مراتب را به منظور افشای این توطئه شیطنی در انتشارات خارج کشور خود درج نماید.

مزید توفیقات همگان را در نشر حقایق اسلامی و تحکیم نظام جمهوری اسلامی از خدای متعال مسئلت داریم. والسلام علیکم ورحمة الله.

دفتر حضرت آیت الله منتظری

رونوشت جهت اطلاع و اقدام: مجله شهید

پیوست شماره ۱۲۲: مربوط به صفحه ۵۷۰

تلگراف معظم له به امام جمعه و علمای اهواز در مورد وقت کشی در جنگ

بسمه تعالی

اهواز

آقای طاهری امام جمعه، حضرات حجج اسلام، آقایان علمای اعلام خوزستان
ایدهم الله تعالی

کشتار مردم بی دفاع اهواز توسط ارتش رژیم صدام کافر، موجب تاسف شدید شد. البته فداکاری و از خود گذشتگی ملت، ارتش و سپاه اسلام، در تاریخ کم نظیر است؛ ولی هم زمان با چنین روحیه و قدرتی در ارتش غیور و سپاه عزیز ما خودداری از هجوم و حمله به دشمن غدار که کشور ما را اشغال کرده برای ملت ما سئوال برانگیز شده. من نمی دانم جریانات موجود در جبهه را که از مجموعه آن نمی توان به سادگی گذشت، شورای عالی دفاع صریحاً به عرض رهبر انقلاب رسانده یا نه.

شورای عالی دفاع توجه دارد که سیاست وقت کشی و مهلت تدارک نیرو به رژیم سفاک عراق دادن به قیمت ریخته شدن خون صدها جوان مسلمان و به وجود آمدن امید ادامه توطئه‌های شیطانی برای آمریکا تمام خواهد شد.

اینجانب ضمن تسلیت به خانواده‌های داغ‌دیده و شهیدپرور خوزستانی، از حضرات علمای اعلام می خواهم مراتب را صریحاً به عرض رهبر انقلاب حضرت امام خمینی مدظله و به نظر مجلس شورای اسلامی رسانده و تا وقت نگذشته فکری اساسی جهت دفع قوای کفر و تجاوز گر بعث عراق بشود. به امید پیروزی قوای اسلام بر کفر.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۵۹/۱۰/۱۰ - حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۲۳: مربوط به صفحه ۵۷۱
تلگراف آقای بنی صدر به معظم له و پاسخ ایشان

بسمه تعالی

حضرت آیت الله منتظری

تلگراف شما به امام جمعه و علمای اهواز را در روزنامه خواندم. درد زیاد است. خواهشم این است امروز یا فردا به خوزستان تشریف بیاورید و خود وضع را از نزدیک و از راه تحقیق ببینید و هر قضاوتی پیدا کردید با مردم در میان بگذارید. گمانم این است که دیدار شما با فرماندهانی که جبهه‌ها را اداره می‌کنند، از هر جهت بسیار مفید باشد. همین قدر بگویم که مسافرت شما بلکه رسم تحقیق در امور را بنیان گذارد. این روزها، روزهای تعیین کننده ای هستند و حمایت از نیروهای مسلح و تقویت روحیه آن‌ها به خواست خدا پیروزی را از آن ما خواهد کرد.

۱۲ دی ماه ۱۳۵۹

رئیس جمهوری - ابوالحسن بنی صدر

بسمه تعالی

جناب مستطاب آقای بنی صدر رئیس جمهور ایران دام توفیقه

بعد از سلام، تلگرام شما را از تلویزیون شنیدم، چه خوب بود پیش از چنین قضاوتی حداقل با تلفن از اینجانب تحقیقی نسبت به علت نگرانی من از جریانات جبهه‌ها و نقض وعده‌های مکرر در مورد حمله به دشمن که قهراً موجب بی‌اعتنایی به روحیه قوی نیروهای مسلح می‌شود می‌کردید. فکر می‌کنم اگر جنابعالی به جای من بودید و هر روز طبقات مختلف مردم و جوانان رزمنده و فداکار از سربازان و درجه داران و افسران ارتش و سپاه و بسیج و مسئولان ارگان‌ها که معمولاً ماه‌ها در جبهه بوده و با دلی پر درد از مسامحه کاری‌ها برای گزارش جبهه‌ها و گلایه و کسب تکلیف شرعی به منزل من می‌آیند تماس داشتید (و هم اینان، که طبیعی است ادعای عدم آشنایی به مسائل جنگی و تحقیق در مورد همه آن‌ها نارواست، می‌توانستند برای شما کانال

صحیح اطلاعات و اخبار باشند) قضاوت شما غیر از این بود و بازدید مجدد از جبهه و ملاقات با فرماندهان را ضروری نمی دانستید.

به نظر من آنچه فعلا به صلاح اسلام و مسلمین می باشد حفظ اتحاد و اطاعت از رهنمودهای قاطع رهبری و احترام به ملت و مجلس و ارزش‌های الهی و طرد کامل و سریع دشمن از حریم میهن اسلامی است.

ما در مقابل خون جوانان عزیز و رشید اسلام و بیش از یک میلیون آواره مسئولیتی بزرگ داریم.

اینجانب ارتش و سپاه و بسیج را برادران خود دانسته و تقویت و تایید مادی و معنوی آنان را در هر مناسبتی وظیفه شرعی می دانم و در خطبه‌های نماز جمعه به آنان دعا می کنم.

توفیق شما را در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی از خدای بزرگ خواهانم. به امید هجوم نیروهای مسلح ایران و پیروزی قوای اسلام بر کفر. والسلام علیکم.

۵۹/۱۰/۱۴ - قم، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۲۴: مربوط به صفحه ۵۷۴

پیام تسلیت آقای هاشمی رفسنجانی به معظم له به مناسبت شهادت شهید یاسر

رستمی

شماره ۲۴۵۱۹/۲۵۰ د هـ

تاریخ ۱۳۶۵/۷/۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مقدس فقیه عالیقدر آیت الله العظمی آقای منتظری دامت برکاته وجوده الشریف شهادت افتخار آفرین یاسر بزرگوارتان را از صمیم دل تهنیت و تسلیت عرض می‌کنم. می‌دانم با اینکه یاسر قهرمان سخت‌مورد محبت جنابعالی بود از شهادتش آزرده‌خاطر نیستید، همان روزی که والد و والده خویش و جد و جده خوبترش این اسم را برایش انتخاب کردند چنین عاقبت خیری را در نظر داشتند.

بالاخر از این، زندگی پرحادثه و آموزنده حضرتعالی سراسر جهاد و شهادت و ایثار است. امت از همان روزهای اول نهضت اسلامی شما را پیشتاز و نوک پیکان جهاد می‌دید و سینه مبارکتان را سپر بلاها، و بی‌جهت نیست که در وجود شما با اعتماد کامل شرایط نیابت رهبری را یافت و آگاهانه انتخاب کرد.

شما از اولین شخصیت‌های اسلام و کشور بودید که زندان‌های رژیم منحوس گذشته را با حضورتان زینت دادید و زندانیان را روحیه و افتخار، و جزء مجاهدانی که بیشترین دوران بازداشت و تبعید و محرومیت و محدودیت و تعقیب و آزار را در دوره هفده ساله انقلاب در پرونده خود دارند هستید، و صبورانه رنج مشاهده شکنجه فرزندان قهرمانتان محمد شهید را در سیاه چالهای رژیم پهلوی و سپس دوران طولانی بازداشت و در بدری او را که به اندازه عمر تمام دوران مبارزاتمان است و سرانجام شهادت مظلومانه اش را در زیر آوارهای دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی که در بهار پیروزی انقلاب اشجار طیبه اسلام را خزان کرد تحمل کردید. دیروز شاهد جراحت و نقص عضو سعید گرانقدرتان در جبهه بودید و امروز شاهد شهادت یاسر بزرگوارتان و هر روز شاهد شهادت فرزندان عزیز امت که مثل اولاد خودتان عزیزشان می‌دارید، هستید.

این‌ها و خیلی چیزهای دیگر، تاریخ سراسر افتخار زندگی شما را ساخته و امت

اسلامی را به آینده انقلاب و ادامه راه امام بزرگوار مطمئن می سازد. راه انبیاء و سرنوشت رهبران الهی همیشه قرین با ابتلاء و بلاها بوده و موفقیت‌هایشان نتیجه پیروزی در امتحان‌های سخت ربوبیت. (ان هذا لهو البلاء المبین). سنت الهی ابراهیم را با قربانی فرزند و هجرت رنج آلود به وادی غیر ذی زرع و یعقوب را با فراق عزیز و چون یوسف و چشمان نابینای از اشک و اندوه (وابیضت عیناه من الحزن و هو کظیم) و موسی و عیسی را با دربدری‌ها و گرفتاری‌ها و ایوب را با امواج سختی‌ها و مصائب و سرانجام خاتم پیامبران را با مرارتهای توصیف شده به (ما اودی نبی مثل ما اودیت) هم آزموده و هم ساخته و هم مکرم و موفق داشته است. (البلاء للولاء)

پرتو صحنه‌های ایثارگرانه احد و کربلا و فخر امروز در محیط جامعه اسلامی ما مشهود است و بی گمان این ملت مقاوم درس ایثارگری را از بزرگانی چون حضرت شما می گیرند.

با اینکه آزردهی قلب رئوف قائم مقام رهبریمان برایمان سنگین است، اما آثار گرانبهای هم‌رنگی و همراهی و همدردی خانواده دومین شخصیت انقلابمان با خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان تحمل این بار سنگین را آسان می دارد، همانگونه که امامان و مقتدایمان در شهادت فرزند فقیهشان آیت الله سید مصطفی فرمودند "و بی شک این شهادت‌ها مایه تقویت ایمان و روحیه رزمندگان و ملت ایثارگر و خانواده معظم شهدا است".

از برخورد هایتان با یاسر در ملاقات‌های زندان و جاهای دیگر برایم روشن است که سخت به او دل بسته داشتید ولی می دانم که اسلام و انقلاب به مراتب بیش از محمد و یاسر در دلتان جای و منزلت دارند. با اینکه مسئولان طراز اول کشورمان همگی فرزندان و وابستگان نزدیکی در جبهه داشته و دارند، اما خداوند جنابعالی را لایق نزول این سعادت عظمی دانسته و رحمت خاصش را برایتان نازل فرموده.

"هر که در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند." رحمت خدا بر ارواح مقدس همه شهدای راه حق بادا.

ارادتمندتان

۶۵/۷/۱۷ - اکبر هاشمی رفسنجانی



بیت‌الله

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مقدس فقیه عالی‌قدر آیت‌الله العظمی آقا‌ی منتظری دامت برگاهت موجوده الشریف

شهادت افتخار آفرین یاسر بزرگوارتان را از مصمیم دل تسلیت عرض میکنم. میدانم با اینکه یاسر قهرمان سخت مورد محبت جنابعالی بود از شهادتش آزرده خاطر نیستید، همان‌روزیکه والد و والدۀ خوبش وجود وجدۀ خوبترش این اسم را برایش انتخاب کردند چنین عاقبت خیری را در نظر داشتند. بالاتر از این زندگی پر حادثه و آموخته‌ها حضرتعالی سراسر جهاد و شهادت و ایثار است. امت از همان روزهای اول نهضت اسلامی شمار پیشتاز و نوک پیگان جهاد میدید و سینه مبارکتان را سپر بلاها، و بی جهت نیست که در وجود شما با اعتماد کامل شرایط نیابت رهبری را یافت و آگاهانه انتخاب کرد. شما از اولین شخصیتهای اسلام و کشور بودید که زندانهای رژیم منحوس گذشتۀ را با حضورتان زینت دادید و زندانیان را روحیه و افتخار و جزهٔ مجاهدانی که بیشترین دوران با زداشت و تبعید و محرومیت و محدودیت و تعقیب و آزار را در دوره هفده ساله انقلاب در پرورده خود دارند هدایت و صبورانه رنج مشاهده شکنجه فرزندان قهرمانتان محمد شهید را در سایه چالهای رژیم پهلوی و سپس دوران طولانی با زداشت و در بدری و اراک به اندازه عمر تمام دوران مبارزتان است و سرانجام شهادت مظلومانۀ شما در زیر آوارهای دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی که در بهار پیروزی انقلاب شکار طیبۀ اسلام را خزان کرد تحمل گردید. دیروز شاهد جراحی و نقص عضو سعید گرانقدرتان در جبهه بودید و امروز شاهد شهادت یاسر بزرگوارتان و هر روز شاهد شهادت فرزندان عزیز امت که مثل اولاد خودتان عزیزشان میدارید، هستید.

اینها و خیلی چیزهای دیگر، تاریخ سراسر افتخار زندگی شما ساخته و امت اسلامی را به آینده انقلاب و ادامه راه امام بزرگوار مطمئن میسازد.

راه انبیا و سرنوشت رهبران الهی همیشه قرین با ابتلاء و بلاها بوده و موفقیت‌هایشان نتیجه پیروزی در امتحانهای سخت ربوبیت. (إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبُلَاءُ الْمُبْتَلِينَ) . سنت الهی ابراهیم را با قربانی فرزند و هجرت رنج آلود به وادی غیر ذی زرع و یعقوب را با فراق عزیزی چون یوسف



دفتر رئیس

شماره ۱۹۲۵/۱۹۲۵

تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۷

پوست

بیتان

وچشم‌ان‌بینای‌زاتگ‌واندوه (وَأَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ وَهُوَ كَظِيمٌ) وموسی
وعیسی‌رابادربدریها‌وگرفتاریها‌وایوب‌راباامواج‌سختیهاومصائب‌وسرانجام‌خاتم‌پیامبران‌را
مراتبه‌ای‌توصیف‌شده‌به (مَا أُوذِيَ نَبِيٍّ مِّثْلَ مَا أُذِيَ بِي) هم‌آزموده‌وهم‌ساخته‌وهم‌مگرم
وموفق‌داشت‌است. (البلاء‌للأولاء)

پرتو‌مصنعه‌ای‌ایثارگران‌ناحد‌وگربلا‌وفتح‌امروز‌درمحیط‌جامعه‌اسلامی‌ما‌مشهوداست‌وبیگان‌این
ملت‌مقاوم‌درس‌ایثارگری‌را‌ازبزرگانی‌چون‌حضرت‌شما‌میگیرند .

باینکه‌آزردگی‌قلب‌رعوف‌قائم‌مقام‌رهبریمان‌برایمان‌سنگین‌است . اما‌ایثارگران‌بهای‌هم‌رنگی‌و
همراهی‌وهم‌دردی‌خانواده‌دومین‌شخصیت‌انقلابیان‌باخانواده‌های‌معظم‌شهدا‌و‌جان‌نازان‌تحمل‌این‌بار
سنگین‌را‌آسان‌میدارد ، همانگونه‌که‌مامان‌ومتقدایمان‌درشهادت‌فرزند‌فقیهشان‌آیتا . . . سیدمصطفی‌فرمودند
" و‌بی‌شک‌این‌شهادتها‌مایه‌تقویت‌ایمان‌و‌روحیه‌وزمندان‌وملت‌ایثارگر‌و‌خانواده‌معظم‌شهداست ."
از‌برخود‌هائیتان‌با‌یاسردرملاقات‌های‌زندانی‌و‌جاهای‌دیگر‌برایم‌روشن‌است‌که‌سخت‌بسه
او‌دل‌بسته‌داشتید‌ولی‌میدانم‌که‌اسلام‌وانقلاب‌به‌مراتب‌بیش‌از‌محمد‌و‌یاسردر‌دل‌تان‌جای‌ومنزلت
دارند . باینکه‌مسئولان‌طراز‌اول‌کشورمان‌همگی‌فرزندان‌و‌وابستگان‌نزدیکی‌درجه‌به‌داشته‌و‌دارند ، اما
خدانود‌جناب‌عالی‌والایق‌نزول‌این‌سعادت‌عظمی‌دانسته‌ورحمت‌خاصش‌را‌برای‌تان‌نازل‌فرموده .
" هرکه‌دراین‌بزم‌مقرب‌تراست ، جام‌بلا‌بیشترش‌میدهند . " رحمت‌خدا‌بر‌ارواح‌مقدس
همه‌شهادای‌راه‌حق‌بادا .

ارادتمندان

اکبر‌هاشمی‌رفسنجانی

۱۳۸۵/۱۱/۱۷
۵۰۷

پیوست شماره ۱۲۵: مربوط به صفحات ۵۷۵ و ۵۹۰
مربوط به صفحه نامه معظم له به امام خمینی در ارتباط با مشکلات ناشی از سوء مدیریت در جنگ و ابراز ناخرسندی از ادامه آن و لزوم پایداری بر قانون اساسی،
مورخه ۶۷/۲/۲

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام و تحیات به عرض می‌رساند: گمان نمی‌کنم موقعیت خطیر حضرتعالی در جهان اسلام و اینکه در شرائط فعلی حفظ آبرو و موقعیت و حیثیت اسلام به حفظ موقعیت حضرتعالی گره خورده است بر کسی مخفی باشد، چنانچه علاقه قلبی و احترام عمیق اینجانب نسبت به حضرتعالی نیز قابل تردید نیست. و قهراً اینجانب در هر شرائطی و به هر نحوی اگر نکاتی را به عرض رسانده‌ام بر اساس دو موضوع فوق بوده است. برای من قابل تحمل نیست که فرصت و موقعیتی که خدای متعال در عصر غیبت حضرت ولی عصرعجل الله تعالی فرجه برای عالم تشیع پیش آورده و روحانیت و مرجعیت شیعه این چنین مایه امید ملت‌های محروم و مظلوم جهان شده به سادگی این امید به یاس مبدل گردد و حیثیت اسلام و تشیع که در چهره حضرتعالی متبلور شده خدای ناکرده ملکوک و خراب گردد که در این صورت برای قرن‌های متمادی دیگر از عظمت و عزت اسلام و روحانیت و قداست ولایت فقیه خبر و اثری نخواهد بود. از این رو با کسب اجازه اموری را که با تمام وجود لمس می‌کنم و مرا معذب داشته اداء اللوظیفه به عرض می‌رسانم و از صراحت لهجه که خصلت همیشگی من می‌باشد قبلاً پوزش می‌طلبم:

۱ - متأسفانه جنگ تحمیلی به جای بدی رسیده و دولت و ملت و انقلاب ما را در شرائط بدی قرار داده.

قطعاً حضرتعالی از اوضاع نابسامان مردم و رکود اقتصادی و سقوط پول ما و کسری بودجه و خرابی شهرها و مراکز اقتصادی و تعطیل شدن کارخانه‌ها و تورم و گرانی و کمبودها و بیکاری‌ها و خانه بدوشی میلیون‌ها شهروند چندین استان کشور و ترک مغازه و بازار و محل کار و پناه بردن به دهات و کوه‌ها و تعطیل شدن موسسات فرهنگی و بالا رفتن نارضائی‌ها و رشد مفساد اداری و اخلاقی که لازمه قهری این وضع است کم و بیش اطلاع دارید. اگر در گذشته چنین گفته می‌شد که یک عده قلیلی که

از انقلاب ضربه خورده اند و نتوانسته اند خود را با آن هماهنگ کنند به این گونه مطالب خلاف واقع دامن می زنند و اینجا و آنجا نامه پرانی و جوسازی می کنند دیگر امروز این احتمال وجود ندارد، خدا را گواه می گیرم که بسیاری از دوستان انقلاب و حضرتعالی که قبل از انقلاب و پس از انقلاب فداکاری‌هایی داشته اند امروز در آستانه یاس و شک قرار گرفته اند، و متأسفانه یکی از کارهای روزمره من گوش دادن به درد دل و شکایات این قبیل افراد است و اصرار دارند مطالبشان را که نوعاً مسائلی کلی است به عرض حضرتعالی برسانم، و من هم جز سکوت و طفره رفتن راهی ندارم.

ما متأسفانه در جنگ و در بسیاری از کارهای دیگر فرصت‌های زیادی را از دست دادیم و هر روز دلمان را به گزارش‌های مبالغه آمیز نسبت به خوبی وضع خود و خرابی وضع دشمن و به شعارها و وعده‌های بی اساس خوش کردیم و اجازه احتمال خلاف دادن را هم ندادیم تا بالاخره وضع ما به اینجا رسید که دولت‌ها که جای خود دارند بسیاری از ملت‌ها را هم از دست دادیم و آن همه قداست و احترام و ایمان و امید سال‌های اول انقلاب که سرمایه عظیمی برای انقلاب بود به تدریج از دست می رود، و آن چنان چهره نورانی اسلام و انقلاب و مقام رهبری را خراب جلوه داده اند که جز تعدادی انگشت شمار در هر کشوری برای ما باقی نمانده است.

من برخلاف آنچه شاید فکر شود، آدم بدبین و تندی نبوده و نیستم ولی از این واقعیت تلخ رنج می برم که ما در اثر قصورها و ضعف‌ها و خود محوری‌ها و سوء مدیریت‌ها و سپردن کارها به دست ضعفا و سیاست‌های غلط و ناهماهنگی‌های روشن در تصمیمات و در اجرا، یک چنین ملت بزرگ و فداکار و کم نظیر در تاریخ را به تدریج از دست بدهیم. البته من از تلاش و احساس مسئولیت بسیاری از برادران مسئول خبر دارم و آنان را دعا و تایید می کنم ولی از این متأسفم که بسیاری از ما گرفتار یک حالت غرور و خودبینی و غفلت از واقعیات شده ایم و تذکرات را هم به بازی می گیریم و شاید علت عدم استجابت دعاها هم همین حالت ما باشد. من از توطئه ابرقدرت‌ها در دامن زدن به نارضائی‌ها و تبلیغات مسموم ایادی آنان خبر دارم ولی می گویم سرمایه عظیم ما همین ملت فداکار است، تا کی باید آنان در این وضع زندگی کنند و علاوه بر فشار اقتصادی برخوردار بعضی از ما هم با آنان تند و خصمانه باشد؟ به شعارهای تلقینی و مصاحبه‌های ساختگی نباید دل خوش کرد باید واقعیات‌های اجتماعی را هم در نظر داشت، خدا

شاهد است روحانیت در حال انزوا و بد نامی قرار گرفته، در بسیاری از شهرها به روحانیون بخصوص اگر بفهمند شاغل پست و مقامی هستند توهین علنی می کنند، تعداد داوطلب برای جبهه‌ها و کمک کننده به جبهه‌ها و حاضر در مراسم سریعاً رو به کاهش است و بسیاری از کمک‌ها از روی فشار و ترس و رو درباستی است. این مطالب را من از افراد ناراضی و رادیوهای ضدانقلاب نمی گویم از قول همان رزمندگان و شهید داده‌ها و مردم کوچه و بازار و از قول بسیاری از مسئولین و شاغلین می گویم. تا دیر نشده و فرصت‌ها بکلی از دست نرفته حضرتعالی که در مقاطع مهم این انقلاب را از سقوط نجات داده اید بجاست فکری بکنید و به گزارش‌های معمولی و رسمی اکتفا نکنید. من می دانم که بعضی از مسئولین یا شهادت صراحت گویی را ندارند و یا به ملاحظه حال حضرتعالی و پرهیز از نگران کردن شما مسائلی را به حضرتعالی به همان نحو که واقعیت دارد نگفته و نمی گویند. در مساله جنگ و مسائلی دیگر موارد زیادی از این قبیل بود که قطعاً اگر واقعیات درست گزارش می شد حضرتعالی به موقع تصمیم می گرفتید و شاید کارها صحیح تر انجام می شد. اکنون هم دیر نشده اگر علاوه بر مسئولین رسمی با سایر صاحب نظران نیز مشورت شود بسا راه حل‌هایی ارائه دهند و بتوانند در مشکلات یار و یاور باشند. اگر از چنین جمعی متشکل از همه جناح‌های معتقد به نظام و انقلاب و کشور درمساله جنگ و کیفیت خاتمه دادن به آن به نحو آبرومندانه و به نفع اسلام استفاده شود فردا کسی معترض و طلب کار نخواهد بود و از همه مهمتر اینکه از مقام و موقعیت معنوی حضرتعالی نیز چیزی کاسته نمی شود. البته بسا کسانی باشند معتقد به انقلاب و حضرتعالی، ولی خودشان مستقلاً اهل نظر می باشند و حاضر نیستند صددرصد بی اراده باشند و این از محسنات انسان است.

و ممکن است حل مساله جنگ را حضرتعالی به مجلس شورای اسلامی به عنوان نمایندگان مردم احاله نمایید با ارائه خط کلی به آنان، و بالاخره ما پس از فتح خرمشهر هرچه نسبت به جنگ اقدام کرده ایم تقریباً باخته ایم، و چهره ما در دنیا به عنوان متجاوز و لجوج و جنگ طلب معرفی شده و متأسفانه روی ملت‌ها و از جمله ملت داخل عراق هم نتوانسته ایم کار فرهنگی مفید انجام دهیم و آنان را توجیه نماییم. در این شرایط فرضاً ما حمله ای انجام دهیم و تپه‌هایی یا روستاهایی را هم تصاحب کنیم و چند هزار شهید و مجروح و مفقود برگزشته‌ها اضافه نماییم و چند ماه بعد آن‌ها را از ما

پس بگیرند در این صورت آیا این جنگ تقویت اسلام است؟! ما برای فتح فاو چقدر نیرو مصرف کردیم و چقدر خسارت انسانی و مالی دادیم ولی بالاخره با یک غفلت از ما گرفتند. بالاخره برای این تسلسل بمب و موشک و کشتار از طرفین مسلمان و تخریب شهرهای دو طرف باید فکر اساسی کرد. سیاست شیطانی قدرت‌های حامی صدام دست انقلاب مقدس ما را به خون هزاران مسلمان عراقی از نظامی و غیر نظامی و زن و بچه و بی گناه آغشته کرد تا جاذبه معنوی و قداست ملکوتی انقلاب و اسلام و رهبری را که خطر بزرگی برای قدرت‌های استعماری بود کم کنند و متأسفانه در این سیاست شیطانی موفق شدند. در نظر توده مردم عراق فرقی بین موشک‌های صدام به شهرهای ایران و موشک‌های ما به شهرهای عراق و کشتار زن و بچه و غیر نظامیان آنان نیست. جنگ تمام عیار که عراق را واقعا شکست بدهد نیاز به پول و امکانات و مهمات زیاد و نیروهای آزموده چند صد هزاری منظم و مومن به جنگ دارد و در شرایط فعلی ما نه دولت ما چنین پول و امکاناتی دارد و نه ملت ما و ارتش ما با همه وسعتش انگیزه وارد شدن به خاک عراق را ندارد و سپاهیان ما هم کمتر انگیزه دارند. ما نوعاً از بچه‌های مخلص بسیجی آموزش ندیده بدون امکانات مصرف می‌کنیم و خانواده‌ها را بیشتر داغدار می‌کنیم. ولی صدام را شرق و غرب و کشورهای عربی همه کمک می‌کنند و خواسته همه آنها توازن ما و عراق و ضعف هر دو کشور است تا اسرائیل و اربابانش با خیال راحت به سیاست‌های استعماری خود ادامه دهند. مادامی که مساله ارتش و سپاه و نیروهای مسلح ما به طور اساسی حل نشود و این تضاد و تنازع در حدود وظائف و تقسیم امکانات بین آنان وجود داشته باشد و مثل دو نیروی متخاصم با یکدیگر برخورد داشته باشند امکان وجود یک نیروی منظم هماهنگ مومن به جنگ وجود ندارد، و حل این مساله نیز بیش از هر چیز به برنامه ریزی صحیح و زمان نیاز دارد. جنگ اگر موجب نابودی ملت و دولت و ارزش‌ها شود نه خدا به آن جنگ راضی است و نه ملت.

و اکثر خانواده شهدا بیش از همه به ترک جنگ اصرار دارند. چه بسا صلح و ترک جنگ تلخ است ولی خود آن مقدمه پیروزی است و «عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم» منتهی باید در کیفیت آن مشورت و دقت کرد.

پیغمبر اکرم(ص) در حدیبیه صلح با مشرکین را با شرایط ناگوارش پذیرفت و خداوند از آن به فتح مبین تعبیر فرمود (اول سوره فتح) و در سوره انفال می‌فرماید:

«و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم، و ان یریدوا ان یخدعوك فان حسبک الله هو الذی ایدک بنصره و بالمومنین». - و در نامه امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر چنین آمده است: «و لاتدفعن صلحا دعاک الیه عدوک و لله فیہ رضا فان فی الصلح دعة لجنودک و راحة من همومک و امانا لبلادک و لکن الحذر کل الحذر من عدوک بعد صلحہ فان العدو ربما قارب لیتغفل فخذ بالحزم و اتهم فی ذلک حسن الظن». (نهج البلاغه، الکتاب ۵۳)

البته حساب ملت عراق از ما جدا است و باید ملت عراق را در مقابل حکومت بعث کمک و یاری کرد تا همچنان که ملت افغانستان در مقابل حکومت کمونیستی و دولت شوروی قیام کردند ملت عراق نیز تدریجا مجهز شود و حکومت بعث را ساقط و یا اقلأ تضعیف نمایند. و اگر جنگ به صورت قیام ملت عراق در مقابل حکومت بعث درآید و ما مستقیما مهاجم نباشیم این سوژه تحریک آمیز هجوم عجم بر عرب نیز از دست دشمنان گرفته می شود.

۲ - راجع به مساله حج نمی دانم وقایع مکه را تا چه اندازه به حضرتعالی گزارش داده اند. بسیاری از افراد مورد اطمینان که خود ناظر جریان و درخط مقدم راهپیمایی بوده اند می گویند همه گناه گردن سعودی‌ها نیست و ممکن بود راهپیمایی آبرومندانه انجام شود و به اینجا هم منجر نشود، ولی در اثر تندى بچه‌ها و بی برنامه‌گی اجمالا هجوم و حمله از طرف بچه‌های نپخته ما شروع شد و سوژه به دست دشمن داد، هر چند دشمن مجهز و مهیا بود و دنبال بهانه می گشت تا ما را سرکوب کند.

دشمن در سال قبل از آن در موضوع جاسازی و قرار دادن مواد منفجره در ساک‌های حجاج با ما عاقلانه برخورد کرد و تا اندازه ای اغماض کرد و ما موضوع را رسیدگی نکردیم بلکه مغرور شدیم و در سال بعد چنین مصیبت بزرگی برای عالم اسلام رخ داد و دشمن از موضوع سال قبل نیز بهره برداری کرد. و علی ای حال اگر ولو به حسب صورت تغییری در بعضی مسئولین حج و روش آنان انجام می شد و آنان عاقلانه وارد می شدند بسا بدون اینکه از حضرتعالی مایه بگذاریم و با شکست مواجه شویم مساله قابل حل بود.

۳ - متأسفانه تضاد افکار و نظریات جناح‌های داخلی بخصوص بین روحانیین رو به تزاید است و مساله انتخابات تبلوری از آن بود، انتظاری که همه از حضرتعالی دارند فکر چاره ای برای از بین بردن این همه اختلاف و تضاد بخصوص بین روحانیین

و دوستان و ارادتمندان قدیمی حضرتعالی است. اینکه هر روز یک جناح را مطلق کنیم و دیگران را بکلی نادیده بگیریم به نظر کار اصولی و ریشه داری نیست. باید علاج اصولی نمود و به ریشه‌ها پی برد. چرا در مبارزات و فداکاری‌ها و اداره جبهه‌ها همه با هم بودند و امروز چنین جناح بندی شده است و در هر فرصتی از حضرتعالی خرج می شود، همین وضع اختلاف و پراکندگی برای شکست روحانیین طرفدار انقلاب کافی است و دیگر نیازی به صدام و آمریکا و منافقین نیست، ما خودمان را داریم می خوریم و خدا را شکر که دشمنان ما جاهلند و از این واقعیات بی اطلاعند.

سرانجام اوضاع فعلی روحانیین در یک جبهه را به دو دسته طرفدار اسلام آمریکایی و طرفدار اسلام پابرهنه‌ها تقسیم نمود و هر کدام را با طرفدارانشان به مقابله با دیگری در تمام عرصه‌ها کشاند، آیا اگر اجازه تعدد احزاب و جمعیت‌های اسلامی داده می شد و این مقابله و تنازع حداقل بین دو حزب غیر منتسب به حضرتعالی تبلور پیدا می کرد بهتر از این نبود که روحانیت علاقه مند به حضرتعالی و انقلاب تجزیه شود و قسمی در مقابل دیگری صف آرایی نماید؟

۴ - در خاتمه اجازه می خواهم موضوع مهم دیگری را نیز تذکر دهم: البته امیدواریم خداوند به حضرتعالی طول عمر عنایت کند و این انقلاب و کشور به دست خودتان تحویل حضرت ولی عصرعجل الله تعالی فرجه داده شود، ولی اگر فرضاً خدای ناکرده حادثه ای رخ دهد حضرتعالی لازم است فکر بعد را هم بکنید. الان با آن قدرت و جاذبه که حضرتعالی دارید و ترسی که همه جناح‌ها دارند به هر طرف حضرتعالی تشری بزنید بسا درگیری هر چند صورتاً برطرف می شود.

ولی برای بعد باید ارگان‌های قانونی از قبیل مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و قانون اساسی و علما و روحانیین مبارز و در سطح بالا که جنبه مردمی هم دارند در همه مناطق باید تقویت شوند تا حافظ انقلاب و کشور باشند و مردم دور آن‌ها سینه بزنند، ولی دیده می شود ارگان‌ها و قانون اساسی ولو به نحو غیر مستقیم از طرف حضرتعالی تضعیف می شوند و مجرد وصیت نامه حضرتعالی هر چه باشد به تنهایی کافی و کارگشا نیست.

از همه پرگویی عذر می خواهم. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

۵ رمضان المبارک ۱۴۰۸ مطابق ۶۷/۲/۲

حسینعلی منتظری

صل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

محضر مبارک آیه اله العظمی امام خمینی مدظله العالی پس از سلام و تحیات بفرموده می‌فرماید :

لجان نمی‌کنم موثقت حضرتعالی در جهنن اسلام و اینکه در شرایط فعلی حفظ آبرو و موثقت و حیثیت اسلام
 بفظ موثقت حضرتعالی گره خورده است بر کسی نمی‌باشد، چنانچه علامه مجلسی و القرام عمیق اینها بنسبت حضرتعالی
 نیز قابل تردید نیست. و تهر این جانب در هر شرایطی و بهر نحوی اگر نکات را بفرمایند ام براساس در وضو قرن بوده است
 برای مزاج قابل تحمّل نیست که فرصت و موثقتی که خدا می‌تواند در عمر شریف حضرت و آن عصر عجلانترجه برای عالم شیخ
 پیش آورده و روحانیت و جمعیت تبعه این چنین مایه امید طلبهای محروم و مظلوم همان شده باشد این امید
 به ماس تبدیل گردد و حیثیت اسلام و تشیع که در چهارده حضرتعالی مستبور شد خدای نا کرده ملکوتی و خواب گردد
 که در این صورت برای قربانی تمامی دیگر از عظمت و عزت اسلام و روحانیت و عدالت و ولایت فقیه خبر
 و اثری نخواهد بود. از این رو با کتب اجازه اندوزی را که با تمام وجود پس می‌کنم و مرا معذب دستم اداء اللیاقه
 بفرض می‌رسانم و از صراحت آنچه که فصلت هفتگی نمی‌باشد قبلاً نیز شکر می‌طلبم :

۱- متاسفانه جنگ جهانی بجا می‌آید و دولت و ملت و انقلاب ما در شرایط بدی قرار داده .
 قطعاً حضرتعالی از اوضاع ناخوشایمان مردم و رکود اقتصادی و سقوط پول ما و گریز بورژوازی و فاجایه‌ها و فزونی
 اقتصادی و تعطیل شدن کارخانه‌ها و کارگران و کمبودها و بیگاریها و فتنه بدوئی ملیونها سرزنش و زند خندین
 آستان کشور و ترک مغازه و بازار و محل کار و بیایه بودن به دکات و کوهها و تعطیل شدن نورست فرهنگی
 و بلا رفتن نارضايتها در رتبه‌ها و اداري و اخلاقی که لازمه تهری این وضع است کم و بیش اطلاع دارند .
 اگر در گذشته چنین گفته می‌شد که بدینگونه قلیلی که از انقلاب خبر به خورده اند و ستوالسته اند خورده با آن‌ها هستند
 باین گونه مطالب خلاف واقع دامن می‌زنند و اینها و اینها همه پران و جووس زمی می‌کنند دیگر امر و زان این حال وجود ندارد
 خدا را گواه می‌گیرم که بسیار می‌اندوستان انقلاب و حضرتعالی که قبل از انقلاب و پس از انقلاب خدا کار را
 دانسته اند امروز در سستان ماس و شدت قرار گرفته اند و متاسفانه نمی‌توانی از کارهای روزمره عمر گوش دادن
 به درد دل و شایعات این قبیل افراد است و اظهار دارند مطالبی را که نوعاً منطبق است بفرموده حضرتعالی برسانم .
 و مزهم جز سگوت و ظفره رفتن راهی ندارم .

ص ۱۰

ما متأسفانه در جنگ و در بسیاری از کارهای دیگر فرصتهای زیادی را از دست دادیم و هر روز دلمان را به گزافه‌ترین مبالغه آینه نسبت به خود و خودی و خرابی و طبع دشمن و به‌شعار که دودله نمی‌باشد فحش کردیم و اجازه احتمال خلاف دادن را هم ندادیم تا بالاخره وضع ما با بنیامین رسید که دولتها که جاسی خود دارند بسیاری از ملت‌ها را هم از دست دادیم و آن هم قدرت و احترام و ایمان و امیدها برای اول انقلاب که سرکای بختی برای انقلاب برد بیدریج از دست می‌رود و آن‌ها در آن چنان چهره نورانی اسلام و انقلاب و مقام رهبری را خراب جلوه داده اند که جرعه ادبی انگشت می‌زدند هر کس می‌خواست برای ما بانه نماند است .

مخبر خلاف آنچه می‌فکر شود آدم بدبین و سندی نبوده و نیستیم و از این واقعیت تلخ باریج می‌بریم که ما در این کشور که وضعها و خود محوریت و سود میرتها و سپردن کار که بدست ضعیف و سیاستهای غلط و ناها هتلهای روشن در تصمیمات در اجراء یک چنین ثلث بزرگ و فداکار و کم نظیر در تاریخ را بیدریج از دست بدیم .

البته مز از تلاش و احسان مسئولیت بسیاری از برادران مسئول خبردارم و آنان را دعا و تمنا میکنم و از این متأسفم که بسیاری از ما گرفتار یک حالت غرور و خود بینی و غفلت از واقعیت شدیم و تذکرات را هم بی‌بازرسی نمیگیریم و بی‌غفلت عدم استیجابت دعا که هم همین حالت ما با ما شد .

مز از توکل بر قدرت‌ها در درازن زدن به نارضايتها و تبلیغات سموم ایادی آنان خبردارم و میگویم سرانجام غلظت ما همین ثلث فداکار است تا که باید آنان در این وضع زندگی کنند و علاوه برش را تصدای برقرار ما هم با آنان تند و ضعیفانه با شد . به‌شعاره می‌تلفیق و مواجهه که می‌ساختگی نباید دل فحش کرد باید واقعیتهای اجتماعی را هم در نظر داشت ، خداست که هدایت در حال امر و بدنامی قرار گرفته در بسیاری از امور که به روحانیت مخصوص اگر بچندش غیر نیست و تقاضای مستند تو همین طعن میکنند تعداد داوطلب بر این جنبه که کمک کنند بجهت و حاضر در مراسم سرکار و بجای این است و بسیاری از ملکان از روی ف و ترس و درود بالین است . این مطالب را نیز از افراد ناراضی در ادویه می‌شنید انقلاب نمی‌گویم از قول همان زندگان و کشید داده که مردم کوچه و بازار و از قول بسیاری از مسئولین و مسئولین می‌گویم .

تا در گذشته و فرصتهای بلی از دست نرفته حضرتی که در تقاطع مهم این انقلاب را از سقوط نجات داده اند بجا است فکری نکنید و به گزافه‌ترین معمول و رسمی تلفظ نکنند . می‌میدانم که بعضی از مسئولین یا سران است صراحت گوئی را ندارند و یا بلا حظه حال حضرتی که در هر روز از نظر آن کردن می‌مانی را محضرتان بهمان نحو که واقعیت دارد تلفظ نمی‌کنند .

ص ۳۲

در سوره جنید و سوره نلی دیگر موارد زیادی از این قبیل بود که قطعاً اگر واقعیت درست گزارا می‌شد
 حضرت قبا بموقع تعیین میگرفتید و میدگاره که صحیحتر انجام مید. اکنون هم در نشده اگر علاوه بر سوره نلی یکی
 با سایر صاحب نظران نیز مسورت شود سارا راه حلها آرا نه دهند و سوارند در مشکلات یار و یاور باشند.
 اگر از چنین جعمی مشکل از هم چندینای معتقد بنظام و انقلاب و کشور در سارا جنگ و کیفیت فتمه دادن به آن
 بنحو آبرو مذانه و بیغ اسلام استفاده شود فردا کسی معترض و طلب کار نخواهد بود و از هم مهمتر اینکه از نظام
 و موقعیت معنوی حضرت قبا نیز چیزی کاسته نمیشود. البته سارا با باشند معتقد با انقلاب و حضرت قبا و لا خود
 مستقلاً این را بنیابند و حاضر نیستند صد در صد به اراده باشند و این از محتملات آن است.
 و ممکن است جنگ را حضرت قبا بمجلس شورای اسلامی بعنوان نمایندگان مردم اعلام نمایند با در این مخطوطی با
 و بالاخره ما پس از فتح خرمشهر هر چه نسبت جنگ اقدام کرده ایم یقیناً باخته ایم، و چه راه ما در دنیا بعنوان قبا و
 و چون جنگ طلب معرزه شد و مسافران روی طناب دار جمله ملت و حضرت قبا هم نتوانستیم که از جنگی بگریزیم
 انجام دهم و آنان را قویه نمایم. در این شرایط فریضه ما جمله ای انجام دهم و تپه کنه یار و سارا که راه تصاحب کنیم
 و چند هزار شهید و مجروح و مصفود برگزیده؟ همانا نمایم و چند تا هم از ازا پس بگیرند در این صورت
 آیا این جنگ تقویت اسلام است؟! ما برای فتح فاعقد ریزه و مصرف کردیم و چه قدر عسارت آن ما را دادیم
 و بالاخره ما باید فعلت از ما گرفتند. بالاخره برای این تسلسل بلب و سرشک و گشتار از طرفین مسلمان و کفریب
 سارا کسی دو طرف باید فکر اسلامی کرد. سیاست نسبتاً قدرتهای حامی صدام دست انقلاب بقد سارا
 بخون هزاران مسلمان سارا از لطف می و شرف می و زن و بچه و بی گناه آخته کرد تا مجاز به معنوی و در است
 مملو به انقلاب و اسلام و رهبری را که خطر بزرگی برای قدرتهای استعماری بود که کنند و تالفانه در این سیاست نسبتاً
 موفق شدند. در نظر توده مردم عراق فرقی بین مملکتی صدام بر سر کسی ایران و مملکتی با بر سر کسی عراق و گشتار
 زن و بچه و غیرت میان آنان نیست. جنگ تمام عیار که عراق را و انعام است بدید نیاز به پول و امکانات
 و مهات زیاد و نیروی آرموده چند صد هزاری تنظیم و نوین جنگ دارد و ارتش با با هم و سعش انگیزه
 وارد شدن بجای عراق را ندارد و سارا میان ما هم کتبه انگیزه دارند مانوفا از بچه کسی مخلص بیجی آفوز میزند
 بدون امکانات مصرف می کنیم و خانواده که را بیشتر دانداری کنیم. و لا صدام را سرتق و مطرب و کشورهای
 عربی هم کمک می کنند و خواسته هم آنها ترازن ما و عراق و ضعف هر دو کشور است ما اسرا سارا و اربابانش
 با چنین رالعت بسیار ستمی استعماری خود ادا می دهند.

علاوه بر اینها در سوره نلی و سوره جنید و سوره نلی دیگر موارد زیادی از این قبیل بود که قطعاً اگر واقعیت درست گزارا می‌شد حضرت قبا بموقع تعیین میگرفتید و میدگاره که صحیحتر انجام مید. اکنون هم در نشده اگر علاوه بر سوره نلی یکی با سایر صاحب نظران نیز مسورت شود سارا راه حلها آرا نه دهند و سوارند در مشکلات یار و یاور باشند. اگر از چنین جعمی مشکل از هم چندینای معتقد بنظام و انقلاب و کشور در سارا جنگ و کیفیت فتمه دادن به آن بنحو آبرو مذانه و بیغ اسلام استفاده شود فردا کسی معترض و طلب کار نخواهد بود و از هم مهمتر اینکه از نظام و موقعیت معنوی حضرت قبا نیز چیزی کاسته نمیشود. البته سارا با باشند معتقد با انقلاب و حضرت قبا و لا خود مستقلاً این را بنیابند و حاضر نیستند صد در صد به اراده باشند و این از محتملات آن است. و ممکن است جنگ را حضرت قبا بمجلس شورای اسلامی بعنوان نمایندگان مردم اعلام نمایند با در این مخطوطی با و بالاخره ما پس از فتح خرمشهر هر چه نسبت جنگ اقدام کرده ایم یقیناً باخته ایم، و چه راه ما در دنیا بعنوان قبا و و چون جنگ طلب معرزه شد و مسافران روی طناب دار جمله ملت و حضرت قبا هم نتوانستیم که از جنگی بگریزیم انجام دهم و آنان را قویه نمایم. در این شرایط فریضه ما جمله ای انجام دهم و تپه کنه یار و سارا که راه تصاحب کنیم و چند هزار شهید و مجروح و مصفود برگزیده؟ همانا نمایم و چند تا هم از ازا پس بگیرند در این صورت آیا این جنگ تقویت اسلام است؟! ما برای فتح فاعقد ریزه و مصرف کردیم و چه قدر عسارت آن ما را دادیم و بالاخره ما باید فعلت از ما گرفتند. بالاخره برای این تسلسل بلب و سرشک و گشتار از طرفین مسلمان و کفریب سارا کسی دو طرف باید فکر اسلامی کرد. سیاست نسبتاً قدرتهای حامی صدام دست انقلاب بقد سارا بخون هزاران مسلمان سارا از لطف می و شرف می و زن و بچه و بی گناه آخته کرد تا مجاز به معنوی و در است مملو به انقلاب و اسلام و رهبری را که خطر بزرگی برای قدرتهای استعماری بود که کنند و تالفانه در این سیاست نسبتاً موفق شدند. در نظر توده مردم عراق فرقی بین مملکتی صدام بر سر کسی ایران و مملکتی با بر سر کسی عراق و گشتار زن و بچه و غیرت میان آنان نیست. جنگ تمام عیار که عراق را و انعام است بدید نیاز به پول و امکانات و مهات زیاد و نیروی آرموده چند صد هزاری تنظیم و نوین جنگ دارد و ارتش با با هم و سعش انگیزه وارد شدن بجای عراق را ندارد و سارا میان ما هم کتبه انگیزه دارند مانوفا از بچه کسی مخلص بیجی آفوز میزند بدون امکانات مصرف می کنیم و خانواده که را بیشتر دانداری کنیم. و لا صدام را سرتق و مطرب و کشورهای عربی هم کمک می کنند و خواسته هم آنها ترازن ما و عراق و ضعف هر دو کشور است ما اسرا سارا و اربابانش با چنین رالعت بسیار ستمی استعماری خود ادا می دهند.

ص ۴

مادامیکه من که ارتش و سپاه و نیروی مسلح ما بطور اساسی حذر نشود و این تضاد و تنازع در حدود وظیفه و تقسیم
امکانات بین آنان وجود داشته باشد و منبر و نیروی تمامی با یکدیگر بر خیزد و دست به پا کنند امکان وجود دیگر نیروی
منظم هم آهنگ کمونیست نخواهد بود ، وجود ندارد ، و هر این مناسبتی از هر چیزی بر نامه بر نمی صبح و زمان نیاز دارد .
چنگال که موجب نابودی ملت و دولت و ارزشها شود نه خدا بان چنگال را نهی است و نه ملت .
و خدا نوازه سرخس از هم بترک چنگال هر اردارند . چه با صلح و چه با جنگ تاریخ است . و خود آن تقدیر می رود ای
و عسی ان تکرهوا استیفا و هر غیر لکم غنم با بد در کیفیت آن مسورت و دولت کرد .
پیغمبر اکرم ص در حدیث صلح با مشرکین را با سراط ناگوارتر پذیرفت و خداوند از آن به فتح همین تعبیر فرمود اول
در سوره انفال میفرماید : « و ان تجزوا لکم فاصحح لهما و تکل علی الله انه یوسیع العلیم ، و ان یریدوا ان یجذلوک فان حبسناهم
بما الذی یدکر سفیه و بالمؤمنین . » - در نامه امیرالمؤمنین ع با کاتبان حضرت عین الله است : « و لا تدفن صلیا دعاک
الیه مدوک و لله فیہ رضایا فان فی الصلح دعه جندوک و راجعه من همویک و انما بلادک و لکن الحدیث الحدیث الحدیث الحدیث
بعد صلح فان العده و رجا قارب لیستغفل فخذ بالحزم و اتمم فی ذلک حسن الظن . » (تبع البلاغه کتاب ۵۳)
البته صاحب ملت طاق از ما جدا است و باید ملت طاق را در تقابل حکومت بعثت ملکی و یاری کرد
تا همخوانی ملت افغانستان در تقابل حکومت کمونیستی و دولت شوروی قیام کردند ملت طاق نیز تدبیرا مجاز می شود
و حکومت بعثت را ساقط و با افلا تضعیف نمایند . و اگر جنگ بصورت قیام ملت طاق در تقابل حکومت بعثت بر آید
و ما مستقیما مهاجم بناییم این سوره تحریرا میز هجوم هجوم بر طرب نیز از دولت دشمنان گرفته می شود .
۲ راجع به الحج یعنی دایم و قایم مگر را تا چه اندازه بخترت لگرا کرده اند . بسیار می از افراد مورد اطمینان کم خود
ناظر جریان و در خط مقدم راهپیمایان بوده اند می گویند هم گناه کردن سعید به نیست و من بود راهپیمایان بودند
انجام مولد و بانها هم منجر نشود . و لا در اثر سدی بجهت و بجهت برنامه گی اجمالا هجوم و عمل از طرف بجهت می پنجهت ما شروع
و سوره بدست دشمن داد هر چند دشمن بجهت و تمنا بود و دنبال آنها نه سنگت تا ما را سرکوب کند .
دشمن در سال قبل از آن در موضوع ها سازمی و قرار دادن مواد منفجره در سگهای حجاج با ما عا و لا نه بر خود کرد
و ما اندازه امی اخراج کرد و ما موضوع را برسد که مردم ملکه مغزور شدیم و در سال بعد همین صیبت بزرگی برای عالم
اسلام بر خیز داد و دشمن از موضوع سال قبل نیز بهره برداری کرد . و عا امی عالی اگر ولو بجهت بصورت تعیینی در
بعضی مسوولین حج در سوگرتان انجام می شد و آنان عا تلامه وارد می شدند با بدون اینکه از حضرت عا می بگذریم
و با سنگت موالیم موسوم من که قابل هتر بود .

۲۲ تماشاخانه تضاد افکار و نظریات جناح‌های داخلی بخصوص بنی‌روها بنی‌رو بتراید است و ما که آنها با ت
 تبلوری از آن بود ، انتقاری که همه از حضرت را دارند فکر چاره ای برای از بین بردن این همه اختلاف و تضاد و کج‌روی
 بین روها بنی‌رو در میان و اراکین قدیمی حضرت است . اینکه هر روز یک جناح را مطلق کنیم و دیگران را بیگانه
 نماند بلکه بیگانه بنظر کار اجود در بی داری نیست . باید علاج اصول نمود و به ریشه کج‌روی برد . چرا در مبارزات
 و فداکاریها و اداره جبهه که همه با هم بودند و امروز چنین جناح بندی شده است در هر فرصتی از حضرت را خارج نمود
 همین وضع اختلاف و پراکندگی برای شرکت روها بنی‌رو طرفدار انقلاب گانه است و دیگر بنی‌رو هم جدا و امر یکجا
 و تائیدی نیست ما خودمان را داریم می‌خوریم و خدا را سگ که دشمنان ما جاهلند و از این واقعات بی‌اطلا هستند .
 سرانجام اوضاع فعلی روها بنی‌رو در یک جبهه را به دو دسته طرفدار اسلام امریکایی و طرفدار اسلام با برهنه کتیم نمود
 و هر کدام را با طرفداران از حق بی‌تامله با دیگری در تمام فرصت گنجند آما اگر اجماع تعداد انجمن و جمعیت‌های اسلامی
 داده می‌شد و این تقابل و تنازع حد اقرب بین دو حزب غیر منتسب حضرت را تبلور پیدا میکرد بهتر از این نبود
 که روها بنی‌رو علاوه بر حضرت را و انقلاب بخیر شود و قسمی در تقابل دیگری صف آرایی نماید؟
 ۳ در فایده (چهارم) می‌خواهم موضوع مهم دیگری را نیز تذکر دهم : البته امیدواریم خداوند بخیرتعالی طول عمر شما
 و این انقلاب و کشور بدست خودمان تحویل حضرت و در عصر شجره لیه تعالی فرجه داده شود ، و الا اگر فرضاً فدای ما کرده
 ها در ای رخ دید حضرت را لازم است فکر بعد را هم بکنند الا با آن قدرت و جاه زب که حضرت را در اید و ترس
 که هم جناحها دارند هر طرف حضرت را تسری بر نیند با دیگری هر چند صورتاً بر طرف می‌نمود .
 و برای بعد باید ارگانهای قانونی از قبیل مجلس شورای اسلامی و شوراهای نگهبان و قانون اساسی و علمای مورد و روها بنی‌رو
 مبارز و در سطح بالا که جبهه مردمی هم دارند در همه مناطق باید تقویت شوند تا با حفظ انقلاب و کشور باشند
 و مردم دور آنها سینه بزنند و در دیده می‌دور ارگانها و قانون اساسی و لایحه غیر مستقیم از طرف حضرت را تصنیف می‌نمودند
 و مجرد وصیت نامه حضرت را هر چه با شد به تنها گانه و کارگش نیست .
 از هم برگردانند مردمی فراهم و اسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ۵ رمضان المبارک ۱۳۰۸ مطابق ۲۲/۲/۶۷



پیوست شماره ۱۲۷: مربوط به صفحات ۵۸۰ و ۵۸۲ و ۵۸۴ و ۵۸۵

نامه معظم له به امام خمینی درباره برخی از مشکلات کشور به ویژه مسائل جنگ

تاریخ ۱۳۶۴/۷/۱۶

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک رهبر بزرگ انقلاب آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی پس از سلام بر خلاف میل خود نظر به حساسیت شرائط فعلی کشور و مراجعات مکرر از اقشار مختلف و مسئولین بالا و پایین باین جانب و تشریح دردها و معایب و اشاره به راه حل ها و اصرار بر اینکه تمام مطالب و نگرانیها نزد حضرتعالی منعکس شود به نظر رسید مختصراً مسائل زیر را به عرض برسانم:

۱- در وضع فعلی با آن همه مصائب و مشکلات ناشی از جنگ و فشار قدرت‌های بزرگ و عوامل آنان هیچ اشکالی در مردم ما نیست هر چه است در اداره کشور و انقلاب است. و شکی نیست که مسئولین اکثراً حسن نیت دارند و برای خدمت در تلاش و فعالیتند. اشکال مهم در بعضی از کارهای کلیدی و تصمیم گیری‌های اصلی است که وضع را به اینجا رسانده به نحوی که انقلاب را با خطرات جدی مواجه ساخته است مثلاً نسبت به مسائل جنگ و مشکلات جبهه‌ها در حال حاضر شاید راهی جز تحمل وضع دلخراش موجود نباشد ولی اگر دو سال قبل با وسعت نظر به تذکرات و درد دل فرماندهان متعهد و رزمندگان عزیز که متأسفانه اکثر آنان با دلی پر درد به شهادت رسیدند توجه شده بود فرصت‌ها از دست نمی رفت و امروز راه‌های پیشرفت بر ما مسدود نمی شد ولی چه کنیم که غرور بعضی مسئولین بالا و بی‌اعتنایی آنان به نظرات دیگران کار را باینجا رساند. از حدود دو سال پیش تا حال بسیاری از افراد مخلص ارتش و سپاه و نمایندگان مجلس و افراد روشن و بصیر و متعهد نسبت به تحولات سپاه و ارتش و روش جنگ و اشکالات کار گفتند و نوشتند که از حد خارج بود و ممکن بود از افکار آنان استفاده کرد ولی کسی به آنان توجه نکرد و نتوانستند درد خود را که از نزدیک در جبهه‌ها مشاهده کرده یا از زبان فرماندهان بالا و پایین شنیده بودند باطلاع حضرتعالی برسانند. و هر وقت تصمیمی می گرفتند مسئولینی که حیثیت خود را نزد حضرتعالی و مردم در مخاطره میدیدند جوی می ساختند که آنان موفق

نشوند و گذشت آنچه گذشت و باز هم می‌گذرد.

دو نامه مختصر ضمیمه، نمونه ای کوچک از نامه‌های زیادی است که بعد از هر حمله و شکستی فرماندهان رده دو و سه جبهه‌ها به اینجانب می‌نویسند و با نگرانی شدید و شک در مشروعیت کار خود، باینجانب مراجعه می‌کنند. و من آنچه توانسته‌ام با صحبت‌های خصوصی و عمومی خطاها و اشتباهات و سهل‌انگاری‌های آقایان و فرماندهان بالا را توجیه کرده‌ام ولی هنگامی که می‌گویند واقعیات تلخ و سهل‌انگاری‌ها را عیناً برای آقایان گفته‌ایم و تذکر داده‌ایم ولی توجه نکرده‌اند یا اینکه گناه‌ها را به گردن یکدیگر انداخته‌اند در این صورت چه باید کرد و در جواب آنان چه باید گفت؟!

و وقتی که بعضی از افراد سابقه دار و متعهد از مسئولین سپاه می‌آیند و می‌گویند به داد سپاه برسید که سپاه در حال احتضار است جواب آنان چیست؟!

اشکال مهم این است که کارهای اساسی کشور خلاصه شده در چند نفر با مشاغل و گرفتاری‌های زیادی که دارند. و ایکاش کارهای مهم را به افراد قوی و اهل محول می‌کردند و تنگ نظری و خط و خطوط و رفیق بازی در کار نبود. معمولاً نسبت به هیچ خطا و تقصیری توبیخ و بازخواست نمی‌شود و یا اگر فرضاً بشود توصیه‌ها و تلفن‌ها بکار می‌افتد و موفقیتها هم تشویق و تقدیر بدنبال ندارد. اگر مرجعی قاطع برای بررسی خطاها و ضعف‌ها و تقصیرات منجر به شکست‌های پی در پی در دو سال اخیر در جبهه‌ها وجود داشت و برای جان هزاران جوان که مفت و در اثر بی‌احتیاطی‌ها از دست می‌روند ارزش قائل بودیم اوضاع جنگ و جبهه‌ها بهتر از حال بود.

منبع اقتصاد کشور یعنی خارک را مرتب میزنند و برحسب گفته شاهدان عینی با تیرکمان هم می‌شد هواپیماهای دشمن را زد و افراد تقصیر کردند و می‌کنند چون تعقیبی در کار نیست و پیش‌بینی‌های لازم هم نشده است.

آیا در جبهه مقابل ما هم وضع به همین منوال است؟! نه تندرستی‌های طرف صحیح است و نه سستی‌های بی‌اندازه ما. معمولاً بعد از هر شکستی که بالاخره همه می‌فهمند به جای بررسی دقیق شرائط و عوامل آن و استفاده از تمام نظریات و انتقادات فرماندهان جزء و رزمندگانی که شاهد قضایا و مصائب بوده‌اند یک سری خلاف واقعه‌ها و پیروزی‌های خیالی و تهدیدهای تو خالی در رسانه‌های گروهی و نماز جمعه‌ها تحویل خلق الله داده می‌شود که باعث تعجب حاضرین در جبهه‌ها

می شود و تمام قصورات و تقصیرات زیر پوشش تبلیغات قرار می گیرد و افراد مقصر یا خاطی هیچ گونه احساس ترس یا نگرانی نمی کنند و یا بگردن یکدیگر می اندازند و مرتباً خطا روی خطا و شکست روی شکست نصیب انقلاب و مردم می شود.

۲ - در مورد امور سیاسی کشور هم وضع بهتر از جبهه‌ها نیست. کار جنگ قدرت و خط بازی و تلاش هر طیفی برای تحقیر و حذف حریف خود از صحنه مسئله جنگ و جبهه‌ها را که مسئله اصلی کشور است تحت الشعاع قرار داده تا جایی که عده ای از وزراء از نخست‌وزیر بیگانه اند و بجای هم آهنگی و سعی در رفع مشکلات در فکر خنثی کردن اقدامات یکدیگر می باشند. وزرا گله می کنند که ما از تصمیمات دولت بی اطلاعیم و تصمیمات را در روزنامه می خوانیم و نخست‌وزیر هم مدعی است که وزاری که مرا قبول ندارند به من تحمیل می شود، بزرگترین ضعفی که در دولت وجود دارد و تقریباً آن را در بعضی موارد فلج کرده ناهماهنگی و رو در رویی بعضی از وزرا با نخست‌وزیر است. و هر چند به نظر می رسد که علنی شدن و انتشار تعیین حضرتعالی نسبت به آقای موسوی به صلاح حضرتعالی نباشد چون در آینده اگر ضعفی در کار پدید آید به حضرتعالی مستند می شود ولی فعلاً که صلاح چنین دیده آید و با اظهار نظر حضرتعالی ایشان به مجلس معرفی می شوند اگر همچون گذشته فشار از طریق آقایان برای تحمیل وزرای خاصی اعمال شود کابینه آینده همچون گذشته ناهماهنگ خواهد بود و این معنی صددرصد به ضرر کشور است که نیاز به برنامه صحیح و تصمیمات قاطعانه هماهنگ دارد. این جانب نظرم را هم به آقای خامنه ای و هم به آقای موسوی گفته ام که نباید نخست‌وزیر در انتخاب وزرا تحت فشار قرار گیرد بلکه باید به او آزادی داده شود تا هر کسی را با خود هماهنگ می داند انتخاب کند و متقابلاً رئیس جمهور و مجلس از او کار جدی و انجام مسئولیت و رفع مشکلات موجود را بخواهند و خلاصه باید بهانه تحمیلی بودن وزرا از ایشان گرفته شود.

۳ - در مورد حکم اخیر حضرتعالی به تاسیس قوای سه گانه در سپاه، به نظر می رسد در شرائط جنگی و آمادگی بسیاری از افراد ارتش برای اخلال و فرار و عصیان این تصمیم بسا عوارض نامطلوبی را به دنبال داشته باشد. از اول ممکن بود ارتش را به تدریج و بدون سر و صدا تصفیه و با سرمایه گذاری فکری و تربیتی جاذب و صحیح نه با این سیاسی عقیدتی فعلی اصلاح و آماده کرد و به افراد جوان و فعال آن آموزش‌های

دینی و انقلابی داد با حفظ بافت و نظامی که از مزایای ارتش است. ولی متأسفانه همه تشویق و تقدیر ما متوجه سپاه با همه خط بازی‌ها و جنگ‌های سیاسی موجود در آن شد و ارتش روز بروز تحقیر شد و حکم اخیر حضرتعالی علاوه بر مشکلات اقتصادی آن نداشتن ارزش کافی و تجربه پنجاه ساله به منزله تیر خلاصی بود که آخرین امید ارتش را از جمهوری اسلامی قطع نمود و فعلاً در این شرایط سخت نه ارتش دلگرم داریم و نه سپاه مجهز قوی. زمانی مخلص به عرض رساندم که وجود دو نیروی مسلح مستقل قوی ممکن است در آینده در اثر رقابت برای کشور مشکلات ایجاد کند باید برای آینده ارتش را تصفیه و تربیت و متعهد نمود و حفظ مرزهای کشور در قبال هجوم اجانب را به آن محول نمود. و بسیج هم نیروی مستقل ذخیره باشد که در مواقع ضرورت به کمک ارتش بشتابد.

و سپاه باید به تدریج به داخل کشور باز گردد و از انقلاب پاسداری کند و کمیته به تدریج در سپاه ادغام شود ولی با دستور فعلی حضرتعالی مسئله نزاحم و رقابت ارتش و سپاه به کجا می انجامد خدا می داند. اینکه بارها افسران ما بخصوص خلبانان با هواپیما یا هلیکوپتر به عراق یا جاهای دیگر فرار کرده اند ولی تا حال یک افسر عراقی با همه مشکلات آنجا به ایران فرار نکرده حکایت از دلسردی و عدم اعتماد ارتش ما و دلگرمی ارتش عراق دارد.

۴ - یکی از مشکلات مهم کشور نیز مشکلات امور قضایی و عدم انسجام و عدم جاذبیت دستگاه قضایی است که قهراً افراد فاضل و متعهد کمتر جذب می شوند و با کمبود قاضی و دلسردی قضات و چه بسا رشوه و کم کاری مواجه می باشیم و مشکلات زندان‌ها نیز معلول مشکلات قضایی است.

۵ - بالاخره فعلاً مسئله جنگ تحمیلی مهمترین مسئله است و من مطلعم که بین ارتش و سپاه هم آهنگی وجود ندارد و هیچ یک زیر بار فرماندهی دیگر نمی رود و یکدیگر را قبول ندارند و فعلاً اثر موعظه و نصیحت هم موقت است. و جنگ بیش از هر چیز نیاز به فرماندهی واحدی که مورد پذیرش باشد دارد و الاتلفات زیاد و بازده بسیار کم خواهد بود به نظر می رسد چون آقای خامنه ای تا اندازه ای از وضع جنگ و جبهه و ارتش بااطلاع است، چه مانعی دارد فرماندهی حملات را ایشان عهده دار شوند و چنانچه بنی صدر مدتی در جبهه بود ایشان هم در وقت حملات کارهای تشریفاتی را

رها و با رعایت تستر و احتیاط در جبهه باشند و مستقیماً نظارت و فرماندهی کنند و بلکه در آنجا با مشاهده اوضاع از نزدیک بتوانند بسیاری از مشکلات را نیز حل نمایند. قدرت فرماندهی ایشان از آقای هاشمی بیشتر است. باشد خداوند تبارک و تعالی کمک کند و پیروزی را نصیب لشکر اسلام نماید، ان شاء الله تعالی.

۶- در خاتمه با کمال معذرت از اطاله کلام به عرض می‌رساند: در اثر حساسیت وضع فعلی و پیچیدگی مسائل کشور و انقلاب و بالاتر از همه مسائل جهانی اسلام و مسلمین از یک طرف، و از طرف دیگر کثرت توقعات و انتظارات جهان اسلام از حضرتعالی و سران سه قوه کشور نیز هم کارشان زیاد است و هم در برخی مسائل تخصص ندارند و نمی‌شود همه امور با آقایان محول شود می‌گویند پیغمبر اکرم ده نفر مشاور از قبائل مختلف داشتند لذا بسیار مناسب است حدود ده نفر از صاحبان فکر و بصیرت در رشته‌های مختلف از جنگ و اقتصاد و فرهنگ و سیاست با رعایت تعهد به تدریج شناسایی و انتخاب شوند و ضمناً یکی دونفر هم از افرادی که به انقلاب و اسلام اعتقاد دارند ولی از جهاتی مخالف خوانی می‌کنند نیز در میان آنان باشد تا افکار در اثر برخورد پخته شود و سعی شود از افراد غیر شاغل فارغ البال که فرصت بحث و فکر داشته باشند انتخاب شوند و کار آنان فقط فکر در مسائل کشور و ارائه طرح و خطوط کلی به دولت و مسئولین اجرایی باشد، و در ضمن نتیجه افکارشان نیز ملخصاً به حضرتعالی کتبا یا شفاهاً گزارش شود و از طرف حضرتعالی نیز در مسائل مهم از آنان نظرخواهی شود.

و لازم نیست اسامی این هیئت و نحوه کارشان اعلام شود بلکه باید این شورا علنی و آشکار و شناخته شده نباشند. به نظر می‌رسد این کار اگر فرضاً نفع نداشته باشد ضرر هم قطعاً نخواهد داشت، و این موضوع منافات با مشورت با سران سه قوه کشور یا احاله بعضی از امور به آنان نخواهد داشت.

والسلام علیکم و ادام الله ظلکم الشریف

حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مجلس مبارک رهبر روز انقلاب آیه الله العظمی امام خمینی منظره العالی

تاریخ ۶/۷/۱۳۶۴

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از سلام بر عظام میر خود - نظر بجهت شرايط فعلی کشور و مراجعات مکرر از اوقات مختلف دستوالعمل بالادستی
و تشریح در دو کلاس و غایب دانستن برادران جلالت و همراهی بر اینکه تمام مطالب ذکر شده اند و حضرت را متفکر شود
منظر رسید مختصراً بر تشریح برادران برسانیم :

۱ در وضع فعلی با آنهم مصائب و مشکلات ناشی از جنگ و فراق و تدریجی روزگاری و عوامل آنان هیچ امکانی در مردم مانع
هر چه است در اداره کشور و انقلاب است . دشمنی نیست که مسئولین اکثر احسن نیت دارند و برای خدمت در تلاشند و عقاید
انگلیس‌ها هم در بعضی از کارهای کلیدی و تصمیم‌گیری‌های اصلی است که وضع را با اینها برسانند و بخواهند که انقلاب را با مداخلات عدوی
مثلاً نسبت به تخریب و مشکلات جدید که در حال حاضر در راهی جوخته و وضع را تخریب شود و با ارسال
قبل با وضعیت نظریه‌های مذکرات و در رد دل فرمانده‌کن معتمد و روزمندگان عزیز که تا زمانه اکثر آنان با بی‌پروا در راه
توجه شده بود فرصت از دست نمی‌رفته و امروز با این پیشرفت بر ما می‌دهد و می‌خواهد و با چه کنیم که در بعضی مسئولین بالادستی
آنان نظرات دیگران کار را با اینها رسانند . از حدود دو سال پیش تا حال بسیاری از افراد مخلص ارزش و پسا و توانمندان مجلس
و افراد رؤس و دبیر و معتمد نسبت به تحولات سیاسی و ارزشی در کشور و مشکلات کارگفتند و نوشتند که از هدف خارج بود
و مملکت بود از انکار آنان استفاده کرد و کسی با آنان توجه نکرد و نتوانستند در روزگار از نزدیک در جبهه کسی هم کرده
یا از زبان فرمانده‌کن بالادستی شنیده بودند با اطلاع حضرت را برسانند . و هر وقت تصمیم می‌گیرند مسئولین که احسنت
هنوز از حضرت را و مردم در هر چه میدیدند جوئی می‌ساختند که آنان موفق شوند و گذشت آنکه گذشت و باز هم شنیدند
دو نامه مختصر ضمیمه نمودیم که یکی از نامه‌های زیاد است که بعد از هر جمله و مشکلی فرمانده‌کن رده دو سه جمله که
باین جانب می‌نویسند و با آنکه از نزدیک در مشورت و صحبت کار خود با این جانب ملاحظه می‌کنند . و من آنچه توانسته‌ام
با صحبت‌های خصوصی و عمومی حفظ کرده و نسبتاً آهسته و کم‌کم انکارهای آقایان و فرمانده‌کن بالادستی را ترجمه کرده‌ام
و در هنگامی که می‌گویند واقعتاً تلخ و سرد است انکار می‌کند و اینها را برای آقایان گفته‌ام و چند کرده‌ام و با توجه تکرار
با اینکه گن‌ها را بگردن نگذیرند انداخته اند در این صورت چه باید کرد و در جواب آنان چه باید گفت ؟
و وقتیکه بعضی از افراد سابقه دار و معتمد از مسئولین می‌آیند و می‌گویند با اینها چه باید کرد که بسازد در حال حقیقت است جواب آنان چیست ؟

تاریخ

اشکال هم این است که کار کمی آن سئو خلاصه شده در عهد نغزبان غرور و گرفتاری زبانی که دارند
 و یکجاس کار کمی هم را با افراد قوی و ابر محول میکنند و تند نظری و خط و فطوط و دقیق بازمی در کار نبود
 معمولاً نسبت به هیچ خط و تقصیری توبیح و بازخواست نمیشود و اما اگر فرضاً شود در همه که تلفن که بکار می افتد
 و لوفقیتهای هم تسویق و تقدیر بدینال ندارد . اگر مرجعی قاطع برای بررسی خطا که وصفینا و تقصیرات منحصر
 شدت کمی به روی در دروسان بعد در همه که وجود است و برای جان هزاران جوان که لغت در راست
 به اعیان طمی که از دست میروند ارزش قابل بودیم از صنایع جنگ و جهیده که بهتر از حال بود .
 منبع اقتصاد کشور یعنی چهارک را مرتب میکنند و در عهد گذشته با آن یعنی با آن سرکان هم میدیدیم که
 دشمن رازد و افراد تقصیر کردند و میکنند چون تقصیری در کار نیست و بیس یعنی کمی لازم نمیدانست .
 آیا در جهیده مقابل ما هم وضع همین سوال است ؟ نه تند و دلانی طر و هیچ است و نه سستی کمی به اندازه ما
 معمولاً بعد از هر شکلی که بالاخره هم میفهمند بجای بررسی دقیق شرایط و عوامل آن و استفاده از تمام نظر
 و انتقادات فرماندهان جز در روز منگولان که مع بد قضا یا و لغات بوده اند یک سری خلاف واقعها و بیبروری
 ضایع و تهدید کمی تو حلال در سانه کمی گروهی و ناز جمع که محور خلق اله داده میشود که باعث توجع حاضرین
 در جهیده که میشود و تمام تصورات و تقصیرات زیر پوششی بملففات قرار میگردد و افراد تقصیرات طمی هیچگونه
 احساس ترس یا نظرانی نمیکنند و یا بگردن یکدیگری اندازند و قربان خطا روی خطا و شدت روی شدت نصیب
 انقلاب مردم میشود .

۲

در مورد امور سیاسی کشور هم وضع بهتر از جهیده کمی نیست . کار جنگ قدرت و خط بازمی و تلاش بر طبعی
 برای تحقیر و حذف حریف خود از صحنه مسئله جنگ و جهیده که را که مسئله اصلی کشور است حکمت الشایع قرار داده
 تا جائی که عدله از دراز محنت و زیر شکنانه اند و بجای هم آهنگ و سعی در رفع مشکلات در فکر خشن کردن
 اقدامات یکدیگر میباشند . و زرا را کله می کشند که ما از تصمیمات دولت به اطلاع مردم و تصمیمات را
 در روزنامه بخوانیم و سخت وزیر هم مدعی است که وزرا را که مرا قبول ندارند بسخن مجتنب میشود

تاریخ

بزرگترین صفتی که در دولت وجود دارد و تقریباً آن را در بعضی موارد فراموش کردیم و آن همانکند و رودر و در بعضی از موارد با سخت و زیر است. و هر چند بنظر می‌رسد که علنی شدن و انتشار تعیین حضرتان نسبت با قای موسی اصلاح حضرتان است چندان در آینه اگر صفتی در کار پدید آید بجز صفتان استند می‌شود و لافلاً که صلاح چنین دین است و با اینها نظر حضرتان این مجلس مسخر می‌شود اگر همچون گذشته فن را از طریق ایمان برای تکمیل وزیران فنی اعمال شود که البته آینه همچون گذشته ناها همگرا خواهد بود و این یعنی صدور عهد بفرگشور است که بنا بر نامه صحیح و تقسیمات و اطاعت هم خواهد بود این جانب نظر را هم با قای فایده ای مهم با قای موسی گفته ام که بنا به سخت و وزیر در انتصاب و در ارتقاء فن و در ارتقاء بلکه باید به او آزادی داد و هرگز تا هر کسی را با خود هماهنگ می‌کند و تقابل رئیس جمهور و مجلس را در کار خود می‌دانیم مسئولیت و رفع مشکلات بر عهده او باشد و خلاصه باید به همه تسخیر نمود و در ارتقاء فن در گذشته نمود.

در مورد حکم اخیر حضرتان بنا بر این است که اگر در سیاست و بنظر می‌رسد در شرایط جنگی و آمادگی بسیار در ارتقاء فن برای ارتقاء و عیسان این تصمیم بن عوارض با مطلوبی را بدینسان داشته باشد. از اول ممکن بود ارتش را بدینج و بدون سر و جدا تصفیه و با سرمایه گذارین فکری و تربیتی و فنی و صحیح نه با این مسائل عقدت و اصلاح و آماده کرد و با ارتقاء و در ارتقاء آن امورهای دینی و انقلابی را با حفظ بافت و نظامی که از برای ارتش است. و در تمامه نه همه قوی و تقویت سرمایه با همه خطاها و جنگی که می‌سازد برود در آن شد و ارتش روز بروز مختصر شد و حکم اخیر حضرتان علاوه بر مشکلات اقتصادی آن و در ارتش از گران و بجز به بنیاد ساله نیز خلاصی بود که آخرین امید ارتش را در جمهوری اسلامی قطع نمود و فعلاً در این شرایط سخت نه ارتش دلگرم را دریم و نه سرمایه همز قوی. زمانه مخلص بعضی رساندم که وجود و نیز در مسیح مستقل قوی ممکن است در آینده در ارتقاء برایت برای کشور مشکلات ایجاد کند باید برای آینده ارتش را تصفیه و تربیت و مقهور نمود و حفظ مرکزهای کشور در قبال هجوم الجاب را به آن محول نمود. ولیح هم نیروی مستقر و حیره با شد که در مواقع ضرورت بلیک ارتش بسیار است و سرمایه باید بدینج بدافتر شود باز گردد و از انقلاب با ساری کند و نکته بتدریج در سرمایه ارقام شود و با دستور صفت حضرتان مسئله تراجم و رقابت ارتش و سرمایه یکجای ایجاد خواهد آمد اند. اینکه باره افسران با مخصوصی جلدانان با حواس یا بلیکوتیر بر یا جایگهی دیگر قرار گرفته اند و تا حال یک افسران با همه مشکلات با با بران قرار نکرده حکایت از سردی و عدم اعتماد ارتش با و دیگر هم ارتش بران دارد.

این از مشکلات مهم کشور مشکلات مورد قضای عدم انسجام و عدم جاویدت دستگاه قضای است که تقریباً افراد حاضر هستند که جذب می‌شوند و با نبود قای در سردی قضای و جیب رتبه و کم لاری مواجه می‌باشیم و مشکلات زندانها نیز معلول مشکلات قضای است.

تاریخ

۵ بالاخره فعلاً مسئله جنگ صحیح مهمترین مسئله است و من مطلعم که بین ارتش و سپاه هم آهنگ وجود ندارد و هیچ یک را بر بار فرماندهی دیگر نمی رود و باید بگررا قبول ندارند و فعلاً امر مصلحت و نصیحت مهم تر است و جنگ بی از هر چیز نیاز فرماندهی واحدی که مراد از سرس با سز دارد و الا تلفات زمانی و بارزه بسیار کم خواهد بود بنظر می رسد چون آقایان منته ای با اندیشه ای از وضع جنگ و جنبه و ارتش با اطلاع است چه مانعی دارد فرماندهی عملیات را این شهید دار گویند و چنانچه بنی صدر مدینه در جنبه بود این ام در وقت عملیات کارهای تکراری را در بار رعایت کتبه و نصیحت در جنبه با شنید و نسبتاً نظارت و فرماندهی کند و بلکه در اینجا با من این اوضاع از نزدیک برسانند بسیار از مسکلات را نیز حل نمایند . قدرت فرماندهی این از آقایان کسی بیشتر است .
باستعدادند تا در وقتا کمک کند و بیرون از این را نصیب لشکر اسلام نماید ان شاء الله تعالی .

۶

در خانه با کمال معذرت از اطراف کلام بعضی می رسد : در اثر حجت سبب و وضع وضع و پیچیدگی که من نمی گویم و انقلاب و بالا از همه سز جهات اسلام و مسلمین از یک طرف : و از طرف دیگر کثرت توهمات و انتقادات همان اسلام از طرف دیگر و سران سه قوه کشور هم ناراضان زیاد است و هم در بعضی مسائل مختص ندارند و بیشتر وجه امر در باقی مانده است و میگویند پیغمبر اکرم ده نفر است و در از قضاوت مختلف دانسته که این را ضابط است حدود ده نفر از همه جهات دیگر و بصیرت در رشته های مختلف از جنگ و اقتصاد و فرهنگ و سیاست با رعایت تعهد بتدریج شناسایی و انتیاس می کنند و ضمناً یکی دو نفر هم از افرادی که با انقلاب و اسلام اعتقاد دارند و از لحاظ مخالف فعالیت می کنند نیز در میان آنان باشد تا افکار در آنها بر خورده بخت می شود و سعی شود از افراد غیرین غیر فارغ النعمان که فرصت بجز وقت و فکر داشته باشند انتیاس شوند و کار آنان فقط فکر در سز کشور و ارائه طرح و خطوط کلی بدولت و مسئولین اجراء باشد ، در ضمن بنی افکارشان نیز بعضی بجزه تعالی کتب یا شفا که اگر اثر شود و از طرف حضرت تعالی نیز در سز تمام از آنان نظر خواهی کرد .
و لازم نیست اسامی این هیئت و نحوه کارشان اعلام شود بلکه باید این سزوی عملی و آشکار و شناخته شدن باشند .
بنظر می رسد ان کار اگر فرضاً نفع نداشته باشد ضرر هم قطعاً نخواهد داشت ، و این موضوعی منافات با مشورت با سران سه قوه کشور با اجماع بعضی از امر بانان نخواهد بود - و اسلام علیکم و ادا ام السلام علیکم و آله و سلم



پیوست شماره ۱۲۸: مربوط به صفحه ۵۸۶

نامه معظم له به امام خمینی در مورد ضعف عملکرد شورای عالی قضایی و ایجاد گروه گراییی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام، با اینکه مدتی است موفق به زیارت حضرتعالی نشده ام و تصمیم داشتم برای امور جاریه کشور که طبعاً هر کدام مسئولی دارد مزاحم اوقات شریف نشوم ولی بر حسب احساس و وظیفه شرعی لازم دانستم به نحو اجمال خاطر حضرتعالی را به جریاناتی که در مهمترین ارگان‌های ضامن بقاء انقلاب و کشور می‌گذرد جلب کنم:

۱ - ضعف شورایعالی قضایی و بالنتیجه دادگاه‌های انقلاب به حدی است که افراد صادق و متعهدی که خود در متن آن‌ها هستند می‌گویند اوضاع جاری زندان اوین و بسیاری از زندان‌های شهرستان‌ها از قبیل اعدام‌های بی‌رویه و احياناً بدون حکم قضات شرع یا بدون اطلاع آن‌ها و گاهی به رغم مخالفت با آن‌ها و ناهماهنگی بین دادگاه‌ها و احکام صادره و تاثیر جوها و احساسات و عصبانیت‌ها در احکام صادره و حتی اعدام دختران سیزده چهارده ساله به صرف تندزبانی بدون اینکه اسلحه در دست گرفته یا در تظاهرات شرکت کرده باشند کاملاً ناراحت کننده و وحشتناک است، فشارها و تعزیرات و شکنجه‌های طاقت فرسا رو به افزایش است. آمار زندانیان به حدی است که بسا در یک سلول انفرادی پنج نفر باید با وضع غیر انسانی بمانند حتی به آن‌ها نوعاً امکانات نماز خواندن هم داده نمی‌شود، و به تعبیر یکی از قضات شرع هرج و مرج و خود مختاری مسئولین بازجویی و بازپرسی سخت نگران کننده است. اعدام‌های اخیر معمولاً از مهره‌های رده سوم و چهارم و سمپات‌ها می‌باشد و مهره‌های اصلی کاملاً به کار مشغولند و از اعدام شدگان قهرمان سازی کرده و افراد دیگری را به دام انداخته و به میدان می‌فرستند. اگر مهره‌های اصلی و موثر اعدام می‌شدند و کار توجیهی روی اغفال شدگان انجام می‌شد - نظیر آنچه با گروه فرقان انجام شد - امید

بود که ریشه این گروه‌ها و فکر آن‌ها کنده شود، ولی با زیادشدن آمار معدومین ممکن است در کوتاه مدت جریان ترور ضعیف گردد ولی بالاخره با شکل و تجربیات پیچیده تری جوانه می‌زنند و مشکل همچنان باقی است. زمزمه‌هایی حتی از خانواده‌های متعبد و مذهبی شروع شده که معلوم نیست گسترش نیابد، چون خون طبعاً تحریک‌کننده عواطف و احساسات است، و بالاخره اموری در زندان‌ها می‌گذرد که اگر حضرت‌عالی اطلاع داشتید قطعاً به آن‌ها رضایت نمی‌دادید. البته این مطالب را کسی به حضرت‌عالی می‌نگارد که از اول مخالف گروه‌ها بوده و از آن‌ها هم ضربه خورده و سعی دارد عقل و فکر را حکم قرار دهد و تحت تاثیر احساسات آنی واقع نشود.

۲ - سپاه پاسداران تقریباً به صورت اهرم گروه‌ها و افراد درآمده، در برخوردها و تصفیه‌ها و عزل و نصب‌ها کمتر تقوی و خط اسلام و رهبر مطرح است، و بسا احياناً به جای تصفیه افراد مشکوک یا مظنون افراد صالح و مفید تصفیه و حقوق آنان قطع می‌شود، و پیش‌بینی می‌شود اگر سپاه به این وضع پیش‌برود در آینده نزدیکی این ارگان انقلابی متلاشی یا به صورت یک ارگان انتظامی بی‌خاصیتی درآید. لازم است به هر نحو ممکن سپاه از گروه بازی نجات یابد و نمایندگی حضرت‌عالی در آن به شکل فعال و موثر در آید.

والسلام علیکم و ادام الله ظلمکم

۲۸ ذی القعدة ۱۴۰۱ - حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۲۹: مربوط به صفحه ۵۸۶

نامه معظم له به امام خمینی در مورد سپاه پاسداران و مسائل جنگ

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک رهبر بزرگ انقلاب آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام و دعا برای سلامت وجود حضرتعالی و پیروزی رزمندگان عزیز به عرض می‌رساند: با اینکه می‌دانم حضرتعالی نسبت به مسائل جنگ و آنچه در جبهه‌ها می‌گذرد اهمیت فوق‌العاده می‌دهید و از خسارات جانی اخیر نگران می‌باشید ولی به نظر رسید آنچه را احساس نموده و از طرق مختلف دریافته‌ام برای اسقاط تکلیف به عرض برسانم، والامر الیکم.

اینجانب پس از اطلاع از جریانات مختلف داخل سپاه در طی بیش از یک سال و با اتکاء به گزارش‌های مستند و بدون غرض از طرف افراد متدین و خبیر احساس می‌کنم که سپاه با همه محسناتش و با اینکه خدمات ارزنده سپاه به انقلاب و کشور مغفول عنه نیست ولی مع ذلک با وضع فعلی فرماندهی و خط فکری که دارد، مثل سابق قدرت جذب نیروهای لایق و با کفایت را ندارد و آثار آن در جبهه‌ها کاملاً محسوس است و با اینکه پس از رکود چندین ماهه جبهه‌ها مجدداً با توصیه‌های حضرتعالی و دیگران جبهه‌ها گرم شد و نیروها سیل آسا سرازیر جبهه‌ها شدند ولی مساله مهم کشف رمز عدم استفاده از این همه نیروی بسیج و مردمی است که فعلاً در جبهه جمع شده‌اند و بسیاری از آنان بخاطر نبودن طرحی صحیح یا شهید و مجروح و اسیر و یا بیکار و سرگردان و ناامید از آینده وقت‌کشی می‌کنند، البته این حقیقت که جنگ جنگ است و دشمن مجهز به سلاح‌های مدرن شرق و غرب می‌باشد قابل انکار نیست ولی آنچه موجب نگرانی و تاسف است اینکه با این همه خلوص و فداکاری ملت و جوانان ما چرا مسئولین جنگ نسبت به حفظ جان آنان و تهیه تدارکات ممکنه از پیش و پیش‌بینی راه حلی برای مشکلات محتمله و تهیه طرح‌های پخته و مطمئن که حتی المقدور تلفات کمتر و بازده بیشتر باشد اهتمام ندارند. سپاه که خود را صاحب اصلی جنگ و فتوحات احتمالی آینده می‌داند تقریباً گرفتار یک نحو خودمحوری شده و اصلاً متخصصین نظامی و بچه‌های مخلص جهاد سازندگی را به حساب نمی‌آورد و بلکه آنان را تحقیر می‌نماید و بدون تهیه امکانات لازمه و پیش‌بینی شکست‌های

محتمله و بی‌اعتنایی به اعتراضات و پیشنهادات متخصصین با عجله در چند محور حمله می‌کند و وقتی شکست می‌خورند و تنها در حمله خیبر متحمل چند هزار شهید و بیش از ده هزار مجروح می‌شویم و عده‌ای هم در جزایر مجنون بدون امکانات و تدارکات لازمه محصور می‌شوند و هر آن احتمال تلف آنان می‌رود، تازه به فکر ساختن راه می‌افتند که اقلاً دو ماه طول می‌کشد در صورتی که هدف ما این جزایر نبوده و نیست و آقای سرهنگ شیرازی مدعی است که من تمام این نقطه ضعف‌ها و خطرهای را قبلاً کتبا گوشزد کرده‌ام و توجهی نشد. بجا است حضرتعالی ایشان را بخواهید و از او هم توضیحاتی بخواهید در صورتی که افراد آن‌ها مخصوصاً هوانیروز خدمات شایانی انجام دادند و می‌دهند و بچه‌های جهاد هم می‌گویند ما پیشنهاد کمک کردیم و رد شد ولی حالا از آن‌ها کمک می‌خواهند. مساله مهمتر اینکه چند شکست فاحش متوالی را که ملت ایران و همه دنیا فهمیدند پیروزی قلمداد و برای جبران حیثیت خودشان از حضرتعالی مایه می‌گذارند، بجا است حضرتعالی فقط به گزارش مسئولین اکتفا نکنید و یا اقلاً آن‌ها را محور فرمایشات خود قرار ندهید چون فرمایشات شما در سطح جهان منعکس می‌شود- الان فرمایشات حضرتعالی و صحبت‌های آقای هاشمی جداً مورد سؤال و اعتراضات افراد مخلص شده است و از جبهه‌ها زیاد سؤال می‌کنند که ما شاهد حقایق هستیم چرا تا این اندازه مطالب خلاف واقع گفته می‌شود، اظهارات خلاف واقع در روحیه خود رزمندگان که در صحنه هستند اثر معکوس دارد و آنان را دلسرد می‌کند. البته بسا مثل آقای هاشمی یا صدا و سیما لازم باشد برای حفظ روحیه‌ها مطالبی حماسی بیان کنند ولی نه اینکه صریحاً خلاف واقع باشد و نه اینکه چندین میلیارد بشکه نفت جزایر مکرراً عنوان شود و قداست هدف ما را در جنگ لکه دار کند و مردم عراق را علیه ما تحریک نماید و رادیو عراق هم روی آن مانور بدهد، ما هم در چیلات هم در جزایر هم در خیبر شکست خوردیم و بسیاری از بچه‌های معصوم بی‌تجربه تعلیمات ندیده را به شهادت یا اسارت دادیم و دنیا را پر از تبلیغات غلط کردیم در صورتی که نه راه بصره بغداد را قطع کردیم و نه در تیر رس ما است و نه بین دو سپاه عراق جدایی انداختیم و تنها در حمله خیبر چندین هزار شهید و بیش از ده هزار مجروح و عده‌ای اسیر دادیم، از یک شهر کوچک نجف آباد حدود پانصد نفر شهید و مفقود شدند و بعلاوه نیروهای ما در جزایر مجنون بدون امکانات و نداشتن مهمات سنگین هر آن در معرض خطر شهادت یا اسارت می‌باشند، حالا مسئولیت

این همه تلفات و خسارات و مسئولیت علافی و سردرگمی صدها هزار نیروی معطل که اگر به کار گرفته نشوند پراکنده می شوند و دیگر به این زودی‌ها جمع آنان میسر نیست با چه ارگان و چه شخصی است خدا می داند؟

برای جبهه و جنگ باید فکر اساسی بشود و با تضاد ارتش و سپاه جنگ منظم و تحصیل پیروزی بسیار بعید است، و همین طور که در ملاقات اخیر عرض شد اطراف بصره همه خور است و شط است و رودخانه و مشکلات الی ما شاء الله، وانگهی فرضاً بصره فتح شود عراق فتح نشده است. عراق بدون بصره مفروض است، ولی عراق بدون بغداد فرض نمی شود و به جای ریختن این جوانان عزیز در خور و شط اگر دو نیروی مجهز تهیه می شد یکی برای شکستن خط دشمن در جبهه مندلی و دیگری برای حرکت به طرف بغداد احتمال پیروزی بسیار قویتر بود، از مندلی تا بغداد حدود صد کیلومتر است و اگر بغداد در تیر رس تیرهای ما قرار بگیرد سقوط صدام تقریباً حتمی است البته اگر تصمیم گرفته شد باید فکر همه جوانب بشود. در خاتمه یک نکته اساسی را یاد آور می شود و آن اینکه تضاد سپاه و ارتش و خود محوری سپاه و تحقیر ارتش برای آینده کشور خطرناک است، من در روزهای اول تصویب قانون اساسی این جهت را پیش بینی می کردم منتهی نظر بر این بود که وظیفه ارتش دفاع از کشور است در مقابل دشمن خارجی و وظیفه سپاه پاسداری از انقلاب و حفظ آن در مقابل دشمنان داخلی است؛ و بالاخره باید برای آینده بر این اساس طرح ریزی شود. پس باید روی ارتش کار شود و تصفیه و تهذیب گردد و نیروهای مردمی و بسیج هم به آن وابسته شود تا یک ارتش قوی و مجهز و متخصص در فنون نظامی داشته باشیم، همه چیز در دنیا تخصص لازم دارد. قطعاً جنگ و امور نظامی بیشتر به تخصص نیاز دارد چرا با اینکه عراق از نظر جمعیت ثلث ایران است و نه سپاه دارد و نه بسیج حدود چهار سال است می‌جنگد، این امر فقط برای ارتش مجهز و متخصص آن است. حالا اگر تعهد و تهذیب دینی و اخلاقی نیز به تخصص و نظم ضمیمه شود قهراً نیروی ایده آلی خواهد بود. از بی نظمی‌های سپاه اینکه حدود بیست فقره انفجارهای مهم در مهمات ما به وسیله سپاه رخ داده و این بی نظمی‌ها در ارتش وجود ندارد. نامه به طول انجامید و مطالب تمام نمی شود و رعایت حال حضرتعالی برای ما از اوجب واجبات است.

والسلام علیکم و ادام الله ظلکم

۳ ج ۲ - ۱۴۰۴ - حسینعلی منتظری

محضر مبارک رهبر بزرگ انقلاب آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام، پیرو نامه قبل مختصراً به عرض می‌رساند:

۱ - آقای هاشمی رفسنجانی در تلفن با ناراحتی می‌گفت که آقا فرموده اند: یک وقت فلانی کلمه ای می‌گوید. آیا حضرتعالی احتمال داده اید که من فکر نکرده مطلبی را که محرمانه به حضرتعالی نوشته ام در ملا عام هم بگویم و یا اشکال به اصل نوشتن اینجانب بوده است؟

۲ - با وجود این همه نیرو از طبقات مختلف در جبهه‌ها و بودن فضلا و اهل علم در آنجا، قهراً اخبار جبهه‌ها در انحصار افراد خاص نیست و از کانال‌های مختلف اخبار جبهه و اعتراضات می‌رسد.

۳ - برای مردم چه باید گفت یک مساله است، و بررسی دقیق از آنچه واقعا در جبهه‌ها انجام شده و می‌شود مساله دیگری است و جواب اسکاتی و توجیهی به مردم نیز اثر موقت دارد.

۴ - منظور این نیست که نباید جنگید منظور این است که از کجا باید حمله کرد و به چه نحو باید جنگید و آیا جان این همه جوان‌های مردم که در اثر بی‌اعتنایی و بی‌احتیاطی و پخته نبودن طرح‌ها و طراحین و نرساندن مهمات با تمکن و شناسایی نکردن منطقه تلف می‌شوند ارزش دارد یا نه؟ و جواب مردم و معترضین را چه باید گفت؟ و آیا هر چیزی به تخصص نیاز دارد ولی جنگ به تخصص نیاز ندارد؟

۵ - آیا گزارش افراد خاص فقط معتبر است، و یا به گزارش فرماندهان نظامی و مسئولین جهاد سازندگی و نماینده خود حضرتعالی در جهاد و بعضی از فرماندهان رده دوم سپاه که همه در صحنه بوده و معترضند نیز باید گوش داد.

۶ - ضمناً در حمله خیبر فقط، تلفات نجف آباد فقط از قرار معلوم حدود هزار نفر است.

حسینعلی منتظری

شماره.....

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حضرت مبارک و ابریز در انقلاب آیه در العظیم انهم منعی منظم التوا

میں از سلام و دعا و برای سلامت وجود حضرت و پیروزی رزندگان عزیز بعضی سزاوارند
 با اینکه میدانم حضرت نسبت به من تر جیبک و آنچه در جیبم کم میکند و اهمیت فوق العاده
 میدهد و از رفتارات جانان عزیزان می بایستد و لا ننظر سدا آنچه را الا من محموده
 و از طرق مختلف دریافتیم ام برای اوقات تکلیف بعضی برسانیم و الا اعز اللهکم
 این جانب میں از اطلاع از جوایز نامات مختلف و نظریات در طی بیست و یک سال
 و با آنکه به گزارشهای مستند و بدون غرضی از طرف افراد متدین و غیر متدین
 که بسیار با همه محبتش و با اینکه خدمات ارزنده بسیار با انقلاب و کشور معقول
 و لا مع ذلك با وضع فضا فرماندهی و سازماندهی و خط فکری که دارد مدتها طولی قدرت
 جذب نیروهای لایق و با کفایت را ندارد و آثار آن در جیبم که کار محسوس آنست
 با اینکه پس از گذشتن ماهه جمیع کم مجدداً با آن حضرت تال و دیگران جیبم گرا
 و نیز و که سید آن سر از جیبم کم کردند و لا مثله لهم کف و فرغ عدم استغایم از
 این هم نیروی بیخ و بر روی است که فعلاً در جیبم جمع شده اند و بسیاری از آنان
 بخاطر نبودن طرحی صحیح یا نرسیده مجموع در سر و یا سایر و سرگردان و نا امید از آسند

شماره

(۲)

وقت کسی می‌کند - البته این حقیقت که جنگ جنگ است و دشمن جزیرت بی‌ایمانی
 بدون تشریح و مغرب می‌باشد تا بر انکار نیست و لایحه لویب نگراند و آنست
 اینکه با این همه خلوص و دراکاری ملت بعد از آن ماجرا متولین جنگ نسبت به حفظ
 جان آنان و آینه مدارکات عملی که از پیش و پیشین نگاه کلی برای مشکلات محمله
 و آینه طرح‌های خنثی و مطمئن که همی المعاد در تلفات کمتر و بازده بیشتر باشد اهتمام ندارند
 سپاه که خود در اصل با هم جنگ و فتوحات آنها استند میدانند تقریباً گرفتار یکدیگر
 خود محو می‌شوند و اصلاً تخصصی نظامی و جنگی نمی‌توانند در زندگاری بی‌سلی آرد
 و بلکه آنان را تحفه می‌نماید و بدون آینه اطلاعات لازم و پیشین بینی شرکت همی محمله
 و با بی‌اعتنائی با همه آنهاست و پیشین‌دادات تخصصی با جمله در چند محور عمل می‌کند
 و وقتی شرکت می‌فرزند و تنها در عمل جنبه تخریب هزاران می‌دهد و بیش از ده هزار مجروح
 و عده ای هم در جزایر محزون بدون اطلاعات و مدارکات لازم محصور می‌شوند و هر آن که
 تلفات آنان می‌رود تازه بفکر ساقی راه می‌افتند که اولاً دو ماه طول می‌کشد در صورتیکه
 هدف ما این جزایر بوده و نیست و اما هر جنگی بی‌سازشی است که تمام این نقطه
 ضعفها و خطرات را قبلاً نسبتاً گوشه نگردیم و توجهی نداشتیم تا آنکه در اینجا
 و از او هم تو صحنه که بخواهد در صورتیکه افراد آنها مخصوصاً هوای روز خدمات را با انجام دادند
 و می‌دهند و یکی هم با هم می‌کنند ما پیشین‌دادات کردیم و در نتیجه و اصلاح از آنان که همی خوانند

(۳)

شماره.....

مسئله مهمتر آنکه چید شکست فاحش بود از آنکه ملت ایران و هم دنیا فهمیدند پیروزی تملک و برای همرا
 هیت خود در آن از حضرت تا امامیه میگذرانند بجا است حضرت تا نقطه بگذرانند متوالی اتفاق میکنند و اتفاقاً
 آنها را محور فرمایش خود قرارند چید چون فرمایش است در سطح جهان نفی شود - الان فرمایش است
 حضرت تا و صحبتهای آقای که سعی جدا نمود در سوال و اعتراضات افراد مخصوص نیست و از جمله که ز مادر کوال
 میکنند که ما نهد عقابان بدیم چرا اما این اندازه مطالب خلاف واقع گفته میزود اظهارات خلاف واقع در روایت
 خود در زندگان که در حق نیستند اگر معکوس دارد و آنان را دل سرد می کند البته با مشرف آقای که نمی یابند
 و سه لازم باشد برای حفظ و صحت مطالبی همانی بیان کنند و نه اینکه هر کجا خلاف واقع بامد و نه اینکه
 چیدنی میسازد بلکه گفت چرا که مکرراً عنوان شود و قدرت هدف ما را در جنگ لاله دار کند و مردم را
 علیه ما تحریک نماید و در ادبی عراق هم روی آن تا نور بدید ما هم در عیالات هم در خواب هم در ضمیر
 شکست خوردیم و بسیاری از کجی عصوم به تجربه تعلیمات ندیده را الهامات با اس است داریم
 و دنیا را بر از تبلیغات غلط کردیم در صورتیکه نه راه بصره بغداد را قطع کردیم و نه در سترش ما است
 و نه بین دو سپاه عراق جدا انداختیم و تنها در حمله چید چیدین از ارشید و بیلی ازده نیز از جروج
 و علمه اسیر داریم از یک کفر که کف از کرد و با ضد نفی شدند و نفی شدند و بعلاوه نیز و کجی ما
 در جوار مجنون بدون امکاظانات و نداشتن جهات سنگینی بر آن در بعضی خطبهها است یا اس است
 می بماند حال استوکیست این همه تلفات و خسارات و استوکیست عیالات و سردرگمی صد که هزار نیزی
 معطل که اگر بکار گرفته نشود بر کف میزند و دیگر به این زود با جمع آنان میسر نیست یا چه ارکان
 و چه کس است خدا میداند؟ برای همه جنگ باید فکر اساسی نبود و با نهاد ارتش و سپاه جنگ
 و خصم پیروزی بسیار بعید است - و همین طور که در ملاقات لفر و فرزند اطراف بصره هم خود را
 دلتا است و در دهان و شکلات الامان در رسم و انلی فرضا بصره فتح نمود عراق فتح نشد

(۴)

شماره..... ن

عراق بدون بهره نفوذ نیست و عراق بدون بغداد فرض نمیشود و بجای کنجانی این بودا
 عزیز در مورد عراق اگر در نزدی که گفته شد می‌باشد برای مسکن خط دشمن در جهه
 دیگری برای دولت بطرف بغداد احتمال پیروزی بسیار قویتر بود از منتهای بغداد است
 حدود صد کیلومتر است و اگر بغداد در تیردن توپهای ما قرار بگیرد سقوط صدام تقریباً
 البته اگر تصمیم گرفته شد باید فکر هم جوانی بود در فاصله بینکته اسامی را با او آورد
 و آن اینکه تضاد سپاه و ارتش و فرود محوری سپاه و تحفه ارتش برای آسند شود خطانگ
 من در روزهای اول تصویب قانون اسامی این است رایس یعنی میگردم تنها نظر برای بود
 که وظیفه ارتش دفاع از کشور است در تقابل دشمن نظامی و وظیفه سپاه پاسداری از انقلاب
 و حفظ آن در تقابل دشمنان داخلی است و بالاخره باید برای آسند برای اسامی طرفه از من بود
 پس باید روی ارتش کار شود و تصفیه و تعدیل گردد و نیز در گیتی مردمی بسیار هم به آن وابسته
 شود تا یک ارتش قوی و مجرب و تخصص در فنون نظامی داشته باشیم همه چیز در دست تخصص لازم دارد
 قطعاً جنگ و الود نظامی بیشتر به تخصص نیاز دارد چرا که با اینکه عراق از نظر جمعیت ملد ایر
 است و نه سپاه دارد و نه هیچ و لا حدود چهار سال است می‌شد که این امر فقط برای ارتش
 مجرب و تخصص آن نیست حالا اگر تعداد و تعدیل و تعدیل دینی و افلاک نیز به تخصص و نظم ضمیمه
 قدرتی از دیدار خواهد بود از بی نظمی کپی سپاه اینکه حدود بیست فقره انجمن را می
 هم در راهات ما بوسه سپاه رفع داده و این به نظمی در ارتش وجود ندارد .

نامه بطول اینجا می‌رسد مطالب تمام نمیشود در عایت حال نظر شما را برای ما از او بخواهیم

والسلام علیکم وادام الهم ظلمکم ۱۴۰۴/۲۸/۳

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی منظره العالی

۱. پس از سلام بیرون نام قبل مختصراً بعضی پرسیدند: آقای خمینی در اینجا در این باره چه میگویند که آقا فرموده اند: بد وقت فلان کلمه ای بگویند. آقا حضرت در اجتهاد داده اند که عرض نموده مطلبی را که محرمانه بوده است نوشته ام در ملاعام ام بگویم و یا اسئال با همه نوشتن این بجانب بوده است؟
۲. با وجود این همه نیرو از طبقات مختلف درجهبندی که بود در اینجا و در اینجا چه اجتهاد در اجتهاد افراد خاص نیست و از کارناهای مختلف اجتهاد و اجتهاد است میرسد.
۳. برای مردم چه باید گفت بد مسئله است و بررسی دقیق از آنچه واقعاً درجهبندی انجام میدهد مسئله دیگری است و جواب است و جوابی مردم نیز از وقت دارد.
۴. منظور این نیست که نباید جنگید منظور این است که از بی باید جنگ کرد و به چه نحو باید جنگید و آیا جهان این همه جوانهای مردم که در اثر بی اعتنائی و بی اهمیتان و بیختم نبودن طرفین و طراپین و نرسیدن مهلت با تکی و شناسایی نکردن منطقه تلف نمیشوند از زنده ماندن و جواب مردم و معترضین ما چه باید گفت و آیا هر چیزی به تخصص نیاز دارد و دیگر به تخصص نیاز ندارد؟
۵. آیا گزارش افراد خاص فقط معبر است و یا به گزارش فرماندهان نظامی و مسئولین جهاد سازنده و فرماندهان و جوانان در جهاد و بعضی از فرماندهان رده دوم سپاه که هم در محنت بوده و معترضان نیز بدگوشی داد.
۶. حتماً در محکم جنبه فقط تلفات محف است و بعد از آن معلوم حدود هزار نفر است.

پیوست شماره ۱۳۰: مربوط به صفحات ۵۸۷ و ۶۰۷

نامه آقای منوچهر قربانی فر در مورد مک فارلین، که رونوشت آن را برای معظم له ارسال نموده بود.

بکلی سری

۶۵/۴/۱۸

گزارش در ده صفحه

بنام خدا

برادر عزیز و ارجمندم، آقای محسن کنگرلو

با عرض سلام، لازم است در مورد مسئله آمریکایی‌ها که یک سال است وقت همه را گرفته و هم اکنون شکل و حالت ناخوشایندی بخود گرفته است، نکات ذیل را بعرض برسانم. اگر بخاطر داشته باشید من روز دوشنبه و سه شنبه ۹ و ۱۰ تیر ماه جاری مذاکرات مفصلی تلفناً با جنابعالی بعمل آوردم و گفتم سیاست یعنی موقع شناسی و بهره برداری از موقعیت‌ها و شناخت زمان‌های مساعد و مناسب برای بهره برداری و گرفتن امتیازات، من توضیح دادم که روز جمعه ۱۳ تیرماه جشن دویست و دهمین سالگرد استقلال آمریکا و جشن یک صدمین سال برپایی مجسمه آزادی در نیویورک است و بدین مناسبت جشن بسیار با شکوهی به نام روز آزادی در نیویورک در پای مجسمه آزادی برپا می‌گردد که آمریکایی‌ها آنرا جشن قرن می‌نامند و رئیس جمهور آمریکا و رئیس جمهور فرانسه میهمانداران این جشن خواهند بود، چون روز آزادی و جشن آزادی است اگر ما روز پنج شنبه ۱۲ تیرماه وساطت کنیم و کشیش گروگان آمریکایی در بیروت را آزاد کنیم و او در این جشن حضور یابد، چون یک مرد روحانی نیز می‌باشد می‌توانیم بهره برداری زیادی نموده و بسیاری از خواسته‌های خود را از آمریکایی‌ها بگیریم که البته طبق معمول کسی به این توصیه من گوش نکرد، در حالی که آمریکایی‌ها انتظار داشتند ما حداقل این قدم را برایشان برداریم.

به هر حال آمریکایی‌ها می‌گویند، پس از آنکه سال قبل ایرانی‌ها با وساطت خود موجب آزادی یک کشیش آمریکایی (W.WIER) گرفتار در بیروت را فراهم آوردند. که البته ما هم قبل از این کار ۵۰۴ موشک TOW به عنوان نشان حسن نیت و یک قدم مقدماتی در اختیارشان گذاردیم، و در طول سال گذشته یعنی از آن زمان تا کنون ما آمریکایی‌ها قدمهای مثبت و سازنده ذیل را به نشان حسن نیت و نهایت احترام به رژیم جمهوری اسلامی برداشته ایم ولی در مقابل ایرانیان کوچکترین قدم و یا نشانی در جهت بهبود روابط حتی به طور سری برنداشته‌اند.

- ۱ - پس از آزادی کشیش هرکجا و هر زمان مقامات آمریکایی نامی از کشورهای حامی تروریسم و تروریسم پرور به میان آوردند نام ایران نبوده و ریاست دیوان عالی کشور آمریکا در یک مصاحبه رسمی از کشورهای لیبی، سوریه، یمن جنوبی، کوبا، به نام کشورهای حامی و تقویت کننده تروریسم یاد کرد.
- ۲ - در رابطه با جنگ ایران و عراق، وزارت خارجه ما طی اعلامیه رسمی استفاده از سلاح شیمیایی را به شدت محکوم کرد.
- ۳ - سفیر آمریکا در سازمان ملل اولین کسی بود که رای به محکومیت رسمی عراق برای کاربرد سلاح‌های شیمیایی داد.
- ۴ - اعلامیه رسمی در مورد سازمان مجاهدین خلق که سازمانی تروریستی و مارکسیستی است و بخشنامه به کنگره و کلیه کمپانی‌ها و موسسات آمریکایی و توقف هرگونه مساعدت به مخالفین رژیم جمهوری اسلامی ایران.
- ۵ - مخالفت با کاهش قیمت نفت، بطوری که معاونت ریاست جمهور آقای جورج بوش در دو سخنرانی و مصاحبه رسماً اعلام داشتند، سقوط و تنزل قیمت نفت در نهایت به ضرر ایالات متحده آمریکا خواهد بود و قیمت نفت باید افزایش یابد.
- ۶ - اعزام دو هواپیمای آمریکایی با بیش از یکهزار موشک TOW در دو نوبت با قیمت تمام شده برای خودمان.
- ۷ - فرستادن یک هیئت عالی‌رتبه ۵ نفره از کاخ سفید و وزارت دفاع برای ملاقات با آقای کنگرلو و هیئت همراه ایشان و دادن قسمتی از اطلاعات نظامی مقدماتی در مورد عراق که قرار شد در جلسات بعدی و توافق نهایی اطلاعات کاملتر و جامع در اختیار گذارده شود.
- ۸ - ورود هیئت بسیار بلند پایه کاخ سفید به ریاست آقای رابرت مک فارلین دستیار و مشاور ویژه آقای ریگان و ۵ نفر همراهان سویل و نظامی عالی‌رتبه و اقامت چهار روزه آن‌ها در تهران که بیش از یک پنجم وسائل یدکی سیستم موشکی مورد درخواست را نیز با خود همراه آورده بودند، بعلاوه اطلاعات کامل نظامی و فنی و اطلاعاتی در مورد چگونگی تهدیدات دولت روسیه شوروی نسبت به ایران و طرح نظامی و سیاسی آن دولت با جزئیات کامل برای هجوم به خاک ایران و فعالیت‌های روسیه شوروی در کردستان - بلوچستان - عراق و همکاری‌های آن دولت با مخالفین کمونیسم رژیم اسلامی و مهم تر از همه اعلام نظر صریح و روشن دولت آمریکا که ما رژیم جمهوری اسلامی را تثبیت شده و مورد احترام می دانیم و هیچ گونه مخالفتی با آن نداشته و تعهد می کنیم که به هیچ وجه قصد تحت نفوذ درآوردن و یا تغییرات و یا دخالتی در امور داخلی آنرا نداریم و سپس تسلیم صورت جلسه کامل و موافقت نامه ای بود که نشان دهنده حسن نیت و همراهی کامل آمریکا با جمهوری اسلامی بخصوص در رابطه با

جنگ و مسائلی است که این رژیم را تهدید می کند (لطفاً آن صورت جلسه را مجدداً و دقیقاً مورد بررسی قرار دهید).

آمریکایی‌ها می گویند، می دانید که چه رفتار توهین آمیز و غیر دوستانه ای با ما به عمل آمد و دست خالی ما را که سفیر دوستی و یاری بودیم باز گرداندند، که شرح آن را خود آقایان بهتر از هرکس می دانند.

همانطور که آگاهید مقامات آمریکایی در تهران بارها تاکید کردند که در مقابل آنچه پیشنهاد نموده اند فقط انتظار دارند که مقامات ما وساطت و ریش سفیدی نموده و با استفاده از نفوذ مذهبی و معنوی خود موجبات اخلاص چهارنفر گروگان آمریکایی را که بیش از دو سال است در بیروت گرفتار شده اند فراهم آورند و با این عمل انسانی هم خانواده‌ها و فرزندان خردسالی را که به انتظار دیدار پدرانشان می باشند خوشنود فرمایند و هم دست مقامات آمریکایی را از هر نظر باز کنند تا با پشتیبانی‌های سرّی و لازم در پشت سر شما قرار گیرند.

آن‌ها صریحاً روشن کردند که از نقطه نظرهای سیاسی، اقتصادی، تسلیحاتی آمادگی کامل همه گونه همراهی و همکاری را دارند ولی بشرط آنکه این مساعدت‌ها به حساب گروگان‌ها گذاشته نشود و به حساب حسن روابط و حسن نیت و دوستی و مهر ایالات متحده آمریکا منظور گردد.

قبل از آمدن من و هیئت آمریکایی به تهران یعنی چهارم خرداد ۶۵ توافق کلی بر این مبنا بود که به محض ورود هیئت عالیرتبه و بلند پایه آمریکایی به تهران که مقداری از وسائل مورد درخواست را با خود خواهد آورد، مقامات ایرانی با وساطت فوری موجبات آزادی یکجا و دست جمعی گروگان‌های آمریکایی را در بیروت فراهم آورند و بلافاصله پس از آن بقیه وسائل مورد درخواست ایران وارد تهران گردد و هیئت آمریکایی آنقدر در تهران بماند تا بقیه تجهیزات از جمله رادارهای بزرگ H.P نیز وارد تهران شوند. نسبت به تامین بقیه نیازهای تسلیحاتی ایران توافق و تعهد رسمی به عمل آمده و در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی نیز موافقت‌های سری حاصل گردد و پس از انجام تمام این مراحل آمریکایی‌ها تهران را ترک نمایند، اما با اینکه هیئت ده نفری آمریکایی و هواپیمای غول پیکر اختصاصی آن‌ها چهار روز در تهران ماند ولی متأسفانه به جایی نرسیدیم، بخوبی بخاطر دارید که در روز آخر اقامت آن‌ها جناب آقای دکتر نجف آبادی در حضور جنابعالی و آقای دیگر چندین بار اصرار کردند که موافقت شود که فعلاً وساطت شود و دوگروگان آزاد گردند ولی آقای مک فارلین نپذیرفتند و جواب داد ما اینجا آمده ایم که مسائل اساسی و استراتژیک و مهم را حل و فصل کنیم و در کنار شما بایستیم و اینکار باید یکجا حل شود تا مشکلی در این راه نباشد و راه یک باره برای همه

چیز و همه کار هموار گردد. لازم است خاطر نشان سازم در سال ۱۹۸۵ چهل و پنج هزار و هفتصد و سه نفر آمریکایی جان خود را در بزرگ راه‌های آمریکا از دست دادند و در همان سال یکهزار و سیصد و یک نفر آمریکایی در اثر گیرکردن لقمه در گلویشان فوت کردند (شکموها) ما نباید آمریکایی‌ها را چنان تحت فشار بگذاریم که این چهارنفر را هم جزو آمار فوق به حساب آورند و ما این فرصت تاریخی را همراه با یک سال رنج و مشقت و صرف هزینه‌های فوق العاده برای من از دست بدهیم.

می دانید که ۴۵ روز است اینکار گره خورده، من به شما اطمینان می دهم که آمریکایی‌ها نه می توانند و نه خواهند توانست قدمی دیگر در این راه بردارند، مگر آنکه ما حداقل آنچه را که آقای دکتر نجف آبادی اصرار می کردند در ابتدا و مقدمتاً انجام دهیم و به نظر من هرچه می خواهیم بکنیم و یا هر تصمیمی دارید باید ظرف دو سه روز آینده به مرحله اجرا درآید. اکنون فقط سه راه حل وجود دارد، من آن‌ها را کاملاً راضی نموده و با هر سه راه حل موافقت که البته به نظر من قویاً توصیه می کنم که راه حل اول را انتخاب فرمایید.

۱ - شما مبلغ وسائل وارد شده به علاوه وسائل کسری ۱۷۷ قلم را نقداً و فوراً بپردازید و مابه التفاوت بقیه ۲۴۰ قلم و مبلغ دو H.P را چک بانک ملی ایران شعبه لندن به تاریخ ۳۰ ماه ژانویه یعنی ۲۱ روز دیگر بدهید.

۲ - در همان شب وساطت نموده و دونفر را از گروگان‌ها را آزاد نمایید.

۳ - آمریکایی‌ها تا حد اکثر ۲۴ ساعت بعد از این عمل کلیه ۲۴۰ قلم کالا یعنی حدود چهار هزار عدد وسائل یدکی و دو H.P گول پیکر را در تهران و بندرعباس تحویل خواهند داد.

۴ - بلافاصله پس از تحویل کامل و دقیق کلیه وسائل فوق شما نسبت به آزادی دو گروگان باقیمانده اقدام فوری نموده و ضمناً از نظر انسانی و مذهبی وساطت نمایید تا محل دفن گروگانی را که سال قبل فوت شده است (W.BUCKLY) نشان دهند تا جسد او نیز به آمریکا حمل و در کنار گور مادرش که چنین وصیت نموده است دفن گردد.

۵ - ۷۲ هفتاد و دو ساعت پس از تحویل کلیه ۲۴۰ قلم وسائل هاگها و دو H.P و آزادی تمام گروگان‌ها، هیئت بلند پایه آمریکایی در ژنو یا فرانکفورت یا تهران به نظر شما حضور خواهند یافت و دقیقاً در مورد مفاد صورت جلسه پیشنهادی اقدام نموده و متعهد خواهد شد و به علاوه بقیه H.P.S - اچی پی ها- و وسائل یدکی هلی کوپترها و کلیه احتیاجات مورد نیاز ارتش ایران را بررسی و در این مورد توافق و تاریخ تحویل آن‌ها مشخص و معین می گردد، درحالی که آماده اند کارشناسان فنی و ماشین آلات آزمایشی و تعمیراتی را نیز بلافاصله اعزام دارند.

راه حل دوم که زمان بیشتری گرفته و در دسرهای بیشتری دارد:

- ۱ - شما مبلغ وسایل وارد شده به علاوه وسایل کسری ۱۷۷ قلم را نقدا پرداخته و مابه التفاوت ۲۴۰ قلم را چک بانک ملی ایران شعبه لندن به تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۱ روز دیگر صادر و تحویل فرمایید.
- ۲ - در همان شب وساطت نموده یکی از گروگان‌ها را آزاد نمایید.
- ۳ - آمریکایی‌ها ۱۲ ساعت بعد از این عمل کلیه ۲۴۰ قلم کالا را در تهران تحویل خواهند داد.
- ۴ - بلافاصله پس از تحویل کامل و دقیق ۲۴۰ قلم در تهران باید وساطت نموده و در همان روز دو گروگان دیگر آزاد گردیده و مبلغ دو H.P را همان روز پرداخت فرمایید.
- ۵ - حداکثر ۲۴ ساعت پس از آزادی این دو گروگان و پرداخت مبلغ H.P این دستگاه‌های رادار در بندرعباس تحویل خواهند شد.
- ۶ - پس از ورود کامل و صحیح دو H.P شما نسبت به آزادی گروگان آخر (نفر چهارم) و جسد ویلیام باکلی وساطت و اقدام می فرمایید.
- ۷ - ۷۲ هفتاد و دو ساعت پس از تحویل کلیه ۲۴۰ قلم وسایل هاگها و دو H.P و آزادی تمام گروگان‌های آمریکایی، هیئت بلند پایه آمریکایی در ژنو یا فرانکفورت یا تهران به نظر شما حضور خواهند یافت و دقیقاً در مورد مفاد صورتجلسه پیشنهادی اقدام نموده و متعهد خواهد شد بعلاوه بقیه H.P.S -اچ پی ها- و وسایل یدکی هلی کوپترها و بقیه احتیاجات مورد نیاز ارتش ایران را بررسی و در این مورد توافق و تاریخ تحویل آن‌ها مشخص و معین می گردد، درحالی که آماده اند کارشناسان فنی و ماشین آلات آزمایشی و تعمیراتی را نیز بلافاصله اعزام دارند.
- ۸ - من شخصاً و شرافتاً به هر نحو که شایسته بدانید متعهد می شوم و تضمین می کنم که بلافاصله پس از انجام مرحله آخر یعنی پس از تحویل ۲۴۰ قلم و دو H.P و آزادی کلیه گروگان‌های آمریکایی حداکثر ظرف یک ماه ۳۰۰۰ موشک TOW به قیمت سی و هشت میلیون و پانصد هزار دلار) (\$۳۸۵۰۰۰۰۰) یعنی قیمت تمام شده برای خود آمریکایی‌ها و ۲۰۰ دویست عدد موشک ساید ویندر SIDE VINDER که به روی هواپیماهای F.۴ و F.۵ ما مستقر می گردد به همان قیمت تمام شده در تهران تحویل دهم، البته اگر پولش را در اختیارم بگذارید نه مثل اینبار که دیگر چیزی برای من باقی نگذاشتید.

راه حل سوم:

برای آنکه ما واسطه خیر بودیم موجب شر نشویم، آمدم تا وصل کنیم و دوستی ایجاد نمایم نه موجب تفرقه و دشمنی و کدورت بیشتر شویم، چنانچه دو راه حل فوق را صلاح

نمی دانید بلافاصله و خیلی سریع وسائلی را که آورده اند عینا پس بفرستید تا در قضیه بسته شود و انگار نه اشتري آمده و نه استري رفته است و هرکس دنبال کار خود و راه خود می رود، ان شاء الله در آینده شرایط و زمینه مجددا فراهم می گردد و آنگاه اقدام می شود، یعنی نباید استخوان لای زخم بگذاریم زیرا دلیلی هم ندارد، اگر من در راه دوستی و خیرخواهی و صداقت و اعتقاد و اعتماد دچار مشکلات عظیم و دردسرهای مادی و معنوی و حیثیتی شده ام در راه مهر به میهن و دوستیم با شما بوده و عیبی ندارد. ان شاء الله چون نیت خیر بوده خداوند منان جبران خواهد کرد.

استدعا دارد، در جهت خیر و مصلحت جمهوری اسلامی فوراً و بدون فوت وقت نسبت به انجام این قضیه تصمیم سریع و قاطع اتخاذ فرماید.

با عرض تشکر و احترام

منوچهر قربانی فر

امضاء - ۶۵/۴/۱۹

بعل مهر
صفحه ۱۱

۱۸ - ۴ - ۱۳۶۵

گزارش در ۱۰ اسفند

بنام خدا

برادر عزیز و ارجمندم . آقا محسن گسرگو

باعرض سلام ، لازم است در مورد مسئله آمریکائیکه یک سال است وقت همه را گرفته و مهم‌النون شکل و حالت ناخوشایند بوجود آورده است ، نکات ذیل را نیز می‌بینم . اگر جناب‌کمتر در شنبه ۹ به شنبه ۹ و ۱۰ تیرماه جابر مذاکرات مفصل تلفنی با جناب بعل مهر انجام دادیم و گفتیم سبب بعضی موقع شناسی و بهره برداری از موقعیت ها و شناخت زمانها و مساعده و سبب بهره برداری و گرفتن امتیازات ، من کوشش کردم که در جمعه ۱۳ تیرماه جشن دهیم سالگرد استقلال آمریکا و جشن یکصدمین سال برپایی محکم آزاد در نیویورک است و بعضی مناسبت جشن بسیار باشکوهی بنام روز آزاد در نیویورک در پال مجسمه آزاد برپا میگردد که آمریکائیکه آنرا جشن قرن می‌نامند و رئیس جمهور آمریکا رئیس جمهور فرانسه می‌مانند از این جشن خوانند بود ، چون روز آزاد و جشن آزاد است اگر ما روز پنجشنبه ۱۲ تیرماه وساطت کنیم و شش روز مان آمریکائیکه در برودت را آزاد کنیم و او در این جشن حضور یابد ، چون یک مرد روحانی نیز می‌باشد می‌توانیم بهره برداری زیادی نمود . و بسیار از خواسته‌ها که خود را از آمریکائیکه بگیریم که البته طبق معمول کسی این

(۲)

توصیه من گوش نکرد، در حالیکه آمریکا نیز انتظار داشتند ما حداقل این قدم را برداریم.

به حال آمریکا نیز میگویند، پس از آنکه سال قبل ایران نیز با وساطت خود موجب آزادگی قضیتش آمریکا (۳۱/۳/۴۴) گرفتار در بریت را فراهم آوردند. که البته ماهم قبل از اینبار ۵۰۴ شرکت به عنوان نشانی حسن نیت و یک قدم مقدسین در اختیارشان گذاشتم. و در طول سال گذشته یعنی از آن زمان تا کنون ما آمریکا نیز قدمها مثبت و سازنده ذیل را به نشانی حسن نیت و نزاع و نزاع اعتراف برتریم جمهوری اسلامی برداشته ایم و این در تقابلی ایران را کوچکترین قدم و یا نشانی در جهت بهبود روابط حتی بطور شکر برنده شده اند.

(۱) پس از آزادگی قضیتش هر کجا در دنیا متاسفانه آمریکا نام از کشورها را هم تروریسم دیا تروریسم پرور میخوانند آوردند نام ایران بوده و در این دیوانه‌ها عمل کشورها را در یک صاحب رسمی از کشورها کیسی - سوریه - یمن جنوبی - کوبا - نام کشورها را هم دعوت کنند، تروریسم یاد کرد.

(۲) در رابطه با جنگ ایران عراق، وزارت خارجه ما طی اعلامیه رسمی استفاده از سلاح شیمیایی را شدت محکوم کرد.

(۲)

(۳) سفیر آمریکا در سازمان ملل ادین کپس بود که رأی به محکومیت رسمی عراق برای کاربرد سلاح‌های شیمیایی داد

(۴) اعلامیه رسمی در مورد سازمان مجاهدین خلق که سازمانی تهروریستی و مارکسیستی است و به‌شماره ۹ به کنگره و مله کپس نیز در نشست آمریکا و توقف هرگونه مساعدت به مخالفین رژیم جمهوری اسلامی ایران

(۵) مخالفت با کاهش قیمت نفت، بطوریکه معادنت ریاست جمهوری آمریکا جورج بوش در دو سخنرانی در مصاحبه رسماً اعلام داشتند، سقوط احتمالی قیمت نفت در نزاعیت ضرر ایالات متحد آمریکا خواهد بود و قیمت نفت باید افزایش یابد

(۶) اغرام دو هواپیمای آمریکایی با بیش از یکصد ارتشک ۱۰۰۰۰۰ در درونیت مابین تمام شده برای فردمان

(۷) فرستادن یک هیئت عملی‌ترتبه ۵ نفره از ماف لیفد وزارت دفاع برای عراق با آنا کنگره و هیئت هم‌ارین و دادن قسم از اطلاعات نظامی متحدین در مورد عراق که قرار شد در جبهه بعدی توافق‌های اطلاعاتی کامل به جمیع در اختیار لکه ارد شود

(۴)

۸) ورود بیست بیست بار بلند پایه کافی سفید بریا آنگاه رابرت مک نالدین دستار دشتا و ریفره آنگارگیان و نیز بهرا هاسویلی و نظامی و عالیرتبه و آقامت جبهه روز. آنرا در تهران که بیش از $\frac{1}{8}$ و سالی بدین سیستم روشی مورد در خواست را نیز با خود بهرا آورد. بودند، بعد از اطلاع کامل نظامی و امنی و اطلاعاتی در مورد جنگ و گشایش دولت روسیه شوروی نسبت به ایران و طرح نظامی و سیاسی آن دولت با جزئیات کامل بهر ابراهیم جنگ ایران و فغانیه کردید شوروی در کردستان - بلوچستان - عراق و بهرا بر آن دولت با مخالفین کمونیسم رژیم اسلام و مهم تر از همه اعلام نظر صریح در روشن دولت آمریکا که سا رژیم جمهوری اسلام را تقبیل شده و مورد احترام میدانیم و بهر گونه مخالفت با آن نداشته و تعهد میکنیم که بهر چه وجهی قصد تمت نفوذ در ایران و یا تغییرات و یا دخالتی در امور داخل آنرا نداریم و سپس تسلیم صورت جلسه کامل و موافقت نامه ال بود که نشان دهنده حسن نیت و بهرا بهر کامل آمریکا با جمهوری اسلام و بهر چه در رابطه با جنگ و مسائل است که این رژیم را تهدید میکند (لطفاً آن صورت جلسه را مجدداً در وقت مورد بهر یک قرار دهید)

آمریکاییها گویوند، میدانید که چه رفتار کوچکی از من و غیره دست نهال با ما جعل آمد دست خاص ما را سفیر دوست و یار بودیم باز گردانند، که شرح آن را خود آقایان بهتر از بهر می دانند.

(۵)

همانطور که آگاسید مقامات آمریکایی در تهران بارها تأکید کردند که در مقابل آنچه پیشنهاد نمودند فقط انتظار دارند که مقامات ما مسامحت در ریش سفید نمودند و با استفاده از نفوذ مذهبی و معنوی خود موجب اخلاص چهره و نفوذ گردگان آمریکایی را که بیش از ۲۵ سال است در بیروت گرفتار شده‌اند فراهم آورند و با این محملانی هم خانواده ها و فرزندان خردسالان را که با انتظار دیدار پدرانشان می‌باشند خوشنود فرمایند و هم دست مقامات آمریکایی را از هر نظر بازکنند تا با یقین بمانند / سرکار و لازم در پشت سر شما قرار گیرند.

آنچه صریحاً روشن کردند که در نقطه نظر حاکم سیاسی - اقتصادی - تسلیحاتی آمریکا کامل همه گونه بهر این دلیل را دارند و می‌بتمند آنند این مسأله را به یک برگردانند که داشته نشود به حساب حسن روابط حسن نیت و دوستی و مهر ایالات متحده آمریکا منظور گردد

قبل از این من دبیرتت آمریکایی به تهران یعنی چهارم خرداد ۶۵ توافق حاصل بر این منبلی بود که مخفیانه ورود بهتت عالیترتبه و ملینه پایه آمریکایی تهران که مقدار از مسائل مورد درخوات را با خود خواهد آورد ، مقامات ایران با دساتر فزونی موجب آزدادلی یکجا دست جمعی گردگان آمریکایی را در بیروت فراهم آورند و بیان حاصل پس از آن لغیه مسائل مورد درخوات ایران دارد که در لا دبیرتت آمریکایی آنقدر در تهران همانند تا لغیه آنچهنرات از جمله راه‌های بزرگ H. P. نیز وارد تهران شوند نسبت

(۶)

بتأیین نفعی نیازها را تسلیات^۱ ای^۲ توافق و تعهد رسمی بعمل آمده در زمینه های سیاسی و اقتصادی نیز موافقت کاملتر حاصل گردد پس از انجام تمام این مراحل آمریکا نیز از ترک راترک نمائید ، اما با اینکه هیئت ذی نفع آمریکائی در برابر انحلال پیکر اختصاصی آنرا چهار روز در تهران ماند و در ستاها به بجائی نرسیدیم ، بنحویب بجای طرد دارید که در روز آخر اقامت آنرا خیب آنرا^۳ دکتر نجف آبادی در حضور جناب عباس و آقای دیگر چندین بار اصرار کردند که موافقت شود که فعلاً رسالت شود و در دهان آزاد گردند و در آنجا ملک فارلین نیز نرسند و جواب دادها اینها آمده است که سائیکس و استراثرنیک مهم را حل و فصل کنیم و در کنار شما بایستیم و اینها را باید یکجا حل شود تا مشکل در اسیرا نباشد و راه یکباره بر او همه چیز و همه کارها هموار گردد . لازم است خالمر نشان سازمان در سال ۱۹۸۵ چون دینار هزار و هفتصد و سه نوز آمریکائی جان خود را در نبرد راهبردی آمریکا از دست دادند در دهها سال گذشته از رسیدن نوز آمریکائی در اثر گیر کردن لغت در گلویش فوت کردند (شکوها) ، ما نباید آمریکائی را چون امت فرنگی بداریم که این چیز و نوز را هم جزو آمار فوق العاده آوردند و ما این فرصت تاریخی را بهر حال با یک دل رنج و مشقت و صرف هزینه های فوق العاده بر این از دست بدهیم .

میثا^۴ آنکه ۴۵ روز است اینها گره خورده ، من بشما اطمینان میدهم که آمریکا نیز نمیتواند و نه خوانند توانست قدری دیگر در اینها بردارند ، گمراشته احدی آنچنان

(۷)

که آن‌ها دکتر نجف آبادی را سلب کردند در ابتدا و بعداً متعجباً آنجا هم دهنیم و بنظر من هر چه
 بنویسیم بکنیم و یا هر تصمیم داریم به مدد نظر دوستانه روز آینده مجله‌ها را در آید
 اکنون فقط شش راه حل وجود دارد و من آنرا کاملاً راضی نموده و با بر سر راه حل
 سرفه‌نگار که البته بنظر من قویاً توصیه می‌کنم که راه حل اول را انتخاب فرمایند
 (۱) شما مبلغ زمستانی وارد شده بعلاوه سائل شماره ۷۷۷ که هم را نقداً و فوراً بپردازید و سابقه الف
 یعنی ۲۴۰ توم و مبلغ دو ۲۰۰ را یک بانک ملی ایران شعبه لندن بکار بیاورید و به شماره فونیه
 یعنی ۲۱ روز دیگر بدیده.

(۲) در پهن شب مسافت نموده و در نور از روزگاران را آزاد نمائید

(۳) آمریکا سیر تا حد اکثر ۲۴ ساعت بعد از این عمل علیه ۲۴۰ توم کاملاً یعنی حدود چهار هزار دلار
 سائل دیگر و دو ۲۰۰ غول بیکر را در تهران و بندرعباس بکار بیاورید و اخذ داد.

(۴) بلافاصله پس از تحویل کامل و دقیق علیه سائل فوق شما نیست به آزاد در دو روز اول
 باقی‌مانده اقدام فوراً نموده و ضمناً از نظرات من و نه پهن و مسافت نمائید تا محل دفن
 گردانین را که سال قبل فوت شد است (M. Buckley) نقش دیند تا جسد او نیز به
 آمریکا حل و در کنار گور مادرش که چنین وصیت نموده است دفن گردد.

(۵) ۲۰۰ بنفای دولت پس از تحویل علیه ۲۴۰ توم سائل هلال و دو ۲۰۰ آزاد
 تمام روزگاران، هیئت بلند پایه آمریکایی در تهران یا از انفورست یا تهران بنظر

(۸)

شما حضور خوانند بابت دقیقاً در مورد سناد صدر بجمعه پیشین اقدام نمود و
 مکتوب خواهد شد و بعد از آن بقیه H.P. 5 اجری - چا - دو ساعتی در محل است
 ، مگر احتیاجاً مورد نیاز از آنجا را برمی و در این مورد توافق و تراضیح محو
 آنرا شخصاً معین میگردد ، در حالیکه آمادگی کار شناسایی قضی و سایرین آراست
 آزمایش و تعمیر این را نیز بلافاصله انجام دارند .

را. حال دوم که زمان بیشتر گرفته و در سه روز بیشتر دارد

(۱) شما مبلغ مسکنی وارد شد. بعد از دو ساعتی کسر ۱۷۷ تلم را تقدیراً پرداخته و سابقه
 بجهت تلم را یک محل از شعبه لندن تدارک ۲۰ فردیبه ۱۱ روز دیگر صادر و تحویل
 فرماید.

(۲) در بهار شب وساطت نمود، پس از گذرگان را آزاد نمائید

(۳) آمریکا سیل ۱۳ ساعت بعد از این محل علیه ۲۴ تلم کالا را در تهران تحویل خوانند دار

(۴) بلافاصله پس از تحویل کامل و دقیق ۲۴ تلم در تهران بایه وساطت نمود. در بهار روز
 دو روز مان دیگر آزاد گردید. مبلغ دو H.P. را به روز پرداخت فرماید

(۵) حد اکثر ۲۴ ساعت پس از آزاد این دو روز مان در پرداخت مبلغ H.P. این دستا بهار
 برادر در بندر عباس تحویل خوانند شد

(۱۰)

راه حل سوم

برای آنکه ما واسطه خیر بودیم موجب شکر شویم ، آدمیم تا وصل کنیم و
 درستی ایجاد نمائیم نه موجب توفیق و دشمنی و کدورت بشتر شویم ، چنانچه در راه
 حل فوق را اصلاح نمیدانید بدانناصل و خیر سریع باطل را آورده اند معیناً
 پس بفرستید تا در قضیه بسته شود و اثبات را نه اثباتی آید و نه استری
 رفته است و هرگز دنبال کار خود در راه خود مبرود ، اثبات در آید
 شرایط در جنبه مجدداً فراهم میگردد و آن اقدام می شود ، یعنی نباید استخوان
 لاله زخم بگذاریم زیرا دلیل بهم ندارد ، اگر من در راه درستی و خیر خواهی
 و صداقت و اعتماد و اعتماد دچار مشکلات عظیم و در درگیری متاد و متوال
 و حیثیتی شده ام در راه هر چه میسر و دستم به شما بوده و عیب ندارد
 اثبات چول نیست خیر بوده خداوند متعال جبار خواهد کرد
 استه عا دارد ، در جهت خیر و مصلحت جمهوری اسلام فوراً و بدو قوت
 نسبت به انجام این قضیه تصمیم سریع و قاطع اتخاذ فرمائید .

با عرض تشکر و احترام

سید محمد زبانی

۶۵-۴-۱۹

پیوست شماره ۱۳۱: مربوط به صفحات ۵۸۷ و ۶۰۷

نامه مجدد آقای منوچهر قربانی فر در مورد مک فارلین، که رونوشت آن را برای معظم له ارسال نموده بود.

بکلی سری است

خصوصی است

۱۳۶۵/۴/۱۹

(گزارش در ۱۹ صفحه)

بنام خدا

حضور برادر عزیز و ارجمندم آقای محسن کنگرلو

با عرض سلام و ارادت، آرزوی توفیق و سلامتی برای شما و خانواده محترم و التماس دعای خیر برای خود دارم.

برادرجان برای آنکه بدانی به خاطر اعتماد و احترام به مسلمانی و شرافت و انسانیت و اعتقاد به مردانگی شما به چه مصیبت و گرفتاری بزرگی دچار شده ام، لازم است توجه تان را به مسائل ذیل جلب نموده و توضیح دهم که عدم توجه و دقت جنابعالی چه مسائلی برای یک برادر و یار وفادار و دوست فداکار که همه چیز خود را برای شما و پیشبرد هدفهای مقدسمان که پیروزی در این جنگ میهنی و تحمیلی به گرو گذارده بوجود آورده اید.

برادر عزیز ترا به قرآن مجید سوگند، ترا به جان بچه‌های عزیزت قسم، من بجز خدمت بجز دوستی بجز فداکاری بجز رنج و زحمت کشیدن چه بدی در حق شما کردم؟؟؟ که شما این‌گونه که شرح آن خواهد آمد با من رفتار نمودید.

آیا من از شما انتظار دستمزد و پاداش و حق و حساب و توقعات مادی داشتم؟؟؟

آیا شما تاکنون به من چیزی داده اید؟ بجز اینکه صد بار استدعا کردم برای پیشبرد و پیشرفت و تسریع در کارهای خودتان و دست یابی به منابع بهتر مقداری خاویار آنهم به هزینه خود من بفرستید که هرگز نفرستادید و یکبار هم که من خودم خاویار طلایی در تهران با هزار زحمت و هزینه زیاد تهیه کردم و تحویل دفتر شما در تهران دادم، آن‌ها هرگز به من نرسید و معلوم نشد چه کسی و کجا آن‌ها را خورد.

من نمی‌خواهم به خدماتی که به شما و به جمهوری اسلامی در گذشته کردم بیردازم، اما لازم می‌دانم فقط به مسائل همین یکسال گذشته اشاره کنم.

من و جنابعالی مشترکاً بیش از دو سال بود که به هر در زدیم و چه کارها که نکردیم تا موشک تاو TOW و سلاح‌های مدرن دیگر تهیه کنیم ولی بالاخره به این نتیجه رسیدیم که همه

این حرف‌ها دروغ و داستان است و این‌گونه موشک‌ها و سلاح‌های پیشرفته و بسیار مدرن را فقط از دست دولت‌ها می‌توان گرفت و نه از طریق واسطه‌ها و دلالتان، لذا همانطور که از سابقه امر دقیقاً اطلاع دارید بواسطه روابط شخصی و دوستانه خصوصی بین خودم و تنی چند از زمامداران فعلی آمریکا از حزب جمهوری خواه عازم آنجا شدم و با آن‌ها مذاکرات مفصلی کردم و گفتیم و شنیدیم که دوستی همیشه بهتر از دشمنی است و از راه دوستی و صفا است که می‌توان کدورت‌ها و دشمنی‌ها و سوء تفاهمات و نفاق را زدود و به حسن تفاهم رسید و مسائل واقعی یکدیگر را درک کرد و بعلاوه ما که در جنگ هستیم چه بهتر حتی از راه مصلحت هم شده مویی از خرس بکنیم و از آن‌ها و سائلی بگیریم زیرا هدف ما از این حرف‌ها مقدس تر و بزرگ تر است و چون از خود اطمینان کامل داشتم و به قول معروف کسی که چیزی بارش نیست هراسی ندارد. فقط با یک پیام تلفنی جناب‌عالی بلند شده و با یک هواپیمای اختصاصی بزرگ فقط درحالی که ۱۰۴ موشک تاو TOW همراه داشتم به تهران آمدم درحالی که قیمت آن‌ها را خودم تهیه کرده و ۲۰ روز قبل از آن به آمریکایی‌ها داده بودم و به خداوندی خدا سوگند از آوردن همان هواپیما ۵۶ هزار دلار هم ضرر کردم و آنرا از جیبم پرداختم و به روی شما هم نیاوردم، گفتم جای دور نمی‌رود و اینهم سهم من برای پیروزی در جنگ و جبران کوچکی از گذشته‌ها، اگر به بایگانی مراجعه فرمایید به گزارشی برخورد می‌فرمایید که در همان سفر خدمتتان دادم و گزارش جامع و مفصلی بود و امروز که بیش از یک سال از آن زمان گذشته هرآنچه نوشته بودم به حقیقت پیوسته و به خصوص قیمت نفت و مسائل سیاسی دیگر، بگذریم، بعد از آن بلافاصله یک هواپیمای دیگر با ۴۰۰ موشک تاو برایتان فرستادم و از آن زمان تاکنون چه‌ها که نگذشته، در یک سال گذشته من به شهادت خودتان که به مسلمانیت اعتقاد دارم هر روز و هر شب چند بار به شما تلفن زدم و به طور متوسط فقط بیش از ۳۰۰ دلار روزانه هزینه مکالمات من با شما شده است.

در یک سال گذشته بعلاوه ارسال ده‌ها گزارش اطلاعاتی و خبری و گذرنامه و اسناد متفرقه برای شما، موجبات ایجاد حسن تفاهم و درک مسائل و تفهیم نظریات دولت ایران به مقامات کاخ سفید را فراهم آورم و مهم تر از همه زمینه ای فراهم آوردم که آمریکایی‌ها سرشان را جای پایشان گذارند و به تهران آمدند و در راس هیئت هم دومین شخصیت حزب جمهوری خواه و با نفوذترین شخص روی رئیس جمهور، معروف به پسر خوانده ریگان (رابرت مک فارلین) بود که خدمتتان آوردم تا رسماً اعلام کند که جمهوری اسلامی را رژیم می‌بحق و مردمی و قابل احترام و ستایش می‌دانند و حاضرند محرمانه در کنارمان قرار گیرند تا ان شاءالله کار جنگ را یکسره کنیم و با ما دوستی کنند. بعد از خدا خود شما بهتر می‌دانید که من در ایجاد دوستی و رابطه ویژه بین ایران و دولت جدید فرانسه نقش اساسی را ایفا کردم

و درحالی که به توافق سری و قطعی برای بارگیری کشتی اول در پاریس دست یافته بودم و همه کارها آماده شده بود، درست روز بعد از آن بدون کوچکترین خبری از طرف شما و بدون اطلاع من جناب معیری معاون محترم نخست‌وزیر به پاریس تشریف آوردند و درست برخلاف جهتی که من با هزار زحمت و حیل رفته بودم حرکت کردند و دو پا را در یک کفش کرد که مسعود و دستگاه او از پاریس باید برود، من همان روز به شما تلفن کردم که به جناب نخست‌وزیر بگوئید، فوراً به آقای معیری دستور فرمایند که در مورد رفتن مسعود اصلاً پافشاری که نکنند هیچ بلکه بگویند حضور او در فرانسه از نظر ما بلا مانع است، زیرا با حضور او در پاریس بارگیری فوریش امکان پذیر شده بود، ولی شما گفتید ایشان دیگر رفته است و نخست‌وزیر چنین کاری نمی‌تواند بکند و بنده هم بالاخره معنی هماهنگی را فهمیدم و نتیجتاً آبروی مرا بردید و این‌ها فکر کردند که من دروغگو هستم و این حرف‌ها را که باید اجازه دهید ما کشتی اول را بارگیری کنیم جزو شرایط است از خودم درآورده ام، و وقتی خیلی اصرار کردم، گفتند تو چه کاره ای و کو اجازه ات؟

نفر دوم دولت خودش اینجاست و می‌گوید برود، تو می‌گویی بار شود برو بابا دنبال کارت!! گرچه این عمل برای همیشه در ذمه من است و من قاطعانه اطمینان می‌دهم که با نهایت قدرت و سرعت می‌توانم اینکار را انجام دهم درحالی که درست ۳۹ روز است سر همین قضیه هتل هیلتون ژنو و ماجرای آن من را روی هوا نگه داشته ای و نمی‌دانم چگونه باید از دست اینکار که تقریباً تمام راه را رفته خلاص شوم.

من در این یک سال گذشته نه تنها هر روز و هر شب چندین نوبت به شما تلفن زده ام بلکه فقط سه بار به تهران آمدم، شش بار به آمریکا رفتم و یک بار هم به دستور شما فقط با یک اطلاع ۸ ساعته برای دیدارتان به دبی آمدم و بیش از ۵۰ بار به کشورهای اروپایی و خاورمیانه سفر کرده ام، حتماً بیش از ۳۰ بار از نقاط مختلف دنیا فقط برای چند ساعت به فرودگاه فرانکفورت رفته ام تا آقای آدم بیک نماینده جنابعالی را ملاقات کنم و اسناد و اوراق و یادداشت‌هایی را به وسیله پیک برای شما ارسال دارم، مخارج و هزینه‌های سرسام‌آوری را متحمل شده ام که فقط خدا شاهد آن است. من هرچه وسایل برای شما حمل شده وجه آنرا دو هفته زودتر به آمریکایی‌ها پرداخته ام و آن وسایل به شما تحویل گردید بدون آنکه نامه‌ای، تلکسی، تلگرامی، ضمانتی، چکی از شما داشته باشم و همیشه چندین روز پس از تحویل با تاخیر وجه آن‌ها را باز پرداخته اید، من خداوند بزرگ را به شهادت می‌طلبم و به دوستی دو مرد سوگند می‌خورم، من بجز ضرر مادی و رنج و ناراحتی روحی از دوستی شما خیری ندیده ام و حالا که شما با آمریکایی‌ها در تماس مستقیم هستید، بپرسید و تحقیق کنید آیا من بجز ضرر در کار شما نفع دیگری داشته‌ام؟ آن‌ها دولت هستند نمی‌توانند دروغ بگویند و دوستی و رابطه

آن‌ها با شما بسیار مهمتر و با ارزش تر از رابطه شخصی من با آن‌ها است. هرآنچه کرده ام به خاطر آینده و به خاطر دوستی و برای ثبوت حسن نیت و صداقتم بوده است من به زحمات و ضررهایی که در مورد بارگیری کشتی دوم و اعزام دو هیئت برزیلی و سوئسی و بلژیکی و کانادایی در سه نوبت به تهران و اقامت طولانی آن‌ها و ارسال چندین تن بار آن‌ها که همه به هزینه من انجام گرفت و کوچکترین نتیجه ای هم نگرفتیم نمی خواهم اشاره کنم.

من در همین سفر آخر خودم به تهران یعنی ۴۰ روز قبل بیش از پنج طرح مهم اساسی و حیاتی و مادی آوردم که به هیچ کدام از آن‌ها کوچکترین پاسخی هم نداده اید، به من دیگر ثابت شده که رنج بیهوده می کشم و وقت تلف می کنم و این راه به ترکستان است

اما برادر عزیز شما در مقابل برای من چه کردید؟؟ جز اینکه با این کار آخرتان و عدم پرداخت پول مردم پس از دو ماه مرا به نابودی و به باد رفتن حیثیت اجتماعی و بانکی و سیاسی انداخته ای، این است محبت‌هایی که بشارت می دادید و رفت اسلامی برای آنان که به شما بازگردند؟ من بارها به شما تذکر دادم که به خاطر بسیاری مسائل شخصی و خصوصی من با آمریکایی‌ها که قابل شرح نیست، شما چنانچه موقعیت مرا تحکیم و تقویت کنید، من هرآنچه را که بخواهید و حتی به نظرتان غیر ممکن است می توانم از آن‌ها برای شما بگیرم اما شما برخلاف تمام اصول و ضوابط شرع و عرف و سیاست و اطلاعات و انسانیت نامه بکلی سری را که در مورد آن‌ها به شما نوشته بودم که چه چیزها می توان از آن‌ها گرفت، آوردید و در هتل هیلتون عینا به آن‌ها دادید و من برای آنکه به شما ثابت کنم دروغ گو نیستم و یک انسان صادق و فداکار هستم، روی یک پا ایستادم و اصرار کردم تا شما مجبور شدید آن گزارش را فتوکپی کرده و به آن‌ها یک نسخه بدهید.

اما در مورد این قضیه آخر و آمدن آمریکایی‌ها و مقداری از وسائل یدکی لازم می دانم که شرح ما وقع را آنطور که گذشته است دقیقاً بازگو کنم که صددرصد مورد تایید جنابعالی نیز می باشد. شما در طی مدت دو روز و چهار ساعت مکالمات تلفنی لیستی کامل با تمام مشخصات را که شامل ۲۴۰ قلم و ۴۰۳۰ عدد وسائل یدکی مختلفه مربوط به سیستم ضد هوایی موشک‌های هاگ بود به من دادید و گفتید اگر موافقت کنند که مقدمتاً این وسائل را در اختیار ایران گذارند، ما هم قدمهای مثبت برای آن‌ها برخواهیم داشت، من آن لیست را به آمریکایی‌ها دادم، البته این قضیه بعد از آن بود که خود جنابعالی و هیئت ایرانی با مقامات آمریکایی در فرانکفورت ملاقات کرده بودید، آمریکایی‌ها بعد از یک هفته پاسخ دادند که این کار بسیار مشکلی است زیرا مربوط است به سیستم سال ۱۹۷۵ و ما باید آن‌ها را از گوشه و کنار دنیا با مشکلات فراوان تهیه کنیم ولی چون حسن نیت داریم بطور اصولی برای انجام این کار موافقیم، اما لازم است لیست رسمی و کتبی به ما بدهید تا دقیقاً عمل شود، جنابعالی

هم لیست رسمی را فرستادید، آن‌ها بررسی کردند و گفتند که ۶ قلم از این لیست مقابل مشخصات آن سفید است و ۹ قلم دیگر هم نه تولید می‌شود و نه موجود است ولی عدم وجود آن‌ها از نظر فنی هیچ تاثیری ندارد و در مورد ۱۰ قلم دیگر هم گفتند آن تعدادی که مورد درخواست است فعلاً موجود نیست و دو ماه طول می‌کشد تا آن تعداد را هم تهیه کنیم، من در سه نوبت متوالی این موضوع را که تعدادی مقابل آن‌ها سفید است و تعدادی اصلاً موجود نیست و تعدادی هم موقتا یعنی در زمان تحویل کسری دارد با ذکر دقیق شماره و مشخصات آن‌ها در اختیارشان گذاشتم و آقای سام از وزارت دفاع هم که فارسی می‌داند تلفنی از لندن قبل از آمدن به تهران با شما صحبت کردند و دقیقاً این موضوع را به اطلاعاتن رساند، شما فرمودید اشکالی ندارد اما آن اقلامی را که کسری دارند حتماً باید تهیه و تحویل دهند و ما عین تعداد مورد تقاضای خود را می‌خواهیم، آمریکایی‌ها قیمت لیست درخواستی را پس از محاسبه دادند که بیست و چهار میلیون و سیصد و هفتاد و سه هزار و دویست دلار می‌شد (۲۴۳۷۳۲۰۰) که باید ده روز قبل از تحویل بردازیم و این مبلغ شامل اقلامی که فعلاً کسری است نمی‌شود، من بیش از پنج بار به جنابعالی اطلاع دادم که آقاجان لیستی را که درخواست کرده اید منهای رقم‌های کسری که بعداً تامین می‌کنند ۲۴ میلیون و چند هزار دلار می‌شود که شامل کلیه هزینه‌ها از قبیل چندین بار حمل و جابجایی، بیمه، پاک کردن مارک و آزمایش نهایی و بسته بندی می‌باشد و یکبار هم که من قبلاً به شما اطلاع دادم فردا که تلفناً مذاکره می‌کنم، آمریکایی‌ها در لندن هستند و روی خط خواهند بود و جنابعالی برای اینکه اطمینان حاصل کنید من دروغ نگفته‌ام، برای چندمین بار و وسط مذاکرات قیمت دقیق را خواستید که من به اطلاعاتن رساندم درحالی که آن‌ها در اطاق بودند و روی خط و مشترکاً با شما صحبت می‌کردیم، فرمودید اشکالی ندارد جنس را حرکت دهید و هرچه بیشتر ممکن است با خود همراه بیاورند اگر ممکن است حتی بیش از ۵٪ آنرا ولی هوپیمای آن‌ها مارک نداشته باشد و گذرنامه‌های آن‌ها هم غیر آمریکایی باشد، بار هم مارک نداشته باشد.

من که طبق معمول همیشه وجه جنس را از بانک‌ها موقتا تهیه کرده و به جای شما می‌دادم به اطلاع رساندم که قیمت جنس این بار فوق العاده زیاد و تامین آن از محل اعتبارات بانکی و نقدکردن سفته‌های اعتباری خیلی مشکل است، فرمودید ضمانت نامه بانکی می‌دهیم، پنج روز به اینکه چگونه شما ضمانت نامه بانک ملی بدهید یا بانک مرکزی گذشت و هیچ کس و هیچ بانکی حاضر نشد در مقابل ضمانت نامه‌های این دو بانک حتی یک دلار هم به ما اعتبار بدهد و گفتند این قانون است به کشور در حال جنگ اعتبار نمی‌توانیم بدهیم، شما فرمودید معطل نکن کار خراب می‌شود هرچور شده تهیه کن به محض ورود می‌پردازیم اینبار مثل دفعات قبل یکروز هم تاخیر نمی‌شود می‌خواهی چک شخصی مرا از آدم بیک در فرانکفورت

بگیر و به بانک بده، عرض کردم وقتی ضمانت نامه بانک ملی و بانک مرکزی را نمی پذیرند چک شما به چه درد می خورد؟ به هر حال با گرفتن سفته‌های تایید شده دوست سوری مشترکمان و دو شرکت نفتی که دائما برای آنها از لیبی نفت می خرم و قرار دادن آنها به علاوه تعهدات شخصی از محل اعتبارات در کردیت سوئیس C.S.B ژنو که از آن اطلاع دارید، کل مبلغ را برای مدت سه هفته یعنی تا اول ماه جون وام گرفته و در مقابل چک تضمینی هم به بانک‌های لندن دادیم و عینا وجه مورد درخواست را در اختیار آمریکایی‌ها قرار دادیم، در اینجا لازم است خاطر نشان سازم که من طی گزارشی که به تهران فرستادم و حتما کپی آن در بایگانی هست، توضیح دادم که آمریکایی‌ها گفتند، اینبار ایرانی‌ها فکر بسیار عاقلانه ای کرده اند و چیزی خواسته اند که خیلی بدرد آنها می خورد و با هزینه ای حدود ۲۵ میلیون دلار یک سیستم موشکی ضد هوایی را که خرید آن امروز حداقل ۲ میلیارد دلار هزینه دارد بطور کامل و فعال مورد استفاده قرار می دهند، یعنی من قیمت و وسائل مورد درخواست شما را کتبا نیز قبل از ورود آنها به شما گزارش کرده ام، آمریکایی‌ها گفتند که به آقایان اعلام فرمایند ما چندین قلم از وسائل مورد درخواست آنها را که جزئی از کل یک قسمت بود به جای آن جزء به صورت کامل فرستادیم چون می دانیم جایگزینی آن آسان تر و موثرتر می باشد و بعلاوه با اینکه ایران تقاضا نکرده بوده ما می دانیم که آنها احتیاج به ده ژنراتور دیزل مخصوص دارند و ما آن اجزاء را که به صورت کلی دادیم و این ده ژنراتور دیزل که به وزن سه تن می باشد نیز در محاسبه منظور نگردیده و هدیه ای است از طرف ما، بعلاوه ما آماده ایم مجانا کارشناسان مخصوص خود را با گذرنامه غیر آمریکایی برای مدت یک هفته همراه با وسائل آزمایشی (Testing equipments) و وسائل راه اندازی و اندازه گیری (calibration equipments) به ایران اعزام داریم تا این سیستم موشکی مانند ساعت سوئیس و با خطای صفر برایشان کار کند و بنده آنها خدمتتان نوشتم و وقتی هم آمریکایی‌ها در تهران بودند خودشان این موضوع را اطلاع دادند که مانند بقیه کارهای دیگر پاسخی داده نشده، آمریکایی‌ها در تهران چند بار تاکید کردند که قیمت کل ۲۴۰ قلم وسائل یدکی مورد درخواست ایران را منهای ارقام کسری تماما دریافت داشته اند و بنده چند بار در حضور خود شما و آقایان دیگر این مسئله را روشن کردم، آمریکایی‌ها در مذاکرات طولانی توضیح دادند که قبل از آنکه وجه جنس را دریافت کنند هیچ کاری نمی توانند انجام دهند و چند بار توضیح دادم که ۲۴ میلیون دلار به دولت این آقایان که اینجا حضور دارند به حساب شما قبلا پرداخت شده است.

پس از ترک آقایان از تهران و در مذاکراتی که جنابعالی با من داشتید فرمودید که باید حتما کسری بقیه اقلام را تامین کنند و با بقیه بیاورند و لیستی هم به من دادید که شامل ۱۷۷ عدد وسائل یدکی کسری می گردید، من عرض کردم نمی دانم قیمت آنها چیست، پس از

مراجعت و مذاکره با آمریکایی‌ها نتیجه را خدمتتان عرض می‌کنم، لیست را به آن‌ها دادم گفتند یک هفته تا ده روز طول می‌کشد تا این قیمت‌ها و محل‌هایی که می‌توانیم آن‌ها را تامین کنیم روشن شود من خدمتتان اصرار کردم که مدت زیادی از پرداخت وجه به آمریکایی‌ها و تحویل حدود یک پنجم از وسائل گذشته، فعلاً وجه این وسائل را که آمده بعلاوه وجه کسری جنس‌ها بپردازید که ما اقلأً چند درصد از طلب بانک‌ها را پرداخت کنیم تا فرصت بیشتری داشته باشیم که اصل قضیه را بکلی حل نماییم و همه وسائل یکجا وارد گردد، فرمودید بسیار خوب و چندین روز مرا معطل کردید که امشب زنگ بزن نشد فردا ظهر زنگ بزن نشد، فردا صبح زنگ بزن نشد، جمعه شد نشد، تا خلاصه آمریکایی‌ها قیمت اجناس کسری را هم دادند و من خدمتتان دادم، فرمودید حالا باید جزء به جزء قیمت هر ۲۴۰ قلم را بدهی، عرض کردم این کار عملی نیست، چون همانطور که مسبقاً این‌ها را از کارخانه و یا شرکتی نخریده‌اند بلکه آن‌ها را از نقاط مختلف دنیا به اشکال مختلفی جمع‌آوری کرده‌اند و خود شما به خوبی از آن آگاهید، فرمودید درست است فقط از نظر حسابداری و بودجه لازم است، من به آمریکایی‌ها گفتم، جواب دادند تقریباً غیر ممکن است و وقت زیاد می‌خواهد تا محاسبات جداگانه به عمل آید ولی گفتند موضوعات و نکات ذیل را دقیقاً برای آقایان روشن فرمایید.

۱ - هیچ کدام از این وسائل از کارخانه‌ای یا شرکتی اکتیو نگردیده زیرا این‌ها یدکی اتومبیل نیستند که کارخانه یا فروشگاه آن‌ها را در قفسه بگذارد و مشتری برای خرید مراجعه کند، بلکه اگر کسی مشتری این نوع وسائل باشد باید اول اجازه خرید آنرا از طریق دولت خود از وزارت دفاع آمریکا بگیرد و وزارت دفاع هم این اجازه را از کنگره آمریکا کسب نموده و پس از تصویب رئیس جمهور جواز مخصوص صادر و به خریدار می‌دهند و آنگاه خریدار آن جواز را بعلاوه وجه وسائل به کارخانه می‌پردازد و کارخانه آن وسائل را معمولاً و بطور متوسط بین ۱۸ تا ۲۴ ماه بعد تحویل می‌دهد، اما باید توجه داشته باشید که اقلام مورد درخواست شما از وسائل مختلف عموماً از هر قلم سه عدد یا پنج عدد یا ۷ عدد یا ۱۲ عدد است و کارخانه‌ها برای چنین تعدادی خط تولید راه نمی‌اندازند و باید تعداد مورد درخواست از این ارقام بسیار بالاتر باشد.

۲ - ما هیچ یک از این وسائل را در انبارهای خود نداشتیم چون مربوط به سیستم سال ۱۹۷۵ است که ما اکنون سیستم دیگری داریم و نتیجتاً باید این اجناس را برای شما از کشورهای دوست و متحد خود تهیه کنیم ولی در آنجا هم با این اشکال مواجه بودیم که اگر راساً تقاضا کنیم چون می‌دانند ما خودمان چنین سیستمی نداریم فوراً پی می‌برند که برای چه می‌خواهیم و همه چیز آشکار می‌گردد، کشورهای که می‌توانستند این وسائل را در اختیار ما بگذارند عبارتند از اسرائیل، کره جنوبی، فیلیپین، ما برای حفظ راز مجبور شدیم

مقداری از این وسائل را از طریق دلالت ویژه و با نفوذ مخصوص تهیه کنیم و برای مثال در یک مورد که احتیاج به ۲۷ لامپ مخصوص داشتیم که فقط در پایگاه فیلیپین موجود بود، توسط ایادی خودمان مامور مربوطه را خریده و این لامپها را بطور غیر مجاز از آن کشور خارج کردیم (یعنی بلند کردن) و آنگاه تمام این چهار هزار عدد جنس را از آن کشورها به آمریکا آورده و در کارگاههای ویژه خودمان مارک روی آنها را پاک کردیم و یک به یک آنها را با دستگاههای آزمایشی امتحان نمودیم که صددرصد سالم و صحیح باشند و آنگاه آنها را مجدداً بسته بندی و به پایگاهی نزدیک تر به ایران ارسال داریم که برای حمل فوری آماده باشد، ما برای انجام این کار دو تیم ویژه را برای مدت سی روز مامور کردیم و بطور قطع می گوئیم اگر حتی این وسائل برای خودمان بود نمی توانستیم آنها را به این سرعت و یکجا فراهم آوریم و در آخر بعنوان مثال دیگر، از یکی از دولت‌ها که مجبور شدیم ۱۲۷۰ عدد از این وسائل را بگیریم، با کارخانجات مربوطه تماس گرفته بودند به آنها گفته بودند که اگر جواز را بیاورند سفارش آنها تا ۲۰ ماه دیگر آماده می شود البته با تعداد سفارش بسیار بیشتر، در نتیجه ما مجبور شدیم به آنها تعهد بدهیم که اگر حادثه ای پیش آید که کسری این وسائل در دفاع هوایی آنها اثر گذارد، مستقیماً دفاع از آنها را به عهده بگیریم.

من پس از یک هفته که قیمت‌ها را به جنابعالی دادم و دو ساعت و سی دقیقه دادن لیست به جزئیات قیمت‌ها طول کشید، فرمودید تا فردا وجه آن وسائل را که آمده بعلاوه وسائل کسری به حساب بانک سوئیس واریز می گردد که البته این فردا هرگز نیامده، ۶ روز طول کشید من روزی سه بار به جنابعالی تلفن زدم که چه شد، فرمودید فردا درست می شود ظهر زنگ بزن، شب زنگ بزن، صبح زنگ بزن و بالاخره پس از ۶ روز مصیبت که بنده هر روز فشار بانک‌ها و فشار کسانی را که از آنها سفته گرفته بودیم خدمتتان توضیح می دادم تا یک شب گفتید کار خراب شده، عرض کردم چرا، فرمودید ما یک فیش و لیستی داریم از این وسائل مربوط به سال ۱۹۸۵ در همین کارخانه یعنی مربوط به ۱۸ ماه قبل که کارخانه قیمت این وسائل را داده و ۶ برابر ارزانتر است از قیمت‌های آمریکایی‌ها، من خدمتتان عرض کردم این نمی تواند حقیقت داشته باشد و قطعاً کسی خلاف گفته به هر حال بلافاصله به آمریکایی‌ها مراجعه کردم، گفتند بکلی مزخرف است، چون این وسائل که ایران خواسته بود متعلق به یک کارخانه نیست و در ۵۴ کارخانه مختلف و در ایالات مختلف آمریکا تولید می شود و هر کارخانه کاری جداگانه دارد و بعلاوه رسماً به آقایان بفرمایید یک بار به ما در تهران بدترین توهین‌ها را کردید و فرمودید که ما اجناس دست دوم و کار کرده برای شما آورده ایم که بعداً کارشناسان خودتان آزمایش کردند معلوم شد اشتباه کرده اید و معذرت خواستید، حالا ما را دزد هم می کنید، به آقایان بگویید که البته هیچ کدام از این وسائل از کارخانه ای تهیه نشده و می دانید چگونه ابداع کرده ایم و

قیمت چند بار حمل و بیمه و بسته بندی را داده ایم، ما به عنوان یک ابرقدرت که بخاطر حسن تفاهم و دوستی و رابطه نوین قدم جلو گذاشته ایم، نه حق داریم و نه می توانیم کار تجاری بکنیم و اگر آقایان فکر می کنند کلاهی سرشان رفته فوراً جنس را پس بفرستند و هیچ هزینه ای هم به آنها تعلق نمی گیرد و ما پول شما را تمام و کمال می دهیم، ما بعنوان یک ابر قدرت اگر در جای مقاصد مادی و بهره برداری اقتصادی داشته باشیم، دنبال فروش چند وسائل یدکی آن هم مال دیگران نمی رویم بلکه دنبال میلیاردها می گردیم و این هم دست مزد ما و توهین آخر. گفتند ما وقتی وسائل را به این شکل و با این سرعت بخواهیم ممکن است گاهی اوقات تا ۱۰ برابر قیمت اصلی هم گرانتر بخریم، اما ما در این مورد نهایت تلاش را برای شما کرده ایم و فکر می کردیم که جای تشکر و سپاس بسیار از طرف شما خواهد داشت، گرچه ما تعهد می کنیم در آینده وسائلی که در انبارهای خودمان موجود باشد و مورد نیازتان است با همان قیمت که خود ما یعنی دولت آمریکا ماه‌ها و سال‌ها قبل از کارخانجات تهیه کرده عیناً در اختیارتان بگذاریم که امروز برای خود ما شاید دو سه برابر تمام می شود مانند موشک‌های TOW که در گذشته به شما دادیم.

من تمام این مسائل را مفصلاً و با توضیحات دیگری چندین بار طی مذاکرات تلفنی خدمتتان عرض کردم و خود جنابعالی هم مستقیماً با واشنگتن تماس گرفتید و آمریکایی‌ها هم برایتان توضیحات لازم را دادند و در آخر هم گفتند که چقدر ناراحت شده اند از این توهینی که به آنها شده، من روز یکشنبه ۸ تیر ماه وخامت و پیامدهای ناشی از واخواست شدن چکهای خودم و سفتهای بانک لندن را خدمتتان عرض کردم و خواهش کردم شما روز دوشنبه صبح با آقای سالاته در بانک کردیت سوئیس ژنو تماس بگیرید و بفرمایید همین یکی دو روزه کارها حل می شود و اقدامی نکنند و صبح روز دوشنبه ۹ تیر ماه آقای محمدی به سالاته زنگ زده بود و فرموده بودند، یکی دو روز وقت بدهید و روز سهشنبه ۱۰ تیر هم آقای آدم بیک از آلمان از طرف شما زنگ زده بود که سالاته از دست من خیلی عصبانی و ناراحت بوده و گفته بود این کار خیلی به ضرر او تمام می شود و بالاخره من روز چهارشنبه ۱۱ تیر ماه ساعت ۲/۳۰ دقیقه بعد از ظهر با جنابعالی صحبت کردم و همه چیز را توضیح دادم دقیقاً فرمودید ساعت ۶ بعد از ظهر آن روز زنگ بزنی ما یا تا فردا پول این وسائلی را که آمده می پردازیم و یا این وسائل را عیناً فوری پس می دهیم، من از جنابعالی خیلی تشکر کردم و گفتم تو را به خدا و بخاطر نجات آبروی من و خودتان تکلیف این کار را امشب روشن کنید از آن تاریخ تا این لحظه که ۴ صبح روز پنجشنبه ۱۹ تیر ماه است کوچکترین اقدامی نشده و فقط به وقت کشی مشغولید.

برادر عزیز، برادر نازنین، برادر مسلمان، خودت را یک لحظه جای من بگذار ببین با من چه کرده اید و پاداش زحمات و فداکاری‌ها و تلاش‌های مرا چگونه داده اید.

برادر فردا درست ۶۴ روز است که ما ۲۴ میلیون دلار بانکها را به نام شما به آمریکاییها داده ایم همان روز اول بانک فقط یک در صد یعنی ۲۴۰ هزار دلار بابت کارمزد این اعتبار برداشت کرده، بعد ببینید بهره سنگین چنین اعتباری در مدت ۶۴ روز فقط تا حالا چقدر می شود؟ و حالا ۲۵۶ هزار دلار بابت واخواست سفتهها و چکها و نکول اعتبار صورت حساب داده اند، اما از همه اینها بالاتر و مهمتر با ۱۷ سال صداقت و درستکاری و اعتبار من در بانک سوئیس چه کردید. برادر جان الان ۶۴ روز است این وسائل به تهران وارد شده آیا جواب اعتماد و اعتقاد به جمهوری اسلامی همین است، برادر عزیز یادت می آید ۷ ماه قبل در ژنو تشریف داشتید و ۲۵ میلیون دلار بطور دربست و بدون سند در اختیار من گذاشتید که برای شما توسط آمریکاییها موشک هاگ وارد کنم، ولی وقتی اولین هواپیما وارد شد معلوم گشت که این نوع هاگها مورد نظر شما نیست و اشتباه است و فقط مبلغ موشکهای وارد شده حدود ۵ میلیون دلار بود، یادتان می آید چطور ناراحت شدید و قلبتان گرفت و من شما را نیمه شب به بیمارستان بردم تا صبح بر بالین شما ایستادم و صبح اول وقت به بانک کردیت سوئیس رفتم و ۲۰ میلیون دلار را به حساب شما ریختم و رسید آن را برایت به بیمارستان آوردم و دو ماه بعد هم هواپیما فرستادم و موشکها را پس بردیم و تمام هزینههای حمل و بیمه و مخارج دیگر آنرا دادیم و یک دینار هم هزینه ای به حساب شما منظور نشد و پول شما تمام و کمال و بدون کوچکترین دردسری بلافاصله برگشت شد.

برادر آن رفتار مسلمانی است یا این که حال شما می کنید؟ آیا این است جواب متقابل کاری که برای شما کردم؟ درحالی که شما فقط در مقابل مهندس موسوی مسئول بودید و من گرفتار سه بانک اروپایی و دو شرکت بزرگ و یک دوست عزیز و یک عمر اعتبار و حیثیت هستم. برادر عزیز چرا ما باید اعتماد و اعتقاد به رژیم اسلامی و آبروی آن را بر باد دهیم. شما می دانید سیستم بانکی و تجارت در اروپا مثل یک خانواده کوچک است، فردا گند این قضیه تمام دنیا را می گیرد، و دیگر آبرویی برای من که هیچ تمام شده ولی برای جمهوری اسلامی هم نمی ماند و خواهید دید که وزیر و یا سفیر همین کشور سوریه خواهد آمد و خواهد گفت قضیه چیست؟ ده میلیون سفته یک سوریه ای واخواست شد که پول آن به وزارت دفاع آمریکا رفته که اسلحه برای ایران بیاورند، بانک سوئیس که می داند پول را چه کسی داده و چه کسی باید آن را بازپرداخت کند، تا آبرو ریزی بزرگ نشده و حیثیت همه ما بر باد نرفته و این دردسرها به حساب من و شما گذاشته نشده قال این قضیه را بکنید، ما آمدیم زیر آبرویش را برداریم داریم بکلی کورش می کنیم، ما برای خدمت آمدیم داریم خائن می شویم.

برادر عزیز تاکنون منهای مخارج و هزینه‌های یک ساله فقط کارمزدها و بهره‌های بانکی و مخارج مخصوص این کار بالغ بر دو میلیون دلار گردیده، هیچ اشکالی ندارد من نابود شوم بهتر از این است که پای جمهوری به این کار کشیده شود.

همین فردا و سائلی را که آورده اند عینا پس بفرستید، فوراً تحویل می‌دهیم و پولمان را پس می‌گیریم و این چند میلیون دلار را که تاکنون هزینه شده است من مطمئن هستم که چون نیت خیر بوده است و واقعیت هم بر طرفین قضیه روشن است به شکلی باید حل شود.

برادر جان در این شرایط که کسی حاضر نیست حتی صد هزار دلار در اختیار شما بگذارد انصاف داشته باشید من فقط در مقابل دستور شما بدون نوشته و سند و مدرک ۲۴ میلیون دلار اعتبار برایتان گرفتم، ارزش این کارها را باید بدانید نه آنکه آن‌ها را لجن مال کنید. آمریکایی‌ها به من می‌گویند، این دوستان با تو که اینطور برایشان سینه چاک می‌دهی و جانفشانی می‌کنی اینطور عمل می‌کنند با ما چه خواهند کرد.

من از شما برادر عزیز می‌خواهم و استدعا دارم، بخاطر خدا نه بخاطر من بخاطر آبروی جمهوری اسلامی و بخاطر انسانیت و شرافت تکلیف این قضیه را در چند ساعت آینده روشن فرمایید و از حالا به بعد همه چیز و مسئولیت‌های آن فقط به عهده شماست.

با عرض تشکر و احترام

ارادتمند

منوچهر قربانی فر

امضاء - ۱۳۶۵/۴/۱۹

بعلی مرتضیٰ آل کبری
مفوضی است

۱۳۶۵ - ۴ - ۱۹

(گزارش در ۱۹ صفحه)

بنام خدا

محضور برادر عزیز در جنابم آقا محسن گنجدی

با عرض سلام و ارادت، آرزوی توفیق و سلامتی برای شما و خانواده محترم
و التماس دعا خیر برای خود دارم.

برادر جان برای آنکه بدانم شما چه اعتقاد و احترام به مسلمانی و شرانیت و انبیا
و اعتقاد بردارند شما بجهت مصیبت در رفتار نزدیکان چهار شده ۲۱، لازم است توضیح بدهم
را بمانند ذیل جلب نموده و توضیح دهم که عدم توجیه و دقت ضابطه‌های چه مسائلی برای
یک برادر و یار وفادار و دوست فداکار که همه چیز خود را برای شما و پیشبرد اهداف
مقدس شما که پیروز در این جنگ میهنی و تحمیلی کرده‌اند، بوجد آورده‌اند
برادر عزیز ترا بقرآن مجید بگویند، تا بجان بچه‌ها عزیزت قسم، من هیچ خدمت
بجز دوستی بجز فداکاران بجز رنج و زحمت کشیدن چه بد در حق شما کردم؟؟؟
که شما اینگونه که شرح آن خواهد آمد با من رفتار نمودید.

آیا من ز شما انتظار دستمزد و پاداش و حقوق و توفیق ساد دارم؟؟؟
آیا شما تاکنون بمن چیزی داده‌اید؟ چیزی آنکه صد بار استهزا کردم برای پیشبرد
و پیشرفت و تسریع در کارهای خودتان و دست یابن به منابع بهتر متداول خادیا

(ص ۱۱)

آنهم به هزینه خود من بنویسید که بزرگتر نوسان‌دهنده و بسیار هم در من خودم خاد و بار طلائع
در تهران با هزار زحمت و هزینه زیاد تهیه کردم و تمویلی دفتر شما در تهران داده - آنرا بزرگترین
نرسید و معلوم نشد چه کسی و کجا آنرا را خورد.

من تمیخواهم بچند سالی که به شما و جمهوری اسلامی درگذشته کرده‌ام بپردازم، اما لازم میدانم
فقط با یکی همین یکال گذشته است را کنم.

من در بجان شتر گامی پیش از دی سال بود که به در زردیم و چه کارها که نکردیم تا مشک
تا در ۲۰۰۵ و سلاح‌های مدرن دیگر تهیه کنیم و پس بالاخره باین نتیجه رسیدیم که به همان حرفه دروغ
و دروغ است و اینگونه تا مشکی و سلاح‌های پیشرفته و بسیار مدرن را فقط از دست دولت‌ها
میتوان گرفت و نه از طریق واسطه‌ها و دلالان، لذا به نظر من از سابقه امر
دقیقاً اطلاع دارید بواسطه روابط شخصی و دوستانه خصوصی بین خودم و ~~مجلس~~
تنی چند از زمامداران فعلی آمریکا از حزب جمهوریخواه ما هم آنجا شدم و با آنرا
مذاکرات مفصلی کردم و گفتیم و شنیدیم که دوستی همیشه بهتر از دشمنی است و از راه
دوستی رخصا است که میتوان کدورتها و دشمنی‌ها و شقوقاها و نفاق را زدود و به
حسن تفاهم رسید و مسائل واقعی بیدگر را در کرد و بعدا او مال در جنبت میسوم
چیز بهتر حتی از راه صلح هم شده. سوئس از خرس بلینم و از آنرا مسائل بگیریم
زیرا هدف ما از این حرفه مقدس تر و نبره‌تر است و چون از خود اطمینان کامل

(ص ۷)

داشتم و بقول معروف کسی که چیز را بارش نیست هر اسن ندارد، فقط بابک پیام تلفتی جناب عالی
 بلند نشود و بابک هوایما را اخفای من نزدیک فقط درج لید ۱۰۴ شوکت ناد ۳۰۰ ۳۰۰ ۳۰۰ ۳۰۰ ۳۰۰
 به تهران آردم درج لید قیمت آنرا خودم تهیه کرده و به روز قبل از آن با مرعی شیر داده بودم
 و سجد او را در حدی سولند از آوردن آنها هوایما ۵۵ هزار دلار هم ضرر کردم و آنرا از جیبم برداشتم و
 به روز شنباهم نیاردم، گفتم جای دور نمی رود و اینهم سهم من برای پیروزی در جنگ و جبران
 کوچکی از گذشته ها، اگر به باقیاض مراجعه فرمائید بگزارش بر خود منبر مانده که در همان
 سفر خود متان دادم و گزارش جامع و مفصل بود و امروز که پیش از یک لی از آنزین
 گذشته هر آنچه نوشته بودم بحقیقت بیوسه و پنجصص قیمت لغت و سالی سالی دیگر
 بگیریم، بعد از آن با انا صله یک هوایما دیگر با ۵۵ شوکت ناد برایم فرستادم و
 از آنزین تاکنون چه ها که نگذشته، در یک گذشته من بنده دست خودتان
 که جملات اعتقاد دارم هر روز در شب چند بار بنها تلفن زدم و بطور متوسطه فقط
 بیش از ۵۵ دلار روزانه هزینه مکالمات من با شما شد.

در یک گذشته بعد از ارسال ده ها گزارش اطلاعاتی و خبری و گزارشنامه و ایند مشرقه
 برای شما، سوجبات ایجاد حسن تفاهم و درک سالی و تفهیم نظریات دولت ایران به
 متابعان کاخ سفید را فراهم آوردم و هم تر از همه زمینه فراهم آوردم که امری شیر
 سرشار را اجباری است که از دند و سیزده ان آسوده و در رأس بنیت هم در من

(ص ۴)

تشخصیت حزب جمهوریخواه و با نفوذترین شخص در رئیس جمهور معروف به پسر خوانده
 ریگان (رابرت مک‌فارلین) بود که خدمتگاران آدم تارسمان اعلام کند
 که جمهوریخواهان را از زمین محبت و مردان و تقابلی احترام و ستایش میدهند و حاضرند
 محرمانه در کنار مقام قرار گیرند تا آنکه تا آنجا که ما جنب را بکسر کنیم و با ما دوستی کنند.
 بعد از خدا خود شما بهتر از هر کسی میدانید که من در اینجا دوستی در رابطه ویژه بین ایران
 و دولت جدید فرانسه نقش اساسی را ایفا کردم و در حالیکه به توافق تسکین و قطع مبارزات
 با بریکر کشش اهل در پاریس دست یافته بودم و همه کارها آماده شده بود، درست
 روز بعد از آن بدون کوچکترین خبر از طرف شما و بدون اطلاع من جناب سعید
 صادق محترم نیت دزیر پاریس تشریف آوردند و درست برخلاف جهت من با بنابر از سمت
 وحشی رفته بودم حرکت کردند و در پاریس در یک گفتگو کرد که مسعود دستگاره او از پاریس
 باید برود، من هم روز شنبه تلفن کردم که به جناب منصف دزیر بگویند، فوراً به آنجا سعید
 دستور فرمایند که در مسعود رفتن مسعود اصلاً پاف را نکند هیچ بله بگویند حضوراً در
 فرانسه از نظر ما بلا مانع است، زیرا با حضور او در پاریس با بریکر خود پیش امکان پذیر
 شده بود، و در شما گفتگو است دیگر رفته است و نیت دزیر جنبی کار میگویند بکنند
 ندهیم بالا فر. معنی هم انگلیس را منضم و نیچتا آبرودار ما برید و اینها نترسند که من در فکر
 هستم و این حرف را که باید اجابت دهم ما کشش اهل را با بریکر کنیم جزو شرایط است از خودم

(ص ۵)

در آوردم ، و وقتی خیل اصرار کردم ، گفتند آنچه کاره او و اجازت ؟
 نمودم دولت خود را انجا میگوید برود و تو سگوش بار شود بر باد نهد !!
 گرچه این محل برابر همیشه در ذمه من است و من قاطعانه اهلین می دهم که با نوبت
 قدرت و سرعت می توانم اینکار را انجام دهم درحالیکه درست ۲۹ روز است سر بهین
 قضیه و صد صلوات نزنو نماز بر آن من را در ایام گذشته داشتم و می دانم چگونه
 باید از دست اینکار که تقریباً تمام راه را رفته ام خلاص شوم .

من در این یک لذت نشسته نشستم بر روز و هر شب چندین نوبت شبها بنگن زدم بلکه
 فقط شب بار سبزه آن آدم ، شش بار با مریم رفتم و یکبار هم به توره شفا فقط باید اطلاع
 می دهم برادر دیدار بنحیب آدم و پیش از این بار سگوش رحال اردو پایش خدا رسانده
 سوگردم ، حتماً پیش از این بار از نقاط مختلف دنیا فقط برای چند ساعت نبودم .
 فائز نورت رفته ام تا آنکه آدم بیک نمائند . ضعیف را ملاقات کنم و اسناد اوراق
 را یادداشت های را پسندیدم به اینها ارسال دارم ، ضمناً در همینها کاسه سرسام آور را
 ملاحظه شده ام که فقط خدا شاهد آنست ، من هر چه دست می دهم به اینها ملاحظه شده
 وجه آنرا در هفته زودتر با مریم شیرا پیرا ضمه ام و آن را کاشها تحویل کرده بدین آنکه
 ناسدیر - تلکس - تلگرام - ضمانتی ، چکی از شما داشته باشم و همیشه چندین روز پس از
 تحویل با تلکس وجه آنرا باز پرداخته اید ، من خداوند بزرگ را شکر و حمد می طلسم و در پیش

(ص ۶)

دوم در گولند من خورم ، من بجز ضرر مادی و روحی و ناراحتی روحی از دوستی شما فایز نکرده‌ام.
 و حال آنکه شما با آمریکا تیر در تماس مستقیم هستید ، بپرسید و تحقیق کنید آیا من بجز ضرر در کار
 شما نفع دیگری داشتم ؟ آنقدر دولت هسته نمی‌تواند دروغ بگوید و دوستی در رابطه آنرا
 ، شما بسیار مهم‌تر و با ارزش‌تر از رابطه سفیدی من با آنراست .

هوا نخبه کرده ام ، بجا طمعه آلوده و بجا طمعه دوستی و برابر شیوه حسن نیت و صداقتم بوده است
 من نیز همان ضررهایش که در مورد بازرگانی کشش دوم و اعتراض دینیت بر زمین و کوشش در لفظ
 و کاندیدایش در سه نوبت بهترین و اماست طمعه‌اش آنرا در سال چندین من با آنرا
 که همه بزمینه من انجام گرفت و لاچارترین نتیجه‌اش بهم نگرانیم نمی‌خواهم اش را کنم .

من در بهمن سنو آخر خودم سهران یعنی ۲۴ روز قبل بیفش از ۵ مهر هم اسیر صحتی
 و مادی آوردم که به هیچ‌کدام از آنرا کوچکترین پاسخی هم نداد. امید ، بمن دیگر ثابت شده
 که رنجی بهم رسیده ، شکستم و وقت تلف میکنم و این راه به ترک است

اما برادر عزیز شما در مقابل بر این چه کرده ؟؟ جز اینکه با این کار آخرتان (۱۵)
 پرداخت پول مردم پس از دو ماه مرا به ناپودگی و بدرفتاری حیثیت اجتماعی و
 بانکی و سیاسی انداخته‌اند ، این است محض آنکه کثرت میدادید و رأفت اسلام برار
 آنرا که شما با مردم دارند ؟ من بارها بشما تذکره دادم که بجا طمعه بسیار است
 شخیص و خصوصاً من با آمریکا تیر که قابل شرح نیست ، شما چنانچه موقعیت مرا تحقیر و تقویت

(ص ۷)

کنید، من بر آنچه را که بنحوا بید و حتی بنظر تان خیر مصلحت می توانم از آنرا برای شما بپذیرم
 اما شما برخلاف تمام اصول و ضوابط شرعی و عرف و سیاست و اطاعت و انانیت نامه لیکل
 ستر را که در مورد آنرا به شما نوشته بودم که چه چیزها می توان از آنرا گرفت، آوردید
 و در صحت بیلتون عموماً به آنرا دادید و من برای آنکه به شما ثابت کنم من دروغ گو نیستم
 و یک ان صدق و غذا کار هستم، در لیکل پی ایتادم و امیر مردم شما
 مجبور شدید آن گزارش را فتوکپی کرده و با آن لیکل نشخو بدیدید.

اما در مورد این قضیه آخره آسون آمریقایید و مقدار از وسایلی بدین لازم میدانم
 که شرح ماقبل را آنطور که گفته است دقیقاً باز گوئیم که صد در صد مورد تأیید جنابعالی
 نیز می باشد. شما در طی مدت دوروز و چهارست ساعت مکالمات تلفنی لیستی کاملی با تمام متنی
 را که در طی ۲۴ ساعه و ۲۴ ساعه محدود ساعته بدین مختلفه مربوط به سیستم ضد هواپیما مشکوک
 حاک بود به من دادید و گفتید اگر موافقت کنند که مقدماً این وسایلی را در
 اختیار اینها گذارند، ما هم قودم که مثبت برای آنرا بخواهیم داشت، من آن لیست
 را با آمریقایید دادم، البته این قضیه بعد از آن بود که خود جنابعالی و هیئت ایران
 با مقامات آمریقایید در فرانکفورت ملاقات کرده بودند، آمریقایید بعد از یک هفته
 پاسخ دادند که این کار بسیار مشکل است زیرا مربوط است به سیستم سال ۱۹۷۵ و ما
 باید آنرا از گوشه دنیا و با شغلات فرادان تهیه کنیم و این چون حسن نیست داریم
 بطور اصولی بر انجام این کار موافقتیم، اما لازم است لیست همی و لیستی به ما بدیدید

(ص ۸)

تا دقیقاً محاسب شود، جنبه‌ای هم نسبت رسمی را فرستاده، آنرا بررسی کردند و گفتند که عین قلم
از این نسبت متقابل ششصد است و ۹ قلم دیگر هم نه که بعد می‌شود در مورد موجود
است و این عدم وجود آنرا از نظر فنی به هیچ تأثیر ندارد و در مورد ۹ قلم دیگر هم گفتند
آن تعداد که مورد درخواست است فعلاً موجود نیست و در ماه طول میکشد تا آن
تعداد را بهم تهیه کنیم، من در شش نوبت متوالی این موضوع را که تعداد متقابل آنرا ششصد است
و تعداد اصلاً موجود نیست و تعداد هم موقتاً یعنی در زمان تحویل کسر دارد باز در طبق
شماره ششصد آنرا در اختیار تا گذاریم و آن کار سام از وزارت دفاع هم که فارسی
سیدانه گفتی رزیدن قبل از آمدن سپهران باشما صحبت کردند و دقیقاً این موضوع را
با اطلاع رسانند، شما فرمودید انگار ندارد اما آن اقدام را که کسری دارند حتماً باید
مهرت و تحویل دهند و ما همین تعداد مورد تقاضا خود را می‌خواهیم، آمریکاییها نسبت
نسبت درخواستی را بی‌رحمی کرده دادند که نسبت چهارم بول و صد دهفتاد و سه هزار و دویست
دلار می‌شود (۲۴۳۷۳۲۰۰ دلار) که باید ده روز قبل از تحویل سپرداریم و این مبلغ نشان
اتلام که فعلاً کسر است نمی‌شود، من بیشتر از ۵ بار صحبت با این اطلاع دادم که آن
جان لستی را که درخواست کرده این منظره را قهراً کسر که بعداً تأمین مسکنه ۴۴ میلیون
و چند هزار دلار می‌شود که شامل حله هر سه کار از قبیل چیدن بار حمل و جابجایی بیمه بارگزار
سازگاری و سایر کارها و بسته بندی می‌باشد و یکبار هم که من قبلاً بشما اطلاع دادم
فردا که تلفات ذخیره میکنیم، آمریکاییها در لندن هستند و در خطا خواهند بود و جنبه‌ای

(ص ۹)

بهر آنکه اطمینان حاصل کنید من دروغ نگفتم، بهارضضه من بار و وسط مذاکره قیمت
 دقیق را خواستید که من با اطلاع رساندم درحالی که آنرا در اطای بودند و در خط و شش کا
 با شما صحبت میکردیم، فرسودید اشعار ندارد جنسی را حرکت دهید و هر چه بقیه ممکن است
 با خود بیاورید. بیاد رند اگر ممکن است قهرم پیش از ۵ یا آنرا در این هوایها که آنرا مارک نداشته
 باشد و گدازنامه حال آنکه هم نمیرا میآید باشد، بار هم مارک نداشته باشد
 من که ملحق محمول همیشه و چه جنسی را از بانک موقتاً تهیه کرد. و بعد شما میدادم با اطلاع رسانم
 که قیمت جنسی اینبار فوق العاده زیاد و تا همین آن از محل اعتبار است بانکی و تعدادی از شقه ها
 اعتبار را خلی مشکل است، فرسودید ضمانت نامه بانکی میدهم، پنج روز بانکی چگونه شما -
 ضمانت نامه بانکی ملی بیدید بانکی مرکز گشت و هیچ کس در هیچ بانکی حاضر نشد در مقابل
 ضمانت نامه حال این دو بانک جنسی یک دلار هم با اعتبار بدهد و گفتند این قانون
 است به کشور در حال جنگ اعتبار نمی توانیم بدهیم، شما فرسودید معطلی نمن کار خراب
 میگوید هر جور شده تهیه کن. بعضی ورود می پردازیم اینبار مثل دفع قبلی بگردیم بهم تأخیر
 نمی شود می خواهم یک شخص مرا از آدم بیک در فرانکفورک بگیرد و بانکی بدهد، عرض کردم
 وقتی ضمانت نامه بانکی ملی بانکی مرکز را نمی پذیرند چک شما بچیه دردمی خورد؟
 بهر حال با گرفتن شقه حال تأیید شود. دست سوری قهرم کی ل و در دست رفتی کردی
 بهر آنکه از لیس نفت می فرم و قرار دادن آنرا بجا آورده بودم است شخص از محل اعتبار است
 در کردیت موسی *Samir Bank* که در آن زمان اطلاع دارید، کل مبلغ را بدهد

(ص ۱۰)

برای سه هفته یعنی تا اول ماه جولن دام گرفته در شبانی جب تصنیفیم بهم بیاورد لذت
 دادیم و معینا و جرمورد در پوست را در اختیار امریائیکه قرار دادیم، در اینجا لازم است خاطر
 نشان سازم که من طی گزارشی که به تهران فرستادم و محتوای کلی آن در پایین است، توضیح
 دادم که امریائیکه گفتند، اینبار ایرانیه فکر بسیار عمده‌اند اگر کرده‌اند و چیز خوبی است آنکه
 خیلی بدرد آن‌ها می‌خورد و با هزینه محدود ۵۰۰ ملیون دلار یک سیستم موشکی ضد هواپیما را که
 خرید آن امروز حداقل ۲ میلیارد دلار هزینه دارد بطور کامل و فعال مورد استفاده
 قرار می‌دهند، یعنی من قیمت و سالی مورد درخواست شما را کتبا نیز قبلی از ورود آنرا
 بنمایانم کرده‌ام، امریائیکه گفتند که باقی‌مانده ۱۰۰ میلیون فرانک ما چندین قلم زر و سالی
 مورد درخواست آنرا که چیزی از اصل یک قسمت بود بجز آن جزء بصورت کامل و مستقیم
 چون می‌دانیم جایگزینی آن اسلحه ترسناکتر می‌باشد و بعلاوه، اینکه این تعاضد کردن بودم ما
 می‌دانیم که آنرا احتیاج بده ترناتور دینزل مخصوص دارند و ما آن اجزای را در بصورت کلی
 دادیم و این ترناتور دینزل که چون سه تن می‌باشد نیز در محاسبه منظور نگردیده و در دست
 است از طرف ما و بعلاوه ما آمده ایم مجانباً کارشناسان مخصوص خود را باین زمان
 غیر امریائیکه برای سه هفته همراه با وسایلی از *equipment* و *instrument*
 و سالی راه انداز و اندازه‌گیری *calibration* بایران اعزام داریم تا این سیستم
 موشکی ما نیز مستقیم و با خط صفر برایش کار کند و نتیجه آنرا خدمتان نوشتم
 و وقتی هم امریائیکه در تهران بودند خودشان این موضوع را اطلاع دادند که ما نیز باین کار کار

(ص ۱۱)

دیگر یا یکی داده نشد، آمریائیز در تهران چند بار تأکید کردند که قیمت کلی ۴۰۰۰۰ تنگ
 و سالی یک کیل مورد درخواست ایرا را منتهی ارقام کسر تماماً در پانزده داشته اند و بنده چند بار
 در حضور خود شما و آقایان دیگر این مسئله را روشن کردم، آمریائیز در مذاکرات طولانی
 توضیح دادند که قبلی از آنکه وجه جنسی را در پانزده گفتند به هیچ کار نمی توانسته انجام دهند و
 چند بار توضیح دادم که ۴۰۰۰۰ تنگ دلار به دست این آقایان که اینها حضور دارند می باشد شما
 قبلاً پرداخت شده است.

پس از ترک آقایان از تهران و در مذاکراتی که جنابعالی با من داشتید فرموده که باید حتماً
 کسری بقیه ارقام را تأمین کنند و با بقیه بیاورند و لیستی هم به من دادید که کل ۱۷۰ عدد
 و سالی یک کیل کسر میگردد، من عرض کردم نمیدانم قیمت آنرا چیست، پس از مراجعت
 و مذاکره با آمریائیز نتیجه را خدمتتان عرض میکنم، لیست را با آنرا دادم لطفند که بفرستند
 تا در طول میگذر تا این قیمت را محاسبه کنم که بتوانم آنرا را تأمین کنم روشن شود
 من خدمتتان امدار دادم که دست زیاد از پرداخت وجه به آمریائیز و تا محل حدود
 ۱/۵ از مسائل گذشته، فعلاً وجه این مسائل را که آمده بعلاوه وجه کسری جنسیه بپردازند
 که ما آنگاه چند درصد از طلب بانکه را پرداخت کنیم تا فرصت بیشتر داشته باشیم که اصل
 قضیه را بکل حل نماییم و بیهوده سالی یکجا وارد کرد، فرمودید بسیار خوب و چندین روز
 مرا معطل کردید که امشب زنگ نزنم نشو خود را زنگ نزن نشد، فردا صبح
 زنگ نزن نشد، مجدداً زنگ نزن نشد، تا خلاصه آمریائیز قیمت اجناس کسرا را هم دادند

(ص ۷۷)

است که ما اکنون سیستم دیگر داریم و نتیجتاً باید این اجناس را بهر شما از کشور خارج کردیم
و متحد خود هستیم که در آنجا هم با این اشکال مواجه بودیم که اگر رأی تقاضا کنیم
چون میدانند ما خودمان چنین سیستمی نداریم فوراً چیزی می‌بندند که برای چیزی خواهیم دیدیم
چیز اشتباه می‌گردد، کشورهایی که بتوانند این مسائل را در اختیار ما بگذارند
مبارتند از اسرائیل - کره جنوبی - فیلیپین، ما برای حفظ راز مجبور شدیم مدارا از این
مسائل را از طریق دلالان و غیره و با نفوذ مخصوص تهیه کنیم و بهر اشکال در یک مورد
که احتیاج به ۷۰ لایحه مخصوص داشتیم که فقط در پایگاه فیلیپین موجود بود، توسط ادارات
خودمان مأمور مربوطه را فرستادیم و این لایحه را بطور غیرمجاز از آن کشور خارج کردیم
(یعنی تلفه کردن) و آنجا تمام این چهار هزار عدد جنس را از آن کشور خارج کرده آوردیم
و در کارگاهها کویشتر خودمان سارک بود آنرا پاک کردیم و یک بیک آنرا با دستهای
آزمایش امکان نمودیم که عدد در حد سالم در هیچ یک نباشد و آنرا با محدود است بنده
به پایگاه نزدیک تر با بران ارسال داریم که بهر حمل خود آزاد باشد، ما بهر انجام این
کار در تیم و غیره را بهر حدت پنج روز صادر کردیم و بطور قطع میگوئیم اگر حتی این
مسائل بهر فردمان بود نمیتوانستیم آنرا با این سرعت و یکجا فراهم آوریم و در آخر بعنوان
مثال دیگر، از یک از دولت‌ها که مجبور شدیم ۱۷۰ عدد از این مسائل را بگیریم، با یک فایده
مربوطه تمایل گرفته بودند تا آنکه کوه بودند که اگر جواز را بیاورند سفارش آنرا تا پنج سال دیگر آزاد
می‌شود البته با تعداد سفارش بسیار بیشتر در نتیجه ما مجبور شدیم تا آنکه نفقه بدیم که اگر حادثه‌ها

(ص ۱۴)

بعضی آید که سری این ساشی در دفاع بپوشش آنجا اثرگذار است، مستقیماً دفاع از آنجا را بهبود
 بگیریم. من پس از یک هفته که قسمتی را همچنان دادم و دست سمت دس دفعه داد
 هست به جزئیات قسمتی طول کشید، فرسودید تا فردا و بعد آن ساشی را آسوده بجای آوردن
 کسر می‌باید بانک مونس دارنر میگردد که البته این فردا بگذر نیامده، و در روز طول کشید
 من روز سه‌شنبه را همچنان تلفن زدم که چه شد، فرسودید فردا درست باشد و ظهر رنگ نبرن
 ، شب رنگ نبرن - صبح رنگ نبرن و بالاخره پس از یک روز مصیبت که نبه، هر روز رفت
 با نگرانی رفت یک نفر را که از آنجا سفته گرفته بودیم خدمتتان توضیح میدادم تا یک شب
 گفتند کار خراب شده، عرض کردم چرا فرسودید ساشی و لیسیتی داریم از این
 ساشی مربوط به سال ۱۹۸۸ از همین کارخانه یعنی مربوط به ۱۸ - ۱۹ قبل که کارخانه
 صفت این ساشی را داده و یک برابر از آن تر است از قسمتی که امریکا ساشی
 من خدمتتان عرض کردم این نمی‌تواند حقیقت داشته باشد و قطعاً کسر خدان گفته
 به حال بلافاصله با امریکا ساشی را مراجع کردم، گفتند کعبی فرخ است، چوچول این سیستم
 که ایران خواسته بود ساشی یک کارخانه نیست و در ۵۴ کارخانه مختلف در
 ایالات مختلف آمریکا تولید می‌شود و هر کارخانه کار جداگانه دارد و بجای آن
 فرماتیه یکبار در همان بهترین کوهسازها را کرده و فرسودید که ساشی است دست دوم
 و کار کرده به اینها آورده ایم که بعداً کارشناس خود را از ما پرسش کرده معلوم شود اشتباه
 کرده‌اید و معذرت عرض کنید، حالا ما را در دهم می‌کنید، باقی مانده بودیم که البته هیچ کدام

(ص ۷۵)

از این مسائل از کارهای نه‌ان تهیه نشده و میدانند چگونه ابتیاح کرده‌ایم و عیب چند بار
صل و بیبه دهنه بند را دادیم، ما بعنوان یک ابر قدرت که نمی‌توانیم کارهای ما را ببینیم و اگر آقایان
رابطه نوین قدم جلو گذاشته‌ایم، نه حق داریم و نه می‌توانیم کارهای ما را ببینیم و اگر آقایان
نکر میکنند کلاً این سرشان رفته فوراً جنس را پس بزنند و هیچ چیز از آن هم باقی نماند و اگر
و ما پول شما را تمام و کمال می‌دهیم، ما بعنوان یک ابر قدرت اگر در چیزی متقاعد
مادامه برادر اقتصاد داشته باشیم، دنبال فروش چند قطعه مسکونی می‌رویم آنهم مال
دیگران نمی‌رویم بلکه دنبال سلب داردها می‌گردیم و این هم دستبرد ما و تو صحن آفر
گفته ما وقتی مسائل را با این شکل و با این شدت بخواهیم فهمیم است گاهی اوقات تا به برابر
منیت اصلی هم زان سرخریم، اما ما در این مورد نهایت تلاش را به این شهادت کرده‌ایم
و فکر می‌کنیم که حال تشکر بسیار بسیار از طرف شما خواهد داشت، گرچه ما تصور
می‌کنیم در آینده مسائل که در این باره ظاهر فرود ما موجود باشد و مورد نیاز است با هم
منیت که خود ما بعین دولت آمریکا ما به سال قبل از کارهای بیست تهیه کرده‌ایم
در اختیار ما بگذاریم که امروز به خود ما شاید دو سه برابر تمام می‌شود مانند مشکلات
۲۰۰۰۰۰۰۰ در گذشته نیست دادیم - من تمام این مسائل را خصماً با تو منیت دیگر
چندین بار طی مذاکرات تلفنی خدمتت عرض کردم و خود جنابعالی هم مستقیماً با
و استغنی تمام گرفتند و آمریکا نیز هم به این تو منیت است لازم را دادند و در آخر هم گفته

(۱۶۳)

که جقدر ناراحت شده اند از این کوپین که باز شده ، من روز یکشنبه ۸ تیرماه ،
 رضامت و پیر آمدن نایش از و افراست شدن چکرا / خردم و سفته حال بانک لندن را
 خدمتستان عرض کردم و خواهمش کردم شما روز دوشنبه صبح با آنک سالاته در بانک
 کردیت سوئیس ز نو تماس بگیرید و بنویسید همین یکس در روز ۶ مار هاهلی می شود و اقدام
 نکنند و جمیع روز دوشنبه ۹ تیرماه آنک محمد بیسالاته زنگ زده بود و فرمود بودند ، یک
 در روز رفت به پید و روز سه شنبه ۱۰ تیر هم آنک آدم بیک از طرف شما زنگ
 زده بود که سالاته از دست من خیل عصبانی و ناراحت بوده و گفته بود این کار
 خیل لغیر او تمام می شود و بالاخره من روز چهارشنبه ۱۱ تیرماه ساعت ۲/۳۰ دقیقه بعد از آن
 با جنابان صحبت کردم و همه چیز را توضیح دادم دقیقاً فرمودید ساعت ۳ بعد از ظهر امروز
 زنگ بزین مایا تا فردا بول این مسائل را که آسوده من پیدا کنیم و یا این مسائل را
 عمیقاً فزدر بیس من در بیم ، من از جنابان خیل تشکر کردم و گفتم ترا بخدا منجا طهرت
 آبرو من و خودت کتلف این کار را امشب روشن کنی از آن تا صبح تا این
 لحظه که چهار صبح روز پنجشنبه ۱۱ تیرماه است و چکتر من اندام فزده و قطع
 وقت کثیر مشغولید

برادر عزیز ، برادر نازنین ، برادر مسلم ، خودت را یک لحظه جا
 من نگذار ، به بین با من چه کرده اید و پاداش زحمت و فدای کار و تلاش هر
 مرا چگونه داده اید .

(ص ۱۱۷)

برادر فردا در دست ۶ روز است که ما ۲۴ میلیون دلار بابتش را بنام شما با مرگناشیر دادیم؛
 بهمان روز اول بابت فقط یک درمده یعنی ۲۴۰ هزار دلار بابت کار فردا این امتیاز
 برداشت کرده، بعد ببینید بهر سنگین چنین امتیاز در دست ۶ روز فقط تا حالا چقدر
 می‌شود؟ و حالا ۲۴۰ هزار دلار بابت و اخراست سفته‌ها و چیزها و نکول امتیاز مرده است
 داد اند، اما از همه اینها بالاتر و مهم‌تر با ۱۷ سال صداقت و درستی و اعتماد
 من در بابت سوئیس چه کردید

برادر جان الان ۶ روز است این سوئیس بدهان وارد شده آیا جواب اعتماد
 اعتقاد به جمهور اسلامی بهمین است، برادر عزیز یادت می‌آید که ۱۰ ماه
 قبل در ژنو تشریف داشتید و ۲۵ میلیون دلار بطور در دست و بدین سکه در اختیار من
 گذاشتید که به ارشاد توسط آرنیائیز سوئیس حاکم وارد گتم، در آن وقت اولین پولها
 وارد شد معلوم گشت که این نوع حاکم‌ها مورد نظر شما نیست و اشتباه است فقط
 مبلغ سوئیس حاکم وارد شده حدود ۵ میلیون دلار بود، یادگار می‌آید چه طور بنا داشت
 بشاید و قلبتان گرفت و من شمارا نیمه شب به بیمارستان بردم تا صبح بر بالین
 شما ایستادم و صبح اول دنت بابت کردید سوئیس رفتم و ۲۰ میلیون دلار را
 به حساب شما رفتم و رسید آنرا برایت به بیمارستان آوردم و دو ماه بعد هم پولها
 فرستادم و سوئیس حاکم را پس بردیم و تمام هزینه‌ها را حمل و بسته و منی راج دیگر آنرا

(صفحه ۱۸)

دادیم و یک دینار هم هزینه‌ی اجرت شما منظور نشود و پول شما تمام و کمال و بزرگ
 گوچکترین در دوسر بر انا صد به گشت شد
 برادر آن رفتار مسلمان است یا اینکه حال شما میکنند؟ آیا این است
 جواب متقابل کار که به شما کردم؟ در حالیکه شما فقط در مقابل جنبه
 مسکول مسکول بودید و من گرفتار سه بانک اردو پایش و در شرکت بزرگ و یک دوست
 عزیز و یک عمر اعتبار و حیثیت بهم

برادر عزیز چرا ما باید اعتماد و اعتقاد به رژیم اسلام و آبروی آنرا بیاوریم
 شما میدانید سیستم بانکی و تجارت در اردو پایشی یک خانواده کوچک است، فردا
 گذر این قضیه تمام دینارهایم ببرد، و دیگر آبروی من به این من که به هیچ تمام شده و من
 به این جمهوری اسلام هم نمی‌ماند و خواهد دید که وزیر و یا سفیر همین شو سوره خواهد
 آمد و خواهد گفت قضیه چیست؟ ده میلیون سفته یک سوره او افاض است نزد که
 پول آن به وزارت دفاع آمریکا رفته که اسلام به ایران بیاورند، بانک کوئین
 که میداند پول را چه کسی داده و چه کسی باید آنرا بازپرداخت کند، تا آبروی من
 بزرگ نشود و حیثیت همه ما به باد نرفته و این درد سرهای من است
 شما گناهش نشود. حال این قضیه را بکنید، ما آدمیم زیر آبروی من را برداریم
 داریم بکل کوروش میکنیم، ما به این خدمت آدمیم داریم خدای من شویم

(ص ۱۴)

برادر زنی که اکنون ضلوع خارج و نهنه فایک له فقط کار مزد هاد بهر حال بانگس و فی بر مخصوص
این کار بالغ بر دویستون دلار گردیده ، بیچ اشکال ندارد من نابود شوم بهتر از اینستکه بچ
پاک جمهوری باین کار کشیده شود .

همین فردا و سالی را که آورده اند عیناً پس بزنند ، فوراً آنچه میاید بیدیم و پول ما را پس
میگیریم و این چند سیون دلار را که تاکنون نهنه شده است من مطمئن هستم که چون
نیت خیر بوده و واقعیت هم بر طرفین قضیه روشن است بشکل باید حل شود .
برادر جان در این شرایط که کسی حاضر نیست حتی صد هزار دلار در اختیار شما بگذارد
اضف داشته باشید من فقط در کتابی دستور شما بدو داشته و سند و مدرک ۲۴ میلیون دلار
اعتبار برایشان گزینم ، ارزش این کارها را باید بدانید نه آنکه آنرا بجنس سالی کنید
آمریکاییها به من میگویند ، این درست است با تو در اینطور برایش میزد چاک میاید بهر حقیقت
میکنی اینطور عمل میکنند با چه خواهند کرد .

من از شما برادر زنی خواهم داشت مدادم ، بجا هر خوانه بجا هر من بجا هر آبرو
جمهوری اسلامی و بجا هر ان نیت و شرافت تعلیف این قضیه را در چندت ساعت آینده

موشن فرماید و از حال اب بعد همه چیز و مستویها که آن فقط بعد از شماست

با عرض تشکر و احترام
ارادتمند
منوچهر قزاقیان
۱۳۵۸-۴-۱۱

پیوست شماره ۱۳۲: مربوط به صفحات ۵۸۸ و ۶۰۸

خبر ویژه شماره ۱۹ خبرگزاری جمهوری اسلامی، در مورد اعترافات ریگان
رئیس جمهور آمریکا در مورد سفر مک فارلین به ایران

پس از فاش شدن ماجرای مک فارلین چنانکه در تلکس‌های خبری آمد ریگان
رئیس جمهور وقت آمریکا در ضمن یک مصاحبه گفت:

... من معتقدم چنانچه اخبار مذاکرات ما با ایران فاش و گزارش نمی گردید پنج گروگان
دیگر آمریکا نیز تا هفته پیش از لبنان آزاد شده بودند. ریگان اعلام نمود که یکی از مقامات
دولتی ایران که با آمریکا خصومت داشت خبر مذاکرات ما با افراد ایرانی را به یک مجله
لبنانی درز داد.

وی افزود که ما برای عوامل مزبور تصریح نمودیم که مایل به ایجاد رابطه با کشورهای
حامی تروریسم نمی باشیم و آن‌ها نیز به ما نشان دادند که از تروریسم حمایت نمی کنند و
حتی افرادی که در ایران در فعالیتهای تروریستی دست داشتند را دستگیر و زندانی کرده اند
(اشاره ریگان ظاهراً به مهدی هاشمی است).

ریگان ارسال هرگونه سلاح آمریکایی از طریق اسرائیل و دیگر کشورها به ایران را کراراً
تکذیب نمود.

جان پویند کستر مشاور امنیت ملی ریگان نیز گفت: در واقع بیش از یک سال است که
تروریسم تحت حمایت ایران متوقف شده است، وی اعلام کرد بازداشت و دستگیری سید
مهدی هاشمی در ایران به جرم چندین فقره فعالیت تروریستی حاکی از تعهد ایران به
آمریکا مبنی بر متوقف ساختن تروریسم می باشد.

واشنگتن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، مورخه ۶۵/۸/۲۲

پیوست شماره ۱۳۳: مربوط به صفحات ۵۸۸ و ۶۰۸

خبر ویژه شماره ۲۰ مورخ ۶۵/۸/۲۲ خبرگزاری جمهوری اسلامی، در مورد ادعاهای
خلبانان آمریکایی

خبر ویژه شماره: ۲۰

انعکاس ادعاهای دو خلبان آمریکایی در رادیو رژیم اشغالگر قدس

تهران خبرگزاری جمهوری اسلامی ۶۵/۸/۲۲

به گزارش بخش فرانسه امروز پنجشنبه رادیو رژیم صهیونیستی، دو خلبان آمریکایی در مصاحبه با تلویزیون ان بی سی اعلام داشتند که سال گذشته در دو مرحله بین تل آویو و تبریز پرواز کرده اند. این دو افزودند شبانه از تل آویو حرکت کردند و صبح فردا تبریز را به سوی تل آویو ترک گفتند. آن‌ها هدایت یک هواپیما متعلق به شرکت هوایی نیجریه موسوم به «ایترنشنال ایرتورز» را داشتند. به گفته رادیوی یاد شده به آنان گفته شده بود که هواپیما حامل دارو و مواد غذایی منجمد است. دو خلبان آمریکایی می گویند بلافاصله بعد از اولین پرواز یکی از گروگان‌های آمریکایی آزاد شد. از سوی دیگر شیمون پرز در گفتگو با همین تلویزیون ضمن قانونی خواندن مذاکره با ایران اعلام داشت که اسرئیل و آمریکا برای آزادی گروگان‌ها دست به هر کاری می زنند. وی افزود انجام گفتگو با آیت الله خمینی غیر ممکن است ولی به علت جنگ بر سر جانشینی در ایران انجام بعضی مذاکرات عملی است.

پایان

خبر ویژه شماره ۲۰

انجمن آدما های دولتیان امریکای در اویو رژیم اشغالگر قدس

.....

۶۵/۸/۲۱

تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی

بگزارش یخنی فرانسه امروز / پنجشنبه / رادیو رژیم صهیونیستی

دولتیان امریکای درمواجهه با تلویزیون این سببی س سی اعلام

داشتند که سال گذشته در دوره حمله بین تل اویو و تبریز پرواز کرده اند

ایندو افزودند شبانه از تل اویو حرکت کردند و صبح فردا تبریز را به

سوی تل اویو ترک گفتند . آنها غذای یک هواپیما متعلق به شرکت

هواکی نیجریه موسوم به // اینتر شمال ایرتورز // را داشتند .

به گفته رادیو پادیده به آنان گفته شده بود که هواپیما حامل دارو

و مواد غذایی موجود است . دو خلیان امریکای میگویند آنها فاصله

بعد از اولین پرواز سه یکی از گروه های امریکای آزاد شد . (زسوی

دیگر شیمون پرز در گفتگو با همین تلویزیون ضمن قاضی خواندن مدارک

با ایران اعلام داشت که اسرائیل و امریکا برای آزادی گروه های دست

به امریکای میزنند . وی افزود . . انجام گفتگو با این امر . . .

غیر ممکن است ولی بحالت جنگ بر سر چاره رسانی در ایران انجام بعضی

مدارک است .

پایان // پ // ۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰

پیوست شماره ۱۳۴: مربوط به صفحات ۵۸۸ و ۶۰۸
 خبر ویژه شماره ۷۷ مورخ ۶۵/۸/۲۳ خبرگزاری جمهوری اسلامی، در مورد دستگیری
 سید مهدی هاشمی

خبر ویژه شماره: ۷۷

پویند کستر: دستگیری مهدی هاشمی نتیجه مذاکرات آمریکا با ایران بود.

واشنگتن - خبرگزاری جمهوری اسلامی ۶۵/۸/۲۳

جان پویند کستر مشاور امنیت ملی ریگان امروز «جمعه» اعلام کرد بازداشت و دستگیری
 مهدی هاشمی در ایران «به جرم چندین فعالیت تروریستی» حاکی از تعهد ایران به آمریکا
 مبنی بر متوقف ساختن تروریسم می باشد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن پویند کستر در مصاحبه ای با شبکه
 تلویزیونی ان بی سی ضمن اشاره به تاکید آمریکا به ایران در آغاز مذاکرات دو کشور مبنی
 بر متوقف ساختن تروریسم و گروگان گیری افزود در واقع بیش از یک سال است که
 تروریسم تحت حمایت ایران متوقف شده است.

وی سپس خاطر نشان ساخت که گروگان گیری های اخیر در لبنان توسط گروهی که
 تحت نفوذ عوامل رادیکال خاصی در داخل ایران می باشند، انجام گرفته و واقعیت امر این
 است که این شخص (هاشمی) در ایران دستگیر شده و هم اکنون به علت چندین فعالیت
 تروریستی در ایران زندانی می باشد.

در بخش دیگری از این مصاحبه پویند کستر کنفرانس مطبوعاتی روز چهارشنبه دکتر
 رجایی خراسانی در مقر سازمان ملل را عامل عمده تصمیم ریگان مبنی بر علنی ساختن
 برنامه مذاکرات خود با ایران دانست.

خبر ویژه شماره ۷۷

/ پیوندگستر ... دستگیری مهدی ها شوی نتیجه مذاکرات آمریکا با ...
ایران بود /

واشنطن به خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲۳/۸/۶۵

جان پیوندگستر مشاور امنیت ملی ریگان امروز / جمعه / اعلام کرد
بازداشت و دستگیری سید مهدی ها شوی در ایران / به جرم چندین
فعالیت تروریستی / حاکی از تعهد ایران به آمریکا مبنی بر متوقف
ساختن تروریسم می‌باشد /

به گزارشی خبرگزاری جمهوری اسلامی از واشنگتن پیوندگستر در مصاحبه
ای با شبکه تلویزیونی ان بی سی / ضمن اشاره به تاکید آمریکا به

ایران در آغاز مذاکرات دو کشور مبنی بر متوقف ساختن تروریسم و
گروگان گیری افزود / در واقع بیش از یک سال است که تروریسم
/ تحت حمایت ایران / متوقف شده است //

وی سپس خاطر نشان ساخت که گروگان گیری‌های اخیر در لبنان توسط
گروهی که / تحت نفوذ عوامل رادیکال خاصی در داخل ایران متپا شده /
انجام گرفته و / واقعیت امر این است که این شقی / ها شوی / در
ایران دستگیر شده و هم‌اکنون بعزت چندین فعالیت تروریستی در ایران
زندانی می‌باشد /

در بخش دیگری از این مصاحبه پیوندگستر گفت: بعضی مطبوعات روز سه
چهارشنبه دکتتر ریگان خراسانی در مقر سازمان ملل را عامل عودت
تصمیم ریگان مبنی بر عادی سازی روابط و مذاکرات خود با ایران

دانست /

پیوست شماره ۱۳۵: مربوط به صفحات ۵۸۸ و ۶۰۸

بازتاب خرید اسلحه از آمریکا و سفر مک فارلین به ایران در مطبوعات جهان

پس از آمدن مک فارلین معاون امنیت ملی ریگان و همراهان به تهران همراه با نامه ای از ریگان و یک جلد انجیل و یک قطعه کیک به شکل کلید، و انتشار خبر آن برای نخستین بار توسط مجله لبنانی الشراع شماره ۲۴۲ در تاریخ تشرین الثانی ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) و به دنبال آن سخنان آقای هاشمی رفسنجانی و اقرار به انجام این سفر در خطبه‌های نماز جمعه تهران، مطبوعات جهان هر یک به نوعی به نقل خبر فوق و اهداف و ابعاد آن پرداختند، اعترافات متناقض ریگان و مک فارلین و دیگر دست اندرکاران و نیز استیضاح ریگان توسط کنگره آمریکا و استعفای چند تن از مشاورین امنیتی و معاونین وی و نیز تاثیری که این جریان در مسایل داخلی ایران داشت ابعاد گسترده ای به این مساله بخشید که برای آگاهی از آنچه خارج از مرزهای ایران در این رابطه مطرح بوده چند نمونه از آن را از نظر می گذرانیم:

۱ - النهار در مورخه ۱۱ تشرین الثانی ۱۹۸۶ به نقل از مقامات آمریکایی نوشت: در شرایطی که ایران در اثر نیاز جنگی به خرید سلاح‌های چین و ویتنام شمالی مشغول بود آمریکا مک فارلین را با مقداری سلاح به ایران فرستاد تا بفهماند اولاً در مقابل هر قدم مثبت ایران آمریکا قیمت آن را می پردازد، ثانیاً بفهماند با وجود سلاح‌های مدرن در ارتش عراق پیروزی نظامی برای ایران افسانه ای بیش نیست.

۲ - مجله السفیر در مورخه ۷ تشرین الثانی ۱۹۸۶ به نقل از پویند کستر مشاور امنیت ملی آمریکا نوشت:

هدف از ارسال اسلحه به ایران تغییر حکومت ایران نبوده بلکه هدف تغییر سیاست آن می باشد، زیرا سیاست ما تشویق و تقویت جناح میانه رو و محافظه کار است تا بتوانند مسیر حکومت ایران را تغییر دهند.

۳ - مجله الاسبوع العربی در شماره ۱۴۱۴ مورخه ۱۷ تشرین الثانی ۱۹۸۶ پس از نقل سخن «دیوید کیمچی» نخستین سفیر اسرائیل در مصر مبنی بر لزوم بهره گیری

از جنگ ایران و عراق نوشت: معنای سخن کیمچی این است که باید تلاش شود تا جنگ عراق و ایران طولانی تر شود و ایران به شکلی تقویت گردد که بتواند ضربه‌های موثرتری بر پیکر عراق بزند که در غیر این صورت ممکن است عراق با تجربه ای که در جنگ به دست آورده خطری برای اسرائیل گردد.

۴ - مجله کویتی المجتمع در شماره ۷۹۳ مورخه نوامبر ۱۹۸۶ (ربیع الاول ۱۴۰۷) نوشت: چیزهایی که در جریان مک فارلین مورد نظر آمریکاست عبارت است از: ۱-تغییراتی که در داخل حاکمیت ایران در شرف وقوع است و باید از آن بهره برداری کرد. ۲-برخورد دو جناح منتظری و هاشمی ۳-تقویت جناح میانه رو ۴-ایجاد زمینه تفاهم با حاکمیت پس از مرحله امام خمینی.

۵ - روزنامه النهار در مورخه ۱۴ تشرین الثانی ۱۹۸۶ نوشت:

ریگان و جان پویند کستر در یک مصاحبه مطبوعاتی گفتند: هدف اصلی ما از مذاکرات و ارسال سلاح محرمانه به ایران ایجاد ارتباط مناسب با رهبران احتمالی آینده ایران بود و موضوع گروگان‌ها فرعی و جانبی است، آن‌ها اظهار امیدواری کردند که پس از فوت آیت الله خمینی جناح میانه رو روی کار آیند.

همین موضوع در روزنامه النداء مورخه ۱۲ تشرین الثانی ۱۹۸۶ به نقل از روزنامه پراودا آمده است.

۶ - نشریه السفیر در مورخه ۱۴ تشرین الثانی ۱۹۸۶ نوشت:

ریگان در مقابل اعتراضات کنگره در مورد ارسال سلاح به ایران گفت: سلاح‌های ارسالی فقط جنبه دفاعی دارد و هدف ما از ارسال آن‌ها یکی این است که بفهمانیم ما آماده عادی سازی روابط هستیم و دیگر اینکه با جناح میانه رو در جنگ قدرت پس از امام خمینی کانال ارتباطی برقرار نماییم.

۷ - السفیر در مورخه ۱۹ تشرین الثانی ۱۹۸۶ نوشت:

وزیر خارجه آمریکا درباره ارسال سلاح به ایران گفت: ما باید آماده تغییراتی در حاکمیت ایران باشیم... او گفت کاخ سفید از ایران خواسته است سیاست خود در مورد حمایت از اصول گرایی و صدور انقلاب به کشورهای دیگر را تغییر دهد.

۸ - مجله الاسبوع العربی در شماره ۱۴۱۲ مورخه ۱۰ تشرین الثانی ۱۹۸۶ نوشت:

مسئولان آمریکایی از ایران خواستند در مقابل رفع منع فروش سلاح به ایران، آن کشور از تروریسم جلوگیری کند و برای آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان اقدام نماید.

۹ - نشریه السفیر در مورخه ۱۲ تشرین الثانی ۱۹۸۶ نوشت:

«با دستگیری سید مهدی هاشمی و عده ای دیگر از طرفداران آقای منتظری مرحله سقوط جناح تندرو در حاکمیت ایران آغاز شد همان گونه که با حذف مهندس بازرگان و سقوط دولت او در سال ۱۹۷۹ مرحله سقوط میانه روها آغاز شد».

۱۰ - نشریه الاسبوع العربی شماره ۱۴۱۴ مورخه ۱۷ تشرین الثانی نوشت:

«دخالت آمریکا در جنگ و دادن سلاح به عراق و ایران معنای آن این است که این جنگ برای هیچ یک از طرفین نه پیروزی در بر دارد نه شکست».

در همین نشریه آمده است:

مک فارلین به همراه چند تن از اعضای پنتاگون و وزارت خارجه آمریکا دو مرتبه به تهران آمد و در هتل هیلتون (استقلال) با مسئولین ایرانی ملاقات کرد، مرتبه اول در سپتامبر و مرتبه دوم در اکتبر ۱۹۸۵.

پیوست شماره ۱۳۶: مربوط به صفحه ۵۹۱
نامه مسئولین به امام خمینی در مورد پذیرش آتش بس

پیوست شماره ۱۳۷: مربوط به صفحه ۵۹۱

نامه امام خمینی در تبیین ضرورت پذیرش آتش بس، مورخه ۶۷/۴/۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

با یاری خداوند متعال و با سلام و صلوات به انبیاء بزرگوار الهی و ائمه معصومین صلوات الله عليهم اجمعین

حال که مسئولین نظامی ما اعم از ارتش و سپاه که خبرگان جنگ می باشند صریحاً اعتراف می کنند که ارتش اسلام به این زودیهها هیچ پیروزی به دست نخواهند آورد، و نظر به اینکه مسئولین دلسوز نظامی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی از این پس جنگ را به هیچ وجه به صلاح کشور نمی دانند و با قاطعیت می گویند که یک دهم سلاح‌هایی را که استکبار شرق و غرب در اختیار صدام گذارده اند به هیچ وجه و با هیچ قیمتی نمی شود در جهان تهیه کرد، و با توجه به نامه تکان دهنده فرمانده سپاه پاسداران که یکی از دهها گزارش نظامی سیاسی است که بعد از شکست‌های اخیر به اینجانب رسیده و به اعتراف جانشینی فرمانده کل نیروهای مسلح، فرمانده سپاه یکی از معدود فرماندهانی است که در صورت تهیه مایحتاج جنگ معتقد به ادامه جنگ می باشد و با توجه به استفاده گسترده دشمن از سلاح‌های شیمیایی و نبود وسائل خنثی کننده آن، اینجانب با آتش بس موافقت می نمایم. و برای روشن شدن در مورد اتخاذ این تصمیم تلخ به نکاتی از نامه فرمانده سپاه که در تاریخ ۶۷/۴/۲ نگاشته است اشاره می شود، فرمانده مزبور نوشته است تا پنج سال دیگر ما هیچ پیروزی نداریم، ممکن است در صورت داشتن وسائلی که در طول پنج سال به دست می آوریم قدرت عملیات انهدامی و یا مقابله به مثل را داشته باشیم و بعد از پایان سال ۷۱ اگر ما دارای ۳۵۰ تپ پیاده و ۲۵۰۰ تانک و ۳۰۰۰ توپ و ۳۰۰ هواپیمای جنگی و ۳۰۰ هلیکوپتر و قدرت ساختن مقدار قابل توجهی از سلاح‌های لیزر و اتم - که از ضرورت‌های جنگ در آن موقع است - داشته باشیم می توان گفت به امید خدا بتوانیم عملیات آفندی داشته باشیم؛ وی می گوید قابل ذکر است که باید توسعه نیروی سپاه به هفت برابر و ارتش به دو برابر و نیم افزایش پیدا کند، او آورده است البته آمریکا را هم باید از خلیج فارس بیرون کنیم و الا موفق نخواهیم بود. این فرمانده مهمترین قسمت موفقیت طرح خود را تهیه به موقع بودجه و امکانات دانسته است و آورده است که بعید به نظر می رسد

دولت و ستاد فرماندهی کل قوا بتواند به تعهد خود عمل کنند. البته با ذکر این مطالب می‌گویند باید باز هم جنگید که این دیگر شعاری بیش نیست. آقای نخست‌وزیر از قول وزرای اقتصاد و بودجه وضع مالی نظام را زیر صفر اعلام کرده‌اند، مسئولین جنگ می‌گویند تنها سلاح‌هایی را که در شکست‌های اخیر از دست داده‌ایم به اندازه تمام بودجه ایست که برای سپاه و ارتش در سال جاری در نظر گرفته شده بود. مسئولین سیاسی می‌گویند از آنجا که مردم فهمیده‌اند پیروزی سریعی به دست نمی‌آید شوق رفتن به جبهه در آن‌ها کم شده است. شما عزیزان از هر کس بهتر می‌دانید که این تصمیم برای من چون زهر کشنده است ولی راضی به رضای خداوند متعال هستم و برای صیانت از دین او و حفاظت از جمهوری اسلامی اگر آبرویی داشته باشم خرج می‌کنم، خداوندا ما برای دین تو قیام کردیم و برای دین تو جنگیدیم و برای حفظ دین تو آتش بس را قبول می‌کنیم. خداوندا تو خود شاهدی که ما لحظه‌ای با آمریکا و شوروی و تمامی قدرت‌های جهان سر سازش نداریم و سازش با ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها را پشت کردن به اصول اسلامی خود می‌دانیم. خداوندا در جهان شرک و کفر و نفاق، در جهان پول و قدرت و حيله و دو روئی، ما غریبیم، تو خود یاریمان کن. خداوندا در همیشه تاریخ وقتی انبیاء و اولیاء و علماء تصمیم گرفته‌اند مصلح جامعه گردند و علم و عمل را در هم آمیزند و جامعه‌ای دور از فساد و تباهی تشکیل دهند با مخالفت‌های ابوجهل‌ها و ابوسفیان‌های زمان خود مواجه شده‌اند. خداوندا، ما فرزندان اسلام و انقلابمان را برای رضای تو قربانی کردیم غیر از تو هیچکس را نداریم ما را برای اجرای فرامین و قوانین خود یاری فرما. خداوندا از تو می‌خواهم تا هر چه زودتر شهادت را نصیبم فرمائی. گفتم جلسه‌ای تشکیل گردد تا سران دینی سیاسی کشور خود را برای دفاع از شایعات و تحریکات ضد انقلاب در خارج و داخل مهیا کنند. سعی کنند آتش بس را به مردم تفهیم نمایند. مواظب باشید ممکن است افراد داغ و تند با شعارهای انقلابی شما را از آنچه صلاح اسلام است دور کنند. صریحاً می‌گویم باید تمام همتان در توجیه این کار باشد. قدمی انحرافی حرام است و موجب عکس‌العمل می‌شود. شما می‌دانید که مسئولین رده بالای نظام با چشمی خونبار و قلبی مالا مال از عشق به اسلام و میهن اسلامیمان چنین تصمیمی گرفته‌اند خدا را در نظر بگیرید و هر چه اتفاق می‌افتد از دوست بدانید. والسلام علینا و علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی

بسم الرحمن الرحیم

سنه ۲۵ / فروردین ۱۳۶۷

بنا بر خدایه سعال و باسکلم و صلوات به این بزرگوار الهی و نه معصومین صلوات علیهم اجمعین
 حال که سولین نظامی ما را از لژ شرویه که خبر همان جنگ پیشند صریحاً معرفی میکنند که لژ شرویه
 اسلم به این روزها هیچ بر فرض نیست خواهند آمد. و نظر بر اینکه سولین دستور نظامی و سیاسی نظام
 جمهور اسلامی از این لژ جنگ را بهیچ وجه بصدح کردن نزنند و با اطمینان میکنند که یک دم سولین
 را که سبکبار شرق و غرب در اختیار صد کم گذاردند بهیچ وجه و با هیچ قسیمی نمی شود در جهان تیره کرد
 و باقیه به نامه لگان دیند فرمان سپاه پاسداران که یک لژ از ما که لژ شرویه می سالی است
 که بعد از شش ماه اخیر بر این جانب رسید و به معرفی جانشینی فرمان لژ و سایر فرماندهان
 سپاه ^{سرد} مملکت را نامی است که در صورت تیره یا تاج جنگ معتقد به ادامه جنگ میباشد
 و باقیه به استناد گسترده دشمن از سده چهارم تا پنجم و نزدیکاً هفتاد و هشتاد نفر
 انجانب با آسزین موفقت مینامیم. در باره روشن شدن در مورد تاج دایم بصمیم
 به نجات لژ نامه فرمان سپاه که در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۷ قلم شده است هر می شود فرمانده
 برنده نوشته است تاریخ سال دیگر با هیچ بر فرض ملامت ممکن است در صورت روشن
 و تاریخ که در طول پنج سال است می آید قدرت عیادت هند می و با تمام اعتبار
 دهمه بیستم و بعد از بیست سال ۷۱ اگر ما دلار ۳۵۰ بیست بیست و ۲۵۰۰ تا
 ۳۰۰۰۰ تری ۳۰۰۰ بر ما هر صنگ و ۳۰۰۰ بیگونی قدرت و قدرتی است

ما بر توجیهی که از سده چهارم لفظیم که از ضرورتها جنگ در آنوقت است - دهمه با هم می‌توان گفت به سده چهارم
 می‌توان گفت دهمه با هم قابل درک است که باید توسعه بزرگتر باشد به نسبت برابر و از آن به دور بودیم از آن سده
 که در آن سده اولی است اما باید از وضع فارس بیرون کنیم و الله موفق نخواهد بود . این فایده همین قسمت است
 خود آن سده بوجه و لطافت داشته است و آورده است که بعد از بزرگساری دولت ساسانی در آن سده بودیم
 خود هم کند البته با ذکر این سلب می‌گوید باید ما هم جنگیده که این دیگرش را پیش نیست . آن وقت در آن
 قول فدراس قیافه در بوجه وضع ماله نظام را از تصرف هم کند آنه مسئولینی جنگ می‌کنند تنها سده‌ها را
 که در آن سده از آن دست دان ایم به اذن تمام بودیم است که با سبب و دلالت در آن جا در نظر گرفته شده
 مسئولینی سیاسی می‌گویند که آنجا که مردم فنیند این بزرگساری است بیاید لائق وقتی بجه در آنجا کم کند است
 شایسته آنجا که بزرگتر بهتر می‌داند که این تصمیم برابر می‌چون بزرگتر است و در آنجا به حاشیه خداوند است
 در بار حیانت از این اود حفاظت از جمهوری سده‌ها اگر آرد و دهمه با هم ضعیف کنیم . خداوند اما برابر
 دین توفیق کردیم و برابر دین تو جنگیدیم و برابر حفظ دین تو آنرا پس را قبول می‌کنیم . خداوند آن خود شایسته
 که ما کف از این با هم و شور و دمای قدرت‌ها جهان سر را در آنجا و در آنجا و قدرت‌ها راه
 کردن به اصول سده‌ها خود میدانیم . خداوند در جهان شرک و کفر و فتنه . در جهان پول و قدرت
 وسیله و دور و ما غیریم . تو خود ما را بمان کن . خداوند در همیشه تاریخ وقتی اینها و اولی و علی
 تصمیم گرفته‌اند مصلح جامعه کردند و هم در هر راه هم آمیزند و با هم در آنجا و در آنجا می‌کنند
 با هم لغتها را بوجه‌ها و اینها را در زمان خود موجه شد آنه . خداوند اما خیزند آن سده
 اندک آن را برابر رفتار توفیق کردیم عزیزان تو می‌کنیم را بزرگ ما را برابر جای فرامین و قوانین خود
 یا در فرما . خداوند از تو می‌خواهم تا هر چه در دسترس است را بضمیم فرماید . بگفتم جمله را بزرگ کرد

۳

تاسران دینی سیاسی کشند خود را بر دفاع از شایسته و تحریکات ضد نهضت در خارج و داخل بیاکنند بسمی کنند
 آتش بر زمین تفهیم نمایند. مواجب باشند مکن است افراد داغ و سوز با شمارۀ رفیق به شمار از آنچه صلح
 اسلام است در کنند. هر چه میگویم باید تمام محبتان در توجیه این کار باشد. قدمی انحراف ملامت است و
 موجب مکرر بعد میشود. شاید این که مسئولین رد با در تمام چشم خونبار و قلبی مالدال از عسب به اسلام
 دین اسلامان چنین تقسیم گرفته اند خدا را در نظر بگیرد و هر چه تهاق بیافند از دست بیاهند و اسلام
 و جادیه لها لین در عهده این

پیوست شماره ۱۳۸: مربوط به صفحه ۵۹۳

پیام معظم له به مردم ایران برای شرکت در راهپیمایی عظیم بیعت با امام در عید غدیر خم

بسم الله الرحمن الرحيم

عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم

ملت مسلمان و مقاوم ایران ایدکم الله تعالی

این روزها انقلاب عظیم ما وارد مرحله تازه و حساسی شده، این روزها هم دوستان و هم دشمنان انقلاب در سطح جهان از زاویه‌های مختلف به انقلاب ما چشم دوخته و نظاره می‌کنند که یک انقلاب جوان که در محاصره و توطئه‌های جهانی قرار گرفته بعد از تحمل هشت سال جنگ تحمیلی و ویرانگر چگونگی با مشکلات و عواقب جنگ و فشارهای سیاسی نظامی و اقتصادی دنیای زور و مکر و فریب برخورد می‌کند و چگونه خود و ارزش‌های اسلامی و انقلابی خود را حفظ می‌کند و کشتی طوفان زده خود را به ساحل می‌رساند، در این رابطه مسائل و حقایق گفتنی زیادی هست که در پیام مهم و تاریخی حضرت امام مدظله العالی قسمت‌های مهم آن‌ها مشروحاً مطرح شده. امام امت در این پیام مسائل مهم داخلی و مسیر انقلاب اسلامی را در جهان زیر سلطه شرق و غرب و عمالشان به شکل مبسوطی بیان داشتند و حجت را بر همگان از ملت عزیز و مسئولین محترم و نیروهای نظامی و انتظامی تمام کردند، اینک در رابطه با تصمیم قاطع و شجاعانه رهبر انقلاب در مورد قبول آتش بس و دیگر مواضع مهم و سازنده ایشان اینجانب به نحو اختصار اموری را تذکر می‌دهم:

۱ - موهبت‌های الهی و موقعیت معنوی و ویژگی‌ها و کمالات روحی و فکری و درجات علمی و اخلاقی و مجاهدات و مبارزات و نقش منحصر به فرد مقام معظم رهبری در تغییر مسیر تاریخ اسلام و مسلمین و بخصوص تاریخ ملت مسلمان ایران در این قرن و نقش انحصاری معظم له در پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تداوم آن و حفظ انقلاب در مقاطع گوناگون از خطر سقوط و یا انحراف به چپ و راست برای کسی مخفی و قابل شک و تردید نیست، و ملت آگاه ایران به خاطر همین جهات بود که از آغاز مبارزه با امام خود بیعت نمود و پیمان اطاعت و تقلید بست و ایشان را به عنوان مرجع تقلید و ولی امر و الگوی فکری و عملی خویش انتخاب نمود.

ملت ما هنگامی با امام خود بیعت نمود که تمام افراد و جناح‌های روشنفکر و مبارز

از هر گروه و جمعیتی معمولاً در مبارزات به بن بست کامل رسیده بودند و رژیم طاغوت وابسته به آمریکا مجالی برای کوچکترین حرکت و صدای آزادی‌خواهی نگذاشته بود و همه نفس‌ها را در گلو خفه و زبان‌ها و قلم‌ها را بریده و شکسته بود و همچنان سکوت و خفقان و ذلت و تملق فرهنگ حاکم بر جامعه طاغوت زده ما شده بود.

در چنین هنگامه‌ای بود که فریاد رهبر انقلاب بلند شد و سکوت‌ها را درهم شکست و ملت را به خودآگاهی و بازگشت به شخصیت و هویت اسلام خویش و قیام و جهاد و نهضت دعوت نمود و سختی‌ها و ناملایمات فراوانی را متحمل شد تا بالاخره انقلاب به پیروزی رسید.

ملت ما با معرفت کامل اذعان و ایمان دارد که تمام حرکت‌ها و قیام‌ها و فریادهای رهبر انقلاب چه قبل از پیروزی و چه بعد از آن و در دوران چند ساله جنگ تحمیلی در تمام مقاطع هرآنچه بود همگی برای رضای خدای متعال و مصلحت اسلام و انقلاب و ملت ایران بوده و هست.

اگر دیروز حضرت امام ملت را به شرکت همه جانبه در دفاع مقدس و در دفع تجاوز در جنگ تحمیلی دعوت می‌نمودند برای خدا و حفظ انقلاب و کشور و نظام بود، اگر به دلائلی دعوت به آتش بس می‌نمایند آن هم برای مصلحت اسلام و انقلاب و کشور می‌باشد، و به دلیل همین ایمان و اعتقاد متقابل است که همواره در تمام مراحل در تلخی‌ها و شیرینی‌ها امام با امت شریک و هم صدا هستند و امت نیز خود را ملزم به پیروی و اطاعت از اوامر امام می‌بیند، البته ممکن است دشمنان اسلام و انقلاب از این تغییر موضع و تصمیم شجاعانه رهبر انقلاب در مورد قبول قطعنامه پیشنهادی بخواهند برای نیل به مقاصد خبیثه خود و تضعیف موقعیت ولایت فقیه و مرجعیت تشیع سوءاستفاده بنمایند و زیرکانه مسائل و شبهاتی را در اذهان ساده لوحان القاء و مطرح نمایند ولی این وظیفه ما و تمام نیروهای آگاه و جناح‌های متدین و متعهد به اسلام و انقلاب است که نگذاریم این توطئه مرموز موثر واقع شود، گرچه فکر نمی‌کنم ملت آگاه و رشید ما اجازه چنین سوء استفاده‌ای را به بدخواهان و مغرضین بدهند و من مطمئن هستم ملت ما که با تأسی به پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام راه حق را از باطل شناخته و انتخاب نموده و تاکنون در امتحانات و ابتلائات زیادی سرفراز و سربلند بیرون آمده‌اند در این آزمایش بزرگ الهی و ابتلاء کنونی همچنان مصمم و آگاه به راه خود و پیروی از امام و مرجع تقلید خود در مسیر تداوم انقلاب و حفظ

مرزهای کشور و آمادگی دفع هرگونه تجاوز احتمالی و حضور در صحنه‌های لازم و انقلابی ادامه خواهد داد.

۲- گرچه حضرت امام مدظله با آن عظمت روحی و کرامت انسانی و بزرگواری که دارند در مقابل ملت تواضع و فروتنی نمودند و علیرغم میل باطنی خود این تصمیم تلخ را گرفتند، ولی این بزرگواری و تواضع و صداقت و صمیمیت رهبر بزرگوار نباید موجب فراموشی و غفلت از ریشه‌ها و مسائل اصولی و غرور مسئولین محترم گردد. همه ما باید مثل ایشان بی پرده و با صداقت با مردم خودمان صحبت کنیم و آنان را از واقعیات مطلع سازیم.

رمز اصلی اعتماد ملت به رهبرشان نیز همین صداقت و صراحت ایشان است، امام با صفای باطن و فروتنی مخصوص خود تمام مسائل را به عهده گرفتند و از آبروی خود مایه گذاشتند و در مقابل امت اظهار شرمساری نمودند، ولی ملت ما هرگز نمی خواست و راضی نبود چنین شرایطی پیش آید که حضرت امام مجبور به قبول آن شوند و این همه تلخی و ناگواری را تحمل نمایند و البته همان گونه که خود امام فرمودند امروز وقت گفتن چراها و بایدها و نبایدها نیست و حق هم همین است.

امروز باید همه نیروها و جناح‌ها و تمام ملت ایران دست به دست هم بدهیم تا این مرحله حساس و خطرناک را با پیروزی بگذرانیم، ولی مطمئناً و قطعاً خود امام در وقت مقتضی و مناسب دستور خواهند داد رسیدگی و تحقیق پیرامون عوامل و اسباب و موجبات بوجود آورنده این شرایط تلخ و ناگوار انجام شود تا از طرفی شبهات و سئوالات زیادی که وجود دارد مرتفع گردد و از طرف دیگر ساحت مقدس مرجعیت و ولایت فقیه در تاریخ مخدوش نگردد و دشمنان اسلام نتوانند آن را زیر سؤال برند.

۳- انقلاب ما چون بر اساس اهداف و آرمان‌های الهی و جهانی شروع شد و به پیروزی رسید از همان روزهای نخست خود را در برابر ملت‌های محروم و مظلوم متعهد و مسئول دانست، و رهبر انقلاب صریحاً و کراراً این حقیقت را اعلام داشته اند و بخش عظیمی از آن آرمان‌ها چه در مسایل داخلی و چه در سطح جهانی و بین‌المللی در پیام اخیر مطرح شده است.

از این رو من از تمام مسئولان اجرایی و فکری نظام و انقلاب و تمام نیروهای مخلص و جناح‌های متعهد می خواهم با مضامین و مفاهیم بسیار عالی و سازنده آن به جای برخوردهای شعاری و فرصت طلبانه برخورد عملی کنند و در مقام عمل و پیاده نمودن آن برآیند.

بخش‌های فکری و فرهنگی و صدور فرهنگ انقلاب و توجه به آرمان‌های جهانی انقلاب و تأیید حرکت‌های اسلامی و تقویت ملل محروم و مستضعف و برنامه ریزی برای مبارزه اصولی با آمریکا و ابرقدرت‌های شرق و غرب و اسرائیل غاصب و سالم نمودن محیط جامعه و دانشگاه‌ها و حوزه‌ها از تعصب‌ها و جهالت‌ها و غرض‌ورزی‌ها و تندروی‌ها جهت رشد فضیلت‌ها و استعدادها و شکوفایی نیروهای اصیل و متعهد و بها دادن به کرامت انسانی افراد و پرهیز از انگ زدن‌ها و تخریب یکدیگر و شناسایی و جذب نیروهای وفادار به انقلاب و جدانمودن صف عالمان مهتک و افراد متملق و فرصت طلب از افراد مبارز و معتقد به انقلاب و رهبری و از همه مهمتر روح صداقت و صمیمیت که رهبری از خود نشان دادند و دهها مسأله مهم دیگر که در پیام آمده باید با جدیت برای آن‌ها کار و برنامه ریزی شود و درصدد پیدا کردن ابزار و کادرهای لازم برای هر بخشی از آن برآمد.

این وظیفه همه ماست که ارزش‌های اسلامی و آرمان‌های انقلاب را در داخل و خارج و در هر شرایطی در ابعاد فکری، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی شناسایی و تعقیب نماییم.

و باید گفت: شناخت و تربیت نیروها و ابزار و کادر لازم برای تحقق آرمان‌ها و اهداف الهی انقلاب و بها دادن به آنان کمتر از خود انقلاب نیست.

و اصولاً بسیاری از ضربه‌ها و مصیبت‌ها که به نظام و انقلاب می‌رسد معلول نداشتن و تربیت نکردن کادرهای قوی و مناسب برای ابعاد مختلف انقلاب و یا استفاده نکردن از نیروهای متعهد موجود و احیاناً منزوی و خراب نمودن آنان است.

و چه کسی برای رفع این نقیصه و خلأ بزرگ اولی و سزاوارتر از مقام رهبری می‌باشد که خود سال‌ها برای به ثمر رساندن مبارزه و انقلاب رنج‌ها کشیده و سختی‌ها و ناملایمات فراوانی را متحمل شده‌اند.

در شرایط کنونی انقلاب ایجاد هسته تعقل و تفکر و اندیشه از وظایف مهم است که باید به موازنه دستگاه‌های اجرایی کشور، دستگاه‌های فکری و تحقیق و طرح و اندیشه و بکارگیری نیروهای خلاق و طراح وجود داشته باشد... تا انقلاب به پویایی و شکوفایی خود در همه ابعاد ادامه دهد.

۴ - همان گونه که حضرت امام یادآور شدند نباید ملت مقاوم ما و نیروهای مسلح

شجاع توطئه‌های دشمن را پایان یافته بدانند و فکر کنند شرارت‌ها و انگیزه‌های تجاوز از بین رفته است. از اینکه مقامات صهیونیستی از قبول آتش بس و قطعنامه اظهار نگرانی نموده اند احساس می شود که در مرحله کنونی انقلاب عوامل مرموز صهیونیست‌ها در آمریکا و منطقه می کوشند به هر شکل شده عراق را به تجاوزات و شرارت‌های خود به منظور تحریک جمهوری اسلامی ایران به واکنش و ادامه جنگ تشویق و ترغیب نمایند. از این رو ضمن تاکید بر هوشیاری کامل مسئولین سیاسی کشور لازم است برادران ارتشی و سپاه و بسیج و سایر نیروهای مردمی و رزمی ایدهم الله تعالی همچون گذشته در تامین و اعزام نیروهای لازم در جبهه‌ها برای دفاع مقدس و حفظ مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوزات و شرارت‌های دشمن اقدامات و آمادگی‌های لازم را از هر جهت مبذول دارند و همچنان مصمم و قاطع باشند و اجازه ندهند توطئه جدید دشمن عملی گردد.

۵ - اینجانب در چند سال پیش روزهای هجده تا بیست و پنج ذی الحجه الحرام را به عنوان هفته ولایت و امامت مطرح کردم و از ملت مسلمان خواستم در این هفته مبارکه که از جریان مهم معرفی و تعیین حضرت امیرالمومنین(ع) در روز غدیر برای خلافت و امامت مسلمین توسط پیامبراکرم(ص) شروع و به دنبال آن جریانات مهم مباحله و نزول سوره هل اتی و آیه شریفه انما ولیکم الله و آیه شریفه تطهیر در شأن حضرت امیر و عترت طاهره پیامبراکرم(ص) اتفاق می افتد گویندگان و نویسندگان متعهد اهمیت مقام ولایت و امامت را برای مردم تشریح و تحلیل نمایند، و امسال با توجه به شرایط خاصی که برای انقلاب پیش آمده و ملت ما در بوته یک آزمایش بزرگ الهی قرار گرفته است و از طرفی دشمنان اسلام و انقلاب در سطح جهان خرسند و شادمان، و دوستان انقلاب و مسلمانان جهان از شرایط تلخی که برای ملت ایران پیش آمده غمگین و ناراحت شدند.

و از طرف دیگر ملت ما با ناراحتی و نگرانی اظهارات متواضعانه و کریمانه مقام رهبری را شنید و از احساس تلخی و آزرده‌گی خاطر معظم له آزرده شد، در چنین شرایطی من از ملت عزیز ایران می خواهم به منظور تجلیل از مقام امامت و ولایت و تجدید بیعت با امام امت مدظله و اظهار وفاداری به معظم له و اعلام مجدد حضور در تمام صحنه‌های انقلاب و دفاع و آمادگی کامل برای حمایت از اسلام و انقلاب و مقام معظم رهبری روز هجده ذی الحجه (عید غدیر) را که آغاز هفته ولایت و امامت است به عنوان

روز بیعت مجدد با امام امت دست به یک راهپیمایی با شکوه بزنند و با شعارهای کوبنده علیه آمریکا و شوروی و کفر جهانی و اسرائیل غاصب بار دیگر همبستگی کامل و حضور همه جانبه خود را در صحنه پیکار و جهاد مقدس و مبارزه حق علیه باطل در همه زمانها و مکانها اعلام دارند و از مسئولین نظام و کشور بخواهند پیرو دستورات و رهنمودهای موکد مقام رهبری برنامه‌های اصولی را برای سازندگی کشور در همه ابعاد و مبارزه اساسی با آمریکا و اسرائیل و همه مظاهر طغیان و زورگویی پی ریزی نمایند و ترتیبی بدهند تا ان شاءالله تعالی با هماهنگی کامل تمام مبارزان متعهد و مسلمانان همه کشورهای اسلامی به زودی مقدمات راهپیمایی صد میلیونی به سمت قدس عزیز برای آزاد ساختن قبله اول مسلمین و فلسطین اشغالی از دست صهیونیست‌های اشغالگر و غاصب و متوجه کردن همه امکانات به سوی این هدف بزرگ فراهم گردد.

در خاتمه لازم می‌دانم مراتب تقدیر و تشکر خود را از همه اقشار و طبقات شما ملت فداکار که هر کدام به شکلی در این جنگ تحمیلی هشت ساله مورد آزمایش و ناراحتی و مصیبت‌های طاقت فرسا قرار گرفتید بخصوص معلولین و مجروحین و آوارگان و خانواده‌های معظم شهدا و اسرا و مفقودین این مشعل داران حماسه جاوید جنگ حق علیه باطل متواضعانه و برادرانه اعلام دارم و متاعی قابل عرضه ندارم جز دعای خیر و طلب علو درجات و حشر با اولیای کرام برای شهدای عظیم الشان انقلاب و جنگ تحمیلی و شهدای عزیز فاجعه خونین مکه مکرمه و آرزوی توفیق بیش از پیش برای همه خدمتگزاران و مسئولین محترم و دلسوز و همه اقشار و طبقات ملت ایران در ساختن آینده کشور و حفظ انقلاب و ارزش‌های اسلامی و توفیق بیشتر همه نیروهای مسلح از ارتش و سپاه و بسیج و کمیته و ژاندارمری در حفظ مرزهای کشور از نفوذ اجانب و پیروزی نیروهای حق در همه بلاد و شکست کامل نیروهای شیطانی در همه جبهه‌ها و سلامت و طول عمر رهبری انقلاب.

والسلام علیکم جمیعاً و رحمة الله و برکاته

شنبه هشتم ذیحجه ۱۴۰۸ مصادف با اول مرداد ۱۳۶۷

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۳۹: مربوط به صفحات ۵۹۳ و ۶۶۸

نامه معظم له به امام خمینی برای برنامه ریزی دقیق جهت مبارزه اصولی با آمریکا

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

محضر مبارک فرمانده کل قوا آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام و تحیت و عرض تسلیت به حضرتعالی و ملت شریف و مقاوم ایران و خانواده‌های شهدای جنایت اخیر آمریکا و طلب علو درجات برای همه شهدای فضیلت به عرض می‌رساند جنایت اخیر آمریکا در خلیج فارس و حمله نظامی به هواپیمای مسافری ایران که منجر به سقوط آن و شهادت حدود ۳۰۰ نفر مسلمان بیگناه شد چیزی نیست که بتوان از آن درگذشت.

این جنایت دلخراش بار دیگر چهره ضد انسانی و منافقانه دولت آمریکا را برای جهانیان روشن نمود، آمریکا با این جنایت بی سابقه خود ثابت کرد به هیچ یک از اصول انسانی و مقررات بین المللی پایبند نیست و همچنان دشمن اصلی اسلام و ملت پاخاسته ایران و همه ملل مظلوم جهان می‌باشد. با یک نگاه دقیق به جنایت و مظالم عوامل آمریکا در منطقه روشن می‌گردد که ریشه اصلی تجاوز صدام به کشور ایران و اسرائیل غاصب به سرزمین‌های عربی و قتل عام ملت مظلوم فلسطین در اراضی اشغالی و کشتار بیرحمانه حجاج خانه خدا در حرم امن الهی توسط آل سعود و دیگر مظالم و جنایات در منطقه همانا دولت آمریکا و مطامع استعماری آن است. این آمریکای جنایتکار است که از صدام برای شروع و ادامه جنگی که قطعاً در جهت حفظ منافع آمریکا و اسرائیل می‌باشد حمایت کرده و می‌کند، به یقین اگر حمایت‌های آمریکا و عمالش در منطقه از صدام نبود سال‌ها پیش این جنگ خانمان‌سوز با پیروزی اسلام به پایان رسیده بود، و این آمریکای جهانخوار است که اسرائیل غاصب و جنایتکاران آل سعود و مرتجعین منطقه را به ظلم و غارت و جنایت و کشتار تحریص و تشویق می‌کند، روی این اصل با توجه به فرموده حضرت امیر(ع) که فرمودند «فوالله ما غزی قوم فی عقر دارهم الا ذلوا» و با توجه به رهنمودهای حضرتعالی که خطر جدی آمریکا و دشمنی آن با اسلام و قرآن و مظلومین جهان را در مقاطع گوناگون گوشزد فرموده‌اید، بجاست اکنون که دشمن اصلی اسلام و مسلمین علاوه بر عمالش در منطقه خود علناً به میدان آمده دستور فرمائید ضمن دفاع مقدس از مرزهای

کشور
 برنامه‌هایی دقیق در جهت مبارزه اصولی با دشمن اصلی یعنی آمریکا در جبهه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تدوین و به مورد اجرا و عمل گذاشته شود، زیرا توجه به معلول‌ها و غفلت از علت‌العلل با هیچ منطقی قابل توجیه نیست و حضرت مستطاب عالی توجه دارید که یک مبارزه تمام عیار با آمریکا با شعار فقط و انجام مراسمی تبلیغاتی کافی نخواهد بود. ما اگر بخواهیم در یک مبارزه اصولی با ریشه اصلی و علت‌العلل مظالم طغیان‌ها و فسادها مبارزه کنیم راهی جز شناخت و شناساندن انواع سلطه‌های آمریکا و امپریالیسم و جبهه‌هایی که آمریکا از آن جبهه‌ها به اسلام و امت بزرگ اسلامی و مظلومین جهان حمله می‌کند نداریم، و یقیناً چنین وظیفه مهمی را باید در بحث‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دشمن برای ملت مقاوم خود و سایر ملت‌های مظلوم تشریح و تبیین نمائیم و برای مبارزه همه جانبه و اساسی با آن برنامه ریزی دقیق بکنیم. من اطمینان دارم اگر مقام معظم رهبری انقلاب دستور بدهند نیروهای انقلاب وهسته‌های مقاومت در داخل و خارج کشور با تنظیم برنامه‌های مناسب و حساب شده منافع مادی، سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا را هدف مبارزات خود قرار دهند و ملت‌های مظلوم و حرکت‌های اسلامی و آزادیبخش برای این مبارزه اصولی و ریشه‌ای برنامه ریزی نمایند، به یقین جهان اسلام یکپارچه بپاخاسته و آتشی می‌شود که آمریکا و عوامل آن و همه استعمارگران شرق و غرب جهان را با قهر و غضب ملت‌های مظلوم که نمونه ایست از قهر الهی در خود می‌سوزاند، و دیگر آمریکا به خود اجازه نمی‌دهد صدام و اسرائیل و آل سعود را برای تجاوز و جنگ و کشتار مسلمانان تجهیز و تقویت نماید.

ما تعجب می‌کنیم چطور ملت آمریکا که مدت‌ها طعم تلخ استعمار جنایات انگلستان را چشیده اجازه می‌دهد دولت جنایتکار آنان به نام آنان دست به این ظلم و خونریزی و جنایت بزند، و نیز امید وافر دارم که اگر مقام معظم رهبری مصلحت دیدند و دستور اقدام دادند توده‌های میلیونی مسلمانان جهان امکانات مادی و معنوی فوق‌العاده خود را برای جنگ و مبارزه با دشمن اصلی اسلام و قرآن و ملت‌های مظلوم در اختیار قرار خواهند داد. در خاتمه پیروزی همه مسلمین و مستضعفین جهان در همه جبهه‌ها و سلامت کامل و طول عمر حضرت‌عالی را از خدای متعال مسئلت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۴۰: مربوط به صفحات ۵۹۳ و ۶۶۸

پاسخ امام خمینی به نامه معظم له

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آیت الله آقای منتظری دامت افاضاته

پیام جنابعالی تسکینی بود بر آلام تمامی کسانی که از شیطان بزرگ آمریکای حيله گر ضربه خورده اند. مردم آزاده جهان همیشه از ابرقدرت‌ها خصوصا آمریکای جنایتکار صدمه دیده اند و تا عزم خود را برای رویارویی با کفر و شرک جهانی جزم نمایند هر روز شاهد جنایتی تازه خواهند بود. مردم شریف ایران باید توجه کنند که امروز روز مبارزه و جنگیدن با تمام شیاطینی است که حقوق حقه تمامی پابرهنگان جهان را صرف عیش و نوش و تهیه سلاح‌هایی می نمایند که برای همیشه حاکم دنیای گرسنگان باشند. جنگ امروز ما جنگ با عراق و اسرائیل نیست جنگ ما با عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست جنگ ما با مصر و اردن و مراکش نیست جنگ ما جنگ با ابرقدرت‌های شرق و غرب نیست جنگ ما جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور، جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمام نابرابری‌های دنیای سرمایه داری و کمونیسم، جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوشگذرانیه‌های مرفهین و حاکمان بی درد کشورهای اسلامی است. این جنگ سلاح نمی شناسد، این جنگ محصور در مرز و بوم نیست، این جنگ خانه و کاشانه و شکست و تلخی کمبود و فقر و گرسنگی نمی داند، این جنگ اعتقادات جنگ ارزش‌های اعتقادی انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوشگذرانی است، جنگ ما جنگ قداست عزت و شرف و استقامت علیه نامردمی‌هاست؛ رزمندگان ما در دنیای پاک اعتقاد و در جهان تنفس می کنند و مسلمین جهان هم که می دانند جنگ بین استکبار و اسلام است جهان‌خواران را آرام نخواهند گذاشت، ضربه‌های خود را بر همه کاخ نشینان وارد می کنند.

جنابعالی که یکی از ذخایر این انقلاب می باشید با پشتیبانی از آقای هاشمی وقت خود را مصروف در ساختن دنیایی از کرامت و بزرگواری نمایید، و مردم شریف ایران نیز بدانند که این روزها دستهای ناپاک شرق و غرب برای هدم اسلام و مسلمین در یکدیگر گره خورده است. باید نگذاریم که تلاش فرزندان انقلابیمان در جبهه‌ها از بین

برود، برای برپایی احکام اسلام عزیز دست اتحاد به یکدیگر داده محکم و استوار تا پیروزی اسلام حرکت کنیم، مسئولین نظام باید تمامی هم خود را در خدمت جنگ صرف کنند، این روزها باید تلاش کنیم تا تحولی عظیم در تمامی مسایلی که مربوط به جنگ است بوجود آوریم باید همه برای جنگی تمام عیار علیه آمریکا و اذنباش به سوی جبهه رو کنیم، امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است. غفلت از مسایل جنگ خیانت به رسول الله (ص) است. اینجانب جان ناقابل خود را به رزمندگان صحنه‌های نبرد تقدیم می نمایم. انفجار هواپیمای مسافربری زنگ خطری است برای تمامی مسافرت‌های هوایی، باید با تمام وجود تلاش کنیم تا چنین صحنه‌های دردناکی پیش نیاید.

اینجانب به تمامی بستگان این فاجعه تسلیت عرض نموده و خود را در غم و اندوه از دست دادن عزیزانشان شریک می دانم. من به جنابعالی و تمام کسانی که برای رسیدن به هدف مقدس پیروزی اسلام تلاش می نمائید دعا می کنم.

والسلام علیکم و رحمة الله

۶۷/۴/۱۳ - روح الله الموسوی الخمینی

پیوست شماره ۱۴۱: مربوط به صفحه ۵۹۸

شکوائیه حجة الاسلام مهندس احمد منتظری-فرزند معظم له به ریاست قوه قضائیه
در مورد انتشار برخی از جزوات و بیانیه‌ها، مورخه ۱۳۶۹/۴/۷

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم ریاست قوه قضائیه حضرت آیت الله یزدی دامت برکاته

پس از سلام - همانگونه که مستحضرید از اوایل سال ۱۳۶۸ تاکنون در تلاشی گسترده به بهانه توجیه افکار عمومی جزوات و بیانیه‌ها و کتاب‌هایی در صدها هزار تیراژ و نسخه علیه پدر بزرگوار اینجانب حضرت آیت الله العظمی منتظری منتشر گردیده و کلیه روزنامه‌های کثیرالانتشار آن‌ها را عیناً استنساخ نمودند و در برخی از سخنرانی‌ها و منابر هم همان حرف‌ها تکرار گردید که علیرغم وجود اکاذیب فراوان در آن‌ها، ایشان بخاطر حفظ وحدت جامعه و مصالح عالیله اسلام و انقلاب قاطعانه خواستار سکوت در مقابل آن حجم عظیم تبلیغات بوده و از حق شرعی و قانونی خویش چشم پوشی کردند و حتی از اقدامات دیگران در حد امکان جلوگیری نمودند و چنانچه در سخنرانی مورخه ۶۸/۱۰/۱۱ بیان فرمودند از انتشار چند کتاب مفصل و تحقیقی و مستند که پاسخگوی اکاذیب و تهمت‌ها بود و می‌توانست افکار بسیاری از کسانی را که به اعتماد به تبلیغات و نوشته‌های یکطرفه قضاوت‌هایی کرده و یا موضعگیری‌هایی را نموده بودند دگرگون سازد جلوگیری کردند و بدین گونه فداشدن خود را بر فداشدن انقلاب و بوجود آمدن بحران داخلی ترجیح دادند. اما در مقابل همه این حسن نیت‌ها و از خود گذشتگی‌ها، بدان‌دیشان و بدخواهان به هر مناسبتی با دروغزنی و هتاکی در برخی از جرایم و یا بوسیله انتشار جزواتی با امضاهاى مجهول و مجعول و یا راه اندازی گروه‌های فشار همچنان به فعالیت‌های تخریبی و تفرقه افکنانه خود ادامه داده اند و تاکنون اگر رعایت مصلحت شده کاملاً یکطرفه بوده است. اخیراً هم با انتشار کتابی تحریک آمیز که چیزی نیست جز نمایش سریال تکراری سید مهدی هاشمی، یعنی کسی که در سال ۶۶ اعدام گردیده و در سال ۶۵ نیز در نامه ای که ایشان به حضرت امام قدس سره نوشتند ضمن تشکر بخاطر دستور رسیدگی به پرونده نامبرده کاملاً از او و گروه او اظهار برائت نمودند، ولو بلغ ما بلغ.

آیا جواب این حسن نیت‌ها همین است که اشاعه اکاذیب نسبت به ایشان ادامه یابد؟

چرا از علاقه شدید ایشان به انقلاب و جمهوری اسلامی و حفظ وحدت کلمه سوء استفاده

می شود؟ همه این سمپاشی‌ها علیه شخصیتی اعمال می شود که سوابق و فضائل او بر همه مردم ایران بخصوص بر مسئولین جمهوری اسلامی روشن است و نقش عمده ایشان را در برپایی انقلاب اسلامی و پیروزی آن و تثبیت نظام جمهوری اسلامی و مشارکت در یک دهه رهبری انقلاب و نظام و آن هم در مراحل و مسائل حساس و پیچیده را همه دوستان و دشمنان اعتراف دارند و اکثر مسئولان رده بالای نظام بدون واسطه یا مع الواسطه شاگرد ایشان بوده اند. اصولاً این روش بسیار ناجوانمردانه است که شخصی را مورد حمله و تاخت و تاز قرار دهند اما به او حق دفاع داده نشود و در همه رسانه‌ها بایکوت شود، چنین برخورد در مورد یک شهروند معمولی جمهوری اسلامی شایسته نیست تا چه رسد به ایشان. آیا با چنین شیوه ای روح یاس در ملت که پشتوانه اسلام و انقلابند ایجاد نمی شود؟ و آیا با چنین سیره ای باز می توانیم مدعی اجرای عدالت در جامعه باشیم؟ آیا حذف و جداسازی ایشان از نظام جمهوری اسلامی به نفع این نظام است؟ آیا این که شخص دوم انقلاب را مخالف آن معرفی کنیم باعث آبروی نظام و انقلاب است یا بالعکس؟ پس چرا اجازه می دهید بعضی افراد این معنی را از روی جهالت و نادانی جلوه دهند و تبلیغ نمایند؟ گناه این خلافکاری‌ها هم چنین به گردن کسانی است که واقعیت‌ها را می بینند و حقایق را درک می کنند اما علی رغم میل قلبی خود سکوت می نمایند و همین محافظه کاری‌ها و مصلحت اندیشی‌های شخصی است که مهاجمین به حریم مقدس مرجعیت و روحانیت را جرئت و جسارت می بخشد و اگر امروز به ایشان جسارت می کنند فردا دیگران را مورد حمله قرار می دهند.

آیا این آیه شریفه: «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم» و حدیث شریف: «اذا امتی تواکلت الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فلیاذنوا بوقاع من الله» شامل این افراد عافیت طلب نمی شود؟ البته در برابر این همه بلایا زبان حال و زبان قال ایشان چیزی نیست غیر از «انما اشکوا بئی و حزنی الی الله» و «ما رایت الا جمیلاً».

حضرت آیت الله یزدی - با توجه به اعلام جنابعالی مبنی بر قرار دادن هفته اول تیر ماه به عنوان هفته عدالت و هم اینکه شما مسئول مستقیم اجرای عدالت در جامعه می باشید و هم بخاطر خدا و خون شهدا و حفظ نظام جمهوری اسلامی از این همه مظلومیت ایشان واهمه داشته باشید و آثار وضعیه آنرا جداً مدّ نظر بگیرید. ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

هفتم تیرماه ۱۳۶۹ - احمد منتظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حضرت مقام محترم ریاست قوه قضائیه حضرت آیت الله یزدی دامت برکاته

پس از سلام - هاگونه که مستحضرید از اوایل سال ۱۳۶۸ تاکنون در تلاشی گسترده به بیان توجیه افکار عمومی جزوات و بیانیه‌ها و کتابهای درصدها هزار تیراژ و نسخه‌هایی علیه پدر بزرگوار اینجانب حضرت آیت الله العظمی منتظری منتشر گردیده و کلیه روزنامه‌های کثیرالانتشار آنها را عیناً استنساخ نمودند و در برخی از سخنرانی‌ها و مناظرات همان حرف‌ها تکرار گردید که علیه غم وجود اکاذیب فراوان در آنها، ایشان بخاطر حفظ وحدت جامعه و مصالح عالیه اسلام و انقلاب - ماطعانه خواستار سکوت در مقابل آن حجم عظیم تبلیغات بوده و از حق شرعی و قانونی خویش چشم‌پوشی کردند و حتی از اقدامات دیگران در حد امکان جلوگیری نمودند و چنانچه در سخنرانی مورخه ۱۱/۱۰/۶۸ بیان فرمودند از انتشار چند کتاب مفصل و تحقیقی دست‌نویس که با سنجش اکاذیب و تمهت بود در می توانست افکار بسیاری از کسانی را که با اعتماد به تبلیغات و نوشته‌های کلامی قضاوت‌هایی کرده و یا موضعگیری‌هایی را نموده بودند در گون سازد جلوگیری کردند و بدینگونه فدا شدن خود را بر فدا شدن انقلاب و بوجود آمدن بحران داخلی ترجیح دادند. اما در مقابل همه این حسن‌نیتها و از خودگذشتگی‌ها، بدانند ایشان و بدخواهان به هر مناسبتی با دروغزنی و هتاک در برخی از جرایم و یا بوسیله انتشار جزواتی با امضا‌های مجهول و مجهول و یا راه اندازی

گروه‌های فشار همچنان به فعالیت‌های تخریبی و تفرقه افکنانه خود ادامه داده اند و تاکنون اگر رعایت مصلحت شده کاملاً بی‌طرفانه بوده است. اخیراً هم با انتشار کتابی تحریک آمیز که چیزی نیست جز نمایش سریال تکراری سید مهدی هاشمی، یعنی کسی که در سال ۶۶ اعدام گردیده و در سال ۶۵ نیز در نامه‌ای که ایشان به حضرت امام قدس سره نوشته‌اند ضمن تشکر بخاطر دستور رسیدگی به پرونده نامبرده کاملاً از او و گروه او الهام برآنت نموده و لو بلوغ ما بلوغ.

آیا جواب این حسن نیت‌ها همین است که اشاعه الکاذب نسبت به ایشان ادامه یابد؟

چرا از علاقه شدید ایشان نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی و حفظ وحدت کلمه سوء استفاده می‌شود؟
 همه این سمپاشی‌ها علیه شخصیت اعمال می‌شود که سوابق و مضامین او بر همه مردم ایران مخصوصاً بر مسئولین جمهوری اسلامی روشن است و نقش عمده ایشان را در برپایی انقلاب اسلامی و پیروزی آن و تثبیت نظام جمهوری اسلامی و مشارکت در یک دهه رهبری انقلاب و نظام و آنهم در مراحل و مسائل حساس و پیچیده راه دوستان و دشمنان اعتراف دارند و اکثر مسئولان رده بالای نظام بدون واسطه یا مع واسطه شاگرد ایشان بوده‌اند. اصولاً این روش بسیار ناجوانمردانه است که شخصی را مورد حمله و تاخت و تاز قرار دهند اما به او حق دفاع داده نشود و در همه رتبه‌ها با یکوت شود، چنین برخوردی در مورد یک شهروند معمولی جمهوری اسلامی شایسته نیت ناصیه رسد به ایشان.
 آیا با چنین شیوه‌ای روح یاس در ملت که بستوان اسلام و انقلابند ایجا نمی‌شود؟ و آیا با چنین

مسئله‌ای باز می‌توانیم مدعی اجرای عدالت در جامعه باشیم؟ آیا حذف و جداسازی ایشان از نظام جمهوری اسلامی به نفع این نظام است؟ آیا این که شخص دوم انقلاب را مخالف آن معرفی کنیم باعث آبروی نظام و انقلاب است یا بالعکس؟ پس چرا اجازه می‌دهید بعضی افراد این معنی را از روی جهالت و نادانی جلوه دهند و تبلیغ نمایند؟ نکته این خلانکارها هم چنین به گردن کسانی است که واقعیتها را می‌بینند و عقابین را درک میکنند اما علیه‌نم میل قلبی خود سکوت مینمایند و همین محاقطه کاریها و مصلحت‌اندیشیها شخص است که مهاجمین به حریم مقدس مرجعیت و روحانیت را جرئت و جسارت می‌بخشد و اگر امروز به این جسارت میکنند فردا دیگران را مورد حمله قرار می‌دهند.

آیا آیه شریفه «ان الذین یحبون ان یشیع الناحیه فی الذین آمنوا الهم عذاب الیم» و حدیث شریف «اذا اقمتم تراکلت الامر بالمعروف والنهی عن المنکر نلیا ذنبا برقع من الله» شامل این افراد عاقبت طلب می‌شود؟ البته در برابر همه این بلا یا زبان حال و زبان حال ایشان چیزی نیست فریاد «انها اشکوا بئنی و حزنی الی الله» و «ما رایت الا جبلا».

حضرت آیت الله یزدی - با ترجمه به اعلام جناب عالی مبنی بر قرارداد هفتم اول تیرماه بعد از هفتت عدالت و هم اینکه شما مسئول مستقیم اجرای عدالت در جامعه می‌باشید و هم بخاطر خدا و خون شهدا و حفظ نظام جمهوری اسلامی از این همه مظلومیت ایشان و احمه دانسته باشید و آثار و ضعیف آنها جدا مد نظر بگیرید.

انشاء الله موفق باشید - والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته هفتم تیرماه ۱۳۶۹

پیوست شماره ۱۴۲: مربوط به صفحه ۶۰۸

نامه امام خمینی به معظم له در مورد رسیدگی به اتهامات آقای سید مهدی هاشمی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت حجة الاسلام والمسلمین فقیه عالی قدر آقای منتظری دامت ایام برکات
 پس از اهداء سلام و تحیت، علاقه اینجانب به جنابعالی بر خود شما روشن تر از
 دیگران است، به حسب قاعده طول آشنائی صمیمانه و معاشرت از نزدیک مقام
 ارجمند علمی و عملی شما مجاهدت با ستمگران و قلدران و رنج‌های فراموش نشدنی
 جنابعالی در سال‌های طولانی برای اهداف اسلامی قداست و وجاهت و وارستگی
 کم نظیر آنجناب و بالاتر حیثیت بلند پایه ای که دنباله این امور به خواست خداوند
 تعالی برای شما فعلا حاصل است و احتیاج مبرمی که جمهوری اسلامی و اسلام به
 مثل جنابعالی دارد انگیزه علاقه مبرم است لهذا این حیثیت مقدس باید از هر جنبه
 محفوظ و مصون باشد، حفظ این حیثیت به جهات عدیده بر شما و همه ماها واجب و
 احتمال خدشه دارشدن آن نیز منجز است، برای اهمیت بسیار آن با این مقدمه باید
 عرض کنم این حیثیت واجب المراعات به احتمال قوی بلکه ظن نزدیک به قطع در
 معرض خطر است خصوصا با داشتن مخالفین موثر در حوزه قم که ممکن است دنبال
 بهانه ای باشند. این خطر بسیار مهم از ناحیه انتساب آقای سید مهدی هاشمی است
 به شما. من نمی خواهم بگویم که ایشان حقیقه مرتکب چیزهائی شده اند بلکه
 می خواهم عرض کنم ایشان متهم به جنایات بسیار از قبیل قتل مباشره یا تسبیحا و
 امثال آن می باشند و چنین شخصی ولو مبرا باشد ارتباطش موجب شکستن قداست
 مقام جنابعالی است که بر همه حفظش واجب موکد است، آنچه مسلم است و در آن
 پای فشاری دارم رسیدگی به وضعیت و موارد اتهام او است، رسیدگی به خانه تیمی و
 انباشتن اسلحه آن هم با پول ملت به اسم کمک به سازمان‌های به اصطلاح آزادیبخش،
 اصولا یک همچو اعمالی بدون دخالت دولت جرم است و باید ایشان که صلاحیت این
 امر را ولو واقعا برای این سازمان‌ها باشد ندارد و دخالت در حکومت است جواب بدهد
 این امر قطعی است، و آنچه از شما می خواهم در رتبه اول پیشنهاد مستقیم شما به
 دخالت وزارت اطلاعات و رسیدگی به این امور است و اگر برای شما محذور دارد به

طوری که تکلیف شرعی از شما ساقط است سکوت است حتی در محافل خصوصی دفاع از یک همچون شخصی که خطر برای حیثیت شما است و احتمال فساد و خون ریزی بی گناهان است سم قاتل است، باید تمام فعالیتها که به اسم کمک به سازمان‌های به اصطلاح آزادی بخش است قطع شود و تمام کسانی که در این امور دخالت داشته اند محاکمه شوند، و آنچه مسلم است و مایه تاسف حسن ظن جنابعالی به اعمال و افعال و گفته‌ها و نوشته‌ها است که به مجرد وصول به شما ترتیب اثر می دهید و در مجمع عمومی صحبت می کنید و به قوه قضائیه و غیره سفارش می دهید و من از شما که دوست صمیمی سابق و حال من هستید و مورد علاقه ملت تقاضا می کنم که با اشخاص صالح آشنا به امور کشور مشورت نمائید پس از آن ترتیب اثر بدهید تا خدای نخواستہ لطمه به حیثیت شما که برگشت به حیثیت جمهوری است نخورد، آزادی بی رویه چندصد نفر منافق به دستور هیئتی که با رقت قلب و حسن ظنشان واقع شد آمار انفجارها و ترورها و دزدی‌ها را بالا برده است، ترحم بر پلنگ تیز دندان ستمکاری بود بر گوسفندان. من تاکید می کنم که شما دامن خود را از ارتباط با سید مهدی پاک کنید که این راه بهتر است و الا هیچ عکس العملی در رسیدگی به امر او از خود نشان ندهید که رسیدگی به امر جنایات مورد اتهام حتمی است. سلامت و توفیق جنابعالی را خواهانم.

۱۲ مهر ماه ۶۵ - روح الله الموسوی الخمينی

پیوست شماره ۱۴۳: مربوط به صفحات ۶۰۸ و ۶۱۸

نامه معظم له در پاسخ به نامه مورخ ۶۵/۷/۱۲ امام خمینی، درباره پاره ای از

نارساییها و دفع برخی اتهامات، مورخه ۱۳۶۵/۷/۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام و تحیت، مدتی بود تصمیم داشتم صادقانه و صریح مطالبی را که به نفع انقلاب و کشور می دانم به عرض حضرتعالی برسانم لکن رعایت مزاج و حال حضرتعالی مرا مانع می شد، ولی پس از زیارت مرقومه شریفه مورخه ۶۵/۷/۱۲ تاخیر را روا ندیدم. امید است از صراحت مخلص نرنجید. عرائضم را در بندهای جداگانه به عرض می رسانم:

۱- من به حسب متن واقع از دو حال خارج نیستم: یا فردی هستم مطابق ذهنیاتی که تدریجا برای حضرتعالی پیدا شده- ساده اندیش، بازی خور، و مثلا امثال سید مهدی هاشمی به من خط و فکر می دهند، و بر حسب مرقومه حضرتعالی: حسن ظن من به اعمال و افعال و گفته‌ها و نوشته‌ها اساس تصمیمات من است، و یا اینکه فردی هستم که در ضمن خواندن نوشته‌های گوناگون و شنیدن گفته‌های ضد و نقیض -که هر روز در قریب دو ساعت ملاقات عمومی از طبقات مختلف از وزرا و نمایندگان مجلس و مسئولین اداری و قضائی و ارتشی و سپاهی رده بالا و پایین و ائمه جمعه و جماعات و طلاب و دانشگاهیان و بازاری و کارگر و امثال این‌ها می شنوم- خود من که تا اندازه ای سرد و گرم دنیا را لمس کرده ام و با خوب و بد مردم محشور بوده ام، چه بسا از خود هم فکری و تاملی و اراده ای داشته باشم و بحمدالله تعالی هیچ وقت هم ماجراجو و شهرت طلب نبوده ام بلکه هدفم همیشه خیر و صلاح ملت و پیشرفت اسلام و کشور بوده است.

البته ادعای عصمت و عدم اشتباه هم نمی کنم: کفی المران بلا ان تعد معائبه.

اگر فرض اول در حق من صحیح است پس تایید و ترویج حضرتعالی و مسئولین و علما و فضلا از من، و امید داشتن به من کذائی برای آینده اسلام و کشور و حتی تعریف حضرتعالی از من در همین نامه اخیر صحیح نیست، و واقعا لازم است برای

آینده کشور و انقلاب فکر اساسی بکنید و مسامحه به هیچ نحو روا نیست، و آن هم در درجه اول به عهده حضرتعالی است که موسس انقلاب بوده اید، و ملاحظه مرا هم نکنید، من یک جو طالب مقام نیستم؛ و اگر فرض دوم صحیح است پس احتمال بدهید عرائضی را که در این نامه می نویسم کلاً او بعضاً صحیح باشد. والاحتمال خفیف المونه، و در امور مهمه احتمال هم منجز است.

۲ - من از وقتی که با حضرتعالی آشنا شدم در هر شرائطی روحاً تسلیم و پیرو حضرتعالی بوده ام، و به اندازه قدرتم در لحظات حساس، در آزادی و گرفتاری و تبعید حضرتعالی از شما حمایت می کردم، و اصلاً برای خودم در برابر حضرتعالی خودیتی قائل نبودم و از شما و علم شما و فضائل شما و رساله و کتب شما ترویج می کردم، کوشش می کردم شهریه حضرتعالی مرتب شود، رساله حضرتعالی پخش شود، نام حضرتعالی در منبرها برده شود، هرکس از حضرتعالی توقع و انتظاری داشت و گله می کرد سعی می کردم او را راضی کنم هرچند با سخت گیری بر خود و عائله ام بود، و این امر را وظیفه خود می دانستم و طمعی هم نداشتم چنانچه الان هم ندارم، و در این راه دوستان زیادی را هم رنجاندم و یا از دست دادم، و تاسف هم نمی خورم؛ و پس از پیروزی انقلاب نیز به همین نحو عمل کردم، به خاطر حضرتعالی اوقات گرانبهایی را صرف می کردم، جوابگوی اعتراضات می شدم و مشکلات مردم و متوقعین از حضرتعالی را به اندازه قدرت حل و رفع می کردم، و همین الان هم با همه گرفتاریها هر روز چند ساعت وقت خود را صرف مساله گوئی و مساله نویسی مطابق فتاوی حضرتعالی می کنم، و هر روز بلا استثناء حدود چهل الی پنجاه نامه استفتائیه را که بعضی محتاج به مراجعه و مشتمل بر مسائل عدیده است می خوانم و مطابق فتوای حضرتعالی برای مردم می نویسم یا مهر می کنم. ساعاتی از وقت من هم صرف توجیه مردم در برابر اشکالاتی است که نسبت به حضرتعالی یا بیت حضرتعالی یا مسئولین و ارگانها دارند می کنم، از افراد خوب طرد شده دلجوئی می کنم، به مسئولین اداری و قضائی برای جذب نیروهای خوب کمک می کنم.

مرتباً مسئولین دولتی و ارگانها از رده های بالا و پایین مرتباً مراجعه می کنند و رهنمود می خواهند و نظریات مرا راهگشای مشکلات خودشان یا موجب دلگرمی می دانند و همگی می گویند چون دستان به حضرت امام نمی رسد و نمی شود این

مشکلات را به عرض ایشان رساند برای شما می‌گوئیم و از شما کمک می‌خواهیم، آیا به نظر حضرتعالی همه این مسئولین حتی بسیاری از مسئولین جبهه‌ها وابسته به خط ضدانقلاب هستند که می‌خواهند مرا به موضع خاصی بیندازند؟! یا واقعا غرق مشکلات و گرفتار تضادها شده‌اند و نظریات مرا راهگشا می‌دانند. این همه وقت که من صرف رسیدگی به شکایات زندانیان و بستگان آنان و یا دعوت دادستان‌ها و زندانبانان و نصیحت و تذکر به آنان می‌کنم و بازرس به زندان‌های تهران و شهرستان‌ها می‌فرستم و بسیاری از بی‌گناهان و یا کم‌گناهان و افراد مریض و روانی را که آزاد کردم به عقیده اکثر علاقه‌مندان به حضرتعالی بزرگترین خدمت را به شخص حضرتعالی کرده‌ام، این کارها وظیفه شورای عالی قضائی و سرپرستی زندان‌هاست ولی بدانید که اطلاع شورای عالی قضائی و سازمان اطلاعات کشور از داخل زندان‌ها از اطلاع من بسیار کمتر است. ظرفیت همه زندان‌های کشور حدود سی هزار نفر است در صورتی که زندانیان ایران اعم از عادی و سیاسی و مواد مخدر حدود نود الی صد هزار نفر است یعنی تقریباً سه برابر، امکانات غذایی و بهداشتی و داروئی بسیار کم، امکانات آموزشی تقریباً صفر، و زندانبان‌ها نوعاً افراد جاهل و یا تندخو و دارای عقده بودند که غیر از فحش و کتک منطق دیگری نداشتند، و بالاخره زندان‌ها در شرف انفجار بود که من دخالت کردم و در اثر پیگیری خیلی بهتر شده است ولی افراد تند و وارثان امثال لاجوردی منتظر استشمام نظر بیت حضرتعالی هستند تا خشونت‌ها را از سر گیرند و می‌گویند خشونت نظر امام مدظله است زیرا لاجوردی نماینده معظم له بود و او این روش را می‌پسندید.

ضمناً بدانید که افراد شناخته شده وارد در مسائل سیاسی و علاقه‌مند به بقاء انقلاب همه معتقدند که صحبت‌های من که احیاناً به عنوان تذکرات و گاهی انتقادات سازنده و بازگو نمودن دردها و خواسته‌های مردم و ارائه بعضی پیشنهادهای اصلاحی پخش می‌شود عامل ماندن مردم در صحنه و امیدوارشدن آنان است و می‌گویند اگر این صحبت‌ها نبود معلوم نبود چه می‌شد و عکس‌العمل مردم در برابر کجی‌ها و بی‌عدالتی‌ها که می‌بینند چه بود. و ضمناً اشکال نوعاً در مسئولین بالا نیست بلکه در کارمندان ادارات است که مردم با آنان سر و کار دارند و برای رساندن تذکرات به آنان راهی جز پخش در رسانه‌های گروهی نیست.

۳- و اما مساله نهضت‌ها و سید مهدی هاشمی و خانه تیمی و انباشتن اسلحه: اولاً موسس نهضت‌های اسلامی در ایران یعنی تبلیغ انقلاب اسلامی در جهان و تقویت نیروهای انقلابی در کشورها شخص من و مرحوم محمد منتظری بودیم و مردم هم با عشق و علاقه به اسم نهضت‌ها کمک کرده اند و هنوز هم می کنند، و به عقیده بنده از اوجب واجبات بوده و هست، و بزرگترین خدمت را هم تا حال به اسلام و انقلاب کرده است، و در این میان وزارت خارجه ما فقط شعار و پز آن را می دهد.

در همین سال گذشته در افغانستان در اثر جنگ داخلی بین گروه‌های مسلمان شیعه مجاهد بیش از سه هزار شیعه کشته شد و کسی در ایران نجنید، و همین نهضت‌ها با نظارت من گروهی را به معیت حجة الاسلام آقای جواهری به عنوان حاکم شرع به داخل افغانستان فرستاد و آتش جنگ داخلی را خاموش کرد و درصدد هماهنگ کردن گروه‌ها و رهبران آنان هستیم که در این جهت سپاه و اطلاعات اتفاقاً با ما هماهنگ است ولی متأسفانه بعضی از بچه‌های وزارت خارجه کارشکنی می کنند و مایل نیستند وحدت کلمه بین شیعه‌های مجاهد افغانی به وجود آید؛ نهضت‌های داخل مصر و تونس و مراکش و داخل فلسطین اشغالی و نیجریه و تا اندازه ای لبنان مربوط به همین نهضت‌هاست، همین چند روزه که آقای حسنی به قول حضرتعالی از خانه تیمی بازداشت شده چند نفر جوان مصری که در آنجا محکوم به اعدامند و چند نفر از اتریش که شیعه شده اند و در اتریش فعالیت دینی دارند به سراغ آقای حسنی آمده بودند و بالاخره ما در قم به نحوه طفره با آنان مذاکره کردیم و نخواستیم بفهمند آقای احمد حسنی با این همه سوابق خدمت به انقلاب در زندان جمهوری اسلامی است به اتهام حمایت از نهضت‌ها. به فعالیت همین نهضت‌ها در دانشگاه‌های نیجریه شعار امام خمینی رهبر جهان اسلام می دهند و پیامهای حضرتعالی را ترجمه و پخش می کنند و نماینده می فرستند در قم که با من به نیابت امام خمینی بیعت کنند غافل از اینکه اصلاً امام خمینی نهضت‌های اسلامی را جرم می دانند.

و ثانیاً در زمان مرحوم محمد منتظری امکانات نهضت‌ها وسیع بوده و مواد و اسلحه هم زیاد وجود داشت و جوانی به نام آقای احمد حسنی اصفهانی که فعلاً بازداشت شده از طرف مرحوم محمد مسئول خارج از کشور بود و مخلصانه هم کار می کرد، ولی پس از شهادت آن مرحوم از کارهای انفجاری خبری نبود و تعطیل شد و حدود

هشت ماه قبل آقای حسنی می رود نزد آقای فلاحیان معاون آقای ری شهری و مواد و وسائل را که زیاد هم بوده به ایشان تحویل می دهد و رسید می گیرد و فقط به کارهای فرهنگی و تبلیغی در خارج اکتفا می کند، خانه هم با اجازه دادستانی و کمیته و با اطلاع اطلاعات کشور بوده. و جایی که صدها کیلو مواد وجود داشته دویست و پنجاه گرم مواد باقیمانده ته مانده از سابق چیزی به حساب نمی آید، سلاح هم فقط یک سلاح مجاز برای حفظ خودش بوده، حالا به تعبیر اطلاعات و القا در همه محافل و به حضرتعالی خانه تیمی شده و انبار اسلحه، غرض چه بوده؟! خدا می داند. اینک یک ناجوانمردی و بی تقوایی را هم بشنوید: سپاه در وقت حج یک کار غلط ناروا انجام می دهد و از ساک‌های حدود صد نفر حجاج پیرمرد و پیرزن بدون اطلاع آنان سوء استفاده می کند به نحوی که در عربستان در وقت حج آبروی ایران و انقلاب را بردند و آقای کروی ناچار شد از ملک فهد طلب لطف کند، لابد حضرتعالی شنیده اید؛ آن وقت در همان کشور بعضی زمزمه راه می اندازند که خوب است بگوئیم از طرف سید مهدی هاشمی بوده، و یک نفر از شش نفر افراد سپاهی که متصدی این کار غلط بوده اند آمد نزد من و به من گفت مسئول من در سپاه اصرار می کند که بگویم از طرف سید مهدی هاشمی این کار انجام شده، و در مجلس و هیئت دولت و محافل دیگر هم شایع کردند، اینک آنان که در سپاه این کار غلط را انجام داده اند و در وقت حج آبرویمان را بردند غیر قابل تعقیبند، و آقای حسنی و سید مهدی هاشمی باید تعقیب و محاکمه شوند؟! و

و ثالثاً نهضت‌ها و پول نهضت‌ها مربوط به من و مرحوم محمد منتظری است و سید مهدی هاشمی پس از مرحوم محمد در این جهت از من حکم دارد، حالا که نظر حضرتعالی بر مجرمیت و تعقیب مجرم است و مرقوم فرموده اید: «تمام کسانی که در این امور دخالت داشته اند محاکمه شوند» محاکمه اولاً باید متوجه من و مرحوم محمد در عالم برزخ بشود نه آقای حسنی و سید مهدی هاشمی که ماموریتی را انجام داده اند، البته هر مامور به این قبیل کارها ممکن است در ضمن کارش اشتباهات جزئی هم داشته باشد ولی اساس کارشان که حمایت نهضت‌هاست به دستور من انجام می شده.

ضمناً طبق اظهار خود آقای فلاحیان در حضور آقای ری شهری و من، آقای حسنی در بسیاری از کارهای اطلاعاتی مهم خارج با اطلاعات همکاری می کرده است. بالاخره

کارهای آقای حسنی یا مربوط به نهضت‌ها بوده یا مربوط به اطلاعات و آقای فلاحیان است پس نگاه داشتن او برخلاف عدل اسلامی است.

و رابعا حالا که همه مشکلات کشور از جنگ و اقتصاد و گرانی و تورم و نارضایتی‌ها حل شده و فقط مشکل سید مهدی هاشمی باقی مانده، سپاه و کمیته و اطلاعات قدرت و نیرو دارند و هرکس را بخواهند از جمله سید مهدی را می‌توانند بگیرند و فرضاً فی‌النهاییه اعدام کنند ولی آقایانی که مدت‌هاست در پشت این صحنه هستند و متأسفانه آخر الامر از عنوان حضرتعالی خرج کرده اند بدانند که اگر سید مهدی هاشمی را پیش من تکه تکه کنند من خودم را به کسی نمی‌فروشم و استقلال فکری و ارادی خود را حفظ می‌کنم و خانه من فعلا که منشأ اثری نیستم قیم لازم ندارد.

و خامسا سید مهدی هاشمی در زمان شاه در دادگاه اصفهان به زور ساواک به سه مرتبه اعدام محکوم شد ولی دیوان عالی کشور زمان شاه این استقلال و عرضه را داشت که حکم دادگاه اصفهان را لغو کند ولی همین سید مهدی در زمان جمهوری اسلامی اصرار کرد اگر بنا است محاکمه شوم مرا محاکمه کنید تا گره باز شود و در اصفهان مقدمات محاکمه فراهم شد ولی شورای عالی قضائی نظر نداد و جلو آن را گرفت، حالا آقای وزیر اطلاعات می‌فرمایند او متهم به بیست و چند فقره قتل است و حضرتعالی هم می‌فرمائید: «متهم به جنایات بسیار از قبیل قتل مباشره یا تسبیحا و امثال آن می‌باشد» اگر کشور هرج و مرج است عرضی ندارم و اگر قانون دارد اتهام قتل احتیاج به شاکی دارد و مرجع رسیدگی هم دادگستری است و اطلاعات حق دخالت ندارد، باید شاکیها شکایت کنند و دادگستری هم اقدام کند او که خود مصر به این امر است.

و سادسا حضرتعالی که رهبر عالم اسلام هستید و سید مهدی را از همان زمان که در شورای سپاه و عضو موثری بود نزد حضرتعالی به صورت غولی خطرناک مجسم کردند خوب بود این همه از دشمنان سید مهدی راجع به او شنیدید یک دفعه این سید را می‌خواستید و از خودش سئوالاتی می‌کردید، او که چند مرتبه تقاضای ملاقات کرده است، این منصفانه نیست که ما فقط از دشمنان و رقبا راجع به کسی بشنویم.

و سابعا من ترس از بیان حقیقت ندارم - و ان كان الحق مرا - سید مهدی هاشمی حدود دو سال است در اثر همین تبلیغات سوء به منزل من رفت و آمد ندارد و بسا

ماه‌ها می‌گذرد و من او را نمی‌بینم و امر نهضت‌ها به وسیله پیغام انجام می‌شود، ولی من سید مهدی را از وقتی که بچه بود و با مرحوم محمد هم بحث و به درس مکاسب من می‌آمد می‌شناختم و پدرش استاد من بود و برادرش داماد من است من تمام خصوصیات او را می‌دانم، او مردی است مخلص اسلام و انقلاب و حتی شخص حضرت‌عالی، هم خوش استعداد و خوش درک است و هم خوب صحبت می‌کند و خوب می‌نویسد و در عقل و تدبیر و مدیریت به مراتب از رئیس سپاه و وزیر اطلاعات با همه کمالاتشان بهتر است و در تعهد و تقوا هم از آنان کمتر نیست، فقط بز اخفش نیست و حاضر نیست کورکورانه مهره کسی بشود.

او در خانه نشسته مشغول مطالعه و نوشتن است و فعلاً در کشور مد شده است هر کار خلافی را از قتل و اعلامیه و امثال این‌ها را رجماً بالغیب به او نسبت دهند و خط بازی‌های کشور هم سبب تقویت این قبیل شایعه‌ها است، و متأسفانه مسئولین از جمله اطلاعات هم به جای جلوگیری از شایعه‌های بی‌اساس همین شایعه را اساس قضاوت قرار می‌دهند و این خط بازی‌ها و تصفیه حساب‌های ظالمانه خود نیز یکی از مشکلات کشور است. من برای حضرت‌عالی داستانی نقل کنم قطعاً یاد دارید که در قم آقای حاج مهدی اربابی صاحب هتل را به اتهام زنا با یک دختر مسافر اصفهانی و قتل آن دختر به دار آویختند و چقدر روی آن تبلیغ شد و مرحوم آیت الله بروجردی هم روی اجراء آن فشار آوردند، حدود دو سال قبل آقای شیخ یحیی سلطانی نماینده اردستان به من گفت می‌دانید آن دختر زنده است و اهل منطقه ما است و اتفاقاً آن شب مسافر همان هتل هم بوده است و کسی هم مزاحم او نشده است و همه این بازی را سرهنگ قلقله علیه اربابی راه انداخت. و من احتمال می‌دهم آقای صانعی هم که اهل آن منطقه هستند جریان را بدانند.

ضمناً آقای ابوشریف هم در امر نهضت‌ها به ما کمک می‌کند و با آقای هاشمی در این جهت همکاری دارد، می‌توانید از ایشان سئوالاتی بنمائید.

۴ - برگردیم به مساله زندان‌ها، در تهران و کرج تنها حدود پانزده هزار زندانی سیاسی وجود داشت و فعلاً به حدود شش هزار رسیده است، البته جمععی در اثر انقضای مدت آزاد شده اند ولی حدود پنج هزار عفو شده اند، نه چندصد نفر که در نامه حضرت‌عالی ذکر شده. و اکثر آنان دختران مریض و ضعیف و روانی بودند که گله گله

بازداشت شده بودند و جز یک قلم مختصر که اول بار از طرف دیوان عالی کشور بود بقیه همه با نظر دادستان و زندانبان و اطلاعات و هیئت چهارنفره بوده است و بر حسب اقرار دادستانی از افراد عفو شده خیلی کم دوباره پیوسته اند، بلکه پیوسته‌ها اولاً خیلی کمند و ثانیاً نوعاً از کسانی هستند که زندانشان تمام شده، و پیوستن‌های جدید هم اغلب در اثر برخورد بد و طردکردن و محروم کردن آنان از درس و کار و شغل‌های اجتماعی است.

زندانی هم بالاخره بشر است و نان و زندگی و حیثیت می‌خواهد و با تنگ نظری ما همه طرد می‌شوند و قهراً گروه‌ها جذب می‌کنند. و ضمناً توجه داشته باشید که ترورها و انفجارهای فعلی اغلب مربوط به گروه‌های اعزامی از عراق و اروپا است نه آزاد شده‌ها، خود اطلاعات هم این را می‌داند، و اینجاست که انسان در حسن نیت بعضی از مسئولین شک می‌کند که وقایع را به نحو تحریک آمیز و مطابق میل خودشان گزارش می‌دهند. و شما توجه داشته باشید مساله زندان‌ها و عفو برای من جز گرفتاری و خردکردن اعصاب چیزی نداشت منتهای تکلیف شرعی بود و من در حضور فرزند حضرتعالی با شما شرط کردم که دخالت در امر عفو را می‌پذیرم به شرط اینکه اگر گزارشی و چیزی علیه عفو و رسیدگی به وضع زندانیان به اطلاع حضرتعالی رساندند قبل از تصمیم مرا بخواهید تا رفع شبهه بشود، خوب بود مرا می‌خواستید یا اقلأً حکم عزل مرا به من ابلاغ می‌فرمودید نه به آقای محمدی گیلانی، آیا این برخورد صحیح است؟! و من اصرار داشتم تفویض حکم عفو به من را کسی نداند ولی بر خلاف میل من آقای مقتدائی در یک مصاحبه گفت و همه آن را فهمیده اند حالا عوارض و تبعات دستور جدید شما در خارج چه خواهد بود؟ آن هم مساله ای ست که جواب آن به عهده حضرتعالی است. خوب فرضاً آزادیها بیجا بوده، رفتن روحانیون به زندان‌ها برای آموزش و پاسخگوئی به اشکالات و جلوگیری از تدروی‌ها و خلاف شرع‌ها چه اشکال داشت که به شورای عالی قضائی دستور داده شده جلوگیری کنند؟ جز اینکه آقایان جلو خلاف شرع‌ها را می‌گرفتند آن هم تا اندازه ای و به وسیله صحبت کردن با زندانیان آنان را به حضرتعالی و انقلاب خوشبین می‌کردند و سوژه تبلیغاتی را نیز از منافقین می‌گرفتند؟ اعزام بازرس وظیفه حضرتعالی بوده است و من در حقیقت وظیفه حضرتعالی را انجام می‌دادم، نماینده من که مراقب کار دادستان‌ها و بازجوها

و زندانبانان بود و از اکثر زندان‌ها هم گزارش تهیه کرده آقای انصاری نجف آبادی است که مرد فاضل خوبی است و شنیده شد در نجف استاد حسین (فرزند مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی) بوده است.

۵ - نکته مهم اینجاست که من وقتی که در زندان بودم منافقین را خوب شناختم و دریافتم چه از نظر ایدئولوژی و چه از نظر اخلاق افراد فاسد خودخواه ریاست طلبی هستند و یک جو وجدان و عاطفه ندارند، و لذا نه در زندان و نه پس از آزادی به آنان اعتنا نمی‌کردم و آنان را راه ندادم ولی سران آنان که خیلی کم هم بودند از جو آزاد دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها و پول‌های کلان بنیاد مستضعفین و اسلحه پادگان‌ها و چتر حمایت آیت الله طالقانی و بنی صدر و دانشجویان خط امام و شخص فرزند حضرتعالی و بیت شما استفاده کردند و بچه‌های معصوم دل باخته اسلام را در اثر سادگی و خامی به دام انداختند و مخصوصاً دختران کم سن و سال را. یک روز من در منزل آقای یزدی محل سکونت حضرتعالی عرض کردم متأسفانه در منزل حضرتعالی از آنان حمایت می‌شود، فرمودید به وسیله کی؟ گفتم آقای احمد آقا؛ و الان هم همان سران فاسد در عراق و اروپا تبلیغ و توطئه می‌کنند و تیمهای ترور به داخل کشور می‌فرستند و از اعدام‌های بی رویه سابق و برخوردهای تند دادستان‌ها و زندانبان‌ها استفاده تبلیغاتی می‌کنند، در صورتی که اکثریت قاطع زندانیان آنان بچه‌های بازی خورده در حد سمپات هستند که بسا بعضی از آنان در اثر خواندن یک اعلامیه گرفتار شده‌اند و در اول زود قابل انعطاف بودند ولی رفتار تند و غلط بازجوها و زندانبانان آنان را سر موضع واداشته است.

حالا به عقیده بیت حضرتعالی من شده ام ساده اندیش و طرفدار منافقین، و خط باطل روی من کار می‌کند؛ برای اینکه از داخل زندان‌ها و رفتار با آنان اطلاع دارم و می‌بینم جنایت می‌شده و شورای عالی قضائی که وظیفه دارد یا نمی‌داند و یا جرأت اقدام ندارد.

آیا می‌دانید در زندان‌های جمهوری اسلامی به نام اسلام جنایاتی شده که هرگز نظیر آن در رژیم منحوس شاه نشده است؟!

آیا می‌دانید عده زیادی زیر شکنجه بازجوها مردند؟ آیا می‌دانید در زندان مشهد در اثر نبودن پزشک و نرسیدن به زندانی‌های دختر جوان بعداً ناچار شدند حدود

بیست و پنج نفر دختر را با اخراج تخمدان و یا رحم ناقص کنند؟!
 آیا می دانید در زندان شیراز دختری روزه دار را با جرمی مختصر بلافاصله پس از افطار
 اعدام کردند؟

آیا می دانید در بعضی زندان‌های جمهوری اسلامی دختران جوان را به زور تصرف
 کردند؟ آیا می دانید هنگام بازجویی دختران استعمال الفاظ رکیک ناموسی رائج است؟ آیا
 می دانید چه بسیارند زندانیانی که در اثر شکنجه‌های بی رویه کور یا کر یا فلج یا مبتلا به
 دردهای مزمن شده اند و کسی به داد آنان نمی رسد؟

آیا می دانید در بعضی از زندان‌ها حتی از غسل و نماز زندانی جلوگیری کردند؟
 آیا می دانید در بعضی از زندان‌ها حتی از نور روز هم برای زندانی دریغ داشتند این هم
 نه یک روز و دو روز بلکه ماه‌ها؟

آیا می دانید برخورد با زندانی حتی پس از محکومیت فقط با فحش و کتک بوده؟ قطعاً
 به حضرتعالی خواهند گفت این‌ها دروغ است و فلانی ساده اندیش.

۶ - با اجازه حضرتعالی قدری هم از آنچه در خارج زندان‌ها می گذرد گزارش دهم:
 آیا می دانید که مردم در اتوبوس‌ها و تاکسیها و صفوف مرغ و تخم مرغ و بنزین و روغن
 نباتی و گوشت و امثال این‌ها علناً به مسئولین جمهوری اسلامی و حتی متاسفانه به شخص
 حضرتعالی فحش می دهند؟

آیا می دانید روحانی و روحانیت در نظر مردم مورد تنفر واقع شده است؟
 آیا می دانید مردم در عین حالی که به نماز جمعه می آیند و شعار هم می دهند اکثر آنان
 ناراضیند و به مسئولین فحش می دهند؟

آیا می دانید در ادارات و وزارتخانه‌ها و متاسفانه بعضی دادستانی‌ها و دادگاه‌ها رشوه
 بیداد می کند؟

آیا می دانید دزدی‌های کلان با رشوه و سفارش و تلفن حل می شود ولی دزدی‌های
 کوچک تعقیب می شود؟

آیا می دانید از بس دزدی و اختلاس و مخصوصاً با لباس پاسدار و کمیته زیاد شده مردم
 احساس امنیت جانی و مالی نمی کنند؟

آیا می دانید در خارج کشور بیش از دو میلیون ایرانی آواره اند و بسیاری از دختران به
 فحشا و خودفروشی افتاده اند و ایران و ایرانی را در خارج بی اعتبار کرده اند؟

آیا می‌دانید فقر و گرانی بیداد می‌کند، حقوق و درآمد همان حقوق سابق ولی قیمت اجناس ده برابر یا بیست برابر شده است و در این صورت بر فقرا چه می‌گذرد؟
 آیا می‌دانید در جمهوری اسلامی بر خلاف آنچه در فقه خواندیم نه جان مسلمان محترم است و نه مال او، قاضی حکم می‌کند مال او را بدهید خانه او را بدهید کسی گوش نمی‌کند مخصوصاً اگر در تصرف بنیادهای انقلاب باشد؟! و افراد شورای عالی قضائی هم از ترس یکدیگر و یا ترس از تلفنهای مقامات و یا جوسازی‌های غلط بر این همه خلاف شرع‌ها به وسیله سکوت صحنه می‌گذارند؟

آیا می‌دانید اعضاء شورای عالی قضائی به یکدیگر اعتماد ندارند و کمتر تفاهم می‌کنند و بالتیجه اکثر کارها معوق می‌ماند، و آقایان مصاحبه و شعار خورد مردم می‌دهند؟

آیا می‌دانید اکثر قضات خوب دلسرد و مستعفی شده‌اند و افراد فاسد یا ضعیف باقی می‌مانند؟

آیا می‌دانید دارو از طرف دولت به داروخانه‌ها داده می‌شود ولی نوعاً جواب آنان در مقابل نسخه‌ها جواب رد است و همان دارو در دست دستفروش‌های دوره گرد به چند برابر قیمت پیدا می‌شود و همچنین بسیاری از لوازم دیگر، ولی کسی نیست از دستفروش‌ها بپرسد دارو دست دولت است تو این را از کجا آورده‌ای؟! هر روز حدود یک میلیون جمعیت ایران سراغ دکتر و دارو و درمانگاه و بیمارستان می‌روند و اکثراً ناراضی برمی‌گردند و دادرسی نیست، این مسائل دیگر مربوط به جنگ نیست بلکه مربوط به ضعف مدیریت‌ها و برنامه ریزی است، و فرداست که سرمای زمستان است و قرائن نشان می‌دهد که از نفت و سوخت خبری نیست.

آیا می‌دانید مواد مخدر در کشور بیداد می‌کند و اعدام‌ها و زندان‌ها و جزیره بی‌اثر شده است و غالباً معلول فقر و بدبختی است؟

تذکرا عرض می‌کنم لازم است حضرتعالی در امور جاریه کشور و جبهه‌ها فقط به گزارش‌های مسئولین و بیت معظم قناعت نکنید. مسئولین همیشه هم به لحاظ خودشان و هم به لحاظ رعایت حال حضرتعالی خوبی‌ها را می‌گویند و بدی‌ها را نمی‌گویند. لازم است افرادی عادی مورد وثوق که در میان ملت هستند گاهگاهی بیایند و محرمانه بدون حضور احدی و بدون ترس و واهمه اوضاع کشور را صریحاً

گزارش کنند. و من خوشبختانه از این شیوه استفاده می کنم.

۷- با کمال معذرت نامه به طول انجامید و حضرتعالی را خسته کردم، لقد اسفر الصبح و ارتفع الظلام و لم ادر الی کم قلت قلت. بالاخره با وضع فعلی ناچارم از کارهای سیاسی کشور کنار بمانم و به درس و بحث طلبگی و کارهای حوزوی پردازم به همان نحو که حضرتعالی در اواخر با مرحوم آیت الله بروجردی عمل کردید، زیرا مخالفت با حضرتعالی و نظام را صحیح نمی دانم بلکه حرام می دانم و در چهارچوب فعلی تایید و همکاری را نیز با مشاهده کارهای خلاف مشروع نمی دانم، بنابراین تقاضا می کنم به من کاری ارجاع نشود. ضمناً در وجوه شرعیه کمافی السابق به وکالت حضرتعالی تصرف می کنم مگر اینکه صلاح ندانید و به من ابلاغ فرمائید.

و در خاتمه از باب النصیحه لائمه المسلمین نکاتی را مختصراً تذکر می دهم:

۱- چند سالی است که عملاً اداره کشور و انقلاب را حضرتعالی به روسای سه قوه و شخص آقای حاج احمدآقا سپرده اید، و همه کارها از ریز و درشت و تخصصی و غیر تخصصی را باید آقایان صلاح بدانند و تشخیص دهند، و در عمل آقای موسوی نخست وزیر تسلیم آقایان خامنه ای و هاشمی و حاج احمد آقا است، و آقای موسوی اردبیلی هم اهل مقابله و برخورد نیست فقط نزد ما داد می زند که مخالفم ولی نمی توانم مخالفت کنم. پس در حقیقت سه نفر تصمیم گیرنده اند در صورتی که مسائل و مشکلات کشور به حدی است که این سه نفر با اشتغالات دیگری که دارند نمی توانند حل کنند، اصلاً ملاقات با آقایان و طرح مسائل با آنان خود یکی از مشکلات کشور است، و مگر مغز و فکر آقایان چقدر طاقت دارد که همه مسائل سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی کشور را بتوانند عمیقاً بررسی و حل و فصل نمایند، و آیا آقایان در همه مسائل اهل تخصص اند؟ در صورتی که در کشور افراد زیادی هستند معتقد به اسلام و انقلاب که برای حل مشکلات طرح‌ها و نظریاتی دارند که یا نمی توانند و یا می ترسند به آقایان ارائه دهند و چاره جز مراجعه و فشار بر من ندارند. من هم با همه گرفتاری‌ها اگر فرضاً بتوانم چند ماه یک مرتبه با آقایان مواجه شوم و مطالبی را مطرح کنم یا طفره می روند و یا وعده می دهند و عمل نمی شود و یا فوراً از عنوان حضرتعالی استفاده می شود که امام با این مطلب مخالفند، بالاخره این

آقایان هرکدام با چندین مسئولیت سنگین نمی‌توانند در همه مسائل طراح و برنامه ریز باشند، و بالتیجه به نظر من کشور در سرایش سقوط است و مردم هم اکثراً ناراضی؛ سابقاً من به حضرتعالی پیشنهاد کردم ده الی پانزده نفر افراد غیر شاغل و متخصص در امور سیاسی و نظامی و اقتصادی بی‌نام و نشان در پشت صحنه باشند که همه مسائل و مشکلات و راه‌حل‌ها را بررسی نمایند و طرح‌های متقن در قسمت‌های مختلف تهیه کنند و پس از ارائه به حضرتعالی قاطعانه اجرا شود، و این امر در همه دنیا معمول است، و حل مشکلات را نیز حضرتعالی از آنان بخواهید آن‌ها باید کاری جز این معنا نداشته باشند و ملاک انتخابشان نیز لیاقت و عقل و تخصص باشد نه خط بازی.

۲ - حدود هشت سال است با خشونت و اعدام زیاد و بازداشت زیاد و مصادره‌های بیجا حکومت کردیم و به جایی نرسیدیم، پیغمبراکرم(ص) پس از فتح مکه به مردم مکه فرمود: «یا معشر قریش ما ترون انی فاعل بکم؟ قالوا: خیرا، اخ کریم و ابن اخ کریم، قال: اذهبوا فانتم الطلقاء» و حتی ابوسفیان و هند و وحشی قاتل حمزه مورد عفو شدند و از غنائم حنین آنان را بهره مند ساخت، من نمی‌گویم سران منافقین مورد عفو واقع شوند ولی یک دختر بچه پانزده ساله خام را اعدام یا حبس ابد یا یک بدبخت راننده ساواک یا باغبان شاه یا اشرف حتی خانه نشین او را هم بگیریم، و یا شش هزار باغ تهران و حومه را مصادره یا توقیف کنیم و در اثر اهمال کاری بخشکانیم و صاحب باغ با رعب و وحشت و با عشق به ایران در اروپا و آمریکا و ترکیه ظرفشویی یا گدائی کند و تنها کسی که از این مصادره‌ها بهره نبرد مستضعفین بودند.

۳ - بسیاری از روحانیون و آخوندها حتی آنان که سابقاً مخالف خوانی می‌کردند با یک احوال پرسی و تلفن و یا کمک قابل جذبند، و ور رفتن به آنان جز مظلوم نمائی آنان اثری نخواهد داشت.

۴ - بچه‌های کمیته با همه اخلاصشان نوعاً احساساتی و تندند، سعی شود آن‌هایی که به عنوان منکرات و حجاب و امثال ذلک با مردم برخورد دارند افراد روان شناس، عاقل، تعلیم دیده و دلسوز باشند، فاعل منکر از فرعون بدتر نیست و خداوند فرمود: و قولاً له قولاً لینا لعله یتذکر او یخشی.

۵ - از همه ارگان‌ها ضعیف تر و داغون تر تشکیلات قضائی است در صورتی که لازم

است از همه ارگان‌ها قوی تر باشد، البته آنان مشکلات قانونی هم دارند و سفارشها و تلفن‌ها هم مانع تصمیم و کارشان هست ولی ذاتا اعضای شورا همفکر نیستند و نوعاً تفاهم ندارند و اصلاً با شورا تصمیم‌گیری کمتر میسر است، حضرت امیرالمومنین (ع) مطابق نقل آمدی فرمودند: «الشركة فی الملك تودی الی الاضطراب» و اعضای شورا از خدا بالاتر نیستند و خداوند می فرماید: «لو كان فیهما آلهة الا الله لفسدتا». قضات و دادستان‌های فاسد و یا ضعیف که کم نیستند مردم را به ستوه آورده اند و در زمان شاه اقلماً ساواکی بر سر آنان مسلط بود و با وضع فعلی و برخوردهای بدی که شده افراد عاقل عالم خوب جذب نمی شوند. و اصلاح این امر نیاز به یک حکم ولایتی قاطعانه دارد که یک نفر تا یکی دو سال مامور اصلاح تشکیلات شود ولو با دیگران مشورت کند اما حق تصمیم نهائی بدون چون و چرا با او باشد، و به نظر می رسد باز هم آقای موسوی اردبیلی خیرالموجودین است، به شرط اینکه اختیار تام به او داده شود و هر روز با تلفن تحت فشار قرار نگیرد.

۶ - انتخاب افراد برای پستها متاسفانه نوعاً تابع عواطف و باندبازی و رفیق بازی و مهره بودن است نه تابع عقل و لیاقت و کفایت طرف و این امر خطرناک است باید فکری کرد، و قد سئل احد من الحكماء: «ما بال انقراض دولة ساسان؟» فقال: «لانهم استعملوا اصاغر العمال علی اعظم الاعمال فلم یخرجوا من عهدتها، و استعملوا اعظم العمال علی اصاغر الاعمال فلم یعنتوا علیها فعاد وفاقهم الی الشتات و نظامهم الی البتات».

۷ - مساله جنگ هم از مسائل اساسی کشور است و اجمالاً وضع خوب نیست و بیش از همه کارها به تخصص و برنامه ریزی و تهیه مهمات نیاز دارد، و رقابت و تضاد بین ارتش و سپاه نیز روز به روز عمیقتر می شود و خطرناک است.

۸ - به مسئولین و رسانه‌های گروهی سفارش فرمائید حتی المقدور از دروغ گفتن در گزارش‌ها و خبرها و وعده‌ها پرهیزند که مردم نوعاً می فهمند و برای جمهوری اسلامی شکست است.

در خاتمه آخرین گزارشی را که آقای سید مهدی هاشمی از نهضت‌ها فرستاده بود جوفا ارسال می شود تا نمونه‌هایی از جرم نهضت‌ها را ملاحظه فرمائید، و از اینکه در این نامه صریحاً با حضرتعالی سخن گفتم معذرت می خواهم. من طبعاً صریح اللهجه

بوده و هستیم؛ سلامت و طول عمر و موفقیت حضرت‌عالی را در همه زمینه‌ها از خدای بزرگ مسئلت می‌نمایم و به ملت در دعا اقتداء می‌کنم که خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱۳۶۵/۷/۱۷ - حسینعلی منتظری

ضمیمه نامه به حضرت امام:

آخرین گزارش آقای سید مهدی هاشمی از نهضت‌های آزادیبخش

بسمه تعالی

محضر مبارک فقیه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی منتظری دامت ایامه

با سلام

با اینکه حضرت‌عالی به طور مستمر در جریان گزارش عملکرد با نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی بوده اید ولی نظر به ضرورت استحضار و اطلاع کاملتر همراه با جمع بندی گزارش‌های قبلی مراتب زیر مجدداً به اطلاع حضرت‌عالی می‌رسد:

۱ - فلسطین

از آنجا که روند پیروزی رزمندگان اسلام بر بعث عفرقی عراق مقدمه ایست بر آزادی قدس عزیز و امام امت بارها تاکید فرموده اند که برای آزادی قدس از کربلا باید گذشت، از این رو به نظر می‌رسد حفظ امید و اعتماد در بین مسلمانان زجرکشیده فلسطینی یکی از اصولی است که می‌تواند ان شاءالله پس از سقوط صدام زمینه مبارزه با اشغالگران قدس را فراهم سازد.

از سوی دیگر چون تجربه سازمان آزادیبخش فلسطین به شکست انجامید و معلوم گشت اعتماد بر نیروهای چپ و راست و ملی‌گرا و اصولاً افراد غیر معتقد به مبانی اسلامی جز خسران اثری نداشته و ندارد، برادران همواره سعی بر این داشته‌اند تا رابطه خویش را با نیروهای معتقد به اسلام در فلسطین تقویت نمایند.

از این جهت با تلاش فراوان مجموعه‌هایی را کشف کردیم که می‌توان گفت

مجدوب به جذبه‌های اسلام عزیز و انقلاب اسلامی اند و خود نیز معتقد به فعالیت‌های خالص اسلامی به دور از معادلات شرق و غرب می باشند مانند:

الف - آقای شیخ اسعد بیوض التمیمی که سابقا امام جماعت مسجد الاقصی و چند سال امام جمعه در اردن و هم اکنون با جمعی از روحانیون فلسطینی و اردنی به کارهای تعلیم و تربیت طلاب و فعالیت‌های ضد صهیونیستی اشتغال دارد.

حتما به خاطر دارید که در رابطه با همین مجموعه از طلاب و علمای فلسطینی، اندیشه تاسیس دانشکده قدس در ایران را حضرتعالی مطرح فرمودید.

ب - آقای منیر شفیق با یک مجموعه از جوانان متدین فلسطینی که علیرغم فشارهای عرفات و دیگر جناح‌های ناسالم ارادت و اعتقاد خویش به مقام رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی را حفظ کرده اند.

ج - آقای بشیر سالم با یک مجموعه گسترده از جوانان مسلمان فلسطینی که در سرزمین‌های اشغالی و مصر به فعالیت اشتغال دارند و از بس به ایران و انقلاب اسلامی عشق می ورزند در مجامع اهل سنت به تشیع نسبت داده می شوند. مجله الطلیعه الاسلامیه بهترین نمودار تفکر و اندیشه‌های ایشان است که با کمک‌های حضرتعالی تاسیس و راه اندازی شد و در اثر کمبود هزینه قطع شد.

د - آقای شیخ ابراهیم غنیم که از علمای عارف فلسطینی و از مجاهدین معروف آن دیار است و یک مجموعه از جوانان رزمنده فلسطین را تحت نظر دارد. از حساب ۷۱۰۰ و امکانات دفتر کمک‌های شایانی به ایشان صورت گرفت. در این رابطه سخن آقای سید عیسی طباطبایی که از مراکز این‌ها دیدن کرده بود شنیدنی است: «پایگاه برادران مربوط به شیخ ابراهیم غنیم از چنان فضای دینی و عرفانی برخوردار بود که انسان را به یاد مدرسه فیضیه می اندازد».

در خاتمه فعالیت‌های ما با این مجموعه‌ها عبارت بوده از تغذیه فکری، انتقال تجربیات انقلاب و کمک‌های مالی، و سعی می شده با برنامه‌های دولت تداخل نداشته باشد.

۲ - مصر

در این کشور با اطلاعاتی که از انحراف اخوان المسلمین از مسیر اصلی انقلاب داشتیم، از روز اول تلاش می کردیم با نیروهای متدینی که پس از پیروزی انقلاب در

ایران جذب حرکت اسلامی گشته اند تماس بر قرار سازیم. لذا با تحمل مشکلات طاقت فرسا به مجموعه‌های زیر دست یافتیم:

الف - مجموعه المختار الاسلامی که مجله ای به این نام منتشر می ساختند و از سوی سادات خائن توقیف و مجدداً به کار خود ادامه می دهد. این عده که از بهترین و مسلمانترین جوانان مصری هستند و روابطی با سرزمین‌های اشغالی نیز دارند به خط امام و انقلاب اسلامی بسیار نزدیک بوده و در اشاعه افکار اسلامی در جامعه مصری نقش بارزی داشته اند.

ب - سازمان جهاد اسلامی؛ رابطه ما با این مجموعه از آنجا آغاز شد که در یکی از ملاقاتهایی که با حضرت امام داشتیم و معظم له در جمع شورای فرماندهی سپاه صحبت می فرمودند، گفتند: در مورد صدور انقلاب باید خیلی محتاط باشید که آبروی جمهوری اسلامی نرود و... ولی چنانچه در گوشه ای از جهان در یکی از کشورها دیدید که می توان یک طاغوت را سرنگون کرد بکنید، لذا قبل از قتل سادات با این برادران مربوط شدیم و همین که از جریان تصمیم گیری آنان مطلع گشتیم مبالغی پول برای آنان فرستادیم ولی از مناعت طبع این عزیزان تعجب کردیم هنگامی که پول‌ها را عودت داده و فقط از ما خواستند که حضرت امام و فقیه عالیقدر برای ما دعا کنند. پس از موفقیت در عملیات که با سخن حضرت امام تطابق داشت گزارش مفصل آن را که نخست به دست حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه ای رسیده بود و ایشان نزد اینجانب ارسال داشتند، خدمت حضرت امام و جنابعالی تقدیم نمودم.

یکی از برادران جهاد اسلامی به نام محمود احمد الصاوی که از دوستان نزدیک خالد اسلامبولی بوده و اکنون در ایران بسر می برد چنین می گفت:

«ما در مجموعه محاسبات خویش در انقلاب مصر به یک کمبود اساسی برخوردیم و آن اینکه مردم مصر آن تعبد و اطاعت شرعی که مردم شیعه نسبت به مراجع تقلید خود دارند نداشته، و خود را ملزم به اطاعت از علمای ما نمی دانند.»

افکار این برادران به اندازه ای به تشیع نزدیک است که می گفت:

«ما در مجلس شورای خود این فکر را طرح نموده ایم که هرچند پنهانی و از روی تقیه تشیع را بپذیریم تا زمینه این اندیشه در کل سازمان آماده شده و ان شاء الله اگر حضرت امام نماینده ای تعیین فرمودند با ایشان بیعت کرده و همان معادله ای که

انقلاب را در ایران پیروز کرد در مصر برقرار سازیم».

همین آقای محمود احمدالصابی در چند روزی که در منزل ما بود مرتب تحریرالوسیله حضرت امام را مطالعه می کرد و حتی در مسایل نماز و طهارات طبق فقه شیعه عمل می کرد.

کمک‌های ما به این برادران مقداری پول و انتقال تجارب مبارزات ایران در زمان شاه بوده و مخصوصا نسبت به برقراری رابطه مبارزات در مصر با علمای مصر و مقام رهبری در ایران، کمک‌های فکری شایانی به آنان نمودیم.

۳ - عراق

در این کشور به دلیل اطلاعاتی که از موقعیت گروه‌های عراقی داشتیم، پس از پیروزی انقلاب در ایران با همکاری و همفکری برادر شهید حجة الاسلام محمد منتظری بر آن شدیم تا از راه دیگر به تشکل نیروها پردازیم و لذا چند طرح زیر مورد توجه قرار گرفت:

الف - تشکیل یک جریان علمایی به نام جماعة العلماء که آن زمان از چهره‌های زیر تشکیل شده بود:

حجة الاسلام والمسلمین آقای سید محمد باقر حکیم، حجة الاسلام والمسلمین آقای سید محمود هاشمی، حجة الاسلام سید محمدتقی مدرسی، حجة الاسلام آقای شیخ مهدی آصفی و چند نفر دیگر.

همین طرح در نهایت به تشکیل مجلس اعلا منتهی شد.

ب - تاسیس یک لشکر اسلامی متشکل از نیروهای وابسته به مرحوم آیت الله شهید صدر، حزب الدعوه، منظمه العمل و جماعت آقای حکیم و عده ای از مسلمانان کرد عراقی.

هم اکنون نیز رابطه‌های نزدیکی با طلاب متعهد و مبارز عراقی و گروه‌های مجاهد آن داشته و کمک‌های زیادی در زمینه حضور آنان در جبهات جنگ ایران و عراق از یک سو و فرستادن آنان به داخل عراق از سوی دیگر به ایشان نموده ایم.

طرحی که اخیرا توسط بعضی فضلاء عراقی مطرح شده و مورد توجه برادران ما نیز قرار گرفته این است که خارج از چهارچوب‌های گروهی و تشکیلاتی جریان رابطه با مرجعیت و رهبری و تثبیت زمینه‌های آن پس از سقوط صدام از هرکاری مهمتر بوده و

تنها از این طریق می‌توان زمینه‌های حکومت اسلامی در عراق را بررسی نمود.

۴ - افغانستان

در رابطه با این کشور کارهای زیادی انجام گرفته که آخرین آن مساله صلح و آتش بس بین مردم شیعه و مقلدین حضرت امام بود. همان گونه که حضرتعالی در جریان بوده‌اید دستهای فتنه گر شرق و غرب و ساده لوحی گروه‌ها جنگ خانمان سوز داخلی را بین شیعه و شیعه راه انداخت که در طول سه سال گذشته بیش از سه هزار نفر جوان شیعه کشته شد، تا اینکه به دستور حضرتعالی هیئتی بلندپایه از علمای افغانستان به سرپرستی آقای جواهری به عنوان حاکم شرع به افغانستان رفته و در طول چند ماه فعالیت طاقت فرسا با همه خطرات جانی که در برداشت، موج خونریزی را متوقف و حالت تفاهم و صلح را در مناطق شیعه نشین افغانستان برقرار ساختند.

البته ایادی دشمن همواره به فتنه گری مشغولند و بیم آن می‌رود که اگر اقدامات دیگری صورت نگیرد مجدداً آتش جنگ‌های داخلی را مشتعل سازند.

در رابطه با اعزام هیئت هماهنگی‌های لازم با برادر معظم حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه‌ای و آقایان ولایتی وزیر امور خارجه و آقای خاتمی وزیر ارشاد و برادران سپاه و اطلاعات صورت گرفت و در آینده نیز هرگونه اقدام دیگری ان شاءالله با هماهنگی دولت صورت می‌پذیرد.

نیازی به تذکر ندارد که جاذبه ولایت فقیه و مرجعیت در میان مردم شیعه افغانستان به مراتب از علاقه مردم ایران بیشتر بوده و مردم ستمدیده آن دیار در رابطه با امر ولایت آمادگی هرگونه فداکاری در مقابل دشمنان اسلام را دارند تا آنجا که یک ایرانی عادی همین که به افغانستان می‌رود مردم مانند امام زاده به او احترام گذاشته و از او تجلیل می‌کنند.

روسیه و دولت کابل نیز از این اعتقاد و تعبد سخت نگران است ولی هیچ راه دیگری جز برافروختن جنگ‌های داخلی و انصراف مردم از جنگ با روسیه را ندارد.

۵ - مراکش

در این کشور نظر به وجود خفقان شدید امکان ارتباط مستقیم با مردم وجود ندارد و لذا روابط ما علاوه بر دانشجویان و اساتیدی که در دانشگاه‌های فرانسه و بلژیک به تحصیل اشتغال دارند با عده‌ای که از ائمه جماعت مراکشی است که به فعالیتهای

تدریس علوم اسلامی در مساجد مسلمانان مغربی در بلژیک اشتغال دارند. جمعیت‌های اسلامی مانند جند الاسلام نیز که از گروه‌های نسبتاً متدین و نزدیک به انقلاب اسلامی است از کمک‌های فکری و مالی ما بهره مند شده اند. در میان علمای بزرگ مراکش که در خارج از آن کشور زندگی می‌کنند و تاکنون چند بار به ایران آمده و به زیارت جنابعالی نیز نایل گشته اند، جو تشیع و نزدیکی به مکتب اهل بیت زیاد است تا آنجا که برای اولین بار از سوی ایشان فکر بیعت دسته جمعی علمای اهل سنت مراکش با حضرت امام پیشنهاد شد که نظر به موانعی که در کار بود انجام نگرفت.

یکی از همین علما اظهار می‌داشت «من در مجموعه بررسیهای فقهی خود به این نتیجه رسیده ام که در میان مذاهب اسلامی، تشیع تنها مذهبی است که می‌تواند در مقابل طواغیت به عنوان یک مکتب فکری انسان‌ها را تغذیه و رهبری نماید».

همین شخص آن چنان شیفته اهل بیت بود که در مراسم برگزاری یکی از شهدای عملیات برادر علی رضائیان در اصفهان در مصیبت‌ها چنان می‌گریست که برای حضار جلسه شگفت‌انگیز بود. همین عالم سنی در اثر آشنانشدن با مبانی انقلاب اسلامی در ایران و تجاربی که به او منتقل گشته بود بالاخره با تردید سؤال نمود من آماده ام تشیع خویش را اعلام کنم هرچند جو متعصبین اهل سنت اقتضاء آن را ندارد، که من به ایشان سفارش کردم تقیه کند. نام این شخص آقای شیخ العینین است.

در بسیاری از کشورهای دیگر مانند ترکیه که هم در میان برادران و هم شیعیان جریان علاقه به انقلاب شدید است و کشور پاکستان، تونس، بلژیک، اتریش و یوگسلاوی مسایل بسیار ارزنده ای وجود دارد که به خاطر دوری از اطاله کلام صرف نظر کرده و به نتایج اقداماتی که تاکنون انجام گرفته می‌پردازم:

نظر به اینکه عملیات نظامی و کار مسلحانه نه در صلاحیت ما بوده و نه در توانمان، سعی شده درخواستهای نظامی برادران نهضت‌ها را راساً به سپاه پاسداران ارجاع داده و کوچکترین دخالتی در آن ننمائیم، و لذا عمده ترین فعالیت ما را تربیت نیروهای مسلمان نهضت‌ها و آشنا ساختن آنان به مبانی اسلام و تشیع تشکیل می‌دهد که خوشبختانه نتایج چشمگیری دربر داشته است مانند:

الف - مشخص شدن صف نیروهائی که صرفاً به انگیزه اسلامی و انجام وظیفه شرعی دست به مبارزه با استکبار و کفر جهانی زده با نیروهای ناخالص و ناسالم که چه

بسا با تظاهر به اسلام و انقلاب مرام فکری خود را ترویج می‌کنند.

ب - بالا بردن سطح آگاهی برادران نهضت‌ها نسبت به جوهای مسمومی که رسانه‌های گروهی دشمن در اذهان جهانیان القاء می‌کند و در این رابطه تاکنون مسمومیت‌های فکری زیادی را از ذهنیت آنان زدوده ایم.

ج - امیدوار نگه داشتن آنان در قبال مشکلاتی که جمهوری اسلامی دارد و چه بسا موجب بی‌اعتنایی و سوء برخورد می‌گردد. ما در روابطمان با جنبشها، دفاع از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی و خط امامت و ولایت را وظیفه اصلی خود دانسته و می‌کوشیم تا اعتماد آنان به ایران سلب نگردد.

د - با اعتقاد به اینکه تنها با اسلحه و عملیات نظامی نباید انقلاب صادر گردد، ما سعی کرده ایم نهضت‌ها را از حالت یک بعدی خارج کرده و به آنان بفهمانیم در مناطقی که ضرورت و نیاز به کارهای نظامی وجود ندارد تربیت نیروهای مومن و آشنا ساختن آنان به فن مبارزه فکری بر اساس تفکرات و اندیشه انقلاب اسلامی مهمترین وظیفه شرعی آنان است.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

سید مهدی هاشمی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

بر از سلام و تحیت مدعا بود بصیغہ راستم صا دتانه و صریح مطابقی را که بنفع انقلاب و کشور می دانم بفرمودن حضرتعالی بر آنم
لکن رعایت مزاج و حال حضرتعالی مرا مانع نمید ، و لا پر از زیارت فرموده شریفه مورخه ۱۳۰۷/۰۵/۰۶ تا بخوار و اندیدم .
امیدم از صراحت مخلص زنجبید . عز انتم را در بندگی عبد الگانه بعرض میسالم :

۱- من بحسب تمنی واقع از دو حال خارج نیستم : یا فردی هستم - مطابق ذہنیت که بیدرگیا برای حضرتعالی سید المرسلین - سادہ اندیش ،
بازی خود ، و سلا ائمان سید مرتضی که سبب غلط و فکر میدهند ، و بر حسب فرموده حضرتعالی : حسن ظن من با محال و انفعال و لغتہ
و نوشته که اسیر تصقیبات من است . و یا اینکه فردی هستم که در ضمن خواندن نوشته های تو با کون و شنیدن گفته های سید مرتضی
- که هر روز در قریب دوس علت ملاقات عمومی از طبقات مختلف از دربار و نمایندگان مجلس و مسئولین ادارای و قریب دواترین مساعی
رده بالا و پایین و انتم جمع دعوات و طلاب و دانشکلا هیات ، و بازاری و کارگران و ائمان اینها میگویم - خودم که تا اندازه ای سرد و گرم
دینا را لمس کرده ام و با جوذب و بد مردم محسوس کرده ام ، چه بسا از خودم هم نگرانی و ملاحظه واراده ای در آن باشم . و مجدداً بتعالی عرض
مما ما جاهد و کفرت طلب نموده ام ، بلکه بد فتم همیشه خود و صلاح ملت و بیشتر فتن اسلام و کشور بوده است .
اللہ اذعیاء عصمت و عدم تمسبناہ ہم نمیکنم ، کفی المرأ نبلاً ان تعد تعاتبہ .

اگر فرض اول در حق فرموده است پس تأیید و ترویج حضرتعالی و مسئولین و علماء و فضلا را عرض ، و امید دارم بمنج کذالاً برای آیند اسلام
و کشور و حق تعالی حضرتعالی از فروردین تا ابد بفرموده صحیح نیست ، و واقعاً لازم است برای آیند کشور و انقلاب فکر را بس بکنید
و ساجد بپنج خود و اینست ، و آن هم در درجه اول بپس حضرتعالی است که کوس انقلاب برده ای ، و بلا عطف مرا هم بکنید ، من یک جوی لب تمام نیستم
و اگر فرض دوم صحیح است پس احتمال بدهید و علائقی را که در این نامه می نویسم لئلا اولیای صحیح بپس . و للاحتمال حیف المؤمنة ، و در اندر همه احتمال هم بخیر است .

۲- من از وقتیکه با حضرتعالی آشنا شدم در هر شرف الطبی روحانی شدم و پیرو حضرتعالی بوده ام ، و با اندازه قدرتم در لحظت احساس ،
در آزادی و گرفتاری و تبعید حضرتعالی از هر حمایت میکردم ، و لاهلاً برای فرودم در برابر حضرتعالی فرودستی قائل نبودم ،
و از نس و علم هم و رضا هم و رساله و کتب هم ترویج میکردم ، کوشش میکردم که هر چه حضرتعالی مرتب بود رساله حضرتعالی را
نام حضرتعالی در زمین برده شود ، هر کس از حضرتعالی توقع و انتظاری داشت و کلام میکرد سعی میکردم او را رضای کنم هر چند
با سخت گیری بر خود و عاقله ام بود ، و این امر را وظیفه خود میدانستم و طبعی ام ندانستم چنانچه الان هم ندارم ،
و در این راه دوستان زیاد می را هم برجا ندادم و ما از دست دادم ، و تا سقف ام نمی خودم .

پس از پیروزی انقلاب نیز بهیچ نحو عمل نکردم ، بنحاط حضرتعالی اوقات گران بهای را صرف میکردم ، جواب گوی از اعتراضات و شکایات مردم و متمسکین از حضرتعالی را با اندازه قدرت حل و رفع میکردم ، و همین‌الآن هم با همه گرفتاریها هر روز چند ساعت وقت خود را صرف می‌کردم و مسأله نوبت مطابقت فتاوی حضرتعالی نبود ، و هر روز بطراحتش حدود چهار الی پنجاه نامه مقتضای شبهه را که بعضی محتاج به مراجع و شایرین علمای سنی می‌فروانم و مطابق فتوای حضرتعالی برای مردم می‌نویسم یا مهر می‌کنم .

ساعاتی از وقت فراغم صرف ترجمه مردم در برابر مشکلات است که نسبت بحضرتعالی با بیت حضرتعالی یا مسئولین و ارگانها دارندند از افراد حزب طرد شده رجوع میکنند ، بمسئولین اداری و قضایا برای هذب نیروهای خوب کمک میکنند .

مرتبات مسئولین دولتی و ارگانها از رده های بالا پائینی مرتباً مرجعه میکنند در هفتاد می فرستادند و نظارت مرا را اینک می‌شکستند و این یا موجب دلگیری میدادند و هکلی میگویند چون در آن محضرت امام نمی‌رسد و نمی‌شود این مشکلات را بجز این روش را برای ما میگوئیم و از سزاگویی فرودیم آیا بنظر حضرتعالی هم این مسئولین حتی بسیاری از مسئولین چه به چه و البته بنظر خدا انقلاب استند که می‌فرمودند چرا موضوعها می‌سازند ؟ یا واقعا حقوق مشکلات و گرفتاریها را که می‌کنند و نظایات مرا را اینک می‌کنند این هم وقت که منصرف رسیدگی مشکلات زندانیان و بستگان آنان و یاد دعوت دادستانها و زندانبانان و وضیعت زندگربانان میکنند و باز نرس زندانبانهای ایران و کشورهای فرستیم و بسیاری از بستگان و کماکان و افراد عزیز و در آنرا که آزاد کردیم بعقیده اکثر علاقه‌مندان حضرتعالی بزرگترین خدمت را بحضرتعالی کرده‌ام ، این کار که وظیفه شریفی است و قضایا و سرپرستی زندانبانهاست و این بدانند که اطلاع شورایی عالی قضایا و سازمان اطلاعات کشور از افراد زندانبانها از اطلاع بسیار کم است .

ظرفیت هم زندانبانهای کشور حدود دویست هزار نفر است در حدود یکم زندانبان ایران اعم از عادی و سیاسی و مواد مخدر حدود نود الی صد هزار نفر است یعنی تقریباً سه برابر ، امکانات غذائی و بهداشتی و دوائی بسیار کم ، امکانات آموزشی تقریباً هیچ و زندانبانها نوعاً افراد جاهل و یا ساده‌فکر و دارای عقده بودند که غرض از بخش دکترا منطبق دیگری نداستند ، و بالاخره زندانبانها در شرف انقضا بود که فرجه‌الت کردم و در امری گریز جلی لایحه تقدیم است و افراد دست و وارچان اسلحه لاجوردی منظر است تمام نظر بیت حضرتعالی است تا خوشنما را از سر گیرند و میگویند خوشنما نظر امام منظم است زیرا لاجوردی نمانند منظم بود و او این روش را می‌سندید .

ضمناً بدانند که افراد شن خسته شده و در درس ترمیناسی و علاقه‌مند بقبا و انقلاب همه متفقند که مصیبتی می‌نماید که ایماناً بعنوان تذکرات و کلاه ایمنی انتقاد است از من و باز نگومدن درد که خود است که می‌مردم و ارائه بعضی پیشنهادی که اصلاحی تدبیرش میشود عامر ماندن مردم در محبت و امیدوار کردن آنان است و میگویند اگر این محبت که نبود معلوم نبود چه می‌شد و عکس العمل مردم در برابر کجیها و سبدهای که نمی‌بینند چه بود و ضمناً اجمالاً نوعاً در مسئولین بالا نیست بلکه در کارمندان ادارات است که مردم با آنان سروکار دارند و برای رساندن تذکرات با آنان راهی خوشنما در رسانه‌های گروهی نیست .

۳۳ و اما س که نهضتها و سید مهدی که ستمی و فغانه بیوم و انبیا ستمی است :

اولاً ستمی نهضتها ای اسلامی در ایران یعنی تبلیغ انقلاب اسلامی در جهان و تقویت نیروهای انقلابی در کشور که شخص مغز و مردم محمد منتظی بودیم
 و مردم هم با عشق و علاقه با ستم نهضت که نگذردند و هنوز هم می کنند ، و بعضی ستمی از واجب و اجبات بوده و همت ،
 و بزرگترین خدمت را هم تا حال با سلام و انقلاب کرده است ، و در این میان وزارت خارجه ، ما فقط شعاع و درون را میدیدیم .
 در همین سال گذشته در افغانستان در امر جنگ داخلی بین گروه های مسلمان شیعیه سنی بدین ترتیب از سه هزار شیعیه کشته شد و کسی در ایران نجینید
 و همین نهضتها با نظارت مخفی گروهی را بعیت خیمه الامام آقای همدانی همان کلمه و علاقه و فعالیت در افغانستان فرستاد و آتش جنگ داخلی را خالوش کرد
 و در حدود هم آتش جنگ کردن گروهها و رهبران آنان استیم که در این جهت پناه و اطلاعات اتفاقاً با ما هم آتش جنگ است و لا تسافنه بعضی از کجای
 وزارت خارجه کارشکنی می کند و ما را می بیند و دست کلیم بنی شیعیه می خرابد و اتفاقاً برود آید ، نهضتها می دهند و درون و دراکس و در افغان
 استیلا و غیره و تا اندازه ای ستم سر بر روی این نهضتها است ، همین چند روزی که آقای حسینی بعون حضرت آقا از فغانه ستمی باز داشت ستم چند نفر
 جوان مصری که در کربلا محکوم با عداوت و چند نفر از ارتش که ستم کرده اند در ارتش فعالیت دین دارند بر سر آقای حسینی آمدند و بلا توجه با
 در قم غیبه طفه با آنان مذاکره کردم و گفتیم بفرماید آقای احمد حسینی با این همه توان خدمت و انقلاب در زندان جمهوری اسلامی است با تمام حالت نهضتها
 فعالیت همین نهضتها در دانشگاه های بیخبریم شعاع امام حسینی رهبر جهان اسلام میدهند و بناهای حضرت آقا را ترجمه و بخش میکنند و ما ستم می فرستند
 در قم که ما بنی غیبت امام خمینی بعدت کند فغانه از اینکه اصلاً امام خمینی نهضت که می اصلاح را جرم میدانند .
 و تا اینجا در زمان مردم محمد منتظی ای کلمات نهضت که وسیع بوده و مواد و اسلحه هم زیاد وجود داشت و جوانان با تمام آقای احمد حسینی فعالیت انقلابی
 از طرف مردم محمد منتظی خارج از کشور بود و مخلصان هم کار میکردند . و لا سزاوار است آن مردم که از کارهای انفجاری خبری نبودند و دستشان
 و حدود است ماه خبر آقای حسینی می رود نزد آقای فلاحتیان معاون آقای رهنمایی و مواد و اسلحه را که زیاد هم بوده با این توجه میدید و سید مهدی
 فقط با کارهای فرهنگی و تبلیغی در خارج اکتفا می کند فغانه هم با اجماع دادستان و کلمت و با اطلاع اطلاعات کشور بوده .
 و جانی که صد که کلو مواد وجود داشته صورت و بناه گرم مواد باقی مانده تا من از سابق جنس سیمای ستمی آید اطلاع هم فقط
 یک اطلاع می زبرایم فقط خود را دیده حالا بتعبیر اطلاعات و القاء در همه جوانان و حضرت آقا فغانه ستمی شد و انبیا ستمی ؟ غرض چه بوده ؟
 خدا میداند . اینکه یک نا جوان مردمی و به تعویذ راه می روند ؛ سپاه در وقت حج یک کار غلط نادر انجام میدهد
 و از سیمای که حدود هفتاد حج میبرد و بیرون بدون اطلاع آنان سوره استغاده میکنند بخوبی که در عربستان در وقت حج
 آبروی ایران و انقلاب را بردند و آقای کروبی ناچار شد از ملک فخر طلبه لطف کند ، لابد حضرت آقا ستمی آید .
 آن وقت در ۸۱ کشور بعضی زحمت راه می اندازند که خوب است بگوئیم از طرف سید مهدی که ستمی بوده ، و یک نفر از ستمی نفر
 افراد سپاهی که ستمی این کار غلط بوده اند آمدند و عرض و سخن گفت مسئول فر در سپاه اصرار میکند که بگوئیم از طرف سید مهدی
 که ستمی این کار انجام شد ، و در مجلس و هیئت دولت و مجامع دیگر هم منع کردند ، اینکه آنان که در سپاه این کار غلط را
 انجام داده اند در وقت حج آبروی ایران را بردند غیر قابل تعقیبند ، و آقای حسینی و سید مهدی که ستمی با بد تعقیب و ستمی که ستمی ؟ !

ص ۵

من برای حضرتعالی داستانی نقل کنم قطعاً یاد دارد که در حق آقای حاج مهدی ارباب صاحب عقل را با تمام زبانیاید دختر
 مسافر اصفهان و تبریز آن دختر بدار آورید و چند وقت در روی آن تبلیغ کرد و مردم آن آیه الله بر روی او ایمان آوردند
 حدود دو سال قبل آقای شیخ کی سلطان نائین اردستان بمن گفت می دانند آن دختر زن است و اهل منطقه ما است و اتفاقاً
 آن شب من فریمان هتل ام بوده است و کسی مرا هم اول وقت و همه این بازی را سر حدک گفته علیه ارباب راه انداخت
 و من احتمال میدهم آقای صاحبی هم که اهل آن منطقه هستند جریان را بدانند .

حضرت آقای ابوشریف هم در ارض اصفهان با مالک می کند و با آقای کاشی در این جهت همکاری دارد؛ می توانند از این نوا آید
 ۴۱ برگردیم بمسأله زندانها در تهران و کرج تنها حدود پانزده هزار زندانی سیاسی وجود داشت و فعلاً محدودتر شد هزار و سیصد
 البته جمعی در آن انحصار است آزاد شوند و از حدود پنجاه نفر میمانند نه چند صد نفر که در زمان حضرتعالی ذکر شد
 و اگر آنگاه آن دختران خریص و ضعیف و روان بودند که کلام با زبانت می نمودند و جزو یکم محضر که اول بار از طرفی در آن
 عالی کور بود بقیه هم با نظر دادستان و زندانبانان و اطلاعات و همدست چهار نفره بوده است در مجرای اقرار در زندان
 از افراد عنونی علمی که دوباره پیوسته اند بلکه پیوسته که اولاً چنین کمند و مانعاً نفعاً از آن می باشد که زندانبانان تمام شده
 و پیوستگی که می جدید هم اغلب در امر خود بد و طرد کردن و محروم کردن آنگاه از در نظر نگار و شنیده ای ابعاد علی است .

زندانی هم بالاخره بشر است و نان و زندگی و حیثیت می خواهد و با تشنگی نگاه می کند و می بیند و قهراً اگر و هر جا جذب می کنند
 و فعلاً توجه داشته باشند که ترور که واقعی که می خلقی اغلب بر طبق و همای اغراضی از عراق و ایران است نه آزاد شده که
 هنوز اطلاعات هم این را میداند، و اینها است که آن در ضمن نیت بعضی از مسئولین نگ می کند که وقایع را بنحوی که
 آینه و مطابق میسر خودی آن گزارش میدهند . و نگاه توجه داشته باشند که زندانبانان و عنو برای جزو اکثر قاری و
 خود کردن اعصاب چیزی نیست تنها تکلیف می بود و من در حضور فرزند حضرتعالی با شاستر کردم که در حالت در امور مطبوعه
 می پذیرم بشرط اینکه اگر گزارشی و چیزی علیه معذور رسید که وضع زندانبانان با اطلاع حضرتعالی رسانند قبل از تصمیم مرا بخوابید
 تا رفع شبهه نبوده خوب بردم می فرستید با اولاً حکم فرام را بمنزله اطلاع می فرستیدند با آقای حمیدی که آن این بر معذور است
 و من اصرار دارم تفویض حکم لغو می راکتی نباید و از خلاف میروم آقای تقیالدین در یک ساعت گفت و هم آن را تصدیق اند
 حالا عوارض و تبعات دستور جدیدی در قبال چه خواهد بود؟ آن هم مسأله است که جواب آن بهمه حضرتعالی است .

خوب فرصت آزادی با بیامی بوده رفتن روحانیون زندانبانان برای آموزش و یا محکومین با شکالات و جلوگیری از تدریس و فحشاء
 چه اشکال داشت که بطور ایالتی در دستور داده شده جلوگیری کنند؟ جز اینکه آنگاه من جلوه خلاف شرعی را در گذراندن هم تا اندازه ای
 و در عمل صحبت کردن با زندانبانان آنگاه را بجزمت عالی و انقلاب فوئیدی می کردند و سوره تبلیغاتی را نیز از منافعی می گفتند ؟
 اغراض بازرسی و نظیف حضرتعالی بوده است و من در حقیقت وظیفه حضرتعالی را انجام میدادم ، نمانده من که مراقب کار دادستانها و ما زود که
 و زندانبانان بود و از آنکه زندانبانان هم گزارش تهیه کرده آقای انصاری گفت با این است که مردمان معذور است و شنیده شد در این نهاد معین بوده است .

۵ نکته مهم اینهاست که فرضی که در زندان بودم منافقین را عذاب خدا قسم دریا فتم چه از نظر ایدئولوژی و چه از نظر اخلاق افراد خاسر خودخواه را است طلبی هستند و یکجور وجدان و عاطفه ندارند، ولذا در زندان و نه پس از آزادی با آنان اعتنائی نکردم و آنان را راه ندادم و لاسران آنان که خیلی کم هم بودند از جد آزادی بی‌سنا نهادن و از نگاهها و پهلوانی بلان بنیاد مستضعفین و اسلمه با دلگشاها و پیتر حمایت آیه الله طالقانی زینی صدر و دانشجویان خط امام و شخص فرزند حضرت عباس و بیت علی استفاده کردند و آنچه که می‌مصدق دل باخته اسلام را در اثر سادگی و خامی بدام انداختند و مخصوصاً دختران کم‌سابقه را یک روز فرزند منزل آقای زینی محرم سکونت حضرت علی عین‌الکرم تمامان در منزل حضرت علی از آنان حمایت میکرد فرمودید بوسه که؟

گفتم آقای احمدآقا و الان هم همان سران خاسر در عراق و اروپا تبلیغ و توطئه میکنند و تم که می‌ترور بداند کشور میفرستند و از اعداد آنها بی‌رویه سببی و بر خود که می‌تند داد ستانها و زندانبانها استفاده تبلیغاتی می‌کنند در صورتیکه اگر به تعلق زندانبانان بچم که می‌بازی خورده در حد سیمپات هستند که با بعضی از آنان در اثر خواندن یک اعلامیه گرفتار شده اند و در اول زودتا با لطف بودند و در رفتار تند و غلط با زوجه و زندانبانان آنان را سر موضع وارد کرده است.

حالا بقیه بقیه حضرت علی فرزند ام ساد و اندیشی و طوفان منافقین و عذابا حلال روی خنکار میکنند برای اینکه از دهن زندانبانها و رفتار با آنان اطلاع دارم و می‌بینم حمایت میدهند و شورای عالی قضائی که وظیفه دارد مابین دادند و ما جرات اقدام نبرد آیا میدانید در زندانبانهای جمهوری اسلامی بنام کلام جنایات شده که هرگز نظیر آن در رژیم مغربس رخ نکرده است؟

آیا میدانید علت زبانی زور شکنجه با زوجه می‌کردند؟ آیا میدانید در زندان سر در اثر نبودن نیز شک و ترسیدند زندانبانهای دختر جوان بعد از آنجا چار شدند حدود بیت و بیخ نفوذ خود را با اخراج تخم دان و مار هم ناقص کنند؟

آیا میدانید در زندان شیراز دخترهای روزه دار را با جرمی محقره بلافاصله پس از اخطار اعدام کردند؟

آیا میدانید در بعضی زندانبانهای جمهوری اسلامی دختران جوان را بنور لقصه کردند؟ آیا میدانید هنگام بازجویی دختران استعمال الفاظ رکیک ناموسی رایج است؟ آیا میدانید چه بسیارند زندانبانها که در اثر شکنجه‌های بی‌رویه کور یا کور با فلج یا مبتلا بود که می‌ترسند و کسکی بیداد آنان نمی‌رسد؟ آیا میدانید در بعضی از زندانبانهای حتی از غسل و نماز زندانبانها علنی می‌کردند؟

آیا میدانید در بعضی از زندانبانهای حتی از نوروز هم برای زندانبان دروغ داشتند این هم نمیکردند و روز و روز بلکه ماهها؟

آیا میدانید بر خود با زندانبانهای حتی پس از محکومیت فقط با خشم و کتک بوده؟ قطعاً حضرت علی خواهد گفت آنها دروغ است و فلازاده آن

۶ با اجازه حضرتعالی قدری هم از آنچه در فاریج زندانها میگذرد گزارش دهم :

آیا میدانید که مردم در آذربایجان و آنکهها و صفوف مرغ و تخم مرغ و سبزی و روغن بنایه و گزرت و اسبابها علناً بمسولین جمهوری اسلامی و حتی متصرفان بعضی حضرتعالی فحش میدهند؟ آیا میدانید و چنانچه در روایت در نظر مردم مورد ستف و واقع نیست؟ آیا میدانید مردم در عین حال که بنا بر جمعی آید و شعاع هم میدهند اگر آلمان ناراضند و بمسولین فحش میدهند؟ آیا می دانید در ادارات و وزارتخانه و متصرفان بعضی دادستانها و دادگاهها رشوه بداد میکنند؟

آیا میدانید زندهای کلان بارشوه و متصرفان و تلفن هتلی و کولون و لا زندهای کوچک تعقیب میشود؟ آیا میدانید از بس زدی و اختلاس و محضوفاً با لباس با مدار و کتبه زیاد مردم احساس اینست حالا و مال نمی کنند؟ آیا میدانید در فاریج کشور بیش از دو میلیون ایرانی آواره اند و بسیاری از دخترا ن بخت و وفود فریبی اقتاده اند و ایران و ایران را در فاریج به اعتبار کرده اند؟ آیا میدانید فقر و گران بود میکنند حقوق و در آمد دهان حقوق سابق و لا قیست اجناس ده برابر با قیمت برابر دولت در این صورت بر فقرا چه میکنند؟

آیا میدانید در جمهوری اسلام بر خلاف آنچه در وقت خواندیم نه جان مسلمان محترم است و نه مال او، قاضی حکم میکند مال او را بدهد چنانچه او را بدهد کسی گوش نمی کند مخصوصاً اگر در تصرف بنیادگی انقلاب باشد؟! و افراد سراسری عالی قضات کم از ترس یکدیگر و یا ترس از تلفنهای مقامات و یا جوسازیهایی غلط بر این هم خلاف شرعها بر مسلک است همه میکنند؟ آیا میدانید اعضاء شورای عالی قضات یکدیگر اعتماد ندارند و کتبه تفاهم میکنند و با اینکه اگر کار که معوق میانند و اقامت در صاجبه و شعاع خورد مردم میدهند؟ آیا میدانید اکثر قضات حزب دین سرد و مستعفی شده اند و افراد نامردان صفی

باج میمانند؟ آیا میدانید دار و از طرف دولت بدو افتاد آ داده میشود و لا نوعاً جواب از آن در تقابل رسیده که جواب است و همان دو اردت دست خردگانهی دوره گرد بچند برابر قیمت پیدا میورد و هم چندین بار از لوازم دیگر و لا کسی نیست از دست خردگانهی پیر سرد و دست دولت است توان را از کجا آورده ام؟! هر روز عدد دیگر میلیون جمعیت ایران سراغ دکتور و دار و در راه نگاه و بنایرتان میروند و اکثر آنها را حتی بر میگردند و دارایی نیست، این سرتور دیگر مربوط بچند نیست بلکه مربوط بصنف میر میرها و جز نامرئی است و فردا است که سرمایرتان است و قرآن را نمیدهد که از لذت و وفات جنایت

آیا میدانید نمود محرز در کشور بیدار میگذرد و اشخاص و زندانها و جزیره به امر است و غالباً معسولون فقر و بدبختی است سرتور و صن میگویم لازم است حضرتعالی در امر جاریه کشور و صیبه که فقط بگزاردنهای مسولین و بیت معظم قناعت نکنند. مسولین همی هم بیخاط خودی و هم بیخاط رعایت حال حضرتعالی عزیزها را میگویند و بدیهه را نمیگویند. لازم است افرادی عادی مورد وثوق که در میان ملت هستند نگاه گاهی بیایند و چرمانه بدون حضور اهدی و بدون ترس و داهم اوضاع کشور را هر چه گزارش کنند. و من خود شمتا من از این شیوه استفاده می کنم.

۷. بالجماع معذرت نامه بطوله انجامید و حضرت علی را خسته کردم لکن بعد از الصبح و ارتفاع الظلام و لم ادر الا کم قلت قلت .
 بلاخره با وضع فعلی ما چهارم از کارهای سیاسی کشور کنار نهادیم و بعد سر و کوفت طلبگی و کارهای عوزوی به سر درازیم
 بهمان نحوه که حضرت علی در ادراخ ما هر دو امین و بر وجودی عمل کردیم زیرا جفاقت با حضرت علی و نظام را صحتی نمی دانیم بلکه بر او ایمان
 در چهار جهت فعلی تأیید و همکاری را نیز با من به کارهای خلاف مشروع نمی دانیم بنا بر این تقاضای کم نمی کنیم که کارهای ارجح شود
 ضمناً و در وجه شریعی که از این بی‌کفایت حضرت علی تصرف می کنیم مگر اینکه صلاح نماند و بجز ابلاغ فرمائید .
 در خانه از باب انصاف لایحه الملمین نگاشته را مختصراً تذکر میدهم :

۱. عیند سالی است که محلاً اداره کشور و انقلاب را حضرت علی بر سر سرسره قوه و کفایت آنی هیچ احداث نکرده اند، و هم کارها را بر سر دست
 و تخصصی و غیر تخصصی را با ایشان صلاح بدانند و تخصص دهند، و در عین آن ایامی که در این وقت و زیر تسلیم ایشان خانه ای و کسبی و هیچ اظهارات
 و آقایان در بیلی هم اظهارت بله و بر خود نیت فقط نترسند و داد میزند که مخالفم و لایحه تمام جفاقت کنیم سر در حقیقت که نیز نصیب گیرنده اند
 در صورتیکه سایر مشکلات کشور محلی است که این سه نفر با مشکلات دیگری که دارند نمی توانند حق کنند، اصلاحات و آقایان و طرح
 سایر آقایان هنوز یکی از مشکلات کشور است، و دیگر نترسند و در آن ایام حقد و طاعت دادند که هم بر سیاسی نظامی و اقتصادی و فرهنگی کشور را
 بتوانند عمقا بررسی و معروض نمایند، و آقایان در هم سایر اظهار تخصص اند؟ در صورتیکه در کشور از یاد این مسدود هستند با تمام
 که برای حل مشکلات طرحها و نظایاتی دارند که لایحه نمی توانند و با می ترسند با آقایان اراده دهند و چهاره و غیره و فانی بر سر ندارند
 مزیم با هم گفتارها را اگر در میان خود می بینند با آقایان بر او هم شرم و مطالبی را مطرح کنیم یا طوفان میرودند یا عهد میدهند و عمل میکنند
 و یا قورالزندان حضرت علی استعاده عقود که امام با این مطلب مخالفند، بلاخره این آقایان هر کدام با همدین مسوولیت سنگینی می توانند هم
 سایر طرحها و برنامه‌ها را بر سر بکشند و بقیه بنظر کشور در سر رسیدن عواید و مردم هم اکثر آنرا راهی، سابقاً تر بحقیقتاً بیستها در مردم ده الا
 پانزده نفر افراد غیرت علم و تخصص در ادب سیاسی و نظامی و اقتصادی بی نام و نشان در پشت میز باشند که هم سایر مشکلات استاره علمای
 بررسی نمایند و طرحهای متقن در دستهای مختلف تهیه کنند و پس از آنکه بحقیقتاً تا لغت اجرا شود و این امر در دنیا معمول است و در
 مشکلات را نیز حضرت علی از آنان بخوابید آنها باید کارهای جز این نمی دانسته باشند و لاگ انتخاب این نیز لیاقت و عقود و تخصص باشد فقط با یکی
 ۲. حدود است سال است با عشونت و اعدام زیاد و باز در نیت زیاد و مصدوره کمی ایما حکومت کردم و بجای ترسیدیم، بی غیره اگر من
 پس از فتح مکه مردم مکه فرود: «یا معاشر قریش ما ترون الی فاعلم علی؟ قالوا: غیراً، ای کریم و امین ای کریم، قال: اذهبوا فانتم الطلقاء»
 و حتی ابوعبیدان و همد و وحشی تا سر حمزه مورد عقوبت واقع شدند و از غنای همین آنان را بهره مندرست جنت، فرخی نمی گویم سران تا نایقین مورد عقود
 واقع شدند و یک مدتی به غیر پانزده سال فقام را اعلام یا حبس ابد یا یک بدبختی را نند و سادک یا باغبانان یا اشراف حتی خانه نشین
 ادراک بگرییم، و با شش هزار باغ تهران و عواید را صادره یا توقیف کنیم و در اثر اقبال کاری بخشگالیتم و صاحب باغ یا عرب و جنت و باغین یا بار
 در راه و یا چاقو و تکیه نظریه لایحه کند و تنها کسی که از این صادره که بهره برد دستضعیفی بودند
 بسیار از و هایشون و آفرنده حتی آنان که با حق تلف قولاً می کردند باید احوال پرسی و تلقین و یا که تا بر عهد بنده و در رفتن بانان جز غلطی
 آنان اثری نخواهد داشت .

۳. بچه های گیتیه با هم اخلاص من ترغیب احسان و نندند سعی نمود آنانی که بعنوان منکرات و حجاب و ایمان ذلک با مردم بر فرود دارند
 افراد روان شفا معانی تسلیم دین دستور باشند فاعلم منکر از فرعون برتر نیت و خداوند فرود و قولاً قولاً لیتنا لکنه تید کر او وحشی .

ص ۹

۵ از هم ارکان صغیر و داغون تر تشکیل قضا است در حدودی که لازم است از هم ارکان قوی تر باشد البته آنان مسکلات قانونی دارند و سفارشی و تلقین هم مانع تصمیم و کارزار است و لذا تا اعضاء شوروی هم فکر نمیکند و نوعاً تفاهم ندارند و احتمالاً با شوروی تصمیم گیری کمتر میسر است، حضرت امیرالمؤمنین (ع) مطابق نقل آمدی فرمودند: «الشركة في الملك تورث الا الاضطراب» و اعضاء شوروی از غذا با آتر نیستند و غذا و نسیف میاید: «لو كان فيها الله الا الله لغدا» قضاة و دادستانهای فارس و با صغیر که کم نیستند مردم را بسوء آورده اند و در زمان حه اولاس و الا بر سر آنان مسلط بود و با وضع فعلی و بر ضرورت کمی بدی که مرده افراد عالم غیب جذب نمی شوند. و اصلاح این امر نیاز به حکم ولایتی قاطعانه دارد که بگردد تا یکی دو سال تأسیس اصلاح تشکیل است شود و لو با دیگران صورت کند اما حق تصمیم نهایی بدون حضور و با او باشد، و بنظر میسر باز هم آقای موسوی اردبیلی خیر الموجهین است بشرط اینکه اعتبار تمام با و داده شود و هر روز با تلقین تحت قر و وارنگردد.

۶ انتاب افراد برای پنهان ساختن نوعاً تابع عواطف و با نندمازی و رضی با زسی و مهره بودن است نه تابع عقل و لیاقت و کفایت طرف و این امر خطرناک است باید فکری کرد، و در سئل احمد بن الحکام: «ما بال انصار اجتمعوا و لم یسألوا؟» فقال: «لانهم اسعولوا اصاغر العمال على اصاعظم الاعمال فلم یخرجوا من عندنا، و اسعولوا اصاعظم العمال على اصاعر الاعمال فلم یعنوا علیها فغادونا و ماتهم الا اذاتهم و نظا مهم الا البقات»

۷ ما که جنگیم از سائل ساسی کور است و اجملاً وضع حزب نیست و بین از هم کار که بخصوص و برنامهریزی داشته باشد نیاز دارد، و رقابت و تضاد بین ارتش و پیمانه نیز روز بروز عمیقتر می شود و خطرناک است.

۸ مسئولین و رسانه های گروهی سفارشی فرمایند حتی المقدور از دروغ گفتن در گزارشها و خبرها و وعده که بپذیرند که مردم نوعاً میفهمند و برای جمهوری اسلامی شکست است.

در خانه آقایین گزارشی را که آقای سید محمدی که قسمی از انضباط و تساهل بود جوفا ارسال می نمود ما نمونه که از جریمه انضباط را اطلاع فرمائید، و از آنکه در این نامه هرچیز با حضرتین لا سخن گفتم معذرت می خواهم فرط جفا و عریضه الایه بوده و استم، سلامت و طول عمر و موفقیت حضرتین را در همه زمینه که از فدای بزرگ ما است می خواهم جلبت در دعا اقتدا می کنم که خدا یا خدا یا تا انقلاب مهدی عینی را انگذارد و اسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



۱۳۶۵/۷/۱۷

مؤسسه تحقیقاتی انتشاراتی :

نهضت جهانی اسلام



شماره :

تاریخ :

پیوست :

۱

محضر مبارک نعتیه مایعده حضرت آیه الله العظمی منتظر دامت ایامه

بیتلام

با استیلا حضرتک بطور ستر در جریان گزارش عملکرد بانضت ها و حاکمیت ها اسلام بوده اید
وله نظریه ضرورت استحضار و اطلاع کامله همراه با جمع نبر گزارش ها در قبلی مراتب
زیر مجددا با اطلاع حضرتک می رسد :

۱- فلسطین -

از آنجا که روند پیروزی روزی مسلمانان بر سبب شطرنج عراق تقدیم است بر آزادی قدس عزیز
و امام امت بارها تاکید فرموده اند که برای آزادی قدس از کربلا باید گذشت از این دو منظر
می رسد لفظ اسید و اعتماد در بین مسلمانان زجر کشید. فلسطین یکی از اهرک است که می تواند
استفاده پس از سقوط صدام زمینه بارزه با اشغالگران قدس را فراهم سازد.
لذا سر در برابر جریحه سازمان آزادی بخش فلسطین به نیت انجاسید و معلوم است اعتماد بر
نیروهای چپ و راست و ملی گرا و اصولگرا افراد غیر مستعد مبانی اسلامی جز حشران اثری
نداشته و ندارد برادران ما همواره می بایست داشته اند تا رابطه خویش را با نیروی مستعد
اسلام در فلسطین تقویت نمایند.

از این جهت با تمدن فرزندان مجموعه های را کشف کردیم که می توان گفت مجذوب به ضد ما اسلام عزیز
و انقداب اولی اند و خود نیز سقده به مخالفت های فاضل اهلدی بدو از معادله شرق و غرب
می باشند مانند :

مؤسسه تحقیقاتی انتشاراتی :

نهضت جهانی اسلام



مجلس شورای اسلامی ایران

بسمه تعالی

شماره :

تاریخ :

پیوست :

الف - آقای شیخ ^{سید} ابوحنیفه التیمی که سابقاً امام جماعت مسجد اقصی و ضیاع لاهم محمد در اردن و هم اکنون با جمعی از روحانیون فلسطینی و اردنی به کارهای تعلیم و تربیت طلب و فضائل صی صند هیونیست اشتغال دارد .
 قماً بنظر دارد که در رابطه با همین مجموعه از طلب و معنای فلسطینی ، اندیشه تائیس در فلسطین و فلسطین در ایران را هفتاد و شش صفحه فرمودید .

ب - آقای میرزاغین بابک محمود از جوانان تدریس فلسطینی که مدبر غمناک تها عروقات و دیگر ضیاع صی ناسالم ارادت و استعدا دوزین مقام رجوی نه تذب و جمهور اکبری را حفظ کرده اند .

ج - آقای بشیرم بابک محمود سزده از جوانان مسلمان فلسطینی که در سرزمینی عاشقانه و شعر به فضائل اشتغال دارند و از بس با ایران و انقلاب اسلام عشق میورزند در جماع اهل سنت به تشیع نسبت داده میشوند . محمد الطلیفه ابراهیم بهترین نمودار تفکر و اندیشه های ایانت که با مکتب صرفاً تائیس در راه انداز شد و در انر کبود هزینه قطع شد .

د - آقای شیخ ابراهیم غنیم که از علمای عارف فلسطینی و از بی حدین سرود آند ارادت و کلیه مجموعه از جوانان رزنده فلسطینی را سمت نظر دارد . از صاب ۷۱۰۰ و استجابات دفتر مکتوب است یعنی با بیان صدرت گرفت . در این رابطه سخن آقای سید میرزا طلبی که از مرآت اینها دیدن کرد بود شنیدنی است : « با نگاه برادران در بوط به شیخ ابراهیم غنیم از چنان فضای دین و عرفانی برخوردار بود که ایشان را میاد مدرسه فیضیه بی نرازد »

در فتمه فضائل ما با این مجموعه ها عبیت بود از کفزه کنوی - انتقال تجربیات

انفذب و مکتب طرانال تهران - ناوران صندوق پستی ۱۹۵۷۵/۵۶۹ ویسی میله با برنامه حاد دولت

مؤسسه تحقیقاتی انتشاراتی :

نهضت جهانی اسلام



مجلس شورای اسلامی ایران

بسمه تعالی

شماره :

تاریخ :

پیوست :

۳

تفاضل نداشته باشد .

۲- مصر - در این کشور با اطلاع آنکه از انحراف اخوان المسلمین از سیر اصلی نقد و از دور اول تدبیر سیریم با نیردهای تدبیریکه پس از بروز نقد در ایران، جذب وقت اسلامی شده است تماس برقراریم . لذا با تحمل مشکلات طاقت فرسا به مجموعه‌ها زیر دست یا نسیم :

الف : محمود المحمّد والدلوی که مهدای باین نام منتشر می‌کنند و از مسرعات فاشیست ترقیف و مبدد و بکار خود ادا میدهند . این عده که از بهترین و سخاوت‌ترین جوانان مصر هستند و در اولی با سرزمین‌ها نیندی نیز دارند مخطا ام و نقد اسلام بسیار نزدیک بود . و در امت عم افکار اسلامی در جامعه مصر نقش بارز داشته اند .

ب : سازمان مجاهدین . رابطه با این مجاهد از آنجا آغاز شد که در یکی از ملاقات‌ها با ایشان با حضرت امام در شیم و سلمه در جمع شورای فرماندهی سپاه عتبت می‌نمودند . گفتند : در مورد صدور نقد باید خیلی محتاط باشیم که آبرور جمهوری اسلامی نرود ولی حینا نمی‌دوخته‌ای از جهنم در یکی از کشورها دیدیم که میتوان یک طاغوت را سرنگون کرد بکنید لذا قبل از قتل‌سازات با این برادران مربوط شدیم و همکد از جریان یقیم گیری آنان مطلع شدیم با یعنی پول بر آران ز شدیم و از آن دست طبع این عزیزان لقب کردیم هنگامی که پول‌ها را عورت داده و حفظ از ما خواستند که حضرت امام و فقید عالم‌القدر بر ما مادم‌عاند . پس از منقضیت در حدیث که با سخن حضرت امام تطبیق دیت گزارش من معضل آن را که تحت بدست حرم ایدکم و اسمیانی ضایع آنی ضایع رسیده بود ایشان نزد انجمن نب اراک ^ع داشتند خدمت حضرت امام و جناب ^ع تقدیم نمودم

مؤسسه تحقیقاتی انتشاراتی :

نهضت جهانی اسلام



مجلس شورای اسلامی ایران

بسمه تعالی

شماره :

تاریخ :

پیوست :

۴

کینی از برادران مجاهد اسلامی بنام محمد لاهوتی صادر کرد از دوستان نزدیک فاضل اسلامبولی
 بوده و اکنون در ایران بسر میبرد چنین گفت :
 در ماه جمادی سابع اولین در انعقاد مسر به یک سو بود ای بر فروریع و آن انگلی مردم
 مصر آن بقصد اطاعت شرعی که مردم شیعه نسبت بر اجماع تعلیه خود دارند، نگذاشته و
 خود را ملزم به اطاعت از علمای ما نمیدانند»

افتکار این برادران با اندازه به تسبیح نزدیک است که تلفیت :
 در ماه محرم شرعی خود این فکر را طرح نموده ایم که هزینه نهایی و از دور تقیه تسبیح را
 بپذیریم تا زمینه این اندیشه در کل سازمان آماده شده و انشاء الله آن حضرت
 امام غایبده ای تسبیح فرمودند با این نسبت کرده و همان معادله اکتیه انعقاد
 را در ایران پیروز کرد ، در مصر بر تکرار نسیم

همین آتای محمد لاهوتی در حینه روزگاری در منزل ما بود و متب تحریر رسید حضرت امام را
 مطالعه میکرد وقتی در سبیل نماز و طهارت لبق نفعه شیعه عمل میکرد .

گفته ما با این برادران مقیاس بر یول و انتقال تجارب با نزات ایران در زمان شاه
 بوده و محضرت نسبت به برادران رابطه با نزات در مصر با علمای مصر و مقام رهبری
 در ایران ، گفتار گسترش یافته با آن عزیزم .

۳- عراق - در آنوقت بدین اطمینان که از منعمیت گروه های عراقی در ششم پس از پیروزی
 انعقاد در ایران با حکام و محضرت برادریه چه اندکم محمد منتظری بر آن ندیم تا از راه دیگر
 به تکلیف نیرودها برودیم و لذا جنبه طرح زیر مورد توجه قرار گرفت :

مؤسسه تحقیقاتی انتشاراتی :

نهضت جهانی اسلام



مجلس شورای اسلامی ایران

بسمه تعالی

شماره :

تاریخ :

پیوست :

۵

الف - تکلیف جریان علانی بنام مجامع العلماء که آن زمان از حیره‌های نیرو تکلیف شروع بود :
 حجه‌الکدوم و السین آقا سید باقر حکیم - حجه‌الکدوم و السین آقا سید محمود حسینی و حجه‌الکدوم سید محمد تقی
 مددک و حجه‌الکدوم آقا شیخ محمد آصفی و حیدر نوری
 همین طرح در نهایت به تکلیف مجلس عباد منتهی شد .

ب - تا پیش یک شش‌ماهگی مشکل از نیروها و اسبته برقم آیه‌الکرمه صدر - حزب الله و
 منطقه الملل و حمایت آقا حکیم و عده‌ای از مسلمانان کرد عراقی .

هم‌اکنون نیز رابطه‌ها نزدیک با طردب تقدیم و با ندراتی و گروه‌ها می‌باشد آن درشته و
 مگر زیادتی در زمینه حضور آنان در جهات جبهه ایران و عراق از نیرو و ذرات آن
 آنان به بعضی عراق از سر دیگر با این ن‌مورد .

طرحی که اخیراً توسط بعضی فضاخرای مطرح شده و در تقصیر برادران ما نیز قرار گرفته است که
 خارج از چهارچوب هر گروهی و تشکیل جریان رابطه با وجهت درجه‌ای و نسبت
 آن پس از متوسط مدام از هر کار مهم برود و تنها از این طریق می‌توان زمینه‌های
 حکومت آهنگر عراق را برکنار نمود .

۴ - افغانستان - در رابطه با این کشور کارها زیاد انجام گرفته که آخرین آن سند صلح و
 آتش بس بین مردم سلیمه و تعدادین صفوت امام بود . چنانچه که حضرت کج در جریان بوده‌اید
 دست‌ها رفتند در شرق و غرب و ساده‌لوحی کرده‌ها جنگ خانانوزد نفسی را بین
 سلیمه و سلیمه راه انداخت که در طول سال گذشته همین‌گونه هزار نفر جوان سلیمه
 کشته شد تا آنکه به دستور صفوت کج همین بلندیا به از علمای افغانستان به سرپرستی

مؤسسه تحقیقاتی انتشاراتی :

نهضت جهانی اسلام



مجلس شورای اسلامی ایران

بسمه تعالی

شماره :

تاریخ :

پیوست :

۴

آقای جوهری بمیزان حکم شریع به انفاستان رفته و در طول چند ماه فاسیت طفت
فرسا با همه خطرات صافی که در بر داشت سرچ و فریزی را شوقف و صانت تعام و
صیح را در نطق سینه زمین انفاستان برترار ختند .

البته ایادرکن حواره به نته لرنشوند و بیم آن یروکه اثر اقدامات دیری مدت
نیکرد مجدداً آتسن جت در رضی را سستل سازند .

در رابطه با انزام هیت ها صحتی لازم با برام ستم حجه اسلام اسلامی فبا آقای خاندانی
و آقایان ولایتی وزیر امور خدیه و آقای خاتمی وزیر ایشاد و برادران سیاه و طهت
صحت رفت و دایمده نیز هرگونه اقدام دیری انفا را با جماعتی دوت صحت
می پذیرد .

نیازی به تذکر ندارد که جاذبه ولایت فقیه در مجتیب در بیان مردم سینه انفاستان
براتب از عدله مردم ایران بیشتر بوده و مردم ستمیده آندبار در رابطه با
امرو صحت آمانده هرگونه فداکار در شغال دشمنان آلم را دارند تا آنجا که یک
ایرانی عادی هکند با انفاستان می رود مردم ، اند اما هزاره بادلقرام ندرت
و در را مجلس می نند .

روسیه و دولت سبیل نیز از این اعقاد و لقب منت بمران است و یک هیچ راه دیرمر جز برای
صحت در رضی و انصاف مردم از جت با روسیه را ندارد .

۵- هاشن - در انکیود نظر بر وجود خفقان شدید اسکان ارتباط سقیم با مردم وجود ندارد
ولذا در رابطه با علاده بر داکوین و اسامی یک در دانشگا چهاروات و بلو یک مجتیب

مؤسسه تحقیقاتی انتشاراتی :

نهضت جهانی اسلام



مجلس شورای اسلامی ایران

بسمه تعالی

شماره :

تاریخ :

پیوست :

۷

شکفتال دارند با عدم اذیت از ائمه جماعت و ائمه است که نسبت به تدریس علوم اسلامی در دست‌نشان مغرب در بلوک شکفتال دارند .

عجیب‌ها را که ما می‌بینیم از جمله اسلام نیز که از گروه‌ها نسبتاً متدین و نزدیک به عقیده اسلامی است از یک‌طرف و از طرف دیگر ما می‌بینیم شده اند . در میان علمای بزرگ و ائمه است که در خارج از آن کشور زنده می‌کنند و تاکنون چند بار با ایران آمده و زیارت جناب نیز نایل گشته اند ، جو تفسیر و نزدیک به اهل بیت زیاد است تا آنجا که برادر اولین بار از مدرسین فکر است دست جمعی علمای اهل سنت را با حضرت امام بنیاد شد که نظر بر آنی که در کار بود انجام گرفت .

یکی از همین علمای اظهار ریخت « من در مجموع بررسی‌ها و فقهی خود باین نتیجه رسیده‌ام که در میان مذاهب اسلامی ، تسبیح تنها مذهبی است که می‌تواند در مقابل طوائف لبنان سکنت فکرات را تغذیه و رجری نماید »

همین شخص آچنان سینه اهل بیت بود که در مراسم برگزیده‌ای یکی از حضار علمیه بر او عم رضانیان در این جهت در صحبت‌ها چنان می‌گفت که برابر حضار صبه شکفتال انگیز بود . همین‌ها عالم‌سنی در اثر آشناسدن با سابقه عقیده اسلامی در ایران و تجاری که با دست‌نقل گشته بود با تخریب با ترمید سؤال نمود من آماده‌ام تسبیح خویش را اعلام کنم هر چند جو متبعین اهل سنت اقتضا و آن را ندارد . که من باریان مغارث کردم تقیه کند . نام این شخص آتای شیخ العین است .

مؤسسه تحقیقاتی انتشاراتی :

نهضت جهانی اسلام



مجلس شورای اسلامی ایران

بسمه تعالی

شماره :

تاریخ :

پیوست :

۸

دربسیار از شور و زور ماند ترکیه که هم در این برادران دم سینه ن جریان عداوت با نفی
 شدیدیست و کشور پاکستان ، تونس و بلژیک و آتریش و سوئدوی ،
 سایر بیار از سنای وجود دارد که بخاطر دور از اطاله کلام صرف نظر کرده
 و به نتایج اقداتی که تاکنون انجام گرفته - میپردازیم :

۱ - نظر بانگید عداوت نظمی و کامیابی نه در صلاحیت ما بوده و نه در توانان سیاسی شده
 درخواست هر نظمی برادران نهضت را راست به سیاه با سرداران ارجاع داده و کویله
 دخالت در آن ننماییم و لذا عمده ترین نالیست ما را تربیت نیروی سنان نهضت
 و آشناسختن آنان با مبانی اسلام و شیخ تشکیل میدهد که در نتیجه نتایج چندگانه
 در بر داشته است مانند :

الف : شخص شدن صف نیروها نمیکند و با بنیزه اسلامی و انجام وظیفه شخصی دست باز نه با
 استکبار و کفر هجرت زده با نبردهای ناخالص و ناسالم که به با با تظاهر با اسلام و نفی
 ملامت خود را ترویج می کنند .

ب : با بد بردن سطح آگاهی برادران نهضت مانند به جوها که میگردانند و هر گوی
 دشمن در اذهان همایان ایجاد میکند و در این رابطه تاکنون سوسیت هر گونی
 زیادی را از ذهن آنان زدود ایم .

ج : رسیدار زنگه دشمن آنان در قبال شکلاتیکه جمهوری اسلامی دارد و به با مدجب
 به امتیانی و سر بر خود شیرد . ما در روابطمان با جنبش ها ، دناغ از فشارهای اهل

مؤسسه تحقیقاتی انتشاراتی :

نهضت جهانی اسلام



مجلس شورای اسلامی

بسمه تعالی

شماره :

تاریخ :

پیوست :

۹

انقلاب اسر و حفظ امامت و ولایت را وظیفه اصلی خود دانسته دسویتم تا اعتماد آنان با ایران
سلب نگرود .

د - با اعتقاد باینکه تنها با سکه وعدهت نظای بناید نهتدب هبانه نرود ، ماسی کرده ام
نهضت هارا از صالت یک بعدی خارج کرده و بانان بعضا نیم مدت طوق آید ضرورت
و نیاز به کارها نظای وجود ندارد ، سر ببت نبردهای مرمز را شناسا سخن آنان
به فن بارزه فخر براسی تغلرات دانزیده نهتدب اسر ، هم ترین وظیفه نرود آنانست

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
سید محمد خاتمی

پیوست شماره ۱۴۴: مربوط به صفحات ۶۰۹ و ۶۱۷

نامه معظم له به امام خمینی مبنی بر متفاوت بودن اهداف مسئولین وزارت اطلاعات با هدف ایشان

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام

۱ - آنچه حضرتعالی درصدد آن بودید با حرکتی که توسط مسئولین اطلاعات انجام شده و می شود تفاوت بسیاری دارد. رسیدگی به اتهامات آقای سید مهدی هاشمی که نظر حضرتعالی بود چه ربطی با حمله به موسسه انتشاراتی نهضت جهانی اسلام و غارت اثاث و اموال شخصی آن و حمله به خانه های زیادی در تهران و قم و اصفهان و دستگیری افراد معلول و مجروح جنگ تحمیلی و هتک خانواده ها و بازداشت نماینده مجلس شورا و حمله به کتابخانه سیاسی که زیر نظر اینجانب اداره می شود و بارها مورد حملات تبلیغی رادیوی منافقین واقع شده و دستگیری آقای محمودی یکی از متصدیان با وضع بدی که تصادفاً مرگ مادرش را به دنبال داشت می تواند داشته باشد. و از طرف دیگر ایجاد وحشت در محیط قم و مدارس که زیر نظر اینجانب اداره می شود و پخش شایعه های بی اساس و القاء کلمات تفرقه آمیز و مطرح کردن وجود تضاد و تقابل بین حضرتعالی و اینجانب بین طلاب که گویا در این میان عناصری وجود دارند که به دنبال مسائلی دیگر غیر از آنچه حضرتعالی درصدد آن بودید می باشند، و به نظر می رسد توطئه ای عظیم در شرف تکوین است که هدف آن از طرفی القاء تضاد بین حضرتعالی و اینجانب العیاذ بالله و از طرف دیگر هتک بیت من و آنچه به من منتسب است می باشد، و در برخوردها همه این امور را به فرمان حضرتعالی نسبت می دهند.

۲ - در اطلاعات به بعضی از افراد احضار شده که آزاد شده اند گفته شده ما می خواهیم بیت فلانی را تطهیر کنیم و فلانی چه حقی دارد در زمان حضرت امام در کارهای کشور دخالت و اظهار نظر نماید. من خود آقای ری شهری را به چیزی متهم نمی کنم ولی می ترسم در اطلاعات خطی باشد که بخواهند به نام حضرتعالی

کارهایی را انجام دهند که عاقبت آن جز ضربه زدن به انقلاب و حضرت‌عالی و تصفیه حساب اینجانب نباشد. حضرت‌عالی فرمودید که به خاطر حفظ من دستور اقدام داده اید ولی جو ایجاد شده این است که جمعیتی خطرناک و جاسوس و آدم کش و تروریست و از جمله آنان رئیس دفتر و داماد و فرزند من که نمونه عملشان حادثه ناگوار حجاج امسال است دور فلانی جمع شده اند، و حوزه علمیه قم در دریای شایعات عجیب و غریب شناور است و دشمن هم در پشت صحنه مشغول فعالیت و رادیوهای بیگانه هم شایعات بی اساس به ضرر همه پخش می کنند، و این‌ها همه نتیجه بد عمل کردن مسئولین است. البته من شخصاً در برابر ارزش‌های اسلامی و انقلاب ارزشی ندارم و مانعی ندارد فدا شوم ولی جو موجود به اصل انقلاب و روحانیت ضربه می زند.

۳ - من وقتی که دیدم از طرف اطلاعات یک حرکت تند کاملاً متضاد با نظر حضرت‌عالی شروع شده و دست به دستگیری‌های بی رویه و بی اساس زده اند و خانواده‌های آنان متوقعانه به طرف من متوجه شده اند چند روزی ناچار به ترک ملاقات شدم تا از فشار در امان باشم و در آخرین روز درس نیز صحبت‌هایی مبنی بر دامن نزدن به اختلافات و شرح آثار شوم آن برای اسلام و انقلاب و جبهه‌ها کردم، ولی با موجی که با پخش خبر مسائل اخیر توسط رادیوهای بیگانه و انتشار اعلامیه‌های گوناگون که بسا عناصر ضدانقلاب و یا لاقابل‌نپخته و تند در آن‌ها دست دارند در کشور و بخصوص در قم به وجود آمده عاقبت کار معلوم نیست به کجا می انجامد، و از قرار اظهارات آقای طاهری در اصفهان آتشی روشن شده که خطرناک است؛ عده ای به نماز جمعه فحش می دهند، عده ای خون شمس آبادی را مطرح می کنند، عده ای از جبهه‌ها برگشته و دلسرد شده اند، و بالاخره فتنه ای در حال گسترش است که به نظر می رسد جز با تصمیم و دستور حضرت‌عالی رفع نمی شود، و عمل به دستور حضرت‌عالی که به منظور خدمت به اینجانب بوده هرگز نیازی به این روش تند و خام نداشت.

والسلام علیکم و الامر امرکم

۶۵/۸/۲ - حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
حضرت مبارک حضرت آیت الله العظمی امام عینی منظره العالی

پس از سلام ۱ آنچه حضرتعالی در همدان بودید باو کلی که توسط مسئولین اطلاع انجام شد و میزبانان بسیار دادند .
رسیده با آنها مات آقای سید محمدی که کسی که نظر حضرتعالی بود چه ربطی با جمله به موسسه امت را آنحضرت علی السلام و غارت آنها
و اسرار شخصی آن حکام که کسی زیاد در تهران و قم و اهلبیان و دستگیری افراد معلول و مجموع جنگ محلی و جنگ خانواده که باز داشت نماند
مجلس شورای و علم کبایه که بسیار که زیر نظر این جانب اداره میگرد و بار که مورد عجلت تبلیغی را در این مناقضات واقع شد و دستگیری آقای محمودی
یکی از مسدودان با وضع بدین که تصادفاً مرکز مازندران را بدینال درشت می توانند آنگاه با آمد . و از طرف دیگر ایجاد وحدت در محیط قم و درباری
که زیر نظر این جانب اداره میگرد و شخص سید که می باشد اسرار و القای کلمات تفرقه آرزو و مطاع کردن بعد تصادفاً در این جانبین طلاب
که گوید در این میان غنا صوری وجود دارند که بدینال اسرار یکی دیگر فیروز از آنحضرتعالی در همدان بودید می مانند و بنظر می رسد که طوطی این عظیم در شرف
تکلیف است که طرف آن از طرف القای تصادفاً و در این جانبین حضرتعالی و این جانبین العباد را به و از طرف دیگر جنگ بیت عز و انجیل بجز غیب است که
در بر فردی هم این امر را بفرمان حضرتعالی نسبت می دهند .

۲ در اطلاعات به بعضی از افراد احضار شده که آزاد شده است گفته شد ما می خواهیم بیت ظلال الظهور کنیم و طلال چه جمع دارد در زمان حضرت
الامام در کارهای کشور و خالصت و انظار نظر نماید . فرموده آقای سید محمدی را به عینی تمام نمی کنم ولی می ترسم در اطلاعات خطی که می کند که نخواهد تمام
کار که در انجام دهند که عاقبت آن جز فرزند زدن با انقلاب و حضرتعالی و تصدیق به این جانب نماند . حضرتعالی فرمودید که با حفظ فرستاد
اقدام داده و بدو اجازه می دادند این است که بعضی عظیم ناک و با اسرار و آدم کشی در دولت و از جمله آنان در این فترت و ماد و فرزند که نمی توانست
عادت ناک و ارجح سال است در طلال جمع شده اند ، و عوزه علیه قم در درباری بیعتات عجیب و غریب شناسا و دست و دامن هم در بیعت همه مشغول بیعت
و در ادب که می دانند هم بیعت با اسرار بفر هم پیش می کنند ، و اینها همه نتیجه بدعمل کردن مسئولین است . البته فرستاد در برابر از نهان اسرار و انقلاب
از زمین ندرام و مانع فرستاد و اسرار و طلال و با همه انقلاب و عاقبت ضرب میزند .

۳ سزا و قتل که دیدم از طرف اطلاعات یک حرکت تند گامی که تصادفاً با نظر حضرتعالی شروع شد و دست به دستگیری های بی رویه و با اسرار زده اند و خانواده های
متوجه با نظر فرستاده شده و چند روزی ناچار بزرگ اطلاعات مردم تا از طرف اردان باکم در آفرین روز و در این نیز همیست که همین برد از نزدن
با اختلافات و شرح آن اسرار انقلاب و جهیده که کردم ولی با موعی که ناچسب خبر ما نیز از نظر متوسط را در کمی بیگانه و انتقار اعلامیه ای
نویسندگان که با عناصر ضد انقلاب و با لایحه پیچیده و تند در آنها دست دارند در کشور و بخصوص در قم وجود آمده عاقبت کار معلوم نیست لاجرم انجام
و از قرار آنها است آقای طاهری در اهلبیان آنکس روشن شده که خط ناک است نقطه ای ساز جمع می بردند ، عقده ای هفت شمس را در این را مطاع می کنند .
عقده ای زجهیده که بر گشته و در اهلبیان اند ، و با لایحه فتنه ای در گسترش است که بنظر می رسد جو باصمیمیت دستور حضرتعالی وضع نموده . و علم دستور حضرتعالی
که بنظر و خدمت باین جانب بوده اگر سزا به این روش سزا و فام ندر است و اسلام علیکم و الا و احکم ۵۵ / ۸۱۲



پیوست شماره ۱۴۵: مربوط به صفحه ۶۰۹

نامه معظم له به امام خمینی در ارتباط با عملکرد ناپسند وزارت اطلاعات و بازداشت و زیر سؤال بردن نیروهای انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مقدس آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام و تحیت و دعا برای سلامت و طول عمر و توفیق بیشتر حضرتعالی بعرض می‌رساند: بنا داشتم یکباره سکوت کنم و هر چه بادا باد تسلیم قضاء و قدر حق مطلق شوم، ولی در اثر ناراحتی قهری و ابتلا به بی‌خوابی و تشمت افکار تحت فشار روحی قرار گرفتم، و چاره‌ای جز توسل به نوشتن نامه ندیدم، و می‌بخشید که باز ناچارم بی‌پرده و باصراحت با حضرتعالی سخن بگویم؛ فرضاً من و امثال من نسبت به سید مهدی در اشتباه بودیم، ما مدعی عصمت نیستیم و «کفی المران بلا ان تعد معائبه».

یاد دارم حضرتعالی حدود بیست روز قبل از عزل بنی صدر در نزد من از او تمجید و دفاع فرمودید، اما متأسفانه سید مهدی «به قول خودش منحرف» یکدفعه شد معصوم و همه حرف‌های او شد وحی منزل، با پنخش مصاحبه پر از دروغ او و پنخش مصاحبه بدتر آقای ری شهری مدرسه‌هایی که زیر نظر من با حدود یکهزار و پانصد نفر طلبه خوب در خط انقلاب با آن همه شهید و مجروحش که در مقاطع حساس مدافع خط انقلاب و خط حضرتعالی و دولت بودند و ضدانقلاب و محافظه‌کاران و حتی خط جامعه مدرسین از آن‌ها دل خوشی نداشتند به لجن کشیده شد، و در حوزه قم خط انقلاب و بچه‌های پر تحرک، پوچ و محکوم قلمداد شدند؛ در بعضی مدارس قم علی‌ما نقل، طلبه‌ای را به خاطر شرکت در تشییع جنازه شهدا از مدرسه اخراج کردند، ولی تنها مدرسه رسول اکرم من که زیر نظر آقای صلواتی اداره می‌شد متجاوز از شصت شهید داشته است.

و بیت من که مورد توجه همه طبقات و در حقیقت شعبه بزرگی از بیت حضرتعالی محسوب می‌شد زیر سؤال برده شد، و به نام حضرتعالی و ترضیه خاطر حضرتعالی با من در حد یک سفیه محجور که نسبت به مدارس و برنامه‌ها و اداره بیت و محافظ و

پاسدار و ملاقات کنندگان اصلاً اهل تشخیص نیست، معامله شد، و از هر طرف نسبت به من و بیت من و محافظین و نمایندگان من اظهار نظر و جوسازی می کردند، بعضی قصد خیر داشتند، و عده ای نیز از هر کس هر خاطره ای و عقده ای داشتند به فکر انتقام جوئی افتادند، و من به خدا توکل کرده بودم، و بالاخره مدارس را با اختیار تام تحویل آقای امینی و بالتیجه تحویل شورای مدیریت و خط جامعه مدرسین دادم، و از داشتن مدرسه و کتابخانه و اظهار نظر در آن‌ها بکلی صرف نظر کردم.

و آخر الامر نوبت به از هم پاشیدن شیرازه خانوادگی من رسید، و جوسازی علیه خانواده و فرزند و داماد من شروع شد. و بالاخره داماد من با همه زندان‌ها و شکنجه‌های سابقش و خدمات فعلی او و نقش کنترل کننده او در بیت من و نسبت به قهدریجان پس از پخش دستور حضرتعالی به اطلاعات و دستور نسبت به سپاه قهدریجان، و با وجود دو فرزند مخلصش که بارها در جبهه‌ها با خطر مرگ مواجه شده اند و چندین روز با علف بیابان در کردستان عراق گذرانند، او بالاخره احضار و بازداشت شد. مثل اینکه در کشور و در قم هیچ امر خلافی جز در حریم من و در مدارس من وجود نداشته و ندارد، مخالفین من و ضد انقلاب‌ها مسرور و خوشحال شدند و خانواده من و دختر من و پسر من و فرزندان او افسرده و دل شکسته شدند و کار من هم شده دلجوئی از آنان و دعوت به صبر.

قبل از پخش دستور حضرتعالی، به عنوان حمایت از من به نام طلاب بدون توهین به هیچ مقامی اعلامیه ای منتشر شد و فرضاً او (سیدهادی) هم مطلع یا شریک بوده این هم شد جرم موجب مجازات؟! و فرضاً مجرم هم بود خداوند نسبت به محارب می فرماید: «الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم فاعلموا ان الله غفور رحیم». او هم به حضرتعالی نامه نوشت و هم رسماً از برادرش تبری جست، چرا برای حیثیت افراد ارزش قائل نیستیم؟! و آیا تضعیف من به مصلحت روحانیت و انقلاب است و چرا مسئولین این امور، خدمات و سوابق افراد را ملاحظه نمی کنند؟! امروز خانواده امید نجف آبادی آمده بودند که او به وسیله تلفن با گریه گفته است به آقا بگوئید به داد ما برسد که تلفن را قطع کرده اند. این آقای امید مردی است مجتهد و از مدرسین خوب منظومه و اسفار و در زمان اختناق شاه رساله و تحریر حضرتعالی را محرمانه چاپ و منتشر می کرد و به خاطر آن زندان‌ها و تبعیدها کشید، حالا فرضاً پرونده داشته باشد

اما باید محترمانه برخورد شود. حاطب بن ابی بلتعہ که نقشه نظامی پیغمبر اکرم را به وسیله زنی محرمانه برای قریش می فرستاد و به وسیله وحی کشف شد و سوره ممتحنه در شأن او نازل شد، عمر خواست او را بکشد پیغمبر اکرم مطابق نقل فرمود: «لعل الله اطلع علی اهل بدر» و به واسطه سابقه بدرش او را بخشید. بسیاری از بچه‌ها را که اخیراً بازداشت کرده اند از طلاب محصل و انقلابی می باشند و به اتهام امور جزئی بازداشت شده اند و با اهانت و فحاشی بازجویان و نگهبانان مواجه بوده اند و چه بسا ناچار بوده اند در شلوار یا لیوان قضای حاجت کنند. البته به مسئولین بالا و طبعاً به حضرت تعالی خواهند گفت که دروغ است. من می خواستم به حضور حضرت تعالی بیایم و اجمالاً این مسائل و هم چنین مشکلات خانوادگی را تذکر دهم که به وسیله آقای انصاری پیغام دادید «اگر بیائی سقوط می کنی و من نمی توانم ملاقات کنم و سید هادی باید بازداشت و مجازات شود». آیا اگر فرضاً آقای سید محمود مرعشی یا آقای سید جواد گلپایگانی می خواست به حضور حضرت تعالی بیاید به همین نحو برخورد می کردید؟! صحبت سفر من به تهران را به نحو مشورت فقط من در تلفن با آقای هاشمی رفسنجانی گفتم و سید هادی هم حضور داشت، معلوم می شود تلفن من و آقای هاشمی را هم شنود گذاشته و یا گوش می کنند، اگر بناست تلفن من و آقای هاشمی هم کنترل باشد که وای بر این اطلاعات و این کشور.

در سازمان اطلاعاتی که صد درصد مورد اعتماد حضرت تعالی است و همه گزارش‌های آن وحی منزل است در ضمن اینکه افراد خوب وجود دارد افراد نابابی هم وجود دارد که کارشان پرونده سازی برای اشخاص است، مثلاً فردی که در اصفهان مردم را به ستوه آورده بود حالا به اطلاعات منتقل شده و بازجوی امثال سید هادی و طلاب بازداشتی شده و قبلاً هم گفته بود ما می خواهیم منزل فلانی را تطهیر کنیم.

شب گذشته شنیده شد بنا دارند آقای سید هادی را تبعید کنند. آقای سید هادی نزد حضرت تعالی خوب یا بد مثل فرزند من و کمک زندگی من و مورد اعتماد من است و برای من تبعید او قابل تحمل نیست علاوه بر اینکه نسبت به او و خانواده اش ظلم است، و همچنین بچه‌هایی که به خون متهم نیستند و فرضاً اعلامیه ای پخش کرده اند و جهی برای ماندن آنان در زندان نیست.

و اگر بناست نظر من این اندازه بی اعتبار و بی ارزش باشد اجازه دهید مانند

طلبه ای بدون عنوان و مسئولیت مشغول درس و بحث باشم تا کسی از من توقع نداشته باشد. بدون قصد تنقیص می گویم این چه انقلابی است که امثال آقای... و آقای... میداندار آن هستند و سازمان اطلاعات هم عملاً در خط آنان قرار گیرد و امثال سید هادی و صلواتی با همه سوابق و خدماتش در زندان باشند؟! این قبیل انقلاب نیاز به من طلبه ندارد و من هم هیچ وقت طالب جاه و مقامی نبوده ام و جز به قصد خدمت مسئولیتی را نپذیرفته ام. بیشتر از این مصدع نشوم که هر چند حرف زیاد است ولی ملاحظه حال حضرتعالی هم لازم است. والسلام علیکم.

ضمناً آقای سید هادی شاگرد شما و مقلد شماست حضرتعالی اگر او را بخواهید و نظریات خودتان را به او القاء کنید قطعاً تخلف نمی کند و همچنین است امثال آقای صلواتی، وقتی از این طریق می شود از نیروها استفاده کرد چرا نکنیم!؟

۶۵/۱۰/۱۹ - حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حضرت محمد زکریا علیه السلام و آله الطاهرین امام خمینی زکریا علیه السلام

پس از سلام و تحنن و دعا برای سلامت و طول عمر و تقوی و برکت حضرت

بعضی می‌نویسند: بنیاد رژیم یک باره شکست کم دیر به باد با دستگیر شدن و قتل امام خمینی زکریا علیه السلام و در اثر ناراحتی آن بزرگوار و اسیران در دست انگار تحت فشار روحی قرار گرفتیم، و چاره‌ای جز توسل بنیوتی نامه ننیدیم، و می‌نویسند که: از ناچارم به پرده و باهر امت حضرت با سخن بگویم: فرضاً فردا سال پنجشنبه بیست و نهم در آستانه بودیم، با مدعی عصمت ننیدیم و «کونی المرأه یبلا ان تعد لعائیه» «بجمل خود از خودی خود فریب یاد دارم حضرت با حد و عینیت روز چهارشنبه بیست و نهم در روز خرداد از آنجا فرودید، اما مناسبتاً بیست و نهم در آنجا فرودید و بعد از آن در مصدم و همه حرف‌های او شد و علی بنزل، با بخش مصاحبه برادر روح او و بخش مصاحبه بدست‌آوردن برترین مدرسه که در زیر نظر آنجا بود و نیز در باضد لفظ طلبه حزب در حفظ انقلاب! آن هم سرشید و مجروحی که در حفظ حقایق مدافع حفظ انقلاب و حفظ عقاید و دولت بودند و حفظ انقلاب و محافظه کاران و حتی حفظ جامع مدرکین از آنجا دل‌جوئی ننیدند به این گنجه آمد، و در حوزه تم حفظ انقلاب و دیگر که می‌تواند بی‌سج و محکوم قتل آمدند، در بعضی مدارس تم حفظ انقلاب طلبه این را بنظر گرفتند و تسبیح جهنمه بر سر او انداختند و او را کشتند.

و اینها مدرسه رسول اکرم که در زیر نظر آقای همدانی اداره می‌شد بنیاد از شخصیت سرشید داشته است. و بیست و نهم که در روز جمعه هم طبقاً در حقیقت سبب بزرگ از بیست و نهم حضرت با محسوب می‌شود زیرا که آن بزرگوار برده شد، و بنام حضرت زکریا علیه السلام و در حقیقت حضرت زکریا علیه السلام با عرض در حفظ یک خطه مجبور که نسبت به مدرسه و بر نامه آن اداره است و محافظه کاران و ملاحات کنندگان اصولاً از آنجا فریب می‌توانند و از هر طرف نسبت به عرض و بیست و نهم در محافظه کاران از آنجا نظر و حواس را می‌گیرند، بعضی تصدیق می‌کنند، و عده‌ای نیز از آنجا بر سر بر خفا هم و عقیده‌ای دارند که تصدیق بفرستاقان عموماً افتادند، و نیز بنیاد آنرا کرده بودم، و بلافاصله ما را با احضار تمام کادر اطاق اعلی و بالقیه خود می‌نوردهای مدرسه و حفظ و با هم مدرسه دادیم، و از درستی مدرسه و کتابخانه و آنجا نظر در آنجا اعلی و در نظر گرفتیم.

و آخر الامر نسبت به از هم پامیدن بر سر راه فنا و از آنجا سرشید: و جو سازی علیه فنا و زنده و از ما در شروع شد. و بلافاصله داماد عرض با هم زنداناً و شکنجه که پس بعضی و عذبات ضعیفی و نقص کنترل کنند او در بیست و نهم نسبت به بنیاد آنجا پس از سخن دستور حضرت زکریا علیه السلام با اطلاعات و دستور نسبت به راه پند بجان و با وجود روز و نهم در محصلین که بار که در جهیم که با حفظ آنرا مودت شده اند، و چندین روز با علف بیابان فکر در استان عراق گذرانیدند، او بلافاصله احضار و بازداشت شد. مزارشید، در کشور و در تم هیچ اهل حلال جز در محرم عرض در مدارس وجود داشته و ندارد، مخالفین عرض و ضد انقلابها سر در و فو کال شدند و فنا و زنده عرض و در دفتر عرض و در نظر

و فرزند آن او زنده و دل شکسته شدند و گاه عرض هم شده دل‌گیر از آنان و دعوت بصیر. و در این سخن دستور حضرت زکریا علیه السلام با عنوان حمایت از عزت بنام طلاب بدون توجه این واقعیت است که این اعلامیه ای منتشر شد و در آنجا او هم مطلع یا می‌شد بچه این هم شد محرم و بچه چهارم است؟! و فرضاً محرم ۴۱ بود و در آنجا نسبت بحارب می‌فرماید: «الا الذین تابوا من قبل ان تعدوا علیهم فاعلموا ان الله غفور رحیم» او هم حضرت زکریا علیه السلام نام نوشت و هم رسا از برادر بزرگتر است و حجاب این همیست افراد از برادر کافر ننیدیم؟! و اما تصنیف عرض مصلحت روحانیت و انقلاب است و چرا مسئولین این امور عذبات و کواکب این افراد را ملاحظه نمی‌کنند؟! و

احراز خانواده میدکف نادری آسه بودند که او بواسطه تلفن با گریه گفته است به آقا بگویند براد ما برسد که تلفن را قطع کرده اند
این آقای امید حردی است محمدی از پدری کذب منظومه و اخبار در زمان احتضار روح ه رساله و کتب حضرت قنار را خرمانه
صاحب و منتظر میگردد و بخاطر آن زندانها و تبعید که گنبد، هالا فرشته پرونده است با سر اما باید محرمانه بر فرزند شود
صاحب بن ابله که گفته که نقش نظامی بی غیر اگر م را بواسطه زنی خرمانه بر امر قریبی میفرستاد و بواسطه وحی گفتند و کوره محکم در شان او
نازل شد محرم است او را بگردد بی غیر اگر م مطابق نقل فرمود «لعل الله اطلعنا علیها بعد» دو کلمه است بعد از او را بخسید
بسیار در این زمینه که اگر که اخیراً باز داشت کرده اند از طلا به نصد و انقلاب هم باشند و با تمام امور جزای ما در این است شاید
و اما که منت و وحی شش باز هرمان و نگهبانان نواله بوده اند و چه با ناچار بوده اند در سلولهای مایه ایون قضا، هاهت گنبد . البته مسمومین با
و طبعا کفایتها را خواهند گفت که دروغ است . من می فرستم حضور حضرت قنار بنایم و اجالا این مسائل و هم چنین مشکلات خانواده را تا نزد
که بوسه آتای انصاری بیغام دارم که بیایا سقوط می کنی و خرمی تو را م طلاقات گنبد و سید که در این مایه با بد با داشت و مجازات کرد
اما اگر فرضاً آقای سید محمود حردی مایه آقای سید هراد کلایا کلا م حضرت قنار بنایم و اجالا این مسائل و هم چنین مشکلات خانواده را تا نزد
صحت سفر به تهران را بنویسودت فقط نزد تلفن با آقای کسبی رضی الله عنه و سید که در این حضور در دست معلوم میشود تلفن خر و اما کی
هم نشود گذاشته و با گوی می کنند اگر نیست تلفن خر و اما کی؟ کسی هم گنبد که در این برای اطلاعات و این کشور
در زمان (اطلاعات) که صد در صد مورد اعتماد حضرت قنار است و چه گزارد که آن وحی بمنز است در همین اینکه افراد فوتی وجود دارد
افراد نابالغ هم دارند که کار آن پرونده های برای آنهاست و خلاصی است و خلاصی است که در این هم نهان مردم را بسته آورده بود حالا با اطلاعات متداول شده
و با وجود این اشغال سید که در مطالب باز داشتی شده و جلال هم گفته بود ما می خواهم منزل فولان را الظاهر بنیم
تعب گدشته گنبد مری بنا دارند آقای سید که در این تبعید کنند آقای سید که در این تبعید کنند آقای سید که در این تبعید کنند
و مورد اعتماد است در این تبعید او قنار محترم نیست بلکه در این تبعید او قنار محترم نیست بلکه در این تبعید او قنار محترم نیست بلکه در این تبعید او قنار محترم نیست
به خون نهم نیست و در ضمن اسلامیه این بخش کرده اند و همین برای ما ندن آنان در زندان نیست
و اگر بنا است نظر من این اندازه به اعتبار و در از لرز با شد اجاره دهد مانند طلبه ای بدون عنوان و مسوالت مشغول در رکعت ماست
تا کسی از خر توقع ندارد باشد . بدون قصد تفتیش می گویم این هم انقلاب است که احوال آقای ~~صاحب~~ و آقای ~~صاحب~~ میرانند اران
و در زمان اطلاعات هم محلا در خط آنان قرار گیرد و احوال سید که در این وصلوا با هم روابط و فد ماسی در زندان باشند؟!
این قبیل انقلاب نیاز به جلب ندارد و خرم هم هیچ وقت طالب هاه و قنار هم نبوده ام و بعد قصد خدمت مسوولین را نپذیرفته ام
بیشتر از این تصدیق فرم که هر چند حرف می یاد است و در اطلاع حال حضرت قنار هم لازم است و اسلام طلبیم ۱۹۰۱۰۰۵
ضمناً آقای سید که در این کورده و معتقد است حضرت قنار اگر او را بخوابد و نظایات فرزندان را به او القاء کنند
قطعا مختلف نمی کند و ام چنین است اشغال آقای صلواتا و در این طریق میفرود از سر و در استغاده کرد و در انکدام؟!
(مهر)

پیوست شماره ۱۴۶: مربوط به صفحه ۶۰۹

ارسال یادداشت معظم له برای امام خمینی در ارتباط با قضایای سال ۶۵ و ۶۶

تاریخ ۶۶/۹/۱۸

باسمه تعالی

۱ - من شاگرد حضرتعالی بوده ام و صراحت لهجه را از حضرتعالی یاد گرفته ام و اهل تملق و بازی با الفاظ و عبارات نیستم.

۲ - در همه مراحل با حضرتعالی و انقلاب بودم و خود را از انقلاب جدا نمی دانستم و در شرایط حساس و سخت حافظ الغیب حضرتعالی بودم. همیشه تابع بوده ام و از خود داعیه ای نداشتم ولی متاسفانه گفته شد: «مگر ما چند امام داریم» یا گفته شد: «مسائل مملکت مسئول دارد».

۳ - چون همیشه در متن انقلاب بوده ام مراجعات و توقعات از من زیاد است، مخصوصاً که به حضرتعالی کمتر دسترسی دارند.

۴ - اگر مصلحت می دانید به من بفرمائید بروم کنار سراغ درس و بحث، و ممنون هم می شوم و قهراً به مراجعین باید بگویم بناست من دخالت نکنم، و یا بالاخره نمی شود از همه مسائل و تصمیمات و کارها بی اطلاع باشم و حق تذکر و اعتراض خصوصی هم نداشته باشم و فقط وظیفه ام توجیه کارها باشد. الشاهد یری ما لایری الغائب، کارهای خلاف و تضییع حقوقی را مشاهده می کنم که راه جبران هم دارد و می دانم که خود حضرتعالی هم سیاستی را که در آن صداقت و انصاف و حفظ حدود و حقوق در آن نباشد قبول ندارید.

۵ - من اجمالا خطی را مشاهده می کنم که درصدد تضعیف من است و می خواهند آنچه را به من مربوط است لکه دار کنند و حتی کار به جایی می رسد که دستور می دهند نمایندگان من را در زندان‌ها راه ندهند. با اینکه آنان هدفی جز بررسی امور رفاهی زندانیان ندارند. مدارس مرا با بیش از دو هزار طلبه که از اوائل انقلاب پایه گذاری شده بود و در خط انقلاب و حضرتعالی بودند و بیش از چهارصد شهید تا حال داده است و خلاصه کادرساز انقلاب بود به بهانه‌های واهی و به نام نگرانی حضرتعالی کوبیدند و مخالفین را خوشحال کردند. من احساس می کنم که دستهایی

در کار است که می خواهند مرا از حضرتعالی جدا کنند و در این میان دنبال نقطه ضعف‌هایی از بیت من که شعبه ای از بیت حضرتعالی است یا منسوبین به من پیدا کنند و نزد حضرتعالی کاهی را کوه جلوه دهند و متاسفانه دست من دور است و قدرت دفاع ندارم. هر وقت در ملاقات با مسئولین مربوطه، نسبت به بازداشتی‌ها سفارش برخورد خوب می‌کنم معمولاً عکس العمل بد دارد و من هم به احترام حفظ وحدت و حیثیت انقلاب مجبورم بسوزم و بسازم.

۶- در جریانات اخیر متاسفانه قشر جوان و دلسوز انقلاب از روحانی و غیر روحانی کوبیده و مایوس، و جناح‌های مخالف که بعضاً حتی مخالف انقلاب و حضرتعالی بودند مخصوصاً بسیاری از آخوندها فرصت بدست آورده اند و با چهره حق به جانب و با لعاب طرفداری از حضرتعالی به مخلصان حضرتعالی که حتی در مواقع خطر و وجود محرومیت‌ها حامی انقلاب و حضرتعالی بودند ضربه‌های تبلیغی می‌زنند. من شخصی قربانی شوم مانعی ندارد ولی اصل انقلاب را به پوچی می‌رسانند و یک حالت یاس در افراد مخلص ایجاد کرده اند. خوب است حضرتعالی وضع آخوندهای اصفهان را از آقای طاهری استفسار فرمائید. و خلاصه مطلب به اصطلاح امروز خط راست محافظه کار و بی تفاوت بر خط انقلاب و حرکت پیروز شده است. کسانی جان گرفته اند که بی رو دربایستی نه شما و نه خط شما و نه دولت شما هیچ کدام را قبول ندارند ولی تظاهر به حمایت از حضرتعالی می‌کنند.

۷- و بالاخره همان طور که در نامه قبل تذکر دادم حقوق زیادی از افراد مختلف تضییع و ظلم‌هایی به وسیله بعضی مسئولین انجام شد که ممکن بود هدف حضرتعالی بدون این ضایعات هم تامین شود، و با اینکه من از باب احساس وظیفه به آنان تذکر دادم نخواستند ترتیب اثر بدهند.

والسلام علیکم و ادام الله ظلکم الشریف

حسینعلی منتظری

باسمه تعالی

این سرگرد حضرتنا بوده ام و مصاحبت لایحی را از حضرتنا یاد گرفته‌ام و این بملوک دیبا زنی با الفاظ و عبارات نسیبم .
 ۲ در همه مراجع با حضرتنا و انقلاب بودم و حضور را از انقلاب جدا نمی‌دانستم و در اصل اطمینان و محبت حق حفظ العیب حضرتنا بودم .
 همیشه تابع بوده‌ام و از خود جدا عهدی نداشتم و لا صفاغنه گفته شد : « فکر ما چند امام داریم یا گفته شد : « ما سر مملکت مسئول دراز»
 می‌گویند همیشه در متن انقلاب بوده‌ام مراجعات و تودعات از فرزندان است مخصوصاً که حضرتنا کمتر دسترس دارند .
 می‌گویند اگر مصلحت می‌دیدند بفرمایند بروم کن رسالت در کعبه و محزون هم می‌شوم و هر چه می‌گویم با بد بگویم بنا است سخن در حالت نلیم ، می‌گویند
 و با بلا فرود می‌آید از همه تن و صحیبات و کارکنان اطلاع با هم و حق تذکر و اعتراض خصوصی بهم نداشته باشم و حفظ وظیفه ام تو جمع با
 ائمه پدیری ملامتی الغائب ، کار کنی خلاف و تصنیع حقوق را می‌بینم که راه جبران ندارد و میدانم که خود حضرتنا ۴۹
 سال سالی را که در آن عهد اقیب و انصاف و حفظ حدود و حقوق در آن بنا شد قبول ندارید .
 حق من ایجاد خطی را می‌بینم که در هند تصنیف من است و می‌خوانند آنچه را بیخ حرد ط است بلکه در گذشته حتی کار با می‌رسانم که
 دستور میدهند تا اینکه آن خبر را در زندان راه ندهند یا اینکه آن خبر جز بر کسی امور فاهی زنی نمانند .
 ندا سر مرا با پیش از دو هزار طلبه که از اذات انقلاب پایه گزار می‌شدند و در حفظ انقلاب و حضرتنا بودند و پیش از چهار صد
 ساله آن داده است و خلاصه کار در انقلاب بود بهانه نمی‌دهی واهی و بنام نکرانه حضرتنا گویند و مخالفین را خوشی می‌کردند .
 من ایها مسلم که در کتابت در کتابت که می‌خوانند هر از حضرتنا جدا شدند و در این میان دنبال نقطه ضعفها از بیست من که بعد ای
 از بیست حضرتنا است یا بعد از بیست بیست که می‌خوانند و نزد حضرتنا گاهی را که جلوه دهد متصرفانه دست می‌زدند و در دفاع ندانم
 هر وقت در ملاقات با مسئولین مربوطه نسبت به آن می‌توانستند بر سر برآورد خوب می‌توانستند معمولاً عکس العمل برآورد و من هم با احترام حفظ سعادت
 و حیثیت انقلاب مجبور می‌شوم و سازم .
 یک در جریان است اخیر متفرمانه که هر آن دول سوز انقلاب از روفا و غیره و کوه کوبیدن و آتوکس و جفاهای مخالف که بعضاً حق مخالف
 انقلاب و حضرتنا بودند مخصوصاً بهمانی از آفرنده که فرصت بدست آورده اند و با لفظ حق بجانب و بالعاب طرفدار می‌باشند حضرتنا
 بخلصان حضرتنا که حق در مواقع خطر وجود می‌دهند و بیگانه‌ها می‌باشند و حضرتنا بودند و من هم که می‌توانی می‌زنند من شخصی قرار می‌شوم
 مانعی ندارد و از اهل انقلاب را بهو می‌میرسانند و یک حالت باس در افراد مخلص ایجاد کرده اند خوب است حضرتنا وضع
 آفرنده که می‌تواند از آن جان‌های بیگانه که برود و با نسیب و نسیب و نه خط و نه دولت هیچ هیچ کدام را قبول ندارند
 بر خط انقلاب و حرکت پیروز شد است و آن رفته اند که به رود و با نسیب و نسیب و نه خط و نه دولت هیچ هیچ کدام را قبول ندارند
 و لا تطأ بر سجایب از حضرتنا نمی‌گذرد
 لا و بلا فرود اما منظور که در نامه چند تذکره دارم حقوق زاده ای از افراد مخالف تصنیع وظایفها که توسط بعضی مسئولین انجام شد که ممکن بود
 بدرف حضرتنا بدون این مخالفت است هم تا می‌تواند و البته که من از جانب حق وظیفه با مان تذکره دارم خود استند تریب را می‌دهند .
 والسلام علیکم و علیکم السلام

محمد باقر

پیوست شماره ۱۴۷: مربوط به صفحه ۶۰۹
یادداشت معظم له به هنگام ملاقات با امام خمینی

تاریخ ۶۶/۶/۴

۱ - آقای سید هادی به عنوان تخلف از سمنان نیامده بلکه چون او را به دادگاه برای محاکمه احضار کردند من او را ملزم به ماندن در خانه خود کردم.

۲ - اولاً او به نظر من بی گناه است و شکستن او گناه است، و ثانیاً محاکمه و شکستن او در حقیقت محاکمه من است و من به عنوان قائم مقام حضرتعالی شناخته شده ام و قهراً محاکمه او یک دنیا خوراک برای رسانه های گروهی است و من تعجب می کنم که چرا حضرتعالی نامه او را نپذیرفتید و او را به پیچ و خمهای اطلاعات محول نمودید.

۳ - صحیح نبود با این تبلیغات وسیع برای دادگاه ویژه و وجود عده زیادی روحانیین فاسد اولین قربانی دادگاه ویژه حریم من و بچه های مخلص انقلاب باشند.

۴ - اطلاعات به منزله مدعی است، صحیح نیست دادستان دادگاه ویژه خودش مسئول اطلاعات باشد.

۵ - در مورد فاجعه خونین مکه گزارش هایی می رسد مبنی بر اینکه در بین متظاهرين و در قالب مردم دسته هایی بوده اند که پلیس سعودی را وادار به خشونت کرده اند، لازم است بیشتر تحقیق شود و چه بسا دشمنان در بین مردم نفوذ کرده باشند و یا خود سرانه مثل جریان سال قبل کارهای تندی انجام شده باشد و بالاخره برای تصمیم گیری تحقیق بیشتری لازم است.

۶ - جزوه مربوط به استخبارات (اطلاعات) و جزوه سابق مقدمه کتاب که قبلاً تقدیم شده است.

تاریخ ۳۰/۹/۹۶

- ۱ آقای سید جمادی بعنوان تکلیف از سمتان بنامه بلکه چون اورا بدادگاہ برای محاکمہ اخصار کردند
خیز اورا ملزم با نیدن درہا نہ خود کردم
- ۲ اولاً او بنظر فرزند گناہ است و شکنجہ او گناہ است . و ثانیاً محاکمہ شکنجہ او در حقیقت محاکمہ فرزند
و غیر بعنوان قائم مقام حضرت عالی بنا جتہ شدیم و قدر محاکمہ او بدینا خود را کہ برای رس نہ آئی اگر وظیفہ است
و غیر تعجب می کنیم کہ چرا حضرت عالی نامہ اورا ہنوز فرستادہ اورا بہ بیع و گھنہای اطلاعیہ محول نمودید .
- ۳ صحیح نبود با این تبلیغات وسیع برای دادگاہ ویزہ و وجود عمدہ زیادہی روحانیین فاسد اولیای قرمان
دادگاہ ویزہ حرم فرزند جمادی مخلص انقلاب باشند .
- ۴ اطلاعات بمنزلہ مدعی است صحیح نیست دادگاہان دادگاہ ویزہ خود را مسئول اطلاعیہ میدانند .
- ۵ در مورد فاجعہ فونین مکہ گزارشہا را بر سر مدعیین برانندہ در بنی تنظیم و در قابلہ مردم دستہ گاہی برودہ اند
کہ پلیس سعودی را و ادارہ ہنوزت کردہ اند لازم است بہتر تحقیق شود و بعد بن دستمان در بنی مردم
نفسوز کردہ باشند و ما ہنوز سرانہ منبر جریہ ان سال قبل کار کہی تندہی انجام شدہ با آمدن و بالادہ برای تنظیم
تحقیق بہترہی لازم است
- ۶ جزوہ مربوط با انتخابات (اطلاعیہ) و جزوہ سابقہ مقدمہ کتاب کہ قبلاً تقدیم شدہ است

پیوست شماره ۱۴۸: مربوط به صفحه ۶۱۰
 نامه معظم له به آقای ری شهری - وزیر اطلاعات وقت - و اعتراض نسبت به عملکرد
 نامناسب وزارت اطلاعات

تاریخ: ۶۵/۸/۷

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجة الاسلام آقای ری شهری دامت افاضاته
 پس از سلام، اولاً دستور حضرت امام مدظله العالی مبنی بر رسیدگی به کارهای آقای
 سید مهدی هاشمی نیاز به بازداشت وسیع با وضع زننده و تند که خاطره بد ساواک را در
 اذهان تجدید می کرد نداشت.

و ثانیاً من به جنابعالی گفتم و به حضرت امام مدظله هم نوشتم و هم گفتم که
 نهضت‌های رهائی بخش اسلامی خوب یا بد به دستور من و زیر نظر من بوده است،
 مزاحمت اشخاص دیگر یا احضار آنان به خاطر آن خلاف شرع است.

و ثالثاً عمل به دستور حضرت امام مدظله مبنی بر رسیدگی لازم، ولی هتک حیثیت
 اشخاص قبل از رسیدگی و ثبوت در دادگاه اسلامی و پخش آن خلاف شرع بین است و با
 حکومت عدل اسلامی سازگار نیست.

و رابعاً برحسب اطلاع از بعضی منابع موثق مسائل مهمتری در پشت این صحنه وجود
 دارد و محتمل است جنابعالی وجه المصالحه شده باشید و در امور مهمه احتمال هم منجز
 است، مواظب مسئولیت شرعی خود باشید.

حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللَّهِ

تاریخ: ۱۳۸۴/۱۰/۵

شماره:

جناب مستطاب حجة الاسلام آقای ری کزری دامت افاضاته
 پس از سلام اولاً دستور حضرت امام مظلّم العالی مبنی بر رسیدگی به کارهای
 آقای مهدی قمی مبنی بر بازداشت و سبب با وضع زندان و تند که بخاطر به
 ساواک را دراز که تا تجدید سبک زندانست .
 و ثانیا من بجناب عالی گفتیم و بحضرت امام مظلّم هم نوشتم و گفتم که لایحه است کمی رنگی
 اسلامی خوب یا بد دستور عرض و نظر فرموده است مزاحمت شما هم دیگر با اخصاران
 بخاطر آن خلاف شرع است .
 و ثالثا محمد دستور حضرت امام مظلّم مبنی بر رسیدگی لازم و لا ھتک حیثیت شما همی
 خبر از رسیدگی و نبوت در دادگاه اسلامی و بخش آن خلاف شرع نیست و با احوال است
 عدل اسلامی را ز کار نیست .
 در انجا بر حسب اطلاع از بعضی منابع موثق مسأله مهدی در پرت این همه وجود دارد
 و محترمانه جناب عالی وھ المصالحی شده باشید و در انورہ احتمال اہم منجر است
 موالجب مسئولیت شرعی خود باشید . حسین علی منتظری

پیوست شماره ۱۴۹: مربوط به صفحه ۶۱۳

نامه معظم له به امام خمینی مبنی بر رسیدگی به اتهامات آقای سید مهدی هاشمی، پس از جوسازی رادیوهای بیگانه و برخی عوامل داخلی در القاء بروز اختلاف و تقابل بین ایشان و امام

تاریخ ۶۵/۹/۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک رهبر بزرگ انقلاب آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی ضمن سلام و تشکر از موضعگیری‌های مدبرانه و برخورد قاطع حضرتعالی نسبت به جریانات انحرافی، خواهشمندم دستور فرمائید که جرائم و اتهامات سید مهدی هاشمی و افراد مربوط به وی بدون اغماض و با کمال دقت مطابق موازین عدل اسلامی ولو بلغ ما بلغ رسیدگی شود و مبدا ارتباط سببی ایشان و یا دیگران با اینجانب و یا هر کس و یا رعایت حرمت این و آن مانع تحقیق و رسیدگی گردد، زیرا حفظ حرمت اسلام و جلوگیری از انحرافات از دامن اسلام عزیز و انقلاب مقدس و روحانیت بر همه جهات مقدم است. سلامت و طول عمر حضرتعالی و پیروزی رزمندگان مسلمان را در همه جبهه‌ها از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

حسینعلی منتظری

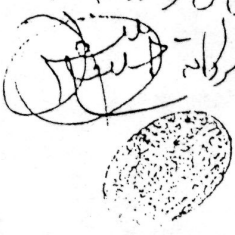
﴿ بسمه تعالی ﴾

تاریخ ۲۴/۹/۶۵

شماره

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک رهبر بزرگ انقلاب، آیت الله العظمی امام خمینی، بنظر العالی
 همن سلام و تشکر از موضعگیریهایی بدر آنجه و بر خوردن مآطع حضرتعالی نسبت به بر ما
 خدا همندم دستور فرمائید که جرائم و اقامات برودند که کسی و افراد تر و طبعی و
 بدون اغماهن و با کمال دقت مطابقت موازین عدل اجماعی و لویع مابین رسیدگی شود
 و مبادا ارتباط سببی این و یاد دیگران با این جنبش و یا رعایت حرمت این در آن
 مانع تحقیق در رسیدگی گردد زیرا حفظ حرمت اسلام و جلوگیری از انحرافات
 از دامن اسلام عزیز و انقلاب تقدیر و روحانیت بر همه جهات مقدم است
 سلامت و طول عمر حضرتعالی و پیروزی رزمندگان مسلمان را در همه جهات
 از خداوند متعال (مألت حمی نهائیم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته)



پیوست شماره ۱۵۰: مربوط به صفحه ۶۱۵

یادداشت گفتگوی سه ساعته معظم له با آقای سید احمد خمینی

- ۱ - در قم تنها مدارس من بود که در خط شما بود، اگر حضرتعالی از دو سال قبل نسبت به مدارس من نگران بودید چرا به من نگفتید؟
- ۲ - چرا مصاحبه ای را که به ضرر من و بیت من و مدارس من بود اجازه دادید پخش شود؟
- ۳ - چرا کتابخانه مربوط به من که حدود هزار عضو داشت و بیش از همه رادیو منافقین علیه آن تبلیغ می کرد هنوز هم مهر و موم است؟
- ۴ - سید مهدی معجرم بود فرضاً اعدام می شد مساله ای نبود ولی چرا بدون دادن حق دفاع جمع کثیری از عاشقان اسلام و انقلاب و شکنجه شده‌های زمان شاه را به اتهام ارتباط با او، در رسانه‌های گروهی و روزنامه‌ها کوبیدند؟ و عده ای عقده گشائی کردند، و جوانان مدافع انقلاب و روحانیت و در خط خودتان را به پوچی و یاس کشاندند به نحوی که در جبهه‌ها هم اثر بد داشت! و بیش از همه خوراک تبلیغی برای رسانه‌های ضدانقلاب فراهم شد!
- ۵ - در کجای دنیا یک دوست و پدر با فرزند و دوست و همفکر خود این طور عمل می کند؟
- ۶ - حضرتعالی با این کار آخوندهای مخالف را که تا اندازه ای ترس و یا شرم حضور داشتند جری کردید و به آنان امکان ضربه زدن را دادید.
- ۷ - ضربه ای که به اسم حضرتعالی و در پوشش حمایت از من و بیت من به من و بیت من زده شد از همه ضرباتی که آخوندهای مخالف در رژیم سابق و در زمان حال زدند و می زنند بیشتر بود، و فشار روحی که در این مدت متحمل شدم و به خاطر خدا و اسلام و انقلاب و حفظ حرمت حضرتعالی صبر کردم از همه زندان‌ها و تبعیدها و کتکهای زمان شاه کوبنده تر بود. و الی الله المشتکی
- ۸ - نمی دانم از بهره برداریهای ضدانقلاب و آخوندهای مخالف و تفسیرهای رادیوها و روزنامه‌های بیگانه و خوشحالی آنان تا چه اندازه مطلعید؟

۹ - شنیده شد فرموده اید: «فلانی مرا شاه و اطلاعات مرا ساواک شاه فرض می کند» البته حضرتعالی را شاه فرض نمی کنم ولی جنایات اطلاعات شما و زندان‌های شما روی شاه و ساواک شاه را سفید کرده است، من این جمله را بااطلاع عمیق می گویم.

۱۰ - من حدس می زدم روزی حضرتعالی از اکثر علاقه مندانتان منقطع شوید ولی گمان نمی کردم به این زودی عملی شود، و فی الخاتمه اقول: صدیقک من صدقک لامن صدقک. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

پیوست شماره ۱۵۱: مربوط به صفحه ۶۱۵

یادداشت معظم له برای امام خمینی پس از قطعی شدن حکم اعدام سید مهدی هاشمی که توسط حجة الاسلام سید سراج الدین موسوی برای ایشان ارسال شد.

- ۱ - سید مهدی هر چه بود و شد بالاخره بیست سال سنگ اسلام و انقلاب و امام را به سینه زد.
- ۲ - او از خیلی از کسانی که مورد عفو امام قرار گرفته اند بدتر نیست و مادر پیر او و زن و فرزندان خردسال او مورد ترحمند و خانواده و بیت آنان مورد احترام است.
- ۳ - او نه مرتد است و نه محارب و نه مفسد و بالاخره به انقلاب و اسلام اعتقاد کامل دارد؛ هر چند در سلیقه خطا کار باشد و هست.
- ۴ - او هنوز طرفداران زیادی از حزب اللهی‌ها و جبهه بروها و افراد انقلابی دارد و اعدام او در روح آنان اثر بد باقی می‌گذارد.
- ۵ - اعدام او سبب می‌شود در شهرهای مختلف افراد خوب را به اتهام ارتباط با او خراب و منزوی سازند و قطعاً حضرتعالی به این امر راضی نیستید.
- ۶ - اعدام او پیروزی بزرگی برای دشمنان و سوژه طلبان می‌باشد.
- ۷ - و بالاخره آنچه گفته شد نه به خاطر علاقه شخصی است که من فعلاً هیچ علاقه شخصی ندارم بلکه فقط از نظر مصالح اسلام و آینده انقلاب است، و اینکه اعدام و خونریزی بالاخره بسا کدورت و خون در پی دارد. اعدام همیشه میسر است ولی کشته را نمی‌شود زنده کرد.

یک شنبه ۶۶/۷/۵

۱. سید مهدی ابراهیم برآمد بالاخره بیست سال سنگ اسلام و انقلاب امام را بسینه زد
 ۲. او از جنلی ازکی نه نه مورد عفو امام قرار گرفته اند بدتر نیست و مادر پیر او وزن و فرزند خود سال او مورد رحم اند و خانواده و بیت آنان مورد احترام است
 ۳. او نه مرتد است و نه عمارت و نه نفی و بالاخره با انقلاب اسلام اعتقاد کامل دارد .
هر چند در سلیقه حفظ کار با سر و دست .
 ۴. او هنوز طرفداران زیادی از غربت الهی که هم وجهه برو که و افراد انقلاب دارد و اعدام او در روح آنان اثر بد باقی میگذارد .
 ۵. اعدام او بسبب می شود در اکثر کمیته های مختلف افراد غربت با امام ارتباط با او فرای و منزوی سازند و قطعاً حضرت قنایا باین امر راضی نیستند .
 ۶. اعدام او پیر و زنی بزرگ برای دشمنان و کوشش طغیان می باشد .
 ۷. و بالاخره آنچه گفته شد نه بخاطر علاقه شخصی است که فرغاً هیچ علاقه شخصی ندارم بلکه فقط از نظر مصالح اسلام و آینده انقلاب است و اینکه اعدام و فزون ریزی بالاخره با گذشت و فزون در چه دارد اعدام هدیه میسر است و لا اله الا الله و زنده کرد .
- یکشنبه ۵/۷/۴۴

پیوست شماره ۱۵۷: مربوط به صفحه ۶۴۲

متن نامه حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی خوزستان حجة الاسلام آقای احمدی به حضرت امام خمینی در مورد چگونگی اجرای حکم معظم له درباره منافقین، مورخه ۶۷/۵/۲۳

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

با عرض سلام، در رابطه با حکم اخیر حضرتعالی راجع به منافقین گرچه اینجانب کوچکتر از آنم که در این باره صحبتی بکنم ولی از جهت کسب رهنمود و من باب وظیفه شرعی و مسئولیت خطیری که در تشخیص موضوع به عهده می باشد معروض می دارد که بر سر نفاق بودن یا پافشاری بر موضع منافقین، تفسیرها و تحلیلهای گوناگونی می شود و نظرها و سلیقه‌ها بین افراط و تفریط قرار دارد که به تفصیل خدمت حاج احمد آقا عرض کردم و از تکرار آن خودداری می شود. من باب مثال در دزفول تعدادی از زندانیان به نام‌های طاهر رنجبر -مصطفی بهزادی- احمد آسوخ و محمدرضا آشوع با اینکه منافقین را محکوم می کردند و حاضر به هر نوع مصاحبه و افشاگری در رادیو و تلویزیون و ویدئو و یا اعلام موضع در جمع زندانیان بودند، نماینده اطلاعات از آنها سؤال کرد شما که جمهوری اسلامی را بر حق و منافقین را بر باطل می دانید حاضرید همین الان به نفع جمهوری اسلامی در جبهه و جنگ و گلوگاهها و غیره شرکت کنید، بعضی اظهار تردید و بعضی نفی کردند، نماینده اطلاعات گفت این‌ها سر موضع هستند چون حاضر نیستند که در راه نظام حق بجنگند. به ایشان گفتم پس اکثریت مردم ایران که حاضر نیستند به جبهه بروند منافقند؟ جواب داد حساب این‌ها با مردم عادی فرق می کند، و در هر صورت با رای اکثریت نامبردگان محکوم شدند فقط فرد اخیر در مسیر اجرای حکم فرار کرد. لذا خواهشمند است در صورت مصلحت ملاک و معیاری برای این امر مشخص فرمایید تا مسئولین اجرا دچار اشتباه و افراط و تفریط نشوند.

حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی خوزستان

محمد حسین احمدی - ۶۷/۵/۱۲

رونوشت: حضرت آیت الله العظمی آقای منتظری مدظله

بسم تعالی

حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی دامت برکاتہ - با عرض سلام
 در باب علم با حکم اخیر حضرت تعالی راجع به منافقین گریه ایشان کوی حکومت از آن
 که در این باره صحبتی بنماید از جهت کسب رهنمودین باب وظیفه شرعی
 مسئولین خطیری است در تشخیص موضوع بجهت سپاسش معروفین سیدار
 که بر سر نیای برون یا بانشاری بر موضع منافقین تفسیرها و تحلیل‌های گوناگون
 میشود و نظرها و سلیقه‌ها بین افراد و تقریبات قرار دارد که تفصیل خدمت
 حاج احمد آقا عرض کردم و از کموآران خود در این میشود من باب مثال
 در رد قول تعدادی از زمانیان بنامان طاهر و غیره مصطفی هجراتی احمد اسخ
 و محمد رضا آسترخ با اینکه منافقین را حکومت میگرداند و حاضریم هر نوع صاحب
 و استگزی در در این مورد نیز برون در صورت اسلام موضع در جمع زمانیان برود
 نمایند. اطلاعات از آنجا سؤال کردیم که چگونه اسلای و اسحق
 و منافقین را بر باطل میگردانند حاضر بر تفسیر همین الان جمهوری اسلامی در بیجا
 رنگ و گلگاهها مشرکت کنند بعضی اظهار کردند و بعضی نفی کنند
 نمایند. اطلاعات گفت اینها سر مواج هستند چون حاضر نیستند که
 در راه نظام حق بمانند. ایشان گفتیم پس اکثریت مردم ایران که
 حاضر نیستند به بیجهت بروند منافقند جواب داد حساب اینها با مردم
 عادی فرق میکند در هر صورت با رأی اکثریت نامیردگان حکومت
 شوند نسبت نزد اخیر در مسیر اجرای حکم قرار نگیرد لذا خواهش
 است در صورت مصلحت ملایک و عیاری برای این امر شخصی
 فرمایند تا مسئولین اجراء و کار استباه و افراد و تقریبات نترند
 حاکم شرع درگاه انقلاب اسلامی خوزستان

در نوشتن

حضرت آیت‌الله العظمی امامی شطری مرظلم

محمد باقر احمدی
 ۲۳، ۵، ۶۷

پیوست شماره ۱۵۸: مربوط به صفحه ۶۴۲

متن نامه حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی خوزستان حجة الاسلام آقای احمدی به آقای حاج سید احمد خمینی در مورد اظهارات خلاف واقع رنجنامه

بسمه تعالی

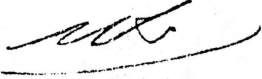
محضر حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج سید احمد خمینی دام اجلاله، سلام
علیکم

در رابطه با مطلب مندرج در جزوه نامه خطاب به حضرت آیت الله العظمی منتظری مدظله مبنی بر اینکه «آن قاضی شرع صریحاً گفت آقای منتظری به من دروغ نسبت داده من به او گفتم چنین چیزی مگو ممکن است ایشان اشتباه فهمیده باشد» لازم است به عرض برسانم که مساله به این صورت نبوده و اینجانب هیچ گاه به خود اجازه نمی دهم که العیاذ بالله بالصراحه نسبت دروغ به ایشان بدهم و اصولاً چنین بحثی بین ما رد و بدل نشد و به قول شما چه داعی به این تعبیر! و شاید شما اشتباه فهمیده باشید. اینجانب مطالبی را که ایشان از قول من در نامه منعکس فرموده بودند خدمت شما بازگو کردم و حسب الامر نوشتم و به شما تحویل دادم، بنابراین چه جایی برای تکذیب و انکار هست؟ فقط در یک مورد عرض کردم اشتباه مختصری صورت گرفته که لطمه ای به اصل مطلب نمی رساند، و آن هم به خاطر آن بوده که مطالب در یکی از ملاقاتهای دسته جمعی و به صورت شفاهی و گذرا در محضر ایشان عنوان شده و بنا بر ثبت و ضبط و نقل آنها نبوده و تمام هدف و انگیزه اینجانب از طرح این مساله در خدمت ایشان و شما این بوده که اگر حضرت امام مدظله العالی مصلحت بدانند ملاکی برای سروضع بودن تعیین شود تا مسئولین اجراء دچار ابهام و اشکال و اعمال نظر و سلیقه شخصی و افراط و تفریط نشوند، و غرض متهم کردن آن آقایان هم نبود، ولی متأسفانه مطلب جور دیگر برداشت و تفسیر شده، و اینکه فرموده اید آنها تقریباً تمام نوشته‌ها را تکذیب کردند یک امر طبیعی است و علاوه از این تعبیر بر می آید که آنها مقداری از مطالب را نیز قبول کرده اند. بیش از این مصدع اوقات نمی شوم حرف بسیار است (و من یتوکل علی الله فهو حسبه).

با آرزوی صحت و سلامت و افتخار و عزت برای حضرت امام تا ظهور حضرت مهدی موعود(عج).

بسم تعالی

حضرت الاسلام والسیدین جناب آقای حاج سید احمد خمینی دام اجلاله - سلام علیکم
 در رابطه با مطلب مندرج در جزوه نامه خطاب به حضرت آیه الله العظمی منتظری مدظله
 عالی بر اینک (آن ماضی شرعی صریحا گفت آقای منتظری به من دروغ نسبت داده من به او کفر
 چنین چیزی مگر ممکن است ایشان اشتباه نموده باشند) لازم است بعرض برسانم که
 مسئله به اینصورت نبوده و اینجانب هیچگاه به خود اجازه نمیدهم که العباد بالله بالمصراحه
 نسبت دروغ به ایشان بدهم و اصولا چنین بحثی بین ما ردوبدل نشدند و قول شما چه داعی
 به این تعبیر است و شاید شما اشتباه نموده باشید اینجانب مطالبی را که ایشان از قول من
 در نامه منعکس فرموده بودند در خدمت شما بازگو کردم و حسب الامر نوشتم و به شما تحویل دادم
 بنا بر این چه جایی برای تکذیب و افکار هست؟ فقط در مورد عرض کردم اشتباه
 مختصری صورت گرفت که لطمه ای به اصل مطلب نرسد و ما آن چه خاطر آن بوده که مطالبی در یکی از
 ملاقاتهای دسته جمعی و بصورت شفاهی و گذرا در حضور ایشان بخوان شده و بنا بر ترتیب و ضبط
 و نقل آنها نفی و تمام هدف و انگیزه اینجانب از طرح این مسئله در خدمت ایشان و شما این
 بوده که اگر حضرت امام مدظله العالی مصلحت بر آنتر ملاحظی برای سر موضوع بودن تعیین شود
 تا مسئولین اجراء دچار ابهام و اشکال و اعمال نظر و سلیقه شخصی و افراط و تفریط نشوند
 و عرض متهم کردن آن آقایان هم نبوده ولی مسافانه مطلب جو ریگی برداشت و تفسیر شده
 و اینکه فرموده است آنها تقریبا تمام نوشته ها را تکذیب کردند یک امر طبیعی است و علاوه
 بر این تعبیر برمی آید که آنها تعدادی از مطالب را نیز قبول کرده اند. بیش از این مصدق
 اوقات نیشترم حرف بسیار است (و من ترک علی الله فهو حسبه)
 با آرزوی صحت و سلامت و امتقار و عزت برای حضرت امام تا ظهور حضرت مهدی موعود (عج)


 ۶۸/۲/۲۷

پیوست شماره ۱۵۹: مربوط به صفحات ۶۴۷ و ۷۳۶

بیانات معظم له در پایان درس خارج فقه به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی،

مورخه ۱۳۷۱/۱۱/۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

فردا روز ۲۲ بهمن است، روزی که انقلاب به پیروزی رسید و هر سال معمول است برای زنده نگاهداشتن این روز راهپیمایی می کنند. راهپیمایی خرج ندارد حالا بعضی از خرج‌ها را ما مخالفیم برای اینکه گرفتاری‌های زیادی هست که اگر خرج آن‌ها بشود بهتر است، اما راهپیمایی هم موجب عظمت اسلام و تقویت انقلاب است و هم خرج نکرده ایم و در ضمن ورزش هم کرده اند.

علی ای حال اقتضا می کند که انقلاب و اهداف انقلاب فراموش نشود. آقایان همه در راهپیمایی این روز بزرگ شرکت نکنند و البته این را هم توجه داشته باشند که مردم ما از انقلاب زده نشده اند، مردم در این روزها مثل روز ۲۲ بهمن یا روزی که به عنوان حمایت از فلسطین است یعنی روز جمعه آخر ماه رمضان (روز قدس) ما می بینیم واقعا مردم ما با همه گرفتاری‌هایی که دارند و با همه نق‌هایی که می زنند اما همه هماهنگ در راهپیمایی‌های این روزها شرکت می کنند، یعنی مردم این قدر رشد دارند که حیثیات و جهات را از هم جدا می کنند، و ما بالعرض را با ما بالذات مخلوط نمی کنند، ولو مردم از من طلبه ناراحت باشند از اشخاص ناراحت باشند اما از انقلاب زده نشده اند. مردم برای انقلاب این همه شهید دادند و فداکاری کردند و چیزی را که محصول خودشان است و این همه خون برایش داده شده و این همه نیرو برایش مصرف شده هیچ وقت مردم ترکش نمی کنند، و بنا براین بایستی که مردم همه شرکت کنند؛ و اشخاص هم راهپیمایی مردم و حمایت مردم را به حساب اصل انقلاب و نظام بگذارند نه به عنوان حمایت از اشخاص. فرق است ما بین حمایت از شخص و حمایت از اصل نظام و انقلاب و اهداف انقلاب، و شما این معنا را به مردم بفهمانید که ما واقعا به اصل انقلاب پشت نکرده ایم، هیچ کس پشت نکرده است.

واقعش این است من می گویم من طلبه یک روز هم نه به انقلاب پشت کردم نه به اهداف انقلاب، و من اصلا همه هستی ام را در راه انقلاب و در راه پیروزی انقلاب گذاشتم. فرزند دلبندم شهید محمد منتظری در راه انقلاب شهید شد، پسر دیگرم یک

چشمش را در راه انقلاب داد، قوم و خویش‌هایم در این راه شهید دادند، خود من چقدر به جبهه‌ها کمک کردم، البته نمی‌خواهم منت بر کسی بگذارم، وظیفه‌ام را انجام دادم، یک روز به انقلاب و اهداف انقلاب پشت نکردم و اگر تذکراتی می‌دادم یا چیزهایی می‌گفتم یا به مرحوم امام(ره) می‌نوشتم هیچ هدفی جز اینکه می‌خواستم سوژه‌ها و اشکالات برطرف بشود نداشتم. النصیحه لامام المسلمین وظیفه همه اشخاص است، بعضی اشخاص که تذکرات نمی‌دادند کوتاهی می‌کردند.

من یادم هست که یک نامه پنج صفحه‌ای راجع به جنگ به مرحوم امام(ره) نوشتم -که آقایان شاید نامه مرا دیده‌اید- یک روز آیت الله مشکینی آمدند به خانه ما و شروع کردند به اشکال که آقا دارند موشک باران می‌کنند تهران را، کجا را، شما اینجا نشسته‌اید، به داد برسید، مردم زده شدند توی صفها فحش می‌دهند و... گفتم بروید تذکر بدهید. گفت آقا شما چرا هیچ چیز نمی‌گویید؟ من هم نامه‌ای را که راجع به جنگ نوشته بودم برای ایشان خواندم. خدا شاهد است چند مرتبه گفت الحمدلله، آنچه را می‌خواستیم بگوییم شما گفته‌اید. گفتم نخیر تکلیف شما ساقط نشده است، من یک نفرم و شما همه بایستی به ایشان بنویسید. منظور این است که من تمام چیزهایی که می‌نوشتم قصدم این بود که اشکالات برطرف بشود.

احمد آقا یک روز آمد اینجا، گفتم تو حالا را نگاه می‌کنی من می‌خواهم صد سال دیگر هم سوژه و بهانه‌ای نسبت به انقلاب نداشته باشند. در آخرین ملاقاتم با مرحوم امام که احمد آقا هم آنجا نشسته بود و آقای سید هادی هم بود، من یادم هست که به امام گفتم: دل‌مان می‌خواست حضرتعالی با آن قداست و چهره ملکوتی که وارد ایران شدید که تمام ارگان‌ها، تمام طبقات به حضرتعالی عشق می‌ورزیدند، دل‌مان می‌خواهد آن قداست و آن چهره ملکوتی شما باقی بماند و کارهای خلافی که در زندان‌ها و در دادگاه‌ها و ارگان‌ها می‌شود این‌ها به حساب شما گذاشته نمی‌شد. من نمی‌گویم که در زمان پیغمبر(ص) و امام(ع) کار خلاف نمی‌شد، در زمان پیغمبر(ص) و امیرالمومنین(ع) هم کار خلاف می‌شد، برای اینکه کارگزاران آن‌ها که معصوم نبودند، اما هیچ وقت جرأت نمی‌کردند بگویند پیغمبر(ص) و علی(ع) دستور داده‌اند که این کارها را نکنیم، مخفیانه می‌کردند؛ ولی متأسفانه جوری شده است که در بعضی از ارگان‌ها و یا در زندان‌ها تندی‌هایی می‌شود، کارهایی می‌شود و می‌گویند نظر حضرت امام است! من از این رنج می‌برم که این‌ها را به حضرتعالی نسبت می‌دهند و چهره شما را ملکوک می‌کنند

و من دلم می خواهد تا صد سال دیگر هم یک جوری باشد که این ولایت فقیهی که بعد از هزار و چهارصد سال قدرت را در دست گرفته نقطه ضعفی نداشته باشد و نقطه ضعف‌ها به حضرتعالی نسبت داده نشود، به امام این را می گفتم و در آخرین ملاقاتم خدمت ایشان گفتم که ما دلما می خواهد آن قداست و آن چهره ملکوتی که شما دارید همان جور با عظمتش باقی باشد و نقطه ضعفی در این جهت نداشته باشیم. منظور این است که تمام تذکراتی که من به ایشان کتبا و یا شفاهاً می گفتم غرضم این بود که نقطه‌های ضعف برطرف شود، و من خیلی خوشوقتیم که بسیاری از تندی‌ها را به واسطه آن دادگاه عالی که اینجا تشکیل داده بودیم یا به واسطه چیزهای دیگر جلویش را گرفتیم.

یکی از بزرگانی که حالا اسمش را نمی برم ایشان در تهران از علماست، چهار پنج ماه پیش گفته بود که من خیلی دلم می خواهد فلانی را ببینم، بعد گفته بود که چند نفر از افراد رده بالای اطلاعات به من گفتند ما را در آن شرایط وادار کردند که گواهی بدهیم که بیت فلانی در اختیار منافقین قرار گرفته و منافقین به فلانی خط می دهند و ما هم متأسفانه این گواهی را دادیم آیا خدا از سر تقصیر ما می گذرد یا نه؟ آن آقا گفته بود پیش من آمدند و این شهادت را دادند. خلاصه مفتنین، آن‌ها که نمی خواستند انقلاب محفوظ بماند و شاید هم عناصر وابسته به خارج که لابلا باشند -چنانچه من یک وقتی به خود حضرت امام عرض کردم که آقا وقتی که در سازمان سیا، کا گ ب نفوذ می کند و در کا گ ب، سازمان سیا نفوذ می کند، شما احتمال بدهید که در ارگان‌های ما ایادی داشته باشند، البته بچه‌های خوب خیلی داریم ولی احتمال بدهید که یک عنصری باشند و آن‌ها بیایند خط بدهند -منظور این است که مفتنین کار خودشان را کردند و فتنه درست کردند و من شکر خدا را به جا می آورم که هیچ وقت نه مقام می خواستم و نه علاقه به مقام داشتم و نه دارم و همه هم بدانند من برای مقام هیچ وقت فعالیت نکردم، از هیچ کس و هیچ چیز هم نمی ترسم و وحشت ندارم الحمدلله، در آن وقتها که دائم ما را می گرفتند و زندان می بردند با خود می گفتیم حالا فرضاً اعدام کنند، خدا را گواه می گیرم که من یک ذره از اعدام وحشت نداشتم حالا هم الحمدلله نه ترس دارم نه طمع. اما مع ذلک برای انقلاب و اهداف انقلاب دلم می سوزد و اگر چنانچه مردم زده بشوند و کارهایی بشود از این جهت ناراحت می شوم. مثل ما مثل آن دونفر زنی است که سر بچه نزاع داشتند و آخر کار حکم شد بیایند بچه

را نصف کنید، آنکه به حق بود و مادر بود از حق خودش گذشت برای اینکه بچه تلف نشود. من حرف خیلی دارم بزنم اما اگر حرف نمی‌زنم و ساکت‌م نه از ترس است نه از طمع، خدا شاهد است می‌خواهم اصل انقلاب و اهداف انقلاب محفوظ بماند و حتی المقدور مردم اصل انقلاب و نظام را حفظ کنند، روی این اصل است که من ساکت هستم نه اینکه حرف نداشته باشم؛ آن وقت می‌بینم حق‌کشی‌هایی و خلاف واقع‌هایی انجام می‌شود.

این‌ها یک واقعیاتی است که برای شما می‌گویم، بسیاری از کسانی که تا ما می‌خواستیم فتوای امام را بگوییم می‌گفتند خمینی خمینی راه نیندازید اینجا ما می‌خواهیم کاسبیمان را بکنیم، حتی فتوای امام را نمی‌گذاشتند گفته شود، این‌ها خیلی‌هایشان حالا شده اند حامی انقلاب و به تعبیر امروزها فرصت طلبان، این‌ها حالا دارند خط می‌دهند و حافظ انقلابند و بچه‌هایی که مخلص انقلابند خیلی از آن‌ها به بهانه‌های مختلف باید توی زندان‌ها باشند، برایشان پرونده درست می‌کنند، خیلی‌هایشان حالا توی زندانند، آن وقت آن‌ها هم می‌گویند بله اصلاً ما یک نفر زندانی سیاسی در ایران نداریم! خب آقای بزرگوار مردم که می‌دانند. این حرف‌ها را که می‌زنند مصرف خارجی دارد می‌خواهند به خارجی‌ها بگویند ما زندانی سیاسی نداریم و الا خودشان که می‌دانند و مردم هم که گاه نخورده‌اند و می‌فهمند، می‌دانند که بچه‌های مخلص انقلاب تحت تعقیبند خیلی از آن‌ها برای یک چیزهای جزئی زندان می‌روند؛ آن وقت یک عده فرصت طلبی که اصلاً هیچ با انقلاب جور نبودند و اسم امام و انقلاب را نمی‌شد پیش آن‌ها برد و انقلاب و ما را مسخره می‌کردند این‌ها حالا شده اند حامی انقلاب و طرفدار انقلاب و برای بچه‌های انقلاب پرونده درست می‌کنند و تهدید می‌کنند.

من نسبت به بچه‌هایی که بی‌اطلاعند و خیلی از آن‌ها را تحریک می‌کنند تا ما را تحت فشار بگذارند، دوستان ما را تحت فشار بگذارند من نسبت به این بچه‌ها چون اطلاع ندارند گذشت می‌کنم، اما نسبت به آن‌هایی که می‌دانند قضایا از چه قرار است و می‌دانند که مفتنین چه کارهایی کردند و مع‌ذلک ساکتند من حساب آن‌ها را به خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت واگذار می‌کنم. ان شاء الله.

والسلام علیکم جمعاً و رحمة الله و برکاته.

(پیوست شماره ۱۶۰ داخل متن کتاب آمده است)

پیوست شماره ۱۶۱: مربوط به صفحات ۶۵۴ و ۶۶۹

قسمتی از سخنرانی معظم له در دهه فجر ۱۳۶۷

«... این ایام مصادف است با دهمین سالگرد انقلاب و صحبت از جشن گرفتن می باشد. من باید عرض کنم اگر جشن برای یادآوری اهداف و آرمان‌های اصیل انقلاب باشد و یک سری برنامه‌های آموزنده و سازنده تدارک شود به نحوی که همه ملت با ایمان و شوق برای عمران و ساختن کشور بسیج شوند و صدا و سیما و روزنامه‌ها در اختیار این گونه برنامه‌ها باشد تا افراد بتوانند هر نظر و فکر سازنده و یا آموزشی یا انتقادی دارند منعکس بکنند تا مردم رشد فکری پیدا کنند و به یاد اهداف انقلاب و شعارهای آن و خون شهدا و چاره جویی برای رفع کمبودها و تهیه برای مقابله با دشمنان اسلام بیفتند، این گونه جشن‌ها بسیار خوب و مطلوب است، ولی اگر جشن صرف چراغانی نمودن با این همه کمبود برق و خاموشی زیاد و یا گلباران نمودن و آذین بستن خیابان‌ها و مجسمه سازی و آب نما درست کردن مثلا و یکسری کارهای تشریفاتی بدون محتوا باشد این گونه جشن گرفتن با آن همه کمبود در کشور و خرابی زیاد که هنوز در شهرهای مرزی است به علاوه چند میلیون آواره جنگی، کمبود دارو در بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها و کالاهای مورد نیاز و ضرورت مردم، کار خلافی است، بخصوص اگر دست اندرکار این جشن‌ها مستقیما فرمانداری‌ها و شهرداری‌ها باشند. در این صورت دنیا به ما شاید بخندد و محکوم کند.

به نظر من در این شرایط که بیکاری و فقر در اثر جنگ زیاد است و کمبودهای زیاد در اکثر چیزها، کالاها و حتی برق و دارو وجود دارد باید هزینه قابل توجه این جشن‌ها و کارناوال‌های کذائی را که می خواهند راه بیندازند، صرف رفع کمبودها و یا سرزدن به خانواده‌های شهدا و معلولین جنگ و انقلاب و محرومین و خانواده‌های فقرا و رفع نیازهای آن‌ها بنماییم، و صدا و سیما هم به جای پخش چیزهای جلف و بی محتوا که با اخلاق و فرهنگ اسلام و انقلاب مغایر است به پخش برنامه‌های آموزشی و تربیتی و مسائل مربوط به عقاید و اصول دین و اخلاق اسلامی و نشر فرهنگ انقلاب بپردازد و اینطور نباشد که احساس شود روزنامه‌ها دولتی می باشد و یا مثلا صدا و سیما و

روزنامه‌ها انحصاری شده و در اختیار عده خاصی می باشد، این معنا غلط است. روزنامه‌ها و صدا و سیما متعلق به همه مردم است و هرکس انتقاد و یا نظر مثبتی برای رشد و ترقی کشور داشت باید بتواند آزادانه از روزنامه‌ها و صدا و سیما منتشر نماید. شما ملاحظه کنید ژاپن بعد از آن همه خسارت و نابودی که در جنگ جهانی دوم متحمل شد چگونه بعد از جنگ بیدار شد و فکر و استعداد ملت خود را به کار گرفت و به جای کارهای تشریفاتی و سرگرم کننده بی خاصیت، به عمران و سازندگی و آموزش کشور و رشد و تعالی اندیشه‌ها پرداخت، تا امروز که در صنعت از آمریکا هم جلوتر رفته است».

پیوست شماره ۱۶۲: مربوط به صفحات ۶۵۴ و ۶۶۹

متن کامل مصاحبه معظم له با ستاد دهه فجر، مورخه ۱۳۶۷/۱۰/۲

بسم الله الرحمن الرحيم

سؤال: در یک نگاه بی پرده و صادقانه اینطور به نظر می رسد که «انقلاب اسلامی» نیز همانند بسیاری از انقلابات معاصر در تحقق شعارها و خواسته‌های اولیه ناموفق بوده و در مواردی ناگزیر از همان مسیر و شیوه‌ها استفاده کرده (مانند قبول روابط با غرب، پذیرش نظام بین المللی و...) که سایرین نیز بهره جسته اند. حال به نظر حضرتعالی اشکال اساسی در کجا است؟ آیا این نظر صحیح است که در جهان بهم پیوسته کنونی باید به جای «انقلاب» به «اصلاح» فکر کرد؟

جواب: بسمه تعالی، اینکه دیده می شود انقلاب‌ها معمولاً دچار آفتها و بحران‌های داخلی و خارجی می شود و قهراً در تحقق اهداف اولیه و شعارهای اصولی خود موفق نمی شوند یک قانون جبری و الزامی الهی یا تاریخی نیست، بلکه محصول شیوه و عملکرد مسئولین و مدیران آن می باشد، و در انقلاب ما چون هدف پیاده شدن موازین اسلامی و ضوابط دینی و اخلاقی و حفظ حرمتها و حفظ حقوق محرومین بود و پشتوانه آن نیز ایمان و اعتقاد مردم و هماهنگی همه اقشار ملت بود اگر همان هدف تعقیب می شد و همان ایمان و اعتقاد مردم و هماهنگی آنان حفظ می شد به یقین انقلاب مسیر خود را طی می کرد و روز بروز شکوفاتر می شد؛ ولی متأسفانه ما به جای عمل و حفظ ارزش‌ها، بیشتر شعار دادیم و به جای بها دادن به مردم و حفظ آنان در صحنه روز بروز نیروی عاقل و فعال آنان را ناراضی و منزوی و از صحنه کنار زدیم، قهراً کارمان به جایی رسید که برای حفظ خود ناچار باید عملاً بر خلاف شعارهای اولیه خود قدم برداریم و همه ارزش‌ها را فراموش کنیم.

بنابراین «انقلاب» یک واقعیت است و برای تغییر نظامات طاغوتی و استکباری چاره ای جز انقلاب و دگرگونی همه جانبه نیست و تنها «اصلاح» چیزی را تغییر نمی دهد، چون اساس این نظامات خراب است. گرچه میزان موفقیت و پیروزی همه جانبه انقلاب‌ها منوط به رشد فکری و عقلانی ملت‌ها، شیوه و عملکرد و صداقت

مسئولین هر انقلاب می باشد و این روند همچنان ادامه خواهد داشت تا مزاج جهان برای یک دگرگونی اساسی و انقلابی جهانی به دست حضرت صاحب الامر (عج) آماده گردد و نظامات شرک و کفر و استبداد بکلی واژگون و جای خود را به یک نظام الهی عادل بدهند، ان شاء الله تعالی.

سؤال: در چند سال گذشته شاهد تحولاتی در زمینه «اندیشه راهنما» ی انقلاب و جمهوری اسلامی بوده ایم، قضاوت بسیاری آن است که برخی از آن‌ها عدول از موضعگیری‌های اولیه بوده است. آیا به نظر حضرتعالی این تحولات، همان «اجتهاد مستمر» است یا تجدید نظر در اصول؟

جواب: بسمه تعالی، اصطلاح «اجتهاد مستمر» مربوط به اجتهاد فقهاء در احکام است که باید با پیشرفتهای علمی و اجتماعی بشر همگام باشد تا بتواند پاسخگوی نیازهای بشری در تمام مراحل و دوره‌ها باشد، و خیال نشود که احکام اسلام منحصر به همان زمان‌های اولیه و دوران جهالت بشریت و نداشتن تمدن و صنعت و پیشرفت می باشد. در مورد «اصول» چه منظور، اصول اسلامی باشد یا اصول انقلاب اسلامی، باید توجه شود که در هر دو یک سری اصول ثابت و غیرقابل تغییر وجود دارد که باید دقیقاً شناخته و تبیین گردد و در این گونه اصول هیچ گاه تجدید نظر معقول نخواهد بود، و یک سنخ مسائل فرعی و تطبیقی است که بر حسب مقتضیات زمان و شرایط تغییرپذیر است، و در اجتهاد باید این دو سنخ مسائل از یکدیگر تفکیک شوند.

سؤال: جنابعالی به کرات این نکته را گوشزد فرموده اید که میان «حفظ ارزش‌ها» و «حکومت کردن» باید اصالت را به حفظ ارزش‌ها داد.

الف - به نظر حضرتعالی اهم این ارزش‌ها در چه اموری تبلور پیدا می کند؟
ب - آیا تصور نمی فرمائید در صورت پای فشردن برای حفظ ارزش‌ها بقای حکومت اسلامی خدشه دار خواهد شد؟

پ - به هر حال در نهایت این مشکل را چگونه باید حل کنیم؟
جواب: بسمه تعالی، این معنا که برای ما باید ارزش‌ها و اهداف اصولی انقلاب، ملاک و اصل باشد نه حکومت کردن به هر قیمت، چیزی است که از روش و سنت

روشن پیامبر اسلام (ص) و حضرت امیر (ع) در زمان حکومت خود به خوبی به دست می‌آید و باید روش آنان الگوی عملی باشد، و اینکه گاهی گفته می‌شود زمان ما را با این پیچیدگی شرایط و بهم پیوستگی دنیا و وجود انواع توطئه‌ها و حیل‌ها نمی‌توان به زمان پیامبر و حضرت امیر مقایسه نمود، یک انحراف و کج فهمی است. ارزش‌های اخلاقی و انسانی که ادیان و بخصوص اسلام برای تحقق آن‌ها تشریح شدند چیزی نیست که قابل تغییر باشد. عدالت، مساوات، حفظ حقوق و حرمتها، خدمت به نوع، وفاء به عهد، صداقت، کرامت، فداکاری، عفو، گذشت و امثال این‌ها در هر زمانی مطلوب است و خواسته انسان‌ها می‌باشد. به علاوه با پیچیدگی شرایط فعلی دنیا ساختار ذهنی و فکری مسلمانان در شناخت و درک اسلام نیز قهراً پیچیده و عمیق خواهد شد و بر مقیاس همان پیچیدگی شرایط کنونی، مجتهدین و اسلام‌شناسان روز، دستورات و قوانین متنوع و پیچیده‌ای را بر اساس اصول ثابت و روشن اسلام که از قرآن و حدیث و روش معصومین علیهم السلام استنباط می‌کنند برای اداره جوامع کنونی ارائه خواهند داد و ارزش‌های مورد سؤال همان‌هایی است که به خاطر آن‌ها انقلاب کردیم و در شعارها به مردم وعده می‌دادیم، و تشکیل حکومت و به دست گرفتن قدرت برای تحقق همین ارزش‌ها و اهداف است و به اصطلاح حکومت «وسیله» است نه «هدف»، هدف حفظ ارزش‌هاست؛ و این معنی در کلمات حضرت امیر (ع) و امام حسین (ع) زیاد دیده می‌شود و مشی سیاسی این حضرات از اول تا لحظه شهادت، در تمام مراحل و در برخوردها با اقلشار مختلف و دشمنان گوناگون خود بهترین الگو برای ما می‌باشد.

آن حضرات در شرایطی قرار گرفتند که بین ماندن و حکومت کردن و یا حفظ ارزش‌های الهی و پابندی به آن‌ها مخیر بودند، ولی آنان حفظ ارزش‌ها را انتخاب نمودند و به همین دلیل روش آنان در تاریخ ماند و برای همیشه و همه افراد تا روز قیامت الگو و نمونه شد؛ و گرنه اگر حکومت کردن ولو به قیمت مسامحه در اهداف و ارزش‌ها را انتخاب نموده بودند هیچ‌گاه در تاریخ این چنین سرمشق و حرکت‌آفرین و تحول‌زا نمی‌شدند. به هر حال این مشکل یعنی انتخاب حکومت و یا ارزش‌ها را باید همانند پیامبر (ص) و حضرت امیر (ع) و امام حسین (ع) حل نمود، و این معنی منوط به این است که اولاً روش سیاسی و حکومتی آنان را درست بشناسیم و ثانیاً عمل کنیم و واقعاً سیره

آنان را محور و الگوی فکری و عملی خود قرار دهیم.

سؤال: شورای مصلحت نظام که از سوی حضرت امام به منظور تصمیم گیری نهائی در حل مسائل کشور تشکیل گردیده است از دیدگاه برخی همان «استحسان و مصالح مرسله» است که در بحث‌های فقهی اهل سنت مورد استناد می باشد. نظر حضرت‌تعالی در این مورد چیست؟

جواب: بسمه تعالی، شورای مصلحت از مقوله استحسان و مصالح مرسله نیست، این‌ها مربوط به شیوه‌های فقهی اهل سنت است. شورای مصلحت را از اول امام مدظله برای حکمیت بین مجلس و شورای نگهبان تعیین کردند، گرچه گفته شد بعداً محدوده آن را تعمیم دادند، ولی به هر حال چون نهادی است بر خلاف قانون اساسی و بر اساس ضرورت‌های روز و جنگ تاسیس شد، باید همان گونه که حضرت امام در جواب نمایندگان فرمودند تمام کارها در آینده بر اساس قانون اساسی و حول آن انجام شود.

سؤال: حضرت‌تعالی در رهنمودهایی که ارائه فرموده اید از سوئی به واگذاری نقش بیشتر به مردم و نیز حمایت از اقتصاد آزاد و تجارت آزاد تاکید فرموده اید. الزام این امر قبول بازار اقتصاد جهانی و نظام بین المللی است که امنیت و نیز امکان این مبادلات را فراهم می سازد، از سوی دیگر در مسائل مربوط به سیاست خارجی و جنبشهای آزادیبخش حضرت‌تعالی معتقد به مبارزه با امپریالیزم و تشکیل هسته‌های مبارزاتی به منظور ضربه زدن به منافع امپریالیستها و حمایت بی دریغ از جنبشهای آزادیبخش هستید. به نظر حضرت‌تعالی این دو امر چگونه قابل جمع هستند؟

جواب: بسمه تعالی، مقصود از آزادی در تجارت، شیوه غربی آن نیست، بلکه مقصود همان است که کراراً امام اشاره کرده اند که باید به مردم بیشتر بها داده شود و دولت خود را درگیر اموری که دست مردم است نکند و با نظارت و برنامه ریزی صحیح دست مردم را در تجارت و داد و ستد باز بگذارد و تنگ نظری نکند تا اولاً استعدادهای مردمی بکار افتد و جریان تجارت رونق یابد و ثانیاً دولت به کارهای اساسی خود برسد. البته این معنی منافاتی با کنترل بیشتر دولت در زمان جنگ و کمبود اجناس و احیاناً

کوپنی کردن بعضی چیزها که به اندازه نیاز موجود نیست ندارد. بنابراین مساله حمایت از نهضت‌های اسلامی و تشکیل هسته‌های مقاومت در دنیا برای مبارزه با امپریالیسم هیچ ربطی و منافاتی با آزادگذاشتن مردم در تجارت و تولید و تشویق آنان و دادن امکانات به آنان و برنامه ریزی نمودن برای صدور و ورود اجناس بر حسب نیاز کشور و منافع اقشار مردم ندارد، و خلاصه کلام اینکه در تولید و صنعت و توزیع بجاست دولت ناظر و کنترل کننده باشد نه مباشر.

سؤال: عده ای را عقیده بر این است که از مبرم ترین اقدامات در حوزه‌ها تغییر در ساختار آموزش آن‌هاست، به این معنا که ابزار موجود در سیستم آموزشی فعلی برای رسیدن به استنباط حکم منطبق بر نیازهای جهان کنونی نیست، به زبان دیگر علوم انسانی مانند (اقتصاد، سیاست، جامعه شناسی و...) را باید در نظام آموزش حوزه وارد کرد. حضرتعالی این نظر را چگونه ارزیابی می کنید؟

جواب: بسمه تعالی، این معنا که ساختار آموزشی حوزه‌ها همزمان با نیازهای جدید و مکاتب گوناگون و تحولات علمی و صنعتی باید متحول شود و مسائل مستحدثه روز مورد تجزیه و تحلیل علمی و فقهی قرار گیرد، قابل شک نیست. البته نه به این معنا که از اهمیت فقه و اصول کاسته شود، هرگز؛ فقه و اصول باید به همان اهمیت گذشته مورد توجه باشد، ولی بسیاری از علوم دیگر که در گذشته مطرح نبوده هم باید در بافت نظام آموزشی حوزه‌ها قرار گیرد تا حوزه‌ها بتوانند پاسخگوی نیازهای جدید و مشکلات تازه فکری و عملی جوامع باشند.

در مورد مسائل فقهی هم باید توجه شود که در گذشته فقهای عظام ما رضوان الله علیهم در فضای انزوا از سیاست و حکومت به اجتهاد و استنباط بسیاری از احکام پرداخته بودند و در حالی که مساله حکومت در بافت نظام احکام اسلامی ملاحظه شده است، فقهای ما به دلیل دوربودن از حکومت و قدرت، بسیاری نکات و حقایق مربوط به آن را مورد توجه قرار نداده اند و در حقیقت کمتر درصدد ارائه فقه برای حکومت و اداره شئون مختلف زندگی مردم بوده اند، گرچه مواد خام مسائل حکومت را با اشکال مختلف و در حد اختصار مطرح نموده اند. ولی چون از حکومت دور بودند در فکر چاره جوئی و استنباط فقه حکومت و سیاست نبوده اند و امروز با رفتن

طاغوت و بوجود آمدن امید برای تشکیل حکومت اسلامی در همه ابعاد و زمینه‌ها وظیفه حوزه‌های علمیه، سنگین تر از گذشته می باشد و باید هم در زمینه آموزش کلی حوزه‌ها و هم در استنباط فقهی مسائل سیاسی و اقتصادی و قوانین حقوقی و جزائی و غیره یک تحولی بوجود آورد و مسائل جدید و محل ابتلاء اعم از فکری و عملی بخصوص در دائره حکومت اسلامی از همان ماخذ و منابع اسلامی استخراج و استنباط گردد، اگر این مهم به شکل لجنه ای و گروهی شروع شود موفقیت و آثار مثبت آن بیشتر و دقیق‌تر خواهد بود.

سؤال: به نظر حضرت‌تعالی آیا زمان آن نرسیده که یک تحول جدی و اساسی در سبک «رساله نویسی» از سوی مراجع بوجود آید؟ اگر چنین است، این تحول چگونه باید صورت پذیرد؟

جواب: بسمه تعالی، در مورد تحول در سبک رساله‌ها باید گفت اگر تحول در نظام آموزشی و شیوه فقهی و استنباط مسائل مستحدثه رخ داد قهراً در سبک رساله‌های عملیه هم تحولی مناسب با زمان و نیازهای جدید نسل معاصر با انقلاب رخ خواهد داد، ان شاءالله تعالی.

سؤال: آنچه تاکنون مطرح بوده است این است که «تشخیص موضوع شان فقیه نیست»، آیا با یکی شدن رهبری سیاسی و دینی همچنان می توان بر این اصل تکیه نمود؟

جواب: بسمه تعالی، با یکی شدن رهبری دینی و سیاسی، فقیه نیز از بعد اینکه یک فرد از جامعه می باشد می تواند در تشخیص موضوع دخالت کند و نظر بدهد؛ ولی با توجه به تنوع موضوعات مختلف و پیچیدگی آن‌ها و نیاز به کارشناسی در اکثر موضوعات محل ابتلاء در حکومت اسلامی، باید فقیه در هر موضوعی به اهل خبره آن موضوع که از افراد عاقل و بی غرض متعهد و بصیر باشند مراجعه نماید و از این لحاظ خود نیز می تواند با اهل خبره به مشورت و تبادل نظر بنشیند؛ و این معنا عملی نمی شود مگر با دادن امکانات و آزادی اظهارنظر به خبرگان هر موضوعی و انتقال نظریات آنان به فقیه، تا او پس از اطلاع کامل از نظریات مختلف بتواند به نظری صائب

در موضوعات برسد، در غیر این صورت از خطر اشتباه و دورماندن از واقعیات جامعه و متضرر شدن مردم و بدبینی آنان به اسلام و روحانیت نباید غفلت شود.

سؤال: تحولات سال‌های اخیر در زمینه‌های مختلف فکری و عملی، به اثبات نرسیدن ادعاها و شعارها، چندگانگی نظرات و... نوعی سرخوردگی و حیرت را در میان نسل جوان که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند پدید آورده، با توجه به اینکه این وضعیت خطر مذهب‌گریزی و پوچی را به دنبال دارد چه توصیه‌ها و پیشنهادهایی برای این معضل اجتماعی ارائه می‌فرمائید؟

جواب: بسمه تعالی، از اینکه نتوانسته ایم به تمام شعارها و اهداف انقلاب جامعه عمل بپوشانیم نباید مایوس شویم. باید به جای یاس و سرخوردگی به علل و رمز اصلی عدم موفقیت پی برد و چاره‌ای اندیشید. البته من به نسل جوان فداکار و انقلابی حق می‌دهم که بین آنچه بدست آورده با آنچه قرار بود بدست آورد و به او وعده می‌دادیم فاصله زیادی وجود دارد. ولی باید فکر کرد و به جنگ مشکلات رفت و اگر هم ناخالصی و بی‌صدافتی و یا بی‌کفایتی می‌بیند مایوس نشود و از طریق جدال «بالتی هی احسن» افکار و نظریات خود را به مسئولین و دست‌اندرکاران کشور و انقلاب تذکر دهد. از مسئولین نیز انتظار می‌رود به این خطر بزرگ توجه نمایند و کاری نکنند که نسل جوان ما بکلی از دست برود و به جایی برسیم که اعتمادشان و ایمانشان را به طور کلی به روحانیت و انقلاب و یا خدای ناکرده به اسلام از دست بدهند و بدانند باید در دادگاه عدل الهی و تاریخ آینده جوابگو باشند.

سؤال: برای مشکلات و نارسائی‌هایی که در ۱۰ سال گذشته بوجود آمده است عده‌ای به ذکر عوامل پرداخته‌اند، مانند: نارسائی اندیشه مذهبی برای اداره جامعه و حکومت اسلامی، عدم لیاقت کافی مجریان امور، بکارگیری شیوه‌های غلط، عدم حاکمیت واقعی مردم در سرنوشت سیاسی جامعه و نیز فشارهای بین‌المللی؛ به نظر حضرتعالی کدام یک از این عوامل نقش برجسته‌تری را ایفا کرده‌اند؟

جواب: بسمه تعالی، پنج عاملی که برای نارسائی‌ها و مشکلات کنونی برشمرده شد، هر کدام در جای خود درست و قابل توجه است. البته نارسائی اندیشه مذهبی را

به این معنا باید گفت که چون فقه شیعه تاکنون برای حکومت و اداره جامعه مطرح نبوده، طبعاً یک سری تنگناها و نارسائی‌هایی در آن وجود دارد که باید با بینش جدید حکومتی و انقلابی آن نواقص برطرف شود. البته آنچه مورد نیاز بشر می باشد بطور پراکنده در آیات و روایات ذکر شده که باید با بینش عمیق و انقلابی مورد بررسی و شناخت قرار گیرد و مسائل مورد ابتلاء حکومت اسلامی از آن‌ها و سیره پیامبر و ائمه اطهار استنباط گردد، و در مورد سایر عوامل باید گفت متاسفانه شیوه‌های غلط مدیریت کشور و نبودن کارها معمولاً به دست اهلش و افراط و تفریطها و خود محوری‌ها و انحصار طلبیها و خط بازی‌ها و گروه گرائیها و حق کشی‌ها و بی عدالتیها و بی اعتنائی به مردم و ارزش‌های اصیل انقلاب تاکنون بیشترین ضربه را به انقلاب زده است، که اگر تا دیر نشده جبران نشود دیگر قابل جبران نخواهد بود.

درست است که فشارهای بین المللی و جنگ تاکنون ضایعات و خسارات زیادی برای ملت و انقلاب ما داشته است، ولی اگر ما به همان وحدت کلمه اسلامی و ملی که قبل از پیروزی داشتیم برگردیم و انقلاب را در انحصار جناح خاصی قرار ندهیم و هر فرد و جناحی که به انقلاب و کشور و نظام و رهبری معتقد بود به فکرش بها و ارزش دادیم و تمام نیروهای خلاق کشور را بدور از تنگ نظری‌های گذشته در بازسازی کشور سهیم نمودیم، به یقین بر تمام مشکلات داخلی و خارجی فائق خواهیم شد، و در این صورت دیگر دولت‌های بیگانه شرق و غرب چشم طمع به کشور و ذخائر و منابع آن نخواهند داشت و ما می توانیم با اتکاء به نیروی عاقله و فعال کشور از وعده و وعیدهای متخصصین و مشاورین خارجی بی نیاز باشیم.

بنابراین قبل از هرگونه بازسازی کشور باید در بینش اداره کشور و کیفیت آن و بازسازی سیاسی و فکری مدیریت انقلاب و کشور تحولی بوجود آید، و این انتظاری است که همه اقشار و طبقات مردم از مقام معظم رهبری که تاکنون انقلاب را در لحظات حساس رهبری نموده اند دارند.

والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله و برکاته.

(پیوست‌های شماره ۱۶۳ و ۱۶۴ داخل متن کتاب آمده است)

پیوست شماره ۱۶۵: مربوط به صفحات ۶۶۲ و ۶۹۰ و ۷۴۶

نامه معظم له به امام خمینی به مناسبت ایراد برخی اتهامات و شایعات در جراید و مطبوعات، مورخه ۶۸/۲/۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام و تحیت و تبریک به مناسبت عید سعید فطر به عرض می رساند: نسبت به مسائل اخیر که در نوشتجات و سخنرانی‌ها و جراید تعقیب می شود بنا بر سکوت و محول نمودن امور به خدا داشتم، ولی چون ممکن است ابهاماتی وجود داشته باشد سکوت مطلق را روا ندیدم و امرم دائر بود بین نامه نوشتن به حضرتعالی یا خطاب به مردم که استخاره با قرآن شریف با اول مساعدت کرد لذا ناچار شدم مصدع شوم؛ و هر چند برای حضرتعالی خواندن نامه من بسیار تلخ است ولی اجازه دهید نامه کسی که حدود چهل سال افتخار شاگردی و تعقیب اهداف حضرتعالی را داشته چند دقیقه وقت شما را اشغال کند:

۱ - من از همان اول مبارزات که به رهبری حضرتعالی شروع شد صادقانه همچون سربازی فداکار انجام وظیفه می کردم و در همه مراحل و سختی‌ها خود و خانواده و فرزندانم استقامت کردیم، بر کسی هم منت ندارم که پاداش دهنده اعمال خداست.

و الان نیز اهداف انقلاب و پیاده شدن اسلام اصیل با گوشت و پوست من عجین است و یک قدم هم عقب نشینی نکرده ام و از مسیر انقلاب جدا نیستم منتها به قدر شرائط و امکانات؛ و اگر در ضمن صحبت‌ها می گفتم: «من در کنارم» برای رفع مسئولیت در مقابل مراجعات و توقعات و انتظارات زیادی بود که قادر بر انجام آنها نبودم، و بسا بعضی از مراجعین را ذی حق هم می دانستم. چطور می شود من مخالف نظامی باشم که چهار سال است با تدریس ولایت فقیه در حوزه به نظر خودم پایه‌های علمی آن را محکم کرده ام؟!!

۲ - تعیین من به عنوان قائم مقام رهبری از همان ابتدا بر خلاف نظر و میل من بود و به مجلس خبرگان هم همان اول نوشتم، و به طور کلی من شخصاً به پست و مقام علاقه نداشته و ندارم مگر اینکه وظیفه شرعی ایجاب کند. در نامه حضرت امیر(ع) به

استاندار آذربایجان آمده است: «ان عملک لیس لک بطعمه و لکنه فی عنقک امانه» (نهج البلاغه، نامه ۵) و قهراً انسان عاقل حتی المقدور از تحمل امانت و مسئولیت سنگین گریزان است مگر اینکه ناچار باشد. چنانچه هیچ وقت آرزوی مرجعیت هم نداشته ام تا اینکه حساب کنم چه افشاری به من می گروند یا نمی گروند. من اگر شرعاً جائز بود از اجتماع و اجتماعات به طور کلی منزوی می شدم.

۳ - من حتی یک دقیقه با منافقین همکاری نداشته ام. برخوردهای تند ما با آنان در زندان و پس از انقلاب بر همه روشن است. اینان علاوه بر انحراف فکری و اخلاقی و نداشتن عواطف انسانی سرمایه‌های انقلاب و چهره‌های ارزنده آن و از جمله فرزند عزیز من را از ما گرفتند، و هزاران افراد بی گناه را به شهادت رساندند، و در جنگ تحمیلی با دشمنان ما همگام و همصدا شدند. با این وضع کدام انسان عاقل و متعهدی به آنان اعتماد می کند و حاضر است با آنان همکاری کند؟

راستی حضرتعالی تصور می کنید که من یا حتی افراد بیت من، منافقین و یا لیبرالها را بر مسئولین فعلی نظام که نوعاً از دوستان و همکاران صمیمی من هستند مقدم می دانیم، و اگر به بعضی از مسئولین اعتراض شود این به معنی مقدم داشتن منافقین و لیبرالها است؟!

۴ - کانال اطلاعاتی من نه منافقین بودند و نه لیبرالها، من علاوه بر خواندن نامه‌های مختلف مردم و بولتن‌های خبری کشور هر روز با اقشار مختلف مردم از وزرا و نمایندگان مجلس و فرماندهان ارتش و سپاه و سایر ارگان‌ها و ائمه جمعه شهرستان‌ها و مردم عادی کشور ملاقات داشتم، و همه آنان اشکالات و شکایات را مطرح می کردند و به خیال خودشان از من چاره جوئی می کردند، آیا اینان همه نفوذی بودند؟! من با اینکه با دکتر پیمان هم زندانی بودم حدود چهار سال است ایشان را ندیده ام و از او و کارش هیچ خبر ندارم، آقای مهندس بازرگان حدود یک سال و نیم قبل یک مرتبه به منزل من آمده و ظاهراً آقایان صباغیان و توسلی با ایشان بودند، و آقای دکتر یزدی هم دوبار یا سه بار در ظرف چندین سال به منزل من آمده، و معمولاً صحبت‌های آقایان مربوط به محل حزب و روزنامه شان که توقیف است و برخوردهائی که با آنان می شده دور می زده است، و مرحوم دکتر سامی با اینکه در رژیم سابق هم به من و هم به بسیاری از طلاب و مبارزین خدمات شایانی کرد پس از زمان وزارتش در بهداری من اصلاً او را

ندیدم تا کشته شد، فقط یک مرتبه که کتک خورده بود در محل حزبشان به وسیله نامه از من استمداد کرده بود که من نه جواب دادم و نه کاری از من ساخته بود که برایش انجام دهم.

و معمولاً آقایان طالب ملاقات، پس از چند مرتبه تلفن به مسئول ملاقات و دفع الوقت من بالاخره از قِبَل خود من وقتی به افراد داده می شد، بیت من نه در اختیار منافقین بوده است و نه اینکه لیبرالها آنجا صف کشیده بودند به نحوی که جای دیگران در آنجا نباشد چنانچه در سخنرانی‌ها گفته شد. مسئول ملاقات که قبلاً آقای امیری بود و فعلاً آقای متقی است از خود من سؤال می کرد، افراد دیگر بیت در ملاقاتها هیچ نقشی نداشتند. البته نظر من به طور کلی در ملاقاتها نسبتاً وسیع است و معتقد بودم انسان باید همیشه حرف‌ها را از موافق و مخالف بشنود تا بهتر بتواند تصمیم بگیرد.

آیا خدا راضی است بیتی که همیشه در مسیر انقلاب قدم برمی داشته و در مسائل اسلامی و انقلابی ایران و لبنان و فلسطین و هندوستان و افغانستان و آفریقا و اروپا و امثال ذلک به نفع اسلام و انقلاب فعالیت داشته و اظهارنظر می کرده و اهداف انقلاب و مقام معظم رهبری را تعقیب می کرده و فرضاً گاهی هم بر حسب احساس و وظیفه و از روی دلسوزی اشکالاتی را هم تذکر می داده است و همیشه مورد حمله ضدانقلاب بوده یکدفعه به اتهام واهی نفوذ و نفوذیها مورد بی مهری واقع شود؟!

آیا شایعات بی اساس و یا بافته‌های سید مهدی که معلوم نیست در چه شرائطی و با چه انگیزه‌هایی این مقدار رطب و یابس به هم بافته صحیح است ملاک قضاوت‌ها واقع شود؟!

و شاید او چون از ناحیه نظام ضربه خورد می خواسته است انتقام بگیرد و نیروهای فعال نظام را به یکدیگر بدبین کند - چنانچه شد - آیا درست است ما به بافته‌های او ترتیب اثر بدهیم؟! اصلاً در آن شرائط اعترافات آدم مورد اعتماد هم شرعاً منشأ اثر نیست تا چه رسد به اعترافات مثل او. حالا من در شناخت او اشتباه کرده بودم و ماهیت او برای من شناخته نبود - و کم لذلک من نظیر لیس هنا محل ذکرها - آیا آقایانی که او را شناخته اند و بر تناقض گوئیهای او واقفند صحیح است با بافته‌های او معامله وحی منزل کنند، در صورتی که اشاعه کذب هم حکم کذب دارد مخصوصاً اگر موجب

بدبینی‌ها و دشمنی‌ها گردد؟! و علی فرض الصدق ما کل ما یعلم یقال، ولا کل ما یقال یکتب فی الاوراق و بیث فی الافاق.

جا داشت آقایان به آیه شریفه: «ان جائکم فاسق بنبا فتبینوا ان تصیبوا قوما بجهاله فتصبخوا علی ما فعلتم نادمین» توجه می کردند. به علاوه چرا نامه‌های او به من و به برادرش را به ما نرساندند تا موجب شناخت و آگاهی ما گردد ولی در اختیار بعضی افراد دیگر قرار گرفته بود؟ ضمناً سید مهدی یک روز هم عضو دفتر و بیت من نبود، این مطلب را همه کسانی که در قم با دفتر و بیت من سر و کار دارند می دانند، او فقط از طرف من مسئول نهضت‌ها بود و مرکز جدائی داشت، و وقتی که من فهمیدم روی او حساسیت هست به او پیغام دادم به بیت من رفت و آمد نکند، البته تا قبل از مصاحبه او از او دفاع می کردم ولی پس از مصاحبه او طی نامه ای به حضرتعالی از او کاملاً تبری جستیم و از موضع گیری‌های حضرتعالی نسبت به او تشکر کردم که لابد حضرتعالی اجمالاً به یاد دارید و صورت آن ضمیمه است. بالاخره شخص من پس از این حوادث نفس راحتی کشیدم، و در این ماه مبارک رمضان علاوه بر انجام وظائف عبادی ماه، بیش از هر ماهی دیگر به کارهای علمی اشتغال داشتم و لذت هم بردم -خدا را شکر- و پدر من هم پس از شنیدن جریان خدا را شکر کرده بود که مسئولیت از من برداشته شده است. ولی آیا صحیح بود که با بزرگ کردن بافته‌ها و القانات برای رهبر معظم ذهنیتی درست کنند که موجب ناراحتی شدید ایشان گردد. و جلو فعالیت‌های اسلامی من هم گرفته شود، و دشمنان اسلام و انقلاب در داخل و خارج خوشحال شوند و برای توده مردم هم مساله ایجاد کنند؟! من به سهم خود فرضاً از غیبت‌ها و اهانت‌ها بگذرم ولی از تهمت‌ها و اشاعه اکاذیب هرگز نمی گذرم. و چون معتقدیم روزی به گفته‌ها و نوشته‌ها و همه حساب‌ها رسیدگی می شود برای شخص خودم هیچ ناراحت نیستم.

از باب مثال عرض می کنم: در نامه بعضی از آقایان آمده بود که دختر من در حضور من عکس حضرتعالی را پاره کرده است. به همه مقدسات عالم این امر دروغ محض است، حالا فرض می کنیم این امر راست باشد آیا پخش آن به قداست حضرتعالی هم لطمه نمی زند؟!

من طلبه فرضاً مقصر باشم آیا باید به اسم دفاع از مقام معظم رهبری کاری کرد که مردم به فقه و روحانیت و به همه چیز بدبین شوند؟! یا مثلاً آقای سید هادی قبل از

ماه رمضان در اثر بحران از قم به قصد مشهد رفت ولی بعداً ترسیده بود و به مشهد نرفته بود تا اول ماه رمضان برای روزه‌ها به قم آمد و به منزل من هم رفت و آمد نداشت ولی دیدیم در بولتن مجلس به مشهد رفتن او را و چند سخنرانی هم از او نوشتند و یکی از مسئولین مشهد هم تایید کرده بود، و شاید در بولتن‌های دیگر هم نوشته باشند، این است سنخ اخبار و شایعات!!

فی روضه الکافی (ج ۸ ص ۱۴۷) بسنده عن ابی الحسن الاول(ع) قال: قلت له: جعلت فداک الرجل من اخوانی یبلغنی عنه الشی الذی اکرهه فاساله عن ذلک فینکر ذلک و قد اخبرنی عنه قوم ثقات؟ فقال لی: یا محمد کذب سمعک و بصرک عن اخیک، فان شهد عندک خمسون قسامه و قال لک قولاً فصدقه و کذبهم، لاتذیعن علیه شیئاً تشینه به و تهدم مروته فتکون من الذین قال الله فی کتابه: «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم»، و فی اصول الکافی (ج ۲ ص ۳۵۵) بسند صحیح عن ابی عبدالله(ع) قال: قال رسول الله (ص): «لاتطلبوا عثرات المومنین فان من تتبع عثرات اخیه تتبع الله عثراته، و من تتبع الله عثراته یفضحه ولو فی جوف بیته» الی غیر ذلک من الاخبار الوارده فی هذا المجال.

۵ - صحبت‌هایی که من می‌کردم یا نامه‌های مختلفی را که در موضوعات مختلف به حضرت‌عالی می‌نوشتم خدا را گواه می‌گیرم که هدفی جز خدمت به اسلام و انقلاب و موقعیت مقام رهبری و ولایت فقیه نداشتم، و النصیحه لائمہ المسلمین را یکی از وظائف مهم همه مسلمین می‌دانستم. البته مدعی عدم خطا و اشتباه هم نیستم که برحسب حدیث نبوی: «کل ابن آدم خطاء فخییر الخطائین التوابون»؛ ولی طبق تشخیص خودم سعی داشتم به وظیفه خود عمل کنم، و در عین حال اگر حضرت‌عالی جداً به من می‌فرمودید تو دیگر حق نداری صحبت کنی من هرگز تخلف نمی‌کردم. نامه من به حضرت‌عالی راجع به اعدام‌ها مورخه ۶۷/۵/۹ در اثر اطلاعاتی بود که از بعضی تندروی‌ها و تندرورها در زندان‌ها داشتم، و هدفی جز حفظ حقوق و حریم اسلام و انقلاب و مقام معظم رهبری نداشتم، نه نفوذی در کار بود و نه محرکی. پس از اطلاع از دستور اعدام‌ها به وسیله بعضی از قضات که خودشان جداً ناراحت بودند و برای چاره جوئی به من مراجعه کرده بودند من شب تا به صبح به جای خواب به عواقب کار می‌اندیشیدم و در روز بعد با آقایان قاضی خرم آبادی و سید هادی هاشمی مشورت

کردم هر دو آنان با نامه نوشتن به حضرتعالی مخالف بودند به عذر اینکه امام ناراحت می شود و به خیال خودشان مرا قانع کردند؛ ولی من پس از خواندن نماز ظهر و عصر و صرف غذا فکر کردم با وصفی که من اطلاع دارم تندروی هائی می شود و به حریم اسلام و مقام معظم رهبری لطمه خواهد زد، در اثر احساس وظیفه نامه را نوشتم، و چون شورایعالی قضائی را در این قبیل موضوعات مسئول می دانستم فتوکی آن را هم برای شورا فرستادم، و پس از ارسال نامه‌ها به تهران به منزل آقای سید هادی تلفن زدم که ایشان به بیت حضرتعالی تلفن کنند که نامه را دریافت کنند و ایشان با استعجاب گفت مگر بنا نشد نامه ننویسید؟ و ضمناً من به دست خود به بعضی از قضات که به حالت اعتراض مراجعه می کردند و به نظر من مورد اعتماد بودند رونوشت نامه‌ها را دادم، حالا پس از هفت ماه به خارج سرایت کرده افراد بیت من هیچ گناهی ندارند و جوسازی علیه آنان گناه است.

نامه به آقای نخست‌وزیر را هم من به دست خود حضوراً به حضرات آقایان موسوی اردبیلی، خامنه‌ای، هاشمی، حاج احمد آقا و نخست‌وزیر در منزل خودم در یک شب با تقاضای آقایان به همه دادم که بعداً شنیده شد فردای همان شب رونوشت نامه دست یکی از نمایندگان مجلس بوده و به وسیله او هم به افراد داده شده، نه نفوذی در کار بوده و نه منافق و لیبرالی واسطه بوده است. و اساساً چرا ما باید اگر مطلبی را حق و وظیفه می دانیم از ملتمان کتمان کنیم؟ البته نقشه‌های نظامی باید مخفی باشد که به دست دشمن نیفتد.

۶ - با همه این مسائل که اجمالاً بدون اعمال فنون دیپلماسی و با صراحت لهجه ای که از خود استاد بزرگوار رهبر انقلاب آموخته ام بیان شد در نامه ای که در تاریخ ۶۸/۱/۴ پیرو پیام حضرتعالی به مهاجرین جنگ تحمیلی قبل از حادث شدن مسائل من به حضرتعالی نوشتم، چنین نوشتم: «اینجانب تا حال معتقد بودم که تذکرات و انتقادات من نه فقط موجب تضعیف نظام نمی شود بلکه از نظر اینکه اکثریت مردم را امیدوار ساخته و مسئولین را نیز در صدد رفع نواقص و توجه بیشتر به مسائل می سازد، موجب تقویت انقلاب و نظام هم می باشد. مع ذلک اگر حضرتعالی تشخیص می دهید که این شیوه به مصلحت نیست و موجب تضعیف نظام و انقلاب می باشد اینجانب شرعاً نظر حضرتعالی را بر نظر خود مقدم می دانم و هیچگاه غیر از خیر اسلام

و انقلاب را در نظر نداشته‌ام». پس من هیچ‌گاه داعیه مقابله با نظام یا خدای ناکرده مقابله با حضرتعالی را نداشته‌ام. ضمناً نامه فعلی من مرتجلاً نوشته شد و احدی به من القا نکرده و برای احدی هم تا حال آن را نخوانده‌ام تا مبدا باز به گردن بیت و نفوذ و نفوذی گذاشته شود، و معلوم شود که من حرف‌های خودم را می‌زنم نه حرف‌های دیگران را؛ حرف زیاد دارم ولی بیش از این صحیح نیست حضرتعالی را خسته کنم. سلامت و طول عمر و توفیق بیشتر حضرتعالی را از خدای بزرگ مسئلت می‌نمایم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۲ شوال ۱۴۰۹ مطابق ۶۸/۲/۱۸

حسینعلی منتظری

۱۳۰
ص
تاریخ
بسم الله الرحمن الرحيم
حضرت مبارک آية الله العظمى امام خمين مد ظله العالی

ص

بسم الله الرحمن الرحيم
حضرت مبارک آية الله العظمى امام خمين مد ظله العالی

س از سلام و تحیت و تبریک بنا بست عید سعید فطر بعین سرساند: نسبت به این عید که در نوشته ها و سخنرانیها و برآورد
تعمیق شکر دنیا، بر سرکوت و محو شدن امور دنیا است، و این چون ممکن است ایها ما که بعد از آن با سرکوت لظن را در اندیشه
و احرام دار بود بین نامه نویسی بجز حضرت آ یا خطاب بمردم که آ شماره با قرآن شریف با اول سعادت کرد که (ناچار) هم صدق و بزم
و هر چند برای حضرت آ خواندن نامه عز بسیار تلخ است و این حال دهنده نامه کسی که حدود و حدود سال انتشارش کردی و تعقیب این
حضرت آ را داشته چند دقیقه وقت هم را اشغال کند:

۱- سخن از زبان اول مبارک است که بر همین حضرت آ شروع شد و حدیثی که در همین سر بازی فدای کار انجام و توفیق میگردم و در هر روز
و سخنها خود و خانواده و فرزندانم اهتمام کردم، بر کسی هم منت ندارم که یاد آن در هفتاد سال خدا هست.

۲- الان نیز بداف انقلاب و پیاده شدن اسلام سعید با گوشت و پوست عزیمت است و بعد قدم هم عقب نشینی نکرده ام و از مرز انقلاب
جدایت منتهی بقدر شرايط و امکانات. و اگر در همین صحبتها می گویم: «من در کنارم» برای رفع مسئولیت در مقام سرالعباد و توقعات
و اشتها را زیاده بود که قادر بر انجام آنها نبودم، و با بعضی از عزیزان رازی حق هم میدانستم. عه

۳- تعیین فریبندان قائم مقام رهبری از همان ابتدا بر خلاف نظر و مسیر عز بود و مجلس خبرگان هم همان اول نوشتیم. و بطور کلی فریبند
به است و مقام علاقه نداشتند و نداریم مگر اینکه وظیفه شرعی ایجاب کند. در نامه حضرت امیر ع باستاندار از رایجان آمده است:
«ان عملک لیس لک بطعه و لکنه فتمتک امانه» (لایح البلاغه نامه ۵) و تهر آنان طاهر حق المعذور از تجدید امانت و مسئولیت
سنگین گریزان است مگر آنکه ناچار باشد. چنانچه هیچ وقت آرزوی مرجعیت هم نداشتیم اما تا اینکه حساب کنیم چه آفرای بیخ
میگردند یا نمی گردند. عز اگر شرعاً جایز بود از اجتماع و اجتماعات بطور کلی منتهی می شد.

۴- عز منتهی یک دقیقه با منافقین همکاری نداشتیم. بر خود گوی سدا با امان در زندان و پس از انقلاب بر همه روشن است.
انسان علاوه بر خلاف فکری و اعتقاد و نداشتن عواطف انسان سرمانه کسی انقلاب و ظهور نمی آید و از جمله فرزندان عزیز را
و زما گریزند. و هزاران افراد بیگناه را برهنه دست رساندند، و در جنگ تحمیلی با دشمنان ما هکلام و هم صدا شدند.

با این وضع کدام آن منافق و سعیدی با مانان اعتماد میکنند و حاضر است با آنان همکاری کند؟
راستی حضرت آ تصور میکنند که مز یا حتی افراد بیت عز منافقین و یا لیبیرالما را بر مسئولین فعلی نظام که نوظهورند
و همکاریان همی نمی هستند مقدم میدانیم و اگر بعضی از مسئولین اعتراضی بفرمایند این بعضی مقدم داشتن منافقین و لیبیرالما است؟! -

تاریخ

۴۱- کمال اطلاعات من نه منافعی بودند و نه لیب‌الها، من علاوه بر فواید نامی مختلف مردم و دولتی‌های خبری کشور
 هر روز باقی مختلف مردم از روزگار و دنیا می‌دانم بحسب و فرماندهان ارتش و سپاه و سایر ارگانها و انجمن جمع‌گراست‌ها
 و مردم عادی کشور ملاقات دکترم، و هم آنان اشکالات و شکایات را مطرح می‌کنند و بخوبی می‌دانم از فرجه‌های خود می‌دانند
 آیا اینان هم نفوذی بودند؟ خیر! اینکه باید که پیمان هم زندانی بودم حدود چهار سال است این زندانیان هم و از او و کارکن
 هیچ خبر ندارم. آقای محمدی بازرگان حدود یک سال و نیم قبل یک مرتبه بمن خبر آمد و اظهار آن آقایان صباغیان
 و دولتی‌های آن بودند، و آقای دکتر یزدی هم دوبار با من بار در ظرف چندین سال بمن خبر آمد.
 و معمولاً صحبت‌های آقایان مربوط بجز حزب و روزنامه‌شان که توقیف است و برهه‌ها که با آنان شده و در سزای است
 و معروف دکتر با اینکه در رژیم سابق هم بمن و هم به بسیاری از طلاب و همکاران خدمات می‌ماند که در این اوقات
 وزارت ارتش در بهداری می‌آمدند و او را ندیدم تا کشته شد، فقط یک مرتبه که گفت خورده بود در محفل خورشید برسد نام
 از عمر استمداد کرده بود که خدمت خوب دادم و نه کاری از خبر استمداد بود که برای انجام دهم.
 و معمولاً آقایان طالب ملاقات پس از چند مرتبه تلفن بمسئول ملاقات و دفع الوقت می‌بالاخره از جنرال خود معرفی
 با فرد داده می‌شد، بیست مرتبه در اینجا منافعی بوده است و نه اینکه لیب‌الها انجام می‌گرفتند بودند بخوبی که جای سخنران
 در اینجا نباشد چنانچه در سخنرانیها گفته شد. مسئول ملاقات که قبلاً آقای امیری بود و فعلاً آقای متقی است از خود معرفی
 می‌کرد، افراد دیگر بیست در ملاقاتها هیچ نقشی نداشتند. البته نظر من بطور کلی در ملاقاتها نسبتاً وسیع است
 و معتقد بودم این نباید همیشه حرفها را از موانع و مخالف بسوزد تا بهتر بتواند تصمیم بگیرد.
 آیا خدا را می‌پسندید که همه در مسیر انقلاب قدم بر میداشتند و در میان اصلاحی و انقلاب ایران و لبنان و قطرین و هندوستان
 و افغانستان و آفریقا و اروپا و امثال ذلک منافع اسلام و انقلاب فعالیت داشتند و اظهار نظر می‌کردند و اهداف انقلاب
 و مقام معظم رهبر را تعقیب می‌کردند و فرضاً گاهی هم بر عین من وظیفه و از روی دل‌سوزی اشکالات را هم تذکره می‌دادند است.
 و همیشه مورد عمل ضد انقلاب بوده یک دفعه با تمام واهی نفوذ و نفوذها مورد به مهری واقع شود؟
 آیا این بیعت با اساس و یا بافته کسی سید محمدی که معلوم نیست در چه شرایطی و با چه انگیزه که این تعداد طلب و پاس
 بهم بافته صحیح است ملاک قضاوتها واقع شود؟ ۱۰۰

و می‌دید او چون از ناحیه نظام ضرب به خورد می‌خاسته است انتقام بگیرد و نیز در کمی فضای نظام را بیلد بگیرد یعنی کند .
 - چنانچه شد - را بدرت است با بفاخته کمی او ترتیب اثر بدهم ؟ اصل در آن شرایط اعتراضات آدم خورد اعتماد
 هم سرافراش از ترتیب آنچه رسد با اعتراضات منور او . حالا من در زمانت ادانتی و کرده بودم و ماهیت او برای من
 شناخته نبود - و کم آنکه من نظیر کسی هماغه ذکر که - آیا آقا ما که او را شناخته اند و بر تاقصی گفته کمی او واقفند
 می‌بست با بفاخته کمی او عالمی منزل کنند ، در صورتیکه این علم کذب هم حکم کذب دارد مخصوصاً اگر موجب بدبینی آید و تخمیناً گردد ؟
 و بی‌غرضی الصدق ماکمل ما یعلم بقیان ، و لا کل ما یقال یکتب فی الاوراق و یثبت فی الافاق .
 جاد است آقا ما ن بایه شریفه : « ان جانا کم فالس نبیا فنبینوا ان تصیدوا قوماً جناناً فصبوا علی ما فعلتم نادینا » تو می‌توانی بگویند
 بعلاوه چرا نامه کمی او بجز و به برادرش را با نرسانند تا موجب شناخت و آگاهی ما گردد و در واقعاً بعضی افراد دیگر قرار گرفته بود ؟
 ضمناً سید مهدی یک روز هم حضور دفتر بیت من نبود ، این مطلب را هم که شنیدم در قم با دفتر بیت من سرکار دارند می‌دانند ،
 او فقط از طرف من مسئول انصافها بود و مرکز هدایت در است ، و وقتیکه من قصدم روی او عت است است به او پیغام دادم
 به بیت من رفت و آمد نکند البته تا بعد از مصاحبه او از او دفاع می‌کردم و پس از مصاحبه او طی نامه ای محضرتعالی از او
 کلاماً تشریح کردم و از موضع گیریهای حضرتعالی نسبت به او تذکره کردم که لابد حضرتعالی اجمالاً بیاد دارید و حضور آن علم است
 بالاخره شخص من پس از این عذر در نفس بر اعنی کشیدم و در این ماه مبارک رمضان علاوه بر انجام وظایف عبادی ماه من از هر ماهی دیگر
 بخار کمی علمی اشغال داشته‌ام و لذت هم بردم - خدا را شکر سوپر هم می‌از شنیدن جریان خدا را شکر کرده بودم که مسئولیت از
 من برداشته شد است . و آیا می‌توانم بگویم با بزرگ کردن با فضا که واقعات برای رهبر معظم ذهنی در دست کنند که موجب
 ناراحتی شد بدان ن گردد ، و جلوفعالیهایی اعلام من گرفته شود ، و دشمنان اعلام و انقلاب در واقعاً فریاد خودی را بلند برای توده مردم
 هم می‌کند ایجاب کنند ؟ من سهم خود فرضا از شیبت که واکه تنها بگذرم و از اتمت که واثق که الما ذیب هرگز نمی‌گذرم .
 و چون معتقدیم روزی بگفته که نوشته که و هم عا بها رسیدگی می‌شود برای شخص خودم هیچ ناراحت نیستم .
 از باب مسائل بعضی می‌گویم : در نامه بعضی از آقا ما ن آمده بود که خدایت در حضور من فلس حضرتعالی را راه کرده است به تمام مقدسات عالم
 این امر دروغ محض است ، حالا فرض می‌کنیم این امر راست باشد آیا بخش آن بعد است حضرتعالی هم لطمه می‌زنند ؟
 من طلبه فرضا معتقدم با ستم آقا ما باید باسم دفاع از نظام معظم رهبری کاری کرد که مردم بفرقه و روحانیت و امام چند بدین گونه ؟
 یا مثلاً آقای سید که دی سالها در رمضان در ایران از قم بعقد می‌رفت و بعداً ترسید بود و می‌رفت فرقه بود تا اول
 ماه رمضان برای روزی که بجم آمد و بمنزل من رفت و آنکه ندانست و لا دیدم در بولتن مجلس می‌شهره رفتن او و چند شخصاً
 هم از او پرسیدند ولی از مسئولین می‌شهره هم مایید کرده بودی در بولتن کمی دیگر هم نوشته باشند این است بیخ اجبار و تعساف !!

ص ۴

تاریخ

فروخته‌الکاف (ج ۸ ص ۱۴۷) بسند عن ابی الحسن علیه السلام قال: قلت له: جعلت فداک الیه من اهل البیت یبلغن عنہ الی الذی ارکبه فاسأله عن ذلک فینکر ذلک وقد اخرجہ عنہ قوم ثقات؟ قال لا؛ یا محمد کذب سمسک و بصرک عن اجدک، فان اهدتک فاحسب انک قد اهدتک و قال لا؛ قولاً فصداً و کذباً، لا یذعن علیہ شیئاً تسبیه به و قد مرّ فتکون من الذین قال الله فی کتابه: «ان الذین یحبون ان یشیع الفاحشه فی الدین آمنوا لهم عذاب الیم» - و فی اصول الکافی (ج ۳ ص ۳۵۹) بسند صحیح عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا تطلبوا عثرات المؤمنین فان من تبع عثرات ائمتنا تبع الله عثراته، و من تبع الله عثراته لیس فی قلبه حور و یست» الیه ذلک من الاجتهاد الزاریه فی هذا المجال .

۵. صحبتها که من میگردم یا نامم که می‌مخلفی را که در موضوعات مختلف محضرتا نمی‌نویسم خدا را گواه بگیرم که در خبر خدمت با لام و انقلاب و توقیت تمام رهبری و ولایت فقیه نداشتم، و انصافی لایمینی را می‌ازد فاش می‌کند هم سبب است البته بعضی عدم حفظ و استنباط هم نیست که بر عهد جدید نبوی: «کل اثم کفایه» مخیر الخطای فی التواریخ . . . و لا یطیق تشخیص خودم سعی در استنباط بوظیفه خود نمی‌کنم، در عین حال اگر حضرتتاً جدا نمی‌شود و در دیگر حق نداری صحبت کنی من هرگز تخلف نمی‌کردم . نامم من محضرتا در اربع باعدایا سراف ۶۷، ۵۱، ۹ در اثر اطلاع بود که از بعضی تندروها و تندروی در زندانها در آنم، و پدیده حفظ حقوق و حریم اسلام و انقلاب و تمام معظّم رهبری نداشتم، نه نفوذی در کار بود و نه محرک . پس از اطلاع از دستور اعدایا بوسیله بعضی از قضات که خود را در جدّاً ناراحت بودند و برای چاره جوی بجز مراجع کرده بودند فرستاد بصبح بجای فراس حیوانت کار می‌نویسم در روز بعد با امان قاضی خرم آبادی رسید که می‌خواست مراجعت کردم هر دو امان یا نامم نوشتن محضرتا محالف بودند بعد از آنکه امام ناراحت می‌شود و بخندان خود را نمرایع کردند . و از پس از خواندن نامه ظهر و عصر و غدا فکر کردم با وضعی که من اطلاع دارم تندروها نمی‌شود و بحرم اسلام و تمام معظّم رهبری لطمه خواهد زد، در امر احکام و لطمه نامم را نوشتیم، و چون شورای عالی قضات را در این قیام موضوعات مسنون میدادیم تنویلی ان را هم برای شورا فرستادیم، و پس از ارسال نامه به تهران بمنزل آقای سید دمی تلقین کردم که این نسبت حضرتتاً تلقین کنند که نامم را در یافت کنند و این با کس می‌گفت مگر بنیاد نامه ننویسد؟ و فیمابین خود بدست خود بعضی از قضات که کمال است اعدایا را جمع می‌کردند و بنظر من مرد اعتماد بودند و نوشت نامه را دادیم، حال این از جهت خارج است کرده افراد بدست من هیچ نمی‌توانند وجود سازای علیهم امان نامه است .

تاریخ

نامم باقی نماند و وزیر راهم عزیدت خود حضوراً بحضور استاقایان کوروس اردبیلی، همانند ای، کج سستی،
 ۱۳۰۳ هجری قمری، و تخت وزیر در منزل خودم در کتیب باقیهای آقایان کهم دادم که بعداً شنیدم فردای آن شب
 رونوشت نامم بدست یکی از نمایندگان مجلس برده و بوسیله او هم با فرد داده شده نه نفوذی در کار برده و نه منافق
 ولیبرای واسطه بوده است. و اساساً چرا ما باید اگر مطلبی را حق و وظیفه میدانیم از ملتمان بکتمان کنیم؟

البته نقشه کمی نظامی باید مخفی باشد که بدست دشمن نیفتد.
 و با هم این مسائل که اجلاً بدون اعمال فتنه دیپلماتی و با صراحت لاجم ای که از خود استاد بزرگوار هر چه اطلاع

بیان کرد در نامه ای که در تاریخ ۱۳۰۳/۱۱/۱۸ پیرو بیام حضرتعالی بهمها چون جنگی بجهت قبضه از عادت کردن مسائل
 من حضرتعالی نوشته چنین نوشته: «این جانب تا حال معتقد بودم که تذکرات و انتقادات من نه فقط موجب تضعیف
 نظام میشود بلکه از نظر اینکه اگر کثرت مردم را امیدوار ساخته و مسئولین را نیز در عهد دفع نواقص و ترقیه بیشتر مسائل
 میآورد، موجب تقویت انقلاب و نظام هم می باشد. مع ذلک اگر حضرتعالی شخص میدید که این سبب بصلحت
 نیست و موجب تضعیف نظام و انقلاب می باشد این جانب سرافکارانه نظر حضرتعالی را بر نظر خود مقدم میدانم و هیچ گاه

غیر از غیر اسلام و انقلاب را در نظر نداشته ام.» پس عز هیچگاه داعیه تقابل با نظام یا خدایان ناکرده تقابل
 با حضرتعالی را نداشته ام. ضمناً نامه فعلی من در مجله نوشته و از حدی بجز الفاظ نکرده و برای الهی هم تا حال آن را نخواهم

تا مبادا باز بگردن بیت و نفوذ و نفوذی گذاشته شود و معلوم شود که من حرفهای خودم را اینترم نه حرفهای دیگران را
 حرف زید دارم و لا بیس از این هم نیست حضرتعالی را خنده کنم سلامت و طول عمر و توفیق بته حضرتعالی را
 از خدای بزرگ مسئلت می نمایم و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ۲ شوال ۱۳۰۹ مطابق ۱۸/۱۱/۱۳۰۳

محمد علی
 (مهر و امضا)

پیوست شماره ۱۶۶: مربوط به صفحه ۶۶۴

دلایل مخدوش بودن نامه‌هایی که در اواخر عمر شریف حضرت امام به عنوان نامه ایشان منتشر می‌گردید.

امام خمینی در انتهای وصیت نامه سیاسی-الهی خود گفته است:

« ۱ - اکنون که من حاضرم بعضی نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود، لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود مورد تصدیق نیست مگر آنکه صدای من یا خط و امضاء من باشد با تصدیق کارشناسان، یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم.

۲ - اشخاصی در حال حیات من ادعا نموده‌اند که اعلامیه‌های اینجانب را می‌نوشته‌اند، این مطلب را شدیداً تکذیب می‌کنم؛ تاکنون هیچ اعلامیه‌ای را غیر شخص خودم تهیه کسی نکرده است...».

با توجه به وصایای فوق، نامه‌هایی که در اواخر عمر شریف حضرت امام به نام ایشان منتشر شده است به دستخط حاج سید احمد خمینی بیشتر شباهت دارد تا به دستخط حضرت امام، که ذیلاً از نظر کارشناسی با آوردن نمونه‌هایی از خط آقای سید احمد خمینی و دستخط امام، دلایلی را در این رابطه عنوان می‌کنیم.

الف - از نظر ظاهری:

با توجه به حال وخیم امام خمینی، دستخط ایشان در اواخر عمر لرزش آشکاری داشت؛ برای نمونه غزلی را که حدود سه ماه قبل از فوت نوشته است به همراه دستخط احمد آقا آورده و آن‌ها را با دستخط «۱۳۶۸/۱/۲۶» از نظر ظاهری مقایسه کرده ایم. به کلماتی که زیر آن‌ها یک خط کشیده شده توجه شود.

ب - از نظر کارشناسی:

امام عمدتاً «ه» را به صورت ویرگولی می‌نوشت و احمد آقا عمدتاً به صورت دو چشم. به کلماتی که زیر آن‌ها دو خط کشیده شده دقت شود. نمونه دستخط امام از وصیتنامه ایشان آورده شده است.

خاطرات فقیه عالیقدر

امام عمدتا سرکج کلمات را چسبیده و یا با فاصله کم می نوشته که همین نحوه نگارش خط ایشان را به لحاظ ظاهر باریک می کرد؛ حال اینکه احمد آقا سر کج کلمات را با فاصله می گذارد که منجر به پهن شدن خط می گردد. به کلماتی که زیر آنها دو خط کشیده شده توجه شود.

امام عمدتا در نحوه نگارش «است» الف را زیر «ت» قرار می دهد، ولی احمد آقا «الف» را زیر «س» می گذارد. به کلماتی که زیر آنها دو خط کشیده شده توجه شود.

دستخط حضرت امام حدود سه ماه قبل از ارتحال:

منه نبال بسته از در بر سر
 عینم بیار تو را و سیم و یکارشم
 نافع از خود شدم ذکر سر آهنگی بزم
 عجز نمودم خمر بر سر سردار ششم
 خم دل را از تنده بسته با هم شوم
 که بیان امم و مهر با دار شوم
 در میانم نشسته بر لب در در
 که در مسکن دارم بر سر آرزوم
 جانم تو پر دریا گنیم و بر سر کدم
 خرمم سر هر لبانی و سیمار شوم
 دهنم مهر که از پند خود از لرم لادم
 از دم و دم می آوری منم کلار شوم
 که با دست بر سر آرزوم
 که با دست بر سر آرزوم

نامه «۱۳۶۸/۱/۲۶» منتسب به امام خمینی:

بسم الله الرحمن الرحیم

درست فرزندان عزیز غایب که آن گم‌شده‌ها را از سوی دوزخ و کفر استیانت است...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ در جریان امر حضرت مرشد مصلحتی و نیاید تفسیر آنچه قرار است

میسنده زبانی که بر بر آن جسور از آن است در امر سید و مینا...

تدوین خود را از آن است تا قیام بر جای می‌آید و در آن صحنه موقوف نشد.

طرح دیگر و مینه مژگی است که در آن نام تعین در آن را به حفظ نظام و بسم می‌برد...

با دلی بر حق و صدم را بر صدمت نظام و بسم کن و گزاف است این در خواران

و برادران در آینده تا اندازه‌ای روشن خواهند شد. منتهی این موضع در آن

نیست که دفاع از بسم نظام موقوف بر ادبیت و در صورت تمکلی بر کس در بر نیست

بلکه با در بسم مریه خواهد شد. ترفیق می‌کنان را از فرماندهان است که در آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۶۸/۱/۲۶ - روح کربلا

دستخط سید احمد خمینی در سال «۱۳۶۸»:

بسم الله الرحمن الرحیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ در آن عزیز حضرت ام و فرزندان آن علیه صلوات

کرامت جمیع در مراسم تسبیح و ترفیق رحمت و صدمات

زیاد را تا آنکه نبندند تا کف می‌دهند چنان که آن فرزند که

تا به نیت منظم رسید با دلی از اینان با برینان دارد

خزانه از آن را که در سه ماه قبل از آنکه در طرح و بسم

سرور بعد از هدیه است تعدد بر آن کین است و در آن

تبرکات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۱۳۶۸/۱/۲۶ - روح کربلا

دستخط سید احمد خمینی در انتهای رنجنامه:

ایر، ماسه، بابائین زید، مامیاز، در اول دوشنبه ۱۳۰۳ عمارت کهنه در جوار امامزاده ابراهیم
 صاحب‌المنزله **۱** با در بزمائید که همیشه با یکدیگر در نماز روز ربه را میگذرانیم
 آفرینش به همه ما بودید بار دیگر از جانب علما مجربان مقام که با یک حرکت انگلی
 خود را از طیف سبب سرد سرد سرد کرده در دریا رگبت بکشان درسته امان ام
 شاد سازید با بیه آرزوی از خداوند سال سده من رشتا به دایره میرد زشتا را
 بر حضرت طعم وفیات احسان دلتا را بیا دوم
 ۱- روز یکشنبه مکرمات در این نامه سرد نمای کینم

۲- روز یکشنبه معین روز جهت تمه است سند نمایم جو آفر ما است لهبه را ز شما در حج ام
 ۳- اگر شما ز نامه تأثر ان سفته است خدا را حبر ام بگذارید و اوقات کمر نم کینم که
 خدا را خوش سایه تا شما عبار در نفس جبه بر ان دشمنی بر مرد نمونه دل ماله در حج م
 را عرف ام مگر که است آدم کنز و معروف زنان بچ داد کنز مرد که بانیه و باب
 حرکت غیر مردمی است به دل انسان قسم خود استم نظام را بر ان باید دگر باید بکی
نکر کینم که میرد حضرت ام سالها هدلا زیر سودن انها است دامی شاه بر راه دشمنی
شما ز نامه مهر کردند و بر اصحت نظام مردم با تلبی سکته خود دل خود نمونه
 حضرت است به

از روز شافین و بهر آنکه در لیت سرد کسر و انشور سلطان با بیه تمامی جز
 الهی در آفت در شما بیا بر اکرم خود ما حاج ان رفت

در اسم معین تیم لهدی

احمد عقبر

۶۸/۲/۹

پیوست شماره ۱۶۷: مربوط به صفحه ۶۷۱
 نامه آقایان کروبی، جماران‌ی و روحانی به معظم له

۲۹ / بهمن / ۱۳۶۷

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک حضرت مستطاب آیت الله العظمی جناب آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری
 دامت افاضاته

با سلام و تحیت، پیش از پرداختن به موضوعات اصلی لازم می‌داند نکاتی را یادآور شود:
 الف: از آنجا که یکی از ویژگی‌های حضرتعالی صراحت لهجه است، انتظار داریم که از برخورد
 صریح و دور از مجامله ما نرنجید و آنرا حمل بر جسارت و اسائه ادب نکنید.

ب: این نامه را افرادی به محضر عالی می‌نویسند که در درازای نهضت امام تا پیروزی انقلاب
 اسلامی و تا به امروز از علاقمندان و وفاداران به شما بوده و اخلاص آنان نسبت به حضرتعالی به
 ثبوت رسیده است و علاوه بر اعتراف به مقام علمی شما از نظر مقاومت و از خود گذشتگی و
 تحمل رنج‌ها و فشارها شما را اسوه و الگوی کم نظیر دوران خفقان رژیم ستم شاهی می‌دانند و
 در این نگارش جز خیر خواهی و صلاح اندیشی و تذکرات مشفقانه و پیشگیری از ضربه و لطمه
 ناهنجار به مقام والای آنجناب نظر و اندیشه ای ندارند.

ج: این نامه پس از دیر زمانی بردباری و خویشتن داری در برابر یک سلسله برخوردها و
 موضع گیری‌های سؤال برانگیز جنابعالی که برای ما در خور توجیه نبوده است، به حضرتعالی
 نگارش شده است. امید است که آن را بر پایه احساسات آنی، جوانی و حساب نشده ما نگذارید و
 توجه داشته باشید که در پی دیر زمانی اندیشه و بررسی همه جانبه، به تقدیم آن ناگزیر شدیم. با
 وجود این اگر شیوه نگارش دون شأن آن مقام معظم است، پوزش می‌خواهیم چون ما را از آن
 گریزی نبوده است. والعذر عند کرام الناس مقبول.

د: شما توصیه می‌فرمائید که: «لازم است مردم و کسانی که انتقاد سازنده دارند آزادانه حرف‌های
 خود را بزنند» امید است که به ما به عنوان سربازانی که در راه اسلام و انقلاب اسلامی -ان شاءالله-
 فداکاری و خدمتگذاری کرده و می‌کنند، این رخصت را بدهید که دور از هرگونه سانسور، انتقاد و
 نظریه خود را لاقول در نامه ای در بسته، به حضور عالی بنگارند.

اما مسائلی را لازم می‌دانیم با آنجناب در میان بگذاریم و در باره آن با کمال ادب و احترام
 توضیح بخواهیم بدین شرح است:

۱ - برخورد و موضع گیری‌های حضرتعالی در ماجرای مهدی هاشمی برای بیشتر دوستان

مخلص و ارادتمندان روحانی شما که از نزدیک و دور شاهد موضع گیری‌های شما بودند، شگفت انگیز و حیرت آور بود و هنوز نیز این شگفتی و حیرت ادامه دارد. شما خود می دانید که نامبرده و باند او عالم روحانی مرحوم شمس آبادی و نیز روحانی دیگری را به جرم ساده اندیشی و بنا به گفته خود او «عدم اعتقاد به مبارزه» ربودند و به وضع فجیعی به قتل رسانیدند و آنگاه که دستگیر شدند نیز بنابر پرونده موجود- نامبرده در خدمت ساواک قرار گرفت و به همکاری با آنان پرداخت. در پی پیروزی انقلاب اسلامی که از زندان آزاد گردید نیز به شرارت ادامه داد و حشمت و دو فرزند بی گناه او را به وسیله باند خود ربوده و به قتل رسانید و آنگاه که از سوی حضرتعالی علیرغم هشدارها و تذکرات خیرخواهانه حضرت امام و برخی از مسئولان و دوستان، به مسئولیت نهضت‌ها گماشته شد، می دانید که چگونه در افغانستان میان برادران مسلمان کشت و کشتار و برادر کشی راه انداخت و فتنه‌ها برپا کرد. و سرانجام خون‌های ناحق ریخته گریبان او و باند او را گرفت و از سوی مسئولان نظام جمهوری اسلامی دستگیر و تحت پیگرد قانونی قرار گرفت و به جنایات خود اعتراف کرد و به جزای اعمال خود رسید و در این میان انتظار می رفت که حضرتعالی در پی آگاهی از جنایت‌ها و آدم رباییها و خون ریزی‌ها و دهها جنایت و خیانت دیگر او، که در پرونده‌های او منعکس است و خود به خوبی از آن آگاهید، نه تنها از او و باند او اظهار تبری و انزجار کنید و از مسئولان امر کیفر هرچه سریعتر آنان را بخواهید بلکه از وجود چنین جنایتکاران خونخوار و خدا نشناسی در میان بیت خود به شدت نگران شوید و به خود آید و در راه پاک سازی بیت خود از عناصر منحرف و وابسته به باند مهدی بکوشید و از مقامات و مسئولانی که در راه ریشه کن کردن این ماده فساد تلاش کرده اند سپاسگزاری کنید و خود را مرهون آنان بدانید، لیکن متأسفانه حضرتعالی نه تنها چنین نکردید بلکه تا واپسین روز زندگی او می کوشیدید که او را از کیفر قانونی برهانید؟! آیا این موضع حضرتعالی را می توان با موازین قانونی مطابق دانست؟

۲ - شما در سخنرانی‌ها و موضع گیری‌های خود از پابندی به قانون، عدم تجاوز به قانون و حرکت بر پایه قانون، فراوان سخن می گوید. پرسشی که برای ما مطرح است این است که آیا پیروی از قانون برای دیگران است؟! یعنی این مسئولان نظام جمهوری اسلامی و امت قهرمان پرور ایران هستند که باید قانون را رعایت کنند؟ لیکن اطرافیه‌های شما از هفت دولت آزادند؟! اگر چنین نیست پس چگونه:

الف: خبر کشته شدن حشمت و دو فرزند او به دست باند مهدی، نه تنها شما را تکان نداد بلکه تا آنجا که امکان داشت از قاتلان آنان حمایت کردید. در صورتی که اگر حشمت و دو فرزند او باید به چنین کیفری می رسیدند این وظیفه دادگاه انقلاب و دستگاه‌های قضایی بوده، نه وظیفه مهدی و باند او. شما چگونه است که از دریافت قتل حشمت و فرزندان او، به

دست باند مهدی تکان نخوردید. لیکن آنگاه که خبردار شدید مشتی منافق و محارب را طبق موازین قضایی محاکمه و اعدام کرده اند، به نامه نگاری دست زدید و در دیدار با برخی از مقامات قضایی این کار را جنایت خواندید و آنرا جانی نامیدید؟ شگفتا! مهدی و باند او اگر مردم را بدزدند و بکشند جانی نیستند، لیکن مقامات قضایی نظام جمهوری اسلامی اگر شماری از توطئه گرانی را که نقشه براندازی دارند، محاکمه و اعدام کنند، جانی هستند؟!

ب: شما آنگاه که خبردار شدید که یکی از افراد باند مهدی اوراق و اسناد نخست‌وزیری را دزدیده است اظهار داشتید که «شاید تصمیم داشته در آینده نخست‌وزیر بشود و می خواسته است اطلاعاتی از چون و چند کار نخست‌وزیری داشته باشد»!

آیا اگر فردا خبردار شوید یکی از علما -العیاذ بالله- به بیت شما دستبرد زده است و شماری اسناد و مدارک را ربوده است و توجیه او این است که چون قصد دارد در آینده قائم مقام رهبر شود، برای آشنایی با اوضاع و شرایط قائم مقامی به این کار دست زده است، با او چه رفتار و معامله ای خواهید کرد و چه دیدی نسبت به او خواهید داشت؟ آیا در باره او نیز چنین اظهارنظری خواهید فرمود؟

ج: سعید آیت الله زاده در حضور حضرتعالی به جعل سند علیه دکتر هادی و سید صادق روحانی اعتراف کرد و صریحاً اعلام داشت که با سند جعلی آنان را ساواکی جا زده است و در حقیقت با بدترین شیوه با آبرو و حیثیت آنان بازی کرده است. شما که در باره قانون و حیثیت افراد آن گونه داد سخن می دهید لطفاً بفرمایید که در باره این کار خلاف قانون نامبرده چه واکنشی از خود نشان دادید؟!

د: حجة الاسلام آقای سید هادی هاشمی بنابر اتهاماتی که در پرونده او موجود است و اعترافاتی که مهدی و باند او علیه نامبرده کرده اند، طبق قانون، به بازجویی فراخوانده شد. حضرتعالی روی احترام به کدام قانون او را در بیت خود مخفی کردید و اعلام داشتید که بازجویی و محاکمه او، بازجویی و محاکمه من است؟! و نیز روی چه مجوزی شماری از هم پرونده‌های مهدی هاشمی مانند جعفرزاده قاتل را در درون بیت پنهان ساختید و اجازه ندادید که طبق قانون دستگیر و کیفر داده شوند؟

راستی کسی که تحت تاثیر اطرافیه‌های خود به این آسانی قانون را نادیده می گیرد و قانون شکنی‌ها و آدمکشی‌های آنان را نمی بیند چگونه می تواند از قانون دفاع کند و قانون را حاکم سازد؟!

۳ - شما در سخنرانی‌ها و موضع گیری‌های خود از تبعیض نیز گله مندید و آنرا به حق برای اسلام و انقلاب اسلامی و جامعه روحانیت زیان آور می دانید. لیکن بار دیگر تحت تاثیر

جو حاکم در بیت خود در باره سعید آیت الله زاده، خود تبعیض قائل می‌شوید و آنگاه که او را به اتهام جعل سند، احضار می‌کنند، از فرستادن او به بازجویی ممانعت به عمل می‌آورید و تنها با بازجویی او در حضور خود شما موافقت می‌فرمایید؟! و آنگاه که در حضور شما صریحاً اعتراف می‌کند علیه دکتر هادی و سید صادق روحانی سند جعل کرده است ولی از نوشتن این اعتراف سرباز می‌زند، شما نیز از او حمایت می‌کنید و با پرخاش می‌گویید چرا می‌خواهید از او نوشته بگیرید؟ آیا می‌خواهید او را به محاکمه بکشید؟! و این گونه به ماجرا پایان می‌بخشید. و درست چند روز پس از این جریان طی یک سخنرانی اعلام می‌دارید که تبعیض غلط است، ما نباید میان خودی و بیگانه فرق بگذاریم! ما باید از حکومت حضرت علی درس بیاموزیم که فرمود اگر عاریه مضمونه نبود اولین هاشمیه ای بودی که دستت را قطع می‌کردم و...

۴ - شما از سانسور در رسانه‌های گروهی انتقاد می‌کنید و از این نگرانید که «اگر این طور باشد کار به جایی می‌رسد که حرف من طلبه را هم که از اول انقلاب در کنار مردم و همراه با انقلاب اسلامی بوده ام سانسور می‌کنند...»؟!

شگفتا! چگونه است آنروزی که رسانه‌های گروهی بیانیه حضرت امام در باره مهدی هاشمی را پخش می‌کنند، با پرخاش می‌گویید که چرا این موضوع را بوق کرده اند؟ و آنگاه که خبر به شما می‌رسد که رادیو و تلویزیون می‌خواهد اعترافات مهدی هاشمی را پخش کند می‌کوشید که حتی با تهدید از پخش آن جلوگیری کنید و نگذارید امت اسلامی جنایات مهدی را از زبان او بشنوند!

آیا به نظر شما سانسور پیام رهبر انقلاب اسلامی که در باره این انقلاب همه هستی خود را فدا کرده است در صورتی که شما صلاح بدانید بی‌اشکال است و سانسور اعترافات مهدی و باند او نیز باید انجام بگیرد و تنها سانسور نظریات شما خلاف قانون است؟!

۵ - شما اعلام می‌دارید که: «متأسفانه دیده می‌شود طوری شده است که افراد خوب از ترس پرونده سازی نمی‌توانند نفس بکشند!!» با پوزش از محضر عالی باید عرض کنیم سیاه باد روی آن شیادانی که دور شما را گرفته اند و هر روز به گونه ای برای شما جو را ترسیم می‌کنند. روزی به شما می‌باوراندند که مردم تا آن پایه ناراضی هستند که به مقامات مسئول کشور و روحانیان، در کوچه و خیابان آشکارا هتاک می‌کنند و روز دیگر وانمود می‌کنند که «افراد خوب هم از ترس پرونده سازی نمی‌توانند نفس بکشند» و حضرتعالی نیز بدون مطالعه و اندیشه روی آن گفته‌ها آنرا باور می‌کنید و بر زبان می‌رانید.

اگر حکومت تا آن پایه ضعیف است که مردم در کوچه و بازار به مقامات مسئول کشور آشکارا ناسزا می‌گویند چگونه توان پرونده سازی دارد و چگونه افراد خوب نمی‌توانند نفس بکشند؟

آیا به راستی افراد خوب از ترس نمی توانند نفس بکشند که «خوبان» بیت شما بی پروا و آشکارا به امام، مسئولان و مقدسات این انقلاب همه گونه جسارتها را روا می دارند؟! آیا این اشرف خانم صبیبه جنابعالی نیستند که از قم تا قهدریجان و تا هر جایی که صدای او برسد به امام عزیز و جان امت اسلامی اهانت می کند و عکس حضرت امام را در برابر چشمان شما از دیوار می کند؟! آیا این سعید آیت الله زاده نیست که فرزند عزیز امام حجة الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی را به جرم آنکه اجازه نداده است بیت امام نیز مرکز جاسوسان، آدمکشان و باند بازان قرار بگیرد و برای رسیدن به قدرت باند آدمکشی تشکیل نداده است «احمد شاه» می نامد!! و حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی را به جرم آنکه از آغاز نهضت امام با فداکاری و پایداری در کنار امام ایستاده است و برای بیرون راندن دیگران از صحنه به جعل سند دست نزده است «اکبر شاه» می خوانند!!

آیا حضرتعالی شب نامه‌های نهضت آزادی را که در آن امام و مسئولان و اصولا نظام جمهوری اسلامی را به زیر سؤال می برند مطالعه نمی کنید؟!

آیا سخنرانی‌های عناصر وابسته به انجمن حجتیه و پیروان تز «اسلام منه‌ای روحانیت» را علیه مقامات و مسئولان کشور نمی شنوید؟!

آیا خدا راضی است که با این گونه سخنان، برای رادیوهای بیگانه و ضدانقلاب خوراک تهیه کنید و اصل نظام جمهوری اسلامی را به زیر سؤال ببرید؟!

حضرت آیت الله!

شما خوب می دانید امت قهرمان پرور ایران هرگز تحمل کوچکترین اهانت به ساحت مقدس حضرت امام را ندارد و این حقیقت در دوران ستم شاهی بارها ثابت شده است. راستی اگر روزی این ملت با خبر شود که در بیت شما نسبت به عکس امام چه جسارتی شده است می دانید با آن بیت چه خواهند کرد؟!

شما مداحی و ثناگویی را نکوهش کرده اید! آیا ممکن است توضیح بفرمایید که منظور شما چه می باشد. تا آنجا که ما می دانیم در صدا و سیما، خطبه‌های نماز جمعه، نطق قبل از دستور و در قطعنامه‌ها جز از امام و حضرتعالی از هیچ مقامی مدح و ثنایی نمی شود و مداحی از امام از باب «فاما بنعمت ربک فحدث» و «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» وظیفه هر مسلمان است و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم امت حق شناس ایران از این وظیفه هرگز سر باز نخواهند زد. هرچند ممکن است باند آدمکشان را خوش نیاید.

۶ - شما همیشه در برخورد با مسئولان و مقامات قضایی از عفو زندانیان گروهکی سخن می گوید و آزادی آنان را می خواهید. با وجود آنکه بارها برای شما ثابت شده است که بسیاری از آنان به سبب اصرار و پافشاری شما مورد عفو قرار گرفتند و آزاد شدند و با شناسایی

بیشتر از پاسداران و بسیجیان دست به آدمکشی و ترور زده و خون عزیزان ما را ریخته اند، لیکن هرگز این گونه رویدادها در موضع شما در پشتیبانی از زندانی‌های گروهکی تغییری پدید نیاورده است. این موضع شما برای ما سؤال برانگیز است ما مطمئن هستیم که عناصر مرموز بیت، در این موضع گیری شما نقش اساسی دارند.

۷- شما در سخنرانی‌های خود روی این نکته بارها تاکید دارید که برخی از شعارهایی که دادیم غلط بوده، تند روی بود، موجب رمیدن افکار جهانی شد! حتی در دیدار با هیئت فلسطینی سفارش کردید که اشتباهی را که ما مرتکب شدیم شما تکرار نکنید، شعار نابودی اسرائیل را سر ندهید.

باید این نکته را یادآور شویم که استکبار جهانی برای منحرف کردن مسیر یک انقلاب، نخست از این راه وارد می شود که به برخی از سردمداران انقلاب بیاوراند که قاطعیت و انعطاف ناپذیری و ایستادگی روی آرمان‌های انقلاب غیر عملی و موجب انزوای کشور انقلابی در جهان می شود! و می کوشد افکار جهانی را به شکل لولوی سر خرمن، در برابر چشمان مسئولان انقلاب پیوسته به رژه وادارند. غافل از آنکه، افکار جهانی را مشتی زراندوزان بی وجدان، رفاه طلبان بی درد و انسان‌های تهی از انسانیت می سازند و آنانکه در کشورهای مقتدر و استکباری هنوز از انسانیت تهی نشده اند، خود از بسیاری حقوق محرومند و در معادلات جهانی نقشی ندارند.

مسئولان نظام جمهوری اسلامی باید بکوشند شعارها و آرمان‌هایی را دنبال کنند که مورد پشتیبانی امت قهرمان پرور ایران است و خانواده‌های معظمی در راه تحقق آن آرمان‌ها بهترین عزیزان خود را فدا کرده اند و هرگونه کمبود، کاستی و ناراحتی را در راه پیشبرد آرمان‌های مقدس انقلاب تحمل می کنند و مسلماً هیچگاه از آرمان‌های مقدس خود دست نمی کشند و به آن پشت نمی کنند.

آری ما باید بکوشیم شعارها و آرمان‌هایی را که امت اسلامی در راه پیاده کردن آن قربانی‌ها داده، رنج‌ها برده و می برد حفظ کنیم و جامه عمل بپوشانیم. نه آنکه برای خوشایند بی تفاوتها، رفاه طلبها، سرمایه داران و سوداگران اروپا و آمریکا به شعارهای اسلامی-انقلابی پشت کنیم و آنرا غیرعملی بخوانیم.

۸- شما می فرمایید «هرکس باید اعمال خود را محاسبه و اشتباهات خود را جبران کند... و در پی برطرف کردن نواقص و رفع اشتباهات بر آیند» البته پیشنهاد ارزنده و اسلامی است و همه وظیفه مندند به حساب خود برسند پیش از آنکه به حساب آنان رسیدگی شود لیکن باید دید حضرتعالی در این زمینه چه گامی برداشتید؟ اگر حضرتعالی نگاهی به گذشته‌های خود بکنید و اشتباهات گذشته را دریابید، شاید امروز بتوانید در برخوردهای خود جانب احتیاط

رعایت کنید و به این حقیقت برسید که ممکن است امروز نیز مانند دیروز در اشتباه باشید. شما یک روز به کتاب شهید جاوید تقریظ نوشتید و روز دیگر با فشار نیروهای منفی درصدد برآمدید که آنرا رد کنید و توبه نامه بنویسید که برخی از دوستان نگذاشتند که هر دو کار اشتباه بود. شما شهید قهرمان محمد منتظری را تحت تاثیر گفته‌های دیگران، روانی خواندید. در صورتی که امام را هرچه تحت فشار قرار دادند تا کلمه ای علیه محمد به زبان آورد نپذیرفتند. و خدا می داند که لیبرالها و ملی گراها از این اظهار نظر شما در باره او چه بهره برداریهای سوء کردند و در مجلس شورای اسلامی او را از قول شما دیوانه خواندند! شما علیرغم توصیه‌ها و تذکرات حضرت امام که از نجف درباره مهدی دید منفی داشت و نیز دوستان دلسوز، مهدی هاشمی را مسئولیت دادید و دست او را باز گذاشتید و در نتیجه دیدید که با بهره برداری سوء از امکانات به دست آورده به چه جنایاتی در ایران و افغانستان دست زد و امروز نیز علیرغم هشدارها و رهنمودهای حضرت امام و بیشتر دوستان وفادار و دلسوز، از پاکسازی بیت خود، خودداری می‌ورزید و در نتیجه می بینیم که اطرافیان و نزدیکان شما برآند که شما را گام به گام از راه انقلاب جدا سازند و شما را نسبت به انسان‌های متعهد و فداکار و انقلابی بدبین سازند و آدمکشان و سرمایه دارها و لیبرالها را در دید شما قهرمان مبارزه با آمریکا جا بزنند! شما دیگران را از یک دندگی و لجاجت منع می کنید لیکن خود در برابر این همه دوستان دیرینه و خیل خیراندیشان که از سال‌های متمادی و از دورآن‌های بسیار گذشته آنان را می شناسید و به اخلاص و تعهد آنان ایمان دارید سرسختی نشان می دهید به گونه ای که انگار همه آنان در مسیر مخالف انقلاب حرکت می کنند و یا نمی فهمند و در اشتباهند و تنها چند نفری که گرداگرد شما حلقه زده اند دلسوز انقلاب می باشند و درست می اندیشند!

۹ - شما پیوسته به مسئولان گوشزد می کنید که نیروها را کنار نزنید، افراد کاری را حذف نکنید. لیکن می بینیم که امروز برخی عناصر درست کار و متعهد از بیت شما کنار زده شده و یا منزوی گردیده اند و سعید آیت الله زاده با اهانت از افرادی که در باند نیستند کلید تحویل می گیرد!!

۱۰ - گفتن ندارد که در نظام جمهوری اسلامی کمبودها و کاستیهایی وجود دارد که برخی از آن از پیامدهای انقلاب نوپا و جنگ تحمیلی می باشد و اجتناب ناپذیر است و برخی نیز به سبب بی تجربگی و عدم کارایی برخی از مسئولان به وجود آمده است و قهراً با تذکرات و راهنمایی‌های مشفقانه، همراه با ارائه طرح و برنامه می توان آنرا برطرف ساخت. اما این شیوه ای که شما در پیش گرفته اید که ضعف‌هایی را که اطرافیا و نزدیکان در نظر شما بزرگ جلوه می دهند، به دست می گیرید و با بوق و کرنا به رخ مسئولان می کشید، بدون آنکه

راه حلی ارائه دهید، نه تنها شیوه ای سازنده و اصلاحی نیست بلکه از یک سو برای دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی خوراک تبلیغاتی فراهم می کند و از سوی دیگر نظام را زیر سؤال می برد و تضعیف می نماید. این شیوه آن‌هایی است که کنار گود نشسته اند و همه مشکلات کشور را یک روزه حل می کنند.

شما خوبست به جای حمله به این و آن، به ارشاد و راهنمایی پردازید و ضمناً به کارهایی که خود انجام می دهید بنگرید تا دریابید که تا چه پایه ای در صحنه عمل موفق بوده اید. آن بندج که در باره آن نتوان سخن گفت و این نمایندگان شما در دانشگاه‌ها که برخی از آنان مایه شرمساری و دور داشتن دانشجو از روحانی شده اند و دیگر مجاللی برای شرح آن نیست.

ما در پایان لازم می دانیم که راه امام و خط امام را به شما یاد آوری کنیم. ما بر این باوریم که حضرت تعالی اگر به زندگی و راه امام عنایت بیشتری داشته باشید و آنرا دریابید و به کار بندید در زندگی سیاسی شما ۱۸۰ درجه دگرگونی پدید خواهد آمد و راه دیگری در پیش خواهید گرفت.

از ویژگی‌های برجسته و ارزنده امام این است که تاثیر ناپذیرند و این ویژگی‌ها معظم له را از بسیاری خطرهای مصون داشته است. در آن روزگاری که در نجف اشرف، در غربت به سر می بردند، نامه‌ها پیامها و فشارهای همه جانبه بیشتر یاران و دوستان ایشان نتوانست معظم له را تحت تاثیر قرار دهد و به پشتیبانی از منافقین وادارد. و چنانکه در بالا اشاره شد در باره شهید محمد نیز تلاش‌های فراوانی شد تا امام کلمه ای علیه او بر زبان آورد و نیز درباره برخی از چهره‌هایی که در محافل روشنفکری محبوبیتی داشتند و نیز پیرامون برخی گروه‌ها وانجمن‌ها که متأسفانه امروز نیز در مراکز حساس جا خوش کرده اند، بارها تلاش‌هایی به عمل آمد تا از امام تاییدی بگیرند که به سبب بیداری و هوشیاری امام، همه آن تلاش‌ها ناکام ماند و تاثیر ناپذیری امام بر همگان ثابت و آشکار گردید.

موضع امام علیه مهدی هاشمی در نجف اشرف که حتی به برادران روحانی نجف، اجازه تحصن و اعتصاب برای نجات جان او را نداد، آموزنده و پندآمیز است (در این زمینه آقای انصاری که در خدمت حضرت تعالی انجام وظیفه می کند و آقای سید حمید روحانی که در این نگارش سهیم است، می توانند دیدگاه امام در باره مهدی در نجف را برای شما بازگو کنند).

ما اطمینان داریم که حضرت تعالی با الهام از تذکرات و رهنمودهای حضرت امام بزرگوار، می توانید به بهترین شیوه ای در مقام اصلاح و پاکسازی بیت خود برآیید. عناصر ناباب را از درگاه خود برانید و نزدیکان را از دخالت در امور سیاسی و اجتماعی خود منع کنید.

شما از اصلاحات فراوان سخن گفته اید و رهنمود داده اید لیکن هیچگاه به سبب جوسازی‌های برخی از اطرافیه‌ها و نزدیکان نتوانستید به اصلاح بیت خود دست بزنید یعنی

اساساً به شما فرصت اندیشیدن در این باره را نداده اند.

صداقت، درستی و سلامت نفس شما بر همگان آشکار است. لیکن آنچه که شما را آسیب پذیر ساخته است بیت و نزدیکان شما و منابع خبر شما است که متأسفانه ناسالم است. و این منابع خبری ناسالم و برخی نزدیکان ناصالح شما را به اشتباهات خطرناکی واداشته اند و دشمن را به شکل دوست و دوستان را دشمن در برابر شما به نمایش می گذارند و عناصر لیبرال و منحرف مانند نهضت آزادی را به شما نزدیک می سازند. ما از این نگرانیم که این روش و شیوه شما صبر برداران انقلابی و وفادار به شما را لبریز کند و آنرا به نگارش نامه ای سرگشاده و استفاده از رسانه های گروهی برای پاسخگویی به جنابعالی و توضیح حقایق برای امت اسلامی، ناگزیر سازد که از آن به خدا پناه می بریم.

ما رسماً اعلام می داریم که تا منابع خبری و تشکیلات درونی شما اصلاح نگردد، این ره به ترکستان است و هرگز نخواهید توانست وظایف و مسئولیت هایی را که در قبال اسلام و انقلاب اسلامی بر دوش دارید به درستی به پایان ببرید بلکه ممکن است خدای نخواستہ به خود و اسلام و انقلاب زیان های جبران ناپذیری وارد کنید.

این حقیقت را می توانید با مطالعه در زندگی برخی علما و مراجع گذشته که در محاصره اطرافها و نزدیکان بوده اند به خوبی به دست آورید که قرآن می فرماید: لقد کان فی قصصهم عبره لاولی الالباب.

والسلام علیکم ورحمة الله

مهدی کربوبی - مهدی جمارانی - سید حمید روحانی

پیوست شماره ۱۶۸: مربوط به صفحه ۶۷۱

نامه معظم له در پاسخ به نامه آقایان مهدی کروب‌بی، امام جماران‌بی و سید حمید روحانی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات حجج اسلام آقایان مهدی کروب‌بی و امام جماران‌بی و سید حمید روحانی
دامت افاضاتهم

پس از سلام و تحیت نامه مورخه ۶۷/۱۱/۲۹ شما آقایان محترم واصل شد.

ضمن تشکر از توجه شما نسبت به اینجانب ناچارم تاسف عمیق خود را ابراز دارم که چرا سه نفر از بزرگانی که متصدی امور مهمی در کشور می باشند و مخصوصاً مسئول و متصدی حفظ ارزش‌های تاریخی انقلاب و کشور، این مقدار از مسائل و واقعیات بی اطلاع باشند که منشأ قضاوتشان بافته‌ها و نقلیات شایعه سازان مغرض و حدسیات افراد بی اطلاع به اصطلاح اطلاعاتی باشد، به نحوی که در یک نامه چندین تهمت و دروغ واضح وجود داشته باشد.

و تعجب من از این است که آقایان انتظار دارند من درک و فهم خود را کنار بگذارم و تسلیم جوسازی‌ها شوم، خداوند همه ما را از خطاها و لغزش‌ها و اشتباهات حفظ فرماید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۶۷/۱۲/۱ - حسینعلی منتظری

باسمه تعالی

نامه فوق در تاریخ فوق به عنوان جواب نامه آقایان نوشته شد ولی پس از مشورت از باب: «امت الباطل بترک ذکره» فرستاده نشد، ولی چون آقایان نامه خود را که متضمن اکاذیبی است در بولتن‌های خبری چاپ کرده اند لازم شد به عنوان دفاع از خود اجمالاً فرستاده و نشر شود.

والسلام علی من اتبع الهدی

۱۳۶۸/۱/۲۵ - حسینعلی منتظری

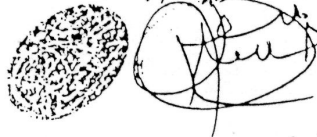
بسمه تعالی

تاریخ

شماره

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرات حجج اسلام آقا یان مهدی کزوئی و امام چهارم و سید حمید و سید محمد باقر استوفیانی
 پس از سلام و تحیت نامه مورخه ۶۷/۱۱/۲۹ ع. آقا یان محمد و ولید
 ضنی تشکر از ترحم و کثرت باین جانب ناچارم تا توفیق محبت خود را ابراز دارم
 که چو اسه نواز بزرگوار که منتقدی امور مذهبی در کشور می باشند و خصوصاً مسئول و منتقدی
 حفظ ارزشهای تاریخی انقلاب و کشور، این مقدار از مسائل و واقعات به اطلاع رسانند
 که منافع و احسان یافته و تعلیقات صحیح بر سر آن مفرغین و حدیث افراد نادان باشد
 بنحوی که در دید نامه چند نیت و دروغ و افندی و مورد ستم باشد
 و تعجب فراز این است که آقا یان انتظار دارند بزرگ و فهم خود را نشان بدهند و در
 خداوند همه ما را از خطایم و لغزشهایمان استغاثت حفظ فرماید والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۶۷/۱۲/۱۱


باسمه تعالی

نامه فوق در تاریخ فوق بعنوان جواب نامه آقا یان نوشته شد و پس از شور و استاز باب
 «امت الباطل تبرک ذکره» فرستاده شد و چون آقا یان نامه خود را که متضمن
 اکاذیبی است در بولتن مجری چاپ کرده اند لازم شد بعنوان دفاع از خود
 اجمالاً فرستاده و نشر شود، والسلام علی من اتبع الهدی ۶۵/۱۱/۱۳



پیوست شماره ۱۶۹: مربوط به صفحه ۶۷۱

نامه معظم له به آقای هاشمی رفسنجانی - ریاست وقت مجلس شورای اسلامی - در
باره درج جوابیه معظم له در بولتن مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجة الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی ریاست محترم مجلس شورای
اسلامی دامت افاضاته

پس از سلام و تحیت، چون از قرار مسموع نامه حجج اسلام آقایان کربوبی و امام
جمارانی و سید حمید روحانی به اینجانب در بولتن‌های خبری از جمله بولتن مجلس
شورای اسلامی منتشر شده، مقتضی است جنابعالی دستور دهید جواب آن که لفا ارسال
می شود مطابق قانون مطبوعات در بولتن مجلس شورای اسلامی چاپ و منتشر شود.
توفیق جنابعالی و مجلس شورای اسلامی را در راه ارتقاء اسلام و کشور از خداوند متعال
مسألت می نمایم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۶۸/۱/۲۵ - حسینعلی منتظری

بسمه تعالی

تاریخ

شماره

بسم الله الرحمن الرحيم

افغانستان
دائرت

جناب مستطاب حجۃ الاسلام آقای آجمنی رضی الله عنیه ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
 پس از سلام و تحیت چون از قرار مسوع نامه حج اسلام آقایان کروبی و امام چهارم
 و سید حمید روهانی باین جانب در بولتن های هجری از جمله بولتن مجلس شورای اسلامی
 منتشر شده مقتضی است جنابعالی دستور دهید جواب آن که لفا ارسال می شود
 مطابق قانون مطبوعات در بولتن مجلس شورای اسلامی چاپ و منتشر شود.
 توفیق جنابعالی و مجلس شورای اسلامی را در راه ارتقاء اسلام و کشور از خداوند
 متعال مسئلت می نمایم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ۶۸/۱/۲۵



Handwritten signature in Persian script.

پیوست شماره ۱۷۰: مربوط به صفحه ۶۷۱

نامه مجدد آقایان کروی، جمارانی و روحانی به معظم له

در رابطه با پاسخ مبهم حضرت آیت الله منتظری به نامه مدلل و مفصل مورخه ۶۷/۱۱/۲۹ اینجانبان لازم می‌دانیم نکات زیر را تذکر دهیم:

۱ - آیت الله منتظری بدون اینکه موارد خاصی را ذکر نمایند چند مورد از نامه یازده صفحه ای ما را دروغ و تهمت خوانده اند؛ درحالی که بهتر بود مواردی از نامه را که به نظرشان تهمت و کذب بوده مشخص می‌کردند تا ما دلائل و شواهد و اسناد خود را برای هر مورد ارائه می‌کردیم.

۲ - در نامه ما به مطالب بسیاری اشارت شده بود، چنانچه از ذکر مسائل بسیار دیگری هم خود داری گردیده بود. از طرفی ایشان از میان این همه مطالب مطروحه در نامه، چند مورد نامشخص را خلاف واقع دانسته اند. چه بسیار منطقی می‌نمود اگر معظم له در خصوص موارد دیگر نامه که به نظر ایشان هم خلاف نبوده توضیح و پاسخ صحیح ارائه می‌فرمودند، از جمله پاسخ می‌فرمودند که در خصوص آن همه دفاع از افراد فاسد و جنایتکاری چون سید مهدی هاشمی و باند تبه‌کار او چه توجیهی دارند؟

۳ - در پاسخ ایشان جمله ای است بسیار مبهم که «آقایان انتظار دارند من درک و فهم خود را کنار بگذارم و تسلیم جوسازی‌ها شوم» این قسمت از پاسخ، این مساله را می‌رساند که مواضع غلطی که از سوی ایشان به طور مستمر ابراز شده و تمامیت نظام را به زیر سؤال برده و از سوئی باعث شده است که حضرت امام به خاطر مصالح عالیله نظام آن موضع قاطع را اتخاذ نمایند، درک و فهم شخص آیت الله منتظری بوده و ایشان هنوز هم بر صحت تحلیل‌های خاص و خلاف واقع خود اصرار دارند و از طرفی، طرفداران واقعی نظام و یا کسانی را که با نقطه نظرات ایشان مخالف بوده جوساز یا تسلیم شرایط جو می‌دانند که البته امید داریم که چنین نظری نداشته باشند.

۴ - هنگامی که مخلصین از روی دلسوزی و مصلحت اندیشی، انتقادی سازنده را نسبت به ایشان عنوان کرده و یا به برخی از عیوب و نقصهای موجود در کار ایشان اشارت می‌کنند، چرا با آنان به چشم دشمن یا افرادی جوساز ساده اندیش و افرادی

که دیگران آن‌ها را پر کرده اند برخورد می شود؟ و از طرفی اگر افرادی مجهول الهویه یا حتی ضدانقلاب، مطالب واهی و بی اساس را علیه نظام و ارگان‌ها و مسئولین دلسوز مطرح می کردند، از سوی ایشان پذیرفته شده و حتی ایشان به عنوان بلندگوی آن‌ها، مطالب غیرصحیح و خلاف واقع را در سخنرانی‌ها بیان کرده و یا در پیام‌هایشان منتشر می کردند. ما بر این نکته بارها تاکید داشته ایم که متأسفانه از نقاط ضعف بسیار مهمی بوده است که کار معظم له را به اینجا منتهی کرده است.

در خاتمه بهتر بود ایشان که درصدد پاسخ بر آمده بودند، از روی خیر خواهی و باصراحت به انتقادات دلسوزانه و مستدل، پاسخی مشخص و مدلل ارائه می فرمودند، نه اینکه به همان شیوه سلف، با برخوردی جو سازانه تنها به کلی گوئی پرداخته ضمن ذکر اینکه مواردی از نامه ما مجهول یا تهمت بوده، تنها بر ابهامات بیفزایند. به هر حال ما نیز تأسف عمیق خود را از برخورد مجهولانه معظم له با انتقادات دلسوزانه مندرج در نامه را ابراز می داریم.

مهدی کروی - مهدی جمارانی - سید حمید روحانی

پیوست شماره ۱۷۱: مربوط به صفحه ۶۷۱

جوابیه آقای سعید منتظری به نامه آقایان کروب‌ی، جمارانی و روحانی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت حضرات محترم، حجج اسلام آقایان امام جمارانی، شیخ مهدی کروب‌ی و سید حمید روحانی دامت افاضاتهم

پس از تحیت و سلام، نظر به اینکه در نامه مورخ ۶۷/۱۱/۲۹ شما که اخیراً در بعضی از بولتنها درج گردید مسائلی مشاهده شد که برخی از موارد آن مستقیماً به این حقیر مربوط می‌شود، ضروری دیدم جهت آگاهی شما سروران و کسانی که احیاناً آن نامه را خوانده‌اند، توضیحاتی را معروض دارم و البته هرگز قصد دامن زدن به تنشای موجود جامعه و نامه پراکنیهای این‌چنینی را نداشته و فقط از باب اینکه بعضاً مطالب نوشته شده با استناد به نقلیات افراد ناآگاه و احیاناً مغرض مطرح شده است، جهت روشن شدن ابهامات و از باب اینکه دفاع از خود حق طبیعی و شرعی هر فرد مسلمان می‌باشد، اقدام به نوشتن این نامه نمودم و سعی خواهم کرد توضیحاتم موارد غیر مربوط به اینجانب را هم در بر گیرد و در حد وسع و اطلاعات موجودم به آنها خواهم پرداخت. (لازم به ذکر است تقسیم بندی نامه بر اساس بندهای نامه فوق‌الذکر می‌باشد.)

۱ - نوشته‌اید: «علیرغم هشدارها و تذکرات خیرخواهانه حضرت امام و برخی از مسئولان و دوستان، مهدی هاشمی به مسئولیت نهضت‌ها گماشته شد.» لازم به ذکر است مسئولیت‌های بدوی بعد از انقلاب او از طرف حضرت آیت الله منتظری نبوده و دوران همکاری با سپاه (عضویت در شورای فرماندهی) و شروع کار نهضت‌ها، با احکام آقایان مسئولین کشوری بوده است و حکم مسئولیت نهضت‌ها بعداً از طرف ایشان نوشته شده بوده و همچنین اینطور نیست که با آنکه حضرت امام و سایر مسئولین تذکرات لازمه را داده باشند، با این حال مسئولیت نهضت‌ها به او سپرده شده باشد، چون تذکرات حضرت امام بعد از مسئولیت نهضت‌ها بوده و آقایان مسئولین محترم کشور هم بعضاً در امورات سپاه و همچنین نهضت‌ها همکاری‌هایی با او داشته‌اند.

نوشته‌اید: «چنین جنایتکاری در میان بیت بود» اولاً همه می‌دانند او هرگز عضو

بیت و دفتر نبوده و اصلاً همین مسئولیت نهضت‌ها دلیلی است که او در امورات بیت نقشی نداشته و نمایندگان و خویشاوندان یک شخصیت صحیح نیست الزاماً از اعضای بیت آن شخص به حساب آیند و ثانیاً جنایات و خیانت‌های این مفسد پس از دستگیری‌اش روشن و آشکار گشت.

۲- (الف) در مورد وی و سایر مربوطینش شاید شما پیام معروف آیت الله منتظری را در آن موقع به یاد نمی‌آورید که در آن تصریحاً با جمله «ولوبلغ مابلغ» خواستار رسیدگی شده بودند. البته ایشان در مورد همه زندانیان و منجمله او، تأکیدش بر این بوده که مبادا جو و مسائل این چنینی خدای ناکرده بر احکام الله اثر بگذارد و این مطلب از موضع گیری‌های ایشان در قضایای حشمت و جریانات مربوطه و هم در قضایای منافقین و... مشهود است؛ و اینکه در بعضی از روزنامه‌ها نوشته اند ایشان درس خود را به این جهت تعطیل نمودند کذب محض است و ایشان حتی یک روز هم درس را تعطیل نکردند بلکه چون خانواده‌های بازداشتی‌ها زیاد مراجعه می‌کردند و مزاحم بودند، ایشان چند روزی ملاقات را تعطیل کردند و اینکه ایشان تأکیدشان همیشه بر برخورد با صبر و حلم در چهارچوبه قوانین اسلام بوده است و سفارش به اینکه مبادا جو خاص انسان را از اعتدال خارج کند. بخشی نیز به نظرات فقهی مربوط است که از حد حقیر خارج می‌باشد.

اما مطلبی که قابل ذکر است اینکه ایشان این نظرات را به شکل محرمانه و فقط برای اطلاع حضرت امام ارسال کردند و با پخش آن هرگز موافق نبوده اند و گرچه ایشان مطیع اوامر مقام معظم رهبری بوده و هستند، اما در حد یک مشاور، حداقل این حق را به ایشان می‌دهید که اگر چیزی به نظرشان آمد به شکل محرمانه با استادشان مطرح نمایند و به مقتضای احادیث وارده «النصیحه لائمہ المسلمین» وظیفه هر مسلمانی است، چه رسد به ایشان که چهل سال است به پیروی از حضرت امام شناخته شده اند.

(ب) مسئله اسناد نخست‌وزیری تا آنجا که بنده اطلاع دارم سندی بیش نبوده و آن هم نه «دزدی از نخست‌وزیری» بلکه گزارش بودجه ای بوده که در اختیار نمایندگان مجلس قرار می‌گرفته و توسط نماینده مشخصی در اختیار شخص دیگری قرار گرفته و فکر می‌کنم صحیح نباشد مسئله این‌گونه مورد قضاوت قرار گیرد. مسئله تصمیم به

نخست وزیر شدن همانطور که از قالب کلمات پیداست مزاحی بیش نبوده و لازم به ذکر است فرد مورد بحث که سند در اختیارش قرار گرفته بوده، مورد شناخت حضرت آقای کربوبی می باشد و در دوران نهضت‌ها امکاناتی از طرف ایشان در اختیار او قرار می گرفته است، گرچه چنین اسنادی سابق بر این حتی در روزنامه‌ها هم چاپ گشته است. (ج) جعل اسنادی که به اینجانب نسبت داده شده کذب محض است، چه رسد به اعتراف به آن و آن هم در حضور پدرم که در این مورد و دیگر موارد مربوطه حاضر به قسم و در صورت ظهور خلافش آماده پذیرش هر نوع عقوبتی خواهم بود. من ادله بیگناهی ام را در نامه مورخ ۱۳۶۶/۲/۶ برای برادران اطلاعات مشروحاً توضیح داده ام که لابد صلاح ندانسته اند انعکاسی داشته باشد. در صورت لزوم دلایل و شواهد ان شاء الله قانع کننده ای ارائه خواهم داد، که اظهارات مجرمی که برای فرار از مجازات دنیوی و کم شدن جرمش مذبحخانه به دنبال شریک جرم می گردد مورد استناد این و آن قرار نگیرد.

(د) اخفای سید هادی صورت خارجی ندارد و در آن مسئله دو سال قبل، او احضار شد و خودش به تهران رفت و البته تاخیری دو سه روزه داشت، ولی بحثی از مخفی شدن در کار نبود و در مورد اخفای دیگرانی که اشاره فرموده اید و شخص ذکر شده در نامه، هرگز چنین چیزی نبوده است و راه تحقیق هم باز است.

۳ - در مورد احضار اینجانب و ممانعت پدرم، این مطلب هم واقعیت نداشته است و من تاکنون به دادگاه احضار نشده ام و مگر بنا بوده در باره احضار اینجانب از پدرم سؤال شود و مگر نه اینکه سه سال قبل بدون اطلاع پدرم چند ساعتی در خدمت آقایان بودم و این بار هم همین گونه عمل شد.

۴ - در مورد پخش اعترافات مهدی هاشمی خطاب به پدرم مرقوم فرموده اید: «آنگاه که خبر به شما می رسد که رادیو و تلویزیون می خواهد اعترافات را پخش کند می کوشید حتی با تهدید از پخش آن جلوگیری کنید» باید بگویم نه شخص حضرت آیت الله منتظری و نه هیچکس در بیت، اطلاعی از اعترافات نداشتیم چه برسد به جلوگیری از پخش آن، و دقیقاً یادم هست که آن روز استاد گرام جناب حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی خدمت آقا بودند که در اخبار تلویزیون گفته شد مشروح اعترافات

مهدی هاشمی در پایان اخبار پخش خواهد شد که وقتی به اطلاع ایشان رسید از آقای هاشمی سؤال فرمودند: «مطلب چیست؟» که آقای هاشمی گفتند: «اعترافاتی بوده ولی بنا به پخش نبوده است و نمی دانم چه شده است که پخش می کنند»؛ و اصلا در این گونه موارد آنچه مورد نظر آقا می باشد عدم صحت بیان جرم قبل از اثبات و کشیده شدن مسائل به رسانه‌ها قبل از محاکمه می باشد که لابد بنابر اصول فقهی چنین نظری را ابراز می فرمایند.

۵ - در این قسمت از نامه شیادانی فرض شده اند که دور آقا را گرفته و اطلاعات غلط از کانال اینان به آقا می رسد. نوشته اید: «روزی به شما می باوراندند که مردم تا آن پایه ناراضی هستند که به مقامات مسئول کشور و روحانیون... هتاک می کنند.» لازم به ذکر است اهانت به مسئولین و روحانیون توسط برخی از مردم، مطلبی است که در اکثر بولتنهای ارگان‌های انقلابی و... بخصوص جزوه‌های مخصوصی که در این مورد از طرف نخست‌وزیری منتشر می شود به آن‌ها اشاره و همچنین انعکاس ناراضی‌های مردم از بعضی امورات، از سلام صبح بخیر رادیو گرفته، تا برنامه اقتصادی و... تلویزیون و جای جای روزنامه‌ها، چه به صورت فکاهی و حرف حساب و چه به صورت مقاله و... مطرح شده و در این مورد نظر ایشان اینست که به نحوی رفتار شود که ناخودآگاه عامل نارساییها و کمبودها، روحانیت و بالتبع اسلام قلمداد نشود که خدای ناکرده نتیجه آن بیزاری مردم از روحانیت و در نتیجه اسلام شود.

در مورد توهین اعضای بیت و سایر مربوطین نه تنها العیاذ بالله به حضرت امام، بلکه به سایر مقدسات نیز کوچکترین توهینی روا نداشته و نمی دارند و بالعکس جملگی مطیع و مقلد و پیرو رهبر و خدمتگزار انقلابند که بالتجربه مقدساتش را از خود می دانند و یکایک افراد بیت به عنوان افرادی حزب الهی که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها برادر شهید و از خانواده محترم شهدا هستند، چگونه حاضرند توهین به امام را بشنوند، چه رسد به اینکه خود توهین کننده باشند.

همه و بالخصوص شما سه بزرگوار، خانواده ما و خواهر مرا و خودم را خوب می شناسید و دور از انصاف است مطلب مورد اشاره درنامه و بخصوص مورد اهانت به عکس حضرت امام، مورد تایید شما عزیزان قرار گرفته باشد. منزل خواهرم و خودمان و سایر نزدیکان و... همه و همه از سالیان قبل از انقلاب، تا حال و من بعد هم مزین به

عکس مبارک حضرت امام بوده، نه یکجا که جای منزلتان قاب عکس حضرت امام و آن هم یقیناً از روی اخلاص و عقیده، موجود است و اصلاً امام در قلب ما جای دارد و دیگر اینکه تمامی عکسهایی که در جای جای بیت و دفتر وجود دارد توسط شخص من و با سلیقه من نصب شده که می‌توانید استفسار فرمایید؛ و در مورد برادر بزرگوار جناب حجة الاسلام حاج احمدآقا فرزند حضرت امام، بنابر آنچه در ذهنم موجود می‌باشد، معروض می‌دارم که در دستگیری چند ساعته سه سال قبل، از روی عصبانیت لحظه‌ای، جملاتی ابراز داشتم که چه بسا نسبت به ایشان تعرضی صورت گرفته باشد که آنچه یقینی است بخشش ایشان و آنچه نا زیباست دامن زدن به آن و آن هم با گذشت سه سال از موضوع و در مورد استاد عزیز جناب حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی یقیناً چنین مطلبی را بنده هرگز بر زبان نیاورده‌ام.

سروران عزیز، بنده شهامت آنرا دارم که بر آنچه اشتباه نموده‌ام، اقرار و طلب بخشش کنم ولی ناراحتی من از مواردی است که به دروغ نسبت داده می‌شود. من یک فرد عادی و چه بسا دارای اشتباهات زیاد هستم و مسئولیت تمامی اعمال و رفتارم به عهده خود من می‌باشد، ساحت پدر بزرگوارم از آن منزّه است، لذا خواهش من از شما بزرگواران اینست که اشتباهات من و امثال مرا از ایشان جدا کنید و مرا با عنوان سعید منتظری یاد نمایید، نه آیت الله زاده و آن هم با علامت تعجب.

باز در بند دیگر، مطلب به شکلی تنظیم شده که موجب برداشت بد خواننده می‌شود. نمی‌توان صحبت‌های حضرت آیت الله منتظری در مورد کاستن از شعار را به حضرت امام نسبت داد و این هم مطلبی است که کوچک و بزرگ همه می‌دانند که صدر و ذیل صحبت‌ها و نامه‌های آقا از دعا و تعریف و تمجید بر حضرت امام گرفته، تا ذکر دائمی این مطلب که برای من طلبه شعار ندهید و برای اسلام و انقلاب و رهبر بزرگوارش شعار داده شود و این مطلب در اکثر قریب به اتفاق بیش از یک هزار سخنرانی ایشان به روشنی مشهود است.

۶ - با آنکه این مطلب که آیت الله منتظری در برخورد با مسئولان و مقامات قضایی از عفو گروه‌کیان سخن می‌گویند مطلب صحیحی است، ولی آنچه باید مورد توجه قرار گیرد شرایط عفو است که یکی از آن‌ها بنابه فرموده حضرت امام موافقت وزارت اطلاعات بوده و وظیفه احراز توبه توابعین به عهده آن برادران بوده و طبیعی است

مواردی را تایید نموده اند که به نظر آن‌ها احتمال بازگشت به دامن منافقین و... در آن‌ها نبوده است و چه بسا در مورد معدودی از آن‌ها هم اشتباه شده باشد، ولی آن هم در موقع آزادی آن‌ها مدّ نظر قرار می گرفته و تا درصد مشخصی از آن روالی طبیعی در برداشته است. ذکر این نکته ضروری است که در جریان عفو تا آنجا که من می دانم نظر همه حتی حضرت امام این بوده که اگر در این مورد تا حدود پنج درصد هم اشتباهی صورت گیرد اشکالی ندارد و این در حالی است که بر اساس آمار هیئت عفو منتخب حضرت امام، بیش از دو سه درصد از آزادشدگان مسئله دار نشده اند و هیئت عفو از طرف حضرت امام منصوب بودند و تا نظر آنان و نظر نماینده اطلاعات در پرونده نبود، عفوی انجام نمی گرفت و هیچ وقت خود ایشان کسی را عفو نکرده اند.

۷- لابد می دانید که شعار معروف «مرگ بر امریکا یادتان نرود» و پشتیبانی‌های بی دریغ ایشان از نهضت‌های اسلامی و بالخصوص فلسطین و اعتقاد عملی و غیر قابل انکار به شعار «امروز ایران فردا فلسطین» از مشخصات بارز آیت الله منتظری می باشد. طبیعی است ایشان با آن همه سوابق و لواحق موجوده، هیچگاه نظرشان حذف شعار نابودی اسرائیل نبوده است، تنها تذکری که داده شده فرق گذاشتن بین صهیونیست‌ها و یهود بوده، چون در ایران ما هم از فرقه یهود هستند، باید شعار علیه صهیونیست‌ها باشد نه یهودیت که خودش یک دین و مذهب است و دیگر اینکه شعارها باید منطبق با عملکرد باشد. در این مورد سفارشات مکرر ایشان به مسئولین جهت حمایت مادی و معنوی از قیام فلسطینی‌ها و اعلام راهپیمایی به پشتیبانی از قیام مردم فلسطین اشغالی درخور توجه می باشد، و شاید بیش از هر کس در ایران به سرنوشت جنبش‌های رهایی بخش علاقمند باشند. برای نمونه به تمامی سخنرانی‌ها و ملاقات‌های ایشان مراجعه فرمایید که به نهضت‌های اسلامی فلسطین، لبنان، اریتره، افغان و... دعا کرده و برای آنان طلب نصرت می نمودند.

۸- در مورد مسئله شهید جاوید، بنده آن موقع سنم اقتضا نمی کرد و از چند و چون قضایای آن موقع اطلاع دقیق ندارم، اما در مورد شهید محمد مسئله به گونه دیگری و البته آن هم بر خلاف میل باطنی ایشان بوده و حتی هنوز نیز ایشان احساس ناراحتی می نمایند ولی آنچه که مطرح بوده مصلحت انقلاب و نظام بوده و این خود نشانگر شدت اهتمام ایشان به حفظ اصل نظام و بر فرض صحت ادعای شما، این مطلب خود

دلیل است بر اینکه علیرغم مسایلی که در بند ۲ و ۳ ذکر نموده‌اید، ایشان حاضرند بدون در نظر گرفتن روابط شخصی و... همه چیز را فدای مصلحت نظام کنند. همچنین در این نامه و برخی از روزنامه‌ها چنین منعکس شده که «ایشان تحت تاثیر لیبرالها بوده اند» شما خود می‌دانید اولین کسی که مبارزه بی‌امان با لیبرالها را شروع کرد شهید محمد منتظری بوده و حضرت آیت الله منتظری هم از اول بنابر شواهد و مدارک موجود با روی کارآمدن آنها مخالف بوده‌اند و فعلاً نیز بر این نظر خود باقی و در مواضعشان تغییری حاصل نشده است.

۹ - نوشته‌اید: «عناصر درستکار و متعهد از بیت شما کنار زده شده‌اند» لازم به ذکر است قضیه کلید گرفتن از مواردی است که اینجانب راساً چنین کاری کرده‌ام و همان موقع شدیداً مورد عتاب پدرم واقع گشتم و به هیچ وجه معظم له قصد اخراج و منزوی کردن کسی را نداشته‌اند و خود اینجانب هم با آنکه بنابر دلایلی نسبت به بعضی از آقایان نظر مساعد نداشته‌ام، ولی هرگز نه دخالتی داشته و نه درصدد ابراز و تحمیل عقیده‌ام برآمده‌ام و شاهد بر این مدعا در طول ده سال انقلاب، از اعضای دفتر به غیر از یک مورد و آن هم بنابر مسائلی، کسی کم نشده بوده است.

۱۰ - اینکه تضعیف نظام کار حرامی است حرف کاملاً صحیح و از معتقدات راسخ آیت الله منتظری می‌باشد. فکر می‌کنم اختلاف سلیقه ایشان با دیگر مسئولین در این مورد است که طرح فلان مشکل با مردم آیا باعث تقویت نظام و حضور بیشتر مردم در صحنه انقلاب می‌شود، یا بعکس موجب تضعیف آن می‌گردد، اما مطمئناً هیچگاه قصد تضعیف در کار نبوده است؛ ولی به هر حال با مشخص شدن نظر رهبر کبیر انقلاب، ایشان خود را موظف به اطاعت آن می‌دانند.

در مورد نمایندگان ایشان، گرچه ضعف‌هایی بوده، ولی فکر نمی‌کنم صحیح باشد ضعف‌های نمایندگان کسی را دلیلی بر تضعیف خود وی قرار داد؛ و اما در مورد لیبرالها و رفت و آمدشان که در سخنرانی دانشگاه نیز مطرح شده که این‌ها در بیت صف کشیده و جای ما نبود! یادآور می‌شود در مجموع این سال‌ها، این‌ها سه چهار بار بیشتر ملاقات نداشته و شاید حتی نسبت یک ده هزارم ملاقات‌های ایشان را نیز تشکیل نمی‌داده‌اند. اینکه اصل ملاقات یک فقیه با مخالفین جایز است یا نه و رفتار با گروه‌های مخالف چگونه باید باشد در حد من نیست، اما بنده شخصاً حتی با یک بار ملاقات هم مخالف

بوده و این روحیه را از زمان شهید محمد حفظ کرده ام و دیگر اینکه یقین دارم منظور پدرم از تاکید بر استفاده از نیروها و بکار گرفتن آنها قطعاً اینها نیستند و آن هم به این شکل که قدرت را تسلیم آنها کنیم و این چند مرتبه هم که آنان به ملاقات پدرم آمده اند به منظور شکایت از برخوردهایی بوده که راجع به آنان و محل حزبشان انجام می شده است.

برادران و سروران عزیز

باز یاد آوری می کنم، من در عین حال خود مسئول و جوابگوی ضعفها و کم و کاستیهای خود هستم، اینطور نبوده که پدرم از اعمال و سکنات بنده مطلع باشد و آن را مورد به مورد تایید نماید. اگر ضعفها و ایرادات و احیاناً اشتباهات یک شخصیت بخواهد بدین سان وسیله ای جهت تضعیف آن شخصیت و ملوک ساختن وی گردد، آنوقت برای انقلاب چیزی نخواهد ماند که از آن به خدا پناه می بریم.

خود می دانید که فرزندان و بستگان بسیاری از شخصیت‌های متعهد، احیاناً افراد ناباب و بعضاً حتی وابسته به گروهکها نیز بوده اند، اما این حقیر (گرچه از ذکر این نکات شرم دارم و آن را در مقابل فعالیت‌های امثال محمد، هیچ و بی ارزش می دانم) افتخار آن را داشته ام که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در حد توان و وسع خودم در خدمت انقلاب و رهبر بزرگوار آن باشم و با آنکه آن موقع همچون الان بچه ای بیش نبودم و تبعید و زندان و زجر و شکنجه‌های پدر و برادرم وضع عادی زندگی ما را مختل کرده بود و با اینحال و علیرغم تنهایی‌ها و بی کسی‌ها و با آنکه فقط و فقط محبت‌ها و دلگرمیهای امت مخلص و مقلد امام و مردم متدین نجف آباد اسباب دلگرمیمان بود، در صورتهای مختلف مبارزات ضد شاهنشاهی انجام وظیفه می کردم و پس از انقلاب نیز خود را در غم و رنج آن شریک دیده ام و سعی کرده ام با حضور در جبهه، نقشی هرچند کوچک ایفا نمایم. همچنین در کنار برادر شهیدم در شرایطی که همه به او پشت کرده بودند و او یکه و تنها به مبارزه علیه لیبرالها ادامه می داد، حضور داشتم و همان موقع بود که ایشان بنا به فرموده مبارک حضرت امام متحمل شکنجه‌های روحی از قبل بدخواهان بود و طبیعی است که کینه انقلابی ام را همچنان حفظ کرده و هرگز لیبرالها و خط سازش نخواهند توانست رخنه ای در من پیدا نمایند و در مورد منافقین هم طبیعی است که حقیر با آنان نفرت دیرینه داشته باشم، به شکلی که هنگام

عملیات مرصاد با آن که در جنوب بودم، برای اینکه حد اقل به سهم خود در ریشه کن کردن آن‌ها و تقاص خون برادرم سهیم باشم، به غرب کشور رفتم. دیگر مطلب اینکه الان نیز کمافی السابق در هیچ مسئله سیاسی هم نقشی نداشته و ندارم.

من خود را مقلد و مطیع و مرید حضرت امام حفظه الله می دانم، لذا اگر بدانم خدای ناکرده وجودم باعث ناراحتی معظم له گردیده، خدای شاهد است لحظه ای بودن خود را در این مکان حرام و نبودنم را طاعت و عبادتی بزرگ و مقبول درگاه پروردگار می دانم و طبیعی است هرگز از چنین امری روی گردان نخواهم بود.

در ضمن انتظار این حقیر از شما بزرگواران این بود که صرف نظر از دقت در محتوای نامه، آنرا با لحن دیگری می نوشتید، گرچه حضرت آیت الله العظمی منتظری جهت دوام و بقای انقلاب حاضرند از همه چیز و منجمله آبروی خود مایه گذارند، اما نظر به پیوندی که ایشان به لحاظ سوابق خاص مبارزاتی و مجاهدت‌هایشان با انقلاب و شخص حضرت امام دارند و نقش معروفی که ایشان جهت تثبیت مرجعیت حضرت امام روحی فداه داشته اند، موجب می شود این گونه برخوردها خدای ناکرده به اصل نظام و انقلاب لطمه وارد آورد. در خاتمه تقاضامندم که اگر احیاناً بی احترامی ای از این حقیر نسبت به کسی سر زده است بزرگوارانه مرا ببخشند که بعید نیست برخی از افتراهایی که از طرف افراد مغرض به اینجانب زده می شد و در جامعه پخش می گردید، در تحریک اینجانب تاثیر کرده باشد و مطلبی بر زبان رانده باشم.

توفیق روز افزون شما را در خدمت به اسلام و مسلمین و مستضعفین از خدای بزرگ خواهان و خواستارم.

۶ اردیبهشت ۱۳۶۸ - نوزدهم رمضان المبارک

سعید منتظری

پیوست شماره ۱۷۵: مربوط به صفحه ۶۹۰

اهدای لوح تقدیر توسط حجة الاسلام آقای خامنه ای - ریاست جمهوری وقت - به معظم له، به خاطر کتاب سال شناخته شدن کتاب «دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه»، مورخه ۶۷/۱۱/۲۳

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی منتظری مدظله العالی

تلاش موفق شما در فراهم آوردن کتاب دراسات فی ولایه الفقیه (تالیف) که اجابت تکلیف الهی همه عالمان و روشنفکران و نویسندگان جامعه انقلابی ماست بر شما و بر مردم ما مبارک باد.

در جامعه ای که آئین آن اسلام است و آهنگ عمومی آن انقلاب، و رهبر آن فقیه و حکیم عارفی چون حضرت امام خمینی مدظله العالی شایسته است اگر تلاش فرهنگی در جایگاه بلند خود قرار گیرد و به آن ارج و بهای لازم داده شود.

من به نام ملت ایران از شما به خاطر سهمی که در این واجب بزرگ پذیرفته اید قدردانی می کنم.

سید علی خامنه ای

رئیس جمهوری اسلامی ایران

پیوست شماره ۱۷۶: مربوط به صفحه ۶۹۰

اهدای لوح تقدیر و جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی توسط آقای خاتمی - وزیر فرهنگ و ارشاد وقت - به معظم له، به خاطر کتاب سال شناخته شدن کتاب «دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه»

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم حضرت آیت الله منتظری

بسیار خوشوقتم از اینکه کوشش ارزنده جنابعالی را در تالیف کتاب دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه که خدمتی بزرگ به معارف و فرهنگ جامعه اسلامی ایران است تبریک بگویم.

انتخاب این کتاب به عنوان یکی از کتب برگزیده سال ۶۷ نشانگر تقدیر جمهوری اسلامی ایران از آثار ارجمندی است که در جهت تعالی فرهنگ کشور فراهم آمده اند. اینجانب سپاس بی دریغ خود را همراه با آرزوی توفیق شما در خدمت به اسلام و انقلاب اسلامی ابراز داشته، به رسم هدیه و یادبود لوحه تقدیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۴ سکه بهار آزادی (جایزه مخصوص کتاب سال ۶۷) را تقدیمتان می دارم.

سید محمد خاتمی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حضور محترم حضرت آیه الله منتظری

بسیار خوشوقتم از اینکه که کوشش ارزنده جنابعالی را در تألیف

کتاب «دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة»

که خدمتی بزرگ معارف و فرهنگ جامعه اسلامی ایران است تبریک بگویم.

آشای این کتاب به عنوان یکی از کتب برگزیده سال ۶۷ نشانه تقدیر جمهوری اسلامی ایران

از آثار برجندی است که در جهت تعالی فرهنگ کشور فراهم آمده و اند.

اینجانب پنداس بی دریغ خود را همراه با آرزوی توفیق شما در خدمت به اسلام و انقلاب اسلامی

ابراز داشته به رسم هدیه و یادبود لوحه تقدیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اسکته بهار آزادی

(جایزه مخصوص کتاب سال ۶۷) را تقدیمتان می دارم.

سید محمد خامی
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

پیوست شماره ۱۷۷: مربوط به صفحه ۶۹۰

نوشته آیت الله صانعی در مورد انتخاب کتاب «دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه» جهت کتاب سال

بسمه تعالی

کتاب ارزشمند «دراسات فی ولایه الفقیه» در راستای آثار گرانقدر فقه شیعه از جایگاهی بلند و اهمیتی فراوان برخوردار است، این اثر دریای موج خیزی را مانده است که اگر حوزه‌های علمیه به شیوه استنباط، روش تحقیق، و حوصله شگفت‌انگیز بکار گرفته شده در آن توجه کنند، و سرمشق قرار دهند، قطعاً راهی نیکوتر و تحولی مطلوبتر را در تفقه و اجتهاد بوجود خواهد آورد.

آنچه اینک به عنوان اظهار نظر در کیفیت کتاب خواهیم نوشت در محدوده اظهار نظر برای وزارت ارشاد جمهوری اسلامی بخاطر انتخاب کتاب سال ۱۳۶۶ مطرح شده و گرنه ارزیابی گسترده این مجموعه گرانقدر فرصتی دیگر می‌طلبد. برخی از برجستگیها و امتیازات کتاب به قرار ذیل است:

۱ - ابتکاری بودن بحث:

مسائل مربوط به ولایت فقیه گو اینکه نشانه‌هایی در متون فقهی کهن نیز دارد، اما به عنوان بخش مستقل و مفصل از سابقه طولانی برخوردار نیست و آنچه نیز در این قرن‌های اخیر مطرح شده در محدوده اثبات ولایت فقیه و چگونگی آن بوده است، بحث و بررسی ولایت فقیه با این گسترش و تحلیل مسائل مختلف مربوط به حکومت، اثبات ولایت فقیه با روش کاملاً نوین و ابتکاری، تبیین ضرورت حکومت و ارزیابی ابعاد شکل دهنده نظام، و وظایف حکومت نه تنها در متون فقهی شیعه بلکه به این گستردگی و عمق در فقه عامه نیز بکلی بی سابقه است.

۲ - شمول و گستردگی:

این ویژه از امتیازات والای این کتاب است. در این اثر مؤلف معظم به عرضه و تحلیل روایات و فتاوی شیعه اکتفا نکرده است. بلکه روایات و اقوال عامه را نیز به دقت بررسی کرده و به اجتهاد و استنباط پرداخته است. و روشن است که فتاوی عامه و

روایات منقوله از طریق آنان به جهت احتفاف عصر معصومین علیهم السلام به عصر صاحبان مذاهب اربعه در فهم روایات ما و اجتهاد در مسائل فقهی سهم به سزایی خواهد داشت.

۳- تحقیق عمیق و ریشه یابی همراه با تتبع وسیع:

این ویژگی کتاب را آنچنان برجسته ساخته است، که باید گفت مقایسه آن با برخی آثار فقهی به دور از انصاف است. آثار عالمان معمولاً یا از تتبع گسترده خالی است و یا از اندیشه یابی و عمیق اندیشی.

تتبع وسیع مؤلف بزرگوار و فقیه عالیقدر، از منابع و ادله بحث (که فی المثل برای «لزوم ایجاد حکومت اسلامی» ۱۰ دلیل (ج ۱/۶۱-۵۹۳) و برای تبیین و تثبیت «انعقاد ولایت به انتخاب است» ۲۶ دلیل (ج ۱/۵۱۱-۴۹۳) و برای وجوب مبارزه با حکومت طاغوت ۱۱ دلیل اقامه کرده است)؛ چون با تعمق و ریشه یابی وی از مسائل فقهی (که در بحث‌هایی مثل «احتکار»، «زنداد»، «تعزیرات» جلوه روشن دارد و در سراسر کتاب به دقت توان یافت) دست مایه‌هایی است که در مسیر اجتهاد از استادش مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قدس سره بهره برده است؛ و در تعمق در کتاب و سنت و جداسازی مسائل شرعی از غیر آن از امام امت روحی فداه سود جسته است، کتابش یادآور روش «جواهر» و تعمق‌های شیخ اعظم و بالاخره شیوه عالی اجتهاد شیعه است.

خلاصه کلام آنکه: معظم له آنچنان «وسائل شیعه» را در «مبسوط» نمودن بحث ولایت فقیه و خارج کردن آن از بحث جنبی، در مثل کتاب «بیع» و با دقت در «بحار» علوم اهل بیت علیهم السلام بکار گرفته، و ابعاد مسئله را «مهدب» ساخته و در راه پیراستن بحث‌ها، شیوه «تهذیب» «تنقیح» را پیشه کرده، که فقیهان را «کافی» و اهل «استبصار» و رهروان فقه حتی «من لایحضره الفقیه» را جامع الشناتی وافی.

فقیه عالیقدر با تحریر وسیله و جمع «مدارک» و طی «مسالك»، «لمعه‌ها» و «جواهرها» استخراج کرده و در «مستند» سازی مسائل از هیچ «مستمسک» روایی و عقلانی چشم‌نپوشیده است. لذا «شرایع» دین را در مسئله ولایت فقیه با بیان مختصر و نافع و ادله «معتبر» چنان تعلیم فرموده که برای حوزه‌ها «مفتاح کرامت» و برای

«ارشاد اذهان» به «فقه قرآن» و آثار اهل بیت علیهم السلام «زبدہ البیان» و «نهایه» الاحکام است، خداوند عمر منشأ و منبع این سبک بحث‌ها و تالیف‌ها یعنی امام امت روحی فداه را طولانی، و این همه تلاش و کوشش را از آن بزرگوار پذیرا باشد، و شهید با تقوی و فضیلتش را با شهدای کربلا محشور گرداند، و همه دست اندرکاران نظام جمهوری اسلامی را توفیق خدمت به نظام اسلامی عنایت کند، و حوزه‌های علمیه و مخصوصاً حوزه علمیه قم را از حوادث ناگوار مصون بدارد. بمنه و فضله.

۶۷/۱۱/۴ - یوسف صانعی

بسمتعالی

دراسات فی ولایة الفقیه

و
فیه الدولة الاسلامیة

آیة الله العظمی المنطری

کتاب ارزشمند «دراسات فی ولایة الفقیه» در دستر آنکه از تقدیر فقہ شیعیان جایگاه بر عیند و اهمیت فرادین برخوردار است، این اثر در پیاریع چیز سلانته است، که از حوزه با علمیه بر ششم است، با شش تحقیق، دو حوصله کشف این تغییر یافته شده در این توجه منسند، و شریعت قرار دهند، قطعاً با هر یک از آنکه در مورد برادر فقہ و اجتماع بوجه ظاهر آرد.

آنچه امید بنفاز زلفی نظر در کیفیت کتاب خواجه نشت در محدوده اینها نظر برادر وزارت انشاالله جمهر رسد بر خاطر انتخاب کتاب سال ۱۳۶۶ هجری
شده و گزیند از این برگزیده این مجموعه لائق تقدیر و ستودن می باشد. بر خیز از هر جنبه ای امتیازات کتاب تقریر ذیل است :

۱- ابتکار بعضی بحث :

متمم مربوط به ولایت فقیه لا ینکثان نام در متن فقہ کهن نیز آرد، اما بنوعی بجز مستقر و مفسر از سابقه طلال نیز برخوردار است
و آنچه نیز در این قرن اخیر مطرح شده در محدوده اثبات ولایت فقیه و چگونه آنست بوده است، بحث بر سر ولایت فقیه با این
گستره در تحلیل سبب مختلف مربوط به حکومت، اثبات ولایت فقیه با روش کار لا ینکثان و ابتکار تبیین ضرورت حکومت، و

ارزیز بر ابد شکر دهنده نظام، و دو مخالف حکومت تنها در متن فقه شیعیه بکلیه بیان کرده‌اند و در متن دیگر هیچ در فقه عامه نیز بکلیه بیان نشده است.
۲- شمول گسترده‌تر:

این ویژه از اتمی نسلت و طلال این کتاب است. در این اثر مؤلف معظم به عرض و تحمید روایات و فقه شیعیه اکتفا کرده است بلکه روایات و اقوال عامه را نیز به وقت بر سر کعبه در جست‌وجو استنباط برداشته است. و روشن است که فقه عامه در روایات منقول از طریق کاتبان حجت ائمه معصومین علیهم السلام بعصر صاحبان زمانه امده در فقه روایات و اجتهاد در مسأله فقهی سهم بسزائی در خلا بر داشت.

۳- تحقیق عمیق در ایش با بر سر راه بتسبیح و تسبیح:

این ویژه که کتاب را اینچنین برجسته ساخته است، که باید گفت مقایسه آن با بعضی از فقه‌ها در درازانصف است. از آنجا که معمولاً یا از تسبیح گفته‌اند یا از ایش با بر سر راه تسبیح اندیش.

تقیه و تسبیح مؤلف بنگلاد و فقیه عالیقدر، از مناجاد و ادله بحث (که فراموش برادر از ام ایجاب حکومت اسلام با دلیل حج! ۱۶۱-۵۹۳) در برابر تسبیح تسبیح «انفصال ولایت بر انتخاب است» ۳۶ دلیل (ج ۱، ۵۱۱-۴۹۳) و برای وجوب مبارزه با حکومت طاغوت ۱۱ دلیل (تأیید کرده است) چنانچه تسبیح و ایش با بر سر راه تسبیح (که در بحث تسبیح است) «زندان»، «تفسیر است» جلوه روشن دارد و در سر اسرار کتاب به وقت تلفظ یافت (دست یابید ما است که در مسیر اجتهاد از استادی مشهور آیه الله العظمی بود و در قدر سه بهره برده است، و در تسبیح در کتاب دست و جوارش تسبیح از

غیر از امام امت و حر فراهی همه است، کتابش یادآور روش «جواب» و تمهیدات شیخ اعظم و بالاخره شیخ عالم احمد شیعری است
 خلاصه کلام گفته: منظم آبخیز «و سایر شیخ» سلاطین «مط» مختصر بحث ولایت فقیه و خارج گفته که از بحث جناب «و شکر کتاب» «البع»
 با وقت در «سجاری» علوم اهر بیت علیهم السلام بجا گرفته، و ابصار سنده را «مذهب» ساخته، و در سلاطین استرخمینا شیخ «تمیز»
 «تفتیح» را پیشه کرده، که فقیهان سلاطین «و اهر» استیضا، «و در هر دو فقره حق» من لایحه الفقیه، «راجع است» «و از»
 فقیه عالیقدر با تحریر و سید و جمع «برکات»، «و طر» «سکات»، «و بعد» «و» «جلایر» «استخراج کرده» «و در» «ساز»
 «ساز» «سج» «مستک» «و از» «عقلان» «چشم» «پیش» «ت» . «و لذا» «شیخ» «بع» «و نیز» «سلاطین» «ولایت» «فقیه» «باین» «مختصر»
 نافع، «و اول» «معتبر» «چنان» «تعمیم» «نموده» «که» «بلا» «خره» «و» «منفاج» «کر» «است» «و بر» «ار» «ار» «لذ» «ان» «به» «فقر» «را»
 «و آثار» «اهر» «بیت» «علیهم» «السلام» «زبد» «السیان» «و» «نهایت» «الاحکام» «است» ، «خدا» «نور» «منش» «و منبع» «این» «کتاب» «بشما»
 «و تألیف» «این» «امام» «است» «و حر» «فراه» «سلاطین» «و این» «تلاش» «و تلاش» «سلاطین» «از» «ان» «بزرگ» «پزیلا» «باشد» . «و شهادت» «توفی»
 «فضیلت» «سلاطین» «بشما» «و از» «مختصر» «کتاب» «و همه» «دست» «ان» «از» «نظم» «جمهور» «اسلام» «و توفیق» «خدمت» «بر» «نظام» «اسلامی»
 «غایت» «کنند» «و حوزه» «با» «علی» «و محض» «حمزه» «علیه» «سلاطین» «از» «احادیث» «و کلام» «مفسر» «بر» «آورد» ، «بمنه» «و فضل» «و کرم» «صاحب»
 ۱۷۸ / ۱۷۹

پیوست شماره ۱۷۹: مربوط به صفحه ۶۹۵

صحبت‌های معظم له در آغاز درس خارج فقه در ارتباط با حوادثی که به کنار رفتن ایشان از قائم مقامی رهبری منتهی شد، مورخه ۶۸/۲/۲۳

السلام علیکم جمعياً و رحمة الله و برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بالاخره حدود ۵۰ روز فاصله شده و آقایان ماه رمضان به عنوان تبلیغات به بلاد و جبهه‌ها تشریف بردند ان شاءالله تبلیغات آقایان موثر واقع شده اعمالتان هم مورد قبول خدا قرار بگیرد. در این فاصله مسائلی اتفاق افتاد که اگر بخواهیم وقت آقایان را راجع به این مسائل زیاد بگیریم بسا مصلحت نباشد، و اصلاً مصلحت من و آقایان بیشتر این است که به همان درس و بحثمان پردازیم و مخصوصاً این بحثی که ما داریم بحث ولایت فقیه که تقریباً تحکیم نظام اسلامی است از نظر علمی، که همه باورشان بیاید که ولایت فقیه جزو برنامه اسلام است، جزو بافت اسلام است، این خیلی مساله مهمی است و الحمدلله این سه چهار سال روی این معنا کار شده ان شاءالله آقایان هم بعد تعقیب می کنند. بنابراین من اصلاً می خواستم بگذرم ولی ممکن است ابهاماتی در ذهنها باشد لذا چند دقیقه ای وقت آقایان را می گیرم برای اینکه بعضی ابهامات از ذهنها بیرون برود، گرچه تعقیب مسائل جزئی خیلی به صلاح نیست و ما نبایستی که وقتمان را صرف یک مسائل جزئی بکنیم اما در عین حال از باب ضرورت یک نکاتی هست که ذکر می کنم، و نکته ای که در ذهن آقایان باشد اینکه اساس اسلام را باید حفظ کنیم وحدت کلمه را باید حفظ کرد، ممکن است راه‌های مختلفی باشد برای القای اختلاف و برای ایجاد بدبینی‌ها و دشمنی‌ها که این‌ها را باید جلوگیری بگیریم این اصل کلی. حالا من چیزهایی نوشته ام اجمالاًش را برای آقایان بخوانم خالی از اشکالتر است.

در تاریخ ۴ فروردین بعد از پیامی که حضرت امام(مدظله) در ایام عید راجع به مهاجرین جنگ تحمیلی داشتند من یک نامه ای خدمت ایشان نوشتم که اول عین آن نامه را که خدمت ایشان نوشتم برای شما آقایان می خوانم:

بسم الله الرحمن الرحيم، محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی، پس از سلام و تحیت و تبریک به مناسبت ایام نوروز و ولادت باسعادت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در رابطه با پیام اخیر حضرت عالی لازم دیدم به عرض برسانم:

۱ - اینجانب تا حال خود و بیت خود را شعبه ای از بیت حضرتعالی می دانسته ام و مراجعات گوناگون مردم در مسائل شرعیه و مسائل اجتماعی و درد دل‌های مسئولین ارگان‌ها و مشکلات ذوی الحاجات که دستشان به حضرتعالی کمتر می رسد را به عنوان حضرتعالی پاسخ می داده ام، و در حد توان و قدرت سعی من و بیت من بر راضی نمودن افراد و توجیه آنان و کم کردن توقعاتشان از حضرتعالی بوده است. در مقایسه با وضعیت حاکم بر بعضی از بیوت و بر بسیاری از محافل حوزوی تنها بیت اینجانب است که از انقلاب و نظام و مقام معظم رهبری دفاع می کند و مرجعی برای قشر وسیع طلاب جوان انقلابی و زجرکشیده می باشد.

۲ - در مورد منابع اطلاعاتی اینجانب نیز به عرض می رسانم یکی از مهمترین منابع من بسیاری از مسئولین ارگان‌های انقلابی و دولتی است که دائماً مشکلات ارگان‌های خود و راه حل‌ها را مستقیماً با من مطرح می کنند و برای حل آن‌ها از من استمداد می جویند (این یک واقعیتی است) و دیگری بولتن‌های محرمانه کشور است، و به علاوه مراجعات متفرقه مردم و ائمه جمعه و سایر شخصیت‌های روحانی مورد مراجعه من هستند که در اکثر ایام هفته هر روز حدود دو ساعت با آنان ملاقات و گفتگوی بدون حاجب و مانع دارم و بدیهی است که وقتی یک سری مشکلات و نارسائی‌ها و یا احياناً خلافاکاری‌ها از منابع ذکر شده را هر روز انسان مطلع می شود تحت تاثیر قرار می گیرد و قهراً احساس تکلیف می کند، البته ممکن است بعضی از افراد ناراضی بازداشتی یا آزاد به دلائل و انگیزه‌های سیاسی و غیره که قطعاً از حضرتعالی پوشیده نیست اظهاراتی نموده باشند که لازم است انگیزه‌ها و شرایط آنان بررسی شود و قهراً قابل اعتماد و استناد نخواهد بود.

۳ - اینجانب تا حال معتقد بوده ام که تذکرات و انتقادات من نه فقط موجب تضعیف نظام نمی شود بلکه از این نظر که اکثریت مردم را امیدوار ساخته و مسئولین را نیز به رفع نواقص و توجه بیشتر به مسائل وامی دارد موجب تقویت انقلاب و نظام هم می باشد، مع ذلک اگر حضرتعالی تشخیص می دهید که این شیوه به مصلحت

نیست و موجب تضعیف نظام و انقلاب می باشد اینجانب شرعاً نظر حضرتعالی را بر نظر خود مقدم می دارم و هیچ گاه غیر از خیر اسلام و انقلاب را در نظر نداشته ام. و السلام علیکم و رحمة الله.

نامه دیگری نیز بعد از عید فطر نوشتم که قسمت‌هایی را برای شما می خوانم:

۱ - من از همان اول مبارزات که به رهبری حضرتعالی شروع شد صادقانه همچون سربازی فداکار انجام وظیفه می کردم و در همه مراحل و سختی‌ها خود و خانواده و فرزندانم استقامت کردیم، بر کسی هم منت ندارم که پاداش دهنده اعمال خداست، و الان نیز اهداف انقلاب و پیاده شدن اسلام اصیل با گوشت و پوست من عجین است و یک قدم هم عقب نشینی نکرده ام و از مسیر انقلاب جدا نیستم منتهی به قدر شرائط و امکانات، و اگر در ضمن صحبت‌ها می گفتم «من در کنارم» برای رفع مسئولیت در مقابل مراجعات و توقعات و انتظارات زیادی بود که قادر بر انجام آن‌ها نبودم و بسا بعضی از مراجعین را ذی حق می دانستم، چطور می شود من مخالف نظامی باشم که چهار سال است با تدریس ولایت فقیه در حوزه به نظر خودم پایه‌های علمی آن را محکم کرده ام.

۲ - تعیین من به عنوان قائم مقام رهبری از همان ابتدا بر خلاف نظر و میل من بود و به مجلس خبرگان هم همان اول نوشتم و به طور کلی من شخصاً به پست و مقام علاقه نداشته و ندارم مگر اینکه وظیفه شرعی ایجاب کند. در نامه حضرت علی(ع) به استاندار آذربایجان آمده است: «ان عملک لیس لک بطعمه و لکنه فی عنقک امانه» و قهراً انسان عاقل حتی المقدور از تحمل امانت و مسئولیت سنگین گریزان است مگر اینکه ناچار باشد، چنانچه هیچ وقت آرزوی مرجعیت هم نداشته ام تا اینکه حساب کنم چه افشاری به من می گروند یا نمی گروند. من اگر شرعاً جایز بود از اجتماع و اجتماعات به طور کلی منزوی می شدم (و این یک واقعیتی است، من بیش از هر چیز علاقه دارم بنشینم و مطالعه کنم و به کارم برسم، خدا رحمت کند مرحوم آیت الله العظمی بروجردی را، ما در وشنوه در خدمت ایشان بودیم می فرمودند من از این کارهایی که اسمش را می گذارند آقائی، که بیایند دست ببوسند و پول بدهند و این‌ها زود خسته می شوم و وقتی که کاملاً خسته شدم استراحتم این است که فوری بروم یک کتاب بردارم و مطالعه کنم و از آن خسته نمی شوم، و من هم طبعاً این طورم، واقع

مطلب این است و اگر فرصت داشته باشم مثلاً الحمدلله در این ماه رمضان با اینکه اعمال عبادی و روزه و اینها داشتیم مع ذلک من موفق بودم و بحمدالله مساله کتاب ولایه فقیه را به آخر رسانیدم نوشته اش از طرف من تمام شده، این فرصتی بود که الحمدلله در این ماه داشتیم.)

۳- من حتی یک دقیقه با منافقین همکاری نداشته ام، برخوردهای تند ما با آنان در زندان و پس از انقلاب بر همه روشن است، اینان علاوه بر انحراف فکری و اخلاقی و نداشتن عواطف انسانی سرمایه‌های انقلاب و چهره‌های ارزنده آن و از جمله فرزند عزیز مرا از ما گرفتند و هزاران افراد بی گناه را به شهادت رساندند و در جنگ تحمیلی با دشمنان ما همگام و همصدا شدند، با این وضع کدام انسان عاقل و متعهدی به آنان اعتماد می کند و حاضر است با آنان همکاری کند. (این یک واقعیتی است اگر کسی بخواهد این معنی را به ما بچسباند که یک وقتی ما یا بیت ما با اینها همکاری داشته این خلاف واقع است و از همان وقت که زندان بودیم اینها در مقابل ما جبهه گیری کردند به قول خودشان ما را بایکوت می کردند، حالا اگر یک کسی برای یک اعلامیه زندان بوده بعد می آمدند گزارش می دادند که توبه کرده... این مساله عفوها را که عنوان کردند شما می دانید که من مستقیماً عفو نمی کردم، هیئت عفو چهارنفره از طرف امام منصوب بودند بعد که این هیئت عفو نظر می دادند می رفت اطلاعات، دستور ایشان این بود که نماینده اطلاعات باید ببیند، نماینده اطلاعات هم نظر موافق می داد بعد که نظر موافق می دادند می آوردند من هم از طرف حضرت امام عفو می کردم می نوشتیم: «از طرف رهبر انقلاب امام خمینی این شخص مورد عفو واقع شد»، پس بنا براین من کسی را مستقیماً عفو نکردم، هیئت عفو منصوب از طرف امام مسئول بوده و ایشان هم فرموده بودند که بایستی نماینده اطلاعات هم باشد لذا می رفت توی اطلاعات، گاهی معطل هم می شد بعد که اطلاعات نظر می داد آن وقت می آوردند صورت را پیش من و من هم ورقه را امضا می کردم، این برای کسی که یک اعلامیه مثلاً خوانده بود و توبه کرده بود، اما سران منافقین اصلاً قابل ترحم نیستند آنها -خذلهم الله- هیچ وقت به فکر مردم و به فکر خلق نبودند شعارهایشان هم دروغ است. من یک وقت به آقایان عرض کردم ما در زندان که بودیم روز سوم آبان، به عنوان ۴ آبان یک عده را آزاد کردند بعد برای اینکه می خواستند آوانسی بدهند در بندها را

باز کردند در اوین - بعضی از آقایان شاید می‌دانند - از بند ۲ سران منافقین آمدند در بند ۱ پیش من دو ساعت حدوداً با من صحبت می‌کردند و آن یکیشان هم که کشته شد (خیابانی) با آقای لاهوتی صحبت می‌کرد، دو ساعت صحبت که با من کرد آخر کار خلاصه به آقای لاهوتی گفتم او چی می‌گفت؟ معلوم شد همه حرف‌هایی که به من می‌زده به او هم زده، باقی رفقا مثل آقای هاشمی و آقای مهدوی را آزاد کرده بودند من و آقای لاهوتی مانده بودیم دوتائی، همه حرفشان این بود - موقعی بود که امام پاریس بودند - که بله حالا ایشان که دارند انقلاب می‌کنند بعد می‌خواهند حکومت را به کی بدهند؟ من گفتم خوب ایشان لابد فکرش را کرده اند، می‌گفتند نه بالاخره باید بدهند به یک گروه مجهز و آن گروه مجهز هم ما هستیم؛ خلاصه شما به ایشان به پاریس بنویسید که حکومت را در اختیار ما بگذارد، ما هم گفتم ما که اینجا هستیم اطلاعی از بیرون نداریم، ایشان هم لابد فکرش را کرده اند و هر نظری دارند خودشان عمل می‌کنند. از همان اول آن‌ها خواب حکومت را می‌دیدند، نه به فکر خلق اند و نه به فکر مردم، این همه جوان‌های مردم را به شهادت رساندند با آن ناجوانمردیها، حال کدام آدم عاقلی می‌آید از این‌ها حمایت کند! پس بنابراین، این وصله که خدای ناکرده ما از منافقین حمایت کرده باشیم یا بیت ما، این تهمت است، گرچه حالا افراد گفته اند و توهم شده، البته این موضوعات جزئی است نباید زیاد وقت شما را بگیریم.)

اما در مورد نامه، یک نامه ای راجع به اعدام‌ها از من خدمت امام نوشته شده بود که بعد این به خارج درز کرده است و این را ملاک گرفته اند. حالا من عین جریان را خدمت آقایان نقل می‌کنم:

بعضی از قضات آمدند به من مراجعه کردند که بله این جور است و راجع به اعدام‌ها که این جور است و... من روی آن نظری که خودم داشتم و همیشه عقیده ام بود که مسائل را خدمت ایشان تذکر می‌دادم، از باب اینکه النصیحه لائمہ المسلمین را واجب می‌دانستم - پیغمبراکرم با اینکه معصوم بوده اصحاب ایشان در مسائل سیاسی به پیغمبراکرم تذکراتی می‌دادند، تاریخ را بخوانید، راجع به مساله جنگ‌ها، مثلاً جنگ خندق که محاصره کردند، یا مثلاً احد در همه این‌ها پیامبر مشورت می‌کرد، در همین ولایت فقیه ج ۲ موارد مشورت پیغمبر را ذکر کرده ام - علی ای حال من از باب خیرخواهی همیشه نامه می‌نوشتم و این نامه نوشتنم به حضرت امام خدای ناکرده

معنایش جبهه گیری در مقابل ایشان نبوده است، ایشان رهبر انقلابند و هر چه بفرمایند بر همه لازم الاطاعه است و اصلاً اگر بنا بشود کسی بخواهد در مقابل ایشان در مسائل عرض اندام بکند سنگ روی سنگ بند نمی شود، بایستی که موقعیت ایشان کاملاً محفوظ باشد و افراد در حیطة امامت و قدرت ایشان انجام وظیفه بکنند. وقتی که آمدند بعضی از قضات به من مراجعه کردند و ناراحت بودند من به نظرم آمد نامه ای خدمت ایشان بنویسم، مشورت کردم من حالا صریحاً عرض می کنم با آقای قاضی خرم آبادی و آقای آسید هادی دامادمان مشورت کردم که من راجع به این موضوع خدمت امام نامه بنویسم، هر دو گفتند نه برای اینکه ما مطمئن هستیم که حضرت امام ناراحت می شوند و صلاح نیست، این دوتا مخالف بودند و من از باب اینکه دیدم شب خوابم نبرده بود فکر عاقبت کار بودم هم مصلحت اسلام و هم مصلحت شخص ایشان. حالا نمی گویم من معصومم، ممکن است من اشتباه هم بکنم. پیامبر اکرم فرمود: «کل ابن آدم خطاء و خیر الخطائین التوابون» این یک واقعیتی است. اما حالا من روی تشخیص خودم (عمل کردم)، این دو هر دو مخالف بودند مع ذلک نزدیک ظهر بود وقتی ظهر شد من نماز ظهر و عصر را خواندم و رفتم غذایم را خوردم آمدم من اصلاً دیدم نمی توانم صبر بکنم، نشستم شخصاً خودم با انشای خودم نامه نوشتم خدمت ایشان، دادم همان وقت فتوکپی گرفتند و فتوکپی هم زیر نظر خودم بود، خیال نکنید که مثلاً فتوکپی چه... نه نه همه اش زیر نظر خودم بود، بعد از باب اینکه عقیده ام بود که شورای عالی قضائی در این قضیه مسئولیت دارد یک نسخه برای شورای عالی قضائی فرستادم یک نسخه هم برای حضرت امام، دادم به یکی از پاسدارها و درش را هم چسباندم دادم برد، آن وقت هم به آسید هادی تلفن نکردم، گذاشتم وقتی که می دانستم به تهران رسیده تلفن کردم به منزل ایشان، که من نامه نوشتم و شما به بیت حضرت امام تلفن بزن که آنجا نامه را قبول کنند و بدهند خدمت ایشان، که ایشان توی تلفن گفت: «شما پس بنا نبود نامه بنویسید پس چرا نامه نوشتید! من گفتم خوب، من نظرم بود ظاهراً استخاره هم کردم من نوعاً در این چیزها استخاره می کنم، مثل اینکه این نامه را هم استخاره کردم نوشتم، خیلی آیه مناسبی آمد لذا نوشتم. حالا علی ای حال یک نسخه برای شورای عالی قضائی فرستادم یک نسخه هم خدمت ایشان. حالا شورای عالی قضائی می دانید آنجا ۵ نفر هستند حالا

دست کدام می‌رسد توی دفترش چه جور است من این را نمی‌دانم، من به عنوان شورا فرستادم. بعداً هم بعضی از قضات که می‌آمدند اظهار ناراحتی می‌کردند من به بعضی‌ها یک نسخه اش را دادم، از جمله روز دوم محرم آقای نیری، آقای اشراقی، آقای رئیسی و یکی از مسئولین اطلاعات آمدند اینجا منزل ما، یعنی من خواسته بودم بیایند، آمدند من باز نظریاتم را گفتم و به آن‌ها هم یک نسخه اش را دادم و به بعضی از قضات هم دادم، حالا چه جور سرایت کرده به خارج نمی‌دانم، علی‌ای حال بیت مرا کسی متهم نکند، اگر اشکال وارد است به خود من اشکال وارد است، هی می‌گویند نفوذ! نفوذ! ببینید آقا جان هر حرفی را نزنید، این آقایان بیت ما در خدمت طلاب هستند، در خدمت انقلاب هستند، همان طور که من عرض کردم بیت من بیت حضرت امام بوده، مسائل ایشان را ما می‌گفتیم، همین حالا هم همین طور است، همین حالا هم مسائل ایشان گفته می‌شود، ما در مقابل ایشان هیچ وقت ادعائی نداشته ایم و غلط هم هست. اگر ما مصلحت اسلام و انقلاب را بخواهیم بایستی که همه حول و حوش رهبر قدم بردارند و داعیه‌ای نداشته باشند. علی‌ای حال این جور بود. این آقایان که یک چیزی را می‌گویند یا می‌نویسند متوجه گفته‌ها و نوشته‌هایشان باشند که خدای ناکرده مردم خیال نکنند اختلاف هست، دعوا هست، به انقلاب و به اسلام بدبین شوند، حضرت امام نظری داشتند، مثلاً فرض کنید من نباشم در این مقام، من اصلاً خودم موافق نبودم و هم به نظرم کار درستی نبود، خبرگان این کار را کرد؛ و خداوند ان شاء الله به ایشان طول عمر بدهد و انقلاب را به دست حضرت ولی عصر (عج) تحویل بدهند ان شاء الله. و ببینید خورشید وقتی که در نظام باشد اقمار خورشید هم دور خورشید باید باشند، اگر چنانکه کاری بکنند و یا کاری بشود که یکی از اقمار هم از دور خورشید جدا بشود این به ضرر نظم و نظام است به ضرر زندگی است، بنابراین چیزهایی که موجب اختلاف و جبهه‌گیری در مقابل ایشان هست این جور نوشته‌ها و این جور حرف‌ها خلاف است، و اگر چنانچه فرض کنید سید مهدی یک چیزهایی گفته باشد - من توی همین نامه نوشته‌ام - آدم حسابی اگر در آن شرائط باشد اقرار و اعترافاتش مسموع نیست و شرعاً نمی‌شود ترتیب اثر داد. شما در فقه خواندید روایات زیادی هم داریم وقتی که شخص در حبس باشد حرفش بی اثر است، من این روایت امیرالمومنین را یادداشت کرده‌ام، زمانی خلیفه دوم می‌خواست یک زنی را حد بزند،

حضرت امیر به او فرمود: «فلعلک انتهرتها او اخفتها قال قد کان ذلک فقال او ما سمعت رسول الله (ص) یقول لاحد علی معترف بعد بلاء انه من قیدت او حبست او تهددت فلا اقرار له». اگر کسی در یک شراطی باشد و عرض کردم آدم حسابی هم باشد، آدم مورد اعتماد هم باشد، تازه در آن شراط حرف‌ها و اقرارهایش منشأ اثر نیست. من در این نامه هم نوشته ام که من حدس می‌زنم او از باب اینکه ضربه خورده بوده می‌خواسته به نظام ضربه بزند و چه ضربه ای بهتر از اینکه ایجاد اختلاف بکند و همه را به هم بدبین کند. اینجا نوشته ام که:

«آیا شایعات بی اساس و بافته‌های سید مهدی که معلوم نیست در چه شراطی و با چه انگیزه این مقدار رطب و یابس به هم بافته صحیح است ملاک قضاوت‌ها واقع شود؟! شاید او چون از ناحیه نظام ضربه خورد می‌خواسته است انتقام بگیرد و نیروهای فعال نظام را به یکدیگر بدبین کند چنانچه شد، آیا درست است ما به بافته‌های او ترتیب اثر بدهیم؟ اصلاً در آن شراط اعترافات آدم مورد اعتماد هم شرعاً منشأ اثر نیست تا چه رسد به اعترافات مثل او. حالا من در شناخت او اشتباه کرده بودم و ماهیت او برای من شناخته نبود و کم‌لذک من نظیر، آیا آقایانی که او را شناخته‌اند و به تناقض گوئیهای او واقفند صحیح است با بافته‌های او معامله وحی منزل کنند؟ در صورتی که اشاعه کذب هم حکم کذب را دارد مخصوصاً اگر موجب بدبینی‌ها و دشمنی‌ها گردد و علی فرض صدق «لیس کل ما یعلم یقال و لا کل ما یقال یکتب فی الاوراق و بیث فی الافاق». جا داشت آقایان به آیه شریفه: «ان جائکم فاسق بنبا فتبینوا ان تصیبوا قوما بجهاله فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین» توجه می‌کردند؛ به علاوه چرا نامه‌های او به من و به برادرش را به ما نرساندند تا موجب شناخت و آگاهی ما گردد ولی در اختیار بعضی از افراد دیگر قرار گرفته بود...».

و حالا الان به ما نامه رسیده، آن اول که نامه نوشته، آقایان همه به آن نامه اتکا کردند و به ما نداده بودند ما اصلاً نمی‌دانستیم که چنین نامه ای داشته. علی ای حال او هر چه گفته یا بافته، عرض کردم آدم حسابی هم در آن شراط اقرارهایش معتبر نیست تا چه رسد او باشد.

به هر حال حرف زدن‌ها و نوشتن‌ها را مواظب باشید آنچه اصل است بایستی حفظ نظام و حفظ اسلام را اهمیت داد، و حالا هم مصلحت من و همه آقایان طلاب این است

که مشغول درس و بحث باشیم و مواظب باشیم حرف‌های شما اگر موجب برانگیختن اختلاف یا تضعیف عقاید مردم باشد خلاصه گناه است.

خداوند ان شاءالله به من و همه شما توفیق دهد بتوانیم به وظائفمان عمل کنیم. و اما نهضت آزادی، آقایان نهضت آزادی دو سه مرتبه به خانه ما آمدند، اولاً این آخرها نبوده و خیلی سابق بوده، و من اینجا نوشته ام و ناچارم چون توی صحبت‌ها بوده، ما با آقای دکتر پیمان هم زندانی بوده ایم در قزل قلعه، اما الان بیش از چهار سال است من ایشان را ندیده ام و هیچ خبر هم از ایشان ندارم، آقای مهندس بازرگان حدود یکسال و نیم پیش یک دفعه آمده خانه ما، آقای دکتر یزدی هم یا دوبار یا سه بار آمده، همه صحبتشان هم راجع به اینکه جای حزبشان را گرفتند و نمی دانم روزنامه میزانشان توقیف است، نمی دانم مزاحمشان شده اند و... شکایت آورده بودند، همه اصلاً راجع به این بوده، هیچ وقت این‌ها منبع فکری من نبوده اند، بیت من در اختیار این‌ها نبوده اینکه خیال کنند من یک آدمی هستم اینجا نشسته ام هر که هر چه بیاید بگوید من قبول بکنم این جور نبوده، این نبوده که یک افرادی را بیاورند و ملاقات بدهند و... مسئول ملاقات ما جلوترها آقای امیری بودند (حفظهم الله) و حالا جناب آقای متقی است، در مورد هر کسی که بخواهد ملاقات کند می آمدند به من می گفتند من دفع الوقت می کردم، یک دفعه هم به یکی وقت می دادم، اینکه افراد را بیاورند و کسانی را با من ملاقات بدهند، این‌ها نبوده، مسئول ملاقات باید می آمد به من می گفت و من هم باید قبول می کردم، مسئول ملاقاتها هم این دو تا بزرگوار بودند، بنابراین این جور حرف‌ها اگر در افراد هست شما ترتیب اثر ندهید، عرض کردم البته من نمی گویم من در زندگی اشتباه نکرده ام، همه ما ممکن است اشتباه کرده باشیم، آنچه من نامه نوشتم خدمت حضرت امام همیشه قصدم حفظ اسلام و انقلاب و نظام بوده، من وظیفه خودم را همیشه این می دانسته ام که حفظ الغیب ایشان بکنم، الان هم وظیفه ام می دانم به اندازه ای که قدرت دارم، یک وقت آدم بیشتر می تواند وظیفه انجام دهد یک وقت کمتر، حالا عجالتاً آنکه برای من و شما مهم است اینکه مشغول درس و بحثمان باشیم و خلاصه مواظب باشیم گفته‌ها و نوشته‌ها روزی رسیدگی می شود، قرآن شریف دارد: «ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید». والسلام علیکم ورحمة الله.

پیوست شماره ۱۸۰: مربوط به صفحه ۶۹۵

پیام تشکر معظم له از شرکت کنندگان و خدمتگزاران مراسم والدشان مرحوم حاج

علی منتظری

مورخه ۱۳۶۸/۳/۷

بسمه تعالی

هو الحی الذی لا یموت

ضمن ابراز تاثر و تاسف عمیق خود و فرزندان و برادران و خواهر و همه بستگان دل سوخته ام به مناسبت از دست دادن پدری با تقوا و مخلص و مروج دین خدا، آمر به معروف و ناهی از منکر در هر فرصت و تحت هر شرایطی: «مرحوم مغفور حاج علی منتظری طاب ثراه» از آقایان پزشکان محترم که برای معالجه ایشان کوشش نمودند، و از همه کسانی که در مراسم تغسیل و تکفین و تشییع و تشکیل مجالس ختم و عزا فعالیت کردند، و از همه اقشاری که بوسیله تلگراف، تلفن، روزنامه، نامه، حضور در منزل، و یا شرکت در مجالس ختم در نجف آباد یا اصفهان یا قم اظهار همدردی کرده یا می کنند.

از آیات عظام و حجج اسلام و علمای اعلام و مدرسین والامقام و ائمه محترم جمعه و جماعات و گویندگان و طلاب عزیز و اساتید و محصلین و دانشجویان و همه فرهنگیان، و شورای نگهبان و نمایندگان محترم مجلس شورا و شخصیت‌ها و مسئولین محترم ادارات و موسسات و ارگان‌ها و قوای نظامی و انتظامی کشور، و خانواده‌های شهدای عزیز و اسرا و مفقودین، و همه اقشار ملت از مردم شریف و مبارز نجف آباد و اصفهان و کرون و فریدن و لنجان و خمینی شهر و برخوار، و قم و تهران و سایر شهرستان‌ها و توابع، از طرف خود و همه بستگانم تشکر می کنم، و سلامت و توفیق و اجر اخروی را برای همه از خدای بزرگ مسألت می نمایم.

اللهم اغفر للمؤمنین و المومنات و المسلمین و المسلمات، الاحیاء منهم و الاموات، تابع اللهم بیننا و بینهم بالخیرات انک مجیب الدعوات، انک علی کل شیء قدیر.

الداعی الراجی عفو ربه الغفار

حسینعلی منتظری

تاریخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

باسمه تعالی

هوالمحج الذی لا یموت

ضمین ابراز تائید و تأیید محبت خود و فرزندان و برادران و خواهر و همه بستگان دل سوخته ام
بناست از دست دادن پدری با تقوی و مخلص و مروج دین خدا، آمر بجزوف و ناهمی از نیکو در هر فرصت
و حکمت هر سر اعلی: «مرعوم معفور حاج علی منتظری طاب ثراه» از امانت زنگنه محمد
که برای معالجه این کوشش نمودند، و از همه کسانیکه در مراسم تعزین و تکفین و تسبیح و تشریح مجاز
فعالیت کردند. و از همه اقربا بویله ملاکراف، تلفن، روزنامه، نامه، حضور در منزل،

و مشارکت در مجالس غم در نجف آباد یا اصفهان یا قم اظهار همدردی کرده و می‌کنند:
از آیات نظام و روح اسلام و علماء اسلام و مدرسین و الاقام و انجمن محترم جمع و معالمان و گویندگان و طلاب
دانشگاه محصلین و دانشجویان و همه فرهنگیان، و شورای نگهبان و نمایندگان محترم مجلس شورای و کسبتها
و مسئولین محترم ادارات و نویسندگان و اعضای نظامی و انتظامی کشور، و خانواده گامی که در این امر
و اسراء و معقودین، و هم‌اقت رملت از مردم شریف و مبارز نجف آباد و اصفهان و کرون و فریدن

و لبنان و چین و برقرار، و قم و تهران و سایر شهرت‌ها و نواح
از طرف خود و همه بستگان تشکر کنیم، و سلامت و توفیق و اجر اخروی را برای همه از خدای بزرگمان بخواهیم.
اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات، و الاجماء منهم و الاموات، یا ابا اللہ بنی آدم یا ابا
انک عجیب العفوات، انک علی کل شیء قدیر. الداعی الراجی معفور بن الغفار حسن علی منتظری (الذی لا یموت)

پیوست شماره ۱۸۱: مربوط به صفحه ۶۹۶
نامه تسلیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی به مناسبت سالگرد درگذشت حاج
علی منتظری والد معظم له

بسمه تعالی

فقیه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی منتظری دامت برکاته
با سلام و تحیت، بیست اردیبهشت ماه سال جاری که مصادف با اولین سالگرد رحلت
والد محترم و بسیجی نمونه مرحوم حاج علی منتظری رحمة الله علیه را می باشد، به
حضرتعالی و امت مسلمان بخصوص اهالی شهیدپرور نجف آباد تسلیت عرض نموده و از
خداوند رحمان سلامتی آن وجود شریف را مسئلت داریم.



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

شماره
تاریخ
پیوست

بیت‌المقدس

فقیه عالی‌قدر حضرت آیت‌الله العظمی مستوفی دراست بركات

باسلام و تحیت
بیت‌المقدس بهشت ماه سالجاری که مصارف بالاولین سالگرد ولادت والد
و سایر بزرگان محترم حاج علی نقوی رحمت‌الله علیه را میسر باشد به حضرت فقیه
به خصوص احوال شریفه در نجف آباد تسلیت عرض نموده و از خداوند رحمن سزواتر آن و جبرئیل
مسئلت دارم

Handwritten notes and signatures with numbered circles (1-46) and various names and titles, including:

- 1. سید مرتضی حسینی
- 2. سید مرتضی حسینی
- 3. سید مرتضی حسینی
- 4. سید مرتضی حسینی
- 5. سید مرتضی حسینی
- 6. سید مرتضی حسینی
- 7. سید مرتضی حسینی
- 8. سید مرتضی حسینی
- 9. سید مرتضی حسینی
- 10. سید مرتضی حسینی
- 11. سید مرتضی حسینی
- 12. سید مرتضی حسینی
- 13. سید مرتضی حسینی
- 14. سید مرتضی حسینی
- 15. سید مرتضی حسینی
- 16. سید مرتضی حسینی
- 17. سید مرتضی حسینی
- 18. سید مرتضی حسینی
- 19. سید مرتضی حسینی
- 20. سید مرتضی حسینی
- 21. سید مرتضی حسینی
- 22. سید مرتضی حسینی
- 23. سید مرتضی حسینی
- 24. سید مرتضی حسینی
- 25. سید مرتضی حسینی
- 26. سید مرتضی حسینی
- 27. سید مرتضی حسینی
- 28. سید مرتضی حسینی
- 29. سید مرتضی حسینی
- 30. سید مرتضی حسینی
- 31. سید مرتضی حسینی
- 32. سید مرتضی حسینی
- 33. سید مرتضی حسینی
- 34. سید مرتضی حسینی
- 35. سید مرتضی حسینی
- 36. سید مرتضی حسینی
- 37. سید مرتضی حسینی
- 38. سید مرتضی حسینی
- 39. سید مرتضی حسینی
- 40. سید مرتضی حسینی
- 41. سید مرتضی حسینی
- 42. سید مرتضی حسینی
- 43. سید مرتضی حسینی
- 44. سید مرتضی حسینی
- 45. سید مرتضی حسینی
- 46. سید مرتضی حسینی

فکران بسیار
۳۱
عباس میرزا (مخطوطات) ۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶

پیوست شماره ۱۸۲: مربوط به صفحه ۶۹۹

مکتوب حضرت امام خمینی جهت تعیین وصی در امر وجوهات مربوط به ایشان

بسم الله الرحمن الرحيم

در روز ۲۶ محرم ۱۳۹۸ وصی خود قرار دادم حضرات حجج اسلام آقای حاج آقای مرتضی پسندیده و آقای حاج شیخ مرتضی حائری و آقای حاج سید محمد باقر سلطانی و آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری دامت برکاتهم را در امر وجوهی که در قم یا سایر بلاد ایران نزد وکلای اینجانب است و به حساب اینجانب اخذ شده است و حضرت آقای پسندیده مطلع هستند به حسب غالب، تمام این وجوه باید با نظر آقایان محترم به مصرف شرعی برسد و احدی از ورثه یا غیر آنها حقی در آن ندارند و نمی توانند مزاحمت با اوصیاء محترم نمایند و اگر بعضی از اوصیاء مانعی داشته باشند که نتوانند تا آخر قیام به امر کنند بقیه کس دیگر را که مورد قبول و موجه است تعیین نمایند و اگر بعضی غائب بودند دیگران قیام به امر نمایند، تکلیف وجوهی که در نجف است تعیین نموده ام، از خداوند تعالی سلامت و سعادت حضرات آقایان را مسئلت می نمایم و امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمينی

بسم الله الرحمن الرحیم

در روز ۲۶ محرم ۱۳۹۸ و سر خود قرار دارم حضرت حج اسلام حاج آقا مصطفی
 در حاج شیخ نصر عازر و در حاج سید محمد باقر سلطانی و حاج شیخ حسین مطهری
 در امر و جوهر که در قم یاس بر بعد ایران نزد و کذا میانی است و حساب این قبیل
 نسبت و حضرت سید بر طبع است که حساب ، تمام این وجه باید با این
 معروف رسمی رسد و اهدا را در و نه یا غیر انها حتی در آن حالند و می توانستند حضرت
 ادعای محکم نمایند و اگر بعضی از ادعای مانعی در است باشد که می تواند با اوقاف
 بقیه کرد زیرا که مورد قبول در وجه است تعیین نمایند و اگر بعضی غایب بوده بکلی
 قیام با این نمایند ، تکلیف و جوهر که در تکلیف است تعیین نمودم ، از فرزندان
 عدت و سعادت حضرت آتانی در مسکن بنام و رسید و سر خبر دارم در سلام



(پیوست شماره ۱۸۳ داخل متن کتاب آمده است)

پیوست شماره ۱۸۴: مربوط به صفحه ۷۰۴
اعلام مراسم ارتحال امام خمینی از طرف معظم له

باسمه تعالی

انا لله و انا الیه راجعون

به مناسبت ضایعه بزرگ و فاجعه غم انگیز و مصیبت عظمای عالم اسلام، ارتحال روح خدا، سلاله پاک رسول الله (ص) منادی بزرگ توحید، پیشوای عالیقدر آزادگان و محرومان و مستضعفان جهان، اسوه تقوی و ایمان و شهامت و ایثار و استقامت، رهبر شجاع و با صلابتی که استبداد سیاه را در هم شکست و پشت ابرقدرت‌ها و استکبار و صهیونیسم جهانی و دشمنان اسلام و کشور را به لرزه انداخت:

قائد و امام بزرگی که بزرگترین حماسه قرن را آفرید و به امت اسلام و مظلومان جهان درس فداکاری و مبارزه آموخت، پیشوای عظیم الشانی که از پانزده خرداد ۴۲ تا پانزده خرداد ۶۸ با اراده ای خلل ناپذیر انقلاب بزرگ اسلامی را هدایت فرموده و لحظه به لحظه به یاد محرومان و مظلومان و اسلام بود؛ استاد بزرگوار، زعیم عالیقدر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قدس سره الشریف. مجلس ترحیم و بزرگداشتی تشکیل و اینجانب ضمن تسلیت این فاجعه بزرگ به بازماندگان محترم و بیت شریف آن امام عزیز در این غم بزرگ سوگووارم.

شرکت حضرات مراجع عظام، علمای اعلام، فضلا و طلاب و ملت مبارز و شهیدپرور به ویژه مردم عزیز شهر خون و قیام، موجب خشنودی خداوند متعال و حضرت بقیة الله الاعظم ولی عصر امام زمان ارواحنافداه و تجلیل از مقام معظم آن رهبر فقید و سازش ناپذیر خواهد بود.

شاگرد منخلص آن امام عزیز

حسینعلی منتظری

زمان: شنبه ۶۸/۳/۲۰ بعد از نماز مغرب و عشاء

مکان: مسجد اعظم قم

بِسْمِ تَعَالَى إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

بنسبت ضایعه بزرگ و فاجعه غم‌انگیز مصیبت عظمای عالم اسلام، ارتحال روح خدا، سلاله پاک رسول الله صهبه منادی بزرگ توحید، پیشوای عالیقدر آزادگان و محرمان و مستضعفان جهان، اسوه تقوی و ایمان و شجاعت و ایثار و استقامت، رهبر شجاع و باصلابتی که استبداد سیاه را در شرمگت و پشت ابر قدرتها و استکبار و صهیونیسم جهانی و دشمنان اسلام و کشور را به لرزه انداخت.

قائد و امام بزرگی که بزرگترین حماسه قرن را فرید و بابت اسلام و مظلولان جهان در سن کار می و مبارزه آجوت پیشوای عظیم‌الشانی که از پانزده خرداد ۲۰ تا پانزده خرداد ۶۸ با اراده ای خلل ناپذیر انقلاب بزرگ اسلامی را هدایت فرموده و لحظه ب لحظه بیاد محرمان و مظلومان و اسلام بود، استاد بزرگوار، زعيم عالیقدر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آية الله العظمى امام خمینی قدس سره الشریف، مجلس ترحیم و بزرگداشتی تشکیل و اینجانب ضمن تسلیت این فاجعه بزرگ به بازماندگان محترم و بیت شریف آن امام عزیز در این غم بزرگ سوگوارم. شرکت حضرت مراجع عظام، علمای اعلام، و فضلا و طلاب ولایت مبارز و شهید پرور و بوشیره مردم عزیز شهر خون و قیام، موجب نشنودی خداوند متعال و حضرت بقیة الله الاعظم و لعنة الله على الظالمين و اهلها و اولادها و تحلیل از مقام معظم آن رهبر فقید و سارشن ناپذیر خواهد بود.

حسین مستظری

زمان: شنبه ۲۰/۳/۶۸ بعد از نماز مغرب و عشاء

مکان: مسجد اعظم قم

پیوست شماره ۱۸۵: مربوط به صفحه ۷۰۴

متن کامل مصاحبه نشریه کیهان فرهنگی با معظم له پیرامون ابعاد علمی، فرهنگی و اخلاقی حضرت امام خمینی (ره)، مورخه ۱۳۶۸/۳/۲۹

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

اولا من این مصیبت بزرگ و رحلت جانگداز حضرت آیت الله العظمی امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را به شما برادران و به ملت ایران و به تمام مسلمانان جهان تسلیت عرض می‌کنم، و من از باب اینکه بیش از ۴۰ سال خدمت ایشان بودم و به ابعاد علمی و انقلابی ایشان آشنا هستم ارزش و جودی ایشان را از خیلی‌ها بیشتر درک می‌کنم. یک نعمت را انسان هرچه عظمتش را بیشتر بداند، در فقدانش بیشتر متأثر است، بخصوص که من به سهم خودم در اثر آشنایی به اهداف ایشان و تعقیب اهداف مقدس ایشان رنج‌ها دیده‌ام و کسی که رنج دیده باشد در یک راهی برای بدست آوردن یک نعمتی و آشنایی با نعمتی، باز بیشتر در فقدان آن نعمت متأثر است، برای اینکه قدر و عظمت این نعمت برایش روشن است. برای اینکه این نعمت بزرگ از دست ما مسلمان‌ها و از دست ملت ایران رفته جای تاسف و تأثر است، خداوند مقام ایشان عالی است متعالی سازد و به تمام ملت ایران و بازماندگان محترم ایشان صبر و اجر بدهد و این جمهوری اسلامی را که ایشان پایه گذار آن بوده‌اند، به قدرت کامله خودش حفظ فرماید در مقابل دشمنان داخلی و خارجی و ابرقدرت‌ها. خدمتی که ایشان کردند این بود که اسلام را در دنیا مطرح کردند، در مقابل دو قدرت شرق و غرب و ابرقدرت‌ها که جهان را در تیول خود داشتند، واقعا اسلام قدرتی شد که در دنیا عرض اندام کرد و ابرقدرت‌ها به وحشت افتادند. اولین آشنایی بنده با ایشان این بود که بنده در سال ۱۳۲۰ به قم آمدم، آنوقت درس بین سطح و خارج و بیشتر سطح بود، رسائل و مکاسب و کفایه می‌خواندم، در حدود دو سه ماه که در قم بودم با شهید مطهری آشنا شدم در مدرسه فیضیه و با هم هم مباحثه شدیم و حتی همه زندگی مان یازده سال با هم بود. در آنوقت مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی (قدس سره) درسی که معروف بود می‌فرمودند

فلسفه بود، منظومه و اسفار، و ما هنوز به آن مرحله که منظومه و اسفار بخوانیم نرسیده بودیم، عصرهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه فیضیه زیر کتابخانه، ایشان یک درس اخلاق می فرمودند که علاوه بر طلاب و فضلاء حوزه، دیگران از بازاری و غیره هم به آن درس حاضر می شدند و خیلی درس سازنده ای بود، روح به انسان‌ها می داد. آن بیان زیبا و شیوای ایشان که از عمق دل بر می خاست، آن آیات و روایاتی که گاهی می خواندند و نحوه بیان ایشان گاهی مجلس را به گریه می انداخت و همه متأثر می شدند و حالت تحولی در همه بوجود می آمد. من و آقای مطهری در حقیقت وظیفه خود می دانستیم آن درس اخلاق را شرکت کنیم، نوعاً هم زودتر می رفتیم و پهلوی ایشان می نشستیم و بعد از درس اخلاق سئوالاتی از ایشان می کردیم، بالاخره اولین آشنایی با ایشان در آن درس اخلاق بود و یادم است که در آن موقع اداره حوزه علمیه قم به عهده آیات ثلاث یعنی مرحوم آیت الله حجت و آیت الله صدر و آیت الله خوانساری بود، قهراً چون سه نفر مرجع در راس حوزه بودند ما طلبه‌ها فکر می کردیم که اگر یک مرجع واحد در راس امور حوزه باشد شاید بهتر باشد، چون تشمت و اختلافاتی در کار بود. گاهی ما با ایشان همین زمزمه را می کردیم و رو پیدا کرده بودیم و اینجور مسائل را مطرح می کردیم. یادم هست یک روز بعد از درس اخلاق من و شهید مطهری به ایشان عرض کردیم که ما آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره) را رفته ایم در بروجرد دیده ایم - تابستان هم آقای مطهری و هم من رفته بودیم به بروجرد - و گفتیم که ایشان هم بیانشان خیلی خوب است و هم مرد ملایی و استخوان علمی است، یک جوری می شد که ایشان به قم می آمدند، مرحوم امام چون خیلی با مرحوم آیت الله بروجردی آشنا نشده بودند فرمودند می ترسم سه نفر آقا و مرجع چهارتا بشوند و آن نتیجه که می خواهیم گرفته نشود، ولی بعداً بر حسب تصادف که مرحوم آقای بروجردی مریض شدند و برای معالجه فتق خود به تهران رفتند، عده ای ایشان را برای آمدن به قم دعوت کردند از جمله حضرت امام خمینی از کسانی بودند که در این راه قدم برداشتند و وقتی که مرحوم آقای بروجردی به قم آمدند، ایشان برای تثبیت مرجعیت آیت الله بروجردی خیلی فعالیت کردند و از خود گذشتگی نمودند، با اینکه چه بسا از نظر علمی هم خودشان را محتاج نمی دانستند، ولی مع ذلک درس ایشان می آمدند و جزء حواریین ایشان بودند و فعالیت می کردند برای ایشان و خلاصه تثبیت کردند

مرجعیت مرحوم آقای بروجردی را بدون توقعی.

ایشان (حضرت امام) یک درس منظومه و یک اسفار داشتند، فقط یک مباحثه فقه با مرحوم آقای داماد و مرحوم آقای حاج سید احمد زنجانی در مدرسه فیضیه عصرها- در اطاق مرحوم حاج آقا مرتضی حائری داشتند، که خیلی هم جر و بحث می کردند با هم و صدای ایشان بلند بود، ایشان جمهوری الصوت بودند که همه طلاب مدرسه متوجه بحث آنان می شدند، بالاخره بحث فقهی ایشان داشتند، ولی تدریس فقه و اصول نداشتند، فقط منظومه و اسفار درس می فرمودند تا اینکه مرحوم آقای بروجردی که درس فقه و اصول شروع کردند، ایشان هم شرکت می کردند، ما کم کم از همان آشنایی که در درس اخلاق با ایشان داشتیم و درس اخلاق هم به جهاتی تعطیل شد و ایشان دیگر حاضر نشدند آن درس را ادامه بدهند، حتی بازارها پیش مرحوم آقای بروجردی هم آمدند و اصرار کردند به ایشان که درس اخلاق را امام بفرمایند، ولی ایشان عذری داشتند و قبول نکردند. ولی ما انس مان با ایشان به تدریج بیشتر می شد و کم کم در درس منظومه ایشان شرکت کردیم که از اول منظومه تا اول طبیعیات را پیش ایشان خواندیم و آخرین درس منظومه ایشان هم بود که دیگر ایشان منظومه نگفتند و بعد از منظومه هم مبحث نفس اسفار را پیش ایشان خواندیم که آن هم آخرین درس اسفار بود که دیگر ایشان بعداً نگفتند و قدرت بیان ایشان در منظومه و اسفار خیلی عجیب بود و افرادی که دیده بودند می گفتند بخصوص این منظومه که این آخر ایشان گفتند خیلی عمیق گفتند، چون منظومه لب و خلاصه اسفار است و ایشان مطالب اسفار را هم در منظومه بیان می کردند و از بس ایشان مطالب را خوب بیان می کردند انسان به عمق مطلب پی می برد، بعضی درسها هست که لفظ پرانی آن زیاد است، ولی مطالب آن روشن نیست که طرف خوب بفهمد، ولی ایشان این قدرت را داشتند که مطالب خیلی عمیق را جوری بیان می کردند که افرادی که در درس بودند خوب درک می کردند، و من یادم است که این مساله وحدت وجود که فلهویون می گویند که «الفهلویون الوجود عندهم حقیقه ذات تشکک تعم» را که معروف است، ایشان به قدری خوب بیان کردند که من یادم هست به ایشان عرض کردم: حاج آقا -چون آن موقع ما به ایشان حاج آقا خطاب می کردیم- این مطلب وحدت حقیقت وجود یک مطلب بدیهی و روشن است، پس چرا اینقدر در باره آن بحث

و تفسیق و تکفیر شده است؟ ایشان فرمودند این مخالفتها و تفسیق و تکفیرها برای آن است که افراد فلسفه را پیش استاد و اهلش نمی خوانند، می خواهند با مطالعه فقط بفهمند و بعضی درسها هست که باید از استادی که وارد است تلقی کرد. علی ای حال بیان ایشان بیان بسیار جالبی بود که خیلی از آن استفاده نمودیم در آن منظومه و اسفار که پیش ایشان می خواندیم، و یادم است درس اسفار که می رفتیم بعد از درس استاد و شاگرد با هم به درس مرحوم آقای بروجردی می رفتیم، و نوعاً به وسط درس می رسیدیم و یک روز مرحوم آقای بروجردی با ناراحتی و عصبانی گفتند چرا این طور می کنید؟ خوب اگر نمی خواهید نیایید، که من به امام عرض کردم بالاخره آقای بروجردی به ما نق زدند، پس خوب است درس اسفار را زودتر تمام کنید که به اول درس ایشان برسیم. به هر حال ما در اثر آشنایی با بیان ایشان و آن قدرت علمی که ایشان داشتند، با اینکه درس فقه و اصول نداشتند و به مدرس فلسفه در حوزه معروف بودند، مع ذلک من و آقای مطهری با اینکه درس مرحوم آقای بروجردی می رفتیم، گفتیم پیش ایشان یک درس اصول شروع نماییم که خصوصی باشد و بتوانیم درست بحث بکنیم، چون این درسهای طلبگی اگر بخواهد پخته شود باید روی آن بحث زیاد بشود، لذا ما دونفر به ایشان پیشنهاد کردیم جلد دوم کفایه را و ایشان اول فکر کردند سطح آن را، و لذا روز اول همان سطح را برای ما با تندی گفتند و ما که اشکال و ایراد می گرفتیم، می فرمودند این طور درس پیش نمی رود، گفتیم خوب نرود، فرمودند پس شما خارج کفایه را می خواهید، گفتیم این طور باشد که قرار شد خارج باشد و اول من با شهید مطهری بودیم و بعداً افراد دیگری علی التبادل شرکت می کردند، ولی ثابت نبودند، مثلاً یادم هست مرحوم آیت الله بهشتی مبحث استصحاب را شرکت نمودند، تا آخر این درس هفت سال طول کشید و ما حقا خیلی استفاده بردیم، برای اینکه من و آقای مطهری که کار دیگری جز درس و بحث نداشتیم اقوال بزرگان دیگر مانند تقریرات و کتابهای مرحوم آقای نائینی، مرحوم حاج شیخ محمد حسین و غیره (رحمهم الله تعالی) را می دیدیم و در درس مطرح می کردیم و ایشان هم طبعاً آنها را می دیدند و معمولاً مطالب جدید و بکری داشتند، بخصوص در مورد آقای نائینی که در نجف یک اسطوره علمی بودند، امام حرفهای ایشان را می دیدند و رد می کردند، که شاید برای خیلیها سنگین بود و از محسنات ایشان این بود که بر خلاف شیوه بعضی

دیگر که حرف‌های دیگران را به نام خود نقل می‌کنند، در نقل مطالب افراد و بزرگان اسم آنان را می‌بردند و می‌فرمودند مثلاً این حرف مال مرحوم آقای نائینی یا حاج شیخ عبدالکریم و دیگر بزرگان می‌باشد و به اسم خودشان تمام نمی‌کردند. -مرحوم آقای بروجردی هم این‌طور بودند- و خیلی پخته حرف‌های آنان را نقل می‌کردند، وقتی خوب حرف نقل شد برای طرف مفهوم می‌شود، آن وقت شروع می‌کردند به رد و اشکال بر آن، یادم هست روزی در نقل مطالب آقای نائینی کسی به ایشان اشکال می‌کرد ایشان فرمودند: من دارم فعلاً قصه می‌گویم در نقل قصه اشکال دارید، منظور اینست که درس ایشان بسیار مفید و سازنده بود و اول فقط من و آقای مطهری و یکی دوفتر دیگر بودند و تا آخر هفت سال شاید حدود ۸-۷ نفر بیشتر نبودیم، آنوقت یک کسانی ما را می‌دیدند، می‌گفتند شما چرا به درس فلانی -یعنی امام- می‌روید؟ می‌گفتیم خوب درس خوب و مفیدی است، ولی آن‌ها تعجب می‌کردند و می‌گفتند این همه مراجع و اساتید هستند، این درس یک بازی سیاسی است که شما درست کرده اید، ولی ما همچنان اصرار داشتیم و می‌گفتیم ما واقعا از ایشان استفاده می‌کنیم، مرحوم آقای مطهری یادم هست می‌گفت: به عقیده من درس ایشان در آینده در حوزه جا باز می‌کند و طلاب و فضلاء کم‌کم متوجه عمق آن خواهند شد و اکنون چون ایشان در حوزه به تدریس فلسفه معروف بودند، حالا طلاب متوجه نیستند، ولی به زودی متوجه بیان و عمق درس ایشان می‌شوند و درس ایشان در حوزه می‌گیرد و اول خواهد شد و ما هم این طرف و آن طرف از عمق درس ایشان تعریف و تبلیغ می‌کردیم، ولی افراد زیر بار نمی‌رفتند و قبول نمی‌کردند و در فکر رفتن به درس مراجع و بزرگان که عنوان داشتند بودند، ولی ما از آن درس خیلی استفاده کردیم و هفت سال طول کشید و یادم هست بعد از پایان درس اسفار ایشان، ما یک درس فقه کتاب زکات را پیش ایشان شروع کردیم که یکی دو ماه بیشتر طول نکشید و نمی‌دانم چرا و به چه دلیل ادامه ندادیم، ولی اصول را که خارج جلد دوم کفایه باشد، هفت سال پیش ایشان خواندیم و بیشتر بحث فقه را ما پیش مرحوم آقای بروجردی خواندیم.

علی‌ای حال به نظر ما روشن بود که ایشان در مسائل عمیق که وارد می‌شدند خیلی خوب فکر می‌کنند و به عمق مطلب می‌رسند و چه بسا اول بحث ایشان مسائل را سطحی برای ما مطرح می‌کردند، ولی از باب اینکه ما زیاد اشکال می‌کردیم و

حرف‌های بزرگان دیگر را نیز مطالعه کرده بودیم، ایشان قهراً آن حرف‌ها را مطالعه می‌فرمودند و حرف‌های جدیدی که فوق حرف بزرگان بود برای ما می‌آوردند، یک قسمت‌های آخر بحث ایشان مثل استصحاب و تعادل و تراجیح و اجتهاد و تقلید را من همان موقع به قلم خودم نوشتم، خود ایشان هم نوشته‌اند که چاپ شده در کتاب الرسائل، شاید نوشته‌های من مفصل‌تر از خود ایشان باشد. به هرحال بعد از اتمام این دوره که عرض کردم حدود ۷-۸ نفر بیش تا آخر نبودیم، سال بعد ایشان از اول اصول شروع کردند که ما دیگر نرفتیم و عده زیادی حدود ۶۰۰-۵۰۰ نفر شرکت می‌کردند، که در مقایسه با درس مرحوم آقای بروجردی که افرادش حدود ۸۰۰-۷۰۰ نفر بودند، درس ایشان دومین درس حوزه در آن موقع بود که حدود ۵۰۰ نفر از فضلاء به درس ایشان حاضر می‌شدند که آقای سبحانی (حفظهم الله) در همین دوره شرکت کردند و تقریرات درس اصول ایشان را نوشتند، دوره قبل از این دوره را قسمت‌هایی از آن را خود امام نوشتند و یک قسمت را هم من یادداشت نمودم (در جواب سؤال از فقه امام- قدس سره- ایشان گفتند یک بحث سطح مکاسب که خیلی قوی هم بود را ایشان قبلاً گفته بودند که آقای امینی نجف آبادی نیز شرکت کرده بودند) و بعد از خارج زکات که ما شروع کردیم پیش ایشان، دیگر من یاد ندارم که ایشان در زمان مرحوم آقای بروجردی خارج فقه شروع کرده باشند، البته من چیزی یادم نیست شاید هم بوده، البته درس خارج فقه و اصول ایشان در حوزه خیلی جا باز کرد و مورد استقبال عمومی قرار گرفت که در حوزه اول درس بود؛ و آقای مطهری به من می‌گفتند یادت هست که من آن روزهای اول که درس امام می‌رفتیم پیش بینی می‌کردم که بالاخره روزی درس ایشان در حوزه جا باز می‌کند و حالا افراد متوجه نیستند، دراین موقع طوری بود که درس مراجع دیگر حدود ۴۰-۳۰ نفر شاید بیشتر نبودند، ولی درس ایشان حدود ۵۰۰ نفر بود که این معنی مهم بود.

بعد از وفات مرحوم آیت الله بروجردی که بیوت مراجع فعال شده بود، از نظر علمی ما و شهید مطهری به ایشان نظر داشتیم، ولی ایشان حتی المقدور از فعالیت برای مرجعیت فرار می‌کردند و حاضر نمی‌شدند کاری انجام دهند، یادم هست وقتی آیت الله بروجردی مرحوم شده بودند من شب رفتم منزل امام و آن موقع منزل هر مرجعی شلوغ بود و رفت و آمد و صحبت از رساله بود، ولی ایشان رساله و حاشیه عروه و

وسیله داشتند ولی چاپ نشده بود و ما هم می‌دیدیم که ایشان مشغول تکمیل حاشیه هستند مع ذلک ایشان حاضر نبودند در صحنه بیانند، آن شب در منزل ایشان در قم نماز را با ایشان خواندم و حدود یک ساعت و نیم با ایشان پیرامون مرجعیت و مراجع و آقای حکیم صحبت‌هایی کردم که ایشان در مورد آقای حکیم می‌گفتند من ایشان را ندیده‌ام، فقط کتاب مستمسک ایشان را مطالعه کرده‌ام و امام هیچ خودشان را در معرض آقایی و مرجعیت قرار نمی‌دادند. حتی در مورد گرفتن جلسه فاتحه برای مرحوم آیت الله بروجردی که هر کس سعی می‌کرد زودتر از دیگری بگیرد، ایشان اصلاً حاضر نمی‌شدند و کنار ایستاده بودند، چون معنایش این بود که ایشان خودشان را می‌خواهند مطرح کنند. تا بالاخره روزهای ۱۶-۱۵ فوت آقای بروجردی شاگردان ایشان با اصرار یک جلسه خودشان به نام ایشان گرفتند و حتی آن روزها که روزنامه نگاران از تهران می‌آمدند و با مراجع مصاحبه می‌کردند، ایشان حاضر نبودند و خودشان را کنار می‌کشیدند، تنها بعضی شاگردان علاقمند به ایشان برای روزنامه‌ها چیزهایی می‌گفتند، ولی هنگامی که جریان انجمن‌های ایالتی و ولایتی پیش آمد و همه علماء و مراجع اعلامیه دادند، اعلامیه‌های ایشان خیلی کوبنده و تند بود علیه رژیم شاه و همین معنی باعث شد که مردم ایشان را بشناسند، البته ماها و خواص که می‌شناختند ولی مثل سایر مراجع در بین مردم ایشان عنوان نداشتند و مبارزات و موضعگیری‌های ایشان در مقابل لویج ششگانه شاه و جریان انجمن‌های ایالتی و ولایتی ایشان را بین مردم مطرح ساخت و بازار تهران و سایر شهرستان‌ها به ایشان متوجه شدند، خود ایشان هم در تماس با علماء شهرستان‌ها فعال بودند، نامه‌ها و مکاتبات زیادی با آنان داشتند، یک روز صبح یادم هست خدمت ایشان رسیدم فرمودند من دیشب اصلاً نخوابیدم و صد نامه برای علماء و روحانیون شهرستان‌ها نوشتم به خط خودم راجع به وظیفه آن‌ها در مقابل رژیم شاه و اینکه چرا آن‌ها ساکت نشسته‌اند. یادم است در سفر اول که قاجاقی به عتبات مشرف شدم ایشان آن موقع در ترکیه تبعید بودند و سیاست رژیم شاه این بود که می‌خواست از ناحیه قم راحت باشد، مرجع را در نجف معرفی می‌نمود و پیشتر مرحوم آقای حکیم را به عنوان مرجع معرفی کرده بود تا از ایران دور باشد و از اوضاع ایران حتی المقدور بی‌خبر بماند و در ذهن آقای حکیم کرده بودند که اطرافیان آقای خمینی از نهضت آزادیها و حزبیها و بچه‌های تند

می باشند و می خواهند مرجع تراشی نمایند و ایشان را مرجع کنند و خود ایشان نیز درصدد مرجع شدن می باشند، و من می دانستم ذهن مرحوم حکیم را نسبت به امام پر کرده اند، لذا من در اولین سفرم که به نجف رفتم توسط آقای عمید زنجانی وقت ملاقات با آقای حکیم خواستم و با اینکه می گفتند ایشان معمولاً وقت خصوصی به کسی نمی دادند، ولی من حدود سه ربع ساعت در مورد آقای خمینی با ایشان صحبت کردم و به ایشان عرض کردم من خدا را گواه می گیرم که از آن روزی که من با ایشان آشنا شدم یک قدم برای مرجعیت خودشان برنداشتند و حتی بعد از فوت مرحوم آقای بروجردی هرچه به ایشان اصرار کردند رساله چاپ کنند حاضر نشدند، تا اینکه مساله لوایح ضد اسلام رژیم که پیش آمد و ایشان احساس وظیفه نمودند و اعلامیه‌های کوبنده و تندی را علیه آن‌ها منتشر نمودند، مردم آن موقع به ایشان رو آوردند و ایشان را به عنوان مرجع قبول نمودند. حالا مردم از ایشان استقبال کردند گناه ایشان چیست؟ و در مورد بودن افراد حزبی و نهضت آزادی در اطراف ایشان که آقای حکیم فکر می کردند، به ایشان عرض کردم روزی من خدمت علامه طباطبایی رسیدم و ایشان نسبت به آقای خمینی گله مند بودند که آقایان نهضت آزادی توسط من از آقای خمینی ملاقات خصوصی خواسته و ایشان قبول نکردند و آن‌ها ناراحت شدند و من این گله علامه را خدمت آقای خمینی عرض کردم و ایشان فرمود آقای طباطبایی توجه ندارند، و گفتند آن‌ها هم مثل سایر مردم بیایند ملاقات من، اگر من ملاقات خصوصی با نهضت آزادی بکنم، سوژه ای می شود در دست رژیم که می خواهد قیام و نهضت ما را خراب کند و متهم به حزبی بنماید و دیگر آن وجهه اسلامی و مردمی اش خراب خواهد شد، گرچه بعضی از آن‌ها را آدم خوبی می دانم؛ و من برای آقای خمینی گفتم این‌ها نظریاتی دارند در مسائل سیاسی، فرمودند: نظریات خود را یا به شما بگویند یا به من بنویسند. من که این داستان را برای آقای حکیم گفتم، ایشان با تعجب شدید گفتند عجب!! آقای خمینی این جهات را مراعات می کردند، این قصه خیلی برای آقای حکیم جالب بود که امام سعی دارند قیام خود علیه رژیم منتسب به گروه و حزب خاصی ننمایند و فقط همان جنبه اسلامی و مردمی مطرح باشد.

امام در عین اشتغال به مبارزات و کارهای سیاسی هیچ گاه از کارهای درسی و علمی خود کم نمی گذاشتند، یک روز یادم است در اوایل مبارزه با لویح ششگانه شاه،

روزی خدمت ایشان رسیدم و در حالی که منزل ایشان در قم از مردم تهران و شهرستان‌ها پر شده بود و منتظر دیدار با ایشان بودند، من دیدم امام به نوشتن درس خود که از تدریس آمده بودند مشغولند. من با تعجب گفتم آقا الان مردم در بیت شما منتظر صحبت و دیدار شما می‌باشند، وقت نوشتن درس حالا نیست، که ایشان فرمودند: نه، ما نباید از کارهای علمی و درسی خود کم بکنیم، ما باید کار آخوندی خود را کاملاً انجام دهیم و این همان بحث‌های فقه ایشان بود که به قلم ایشان می‌باشد و چاپ شده است و به نظر من این نکته را باید آقایان اهل علم و فضلاء از امام یاد بگیرند و هیچ‌گاه کارهای سیاسی و انقلابی آن‌ها مانع کارهای درسی و علمی شان نشود؛ و اهمیت کار آقای خمینی که توانستند پیروز شوند این بود که ایشان از نظر علمی جا افتاده و غنی و شاخص بودند، یعنی از نظر علمی ایشان مرجع تقلید و مورد توجه فضلاء و علماء بودند و همین معنا پشتوانه شد برای کارهای سیاسی و مبارزاتی ایشان که مردم به ایشان رو آوردند و رمز و سر پیروزی ایشان علاوه بر قاطعیت و پشتکار و استقامت، عامل مهمی که در راس همه عوامل می‌باشد همین بود که از نظر علمی ایشان قوی و غنی و مورد توجه همه بودند، چنانچه از نظر معنوی و قداست و عرفان و معرفت نیز مردم به ایشان ایمان داشتند و باید ائمه جمعه و جماعات، فضلاء و طلاب به این نکته توجه نمایند و درس بگیرند و در ضمن کارهای اجتماعی، سیاسی و انقلاب درس و بحث را ترک نکنند و در همان حوزه خودشان مطالعه و درس و بحث داشته باشند، اقلاً آنچه را خوانده اند یادشان نرود، ما باید در هر پستی هستیم جوری باشیم که بتوانیم رفع نیاز علمی جامعه و طلاب و مردم را بکنیم.

بعد از فوت مرحوم آقای بروجردی گرچه رساله ایشان کم‌کم چاپ شده بود، ولی هنوز در بین مردم جا باز نکرده بود، چون بعد از فوت ایشان مدتی مرحوم آقای سید عبدالهادی مرجع بودند و بعد از یک سالی هم که زمان ایشان بود اکثراً به آقای حکیم و عده‌ای هم به آقای خوئی مراجعه کردند؛ و ما احساس کردیم که باید برای مرجعیت حضرت امام فعالیت کرد، و رژیم می‌خواست اسم ایشان به کلی از بین مردم محو شود و تبعید هم که ایشان بودند نمی‌خواست عنوان آیت‌اللهی و مرجعیت پیدا کنند و من یادم هست در اولین بازداشت من در قم در بازجویی‌ها، من از آقای خمینی به عنوان آیت‌الله نام می‌بردم که بازجو که شخصی به نام بکائی بود عصبانی شد و گفت

آیت الله نویس و من اصرار بر نوشتن داشتم، گفت برایت بد می شود، گفتم هر چه می خواهد بشود، یک دکتر را مثلا اگر با عنوان دکتر نویسی توهین است، گفت پس در اوراق بازجویی بنویس که من خودم به اسم آیت الله نوشته ام، و من نوشتم. لذا من و مرحوم آیت الله ربانی شیرازی (رحمة الله تعالی) تصمیم گرفتیم به هر شکلی شده یک چیزی تنظیم نماییم که عده ای از فضلاء و علماء به مرجعیت ایشان شهادت بدهند و البته نظر ما اعلیت ایشان بود، ولی حد اقل آنان به جواز تقلید و بلاشکال بودن آن شهادت دهند و بالاخره نوشته ای درست کردیم که ظاهرا ۱۲-۱۱ نفر از اساتید مرجعیت ایشان را امضا کردند و آنرا در همه جا منتشر کردیم که دستگاه و ساواک از این کار خیلی ناراحت و عصبانی شد و شهریه ایشان را تلاش می کرد از بین برود و توزیع نشود. و یادم است آن روزها که ایشان در حال تبعید بودند و مرحوم آقای حاج آقا مصطفی را دستگیر کرده بودند و شهریه ایشان در شرف تعطیلی بود، من خیلی تلاش کردم و به بازاریها و امثال آقای عسکراولادی و این طرف و آن طرف سفارش می کردم که به هر جوری شده نگذارند به شهریه ایشان ضربه ای وارد شود و از وجوه شرعیه مردم تامین گردد و بالاخره کاری شد که هم مرجعیت ایشان تثبیت شد و هم شهریه عمومی ایشان داده می شد و آسیبی ندید.

در مورد مرجعیت ایشان، هنگامی که ایشان در تهران بازداشت بودند و علمای شهرستانها و بعضی مراجع مانند آقایان میلانی و مرعشی نجفی و شریعتمداری برای اعتراض به تهران عزیمت نموده بودند، ما هم از نجف آباد به تهران رفتیم، البته علماء و مراجع در منازل بزرگان بودند و رفت و آمد و تشریفات داشتند ولی من در مدرسه فیروزآبادی با طلاب بودم، ولی کارگردان جلسات علماء و مراجع بودیم و خود را در مجالس و محافل آنان می رساندیم و هرکار لازمی را به موقع انجام می دادیم، از جمله یک شب من و آقای امینی تصمیم گرفتیم متنی تنظیم نماییم و در جلسه علما که قرار بود فردا در قلهک در منزل آقای سید نورالدین طاهری شیرازی باشد، مطرح نماییم و به عنوان امام و آقایان محلاتی و قمی که آن موقع بازداشت بودند به عنوان احوالپرسی علمای شهرستانها خطاب کنیم و برای امام عنوان مرجع عالیقدر شیعیان را نوشتیم و فردا در جلسه به علما گفتیم آقایان اینجا تشریف آورده اید حداقل خوب است یک اعلامیه برای اربعین شهدای ۱۵ خرداد بدهید، که ناگهان مرحوم آقای

حاج آقا مرتضی حائری گفتند ما اینجا نیامده ایم اعلامیه بدهیم، بلکه آمده ایم یک کاری بکنیم برای آقایان که بازداشت می باشند، گفتم کاری از دست من و شما جز همین اعلامیه‌ها و دلگرم نمودن مردم و تشویق آنان بر نمی آید و هرکسی چیزی گفت و پیشنهاد ما را قبول نکردند، ما گفتیم پس حد اقل یک تلگراف احوالپرسی به آقای خمینی و دونفر دیگر مخابره کنید، گفتند به دستشان نمی رسانند، گفتم نرسانند هدف ما تجلیل و حمایت از آن‌ها و شخص آقای خمینی می باشد، چون دولت منعکس نمی کند که آقایان علما از شهرستان‌ها به تهران برای چه هدفی آمده اند و حتی وانمود می شود که بعضاً برای معالجه چشم خود یا رفتن به مشهد مقدس به تهران آمده اند، چنانچه در دیدار پاکروان با بعضی چنین اظهار شده بود، به هر حال پس از اصرار زیاد ما، اول مرحوم بنی صدر از علما همدان که آدم عالم و حری بود، به من گفت شما یک متنی آماده کنید تا شاید امضا شود، من گفتم متن آماده است و همان متن آماده شده از قبل را با عنوان مرجع تقلید شیعه ارائه دادم که موجب استنکار و تعجب آنان شد و هرکس چیزی گفت مبنی بر اینکه ایشان مرجع تقلید نیستند، گفتم مرجع کسی است که از او تقلید کنند، گفتند چه کسی از او تقلید می کند؟ گفتم من! و لازم نیست که همه مردم از کسی تقلید کنند، به علاوه شما بروید بین مردم ببینید ایشان مقلدین زیادی دارند، به هر حال چند نفری با ما همصدا شدند و عده ای راجع به بعضی کلمات دیگر اعتراض داشتند که اصلاح شد، در این هنگام یکی از بزرگان حاضر با عصای خود بلند شد که از جلسه برود بیرون و من درب اطاق را بر او بستم و گفتم نمی گذارم خارج شوید تا نگویند اشکال این متن کجایش است و بالاخره آن بزرگوار با خنده گفت فلانی تو خیلی زرنگ و ناحق هستی و برگشت نشست و ما از همگی امضا گرفتیم و اول هم همان شخص بزرگوار که می خواست فرار کند امضا نمود، و چون می دانستیم چند نفری از علمای مهاجر هم پیش آقای شریعتمداری در باغ ملک هستند، رفتیم به سراغ آن‌ها و با آقای خسروشاهی که آنجا بودند قضیه را درگوشی و محرمانه مطرح کردیم و ایشان با بلند صحبت کردن مساله را افشا نمودند و حاضرین در جلسه که چند نفر ساواکی هم در آنجا بود از قضیه مطلع شدند و ما از لو رفتن مساله ناراحت شدیم، ولی امضا را گرفتیم و به آقای امینی گفتم خلاصه قضیه لو رفت و ساواکیها مطلع شدند و من چون شناخته شدم متن تلگراف را به شما می دهم و از شما جدا می شوم

که اگر دستگیر شدم تلگراف از بین نرود، چون می دانی با چه زحمت و خون دلی این امضاها گرفته شد، و ایشان قبول کردند و من جدا شدم و اتفاقاً در حرم حضرت عبدالعظیم مرا تعقیب و سپس بازداشت کردند و در بازجویی در ساواک شهر ری سراغ آن متن را از من گرفتند و خیال می کردند اعلامیه بوده که من پخش می کردم و مرا در یک حمام که فوق العاده گرم نموده بودند برای شکنجه بردند که پس از نیم ساعت تمام لباسهایم کاملاً تر شد و بالاخره پس از تهدید به زدن و کشتن، بعداً در بازجویی من به کلی منکر شدم و آن‌ها سراغ آقای امینی را نه به اسم خاص از من گرفتند و فحاشی می کردند بالاخره بعد از یاس از چیزی، مرا با تعهد که فردا مجدداً برگردم آزاد کردند و گفتند چه کسی تو را می شناسد، گفتم آقای شریعتمداری، که به او فحش دادند، گفتم آقای خوانساری به او هم فحش دادند. گفتم خدا مرا می شناسد. فردا باز با اینکه رفقا مخالف بودند، آمدم و بازجویی از من شد و تمام شد و آقای امینی که صحنه بازداشت مرا دیده بود فوراً تلگرام را در باغچه مدرسه لاله زاری پنهان نموده بود و بعد از آزادی من گفتیم خوب چه کسی حالا این تلگرام را مخابره کند. قرار شد مرحوم آقای حاج شیخ عبدالجواد سدهی که چند تن از همشهریهای قوی ایشان را همراهی و حمایت می کردند، ببرند برای مخابره، که بردند و ما خوشحال بودیم که مرجعیت آقای خمینی را ۳۳ نفر از علمای معروف شهرستان‌ها امضا کردند. البته مراجع مانند آقایان میلانی، نجفی مرعشی و شریعتمداری را ما دیدیم صحیح نیست که با ما امضا کنند، آن‌ها خودشان قرار شد چیزی با امضا چهارنفر بنویسند که کردند و چون خطر اعدام امام در بین بود، در متن مراجع چهارگانه آقایان میلانی، مرعشی، شریعتمداری و حاج شیخ محمد تقی آملی هم عنوان مرجعیت امام ذکر شده بود که خطر را دفع نماید.

به هر حال رژیم در آن شرایط می خواست مرجعیت ایشان و شهریه جا نیفتد و ما تلاش می کردیم که به هر نحو شده مرجعیت ایشان و شهریه تثبیت شود تا خطر از بین برود و هم برای تاثیر در نهضت و روی مردم، و من یادم است به طلاب مبارز می گفتم شما به جای اینکه یک شعار بدهید یا یک اعلامیه پخش کنید و دستگیر شوید کار بهتر و عمیق تر این است که از ایشان در مناظر و محافل فتوا نقل کنید و اگر هم از دیگران تقلید می کنید یک فتوا هم از ایشان نقل کنید، اثر این کار برای مبارزه از

پخش یک اعلامیه مثلاً شاید بیشتر باشد، روی این جهت ما و آقای ربانی شیرازی خیلی اصرار داشتیم و می دانستیم وقتی دستگاه دید در هر شهر و روستایی رساله امام و فتاوی ایشان مطرح است، دیگر هیچ کاری نمی تواند انجام بدهد. یادم است تیمسار مقدم در یکی از بازداشت‌ها به من گفت هفده نفر مرجع داریم، شما چرا از یک نفر اینقدر ترویج می کنید و خمینی خمینی می کنید؟ پرسید ایشان چندمین مرجع است به نظرت، گفتم اول یا دوم و ظاهراً اول را آقای حکیم معرفی کردم، سپس گفت مراجع را بشمار، من چهارنفر را شمردم، گفت چرا آقای خوانساری را نشمردی؟ گفتم خوب ایشان هم باشد.

بعد از فوت آقای حکیم با مرحوم آقای ربانی شیرازی تصمیم گرفتیم جلسه فاتحه ای در مسجد اعظم قم به عنوان آقای حکیم از طرف حوزه علمیه برگزار کنیم - که آن روزها معلوم بود برای چیست- و یکی از آقایان را برای سخنرانی دعوت کردیم و شرط کردیم که روی منبر مرجعیت امام را جدی اعلام نماید، در این هنگام امام نجف بودند و ما می خواستیم در قم و در این موقعیت که آقای حکیم فوت شده اند مرجعیت امام اعلام گردد. ولی آن شخص مدعو نیامد و چون برای جلسه اعلامیه پخش شده بود جلسه خیلی شلوغ شد و آقای شریعتمداری هم آمده بود، وقتی دیدیم برای منبر کسی نبود، آقای شریعتمداری به آقای سید صالح طاهری گفت پس شما بروید منبر و جلسه را ختم کنید و ایشان قبول نمود.

و آن موقع که امام در ترکیه بودند، ما دیدیم اسم ایشان رو به فراموشی است، اصرار کردم به فضلا که جلسه با شکوهی در مدرسه فیضیه گرفته شود، و باز شخص مدعو نیامد برای منبر، که آقای مشکینی و آقای نوری اول صحبت کردند و آقای مشکینی راجع به اختلاف ترک و فارس به عربی چند جمله ای گفتند و من بعداً صحبت کردم که برای اولین بار بود و گفتم حوزه علمیه قم بدون روح خدا روح ندارد و ایشان باید هرچه زودتر به ایران و حوزه بازگردند و از این قبیل حرف‌ها و صحبت را با خطبه حضرت امام حسین در باره امر به معروف و نهی از منکر که در کتاب تحف العقول می باشد شروع و با تفصیل مطالب را طرح کردم و ساواکیها برای تهدید پلیس را به پشت بام مدرسه فرستادند و مجلس را زیر نظر داشتند و رفقا از اینکه من برای اولین بار صحبت کردم تعجب کرده بودند و هدف اصلی ما از این جلسه احیاء نام

امام بود که مدت‌ها فراموش شده بود و ما می‌خواستیم نام ایشان در ایران و حوزه همیشه مطرح باشد و آن روزها معروف بود دکتر اقبال گفته بود ما آقای خمینی را بردیم به نجف تا گرفتار گرگها شود و نابود گردد. خیال می‌کردند ایشان در نجف مطرود می‌شود، در صورتی که در نجف هم درس ایشان خوب گرفته بود و بر خلاف نظرشان بود و علت بردن ایشان به نجف این بود که مجلس ترکیه ظاهراً بیش از یک سال را به دولت آن کشور اجازه تبعید آقای خمینی در آنجا را نمی‌داد و گفتند ایشان در نجف گم می‌شود و ما هم اصرار داشتیم که نام ایشان در کشور و روی منابر و در محافل باشد و به عنوان مسئله گفتن و فتوا نام ایشان را احیا می‌کردیم، و رژیم سعی می‌کرد با بازداشت افراد نگذارد به هیچ وجه از ایشان نامی برده شود و در قم هرکجا چیزی به نام ایشان مطرح می‌شد سکه به نام من و آقای ربانی شیرازی خورده بود و بعد از هر حادثه‌ای به سراغ ما می‌آمدند و ما را دستگیر می‌کردند؛ آقای مطهری هم آن موقع تهران بودند، مثلاً بعد از شهادت آقای سعیدی فوراً آمدند و ما را بازداشت نمودند، چون ترسیدند برای تشییع جنازه او ما کاری انجام دهیم و در بین بچه‌ها فرزند من شهید محمد منتظری خیلی فعال بود، مثلاً گاهی تصمیم می‌گرفتیم از طلاب شهرستان‌ها برای تثبیت مرجعیت آقای خمینی جداگانه اعلامیه و امضا بگیریم و برای این کار نیاز بود یک نفر باشد که هماهنگ کند کارها را و مرحوم محمد برای این کار خیلی فعال بود و سمج هم بود و اگر طرف قبول نمی‌کرد، با اصرار و سماجت از او امضا را می‌گرفت و با استدلال به اینکه مگر تو به اسلام و انقلاب عقیده نداری، طرف را راضی به امضا می‌کرد و او را قبل از من بازداشت کردند. البته چندین بار بازداشت شد و همه‌اش هم برای اعلامیه‌هایی بود که از اشخاص امضا می‌گرفت و آن دفعه هم که محکوم به چند سال شد برای پخش اعلامیه در صحن مطهر بود در ایام عید نوروز که با عده‌ای اعلامیه پخش می‌نمودند که بلافاصله بعد از او مرا بازداشت کردند و حدود هفت ماه من به اتفاق آقای ربانی شیرازی بازداشت بودیم، ولی او را محاکمه و محکوم نمودند و از من و آقای ربانی تعهد می‌خواستند که به قم نرویم و ما قبول نمی‌کردیم و از محمد هم تعهد می‌خواستند و او حاضر نشد و او را به محاکمه تهدید کردند و او گفت محاکمه کنید، من تعهد نمی‌دهم و بالاخره به سه سال محکومش کردند و ما را اگرچه آن موقع آزاد کردند ولی بعداً محاکمه و محکوم نمودند. یادم

هست ما آن موقع یک جلسه یازده نفره داشتیم که آقایان مشکینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و آذری و قدوسی هم عضو بودند و آقای سید محمد خامنه ای نیز بود و یک اساسنامه از طرف آقای سید محمد خامنه ای تنظیم شده بود که مربوط به تشکیل حکومت اسلامی و اطلاعات خارجی و داخلی و ضد اطلاعات و کمیته شهرستان‌ها و این قبیل امور بود که به سطح فکر آخوندی آن زمان نمی خورد و حدود ۶۰-۵۰ صفحه بود و من و آقای ربانی اساسنامه را در بازجویی‌ها منکر شده بودیم و در بازجویی‌ها می گفتیم جلسه مربوط به اصلاح کتب درسی حوزه بود، البته این موضوع هم در جلسه مطرح می شد، ولی هدف اصلی جلسه مساله مبارزات و تشکیل حکومت اسلامی و تشریح نیازهای مختلف آن بود و ما در بازجویی‌ها منظور اصلی را مخفی نگاه می داشتیم، تا بعد از دستگیری آقای آذری و لو رفتن اسامی ما و منظور اصلی، ساواک خیلی روی ما حساس شد و گفته شد که حتی اساسنامه را پیش شاه برده اند و او هم حساس شده است و امور مالی آن جلسه محرمانه را من به عهده داشتم که یادم هست حدود ۱۷ عدد پنج تومان تا لحظه دستگیری داده بودیم و از افراد گرفته بودم. در اوائل امر بازداشت در بازجویی‌های من و آقای ربانی فشار خیلی نبود، ولی بعد از دستگیری آقایان قدوسی و آذری و کشف اساسنامه از لابلائی کتب آقای آذری فشار روی ما زیاد شد و در این باره ما منکر چنین چیزی بودیم، یک روز در بازجویی از غندی معروف به من گفت: فلانی طفره نرو، کار شما مثل همان حزب ملل اسلامی است که ۵۵ نفر بودند و آقای کاظم بجنوردی و دیگران بودند، گفتم: آن‌ها کار مسلحانه داشتند و از ما حرکت مسلحانه نبوده، گفت: من اسلحه هم می گذارم توی پرونده شما، گفتم مگر همین طوری گذاشتنی است؟! گفت: این سازمان اطلاعات و ضد اطلاعات چیست که شما می خواسته اید درست کنید؟ من گفتم: از این حرف‌ها اصلا خبر ندارم و چیزی نمی دانم و در جلسه ما صحبت از اصلاح کتب درسی حوزه بوده. بعد از غندی و دکتر جوان از سران ساواک این‌ها ما را با آقای آذری مواجهه دادند و مرا بردند جایی و گفتند به پشت سر خود نباید نگاه کنی و بعد کسی را آوردند که من اول فکر کردم آقای هاشمی رفسنجانی باشد، نمی دانستم جریان آقای آذری را و یک سری سئوالاتی از من کرد راجع به جلسه و اهداف و اعضای آن و من همان حرف‌های قبلی را گفتم، سپس یک سری سئوالات از آن فرد پشت سر من نمود و آن وقت از من پرسید این آقا را

می شناسی؟ من هم بر خلاف دستور آنان نگاه کردم دیدم آقای آذری است، که آنان خیلی عصبانی شدند که چرا من آقای آذری را دیدم و شناختم و پرسید او چطور آدمی است؟ گفتم آدم خوبی است و حافظ قرآن هم می باشد، گفت هرچه بگوید قبول می کنی که درست گفته؟ گفتم آدم خوبی است ولی معصوم نیست، ممکن است خطا و اشتباه بکند، بعد از آقای آذری مرا پرسید، ایشان هم گفت بله آقای منتظری است و یک مقدار از من تعریف نمود، از او پرسید در آن جلسه که داشتید آقای منتظری هم بود که آن مسائل مطرح شد؟ آقای آذری که از کیفیت مواجهه و برخوردها متوجه شد که من مسائل جلسه محرمانه و هدف از آن اساسنامه را منکر شده ام، پاسخ دادند که من یادم نیست که آن شبها که این مطالب را مطرح کردیم آقای منتظری هم بودند یا نه، ممکن است آن شبها نبوده اند و این اظهار آقای آذری به نفع من شد و خطر از من دفع شد، آقای ربانی هم منکر شده بود و خیلی منازعه با آنها کرده بود، ولی به هر حال اساسنامه روی پرونده ما در دادگاه بود که به سه سال محکوم شدیم. بعداً به هر حال ساواک تمام طرفداران ایشان را بازداشت و یا تبعید می کرد، وقتی از این کار اثری ندید، مشغول تبلیغ علیه ایشان و امثال ما که طرفدار ایشان بودیم شد و مساله وهابیت و سنی بودن را علم کرد و کتاب شهید جاوید را بهانه کرد، واقعا این کتاب بهانه بود، چون این تهمت و شایعه در سطح وسیع عمل می شد و منحصر به مربوطین به آن کتاب نبود، و بعضی روحانیون را واداشتند چیزها بگویند و یک سری جزوه‌هایی علیه ما این طرف و آن طرف منتشر کردند و از این و آن امضا گرفتند علیه ما و حتی شایع کردند که پول چاه نفت شماره چند عربستان برای فلانی و فلانی در ایران می آید و از این قبیل اراجیف و تهمت‌ها.

یکی از کارهای آن موقع که امام در حال تبعید بودند و بسیاری از طلاب زندانی و یا آواره می شدند و خانواده‌های آنان نیاز به کمک داشتند من خودم را موظف به کمک رساندن به آنها می دانستم و این موضوع را ساواک فهمیده بود و با این تهمت‌ها و شایعه پراکنیها می خواست به من ضربه بزند و من هم خودم مورد مراجعه پولی بودم و هم اختیاراتی از طرف امام برای این موضوعات داشتم، و یادم هست امام در یک نامه خیلی پر تخمه و در سطح بالا به من نوشته بودند که بیت من در اختیار شما است و شما در آنجا هر روز یک سری بزنید و چون علما بیت ایشان هم چون آقایان پسندیده،

اسلامی و اشراقی به امور حوزه و طلاب توجه می کردند و به امور سیاسی و مبارزه و اهداف امام دیگر نمی توانستند رسیدگی نمایند و لذا ایشان تعقیب آن‌ها را در آن نامه از من خواسته بودند و متأسفانه این وقتی بدستم رسید، یک ساعت بعدش مرا گرفتند و من که نمی خواستم ساواک از آن مطلع شود، چون پرونده مرا سنگین می نمود، هنگام دستگیری به بهانه رفتن به دستشویی رفتم و آن نامه را پاره و محو کردم. به هر حال سیاست رژیم آن موقع متهم کردن اطرافیان و طرفداران امام به وهابیت بود که بلکه بین مردم آنان خراب و بدنام شوند.

یکی از صفات ویژه امام که همه ما باید از آن پیروی کنیم این بود که ایشان خود را وقف اسلام کرده بود و هرچه را ایشان تشخیص می داد به اسلام مربوط است روی آن می ایستاد و از کسی ملاحظه ای نمی کردند. البته ممکن بود احیاناً یک گزارشی اشتباهی در مورد خاصی به ایشان داده باشند، مثل همان گزارشی که در مورد قیام جهیمان در خانه خدا در همان سال اول انقلاب به ایشان داده بودند که آن‌ها را آدم‌های بدی معرفی کرده بودند و من که از آنان دفاع می کردم، ایشان این جریان را به دلیل اینکه هتک خانه خدا شده است، محکوم نمودند، درحالی که ظاهراً بعد معلوم شد افراد خوبی بوده اند و برای اسلام قیام نموده بودند و نهضتشان مقدس بوده؛ ولی قاطعیت ایشان در مورد آنچه وظیفه تشخیص می دادند، خیلی مهم و قابل توجه برای همه ما می باشد.

ایشان روی ارزش‌ها خیلی حساب می کردند و اهمیت می دادند و برای پیاده شدن آن‌ها شهامت داشتند، دنبال مرید بازی و اینکه چه کسی خوشش بیاید یا نیاید نبودند و شخص روحانی و عالم باید مثل ایشان باشد و برای او خدا و دین و ارزش‌ها و معنویتها مطرح باشد، نه چیزهای دیگر و باید آن‌ها در نظرش باشد نه آنکه فلان مرید و بازاری از او خوشش بیاید، و امام این طوری بود که در مسیر اسلام و ارزش‌ها از هیچ چیز نمی ترسیدند، و واقعا هم اینطور بودند که نمی ترسیدند، من از خودشان شنیدم که فرمودند: دفعه اول در قضیه ۱۵ خرداد که ایشان بازداشت شدند و ایشان را می خواستند شبانه به تهران ببرند، مامورین خیلی با شتاب و عجله و با ترس عمل می کرده بودند و ایشان آن‌ها را دلداری می داده که نترسند و حتی آن‌ها از ترس مانع پیاده شدن امام از ماشین برای ادای نماز صبح در بین راه شده بودند، که با اصرار

ایشان درب ماشین را فقط باز کردند و ایشان تیمم نموده بودند و در ماشین نماز خواندند و جالب اینکه مامورین ساواک هیچ کدام نماز نخواندند، سروان عصار در قیطریه من از او شنیدم که گفت: من نذر کردم یک گوسفند برای حضرت عباس، که بتوانم ماموریتم را درست در مورد آقای خمینی انجام دهم، این مقدار ترس و وحشت داشتند.

به هر حال من و آقای ربانی شیرازی و سایر دوستان ایشان و پسر محمد منتظری در راه امام خمینی خیلی تلاش کردیم و کتک‌هایی که از ساواک می‌خوردیم همه اش برای حمایت از ایشان بود، در زندان ما را می‌زدند و می‌خواستند که ما از حمایت امام دست برداریم و ما می‌گفتیم از اهداف خودمان دست بردار نیستیم، برای نوشتن کلمه آیت الله برای امام هم من و هم محمد در تمام مراحل بازجویی‌های قم و تهران تحت فشار و تهدید و اذیت ساواک بودیم، ولی مقاومت کردیم.

یکی از کارهای من تاسیس نماز جمعه در نجف آباد بود، که خیلی جا باز کرده بود و افراد زیادی از اقشار مختلف مردم اصفهان و اطراف به آن حاضر می‌شدند و سرهنگ صدقی رئیس ساواک اصفهان گفته بود این نماز جمعه فلانی یک پایگاه سیاسی برای مبارزه با رژیم است و من در نماز جمعه همه چیز می‌گفتم، از مبارزات و امام و حکومت اسلامی و شرایط آن، و این قبیل چیزها گفته می‌شد که نوارهایش شاید در دست باشد. یادم هست در آن موقع که نماز جمعه من در نجف آباد پا گرفته بود و منشأ آثار و برکاتی برای مبارزات شده بود، نامه ای به امام که نجف بودند، نوشتم به این مضمون که نماز جمعه خیلی برکات دارد و حضرتعالی برای رضای خدای متعال با آقای خوئی ترتیبی بدهید تا در ایران این فریضه الهی به دستور شما و آقای خوئی اقامه شود و دستور بدهید در شهرها هر کس موجه تر و مسن تر است آن شخص انتخاب و امام جمعه شود و اگر چند نفر موجه می‌باشند علی‌التناوب اقامه نمایند و یادآور شدم اگر نماز جمعه تاسیس شد مبارزات ما زودتر به اهداف خود می‌رسد. و امام در جواب نوشته بودند که این معنی عملی نمی‌شود و شما معلوم می‌شود هنوز آخوندها را نشناخته اید. تا اینکه بعد از پیروزی انقلاب، در قم به ایشان عرض کردم آقا اگر آن روز -زمان شاه- می‌فرمودید امکان اقامه نماز جمعه نیست و عذر داشتیم، دیگر امروز که قدرت دست شما است عذری نداریم و دستور بدهید این فریضه احیا و اقامه شود و

ایشان اول امر قبول نمی کردند تا بالاخره با اصرار من اجازه فرمودند در تهران اول توسط مرحوم آقای طالقانی شروع شود، که من نظر امام را به آقای طالقانی اطلاع دادم و ایشان نماز جمعه را شروع کردند و بعد در شهرهای دیگر شروع شد به تعیین امام جمعه و اقامه آن. به هر حال من روی اقامه نماز جمعه خیلی پافشاری نمودم و می دانستم اساس و پایه تشکیل حکومت اسلامی می باشد، پیامبر اکرم (ص) تا در مکه بودند نماز جمعه نمی خواندند، ولی همین که حدود چهل نفر در مدینه به پیامبر ایمان آوردند ایشان دستور اقامه جمعه توسط اسعد بن زراره و مصعب بن عمیر که نمایندگان پیامبر در مدینه بودند دادند و هنوز ایشان به مدینه نیامده بودند که اولین نماز جمعه ای که در مدینه تشکیل شد با چهل نفر بود (و لذا بعضی علمای شافعی می گویند حداقل باید چهل نفر باشند تا جمعه اقامه شود، ولی ما شیعه می گوئیم پنج نفر هم کافی است) و بعداً که پیامبر به مدینه رفتند اولین نماز جمعه را خودشان با صد نفر خواندند در یک مسجد که بین قبا و مدینه واقع است و به نام مسجد مأة یا مسجد الجمعة معروف است و من آنرا دیده ام و علت اینکه کارهای سیاسی و اجتماعی پیامبر پا گرفت همان نماز جمعه بود که زیربنای حکومت اسلام در مدینه بود که می توانست در اجتماع حرف‌های خود را با مردم بزند و اکنون عامل مهمی که حافظ انقلاب و کشور است و مردم را در صحنه نگاه داشته همین نماز جمعه‌ها است، که خطیب مسائل مهم سیاسی روز را در روز جمعه به مردم گوشزد می کند، و لذا یک نماز عبادی سیاسی است و اینطور نیست که هرکسی خودش بتواند اقامه کند، حتماً باید وابسته به حکومت اسلام باشد و من هم که آن روزها در نجف آباد نماز جمعه می خواندم از باب این بود که حکومت رژیم شاه را قبول نداشتم و در صدد تشکیل حکومت اسلامی بودم و خودم در این راه پیشقدم شده بودم، که الحمدلله موفق شدیم تشکیل دهیم و البته باید مردم تشویق شوند که نمازهای جمعه گرم باشند. و خلاصه کلام اینکه من در طول این مدت برای تثبیت مرجعیت امام و تعقیب اهداف ایشان و حمایت از قداست و معنویت ایشان زجرها کشیدم و کتکها خوردم و برای تامین مالی خانواده‌های زندانی و تبعیدیها تقریباً من متصدی بودم و حتی افراد را برای رفتن به ملاقات تبعیدیها تشویق می نمودم، از جمله آقای مشکینی که به ماهان تبعید بودند، من افراد زیادی را به دیدن ایشان می فرستادم و این معنی در پرونده من منعکس است

که برای همین کارها ساواک مرا بازجویی می کرد و چون حضرت امام شدیداً مورد علاقه من بودند، و اولین کسی بودند که حکومت اسلامی را تشکیل دادند، دلم می خواست هیچ سوژه ای علیه ایشان نباشد و اگر من نامه‌هایی به ایشان می نوشتم بر همین منظور بود، و همه می دانند که به خاطر وقار و آن چهره ملکوتی که داشتند افراد معمولاً جرأت حرف زدن با ایشان را نداشتند و شاید تنها من بودم که با صراحت مطالب خودم را با ایشان مطرح می کردم و این به دلیل علاقه شدیدی بود که من به ایشان داشتم و می خواستم ایشان همیشه با همان چهره ملکوتی و قداست معنوی باشند، آقای حاج احمد آقا آقازاده ایشان شاهدند که من کراراً به ایشان می گفتم باید علاوه بر حفظ جهات جسمی و بهداشت حضرت امام، جهات معنوی و ملکوتی و قداست و موقعیت ایشان را هم حفظ کنیم تا چهره ولایت فقیه همیشه در تاریخ برای مثلاً صد یا پنجاه سال آینده محفوظ بماند و دلم می خواهد در تاریخ چیزی و سوژه ای علیه ایشان هیچگاه نباشد، و به حاج احمد آقا می گفتم والله من خودم را نسبت به امام از همه کس دلسوزتر و علاقه مندتر می دانم، و یاد دارم در آخرین ملاقات که با ایشان داشتم (اعلی الله درجاته) و آقای حاج احمد آقا و داماد ما آنجا بودند، من به ایشان اول مساله استقراض خارجی که بر سر زبان‌ها افتاده و عوارض منفی آن را عرض کردم که این چیز بدی است و با آن شعارهای استقلال و نه شرقی و نه غربی ما منافات دارد و موجب وابستگی سیاسی اقتصادی و فرهنگی به شرق و غرب می شود و مرحوم سعیدی هم به همین جهت شهید شد، که ایشان قبول فرمودند و بعد مساله جنگ داخلی لبنان و انتظار دخالت و اقدام از ناحیه ایشان که امام المسلمین هستند را به عرض ایشان رساندم و بعد عرض کردم آقا مطالبی که من می گویم یا نامه‌هایی که به شما می نویسم، کسی به من درس نمی دهد و القا نمی کند، گرچه فعلاً شایع کرده اند و شاید در ذهن حضرتعالی هم رفته باشد، نه منافقین و نه نهضت آزادی به من چیزی القا نمی کنند، بلکه این مسئولین ارگان‌ها و شخصیت‌ها و افراد خود این مردم هستند که می آیند و یا نامه می نویسند مرتباً و کمبودها و اشکالات را به من می گویند و راه حل پیشنهاد می کنند، و عرض کردم آنچه هدف اصلی من از این نامه‌ها و تذکرات در ملاقاتها است، این است که آن چهره پاک و مقدس و ملکوتی حضرتعالی همچنان مثل روز اول که تشریف آوردید به ایران باشد و کسی نتواند به حضرتعالی ایرادی و

اشکالی در آینده وارد سازد و اگر خلاف و یا تندی در جاهایی می‌شود، به حضرت‌عالی نسبت ندهند، شورای عالی قضایی و قوای اجرایی مسئول هستند به حضرت‌عالی منتسب نکنند، همیشه در دنیا این خلافها بوده، در زمان پیامبر(ص) و حضرت امیر(ع) نیز این کارها بوده ولی من می‌خواهم چهره حضرت‌عالی که سمبل اسلام و ولایت فقیه می‌باشد، برای همیشه مقدس و ملکوتی باقی بماند و مثل روز اول که هیچ کس با شما مخالف نبود و بر و فاجر به شما ایمان داشتند، من می‌خواهم همیشه و در آینده نیز این قداست و معنویت باقی بماند و کارهای خلاف را به اسم حضرت‌عالی انجام ندهند و حضرت‌عالی برای اینجور امور خلاف خرج نشوید. و من صریحاً عرض می‌کنم علاقه من به ایشان به حدی بود که یک ساعت هم از ایشان فاصله نگرفتم، هدف من در نوشتن نامه‌ها حفظ موقعیت ایشان بود. ایشان به اسلام آبرو و قدرت دادند، ابرقدرت‌ها را به زانو درآوردند، اولین کسی بودند که حکومت اسلامی را تشکیل دادند، البته من در تشخیص خودم چه بسا اشتباه کرده باشم، ولی هرگز نمی‌خواستم ایشان نگران شوند، حالا اگر در ذهن ایشان چیزهایی بوده یا برداشت‌هایی از نامه‌ها و تذکرات من شده است، ربطی به هدف من که فقط حفظ قداست و موقعیت ایشان بوده ندارد و من هیچگاه در برابر ایشان جبهه‌گیری نداشته‌ام و برای خودم در برابر ایشان هیچ ارزشی خدا شاهد است قائل نبوده‌ام. خودم را هم از ایشان جدا نمی‌دانستم، ایشان را مثل یک رفیق به تمام معنا می‌دانستم که نظرش را برای رفیق خود می‌گوید و ما شرعاً وظیفه داریم که از باب «النصیحه لامام المسلمین» که وظیفه همه است خیر خواهی امام مسلمین بکنیم و تمام تذکرات و نامه‌های من از همین باب بوده است و نامه‌ها هم خصوصی و یا با یادداشت بوده است، حالا چه شده است بعضی آن‌ها را نشر داده و دیگران دیده‌اند، فعلاً کاری به آن ندارم و ومن هیچگاه در فکر آقایی یا مرجعیت و قائم مقام رهبری خود نبوده‌ام، از همان اول هم که مطرح کردند، من طی یک نامه نوشتم طرح این معنی درست نیست، چون هم توهین به حضرت امام است که در زمان حیات ایشان مرگ ایشان را تصویر نمایم و هم با وجود مراجع و بزرگان دیگر فعلاً طرح نمودن من درست نیست، و در آن نامه نوشتم ما امیدواریم خدای متعال طول عمر به امام بدهد که اصلاً نیازی به تعیین قائم مقام نداشته باشیم و من همیشه خود را فانی در اسلام و اهداف حضرت امام می‌دانسته‌ام و از هیچکس هم توقعی ندارم، در

این جهت هدفم خدا بوده و همه تلاش‌ها و ناراحتی‌ها برای رضای خدای متعال بوده است و هر اندازه توانستم خدمت می‌کنم و هر وقت هم نتوانستم همان کار طلبگی ام را انجام می‌دهم و اگر آنرا هم نتوانستم ما دیگر آخر عمرمان است.

نکته ای را که عرض می‌کنم این است که اجتهاد مراتب مختلفی دارد و یکی از چیزهایی که خیلی مهم است این است که مجتهد با وضع جامعه و روند اجتماعی کارهای جامعه آشنا باشد و مسائل و فتاویی که می‌خواهد اظهار کند با این دید باشد، گاهی می‌شود مجتهد در اثر عدم آشنایی به اوضاع سیاسی، اقتصادی دنیا و نقشه‌های کفار برای اسلام و مسلمانان و روند امور جاری در سیاست‌های دنیا، فتاویی می‌دهد که اصلاً قابل پیاده شدن در جامعه نمی‌باشد. در چند سال پیش با یکی از بزرگان علما با هم به تهران می‌رفتیم و صحبت‌هایی از اسلام و حکومت آن شد، به ایشان گفتم آقا مگر شما نمی‌گویید اسلام دینی است جهانی که حتی باید آمریکا را هم مثلاً اداره کند، آن هم تا روز قیامت، اینطور که شما می‌گویید و برداشتی که شما از اسلام و احکام آن دارید چنین دینی حتی مدرسه فیضیه را هم نمی‌تواند اداره کند. ما اسلامی را می‌خواهیم که دنیا را بتواند اداره کند و قابل پیاده شدن در همه جا و همیشه باشد، و به نظر من این دید نسبت به اسلام که چگونه باید باشد اثر دارد در کیفیت اجتهاد و فتوا دادن، و مجتهد اعلم کسی نیست که فقط در مسائل حیض و نفاس مثلاً اعلم باشد، بلکه باید اعلم باشد در تمام مسائل مورد نیاز جامعه از قبیل مسائل سیاسی، اقتصادی و غیره و بداند سیاست جنگی، اقتصادی، نظامی اسلام در هر زمانی چگونه باید باشد و خلاصه اینکه باید مجتهد اعلم در این‌گونه مسائل هم اهل اطلاع باشد و هم صاحب نظر و دیدگاه خاص و امام (قدس سره) این چنین بودند که در این گونه مسائل هم دید وسیع داشتند و با همین دید، نظر و فتوا می‌دادند. ایشان به تمام مسائل و سیاست‌های جاری دنیا احاطه و اطلاع کافی داشتند، من سابقاً یک حاشیه بر کتاب عروه در مساله ولایت بر غیب و قصر نوشته بودم، ولی با توجه به بحثی که چهار سال است در مورد ولایت فقیه دارم دیشب به آن حاشیه که مراجعه کردم دیدم باید این نظر آن روز من بکلی عوض شود، زیرا آنچه را در طول چهار سال از روایات مختلف و جهات گوناگون مورد ملاحظه و دقت قرار دادم، قهراً در آن مساله فرعی اثر می‌گذارد و فتوای انسان عوض می‌شود. بنابراین مجتهد اعلم کسی است

که در این‌گونه مسائل که در دنیای پیچیده امروز مطرح است صاحب نظر باشد، به صرف اینکه کسی در مسائل حیض و نفاس اعلم باشد، ولی در مسائل ذکر شده که مورد نیاز جامعه است اهل اطلاع و نظر نباشد، نمی‌توان به آن مجتهد اعلم گفت و اعلمیت امام خمینی که نظر ما بود اینطوری بود که ایشان در تمام مسائل اسلامی مورد نیاز واقعا اعلم از دیگران بودند و درک و دید ایشان نسبت به مسائل دینی از دیگران وسیعتر و قوی‌تر بود واقعا، و روایتی که می‌گوید: «العالم بزمانه لایهجم علیه اللوابس» یعنی کسی که به زمان خود عالم باشد هیچگاه مشکلات بر او غالب نمی‌شوند، در فتوادادن هم کسی که عالم به زمان خود باشد مشکلات بر او چیره و غالب نمی‌شود. یعنی عالم به زمان بودن در کیفیت و نحوه فتوادادن او نیز موثر است و هیچگاه در تنگنا و مشکلات فتوایی قرار نمی‌گیرد.

خداوند ان شاءالله درجات حضرت امام عالی است متعالی سازد، همه علمای اعلام، بزرگان شهدا ما که از دست ما رفته اند درجاتشان عالی سازد. خداوند به همه خدمتگذاران به کشور و انقلاب هم توفیق بدهد که بیشتر بتوانند خدمت کنند. و خداوند توفیق دهد که علما و بزرگان و خدمتگذاران، این انقلاب بزرگ را که با گذشت ده سال هنوز اول کار است، چون هدف اصلی ما پیاده شدن اسلام واقعی و راستین در تمام دنیا است، خداوند توفیق دهد که همگی بتوانیم خدمت کنیم و قدمهای دیگری برای اسلام و انقلاب برداریم و هرکس خدمت می‌کند، هر جایی که هست خداوند اجر و پاداش عنایت فرماید و خداوند به تمام بازماندگان محترم حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) صبر و اجر کامل عنایت نماید و از شما برادران هم که درصدد شناسایی و معرفی ابعاد مختلف امام (قدس سره) برآمده اید من تشکر می‌کنم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

(پیوست‌های شماره ۱۸۶ و ۱۸۷ داخل متن کتاب آمده است)

پیوست شماره ۱۸۸: مربوط به صفحات ۷۰۹ و ۷۵۳
پیام تسلیت معظم له به آقای خامنه ای به مناسبت فوت والده ایشان

بسمه تعالی

تهران، حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید علی خامنه ای رهبر
منتخب جمهوری اسلامی ایران دامت افاضاته
پس از سلام، رحلت سیده جلیله والده مکرمه شما را به جنابعالی و حجج اسلام اخوان
معظم دامت افاضاتهما و همه بازماندگان محترم تسلیت می گویم و از خدای بزرگ رحمت
و غفران و علو درجات برای آن مرحومه و صبر جمیل و اجر جزیل برای همه بازماندگان
محترم و سلامت و توفیق خدمت به اسلام عزیز و مسلمین را برای جنابعالی مسألت
می نمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله

۶۸/۵/۱۷ - قم، حسینعلی منتظری

بسمه تعالی

تاریخ

شماره

آیران حضرت منتظب قجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید علی فاضل‌نای
 رهبر منتخب جمهوری اسلامی ایران دامت افاضتہ
 پس از سلام رحلت سیدہ جلیلہ والدہ مکرمہ سارا بختیاری (و حج اسلام
 اخوان معظم دامت افاضتہ) و ہمہ بازماندگان محترم سلیت می گویم
 و از فدای بزرگ رحمت و لطف ان و علو درجات برای ان عرہومہ
 و صبر جمیل و اجر جہد برای ہمہ بازماندگان محترم و سلامت و ترفیق
 خدمت با سلام عزیز و مسلمین را برای جنابک سالت می‌نمایم
 والسلام علیکم ورحمۃ اللہ ۱۷/۵/۴۸ تم حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۱۸۹: مربوط به صفحات ۷۰۹ و ۷۵۷

پیام معظم له به آقای خامنه ای به دنبال هجوم شبانه به بیت و دفتر معظم له

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب آیت الله آقای حاج سیدعلی خامنه ای دامت افاضاته

پس از سلام و تحیت و تبریک به مناسبت عید نوروز و عید سعید فطر به عرض می رساند من برحسب سیره مستمره ای که تا حال داشته ام در حوادث و مصائب صبر می کنم و اهل شکایت به شخص یا به مقامی نبوده و نیستم چون امید به رسیدگی ندارم، الی الله تعالی اشکو بشی و حزنی و منه استمد فی جمیع اموری.

امیدوارم خداوند قادر متعال اسلام عزیز و انقلاب و کشور و ملت مسلمان ایران و روحانیت شیعه و شخص جنابعالی را از نادانیها و تندیها و عقده گشائیهای عناصر اطلاعات و دادگاه ویژه و فتنه جویان و حساد و ثناگویان متملق و منافق نجات دهد و روز به روز بر عظمت اسلام و مسلمین بیفزاید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱۳۷۱/۱۲/۲۹ - ۲۶ رمضان المبارک ۱۴۱۳

حسینعلی منتظری

بسمه تعالی

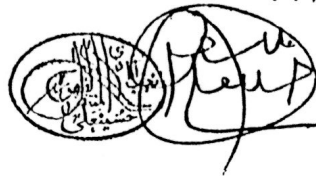
تاریخ

شماره

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب آية الله آقای حاج سید علی خامنه ای در استغاثه
 این از سلام و کثرت و بزرگی بمناسبت عید نوروز و عید سعید فطر عرض
 فرموده بزرگوار است که با حال دانسته ام در عود و دهان آب صبر میل
 و این کلمات بعضی با معانی نبوده و نیستم چون امید برسد که ندانم

الان الله تعالی اشکوبی و روزی و منه استمداد جمع الوری
 امید دارم خداوند قادر تعالی اسلام عزیز و انقلاب و سوره ولایت
 ایران و روحانیت سعید و کثرت اینها را از نادانها و نژادها و فقه
 عناصر اطلاعات و دادگناه و بره و فتنه جویمان و عباد و ناکویمان
 نجات دهد و روز بروز بر عظمت اسلام و مسلمین بیفزاید و السلام
 در رحمة الله وبرکاته ۲۹/۱۲/۱۳۷۱ - ۲۶ رمضان المبارک ۱۴۱۳

مهم‌المرکبه


پیوست شماره ۱۹۰: مربوط به صفحه ۷۱۰
 نامه معظم له به امام خمینی و ابراز نگرانی از تصمیم به بازنگری در قانون اساسی و
 تذکر برخی امور مهم دیگر، مورخه ۶۷/۹/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام و تحیات نکاتی به نظر می رسد که مناسب دیدم به عرض حضرتعالی
 برسانم:

۱ - در مورد اصلاح و تتمیم قانون اساسی که این روزها زمزمه آن شروع شده گرچه
 حرف حقی است و تنگنانهائی در قانون اساسی وجود دارد که البته در وقت مناسب باید
 برطرف گردد ولی آیا اکنون شرائط مناسب این کار وجود دارد؟

یادم هست در موقع تصویب قانون اساسی روحانیون اهل سنت در مورد مذهب
 رسمی کشور (اصل ۱۲ و اصل ۱۱۵) سر و صدا و اعتراضات زیادی داشتند و برای
 دفع الوقت و اسکات گفته می شد هنگام اصلاح قانون اساسی به خواسته آنان توجه
 می شود، و اکنون اگر سفره قانون اساسی و اصلاح آن پهن شد معلوم نیست بتوان
 به خوبی جمع کرد.

و از طرف دیگر فعلا قانون اساسی یک قداست و حرمت خاصی دارد و اگر زیر سؤال
 رفت و مورد خدشه و ان قلت و قلت قرار گرفت با توجه به مواضع بسیاری از جناح‌های
 مسلمان و معتقد به نظام و عدم شرکت اکثر آنان و بعضی از مراجع در اظهار نظر و
 رای گیری و همچنین زدگی اکثر مردم و سردی آنان که در انتخابات مجلس سوم به خوبی
 مشهود بود، معلوم نیست آنچه به دست می آید چقدر ارزش عمومی و ملی که جامع
 اشتات باشد داشته باشد، و خوف آن هست که حرمت کنونی این قانون اساسی را که مورد
 تایید اکثریت قاطع مردم و جناح‌های روشن فکر (که متأسفانه فعلا مخالف شده اند) و
 حضرتعالی و مراجع بوده از دست بدهیم و نتوانیم چیزی بهتر از آن جایگزین نمائیم. به
 هرحال اگر حضرتعالی چنین تصمیمی گرفته باشید بجاست از عوارض جنبی آن غفلت
 نشود.

۲ - متأسفانه تب ضد آخوندی در جامعه رو به افزایش است و بسیاری از روحانیون

می‌گویند در تهران امکان ندارد پیاده رفت و یا با ماشینهای عمومی مسافرت کرد بدون توهین و متلک، البته این موضوع را من از دوسه سال پیش احساس می‌کردم و خدمت حضرتعالی هم عرض کردم ولی امروز گمان نمی‌کنم کسی منکر آن باشد و فعلاً در مقام بیان علل و عوامل آن نیستم فقط خواستم به عرض برسانم که خودتان به هر نحو صلاح می‌دانید چاره‌ای بیندیشید و تا دیر نشده آبروی روحانیت را قبل از سقوط کامل حفظ کنید. به نظر می‌رسد در این موضوع دو چیز نقش اساسی دارد:

الف - دادن پستهای دولتی و چشمگیر به روحانین از قبیل ریاست جمهوری و وزارت و وکالت مجلس و امثال آنها که قهراً تمام عوارض منفی خود را متوجه روحانیت کرده است، در صورتی که ضرورت ندارد پستهای حساس و چشمگیر اجرائی و یا پستهایی که با زدن و بستن و کشتن ملازم است به دست روحانین باشد، مگر به مقدار ضرورت مثل امر قضاء مثلاً. به نظر می‌رسد اگر حضرتعالی دستور دهید حتی الامکان روحانیون از پست و مقام و قدرت دور شوند و کارها را به دست افراد مسلمان انقلابی متخصص بدهند و روحانیون نظارت دقیق بر کارها داشته باشند و احیاناً اعتراض هم بکنند مطمئناً مقدار زیادی از حساسیت مردم کم می‌شود و روحانیت مجدداً معزز و ملجأ مردم خواهد شد، و قهراً روحانیون تا حدودی از فساد که معمولاً از قدرت ناشی می‌شود محفوظ می‌مانند.

ب - مساله برخورد با عناصر ناسالم و یا فاسد روحانیون می‌باشد که این روزها خوراک جدیدی برای جناح‌های ضد آخوند داخلی و رادیوهای بیگانه درست نموده است، من مخالف با برخورد صحیح با عناصر فاسد روحانی نیستم ولی شیوه‌ای که تاکنون عمل شده قطعاً به ضرر روحانیت و اسلام بوده و کل روحانیت و انقلاب را در انظار زیر سؤال برده که اگر این روند ادامه یابد عاقبت آن بسیار خطرناک است. به هر حال مناسب است حضرتعالی افراد عاقل و متعهدی را مامور فرمائید تا شیوه جدیدی را فکر کنند و پس از تایید حضرتعالی و رفع جهات نقص آن، با آن شیوه عمل شود.

۳ - پس از مرقومه حضرتعالی در جواب نمایندگان مجلس که حرکت همگان را بر محور قانون اساسی نوید دادید امید زیادی در دلها به وجود آورد و بسیاری از مخالفین را خلع سلاح کرد، مناسب است این وعده عملی گردد بخصوص که از زبان مقام

رهبری می باشد، و شروع شود نهادها و شوراهائی که به دلیل ضرورت زمان جنگ و غیره بر خلاف قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی درست شده به تدریج بدون سر و صدا حذف گردد و قانون اساسی و قوانین مصوبه مجلس شورا و قوه مجریه و قوه قضائیه محور کارها گردد.

۴ - مساله کمبود اجناس ضروری و قیمت‌های سرسام آور اجناس که معلول سخت گیری و تنگ نظری در امر صادرات و واردات است با بیکاری‌های زیاد و درآمد کم اکثر مردم اگر زود حل نشود روزبه روز نارضایتی‌ها زیادتیر و بسا موجب بحران کشور شود، چون بهانه جنگ هم گرفته شده و حل این مشکل احتیاج به یک تصمیم و دستور قاطعانه دارد، متاسفانه تنگ نظری‌های بعضی از مسئولین و اشکال تراشی‌ها مانع آزادی تجارت و کسب و کار شده است و افراد متدین و خوب را از صحنه خارج کرده است. والسلام علیکم و ادام الله ظلکم.

۱ ج ۱/۱۴۰۹ - حسینعلی منتظری

صل



تاریخ ۹۷/۹۷۲۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

محضر مبارک آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام و تحیات نکاتاً بنظر می‌رسد که مناسب دیدم بعضی حضرتعالی برسانم؛
۱ در مورد اصلاح و تنظیم قانون اساسی که این روز که زمره آن شروع شد گروه حرف حق است و شکی نیست که در قانون اساسی وجود دارد
که البته در وقت مناسب باید برطرف گردد و لا ایا اکنون شرایط مناسب این کار وجود دارد؟

یادم است در موقع تصویب قانون اساسی روحانیون اهل سنت در مورد مذهب رسمی کشور (۱ ص ۱۲ و ص ۱۱۵)
سرو صدا و اعتراضات زیادی داشتند و برای دفع الوقت و الحاحات گفته می‌شد هنگام اصلاح قانون اساسی بجز آنکه آنان توجیه می‌داد
و اکنون اگر سفره قانون اساسی و اصلاح آن این سرد معلوم نیست بتوان بجز جمع کرد.

و از طرف دیگر فعلاً قانون اساسی یک قدرت و حاکمیت فاعلی دارد و اگر زیر سوال رفت و در دست خداست و آن قدرت و حاکمیت
قرار گرفت با توجیه بخواهیم بسیاری از جهات همای مسلمان و معتقد نظام و عدم شرکت اکثر آنان و بعضی از مراجع در آنها نظر
و رأی گیری و مهم چنین زدگی اکثر مردم و سردن آمان که در انتخابات مجلس شوم بجز می‌شود بود معلوم نیست آنچه بدست می‌آید
چه قدر از روش عمومی و ملی که جامع الثنات باشد در دست ما باشد، و حذف آن است که حاکمیت کند این قانون اساسی
که مورد باید اکثریت قاطع مردم و جناح‌های روشن فکر (که متأسفانه فعلاً مخالف نظر اند) و حضرتعالی و مراجع بوده
از دست بدهیم و نتوانیم چیزی بهتر از آن جایگزین نماییم. بهر حال اگر حضرتعالی چنین تصمیمی گرفته باشند
بجاست از عوارض جنبی آن غفلت نرود.

۲ متأسفانه نتب خدا آخوندی در جامعه رو یا فراس است و بسیاری از روحانیون می‌گویند در تهران امکان ندارد پیاده رفت
و یا با ماشینهای عمومی مسافرت کرد بدون توهمین و متلاک، البته این موضوع را می‌تواند در دو سه سال پیش حل می‌کردم و خدمت
حضرتعالی هم عرض کردم و لا امر و دلجان نمی‌کنم که منکر آن باشند و فعلاً در مقام بیان علل و عوامل آن نیستیم فقط خواستیم
بعضی برسانیم که فردمان بهر نحو اصلاح میدانند چاره‌ای بیندیشید و مادر نشد آبروی روحانیت را قبلاً از روی ظلم حفظ کنند.
بنظر می‌رسد در این موضوع دو چیز نقش اساسی دارد:

الف دادن پستهای دولتی و چشمگیر به روحانیینی از قبیل ریاست جمهوری و وزارت و ولایت مجلس و امثال آنها که هر
 تمام محافل مغربی خود را متوجه روحانیت کرده است در صورتیکه ضرورت ندارد پستهای خاص و چشمگیر اجراء و یا پستهای کم با وزن
 و برتن و کسرتن ملازم است بدست روحانیین با آنکه مگر بعد از ضرورت شمر امر قضایا و امثلا .
 بنظر میرسد اگر حضرت انقلاب دستور دهد حتی الامکان روحانیون از پست و مقام و قدرت دور شوند و کار را که باید است افرا در اسلام انقلابی مخصوص
 و روحانیون نظارت دقیق بر کار کرده است باشند و ایماناً اقرار این هم بکنند مطمئناً تعداد زیادی از صاحب است مردم کم میگرد
 و روحانیت مجدد معتزله بجا مردم خواهد آمد، و قدر آن روحانیون تا حدودی ازین دکه معمولاً از قدرت ناشی میشود محفوظ میمانند .
 ب سالیانه بفرورد با علمای ناسالم و یا فاسد روحانیون می باشد که این روزها عذر را که جدیدی برای جناحهای ضد انقلابی در داخل
 و رادیکال می بکنند درست نموده است، از مخالف با برقرار در صیغه با علمای فاسد و جاهل و غیره که تاکنون عمرش قطعاً بفرورد و
 و اسلام برده و کل روحانیت و انقلاب را در انظار از بر سوال برده که اگر این روند ادامه یابد عاقبت آن بسیار خطرناک است .
 بر هر حال نشانه است حضرت انقلاب از افراد معلق و متعصبی را مامور فرمائید تا شیوه جدیدی را فکر کنند و پس از آن تا باید حضرت انقلاب در وضع صحیح
 با آن شیوه عمل شود .

۳۱ پس از موقوفه حضرت انقلاب در باب نماندن مجلس که حرکت همگان را بر محور قانون اساسی نوید دادید امید زیادی در دلها بود آورد
 و بسیاری از مخالفین را خلع سلاح کرد نمائید است این وطن عملی گردد بخصوص که از زبان مقام رهبری می باشد و شروع شود نهاد
 و کشور را که شکله بدلیل ضرورت زمان جنگ و غیره برخلاف قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی درست نشدند بدین سروسر و صدا
 حذف گردد و قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس شورای وقوه مجریه وقوه قضائیه محور کار گردد .
 ۳۲ سالی که کینود اجناس ضروری و قیمت های سرسام آور را جناس که معلول سخت گیری و تنگ نظری در امر صادرات و واردات است
 با بیگاری های زیاد و در آسودم اکثر مردم اگر زود حدت شود روز بروز ناچارانیه با زیاد تر و ب موجب بحران کشور شود
 چون بهانه جنگ هم گرفته شد و حضرت این شکل احتیاج بیک تصمیم و دستور قاطعانه دارد تا مانع تنگ نظرهای بعضی از
 مسئولین و اکتادارهای مانع آزادی تجارت و کار شود است و افراد متعصب و فتنه را از رهبری خارج کرده است .
 و اسلام علیه و ادام الله ظلمکم ۱۳۰۹ / ۱ / ۱۸



(پیوست شماره ۱۹۱ داخل متن کتاب آمده است)

پیوست شماره ۱۹۲: مربوط به صفحه ۷۲۰

شکایت جمعی از شاگردان معظم له به دادستان عمومی شهرستان قم

بسمه تعالی

دادستان محترم عمومی شهرستان قم

احتراما همان طوری که استحضار دارید در مورخه ۷۳/۱۰/۲ بعد از اتمام نماز جمعه قم عده ای در حدود ۲۰۰ نفر به مقابل حسینیه شهدا و بیت حضرت آیت الله العظمی منتظری آمده و اقدام به شعارگویی و اهانت به ایشان نمودند و سپس در روز شنبه ۷۳/۱۰/۳ در حالی که عده کثیری از فضلا و طلاب در محضر درس آیت الله العظمی منتظری مشغول استفاده از درس خارج فقه ایشان بودیم، عده ای در حدود ۴۰-۳۰ نفر که دونفر آنها ملبس به لباس روحانیت بودند وارد حسینیه شهدا شدند و در جمع حضار نشستند و یکبار بطور جمعی اقدام به فرستادن صلوات جهت بهم زدن درس نمودند ولی موفق نشدند. بلافاصله پس از پایان درس ایشان، این عده از جای خود برخاسته و شروع به اهانت و هتاک و بکار بردن الفاظ رکیک نسبت به شخص فقیه عالیقدر و طلاب و شاگردان معظم له نمودند، آنگاه اقدام به شکستن آینه و تریبون و واژگون کردن بخاری گازی و دریدن پرده‌ها کردند و با وضع بسیار زننده و ناشایستی که در شأن افراد مسلمان و مودب به آدابی اسلامی نمی باشد نسبت به کلیه حاضرین جسارت کرده و آنها را تهدید نمودند که چنانچه فردا یکشنبه ۷۳/۱۰/۴ در درس حاضر شوند به عنوان ضدانقلاب با آنان برخورد کرده و از درس جلوگیری خواهند کرد. در تاریخ ۷۳/۱۰/۱۰ اعلامیه ای در ۲۳ صفحه تحت عنوان «تحلیلی اجمالی از علت حرکت روشنگرانه طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم در ارتباط با آقای منتظری و دفتر ایشان» در سطح وسیعی در شهر قم پخش گردیده که از ظواهر آن چنین بر می آید این اعلامیه هم از طرف همان عده یا محرکین آنها تهیه شده باشد، و در این اعلامیه سراسر کذب انواع تهمت‌ها و ناسزاها نسبت به ساحت فقیه عالیقدر و شاگردان مخلص معظم له وارد گردیده است از جمله شکستن آینه و واژگون کردن بخاری و شکستن تریبون را به شاگردان معظم له نسبت داده است.

معهدا با عنایت به اینکه مطابق اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

«حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» و با توجه به اینکه مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه قوه ای مستقل است که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایفی است که از جمله آن‌ها «رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات» و «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع» و «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» و «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم» می باشد و اعمالی که از طرف این عده صورت گرفته است از مصادیق بارز «جرم» بوده و قوه قضاییه و محاکم دادگستری مطابق نص صریح قانون اساسی و قوانین عادی موظف به رسیدگی و تعقیب و مجازات مجرمین و پیشگیری از تکرار چنین اعمال مجرمانه ای می باشد، زیرا:

اولاً: توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک مطابق ماده ۸۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ جرم بوده و موجب مجازات تا ۳۰ ضربه شلاق می باشد که این عده در روز جمعه ۷۳/۱۰/۲ در مقابل بیت معظم له و شنبه ۷۳/۱۰/۳ در حسینیه شهدا پس از درس ایشان اقدام به این عمل نمودند.

ثانیاً: اقدام آنان در شکستن تریبون و آینه و دریدن پرده‌ها و غیره از مصادیق بارز اتلاف اموال غیر و موضوع ماده ۱۳۲ قانون تعزیرات می باشد و با توجه به اینکه تعداد مجرمین حدود ۴۰-۳۰ نفر می باشد، عمل آن‌ها اقدام جمعی به نحو قهر و غلبه محسوب می شود، «ماده ۱۳۲- هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از ۳ نفر به نحو قهر و غلبه واقع شود جزای آن حبس از ۲ تا ۴ سال است».

ثالثاً: در مورد راهپیمایی روز جمعه ۷۳/۱۰/۲ این مطلب حائز اهمیت است که کلیه راهپیماییها باید با اجازه مقامات مسئول و با اخذ مجوز از وزارت کشور باشد و برابر اطلاع و ائنه این جمع فاقد چنین مجوزی بوده اند، در این صورت خود این حرکت عملی خلاف قانون بوده و قابل تعقیب و مجازات می باشد.

رابعاً: در مورد اعلامیه ۲۳ صفحه ای که نسخه ای از آن پیوست می باشد، این نوع اشاعه اکاذیب و تهمت خود جرم بوده و از مصادیق بارز ماده ۱۴۰ قانون تعزیرات

می باشد، «ماده ۱۴۰- هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا انتشار آن‌ها یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع به کسی امری را صریحاً نسبت دهد که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود، نسبت دهنده مفتری خواهد بود...».

مسئله مهمی که در اعلامیه مورد بحث قابل توجه می باشد علاوه بر تهمت و ناسزاگویی و تحریف حقایق مسلم تاریخی و غیره، موضوع نقشه حمله به شخص فقیه عالیقدر و مجروح کردن وی می باشد که در صفحه ۲۰ اعلامیه مذکور به چنین امری اشاره شده است و با عنایت به تهدیدی که از این ناحیه جهت امنیت جانی و حیثیتی ایشان و شاگردان ایشان وجود دارد تقاضا دارد دستور فرمایید سریعاً نسبت به تعقیب و مجازات مسببین و محرکین غائله مذکور که تعدادی از آن‌ها توسط شاگردان جلسه شناسایی گردیده اند و اسامی آن‌ها در ذیل ورقه آمده است اقدام نموده و از هرگونه اخلال و بی نظمی در حوزه مقدسه علمیه که آبروی نظام و انقلاب اسلامی می باشد پیشگیری نموده، از هتک حیثیت علما و مراجع و طلاب و تهدید و ارعاب اشخاص جلوگیری نمایند که سستی در این امر عواقب بس ناگوار و غیر قابل جبرانی برای نظام اسلامی و حوزه‌های علمیه و بلکه برای کیان اسلام و تشیع خواهد داشت.

والسلام علیکم و رحمة الله - ۷۳/۱۰/۱۸

شاگردان درس حضرت آیت الله العظمی منتظری دامت برکاته

رونوشت:

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دامت برکاته

ریاست محترم جمهوری حضرت حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم قوه قضاییه حضرت آیت الله یزدی

اسامی بعضی از متهمین که مورد شناسایی قرار گرفته اند از این قرار است:

۱- جواد چناری ۲- قدرت امیرخانی ۳- حسین مقدسی ۴- عباسعلی سالدورگر

۵- محسن صاحبیان ۶- محمد شجاعی ۷- حمید اسدی ۸- محمد قائمی

۹- یوسف اسدزاده ۱۰- جعفر شامخی ۱۱- حمیدرضا (ابوالفضل) نوری.

بسمه تعالی

دادستان محترم عمومی شهرستان قم

احتراما همانطوریکه استحضار دارید در مورخه ۷۳/۱۰/۲ بعد از اتمام نماز جمعه قم عده‌ای در حدود ۲۰۰ نفر به مقابل حسینیه شهدا و بیت حضرت آیت‌الله العظمی منتظری آمده و اقدام به شعارگویی و اهانت به ایشان نمودند و سپس در روز شنبه ۷۳/۱۰/۳ در حالیکه عده کثیری از فضلا و طلاب در محضر درس آیت‌الله العظمی منتظری مشغول استفاده از درس خارج فقه ایشان بودیم، عده‌ای در حدود ۴۰-۳۰ نفر که ۲ نفر آنها ملیس به لباس روحانیت بودند وارد حسینیه شهداء شدند و در جمع حضار نشستند و یکبار بطور جمعی اقدام به فرستادن صلوات جهت بهم‌زدن درس نمودند ولی موفق نشدند. بلافاصله پس از پایان درس ایشان، این عده از جای خود برخاسته و شروع به اهانت و هتاک و بکاربردن الفاظ رکیک نسبت به شخص فقیه عالیقدر و طلاب و شاگردان معظم‌له نمودند، آنگاه اقدام به شکستن آینه و تریبون و واژگون کردن بخاری گازی و دریدن پرده‌ها کردند و با وضع بسیار زننده و ناشایستی که در شأن افراد مسلمان و مودب به آداب اسلامی نمی‌باشد نسبت به کلیه حاضرین جسارت کرده و آنها را تهدید نمودند که چنانچه فردا یکشنبه ۷۳/۱۰/۴ در درس حاضر شوند بعنوان ضدانقلاب با آنان برخورد کرده و از درس جلوگیری خواهند کرد. در تاریخ ۷۳/۱۰/۱۰ اعلامیه‌ای در ۲۳ صفحه تحت عنوان «تحلیلی اجمالی از علت حرکت روشنگرانه طلاب و فضیلتی حوزه علمیه قم در ارتباط با آقای منتظری و دفتر ایشان» در سطح وسیعی در شهر قم پخش گردیده که از ظواهر آن چنین برمی‌آید این اعلامیه هم از طرف همان عده یا محرکین آنها تهیه شده باشد، و در این اعلامیه سراسر کذب انواع تهمت‌ها و ناسزاهای نسبت به ساحت فقیه عالیقدر و شاگردان مخلص معظم‌له وارد گردیده است از جمله شکستن آینه و واژگون کردن بخاری و شکستن تریبون را به شاگردان معظم‌له نسبت داده است.

معهدا با عنایت به اینکه مطابق اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» و با توجه به اینکه مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه قوه‌ای مستقل است که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایفی است که از جمله آنها «رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات» و «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع» و «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» و «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم» می‌باشد و اعمالی که از طرف این عده صورت گرفته است از مصادیق بارز «جرم» بوده و قوه قضائیه و محاکم دادگستری مطابق نص صریح قانون اساسی و قوانین عادی موظف به رسیدگی و تعقیب و مجازات مجرمین و پیشگیری از تکرار چنین اعمال مجرمانه‌ای می‌باشد، زیرا:

اولا : توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک مطابق ماده ۸۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ جرم بوده و موجب مجازات تا ۳۰ ضربه شلاق می‌باشد که این عده در روز جمعه ۷۳/۱۰/۲ در مقابل بیت معظم‌له و شنبه ۷۳/۱۰/۳ در حسینیه شهدا پس از درس ایشان اقدام به این عمل نمودند.

ثانیا : اقدام آنان در شکستن تریبون و آینه و دریدن پرده‌ها و غیره از مصادیق بارز اتلاف اموال غیر و موضوع ماده ۱۳۲ قانون تعزیرات می‌باشد و با توجه به اینکه تعداد مجرمین حدود

۳۰-۴۰ نفر می‌باشد، عمل آنها اقدام جمعی به نحو قهر و غلبه محسوب می‌شود «ماده ۱۳۲ - هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از ۳ نفر بنحو قهر و غلبه واقع شود جزای آن حبس از ۲ تا ۴ سال است».

ثالثاً : در مورد راهپیمائی روز جمعه ۷۳/۱۰/۲ این مطلب حائز اهمیت است که کلیه راهپیمائی‌ها باید با اجازه مقامات مسئول و با اخذ مجوز از وزارت کشور باشد و برابر اطلاع و ائمه این جمع فاقد چنین مجوزی بوده‌اند، در اینصورت خود این حرکت عملی خلاف قانون بوده و قابل تعقیب و مجازات می‌باشد.

رابعاً : در مورد اعلامیه ۲۳ صفحه‌ای که نسخه‌ای از آن پیوست می‌باشد، این نوع اشاعه اکاذیب و تهمت خود جرم بوده و از مصادیق بارز ماده ۱۴۰ قانون تعزیرات می‌باشد «ماده ۱۴۰- هر کس بوسیله اوراق چاپی یا خطی یا انتشار آنها یا بوسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع به کسی امری را صریحاً نسبت دهد که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود، نسبت‌دهنده مفتری خواهد بود...».

مسئله مهمی که در اعلامیه مورد بحث قابل توجه می‌باشد علاوه بر تهمت و ناسزاگویی و تحریف حقایق مسلم تاریخی و غیره، موضوع نقشه حمله به شخص فقیه عالیقدر و مجروح کردن وی می‌باشد که در صفحه ۲۰ اعلامیه مذکور به چنین امری اشاره شده است و با عنایت به تهدیدی که از این ناحیه جهت امنیت جانی و حیثیتی ایشان و شاگردان ایشان وجود دارد تقاضا دارد دستور فرمائید سریعاً نسبت به تعقیب و مجازات مسببین و محرکین غائله مذکور که تعدادی از آنها توسط شاگردان جلسه شناسائی گردیده‌اند و اسامی آنها در ذیل ورقه آمده است اقدام نموده و از هر گونه اختلال و بی‌نظمی در حوزه مقدسه علمیه که آبروی نظام و انقلاب اسلامی می‌باشد پیشگیری نموده، از هتک حیثیت علماء و مراجع و طلاب و تهدید و ارباب اشخاص جلوگیری نمایند که سستی در این امر عواقب بس ناگوار و غیر قابل جبرانی برای نظام اسلامی و حوزه‌های علمیه و بلکه برای کیان اسلام و تشیع خواهد داشت.

والسلام علیکم و رحمة الله، ۷۳/۱۰/۱۸

شاگردان درس حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دامت برکاته

رونوشت: مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت برکاته

ریاست محترم جمهوری حضرت حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم قوه قضائیه حضرت آیت‌الله یزدی

اسامی بعضی از متهمین که مورد شناسائی قرار گرفته‌اند از این قرار است:

- ۱- جواد چناری ۲- قدرت امیرخانی ۳- حسین مقدسی ۴- عباسعلی سالدورگر
- ۵- محسن صاحبیان ۶- محمد شجاعی ۷- حمید اسدی ۸- محمد قائمی
- ۹- یوسف اسدزاده ۱۰- جعفر شامخی ۱۱- حمید رضا (ابوالفضل) نوری

پیوست شماره ۱۹۳: مربوط به صفحه ۷۲۶

بیانات معظم له در پایان درس خارج فقه پیرامون بحران خلیج فارس و کشتار مردم

مسلمان عراق توسط نیروهای آمریکا، مورخه ۱۳۶۹/۱۰/۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند ان شاءالله لعنت کند آل صباح را که دو سه سال پیش پای آمریکا را در خلیج فارس و در این منطقه باز کرد و خدا سزایشان را داد و آنها را الحمدلله آواره کرد، و بعدش خدا لعنت کند آل سعود را که برای حفظ حکومت پوشالی تحمیلی خودشان باز پای آمریکا و ایادیش و همه قوای کفر را به منطقه باز کردند، حرم امن خدا را که به دستور پیغمبراکرم(ص) باید منطقه حجاز از کفار پاک باشد، منطقه وحی خدا را در اختیار آمریکا و ایادی کفر قرار دادند برای حفظ حکومت پوشالی خودشان، و بالتیجه با پول منطقه ماهها، پول ذخائری که مال اسلام است، با پول اینها بمب و موشک بر سر مسلمانها بریزند، فرق نمی کند وقتی که بمب و موشک به سر ملت عراق بریزند مثل این است که به سر ما ریخته اند، ما صدام را کار نداریم، صدام هم یکی مثل همانهاست، اما مردم مسلمان بیگناه بغداد و بصره و شهرهای عراق بمب و موشک به سرشان ریخته می شود، بهانه این است که چرا آل صباح را از کویت بیرون کردند، چطور آمریکا آن وقت که اسرائیل شهرهای فلسطین را اشغال می کند، فلسطینیها را قتل عام می کند، مدافع اسرائیل است، خودشان پاناما و کشورهای آمریکای لاتین را اشغال می کنند و در آن دخالت می کنند هیچ اشکال ندارد، از ینگه دنیا پا می شوند می آیند اینجا و خلاصه تمام منطقه را مثل اینکه مال خودشان می دانند، به اسم حمایت کویت. کویت چیه آقا جان، اینها می خواهند منطقه در اختیار خودشان باشد، صریحاً می گویند نفت را می خواهند، مال خودشان می دانند. خلاصه خدا لعنت کند آنهایی که پای اینها را باز کردند اینجا و امیدواریم ان شاءالله همان طوری که آنها سزای عمل خودشان را دیدند و آواره شدند و ان شاءالله ذلیل تر می شوند اینها هم سزای عملشان را ببینند و ذلیل بشوند، خداوند ان شاءالله مسلمانها را از شر همه شان نجات بدهد. علی ای حال، الان که قوای کفر آمده اند توی منطقه اسلام، منطقه اسلام ایران و غیر ایران ندارد، در اسلام مرز نیست، اسلام اسلام است، بمب و موشک

با پول خودمان به سر ملت مسلمان عراق بریزند مثل این است که به سر ما ریخته اند «ما غزی قوم فی عقردار هم الا ذلوا» کفار را کشیده اند تو منطقه خودمان، الان که این‌ها توی منطقه ما آمده اند و دارند روی سر ما بمب و موشک می ریزند حالا وقت مرگ بر آمریکاست، همه کشورهایی که یک خرده غیرت دارند حتی اروپا، حتی مقابل کاخ سفید حالا آنجا دارند شعار می دهند، میتینگ می دهند علیه جنگ و متاسفانه خاک مرگ بر سر ما ایران ریخته شده، همین طور اینجا ساکت نشسته ایم آن‌ها هر کار می خواهند بکنند، اقلأً هر جوری می توانند اشخاص باید اظهار تنفر بکنند، اظهار انزجار بکنند که به چه مناسبت قوای کفر بیایند به سر ما بمب و موشک بریزند، ما حتی مرگ هم بهشان نگوئیم و اظهار مخالفت نکنیم با آن‌ها و با مسلمانان نامردی که آمده اند با این‌ها همکاری می کنند از مصر و سوریه و ترکیه و امارات، و ما اقلأً اظهار تنفر هم نکنیم.

خداوند ان شاءالله به مسلمان‌ها یک جو غیرت بدهد، یک جو حمیت بدهد، یک میلیارد مسلمان همه امکانات هم مال خودشان، همه بدبختیها برای این است که این سران دست نشانده خائند و آن وقت آخوندهای درباری هم که از همین‌ها حمایت می کنند همین حالا هم دارند حمایت می کنند، و پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «صنفا من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدا فسدت امتی، الفقهاء و الامراء» امرای ظالم و خائن خودفروخته و فقهایی که حامی این سلاطین خائن هستند.

خدایا به حق محمد و آل محمد مسلمان‌ها را مخصوصاً شیعه علی بن ابیطالب و شیعه ائمه اثنی عشر -هشتاد درصد مردم عراق شیعه مذهب و مستضعف اند- خدایا مسلمانان را از شر کفار و اجانب و ایادی و عمالشان و این سران خائن نجات بده.

خدایا وحدت کلمه بین دلهای مسلمین ایجاد بفرما.

ما را به وظایفمان آشنا بفرما. اللهم اخذل اليهود و الکفره، اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا، بجاه محمد و آله.

پیوست شماره ۱۹۴: مربوط به صفحه ۷۲۶

پیام معظم له به آیت الله العظمی خوئی در باره حوادث خونین عراق، مورخه ۱۳۷۰/۱/۲

بسم الله الرحمن الرحيم

نجف اشرف - محضر مبارک مرجع عالیقدر تشیع آیت الله العظمی آقای حاج

سید ابوالقاسم خوئی مدظله العالی

پس از سلام و تحیت، اوضاع هولناک و حوادث خونین عراق و قتل عام مسلمانان آن کشور و اهانت به ساحت مقدسه عتبات عالیات صانهاالله عن الافات و تخریب بلاد و قری توسط عوامل رژیم بعث و تجاوز به حریم مقدس حوزه علمیه هزارساله نجف اشرف و مقام محترم مرجعیت عامه و بازداشت و تحت فشار قرار دادن حضرتعالی و جمعی از علماء اعلام حوزه مقدسه به دنبال مظالم و لجبازیهای ممتد رژیم بعثی و توطئههای مرموز استعمارگران آمریکائی و غربی و صهیونیسم جهانی و کشتارها و تخریبهای بی رحمانه و طمع آنان نسبت به اراضی و ذخائر و منابع غنی کشورهای اسلامی و همکاری سران خود فروخته، قلوب همه مسلمانان و آزادیخواهان جهان و از جمله ایران اسلامی را سخت متاثر و جریحه دار ساخته است.

حساسیت اوضاع کنونی عراق به حدی است که کوچکترین مسامحه یا ضعف یا تمایل به معادلات سیاسی سیاست بازان با وجود توطئههای عمیق و پشت پرده جنایتکاران خارجی و داخلی، ضایعات و خسارات جبران ناپذیری را برای کشور عراق و اسلام عزیز به دنبال خواهد داشت. تاریخ گذشته عراق نشان داده است که مراجع عظام و علماء اعلام عراق و حوزه مقدسه نجف اشرف بیشترین نقش را در کسب استقلال آن کشور و طرد استعمارگران خارجی داشته اند. و امروز با توجه خاص قدرت‌های استعماری جهان بخصوص آمریکای جهانخوار و صهیونیسم جهانی و اشغال نظامی قسمتی از آن کشور توسط آمریکا و متحدین غربی از یک طرف، و جنایات و مظالم رژیم بعث از طرف دیگر، انتظار همه مسلمانان متعهد و نیروهای انقلابی و آزادیخواه این است که حوزه مقدسه نجف اشرف و علماء اعلام عراق زیر نظر حضرتعالی ملت مظلوم عراق را در تحصیل استقلال و آزادی کشور هدایت کرده و در مقاطع گوناگون وظائف و تکالیف شرعیه مبارزین مسلمان را تعیین و با تاسی به سالار

شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام موضعگیری‌ها به شکلی باشد تا فشارها و تهدیدهای داخلی و خارجی کوچکترین خلل و سستی در انجام این وظیفه مهم اسلامی و ملی بوجود نیورد، و ان شاءالله در پرتو توکل و استمداد از خدا و توسل به ارواح مقدسه ائمه بزرگوار شیعه سلام الله علیهم رهبری حضرات علماء و مرجعیت شیعه بتواند با فداکاری و ایثار و تداوم مبارزه و مقاومت، تمام نیروهای آزادیخواه و وظیفه شناس عراقی را از هر جناح و ملیت و در هر موقعیتی که هستند بسیج و هماهنگ کند تا انقلاب آن کشور را به پیروزی نهائی و حاکمیت عدالت و آزادی و استقلال واقعی برسانند. و بر همه مسلمانان متمکن و سران متعهد کشورهای اسلامی است که از هیچ کمک و مساعدت مادی و معنوی بخصوص رساندن مواد غذایی و داروئی به ملت مظلوم و مبارز عراق دریغ نفرمایند و تنها به اظهار تاجر و تاسف قناعت نکنند.

اینجانب مصیبت شهادت هزاران مسلمان مبارز عراقی و مردان و زنان و بچه‌های بیگناه بی پناه را به دست آمریکای مهاجم و مستعمرین غربی و نوکران آنان از یک طرف، و عمال بی دین و بی وجدان رژیم بعث از طرف دیگر به حضرت ولی عصرعجل الله تعالی فرجه الشریف و به مراجع معظم بخصوص حضرتعالی و حوزه‌های علمیه و بازماندگان محترم شهدا و به همه مسلمانان جهان تسلیت می گویم؛ و از خداوند قادر متعال سلامت حضرتعالی و رفع فشار و خطر از جنابعالی و سایر علمای اعلام و برادران گرفتار و موفقیت نهائی ملت مظلوم عراق و همه مسلمانان جهان را در صحنه‌های مبارزات از صمیم دل مسئلت می نمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۵ رمضان المبارک ۱۴۱۱

قم، حسینعلی منتظری

تاریخ ۱۳۷۰/۱۲/۲۶

شماره

بتیغالی

بسم الله الرحمن الرحيم

بیوست

بمقام شرف محضر مبارک و مرجع عالیقدر شیخ آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر عابدی صاحب سید الوعالمین علیه السلام و آله
 سر از اسلام و تحت: اوضاعی بود که در دوران خمین عراق و شمال عراق و شمال ایران آن کشور داشتند و تحت تقدیر عبادت‌ها و احوالها در این اوقات
 و تحت سبب بلاد و توسط عوامل رژیم بعث و تجا و در بحیرم تقدیر حوله علیه السلام از اسلام بکفر مشرف و مقام محترم مرجعیت هاشمی و باز در وقت
 قرار دادن حضرتعالی و جمعی از علماء و علماء حوله تقدیر بعد بنال نظام و جنبان بهاسی محمد زورم یعنی و توسط گامی امروز استوار کردن اسلام و غیره
 و صهیونیسم جهانی و کشتار که در آن می‌باشد و طبع انسان نسبت به اراضی و ذخایر و منابع یعنی کشور که می‌آید و اظهار می‌کند که آن خود در وقت
 تلوپ هم مسلمانان و از آنجوانان جهان و از جمله ایران اسلامی را تحت تسلط و تصرف کرده در مساجد است
 حاکمیت اوضاعی که در عراق بود است که در حکایت من مسامحه یا ضعف یا تا به بعد بعد از آن سیاست بازان با وجود توسط گامی طبع
 و در وقت برده جنبان تاران خارجی و داخلی، ضایعات و خسارت جبران ناپذیری را برای کشور عراق و اسلام عزیز بنال خواهد بود
 تاریخ گذشته عراق نشان داده است که مراجع عظام و علماء و علماء عراق و حوله تقدیر کفایت شرف بیشتر نقش را در کسب استقلال آن کشور
 و طرف استعمارگران خارجی داشته اند. و امروز با توجه خائن قدرتهای استعماری جهان بخصوص امریکایی جهانگزار و صهیونیسم جهانی
 و کینال نظامی قسمی از آن کشور توسط امریکایی و متحدین عزیز از یک طرف، ضایعات و نظام رژیم بعث از طرف دیگر،
 انتظار هم مسلمانان معتمد و غیره و استقلال و از آنجوانان این است که حوله تقدیر کفایت شرف و علماء و علماء عراق زیر نظر حضرتعالی
 ملت مظلوم عراق را در تحصیل استقلال و آزادی کشور هدایت کرده و در صلح و طمأنینه و کفایت و تکالیف شرعیه مبارزین مسلمان را تعیین
 و با تأسی به سالار کبیران حضرت امام عبدالرحمن علیه السلام موضعگیرها بشکلی با مژده نافذ و تندید گامی داخلی و خارجی و همچنین خلافت گامی
 در انجام این وظیفه مهم اسلامی بوجود می‌آورد، دانستن اراد در مرقه توکل و اعتماد از خداوند متعال با روح تقدیر آیه بزرگوار سینه
 سلام الله علیه رهبری حضرت علماء و مرجعیت سینه بنده با فداکاری و ایثار و تدوام مبارزه و تقاضای امت، تمام نیرو گامی از آنجوانان
 و وظیفه شناس عراق را از هر جنبه و ولایت و در هر موقعیتی که هستند بیع و هم آهنگ کند تا استقلال آن کشور را بر سر و زنی نهاده و حاکمیت
 عدالت و آزادی و استقلال واقعی برسانند. و بر همه مسلمانان متکلم و سران معتمد کشور گامی اسلامی است که از هیچ کس و مصلحت‌طلبی و معنوی
 بخصوص رساندن مواد غذای و دارو و بملت مظلوم و مبارز عراق در بیخ نترسانند و تنها با اظهار تأمر و تأسف قناعت نکنند
 اینها بنده صیبت نهاده است برادران مسلمان مبارز عراق و مردان و زنان و بچه گامی به گناه به پناه بر اید است امریکایی مهاجم و مستعمرین غریب
 و دیگران آنان از یک طرف، و مخالفین و برادران رژیم بعث از طرف دیگر حضرت و لا عسر حجاب الله تعالی و فرج الشریف و بجمع تعظم
 بخصوص حضرتعالی و حوله گامی علیه و باز مانند لگان محترم که در او و بانه مسلمانان جهان تسلیم می‌گویم. و از خداوند قادر تعالی سلامت
 حضرتعالی و رفقا و حفظ از جنبان و سایر علماء و علماء و برادران گرفتار و موفقیت نهاده ملت مظلوم عراق و همه مسلمانان جهان را
 در عهده گامی مبارز است از عظیم دل من است می‌نامم، و اسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. رضاشاد مبارک ۱۳۷۰ - قم



پیوست شماره ۱۹۵: مربوط به صفحه ۷۲۶

پیام معظم له به مناسبت تشکیل کنفرانس صلح خاورمیانه، مورخه ۱۳۷۰/۵/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها الذين آمنوا لاتتخذوا اليهود و النصارى اولياء بعضهم اولياء بعض، و من يتولهم منكم فانه منهم، ان الله لا يهدى القوم الظالمين. فترى الذين فى قلوبهم مرض يسارعون فيهم يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة فعسى الله ان ياتى بالفتح او امر من عنده فيصبحوا على ما اسروا فى انفسهم نادمين. (المائدة ۵۱-۵۲) صدق الله العلي العظيم.

امريكاي جهانخوار كه به دعوت سران سرسپرده، منطقه خليج فارس را رسماً اشغال نظامى كرد و به كشتارها و تخريبه‌هاى وحشيانه دست زد اينك با احساس پيروزى نظامى و نداشتن رقيب خود را قيم منطقه فرض كرده و براى كشورهاي اسلامى نقشه‌هاي خطرناك طرح مى كند، و از جمله تصميم دارد با تحميل يك كنفرانس فرمايشى به نام صلح، به اسرائيل غاصب - اين فرزند نامشروع استعمار - شرعيت سياسى بدهد و سران خود فروخته را بر سر ميز مذاكره با اسرائيل بنشانند.

آمریکا از یک طرف اسرائیل را در جنایت‌ها و آدم‌کشی‌ها و توسعه طلبیها و حتی تولید سلاح‌های خطرناک آزاد می‌گذارد و کمک‌های کلان خود را در اختیار آن می‌گذارد، و از طرفی به نام حمایت از صلح منطقه کشورهای اسلامی را خلع سلاح و یا محدود می‌کند.

خداوندا، اسلام به پیروان خود درس ایمان و استقامت و عزت و فداکاری می‌دهد و این همه فداکاری و مردانگی و شهادت در راه حق را تاریخ از مسلمان‌ها ثبت و ضبط کرده است، اینک چه شده است کسانی که به نام اسلام عزیز بر کشورهای وسیع اسلامی با این همه ذخائر و امکانات مادی و معنوی حکومت می‌کنند این اندازه در مقابل کفر جهانی خودباخته و ذلیلند، به نحوی که برای ادامه چند روز حکومت پوشالی خود شرف و حیثیت خود و ملتشان را می‌فروشند؟!!

در صورتی که خداوند قادر متعال در آیات کثیره از قرآن کریم از موالاة و دوستی با کفار و اهل کتاب نهی کرده و فرموده است: «و ان تصبروا و تتقوا لایضرکم کیدهم

شیئا» (آل عمران، ۱۲۰).

آیا اینان سرنوشت شوم پادشاهان ظالم و حکام ستمگر را نخوانده و نشنیده اند؟! آیا توجه ندارند کسانی که با فشار استعمار پیر بریتانیا وجود کشور اسرائیل را امضا کردند اینک تاریخ معاصر نام آنان را با چه ننگ و رسوائی یاد می کند و الان در جهنم سوزان خدا گرفتارند؟!

اینان اگر فرضاً دین ندارند چرا اقلاً مردانگی و شهامت و غیرت را حفظ نمی کنند و زیر بار تحمیلات کفر و صهیونیسم جهانی می روند؟!

باری شرکت در کنفرانسی که اسرائیل غاصب در آن شرکت داشته باشد خیانت به اسلام و شرعیت دادن به اسرائیل و پا گذاشتن روی حقوق حقه ملت فلسطین است.

تا حال کدام صاحب خانه با دزد غاصب طماع کنفرانس صلح تشکیل داده و با او بر سر میز مذاکره نشسته است؛ در این کنفرانس تحمیلی به طور قطع و یقین اسرائیل امتیاز می گیرد و یک جو امتیاز نمی دهد و فقط ننگ و عار ابدی برای شرکت کنندگان باقی خواهد ماند.

هر کشوری که اجازه دهد این کنفرانس تحمیلی در آن کشور تشکیل شود به اسلام عزیز و ملت مظلوم فلسطین خیانت کرده و خون‌های پاک هزاران شهید را زیر پا گذاشته است. ملت‌های مسلمان باید به وظیفه مهم خود در برابر حکامی که به آرمان مسلمین خیانت می کنند توجه نمایند و در این مساله مهم سرنوشت ساز بی تفاوت نمانند. بر حسب نقل مورخین و از جمله طبری (ج ۷ ص ۳۰۰ چاپ لیدن): سالار شهیدان و سرور آزادگان حضرت سیدالشهداء (ع) از رسول خدا (ص) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «من رای سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله ناکثا لعهدالله مخالفا لسنة رسول الله (ص) يعمل فی عبادالله بالاثم والعدوان فلم یغیر علیه بفعل و لاقول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله» الحدیث.

سکوت مسلمانان و مردم آزاده جهان در مقابل این رسوائی بزرگ موجب سخط خدا و لعن و نفرین آیندگان خواهد بود. اینک که ملت مظلوم فلسطین برای احقاق حقوق خود و نجات قدس عزیز قیام کرده است و هر روز شهیدانی در این راه مقدس تقدیم می نماید، بر همه مسلمین واجب است آنان را در این جهاد مقدس به هر نحو ممکن یاری کنند و نگذارند بازی‌های سیاسی چراغ این نهضت مقدس را خاموش

نمایند، آنچه به زور گرفته شده جز به جهاد و زور به دست نمی آید.
و در این میان بیش از همه ملت مسلمان ایران و بخصوص حوزه علمیه قم و مردم
شریف و مبارز قم که پایگاه انقلاب اسلامی است باید به این وظیفه مهم توجه نمایند، و
ان شاء الله زمینه پیاده شدن وعده امام صادق(ع) برحسب روایت بحارالانوار مرحوم مجلسی
را فراهم نمایند (ج ۵۷ ص ۲۱۶ طبع بیروت).

والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله و برکاته

۳۰ محرم الحرام ۱۴۱۲ - ۱۳۷۰/۵/۲۰

قم - حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یا ایها الذین آمنوا اتخذوا اليهود والنصارى اولیاء، بعضهم اولیاء بعض، ومن سئلکم عنکم فانهنهم، ان الله لا یدعی العوالم الظالمین .
فترى الذین فی قلوبهم مراء ین سیرعون فیهم یقولون نحن انصارینا دائرة ضوالتی انما بالفیج او امری منکم فیصیبوا ما ما سرور ان انفسهم نادین .

(المائدة - ۵۱ - ۵۲) صدق الله العلی العظیم .
اخریکای جها نخواست که بدعت سران سر برده ، منطقه خلیج فارس را بر افعال نظامی کرد و بکنار آن و خیره بینا و جسدان دست زد
اینکه با احساس پیروزی نظامی و دینار شرفیب خود در آن منطقه فرخنده و برای کشور کوی اسلامی نفع کوی خطرات طرح میکند .
و از جمله تقصیر دارد با تحمیل بدگفتاری فریبی بنام صلح ، با سران فحاصب - این فرزند نامرئوع استعاره شریفیت سیاسی بدید
و سران خود در وقت را بر سر میز با سران فحاصب - این فرزند نامرئوع استعاره شریفیت سیاسی بدید
و حتی تولید سلاحهای خطرناک آزاد میکند و کمکهای کلان خود را در اختیار آن میکند ، و از طرف بنام حمایت از صلح منطقه
کشور کوی اسلامی را خلع سلاح و با محدود میکند . خداوند اسلام به پیروان خود در کس امان و تقابلت و غیرت و عدالتی میدهد
و این هم خدا کوی و حرمانی و نهاده در راه حق را تاریخ از اسلامها ثبت و ضبط کرده است ، اینکه چه بگویند که بنام اسلام خطر
بر کشور کوی وسیع اسلامی با این هم ذخائر اما ملات مادی و معنوی حکومت میکنند ، این اندان در مقابل کفرها خود با خنده و ذلیلند
بنحویکه برای ادا حد و روز حکومت بوشان خود شرف و جلیلیت خود و ملتشان را میفروشند ؟؟ در صورتیکه خداوند قادر متعال
در آیات کثیره از قرآن کریم از اولاده و دوستی با کفار و اهل کتاب نهی کرده و فرموده است : « و ان تصبر و استعوا انصرکم کذبتهم ساء لال انجران
آیا انسان سر زرت نتوم یاد کن نظام و حکام سنگ را بخوانند و نسنند ؟! آما توجه ندارند که بنام کفر و سحر و جادو و سحر و سحر
وجود کشور اسرائیل را ضایع کردند و اینک تاریخ معاصر نام آن را با جه ننگ و زوال یاد میکند و الان در هفتم روزان خدا گرفتارند ؟! .
اینان اگر فرضاتین ندارند چرا عقلا مردانگی در نهایت و غیرت را حفظ نمی کنند و زبر با تحمیلات کفر و صهیونیسم جهان میروند ؟! .
باری سرکوت در کفر الهی که اسرائیل فحاصب در آن سرکوت کرده با بد عنایت با سلام و شرفیت دادن با اسرائیل و یاد آید این روی حقوق تعقیب
تا حال کدام صاحب خانه با دزد غاصب طاع کفران صلح شکل داده و با او بر سر میز با کرده نشسته است . در این کفران تحمیلی بطور قطع
اسرائیل را عینا ز میگرد و دیگر جوامع زنی دهد و فقط ننگ و عار ابدی برای سرکوت ننگگان با حق خود بداند .
هر کس در کفر الهی که اهلان دهد این کفران تحمیلی در آن کشور شکل بود اسلام عزیز دولت مظلوم فلسطین جنایت کرده و عهدهای با حق را از
زیر پا گذاشته است . ملت های مسلمان باید بوظیفه هم خود در برابر نظامی که بر آلمان مسلمان جنایت میکنند توجه نمایند و در این مسائل مهم سر زرت
باید تفاوت نمایند . بر حسب فعل مورخین و از جمله طبری (ج ۷ ص ۳۳۷ چاپ لندن) : سالار زندان و سرور آزادگان حضرت سید الهدایه
از زبول خدا حق نقل میکند که آن حضرت فرمود : « من رأی سلطانا جائرا مسلما لظلم الله ناکنا لعمد الله مخالفانته رسول الله صلوات الله علیه و آله
بالامم و العدا و لم یغیر علیه یعمل ولا قول کان حقا الله ان یدخله الحدیث .»
سرکوت مسلمانان و مردم آزاده جهان در مقابل این کفران بزرگ و صیحت خط خدا و لعن و نفرین آید لکان خواهد بود .
حقوق خود و کجاست ندس عزیز قیام کرده است و هر روز میباید در این راه تقدیم تقدیم می نماید بر هم مسلمانان و واجب است آنان در این جهاد تقدیم بر خود می یاری
و نگذارند با زبانی سیاسی چراغ این انصاف تقدس را خاموش نماید آنچه بزرگتر از آنست که جویجهاد و روز بدست نمی آید .
و در این میان پیش از همه ملت مسلمان ایران و بخصوص حکومت علینت هم مردم شریف و مبارز هم که با نگاه انقلاب اسلامی است باید با این وظیفه مهم
توجه نمایند ، و ان شاء الله زمینه پیاده شدن و غلامان صادق و بر حسب روایت مجاز از امام جعفر صادق (ع) ۵۷ ص ۲۱۷ طبع میرد
و السلام علی جمیع انفسنا الطین و در جمله و بر لانه ۳۰ محرم الحرام ۱۳۱۲ - ۲۰ ۵۲۰ ۱۳۷۰

محمد باقر

پیوست شماره ۱۹۶: مربوط به صفحه ۷۲۶

متن پیام معظم له به ششمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در داکار

۲ جمادی الثانیة ۱۴۱۲ - ۱۳۷۰/۹/۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

توسط وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران - سنگال - داکار - ششمین کنفرانس اسلامی و فقهاالله تعالی لتقوية الاسلام.

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته. «و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان كنتم مومنين» (آل عمران، ۱۳۹)

«فلا تهنوا و تدعوا الى السلم و انتم الاعلون، والله معكم، و لن يترككم اعمالكم» (محمد، ۳۵)

اینجانب با توجه به حساسیت شرائطی که جلسه سران کشورهای اسلامی و فقهم الله تعالی در آن تشکیل می شود برحسب وظیفه الهی و وجدانی لازم دیدم نکاتی را تذکر دهم:

شما آقایان محترم به خوبی از جریانات تلخ این زمان و مصائبی که از ناحیه دشمنان اسلام، اسلام عزیز و مسلمین را تحت فشار قرار داده اطلاع دارید. از طرفی توطئه دیرینه صهیونیسم جهانی با پشتیبانی آمریکا و غرب، مسجداقصری - قبله اول مسلمانان - و قدس شریف و اراضی مسلمین را اشغال، و در قلب جهان اسلام مانند یک غده سرطان جای گرفته و به کشتار وحشیانه مسلمین ادامه می دهد، و برنامه اشغال از نیل تا فرات خود را مجدانه تعقیب می نماید، و اینک درصدد است رسمیت خود را نیز به سران کشورهای اسلامی تحمیل کند؛ و از طرف دیگر در هند و سریلانکا و منطقه‌های دیگر نیز مسلمانان بی دفاع تحت فشار و ظلم دولت‌های خونخوار و ظالم قرار گرفته اند. و در مقابل، بسیاری از سران کشورهای اسلامی یا در اثر بیگانگی از اسلام اصیل و ملت خود عمال بیگانگان شده اند، و یا در اثر ضعف روحی، اتکال به خدا و اعتماد به نفس و قدرت تصمیم گیری را از دست داده اند و در نتیجه کشورهای اسلامی دچار تشتت و ضعف و انحطاط شده اند.

و در این میان آمریکا تنها قدرت انحصاری تصمیم گیرنده در مسائل جهانی شده و خود را قیم و مالک بلامنازع جهان فرض می کند. در چنین شرائطی، اجتماع شما در این کنفرانس فرصت بسیار خوبی است و وظیفه الهی و ملی شما بسیار سنگین است، و خدا و اسلام و قرآن و ملت های بیدار و زجرکشیده شما از شما انتظارات بجایی دارند. کشورهایی که تحت نفوذ شماست از نظر قدرت مادی و معنوی و انسانی و ذخائر و معادن و وسعت و شرائط حیات در حد بالایی است به نحوی که آمریکا و غرب و شرق در حفظ صنایع و تمدن و حیات خود کاملاً به شما نیاز دارند. آنان به شما نیاز دارند و شما اگر متحد و هماهنگ شوید به آنان نیاز ندارید.

چرا به جای حفظ عزت اسلامی این اندازه خود و ملت های مظلوم خود را اسیر و ذلیل قدرت های استعماری می کنید؟! اگر شما به آیه شریفه: «واعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا» عمل کنید و با یکدیگر هماهنگ شوید قطعاً با یک میلیارد جمعیت مسلمان و این همه ذخائر و معادن و اراضی و امکانات، و مهمتر از همه قدرت معنوی اسلام - که قرن ها در علم و تمدن و اصلاح جهان نقش اساسی داشته - بزرگترین قدرت جهان خواهید بود، چرا از مجد و عظمت مادی و معنوی خود غافلید؟!!

شما می توانید با اتکال به خدا و اعتماد به نفس و ملتتان در نظم نوین جهان و سوق ملت ها به حقیقت و عدالت و مبارزه با ظلم و فساد و غارتگری ها و دفاع از مظلومین جهان پیشقدم باشید.

اگر شما اختلافات ساختگی را که به مناسبت های مختلف استعمارگران ایجاد کرده و به آن ها دامن می زنند کنار بگذارید خدا از شما راضی می شود و قدرتی خواهید بود که به فرموده رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران: آمریکا در مقابل شما هیچ غلطی نمی تواند بکند. آیا ننگ نیست که مسلمین با این همه جمعیت و قدرت و امکانات در مقابل یک مشت صهیونیست تروریست که از اطراف دنیا جمع شده اند ذلیل و ضعیف و تماشاگر صحنه های سیاسی ذلت بار باشند، و احیاناً برخی از مدعیان دروغین اسلام نیز با آنان هم پیمان و هم صدا و صاف کننده راه تحقق مطامع آنان باشند؟

اگر امروز که سیاست دنیا به نفع آمریکا و صهیونیسم جهانی پیش می رود شما سران کشورهای اسلامی نجنید و شرائط جهان را به نفع اسلام و مسلمین و مستضعفین تغییر ندهید فردا دیر است و شاید دیگر فرصتی به دست نیایید و قهراً در

مقابل ملت‌ها و آیندگان محکوم خواهید بود. امروز که جمهوری اسلامی ایران که کانون انقلاب اسلامی است نیز با شما هماهنگ شده چشم انقلابیون جهان بیشتر متوجه شما شده، و اگر به نفع اسلام و مستضعفین قدم بردارید همه با شما همراه خواهند شد.

قرآن کریم شما را از تولی و همبستگی با کفار نهی فرموده:

«یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم، ان الله لایهدى القوم الظالمین. فترى الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم یقولون نخشى ان تصیبا دائرة فعسى الله ان یتى بالفتح او امر من عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم نادمین» (المائدة، ۵۱-۵۲)

«یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا و لعبا من الذین اتوا الكتاب من قبلکم و الکفار اولیاء واتقواالله ان کتتم مومنین» (المائدة، ۵۷)

به خود آید و با یکدیگر متحد و هماهنگ شوید. و راضی نشوید همچون گذشته‌ها کار کنفرانس منحصر در خوش‌وبش‌های سیاسی و تصویب یک سری قطعنامه‌های بی محتوا و شعارهای تکراری به دور از عمل گردد.

خداوندا طالب علمی از حوزه علمیه قم تذکر داد امید است نرنجند و به خود آیند و خود را در مقابل خدا و ملت‌ها و تاریخ رو سفید کنند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

قم - حسینعلی منتظری

۲ جمادی الثانی ۱۳۱۲ - ۱۸/۹/۱۳۷۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

توسط وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران - سنگال - داکار ششمین کنفرانس اسلامی و فقهای آن معالفتی الاسلام - سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته . « ولاتسوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین . » (آل عمران ۱۳۹) « ولاتسوا وادعوا الالکم وانتم الاعلون ، والله معکم ، ولن ینزکم الی الهم . » (سوره حجر ۳۵) این جانب با توجه به محاسن شراطی که علیه سران کورهای اسلامی و فقهای آن معالفتی الاسلام در آن تشکیل می شود بر حسب وظیفه الهی و وجدان لازم و دیدم نکات را تذکره کردم :

سکات آقاان محمد بن نجیب از جوانات بلخ این زمان و مصائبی که از ناحیه دشمنان اسلام ، اسلام عزیز و مسلمین را تحت فشار قرار داده اطلاع دارید . از طرفی لوطی درین صهیونیسم جهانی با بستن ابواب امریکا و غرب مسجد الاقصی - قبله اول مسلمانان - و دوس شریف و اراضی مسلمین را اشغال ، و در قلب جهان اسلام مانند یک غده سرطان جایی گرفته و بکشتار و شکنجه مسلمین ادامه میدهد ، و بزبان اشغال از بنی اسرائیل - مافرات خود را محمدانه تعقیب می نماید ، و اینک در صدد است رسمیت خود را نیز بر سران کورهای اسلامی تحمیل کند . و از طرف دیگر در هند و سرلانکا و منطقه های دیگر نیز مسلمانان به دفاع تحت فشار و ظلم دولتهای خودخواه و ظالم قرار گرفته اند . در مقابل بسیاری از سران کورهای اسلامی با دراز بیگانه ای از اسلام اصل و ملت خود تقابل بیگانه گان شده اند ، و با دراز ضعف روحی ، امکان بخدا و الهما بنفس و قدرت تعظیم گیری را از دست داده اند .

و در این میان امریکائیان قدرت انحصاری تعمیم گیرنده در سائیل جهانی شده و خود را اتم و لایزال نیازمندان جهان می بینند . در چنین شراطی اجتماعی که در این کنفرانس فرصت بسیار خوب است و وظیفه الهی و ملی شما بسیار سنگین است . و خدا و اسلام و قرآن و ولتهای بیدار و زجر کننده شما از شما انتظارات بجا دارند .

کورکری که تحت نفوذ شما است از نظر قدرت مادی و معنوی و انسانی و ذخایر و معادن و وسعت و شراط اطعمه و در حد بالایی است بنحویکه امریکا و غرب و شرق در حفظ صنایع و تمدن و هیاه خود کالاً با شما نیاز دارند . آنان با شما نیاز دارند و شما اگر متوجه هم آهنگ شوید با آنان نیاز ندارند .

چه اجماع فقط عزت اسلامی این اندازه خود و ولتهای نطووم خود را از سر و ذلیل قدرتهای استعماری میسندید؟! (۱)

ص ۱
 اگر شما بایه شرفید: «و اعصوا بحکم الله جمیعاً و لا تقربوا» بخور کنید و باطلدگر هم آهنگ کنید، قطعاً باید که جمیعیت
 مسلمان و این همه ذخائر و معادن و اراضی و امکانات، و همه آرزوهای قدرت معنوی اسلام - که قرنها در علم و تمدن و صلاح
 جهان نقش اساسی داشته - بزرگترین قدرت جهان خواهد بود. چرا که مجد و عظمت مادی و معنوی خود غافلند؟! -
 شما می‌دانید با اتکال بخدا و اعتماد بنفس و مسلمانان در نظم نوین جهان و حقوق ملتها بحقیقت و عدالت و مبارزه با ظلم فساد
 و فسادگرها و دغاخ از طولوعین همان پیش قدم باشند.

اگر شما اختلافات را سختگیری را که بنده استهانتی مختلف استوارگران ایجاد کرده و به آنها دامن می‌زنید کنار بگذارید
 خدا از شما راضی شود و قدرت خواهد بود که بفرموده رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران، امر بکند و تقابل هر هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.
 آنا شد نیست که مسلمان با این همه جمعیت و قدرت و امکانات در مقابل یک کثرت صهیونیست سرور است که از اطراف دنیا
 جمع کرده اند دلیل و ضعیف و تا آنکه هر محنه‌ای سیاسی زلت بار باشند، و احمقاناً برخی از مسلمانان دروغی اسلام نیز
 با آنان هم بیان و هم هدف و صاف کننده راه تحقق مطامع آنان باشند.

اگر امروز که سیاست دنیا بفرع امر بکند و صهیونیسم جهانی پیش می‌رود شما سران کسور که می‌خواهید و سران نظام جهان را
 بفرع اسلام و مسلمانان تضعیفین تغییر ندهید فردا در دست و پا بدید که فرصتی بدست نیاید و دستها در مقابل ملتها
 و استبدادگان محکوم خواهد بود. امروز که هم‌دستی اسلامی ایران که کانون انقلاب اسلامی است نیز با شما هم آهنگ شده
 چشم انقلابیون جهان بیشتر متوجه شما شده و اگر بفرع اسلام و تضعیفین قدم بردارید هم با شما همراه خواهد شد.
 قرآن کریم شما را از توطئه و هم بستگی با کفار منفرده :

«یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الیهود و النصارى اولیاء، بعضهم اولیاء بعض، و من یوآمل منکم فانه منهم، ان الذین اولیاء
 القوم الظالمین». قرسی الذین ۲۰ دلوا هم عرض یا رسول الله صیدنا دایره بعضی از ان ما بالفتح

او امر من عندک فیصحبوا علیما (سوره و انفسهم نادین ۵۰ - المائده - ۵۱ - ۵۲)

«یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا و لعباً من الذین آتوا اللعاب من قبکم و اللعاب اولیاء
 و القوار ان کنتم تومنن» (المائده - ۵۷) بخود آئید و با یکدیگر متحد و عزم آهنگ کنید.

در رهبنی خود تمام کردن گذشته که کارکنان منحصراً در غرض و پس کسی می‌بایست و تصویب یک سری قطعناهای منبجستوا
 و شعار حج می‌نگاریم بدور از عمل گردد.

خداوند اطاعت علی از عونه علیه قم نذر داد بعد است بکنند و خود آئید و خود را در مقابل خدا و ملتها و تاریخ رو سفید کنند
 و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته - قم - ۱۳۵۳



پیوست شماره ۱۹۷: مربوط به صفحه ۷۲۶
سخنان معظم له در پایان درس خارج فقه و پیام ایشان به شیعیان حجاز و منطقه
شرقی در ارتباط با فتوای استعماری یکی از اعضای مجلس اعلای افتای سعودی و
ایراد برخی اتهامات بر شیعه، مورخه ۱۳۷۰/۹/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

مساله ای که اخیرا پیدا شده اینکه همه آقایان توجه دارید در منطقه شرق عربستان
(قطیف و احساء و دمام) این قسمت‌ها شیعه نشین است و خداوند تبارک و تعالی ذخائر و
معادن و برکاتش را هم آنجا قرار داده، منطقه نفتی عربستان همین قسمت است که شیعه
نشین است و متأسفانه حکومت سعودی و آمریکا بر آنجا مسلطند، ذخائر و معادن و ثروت
را می برند و در عین حال بر سر شیعه‌ها می زنند، اصلا آن‌ها را آدم حساب نمی کنند، و به
قدری این روحیه ضد تشیع در آل سعود و همچنین در هیئت حاکمه آمریکا قوی شده که
شما دیدید صدام با این همه جنایاتی که کرد و همه از دستش ناراحت و عصبانی بودند
برای اینکه در عراق مبادا یک وقت شیعه‌ها پا بگیرند صدام را ابقا کردند و هرچه فشار از
طرف صدام و حکومت بعث به طرف منطقه شیعه بیاید کمتر سر و صدا دارد اما منطقه‌های
دیگر سر و صدایش زیاد است.

این مساله ضد تشیع در حقیقت ضد اسلام است چون حقیقت اسلام همان اسلام مولی
امیرالمومنین (ع) و ائمه اطهار (س) است لذا این‌ها ضد اسلامند البته اسلامی که با آمریکا و
سیاست‌های استعماری هماهنگ باشد مورد مخالفت آن‌ها نیست، این همه ظلم و تعدی
نسبت به شیعه‌ها روا داشتند به جای خود، اخیرا یک ورقه ای دست ما رسیده است و آن
اینکه یکی از مفتی‌های آنجا حکم کرده به اینکه شیعه‌ها اصلا کافرند و مشرک و
مهدور الدم، ذبیحه این‌ها حرام است. عبارت این طور است:

فلا یحل ذبح الرافضی و لا اکل ذبیحته فان الرافضة غالبا مشرکون حیث یدعون
علی ابن ابیطالب دائما فی الشدة و الرخاء حتی فی عرفات و الطواف و السعی و
یدعون ابنائه و ائمتهم کما سمعناهم مرارا و هذا شرک اکبر وردة عن الاسلام
یستحقون القتل علیها کما هم یغنون فی وصف علی (رض) و یصفونه باوصاف لاتصلح
الا لله کما سمعناهم فی عرفات و هم بذلک مرتدون حیث جعلوه ربا و خالقا و متصرفا

فی الكون و يعلم الغیب و یملك الضر و النفع و نحو ذلك كما انهم یطعنون فی القرآن الکریم و یزعمون ان الصحابة حرفوه و حذفوا منه اشياء كثيرة تتعلق باهل البيت و اعدائهم فلا یقتدون به و لا یرونه دلیلا. كما انهم ایضا یطعنون فی اکابر الصحابة كالخلفاء الثلاثة و بقیه العشرة و امهات المومنین و مشاهیر الصحابة کانس و جابر و ابی هریره و نحوهم، فلا یقبلون احادیثهم لانهم کفار فی زعمهم و لا یعملون باحادیث الصحیحین الا ما کان عن اهل البيت و یتعلقون باحادیث مکذوبه او لادلیل فیها علی ما یقولون.

و لكنهم مع ذلك ینافقون فیقولون بالسنتهم ما لیس فی قلوبهم و یخفون فی انفسهم ما لا یدون لک و یقولون من لاتقیة له فلا دین له فلاتقبل دعواهم فی الآخرة و محبة الشرع الخ. فالنفاق عقیده عندهم کفی الله شرهم و صلی الله علی محمد و آله و صحبه و سلم...؛ تاریخ ۱۴۱۲/۳/۲۲- عبدالله بن عبدالرحمن جبرین.

خلاصه واجب القتل دانسته شیعه‌ها را، با این وصف پیداست که این یک مقدمه ای است که می‌خواهند روی شیعه که در عربستان (قطیف و احساء) محصورند فشار بیاورند، با اینکه عرض کردم منطقه این‌ها منطقه نفت خیز است، نفت مال این‌هاست، ذخائر مال این‌هاست، مال این‌ها را غصب می‌کنند تازه آن وقت مهدورالدمشان می‌کنند.

اینجا به عقیده من در درجه اول علما و بزرگان و نویسندگان این‌ها وظیفه دارند به اندازه ای که می‌توانند از این شیعه‌ها حمایت بکنند و این مساله را کوچک نشمارند. حالا ما که وسیله ای نداریم صدایمان هم به جایی نمی‌رسد، من دیشب نشستم نه به عنوان رد، به عنوان در حقیقت تسلیت و مثلا دلجوئی از شیعیان آن منطقه، پنج صفحه ای نوشتم. برای اینکه نکات حدیثی هم در آن هست برای آقایان می‌خوانم و خالی از فائده نیست...

(سپس حضرت آیت الله العظمی منتظری بیانیه خود را که به زبان عربی نوشته بودند قرائت فرمودند که ترجمه آن چنین است:)

ترجمه پیام معظم له:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على خير خلقه محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

اما بعد، اخيرا ورق كاغذی به دستم رسيد كه متضمن يك فتواى استعماري از شيخ عبدالله بن عبدالرحمن الجبرين -عضو مجلس اعلاى افتاء سعودى- به تاريخ ۱۴۱۲/۳/۲۲ بود. اين ورقه حاوى مسائل زير عليه برادران و خواهران شيعه مى باشد:

از طرفى حكم به كفر شيعه و حرمت استفاده از ذبايحشان نموده است و از سوئى آنان را از آن جهت كه به نظر او مشركند چون در حق على و اولاد او-عليهم السلام- غلو نموده اند و على را با صفاتى ياد مى كنند كه جز خدا كسى صلاحيت آنها را ندارد و او را در حد خدائى و خالق و فعال در عالم وجود بالا مى برند، مستحق قتل دانسته و از طرف ديگر مى گويد: شيعيان قرآن كريم را مورد طعن و تحقير قرار مى دهند و مى گویند قرآن تحريف شده است و همچنين بزرگان صحابه پيامبر همچون خلفاء سه گانه و امهات مومنين را مورد طعن و ناسزا قرار مى دهند و با اين حال با اعمال نفاق بر زبان چيزى را مى گویند كه در قلب آنها وجود ندارد...

راجع به اين حكم باطل و استعماري نامبرده نكاتى را متذكر مى شوم:

۱ - اين حركت شيطاني نه اولين حركت است در جهت مقاصد اجانب و نه آخرين آن. بر كسى پوشيده نيست كه شخص نامبرده اولين كسى نيست كه در جهت خدمت به سياست شيطاني اجانب و بيگانگان كه شعارشان همواره «تفرقه بينداز و حكومت كن» مى باشد كمر به شكستن وحدت مسلمانان و روشن نمودن آتش فتنه و اختلاف بين مسلمين بسته است، بلكه پيش از او افراد زيادى بودند كه چنين خدمت بزرگى را به اجانب و شياطين نموده اند.

شخص نامبرده و امثال او به جاي آنكه حملات خود را متوجه كسانى سازد كه بر خلاف دستور صريح قرآن كريم، يهود و نصارى را دوست و هم پيمان خود قرار داده و کشورهای اسلامى را زير سلطه كفار و اجانب در آورده اند، حملات ظالمانه خود را متوجه شيعيان مظلوم نموده كه به منظور عمل به حديث شريف «ثقلين» همواره پيروان و دوستداران عترت طاهره پيامبر اکرم(ص) مى باشند. اينجانب درصدد رد و

بحث نسبت به اتهاماتی که نامبرده بر شیعه امامیه که با تمام وجود موحد خالص و مومن به اسلام و قرآن کریم و پیامبر اعظم (ص) و عترت طاهرین (ع) می باشند وارد نموده نیستیم؛ زیرا اتهامات ذکر شده را علمای بزرگوار شیعه رضوان الله تعالی علیهم کراراً و به طور مشروح و مستدل در کتاب‌های شریف و تالیفات گرانبهای خود رد کرده و جوابهای قانع کننده داده اند، شکرالله سعیهم.

آنچه اکنون در صدد آن هستیم تنها تسلیت و اظهار همدردی با شیعیان مظلوم حجاز و منطقه شرقی است که فعلاً گرفتار کسانی شده اند که خود را به اسلام منسوب نموده و اسلام و علوم آن را در مقاصد استعماری خود در آورده و در پناه حکومت سعودی به ایجاد تفرقه و شکاف در صفوف مسلمانان اشتغال دارند.

ای برادران و خواهران، شما اکنون در سرزمین وحی و جایگاه رسالت مورد ظلم و تجاوز قرار گرفته اید، مصیبت‌ها و بلایائی که بر شما وارد شده و می شود را تحمل کنید و صبر پیشه دارید که خدای متعال به صابرین، بدون حد و حساب، اجر و پاداش عطا خواهد نمود «انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب» (سوره زمر، ۱۰).

بر این مصیبت‌ها صبر کنید همان گونه که پیامبر خدا (ص) و امیرالمومنین و فاطمه زهرا و عترت طاهرین علیهم السلام در برابر کفر و ستم مشرکین و ظلم ظالمین و افرادی که به نام اسلام حق آنان را غصب نموده و خون پاک آنان را مباح دانستند صبر کردند، و همانا شما جزء کسانی هستید که پیامبر (ص) آنان را رستگار و اعمالشان را مرضی خداوند دانسته است:

سیوطی در کتاب تفسیر خود بنام الدر المنثور ج ۶ ص ۳۷۹ در تفسیر سوره بینه به نقل از جابرین عبدالله چنین آورده است: «جابر می گوید روزی ما خدمت پیامبر بودیم که علی از راه رسید آنگاه پیامبر (ص) در حق او فرمود: قسم به خدائی که جانم در دست اوست همانا این مرد و شیعیان او در روز قیامت رستگار و اهل فوز خواهند بود؛ و آیه شریفه: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه» نازل شد، پیامبر (ص) خطاب به علی فرمود: آن کسی که خیر البریه است همانا تو و شیعیانت می باشید که روز قیامت راضی و مرضی هستید.

همچنین ابن مردویه از علی (ع) نقل می کند که پیامبر (ص) به من فرمود: «مگر آیه شریفه: ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه را نشنیده ای، مراد در

این آیه تو و شیعیانت هستید، میعادگاه من با شماها همانا حوض است، و هنگامی که خلایق برای حساب آورده می شوند تو و شیعیانت با قیافه‌های شریف و نورانی و ممتاز در حالی که همه شما را می بینند برای حساب دعوت می شوید».

۲ - در اینجا نمونه‌هایی از سفارشات و تاکیدات پیامبر اکرم (ص) در مورد حضرت امیر و عترت طاهرین که در مناسبت‌های مختلف ایراد فرموده اند را یادآور می شوم:

یک: عمران بن الحصین می گوید: پیامبر اکرم (ص) در جایی سه مرتبه فرمود: «شما مردم از علی چه می خواهید؟ آنگاه فرمود: همانا علی از من است و من از علی، و اوست ولی و سرپرست هر مومنی بعد از من» (سنن ترمذی، باب مناقب علی بن ابیطالب، ج ۵، ص ۲۹۶). از تامل در کلمه «من بعدی» غفلت نشود که ولی در اینجا به معنای فقط دوستی با علی نیست بلکه مقصود اشاره به مقام امامت و ولایت آن حضرت بعد از پیامبر است، زیرا دوستی با علی مخصوص زمان پس از رحلت پیامبر نمی باشد.

دو: در جریان انذار عشیره و فامیل نزدیک پیامبر توسط آن حضرت آمده است که پیامبر اکرم (ص) در حالی که به حضرت امیرالمومنین اشاره می کرد فرمود: «همانا این مرد برادر و وصی و خلیفه من می باشد، پس باید نسبت به او فرمانبردار و شنوا باشید» (تاریخ طبری ج ۳ ص ۱۱۷۱ چاپ لیدن، و نیز کامل ابن اثیر ج ۲، ص ۶۲).

سه: زیدبن ارقم می گوید: پیامبر فرمود: «همانا من در بین شما دو چیز را باقی می گذارم که اگر به آنها تمسک نمودید و چنگ زدید هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد، و یکی از این دو چیز از دیگری بزرگتر است: کتاب خدا که ریسمانی است الهی از طرف خدا بر مردم روی زمین و عترت و اهل بیت من، و این دو چیز از یکدیگر هرگز جدا نمی شوند تا هنگامی که نزد حوض به من برگردند، پس ای مردم مواظب باشید که چگونه با دو یادگار من عمل خواهید کرد» (ترمذی باب مناقب اهل بیت ج ۵ ص ۳۲۸ حدیث ۳۸۷۶).

مضمون این حدیث (ثقلین) بین شیعه و سنی متواتر و قطعی است، و معنای تمسک و چنگ زدن به قرآن و عترت که در این روایت مورد تاکید پیامبر اکرم (ص) قرار گرفته بدیهی است که همان حجت و معتبر بودن کتاب خدا و اقوال و سنت عترت و لزوم عمل به آنهاست، پس در حقیقت پیامبر (ص) به امت خود وصیت نموده است که باید به گفتار و روایات عترت او عمل شود و آیا چنین وصیت و دستوری را آن حضرت

در مورد فتاوا و اقوال فقهای اربعه که پیشوایان مذاهب اربعه هستند داده است؟! در صورتی که آنان در قرن دوم هجری زندگی می کرده اند و هرگز پیامبر را ندیده اند، پس چه شده است که شیعه که اقوال و سنت عترت طاهره را پس از قرآن کریم اخذ و مورد تمسک و عمل قرار داده است کافر است ولی آن‌هایی که بر خلاف دستور صریح پیامبر اسلام به عترت او پشت کردند و تمسک به آنان نمودند مسلمان مخلص از کار درآمدند؟!!

چهار: حضرت امیر(ع) در خطبه دوم نهج البلاغه در مورد عترت پیامبر اکرم(ص) چنین فرموده است:

«هیچ کس از این امت را نباید با آل محمد(ص) مقایسه نمود و هیچ گاه قدر و منزلت کسانی که از نعمت عترت بهره مند می شوند را نباید با آنان مساوی دانست، همانا عترت اساس دین و پایه‌های یقین و معرفتند، هر کس از مسیر عترت جلوتر رفت باید به سمت آنان برگردد و هر کس از آنان عقب افتاد باید خود را به آنان برساند، از خصائص و ویژگی‌های عترت همانا حق ولایت و امامت و داشتن وراثت پیامبر و وصیت آن بزرگوار در حق آنان می باشد.»

و من گمان نمی کنم هیچ مسلمان با انصافی جرأت کند و حاضر شود فقهای اربعه اهل سنت را در علوم و فضائل بر ائمه شیعه که از عترت طاهره پیامبرند ترجیح دهد، ولی تاریخ شاهد است که سیاست امویین و عباسیین در حق عترت پیامبر کرد آنچه را کرد و تواز سیاست چه می دانی «و ما ادریک ما السیاسة؟!».

آیا تمام صحابه پیامبر باید مورد تقدیس باشند؟

۳- بر اساس صریح قرآن و سنت پیامبر بعضی از صحابه رسول الله مورد سؤال و اشکال می باشند، پس ما چگونه می توانیم تمام صحابه پیامبر را چشم بسته تقدیس و مدح نماییم؟ به آیه ۱۴۴ سوره آل عمران توجه فرمائید:

«و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم؟»
یعنی محمد(ص) نیست مگر پیامبری که پیش از او نیز پیامبرانی بوده اند، پس آیا اگر او از دنیا رفت یا کشته شد شما به عقب برخواهید گشت؟

اما سنت پیامبر:

در کتاب صحیح بخاری - ج ۳، ص ۱۲۷ در تفسیر سوره مائده - به سند خود از ابن عباس نقل می کند که پیامبر (ص) ضمن خطبه ای چنین فرمود: ... آگاه باشید که همانا روز قیامت عده ای از مردان امت مرا در سلک اصحاب الشمال برای حساب کشی می آورند و من می گویم خدایا مگر این اصحاب بیچاره من چه کرده اند که با این وضع آورده شده اند؟ آنگاه از جانب حق تعالی جواب داده می شود: «تو نمی دانی اینها بعد از تو چه کارهایی انجام دادند» و من همان گفته عبد صالح - حضرت عیسی (ع) - را می گویم که گفت: و کنت شهیدا علیهم ما دمت فیهم فلما توفیتی کنت انت الرقیب علیهم، یعنی پروردگارا تا من زنده و در بین مردم بودم شاهد و ناظر اعمال آنان بودم ولی پس از اینکه مرا از دنیا بردی دیگر خودت ناظر و رقیب کارهای آنان بودی. آنگاه از سوی حق تعالی ندا می رسد که «این عده پس از مرگ تو از راه و رسم اسلام مرتد شدند و به پیشینیان خود برگشتند».

همین روایت را ترمذی نیز در کتاب خود ج ۵ ص ۴ در تفسیر سوره انبیاء نقل کرده است. و در کتاب موطا مالک در بحث از جهاد و شهداء فی سبیل الله ج ۱ ص ۳۰۷ به نقل از ابی النضر چنین آمده: پیامبر اکرم (ص) در حق شهداء جنگ احد فرمود: «این شهدا را من در حق آنها شهادت می دهم که قطعاً اهل فلاح و نجات هستند. آنگاه ابوبکر صدیق گفت: یا رسول الله مگر ما برادران آنها نیستیم؟ ما نیز نظیر آنان اسلام آوردیم و مثل آنان جهاد کردیم؛ سپس پیامبر (ص) فرمود: بله ولی نمی دانم چه کارهایی بعد از من انجام می دهید. در این هنگام ابوبکر بطور مستمر و پی در پی گریه کرد و اظهار داشت یا رسول الله آیا بعد از تو ما زنده ایم؟!».

اکنون به طرفداران ابوبکر می گویم هنگامی که پیامبر اکرم (ص) حاضر نشدند بر حقانیت و رستگاری ابوبکر شهادت دهند شما و ما چگونه می توانیم چنین شهادتی بدهیم؟!.

ملاک حقانیت، تداوم مقاومت نسبت به مواضع اصولی مورد بیعت می باشد:
صرف اینکه کسی روزگاری از اصحاب پیامبر بود و با آن حضرت بیعت نموده در

شهادت بر حقانیت او کافی نیست آنچه ملاک است ایستادگی و مقاومت اوست بر مواضع اولیه خود که در زمان پیامبر با آن حضرت بیعت نموده، شما ملاحظه کنید خداوند متعال در سوره فتح با کسانی که بیعت خود را نادیده گرفتند و از مواضع اصولی و اولیه خود عدول نمودند چگونه با شدت و عتاب برخورد می‌کند:

«ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله یدالله فوق ایدیهم، فمن نکث فانما ینکث علی نفسه و من اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما»، یعنی: «آن‌هایی که با تو -ای پیامبر- بیعت می‌کنند در حقیقت با خدا بیعت می‌کنند زیرا این دست خداست که فوق همه دستها و بالاتر از همه است، و آن‌هایی که بیعت خود را شکستند و به آن پشت کردند همانا به خودشان ضرر می‌زنند، و آن دسته‌ای که به بیعت و پیمان خود وفا نمودند خداوند به آنان اجر عظیم خواهد داد».

از این آیه شریفه به خوبی استفاده می‌شود که بیعت چه بسا ممکن است شکسته شود پس قهراً قداست و شرافت آن از بین خواهد رفت. با توجه به این وضع ما چگونه می‌توانیم جریان طلحه و زبیر را با اینکه حرمت خون مسلمانان را از بین بردند و با خلیفه رسول الله حضرت امیرالمومنین وارد جنگ شدند تقدیس و توجیه نمائیم؟

و با اینکه ما شیعیان اصولاً حرمت و احترام امهات مومنین و همسران پیامبر را چون حریم آن حضرتند مراعات می‌نمائیم ولی چطور می‌توان جریان شورش عایشه ام‌المومنین و جنگ او را با خلیفه رسول الله با آن که خداوند صریحاً به همسران پیامبر دستور داده که در خانه‌های خود بنشینید «و قرن فی بیوتکن» توجیه و تایید نمائیم؟

بررسی تهمت غلو به شیعیان:

۴ - چگونه شیعه امامیه به غلو متهم می‌شود با اینکه از طرفی در فقه شیعه غلات محکوم به کفرند؟

از باب نمونه: شرایع محقق حلی، کتاب طهارت - رکن چهارم که در بحث نجاسات است را ملاحظه کنید - می‌فرماید:

«دهم از نجاسات کافر است و ملاک آن خروج شخص از اسلام است و یا انکار ضروری دین، هر چند خود را منسوب به اسلام بداند، نظیر دو فرقه خوارج و غلات».

و از طرف دیگر ما شیعیان معتقدیم که در عالم وجود و هستی موثر و خالق جز

خدای عز و جل نیست و ائمه ما همگی مخلوقین خدای متعال و تحت ربوبیت او قرار دارند، و اینکه مشاهده می کنید ما شیعیان به آثار و یادگارهای پیامبر و ائمه اطهار و بعضی از بزرگان صحابه رسول الله متبرک می شویم علاوه بر آنکه منظور ما از این تبرک، تقرب به سوی حق تعالی و اظهار محبت و مودت نسبت به آنان می باشد خود یک امر فطری و عاطفی است برای هر مسلمانی، و نظیر همین تبرک رایج بین ما در بین صحابه رسول الله و همسران آن حضرت «امهات المومنین» رائج و معمول بوده است، از باب نمونه: کتاب الطبقات الکبری ج ۱ ق ۲ ص ۱۳ نقل می کند که: «عبدالله بن عمر دست خود را بر منبر شریف رسول الله می گذاشت و سپس بر صورت خود می مالید».

بررسی تهمت تحریف قرآن به شیعیان:

۵ - این نسبت کذب محض و افتراء است به ساحت پاک شیعیان. چگونه می توان آن را باور کرد در صورتی که قرآن صریحاً در سوره حجر آیه ۹ می فرماید: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» یعنی: ما قرآن را نازل کردیم و خودمان آن را (از هر پیش آمدی) حفظ می کنیم.

و از طرفی مخالف اعتقاد علماء شیعه است. در این رابطه تفسیر مجمع البیان که از تفاسیر معتبر نزد شیعه می باشد (ج ۱، ص ۱۵) را ملاحظه کنید، در مورد احتمال زیاد شدن چیزی در قرآن چنین می نویسد: «اجماع علماء اسلام بر بطلان چنین احتمالی محقق است» و در مورد احتمال نقصان و کم شدن چیزی از آن گرچه چند نفری از ما شیعیان و گروهی به نام حشویه از اهل سنت می گویند: «در قرآن تغییراتی به شکل کم شدن چیزی از آن رخ داده» ولی آنچه در مذهب ما امامیه پیش علماء مذهب صحیح و مورد اعتماد شناخته شده است همانا بر خلاف آن و خلاف این احتمال است، و مرحوم سید مرتضی (قدس سره) در کتاب جواب مسائل طرابلسیات صریحاً این واقعیت را متذکر شده و در جاهای مختلفی از کتاب خود در رابطه با بطلان قول به تحریف قرآن می گوید: «همان گونه که ما از شهرها و حوادث بزرگ تاریخ و کتب مشهور و معروف اطلاع و شناخت یقینی داریم از مجموعه قرآن و صحت و اعتبار آن نیز شناخت و علم داریم...».

چگونه ممکن است در قرآن تحریفی رخ داده باشد در حالی که ما مشاهده می‌کنیم ائمه ماعلیهم السلام در جاهائی که مضامین روایات با یکدیگر اختلاف پیدا کند اصحاب خود را به قرآن ارجاع داده‌اند و قرآن را ملاک درستی و نادرستی روایت مورد اختلاف دانسته‌اند: در وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۷۹ روایت صحیحی از امام صادق نقل شده که آن حضرت فرمود: «هر چیزی - که صحت و بطلان آن معلوم نباشد - با قرآن و سنت باید مقایسه شود و هر روایتی که با قرآن موافق نبود باطل و مردود است.» (در حقیقت قرآن و سنت مقیاس سایر چیزها، و قرآن مقیاس سنجش روایات صحیح از باطل خواهد بود.)

همچنین در ج ۱۸ وسائل ص ۷۸ در روایت معتبر سکونی از امام صادق چنین آمده: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بی‌گمان برای هر حقیقی نشانه‌ای از حقیقت و برای هر کار و یا حرف درستی نشانه‌ای از نور وجود دارد. بنابراین معیار، هر آنچه با کتاب خدا موافق بود همان حق است و به آن عمل نمائید و آنچه با آن مخالف بود رهایش کنید.» و در این رابطه روایات زیادی وارد شده است که علاقه‌مندان به کتاب‌های مربوطه مراجعه فرمایند.

هرگز ما نمی‌گوییم هر روایتی در هر کتاب حدیثی ذکر شده باشد قطعاً صحیح و درست است، بلکه باید روایات موجود در کتاب‌های حدیث نقد و بررسی شود و با معیارها و ملاک‌هایی که داریم صحیح از ناصحیح آن‌ها شناخته گردد.

روایات کتب اهل سنت که متضمن تحریف قرآن است:

از باب نمونه در کتاب صحیح بخاری - که صحیح‌ترین کتب حدیث اهل سنت می‌باشد - در بحث محاربین، باب سنگسار نمودن زن زانیه آبتن ضمن روایت طولانی از ابن عباس چنین آمده: «سپس عمر بالای منبر نشست و هنگامی که موذنین ساکت شدند بپاخواست و پس از حمد و ثنای خداوند چنین گفت:

«اما بعد، همانا می‌خواهم حقیقتی را که مقدر شده است آن را بگویم، و به اطلاع همگان برسانم و نمی‌دانم شاید اجل من در دم برسد. پس هر کس حقیقت اعلام شده را فهمید و کاملاً درک نمود موظف است تا آنجا که می‌تواند و قدرت دارد آن را به دیگران نیز ابلاغ کند، و هر کس آن را درست نفهمید حق ندارد مرا متهم به کذب و

دروغ بکنند. آن حقیقت این است که: خداوند پیامبرش را که حق بود بر ما فرستاد، و بر او قرآن کتاب خود را نازل کرد، و از جمله آیاتی که خداوند نازل کرد آیه رجم بود و ما آن را خواندیم و درک نمودیم و قدرت فهم آن را داشتیم؛ و به دنبال آن، پیامبر افرادی را سنگسار نمود و ما نیز بعد از پیامبر افرادی را سنگسار نمودیم، و من اکنون می ترسم که در اثر گذشت زمان آیه رجم فراموش گردد و زمانی کسی بگوید در قرآن آیه رجم وجود نداشته، و به تدریج مردم این فریضه الهی را ترک کنند و گمراه شوند، در صورتی که حکم رجم در قرآن آمده و در مورد هر زناکار محصن که دو شاهد عادل علیه او شهادت بدهند و یا اعتراف نماید باید حکم رجم جاری شود.

همچنین ما آیه ای در قرآن می خواندیم: «ان لاترغبوا عن آبائکم فانه کفر بکم ان ترغبوا عن آبائکم...».

شما ملاحظه کنید چگونه خلیفه دوم با قاطعیت و جزم می گوید دو آیه از کتاب خدا افتاده است!

توجیه صحیح برای روایات تحریف:

به نظر می رسد بهترین محمل و توجیه صحیح برای روایات تحریف که هم در کتب شیعه و هم در کتب اهل سنت وارد شده این است که چه بسا در مقام تفسیر و تشریح بعضی آیات پیامبر اکرم (ص) مطالبی که احیاناً مضامین مناسب و مشابه آیات داشته اظهار می داشته اند و افراد حاضر و مستمع خیال می کرده اند که آن‌ها کلام خدا و جزء قرآن بوده است.

بررسی تهمت نفاق به شیعیان:

۶ - و در ختام این مقال متذکر می شوم: وقتی شیعیان مظلوم خود را گرفتار امثال نامبرده می بینند که با یک فتوا و حکم ظالمانه، آنان را کافر و مستحق قتل اعلام می دارد آیا راهی جز تقیه برای حفظ جان خود دارند؟!.

و تقیه شیوه ایست که خداوند در قرآن صریحاً آن را تجویز نموده است، در سوره آل عمران آیه ۲۸ می فرماید: «الا ان تتقوا منهم تقیه، یعنی مگر آنکه از دشمنان خود بترسید و مجبور شوید از روی تقیه چیزی بگوئید».

در کتاب وسائل ج ۱۱ ص ۴۶۱ خبری صحیح از امام صادق (ع) به این مضمون نقل شده است: «تقیه سپر و وسیله حفظ جان مومن است».

عذرخواهی و آخرین تذکر:

سخن به درازا کشید و از خوانندگان گرامی عذر می‌خواهم و مجدداً برادران و خواهران خود را مخاطب قرار داده و خاطر آنان را به این آیه شریفه جلب می‌نمایم: «الذی خلق الموت و الحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملاً» (سوره ملک، آیه ۲) یعنی: خداوند که مرگ و حیات را مقدر فرمود تا شما را مورد ابتلا و سنجش قرار دهد و معلوم گردد کدام یک بهترین عمل را انجام می‌دهید.

پس ای برادران و خواهران مظلوم بر شما باد که در مقابل این همه بلاها و مصائب صبور و بردبار باشید و بدانید که عاقبت خوبی در انتظار شما خواهد بود، با این حال انتظار و امید فراوان دارم که سایر برادران و خواهران مسلمان شما در سایر کشورهای اسلامی شما را تنها نگذارند و به اندازه قدرت از شما حمایت نمایند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱۰ جمادی الثانیه ۱۴۱۲

برادر شما در قم مکرمه - حسینعلی منتظری

متن پیام معظم له در مورد فتوای استعماری :

تاریخ _____
شماره _____
پیوست _____

بتشالی

صا

۱۳۷۰/۹/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآل الطاهرين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين .
 اما بعد فقد وصلتنا اخيراً ورقة تضمنت فتوى استعمارية من الشيخ عبد الله بن عبد الرحمن الجبرين
 - عضو مجلس الافتاء الاعلى السعودى - مؤرخة ۲۲/۴/۱۴۱۲هـ - بتكليف الشيعة ولام حللها
 واستحقاقهم للقفل باتمام انهم مشركون لانهم يغفلون في علي وابتائهم عليهم السلام ويصفونه باوصاف لا تصلح
 الا لله ويحبونهم رباً ومجالفاً وتصرفاً في الكون ولطعنون في القرآن الكريم ويترجمون تحريفه ولطعنون في
 الكا بر الصياغة كالمخلفاء الثلاثة واهمات المؤمنين ، ومع ذلك يفتقون فيقولون بالنسبة اليهم في قولهم : هذا
 ۱- ولا يخفى ان هذا الرجل ليس اول من شق عصا المسلمين وادرك حال نار الفتنه والخلاف بين المسلمين
 خدمه للسياسة السيطانية الاجنبية العالمه : « فرق تسد » فقد سبقه في ذلك كثير من
 فهو بدلاً من ان توجه حملاته نحو الذين اتخذوا اليهود والنصارى اولياء (خلافاً لنظر القرآن الكريم) وجعلوا بلاد
 تحت سيطرة الكفار والايها نبأ وجه حملاته الظالمه جانب الشيعة الموالين لعده النبي من اخذ الجديث الثقلين
 وانا لا اريد في هذه الورقات البتة مع فيها انهم به الشيعة الامامية الموحدة المخلصه لله تعالى المؤمنين بالاسلام
 والقرآن الكريم والبنى الاعظم (ص) وعترته الطاهرين (ع) .
 فان العلماء (رضوان الله عليهم) قد اجابوا اسئلهات السالم بكرات في ما لفتايم القيمة فشكر الله عليهم
 وانا اريد ان اجبته واسئلي لغواني الشيعة في الحجاز والمنطقة الشرقية المسلمين بالاسمال هؤلاء
 الذين اتحلوا الاسلام وعلومه داعين الى الفقه والاعتدال تحت حماية الحكم السعودى .
 فيا اخوتي واخواتي انكم تظلمون تقهرون في ارض الوهي والرسالة فاجبروا على البلايا ما لا يحسن
 ف « انما يوفى الصابرون اجرهم بغير حساب » (الزمر ۱۰)

ص ٢

بتحالی

تاریخ _____
شماره _____
بیوست _____

اصبروا كما صبر رسول الله من و امير المؤمنين وفاطمه والعترة الطاهرة في قبائل كف المشركين وظلم الجائرين
 الغاصبين لحقوتهم المريعين لدمائهم باسم الاسلام وانتم الغائزون المرضييون بنبي الله (ص) :
 ففي الدر المنثور للسيوطي (ج ٥ ص ٣٧٩) في سورة البقرة : « واخرج ابن عسار عن جابر بن عبد الله
 قال : كنا عند النبي صلى الله عليه وآله فاجاب علي فقال النبي صلى الله عليه وآله : والذي نفسي بيده ان هذا يوم يعدلهم الغائزون يوم القيامة .
 ونزلت : ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات اولئك هم خير البرية . فكان اهلب النبي صلى الله عليه وآله اذا قبل علي قالوا :
 جاء خير البرية . واخرج ابن عسار عن ابن عسار عن ابي سعيد خردوسا : علي خير البرية .
 واخرج ابن عسار عن ابن عباس قال : لما نزلت : ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات اولئك هم خير البرية .
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله : هو انت و شيعتك يوم القيامة را حنين مرصديني . واخرج ابن حردوسا عن
 علي قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات اولئك هم خير البرية .
 انت و شيعتك ، و هو علي و هو عليكم الحق ان اذ اجبت الامم للحجاب يدعون غفرا محجلين . »
 ٢ و قد اوصى رسول الله صلى الله عليه وآله في موافق ليرة في حق علي و عترته الطاهرين اذ كر من ذلك نموذجاً :
 ففي خبر جده ان بن الحسين عنه صلى الله عليه وآله : « ماتريدون من علي ، ماتريدون من علي ، ماتريدون من علي ؟ !
 ان علياً مني و امانته ، و هو و كل مؤمن من بعدي . » (سنن الترمذي - باب مناقب علي بن ابي طالب ٢٩٦)
 و عليك بالتأمل في قوله صلى الله عليه وآله : « من بعدي »
 و في قصة انذار رسول الله صلى الله عليه وآله عن غيرته الاقربين قال مسيراً الى امير المؤمنين ع : « ان هذا اخرج و وصي و خليفة
 فيكم فاسمعوا له و اطيعوا . » (الطبري ٣ / ١١٧١ طبعه لندن و الكمال ابن الاثير ٢ / ٤٢٠)
 و روى الترمذي بسند عن زيد بن ارقم قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : « اني اترك فيكم ما ان تمسكتم به لن تضلوا .
 احداهما اعظم من الاخر : كتاب الله حبل ممدود من السماء الى الارض و عترتي اهل بيته و لن يتفرقا حتى يردا
 علي الحوض ، فانظروا كيف تخلفوني فيها . » (الترمذي باب مناقب اهل البيت ٣٢٨ / ٥ الحديث ٣٨٧٦)
 و مضمون الحديث مساير بين الفريقين . و واضح ان التمسك بالكتاب هو الالفة بما فيه ، و التمسك بالعترة هو الالفة
 باقوالهم و سنتهم ، فهو صلى الله عليه وآله اتمته بالالفة باقوال العترة . و هو اوصى بالالفة بعباد القوم الاربعة ؟ !

بتشالي

تاريخ
شماره
بيوست

وهم كانوا في المائة الثانية من الهجرة النبوية فلم يدركوه من فليف يكون الاخذون باحوال العترة الطاهرة المتكون
 لهم بعد الكتاب العزيز كافرين ، والتاركون لهم مسلمين مخلصين . ؟ !
 وقد طال امر المؤمنين ع : « لا تعاس بال محمد من منتهى الامة احد ، ولا يسوي لهم من جرت نعمهم عليه ابدا .
 هم اسس الدين ومخاد العين ، الهم نفى الغلا ، واهم بلحي اللآء ، واهم فخص حق الولاية ، وفيهم الوصية والوراثة . » (نهج البلاغة ٢)
 ولا اظن ان بعد من المسلمين المضعفين يجترئ على تفضيل القوم الاربعة المرهوبين لثمة على الامة من العترة الطاهرة
 في العلوم والفضائل . ولكن بداية الاويني والعباسيين صنعت بالعترة والزال ما صنعت ، وما دركها السا ؟ !
 ٣ واذ كان القرآن الكريم والسننة النبوية يجعلان الصلابة تحت السؤال فليف تحكم بعد اسه جميع الصلابة بعد صل الرول ع ؟
 ففي سورة آل عمران (الاية ٣٤) : « وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل ، فان ما سوا قتل العظيمة على تعابكم . »
 وفي صحيح البخاري (٣٤٠ ص ١٢٧ في غير سورة المائدة) بسند عن ابن عباس قال : خطب رسول الله ص
 « الا والله بجاه رجال من امتي فيؤخذ بهم ذات الشمال فاقول : يا رب اصحابي ، فيقول : انك لا تدري ما اعدوا
 بعدك ، فاقول كما قال العبد الصالح : وكنت لهدى عليهم ما دمت فيهم ، فلما توفيتني كنت انت الرقيب عليهم .
 فيقول : ان هؤلاء لم يزالوا مرتدين على اعقابهم منذ فارقتهم . » ورواه الترمذي ايضا (في غير سورة الانبياء ٥٤ ص ٥٤)
 وفي موطأ مالك (كتاب الجهاد - الرهداء في سبيل الله ٤٠ ص ٣٠) عن ابى نصر انه بلغه ان رسول الله ص قال لرهداء احد
 : « هؤلاء كهدهم عليهم . » فقال ابو بكر الصديق : السنا يا رسول الله اخوانهم ، اسلمنا كما اسلموا وجاهدنا كما جاهدوا ؟
 فقال رسول الله ص : « بلى ولكن لا ادري ما تجدون بعدى ، فيكفي ابو بكر كفى كفى قال : « انما الكافرون بعدك . » ؟
 فاذا كان رسول الله ص من لا يهدى لاي بكر بالنسبة الا ما بعد رحلته المقدسة فليف نهد له ؟ .
 والمهم في البسعة والصحة هو البقاء والاستمرار عليها فربما من الرسل في ببقه احد ولكن بقاء رضاه يتوقف على لقاء المرسل عنه على
 فانظر الا قول تعالى في سورة الفتح : « ان الذين يبايعونك انما يبايعون الله ، يد الله فوق ايديهم ، فمن نكث فانما ينكث
 على نفسه ، ومن اوفى بما عاهد الله فسيؤتيه اجره عظيما . »
 فيظهر من الاية الرقيقة ان البسعة قد يتعقبها الثلث فيحيط قداسها . وكيف تحكم ببقاء قداسه طلوعه والربير
 وقد هلكا حوتة داء المسلمين وصار باخليفة رسول الله ص امر المؤمنين ع في حرب الجبل ١٤ .

وكني تحفظ حرمان آيات المؤمنین حفظ الحرمه رسول الله صی، ولکن کیف تبرر خروج ام المؤمنین عاصیه
 من بیتها ومحاربتها بحلیفه رسول الله امیر المؤمنین ع وقد امرهن الله تعالی بالقرار فی بیوتهن فقال:
 « وقرن فی بیوتكن؟ » (الاعراب ٣٣)

٤ وكيف يتهم السیعة الا لامیة بالغلو مع ان العلة فی نفي السیعة محكومون باللغو فملا فی کتاب الرابع
 للمحقق الخلی (کتاب الطهارة - الركن الرابع فی البیاسات) قال: « العاصیه: الكافر، وضابطه كل
 من خرج عن الامام او عن النخلة وعجز ما یعلم من الدین ضرورة كالمخارج والعلة: »

وكنی الا نرى المؤمنین فی الیهود الا ان الله تعالی والمتكلمة مخلوقون عربون ولكن التبرسك بأما رسول الله صی
 والائمة ع والصحابه الاجماد قریباً الى الله تعالی والظهار الجهم ومودتهم احرفطری لكل مسلم وقد كان یفعل الصیابة
 وآيات المؤمنین الصیابة، وعبد الله بن عمر مثلاً وضع یدیه علی منبر رسول الله صی ثم وضعها علی ولدهم. (الطبقات الكبرى ٤٠٢ ص ٢٠٤)

٥ والنسب القول بتحریف القرآن الكذب واقراء وقد قال الله تعالی فی سورة الحجر (الآیة ٩) :
 « انما نحن نزلنا الذکر وانالم یحفظون .

وفي غیر مجموع البیان من التفاسیر المعبرة عند السیعة (١٩٠١ ص ١٥٠) : « فاما الزیادة فیہ فیصح علی بطلانہ .
 واما نقصان منه فقد روی جماعه من اهلنا وقوم من حسنة العائمه : ان فی القرآن تعییراً أو نقصاناً .
 والصیح من مذهب اهلنا خلافه ، وهو الذی نصره المرئض قدس الله روحه ، واستوی فی الامام فیہ غایة الاستیفاء
 فی جواب المسائل الطالیماست و ذکر فی مواضع : ان العلم بصیحة نقل القرآن كالعلم بالبلدان والحوادث البار
 والوقائع العظام والکتاب المشهورة الخ . »

وقد ارجع المتنازع اهلنا فی اختلاف الحدیث الا القرآن :

فنی الجبر الصیح عن ابی عبد الله ع (الامام الصادق ع) : « كل شیء مردود الا الکتاب والسنه ، وكل حدیث لا یوافق
 کتاب الله فهو زور خرف . » (وسائل السیعة ١٨٤٠ ص ٧٩)

وفي خبر معتبر عن الرکوة عن ابی عبد الله ع قال: قال رسول الله صی: « ان علیاً لکل حق حقیقه ، وعلیاً لکل صواب نوراً .
 فما وافق کتاب الله فخذوه ، وما خالف کتاب الله فدعوه » (الوسائل ١٨٤٠ ص ٧٨) الا غیر ذکر من الاجماد الرابع .

بتیانی

تاریخ
شماره
پیوست

ولا نعتقد ان كل خبر يوجد في كتب الحديث يكون صحيحاً معتبراً بل الواجب نقد الاجاديب و تمييز الصحيح من العجم .
ويوجد في كتب اجاديب السنة ايضا ما يدل على تحريف القرآن بالنقصه :

ففي صحيح البخاري (اصح كتب الحديث لسنة كتاب المختارين - باب رجم الجلي ٤٠٤ ص ١٧٩) في روايه طويله عن ابن عباس
فيها : « فجلس حجر على المنبر فلما سكنت المؤذنون قام فأتى على سنة باهواهلهم ثم قال : « اما بعد فانه قال لكم
تعالى وقد قدر ان اقولها لادري لعلي بن ابي طالب ، فمن عقلها ووعاها فليحور بها حتى انتهت به راجلته .
ومن عصى ان لا يعقلها فلا اجل لاحد ان يكذب علي ؛ ان الله بعث محمداً صلى بالحق وانزل عليه الكتاب فكان
ما انزل الله اية الرحيم قرآناً وعقلنا ؟ ووعينا ؟ . رجم رسول الله صلى ورجلنا بعده فاعنى ان طال بالناس
زمان ان يقول قائل : والله ما نجد اية الرحيم في كتاب الله فيضلوا بترك فرضه الله . والرحيم في كتابه الحق
على من زنى اذا حصن من الرهبان والنساء اذا قامت البينة او كان الجليل او الاعتراف .
ثم انما كنا لقراءتى كتاب الله : ان لا ترفعوا عنى آياتكم فانه كفر بكم ان ترفعوا عنى آياتكم الحديث . »

فهذا هو الخليفة العا في حكم بسقوط آيتين من كتاب الله تعالى .

اقول : والمحمل الصحيح لهذا النسخ من الاجبار الموهودة في كتبنا وكتبهم ان يحل على انه لان يرد من رسول الله صلى في تفسير بعض
الايات كلمات مناسبة لها فكان المسجون يتوهجون انها من كلام الله تعالى . هذا .
في في الخاتمة اقول : اذا ابدلت السبعة المطلوبون برجال مثل صاحب تلك الفتوى الحاكمه بلغتهم وجمعهم للعقل
فقد يوجد لهم طريق الا العبر بالتيقن ؟ . وقد قال الله تعالى : « الا ان تتقوا منهم بغيته . » (آل عمران ٢٨)
وفي الخبر الصحيح عن الامام الصادق ع : « اليقنة ترس المؤمن ، واليقنة حوزة المؤمن . » (الروانج ١١ ص ٤٤٤)

وقد طال الكلام فاقدر من القراء الكرام ، وفي الختام اخطب لافوه الكرام ثانياً واذكرهم بقول الله تعالى :
« الذي خلق الموت والحياة ليبلوكم انتم انتم احسن محلاً . » (الملك ٢) فاصبر واعلم البلاد ما فنعيم عيني الابرار . والمرحومين
السلامين في سائر البلاد الحية عنكم . والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته . ١٠ جمادى الثامنة ١٣١٢ - ١٣١٣ هـ .
فدوامكم



پیوست شماره ۱۹۸: مربوط به صفحه ۷۲۶

سخنان معظم له در پایان درس خارج فقه به مناسبت حوادث خونین الجزایر،

مورخه ۷۰/۱۱/۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

گرچه صدای من و حتی دیگران نیز به جایی نمی رسد ولی متأسفانه دنیا امروز با یک تضاد عجیبی مواجه شده است، از یک طرف سازمان‌های جهانی و سازمان ملل و کله‌گنده‌های طرفدار نظم نوین جهانی از دموکراسی، عدالت و حقوق مردم صحبت می کنند تا آنجا که آمریکا هوس می کند در انتخابات کشورهای جهان سوم دخالت کند به بهانه اینکه مبدا حقوق عده ای تزییع شود، البته قهراً در هر انتخاباتی حقوق یک عده پایمال می شود ولی مگر آمریکا قیم دنیا شده است که به بهانه برقراری دموکراسی و حقوق مردم محروم در همه جا دخالت می کند؟!

شما ملاحظه کنید این روزها در الجزائر که انتخابات عادی و آزادی انجام شد مسلمان‌ها داشتند پیروز می شدند آمریکا چه برخوردی کرد. مسلمان‌ها در مرحله اول انتخابات ۱۴۸ کرسی به دست آوردند در حالی که حکومتی که سر کار بود ۱۶ کرسی توانست به دست آورد این قدر تفاوت وجود داشت ولی آمریکا و همدستانش چه کردند؟!

اکنون علما، دانشمندان و طرفداران اسلام را دارند یکی پس از دیگری تعقیب و بازداشت می کنند و حرکت اسلامی را در آن کشور سرکوب می نمایند و یک آدم تبعیدی را آوردند و با زور و چماق بر مردم تحمیل نمودند و اکنون در فکر تشکیل دادگاه‌های نظامی برای محاکمه علما و ائمه جمعه و جماعت و وعاظ و هواداران اسلام می باشند و همه هم خفه شده اند و در برابر این همه مظالم و جنایات سکوت کرده اند.

علت این همه مظالم و جنایت این است که مسلمان‌ها سالیان متمادی خواب بودند و اختیارشان را به دست دیگران داده بودند تا آنجا که اکثر سران کشورهای اسلامی خودفروخته و وابسته شدند و ذخائر این کشورها را در اختیار آمریکا و همفکران او قرار می دهند و پول‌هایشان را در بانک‌های آمریکا می گذارند و خودشان هم سرسپرده آن‌ها هستند.

اگر همین سران کشورهای اسلامی به خود می‌آمدند و با هم متحد می‌شدند اوضاع مسلمین عوض می‌شد، یک میلیارد مسلمان را هیچ قدرتی نمی‌تواند مورد تجاوز قرار دهد، ولی حالا کاری کرده‌اند که سه چهار میلیون یهودی صهیونیست در کشورهای اسلامی فعال ما یشاء شده‌اند، شما ببینید اسرائیل آزاد است بمب اتمی هم داشته باشد و می‌تواند تولید بکند اما بعضی کشورهای اسلامی نظیر پاکستان، ایران و عراق را به اتهام اینکه بسا در فکر تولید بمب اتمی باشند تحت فشار و تحریم قرار می‌دهند ولی اسرائیل که نوکر و پایگاه آمریکا است باید مجهز و قوی باشد و همه انواع موشک‌ها و حتی بمب اتمی هم داشته باشد و مسلمان‌ها باید ذلیل و ضعیف باشند!

گناه این وضع فعلی مسلمانان به گردن سران کشورهای اسلامی و علمای درباری و وابسته به آن‌هاست. پیامبر اکرم (ص) فرمود: صنفان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدا فسدت امتی: الفقهاء و الامراء (فساد و صلاح امت اسلام مرهون صلاح و فساد دو صنف است: یکی فقها و علما و دیگری سران حکومتها، اگر این دو صنف افرادی صالح باشند ملت‌ها صالح می‌شوند و هر گاه این دو صنف فاسد شدند ملت‌ها نیز به فساد کشیده می‌شوند).

و از طرف دیگر بقا و قوام حکومت‌های فاسد نیز مرهون حمایت‌هایی است که علمای وابسته از آنان می‌کنند، وگرنه اگر علما و فقهای هر کشوری در مقابل مظالم و جنایات حکومتها ساکت و بی‌تفاوت نبودند آن‌ها نمی‌توانستند به ملت خودشان این قدر ظلم بکنند.

خداوند ان شاء الله اسلام و مسلمین را از شر اجانب حفظ کند.
والسلام علیکم و رحمة الله.

پیوست شماره ۱۹۹: مربوط به صفحه ۷۲۶
بیانات معظم له در آغاز درس خارج فقه به مناسبت شهادت دبیر کل حزب الله لبنان
و خانواده و همراهان وی، مورخه ۱۳۷۰/۱۱/۲۸

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب مستطاب حجة الاسلام مرحوم آقای سید عباس موسوی، دبیر کل جنبش حزب الله لبنان، که اهل بعلبک بودند با خانواده و اطرافیانش به شهادت رسیدند.
اسلام از همان اول در زمان پیامبر اکرم(ص) از یهود ضربه می خورد، و در همه اعصار هم همین طور بوده است، و با اینکه مسلمانان همیشه با یهود مدارا می کردند و یهودیان که در کشورهای مسیحی زیر فشار بودند به کشورهای اسلامی پناه می آوردند و اسلام همواره با آنها با عطف و مهربانی برخورد می کرد، ولی متأسفانه اکنون بیشتر مخالفتها با اسلام از ناحیه همینها صورت می گیرد.

البته باید یهود را از صهیونیستها جدا کرد، بسیاری از یهودیها هستند که با صهیونیستها مخالفند، صهیونیسم یک حزب سیاسی جهانی است، آنها آمریکا را هم می گردانند، آمریکا با اینکه حدود ۳۰۰ میلیون جمعیت دارد ۵ الی ۶ میلیون آن یهودی هستند که یک عده از آنها صهیونیستند، و حکومت آمریکا را همینها می گردانند، تبلیغات را اینها اداره می کنند، هفتاد درصد اقتصاد آمریکا دست اینهاست. بالاخره مصیبت هائی که بر مسلمین الان وارد می شود به وسیله همین صهیونیستهاست، آنها دشمنند و دشمن کارش دشمنی است.

انسان از این سران کشورهای اسلامی متأسف است که پول خودشان را می دهند، آبروی خودشان را می دهند، و پای میز مذاکره با اسرائیل می نشینند که به اسرائیل غاصب رسمیت بدهند. هر روز شما می خوانید یا می شنوید که در جنوب لبنان یا فلسطین اشغالی اینها حادثه می آفرینند، هواپیماهای اینها، هلیکوپترهای اینها، قایقهای اینها هر روز حمله می کنند، و فلسطینیهای آواره را به قتل می رسانند. و از طرف دیگر می بینیم که سازمانهای حقوق بشر، سازمان ملل و طرفداران به اصطلاح دموکراسی سکوت مرگبار نموده اند؟!

کشوری که اساسش بر غصب است، بر غصب سرزمین‌های مسلمانان، چرا تا این حد زور می‌گوید؟ هر روز حمله می‌کند و سازمان‌های حقوقی هم ساکتند، و آمریکا هم از آن‌ها حمایت می‌کند. و آن وقت این سران کشورهای اسلامی و حتی سوریه که خود را انقلابی و در خط مقدم جبهه می‌داند بازی می‌خورند. می‌بینید که به این‌ها بها نمی‌دهند، می‌بینید که در این به اصطلاح کنفرانس‌های صلح می‌روند و آن‌ها این‌ها را مسخره کرده و ملعبه قرار می‌دهند، اسرائیل می‌گوید یک وجب زمین هم پس نمی‌دهم. مع ذلک از غول آمریکا می‌ترسند و شرکت می‌کنند. آمریکا غول خیالی است و انسان نباید مرعوب غولهای خیالی بشود، انسان نباید اهل ترس و طمع باشد که ترس و طمع پدر ملت‌ها را درمی‌آورد.

انسان باید شجاع باشد، عاقل باشد، طماع نباشد، خود و وجدانش را نفروشد، برخی به طمع و خیال می‌روند پای میز مذاکره و اسرائیل هم آن‌ها را مسخره می‌کند، به خودش رسمیت می‌دهد. کنفرانس در مسکو برگزار می‌کنند آن وقت مخارجش را از نفت عربستان یا کویت یا امارات تامین می‌کنند، بدبختی تا چه اندازه است که پول‌هائی را که خداوند برای مسلمین ذخیره قرار داده است در چه راه‌هائی به مصرف می‌رسانند.

خداوند به حق محمد و آل محمد اسلام و مسلمین را از شر مستکبرین و زورگویان و خودخواهان و خودپرستان و دنیاپرستان حفظ کند.

خدا ان شاءالله مرحوم حجة الاسلام سید عباس موسوی را که من زیاد ایشان را دیده بودم و واقعا فردی دلسوز برای اسلام و مسلمین و شدیداً ضد صهیونیست بودند مورد غفران و رحمت خویش قرار دهد، و درجات ایشان و سایر کسانی که همراه ایشان به شهادت رسیدند را متعالی کند، و به همه بازماندگان و برادران و خواهران لبنانی صبر و اجر عنایت فرماید. و به مسلمانان غیرت عطا کند که ذخایر مسلمین را خرج مسلمانان کنند نه خرج قدرت آمریکا و صهیونیست‌ها.

اللهم انصر الاسلام والمسلمين و اخذل الكفار و المنافقين.

اللهم انصر من نصر الدين واخذل من خذل المسلمين، بجاه محمد و آله الطاهرين.

پیوست شماره ۲۰۰: مربوط به صفحه ۷۲۶

بیانات معظم له در پایان درس خارج فقه به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی در

افغانستان، مورخه ۱۳۷۱/۲/۷

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

از مسائلی که این روزها تا اندازه ای خوشحال کننده است مساله پیروزی برادران ما در افغانستان می باشد. بالاخره بعد از سیزده سال مبارزه و پشتکار و شهید دادن و چهار پنج میلیون آواره، فعالیت و جهادشان بحمدالله به پیروزی رسید و حکومت مارکسیستی کمونیستی افغانستان سقوط کرد. ما ضمن اینکه این پیروزی را به همه برادران و خواهران افغانی و به علما و فضالای افغانستان و به همه مسلمین جهان تبریک عرض می کنیم تذکر می دهیم به برادران که خیال نکنند دیگر کار تمام شده، البته خیلی فعالیت کردند و شهید زیاد دادند، بیش از یک میلیون شهید دادند، افغانی‌ها انصافا پشتکارشان در مبارزات و جنگ‌ها که داشته اند قابل تقدیر است ولی خیال نکنند که کار تمام شده است، تازه اول کار است؛ و بایستی مواظب باشند که هدف، حکومت کردن نیست؛ حکومت بایستی وسیله باشد نه هدف. این گروه‌هایی که مبارزه می کردند، این‌ها همه به اسم اسلام فعالیت می کردند، این همه شهدا برای اسلام شهید شدند، بایستی که حکومت را وسیله ای برای حفظ ارزش‌های اسلامی و مقررات اسلام و دستورات اسلام قرار بدهند.

در کارهایشان سیره پیامبراکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) را الگو و نمونه قرار بدهند. غرضشان پیاده شدن اسلام باشد، خدمت به مردم باشد، حالا که پیروز شده اند نخواهند خدای ناکرده از مردم انتقام بگیرند.

ما وقتی که می بینیم پیامبراکرم(ص) در فتح مکه (با اینکه مکه کانون مخالفت با پیغمبراکرم بود، جنگ‌های مهمی علیه پیغمبراکرم به راه انداختند، ابوسفیان و صفوان ابن امیه و همین سران مکه بودند که این جنگ‌ها را به راه می انداختند و این همه مسلمان‌ها شهید شدند) وقتی که پیغمبراکرم مکه را فتح کرد، می شد حساب همه این‌ها را برسد، اما پیغمبر که نمی خواست انتقام بگیرد، پیغمبراکرم(ص) فرمود: «ما تظنون انی فاعل بکم» به نظر شما من با شما چه بکنم، گفتند: «آخ کریم و ابن اخ

کریم» شما مرد بزرگواری هستید، فرمود: «اذهبوا فانتم الطلقاء» همه شما آزادید؛ و ابوسفیان که سر دسته آن کفار و مشرکین بود پیغمبراکرم خانه او را خانه امن قرار داد، نخواست خونریزی بکند، نخواست جنگ و ستیز زیاد بکند. در جنگ حنین با اینکه مالک بن عوف سی هزار نیرو علیه پیغمبر جمع کرد و گفت: مردم مکه بی عرضگی کرده بودند و ما به حساب محمد می‌رسیم، یک چنین جسارت‌هایی داشت، مع ذلک وقتی که پیغمبراکرم پیروز شد سراغ گرفت «مالک کجاست» گفتند به طائف فرار کرده، فرمود: به او بگوئید اگر بیاید و تسلیم شود خودش را آزاد می‌کنم و اهلش و مالش را به او تحویل می‌دهم و صد شتر هم اضافه به او می‌دهم. خیلی عجیب است! و بعد در اثر این که مالک اطمینان داشت که پیغمبراکرم امین است و هر چه بگوید راست است، دروغ نمی‌گوید (مثل کارهایی که سیاستمداران دنیا امروز وعده می‌دهند به افراد و تخلف می‌کنند نبوده) پیغمبر کارهایش سیاسی و دروغی نبوده است، سیاست بوده اما سیاست واقعی بوده است. مالک به محض اینکه خبر به او رسید آمد در جعرانه خودش را معرفی کرد و پیغمبراکرم هم به این وعده عمل کرد و بعد یکی از مبارزین اسلام که در جنگ شامات و غیره خیلی فعالیت داشت همین مالک بود.

این گروه‌هایی که حالا پیروز شده‌اند از مردم افغانستان یا از گروه‌های دیگر نخواهند انتقامجویی بکنند، و توجه داشته باشند که این پیروزی مربوط به یک گروه خاص و یا اشخاص خاصی نیست. کشور افغانستان از طبقات مختلف، از زبان‌ها، نژادها و مذهبهای مختلف تشکیل شده، هم شیعه دارد هم سنی، همه این‌ها یک واقعیتی است که در افغانستان وجود دارد. یک گروه خاص یا یک قشر خاص نخواهند این پیروزی را اختصاص به خودشان بدهند و حقوق دیگران را زیر پا بگذارند، همه گروه‌ها شهید دادند، همه فعالیت کردند و به واسطه فعالیت همه بود که این پیروزی پیدا شد. اگر چنانچه بعضی از گروه‌ها بخواهند به دیگران زور بگویند و قیم دیگران بشوند و خیال کنند دیگران باید مطیع این‌ها باشند این خودش بزرگترین ظلم است. بایستی تمام این گروه‌هایی که در نهضت افغانستان شریک بودند و فعالیت داشته‌اند مورد مشورت قرار بگیرند و به آن‌ها بها داده شود.

اداره کردن یک کشور از جنگ و پیروزی خیلی مهمتر است و نیرو خیلی لازم دارد، و

از کسانی که کار آزموده اند و سیزده سال مبارزه کرده اند برای اداره کشور بهتر می شود استفاده کرد. این خود محوری و انحصارطلبی و خودبینی که ما انسانها متاسفانه گرفتارش هستیم اخلاق بدی است و خلاصه مواظب باشند ظلم نکنند که «الملک ببقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم».

مگر این حکومتها چقدر دوام و بقا دارد. این همه حکومتهای مقتدر در عالم بوده است که همه از بین رفتند و ساقط شدند. اگر کار نیک کردند اسمشان در تاریخ به خوبی ثبت شده است و هم در قیامت ماجورند؛ اگر ظلم و تعدی کردند هم در تاریخ نامشان به ننگ و نفرین ذکر می شود و هم در قیامت باید پاسخگو باشند.

خلاصه شما که بر این کشور مسلط شده اید نکند خدای ناکرده کاری بکنید که مردم و ملت بگویند صد رحمت به آنها که کمونیست بودند، چهره اسلام را کریه نکنید به اسم اسلام. شما گروهها که روی کار آمده اید بایستی اخلاق اسلام، دستورات اسلام، عفو اسلام، گذشت اسلام و آن سعه صدر اسلام را مد نظر داشته باشید، و برای اداره کشور هم اعتماد به نفس داشته باشید، چشم به این دولت و به آن دولت و این حکومتها و... نداشته باشید. ممکن است که همه کشورها یک طمعی داشته باشند و بیایند سراغ شما و وعدههایی بدهند. خودتان اعتماد به نفس داشته باشید، با هم متحد و هماهنگ باشید. اگر گروهها از شیعه، سنی، پشتو، ازبک و... متحد و هماهنگ شدند افغانستان که زمینه کشاورزی خلی خوب است و گاز و منابع زیاد دارد، می توانند در آینده کشورشان را با اعتماد به نفس ان شاءالله اداره کنند، و مواظب هم باشید مغرور نشوید که غرور انسان را شکست می دهد.

خداوند ان شاءالله دلهای برادران و خواهران افغانی را با همدیگر متحد و هماهنگ کند و خدا به آنها توفیق بدهد بتوانند کشور خودشان را مطابق موازین اسلام خوب بسازند و حقوق همه افراد و طبقات را ان شاءالله مراعات کنند.

خدا ان شاءالله شهدایشان را هم با شهدای صدر اسلام محشور کند.

خداوند ان شاءالله فرجی هم برای سایر مسلمانهایی که در کشورهای دیگر گرفتار کفار و اجانب هستند، مسلمانهای فلسطین، الجزایر، کشمیر و برمه (میانمار) این مسلمانهای میانمار خیلی وضع بدی دارند، دویست سیصد هزار مسلمان در بنگلادش آواره شده اند. خود بنگلادش یک کشور فقیری است آن وقت این بیچارهها آنجا آواره

شده اند. چقدر ظلم و تعدی به آن‌ها شده است. روزنامه‌ها می‌نویسند در این چادرها هر روز یک عده از گرسنگی، از تشنگی، از بی‌دارویی تلف می‌شوند و این سازمان‌های حقوقی دنیا هم این جور جاها برای مسلمان‌ها ساکنند؛ اما اگر یک اسرائیلی یک جوری بشود معرکه می‌گیرند و حقوق بشر و سازمان ملل و همه برایش روضه خوانی می‌کنند. اما مسلمان‌های ضعیف مثلاً این همه مسلمان‌های فلسطین چقدر هر روزه از آن‌ها شهید و مجروح می‌شوند، مسلمان‌های میانمار، کشمیر و جاهای دیگر ولی مع ذلک این سازمان‌های بین‌المللی آن جور که باید از این‌ها حمایت نمی‌کنند.

خداوند ان شاءالله برای همه مسلمان‌های گرفتار فرجی برساند.

خداوند ان شاءالله اسلام را در همه جا پیروز کند و به همه ما هم توفیق بدهد بتوانیم به اندازه قدرتمان به اسلام و مسلمین خدمت کنیم.

خداوند شر کفار و اجانب را به خودشان برگرداند.

خدایا تعجیل در فرج امام زمان(عج) بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۰۱: مربوط به صفحه ۷۲۶

بیانات معظم له در آغاز درس خارج فقه به مناسبت کشتار مسلمانان در بوسنی و

هرزگوین، مورخه ۱۳۷۱/۸/۹

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

انسان هر چه می خواهد مشغول مطالعه و درس باشد با این اوضاعی که مسلمانان دنیا دارند نمی شود، مگر انسان هیچ غیرت نداشته باشد و الا فکر انسان راحت نیست تا مشغول کار و بحث باشد.

یک وقتی همین اسپانیای فعلی عمده اش در تصرف مسلمانان بود و مسیحی ها آن ها را قتل عام کردند و عده زیادی را کشتند، مساجد را اشغال و خراب کردند، مسلمانان را آواره کردند و فاتحه مسلمانان در اسپانیا خوانده شد. حالا هم در همین قسمت یوگسلاوی سابق تقریباً هفت هشت میلیون مسلمان هستند و این ها را در بوسنی و هرزگوین قتل عام می کنند، هر روز انسان می شنود یکی از شهرهای مسلمان را اشغال کردند، خانه ها را روی سرشان خراب می کنند، به نوامیس آن ها تجاوز می کنند، به وضع فجیع آن ها را می کشند و هیچ ارزشی برای آن ها قائل نیستند.

حکومت یوگسلاوی سر تا پا مسلح بود و حالا سلاح ها در اختیار صرب هاست و مسلمان ها دست خالی اند، و اگر هم کسانی بخواهند کمکی به آن ها بکنند آن را مصادره می کنند و نمی گذارند سلاح و مهمات و مواد غذایی به آن ها برسد و با وضع فجیعی همه را دارند می کشند، و متأسفانه این سازمان های جهانی، سازمان ملل و حقوق بشر و این ها همه خفقان گرفته اند.

مساله کویت که پیش می آید آمریکا و فرانسه و انگلستان همه می آیند به عنوان دفاع از کویت، که مثلاً افراد خیال کنند دل آن ها برای افراد سوخته است، در حالی که کویت پایگاه نفتی بود و می خواستند این مرکز را در خاورمیانه در اختیار داشته باشند. هیچ وقت آن ها به فکر مردم محروم و ضعیف و مخصوصاً مسلمانان نیستند و به قتل عام مسلمان ها راضی هستند، و بدبخت آن کشورها و آن هائی که چشم دوخته اند به کشورهای غربی و آمریکا و بانک جهانی و حقوق بشر و سازمان ملل که این ها برای خرابی کشورها و برای تامین عدالت کاری بکنند و مثلاً بیایند و سرمایه گذاری بکنند و کمک کنند، این دیگر خیلی بدبختی است. آن ها اگر بیایند برای استفاده خودشان

می آیند و هیچ وقت به فکر کشورهای اسلامی نیستند، سرمایه گذاری هم نکنند برای غارتگری اموال و ثروتهاست و این بدبختی است که مسلمان‌ها به آن‌ها چشم دوخته اند. اگر مسلمان‌ها همین آیه شریفه را مورد توجه و عمل قرار می دادند: «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا اليهود والنصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم» این‌هائی که کشورهای مسیحی و یهودی را «اولیاء» می گیرند «منهم» هستند، این‌ها مسلمان نیستند. «ان الله لا یهدى القوم الظالمین فترى الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم یقولون نخشى ان تصیبننا دائرة» این‌ها برای اینکه می خواهند مقام خودشان را حفظ کنند و چهار صباحی بر سر ملت‌های ضعیف و محروم مسلط باشند و ثروتهای آن‌ها را غارت کنند می روند با آن‌ها می سازند و الا آن‌ها کی به فکر مسلمانان هستند؟!

خداوند ان شاءالله به حق محمد و آل محمد به مسلمانان، به سران کشورهای اسلامی، به این‌هائی که دارند به اسم اسلام حکومت می کنند یک غیرتی بدهد تا یک حرکتی برایشان پیدا شود و اعتراض کنند، فقط کاری که دارند می کنند اینکه اسرائیل را به رسمیت بشناسند، نماینده‌های کشورهای اسلامی جمع می شوند که به اسرائیل رسمیت بدهند تا مثلا از نظر اقتصادی دستش باز باشد و آزاد باشد، اسرائیل یعنی یک پایگاه آمریکا، یعنی لانه جاسوسی آمریکا در مرکز کشورهای اسلامی، اسرائیل کشور که نیست این در حقیقت ایالت پنجاه و یکم آمریکاست. آن وقت این بدبختها برای این که می خواهند خودشان را حفظ کنند آوانس می دهند به اسرائیل اما به فکر مسلمان‌هائی که دارند در بوسنی و هرزگوین قتل عام می شوند نیستند. من در روزنامه خواندم که همین صرب‌ها می خواستند از پدر و مادر دختری اقرار بگیرند، به دختر هفت ساله در حضور پدر و مادر تجاوز کردند و دختر تلف شد، یا مثلا دونفر از آن لات‌ها بر سر زن مسلمان آبستنی شرط بندی کردند که بچه او دختر است یا پسر و با کارد به شکم آن زن مسلمان زدند و پاره کردند تا ببینند دختر است یا پسر، این جور کارهای وحشیانه را که در تاریخ کمتر بوده است انجام می دهند، آن وقت اگر دیگران بخواهند سلاح و مهمات و غذا به این بدبختها رسانده شود سازمان‌های جهانی ممانعت می کنند اما اسلحه یوگسلاوی سابق تمام در اختیار صرب‌هاست.

واقعا همه تکلیف دارند هر کس به اندازه قدرتش از مسلمان‌ها دفاع کند «من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم». آن‌ها ندایشان بلند است که ما

مسلمانیم و به گناه مسلمانی قتل عام می شویم، هفتاد درصد زمینهایشان را تصاحب کردند، شهرهایشان را خراب کردند، یک عده شان را آواره کردند و آن بیچاره‌ها می گویند حاضریم علف بیابان و برگ درختان را بخوریم، اما سلاح و مهمات نداریم سلاح و مهمات باید به آنها رسانده شود. همه کسانی که قدرت دارند هیچ نباید مراعات دیپلماسی‌های جهانی و پرستیژ و سیاست‌های جهانی را بنمایند.

واجب است که مسلمان‌ها اعتراض کنند، حرکت کنند، و از نظر مال و سلاح و نیرو به هر نحو ممکن به آنها کمک کنند و قطع رابطه کنند با آن کشورهایی که ساکت نشسته اند، یا از صرب‌ها حمایت می کنند. بالاخره مجامع جهانی سکوت کرده اند و مسلمان‌ها غافل و یهود هم به آنها کمک می کند و این جور که پیش می رود می خواهند اسلام در دنیا نباشد، از اسلام می ترسند، از دین خدا می ترسند، و ما بدبختها امید داریم آمریکا و اروپا بیایند به نفع کشورهای ما اقدام کنند، یا سرمایه گذاری کنند!! خیال می کنیم آنها برای ما چیزی می آورند.

من یادم هست در زمان شاه ۳۵ نفر از سرمایه داران آمریکا می خواستند در ایران سرمایه گذاری کنند و من با مرحوم آیت الله ربانی شیرازی رحمة الله علیه یک چیزی نوشتیم، بعد مرحوم آیت الله سعیدی رحمة الله علیه آمد و گفت حیف که این امضا ندارد. اگر هفت هشت تا امضا داشت بهتر بود، گفتم شما برو افرادی پیدا کن امضا کنند من هم حاضر امضا کنم، رفت چیزی نوشت و با امضا خودش فرستاد برای همه، و جانش را در همین راه گذاشت.

خداوند به حق محمد و آل محمد همه شهدای ما را با شهدای صدر اسلام و با شهدای کربلا محشور کند.

خدایا شر کفار و اجانب و دشمنان را به خودشان برگردان.

به مسلمان‌ها قوت و قدرت عنایت بفرما، به مسلمان‌هایی هم که تمکن دارند از نظر قدرت و مقام و مال غیرت بده تا حرکت کنند و به کشورهای دیگر اعتراض کنند که سکوت و بی تفاوت بودن گناه بزرگی است. ما که دستمان خالی است و با ابراز تاثیر لاقابل صدایمان را برسانیم به دنیا که نگویند این‌ها این قدر بی غیرتند و ساکت نشسته اند.

خدایا به حق محمد و آل محمد صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین صاحب ما را به زودی برسان.

پیوست شماره ۲۰۲: مربوط به صفحه ۷۲۶

بیانات معظم له در آغاز درس خارج فقه درباره تخریب مسجد بابرری هند و دیگر
حوادث جهان اسلام، مورخه ۱۳۷۱/۹/۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

هرچند مساله درس خیلی مهم است و درس خواندن برای آقایانی که قدرت و استعداد دارند در این شرائط لازم است و ما زیاد نیاز داریم به علمائی که درس خوانده باشند، در عین حال متعهد باشند و با مسائل روز هم آشنا باشند و بتوانند از اسلام دفاع کنند. امروز روزی نیست که انسان یک گوشه ای درس بخواند و کاری به دنیا و به حوادثی که در دنیا می گذرد نداشته باشد.

همه ما در مقابل حوادثی که در دنیا علیه اسلام و مسلمین می گذرد مسئولیت داریم. چیزی که هست در درجه اول باید انسان مسلح به سلاح علمی باشد و مسلح به تقوا باشد، در عین حال خودش را مجهز کند به چیزهائی که برای دفاع از اسلام لازم است. ما می خواستیم درسمان را بخوانیم ولی گفته شد اعلام شده است که تعطیل باشد. امروز مسائل مهمی مطرح است. یک مساله، همین مساله مسجد بابرری در هند است، ولو یک مسجد است اما این مسجد مظهر اسلام است و سالهاست می خواهند اصلا اسلام زدائی کنند از هند، این منحصر به هند هم نیست، این سیاست اسلام زدائی در همه جا هست و عامل اصلی آن استعمار جهانی و سازمان سیا و سازمان‌های جاسوسی دنیا و صهیونیست‌ها هستند که از اسلام سیلی خورده اند، می خواهند یا اسلام نباشد یا اسلام فقط یک آب و رنگ ظاهری داشته باشد و عمق نداشته باشد. تعبیر می کنند اصول گرایان، مثل اینکه این اصول گرایان را آن‌ها به عنوان ذم می گویند، می گویند مثلا اصول گرایان در مصر علیه دولت مصر فعالیت کردند، کانه مثل اینکه یک فحشی دارند می دهند، در صورتی که این مدح است، اصول گرایان یعنی آنهائی که به ریشه اسلام توجه دارند، اسلامی که یک سر و صورت ظاهری درست کنی و عمق نداشته باشد چه ارزشی دارد؟ بالاخره این حادثه ای که اخیرا در هند اتفاق افتاد و هندوها این مسجد معظمی که در هند بود، مسجد بابرری را، خراب کردند و دولت هند هم می گوید بله، مثل اینکه اشتباه شده یا مثلا فرض بگیرید

درستش می‌کنیم و آباد می‌کنیم.

دولت هند در این جهت صددرصد مقصر است. برای اینکه خود آن‌ها جلوتر گفته بودند، خود آن‌ها می‌دانستند که هندوها دارند به طرف مسجد حرکت می‌کنند و همین‌طور که خبرگزاری‌ها خبر می‌دهند مامورین دولتی آنجا فعالیتی نکردند، دفاع نکردند، در صورتی که دولت هند اگر تمدنی دارد، فرهنگی دارد، مال اسلام است، اسلام و حکومت‌های اسلامی در هند مردم را رشد علمی دادند، رشد فرهنگی دادند، و مظاهر عظمت هند مال مسلمان‌هاست و در عین حال به اصطلاح ما نمک به حرامی می‌کنند و این نمک به حرامی در دنیا هست، مسلمان‌ها در اندلس علم و دانش را به همه اروپا فرستادند و اروپائی‌ها استفاده کردند، اروپای وحشی از علم و تمدن و صنعت و فرهنگ مسلمان‌ها استفاده کردند، ولی مع ذلک ریشه اسلام را زدند و مسلمان‌ها را قتل عام کردند. الان هم باز در اروپا، در همین بوسنی و هرزگوین می‌بینیم دارند مسلمان‌ها را قتل عام می‌کنند، سازمان‌های جهانی هم طفره می‌روند، متاسفانه در کنفرانس اسلامی هم حدود پنجاه کشور اسلامی اجتماع کردند، کاری انجام ندادند، چرا؟ برای اینکه همه این‌ها از سازمان ملل می‌خواهند یک کاری انجام دهد، سازمان ملل یک دستگاهی است که کشورها و قدرت‌های بزرگ به وسیله آن می‌خواهند اهداف خودشان را در دنیا پیاده کنند، حقوق بشر و سازمان ملل و عفو بین‌الملل و این‌ها خیلی هایش بازیچه است. این‌ها برای تضعیف کشورهای جهان سوم و زور گفتن به آن‌ها حقوق بشر را سر و صدا می‌کنند. حقوق بشر الان در بوسنی و هرزگوین چطور زیر پا گذاشته می‌شود، در فلسطین یهودیها فلسطینی‌ها را قتل عام می‌کردند، حالا هم دارند این‌طور می‌کنند، ولی مع ذلک این سازمان‌های حقوق بشر کشور ایران و بعضی کشورهای مثل ایران را زیر سؤال می‌برند. من نمی‌خواهم بگویم حالا هیچ‌جا خلافی نیست اما جنایات بزرگ را نادیده می‌گیرند، من حالا یک قسمتی از روزنامه جمهوری اسلامی را آورده‌ام برای آقایان بخوانم که ببینند چه جنایاتی آنجا مرتکب شده‌اند، برای اینکه اگر بگویم آقایان بروند مطالعه کنند نمی‌روند.

علی‌ای حال این جنایاتی که انجام می‌شود چه در هند چه در بوسنی و هرزگوین چه در فلسطین، کشورهای اسلامی، مسلمان‌ها مسئولیت دارند، حق ندارند ساکت

باشند، ما حداکثر می‌توانیم یک راهپیمایی بکنیم، یک اظهار تنفیری بکنیم، یک فاتحه ای بخوانیم، یک حمدی برایشان بخوانیم؛ اما پنجاه تا کشور اسلامی جمع شدند، این‌ها قدرت دارند، نفت و گاز که وسیله گردش چرخ صنعت دنیاست دست کشورهای اسلامی است. عربستان و کویت و قطر و همین کشورهایی که در ظاهر ضعیفند این‌ها مقتدرند، قدرت نفتی دست این‌هاست، اما متأسفانه وابستگی دارند و الا پنجاه تا کشور اسلامی می‌توانند فشار بیاورند به کشورهای بزرگ، نه اینکه فقط یک کنفرانس بگیریم، بعد هم از سازمان ملل بخواهیم که این کار را بکند بعد هم بیایند و بگویند نخیر نباید دخالت مسلحانه کرد، مسلمان‌ها آنجا قتل عام بشوند به وسیله اسلحه یوگسلاوی سابق و صربستان، و مسلمان‌ها دستشان خالی باشد و سلاح نداشته باشند؟! این‌ها مصیبت است که در دنیا می‌گذرد. علی‌ای حال دولت‌ها وظیفه دارند، هم در مورد مساله هند و هم مساله بوسنی و هرزگوین و هم مساله فلسطین باید اعتراض کنند، در بعضی جاها تهدید به قطع رابطه کنند، مثلاً روابط اقتصادیشان را محدود کنند. این مسائل، مسائل خیلی مهمی است که در دنیا می‌گذرد، سکوت کردن روا نیست و گناه است.

من به شما عرض کنم خدا شاهد است که هر چه می‌گویم قصدم خداست و برای انجام وظیفه است، همان سیاستی که مسجد بابری را خراب می‌کند، همان سیاستی که در بوسنی و هرزگوین مسلمان‌ها را قتل عام می‌کند، در فلسطین مسلمان‌ها را شکنجه می‌دهند، زندان می‌کنند، قتل عام می‌کنند، همان سیاست است که در مجامع علمی فقاقت و مرجعیت و روحانیت را تضعیف می‌کند. خراب کردن مسجد بابری خیلی جنایت بزرگی است، نگوئید خوب مسجد آجر است و خشت، نخیر مظهر اسلام است، شعار اسلام است، مرکز اسلام است، به اعتباری که کانون اسلامی است، حمله به آن حمله به اسلام است. حمله به حریم مرجعیت و فقاقت و روحانیت به هر نحوی باشد این هم حمله به اسلام است، مرجعیت شیعه همیشه در وقتهای حساس که حکومتها انحرافات داشتند، اشتباهاتی داشتند، حافظ استقلال مسلمین بوده، حافظ اسلام بوده است. مرحوم میرزای شیرازی اعلی‌الله مقامه با یک فتوایش آن برنامه ای را که قرارداد استعماری ناصرالدین شاه با تالبوت انگلیسی بود به هم زد و ضربه زد به انگلستان، و این‌ها از همان وقتهای که فکر افتادند مرجعیت را کوچک کنند،

تحقیر کنند؛ تحقیر کردن مرجعیت، به حریم مرجعیت حمله کردن، اهانت‌ها، این کارهایی که چهارتا بچه یک وقت می بینی برای مراجع وظیفه معین می کنند، این‌ها بالمآل به ضرر اسلام و به ضرر تشیع است. همیشه علما و مراجع بودند که اسلام و تشیع را حفظ می کردند در مقابل دولت‌های استعماری، مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی (ره) با قدرت مرجعیتشان بود که توانستند این انقلاب را به پیروزی برسانند و الا همه یادتان هست مرحوم آیت الله کاشانی خیلی فعالیت می کرد، تبعیدش کردند، زندانش کردند، اعلامیه می داد، نتوانست کاری بکند؛ برای اینکه مراجع با او همراه نبودند، اما مرحوم امام قدس سره با همان قدرت مرجعیتش توانست پیروز بشود، لذا سازمان‌های کفر جهانی، استعمار، سازمان سیا به فکر تضعیف روحانیت و مرجعیت افتادند. آن‌هایی که همه جا ایادی دارند، متاسفانه در حوزه ما هم احتمالا داشته باشند.

در نجف مرحوم آخوند خراسانی که از موسسین مشروطیت بود وقتی دید قضایا وارونه شد، مشروطیت کارش به جایی رسید که حاج شیخ فضل الله نوری را به دار زدند و کف زدند، مرحوم آخوند تصمیم گرفت بیاید ایران و قضیه را برگرداند، شب مرحوم آیت الله حاج سید اسماعیل صدر را دعوت می کند در خانه شان و می گوید من تصمیم دارم بروم در ایران و قضایا را برگردانم، مرحوم آقای صدر گفته بود که ما قول دادیم با او همراهی بکنیم، ایشان گفته بود اذان صبح خبر دادند که مرحوم آخوند دیشب سخته کرده است. آخوند سالم همین که تصمیم می گیرد به ایران بیاید سخته می کند!! بعد هم همان علمائی که در مشروطیت بودند و چه بسا در دلشان هم با دار زدن حاج شیخ فضل الله نوری موافق بودند خود آن‌ها را هم ترور کردند، حاج سید عبدالله بهبهانی را هم ترور کردند، این ایادی همیشه بودند و هستند، بنابراین همان سیاست استعماری که مسجد بابری را خراب می کند و مسلمان‌ها را تضعیف می کند و اسلام را می خواهد از هند بیرون بفرستد، همان سیاستی که می خواهد در قلب اروپا اسلام نباشد و دارند مسلمان‌ها را قتل عام می کنند، همان سیاست مقام مرجعیت و فقاقت را تضعیف می کند، تنزل می دهد، حمله می کنند، علیه علما اعلامیه پرانی می کنند، والله از گناهان کبیره است این کاغذ پرانی‌هایی که می شود، و مسئولین هم اگر ساکت باشند گناه است، مسئولین هم وظیفه دارند در مقابل این کارها اقدام بکنند، الراضی بفعل قوم کالداخل فیه معهم، باید جلو این چیزها گرفته شود.

من یک حدیث برایتان بخوانم (کافی ج ۲ ص ۳۵۸) از امام صادق علیه السلام: «من روی علی مومن روایه یزید بها شینه و هدم مروته لیسقط من اعین الناس اخرجه الله من ولایته الی ولایة الشیطان فلا یقبله الشیطان» کسی که علیه یک مومنی یک چیزی را نقل کند و بخواهد او را تعییش کند، شخصیتش را خرد کند، برای اینکه از چشم مردم بیفتد، چنین کسی از ولایت خدا منقطع می شود، شیطان هم تحویلش نمی گیرد، می فرماید: فلا یقبله الشیطان، یعنی این قدر گنااهش بزرگ است. این کاغذ پرانی چیست علیه علما و بزرگان می کنند و همه ساکت نشسته اند؟! والله گناه بزرگیست و توبه اش قبول نیست کسی که این کار را بکند، مگر اینکه اعلام بکند که من کردم و اشتباه کردم و گناه کردم، و الا اگر فقط بگوید پیش خدا توبه کردم توبه اش قبول نیست، همیشه در شهرها مراجع داشتیم علما داشتیم بزرگان داشتیم، این‌ها حامی اسلام و تشیع بودند، در مقابل انحرافهای حکومتها ایستادگی می کردند، همه را ما خرد بکنیم، در حوزه و غیر حوزه علما را تضعیف کنیم! من یک داستانی برایتان نقل بکنم، حجة الاسلام آقای شیخ مصطفی رهنما را می شناسید، ایشان یک کارهائی می کرد، مرحوم آیت الله العظمی بروجردی دل خوشی از او نداشت برای اینکه گاهی از اوقات یک چیزهائی همین طور می نوشت، ولی آدم خیلی متدینی است، ما با هم زندان بودیم؛ یک وقتی مرحوم حاج احمد گفته بود صبح رفتم دیدم که همین طور آیت الله بروجردی راه می رود و ناراحت است، لاله الاالله، لاله الاالله می گوید و اوقاتش تلخ شده است و می گفت من دیشب تا صبح نخوابیدم، پرسیدم چرا آقا خوابیدید؟ گفتند برای اینکه آشیخ مصطفی رهنما را گرفته اند، گفتم خوب آقا او که با شما خیلی خوب نیست، شما هم که خیلی با روش او موافق نیستی، گفتند نه، من شخصاً با او جور نیستم یک مساله است، اما گرفتن او اهانت به من است، اهانت به روحانیت است اینکه بی جهت مزاحم یک روحانی بشوند. اگر یک روحانی جنایت کرده، دزدی کرده، خیانت کرده -روحانی جنایت نمی کند، این جانی بوده آمده روحانی شده- باید بفرستندش دادگاه و همان جریمه ای که خدا برایش معین کرده اجرا بکنند، ما که نمی گوئیم آخوندها معصومند، اما اینکه هی روحانیت را تضعیف کنیم، کم کم مراجع و علما و فقها را که بین مردم موقعیت دارند و مردم از آن‌ها

حرف شنوی دارند تحقیر و تضعیف کنیم، مسلما سر نخ این سیاست در سازمان سیا و استعمار جهانی است و لو به دست افراد سالم انجام شود، این ها گناه است و هرکس بتواند و جلو نگیرد گناهکار است در این جهت، من برای اتمام حجت عرض کردم، بایستی که مراجع و بزرگان و فقها موقعیتشان محفوظ باشد، حریمشان محفوظ باشد، احترامشان محفوظ باشد، نباید چهارتا بچه حق داشته باشند بردارند و یک چیزی را پخش کنند و هیچکس هم هیچ چیزی نگوید. علی ای حال با این همه جنایاتی که انجام می شود بخواهیم هم درس بخوانیم نمی شود. ما کار دیگر که نمی توانیم بکنیم، برای اظهار تنفر از این عملی که در هند واقع شده درسمان را تعطیل می کنیم. حدود ۲۰۰ میلیون مسلمان در هند هست، خراب کردن مسجد بامبری در حقیقت بی احترامی به اسلام و بیش از یک میلیارد مسلمان است، این مربوط به هند نیست، مربوط به همه جهان اسلام است. علی ای حال سزاوار است که آقایان هم راهپیمایی کنند، اعتراض کنند، به هر نحو که می توانید اعتراضتان را برسانید. برای شادی روح مسلمان هائی که هم در هند هم در بوسنی و هرزگوین و هم در فلسطین هر روز به شهادت می رسند ما این مجلسمان را تبدیلیش می کنیم به مجلس فاتحه ای برای شادی روح همه مسلمان ها و همه بزرگان گذشته، یک حمد و سه قل هو الله آقایان اهداء کنند.

اللهم صل علی محمد و آل محمد،...

اللهم انصر الاسلام والمسلمین و اخذل الکفار والمنافقین.

اللهم انصر من نصر الدین و اخذل من خذل المسلمین.

بجاه محمد و آله الطاهرین.

سپس حضرت آیت الله العظمی منتظری قسمتی از روزنامه جمهوری اسلامی مورخه شنبه ۷۱/۹/۱۴ را که از کتاب «بوسنی در خون» نقل کرده و در آن جنایات صربها در ۳۹ قسمت مختلف تقسیم بندی شده بود را قرائت کردند.

پیوست شماره ۲۰۳: مربوط به صفحه ۷۲۶

پرسش از عقیده معظم له در ارتباط با فدک و پاسخ ایشان، مورخه ۱۳۷۲/۲/۱۶

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله العظمی جناب آقای منتظری دامت برکاته

ضمن عرض سلام خدمت حضرتعالی، مدتی است که در بعضی محافل مطرح می شود که عقیده شما این است که فدک جزء اموال مسلمین بوده و گرفتن آن توسط خلفا اشکالی نداشته است، اینجانب که یکی از مقلدین شما هستم تصمیم گرفتم مساله را از خود شما سؤال کنم، لطفا نظر خودتان را برای ما بنویسید. متشکرم.

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از سلام و تحیت، موضوع نامبرده تهمتی است ناروا. در اینکه فدک در اختیار پیامبراکرم صلی الله علیه وآله و سلم بود و آن را به حضرت زهرا سلام الله علیها بخشیدند تردیدی نیست و روایات شیعه و سنی بر این امر دلالت دارد.

و پس از رحلت پیامبر(ص) کسی حق نداشت بر خلاف عملی که آن حضرت انجام داده اقدام نماید، منتهی کسانی اشکال می کردند که چرا پیامبر(ص) فدک را که در آن زمان منطقه وسیع و منبع درآمد خوبی بود تنها به حضرت زهرا(ع) دادند، در صورتی که اسلام دین مساوات است و اوضاع مسلمانان در آن زمان خوب نبود و مهاجرین عموماً و اصحاب صغه خصوصاً در مضیقه و فشار بودند و خود پیامبراکرم و زنان آن حضرت و هم چنین علی(ع) و حضرت زهرا زندگی فقیرانه و زاهدانه ای داشتند.

اینجانب بر حسب استنباط از روایات و منابع تاریخی اسلام می گفتم: پیامبراکرم فدک را که به حضرت زهرا(ع) دادند نه فقط به جهت اینکه دخترشان بود دادند، بلکه به جهت اینکه در خانه علی(ع) بودند و فاطمه و علی از یکدیگر جدا نبودند و بیت آنان بیت امامت آینده مسلمین بود، با اعطاء فدک به حضرت زهرا(ع) می خواستند بیت

امامت آینده را از نظر مالی تحکیم کنند تا پس از وفات آن حضرت دستشان خالی نباشد. پس در حقیقت پیغمبر(ص) می خواسته اند فدک را به بیت امامت و رهبری آینده بدهند ولی به حضرت زهرا دادند تا به احترام اینکه دختر پیامبر است در آن طمع نکنند و نگیرند و بر فرض که بگیرند -چنانچه گرفتند- وقاحت عمل آنان بارز و ظاهر باشد و دلیل محکمی بر مظلومیت آنان باشد، پس مسأله فدک با مسأله امامت عترت پیامبر گره خورده است. ولذا وقتی که هارون الرشید به حضرت موسی بن جعفر(ع) گفت: حدود فدک را مشخص کنید تا به شما برگردانم، حضرت حدود فدک را حدود کشور اسلام معرفی کرد. پس هارون گفت: «فلم یبق لنا شیء» یعنی: پس برای ما چیزی باقی نماند. و خلاصه کلام اینکه پیامبر اکرم(ص) به منظور تحکیم مالی بیت امامت فدک را به حضرت زهرا(ع) دادند چنانچه مخالفین نیز به خاطر تضعیف آن بیت آن را گرفتند، مقتضی است به مجلد سوم کتاب ولایة الفقیه اینجانب صفحه ۳۲۹ و بعد از آن مراجعه شود. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۴ ذی القعدة ۱۴۱۳ - ۱۳۷۲/۲/۱۶

حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
حضرت آیت‌الله العظمی جناب آقای منتظری دامت برکاتہ ؛

ضلع عرض سلام خدمت حضرتعالی مدتی است که در بعضی مجالل مطرح میشد که عتبه شما اربع است که فکرت جزء اموال مسلمین بوده وگرنه فتح آن توسط خلفا اشکال نداشته است، اینجانب که یکی از متکلمین شما هستم تقصیر گزفتم مآله را از حزد شما سؤال کنم، لطفاً نظر خودتان را برای ما بنویسید. متشکرم.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پس از سلام و تحیت موضوع نامبرده لایحه ای است ناروا، در اینکه فکرت در اختیار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود و آن را بحضرت زهرا سلام الله علیها بخشیدند تردیدی نیست و روایات متعددی بر این امر دلالت دارد و پس از رحلت پیامبر صحنی که حق تبارک بر خلاف عملی که آن حضرت انجام داده اقدام نماید دادند علیها گناهی اشکالی میگردد که چرا پیامبر صحن فکرت را که در آن زمان منطقه وسیع و منبع درآمد خود بود تنها بحضرت زهرا داد در صورتیکه اسلام دین مساوات است و اوضاع مسلمانان در آن زمان خوب نبود و مهاجرین محروم و اعیان فقیران خصوصاً در مصیقه و فقر بودند و خود پیامبر اکرم و زنان آن حضرت و هم چنین علی و حضرت زهرا از زندگی فقیرانه و زاهدانی داشتند این جانب بر حسب استنباط از روایات و منابع تاریخی اسلام می گویم: پیامبر اکرم فکرت را بحضرت زهرا دادند نه فقط بحیث اینکه دخترش بود و دادند بلکه بحیث اینکه در خانه علی بودند و فاطمه و علی از زندگی جدا نبودند و بیت آنان نسبتاً امانت آسان مسلمین بود. با اعطاء فکرت بحضرت زهرا فتح خود استند بیت امامت آئین را از نظر ما محکم کنند تا پس از وفات آن دستشان خالی نباشد. پس در حقیقت پیغمبر صحنی خود استند فکرت را به بیت امامت و رهبری آئین بدهند و بحضرت زهرا دادند تا با احترام اینکه دختر پیامبر است در آن طمع نکنند و فکرت را بر زمین نگذارند - چنانچه گفته شد - و حاجت شما را آن بار زودتر برآورد و دلیل محکم بر غلظت آئین با شما. پس مآله فکرت را مآله امامت حضرت پیامبر گره خورده است و لذا وقتیکه که روزی از حضرت موسی بن جعفر گفت: حدود فکرت را مشخص کنید تا با ما برگردانم. حضرت حدود فکرت را حدود کور اسلام معرفی کرد. پس بیرون گفت: «فلم یبق لنا شیء» یعنی: بجز برای ما چیزی باقی نماند.

و خلاصه کلام اینکه پیامبر اکرم صحن منظور حکم طایفه بیت امامت فکرت را بخواند چنانچه مخالفین نیز می توانستند آن را گرفتند. مقتضی است به مجلد موعود کتاب ولایة الفقیه این جانب صفحه ۲۹ و بعد از آن را جمع شود.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ۱۳ ذی القعدة ۱۳۴۱ - ۱۳۷۲/۲/۱۶



پیوست شماره ۲۰۴: مربوط به صفحه ۷۲۶

بیانات معظم له در پایان درس خارج فقه پیرامون مسائل فلسطین، مورخه ۱۳۷۲/۶/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

از مرکز مدیریت حوزه پیغام داده اند که فردا درسهای صبح تعطیل باشد به عنوان اعتراض به مساله فلسطین و آقایان راهپیمایی بکنند. مساله فلسطین از مسائل مهم اسلام است و یک نکته در کلام آقایان کمتر دیده می شود که این نکته را تجزیه و تحلیل کنند. دو تا مساله است، یک وقت است مثلا مثل عرفات و اینها می گویند بله ما همه اراضی را از دستمان گرفته اند و اشغال کرده اند حالا هم زورمان رسیده و نوار غزه و اریحا را پس می گیریم، اگر این باشد انسان البته از دست دشمن بتواند هر مقدار از مال خود را پس بگیرد خیلی خوب است اما مساله این نیست، مساله این است که دارند اسرائیل را به رسمیت می شناسند به عنوان یک دولت در این منطقه. یعنی اسرائیل مفت نمی بازد، اولاً که استقلال کامل به اینها نمی دهد، علاوه بر این مساله این است که اسرائیل را به رسمیت بشناسند در صورتی که اسرائیل یک حکومت غاصب است در سرزمینهای مسلمانها، البته در فلسطین مسیحی و یهودی هم وجود داشته، فلسطین مال مردم فلسطینی است اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی، اما اینها که دولت اسرائیل را تشکیل دادند اینها که اهل اینجا نبودند. سیاستمداران آمریکا، اروپا و انگلیس اینها را از همه جا جمع کردند و از استعمار جهانی یک پایگاه نظامی برای خودش در وسط کشورهای اسلامی برقرار کرد و از هر نظر مجهزش کردند.

مشکل اسرائیلیها این بود که مساله انتفاضه و مساله حماس خواب راحت را از اسرائیلیها گرفته بود. اینها نه اینکه دلشان برای فلسطینیها یا برای عرفات سوخته بود که بخواهند یک تکه زمین به او بدهند، اینها این آتش که مشتعل شده و دارد ریشه اسرائیل را می زند که همان مساله انتفاضه باشد می خواهند به این وسیله این آتش را خاموش کنند و اسرائیل را به رسمیت بشناسند و کم کم کشورهای عربی هم به رسمیت بشناسند و کشورهای عربی هم بشود بازار مصرف اسرائیل. اسرائیل از خدا دلش می خواهد که اینجا یک کانونی باشد که مصنوعات خودش را به کشورهای

اسلامی بفروشد و پول‌های نفت آن‌ها را بگیرد و انتفاضه هم خاموش شود تا خیال خودش راحت باشد. آنچه مورد اشکال است این نیست که چرا شما یک مقدار کم زمین از اسرائیل پس گرفته اید و اگر بتوانیم پس بگیریم باید واقعا همه اش را پس گرفت اما چیزی که به زور گرفته شده باید به زور پس گرفت و آن‌ها پس نمی دهند، و فلسطین مال اسرائیل نیست مال مردم فلسطینی است، و قدس مال مردم فلسطین فقط هم نیست مال همه مسلمین است و کسی حق ندارد بیاید روی مسجد الاقصی معامله بکند.

نوار غزه و اریحا را گرفتن یک مساله است، اما مساله قدس چه می شود که مال همه مسلمانان است؟ سایر اراضی اشغالی چه می شود؟! حقوق فلسطینی‌ها که تضییع شده چه می شود؟ آنچه مشکل ماست این است.

متأسفانه کشورهای اسلامی با همه امکانات و قدرتی که دارند مع ذلک از قدرتشان استفاده نکردند و مطیع صددرصد استعمار شدند. استعمار دارد پایه‌های اسرائیل را محکم می کند و این‌ها هم دارند تایید می کنند، البته گفتند بله حالا یک خرده از اراضی اشغالی را می گیریم. علی ای حال آنچه مورد اعتراض ماست این معناست، به رسمیت شناختن اسرائیل، و اینکه یک کشوری باشد ذی حق، دزدی که آمده در خانه بگوئیم بله صاحب حقی و یک گوشه اش را به ما بده، و این یک گوشه اش را هم صد درصد به شما نمی دهند، و بالاخره بر همه ماست که به این معنا اعتراض بکنیم (به رسمیت شناختن اسرائیل) و اسرائیل هم خیال کرده است بدین وسیله راحت از دست انتفاضه نجات پیدا می کند. در قرآن کریم خداوند فرموده است این‌ها تا روز قیامت گرفتارند «و اذ تاذن ربک لیبعثن علیهم الی یوم القیامة من یسومهم سوء العذاب ان ربک لسریع العقاب». این ظلم‌ها که اسرائیلی‌ها و صهیونیست‌ها کرده اند اگر خیال کردند که از دست فلسطینی‌ها و مسلمان‌ها نجات پیدا می کنند، نه، نجات پیدا نمی کنند و در روایات وعده داده شده است که اهل قم هم ان شاءالله سبب می شوند که فلسطین به دست مسلمانان فتح بشود. اهل قم ان شاءالله و حوزه علمیه قم مطابق روایتی که در بحار است در این جهت نقشی دارد.

بالاخره ان شاءالله انتفاضه برقرار است و فلسطینی‌ها اگر بخواهند ساکت باشند باخته اند. این‌ها همه عرفات را آورده اند میان، که عرفات انتفاضه و حماس را ساکت و

آرام کند، و مسلمین وظیفه شان این است که دفاع بکنند از اراضی اسلامی و مخصوصاً از مسجد قدس که متعلق به همه مسلمین است و هیچکس حق ندارد روی آن معامله بکند. علی ای حال فردا را بدین مناسبت گفته اند که درسه‌های صبح تعطیل باشد.

خداوند ان شاءالله به حق محمد و آل محمد(ص) شر کفار و اجانب و دشمنان را از سر اسلام و مسلمین برطرف نماید.

خدا ان شاءالله فلسطین و کشمیر و بوسنی و جاهای دیگر را که مسلمانان گرفتارند نجاتشان بدهد، خداوند به همه ما توفیق بدهد که در هر شرایطی از اسلام و مسلمین دفاع بکنیم.

والسلام علیکم جمیعاً و رحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۰۵: مربوط به صفحه ۷۲۶

بیانات معظم له در آغاز درس خارج فقه به مناسبت ولادت حضرت معصومه (س) و یادآوری مشکلات جهان اسلام، مورخه ۷۳/۱/۲۳، اول ذی القعدة ۱۴۱۴

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

طبق نقلی که شده امروز روز ولادت حضرت معصومه سلام الله علیها است، البته من چیزی برای این پیدا نکردم که ولادت ایشان چه روزی بوده است لابد آقایان تحقیق کرده اند. آنچه مهم است تشرف ما به شهر قم می باشد و اینکه در زیر لوای حضرت معصومه (س) زندگی می کنیم. از امام زادگانی که ائمه علیهم السلام روی آن زیاد تاکید کرده اند حضرت معصومه (س) است و این دلیل بر اهمیت موقعیت ایشان است. مرحوم مجلسی نقل می کند قبل از آنکه حضرت موسی بن جعفر (ع) متولد شده باشد امام صادق (ع) فرمودند: که خدا حرمی دارد و حرم خدا مکه است، پیغمبر (ص) حرمی دارد مدینه، و امیرالمومنین (ع) حرمی دارد کوفه و ما اهل بیت (ع) حرمی داریم و حرم ما اهل بیت قم است، بعد می فرماید: «ستدفن فيه امرأة من ولدی تسمى فاطمة» یکی از اولاد من در آینده به قم می آید به نام فاطمه و در آنجا دفن می شود و هرکس او را زیارت کند «وجبت له الجنة» بهشت برای او واجب می شود و از حضرت رضا (ع) ظاهراً به چند سند هست که هر کس زیارت کند خواهر من فاطمه (س) را در قم «فله الجنة».

یک سال بعد از آنکه مامون حضرت رضا (ع) را به خراسان احضار کرد و حضرت به آنجا تشریف بردند، حضرت معصومه (س) به عنوان زیارت برادرشان حرکت کردند و در ساوه مریض شدند و ایشان را به قم منتقل نمودند و در قم از دنیا رفتند، و خود حضرت رضا (ع) فرمودند که هرکس زیارت کند خواهر مرا در قم فله الجنة، منتهی «عارفاً بحقها» (بعضی نقلهایش دارد) و همین طور حضرت جواد (ع) فرمودند هرکس عمه مرا در قم زیارت کند بهشت از برای او است و حضرت رضا (ع) دستور زیارت حضرت معصومه (س) را اینطور که مرحوم مجلسی (ره) نقل می کند بیان فرمودند: رو به قبله بایستید و ۳۴ مرتبه الله اکبر و ۳۳ مرتبه سبحان الله و ۳۳ مرتبه الحمد لله و بعد این زیارت را بخوانید. اینکه زیارت مخصوصه ای امام زاده ای داشته باشد به بیان

خود امام(ع) این خیلی اهمیت دارد. بحار ج ۹۹ ص ۲۶۵ برای زیارت حضرت معصومه(س) یک باب ذکر کرده و روایات محکمی دارد. به هر حال به فرمایش سه امام (امام صادق و امام رضا و امام جواد(ع)) هرکس حضرت معصومه(س) را زیارت کند «فله الجنة» این خیلی مهم است «عارفا بحقها».

حالا برای ما افتخار است که زیر پرچم حضرت معصومه(س) هستیم. آقایان سعی کنند به زیارت حضرت زیادتر و بیشتر بروند. اصولا زیارتها برای انسان حالی می آورد، این دنیای آلوده، این گرفتاری‌هایی که ما داریم، خلاصه خواهی نخواهی همه گرفتار علائق دنیا، مقام دنیا، مال دنیا و این جور چیزها هستیم. غفلت برای انسان زیاد پیدا می شود و رفتن به عتاب مقدسه و آن‌ها را شفیع قرار دادن توجه انسان را جلب می کند بلکه انسان علائقش کمتر بشود و در ضمن در دعاهایتان هم همیشه دعای شخصی نداشته باشید، امروز دعا‌های عمومی برای جهان اسلام خیلی مهم است و واقعا مسلمان‌ها غریب اند. اینکه در روایات دارد اسلام «بدء غربیا و سيعود غربیا» الان است. بیش از یک میلیارد مسلمان در دنیا داریم، بی سرپرستند، ضعیفند. شما ببینید یک اسرائیل سه چهار میلیونی مثل غده سرطان آن را بین کشورهای اسلامی کاشته اند، هر روز تقویتش می کنند به او هواپیما و وسائل جنگی می دهند. در صنایع نظامی، حتی صنایع اتمی دستش باز و آزاد است که هر کار می خواهد بکند، اما کشورهای اسلامی حق ندارند صنایع پیشرفته داشته باشند، همه اش کنترل می شود.

خلاصه یک وقتی سیاست دنیا دو قطبی بود، قطب شرق و قطب غرب، و در اثر اینکه دو قطب تضاد داشتند از ترس یکدیگر بسا یک زورهایی به دنیا نمی گفتند و جهان سوم یک نفس راحتی بین دو قطب بسا می کشید اما حالا جهان در حقیقت یک قطبی است حتی شوروی هم در زیر سلطه و از اقمار آمریکا است، و سران کشورهای اسلامی هم خود باخته و خود فروخته هرکدام برای حفظ یک موقعیت مختصر خودشان امکانات کشورشان را، نفتشان را، گازشان را، این‌ها همه را می دهند، از دلارهایشان هم بانک‌های آمریکا استفاده می کنند این‌ها هم خودشان اسیر و ذلیل آن‌ها هستند، آن وقت می بینید مثلا در مرکز اروپا الان این مساله جنگ بوسنی هرزگوین چیز کوچکی نیست و شما در تاریخ می خوانید اسپانیا یک کشور اسلامی متمدنی بود که اروپا را تحت تاثیر قرار داده بود، علوم اسلامی از راه اسپانیا به اروپا

سرایت کرد، فرانسه و کشورهای دیگر اروپا همه از آن تمدن و علم اسپانیا استفاده کردند ولی مسیحیت تصمیم گرفتند که مسلمانان را از بین ببرند که بردند و قتل عام کردند. الان هم تصمیم گرفته اند همین کشور بوسنی هرزگوین را از بین ببرند. سازمان ملل و کشورهای اسلامی هم گاهی از اوقات حرفی برای خالی نبودن عریضه می زنند ولی اگر تصمیم می گرفتند، این‌ها قدرت اقتصادی دارند اگر چنانچه یک ماه نفت و گازشان را به اروپا و آمریکا ببندند آن‌ها را فلج می کنند اما چنین عرضه ای ندارند. بالتیجه الان اسلام غریب است، مسلمانان غریبند، با اینکه یک میلیاردند چون بینشان وحدت کلمه و هماهنگی نیست آن بوسنی و هرزگوین آن جور است که در حقیقت می خواهند اسلام را از اروپا منقرض کنند. در فلسطین می بینید فلسطینی‌ها را بازی داده اند. اسرائیل هر روز مسلمانان را پای میز مذاکره می کشاند، جز اینکه ذلیل کند مسلمانان را هیچ نتیجه ای ندارد، چیزی که اسرائیل به زور گرفته است پس نخواهد داد، باید به زور از او گرفت و مسلمانان قدرت دارند متهمی بی عرضه اند. کشورهای اسلامی اگر چنانچه عرضه داشتند می توانستند اسرائیل را داغان کنند، ولی متاسفانه همه می خواهند او را به رسمیت هم بشناسند روابط اقتصادی هم برقرار کنند. هر روز دشمن دارد پیش می آید مسلمانان هم عقبگرد می کنند و متاسفانه دنیا هم که یک قطبی شده دیگر آن چیزی که جلو زور را هم بگیرد نیست ما هم که قدرت مقابله نداریم تا جلو زور همه دنیا بایستیم. پس بنابراین در دعاهایتان به مشاهد مشرفه که می روید، در نمازهایتان اگر دعا برای کارهای شخصی خودتان می کنید، برای کارهای اجتماعی، برای جهان اسلام هم دعا کنید، اللهم اصلح کل فاسد من امور المسلمین بگوئید، اللهم انصر الاسلام والمسلمین و اخذل الکفار و المنافقین، اینجور دعاها را هم از صمیم قلب داشته باشید، بلکه ان شاءالله خداوند در فرج صاحب امر تعجیل کند و شر دشمنان اسلام و مسلمین برطرف بشود.

بحق محمد و آل محمد خداوند ما را از شیعیان ائمه اطهار(ع) و از شیعیان و پیروان حضرت معصومه(س) مقرر بفرماید و اینکه در زیارتش همیشه می خوانیم یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة و ان لک عندالله شاننا من الشان، خدایا این دعا را در حق ما مستجاب بفرما. والسلام علیکم جمعاً و رحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۰۶: مربوط به صفحه ۷۲۶

بیانات معظم له در آغاز درس خارج فقه به مناسبت کشتار بیرحمانه مسلمانان شهر

گوراژده در بوسنی، مورخه ۷۳/۱/۲۹

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

متأسفانه داستان ما مسلمانان مثل داستان علماء مسیحی است که می گویند وقتی که قسطنطنیه را گرفتند و اشغال کردند دیدند در مدرسه، طلاب مسیحی بحث می کنند که آیا ناسوت حضرت عیسی (ع) را به صلیب کشیدند یا لاهوتش را در صورتی که کشورشان و شهرشان همه چیزشان اشغال شده بود اینها سرشان به این جهت بند بود. ما مسلمانان از اطراف مورد هجوم واقع شده ایم از درد ناچاری سرمان را به مسائل غیراصولی بند کرده ایم.

شما اخبار را گوش می دهید سازمان ملل با اینکه شهر گوراژده را منطقه امن اعلام کردند و مسلمانان بی پناه را به آنجا جذب کردند حالا این شهر مورد هجوم واقع شده و این طور که از رادیوها استفاده می شود این شهر سقوط کرده. در جریان جنگ بوسنی این طور که می نویسند حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار مسلمان کشته شدند بیش از دو میلیون آواره شدند [با حالت گریه] بیش از ۵۰ هزار زن مسلمان مورد تجاوز کفار قرار گرفتند و زن و بچه شان همه آواره کوهها شدند، و سازمان ملل هم به نظر می آید به صربها خط می دهد به جای اینکه جلو بمباران صربها را بگیرد، با امروز و فردا کردن صربها به بمباران ادامه دادند تا بالاخره شهر سقوط کرد. عینا همان جریان اندلس و اسپانیای سابق دارد تکرار می شود، تاریخ همیشه تکرار می شود. اندلس یکی از پایگاههای اسلام بود و مرکز تمدن هم بود، اروپا از علم آنها از همه چیز آنها استفاده کردند ولی مع ذلک مسلمانان را در اندلس قتل عام کردند و اندلس را از جغرافیای اسلام حذف کردند. الان هم همان نقشه است می خواهند یک پایگاه اسلامی در منطقه اروپا نباشد. هم آمریکا هم اروپا اسلام را از آنجا دارند محو می کنند و مسلمانان را قتل عام می کنند. از آن طرف پای اسرائیل را به کشورهای اسلامی باز کرده اند و در همین کشور عمان هیات اسرائیلی آمده اند و از آنان پذیرائی می کنند و فردا عربستان

هم می روند، امارات هم می روند و خلاصه تمام این قتل عام‌هایی که اسرائیل کرد و اشغال اراضی و این‌ها همه پاداشش این است که یک اسرائیل قدرتمندی که بمب اتمی هم داشته باشد در منطقه باشد اشکال ندارد اما کشورهای اسلامی چنانچه بخواهند خودشان را مجهز کنند برای دفاع در موارد ضرورت این قدر برایشان معرکه می گیرند، سازمان ملل و شورای امنیت چقدر برایشان معرکه می گیرند، و رسماً رادیو می گفت مسلمان‌های شهر گوراژده استمداد کردند از مسلمان‌های دنیا و کمک خواستند، «من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم»، آن وقت بیش از یک میلیارد مسلمان ساکت بنشینند آمریکا و اسرائیل و انگلستان و صرب‌ها هر کار می خواهند بکنند و ما صدایمان در نیاید. حالا اقلماً می توانیم که صدایمان در بیاید و دادی بزنیم. اینکه الان دارند مسلمانان را قتل عام می کنند و شهرهایشان را یکی پس از دیگری اشغال می کنند جای این است که همه مسلمانان دنیا اعتراض کنند، راهپیمایی کنند، راهپیمایی که مونه نمی خواهد اقلماً مقدمات راهپیمایی، سروصدائی، شعاری، تلگرافی، بالاخره این ساکت نشستن درست نیست. ما هر چه می خواهیم در این مسائل چیزی نگوئیم ولی انسان نمی تواند، وجدان انسان ناراحت است. بعضی افراد می گویند ما اصلاً رادیو گوش نمی دهیم، روزنامه نمی خوانیم، من تعجب می کنم در دنیای امروز، دنیای امروز که همه به هم مربوط است و مثل یک خانواده است چطور انسان می تواند در مقابل ظلم و تعدی که به زنان مسلمان، بچه‌های مسلمان می شود بی تفاوت باشد، همین طور شلیک کردند و بیمارستان را موشک انداخته اند، قتل عام می کنند مردم را، زن و بچه‌هایشان به کوهستان‌ها آواره، و ما ساکت بنشینیم و بی تفاوت باشیم، بی تفاوت بودن گناه بزرگی است. بنابراین به هر جوری می توانند، بایستی مسلمانان بفهمانند که ما این جنایات را می فهمیم. ما می فهمیم دست اسرائیل را باز گذاشته اند هر چه می خواهد می کند. به چه مناسبت کشور عمان اسرائیل را راه می دهد و در امور با اسرائیل مشورت می کنند؟ پیداست این‌ها همه دستور آمریکاست، این‌ها از خودشان خودیتی ندارند، این سران کشورها هر چه آمریکا بگوید، هر چه اربابشان دستور بدهد انجام می دهند. هم امکانات کشورهای اسلامی را می دهند به آمریکا و انگلستان و فرانسه و هم نوکر آن‌ها هستند و مع ذلک اگر یک جا بخواهند مسلمانان یک حرفی بزنند سر و صدا راه می اندازند. در

اروپا برای یک سگ اگر دیده باشید راهپیمایی می کنند، اما حالا این همه مسلمانان را صرب‌ها دارند قتل عام می کنند سازمان ملل هم ادعای عجز می کند که نمی توانیم برویم و دخالت کنیم. باطنا خودشان خط می دهند به آن‌ها برای اینکه می خواهند این اندلس دوم بوجود نیاید.

خلاصه نسل آینده، ما مسلمانان را لعن می کند. امروز خیلی کار می شود کرد، کشورهای اسلامی امروز می توانند اقلأ امکاناتشان را ندهند به کفار؛ نفت، بنزین و گاز همین کشورهای اسلامی است که دارد چرخ اقتصاد اروپا و آمریکا را می گرداند و مع ذلک همه ساکتند.

اللهم انصر الاسلام والمسلمين واخذل الكفار والمنافقين، اللهم انصر من نصر الدين واخذل من خذل المسلمين.

خدایا به حق محمد و آل محمد یک مقدار غیرت به مسلمانان بده که در مقابل ظلم‌ها و جنایاتی که می شود بی تفاوت نباشیم، تو سرمان می زند اقلأ آخ بگوئیم.
والسلام علیکم جميعاً ورحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۰۷: مربوط به صفحه ۷۲۶

بیانات معظم له در پایان درس خارج فقه به مناسبت پنجمین سالگرد ارتحال امام خمینی و موعظه فضلا و طلاب گرامی، مورخه ۱۳۷۳/۳/۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

همانطور که بارها از من شنیده اید، تعطیلات به معنای این نیست که آقایان دیگر کتاب‌ها را روی هم بگذارند و دیگر هیچ نگاه نکنند و اهل مطالعه نباشند، من به قدری تاسف می‌خورم، آن وقتی که من برای درس خواندن آمدم، استعداد و حافظه ام خوب بود، ولی علاوه بر اینکه امکانات نداشتیم، کتاب نداشتیم، مدرس کم بود، از این شهریه‌ها هم خبری نبود، یادم می‌آید در اصفهان اصلا شهریه داده نمی‌شد، فقط موقوفه مدرسه بود که متولی آن گاهی ماهیانه دو قران به هر نفر می‌داد، وجوهاتی که مردم می‌دادند می‌رفت نجف برای مرحوم آسیدابوالحسن، منظور اینکه شهریه ای نبود، با کمال عسرت هم زندگی می‌کردیم، اما مهیا شده بودیم برای درس خواندن، علاوه بر همه این‌ها متاسفانه راهنما نداشتیم، یک کسی نبود که به ما بگوید چه بخوان، چه نخوان. ولی حالا الحمدلله شما در حوزه علمیه قم که قرار گرفته اید، ولو امکانات پولی کم باشد، اما بالاخره کتاب هست، کتابخانه هست، مدرس هست، و شما هم الحمدلله جوانید، فراغت بال دارید، می‌توانید از استعدادتان استفاده کنید، به علم اهمیت دهید، به تحصیل علم اهمیت دهید، امام صادق علیه السلام در حدیث صحیح می‌فرماید: «لوددت ان اصحابی ضربت رووسهم بالسیاط حتی یتفقهوا، من دوست داشتم که بر سر اصحاب من تازیانه بزنند تا بروند فقیه بشوند». در این دنیای امروز به فقهی که همه مسائل اسلامی را مورد توجه قرار دهد، خیلی احتیاج هست. «لو يعلم الناس ما فی طلب العلم، لطلبوه ولو بسفک المہج و خوض اللجج، اگر مردم می‌دانستند علم چقدر خاصیت دارد، طلب می‌کردند ولو خون در این راه ریخته شود و در گردابها فرو روند». اوقات فراغتتان را به بطالت نگذرانید، تحصیل علم کنید و بدانید همان تعلم، خودش بزرگترین عبادت است، حدیث از پیغمبر اکرم (ص) است که فرمود: «الا و ان الله یحب بغاة العلم، خدا طالبین علم را دوست دارد».

بنابراین ایام تعطیلی، تفسیر بخوانید، مباحثه کنید، تاریخ اسلام، حدیث، همین

درسهایتان را مباحثه کنید، خودتان مطالعه کنید، مسائلی که در دنیای امروز مورد نیاز است، مطالعه کتب مختلف به شما بینش و درک می دهد که در این دنیای متلاطم کلاه سرتان نرود، حتی در مسائل سیاسی هم اگر اهل مطالعه نباشید ممکن است کلاه سرتان برود، بنابراین به علم اهمیت دهید؛ به وقتتان اهمیت دهید، درس بخوانید، ما سابق -این اواخر که متوجه شده بودیم- از تعطیلی‌ها بیش از تحصیلی‌ها استفاده می کردیم.

اگر می بینید مرحوم امام خمینی طاب ثراه موفقیت پیدا کرد هم در انقلاب، هم در هر جهت، برای این بود که ایشان واقعا مرد کار بود، مرد تحصیل علم بود، به قدری به علم اهمیت می داد؛ من یادم هست یک وقتی در آن بحران مبارزه، از تهران و شهرهای دیگر هجوم آورده بودند منزل ایشان و با ایشان کار داشتند، ایشان درسشان را گفته بودند. من بعد از اینکه درسشان تمام شده بود به منزل ایشان رفتم، طبقات مختلف که آنجا بودند به ما گفتند ما از تهران و جاهای دیگر آمده ایم با ایشان کار داریم، راجع به همین مسائل سیاسی، من رفتم در اندرون دیدم ایشان نشسته اند و درسی را که آنروز گفته بودند می نوشتند، گفتم آقا حالا وقت درس نوشتن است؟ این همه مردم آمده اند. گفتند: «ما برایمان آنچه مهم است همان درسمان است» مقید بودند درسی را که گفته بودند بنویسند، بعد بیایند پاسخگوی مردم باشند، اگر ایشان در انقلاب موفقیت پیدا کرد، پیروزی پیدا کرد، یکی از عمده دلیل‌هایش همان مقام علمی ایشان بود، ایشان هم فقیه بود، هم اصولی بود، هم فیلسوف بود، هم عارف بود، هم در عین حال شجاع بود، با تقوا بود، متعبد بود، متعهد بود و جامع کمالات مختلف بود، مرحوم امام برای همان جنبه مرجعیت عامه شان و برای اینکه جهت علمی ایشان را هیچ کس نمی توانست منکر شود و علوم مختلفی را که مورد نیاز بود، ایشان واجد بودند پیروز شدند و علم و مرجعیت و شجاعت ایشان رمز موفقیتشان بود. شما نگوئید امروز کسی طالب ما طلبه‌ها نیست، چندسال قبل در بولتن‌های خبری می خواندم که در آفریقا از طرف واتیکان ۱۱۰ هزار مبلغ تبلیغ مسیحیت می کنند، حوزه علمیه قم در آفریقا چندتا مبلغ دارد؟ پس اگر شما واقعا عالم باشید، می توانید به اسلام خدمت کنید و اگر شما بتوانید کسی را هدایت کنید، از دنیا و مافیها برای شما بهتر است. این آیه شریفه: «و من احیاء فکائنات احیاء الناس جمیعاً» در ذیلش روایتی است که معنایش

این است: «که اگر شما یک نفر را از هلاکت به هدایت بیاورید، شما یک نفر را اگر احیاء دینی بکنید، مثل این است که همه مردم را احیاء کرده اید، بر عکس اگر کسی سبب شود یک نفر را القاء شبهه در ذهنش بکند، مثل این است که همه مردم را کشته است.»

علی ای حال، هدایت کردن مردم خیلی اجر و فضیلت دارد. دهه محرم هم در پیش است ان شاء الله آقایان می روند برای تبلیغ و ارشاد، واقعا قصدتان هدایت و ارشاد مردم باشد. در محرم که مجالس را تشکیل می دهند برای این است که مردم با اسلام و معارف اهل بیت(ع) آشنا شوند، خدا رحمت کند والد من خودش با اینکه یک کشاورز بود، به همان مقدار که می دانست هر جا می رفت یا روی منبر یا توی مجالس، شروع می کرد مسائل اسلامی را می گفت، حدیث می خواند، آیه می خواند و به آقایان می گفت شما روی منبر می گویند که مردم بروید دستورات اسلام را یاد بگیرید، کجا بروند یاد بگیرند؟ برای مردم مسئله بگوئید، چه اشکال دارد مسائل را از روی رساله عملیه بخوانید؟ در مسائل کلی اسلام که اختلاف فتوا نیست، بعضی مردم وضو و تیمم و نماز بلد نیستند، چه اشکال دارد روی منبر وضو بگیری یا یک تیمم بکنی یا سوره حمد را بخوانی؟ همچنین اصول عقائد را بگوئید، اخلاق اسلام را بگوئید، روش پیغمبر(ص)، روش ائمه(ع)، نحوه عمل به دستورات اسلام را بگوئید، یک روز حج بگوئید، یک روز زکات را بگوئید، یک روز خمس را بگوئید.

مواظب باشید در تبلیغاتتان هیچ وقت بر خلاف واقع حرف نزنید، بر خلاف عقیده تان حرف نزنید، شما فرض کنید به یک آقا معتقدید، این معنایش این نیست که بروید نسبت به آقایان دیگر تنقیص کنید، اغراق هم نکنید. هرکس همان اندازه کمالاتی که دارد بگوئیم.

به دنیا هم بی اعتناء باشید، برای مال دنیا فعالیت نکنید، روزی را خدا ان شاء الله می رساند. «یا ارض لاترزقی احدا من عبادی الا بکد الیمین و عرق الجبین الا طالبی العلم فانی ضمانت ارزاقهم».

من و شما باید پیرو پیغمبر اکرم(ص) باشیم، به قول عوام می گویند شما آقایان روی قالیچه پیغمبر نشستید، پیغمبر قالیچه نداشته است، این چند جمله را از امیرالمومنین(ع) راجع به پیغمبر بخوانم، ببینید ما باید پیرو چنین شخصی باشیم آنجا

که می فرماید: «ولقد كان صلى الله عليه وآله وسلم، ياكل على الارض، و يجلس جلسة العبد، و يخصف بيده نعله و يرقع بيده ثوبه، و يركب الحمار العارى، و يردف خلفه، و يكون الستر على باب بيته فتكون فيه التصاویر فيقول: يا فلانة -لاحدى ازواجه- غيبه عنى؛ فانى اذا نظرت اليه ذكرت الدنيا و زخارفها فاعرض عن الدنيا بقلبه، و امات ذكرها من نفسه، و احب ان تغيب زيتتها عن عينه؛ لكيلا يتخذ منها ريشا، و لايعتقدها قرارا، ولايرجو فيها مقاما، فاخرجها من النفس، و اشخصها عن القلب و غيبها عن البصر، و كذلك من ابغض شيئا ابغض ان ينظر اليه، وان يذكر عنده». (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰)

شخصیت شما به خانه کذائی و ماشین کذائی و به تشریفات نیست، شخصیت شما به علم و تقوایتان است.

ضمنا از همه آقایان عذر می خواهم اگر چنانچه در صحبت های من و رفتار من خطائی بوده است، یا مثلا کوتاهی در انجام وظیفه نسبت به آقایان بوده است طلب عفو می کنم. هیچ کدام ما معصوم نیستیم و پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «کل ابن آدم خطاء فخير الخطائین التوابون». قصدتان خدا باشد در کارها خدا را فراموش نکنید، خدا ان شاءالله به همه ما توفیق بدهد طالب علم و عمل و اهل تبلیغ و ارشاد باشیم و در خاتمه برای شادی روح مرحوم امام خمینی (ره) و علماء گذشته یک حمد و قل هو الله بخوانید. (قرائت فاتحه)

خداوند ان شاءالله درجات ایشان عالی است متعالی کند و به ما توفیق بدهد که پیرو بزرگان باشیم.

والسلام علیکم جمیعاً و رحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۰۸: مربوط به صفحه ۷۲۶

پیام معظم له به مناسبت حادثه ناگوار بمب گذاری در حرم مطهر حضرت
ثامن الائمه (ع)

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

کل یوم عاشوراء و کل ارض کربلاء

فی البحار بسنده عن الامام الصادق (ع) عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «ستدفن بضعة منى بارض خراسان لا يزورها مومن الا اوجب الله عزوجل له الجنة و حرم جسده على النار».

رسول خدا فرمودند: «زود باشد پاره ای از تن من در زمین خراسان مدفون شود، او را هیچ مومنی زیارت نکند جز اینکه خدا بهشت را برای او واجب و جسدش را بر آتش حرام نماید».

آری این است مقام و منزلت زوار حضرت ثامن الائمه روحی و ارواح العالمین له الفداء، گوارا باد آنان راه؛ ولی با کمال تاسف در روز عاشورای حسینی در بارگاه ملکوتی امام هشتم و حرم امن آن حضرت به دست جنایتکاران و دشمنان اسلام و اهل بیت (ع) بمب گذاری شد و این حادثه جانگداز و دلخراش منجر به تخریب قسمتی از حرم مطهر و شهید و مجروح شدن جمع کثیری از زوار و دل سوختگان آن امام شهید شد. این جنایتکاران بی هویت با این جنایت بزرگ خود که در تاریخ کم نظیر است ثابت کردند که هرچند یزید و ابن زیاد و شمر کربلا (لعنهم الله تعالی) به درک واصل شده اند و هر روز و هر ساعت مورد نفرین و لعن میلیون‌ها انسان مومن و مخلص واقع می شوند ولی یزیدیان کوردل و دشمن اسلام و تشیع راستین در هر زمان و هر مکان حضور دارند و به انحاء مختلف خبائث درونی و دشمنی خود را با حق و حقیقت و عترت پاک رسول خدا ابراز می دارند، که «کل یوم عاشوراء و کل ارض کربلاء»، و پیوسته در برابر صف حق و مردان خدا، شیاطین و دشمنان حقیقت و انسانیت صف بندی کرده و می کنند ولی باید بدانند که: «اما الزبد فیذهب جفاء و اما ما ینفع الناس فی الارض».

آری به خاک و خون کشیدن بندگان خدا در حال زیارت و عبادت و مناجات با خدا در

هیچ دین و مذهب و ملتی روا نیست و همه عقلای جهان آن را تقبیح می کنند. اینان با این جنایت فجیع خود ثابت کردند که به هیچ یک از موازین اخلاقی و انسانی پایبند نیستند و دانسته یا ندانسته به نفع دشمنان اسلام و استکبار جهانی فعالیت می کنند. این کوردلان غافلند که شهادت در حرم مطهر حضرت ثامن الائمه (ع) در روز شهادت سالار شهیدان (ع) در حال عبادت و مناجات با خدا افتخاری است بزرگ برای بندگان خدا، و به گواهی رسول خدا (ص) بهشت خدا منتظر آنان می باشد، ولی آنان با این عمل زشت، چهره کریه خود را به جهانیان نمایان تر کردند، و با هم آهنگ شدن با وهابیان معاند که دست به تخریب قبور و حریمهای ائمه اطهار (ع) زدند و صهیونیست‌هایی که نمازگزاران مسجد خلیل الرحمن را در شهر الخلیل به رگبار بستند و صرب‌ها و هندوهائی که مسلمانان بیگناه را از زن و مرد و صغیر و کبیر در بوسنی و کشمیر قتل عام کردند و می کنند جز نفرت عمومی و لعنت ابدی برای خود و سردمداران‌شان بهره ای نخواهند برد؛ آیا این جنایت بزرگ در این مکان مقدس و در این روز شریف چیزی غیر از دشمنی آن‌ها با عترت پاک رسول خدا (ص) و شیعیان و زوار دل سوخته آن حضرت را به اثبات می رساند؟!

اینجانب این مصیبت بزرگ را به رسول گرامی اسلام و عترت پاک آن حضرت بخصوص حضرت ثامن الائمه و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرت معصومه سلام الله علیهم اجمعین و حضرات علماء اعلام و حوزه‌های علمیه و خدمتگزاران به اسلام و ملت شریف و مسلمان ایران و بازماندگان شهدای این حادثه ناگوار و به همه مسلمین جهان تسلیت می گویم و از خداوند قادر متعال علو درجات همه شهداء و پیروزی اسلام بر کفر جهانی و شکست دشمنان اسلام و قرآن و مذهب تشیع را مسألت می نمایم. والسلام علی جمیع اخواننا المومنین و رحمة الله و برکاته

۱۱ محرم الحرام ۱۴۱۵ - ۱۳۷۳/۳/۳۱

قم المقدسه، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۰۹: مربوط به صفحه ۷۲۶

بیانات معظم له در پایان درس خارج فقه پیرامون جنگ‌های داخلی افغانستان،

مورخه ۱۳۷۳/۶/۲۹

بسمه تعالی

یکی از چیزهایی که واقعا انسان را رنج می‌دهد این است که الان جهان اسلام مواجه با مشکلات زیادی است و ما مسلمانان شرایط سختی را می‌گذرانیم، هم غرب مخالف با اسلام و قدرت اسلام است، هم آمریکا مخالف است و هم صهیونیست‌ها. این‌ها با هم در این جهت که اسلام نباشد و قدرت اسلام را از بین ببرند هماهنگ شده‌اند، با اینکه مسلمان‌ها از نظر عده و عده کمبود ندارند، حدود یک میلیارد مسلمان در عالم هست، این همه امکانات در اختیار مسلمانان هست، همین نفت و گازی که در کشورهای اسلامی است، اگر یک ماه ببندند اقتصاد آمریکا و اروپا را فلج می‌کنند مع ذلک مسلمانان خوابند و به جان یکدیگر افتاده‌اند، امکانات را در اختیار غریبها و آمریکا می‌گذارند و جنگ داخلی به راه انداخته و یکدیگر را می‌کشند. در صورتی که همه مسلمانان به اندازه قدرتشان در گرفتاری‌هایی که مسلمانان دارند مسئولیت دارند، و به واسطه تحریک صهیونیست‌ها و غریبها کار بجایی رسیده که در فلسطینی که حدود چهل پنجاه سال فلسطینی‌ها با اسرائیل جنگ می‌کردند متأسفانه حالا تبدیل شده است به جنگ فلسطینی با فلسطینی. فلسطینی‌ها، فلسطینی‌ها را بازداشت می‌کنند، زندان می‌کنند. این کاریست که غریبها و صهیونیست‌ها کرده‌اند. اسمش هم این است که خود گردانی بدهند، کدام خود گردانی؟! همه اش دست اسرائیل است. خلاصه جنگ فلسطینی‌ها با اسرائیل تبدیل شده است به جنگ فلسطینی‌ها با فلسطینی‌ها.

در اروپا یک کانون اسلامی به نام بوسنی بوده است که چهار صد پانصد سال است مسلمانان در آنجا هستند، و حالا دشمنان اسلام همه با هم هماهنگ شده‌اند تا اسلام را در آنجا از بین ببرند. همانطوری که در اسپانیا که یک کانون اسلامی بود، قدرت اسلامی بود، مسیحی‌ها مسلمانان را قتل عام کردند، آواره کردند و اسلام را در اسپانیا از بین بردند. الان هم در بوسنی بیش از دو سال است که مسلمانان را قتل عام می‌کنند، به نوامیس آن‌ها تجاوز می‌کنند، بچه‌ها را می‌کشند و به انحاء مختلف از بین

می برند. سازمان ملل هم فقط شعار می دهد. ای کاش این نیروهائی که سازمان ملل فرستاده در بوسنی همه نیروهایش را می برد فقط همان تحریم تسلیحاتی را که علیه بوسنی اعمال کرده است لغو می کرد و مسلمانان را به حال خودشان می گذاشتند، چون مسلمانان که ضعیف و عاجز نیستند، مسلمانان اگر سلاح داشته باشند می توانند از خودشان دفاع کنند. اسلحه یوگسلاوی سابق در اختیار صربها است، روسها هم کمکشان می کنند. از آن طرف مسلمانان تحریم تسلیحاتی شده اند، و الان هم باز زمزمه است که لغو تحریم از صربها بکنند بجای اینکه تحریم علیه مسلمانان را لغو کنند می خواهند از صربها لغو کنند. یعنی صربها دستشان باز باشد تا مسلمانان را قتل عام بکنند که اسلام در آنجا نباشد. هر روز مردم کشته می شوند، شهید می شوند، آواره می شوند. حقوق بشر و دموکراسی، اینها همه برای زور گفتن به جهان سوم است و الا حقوق بشر حرف است. آیا حقوق بشر در بوسنی زیر پا گذاشته نشده و نمی شود؟! این سازمانهای حقوقی کجا هستند؟ گاهی می گویند که آمریکا با صربها مخالف است. اگر آمریکا مخالف بود، این قدر دست صربها را باز نمی گذاشتند و تا حالا مشکل بوسنی حل شده بود. خیر، آمریکا موافق صربها است. چون آمریکا به فکر منافع خودش است، نه به فکر حقوق بشر، نه به فکر دموکراسی، اینها همه حرف است، در آنجا (بوسنی) مسلمانان قتل عام می شوند و این کشورهای اسلامی هم حرف می زنند، اگر غیرت داشتند، اینهایی که نفت آمریکا و اروپا را تامین می کنند. همین عربستان به تنهایی می تواند قاطعانه بایستد و بگوید اگر نفت و گاز می خواهید بدهیم باید مسئله بوسنی حل بشود، قطعاً حل می شد.

حالا بدتر از همه افغانستان همسایه خودمان است. مردم افغانستان با روسها انصافاً خوب جنگیدند، قاطعانه جنگیدند و روسها را واقعا بیرون کردند و جای تقدیر هم هست. فداکاری کردند شهید و معلول دادند، اما حالا که روسها رفته اند، قدرت دست خودشان آمده جنگ داخلی به راه انداخته اند. کم کم جنگ سنی با سنی، شیعه با شیعه، باید چه کرد؟! ما همه ساکت! مسلمانان همه ساکت!! خود آنها هم خواب و آمریکا و روسیه خوشحال از این جنگ داخلی. این جنگ داخلی دارد روسها را تطهیر می کند.

کار را به جایی نرسانید که مردم افغانستان بگویند صد رحمت به آن وقتی که ما در

اختیار روس‌ها بودیم، صد رحمت به آن وقتی که در اختیار نجیب‌الله، ببرک کارمل و حفیظ‌الله امین بودیم. این جنگ داخلی مردم را به اسلام و به روحانیت و به همه چیز بدبین می‌کند.

این جنگ‌های داخلی که الان هست، خیال نکنند که جنگ اسلامی است با اینکه این‌ها مسلمان هستند، دولت آقای ربانی خود را مسلمان می‌داند، آقای حکمتیار خودش را متخصص مسائل اسلام می‌داند، آیت‌الله محسنی خودش مرد عالم و مرد بزرگی است از علماء شیعه است، حجة الاسلام آقای مزاری که رئیس حزب وحدت اسلامی است، ایشان هم که از فضلاء و طلاب قم بود، درس خوانده است، متوجه باشند، آگاه باشند که در بین آن‌ها چه می‌گذرد.

من به عنوان اینکه هم عالم به مسائل اسلامی و هم آگاه به مسائل سیاسی هستم، آدمی نبوده‌ام که در گوشه‌ای خزیده باشم و از مسائل سیاسی بی‌اطلاع باشم. جنگ‌های افغانستان و جاهای دیگر را همیشه تعقیب می‌کرده‌ام و می‌دانم چه خبر است، هم توی انقلاب بوده‌ام و هم از فوت و فن‌های سیاسی بااطلاعم، کسی نمی‌تواند بگوید تو از موضوع بی‌اطلاع هستی، من در اینجا اعلام می‌کنم که: این جنگ‌های داخلی افغانستان هیچ جنبه اسلامی ندارد و شرکت در این جنگ‌ها حرام است. هریک از افراد چه شیعه و چه سنی در این جنگ‌ها شرکت کند خلاف شرع است. انسان‌هایی را که می‌کشند ضامن خون آن‌ها هستند. کسانی هم که کمک مالی به این جنگ‌ها می‌کنند آن‌ها هم بدانند کار خلاف می‌کنند. اگر به عنوان وجوه شرعی هم کمک می‌کنند بدانند بری‌الذمه نمی‌شوند. این‌ها هم که در جنگ کشته می‌شوند شهید نیستند، فدای دیگران می‌شوند. به اسم اسلام جنگ می‌کنند اما جنگ اسلامی نیست، جنگ گروهی است، جنگ ریاست است. متأسفانه مردم ضعیف و مستضعف خودشان را فدای قدرت آن روسا می‌کنند، بدانند هم دنیا را از دست می‌دهند هم آخرتشان را، «خسر الدنیا والآخره» هستند. چه جنگ‌هایی که بین آقای حکمتیار و آقای ربانی است و چه جنگ‌هایی که الان بین حرکت اسلامی و بین حزب وحدت است این‌ها هیچ جنبه شرعی و اسلامی ندارد، خلاف شرع است، جنایت است، مردمی که آواره می‌کنید، زن و بچه مردم بلامتکلیف می‌شوند، آواره می‌شوند، مردم مسلمان کشته و مجروح می‌شوند، برای اینکه این آقا می‌خواهد رئیس بشود یا

آن آقا می خواهد رئیس بشود.

بنابراین واجب است به هر نحوی که مقدور است این سران لااقل شیعه‌ها، آیت الله محسنی و حجة الاسلام آقای مزاری به هر قیمتی شده باید با هم تفاهم کنند، علماء دیگر این‌ها را با هم آشتی بدهند جنگ را تمامش کنند و از مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران هم تقاضا می شود که هیات بلند پایه ای را با اختیارات تام بفرستند تا این اختلافات را حل کنند. چون ما با آن‌ها هماهنگ هستیم، هم مذهب هستیم، هم مرز هستیم واجب است که از طرف جمهوری اسلامی هیات بلند پایه ای بروند آتش بس بدهند و بر آن نظارت کنند. این‌ها را اصلاح دهند. بالاخره این‌ها دارند نابود می شوند و آمریکا خوشحال است برای اینکه دلش نمی خواهد یک جمهوری اسلامی دیگر کنار جمهوری اسلامی ایران پیدا شود. از جمهوری اسلامی ایران خاطره خوشی ندارد. اگر یک قدرت اسلامی در افغانستان پیدا بشود این‌ها ناراحت می شوند. روسیه هم خوشحال است برای اینکه دارد تطهیر می شود. صبح رادیو نقل می کرد که وزیر خارجه فرانسه گفته است ما از قضیه الجزائر ناراحت هستیم، برای اینکه قدرت اسلامی دارد در الجزائر پیدا می شود و او اظهار امید واری کرده که چنین روزی نیاید که اسلام در الجزائر قدرت پیدا کند و گفته است ما با دوازده کشوری که با هم هستیم در این جهت سیاستمان واحد است. آن‌ها چه آمریکا و چه غرب و چه صهیونیست‌ها از این جنگ داخلی خوشحالند.

علی ای حال باز من تکرار می کنم اگر صدای من به آن‌ها برسد بدانند که: شرکت در این جنگ‌ها حرام و جنایت است و در این راه هم شهید نیستند و «خسر الدنیا والاخره» هستند. کسانی هم که کمک مالی می کنند آن‌ها هم مسئولند و بابت وجوه شرعی هم کسی حق ندارد کمک کند، بری الذمه نمی شود.

خدایا به حق محمد و آل محمد شر دشمنان اسلام را از سر مسلمین برطرف فرما.

اسلام و مسلمین را پیروز فرما، ما را به وظائف اسلامیمان آشنا فرما.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۱۰: مربوط به صفحه ۷۲۶
 تصریح معظم له بر اینکه آنچه تاکنون انجام داده ام از روی عقیده بوده و از گذشته
 خود پشیمان نمی باشم. مورخه ۱۳۷۳/۱۰/۱۸

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی منتظری دامت برکاته
 پس از سلام و تبریک میلاد با سعادت سرور آزادگان جهان حضرت
 ابا عبدالله الحسین (ع) اخیرا در بعضی محافل و افواه گفته می شود که
 حضرت تعالی فرموده اید: من از انقلاب و سیاست توبه کرده ام و پشیمان
 شده ام. چنانچه مصلحت می دانید در باره صحت و سقم آن توضیح
 بفرمایید. والامر الیکم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام و تبریک متقابل، مطلب فوق جدا تکذیب می شود، نه چنین چیزی گفته ام و نه
 خواهم گفت. اینجانب مسائلی راجع به نحوه کار بعضی افراد که نصب و عزل آنها قبل از
 تدوین قانون اساسی بسا به من ارتباط پیدا می کرد به حضرات آیات آقایان مومن و
 ابطحی کاشانی دامت افاضاتهما یادآور شدم که شاید همان باعث شده چنین برداشتی شود
 و یا عده ای از روی بی اطلاعی و یا غرض ورزی به شایعه سازی پردازند و چنین تهمتی
 را بزنند. چنانچه اصرار داشته باشید می توانید از آقایان محترم استفسار نمایید، عمل به
 تکلیف الهی پشیمانی و توبه ندارد.

از سال ۴۲ که نهضت امام خمینی (قدس سره) شروع شد از کسانی بودم که بنابر
 احساس وظیفه الهی همواره در کنار ایشان بودم و در غیاب معظم له نیز سعی من و
 دیگر دوستان بر این بود که بار مبارزه بر زمین نماند، و آنچه بوده توفیق الهی بوده است
 و همواره شاکرم که چنین توفیقی داشته ام و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز
 همیشه بنابر احساس وظیفه شرعی پشتیبان ارزش‌های نظام اسلامی بوده و هستم و
 چنانچه انتقادی هم داشته ام همان گونه که مکرر گفته ام از باب «النصيحة لائمة

المسلمین» آن را ابراز می نموده ام و آخرین بار در تاریخ ۶۸/۱/۴ این مطلب را به بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی (قدس سره) چنین نوشتم: «اینجانب تا حال معتقد بوده ام که تذکرات و انتقادات من نه فقط موجب تضعیف نظام نمی شود بلکه از این نظر که اکثریت مردم را امیدوار ساخته و مسئولین را نیز در صدد رفع نواقص و توجه بیشتر به مسائل می سازد موجب تقویت انقلاب و نظام هم می باشد؛ مع ذلک اگر حضرتعالی تشخیص می دهید که این شیوه به مصلحت نیست و موجب تضعیف نظام و انقلاب می باشد اینجانب شرعاً نظر حضرتعالی را بر نظر خود مقدم می دانم و هیچ گاه غیر از خیر اسلام و انقلاب را در نظر نداشته ام».

در پایان به همه برادران و خواهران ایمانی توصیه می کنم در گفتن هر موضوع خدا را در نظر بگیرند و توجه کنند که گفتار انسان جزء اعمالش محسوب و در نامه اعمال ثبت و ضبط می گردد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱۳۷۳/۱۰/۱۸ - حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۱۱: مربوط به صفحه ۷۲۶

متن پیام تسلیت معظم له به مناسبت درگذشت جناب آقای مهندس مهدی بازرگان،

مورخه ۱۳۷۳/۱۱/۱

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

تهران - جناب آقای مهندس عبدالعلی بازرگان دام توفیقه

پس از سلام و تحیت درگذشت مرحوم مغفور مرد فضیلت و تقوی والد محترم جناب مستطاب آقای مهندس مهدی بازرگان -رحمة الله علیه- را به جنابعالی و همه بازماندگان و علاقه مندان محترم تسلیت می گویم. خدمات علمی و فرهنگی و نیز مبارزات پیگیر و تحمل فشارها و زندان‌ها و تبعیدهای ایشان در زمان طاغوت بر کسی پوشیده نیست. آن مرحوم از چهره‌های نادری بودند که در گرایش نسل جوان و دانشگاهی به اسلام و تعلیمات مذهب و نیز گسترش نهضت اسلامی در بین دانشگاهیان و فرهنگیان متدین کشور نقش زیادی داشتند، و در این رابطه شدیداً مورد کینه و غضب دستگاه طاغوت قرار گرفته بودند و محرومیت‌های زیادی را متحمل شدند. همین خدمات فرهنگی و مبارزات ممتد و تعهد ایشان بود که زمینه مقبولیت خاصی را برای ایشان فراهم نمود تا جایی که رهبر فقید انقلاب مرحوم امام-قدس سره- ایشان را به عنوان اولین نخست‌وزیر انقلاب و از اعضای برجسته شورای انقلاب معرفی نمودند.

و در آن شرائط حساس ایشان به اتفاق دوستان خود -با پیروی از رهبر فقید طاب ثراه- اولین دولت پس از انقلاب را تشکیل دادند و به خدمات زیادی موفق شدند. از خداوند قادر متعال برای آن مرحوم غفران و علو درجات و حشر با اولیاء، و برای همه بازماندگان و علاقه مندان صبر جمیل و اجر عظیم و برای جنابعالی توفیق ادامه راه آن مرحوم را مسئلت می نمایم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۱۹ شعبان ۱۴۱۵ - ۱۳۷۳/۱۱/۱

قم، حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رٰجِعُونَ

تهران - جناب آقای مهندس عبدالحی بازرگان دام توفیق

پس از سلام و کحیت درگذشت مرحوم مغفور حضرت فضیلت و تقوی والد محترم جناب مستطاب آقای مهندس محمدی بازرگان - رحمه الله علیه - را به جنابعالی و همه بازماندگان و علاقه‌مندان محترم تسلیت میگویم. خدمات علمی و فرهنگی و نیز مبارزات پیکر و تحمل فشارها و زنده‌مانا و تبعیدهای ایشان در زمان طاغوت بر کسی پوشیده نیست. آن مرحوم از چهره‌های نادر و نیکو بود که در گرایش نسل جوان و دانشگاهی به اسلام و تعلیمات مذهب و نیز گرایش نهضت اسلامی در بین دانشگاهیان و فرهنگیان تمدن کشور نقش زیادی داشتند. و در این رابطه شایسته امور دینیه و غضب دستگاه طاغوت قرار گرفته بودند و محرومیت کمی زیادی را تحمل کردند. همین خدمات فرهنگی و مبارزات عمده و تعهد ایشان بود که زمینه تصویب خاصیتی را برای ایشان فراهم نمود تا جائی که رهبر فقید انقلاب مرحوم امام - قدس سره - ایشان را به عنوان اولین نخست وزیر انقلاب و از اعضای برجسته شورای انقلاب معرفی نمودند.

و در آن شرایط سخت ایشان با تفاق دوستان خود - بایرومی از رهبر فقید طاب سراه - اولین دولت پس از انقلاب را تشکیل دادند و به خدمات زیادی موفق شدند. از خداوند قادر تعالی برای آن مرحوم عفو و علو درجات و جبر با اولیاء، و برای همه بازماندگان و علاقه‌مندان صبر جمید و اجر عظیم و برای جنابعالی توفیق ادامه راه آن مرحوم را مسئلت می‌نمایم و سلام و تحیات عرض می‌کنم.



۱۴ شعبان ۱۴۱۵ - ۱۱/۳/۱۳۷۷ - قم - حیدری نندگی

پیوست شماره ۲۱۲: مربوط به صفحه ۷۲۶

بیانات معظم له در ابتدای درس خارج فقه به مناسبت شهادت دکتر فتحی شقاقی
رهبر جهاد اسلامی فلسطین، مورخه ۱۳۷۴/۸/۷

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب از خیر شهادت مرحوم دکتر فتحی شقاقی رهبر جهاد اسلامی فلسطین بسیار متاثر شدم. او مرد خیلی مخلصی بود و برای فلسطینی‌ها فعالیت می‌کرد، من در ایران ایشان را دیده بودم. چون لیبی مشغول بیرون کردن فلسطینی‌ها از آن کشور هست - این هم چیز عجیبی است که در این شرایط لیبی هم عملاً با فلسطینی‌ها مخالفت نکند، بسیاری از فلسطینی‌ها را از کشور لیبی اخراج می‌کنند، حالا آمریکا به لیبی فشار آورده و آن را محاصره اقتصادی کرده است نباید این سبب شود که به فلسطینی‌ها فشار بیاورد - مرحوم دکتر فتحی شقاقی به لیبی رفته بود برای اینکه وساطت کند که آن کشور فلسطینی‌ها را اخراج نکند و اسرائیلی‌ها متاسفانه او را در مالت ترور کردند.

آن‌ها ما را متهم می‌کنند که ایران کشور تروریسم است، در صورتی که آن‌ها خودشان عملاً چه آمریکا و چه اسرائیل با همین ترورها دارند بر دنیا حکومت می‌کنند، آمریکا هم امکانات کشورهای عربی را می‌گیرد و در اختیار اسرائیل می‌گذارد. متاسفانه در همین وقت، الان یک کنفرانس اقتصادی در اردن تشکیل داده اند، هم اسرائیل و هم آمریکا، همه این‌ها و هم عربها در آنجا شرکت دارند و کشورهای عربی اصلاً هیچ باکشان نیست.

حضرت سید الشهداء(ع) فرمود: «ان لم یکن لکم دین فکونوا احرارا فی دنیاکم».

کشورهای عربی با اسرائیل غاصب و زورگو با هم می‌نشینند کنفرانس اقتصادی تشکیل می‌دهند برای اینکه آمریکا و ایادی آن می‌خواهند به نام سرمایه‌گذاری اقتصاد خاورمیانه را به وسیله کشورهای عربی و اسلامی قبضه کنند. این‌ها همه جای تاسف است، خداوند ان شاء الله یک مقدار غیرت به مسلمان‌ها و سران کشورهای اسلامی بدهد که این‌طور اسلام و مسلمین و آبروی اسلام را نفروشند. برای شادی روح آن مرحوم حمد و سوره ای قرائت نمایید.

اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات الاحیاء منهم والاموات.

پیوست شماره ۲۱۳: مربوط به صفحه ۷۲۶

متن بیانات معظم له در درس خارج فقه به مناسبت حملات اسرائیل غاصب به جنوب لبنان، مورخه ۱۳۷۵/۱/۲۶

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الان می دانید که از ناحیه اسرائیل غاصب در دنیای اسلام چه می گذرد؟ یک روزی که قدرت دنیا دست استعمار انگلستان بود آمدند یک شجره خبیثه ای بین کشورهای اسلامی کاشتند به نام اسرائیل. یک عده از صهیونیست‌های جنایتکار را از اطراف دنیا جمع کردند این هم نه برای اینکه به فکر یهود باشند، فرض کنید در آلمان نازی‌ها یهودیها را می کشتند این‌ها یهود آلمان نیستند وانگهی مسلمان‌ها نباید غرامت آن را بدهند، این بهانه است. یک عده از صهیونیست‌های جنایتکار عامل استعمار را از اطراف دنیا جمع کردند آوردند در کشور اسلامی فلسطین و مسلمان‌ها را قتل عام کردند، اموال و زمینهایشان را مصادره کردند و هنوز هم مصادره می کنند. این درخت را انگلیسی‌ها کاشتند و بعد از آنکه سیاستشان در دنیا شکست خورد آمریکا وارثان شده است. آمریکا دارد از این شجره خبیثه استفاده می کند و پشتیبان آن است، اسرائیل هم دستش باز است هر غلطی می خواهد می کند، و متأسفانه کشورهای اسلامی که بایستی در مقابل عکس العمل نشان بدهند همین روزها شما دیدید که شیمون پرز را دعوت کردند آمد کشور عمان همین جا بیخ گوش ما، بعد هم قطر دعوتش کردند. فضای ترکیه را در اختیار اسرائیل قرار دادند، قرارداد هوایی که کشور ترکیه با اسرائیل منعقد کرده فضای کشور ترکیه آزاد است برای اسرائیل هر جا می خواهد برود این جور به او آوانس می دهند. کشورهای عربی ساکت و عربستان هم که خودش را پایگاه اسلام می داند می گوید اگر یک کلمه علیه اسرائیل و یا آمریکا بگویید ما چه می کنیم، به جای اینکه حمایت کنند از کسانی که می خواهند علیه کفر و استعمار مبارزه کنند می گویند سرتان را پایین بیندازید و فقط اعمال ظاهری حج را به جا بیاورید. خداوند اصلاً حج را قرار داده است برای اینکه مسلمان‌ها همه در آنجا اجتماع کنند و تفاهم کنند. حج یک کنگره اسلامی است که مسلمان‌ها با هم تفاهم

کنند و علیه کفر و استعمار مبارزه کنند، نه اینکه یک عده سرشان را پایین بیندازند و نفهمند که چی شد مثلا یک طوافی بکنند و برگردند. رمی جمرات در منی در حقیقت درس می دهد که بایستی شیطان‌ها را در دنیا رمی کرد، طواغیت را باید رمی کرد و با آن‌ها مبارزه کرد. «جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاما للناس» کعبه محل قیام است نه اینکه نفهمند اصلا چی شد و حج بی محتوا انجام دهند.

این مسلمان‌های عرب در کشورهای اسلامی چرا ساکتند؟ حالا سرانشان خود فروخته اند، این مسلمان‌های عمان، مسلمان‌های قطر به دولتشان نمی گویند به چه مناسبت شما شیمون پرز را دعوت می کنید؟ تظاهری بکنند، سر و صدایی بکنند مثل اینکه خداوند تبارک و تعالی اصلا غیرت را از ملت عرب گرفته!! اسرائیل این همه مسلمان‌ها را قتل عام کرده الان در لبنان بیروت را بمباران می کند جنوب لبنان را چندین سال است اشغال کرده و قتل عام می کند، مردم مسلمان را آواره می کند، آمریکا هم پشتیبانی می کند، تمام صنایع نظامی حتی صنایع اتمی برای اسرائیل آزاد است دولت اسرائیل بمب اتمی هم بسازد اما عراق مثلا -من نمی خواهم از صدام حمایت بکنم صدام هم یک جنایتکار است- از باب اینکه یک موشکی ساخته بود چه سر و صدایی راه انداختند در دنیا، سازمان ملل هم معرکه گرفته است. مردم بیچاره عراق دارند از گرسنگی می میرند، بچه‌هاشان از نداشتن غذا و دارو تلف می شوند، خوب کلک صدام را بکنید ملت عراق چه گناهی کرده اند؟ از نظر غذا و دارو عراق را تحت محاصره اقتصادی قرار داده اند، هر روزی یک بهانه ای می گیرند که صدام نمی دانم موشک چی دارد، خوب اینکه اسرائیل به نحو اکملش را دارد، خودتان هم دارید حمایتش می کنید آن گناه نیست؟ اما یک کشور اسلامی اگر مسلح باشد برای دفاع از خودش این گناه است؟ به هر حال می بینید که اسرائیل هر روز دارد لبنان و بیروت و جنوب لبنان و صور و صیدا را بمباران می کند مسلمان‌ها را شهید و یا آواره کرده و کشورهای عربی خیلی هنر کنند می گویند بله ما محکوم می کنیم چرا آن‌ها را به کشور خود راه می دهید؟ چرا به آمریکا اعتراض نمی کنید؟ شما امکاناتتان را در اختیار آمریکا گذاشته اید؛ اگر کشورهای اسلامی یک ماه نفت و گازشان را از غرب و آمریکا قطع کنند صنایع آن‌ها می خوابد آن‌ها وابسته به ما هستند، سران این کشورها خود فروخته اند، چرا مردمشان غیرت ندارند؟ چرا مردمشان سر و صدا نمی کنند؟ چرا

حوزه علمیه قم ساکت است؟ سابق در این جور قضایا از زمان مرحوم آیت الله العظمی بروجردی در قضایای اسرائیل و فلسطین و این‌ها، حوزه علمیه و فضلا و مردم قم تظاهرات می کردند.

مسلمان‌های بیچاره لبنان الان در معرض موشک باران اسرائیل هستند. اسرائیل جنوب لبنان را چندین سال است اشغال کرده و صدای مردم هم به جایی نمی رسد چون حامی ندارند، دو سه میلیون صهیونیست در مقابل یک میلیارد مسلمان! امکانات هم دست مسلمان‌هاست اما ایمان و غیرت از سرانشان گرفته شده و خود فروخته شده اند، حالا سران خائنند مردم چرا ساکتند؟ دفاع یک چیز غریزی بشر و حتی حیوانات است. گربه را هم اگر بز نیم پنجه می زند. این‌ها می گویند که ما زمینهای مسلمان‌ها را گرفته ایم و قتل عامشان می کنیم ولی آن‌ها ساکت باشند، مسلمان‌ها یک بمب گذاشتند بین در دنیا چه علم سنگه ای راه انداخته اند، در کنفرانس شرم الشیخ همه جمع شدند تا محکوم کنند اما جاهای دیگر مسلمان‌ها را قتل عام می کنند هیچ کس نمی گوید چرا. چرا مسلمان‌ها را در کشمیر قتل عام می کنند؟ اما کلیتون از آمریکا بلند می شود می آید شرم الشیخ برای اینکه مثلا چند نفر یهودی کشته شدند، این‌ها به هر حال درد است. جهان اسلام مبتلاست ما اقلأ به اندازه قدرتمان بایستی یک عکس العملی نشان بدهیم.

عرفات هم این همه شعار داد برای فلسطین حالا بچه‌های مخلص را می گیرد زندانی می کند، تعقیب می کند. یک قدرت جزئی به او داده اند چرا علیه حزب الله آن را به کار می برد؟ ولی اسرائیل باید بداند این جنایت‌هایی را که می کند چون دولت غاصب است و زورگو و حرکت او حرکت قسری است محکوم به فناست. قرآن کریم وعده‌هایش دروغ نیست و این بچه‌های مخلص که برای دفاع از خودشان و برای دفاع از اسلام به اسرائیل ضربه می زنند معلوم می شود مبعوث خدا هستند. خداوند در سوره اعراف درباره همین یهود می فرماید: «و اذ تاذن ربک لیبعثن علیهم الی یوم القیامه من یسومهم سوء العذاب ان ربک لسریع العقاب» این بچه‌های مخلص بالاخره کار خودشان را می کنند و این‌ها مبعوث خدایند. خداوند اعلام کرده که تا روز قیامت مبعوث می کند بر علیه یهود، چرا؟ برای اینکه این‌ها اصلا بنایشان بر جنایت و آدم کشی و علاقه به مال و ملک و دنیاست، این عقاب خدایی است. اسرائیل بایستی

بفهمد که دولت پوشالی و غاصب است و غاصب البته در مقابلش عکس العمل هست.
خداوند ان شاءالله به حق محمد و آل محمد بر قدرت اسلام و مسلمین بیفزاید.
خدایا ایمان و غیرت به کسانی که کشورهای اسلامی را قبضه کرده اند عنایت بفرما.
خدا تعجیل در فرج امام زمان بفرما.
ان شاءالله همه موفق و موید باشید.
در خاتمه برای شادی روح شهدای لبنان و فلسطین یک حمد و قل هوالله نثار کنید.

پیوست شماره ۲۱۴: مربوط به صفحه ۷۲۶

سفارشات معظم له به شاگردان در پایان درس خارج فقه و در آستانه تعطیلات حوزه
و ایام تبلیغ، مورخه ۱۳۷۵/۲/۲۲

بسم الله الرحمن الرحيم

من بارها عرض کرده ام درس که تمام می شود نروید کتابها را بگذارید کنار و بروید دنبال تفریح و گردش و با کتاب وداع کنید! اگر این کار را بکنید آینده درخشانی که امید واریم برای همه آقایان، نصیب نخواهد شد. در تعطیلیها آدم بیشتر می تواند کار کند، سعی کنید برای خودتان برنامه داشته باشید، یا مثلا جزواتی بنویسید در مسائل مستحدثه ای که امروز مورد بحث و مورد ابتلاست. مثل همین مساله تصویر و مجسمه که بحثش بعد می آید یا مساله غنا و موسیقی یا مساله پول و اینکه اصلا وضع پول در معاملات چگونه است. آیا پول متاع است؟ کالا است؟ ترقی و تنزل پولها. اینها مسائلی است که امروز مورد ابتلاست و رویش باید مطالعه کرد، تحقیق کرد، جزوه نوشت بلکه ان شاءالله این مسائل پخته شود. اگر فرصت باشد آدم باید در این مسائل کار بکند و زحمت بکشد و خلاصه برای تابستان برنامههایی داشته باشید. بنویسید، نوار گوش بدهید.

باز من تکرار می کنم از جمله چیزهایی که لازم و ضروری است در این زمان که آقایان اهل علم باید بدانند، مسائل کلامی و فلسفی است. مرحوم آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله علیه وحشت داشت و می فرمود از مشهد به ما فشار می آورند؛ در دنیای امروز اگر شما مسائل کلامی و فلسفی را وارد نباشید این شبهاتی که نسل جوان دارند و شبهاتی که خارجیها القاء کردند، راجع به اصل خدا و صفات خدا شبهات القاء کرده اند، نمی توانید پاسخگو باشید. عرض کردم حالا فرض می کنیم فلسفه بالذات حرام باشد، دیگر بالاتر از این نیست که می شود مثل سحر؛ خود آقایان می گویند سحر و جادو اگر برای ابطال سحر لازم است عده ای یاد بگیرند برای اینکه جادوها را باطل کنند. پس بنابراین برای اینکه جادویی که فلاسفه غرب و متغربین دارند و ذهن جوانها را مشوب می کنند، برای پاسخگویی آنها لازم است که آقایان فلسفه بلد باشند. نوارهای فلسفه را که بزرگان درس گفته اند، بگیرید و تابستان گوش

بدهید و کتاب‌های دیگر را با هم مباحثه کنید؛ و من اگر می‌توانستم واقعا علاقه داشتم یک بحث فلسفه داشته باشیم متنها از ما دیگر گذشته است اما الان اساتید جوان هستند؛ وانگهی نوار هست و خلاصه از وقتتان استفاده کنید. و برای محرم ان شاءالله آقایان برای ارشاد و تبلیغ که می‌روید قصدتان را خدا کنید و بدانید که نفس رفتن و ارشاد و تبلیغ چقدر برای شما اجر دارد. در اصول کافی این حدیث هست: «عالم یتتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد» یک عالمی که مردم از علمش نفع ببرند بهتر از هفتاد هزار عبادت کننده است. اگر چنانچه زبان گویایی دارید و بیان خوبی دارید محرم و صفر برای ارشاد و تبلیغ بروید و واقعا هم برای ارشاد و تبلیغ بروید؛ به قصد پول نروید، خدا روزی را می‌رساند. من می‌دانم که وضع آقایان خوب نیست من خودم در وقت طلبگی خیلی وضعم از حالای طلبه‌ها بدتر بود. با مرحوم آیت الله مطهری مباحثه می‌کردیم، نزدیک ظهر شد و نان نداشتیم بخوریم. آقای مطهری گفت دیگر طاقت نداریم برو بین می‌توانی دو ریال و نیم یک جایی قرض کنی، یک نان بگیری بیاوری بخوریم و من از مدرسه فیضیه تا درب مسجد امام رفتم، یک قیافه ای که دو ریال و نیم از او قرض کنم پیدا نکردم و برگشتم مدرسه فیضیه. آن وقت وضع طلبه‌ها اینطور بود. ولی مع ذلک درسشان را می‌خواندند و به درس اهمیت می‌دادند. بنابراین من می‌دانم که وضع آقایان طلاب خوب نیست، اما روزی را خدا می‌رساند. هیچ وقت مقام و شخصیت و روحانیت خودتان را به پول نفروشید، جوری نباشد که برای پول خودتان را کوچک کنید و تملق بگویید، به کم بسازید و قناعت داشته باشید. من خودم در زمان مرحوم آیت الله العظمی بروجردی چون ایشان به من علاقه داشتند چه بسا می‌رفتم سه چهار هزار تومان از ایشان برای عده ای می‌گرفتم. واقعا به یک قرانش احتیاج داشتم اما به ایشان نمی‌فهماندم که من نیاز دارم و خودم به سختی می‌گذراندم. آخرش الحمدلله روز به روز بهتر شد. بنابراین شخصیت خودتان را حفظ کنید.

من اینجا برای اینکه ممکن است کلام من اثرش کم باشد، کلام امیرالمومنین(ع) را برای آقایان می‌خوانم (همین که در درس عصر هم از مولا امیرالمومنین خواندیم) که حضرت چقدر سفارش دارند راجع به این جهت که انسان برای پول و مقام خودش را نفروشد. حضرت امیرالمومنین(ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه می‌فرماید که: «و اعلم یقینا انک لن تبغ املک» یقین بدان که به آن آرزوهای دور و دراز که داری هیچ وقت

نمی رسی «و لن تعدو اجلک» شما از اجل خودتان هم هیچ وقت نمی توانید تجاوز کنید آخرش انسان می میرد «و انک فی سبیل من کان قبلک» تو هم مثل دیگران در راه دیگران هستی، همه آمدند حالا یا ثروتمند یا فقیر، مردند و رفتند، یا مقام داشتند و یا نداشتند، تمام شد و رفتند «فخفص فی الطلب» سطحت را پایین بیاور در مقام طلب کردن یعنی طمع زیادی نداشته باش «و اجمل فی المکتسب» در کسب کردن میانه رو باش، حریص نباش. اجمال یعنی در کسب به خوبی برخورد داشتن، نه اینکه طمع و زیاده روی «فانه رب طلب قد جر الی حرب» خیلی افراد یک چیزهایی را طلب کردند بعد مالشان هم از بین رفت، ثروت تهیه کردند بعد دزد برد «فلیس کل طالب بمرزوق» این طور نیست که هرکس خیلی طلب کند و بدود روزی داده شود «و لا کل مجمل محروم» و این طور نیست آنهایی که عادلانه و به خوبی برخورد می کنند محروم باشند، خدا از یک راه دیگر برایش می رساند. محل شاهد این قسمت است «و اکرم نفسک عن کل دنیه و ان ساقطک الی الرغائب» تو نفس خودت را بزرگتر بدان از اخلاق زشت و خصلت های زشت، تملق بگویی نسبت به این آقا یا نسبت به آن پولدار، تواضع های بیجا، شما اهل علمید، شما روحانی هستید، سینه شما مشحون به قرآن و روایات اهل بیت (ع) است. این شخصیت روحانی و دینی شخصیت انسانی خودت را به پول و مقام نفروش ولو اگر بفروشی پول یا مقام پیدا می کنی؛ اما خودت را از دست داده ای، شخصیت و ارزش خودت را از دست داده ای «فانک لن تعترض بما تبذل من نفسک عوضا» اینکه تو شخصیت خودت را می فروشی عوضی گیرت نمی آید. فرض کن صد هزار تومان یا دویست هزار تومان به شما دادند، شما دویست هزار تومان ارزش دارید؟ فرض کن یک مقام مختصر هم به شما دادند، ارزش شما همین مقام است؟ شما یک انسانی، انسان کامل می توانی باشی «و لقد کرمننا بنی آدم» شما علما وارث انبیاء هستید، جانشین پیامبران هستید، باید شخصیت روحانی خودتان را حفظ کنید، شخصیت انسانی خودتان را حفظ کنید، تبلیغ بکنید، زحمت بکشید «ولا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا» خدا تو را آزاد خلق کرده، خود را بنده دیگران قرار مده «و ما خیر خیر لا ینال الا بشر» چه خوبی است در این خوبی که از راه شر به دست بیاید. خیری که از راه شر به دست بیاید شر است «و یسر لا ینال الا بعسر» چه خوبی است در این آسانی که از راه سختی به دست بیاید. بعد می فرماید: «وایاک ان توجف بک مطایا

الطمع» بپرهیز از اینکه بتازاند تو را شترهای طمع. تشبیه کرده که طمع مثل یک شتر است که انسان سوارش بشود و بتازاند و انسان را پرت کند «فتوردک مناهل الهلکة» شما را در آبشخورهای هلاکت وارد می‌کند «وان استطعت ان لا یکون بینک و بین الله ذو نعمة فافعل» اگر بتوانی یک کاری بکنی بین تو و بین خدا صاحب نعمتی واسطه نباشد انجام بده. اگر آن آقا و آن پولدار هم بخواهد به شما کمک کند باید خدا به دلش بیندازد؛ خوب شما از اول به خدا بگو «فانک مدرک قسمک و آخذ سهمک» تو بالاخره سهم خودت را درک می‌کنی و نصیبت می‌رسد «و ان الیسیر من الله سبحانه اعظم و اکرم من الکثیر من خلقه» کمی که از طرف خدا برسد بهتر از زیادی است که از دیگران به شما برسد «وان کان کل منه» هر چند همه از خداست.

ما قصدمان این است که درس بخوانیم تا هم خودمان با احکام اسلام و اخلاق اسلام آشنا باشیم و هم وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد را انجام بدهیم. اگر چنانچه در صدنفر اهل علم یک نفر هم کار سبک انجام بدهد، مردم نسبت به همه قضاوتشان بد خواهد بود، اگر یک قصاب دزد باشد مردم می‌گویند این قصاب دزد است؛ اما اگر یک آخوند کار بدی انجام داد مردم قضاوتشان نسبت به همه آخوندها بد خواهد بود. من بارها عرض کرده ام آقایان روحانیین که متلبس به لباس روحانیت شده اند، متوج به تاج ملائکه شدند، بسا از خیلی مباحات هم باید اجتناب کنند برای حفظ آبروی روحانیت و دین که مردم به روحانیت و دین بد بین نباشند؛ اگر بدبین شدند دیگر مسائلشان را نمی‌پرسند؛ آنوقت ما گناه کرده ایم که سبب شده ایم مردم اعتمادشان به اهل علم کم بشود. بنابراین تبلیغ بروند آقایان برای ارشاد بروند قصدشان را خدا بکنند ان شاءالله.

در ضمن اگر چنانچه از ناحیه من سوء ادبی و یا بی احترامی نسبت به آقایان شده معذرت می‌خواهم برای اینکه دو سه ماهی فاصله می‌شود عمر هم دست خداست یک وقت می‌بینی ما دیگر خدمت آقایان نرسیدیم.

خداوند ان شاءالله خیر دنیا و آخرت به همه شما عنایت کند.

خداوند شر کفار و اجانب و صهیونیست‌ها را از سر کشورهای اسلامی برطرف بکند و عاقبت همه ما را هم ختم به خیر نماید.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۱۵: مربوط به صفحه ۷۲۶

بیانات معظم له در آغاز درس خارج فقه در ارتباط با حمله به بیت آیت الله سیستانی در نجف اشرف و شکسته شدن حریم مرجعیت، مورخه ۱۳۷۵/۹/۱۴

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

در بعضی از روزنامه‌ها آمده است و بعضی از رادیوهای خارجی هم گفته اند که در نجف اشرف نیروهای مسلح به بیت آیت الله سیستانی حمله کرده اند و بعضی افراد در آنجا کشته شده اند!!

در سابق هر وقت این گونه مسائل اتفاق می افتاد مردم بی تفاوت نبودند؛ چون مرجعیت شیعه پایگاه عظمت و استقلال شیعه است، آنچه شیعه را در اعصار مختلف حفظ کرده است همان مرجعیت شیعه بوده است و مردم همیشه نسبت به مراجع ایمان داشته و حامی و مدافع بوده اند. هیچ وقت مردم نسبت به این حوادث که بیت یک مرجعی مورد حمله واقع بشود بی تفاوت نبوده اند و علما و مردم نسبت به آن عکس العمل نشان می داده اند.

البته بسا یک مقداری این بی تفاوتی هم از این است که متأسفانه در خود جمهوری اسلامی هم نظیر این مسائل اتفاق افتاده است و اتفاق می افتد و حریم بیوت علما را شکستند و می شکنند.

متأسفانه مرجعیت را تنزل داده و آن را مبتذل کرده اند؛ چهارتا بیچه در مساله مرجعیت و مراجع اظهارنظر می کنند؛ در وزارت اطلاعات یک معاونت تشکیل داده اند به عنوان «معاونت مراجع و حوزه» و چهارتا بیچه اطلاعاتی بی سواد می نشینند راجع به مراجع اظهارنظر می کنند؛ تصمیم می گیرند و کارهایی را انجام می دهند! چهار تا بیچه را می فرستند در «کرگل» هندوستان آنجا بگویند که فلان مرجع مرتد است چون فلان کار را انجام داده! و این گونه کارهای بیچه گانه!

انگلستان را با آن عظمت در زمان قدرتش فتوای میرزای شیرازی به زانو درآورد، عظمت میرزای شیرازی را آن‌ها می دانستند، می خواستند حریم مرجعیت را بشکنند به دست خود ما شکستند! این هست تا یک زمان مسئولین بالا متوجه بشوند! آیا این

حیف نیست که به خاطر بعضی اغراض سیاسی قدرت مرجعیت شکسته شود؟! آیا قاطی کردن مسائل سیاسی با مساله روحانیت و مرجعیت درست است؟! آیا این درست است که این قدر مرجعیت و روحانیت را کوچک کنیم که هر بچه ای را بیایند به عنوان مرجع معرفی کنند و بعد هم بگویند اینکه چیزی نیست؟!!

بالاخره در این سنخ مسائل بی تفاوتی گناه است که جرأت بکنند در نجف اشرف نسبت به یک عالمی که در جهان تشیع مطرح است و محترم است یورش بیاورند و از آن طرف هم چهار تا بچه در کرگل هندوستان بروند بالای منبر و بگویند از آقای سیستانی یا آن آقای دیگر نباید تقلید کرد و مثلاً از کی باید تقلید کرد!

مردم کرگل از ما استمداد کرده اند که یک فکری بکنید در اینجا همه مردم هم شیعه اند و هم علاقه مند به روحانیت و امام و انقلابند اما این یعنی چه که به آن‌ها دستور بدهند که از کی نباید تقلید کرد و از کی باید تقلید کرد؟!!

چرا اهداف سیاسی خودتان را با مساله تقلید و مرجعیت مخلوط می کنید؟! تا کی می خواهند مسئولین توجه نداشته باشند که چهارتا بچه اطلاعاتی عظمت روحانیت را شکسته اند؟!!

خداوند ان شاءالله به حق محمد و آل محمد به همه تنبه بدهد، و آن‌هایی که با شیعه و با بزرگان شیعه و با اصل تشیع مخالفت می کنند خداوند شرشان را به خودشان برگرداند.
ان شاءالله موفق باشید.

پیوست شماره ۲۱۶: مربوط به صفحه ۷۲۶

بیانات معظم له در پایان درس خارج فقه در مورد وجوب امر به معروف و نهی از منکر و استحباب اعتکاف، مورخه ۷۶/۸/۲۱ - ۱۱ رجب المرجب ۱۴۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

همانطور که اطلاع دارید ایام البیض در پیش است. کسی می گفت روزه که نمی گیریم سحری هم نخوریم؟

حالا ما خودمان توفیق اعتکاف نداریم اقلأً به احترام معتکفین درس را تعطیل کنیم که به اعتکاف بی اعتنائی نشده باشد. سابقاً به اعتکاف خیلی اهمیت داده می شد. یک وقت من داستانش را نقل کرده ام؛ من و مرحوم شهید مطهری و چند نفر دیگر نزد مرحوم امام خمینی قدس سره در منزل ایشان درسی داشتیم؛ ایشان این را نقل کرد که یک روز ۱۵ رجب که ایام البیض بود، ما در مدرسه دارالشفاء با آقای آقا ریحان الله گلپایگانی هم حجره بودیم؛ عصر وقتی که سماورمان را روشن کردیم در ایوان که چای بخوریم دیدیم تمام طلبه ها دارند از حجره ها سر می کشند و به ما نگاه می کنند؛ تعجب کرده بودند که این ها سماور روشن کرده اند و می خواهند چای بخورند، با اینکه ایام البیض است و روزه و عمل ام داوود و این ها... مثل اینکه طلبه ای در ماه رمضان روزه بخورد چقدر زنده است این جور عمل ما مستهجن بود پیش طلبه ها و ما را به همدیگر نشان می دادند. بعد مرحوم آقای مطهری رحمة الله علیه فرمودند که اتفاقاً آن آدم هایی که آن جور خشک مقدس بودند نوعاً از آخوندی رفتند و منکر خیلی چیزها شدند، ولی امثال شما بالاخره مانند.

البته واقعا این اعمال مستحب خوب است کسانی که می توانند حتی المقدور انجام دهند. ولی باید اینطور هم نباشد که فقط اعمال مستحب و این جور اعمال ظاهری را انجام بدهیم اما واقعیات و حقایق زیر پا گذاشته بشود. وظایف بالاتری هم انسان ها دارند. این آدم هایی که نوعاً به ظواهر، خودشان را خیلی ملتزم می گیرند - ذکر و دعا و زیارت عاشورا، نماز شب و این ها - خدای ناکرده نمی گویم این ها بد است، خوب است اما یک وظایف مهمتری هم هست. مثلاً فرض بگیرد مساله امر به معروف و نهی از منکر یکی از وظایف مهم اسلامی است «و بها تقام الفرائض»؛ اصلاً فرائض دیگر وابسته به

امر به معروف است. امر به معروف هم فقط امر به معروف جزئی نیست؛ امر به معروف و نهی از منکر به طوری که هر منکری در جامعه یا در حوزه، هر جا هست این منکر مورد توجه باشد و به اندازه قدرت انسان از اسلام، از دین، از حق، از مظلوم دفاع کند. نه اینکه انسان همه جا خفقان بگیرد و هیچ نگوید؛ بگوید من ذکرم را می گویم و دعایم را می خوانم. این واقعا جای تاسف است که چیزهای مهم مثلا اساس اسلام در خطر باشد یا مثلا حقوقی پایمال شود و به یک عده ظلم و تعدی شود. انسان باید از حق، از دین، از علم دفاع کند.

یکی از چیزهایی که واقعا در این زمان ما مظلوم واقع شد -از همه چیز مظلومتر- و مورد هجومه قرار گرفت اصل مرجعیت شیعه است. مرجعیت شیعه یک پایگاه مهم شیعه بود؛ قدرتی بود که انگلستان و همه دشمنان رویش حساب می کردند. ما مرجعیت شیعه را روی اغراض سیاسی مبتدل کردیم. بچه گانه کردیم و چهارتا بچه هم در این مسائل همیشه اظهار نظر می کنند. علما و همه افراد باید از حق دفاع کنند، از مرجعیت شیعه دفاع کنند، از علم و دانش دفاع کنند، نه اینکه همه چیز را پایمال کنیم و زیر پا بگذاریم. یکی از حرف‌هایی که ما از اول می گفتیم این بود که سیاست جزء دین است و واقعا هم سیاست جزء دین است. به فرمایش مرحوم امام خمینی قدس سره در احکام نماز جمعه در تحریرالوسیله: کسی که دین را از سیاست جدا بداند «لم یعرف الاسلام ولا السیاسة» درست هم همین است؛ دو ثلث احکام دین احکام سیاسی است. اما نه اینکه احکام دین را فدای سیاست خودمان بکنیم که خودمان یک سیاستی تنظیم کرده ایم عوضی، بیاییم دین و علم و دانش و حوزه‌های علمیه را همه را فدای سیاست‌های غلط خودمان بکنیم و همه ساکت بمانند؛ این خیلی گناه است. عمل ام داوود و این روزه‌ها و این اعمال مستحبه جبران این گناهان بزرگ را نمی کند که بزرگان در این گونه مسائل ساکت می مانند. خداوند ان شاءالله به همه ما توفیق بدهد که در هر شرایطی از اسلام و از علم و دانش و حق و حوزه‌ها دفاع کنیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۱۷: مربوط به صفحه ۷۲۸

نامه معظم له به نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مخالفت با استقراض خارجی،

مورخه ۶۸/۱۰/۸

بسم الله الرحمن الرحيم

توسط ریاست محترم مجلس شورای اسلامی جناب حجة الاسلام آقای کربوی
دامت افاضاته

حضرات آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی ایران دامت توفیقاتهم
پس از سلام و تحیت، با اینکه با داشتن مطالب گفتنی زیاد در شرائط فعلی تصمیم بر
ادامه سکوت داشتیم ولی چون سکوت در مسائل مهمه ای که به سرنوشت انقلاب و نظام و
کشور مربوط است نزد خدا و وجدان و ملت عزیز ما گناهی است نابخشودنی، ناچار شدم
نکاتی را راجع به مساله استقراض خارجی که در این روزها مطرح است تذکر دهم.

فی الوسائل (ج ۱۳ ص ۷۷): «قال رسول الله (ص): ایاکم والدین فانه شین الدین» و قال
علی (ع): ایاکم و الدین فانه هم باللیل و ذل بالنهار».

موضوع استقراض خارجی از طرفی با حیثیت جهانی و ارزش‌های اصولی انقلاب که
تاکنون در راه آن‌ها صدها هزار شهید و معلول و مجروح و اسیر داده ایم مخالف است، و
از طرف دیگر از جمله مسائل مهمی بود که در آخرین زیارتیم از حضرت امام طاب ثراه
مطرح نمودم، لذا لازم دانستم توجه نمایندگان محترم ملت را به عواقب منفی و ذلت بار آن
جلب نمایم.

شما می دانید که دولت‌های استعمارگر غرب و شرق که معمولا کلید قرض دادنها و
سرمایه گذاریهای خارجی به دست آنهاست هیچ گاه خیر و صلاح ملت ما و رشد و
شکوفائی اقتصاد ما و جهان سوم را نمی خواهند، آنچه برای آن‌ها مهم است وابستگی
اقتصادی ما و به دنبال آن وابستگی فرهنگی و سیاسی و بی آبروکردن انقلاب و نظام
اسلامی در جهان سوم و نزد ملت‌های محروم و مستضعفی است که چشم امید به انقلاب
اسلامی ما دوخته اند.

آنان هر چند در مساله استقراض و یا سرمایه گذاری خارجی ظاهرا قیافه دوستی

و خیرخواهی به خود می‌گیرند، ولی ما نباید با ساده لوحی و خوش باوری برخورد نمائیم، اگر جاذبه معنوی و حیثیت جهانی انقلاب ما را گرفتند در حقیقت تیر خلاصی را به انقلاب و ارزش‌های آن زده‌اند. برای بازسازی کشور خرید تکنولوژی و مغزهای متخصص لدی‌الاحتیاج به مراتب مفیدتر از استقراض و سرمایه‌گذاریهای خارجی است. شما در جهان سوم کدام کشور را سراغ دارید که گرفتار استقراض شده باشد و توانسته باشد استقلال سیاسی و فرهنگی خود را حفظ کند و یا از زیر بار قرض نجات یابد؟ استقراض خارجی وابسته کردن نسل آتی کشور است و آنان هر چه لعن و نفرین داشته باشند نثار نمایندگانی می‌کنند که تصویب کنندگان این قبیل طرح‌ها بوده‌اند.

اینجانب در آخرین دیدارم با رهبر فقید انقلاب حضرت امام قدس سره الشریف به پاره‌ای از عوارض اسارت بار استقراض خارجی اشاره کردم و گفتم معنی استقراض خارجی زیرپا گذاشتن همه ارزش‌ها و شعارهای ده ساله است و ملت مسلمان و مقاوم ایران حاضر است گرسنگی بخورد و زیر بار ذلت نرود. حضرت امام فرمودند: آقای موسوی هم با استقراض مخالف است، و دو روز بعد از بیت ایشان به من پیغام داده شد که حضرت امام فرمودند حق با فلانی است و بگوئید آقایان زیر بار استقراض نروند.

البته مسئولین محترم ناچار می‌شوند در بعضی از برنامه‌ها تجدید نظر کنند و از بعضی کارهای تکراری و شعاری بکاهند و به ملت و سرمایه‌های داخلی بها و امنیت و فرصت فعالیت بیشتری بدهند.

خداوند به همه ما توفیق خدمت به اسلام و انقلاب و کشور و صبر و بردباری در بلاها و کمبودها و خلوص نیت در کارها عنایت فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱۳۶۸/۱۰/۸ - حسینعلی منتظری

ص ۱

بتغیانی

تاریخ ۱۳۸۸/۸/۹

شماره

پیوست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

توسط ریاست محترم مجلس شورای اسلامی جناب حجة الاسلام آقای کزوبی دامت افاضاته
 حضرات آقایان نائیدگان محترم مجلس شورای اسلامی ایران دامت توفیقاتهم
 پس از سلام و تحیت با اینکه با داشتن مطالب گفتمنی زیاد، در شرایط فعلی تصمیم بر
 ادامه سکوت داشتم و چون سکوت در مسائل مهمه این که بر ذلت انقلاب و نظام و کوار
 مربوط است نزد خدا و بعد از دولت طریز ما گناهی است ناخجود نه ناچار مردم نکات را
 راجع بسأله استقلالین خارجی که در این روزها مطرح است تذکردهم .

في الوسائل (ع ۱۳ ص ۷۷) : « قال رسول الله ص : اياكم والدين فانه من بين الدين . »
 « وقال علي ع : اياكم والدين فانه هم بالليل و ذل بالهار . »

موضوع استقلالین خارجی از طریقه باحسبیت جهانیه و ارزشهای الهی انقلاب که تاکنون در راه انصاف
 هزاران شهید و معلول و مجروح و اسیر داده ام مخالف است ، و از طرف دیگر از جمله مسائل مهمی بود
 که در آخرین زیارتنامه از حضرت امام طب براه مطرح نمودم که لازم دانستم توجیه نائیدگان

محترم ملت را بعنوان معنی و دلالت بار آن جلب نام .
 شما میدانید که دولتهای استعماری غرب و شرق که معمولاً مکلند قرض دادن و سرمایه گزاریهای
 بدست آنهاست هیچگاه خیر و صلاح ملت ما در سره و آشکاره اقتصاد ما و جهان نوسوم را
 نمیخواهند ، آنچه برای آنها مهم است وابستگی اقتصادی و بدنیال آن وابستگی فرهنگی و
 و بی آبرو کردن انقلاب و نظام اسلامی در جهان نوسوم و نزد ملت های محروم و متضععی است
 که هم امید با انقلاب اسلامی ما و خفته اند .

بتعیانی

تاریخ

شماره

پیوست

انمان هر چند در سلسله استقراض و اسرافیه گزارشی فارغی نظیر اقیانه دوس و غیره خواهی بود میگردند و ما نباید
 با ساده لوحی و غفوس باوری بر خود نمایانیم، اگر جهاد به معنوی و حیثیت جهاد انقلاب ما را گرفتند در حقیقت
 تیر خلاهی را با انقلاب و ارزش‌های آن زده اند. برای بازسازی کشور خرید تکنولوژی و معرفی تخصص
 لدی الاعتیاج به ترتیب معین تر از استقراض و اسرافیه گزارشی فارغی است. هم در جهان سوتم کدام کشور را
 سراغ دارید که گرفتار استقراض شده باشد و توانسته باشد استقلال سیاسی و فرهنگی خود را حفظ کند و یا ارزش‌های
 بنیادینش را بدهد؟ استقراض فارغی و البته کردن مثل آن کشور است و انمان هر چه لغت و لغتین در دست ما میزند نشان
 نماند گانه میزند که تصویب کنندگان این قبیل طرحها بوده اند.

این جانب در آفرین دیدارم با رهبر فقید انقلاب حضرت امام قدس سره الشریف به پاره‌ای از عوارض این اسراف
 استقراض فارغی اشاره کردم و کفتم معنی استقراض فارغی زیر پا گذاشتن هم ارزش‌ها و معیارهای ده ساله است
 ولایت مسلمان و تقوای ایران عاقلانه است که سنگی بخورد و زیر بار دلت نرود. حضرت امام فرمودند:
 آقای بولوی هم با استقراض مخالف است، و در روز بعد از بیت‌الاحق بنیام دادند که حضرت امام
 فرمودند حق با ذلالت است و بگویند انانان زیر بار استقراض نروند.

البته مسئولین آنها را می‌نویسند در بعضی از برنامه‌ها که تجدید نظر کنند و از بعضی کارهای تکراری
 و بی‌ت و اسرافیه کمی داخلی بهاء و امانتت و فرصت فعالیت بهتر می‌دهند.

خداوند بهم ما توفیق خدمت با سلام و انقلاب و کشور و صبر و بردباری در برابر او و کمبود و خلوص
 نیت در کار که عنایت فرماید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ۱۳۹۸/۱۰/۸



پیوست شماره ۲۱۸: مربوط به صفحه ۷۲۸

متن بیانات معظم له در ارتباط با مساله استقراض خارجی، مورخه ۱۳۶۸/۱۰/۱۱

السلام علیکم جمعياً و رحمة الله و برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

اولا به شما برادران و خواهران که از شهرستان انقلابی نجف آباد که پیشقدم در انقلاب و پیشقدم در جبهه‌ها بوده است و استقامت خودش را در همه مراحل حفظ کرده است و از سایر برادران و خواهرانی که از جاهای دیگر تشریف آورده اند، شهادت بی بی عالم حضرت زهرا(س) را تسلیت می گویم. امروز بر حسب روایتی که از امام ششم، امام صادق(ع) رسیده وفات حضرت زهرا که باید تعبیر به شهادت کرد می باشد. تعبیر روایت امام صادق(ع) این است: «و کان ذلک لثلاث خلون من جمادی الاخری». در روز وفات حضرت زهرا(س) اختلاف است، چند روز را گفته اند؛ اما آنکه سند خوب دارد و تصریح هم شده است همین امروز است که سوم جمادی الاخری است. خداوند ان شاءالله به من و شما برادران و خواهران توفیق بدهد که همیشه پیرو دستورات پدر زهرا و حضرت زهرا و شوهر زهرا و فرزندان زهرا باشیم، ان شاءالله؛ و در قیامت خداوند دست ما را از دامان این بزرگواران کوتاه نفرماید. خدایا همه این‌ها که اینجا هستند عاشقان حضرت زهرا هستند، تو را قسم می دهیم به حق حضرت زهرا(س) شر کفار و اجانب را از سر کشورهای اسلامی برطرف بفرما (آمین حضار) و راه کربلا و مکه معظمه را با نابودی صدام و آل سعود بر همه دوستداران اهل بیت باز بفرما (آمین حضار).

حضرت زهرا(س) خطبه مفصلی دارند که در مسجد مدینه و در حضور خلیفه اول ایراد فرموده اند و آن خطبه خیلی طولانی است. حضرت در ضمن خطبه شان فرمایشاتی راجع به نماز و ارکان دین و فروع مهمه دین از جمله نماز و روزه و... دارند، تا می رسد به امر به معروف و نهی از منکر. عبارت حضرت زهرا(س) این است: «فجعل الله الایمان تطهیرا لکم من الشکر»، خطبه خیلی مفصل است. می فرماید: خدا ایمان را

وسيله پاکی شما از شرک قرار داده است، «و الصلوة تنزيها لکم عن الکبر» خدا نماز را قرار داده برای اینکه شما را منزّه کند از کبر و بزرگ فروشی. وقتی که انسان در مقابل خدا به خاک می افتد این معنایش این است که من کسی نیستم. حتی پیغمبر اکرم(ص) هم باید به خاک بیفتد، ائمه هم به خاک بیفتند، همه بندگان خدا در مقابل خدا باید خاضع باشند. آن وقت حضرت ادامه می دهند تا اینکه می فرمایند «والامر بالمعروف و النهی عن المنکر مصلحة للعامة»، خداوند امر به معروف و نهی از منکر را واجب کرده، برای چی؟ برای مصلحت اجتماع، معنایش این است که دین اسلام فقط یک وظایف شخصی نیست، که انسان یک نمازی برای خدا بخواند دیگر کار به جامعه نداشته باشد. دین مقدس اسلام همین طور که وظایف فردی تشریح کرده وظایف اجتماعی هم تشریح کرده است. قرآن کریم هم می فرماید: «کنتم خیر امة اخرجت للناس» شما مسلمان‌ها بهترین امت هستید که در روی زمین آمدید، چرا؟ برای اینکه شما این قدر رشد دارید این قدر درک دارید که علاوه بر وظایف شخصی، خدا یک وظیفه اجتماعی مهم هم به عهده شما گذاشته است. هر یک از ما، مرد باشد یا زن، معمم باشد یا کلاهی، کشاورز باشد یا کاسب، هرکس می خواهد باشد، حتی خانم‌ها، بخصوص خانم‌ها را هم خدا اسم برده، در سوره توبه دارد: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» یعنی همه زن‌های مومنه، همه مردهای مومن این‌ها ولی هستند نسبت به یکدیگر، یک نحوه ولایتی دارند، یک نحوه تسلطی دارند، منتها مقدار تسلطشان این است که امر به معروف و نهی از منکر کنند. پس این یک وظیفه ایست که فقط مال آخوند نیست، مال همه جامعه است. در جامعه هر فردی جلوی انحرافات را به اندازه قدرتش باید بگیرد، هر فردی مصالح جامعه را به اندازه قدرتش باید گوشزد کند، تا می تواند به نحو اثبات جلوی مفسد را بگیرد، حتی اگر یک وقت نتوانست باید مبارزه منفی بکند. ببینید این حضرت زهرا(س) که ما این همه برایش مجالس برپا می داریم، اصلا این برپا داشتن مجالس برای این است که یاد بگیریم و برای ما درس باشد، حضرت زهرا تشریف می آورند در مسجد مدینه، خطبه غزایی می خوانند و مصالح اسلام را می گویند و از امیرالمومنین(ع) دفاع می کنند، به مردم نسبت به کاری که انجام داده اند و این امیرالمومنین که این همه پیغمبر در غدیر خم و در مقاطع مختلف به عنوان خلیفه خودش معین کرده بود، حالا امیرالمومنین را

از صحنه سیاست کنار زدند، حضرت زهرا(س) توی مسجد دفاع می کند از امیرالمومنین، بعداً وقتی که دید به صحبت‌ها آن طور که باید ترتیب اثر داده بشود نشد، از باب اینکه «الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی الستهم» مردم نوعاً طالب دنیا هستند، مولا امیرالمومنین(ع) در نهج البلاغه می فرمایند: «و انما الناس مع الملوک و الدنیا، الا من عصم الله» مردم همه با پادشاهان و با قدرتمندان دنیا هستند مگر کسی که خدا حفظش کند. خوب حضرت زهرا از راه مبارزه مثبت وارد شد و خطبه را خواند و بعد مبارزه منفی. چه مبارزه منفی که اثرش تا روز قیامت باقی است. الان از یک میلیارد مسلمان دنیا پرسید که خوب مگر حضرت زهرا دختر پیغمبر نبود؟ می گویند چرا، مگر آیه تطهیر در شان نزول نشده؟ چرا، مگر پیغمبر در مباحله فاطمه زهرا را نیاورد؟ چرا، مگر پیغمبر فرمود: «فاطمه بضعة منی»، فاطمه پاره تن من است؟ چرا، خوب پس قبر حضرت زهرا کجاست؟ اگر مردم از حضرت زهرا تشییع کرده بودند همه، خوب دیده بودند کجا دفن می شود.

حضرت زهرا وصیت می کند، وقتی مولا امیرالمومنین تشریف آوردند از مسجد، دیدند رقعہ ای زیر سر حضرت زهراست، معلوم می شود نوشته بوده، حضرت یا خودش خط داشته یا گفته نوشته اند، مرا شب غسل بده، مرا شب کفن کن و شب دفن کن، تشییع جنازه نکن، نمی خواهم آنانی که به من ظلم کرده اند در تشییع من، در مراسم دفن من حاضر شوند. خوب این مبارزه منفی. الان به یک میلیارد مسلمان بگو خوب، شما قبول دارید که حضرت زهرا دختر پیغمبر بوده، این همه سفارش راجع به او شده، کو قبرش؟ چرا شب دفن شده؟ چرا گفت شب دفنم کنید؟ معلوم می شود ناراحت بوده از حکومت، معلوم می شود ناراضی بوده از آنهایی که به جای پیغمبراکرم نشسته اند، اگر همه چیزها را جواب دهند این را جواب ندارند بدهند. هرکس از صحابه، از اصحاب، قبر معینی دارد، چطور قبر حضرت زهرا نامعلوم است؟ چطور مجهول است؟ این را می گویند مبارزه منفی، یعنی یک کاری کرد که تا روز قیامت بفهماند که از رفتار اینهایی که به دروغ خودشان را جانشین پیغمبراکرم(ص) قلمداد کردند از دست اینها ناراضی است، همین نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر یک وقت به نحو مثبت است، یک وقت مبارزه منفی است. حضرت زهرا(س) در آن وقت می فرمایند: «والامر بالمعروف و النهی عن المنکر مصلحة للعامة» این برای

مصلحت عمومی است، برای مصلحت جامعه است، یعنی همه افراد باید مصالح جامعه را در نظر بگیرند، منحصر به آخوند و زید و عمرو، سیاسی و غیرسیاسی نیست، مسائل اسلام فقط نماز و روزه نیست، مسائل سیاسی اسلام، مسائل اقتصادی اسلام، این‌ها همه مسائل اسلام است، و لذا در همه مسائل اسلام افراد حق اظهار نظر دارند، اگر منکری باشد باید جلویش را بگیرند.

حالا روی این اصل من طلبه از باب اینکه یکی از افراد مسلمان جامعه هستم وظیفه ام است اگر چنانچه مسائلی را دیدم تذکر بدهم. شما برادران و خواهران می دانید که با این همه سوابقی که من در انقلاب داشتم و تا حالا این را نگفتم، ولی حالا می گویم، من دوم شخص انقلاب بودم (تکبیر حضار) اول شخص انقلاب حضرت امام قدس سره بودند و دوم شخص انقلاب من بودم. با اینکه تعریف از خود درست نیست، آن وقتی که من در انقلاب فعالیت داشتم و همین طور فرزند شهید من (گریه حضار) بعضی از کسانی که الان پستهای حساسی دارند ما را مسخره می کردند می گفتند: شما دیوانه اید که اعلامیه چاپ می کنید علیه شاه، مگر می شود با شاه مبارزه کرد، در آن وقت ما پرچمدار انقلاب بودیم، زندان‌هایش را رفتیم کتک‌هایش را خوردیم، بر هیچ کس هم منت ندارم، برای خدا کردم، اجرم را هم از خدا می خواهم، چون نسبت به انقلاب از پایه گذاران انقلاب بودم اگر اشتباهی دیدم باید تذکر بدهم.

دیدید شما در روزنامه‌ها، در مجلس، در دانشگاه‌ها، به وسیله جزوه‌ها اکاذیبی علیه من پخش کردند، توهین کردند، دروغ شاخدار نوشتند (گریه حضار) و من به خاطر حفظ وحدت و حفظ اصل انقلاب و اینکه دشمنان خارجی و منافقین نتوانند سوءاستفاده کنند سکوت کردم و به سکوت خودم ادامه دادم، فقط به خاطر خدا (گریه حضار) اکاذیبی که به صورت جزوه پخش کردند، در روزنامه‌ها چاپ کردند، البته کسانی هم به آن‌ها جواب داده اند، چند نفر من سراغ دارم بر آن‌ها جواب مستدل به صورت کتاب نوشته اند و من تا حال از پخشش جلوگیری کرده ام به خاطر حفظ وحدت و حفظ انقلاب، خیال نکنند جواب نداشته، جواب داده شده است. البته من خودم فرصت ندارم ولی کسانی نوشته اند.

اما امروز که من عنوان می کنم برای اینکه مساله ای اتفاق افتاده، پس من به عنوان دفاع از خودم تا حالا هیچ نگفتم، سکوت کردم، امکانات را هم از من گرفتند، من

امکانات نداشتم، آن‌ها روزنامه داشتند، هر چه می‌خواستند گفتند. شما یادتان هست سال قبل در ۲۲ بهمن من در همین حسینیه گفتم: رادیو و تلویزیون ایران و روزنامه‌ها کی گفته است که در اختیار دوسه نفر باشد؟ مال همه ملت است، چطور هرکس هرچه خواست توی روزنامه نوشت حتی علیه شخص من، و من طلبه حتی تسلیت برای وفات پدرم دادم به روزنامه‌ها و گفتند چاپ نمی‌کنیم! (گریه حضار) این چرا؟ خوب این‌ها شده، عرض کردم من برای دفاع از خودم تا حالا سکوت کردم. اما مساله ای اتفاق افتاده و آن مساله اینکه: شما برادران یادتان است که یک وقت در زمان شاه خائن، شاه منفور از آمریکا ۲۰۰ میلیون دلار می‌خواست قرض بکند، مساله کاپیتولاسیون آمد و مرحوم حضرت امام مبارزه کردند، قیام کردند، و می‌شود بگویی انقلاب ما از آن وقت اوج گرفت. مساله کاپیتولاسیون شاه می‌خواست ۲۰۰ میلیون دلار از آمریکا قرض کند. به خاطر این مساله، حضرت امام مبارزه کردند، فرمودند قرض کردن از کشور خارجی، آن هم نزولش را بدهی، این فروختن اسلام و کشور است و آن سخنرانی عجیب را ایشان کردند. بعد از آن باز در زمان شاه خائن ۳۵ نفر از سرمایه داران آمریکا می‌خواستند در ایران سرمایه گذاری کنند و روزنامه‌ها هم همه نوشتند، آن وقت حضرت امام ایران نبودند یا ترکیه بودند یا نجف، حالا تاریخش من یادم نیست، از بس اختناق بود و نمی‌شد کاری کرد یک اعلامیه علیه سرمایه گذاری آمریکایی‌ها در منزل من در خاکفرج تهیه شد، من و مرحوم آیت الله ربانی -که تصادف کرد و از دنیا رفت، خداوند ان شاءالله درجاتش را عالی کند (آمین حضار)- نشستیم یک اعلامیه دو تایی تنظیم کردیم -تا حالا هیچ جا منعکس نشده- و بی امضا به اسم حوزه علمیه منتشر کردیم، نمی‌شد امضا کرد، به یک زحمتی آن را پلی کپی کردیم و پخش کردیم. مرحوم آیت الله سعیدی از تهران آمد قم خانه ما در خاکفرج، گفت این اعلامیه شما خیلی اعلامیه خوبی بود اما حیف که بی امضاست، بیایید امضا کنید. گفتم آقای سعیدی، من آدم ترسویی نیستم ولی من تنهایی امضا بکنم اثرش کم است، شما برو نه نفر دیگر امثال آقای مشکینی و دیگران، اسم بردم، برو نه نفر دیگر را پیدا کن حاضر بشوند امضا کنند من هم یکی، ما ده تایی امضا می‌کنیم پخش می‌کنیم. عرض کردم آن وقت مرحوم حضرت امام در ایران نبودند. مرحوم آقای سعیدی از خانه ما رفت دنبال این کار، یک وقت هم شنیدم مرحوم آقای سعیدی خودش برداشته یک چیزی

نوشته است به عنوان سرمایه گذاری آمریکایی‌ها و برای شخصیت‌ها فرستاده، بازداشتش کردند، در زندان هم شهیدش کردند. یعنی شهادت مرحوم آیت الله سعیدی روی سرمایه گذاری آمریکایی‌ها بود، که خارجی‌ها می‌خواستند سرمایه گذاری کنند توی ایران. این را هیچ کس شاید به این خصوصیت اطلاع ندارد و من برای شما الان عرض کردم. این حوادثی بوده است که شما جلوتر خبر نداشتید.

شما می‌دانید من رئیس خبرگان قانون اساسی بودم و مرحوم آیت الله بهشتی هم به عنوان معاون بود، قانون اساسی چاپ شده، بروید ببینید. اصل ۸۱ قانون اساسی می‌گوید: دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و موسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجی‌ان مطلقاً ممنوع است. یعنی ایران حق ندارد به خارجی‌ان حتی امتیاز خدمات هم بدهد، امتیاز شرکت و تجارت و این‌ها حق ندارد بدهد، این هم اصل ۸۱ قانون اساسی. حالا اخیراً کسانی که روزنامه خوانده‌اید واقفید، در روزنامه‌های همین روزها در مورد برنامه پنج ساله بوده است، کسی با برنامه مخالف نیست، البته برنامه باید باشد برای بودجه کشور. به عنوان برنامه پنج ساله کشور آمده‌اند یک چیزهایی را قطار کرده‌اند و قسمت‌هایی از آن را توی مجلس تصویب کرده‌اند و از روزنامه‌ها هر کس خوانده می‌بیند توی خود مجلس جنجال بوده است، اختلاف درش بوده، شاید این قسمت‌هایش به یک آراء خیلی کمی، حالا من نمی‌دانم در چه شرایطی نماینده‌ها بعضی‌هاشان تصویب کردند. در تبصره ۲۹ آن، همین چیزی که گزارش کمیسیون برنامه و بودجه مجلس است، از جمله چیزهایی که دارد عقد قرارداد با پیمانکاران خارجی است. این خلاف نص صریح قانون اساسی است. بعد در آن درآمد فرضی خیالی برای کشور تنظیم شده است، حدود ۱۲۰ میلیارد دلار ارز، یعنی ارز خارجی، یعنی در ۵ سال هر سالی ۲۴ میلیارد دلار درآمد ما باشد، در صورتی که همین الان همه درآمد ارزی ما از نفت و گاز و صادرات و همه را که روی هم بریزیم به ۱۲ میلیارد دلار معلوم نیست برسد، یعنی به نصفش. آن وقت در آن چیزهایی به عنوان استقراض خارجی، قرضه خارجی -البته تعبیر به تعهد کرده آنجا، تعبیر به استقراض نکرده، تعبیر به تعهد خارجی، یعنی صحبت کنند با خارجی‌ها، پول از شون قرض کنند، بیايند سرمایه گذاری کنند، خوب کی بدهد؟- پنج سال، پنج تا دوازده تا می‌شود ۶۰ میلیارد دلار، ۶۰ میلیارد دلار داریم، ۱۲۰ میلیارد دلار برنامه ریزی کنیم و

برای باقی آن، زمینه خالی است یعنی قرض کنیم. آیندگان دنده شان نرم شود برای اینکه بچه‌های ما هستند جور ما را بکشند! کدام کشوری را ما سراغ داریم که زیر بار قرض خارجی رفته باشد و توانسته باشد بعد این قرضها را بدهد، در آخرین ملاقاتی که با مرحوم حضرت امام طاب ثراه داشتم فرزند ایشان هم شاهد است، آنجا بودند، خدمت ایشان عرض کردم آقا این استقراض خارجی که الان در مجلس صحبت و زمزمه هست این به ضرر کشور است، این زیر پا گذاشتن همه شعارهای ده ساله است، این همه ما گفتیم استقلال، اگر ما از نظر اقتصاد وابسته به خارج شدیم استقلال فرهنگیمان هم از دست می رود، استقلال سیاسی هم از دست می رود، فقیر می شویم، وابسته می شویم، ایشان آن وقت تقریباً تصدیق کردند. بعد از دو روز پیغام دادند -تلفن کرده بودند به منزل ما- که حضرت امام فرمودند حق با فلانی است بگویید نکنند، این چیزی است که در آخرین ملاقاتم با ایشان اتفاق افتاد.

حدیث برایتان بخوانم، در وسائل الشیعه جلد ۱۳ کتاب دین صفحه ۷۷ از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده است، قال رسول الله (ص): «ایاکم والدین فانه شین الدین» مبدا زیر بار قرض بروید، دیتتان را باخته اید، دیتتان را عیب دار کرده اید. برای اینکه قرض یعنی ذلت. و قال علی (ع): «ایاکم و الدین فانه هم باللیل و ذل بالنهار» زیر بار قرض نروید، پرهیزید از قرض، شب غصه داری برای قرض و روز هم موجب ذلت است. این در صورتی است که از یک خودی قرض کنی، حالا اگر از خارج قرض کنید، خارجی‌ها که فکر من و شما نیستند، مسلمان از کافر قرض کند نزولش را بدهد! نزول بدهیم به کفار! لابد کفار قربة الی الله می آیند توی کشور ما سرمایه گذاری می کنند؟! لابد قربة الی الله می آیند به ما قرض می دهند؟! این طوره؟ یا نه می آیند کشور را وابسته می کنند؛ من مطالبی که می خواستم بگویم یک مقداری گفتم و اینجا چند خطی نوشته ام برای اینکه بخوانم برای شما:

موضوع استقراض خارجی از طرفی با حیثیت جهانی و ارزش‌های اصولی انقلاب که تاکنون در راه آن‌ها صدها هزار شهید و معلول و مجروح و اسیر داده ایم مخالف است (تکبیر حضار) و از طرف دیگر از جمله مسائل مهمی بود که در آخرین زیارتم از حضرت امام طاب ثراه مطرح نمودم، شما می دانید که دولت‌های استعمارگر غرب و شرق که معمولاً کلید قرض دادنها و سرمایه گذاریهای خارجی به دست آنهاست، هیچ گاه

خیر و صلاح ملت ما و رشد و شکوفایی اقتصادی ما و جهان سوم را نمی‌خواهند، آنچه برای آن‌ها مهم است وابستگی اقتصادی ما و به دنبال آن وابستگی فرهنگی و سیاسی و بی‌آبروکردن انقلاب و نظام اسلامی در جهان سوم و نزد ملت‌های محروم و مستضعفی است که چشم امید به انقلاب اسلامی ما دوخته‌اند. آنان هر چند در مساله استقراض و یا سرمایه‌گذاری خارجی ظاهراً قیافه دوستی و خیرخواهی به خود می‌گیرند ولی ما نباید با ساده‌لوحی و خوش‌باوری برخورد نماییم. اگر جاذبه معنوی و حیثیت جهانی انقلاب ما را گرفتند در حقیقت تیر خلاصی را به انقلاب و ارزش‌های آن زده‌اند. - برای بازسازی کشور حالا یک وقت ناچاریم تکنولوژی را بخریم به اندازه ضرورت، متخصص از آن‌ها بیاوریم، استخدام کنیم، که نوکرمان باشند، حقوق برمان باشند، نه اینکه بیایند سرمایه‌گذاری کنند یا قرض کنیم که آقا بالاسر باشند. - برای بازسازی کشور خرید تکنولوژی و مغزهای متخصص لدی‌الاحتیاج به مراتب مفیدتر از استقراض و سرمایه‌گذاریهای خارجی است. - الان ببینید آرژانتین، برزیل، این کشورهایی که گرفتار قرض شده‌اند روز به روز نزولش را هم نمی‌توانند بدهند، هر روزی که کم‌رشان خم‌تر می‌شود، شما در جهان سوم کدام کشور را سراغ دارید که گرفتار استقراض شده باشد و توانسته باشد استقلال سیاسی و فرهنگی خود را حفظ کند و یا از زیر بار قرض نجات یافته باشد؟ استقراض خارجی وابسته کردن نسل آتی کشور است و آنان هر چه لعن و نفرین داشته باشند نثار نمایندگانی می‌کنند که تصویب کنندگان این قبیل طرح‌ها بوده‌اند. - آینده این جور است، شما الان دارید به زمان شاه لعن می‌کنید. نکنید یک کاری که آیندگان هم بیایند ما را لعن کنند. اینجانب در آخرین دیدارم با رهبر فقید انقلاب حضرت امام قدس سره الشریف به پاره‌ای از عوارض اسارت بار استقراض خارجی اشاره کردم و گفتم معنی استقراض خارجی زیر پا گذاشتن همه ارزش‌ها و شعارهای ده ساله است و ملت مسلمان و مقاوم ایران حاضر است گرسنگی بخورد و زیر بار ذلت نرود (تکبیر حضار). حضرت امام فرمودند: آقای موسوی - نخست وزیر وقت - هم با استقراض مخالف است، و دو روز بعد از بیت ایشان به من پیغام داده شد که حضرت امام فرموده‌اند حق با فلانی است و بگوئید آقایان زیر بار استقراض نروند. البته مسئولین محترم ناچار می‌شوند در بعضی از برنامه‌ها تجدیدنظر کنند و از بعضی از کارهای تکراری و شعاری بکاهند و به ملت و سرمایه‌های

داخلی بها و امنیت و فرصت فعالیت بیشتری بدهند.

باید یک کاری کرد که مردم دلگرم شوند، پولشان را بیاورند برای بازسازی، برای سرمایه گذاری، شعار نباشد، مردم باورشان بیاید، اطمینان پیدا بکنند، از متخصصین داخلی استفاده کنیم، از سرمایه‌ها استفاده کنیم، از دو میلیون ایرانی که آواره اند، خیلی شان این‌ها ضدانقلاب نیستند، می ترسند بیایند توی کشور، دعوت کنیم بیایند در بازسازی کشور کمک کنند.

علی ای حال من عرض کردم با اینکه برای دفاع از خودم امکانات در اختیار من نبود ولی می توانستم حرف بزنم، اما برای حفظ وحدت و حفظ انقلاب که خودم از پایه گذاران انقلاب بوده ام سکوت کردم، حالا متأسفانه یک عده شده اند صد درصد انقلابی و به قول آن‌ها ما شدید ضدانقلاب، دلم می سوزد برای این انقلاب که این همه شهید در این راه داده شد، من فرزندم در این راه رفته، نوه ام در این راه رفته، شما هر کدام چند تا شهید داده اید، اگر خدای ناکرده ما گرفتار خارجی‌ها شدیم، از نظر اقتصادی وابسته شدیم، دیگر فاتحه کشورمان خوانده است. لذا من وجداناً پیش خدا و ملت مسئولم با اینکه صدای من الان به جایی نمی رسد، امکانات در اختیار دیگران است، مجلس هم حالا در چه شرایطی تصویب کرده نمی دانم، شاید این گفته من به گوش شورای نگهبان برسد، اقلاً شورای نگهبان حضرات آقایانی که آنجا هستند، آن‌ها در این چیزها تجدید نظر بکنند، شورای نگهبان وظیفه اش هست چیزهایی را که خلاف قانون اساسی یا خلاف استقلال کشور است جلویش را بگیرد، ۲۰۰ میلیون دلار را حضرت امام فرمودند معنایش فروختن کشور است، آن وقت الان شاید حدود ۳۰ میلیارد دلار یا بیشتر بشود. از ۱۲۰ میلیارد دلار، فوقش ما ۶۰ میلیارد دلار، ۷۰ میلیارد دلار درآمد داشته باشیم، باقیمانده آن همه اش وابستگی است.

من برای رضای خدا برای دفاع از کشور این را گفتم. حالا استعمار می خواهد شرقی باشد می خواهد غربی باشد، می خواهد آمریکا باشد می خواهد غیر آمریکا باشد. آمریکا خارجی بود کشورهای دیگر هم خارجی اند، باید یک کاری بکنند مسئولین، بعضی خرج‌ها را بزنند، خرج‌های تشریفاتی و شعاری و این‌ها را یک خرده کم کنند و با همانی که دارند با ملت هماهنگ بشوند، تحیب کنند ملت را و با همانی که ملت خودش دارد کشور بازسازی بشود، می گویند گرفتاریم، آن طور که گرفتارتر

می شویم آن وقت آیندگان چه می گویند؟ می گویند خدا لعنت کند گذشتگان را، برای اینکه خرابی‌هایشان را آباد کنند قرض کردند، گردن ما گذاشتند، آینده‌ها می باید بدهند دیگر.

خدایا به حق محمد و آل محمد به من و به همه برادران و خواهران توفیق بده بتوانیم در مقاطع حساس از اسلام و انقلاب و کشور دفاع کنیم. (آمین حصار)

خدایا به حق محمد و آل محمد خدمتگزاران به دین و کشور را تایید فرما.

کسانی که بر خلاف مصالح کشور اقدام می کنند، خارجیان و منافقین و کفار، شرشان را به خودشان برگردان.

خدایا به حق محمد و آل محمد به ملت ایران، به ملت مسلمان ایران برکت و وسعت عنایت بفرما که نخواهند گرفتار خارجی‌ها بشوند.

خدایا به حق محمد و آل محمد شهدای ما را با شهدای کربلا محشور فرما.

به بازماندگان شهدا صبر و اجر عنایت بفرما.

خدایا به حق محمد و آل محمد روح حضرت امام را شاد و خرسند بفرما.

خدایا راه کربلا و عتبات عالیات و مکه مکرمه را به نابودی صدام و آل سعود باز بفرما.

وحدت کلمه بین مسلمان‌ها ایجاد فرما.

خدایا به حق محمد و آل محمد این حالت خودبینی را از ما برطرف بفرما.

تعجیل در فرج امام زمان بفرما.

والسلام علیکم جمیعاً و رحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۱۹: مربوط به صفحه ۷۲۹

بیانات معظم له در آغاز درس خارج فقه در توضیح برخی مسائل و زیان استقراض

خارجی، مورخه ۱۳۶۸/۱۰/۱۶

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

من هیچ مایل نبودم که جلسه درس‌مان، بحث فقهیمان را مشوب کنم به بعضی صحبت‌ها، ولی بسا ضرورت اقتضا می‌کند که انسان چند دقیقه ای مزاحم شما باشد، امیدوارم که دیگر تکرار نشود و ناچار نباشیم وقت آقایان را بگیریم و جلسه مان همان محض برای درس و بحث باشد، اگر یک ربعی مزاحمت می‌کنم از آقایان معذرت می‌خواهم.

اولاً آقایان می‌دانند که روابط من با حضرت امام و با مسئولین محترم کشور که الان سر کار هستند از قدیم چه جوری بوده، من هم شاگرد حضرت امام بودم هم نزدیک به ایشان بودم و هم به من علاقه داشتند، و یادم هست که مسائلی را که دیگران جرأت نمی‌کردند به ایشان بگویند به من می‌گفتند و من با ایشان صحبت می‌کردم. حدود چهار سال قبل در جبهه یک جنگی شده بود، حال یادم نیست کدام عملیات بود، که صدام گفته بود ما چهارهزار نفر از ایرانی‌ها را کشتیم و بعد بعضی مسئولین در مقابل گفته بودند نخیر، اصلاً ما چهارهزار نفر بیشتر توی جبهه نداشتیم، برای اینکه می‌خواستند مثلاً یعنی جواب صدام را بدهند و فرماندهان جبهه که با ما زیاد مربوط بودند آمدند گفتند آخر این چه حرفی است زده شده، افرادی که تو جبهه بودند می‌گفتند آخر این خلاف واقع است. تصادفاً چنین گزارشی را به حضرت امام داده بودند و ایشان در یکی از سخنرانی‌هایشان فرموده بودند و این خیلی انعکاسش در روحیه بچه‌هایی که در جبهه بودند بد بود. آن‌ها می‌گفتند چطور به حضرت امام گزارش غلط داده اند. من خدمت حضرت امام بودم و فرزند ایشان آقای حاج احمد آقا هم آنجا بودند، من خدمت ایشان عرض کردم که آقا گزارش آن جوری که خدمت شما داده شده بود خلاف واقع بود و حضرتعالی هم فرمودید، فرمودند بله بد شد، گزارش اشتباه به من داده بودند، خود ایشان فرمودند. بعد من برحسب اینکه همیشه تذکراتم

را خدمت ایشان می‌دادم خدمت ایشان عرض کردم آقا، حضرتعالی چون رهبر جهان اسلام هستید یک چنین اشتباهات کوچکی هم اگر بشود این بد است، خوب است حضرتعالی علاوه بر اینکه مسئولین محترم با شما تماس دارند یک افرادی را هم داشته باشید که خودتان به آن‌ها اعتماد دارید، این‌ها بیایند مثلاً ماهی یک مرتبه، دو ماه یک مرتبه مسائل جبهه‌ها، مسائل کشور را خدمت شما بگویند که اطلاعات حضرتعالی فقط از راه مسئولین نباشد، و حتی توی صفها (این تعبیراتی است که من به ایشان عرض کردم) حتی توی صفها، مثلاً توی صفهای کوپن، توی اتوبوس‌ها، توی تاکسی‌ها مردم حرف‌هایی می‌زنند، این‌ها به گوش حضرتعالی برسد خوب است، و بعد خدمت ایشان عرض کردم من دارم افرادی را به سهم خودم که می‌آیند گاهی از اوقات مطالبی را به من می‌گویند. حالا انسان لازم نیست همه را بگوید صددرصد درست است، اما از راه دیگر هم آدم بشنود خوب است. من وقتی خدمت ایشان این را عرض کردم گفتم حتی آقای حاج احمد آقا هم شناسد آن‌ها را، من هم شناسم، غیر خودتان هیچ کس نداند، این‌ها بیایند ماهی یک مرتبه، دو مرتبه و مسائل را بگویند. آقای حاج احمد آقا آنجا گفتند که امام، تعبیر به اینکه صرف نمی‌کند برایشان یا اینکه ایشان نمی‌توانند و مقدورشان نیست، یک چنین تعبیری، بیشتر به ذهنم می‌آید گفتند برای ایشان صرف نمی‌کند این جور رفت و آمدها، و به جای اینکه ایشان یک کسانی داشته باشند شما که حضرت امام خیلی به شما اعتماد دارد، این سنخ مسائل را، شما که می‌گوئید من کانال‌های مختلف دارم، این سنخ مسائل را ماهی یک مرتبه، دو ماه یک مرتبه خدمت ایشان بنویسید، هر چه هست بنویسید، شما هم که با ایشان رو در بایستی ندارید. من روی این اصل، جلوتر هم خدمت ایشان نامه‌هایی می‌نوشتم، تذکراتی می‌دادم، اما از آن روز به بعد من زیاد خدمت ایشان نامه می‌نوشتم. حالا بعضی نامه‌ها شاید مثلاً به مذاق بعضی‌ها یا خوش نیامده یا ناراحت شدند و بالاخره به اینجا رسید «آل الامر الی ما آل» که دیدیم بالاخره چی شد. ذهن ایشان بالاخره مشوب شد و بعد هم دیدید که در روزنامه‌ها و توی دانشگاه و توی مجلس و دیدید روزنامه‌ها هر چی بود و جزوه‌ها و این جور چیزها راجع به من نوشتند، و من خدا را گواه می‌گیرم با اینکه خیلی حرف‌ها را دلیل متقن داشتم، استدلال‌های متقن بر رد آن‌ها داشتم، اشتباهاتی بود ولی من دیدم یک کلمه بگویم، رادیوهای بیگانه و خارجی و

این‌ها سوء استفاده می‌کنند و من شخصی فدای اصل نظام و انقلاب بشوم هیچ مانعی ندارد، بگذار هر چی می‌خواهند بگویند و بعد ان شاء الله حقایق ظاهر می‌شود و روشن می‌شود، خلاصه من حالت دفاعی به خودم نگرفتم، امکانات دفاعی هم نداشتم، برای اینکه چیزهایی که توی روزنامه نوشته شد، توی مجلس گفته شد، توی دانشگاه گفته شد، روزنامه‌ها که در اختیار من نبود، اصلاً اسم من قاجاق شده بود که در روزنامه بنویسند، حتی تسلیت هم مثلاً ما نوشتیم توی روزنامه‌ها نمی‌نوشتند. خوب حالا گذشت، بالاخره اصل موضوع این جور بود.

در آخرین ملاقاتم خدمت ایشان، که زمزمه استقراض خارجی و سرمایه‌گذاری در مجلس بود، من خدمت ایشان عرض کردم، باز آقای حاج احمد آقا آنجا بودند، خدمت ایشان عرض کردم، ایشان فرمودند، بله آقای موسوی هم مخالف است، که من این را توی صحبتیم گفتم، بعد که ما آمدیم، تلفن شده بود به خانه ما، که بله حضرت امام فرمودند حق با فلانی است بگوئید حق با تو است و شما هم بگوئید که این کار را نکنند. این هم مساله استقراض و عقیده من هم این بود. بالاخره هر چه باشد من به اندازه یک نماینده مجلس که دیگر حق این را دارم اظهار نظر بکنم، من که از پایه‌گذاران انقلاب بودم، در وقتی که حضرت امام تبعید بودند به ترکیه، به نجف بودند، همه می‌دانند که اینجا بالاخره محور انقلاب ما بودیم، اون وقت اگر یک مساله ای را تشخیص دادم که به ضرر است تذکر دادم، دیگر فرض کنید من هم مثل یکی از نماینده‌ها که در مجلس راجع به سرمایه‌گذاری خارجی و استقراض مخالفت می‌کند، و من توصیه می‌کنم که آقایان نوار صحبت من را حالا هر جوری هست گیر بیاورند گوش بدهند ببینند کجای این نوار من مخالفت با نظام یا گوشه ای به یکی از مقام‌ها و مسئولین رده بالا دارد؟ مسئولین رده بالای ما ۵۰ سال است با هم آشنائیم. قبل از انقلاب توی قم بودیم، با هم آشنا بودیم، بعضی‌هایشان شاگرد ما بودند، رفیق بودیم، اگر چنانچه بخواهند یک ایادی به این وسیله تفتین کنند، بزرگترین ضربه به انقلاب از اینجا می‌خورد، این که مرتب سفارش می‌شود به وحدت کلمه، به توحید، وحدت کلمه که یک طرفه نیست، من چیزی را به نظرم می‌رسد به ضرر کشور است، الان هم عقیده ام است، حضرت امام هم نظرشان همین بود، و نظرم را گفتم، فرض کنید مثل مخالفین در مجلس، نماینده‌های مخالف که توی روزنامه شما خواندید در این مدت

-نمی‌دانم روزنامه‌ها را می‌خوانید یا نه- نظریه‌های مخالف هم منعکس می‌شد، خیلی‌ها مخالف بودند از نماینده‌ها، من هم فرض کنید یکی از مخالفین، این معنایش مخالفت با نظام است؟ این معنایش مخالفت با مسئولین رده بالای کشور است؟ چطور می‌شود من مخالف با نظام و حکومت اسلامی و ولایت فقیه باشم، کدام یکی از علما ۴ سال بحث ولایت فقیه کردند؟ من در ظرف ۴ سال، مساله ولایت فقیه و حکومت اسلامی را از نظر علمی تثبیت کردم. همه آن‌هایی که اهل تشخیص هستند حتی مسئولین بالا، خودشان در سخنرانی‌هایشان گفتند که فلانی خدمت کرده به انقلاب و از نظر علمی پایه‌گذاری کرده حکومت اسلامی را، ولایت فقیه را، دو جلد کتاب ولایت فقیه چاپ شده، جلد سومش هم ان شاء الله چاپ می‌شود و مسائلی که مورد ابتلای ولایت فقیه و حکومت اسلامی است (آقایان توی درس ما بودند) چیزی که از نظر علمی من خودم تثبیت کردم اون وقت من مخالف ولایت فقیهیم؟! من مخالف نظام اسلامی هستم؟! مخالف نظام اسلامی آن‌هایی هستند که حالا یا سادگی دارند یا هر چیز دیگری، تحت تاثیر یک جوهای غلط قرار می‌گیرند، یک چیزهایی غلط بهشان می‌گویند تاثیر می‌گیرند و آن وقت جوسازی می‌کنند. این جوسازی‌ها منعکس می‌شود، این‌ها بد است، این‌ها غیر از اینکه بین من و امثال من و مسئولین محترم مملکت بدبینی درست کنند و فتنه درست کنند هیچ نتیجه‌ای ندارد، و من در این میان برادران مسئول اطلاعات، حالا این‌ها مسائل جزئی است، اصلا دلم نمی‌خواست این‌ها را بگویم، ولی انسان ناچار می‌شود، به برادران توصیه می‌کنم اگر چیزی می‌شنوید همان جور که می‌شنوید گزارش بدهید. یک روزی در همین دفتر ما حدوداً شاید یک ماه قبل باشد یا چهل روز، مسئول تلفن منزل ما (مسئول تلفن دفتر که الان هم اینجا هستند) اونجا توی مجلس ملاقات بود، چیزی که من به ایشان گفتم، در حدود ۱۰-۱۵ نفر آنجا بودند، من گفتم که آقا من حدود ساعت ۸ (بعدازظهر) نشده بود تلفن کردم به تلفنخانه، کسی نبود؛ این درست نیست که ساعت ۸ کسی توی تلفنخانه نباشد، تا ساعت ۹-۱۰ در تلفنخانه باشید، بسا یک کسی از خارج از اینجا تلفن می‌کند، یک مساله‌ای می‌خواهد برسد، یک کاری دارد. کار دفتر ما غیر از مساله و غیر از استخاره آیا چیز دیگری هست؟ این را من گفتم. بعد مسئولین اطلاعات قم گزارش داده‌اند و این را چاپ کرده‌اند که فلانی به مسئول تلفن گفت شما تا ساعت

۹ و ۱۰ توی تلفنخانه باشید افراد یک وقت می خواهند خبر بدهند، خبر بگیرند و بعد تلفنها را هم به من وصل بکنید!! کی من تلفن برمی دارم؟ کی تلفن به من وصل شده؟ تلفن که در اختیار خود برادران اطلاعات هم هست، گوش که می دهند. این چه جور گزارش است؟ آن وقت بعد هم دنبالش گفته است، بله معلوم می شود فلانی هنوز می خواهد از منافقین و از کی‌ها و... خط بگیرد و خط بدهد و خبر بگیرد. خوب آیا این غیر از این است که بخواهند فتنه درست بکنند بین ما و مسئولین محترم کشور! من نمی گویم مسئولین اطلاعات اطلاعاتشان را ندهند، ولی صحیح اطلاع بدهید. کی من گفتم خبر بدهند و خبر بگیریم؟ ما کی اسم خبر آوردیم؟ کی من تلفن را برمی دارم خبر بشنوم و گوش بدهم؟ آخر این‌ها درست نیست. اگر هم این جور چیزها توی دنیا رسیدگی نشود در قیامت رسیدگی می شود، مواظب باشید حرف زدن‌هایتان، نوشته‌هایتان روی اساس باشد. بله واقعا آدم تعجب می کند. گفتم اصل این‌ها مسائل جزئی است. یک آقای محترم از بزرگان حوزه دیشب به من می گفت که آقای هادی خامنه ای رفته است نجف آباد و نجف آبادیها را تحریک کرده و فرستاده بیایند پیش فلانی، که فلانی صحبت بکند راجع به استقراض، اصلا آقای سید هادی خامنه ای با نجف آباد مربوطه؟ آخر این چه جور چیزهایی است که قاطی هم می کنند برای اینکه فتنه درست بشود. در عین حال اینکه در اطلاعات توی همه ارگان‌ها بچه‌های خوب هستند بچه‌های مخلص هستند شکی نیست، اما انسان نمی داند یک وقت می بینی در هر جایی ممکن است یک آدمی باشد، یک عوضی، یک موسسه، یک تشکیلات، یک کارخانه اگر صدا تا چرخ داشته باشد، یک چرخ عوضی تویش باشد همه را فلج می کند. توی حوزه هم همین طوره. توی همه تشکیلات‌ها همین طوره؛ بنابراین گزارش‌ها روی حساب باشد، فتنه درست نشود. من را می شود بگوئی که مخالف ولایت فقیهیم؟ ما در کتاب ولایت فقیه‌مان نقل کردیم در البدرالزاهر ما هم هست، از مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی که ایشان فرموده اند ولایت فقیه و حکومت اسلامی از ضروریات اسلام است، اصل حکومت اسلامی از ضروریات اسلام است، این معنایش این است یعنی اگر کسی منکر بشود کافر است. آن وقت من مخالف ولایت فقیه هستم؟ من مخالف نظام اسلامیم؟ نظام اسلامی که این همه من برایش جان کنده ام، زندان رفتم، فرزندم، نوه ام برایش شهید شده اند، آن وقت من مخالفم؟ آخه این چه جور

تهمت‌ی است که زده می‌شود؟ این چه جور حرفی است؟ اگر چنانچه انسان تذکر بدهد یک مساله ای را که احساس می‌کند ضرر دارد، به ضرر کشور می‌باشد عقیده ام هست که ضرر دارد، حالا ۱۰ سال دیگر معلوم می‌شود، به عنوان تذکر بگویم، فرض کن من هم مثل یکی از نماینده‌های مخالف، این چه جور برخوردیست!! اگر ما جلوی انتقادات و تذکرات را بگیریم و نگذاریم افراد علاقه مند تذکر بدهند و انتقاد بکنند خدای نکرده نظام و کشور سقوط می‌کند. پیغمبر اکرم با آن عظمتش می‌فرماید: «اشيروا علی» نظر خود را به من بگویند، ایشان مشورت می‌کرد «النصيحة لامام المسلمین» وظیفه همه افراد است نه فقط من طلبه. اگر چنانچه انسان چیزی به ذهنش بیاید و نگوید خیانت کرده. این نشد که همه افراد وقتی می‌بینند ضرره هیچی نگویند. بالاخره ما از این چهار تا بچه ای که راه می‌افتند پیراهن بیشتر پاره کردیم، توی انقلاب بیشتر بودیم، با انقلاب سر و کار داشتیم، با رهبر انقلاب سر و کار داشتیم، نظر ایشان را می‌دانیم، با مسئولین محترم کشور روابط داشتیم، می‌دانیم نظریات را. این‌ها چه جور برخوردهای بچه گانه است. این‌هاست که به نظام و انقلاب ضربه می‌زند و نماز جمعه ای که پایگاه وحدت است را تضعیف می‌کند، همه می‌دانند من در مصاحبه ام هم گفتم، نماز جمعه در ایران بی رودر بایستی موسسش من بودم. من قبل از انقلاب در نجف آبادمان نماز جمعه می‌خواندم و نماز جمعه مهمی بود که ساواک هم ناراحت بود. بعد از انقلاب هم در همین منزل آیت الله یزدی آمدم خدمت امام عرض کردم آقا، حالا که دیگر قدرت دست خودتان است، این نماز جمعه چقدر عظمت دارد، نمی‌پذیرفتند. بالاخره هر جوری بود ما به ایشان قبولانیدیم و ایشان پیغام دادند به مرحوم آیت الله طالقانی که نماز جمعه را بخوانند، بعد هم نصب ائمه جمعه کردند. نماز جمعه ای که پایه گذارش من بودم، آن وقت توی نماز جمعه مثلا شعار علیه من بدهند؟! البته در تاریخ سابقه باز هم دارد، این‌ها درست نیست. اگر چنانچه بخواهیم نظام باقی باشد، کشور باقی باشد، باید باب انتقاد صحیح باز باشد، تذکر داده بشود و حرف‌ها گفته بشود، و سعی هم بکنید همیشه کشور با عقل اداره بشود. عقل بر این جوها و احساسات باید غالب بشود. با جو و با این جور چیزها غیر از اینکه اختلاف و بدبینی و دوئیت درست شود چیزی به دست نمی‌آید. من یقین دارم که ایادی آمریکا و مخالفین به این جور جوسازی‌ها دامن می‌زنند، این را من یقین دارم و آن‌ها نمی‌خواهند

بالاخره این انقلاب بماند، این‌ها می‌خواهند انقلاب را بپوسانند. همین که همه به هم بدبین بشوند و سوء ظن داشته باشند همین کافی است برای اینکه وحدت و نظام از بین برود، فقط یک صورت بی مغز بماند. بگذارید این دل‌ها به هم نزدیک باشد و با هم متحد باشند، بدبینی درست نکنید، فتنه درست نکنید، جوسازی و این جور کارها درست نکنید. اگر این آقایانی که این جور کارهای خلاف می‌کنند یقین دارند قیامت نیست خیلی خوب بکنند، اگر یقین ندارند قیامت نیست و احتمالش را می‌دهند که قیامت هست، پس یک جور کارهای خلافی را سعی کنید نکنید، زبانتان را حفظ کنید، هر چیزی را نگوئید، هر چیزی را ننویسید، و خلاصه من حسابم را می‌گذارم با قیامت، خیلی حساب‌ها ما داریم در قیامت که آنجا دیگر جای جوسازی نیست، حرف‌هایمان را آنجا می‌زنیم، من حرف خیلی دارم، حرف‌هایی که صحیح هم هست، مطابق موازین هم هست. ولی خوب عرض کردم خدا را گواه می‌گیرم برای حفظ وحدت و انقلابی که برایش جان کنده‌ام، زندان رفتم، کتک خوردم، دلم می‌خواهد باقی بماند و به دست نسل بعدی برسد، لذا من از خیلی حرف‌ها که دارم صرف نظر می‌کنم، از خیلی حقوقم صرف نظر می‌کنم برای رضای خدا، و من احساس می‌کنم اصلاً مثل اینکه ایادی هست می‌خواهد ما را در مقابل مسئولین قرار بدهد و دوئیت و فتنه درست بکند.

خداوند ان شاء الله به من و به همه برادران، از طلاب و فضلاء و مسئولین و به همه اطلاعاتی‌ها هم توفیق بدهد که خلاصه در مسائل فکر کرده پیش برویم. (آمین حضار)

خدا ان شاء الله توفیق بدهد که بتوانیم برای حفظ نظام و اسلام و حکومت اسلامی هماهنگ باشیم و دل‌ها را خدا ان شاء الله به هم نزدیک بکند.

خدایا وحدت کلمه را حفظ بکن.

خدمتگزاران به دین و کشور را تایید بفرما.

کسانی که می‌خواهند فتنه ایجاد بکنند، اختلاف ایجاد بکنند، سوء ظن ایجاد بکنند، گرچه خیلی‌هایشان بسا آدم‌های ساده‌ای هستند، خدایا متنبه شان فرما.

و آن‌ها هم که قصدشان فتنه است خدایا شرشان را برطرف فرما.

خدایا رهبر انقلاب امام طاب ثراه را که واقعا پایه گذار انقلاب بودند درجاتشان عالی است متعالی فرما.

و به همه ما توفیق بده پیرو خط ایشان باشیم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۲۰: مربوط به صفحه ۷۳۰

نامه شاگردان درس معظم له به حضرات آقایان علما و مسئولین مملکتی

۱۳۶۸/۱۰/۱۸

بسمه تعالی

همانطوری که آگاهید حضرت آیت الله العظمی منتظری حفظه الله، در روز دوشنبه ۱۳۶۸/۱۰/۱۱، پیش از برنامه مجلس عزاداری به مناسبت شهادت صدیقه طاهره (س) سخنانی در جمع دیدار کنندگان خود در زمینه استقراض خارجی به عنوان نظریه خود ایراد فرمودند که این سخنرانی از مجتهدی آگاه و از موضع ارشاد و با انگیزه وظیفه شرعی مطرح گردیده است.

از آنجا که حق رای و اظهار نظر برای آحاد ملت آزاد می باشد و طرح نظرات یکی از اساسی ترین حقوق پیش بینی شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی می باشد، به ویژه اظهار نظر از شخصیتی فرزانه و از بانیان انقلاب و نظام که از آغاز نهضت حضرت امام (قدس سره) همواره در کنار ایشان بوده اند و حضرت امام در آخرین نامه خود خطاب به ایشان در تاریخ ۱۳۶۸/۱/۸ فرمودند:

«شما فقیهی باشید که نظام و مردم از نظرات شما استفاده کنند»

با کمال تأسف هم اکنون ما شاهد توهین روزنامه جمهوری اسلامی و راه اندازی گروه‌های فشار برای القاء تضاد بین ایشان و نظام هستیم، که گویا هر اظهار نظری به معنای مخالفت با رهبری و نظام تلقی می گردد، که چنین شیوه‌هایی نه تنها مناسب شان جمهوری اسلامی نیست بلکه تضادها و درگیری‌ها و اختلاف بین نیروهای خط امام و وفادار به نظام را تشدید می کند و در نتیجه موجب شکستن قداست‌ها و ارزش‌ها می گردد.

از اینرو ما امضا کنندگان زیر از جنابعالی می خواهیم که بیش از این اجازه ندهید با مقام مرجعیت شیعه چنین رفتاری انجام گیرد و احساسات و علائق علاقمندان به ایشان جریحه دار گردد و زمینه‌های درگیری و اختلاف را که قطعاً دشمنان را خوشحال خواهد کرد، فراهم آید.

توفیق خدمتگزاران صدیق انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را از خدای متعال خواستاریم.

در حاشیه نامه:

نامه ای که خدمت حضرتعالی ارسال گردیده است، توسط جمعی از فضلاء آگاه حوزه علمیه قم به نگارش درآمده و صرفاً جهت اطلاع جنابعالی و افراد یاد شده در زیر، ارسال خواهد شد.

متذکر می گردد که امضا کنندگان زیر تنها برخی از کسانی هستند که نارضایتی خویش را از رفتارهای توهین آمیز به حریم مرجعیت ابراز داشته اند، زیرا به دلیل لزوم سرعت عمل، جمع آوری فردی امضاها و محدودیتهای حفاظتی و اختصاص نامه به برخی از فضلاء حوزه، امکان مشارکت گسترده طلاب را در امضای نامه سلب می کرد، بخصوص که بنای تهیه کنندگان این نامه توسعه امضا کنندگان و یا تهیه طومار نبوده و بدین انگیزه نبوده است که نامه ای سرگشاده باشد.

گیرندگان:

- ۱ - حضرت آیت الله خامنه ای، مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی
- ۲ - حضرت حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، مقام معظم ریاست جمهوری اسلامی ایران
- ۳ - مقام معظم ریاست قوه قضاییه، حضرت آیت الله یزدی
- ۴ - ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، حضرت حجة الاسلام والمسلمین کروبی
- ۵ - حضرت آیت الله محمدی گیلانی، دبیر محترم شورای نگهبان
- ۶ - حضرت آیت الله مشکینی
- ۷ - حضرت آیت الله موسوی اردبیلی
- ۸ - جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ۹ - شورای مدیریت حوزه علمیه قم
- ۱۰ - حضرت آیت الله مهدوی کنی، دبیر محترم جامعه روحانیت مبارز
- ۱۱ - مجمع روحانیون مبارز
- ۱۲ - حضرت آیت الله جنتی، سازمان تبلیغات اسلامی
- ۱۳ - دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

- ۱- احمد صادقی اردستانی ۲- غلامحسین نادى ۳- محمدصادق کاملان ۴- على فاضل
 - قائىنى نجفى ۵- حسين عبداللهيان ۶- نصرت الله واحدى ۷- محسن كديور ۸- محمدعلى
 - مهدوى راد ۹- سيد محمدعلى ايازى ۱۰- غلامحسین ايزدى ۱۱- عليرضا قمى ۱۲- احمد
 - محسنى نژاد ۱۳- محمدحسین مغيثى ۱۴- عمادالدين باقى ۱۵- موسوى زنجانى ۱۶- قاسم
 - جوادى ۱۷- محمدرضا مصطفى پور ۱۸- محمود فرزانه ۱۹- سيد محمدكاظم حيدرى
 - ۲۰- محمدعلى سلطانى ۲۱- محمدرضا كرباسى ۲۲- مرتضى معينى ۲۳- مرتضى
 - ثابت قدم ۲۴- محمدرضا زمانيان ۲۵- على طالب ۲۶- محمد مرادى ۲۷- عباس شاكرى
 - حسين آبادى ۲۸- غلامحسین آذر ۲۹- مهدى عباسى ۳۰- سيد حسين مقدس نژاد
 - ۳۱- سيد محمدباقر طباطبايى ۳۲- سيدمحمد حسینی ۳۳- مهدى ابراهيمى ۳۴- محمدعلى
 - عربى ۳۵- سيد باقر موسوى ۳۶- محمود تقى زاده ۳۷- احمدى ۳۸- سعيد كتابى پور
 - ۳۹- سيد مجيد شکراللهى ۴۰- حسينعلى احمدى ۴۱- سيد على سپهرى ۴۲- نجفى
 - ۴۳- سعیدى صالحى ۴۴- على جان كريمى ۴۵- بهرام (تقى) اجاق فقهى ۴۶- محمد
 - محمدى قائىنى ۴۷- سيد تقى حسینی ۴۸- مهرى ۴۹- سيد محمدرضا طباطبايى
 - ۵۰- محمد نصر ۵۱- غلامحسین قيصرى ۵۲- رجبعلى جنتى زاده ۵۳- عباس مخلصى
 - ۵۴- احمدرضا امينى ۵۵- مرتضى احمدیان ۵۶- الياس مطهرى ۵۷- ايمانى ۵۸- حسين
 - رجبى ۵۹- محمدعلى قاصرى ۶۰- محمدحسین عرفانى ۶۱- مصطفى درايتى
 - ۶۲- محمدتقى جواهرى ۶۳- حسن پويا ۶۴- على اوسطى ناطقى ۶۵- على انتشارى
 - ۶۶- حسن رئيسى ۶۷- عظيمى ۶۸- على زعيم نيا ۶۹- سيد اميركاوه ۷۰- بنكدار
 - ۷۱- ايزدى ۷۲- محمدحسن عارفى ۷۳- عليرضا نادرى ۷۴- جعفر حسینی ۷۵- فرج الله
 - مهدوى ۷۶- على شريفى ۷۷- اسماعيل ملكى ۷۸- محمدابراهيم حسینی
 - ۷۹- فرهاد(ابوالقاسم) شهلايى مقدم ۸۰- مسعود الهى ۸۱- سيد مصطفى موسوى
 - مسجدجامعى ۸۲- محمد اسعدى ۸۳- غلامرضا كرباسچى ۸۴- مهدى عارفى فرد
 - ۸۵- سيد احمد اسلامى ۸۶- يدالله رحيمى ۸۷- محمد يغمايى ۸۸- اصغر صابرى
 - ۸۹- على محمد نياكان ۹۰- دادگر ۹۱- عبداللهى ۹۲- عزيزاده ۹۳- گرامى ۹۴- رضا جوادى
 - ۹۵- مرتضى علوى ۹۶- سعیدى ۹۷- كريمى ۹۸- جمالى ۹۹- اصغرى ۱۰۰- نظرى
 - ۱۰۱- موسوى ۱۰۲- مجتبى باقرى ۱۰۳- ملكوتى ۱۰۴- عبدالله كاظمى ۱۰۵- حسنعلى
 - ابوطالبى ۱۰۶- سيد محمد حسینی ۱۰۷- محمد اسفنديارى ۱۰۸- حسين عزيزاده
- و بيست و هشت امضای ديگر كه سند آن پيوست مى باشد.

۱۳۶۸/۱۰/۱۸

بسمه تعالی

همانطوریکه آگاهید، حضرت آیت الله العظمی منتظری حفظه الله، در روز دوشنبه ۱۳۶۸/۱۰/۱۱، پیش از برنامه مجلس عزاداری بمناسبت شهادت صدیقه طاهره (س) سخنانی در جمع دیدارکنندگان خود در زمینه استقراض خارجی به عنوان نظریه خود ایراد فرمودند که این سخنرانی از مجتهدی آگاه و از موضع ارشاد و با انگیزه و وظیفه شرعی مطرح گردیده است.

از آنجا که حق رای و اظهارنظر برای آحاد ملت آزاد میباشد و طرح نظرات یکی از اساسی ترین حقوق پیش بینی شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی میباشد، بویژه اظهارنظر از شخصیتی فرزانه و از بانیان انقلاب و نظام که از آغاز نهضت حضرت امام (قدس سره) همواره در کنار ایشان بوده‌اند و حضرت امام در آخرین نامه خود خطاب به ایشان در تاریخ ۱۳۶۸/۱/۸ فرمودند:

" شما فقیهی باشید که نظام و مردم از نظرات شما استفاده کنند "

با کمال تأسف هم اکنون ما شاهد توهین روزنامه جمهوری اسلامی و راه اندازی گروه‌های فشار برای القاء تضاد بین ایشان و نظام هستیم، که گویا هر اظهارنظری به معنای مخالفت با رهبری و نظام تلقی میگردد، که چنین شیوه‌هایی نه تنها مناسب شان جمهوری اسلامی نیست، بلکه تضادها و درگیریها و اختلاف بین نیروهای خط امام و وفادار به نظام را تشدید می‌کند و در نتیجه موجب شکستن قداست‌ها و ارزشها میگردد.

از اینرو، ما امضا کنندگان زیر از جنابعالی می‌خواهیم که بیش از این اجازه ندهید با مقام مرجعیت شیعه چنین رفتاری انجام گیرد و احساسات و علائق علاقمندان به ایشان جریحه دار گردد و زمینه‌های درگیری و اختلاف را که قطعاً دشمنان را خوشحال خواهد کرد، فراهم آید.

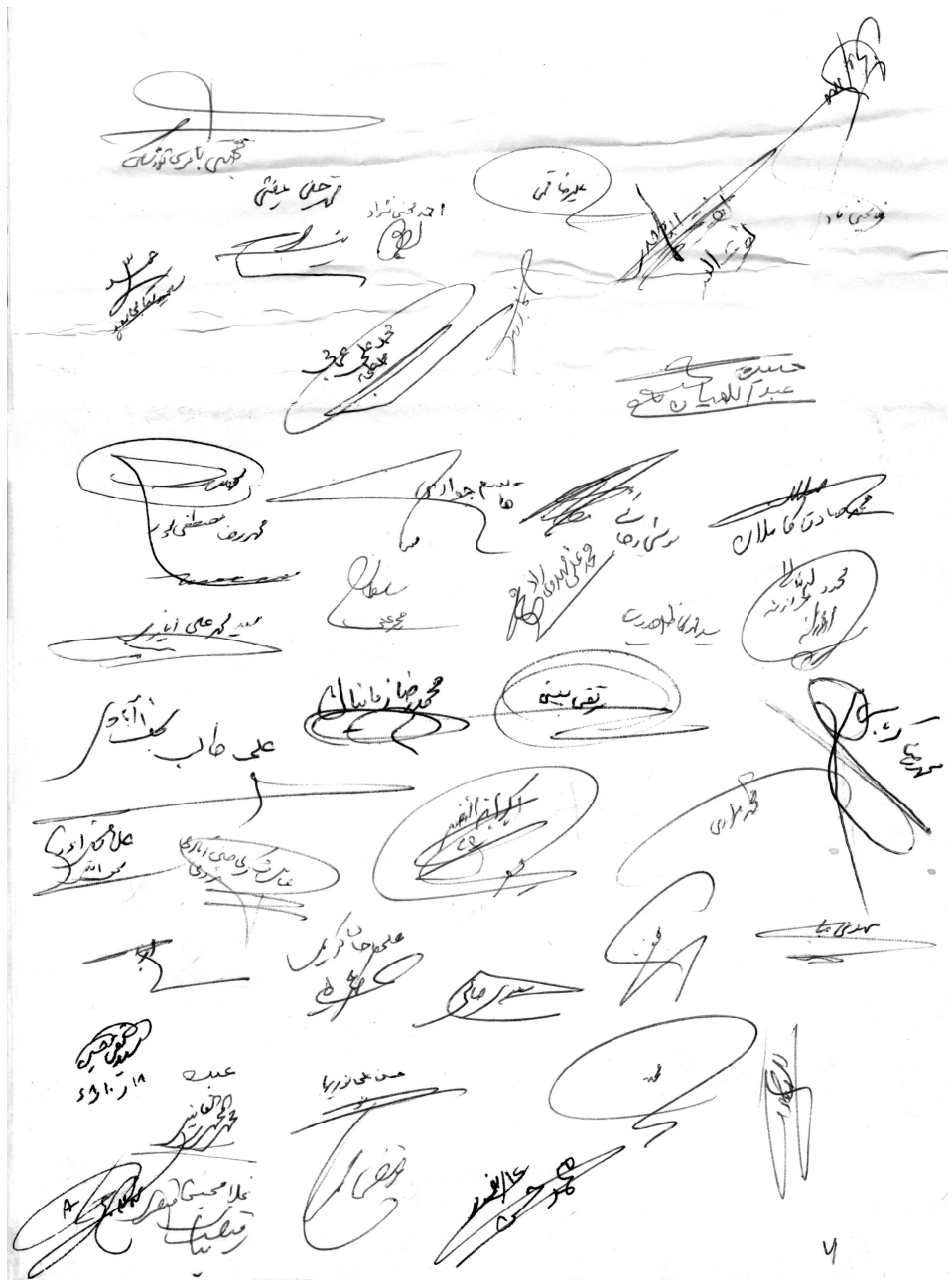
توفیق خدمتگزاران صدیق انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را از خدای متعال خواستاریم.

در حاشیه نامه :

نامه‌ای که خدمت حضرتعالی ارسال گردیده است ، توسط جمعی از فضلاء آگاه حوزه علمیه قم به نگارش درآمده و صرفاً جهت اطلاع جنابعالی و افراد یادشده در زیر ، ارسال خواهد شد .
متذکر می‌گردد که امضاء کنندگان زیر تنها برخی از کسانی هستند که ناراضابتی خویش را از رفتارهای -
توهین آمیز به حریم مرجعیت ابراز داشته‌اند ، زیرا بدلیل لزوم سرعت عمل ، جمع‌آوری فردی امضاها و محدودیتهای حفاظتی و اختصاص نامه به برخی از فضلاء حوزه ، امکان مشارکت گسترده طلاب را در امضاء نامه سلب می‌کند ، بخصوص که بنای تهیه کنندگان این نامه توسعه امضاء کنندگان و یا تهیه طومار نبوده و بدین انگیزه نبوده است که نامه‌ای سرکشاده باشد .

گیرندگان :

- ۱ - حضرت آیت الله خامنه‌ای ، مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی
- ۲ - حضرت حجه الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی ، مقام معظم ریاست جمهوری اسلامی ایران
- ۳ - مقام معظم ریاست قوه قضائیه ، حضرت آیت الله یزدی
- ۴ - ریاست محترم مجلس شورای اسلامی ، حضرت حجه الاسلام والمسلمین کروبی
- ۵ - حضرت آیت الله محمدی گیلانی ، دبیر محترم شورای نگهبان
- ۶ - حضرت آیت الله مشگینینی
- ۷ - حضرت آیت الله موسوی اردبیلی
- ۸ - جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ۹ - شورای مدیریت حوزه علمیه قم
- ۱۰ - حضرت آیت الله مهدوی کنی ، دبیر محترم جامعه روحانیت مبارز
- ۱۱ - مجمع روحانیون مبارز
- ۱۲ - حضرت آیت الله جنتی ، سازمان تبلیغات اسلامی
- ۱۳ - دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم



The image displays a collection of handwritten signatures and names in Persian, organized into three horizontal sections. The top section includes names like 'ممن‌الدین کرگه‌ساز', 'علیرضا نادری', and 'امین‌الله'. The middle section includes 'عبدالله کاشانی', 'عبدالله', and 'سعدی'. The bottom section includes 'رضا حیدری', 'سعدی', and 'محمد'. Some signatures are circled or underlined, and some include dates like '۱۳۶۸/۱۰/۱۷' and '۶۸/۱۰/۱۸'.

پیوست شماره ۲۲۱: مربوط به صفحه ۷۳۱

بیانات معظم له در پایان درس خارج فقه به مناسبت کنفرانس صلح مادرید،

مورخه ۱۳۷۰/۸/۸

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

داستان ما متأسفانه بی شباهت نیست به داستان طلاب مسیحی، که در اسلامبول در وقتی که مسلمین شهر اسلامبول را گرفتند وارد مدرسه مسیحی‌ها شدند دیدند طلاب مسیحی بحث می‌کنند که آیا ناسوت حضرت مسیح را به صلیب کشیدند یا لاهوت حضرت مسیح را، در حالی که پایتختشان و مرکزشان و آبرو و حیثیتشان داشت می‌رفت آن‌ها سرگرم این جور بحث‌ها بودند.

متأسفانه داستان ما بی شباهت نیست به آن‌ها، امروز که روز هشتم آبان است روز کنفرانس به اصطلاح مادرید، آنجا دارند اسلام و حیثیت اسلام و قدس را همه را می‌فروشند به صهیونیست‌ها و ما متأسفانه سرگرم یک مسائل فرعی جزئی هستیم، امروز روز کوچکی نیست امروز واقعا بایستی روز قیام مسلمان‌ها باشد امروز باید مسلمان‌ها عزا بگیرند، مسلمان‌ها یک میلیارد هستند، چند تا از سران خود فروخته دارند با حیثیت اسلام و مسلمین بازی می‌کنند. تا حالا اسرائیل هر چه زور خواسته گفته است، حالا رسماً می‌خواهند مشروعیتش بدهند به اسم کنفرانس صلح، اسرائیل یک وجب هم از اراضی عقب نمی‌نشیند، بلکه طلبکار هم هست، همین اخیراً سفیر اسرائیل در آمریکا گفته که فقط بیست درصد (۲۰٪) اراضی موعود دست ماست، هشتاد درصد (۸۰٪) آن هنوز دست اعراب است، این‌ها همان برنامه از نیل تا فرات را دارند، آن وقت این خوش باوری است که یک کسی خیال بکند واقعا می‌خواهند صلح ایجاد بکنند، فقط هدف در این کنفرانس مشروعیت دادن به اسرائیل است که اعراب هم مشروعیت اسرائیل را به رسمیت بشناسند.

این دولت خبیثه اسرائیل یک شجره خبیثه ای بود که انگلستان در این منطقه کشت کرد، آن هم با همکاری سران خود فروخته، همان‌ها امضا کردند، عبدالعزیز امضا کرد دیگران امضا کردند وجود دولت اسرائیل را، و آمریکا بهره اش را می‌برد، و هدف

آمریکا این است که می خواهد در این منطقه قدرتی پا نگیرد، این منطقه ایست که خداوند تبارک و تعالی ذخائری از نظر معادن از نظر هوش قرار داده است، هوش انسانی، استعداد انسانی ممتاز است در منطقه خاورمیانه. منطقه خاورمیانه یک جو به آمریکا و اروپا نیاز ندارد و آمریکا و اروپا هستند که به این منطقه نیاز دارند، اگر غیرت داشتند فقط یک ماه همین نفت و گاز این منطقه را به روی صنعت غرب می بستند همه آن‌ها فلج می شدند، چه اروپایش چه ژاپنش چه آمریکایش، این‌ها همه نیاز دارند به این منطقه و این‌ها هیچ نیاز ندارند، اما متأسفانه یک میلیارد مسلمان در دنیا زمامدارانشان نوعاً افراد خائن و خود فروخته اند، با اینکه همه چیز در اختیارشان هست برای اینکه اعتماد به ملتشان ندارند و ملت هم آن‌ها را به خیانت شناخته اند، این‌ها برای اینکه خودشان را نگاه دارند به آمریکا و غرب متوسل شدند مثل دولت پوشالی کویت که آمریکا را دعوت به منطقه کرد. الان هم با آمریکا پیمان نظامی منعقد کرده، پایگاه به آمریکا داده است، بحرین هم همین طور پایگاه به آمریکا داده، رسماً آمریکا را بر این منطقه مسلط کردند، اسرائیل هم سگ زنجیری آمریکاست در این منطقه.

شما ببینید، آمریکا در کشورهای اسلامی اگر از نظر صنایع نظامی پیشرفتی حاصل بشود چه در پاکستان و چه در عراق این‌ها را کنترل می کنند، ما طرفدار صدام نیستیم اما عراق یک صنایع نظامی پیشرفته ای داشت، در پاکستان هم یک کارهایی دارند می کنند رسماً دارند تمام این‌ها را کنترل می کنند اما اسرائیل کنترل نمی شود، اسرائیل بمب اتمی، هیدروژنی هم بسازد اشکال ندارد برای اینکه پایگاه آمریکاست، باید آن قدرت باشد و مسلمان‌ها قدرت نداشته باشند تا همه ذخائر و امکاناتشان برود خارج، آن‌ها هم که به صورت دلار می رود در بانک‌های خارج در اختیار بانک جهانی و در اختیار آمریکا و این‌هاست. ده میلیارد ده میلیارد دلار به اسرائیل می دهد یک لقمه هم گاهی اوقات پیش این‌ها می اندازد اما عمده اش در اختیار آن‌هاست.

خداوند تبارک و تعالی نعمت را بر مسلمان‌ها تمام کرده اما سران چون خائند متأسفانه غیرت از مردم گرفته شده است. «و انما الناس مع الملوک و الدنيا الا من عصم الله». امیرالمومنین (ع) می فرماید: نوعاً همه مردم با قدرت‌ها هستند می خواهند کاسبی کنند، نان بخورند و غیرت اسلامیشان از میان رفته است. ای کاش یک جو غیرت خلیفه دوم در این مسلمان‌ها که خود را پیرو او می دانند وجود داشت. ابوموسی

اشعری نماینده عمر در کوفه بود، یک کافر نصرانی برای خودش استخدام کرد، وقتی که خبر به خلیفه دوم رسید گفت که این کاتب نصرانی را عزلش کن و یک نفر مسلمان استخدام کن، بعد ابو موسی برای خلیفه نوشت که نمی دانی این چه آدم خوبی است «من غنائه و خیره و خبرته» نمی دانی چقدر آدم خبره ایست، غنای نفس دارد و آدم خوبی است، بعد خلیفه در جوابش نوشت: کسانی که خداوند تبارک و تعالی نخواسته است بر مسلمان‌ها مسلط باشند آورده ای مسلط کرده ای؟! امین مسلمان‌ها قرار داده ای؟! کاتب مسلمین قرار داده ای؟! ما نباید به این‌ها قدرت بدهیم، ما نباید این‌ها را بر مسلمین مسلط کنیم. باز ابو موسی نوشت خلاصه اش بهتر از این نداریم و اینکه «ان البلد لایصلح الا به» کشور اصلا اداره نمی شود الا به این نصرانی، عمر در جوابش نوشت که «مات النصرانی والسلام».

این‌ها کاش غیرت عمر را داشتند، این‌ها که قرآن یک میلیون یک میلیون چاپ می کنند، به کشورها می فرستند و به مسلمان‌ها می دهند مگر قرآن شریف نفرموده: «یا ایها الذین امنوا لاتتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم ان الله لایهدى القوم الظالمین فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم یقولون نخشی ان تصینا دائرة» می ترسیم حکومتمان را بگیرند دست توسل به آمریکا و صهیونیست‌ها دراز می کنیم. پس قرآن برای چی چاپ می کنید؟

امروز روزیست که ساکت نشستن گناه است، و بیش از همه حوزه علمیه، علما و مراجع، بزرگان بایست صدایشان را بلند کنند، بایست سر و صدا راه بیندازند. آیا ما ساکت بنشینیم و بحث کنیم که مثلا استصحاب کلی قسم ثالث و یا نماز استیجاری چه جوری است و این‌ها هر بلائی می خواهند در کنفرانس مادرید به سر مسلمان‌ها بیاورند؟ شما یقین هم داشته باشید از این کنفرانس چیزی نصیب مسلمان‌ها نمی شود، فقط اسرائیل ممکن است دروغی یک وعده‌هائی بدهد که مثلا تا پنج سال چنین و چنان می کنیم، از آن سیاست‌ها که کیسینجر داشت و کلاه سر همه می گذاشت.

اسرائیل الان می گوید که یک وجب عقب نشینی نمی کنم. دشمن که خودش صریح اللهجه است کسانی که می روند می خواهند اسرائیل را به رسمیت بشناسند در راس همه آن‌ها آمریکاست شوروی را هم به بازی گرفته است.

آنچه به منافع صهیونیسم و آمریکا لطمه می زند اسلام است، خود دولت آمریکا هم

اسیر صهیونیست‌هاست، بوش هم برای اینکه می‌خواهد دوره بعد انتخاب بشود به این‌ها آوانس می‌دهد، مسلمان‌ها هم خوابند و یا اینکه ترسو و ضعیف و سران هم نوعاً خود فروخته‌اند.

قال رسول الله(ص): صفان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدا فسدت امتی: الفقهاء و الامراء. امراء خائن خودفروخته و فقهای ثناگوی دربار آن‌ها، این دو تیپ‌اند که اسلام را می‌فروشدند مسلمین را می‌فروشدند، و مسلمان‌ها یا عاجزند یا ضعیفند، خیلی‌ها هم نادانند متأسفانه نگذاشته‌اند در مسلمان‌ها رشد پیدا بشود، دلشان را خوش کردند که به ظواهر اسلام عمل می‌کنیم. وقتی که انگلیسها عراق را گرفته بودند یک نفر اذان می‌گفت، آن رئیس انگلیسها پرسید این چه چیزی می‌گوید؟ گفتند اذان می‌گوید، گفت به سیاست دولت بریتانیا لطمه ای که نمی‌زند، گفتند خیر، گفت بگوید تا حنجره اش پاره شود. به ظواهر کار ندارند، آن‌ها می‌خواهند قدرت دستشان باشد ذخائر و معادن دستشان باشد، ما هم فقیر و بدبخت و توسری‌خور و نوکر آن‌ها باشیم.

علی‌ای حال امروز روزیست که دارند اسلام و قدس و حیثیت مسلمین و حیثیت اسلام را به صهیونیست‌ها می‌فروشدند، و اگر کاری از ما نمی‌آید و صدای ما به جایی نمی‌رسد اقلأً به صورت تعطیل درسمان و به راه افتادن بالاخره آخی بگوئیم. بنابراین همان طوری که اطلاع دارید علمای لبنان هم امروز را عزای عمومی اعلام کردند و قاعده اش این است که همه عزای عمومی اعلام کنند، و ما چون راه دیگری نداریم امروز مباحثه مان تعطیل باشد به خاطر همین که این ناراحتی خودمان را از این کنفرانس بدینوسیله بفهمانیم.

خداوند ان شاءالله شر کفار و اجانب و صهیونیست‌ها را از سر کشورهای اسلامی برطرف بکند و یک بیداری و آگاهی به مسلمین عنایت فرماید.

خداوند یک جو غیرت به سرانی که خودشان را بر کشورها مسلط کرده‌اند عنایت بکند.

خداوند ان شاءالله به همه شما توفیق بدهد که بتوانید به اسلام و مسلمین خدمت کنید.

والسلام علیکم جمیعاً و رحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۲۲: مربوط به صفحات ۷۳۶ و ۷۴۰

نامه سرگشاده معظم له به ملت مسلمان ایران در ارتباط با یورش به بیت ایشان و حدود اختیارات رهبری و عملکرد دادگاه ویژه روحانیت و غیر قانونی بودن آن، مورخه ۱۳۷۲/۲/۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين.

ملت مسلمان و متعهد ایران، پس از سلام و تحیت و دعای خیر و صلاح برای شما و همه مسلمین جهان، و سلامت و توفیق خدمت بیشتر برای همه کسانی که با صداقت و خلوص به اسلام عزیز و ملت و کشور خدمت می کنند، و با طلب رحمت و علو درجات برای همه شهدای گرانقدر اسلام و انقلاب، و رفع شر همه استعمارگران و دشمنان اسلام و مسلمین که به بهانه‌های واهی اسلام و انقلاب و روحانیت و کشور ما را اهداف تبلیغات سوء خود قرار می دهند به عرض می رساند: از آنجا که انقلاب اسلامی ایران دست آورد ایشار و فداکاری میلیون‌ها نفر مومن مخلص و صدها شخصیت اسلامی و هزاران شهید و جانباز بوده است و نظام جمهوری اسلامی ثمره این انقلاب عظیم می باشد لذا ارزش و اهمیت این انقلاب و این نظام مقدس که به برکت اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین و در سایه توجهات حضرت حجة ابن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود آمده بر کسی پوشیده نیست، و لزوم حفظ و نگهبانی از این موهبت الهی بر همه مومنین متعهد امری است مسلم و هیچ جای مسامحه و تعلل نیست. و هرکس به هر عنوانی مستقیم یا غیر مستقیم با بد عمل کردن و تعدی از موازین اسلامی و قوانین مسلمة کشور موجب یاس و بدبینی مومنین و امیدواری دشمنان انقلاب و نظام شود مرتکب گناهی بزرگ خواهد بود.

متأسفانه صدمات و لطمه‌هایی که در سال‌های اخیر از لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در اثر اشتباه کاری‌ها و تندی‌های نا اهلان و اشخاص ناوارد یا خود خواه بر نظام اسلامی وارد شده و برنامه‌های حساب شده و مرموزی که برای سست کردن اعتقادات دینی مومنین اجرا شده کم نیست و شرح آن‌ها در این نامه نمی گنجد؛ ولی از همه خطرناکتر برنامه‌هایی است که به طور مرموز و ظریف و نوعاً دور از چشم و آگاهی ملت و

یا با ظاهری موجه پیدا می شود و با توجه به حدیث شریف: «الراضی بفعل قوم کالداخل فیه معهم» و همچنین حدیثی دیگر بدین مضمون نقل شده که: «روز قیامت بعضی از انسان‌ها می بینند در نامه اعمالشان اعمالی نوشته شده که نه تنها در تمام عمر از آنان صادر نشده بلکه با آنها آشنا هم نبوده اند و چون از آن سؤال می کنند در جواب گفته می شود که تو با گروهی که این اعمال را مرتکب می شدند همراه بودی و مخالفت نمی کردی لذا اعمال آنان در نامه اعمال تو نیز نوشته شده و باید عقاب آن اعمال را هم بچشی» مسئولیت انسان سنگین می شود و سکوت روا نیست.

لذا به یک نمونه از طرح‌های مرموز دشمنان اسلام که برای لطمه زدن به انقلاب اسلامی و سست کردن عقائد مردم طرح ریزی شده اشاره می شود:

آنچه تا کنون در زمان غیبت کبری امام معصوم (ع) موجب بقای دین و حفظ ایمان مومنین بوده است همانا خدمات و فعالیت‌های علمای مذهب حقه و فقهای آگاه به زمان و فداکاری و ایثار آنان در طول تاریخ بوده است، چنانچه به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و پایه ریزی نظام اسلامی نیز به برکت تحرک و قیام علمای اسلام و تحریک ملت در صحنه‌های مختلف در پشت سر رهبر فقید انقلاب بوده است و لذا کفر جهانی و استعمار شکست خود را از دو ناحیه تشخیص داده، یکی حضور علمای اعلام در مسائل سیاسی و اجتماعی و رهبری آنان و دیگری همراهی طبقات مختلف ملت در اثر اعتمادی که به علمای دین و روحانیت اصیل داشتند، و بر این اساس دشمن نیز همت خود را صرف تضعیف این دو نیروی عظیم کرده و می کند.

از طرفی لطمه زدن به اعتبار و حیثیت روحانیت شیعه و تحقیر مراجع تقلید در جامعه و مبتذل کردن امر فقاقت و مرجعیت و حوزه‌های علمیه شیعه، و از طرف دیگر تضعیف نیروی ایمان و اعتقاد در مردم و بی تفاوت کردن آنان در مقابل تهاجم به فرهنگ و دین آنان و روحانیت شیعه و مراجع تقلیدشان و بدین وسیله زیربنای انقلاب را سست نمودن تا در موقع مناسب ضربه نهائی را بر پیکر ثمره انقلاب و دست آورد آن وارد نمایند و آب از آب تکان نخورد.

بر این اساس دشمن از ابتدای پیروزی سعی داشته هر یک از نیروهای اصیل انقلاب و من جمله روحانیت متعهد را به بهانه ای منزوی و مطرود و یا ملکوک و یا دلسرد نماید، و با کمال تاسف مشاهده می شود که به نام دفاع از انقلاب و نظام

اسلامی از چهره‌هایی که در انقلاب موثر بوده اند به نحوی انتقام گرفته می‌شود، و این اعمال نوعاً از ناحیه اشخاصی انجام می‌شود که نسبت به مسائل انقلاب و گذشته‌های آن بی اطلاع و یا هنگام انقلاب نسبت به آن بی تفاوت بوده اند که تفصیل آن کتابی بزرگ می‌طلبد؛ و آنچه که امروز دشمنان بیشتر بدان عنایت دارند لطمه زدن به روحانیت متعهد و ترور شخصیت‌های بارز روحانیت است و چون اکثر موارد اقدام شده در خفای از انظار عموم ملت بوده است و بیان و استدلال به آن مستلزم اطلاع قبلی از اصل قضایاست، لذا در این نامه مختصر خدمت ملت عزیزمان بیشتر به موردی استدلال می‌شود که مربوط به خود اینجانب است و از نزدیک شاهد آن بوده‌ام و کم و بیش اخبار آن از طریق بعضی جراید و رادیوها پخش شده است - هرچند که آن جراید عقوبت و پی آمدهای سختی را به خاطر انتشار اخبار واقعه متحمل شدند، و با اینکه کار مطبوعات به وزارت ارشاد مربوط است دادگاه ویژه روحانیت خودسرانه و مستقیماً آن‌ها را تحت فشار قرار داد و می‌دهد - ذکر داستان بیت خود نه به منظور خودنمایی و یا به عنوان استمداد است بلکه از باب مشتم نمونه خروار گوشه‌هایی از آن را یاد آور می‌شوم تا نحوه برخورد هائی که با نیروهای مومن به اسلام و انقلاب انجام می‌شود برای افراد بی اطلاع روشن شود:

پس از سخنان اینجانب در پایان درس روز ۲۱ بهمن ۱۳۷۱ که به منظور دعوت به راهپیمایی و تقویت اصل انقلاب و دفاع از جمعی از مومنین گرفتار و دفاع از شخص خود در برابر اهانت‌ها و تهمت‌های ناروای متناوب در محافل و جراید انجام گرفت تصمیم گرفته شد - به خاطر عدم سوءاستفاده دشمنان اسلام و انقلاب و کشور - نوار آن پخش نشود، ولی پس از تحریف سخنان من و پخش آن از ناحیه دیگران و رجاله بازی‌ها و اهانت‌های روز جمعه ۲۳ بهمن در برابر بیت اینجانب، و روز شنبه ۲۴ بهمن در حسینیه شهدا که سبب تعطیل درس اینجانب شد، ناچار به پخش نوار و پیاده کردن آن شدیم؛ و بالاخره در شب یکشنبه ۱۳۷۱/۱۱/۲۵ با هجوم بیش از هزار نفر نیروی مسلح و مجهز به وسائل تخریب به دفتر اینجانب و حسینیه شهدا و محل آرشینو نامه‌ها و تلگرافات و روزنامه‌ها و بولتن‌های خبری چندین ساله مواجه شدیم، و با محاصره کامل منطقه حتی خانه‌های همسایگان و مجاورین بیگناه و قطع تلفن‌های منطقه و ایجاد رعب و هراس و برخوردهای تند که حتی منجر به وحشت و اغماء بعضی از

خواهران محترمه نیز شد، بسیاری از اشیای دفتر و حسینیه و محل آرشو از جمله نامه‌ها و تلگرافات و اشیاء شخصی پاسداران بیت و بولتن‌های خبری و نوارها و نوشته‌های یادگار مانده از فرزند شهیدم مرحوم محمد منتظری - که متعلق به دو فرزند صغیر آن مرحوم است - و اشیاء شخصی و اوراق درسی و علمی و اثاث البیت و از جمله پول‌های شهریه و غیرها، بدون اعلام و تشکیل صورت جلسه به غارت برده شد و اماکن نیز پلمب شد؛ البته پول‌ها و بعضی اشیاء بعداً برگردانده شد ولی عمده اشیاء تا این تاریخ ارجاع نشده است.

این هجوم و حمله حدود پنج ساعت به طول انجامید که ظاهراً برادران و خواهران کم و بیش از جزئیات آن آگاه شده اند. چون با پخش خبر ماجرا سیل تلفن‌ها و گزارش‌های اشخاص حکایت از تقبیح عقلاء قوم و ملت عزیز می کرد و از کانال‌های مختلف وعده ارجاع اشیاء شنیده می شد به نظر رسید متصدیان این کار ناهنجار و غیر مشروع منفعل شده اند و تعقیب آن ضرورت ندارد، و به علاوه چون با عقل و منطق صحیح مواجه نبودم و مقابله با نادانیها و جنجال بازی‌ها را به مصلحت نمی دیدم شخصاً بنا را بر سکوت و احاله امر به خدا گذاشتم. ولی بالاخره مواجه شدم با جزوه ای مملو از اکاذیب و افتراءات و اهانت‌ها به عنوان سخنرانی یکی از مسئولین به اصطلاح «دادگاه ویژه روحانیت» که ضمناً مسئولیت هجوم مذکور را نیز به عهده گرفته است و سپس مقاله ای در کیهان هوائی مورخه ۱۳۷۲/۱/۱۸ که آن هم متضمن اکاذیب و افتراءات زیاد بود از جمله تکذیب [بیانیه] فرزند متعهد اینجانب آقای احمد منتظری که با اخلاص و صداقت وقایع را صادقانه منعکس کرده بود.

روی این اصل ناچار شدم مطالبی را به نحو اختصار به عنوان دفاع از حقیقت و روحانیت و قانون که وظیفه هر مسلمان متعهدی است تذکر دهم، و چون شرح همه ماجرا در یک پیام مختصر نمی گنجد لذا آنچه مربوط به دادگاه ویژه که منشأ اصلی این برخورد و برخوردهای دیگر با علما و روحانیین متعهد و طلاب عزیز و بازداشت و پرونده سازی برای آنان می باشد در این نامه یادآور می شوم، باشد عقلای قوم در رفتار خود تجدید نظر کنند و بیش از این روحانیت شیعه را تضعیف نکنند.

در مقاله کیهان هوائی نوشته شده: «ورود به محوطه آقای منتظری با حکم رسمی دادگاه ویژه به عنوان یک نهاد قضائی صورت گرفته است».

اولا: ورود با حکم رسمی نیاز به این همه نیرو و محاصره محل و مزاحمت همسایگان و قطع تلفن‌ها و آوردن دالر و شکستن قفل‌ها و درب‌ها نداشت.

ثانیا: دادگاه رسمی معمولا اموال شخصی از قبیل جاروبرقی و ضبط صوت و ساعت دیواری و لوازم ماشین و وضوخانه و ماشین اصلاح و سکه بهارآزادی و امثال این اشیاء را با خود نمی برد.

ثالثا: مسئولین دادگاه رسمی معمولا با ارائه حکم رسمی به صاحب خانه وارد می شوند و از اشیاء ضبط شده صورت جلسه تنظیم می کنند و از صاحب خانه امضا می گیرند. برخلاف بیت اینجانب که آقایان پس از محاصره ناگهانی منطقه به طور کامل و حبس ساکنین منازل و منع خروج و دخول همه اشخاص و محصورکردن پاسداران محافظ بیت و ضبط اثاثیه شخصی آنان خودسرانه درب‌ها و قفل‌های اطاقها و کمد‌ها را شکستند و هرچه را خواستند ضبط کردند و بردند و از قرار گواهی بعضی از پاسداران بیت، افراد در بردن برخی از اشیاء با یکدیگر معارضه و کشمکش داشتند.

اینکه کیهان هوائی از قول یکی از مسئولین دادگاه ویژه اظهار می دارد: «حکم مزبور به آقای احمد منتظری ارائه شد اما وی با توهین و موضع گیری غیر مودبانه ای از همکاری با نیروهای دادگاه ویژه روحانیت امتناع ورزید» و یا می گوید: «تلاش بر این بود که با حضور اعضای دفتر آقای منتظری بازرسی از این محل به عمل آید مجددا با برخورد غیرمودبانه اعضای دفتر مواجه شدیم» این‌ها همه کذب محض است. همه اهل خانه‌ها از جمله احمد در خانه محصور شدند، و آنان اصلا با احمد مواجه نشدند، و در ساعت ده یعنی ساعت شروع حمله در دفتر اعضائی وجود نداشت تا با آقایان برخورد مودبانه و یا غیر مودبانه داشته باشند. انتظار می رود متن این حکم رسمی به هر نحو شده ارائه شود تا معلوم گردد به امضای کدام مقام حکم این غارتگری صادر شده است.

رابعا: اینجانب به عنوان رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که خونبهای شهدای عزیز انقلاب است، و امام راحل (طاب ثراه) و حضرات علمای اعلام و مراجع عظام و ملت شریف ایران از همه طبقات به آن رای دادند، و به منظور دفاع از مصالح اسلام و انقلاب و روحانیت شیعه وظیفه دارم مطالبی را راجع به دادگاه موسوم به «دادگاه ویژه روحانیت» گوشزد نمایم، هرچند برای عده ای ممکن است تلخ باشد چنانچه معمولا طبیعت حق تلخ است:

دادگاه ویژه که عامل لطمه زدن به چهره و شخصیت بسیاری از علما و مراجع بوده و به بهانه‌های واهی در همه کارها حتی در کار مرجعیت شیعه و مراجع تقلید دخالت‌های ناروا می‌کند، و از قرار معلوم عامل تهاجم شبانه به بیت اینجانب و سلب امنیت از ساکنین منطقه و غارت اموال بوده است هیچ گونه مبنای قانونی نداشته و تشکیل آن برخلاف قانون اساسی است به چند دلیل:

دلیل اول: در اصل شصت و یکم قانون اساسی آمده است: «اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود».

و معلوم است که «دادگاه ویژه روحانیت» از دادگاه‌های دادگستری و زیر نظر قوه قضائیه نیست، و به قوانین و مقررات قضائی کشور اعتنا ندارد. بنابراین حق دخالت در امور قضائی ندارد و متصدیان آن باید نزد خدا و ملت پاسخ‌گوی اعمال خلاف قانون خود باشند.

دلیل دوم: فرض کنید شخصی یا مقامی در کشور هرچند عالی رتبه مثلاً تشکیلاتی به نام «دادگاه ویژه» با مقررات مخصوص به خود در مقابل قوه قضائی کشور اختراع کند که مستقل عمل نماید و در برابر اعمال خود به قوه قضائیه کشور پاسخ‌گو نباشد، بدون شک این عمل آن مقام مخالف قانون اساسی تلقی می‌شود که اگر از روی عمد باشد جرم است و اگر از روی غفلت و اشتباه باشد باید از اشتباه خود برگردد و خسارتهای وارده را جبران نماید. از طرف دیگر ما می‌بینیم که ذیل اصل یکصد و هفتم قانون اساسی راجع به رهبر کشور می‌گوید: «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است»؛ بنابراین همان‌طور که رئیس‌جمهور مثلاً حق ندارد دادگاهی مستقل در مقابل قوه قضائیه تشکیل دهد رهبر نیز چنین حقی ندارد، و باید مطابق اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی مجلس خبرگان رهبری که مسئولیت بررسی عملکرد رهبری را داراست به این عمل رهبر رسیدگی نماید.

دلیل سوم: در اصل یکصد و دهم قانون اساسی وظائف و اختیارات رهبر در یازده فقره مشخص شده است و در بین آنها نامی از تشکیل دادگاه ویژه روحانیت برده نشده، بنابراین تشکیل آن قانونی نیست. لازم است توجه شود: انتخابات خبرگان رهبری از ناحیه ملت، و انتخاب مقام رهبری از ناحیه خبرگان هر دو بر اساس قانون اساسی کشور است، و ملت به وسیله خبرگان رهبری را انتخاب می‌نمایند که عملاً

پای بند قانون اساسی باشد و از آن تخلف نکند.

دلیل چهارم: «دادگاه ویژه» از ناحیه مجلس شورای اسلامی تصویب و تایید نشده، و مقررات آن نیز به تصویب مجلس نرسیده است. مادامی که مقرراتی به تصویب مرکز قانون گذاری کشور نرسد ارزش قانونی ندارد و اجرای آن‌ها جرم محسوب می شود. اگر بنا باشد بدون مراجعه به کانون قانون گذاری، قانون تراشی شود خطر استبداد و یا هرج و مرج کشور را تهدید می کند. در جهان امروز قانون گذاری فردی و بی اعتنائی به قوه مقننه کشور خاطره سوء حکومت‌های استبدادی شاهانه را به یاد می آورد و در نتیجه حرمت انقلاب ملت شکسته می شود. تخلف از قوانین و مقررات موضوعه کشور علاوه بر اینکه تعدی به حقوق ملت است و آنان را بدبین و مایوس می کند، در روابط بین الملل نیز اثر منفی دارد زیرا موجب بی اعتمادی دولت‌ها و شخصیت‌های حقوقی و اقتصادی جهان و بالتیجه انزوای سیاسی و اقتصادی کشور خواهد شد. ضمناً مجلس شورای اسلامی نیز حق ندارد بر خلاف قانون اساسی قانونی را تصویب نماید.

اینک تذکر چند نکته:

نکته اول: معنی ولایت مطلقه فقیه این نیست که مقام رهبری فعال مایشاء باشد و بتواند بدون حساب و کتاب هرکاری انجام دهد و مثلاً قانون اساسی و قوانین مصوبه کشور یا قوانین اسلامی را نادیده بگیرد. بلکه معنی ولایت مطلقه فقیه اداره کشور بر طبق مصالح عالیله کشور در چهارچوب قوانین اسلامی و قانون اساسی است. چنانچه ولایت مطلقه پیامبراکرم(ص) نیز بدین معنی است که در چهارچوب احکام خدا ملت را اداره کند.

در این باره قرآن کریم در سوره انعام فرموده است: «ان الحکم الا لله» یعنی حکم و فرمان از ناحیه خداست، و در سوره مائده فرموده است: «و ان احکم بینهم بما انزل الله و لاتتبع اهوئهم ان یفتنوک عن بعض ما انزل الله الیک» یعنی بین آنان به آنچه خدا نازل فرموده حکم کن و از خواسته‌های آنان پیروی نکن و مواظب باش تو را از بعض آنچه خدا نازل کرده باز ندارند.

در سوره نجم در شأن آن حضرت فرموده است: «و ماینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی» یعنی آن حضرت از روی دلخواه سخن نمی گوید و آنچه می گوید وحی از جانب خداست.

پس حکومت پیامبر خدا نیز بر اساس وحی و احکام خداست و خود سرانه نیست. چون جمع کثیری از فقهای عظام ولایت فقیه را محدود به تصرف آنان در امور جزئی از قبیل اموال ایتام و دیوانگان و اشخاص غائب و قاصر می دانستند، تعبیر به ولایت مطلقه در مقابل محدودیتی است که این جمع از فقها قائل بودند و منظور از آن ولایت در همه شئون سیاسی مسلمین و بلاد اسلامی است که او را به رهبری انتخاب کرده اند ولی در چهار چوب قوانین اسلامی و مقررات تصویب شده از ناحیه ملتی که رهبری او را پذیرفته اند. با فرض اینکه ملت به قانون اساسی رای داده و مجلس شورا به عنوان مرکز قانون گذاری تعیین شده و رهبر و خبرگان بر اساس قانون اساسی انتخاب شده اند، قهراً اختیارات رهبر در چهارچوب قانون اساسی و اختیاراتی است که در آن برای او تعیین شده است.

اگر مقام رهبری بنا باشد برخلاف قانون عمل کند در این صورت ذیل اصل یکصد و هفتم که می گوید: «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است» لغو خواهد بود و گنجاندن این جمله در متن قانون اساسی کاری ابلهانه تلقی می شود.

اگر رهبر خود مختار مطلق باشد و حق داشته باشد برخلاف قوانین کشور عمل نماید اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی که رسیدگی به ناتوانی یا تخلفات رهبر و عزل و انزال او را پیش بینی کرده لغو تلقی می گردد. تصویب این اصل در قانون اساسی بر اساس معصوم نبودن رهبر فقیه و احتمال تخلف عمدی یا قصور اوست نسبت به وظائف محوله. چون رهبر فقیه معصوم نیست و ممکن است از روی عمد یا اشتباه کار خلافی انجام دهد و اشتباه مرد بزرگ عواقب خطرناکی را به دنبال دارد، لذا معصوم نبودن او باید به وسیله الزام او به مشورت با فقهای دیگر و متخصصین فنون مختلف و به وسیله مراقبت خبرگان جبران شود.

نکته دوم: در اوائل انقلاب که بچه‌های انقلابی با روحیه انقلابی در مسائل دخالت می کردند چه بسا با روحانیین و معممین خطاکار نیز رفتارهای تندی انجام می شد که در نتیجه گاهی به اصل حیثیت روحانیت ضربه می خورد. برای جبران این امر دادگاهی به اسم دادگاه روحانیت تشکیل شده بود و به امور اخلاقی معممین رسیدگی می کرد، ولی به تدریج به وسیله آن دادگاه نیز کارهای تندی انجام می شد که مناسب

شئون روحانیت نبود و بسیاری از روحانیین بی گناه عملاً هتک می شدند. بدین سبب بسیاری از شخصیت‌های انقلاب و نظام و علمای اعلام و من جمله اینجانب چون با تندی‌های دادگاه مذکور مخالف بودیم از راه‌های مختلفی در انحلال آن کوشش نمودیم تا بالاخره منحل شد. ولی پس از مدتی شنیده شد بعضی از آقایان به مرحوم امام(ره) پیشنهاد تشکیل مجدد «دادگاه ویژه روحانیت» را داده اند، که اینجانب به وسیله تلفنگرام به معظم له یاد آور شدم که ما از دادگاه روحانیت خاطره خوبی نداریم و ضرر آن از نفع آن بیشتر است و به علاوه برخلاف قانون اساسی است، خوب است به جای آن برای رسیدگی به کارهای خلاف طلاب و روحانیین در حوزه علمیه قم هیئتی از فضلالی با تجربه تعیین شوند تا آنان خودشان رسیدگی کنند و پس از طی مراحل تذکر و توبیخ و تهدید اگر نیاز به محاکمه قانونی باشد خود هیئت، شخص متهم را به محاکم قضائی معرفی کند تا مثل سایرین محاکمه شود، زیرا همه افراد ملت در برابر قوانین کشور مساویند، و حتی اینجانب در آن تلفنگرام نام پنج نفر را به عنوان اعضای هیئت پیشنهاد کردم. یک روز از بیت مرحوم امام به قم نزد اینجانب آمدند و گفتند: این هیئتی را که شما پیشنهاد کرده اید آیا قدرت دارند مثلاً فلان شخص را (که فعلاً یکی از علما و مدرسین صاحب رساله در قم می باشند) احضار و محاکمه کنند؟ معلوم شد طراحان دادگاه ویژه از تاسیس آن منظور سیاسی دارند و تهذیب روحانیت از مفاسد اخلاقی بهانه است، و بالاخره دادگاه ویژه تشکیل شد و کارهایی انجام داد که لابد آقایان کم و بیش شنیده اید.

و پس از رحلت امام راحل(ره) دادگاه ویژه خیلی وسیعتر و با اختیاراتی بیشتر و هزینه‌هایی هنگفت ادامه یافت، و بیشتر از آن استفاده‌های سیاسی شده و می شود. تعرضهای مکرر و پی در پی و هتک حرمت‌هایی که نسبت به بعضی مراجع و علمای محترم و بیت و خانواده و فرزندان و افراد دفتر آنان کرده و می کنند و بازداشت بسیاری از فضلالی مخلص اسلام و انقلاب به بهانه‌های واهی و محکوم نمودن آنان و یا ارباب و تهدیدهای بیجا نسبت به آنان از عملکردهای دادگاه ویژه بوده؛ هرچند افراد فاسد و خطا کار را نیز بازداشت و محاکمه کرده اند، ولی متأسفانه کاربرد آن تا حال روی هم رفته به مصلحت روحانیت و اسلام و کشور نبوده است. بسیاری از علما و روحانیین خوب و انقلابی هتک شده اند و در روحیه طلاب جوان علاقه مند به اسلام

و انقلاب یاس و ناامیدی پدید گشته و نوعاً از ادامه تحصیل در حوزه‌های علمیه زده شده‌اند، و در حقیقت با توجه یا بدون توجه، خواسته استعمارگران سیلی خورده از انقلاب و روحانیت شیعه عملاً انجام شده.

روحانیت و مراجع تقلید شیعه همیشه در مقاطع حساس جامعه تشیع و بلاد اسلامی را از شر استبدادهای داخلی و قراردادهای استعماری نجات داده و تضعیف این نیروی عظیم ملی بزرگترین خواسته کفر جهانی است، و البته روحانین همه معصوم نیستند و ممکن است لغزش‌های اخلاقی یا حقوقی در بین آنان پیدا شود ولی هنگامی که مطابق قانون اساسی «رهبر در برابر قوانین با دیگران مساوی است» روحانین دیگر نیز قهراً و به طریق اولی با دیگران مساوی هستند؛ متنها احضار متهم و محاکمه نباید با اهانت به متهم توأم باشد و بخصوص قبل از ثبوت جرم نباید بازداشت و بازجوئیها اعلام شود، متهم روحانی باشد یا از طبقات دیگر؛ و مرجع همه تظلمات و محاکمات باید محاکم دادگستری باشد، و اگر فرضاً در روش محاکم دادگستری نقائصی وجود دارد آن نقائص باید برطرف شود.

با وضع فعلی اقتصاد کشور دادگاه ویژه با تشکیلات عریض و طویل خود بودجه سنگینی را بر کشور و ملت تحمیل کرده که هیچ ضرورت ندارد و مصلحت اسلام و انقلاب و روحانیت اقتضا می‌کند که این تشکیلات خلاف قانون اساسی منحل گردد و وظائف آن به قوه قضائیه و محاکم دادگستری ارجاع شود.

ضمناً در دادگاه ویژه نه متهم حق تعیین وکیل دارد و نه دادگاه علنی است و نه تجدید نظر دارد و نه احکام آن به دیوان عالی کشور ارجاع می‌شود بلکه خود فعال می‌باشد است و نوعاً بینه و شاهد عادل نیز در بین نیست، بلکه با گزارش‌های سر و پا شکسته و اقرار متهم در شرایط خاص زندان - که در آن شرایط شرعاً و قانوناً اقرار و اعتراف بی ارزش و بی اعتبار است - و یا با علم قاضی، خودشان می‌برند و می‌دوزند و به هیچ مقامی قابل شکایت نیست، و درحقیقت معامله با روحانی متهم از معامله با هر گناهکار دیگری از هر طبقه باشد بدتر است، و نوعاً رسیدگی به امور مربوط به علمای بزرگ و محترم به افرادی که از نظر علم و آگاهی در سطح پایین هستند محول می‌شود.

نکته سوم: اینک جای گله است از حضرات علمای اعلام و حقوقدانان شورای

نگهبان: با اینکه وظیفه دارند قانون اساسی کشور را -که خون بهای شهدای عزیز است و امانتی است که به آنان سپرده شده- حفظ نمایند، چرا تا حال در برابر تخلفات از قانون اساسی من جمله این تخلف بزرگ سکوت کرده اند؟! البته این گله توام با تقاضا به سایر علمای اعلام و به نمایندگان مجلس شورا و به همه حقوقدانان و نویسندگان متعهد نیز متوجه است.

آیا دفاع از حقوق ملت و حریم روحانیت و مرجعیت شیعه و حوزه علمیه و مردم مظلوم برعهده ما نیست؟!

آیا سکوت در برابر قانون شکنی‌ها و تعدیات و حق‌کشی‌ها و سلب آزادیها گناه نیست؟! با اکثر علما و فضلا و بزرگان و حقوقدانان که صحبت می‌شود از دادگاه ویژه و از کارهای خلافی که انجام می‌شود می‌نالند و شکایت دارند ولی متاسفانه همه مرعوب و ساکتند و نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت می‌گذرند. جمعی مشغول کارهای روزمره خود هستند و به اطراف نگاه نمی‌کنند تا ببینند چه می‌گذرد و برای دیگران چه اتفاق می‌افتد، و جمعی گرفتار ترس القا شده و جو اختناق تحمیلی بر جامعه شده اند در صورتی که ترس بیجا از صفات مذموم انسان است. انسان باید شجاع و قوی الاراده باشد و در برابر کجی‌ها عکس‌العمل نشان دهد، و جمعی نیز به نام حفظ نظام سکوت کرده و دعوت به سکوت می‌کنند غافل از اینکه امر به معروف و نهی از منکر نه تنها باعث تقویت نظام است بلکه یک واجب همگانی است و نظامی که ملت برای آن فداکاری کرد و این همه شهید و معلول فدا شدند، نظام اسلام و عدالت و آزادی و حفظ حقوق و دفاع از مظلومین و ایستادگی در برابر کجی‌ها و تندی‌ها بود، پس اگر در گوشه‌ای ظلم و بی‌عدالتی دیده شد حتی المقدور باید جلو آن را گرفت تا نظام عدالت تحکیم شود و سوژه تبلیغاتی از دست دشمنان گرفته شود و گرنه ملت دلسرد می‌شود و بی‌عدالتی‌ها اصل نظام را زیر سؤال می‌برد و بالاخره نظام از داخل می‌پوسد. امروز همه جهان چون بلد واحد شده و قضایا خواهی نخواهی منعکس می‌شود چه ما ساکت باشیم یا معترض، پس چرا عیبی را که دیگران با تحریفات و اغراقات منعکس می‌کنند خودمان واقع آن را نگوئیم و در رفع آن نکوشیم؟! بخصوص که در این موارد سکوت موجب حفظ نظام نیست بلکه موجب هدم نظام است.

و در این میان علمای اعلام نسبت به مظلومین از ملت وظیفه سنگین تری دارند

چنانچه مولا امیرالمومنین (ع) فرمودند: «و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظة ظالم و لاسغب مظلوم» (نهج البلاغه خطبه ۳) یعنی آنچه را خداوند بر عهده علما گذاشته که در برابر پرخوری ظالم و گرسنگی مظلوم بی تفاوت نباشند.

برای خود مظلوم نیز سکوت روا نیست چنانچه در قرآن کریم فرموده: «لاتظلمون و لاتظلمون» و نیز فرموده است: «لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم» که برای شخص مظلوم داد و فریاد رواست. دفاع از حقوق، حق طبیعی همه انسان‌هاست، و در حدیث شریف فرمود: «من قتل دون ماله فهو شهید» یعنی هرکس در راه حفظ مال خود کشته شود شهید محسوب است، و در حدیث دیگر از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: «ان الله فوض الی المومن اموره کلها و لم یفوض الیه ان یکون ذلیلا. اما تسمع الله تعالی یقول: والله العزة و لرسوله و للمومنین. فالمومن یکون عزیزا و لایکون ذلیلا» یعنی خداوند همه امور شخص مومن را به خودش واگذار کرده ولی ذلت او را به او واگذار نکرده، آیا نمی شنوی خدای را که فرموده: عزت برای خدا و رسول خدا و مومنین است. پس مومن عزیز است و نباید ذلیل باشد، یعنی نباید زیر بار ذلت برود.

نکته چهارم: گاهی گفته می شود دادگاه ویژه روحانیت به دستور مرحوم امام (ره) تشکیل شد و ما باید از معظم له پیروی کنیم.

اولا: چنین دادگاهی با چنین عملکردی را که سراغ داریم علاقه مندان ایشان نباید به ایشان نسبت دهند و اگر کسی مرکز و محل چنین اشتباهاتی را به معظم له نسبت دهد در حقیقت خود آن اشتباهات را به ایشان نسبت داده است و نباید کانونی که مستلزم اشتباهات و خلافکاری‌های زیاد است ادامه پیدا کند. چنانچه در مواردی ضرورت دادگاه فوق العاده ای تشخیص داده شود بهتر است به قوه قضائیه دستور داده شود که یک شعبه دادگاه فوق العاده تشکیل دهد و به موارد استثنایی خاص مورد نظر رسیدگی نماید که طبعا چنین دادگاهی زیر نظر قوه قضائیه عمل می کند و مقررات آن را نیز رعایت می کند، و حرمت قانون اساسی نیز حفظ می شود؛ نه اینکه دادگاه مستقلی به نام دادگاه ویژه روحانیت با هزینه سنگین و مقررات مخصوص به خود در مقابل قوه قضائیه تشکیل شود و در اعمال خود پاسخگوی قوه قضائیه نباشد، کما اینکه خود رئیس قوه قضائیه در موارد مکرری از عملکرد دادگاه ویژه تبری جسته اند.

ضمنا اینکه مرحوم امام (ره) یا هر مقام دیگری غیر از معصومین علیهم السلام را مطلق

و معصوم از هر خطا و اشتباه فرض کنیم به نحوی که هیچ کس حق تذکر یا اعتراض نداشته باشد خطر بزرگی را برای انقلاب و جامعه در پی دارد و سرانجام از استبداد مطلق سر در می آورد، و از این راه ضربه‌های بزرگ و جبران ناپذیری به اعتقادات و گرایش‌های دینی ملت وارد خواهد شد.

ثانیا: دادگاه ویژه ای که به دستور مرحوم امام(ره) تشکیل شد خیلی محدود و منحصر به تخلفات روحانین بود. ولی آنچه بعد از رحلت ایشان به این نام تشکیل شده و محور عمل قرار گرفته دایره آن بسیار وسیع است و چه بسیارند افراد غیر روحانی که به اتهامات واهی تحت تعقیب این دادگاه قرار گرفته و محکومیت‌های سنگینی را متحمل شده اند، و اینک جمعی از آنان در زندان می باشند.

در بند «د» از ماده ۱۳ قانون اختراعی این دادگاه مربوط به صلاحیت‌های آن چنین آمده است: «کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی ماموریت داده می شود». این بند دادگاه ویژه را ابزاری برای اعمال سیاست‌های شخصی رهبر معرفی می کند و در نتیجه موقعیت اجتماعی و حیثیت ایشان را زیر سؤال می برد. اگر مقام رهبری به دستگاه قضائی کشور اعتماد ندارند چرا در اصلاح آن کوشش نمی کنند و چرا رسیدگی به جان و مال و عرض شصت میلیون جمعیت کشور را به آن سپرده اند، و اگر اعتماد دارند چرا برای رسیدگی به امور مورد نظرشان تشکیلات وسیع دیگری را بر خلاف قانون اساسی ابداع کرده اند؟!

در اینجا دوستانه به بنیان و متصدیان دادگاه ویژه توصیه می کنم با خود بیندیشند که از این تشکیلات عریض و طویل با هزینه هنگفت تحمیلی بر بودجه کشور چه سودی عاید نظام و روحانیت و ملت شده است، جز ایجاد اختناق و تضییع حقوق و بدبین کردن روحانیت و ملت نسبت به مسئولین؟ که نتیجه نهائی همه این‌ها تضعیف نظام اسلامی است. اگر پس از تفکر بدین امر واقف شدند خودشان برای انحلال آن و ارجاع وظائف مشروع آن به قوه قضائیه اقدام نمایند، و ضمنا چنانچه به مبانی شرع پایبندند نسبت به مشروعیت و یا عدم مشروعیت حقوقی که از مال ملت پایبند به قانون اساسی، به مصرف یک ارگان غیر قانونی و حقوق پرسنل آن می رسد توجه خاص مبذول دارند.

شما ای مردم آزاده ایران که قلبتان برای اسلام و اجراء موازین اسلامی می تپد

و تشنه عدالت اسلامی هستید و در این راه این همه شهید و معلول دادید، از مقام ریاست جمهوری که در سوگند نامه خود متعهد شده است پاسدار قانون اساسی باشد و از نمایندگان مجلس و شورای نگهبان که قسم خورده اند حافظ دست آوردهای انقلاب و مدافع قانون اساسی باشند و از مراجع تقلید و از نویسندگان متعهد و از همه مردم عدالت خواه جداً بخواهید که برای احیای اصول پایمال شده قانون اساسی و قوانین اسلامی بکوشند و جلوی این قانون شکنی‌ها و بی عدالتی‌ها را بگیرند.

شما طبقات ملت که موجد انقلاب اسلامی بودید حفظ آن نیز به عهده شماست و سکوت در مقابل جنایات گناهی است بزرگ. فقی وصیة مولانا امیرالمومنین (ع): «لاتترکوا الامر بالمعروف والنهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یتجاب لکم» (نهج البلاغه الكتاب ۴۷).

نکته پنجم: در اینجا به مسئولین کیهان هوائی که برای خوانندگان خارج از کشور تهیه و چاپ می شود تذکر می دهم وظیفه شما بود اول درباره صحت و سقم آنچه مسئولین خبرگزاری جمهوری اسلامی به شما گفته اند و همچنین آنچه به گفته شما - طی تماس تلفنی با حجة الاسلام حسینیان یکی از مسئولین دادگاه ویژه روحانیت به شما گفته شده تحقیق و بررسی نمایند که راست است یا دروغ آنگاه اظهار نظر کنید، نه اینکه گفته‌های دروغ دو منبع مذکور را حقیقت پندارید و بر مبنای آنها قلم زنید. اینجانب با کمال صراحت می گویم آنچه را از قول دو منبع مذکور راجع به بیت اینجانب نقل کرده اید دروغ محض است، مخصوصاً این گفته آقای حسینیان که گفته «پس از بازرسی تعداد پنج کامیونت از این گونه اطلاعیه‌های توهین آمیز به ساحت حضرت امام (ره) به همراه برخی اسناد دیگر کشف شده» هر انسان با وجدانی را متاثر می کند که چرا مسیر انقلاب و روحانیت شیعه به جایی برسد که چنین اشخاص فرصت طلبی جرأت کنند با محاصره یک منطقه بزرگ و ایجاد رعب و وحشت مطلق العنان اموال دفتر و حسینیه شهدا و آرشیو چهارده ساله با ارزش و گرانبھائی را غارت کنند و برای توجیه کار ناهنجار خود چنین دروغ‌های شاخداری را که هیچ عاقلی باور نمی کند به هم بیافند و شما هم در نشریه ای که برای افراد خارج از کشور تهیه می شود چاپ و منتشر کنید، مثل اینکه مفهوم اطلاعیه و یا مقدار ظرفیت پنج کامیونت برای آقایان روشن نیست، شما با چاپ این قبیل دروغ‌های

شاخدار دیکته شده به خوانندگان خود القا می‌کنید که از خود استقلال ندارید و آنچه به شما تحمیل می‌شود می‌نویسید و بدین وسیله سایر اخبار و گزارش‌های نشریه خودتان را نیز بی‌اعتبار می‌کنید، و متأسفانه نشریات دیگری نیز به همین بلا گرفتار شده‌اند حتی نشریه سازمان تبلیغات اسلامی نیز این دروغ‌ها را عیناً درج نموده است و با اینکه طبق قانون مطبوعات باید جواب اتهامات را نیز درج کنند جوایه‌های فرزند اینجانب احمد منتظری را چاپ نکردند، و از طرف دیگر آقای حسینیان مجله پیام هاجر و بعضی جراید دیگر را تهدید کرد که اگر راجع به وقایع قم چیزی بنویسید مجله آنان را توقیف می‌کند و بالاخره به جای حکومت قانون زور حکم فرماست.

در این میان بعضی از مقامات ضمن اظهار تاجر از حوادث انجام شده در بیت اینجانب اصرار داشتند که مسئولین بالا خبر نداشتند. در جواب آنان باید گفت حالا که خبر پیدا کردند چه عکس العمل مثبتی نشان دادند، نه اموال غارت شده برگردانده شده و نه عاملین جنایت مجازات شدند بلکه از قرار مسموع به جمعی از آنان پاداش زیارت بیت الله الحرام نیز داده شده ان شاءالله حجشان مقبول خواهد بود.

نکته ششم: در تحریرالوسیله مرحوم امام(ره) در تعریف محارب و حد آن مطالبی ذکر شده که ملخص آن چنین است: «محارب کسی است که در پناه اسلحه مردم را بترساند و فساد برپا کند چه در بیابان و چه در دریا، چه در شهر و چه در غیر شهر، چه در شب و چه در روز، و شرط نیست که مهاجم از اشرار و اهل ریه باشد؛ و حد محارب یا قتل است یا به دار آویختن یا قطع یک دست و یک پا برعکس یکدیگر، یعنی دست راست و پای چپ، و یا تبعید. و بهتر است اگر محارب مرتکب قتل شده او را بکشند یا به دار آویزند و اگر اموال را به غارت برده دست و پای او را قطع کنند و اگر فقط سلب امنیت کرده تبعید شود». (تحریرالوسیله ج ۲ ص ۴۹۴)

در شب ۲۵ بهمن ۱۳۷۱ تهاجم شبانه ای به بیت اینجانب با محاصره منطقه در پناه نیروهای مسلح و به کارگیری بیش از هزار نفر و ایجاد رعب و وحشت و سلب امنیت حتی از همسایگان انجام شد و قفل‌ها و درب‌ها را شکستند و اموال زیادی را به غارت بردند. این عمل وحشیانه مصداق کامل محاربه است. اگر یک دادگاه عادلانه و قانونی تشکیل شود عاملان این تهاجم غیر انسانی را محارب خواهد شناخت که مجازات آنان لااقل قطع دست و پاست.

ولی چه باید کرد درحالی که اینجانب و سایر آقایانی که مورد هتک واقع می شوند حتی المقدور در برابر حقوق از دست رفته خود صبر و سکوت را پیشه خود ساخته ایم. آقای حسینیان که رهبری این تهاجم را به عهده گرفته آزادانه دروغ‌های خود را منتشر و به جراید کشور تحمیل می کند و مسئولین جراید تهدید می شوند که اگر این موضوع را بنویسند تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. بناچار اینجانب اجمال واقعه را در این صفحات نوشتم تا اگر روزی نسیم آزادی وزیدن گرفت و جو اختناق شکسته شد و جراید کشور از بند سانسور آزاد شدند بتوانند نگارش اینجانب را به ضمیمه گزارش‌هایی که از ناحیه سایر دلسوزان مطلع از تخلفات و اقدامات مرموزانه دشمنان تنظیم شده برای آگاهی برادران و خواهران مسلمان منتشر نمایند.

الی الله تعالی نشکو بثنا و حزنا و منه نستمد فی جمیع امورنا و السلام علی جمیع اخواننا و رحمة الله و برکاته.

۱۳۷۲/۲/۱۰ - قم - حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۲۳: مربوط به صفحه ۷۳۶

اطلاعیه دفتر معظم له در مورد سخنرانی ایشان و حمله و غارت بیت و حسینیه و

دفتر، مورخه ۱۳۷۱/۱۱/۲۸

به نام خدا

در تاریخ ۱۳۷۱/۱۱/۲۱ حضرت آیت الله العظمی منتظری در پایان درس خارج فقه بیانات مشروحی پیرامون انقلاب اسلامی و حضور مردم و لزوم شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن ایراد داشتند و ضمن اینکه یادآور شدند باید انقلاب و اهداف عالی آن همچنان با قوت و عظمت باقی بماند فرمودند: اینکه می بینیم مردم ما در راهپیماییهای روزهای مهم مانند روز ۲۲ بهمن و روز قدس شرکت می کنند برای این است که مردم انقلاب را محصول خودشان می دانند و برای آن شهدای زیادی داده اند و لذا با همه گرفتاری‌ها و فشارهایی که تحمل می کنند مع ذلک به اصل انقلاب و نظام و اهداف آن عشق می‌ورزند و کسی این عشق و علاقه مردم را به حساب اشخاص نگذارد، عشق و علاقه مردم به اصل اهداف انقلاب می باشد.

آنگاه ایشان با اشاره به سوابق خود در انقلاب و حمایت از شخص حضرت امام(قده) یادآور شدند: من تمام زندگی و عمرم را در راه انقلاب صرف نمودم و یک فرزند شهید و یک معلول در راه آن دادم و البته از کسی هم چیزی طلبکار نیستم، وظیفه ام بوده است؛ ولی می خواهم بگویم من به خاطر احترام و اهمیت زیادی که برای انقلاب و رهبر فقید آن قائل بودم احیاناً تذکراتی می دادم و هدفم حفظ حیثیت و وجهت معنوی امام قدس سره بود تا در سالیان متمادی چهره ملکوتی ایشان همچنان مقدس و محترم باشد و در تاریخ چهره ایشان ملکوک و مخدوش نگردد.

معظم له سپس با اشاره به فتنه مفتنین یادآور شدند: یکی از علمای تهران نقل کرده است که چند نفر از افراد رده بالای اطلاعات به او گفته اند در آن شرایط ما را مجبور کردند تا به دروغ گواهی دهیم که بیت فلانی - آیت الله العظمی منتظری - در اختیار منافقین می باشد، و ما هم گواهی دادیم و اکنون ناراحت هستیم، آیا خدا از تقصیر ما می گذرد؟ ایشان سپس تاکید کردند من هیچ گاه طالب مقام نبوده و نیستم و از هیچ چیز هم نمی ترسم ولی برای انقلاب و اهداف آن دلم می سوزد، مبادا مردم از

آن زده شوند، و اگر من سکوت کرده ام برای این است که اساس انقلاب اسلامی محفوظ بماند، مثل ما مثل آن دونفر زنی است که سر بچه نزاع داشتند و پس از اینکه حکم شد بچه دو نصف شود، آنکه مادر بود به خاطر حفظ بچه از حق خود گذشت....

آنگاه روز جمعه ۲۳ بهمن اخباری می رسید مبنی بر اینکه از طرف بعضی ارگان‌های نظامی برای یک تظاهرات بعد از نماز جمعه به سوی بیت معظم له دعوت می نمودند، ولی عده ای قبول نکرده و بعضاً نیز قبول نموده و بالاخره بعد از نماز جمعه قم با تعدادی از افرادی که از جریان بی اطلاع بودند در حدود پانصد نفر را مقابل بیت ایشان مجتمع نمودند، و در این میان حدود شصت نفر شعارهای زننده ای سر دادند. آنگاه متن تحریف شده بیانات آیت الله العظمی منتظری را که تکثیر نموده بودند با ضمیمه‌های تحلیلی خودشان همراه با تهمت و افتراء و دروغ منتشر نمودند، و جمعی تابلوی دفتر را کردند و سپس بلندگوی اتومبیل سپاه خاتمه برنامه و دستور متفرق شدن را صادر نمود و مراسم پایان یافت.

شاهدین صحنه می گفتند: بسیاری از حاضرین در مراسم فقط تماشاگر بودند و آن‌هایی که شعار می دادند بیش از پنجاه شصت نفر نبودند.

آنگاه در روز شنبه ۲۴ بهمن، جمعیت طلاب درس فقه معظم له طبق روال هر روز در جلسه درس در حسینیه شهدا حاضر شدند ولی دیدند افراد جدیدی حدود صد نفر نیز آمده اند و احساس شد این‌ها قصد به هم زدن جلسه درس و شلوغ کردن را دارند. از این رو معظم له مصلحت را در اعلام تعطیلی جلسه درس تا بعد از ماه مبارک رمضان دیدند و از طرف ایشان اعلام شد.

پس از اعلام تعطیلی، همان عده اعزامی شروع به شعار دادن کردند و آنگاه یکی از آنان سخنانی در رد بیانات حضرت آیت الله العظمی منتظری ایراد نمود که مضمون آن همان مطالب تکراری روزنامه‌ها و جزواتی بود که هر چند گاه تحت عناوین مجعول و توسط بعضی ارگان‌ها در چند سال اخیر منتشر گردیده بود و چیزی جز فحش، تهمت، تحریف سخنان ایشان و... نمی باشد. حدود شش نفر از طلاب حاضر در حسینیه و نیز آقا روح الله نوه معظم له را بازداشت نمودند و البته تا این لحظه افراد بازداشت شده آزاد شده اند.

آنگاه حدود ساعت ۱۰ شب یکشنبه حمله اصلی آغاز شد. شعاع و گستردگی آن در

امور زیر خلاصه می شود:

- ۱ - بیش از هزار نفر پاسدار و نیروی انتظامی و مامورین اطلاعاتی را در این حمله وارد نموده بودند.
 - ۲ - خیابان اصلی ساحلی از پل حجّتی تا پل جدید نیروگاه کاملاً مسدود و در اختیار نیروها قرار گرفته بود.
 - ۳ - تمام وسائل تخریب و احتیاط از قبیل چندین دستگاه جرتقیل، آتش نشانی و دستگاه جوش و برش آهن وارد صحنه شده بود.
 - ۴ - حمله با کندن شیروانی‌های پیاده رو حسینه آغاز شد و سپس سه درب بزرگ که اول و وسط و انتهای کوچه بود از جا کنده شد و آنگاه با شکستن قفل‌ها و تخریب درب‌ها حمله به دفتر معظم له و حسینه شهدا و قسمت مربوط به آرشیو و نیز جمع آوری دفاتر و نامه‌ها و استفتانات و آرشیو نامه‌ها و روزنامه‌ها و بولتن‌ها آغاز شد و هر آنچه در این سه محل بود برده شد و خسارتهای زیادی وارد گردید. موجودی پول‌های وجوهات که حدود یک میلیون و سی صد هزار تومان بود و برای شهریه طلاب آماده شده بود و نیز اکثر وسائل شخصی و غیر شخصی از قبیل ماشینها، کتاب، رادیو، ضبط صوت، جارو برقی، دوربین عکاسی، کاغذ و نیز دستگاه تکثیر نوار و زیراکس دفتر که روزانه توسط آن‌ها نوار و نوشته‌های درسی معظم له تکثیر و در اختیار طلاب گذاشته می شد و همچنین آرشیو عکسهائی مربوط به قبل از انقلاب از حضرت امام و فقیه عالیقدر و آلبوم عکسها و مجموعه سخنرانی‌های شهید محمد منتظری و وسایل شخصی مربوط به آن شهید بزرگوار و اشیای دیگر و خلاصه هر آنچه در دسترس بود جمع آوری و بعضاً برده و مابقی توقیف شد. همه این‌ها در غیاب ایشان و بستگان انجام می شد و هیچ صورت جلسه ای تنظیم نشد و درب‌های حسینه و دفتر را پلمب نمودند. یادآوری می شود قبل از شروع تهاجم خطوط تلفنی منطقه قطع شد و افراد خانواده‌های مربوط به بیت معظم له و همسایگان ایشان تماماً در محاصره قرار گرفتند و از تردد در کوچه و رفتن به منزل یکدیگر ممنوع شدند، پایان کار حدود ساعت ۳ بعد از نیمه شب بود.
- پس از انتشار خبر «حمله و غارت دفتر و حسینه معظم له» و نگرانی و تنفر شدید عمومی، بسیاری از فضلاء حوزه با تلفن و پیغام احوالپرسی و همدردی می نمودند، و

از قرار مسموع آقایان آیت الله مومن و آیت الله محقق داماد در جلسه درس خود این برخورد را محکوم کردند و اظهار تاسف نمودند. به دنبال انتشار این خبر پول‌های وجوهات و مقداری از وسائل دفتر و حسینیه برگردانده شد ولی عمده آنها هنوز توقیف است.

این بود خلاصه وقایعی که این روزها در قم اتفاق افتاد و نسبت به ساحت روحانیت و مرجعیت شیعه اهانت گردید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

دفتر حضرت آیت الله العظمی منتظری

احمد منتظری

پیوست شماره ۲۲۴: مربوط به صفحه ۷۳۶

متن مصاحبه خبرگزاری جمهوری اسلامی با آقای احمد منتظری فرزند معظم له راجع
به هجوم شبانه به بیت فقیه عالیقدر، مورخه ۷۱/۱۱/۲۸

خبرنگار: این روزها بخصوص خارج از کشور صحبت‌های زیادی هست راجع به وضعیت بیت ایشان، وضعیت خود ایشان و صحبت از دستگیری ایشان و احتمالاً دستگیری بستگان ایشان و حتی از علماء نزدیک به بیت، محبت بفرمائید ضمن اینکه خودتان را معرفی می‌کنید بفرمائید این قضایا تا چه مقدار حقیقت دارد. مطلبی را که مطرح می‌کنند این است که حاج آقا با اصل نظام و اصل انقلاب مخالف است شما روی این هم صحبت کنید، خیلی تاکید دارند که ایشان با اصل نظام و اصل انقلاب مخالفند.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم، کل صحبت در همین رابطه که ایشان فرمودند، پیش آمده است یعنی ایشان صحبت کرده اند که در راهپیمایی ۲۲ بهمن حتما شرکت کنید و مردم از انقلاب زده نشده اند و این به معنی تایید کل نظام است. بعد بقیه صحبت به تبع این پیش آمده است یعنی اصل مطلب این بوده که مردم طرفدار کل نظامند، طرفدار انقلاب هستند، بعد گفتند که بله من هم یک انتقاداتی را که خدمت حضرت امام می‌گفتم دقیقاً در همین رابطه بوده است دلم برای انقلاب می‌سوخته و می‌خواستم انقلاب آبرومند بماند و تا صد سال دیگر در مورد انقلاب قضاوت خوبی نکنند، و گفتند انتقاداتی را که من می‌کردم در همین رابطه بوده است و اگر کسانی انتقاد نمی‌کردند و علیرغم اینکه انتقاد داشتند ساکت می‌ماندند آن‌ها اشتباه کرده اند. بعد مثال هم که می‌زنند می‌گویند که آیت الله مشکینی آمده بودند پیش من و کلی انتقاد داشتند و می‌گفتند یک جوری به حضرت امام بگوئید که من گفتم خود شما بگوئید، ایشان هم گفتند شما بگوئید بهتر است؛ که من نامه پنج صفحه ای انتقادی که داشتم نظراتی را که صرفاً نوشته بودم برای حضرت امام آن را برای ایشان خواندم ایشان خیلی خوشحال شدند و گفتند الحمدلله که حرف‌های ما را شما زده اید. یعنی انتقاداتی بود که همه داشتند منتهی شهادت ایشان بوده که مطرح می‌کرده است و دیگران ساکت بوده اند. و ایشان در همان صحبتشان

می گویند که آن‌ها اشتباه کردند که ساکت بودند و انتقاد را باید گفت چون النصیحة لائمة المسلمین واجب است که انسان نظر اصلاحی خودش را برای امام مسلمین مطرح کند، کل صحبت در تایید نظام بوده است و اینکه نظام را همه قبول دارند و ممکن است به اشخاص کسی ایراد داشته باشد و راهپیمایی بکنید به معنای تایید کل نظام و کل انقلاب. صحبت ایشان هم نوارش و هم پیاده شده اش هست در اختیاران قرار گرفته یا خواستید خدمتتان می دهیم و همه قضیه این بوده، و این مساله هم که فرمودید در دنیا اخباری منتشر شده که ایشان ضد نظام است و چی شده دستگیر شده اند یا... فکر می کنم یک مقدار زیادی یا شاید همه اش بد عمل کردن بعضی باشد که یک چنین صحبتی را تحمل نکنند و بیایند و بچه‌ها را راه بیندازند بگویند بروید آنجا شعار بدهید و چکار بکنید و حتی درس را تعطیل بکنید و عملاً بفهمانیم که ما اصلاً طاقت شنیدن یک چنین انتقادات سازنده را هم نداریم. همین شعار انقلاب که از اول بود: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، واقعا اگر کسی مثل ایشان که این همه برای انقلاب زحمت کشیده این قدر آزاد نباشد که بیاید نظرات خودش را سر درس مطرح کند پس آزادی چی هست؟

خبرنگار: پس روی این موضوع کار کنیم که دید ایشان نسبت به مسائل چی هست، آیا ایشان روی چه جنبه ای از مسائل انتقاد و یا نظر خاصی دارند، توی صحبت اخیرشان تا آنجا که من شنیده ام چیزی را باز نکردند.

جواب: یک مقدارش در باره زندانیان سیاسی است که بیاید به مردم راست بگویند چرا ما می گوئیم زندانی سیاسی نداریم، که ایشان اشاره کردند به بچه‌هایی که قبل از انقلاب و در انقلاب سهیم بودند و زحمت کشیدند و حالا زندان هستند که نمونه اش آقای داود کریمی که قبل از انقلاب زندان بود و شکنجه دیده بود و بعد از انقلاب فرمانده سپاه تهران و فرمانده سپاه منطقه ۱۰ بود، آقای محسنی فرمانده لشکر بود این‌ها به طرفداری از آقای منتظری الان در زندان هستند. خب با این حال ما بگوئیم زندانی سیاسی نداریم. ایشان انتقادشان این است که چرا به مردم راست نمی گوئید مردم این قدر می فهمند که این‌ها سیاسی اند.

خبرنگار: مواردی که شما افرادی را نام بردید می گوئید فقط به خاطر اینکه

طرفدار حضرت آقا بودند برایشان مشکلی یا محذوری پیش آمد؟

جواب: من اطمینان دارم به این خاطر است و از طرفداران علنی ایشان بوده اند یعنی خیلی‌ها طرفدارند و مخفی می‌کنند حالا به چه علت شاید دنبال این هستند که می‌خواهند زندگیشان را هم بکنند، ولی این‌ها علنی هستند یعنی آخرین جلسه ای که ۲۵ رجب که شهادت امام کاظم(ع) بود یک روزه ای در منزل همین داود کریمی بود که علناً تبلیغ از آقای منتظری می‌کردند، صحبت ایشان را پشت بلندگو گذاشته بودند صحبتی که بعد از درس کرده بودند و خیلی علنی حمایت می‌کردند، به این صورت هست که آن وقت این‌ها یک تهمتی هم به ایشان زده بودند که این‌ها می‌خواهند مبارزه مسلحانه با نظام بکنند، وقتی که آقای داود کریمی آزاد بود در بولتن سازمان تبلیغات نوشته بودند که گروهی از طرفداران آیت الله منتظری معتقد به مبارزه مسلحانه با نظام هستند که خود آقای داود کریمی می‌گفت رفتم پیش آقای محمدی عراقی در سازمان تبلیغات چون قبلاً در سپاه با هم آشنا بودیم و گفتم این چی است که نوشته اید اینکه دروغ است، گفت ایشان هم خیلی ناراحت شد و گفت بله ما تکذیب می‌کنیم، بعد از چند وقت آقای داود کریمی را دستگیر کردند یعنی دقیقاً مشخص بود که این تهمت است کسی که خودش آزاد است و می‌رود و می‌گوید چرا این دروغ را نوشته اید نمی‌شود چنین کسی بخواهد مبارزه مسلحانه بکند.

خبرنگار: در صحبتی که اخیراً ایشان داشتند و همین طور فرمایش جنابعالی همه اش اعتقاد ایشان به خود نظام است، آنچه که جزء است و شما می‌گوئید به خاطر تبلیغش طرفدار آقا را دستگیر کردند که حالا محذوری پیش آمده آن موارد چه هست، یعنی چه چیزی است که به قول خود شما تحملش نکردند یا تحملش مشکل بود؟

جواب: کلاً یک حالتی توی مملکت است که جنابعالی هم می‌دانید مثل اینکه اسم بردن از آیت الله منتظری، طرفداری، صحبت کردن و تقلید از ایشان قاچاقی باشد. یک چنین جوی درست شده حالا کی درست کرده نمی‌دانم ولی یک چنین جوی موجود است که ملموس هست، این آقایان مخالف یک چنین چیزی هستند می‌گویند نه چرا این جو درست شده، این جو کاذب است ما نباید تسلیم یک چنین

جوی بشویم، عقیده آزاد است و عقیده داریم که ایشان از طرفداران انقلاب و نظام هستند و مرجع تقلیدمان است می خواهیم از ایشان تقلید کنیم آزادانه باید بتوانیم از ایشان تبلیغ و تقلید بکنیم.

خبرنگار: آیا می توانیم فرض را بر این بگذاریم که جنابعالی دارید از طرف آقا صحبت می کنید؟

جواب: نه البته این جور نیست که من نظرات ایشان را بیرسم بیایم عرض کنم ولی کلاً یک چیزهای واضحی هست که اینها اتفاق افتاد. الان ببینید این جوی که در کل دنیا درست شده تقصیر این بچه بازیهاست که در آورده اند. من خدمت آیت الله مومن بودم ایشان می گفت: چند نفر از افراد اداره اطلاعات آمدند پیش من که بله مردم رفتند آنجا حمله کردند، ایشان می گفت: گفتم ببین هم شما می دانید هم من آنها مردم نبودند مردم که نمی آیند از این کارها بکنند. حالا من هم می گویم چطور این جمعیت چند ده هزار نفری (شصت هزار نفری یا صد هزار نفری) که در مشهد راه افتادند و آن کارها را کردند از اینها تعبیر می شود به اوباش ولی وقتی چهارصد پانصد نفر راه می افتند می آیند اینجا اینها را می گویند مردم. نمی شود چهارصد پانصد نفر مردم باشند ولی جمعیت صد هزار نفری بشوند اوباش. بعداً به دنبالش حتما خبر دارید که اینجا شب یک شنبه حمله کردند و اصلاً بدون اطلاع یک مرتبه ساعت ده شب خبر شدیم که بله آمدند دارند آهنهای پشت حسینی را می برند، یعنی یک گره ای که با دست باز می شود نه تنها با دندان بازش کنیم سفت ترش هم بکنیم. روز روشن می آمدند به ایشان می گفتند ما اینجا را می خواهیم خلوت کنیم راه باز بشود با کمال میل قبول می کردند، چنانچه دیوار همین طور بود یک محوطه ای اینجا بود که ایشان همیشه می گفت من از این دیوار بدم می آید اینجا دور ما قلعه درست کردید ما را از مردم جدا کردید، مسلماً ایشان موافقت می کردند. آمدند یک چنین بر خوردی کردند بعد بدون اینکه به ما بگویند کلید مثلاً در حسینی را بدهید کلید درب دفتر را بدهید همین طور زدند شکستند. واقعا اگر می گفتند که کلید را بدهید ما دودستی تقدیمشان می کردیم.

خبرنگار: صحبت از این است که شاید برخی از نقطه نظرات متفاوت ایشان

روی مسائلی است که جنبه اقتصادی دارد یعنی آن چیزی که دولت در زمینه اقتصادی دارد پیش می‌برد این چیز است که بیرون از کشور زیاد روی این قضیه دارد صحبت می‌شود. یکی هم مساله رشدی را مطرح می‌کنند، و اینکه خود آقا و یا بیت ایشان چه نظری راجع به مسائل اقتصادی مملکت دارند، سیاست‌هایی که دولت در زمینه اقتصادی پیش گرفته. جواب: نظر خاصی ندارند یعنی من نشنیده‌ام از ایشان که بر فرض بر یک نرخ شدن ارز ایشان نظر داشته باشند چون نظری از ایشان کسی نخواست که بخواهند نظر بدهند، یعنی واقعا اطلاعی ندارم و من شخصاً با ایشان صحبتی نداشته‌ام.

خبرنگار: صحبت دیگری که رویش خبرگزاری‌ها کار کرده‌اند این بدین معنی است که حضرت آقا مخالف این نظر کلی حضرت امام هستند که رشدی را مرتد دانسته‌اند به خاطر بی‌احترامی که به ساحت رسول الله شده. جواب: نه خیر هیچ مخالفتی نبوده از همان وقت من یادم هست که دقیقاً نظرشان منطبق است.

خبرنگار: گفته‌ای را از قول ایشان نقل کرده‌اند من این را نشنیده‌ام یعنی ایشان آقایان را غاصب حکومت خوانده‌اند و خودشان را دایه حکومت، این چیزی است که خبرگزاری‌ها رویش زیاد کار کرده‌اند.

جواب: ایشان در تایید اینکه من دلم برای انقلاب می‌سوزد این را گفته‌اند که من مثل مادر انقلاب هستم چون بیشتر از همه زحمت کشیده‌ام، اتفاقاً من یادم هست حدود یک سال پیش ایشان به چند نفر از مدرسین حوزه علمیه قم گفتند که ما اینجا می‌خواهیم طلبگی مان را بکنیم آقایان هم حکومتشان را بکنند ما کاری به آن‌ها نداریم، ایشان می‌گفت من از اول گفته بودم که من مقام نمی‌خواهم و حالا هم می‌گویم. هر کس اندک شناختی از ایشان داشته باشد می‌داند که ایشان هیچ وقت دنبال ریاست و قدرت و این چیزها نبوده است.

خبرنگار: در گزارشاتمی که بوده عده‌ای از منسوبین آقا و یا نزدیکان بیت ایشان را دستگیر کرده‌اند و حتی صحبت از مجروح شدن و حتی کشته شدن عده‌ای

است، این قضیه تا چه حدی صحت دارد؟

جواب: اینجا روز شنبه که درس ایشان بود متأسفانه باز یک مقداری کسانی که یا طلبه‌های مبتدی بودند یا اصلاً طلبه نبودند آمدند سر درس نشستند حدود ۱۰۰ نفر بودند که مشخص شد که این‌ها می‌خواهند درس را بهم بزنند و اغتشاش کنند، این بود که من خودم شخصاً از ایشان اجازه گرفتم که چنین جوی است ممکن است زد و خورد شود، ایشان گفت مصلحت است که درس تعطیل بشود تا جلوگیری از زد و خورد بشود. من خودم شخصاً اعلام کردم که تا بعد از ماه مبارک رمضان درس ایشان تعطیل است، بعد به دنبال این یکی از آن‌هایی که آمده بود درس را بهم بزند شروع به صحبت کرد و خیلی تهمت‌های زیاد که حتی ایشان که می‌گویند بچه‌های انقلاب در زندانند منظورشان مجاهدین خلق و منافقین است، یک چنین تهمت بزرگی، با این حال شاگردان سکوت کردند تا صحبتش را کرد. بعد یکی از شاگردها گفت ما هم حرف داریم، تا آمد صحبت کند گفتند بزیندش بزیندش، شروع کردند به زد و خورد چند نفر اینجا دستگیر شدند حدود ۵ نفر دستگیر شدند که آخرینش امروز ظهر آزاد شد و مجروح کسی نداشتیم و کشته هم نداشتیم.

خبرنگار: از منسوبین خود آقا؟

جواب: نوه ایشان بود که امروز ظهر آزاد شد.

خبرنگار: باز صحبت از این بود که ریخته اند منزل آقا را قفل کرده اند عرض بکنم یا حصری یا محذوری برای ایشان فراهم شد یا نامه‌ها و بولتن‌هایی را که در دفتر بوده برده اند.

جواب: بله این چیزی که من داشتم عرض می‌کردم شاید دنبالش خدمتتان عرض می‌کردم که صحبت قطع شد. شب یکشنبه آمدند با اینکه کلید داشتیم و آماده بودیم که هر وقت گفتند کلید به آن‌ها بدهیم همان طور درب را شکسته بودند و رفته بودند بدون هیچ صورت جلسه‌ای. من قبل از انقلاب یادم هست که بالاخره می‌آمدند خانه و بازرسی می‌کردند با حضور صاحب‌خانه می‌آمدند می‌گفتند این کتاب‌ها چند جلد کتاب، چقدر پول، چقدر اسناد، صورت جلسه می‌کردند و از طرف امضا می‌گرفتند. اینجا بدون اینکه ما حضور داشته باشیم و صورت جلسه‌ای تنظیم بشود یک مقدار

زیادی پول بود برای شهریه طلاب آماده شده بود، یک مقدار پول نماز و روزه‌های استیجاری و چیزهای دیگر، کتاب، کامپیوتر، جاروبرقی، چیزهایی که هیچ ربطی نه به سیاست دارد و نه به هیچ چیز دیگر خیلی از اموال شخصی بود، خیلی مربوط به دفتر بود بدون هیچ صورت جلسه ای بردند و حسینیه را که مرکز درس ایشان بود و همیشه روضه اینجا برگزار می شد پلمب کردند که به همین صورت هست که امیدواریم زودتر آزاد بشود که درست نیست حسینیه در این موقعیت پلمب باشد. ما ویدئوکلپ درست می کنیم برای جوانان و یک تبلیغ هم می کنیم حالا در حسینیه را ببندیم صورت درستی به نظر نمی رسد، و این‌ها بدون تنظیم هیچ صورت جلسه ای این‌ها را برداشتند بردند و یک مقداری از آن‌ها را پس دادند ظرف دیروز و امروز، مثلا این آب سردکن که بیرون دیدید در پیاده رو این را نصف شب آمدند گذاشته و رفته اند چون تحویل نگرفته بودند که حالا بخواهند تحویل بدهند همین طور گذاشته و رفته اند، کامپیوتر هست و چیزهای دیگر که هنوز پیش آن‌هاست، بیشتر آنچه که برده اند هنوز نیاورده اند ولی یک مقدار از کاغذهای سفید بود برده اند و امروز آورده اند، این چیزهایی که اصلا به نظر نمی رسد به چه علتی برده اند.

خبرنگار: صحبت از این است که ایشان را ملزم به تغییر منزل کرده اند.

جواب: نخیر هیچ نبوده.

خبرنگار: ما در منزل قدیمی شان خدمت شما رسیدیم همین طور است؟

جواب: اینجا محل ملاقاتهای ایشان است و آن شب هم به منزل ایشان هیچ کاری نداشتند.

خبرنگار: الان وضعیت مزاجی آقا چگونه است؟

جواب: الحمدلله خوب است. همان شب هم من تا دیدم مشغولند و خیلی سرو صداهای زیادی می آمد من رفتم خدمت ایشان گفتم نکند از نظر روحی ناراحت بشوند دیدم نه الحمدلله عین خیالشان نیست و مشغول نوشتن درس بودند.

خبرنگار: صحبت از منافقین کردید من حالا جسارتا عرض می کنم باز یکی از محورهای تبلیغاتی که روی این قضیه دارد صورت می گیرد اینکه قضیه مهدی

هاشمی و باند مهدی هاشمی این‌ها را به اصطلاح احیا بکنند و یا اینکه بیایند دوباره در ذهنها مطرح بکنند به هر شکلی که هنوز عوامل این چنین و یا از منافقین و این‌ها به بیت آقا یا دفتر ایشان رفت و آمد دارند و این را خود شما به چه شکل می‌دانید؟

جواب: اصلاً بانندی نیست که حالا بخواهد اینجا رفت و آمدی داشته باشد. برادر مهدی هاشمی که داماد ایشان است با این حال شاید حدود سه سال است که پایش را در دفتر نگذاشته است و هیچ رفت و آمدی ندارد چه رسد به غریبه‌ها، این باند مهدی هاشمی کلاً یک لولویی است که درست کردند، مهدی هاشمی خودش سال ۶۶ اعدام شده و رفته است چند وقت یک بار مثل سریال تکراری می‌آورند مهدی هاشمی را که یادش زنده باشد ولی واقعیتی ندارد. عرض می‌کنم برادرش داماد ایشان است رفت و آمد ندارد وای به حال کسانی که غریبه‌اند.

خبرنگار: عرض کنم محور تبلیغاتی است که رسانه‌های بیگانه دارند مطرح می‌کنند و الا ما که ارادتمان به حضرت‌عالی و حضرت آقا هست. باز من این موارد را مطرح می‌کنم و بیشتر روی این‌ها می‌خواهم نظرتان را بدانم، بپرسم که آیا ایشان نظر خاصی روی تحولات فرهنگی جامعه دارند؟ ببینید یک سری گشایش یا یک سری رفع محذورهای یا یک دیدهایی روی مسائل فرهنگی کشور هست مثلاً همین ویدئو کلیپها و آزادکردن همین ویدئو یا یک مقدار اجازه دادن به نشر بعضی کتب و نشریات که ضاله هم نیستند برای گشایش فرهنگی است، نظر خاصی ایشان دارند؟

جواب: راجع به این موارد صحبت نشده ولی کلاً ایشان نسبت به آزادی مطبوعات شدیداً معتقدند همه آزاد باشند نظرات مخالف گفته بشود، جوابی اگر هست باز داده بشود تا باعث پیشرفت بشود، و اگر بنا باشد هیچ کس چیزی نگوید و یک تعداد بخصوص بگویند این درجا زدن است و پیشرفتی حاصل نمی‌شود. پیشرفت آن وقتی است که نظرات مخالف گفته بشود آن وقت خود بخود جواب داده می‌شود، باز دوباره جواب آن جوابها داده می‌شود و دائماً درحال پیشرفت باشد، و کلاً معتقد به آزادی عقیده و آزادی مطبوعات و آزادی نشر کتاب هستند.

خبرنگار: در باره فعالیت‌های دیپلماسی و فعال کردن دیپلماسی کشور آقا نظر خاصی دارند، محدودیت یا محذورت یا فرض بفرمائید تنگتر بشود قضایا یا خیر؟

جواب: خدمت ایشان صحبت خاصی نشده است ولی از اول یادم هست وقتی که انقلاب تازه پیروز شده بود ایشان خودشان می‌گفتند من خدمت امام رسیدم در قم یعنی همین منزل روبروی همین جا که مرحوم امام ساکن بودند، ایشان گفته بودند بله انقلاب که پیروز شده رسم این است که یک هیاتهای حسن نیت می‌فرستند کشورهای مخصوصا همسایه که بله این انقلاب پیروز شده و ما با شما هیچ دشمنی نداریم و می‌خواهیم با هم زندگی کنیم و میهمان جدید شما هستیم و هیاتهای حسن نیت بروند همه جا مخصوصا کشورهای همسایه، که ایشان می‌گفتند من هرچه اصرار کردم حضرت امام قبول نکردند حالا به چه علت من نمی‌دانم. من می‌دانم که ایشان نسبت به فعالیت دیپلماسی کاملاً نظر مثبت دارند ولی جدیداً هیچ صحبتی نشده است.

خبرنگار: یک مقدار راجع به برنامه‌های آقا بفرمائید که برنامه‌های آقا به چه شکل است؟

جواب: ایشان عمده وقتشان صرف کارهای علمی می‌شود، یعنی ایشان تحقیقاتشان را که می‌کنند خود بخود روی کاغذ می‌آورند که هر وقت خدمتشان می‌رسم در حال نوشتن هستند، تحقیقاتی که می‌کنند، درسی که ایشان می‌فرمایند خوب درس بالایی حوزه است، نوشته‌های ایشان پلی‌کیپی می‌شود و اول درس داده می‌شود و این از امسال شروع شد و خیلی مورد استقبال طلاب واقع شد، و عمده کارشان همین است تحقیق علمی و تدریس و بعداً نشر یک چنین تحقیقاتی به صورت کتاب. حتی کتاب‌هایشان را خودشان تصحیح می‌کنند که اگر تجدید نظری دارند تصحیح بکنند. خلاصه بیشتر کارهای علمی و فرهنگی.

خبرنگار: شکافی بین جناح‌های مختلف در ایران ذکر کرده‌اند، نظر شما چیست؟

جواب: ما از آنجا خبر نداریم که بین مسئولین نظام چه خبر است.

خبرنگار: شکافی که بین جناح چپ است در حقیقت جناح چپ می خواهد یک بهره ای بگیرد و یا مسائل را می خواهد به سمت خاصی که مورد نظر است هدایت بکند.

جواب: من خبر ندارم ولی اگر این طور باشد که خیلی بد است یعنی مسئولین رده بالای نظام باید اشرافی داشته باشند که این کار انجام بشود یا نشود، و واقعا اگر خبر داشته باشند (من نمی دانم من یقین ندارم که خبر داشته باشند) خوب خیلی چیز بدی است اینجا بگیر و بزن و ببند و ببر بدون هیچ حساب و کتابی، و اگر هم خبر نداشته باشند باز چه بدتر، یعنی من الان هیچ نمی دانم که چه خبر است و بین جناح‌های مختلف چپ می گذرد اطلاعی ندارم.

خبرنگار: ایشان اصرار دارند همچنان درسشان را ادامه دهند؟

جواب: بله دقیقاً همین طور است و در همین درس ایشان به مناسبت ۲۲ بهمن صحبت کردند و شاید شش ماه یک بار اشاره ای می کنند به چیزهایی که احساس وظیفه می کنند، مواردی که مربوط به سیاست جهانی و یا مسائل داخلی مملکت باشد و واقعا اگر این‌ها تحمل می شد نشانه قدرت و عظمت نظام بود که نظام این قدر قوی است که هر نظر به فرض مخالفی را هم قبول می کند و با روی باز قبول می کند. نه این که بیاییم این قدر مخالفت کنیم با یک نظری که داده می شود و حساسیت نشان بدهیم و افراد را تحریک کنیم مثلاً همین کاری که شد. ساعت ۱۰ شب آمدند تا ۲-۳ بعد از نیمه شب نمی شود گفت که این‌ها بی اجازه آمدند، و همه از سپاه بود، از اطلاعات بود، از جاهای دیگر بودند، بالاخره ارگان‌های این نظام بودند و این متأسفانه نشانه این است که ما هیچ تحمل نظر مخالف را نداریم و اگر آن جور می شد خیلی بهتر بود که ما این قدر حکومتمان قوی است، نظاممان قوی است که هر نظر مخالفی که باشد با کمال میل می پذیریم، و یک چنین برخوردی را، می بینید در روزنامه‌ها هر مخالفتی که با ایشان باشد با آب و تاب می نویسند و آزاد آزاد هستند درحالی که این‌ها جواب دارد. یک شهروند معمولی جمهوری اسلامی هم حق دارد از خودش دفاع کند یک وقتی که یک تهمتی به او می زنند بیاید جواب بدهد، و ایشان این شخصیتی که حق بزرگی به این نظام دارند و الان هم موید هستند در همین پیامشان دقیقاً هست که از اصل

انقلاب هیچ کس سرد نشده در راهپیمایی شرکت کنید که موجب تقویت نظام بشود با این حال یک چنین کسی حق دفاع از خودش نداشته باشد که وقتی یک تهمت در روزنامه به ایشان می‌زنند بتواند بیاید در روزنامه جواب بدهد و جواب هم دارند بدهند ولی فعلا متأسفانه حق دفاع از خودشان را ندارند، این موجب تأسف است.

خبرنگار: ایشان چند تا شاگرد دارند؟

جواب: حدود هزار تا، از این اوراقی که تکثیر می‌کنیم مشخص می‌شود. حدود هزار باید باشد.

خبرنگار: خیلی تشکر می‌کنم اگر جسارتی نیست ما عکسی هم از ایشان داشته باشیم اگر امکان داشته باشد.

جواب: من عرض می‌کنم به ایشان.

خبرنگار: چند ثانیه ای زیارتی داشته باشیم و اجازه اگر بدهند عکسی داشته باشیم.
جواب: ایشان سؤال و جواب که صبح عرض کردم قبول نکردند.

خبرنگار: صحبت اصلا نمی‌خواهیم بکنیم فقط یک ملاقات.

جواب: ایشان فرمودند من صحبتی داشتم کردم و صحبتی دیگر ندارم.

خبرنگار: ملاحظه کردید که حجم زیادی تحلیل ما دریافت کردیم از خارج از کشور.
جواب: واقعا اگر بزرگوارانه برخورد می‌شد با این صحبت‌ها، پیش نمی‌آمد که آن‌ها یک چنین تحلیلهائی بخواهند بکنند.

والسلام علی عبادالله الصالحین و رحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۲۵: مربوط به صفحه ۷۳۶

نامه حجة الاسلام احمد منتظری به آیت الله مومن، مورخه ۷۱/۱۲/۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

مدیریت محترم حوزه علمیه قم حضرت آیت الله جناب آقای مومن دامت برکاته پس از سلام و آرزوی موفقیت برای حضرتعالی؛ چنانچه استحضار دارید پس از حمله به حسینیه شهدا و دفتر حضرت آیت الله العظمی منتظری و محل آرشیو نامه‌ها و بولتن‌ها و شکستن درب‌ها و بردن اشیاء زیادی از سه محل نامبرده در نیمه شب یکشنبه ۷۱/۱۱/۲۵ توسط مامورین رسمی اداره اطلاعات و سپاه قم، حق شرعی و قانونی ما بود که به مرجعی قانونی شکایت کرده و لاقفل خواهان استرداد اموال و اسباب و اثاثیه و جبران خسارات وارده گردیم - اموالی را که شبانه و بدون ارائه هیچ حکمی و تنظیم صورت جلسه ای غارت کرده و با خود برده بودند - اما به دو دلیل از آن منصرف شدیم:

۱ - با توجه به تقبیح این کار ناشایست توسط بسیاری از علماء و شخصیت‌ها و ملت عزیز - هرکس که در جریان قرار گرفت - فکر می کردیم درصدد جبران آن برآیند و لاقفل هرچه زودتر اموال را مسترد گردانند و خسارات وارده را جبران نمایند.

۲ - امیدی به اینکه شکایت مفید فایده باشد نداشتیم، و اصلا معلوم نیست چه کسی یا ارگانی باید جوابگوی این مسائل باشد.

اما چون جنابعالی خود مساله را پیگیری فرمودید صلاح در آن دیده شد که لیست اسباب و اثاثیه و لوازمی که هنوز بدون هیچ علت و دلیلی عودت داده نشده است به اطلاع رسانده شود، که خود این لیست حکایت از ناشایست بودن عمل می نماید، عملی که از نظر شریعت مقدس اسلام حتی در مورد اهل ذمه توجیه نمی شود چه رسد به یک مسلمان و یک عالم اسلامی و یک مرجع تقلید و استاد اکثر مسئولین مهم مملکتی.

لیست وسائل مربوط به حسینیه و دفتر که هنوز عودت داده نشده است:

۱ - نسخه اصلی کتب فقهی و ترجمه‌های ولایت فقیه

۲ - نوارهای سخنرانی و مداحی ایام عزاداری در حسینیه شهداء

- ۳ - یک دستگاه کامپیوتر و پرینتر مربوطه (حاوی دروس فقهی فقیه عالیقدر)
 - ۴ - یک دستگاه تایپ
 - ۵ - یک عدد نوار برگردان ویدئو
 - ۶ - یک عدد هدفون
 - ۷ - دو عدد پرژکتور
 - ۸ - سه عدد دوربین فیلمبرداری
 - ۹ - دو دستگاه ویدئو
 - ۱۰ - پنج عدد ضبط صوت
 - ۱۱ - یک عدد نوار پاک کن کاست
 - ۱۲ - چند عدد میکروفون کوچک و بزرگ
 - ۱۳ - یک دستگاه تلکس فارسی
 - ۱۴ - چهار عدد مهر مربوط به دفتر و رونوشت تعدادی از نامه‌های ارسالی دفتر
 - ۱۵ - تعدادی قبض و جوهات
 - ۱۶ - تعدادی چک بدون تاریخ و...
 - ۱۷ - آرشیو دفتر (مشمول برنامه‌ها و مجلات و روزنامه‌ها و بولتن‌های سال‌های گذشته)
 - ۱۸ - تعدادی نوار مستعمل امانتی طلاب جهت ضبط دروس فقهی
 - ۱۹ - دو دستگاه زیراکس
 - ۲۰ - دو عدد گوشی تلفن کوچک
 - ۲۱ - پنج عدد گوشی تلفن معمولی
 - ۲۲ - یک عدد رادیو
 - ۲۳ - یک عدد تلویزیون
 - ۲۴ - شش توپ پارچه مخصوص پلاکارد
 - ۲۵ - چند سری لامپ چراغانی
 - ۲۶ - چند عدد کلید مینیاتوری برق
 - ۲۷ - مقداری لوازم یدکی ماشین
 - ۲۸ - یک عدد ساعت دیواری
 - ۲۹ - یک عدد وضوخانه بزرگ
 - ۳۰ - کلیه شیروانی‌ها و آهن آلات و قفسه‌های کفش و... مربوط به حسینیه و دفتر
 - ۳۱ - کلیه اتومبیل‌های مورد استفاده فقیه عالیقدر و دفتر معظم له
- (لازم به ذکر است که اتومبیل‌های فوق با اصرار مسئولین حفاظتی در اختیار ایشان)

گذاشته شده بود و همچنین سه روز پس از این عملیات از طرف یگان حفاظت سپاه قم اتومبیل مربوط به ایشان عودت داده شد که ایشان فرمودند به هیچ وجه اتومبیل دولتی قبول نخواهم کرد).

۳۲ - چهار عدد درب چوبی آنقدر ناجور شکسته شده که شکسته شده آن را برده اند ولی تکه‌های آن موجود است، و همچنین دهها قفل درب و کمد را به گونه ای شکسته اند که به هیچ وجه قابل استفاده نمی باشد.

لیست وسائل مربوط به خانواده شهید محمد منتظری که هنوز عودت داده نشده است:

- ۱ - حدود صد عدد نوار سخنرانی از شهید محمد منتظری
- ۲ - تعدادی نوار مصاحبه‌های شخصیت‌ها راجع به شهید محمد منتظری
- ۳ - یک عدد نوار ویدئو از شهید محمد منتظری
- ۴ - بیانیه‌ها و مصاحبه‌ها و... شهید محمد منتظری راجع به دولت موقت و...
- ۵ - پاسپورت شهید محمد منتظری به اضافه دفترچه تلفن و یادداشت‌های شخصی و...
- ۶ - تعداد زیادی عکسهای مختلف حضرت امام (مربوط به قبل از انقلاب)
- ۷ - تعداد زیادی عکسهای مختلف فقیه عالیقدر (مربوط به قبل از انقلاب)
- ۸ - چند حلقه فیلم از حضرت امام در پاریس و نجف

لیست اموال شخصی که هنوز عودت داده نشده است:

- ۱ - یک عدد سکه بهار آزادی!!
- ۲ - یک عدد ساعت رومیزی
- ۳ - یک دستگاه تلفن بی سیم
- ۴ - نوارهای دروس حوزه و متفرقه
- ۵ - نوارهای سخنرانی و مصاحبه حضرت امام و فقیه عالیقدر (قبل از انقلاب)
- ۶ - یک عدد ضبط صوت کوچک
- ۷ - یک عدد ماشین اصلاح
- ۸ - دفترچه شخصی تلفن
- ۹ - دو عدد تابلو نقاشی

بجاست لیست مواردی که برده شده و عودت داده شده است، نیز آورده شود تا بهتر به نحوه عمل آقایان واقف شوید:

- ۱ - حدود یک میلیون و چهارصد هزار تومان پول نقد
- ۲ - یک دستگاه موتور برق
- ۳ - سه عدد جاروی برقی
- ۴ - مقداری لوازم یدکی ماشین و آپارات و...
- ۵ - یک عدد ماشین اصلاح
- ۶ - چند عدد گوشی تلفن
- ۷ - یک عدد کمدهای بایگانی
- ۸ - آلبومهای عکس شهید محمد منتظری و...
- ۹ - تعدادی پوستر از شهید محمد منتظری
- ۱۰ - یک عدد دوربین عکاسی
- ۱۱ - یک عدد موتور سیکلت
- ۱۲ - مقداری پارچه و کاغذ سفید
- ۱۳ - یک عدد منبع آب
- ۱۴ - مقداری لوازم تلفن
- ۱۵ - یک ساک محتوی البسه و چتر و...

هفتم رمضان المبارک مطابق با ۷۱/۱۲/۱۰

دفتر حضرت آیت الله العظمی منتظری

احمد منتظری

پیوست شماره ۲۲۶: مربوط به صفحه ۷۳۶

نامه حجة الاسلام احمد منتظری به حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی،

مورخه ۱۳۷۲/۱/۵

بسم الله الرحمن الرحيم

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای

هاشمی رفسنجانی

پس از سلام و عرض تبریک به مناسبت عید سعید فطر و حلول سال نو و آرزوی موفقیت و سلامت برای جنابعالی.

پیرامون حوادث اخیر قم و تعرض به حریم یکی از استوانه‌های انقلاب اسلامی و مرجعیت تقلید لازم دانستم مصدع اوقات شریف شوم که بنا بر نص قرآن کریم: لایحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم.

از آن زمان که به یاد دارم والد معظم را به جرم دفاع از حریم اسلام و قرآن و ارزش‌های الهی: آزادی، عدالت، استقلال و حق جوئی، در تبعید و زندان و شکنجه و فشار و رنج دیدم. راهی که برادر شهیدم محمد -فرزند اسلام و قرآن- جان شریفش را بر سر آن نهاد.

پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه را پایان شب تیره مرارت و رنج فقیه عالیقدر و دیگر مبارزان اسلام می دانستم، چرا که به پشتیبانی بی دریغ مردم رشید ایران و تقدیم هزاران شهید برای اعتلای کرامت انسانی و پیاده کردن تعالیم حقه قرآنی نظامی شکل گرفت که نوید بخش آزادی، عدالت، استقلال و معنویت بود. اهداف عالی اسلام عزیز در قالب قانون اساسی و با رای قاطبه مردم مبنای حکومت قرار گرفت و حکومت عدل امیرالمومنین علی(ع) به عنوان الگوی نظام نوپای اسلامی معرفی شد. نقش و شخصیت و عملکرد حضرت آیت الله العظمی منتظری در همه این مراحل روشن تر از آن است که محتاج به تذکر باشد.

ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره همچون ناصحی دلسوز و مشاور و بصیر پشت سر امام راحل(ره) به اداره امور پرداخت و همواره کوشید چهره مقدس

رهبری انقلاب مصون از کمترین آسیب و آفتی باشد و هرگز مصلحت‌اندیشی‌های دنیوی او را از نصیحت لائمه‌المسلمین باز نداشته است. این نصایح و انتقادهای دلسوزانه که جلوه بارز وظیفه‌شناسی یک عالم بصیر به زمان است همیشه از سوی تازه به دوران رسیده‌ها به عنوان ضدیت با نظام و انقلاب معرفی شده و می‌شود.

فقیه عالیقدر اگر چه پس از ارتحال امام راحل (ره) در بسیاری مسائل برای حفظ وحدت و صیانت از کیان نظام نوپای اسلامی سکوت کرده اما همواره در مسائل مهم و محوری و حفظ حقوق اساسی و آزادیهای شرعی و قانونی، آراء خود را تقدیم خادمان انقلاب و نظام نموده است.

باعث کمال تأسف است که هم و غم بعضی اشخاص و ارگان‌هایی که می‌بایست امنیت جامعه را حفظ کنند صرف بدبین کردن مردم و مسئولین نظام به فقیه عالیقدر می‌شود و روزنامه‌های نیمه دولتی بر خلاف نظر قانون و شرع ناجوانمردانه اتهامات ناروا می‌زنند و در مقابل از درج کمترین دفاع از ایشان طفره می‌روند.

جناب آقای رئیس‌جمهور، آیا معنای آزادی و حفظ حیثیت و آبرو و امنیت اجتماعی مصرح در قانون اساسی و شرع مبین همین است؟ برخورداری شخصیت‌های اصلی انقلاب که به دلیل اختلاف سلیقه با مدیریت جامعه در کنار هستند، از حداقل حقوق انسانی، معیار و محک سلامت و بزرگواری حکومت‌های انقلابی است. امیدوارم که جمهوری اسلامی و به ویژه دولت حضرتعالی از این امتحان الهی سربلند بیرون آیند.

پس از این مقدمه نسبتاً طولانی با توجه به اینکه جنابعالی در سفر اخیرتان به قم با فرستادن هیاتی نزد حضرت آیت‌الله العظمی منتظری اظهار محبت فرمودید و نشان دادید که هنوز سوابق طولانی خود را با ایشان از یاد نبرده اید لازم می‌دانم حوادث اخیر شهر مقدس قم را فهرست وار برای جنابعالی گزارش نمایم:

۱- در تاریخ ۲۱ بهمن ماه ۱۳۷۱ حضرت آیت‌الله العظمی منتظری پس از درس خارج فقه جهت تشویق حاضرین به شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن مطالبی را ایراد فرمودند و در ضمن این مساله را یادآور شدند که خودشان هیچ‌گاه به انقلاب اسلامی و اهداف عالی آن پشت نکرده‌اند، و تمامی صحبت ایشان تا پایان در تاکید همین مطلب و ذکر دلایلی شاهد بر این امر و چند جمله هم در دفاع از خودشان در قبال اهانت‌ها و تهمت‌های وارده بوده است که لابد در جریان آن هستید.

۲ - پس از درس که خدمت ایشان رسیدیم و نظر مشورتی عده ای از دوستان و شاگردان معظم له را با ایشان در میان گذاشتیم، بنا شد که نوار سخنرانی به هیچکس داده نشود و فرمودند داعی بر پخش آن نداریم؛ اما وقتی عده ای نامشخص متن تحریف شده سخنان ایشان را همراه با تهمت و افترا و دروغ پخش نمودند و عده ای را تحریک کردند تا در مقابل بیت ایشان شعارهای اهانت آمیز بدهند ایشان فرمودند حال که تحریف شده صحبت مرا پخش کردند صحیح آن را در اختیار مردم قرار دهید، این بود که نوار پیاده شد و در اختیار طالبین قرار گرفت.

۳ - روز شنبه ۷۱/۱۱/۲۴ عده ای معلوم الحال با آوردن عده ای از طلاب مبتدی در جلسه درس ایشان اغتشاش نموده و درگیری بوجود آوردند که منجر به دستگیری تعدادی از شاگردان معظم له گردید، و در ساعت ۱۰ شب حمله ای توسط بیش از هزار نفر مامورین رسمی اطلاعاتی و نظامی به دفتر و حسینیه شهدا انجام شد که شرح آن در اطلاعیه دفتر معظم له مورخه ۷۱/۱۱/۲۸ منعکس گردیده که به پیوست تقدیم می شود.

حمله ای که با محاصره خیابانها و کوچه‌های اطراف همراه بود و موجب رعب و وحشت اهالی منطقه گردید و به عنوان مثال همسر دوست قدیمی و برادرخوانده جنابعالی مرحوم آیت الله ربانی املشی همین که به خشونت مامورین اعتراض کرد مورد تعرض قرار گرفت و غش کرد و بی هوش شد و چون تلفن‌های منطقه را هم قطع کرده بودند امکان استمداد از اورژانس وجود نداشت.

۴ - در تاریخ ۷۱/۱۱/۲۸ از خبرگزاری جمهوری اسلامی تماس گرفتند و تقاضای مصاحبه با معظم له را نمودند که ایشان قبول نکردند. وقتی این مطلب را به خبرگزاری منتقل نمودیم اصرار کردند که حتما مصاحبه ای انجام شود و دلیل آن‌ها این بود که در تمام دنیا علیه ایران تبلیغاتی به راه افتاده و بسیار گسترده است و دائما هم مشغول هستند و خلاصه علیه کل نظام و انقلاب اسلامی تبلیغات می کنند؛ به همین دلیل بود که قرار شد این مصاحبه با اینجانب انجام شود که البته در انعکاس آن بسیار کم لطفی شد و مقدار زیادی هم با تحریف و تکذیب روبرو گردید.

۵ - در پی نفرت عمومی از تعرض به مقام مرجعیت و همدردی بسیاری از علما و طبقات مختلف مردم با ایشان، مهاجمین با اشاعه اکاذیب و شایعات به توجیه اعمال

ناشایست خود دست زدند و شایعات بی اساسی را به صورت خبر نقل می کردند، این بود که لیست اموال و اثاثیه غارت شده را منتشر نمودیم که این نامه نیز به پیوست تقدیم می شود. لازم به تذکر است که هیچ یک از موارد مذکور در نامه فوق هنوز مسترد نگردیده است.

در اینجا لازم می دانم این اطمینان را بدهم که شایعات مذکور کاملاً خلاف واقع و کذب محض است، البته آرشیو دفتر را نیز برده اند که طبعاً از هر اعلامیه و اطلاعیه و بولتن ممکن است یک برگ در آن موجود باشد که این مساله با مساله ای که آقایان درست کرده اند تفاوت بسیار دارد.

حال جای این سؤال است که جنابعالی به عنوان رئیس جمهوری اسلامی چه اقدامی برای جبران این بی عدالتی‌های آشکار و چه تضمینی برای پیشگیری از اقدامات مشابه نموده اید؟ اطمینان دارم که جنابعالی از این گونه اقدامات ناشایست راضی نیستید اما آیا سکوت شما در برابر کسانی که می کوشند به هر قیمتی که شده فقیه عالیقدر را مخالف نظام و انقلاب جلوه دهند به صلاح جمهوری اسلامی است؟ چنانچه در مقابل این اعمال ناشایست سکوت نمایید نقطه سیاهی بر تارک نظام جمهوری اسلامی می ماند که در قضاوت آیندگان تأثیری بس نامطلوب خواهد داشت.

آیا سزاوار است نسبت به یادگارهای شهید بزرگوار اسلام محمد منتظری این گونه برخورد شود و حتی وسایل شخصی ایشان از قبیل پاسپورت، کارت شناسایی، نوارهای سخنرانی و دست نوشته‌های او را به غارت ببرند؟ آیا احترام به خانواده شهدا به همین معنی است؟

آیا در کجای دنیا به این صورت عمل می شود که کاری ناشایست با این ابعاد انجام شود و هیچکس حاضر نباشد مسئولیت آن را به عهده بگیرد، در حالی که در موقع ضبط اموال و اثاثیه دفتر و حسینیه شهدا نیروهای عمل کننده از یکدیگر سبقت می گرفتند.

اگر چنین حمله و غارتی در رژیم سابق به بیت یک مرجع تقلید انجام می شد جنابعالی چه کسی را مقصر می دانستید؟ مامورین یا مسئولین مملکتی را؟

و بالاخره وقتی فقیه عالیقدر با آن همه سوابقی که شما خود بر آن واقفید حق دفاع از خود را نداشته باشد و انتقادات او تحمل نشود و رفتاری این گونه نسبت به ایشان و

بیت شان انجام گیرد، چگونه از آزادی که رکن اصیل انقلاب است سخن گفته می شود؟
توفیق شما را در پیاده کردن اهداف عالی انقلاب اسلامی یعنی عدالت، آزادی و استقلال
و عمل به قانون اساسی که چکیده موازین شرع انور است از خدای بزرگ مسئلت
می نمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱۳۷۲/۱/۵ - احمد منتظری

پیوست شماره ۲۲۷: مربوط به صفحه ۷۳۶
جوابیه دفتر معظم له به نوشته جات هفته نامه کیهان هوایی

بسمه تعالی

جریده محترم کیهان هوایی

پس از سلام - در شماره ۱۰۲۲ مورخ ۱۲ اسفند ۱۳۷۱ در صفحه ۴ آن جریده مطالبی تحت عنوان «آقای منتظری: خبر دستگیری مرا غریبها و دشمنان انقلاب منتشر کرده اند» آمده است که سراسر کذب و خلاف واقع می باشد.

اولا مصاحبه خبرگزاری جمهوری اسلامی با حضرت آیت الله العظمی منتظری نبوده بلکه با اینجانب احمد منتظری فرزند ایشان بوده است؛ ثانيا در هیچیک از عبارات نقل شده از مصاحبه حتی یک جمله صحیح و مطابق با واقع یافت نمی شود، لذا خواهشمند است طبق قانون مطبوعات این تکذیب نامه را در اولین شماره و در همان صفحه و ستون عینا درج فرمائید.

جای بسی تاسف است که مصاحبه خبرگزاری رسمی کشور در هیچیک از جراید داخلی منتشر نمی شود و در جریده ای که مخاطب آن فارسی زبانان خارج از کشورند نیز این گونه تحریف شده منعکس می گردد. ای کاش مطبوعات ما با انعکاس اخبار واقعی، قضاوت و تحلیل را به عهده مردم رشید و فهیم ایران می گذاشتند.

ضمنا متن کامل مصاحبه به پیوست ارسال می شود تا با چاپ آن رعایت عدل و انصاف و لااقل بی طرفی خود را ثابت نمائید. والسلام.

۷۱/۱۲/۱۳ - احمد منتظری

رونوشت به خبرگزاری جمهوری اسلامی و روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور

پیوست شماره ۲۲۸: مربوط به صفحه ۷۳۶
جوابیه دفتر معظم له به نوشته جات هفته نامه کیهان هوایی

بسمه تعالی

جریده محترم کیهان هوایی

- پس از سلام - پیرو تکذیبیه مورخ ۷۱/۱۲/۱۳ و جوابیه مورخ ۷۱/۱۲/۲۶ آن جریده خواهشمند است طبق قانون مطبوعات این توضیحات را در اولین شماره خود درج فرمائید:
- ۱ - نوشته اید: هیچ گونه توضیحی در باره دلایل کذب و خلاف واقع بودن خبر کیهان هوایی ارائه نشده است. قابل ذکر است که آن جریده مطالبی را به حضرت آیت الله العظمی منتظری نسبت داده است و من منکر ابراز چنین مطالبی از سوی ایشان شده ام. کمترین آشنائی با موازین فقهی و حقوقی نشان می دهد که شما مدعی هستید و من منکر و اقامه بیّنه و دلیل بر عهده مدعی است که نه ارائه کرده اید و نه توان ارائه آن را دارید. مقایسه گزارش کیهان هوایی با متن کامل مصاحبه بهترین دلیل برخلاف واقع بودن گزارش آن جریده است. متن کامل مصاحبه را چاپ کنید و قضاوت را به مردم واگذارید.
 - ۲ - نوشته اید: متن مصاحبه در دفتر نشریه موجود بوده و نیازی به ارسال آن نبوده است. جای بسی تاسف است که علیرغم علم به واقع، خلاف واقع نوشته اید. اگر حقیقت را نمی دانستید جهل داشتید و کارتان شاید قابل توجیه بود اما اینکه با دانستن حقیقت خلاف آن را نوشته اید به هیچ وجه قابل توجیه نیست.
 - ۳ - نوشته اید: تکذیبیه در آخرین ساعات روز شنبه ۷۱/۱۲/۱۵ واصل شد. حال آنکه تکذیبیه مذکور بعد از ظهر ۷۱/۱۲/۱۳ به دفتر شما فاکس گردید، حال از این اتاق به آن اتاق دو روز طول کشیده است مسئله داخلی خودتان است.
 - ۴ - نوشته اید: هجوم درکار نبوده بلکه ورود به محوطه دفتر توسط نیروهای دادگاه ویژه روحانیت و با حکم رسمی از این نهاد قضایی صورت گرفت.
- اولا: اگر حکم داشته اند چرا ارائه نکرده اند؟
- ثانیا: آیا ورود رسمی نیاز به محاصره شبانه دفتر و انسداد خیابانهای اطراف و قطع

تلفن منطقه وسیعی از شهر قم و بکارگیری بیش از هزار نفر مامور رسمی اطلاعاتی و نظامی و انتظامی دارد؟

ثالثاً: اگر حکم داشتند چرا برای توقیف وسائل و اموال دفتر با حضور مسئولین دفتر صورت جلسه تشکیل ندادند؟

رابعاً: ورود رسمی با ارائه حکم و گرفتن کلید به سادگی میسر بود اما شکستن درب‌ها و قفل‌ها با لگد و دیلم و دلر با هجوم سازگار است. فقط اینقدر بدانید که تعداد چهار درب را طوری شکسته اند که آن‌ها را با خود برده اند و تکه‌های آن در دفتر موجود است.

خامساً: قباحت تعرض به بیت مرجعیت در قم به حدی بوده است که تاکنون هیچیک از نهادهای قانونی مملکت مسئولیت آن را رسماً به عهده نگرفته است.

خوشحالیم که بالاخره یکی از مطبوعات دولتی مسئول حوادث اخیر قم را معرفی کرد هرچند برای فارسی زبانان خارج از کشور. آیا شهروندان ایرانی برای شنیدن رخدادهای کشورشان نامحرمند؟

بار دیگر بر رسالت مطبوعات یعنی انعکاس صحیح اخبار تاکید می‌کنم و این توصیه خیرخواهانه را می‌نمایم که شایسته بود به جای برآشفته شدن و اشکال به این و آن، اشکال خود را برطرف می‌کردید.

آئینه چون نقش تو بنمود راست خود شکن آئینه شکستن خطاست

۷۲/۱/۴ - احمد منتظری

رونوشت: خبرگزاری جمهوری اسلامی و روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور

پیوست شماره ۲۲۹: مربوط به صفحه ۷۳۶
جوابیه دفتر معظم له به نوشته جات هفته نامه کیهان هوایی

بسمه تعالی

جریده کیهان هوایی

با سلام، ضمن ابراز تاسف و اعتراض به عدم درج تکذیبیه مورخ ۷۲/۱/۴ اینجانب که خلاف نص قانون مطبوعات است، پیرو مطالب مندرج در صفحه ۸ شماره ۱۲۰۵ مورخ ۷۲/۱/۱۸ آن جریده طبق قانون مطبوعات تکذیبیه ذیل را در اولین شماره خود درج نمائید:
۱ - مدعی شده اید که: «از سوی سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی تایید شد که مصاحبه با شخص آقای منتظری به مدت حدود نیم ساعت و در منزل ایشان صورت گرفته و اسنادی مانند نوار مصاحبه و عکسهای مربوط به آن در آرشیو خبرگزاری موجود است».

مطلب فوق کذب محض است. حضرت آیت الله العظمی منتظری مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی را نپذیرفتند و با اصرار آن‌ها مصاحبه با اینجانب احمد منتظری فرزند ایشان انجام شد. نوار مصاحبه موجود است و به پیوست ارسال می شود گرچه ممکن است در جواب بنویسید که نوار در دفتر نشریه موجود بوده و نیاز به ارسال مجدد نبوده است! شما در شماره ۱۰۲۴ مورخ ۷۱/۱۲/۲۶ جریده خودتان نوشتید: «اگرچه آقای احمد منتظری متن کامل مصاحبه خود با خبرگزاری جمهوری اسلامی را برای کیهان هوایی ارسال داشته اند اما به دلیل موجود بودن آن در نشریه این کار لزومی نداشته» از آنجا که دروغگو کم حافظه است فراموش کرده اید که قبلاً اقرار نموده بودید که مصاحبه خبرگزاری با اینجانب را در اختیار دارید. در انتهای همین مصاحبه که متن پیاده شده آن در اختیار بسیاری از جمله شما و تمامی مطبوعات کشور است ذکر شده که حضرت آیت الله العظمی منتظری حاضر به مصاحبه نشده اند و فقط خبرنگاران چند دقیقه ای با ایشان ملاقات داشتند و حتی ایشان اجازه ندادند عکسی گرفته شود. پس از این ملاقات خبرنگاران در جلسه درس ایشان (بحث اصول کافی) حاضر شدند و چند عکس از ایشان در جلسه درس

گرفتند و پس از آن هم در نماز جماعت مغرب و عشا چند عکس گرفته شد. جای بسی تاسف است که روزنامه ای دولتی نسبت به خبرگزاری رسمی کشور چنین ادعای کذبی را می کند و توسط سازمان خبرگزاری جوابی داده نمی شود. حال چنانچه صلاح نمی دانید و یا اجازه ندارید که متن مصاحبه را چاپ کنید لااقل متن ۲۶ سؤال مطرح شده توسط خبرگزاری را بنویسید تا معلوم شود خطاب به اینجانب و یا خطاب به والد معظم بوده است. اگر باز هم اصرار دارید که مصاحبه با ایشان بوده است هر چه زودتر نوار آن را پخش نمایید.

۲ - از قول آقای حسینیان مدعی شده اید که: «برخلاف ادعای آقای احمد منتظری حکم مزبور به ایشان ارائه شد اما وی با توهین و...»
این مطالب هم مشتمل بر چند کذب است:

اولاً: در آن شب حادثه همین که اینجانب از آن مطلع شدم در کوچه حاضر شدم اولین چیزی که مشاهده کردم آتش دستگاه برش بود که از زیر درب سر کوچه به داخل می آمد، نه قبل از آن و نه بعد از آن توسط هیچکس نه حکمی ارائه شد و نه مطالبه کلید گردید.
ثانیاً: هیچیک از اعضاء دفتر معظم له نیز در آن ساعت شب در دفتر حضور نداشتند تا بخواهند برخورد مودبانه یا غیرمودبانه داشته باشند.

ثالثاً: در مورد دو منزلی که ادعا شده اعضاء دفتر از آن‌ها به عنوان خانه امن استفاده می کردند فقط اینقدر بگویم که دو منزل یکی از آن‌ها در اجاره دفتر است و روزانه صدهانفر مراجعه کننده جهت انجام امور شرعیه دارد و دیگری آسایشگاه پاسداران می باشد، و قسمتی از آن هم محل آرشیو نامه‌ها و بولتن‌هاست. معنی خانه امن هم معلوم شد!

رابعاً: در مورد این ادعا که تعداد پنج کامیونت اطلاعاتیه کشف شده است باید این نکته را یاد آور شوم که آرشیو دفتر مانند بسیاری آرشیوها شامل نامه‌ها، تلگرافات، بولتن‌ها، مجلات، روزنامه‌ها، و اطلاعاتیه‌هایی است که ظرف ۱۴ سال پس از پیروزی انقلاب جمع آوری شده است و همچنین نوارهای سخنرانی و نوشته‌های مرحوم شهید محمد منتظری و چنین آرشیوی به خودی خود گنجینه ارزشمندی برای کشور و انقلاب محسوب می شد که آقایان با شکستن درب‌ها و قفل‌ها آن‌ها را مانند سنگ و آجر بار

کرده اند و با خود برده اند و نه تنها این مجموعه ارزشمند را متلاشی کرده اند بلکه از آن وسیله ای ساخته اند برای تهمت و افتراء که چون کاغذ و نوشته جات است پس اطلاعیه است و توهین آمیز به ساحت حضرت امام(ره) هم هست!

اینجانب با اطمینان کامل خاطر نشان می سازم که چنانچه طبع آرشیو همین است که ممکن است در آن از هر بولتن و نشریه و اطلاعیه یک برگ وجود داشته باشد اما به صورت متعدد هرگز نبوده است. البته بر خلاف سیره عقلاء هیچ گونه صورت جلسه ای در این مورد تنظیم نشد و بنابراین زمینه جعل و تهمت و افتراء موجود است که نه تنها ۵ کامیونت بلکه ۵ تریلی و یا ۵ کشتی و امثال ذلک هم گفته شود. در ضمن لیست کامل اموال غارت شده به پیوست ارسال می شود. این نکته هم لازم به تذکر است که برخلاف ادعای آقایان منزل آقای سعید منتظری اصلاً بازرسی نشد و تنها محلی که با ارائه حکم و تنظیم صورت جلسه بازرسی شد منزل آقای سید هادی هاشمی بود که صورت جلسه امضاء شده آن موجود است و تمام اشیاء ضبط شده داخل یک کارتن برده شده است نه کامیونت!

خامساً: تمام این عملیات و هجوم به دفتر و حسینیه را آقای حسینیان یک بازرسی خوانده است. این چه نوع بازرسی است که نیاز به قطع تلفن منطقه وسیعی از شهر قم داشت و بیش از هزار عدد نیرو در آن دخالت داشتند؟ این چه نوع بازرسی است که چنان رعب و وحشت در بین اهالی منطقه ایجاد کرد که به عنوان مثال همسر مرحوم آیت الله ربانی املشی همین که به خشونت مامورین اعتراض کرد چنان مورد تعرض قرار گرفت که غش کرد و بیهوش شد و به دلیل قطع تلفن امکان استمداد از اورژانس وجود نداشت و تا ساعت ۲/۵ بعد از نیمه شب هم اجازه ندادند او را از منزل بیرون ببریم؟

در پایان دوستانه به شما عرض می کنم که برای سعادت دنیا و آخرت همیشه این ندای ملکوتی و جان فزای قرآن کریم «ان الله لا یهدی من هو کاذب کفار» و همچنین این سخن عارفانه و حکیمانه امام راحل قدس سره الشریف را که «عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید» مدّ نظر داشته باشید. والسلام.

پیوست شماره ۲۳۰: مربوط به صفحه ۷۳۶
جوابیه دفتر معظم له به نوشته جات خبرنگار سازمان تبلیغات

بسمه تعالی

مسئولین محترم خبرنگار فرهنگ اجتماعی سازمان تبلیغات اسلامی، پس از سلام، با توجه به درج مطالب سرتا پا کذب در شماره ۱۲۸ آن خبرنگار، خواهشمند است طبق قانون مطبوعات جوابیه ذیل را در اولین شماره خود درج نمایید.

۱ - نوشته اید که یک مقام آگاه در واکنش به شایعات اخیر در باره برخورد با آقای منتظری گفت: در این ماجرا حتی یک پاسدار شرکت نداشت و هیچیک از علما و اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از وی حمایت نکردند. اولاً خود پاسداران حمله کننده بهترین شاهد هستند، گرچه ممکن است در شرایط موجود جرئت تکذیب گفته‌های مقام آگاه شما را نداشته باشند اما وجدان بیدار آن‌ها را به شهادت می‌گیرم و انتظار دارم که لاقلاً هر کدام که شخصاً در این حمله شرکت داشتند با نامه ای با امضاء محفوظ خبرنگار شما را در جریان بگذارند و جهت رضای خدا کتمان حقیقت نکنند.

به علاوه مقداری از اثاثیه غارت شده دو روز بعد از ماجرا از طرف سپاه عودت داده شد و رسیدهای آن موجود است. در همین رابطه یکی از مسئولین سپاه قم اظهار می‌داشت که اگر آن شب ما نمی‌بردیم اطلاعات می‌برد و...، ثانیاً اینکه علما و اعضای جامعه مدرسین از ایشان حمایت کردند یا نکردند امر واضحی است که بهترین شاهد آن شاگردان حاضر در جلسات درس آن بزرگواران هستند ضمن اینکه از خود آنان انتظار می‌رود چنانچه صلاح بدانند حقیقت را روشن تر نمایند.

۲ - از قول مقام آگاه ادعا کرده اید که از طرف معظم له راهپیمایی ۲۲ بهمن به مسخره گرفته شده و اینکه گفته اند راهپیمایی ورزش هم هست.

اولاً چنانچه به خودتان زحمت می‌دادید و نوار سخنرانی ایشان را تهیه می‌کردید و مستقیماً در جریان قرار می‌گرفتید قضاوت شما فرق می‌کرد و ای کاش چنین می‌کردید و تنها به اظهارات مقام آگاه استناد نمی‌کردید. آیا در محکمه عدل الهی هم می‌توانید این عذر را بیاورید که مقام آگاه گفت و فقط ما نقل قول کردیم؟ الان هم

رسم جوانمردی و آزادگی و انصاف و دینداری این است که متن کامل بیانات ایشان را در خبرنامه بیاورید و قضاوت را بر عهده مردم بگذارید. اختیار با شما است.

ثانیا این را که راهپیمایی ورزش هم هست چه کسی منکر است؟ و چنین تعبیری به هیچ وجه مسخره کردن راهپیمایی نیست. اگر عین جملات ایشان و قبل و بعد آن را می آوردید مسئله کاملا تفاوت می کرد. اگر کسی چنین تعبیری را مسخره کردن راهپیمایی به حساب آورد باید این کلام رسول خدا صلوات الله و سلامه علیه را که فرمود: «صوموا تصحوا» مسخره کردن روزه به حساب آورد و....

مطلبی را که در همین رابطه لازم به ذکر می دانم و امیدوارم باعث عبرت ما و شما و همه مسئولین و دست اندرکاران قرار گیرد اینکه چنین تعبیری را که راهپیمایی ورزش هم هست فقیه عالیقدر در هنگام تصدی قائم مقامی رهبری فرمودند و هرگز چنین برداشتی نشد، اما الان سر همان تعبیر اینقدر معرکه گرفته اند.

۳- در مورد اینکه چند و انت و کامیون اطلاعاتیه و شبنامه آماده توزیع کشف شده است جواب مشروح را اینجانب در تکذیب اکاذیب کیهان هوائی و رسالت نوشتم ولی متاسفانه چون این دو نشریه خود را ملزم به رعایت قانون مطبوعات نمی دانند اقدام به چاپ آن نکردند و خلاصه آن اینکه اینها اطلاعاتیه و شبنامه نبوده بلکه آرشیو دفتر بوده است که طی ۱۴ سال پس از انقلاب از انواع روزنامه، بولتن، مجله، نامه‌ها، تلگرافات و غیره تشکیل شده بود و مهاجمین با متلاشی کردن و غارت این مجموعه ارزشمند زمینه چنین تهمتی را درست کرده اند و چون هیچ گونه صورت جلسه ای تنظیم نکردند ممکن است در آینده صلاح را در این ببینند که چیزهای دیگری را هم بر آن اضافه کنند و وانت و کامیون تبدیل به تریلی و کشتی و... شود. اینجانب به عنوان مسئول دفتر حضرت آیت الله العظمی منتظری اطمینان کامل دارم که هیچگاه در دفتر ایشان اطلاعاتیه ای علیه حضرت امام خمینی قدس سره الشریف تکثیر نشده است، حتی اطلاعاتیه ای که در ظاهر به طرفداری فقیه عالیقدر و تعرض نسبت به بعضی مسئولین مملکتی منتشر شده بود وقتی متن آن را معظم له مطالعه کردند از آن اظهار تنفر شدید نمودند چه رسد به حضرت امام(ره) که استاد و مربی ایشان بوده اند. هنوز فقیه عالیقدر در جلسه درس خود به هنگام نقل نظریات فقهی از امام خمینی(ره) به عنوان الاستاذ الامام طاب ثراه نام می برند، آیا ممکن است چنین شاگرد با وفائی اجازه

جسارت به چنان استاد فرزانه ای را بدهند؟

۴ - نوشته اید که از اموال دفتر ایشان فقط وسائل تکثیر اعلامیه‌های ضد امام توقیف شدند. کاملاً مشخص است که همه این لاطائلات برای توجیه عمل ناشایستی است که انجام داده اند و مورد تقبیح همه قرار گرفته اند و گرنه، نه اطلاعیه ضد امام وجود داشته و نه اموال توقیف شده منحصر به وسائل تکثیر بوده است، بلکه وسائل مورد بحث ۶۴ مورد از قبیل دوربین، جاروبرقی، موتورسیکلت، منبع آب، ساعت دیواری، وضوخانه، پارچه و کاغذ سفید، لامپ چراغانی، ماشین اصلاح، گوشی تلفن، نوارهای سخنرانی شهید محمد منتظری و پاسپورت و دفترچه تلفن و عکسها و وسائل شخصی آن شهید بزرگوار که مقداری از آن هم ملک صغیر است، از جمله آنهاست که لیست کامل آن به پیوست ارسال می گردد. لازم به ذکر است که ۱۵ مورد آن دو روز بعد عودت داده شد ولی ۴۹ مورد دیگر آن که از جمله اموال آن شهید می باشد بدون هیچ مجوزی هنوز در دست مهاجمین است و اصولاً توقیف در کار نبوده بلکه غارت شبانه و بدون ارائه حکم و تشکیل صورت جلسه انجام گرفته است و آن تعداد دستگاه غارت شده حتی برای تکثیر اوراق درسی و آثار علمی معظم له کافی نبود چه رسد به اینکه خدای ناکرده اعلامیه‌های مورد ادعای مقام آگاه هم تکثیر شود.

۵ - نوشته اید که بیت آقای منتظری از مردم و بازار نجف آباد می خواهد که دست به اعتصاب و اعتراض بزنند که با پاسخ منفی مواجه می شوند.

این ادعا کذب محض بوده و قضیه کاملاً برعکس است. خبرهای متواتری از نجف آباد می رسید که مردم قصد اعتصاب دارند که هم از طرف فقیه عالیقدر و هم از طرف دفتر معظم له و هم از طرف حضرت حجة الاسلام والمسلمین ایزدی نماینده ایشان در نجف آباد نهی می شوند و جلو این کار گرفته می شود. مردم شریف نجف آباد و نماینده محترم ایشان در مجلس شورای اسلامی شاهد این امر هستند و تحقیق آن بسیار آسان است، و چنانچه اندک تدبیر و درایتی در این مقام آگاه وجود داشت این گونه سخنان بیهوده و تحریک کننده را ابراز نمی کرد.

در پایان این نکته را یادآور می شوم که با عنایت به شأن سازمان تبلیغات اسلامی و خبرنگارانه با عنوان فرهنگی اجتماعی آن، آیا صحیح است که وسیله دروغ پراکنی دیگران شوید؟ آیا اشاعه کذب و تهمت و افتراء با فرهنگ اسلامی سازگار است؟ حتماً

جواب شما مثبت نخواهد بود. حضرت آیت الله جنتی که سازمان تبلیغات اسلامی زیر نظر ایشان می باشد دومین کسی هستند که لیست اموال غارت شده دفتر و حسینیه شهداء در اختیارشان قرار گرفت. اگر با ایشان مشورت می کردید حتما به شما اجازه نشر چنین اکاذیبی را نمی دادند و واضح است که درج چنین مطالبی نشریه شما را بی اعتبار می نماید.

امیدوارم نشریه شما جزء آن دسته از نشریات نباشد که خود را ملزم به رعایت قانون مطبوعات نمی دانند. والسلام.

۷۲/۲/۹ - احمد منتظری

پیوست شماره ۲۳۱: مربوط به صفحه ۷۳۶

شکایت نامه جمعی از شخصیت‌های ملی مذهبی کشور خطاب به آیت الله یزدی در
مورد حمله به بیت و حسینیه

بنام خدا

خدمت آیت الله محمد یزدی رئیس محترم قوه قضائیه

در بهمن ماه ۷۱ سالگرد انقلاب، گروهی از مامورین دادگاه ویژه روحانیت برخلاف قانون و با نادیده گرفتن ابتدایی ترین حقوق انسانی به بیت آیت الله العظمی منتظری هجوم بردند. این حادثه همچون حوادثی که مکرر در طی چهارده سال گذشته در سطوح مختلف علیه شخصیت‌های ملی سیاسی و اجتماعی و مذهبی و دانشگاهی صورت گرفته است با سکوت تاییدآمیز مقامات مسئول و دستگاه قضائیه مواجه شده، سکوتی که همواره مشوق قانون شکنان برای تکرار چنین حوادثی بوده و خواهد بود.

متأسفانه علیرغم گذشت چند ماه از این حادثه هیچ عکس العمل و اقدام قانونی در جهت مجازات قانون شکنان صورت نگرفته است. لذا اینجانبان بر خود لازم دیدیم که نگرانی عمیق خود را نسبت به نقض مکرر حقوق انسانی و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم و شخصیت‌های مورد احترام جامعه ابراز داریم.

از آنجا که همواره مقامات سیاسی و قضایی کشور و به ویژه حضرتعالی از اجرای قانون و عدالت و حمایت از حقوق بشر سخن گفته اید و تاکید مستمر در این زمینه داشته اید تا بدانجا که صراحتاً اظهار کرده اید: «در جمهوری اسلامی ایران هیچ کس به دلیل اظهار نظرات و عقاید خود مورد تعرض قرار نمی گیرد» پس تعرض به بیت آیت الله العظمی منتظری صرفاً به دلیل ابراز عقیده، چگونه قابل توجیه است؟ اصرار بر ادامه این شیوه برخورد، نیروها و شخصیت‌های صادق و متعهد به آزادی و استقلال ملی و آرمان‌های انقلاب را از صحنه مسئولیت‌های اجتماعی و ملی حذف و راه را برای استیلائی مجدد عوامل غیرمسئول و فرصت طلب و بیگانه با هدفها و آرمان‌های انسانی هموار ساخته است! با توجه به نتایج شومی که این وضعیت بر سرنوشت انقلاب و کشور و ملت برجای نهاده آیا دست دشمنان ملت را در تحریک به این نوع اقدامات

ملاحظه نمی کنید؟

از آنجا که قانون اساسی محور نظام و میثاق میان ملت و دولت است و در آن اختیارات هر نهاد محدود به حدود معینی شده است، در این صورت دادگاه ویژه روحانیت بر اساس کدام مجوز قانونی تاسیس شده و با اختیارات نامحدود و با عملکرد خودسرانه خارج از ضوابط قانون اساسی عمل می کند؟ دادگاهی که حتی کوچکترین نظارت قوه قضاییه را بر نمی تابد و تا بدانجا پیش می رود که در اموری که به او مربوط نیست (از جمله مطبوعات) دخالت و تعرض می نماید! نقض مکرر قانون و تعرض به حقوق مردم و زیر پا نهادن ارزش های انسانی کار را بدانجا کشانده است که ساحت مرجعیت مذهبی را هم که حتی در فاسدترین حکومتها از تعرض مصون بود مورد حمله قرار می دهند و حرفش را نقض می کنند!

مردم حق دارند بپرسند وقتی یک مرجع صدیق و مورد احترام جامعه مانند آیت الله منتظری که همه عمر بر آرمانها و هدفهای انسانی پای فشرده است و نقش موثر و مفید در شکل گیری پیروزی انقلاب داشته اند و پس از پیروزی انقلاب همواره برای دفاع از ارزش های انقلاب و حقوق مظلومان دل سوزانده اند تنها به خاطر ابراز عقیده شان یا یک تذکر ساده چنان مورد اهانت و تعرض قرار می گیرند، چگونه مردم عادی قادر خواهند بود از حقوق و آزادیهای قانونی خود بهره مند گردند؟ و گرفتار هجوم و مجازاتهای سخت و سنگین نشوند؟ وقتی قوه قضاییه در برابر قانون شکنان سکوت می کند در آن صورت چه انتظاری است از دیگران که به تعهدات خود در قبال قانون اساسی پای بند بمانند؟

بحران های سخت و همه جانبه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی حاضر جامعه بر کسی پوشیده نیست، بالاتر از همه اینها تداوم بحرانهاست که تهدیدهای جدی را متوجه استقلال و موجودیت و هویت ملی و فرهنگی کشور نموده است. افراد آگاه و دلسوز همگی متفق القولند که برای رهایی از بحران موجود راهی بجز تجدید همبستگی و وحدت ملی و آماده کردن شرایط برای شرکت فعال همه نیروهای اجتماعی در تعیین سرنوشت کشور وجود ندارد و این مهم عملی نمی شود مگر آنکه قبل از هر کار امنیت

سیاسی و قضایی برای همه نیروها صرف نظر از گرایش‌های عقیدتی و سیاسی شان تامین شود؛ و مسئولیت انجام این کار در درجه اول بر دوش قوه قضاییه سنگینی می‌کند و دستگاه قضایی کشور به شرطی از عهده انجام این وظیفه خطیر برخوردار آمد که استقلال واقعی خود را باز یافته، از زیر اعمال نفوذ و فشار کانون‌های متعدد قدرت برکنار و محفوظ بماند.

والسلام

اردیبهشت ماه ۱۳۷۲

محمد بسته نگار - مهندس محمد بهزادی - دکتر حبیب الله پیمان -
مهندس مصطفی تنها - دکتر سید محمدمهدی جعفری - دکتر رضا رئیس طوسی -
دکتر حسین رفیعی - علی رضاقلی - مهندس عزت الله سبحانی - دکتر فریدون
سحابی - محمود عمرانی - دکتر محمد ملکی - حسن یوسفی اشکوری.

پیوست شماره ۲۳۲: مربوط به صفحه ۷۳۶

شکوائیه آقای مهندس فتح الله ربانی املشی - فرزند مرحوم آیت الله ربانی املشی - در
اعتراض به حمله شبانه به بیت و دفتر فقیه عالیقدر، مورخه ۷۱/۱۲/۲۹

بسمه تعالی

محضر مبارک رهبر معظم جمهوری اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای

سلام علیکم

ضمن اظهار ارادت و آرزوی سلامتی و موفقیت جنابعالی و نصرت اسلام و مسلمین
حسب وظیفه مطالبی را به عرض می رسانم. قبلا از بذل توجه شما تشکر می کنم.

نقش روحانیت و مرجعیت شیعه در هدایت امت اسلامی نقشی بسیار موثر و غیر قابل
انکار می باشد. به خصوص در مواقعی که اسلام و مسلمین از جانب دشمنان تهدید
می شود این نقش آشکارا خود را نشان می دهد که با بسیج توده های مردم مسلمان و
مبارزه با ستمگران خطر را دفع نموده اند. در مقاطع مختلف تاریخ، این موضوع به وضوح
و مکرر دیده می شود و این از امتیازات مخصوص شیعه است که دیگر فرق اسلامی و
دیگر مذاهب از آن بی بهره هستند. یکی از علل برخوردارگی روحانیت از این موهبت الهی،
تقدس روحانیت و به تبع آن احترام و اعتماد مردم به آنها می باشد و از آن مهمتر
حساسیتی که مردم به حفظ این حرمت و تقدس دارند و چه بسیار اتفاق افتاده است که
مردم مسلمان با ایثار جان خود در مواقع خطر از آن دفاع کرده اند.

درانقلاب مقدس جمهوری اسلامی که به رهبری روحانیت و در راس آن حضرت
امام(ره) آغاز شد مشاهده می شود که نقاط عطف و اوج گیری انقلاب چیزی جز دفاع از
حریم مرجعیت نبوده است.

با شنیدن خبر دستگیری حضرت امام در پانزده خرداد ۴۲ مردم به خیابانها ریختند
و با نثار جان خود از حریم مرجعیت شیعه دفاع کردند و با آفریدن حماسه های جاودانه
آن رژیم منفور را رسوا نمودند و ماهیت پلیدش را بر همگان آشکار کردند. در
نوزده دی ماه ۵۶ به دنبال اهانتی که در یکی از روزنامه ها به ساحت مقدس حضرت
امام، مرجع تقلید مردم شده بود مردم به خیابانها ریختند و با ایثار جان خود از حریم

مرجعیت دفاع کردند و به دنبال آن مردم دیگر شهرها یکی پس از دیگری قیام کردند تا بالاخره آن رژیم خونخواری که توسط همه جهانخواران حمایت می شد از پای درآمد. اگر نبود حرمت مراجع و علما و حساسیت مردم به حفظ این حرمت این انقلاب به ثمر نمی رسید. این موضوع را دشمن دیر زمانی است دریافته لذا با طرح نقشه‌های مختلف درصدد هتک حرمت علما و روحانیت در بین مردم بوده است ولی بحمدالله به علت آشکاربودن چهره پلید دشمن و هوشیاری مردم موفقیت چندانی به دست نیاورده است.

متأسفانه اخیراً عده ای از خودیها این نقش را به عهده گرفته اند و فارغ از تمام مشکلات مملکت، تمام هم و غم خود را مصروف آن می کنند و آن هدفی را که دشمن از نیل به آن ناکام مانده است تعقیب می کنند و خطر اینجاست که به اسم دفاع از اسلام و انقلاب عمل می کنند و همین امر ممکن است باعث مشتبه شدن مردم گردد و اگر خدای نکرده کوچکترین موفقیتی در این زمینه بدست آورند سرمایه بزرگی را از دست داده ایم که جبران ناپذیر است.

منظور از ذکر این مطالب اتفاقات ناگواری است که حدود یک ماه پیش در قم اتفاق افتاده است. حضرت آیت الله العظمی منتظری در روز ۲۱ بهمن سخنانی را بعد از درس در جمع محدود طلاب ایراد فرمودند. بعد همان‌هایی که چندین سال است هدف شومی را دنبال می کنند بدون آنکه به عواقب خطرناک آن توجه داشته باشند وارد عمل شدند. ابتدا با تحریف سخنان معظم له در جمع عده ای از علاقمندان به انقلاب باعث شدند بعد از نماز جمعه عده ای در جلو دفتر جمع شده و پس از مدتی اسائه ادب و اهانت متفرق شدند.

شب بعد عده زیادی از نیروهای اطلاعات و سپاه و انتظامی پس از قطع تلفن‌های منطقه به محاصره کوچه‌های اطراف دفتر پرداختند، سپس با طرز بسیار زشتی با شکستن قفل‌ها و درب‌های دفتر و حسینیه شهدا هر چه را دیدند بردند. وقتی به روش کار و اقلام اجناس برده شده توجه شود مشخص می شود طراحان این عملیات هدفی جز هتک حرمت و اسائه ادب به یک مرجع تقلید با آن همه سوابق درخشان در انقلاب نداشته اند. کاری کردند که در تاریخ کم سابقه یا بی سابقه است. بدعتی گذاشتند که معلوم نیست به کجا بینجامد.

همزمان با عملیاتی که در دفتر و حسینیه انجام می گرفت برای همسایگان هم مزاحمت‌هایی صورت می گرفت. منزل ما با دفتر یک کوچه فاصله دارد. مادرم در شروع عملیات در منزل همشیره که حدود بیست متر با منزل ما فاصله دارد رفته بود بعد از ساعتی جهت استراحت قصد مراجعت به منزل را داشتند ولی مامورین مانع شده بودند و بعد به واسطه خشونت‌ها و اهانت‌های بعضی مامورین که از ذکر بعضی از آن‌ها شرم دارم، حالشان بهم خورده بود و غش کردند. هرچه همشیره تلاش و التماس کرده بود که اجازه بدهند از منزلمان دارو بیاورند مورد قبول واقع نشده بود. تلفن هم قطع بود و نمی توانستند از اورژانس کمک بگیرند. مادرم به همین حال مانده بود تا بعد از مدتی به هوش آمد. ساعت ۲/۳۰ که عملیات تمام شده بود ایشان توانستند به خانه بیایند و این گوشه ای از حرکات آقایان در آن شب بود برخوردی که با یک خانم مریض داشتند. خانمی که تا آنجا که من از کودکی یاد دارم یا پشت در زندان‌ها برای ملاقات پدرم بود، یا در تبعیدگاهها همراه پدرم.

راستی این برخوردها چه نتیجه ای دارد. شکستن حریم مرجعیت برای اسلام و مسلمین چه نفعی دارد که آقایان با دروغ و افترا و اعمال خلاف شرع این کار را با جدیت تعقیب می کنند. استفاده از نیروهای نظامی و انتظامی و اطلاعاتی و شکستن قفل‌ها و درب‌های حسینیه و دفتر در تاریکی شب و بردن وسایل و لوازم موجود در آنجا نشانه چیست؟ آیا این کارها باعث تقویت نظام و استحکام وحدت مردم می شود؟ هر شخص منصفی از واقعیت این برخوردها آگاه شود چه می گوید؟ چرا دست آقایان اینقدر باید باز باشد تا به اسم اسلام و انقلاب و استفاده از امکانات دولت اسلامی هرکاری دلشان می خواهد بکنند و متأسفانه منعکس کنند که دستورات حضرتعالی را اجرا می کنند. آقایانی که طراحان این قضایا هستند توجه ندارند که مسئولیت قائم مقام رهبری باری بود بر دوش حضرت آیت الله العظمی منتظری که با تفضل خداوند منان این بار از دوش ایشان برداشته شد. ظاهراً استنباط آقایان از مسئولیت در جمهوری اسلامی غیر از این است که این‌گونه عمل می کنند. ایشان به اندازه سن اکثر این آقایان سابقه اجتهاد و سابقه مبارزاتی درخشان دارند. شخصیت ایشان ناشی از مسئولیت ظاهری که چند صباحی علیرغم میل باطنی ایشان بر عهده شان گذاشته بود نمی باشد. نمی توان فضایل و ارزش‌های والای اسلامی ایشان را نادیده گرفت و

هرگونه تلاشی در این جهت ظلمی است که نتیجه ای جز خسارت دنیا و آخرت برای عاملین آن در پی ندارد.

از این که با ذکر این مطالب مصدع اوقات شریف جنابعالی شدم عذر می خواهم ولی واقعیت این است که بنده به عنوان مقلد و مرید حضرت آیت الله العظمی منتظری در این چند سال از این برخوردها بسیار زجر کشیده ام زیرا همان حساسیتی که نسبت به حفظ ساحت مقدس حضرت امام(ره) داشته ام برای ایشان نیز به عنوان مرجع تقلیدم قائم و نمی توانم ببینم عده ای بی توجه هر روز به بهانه ای قصد شکستن این حریم را دارند و به عنوان یک فرد علاقه مند به انقلاب و وظیفه ای جز شاهد این ماجراها بودن و زجر کشیدن نداشته ام هرچند معتقدم این اعمال ناشایست خللی به عظمت و اعتبار ایشان وارد نمی کند.

آنچه مسلم است ظلم بزرگی به معظم له روا داشته می شود، هم از ناحیه عاملین و هم از ناحیه ناظرینی که به ظلم بودن این برخوردها معتقدند و اقدامی جهت رفع آن نمی کنند. معلوم نیست کی و کجا آثار این ظلم در جامعه آشکار می شود و همین موضوع جای نگرانی بسیار دارد.

«واتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة»

از خداوند متعال توفیق روزافزون حضرتعالی و تمام خدمتگزاران به اسلام و مملکت اسلامی را خواهانم.

با تشکر - ارادتمند

فتح الله ربانی املشی

۷۱/۱۲/۲۹

بِسْمِ تَعَالَى

محضر مبارک و رب معظّم جمهری اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سلام علیکم

ضمن اظهار ارادت و آرزوی سلامتی و موفقیت جناب عالی، درصورت اسلام و مسلمین حسب وظیفه مطالبی را به عرض می‌رسانم
تلا از قبل توجه شما نشکر می‌نمایم.

نقش روحانیت و مرجعیت شیعه در حدیث امت اسلامی نقشی بسیار مؤثر و غیر قابل انکار می‌باشد. به خصوص در مواقعی که
اسلام و مسلمین از جانب دشمنان تهدید می‌شود این نقش آشکارا خود را نشان می‌دهد که با هیچ گروه‌های مردم مسلمان و مسازره با ستمگران
خطر را دفع نموده‌اند. در مقاطع مختلف تاریخ این موضوع به وضوح و مکرر دیده می‌شود و این از امتیازات مخصوص شیعه است که دیگر فرق اسلامی
و دیگر اهل لب از آن بی بهره هستند. یکی از نطل برجسته‌های روحانیت از این مرجعیت الهی، تقدس روحانیت و بی‌تبع آن احترام
و اعتماد مردم به آن‌ها می‌باشد و از آن نعمت حساسیتی که مردم به حفظ این حرمت و تقدس دارند و وجه بسیار اتفاق افتاده است که مردم مسلمان
با آثار جان خود در مواقع خطر از آن دفاع کرده‌اند.

در انقلاب متّمس جمهری اسلامی که به رهبری روحانیت در راس آن حضرت امام (ره) آغاز شد مشاهده می‌شود که نقاط
عطف و اوج‌گیری انقلاب چیزی جز دفاع از جرم مرجعیت نبوده است.

باشندگان خبر دستگیری حضرت امام در یازده هزار ۲۱ مردم به‌خوابانها می‌بخند و با تکران خود از جرم مرجعیت شیعه دفاع کردند
و با آفریدن حمله‌های عبادانه آن رژیم ستمور را سرافرازند و احمیت پلیدش را بر همگان آشکار کردند. در روزه‌ی ماه ۵۶ به دنبال اهانتی
که در یکی از روزنامه‌ها به ساحت مقدّس حضرت امام مروج تقلید مردم شده بود مردم به‌خوابانها می‌بخند و با تکران خود از جرم مرجعیت
دفاع کردند و به دنبال آن مردم دیگر شهرها کلبی پس از رگ‌گیری قیام کردند تا بالخصوص آن رژیم جنجورای که در سطح همه‌جا ستم‌گران حمایت می‌شد از
یابی درآمد.

اگر نبرد حرمت مراجع و علماء و حساسیت مردم به حفظ این حرمت این انقلاب به ثمر می‌رسید. این موضوع را دشمن در بزبانی
امت دریافته‌اند لذا با طرح نقشه‌های مختلف در صد دهنگ حرمت علماء و روحانیت در بین مردم بوده است ولی بجز لاله‌بلت
آشکار کردن چهره پلید دشمن و هوشیاری مردم موفقیت چندانی به دست نیاورده است.

متأسفانه اخیراً عده‌ای از جزوهای این فتنه را به عده گرفته‌اند و فایز از تمام مشکلات مملکت، تمام هم‌تعم خرد را مصرف آن می‌کنند و آن هدفی را که دشمن از بلای آن ناگام مانده است تعقیب می‌کنند و خطر انجام است که به اسم رواج از اسلام و انقلاب عمل می‌کنند و همین امر ممکن است باعث مشتبه شدن مردم گردد و اگر خدای نکرده کوچکترین فرصتی در این زمینه نصبت آورند سرطانی بزرگی را از دست داده‌ایم که جهان نماندیر است.

منظره از ذکر این مطالب انتقادات بالواری است که صدور بکار پیش در قم اتفاق افتاده است. حضرت آیت‌الله العظمی مشقاری در روز ۲۱ بهمن سخنانی را بعد از درس در جمع هیئت طلاب ایراد فرمودند. بعد همانایی که چندین سال است هدف شری از انبالی می‌کنند بدون آنکه به عواقب خطر آن توجه داشته باشند وارد عمل شدند. ابتدا با تحریف سخنان معظم له رجوع عده‌ای از علاقه‌مندان به انقلاب باعث شدند بعد از باز جمع عده‌ای در خطبه رجوع شده و پس از مدتی اسامی ادب و راهات متفق شدند. شب بعد عده زیادی از خبرهای اطلاعات و سیاه و انتظامی بین از قطع تلفن‌های منطقه به همراه کوه‌های اطراف دفتر پرداختند سپس با طرز بسیار شنی با شکستن قفلها و در بهای دفتر و حسینه شدها هر چه برآید برزیدند. وقتی به روش کار و اعلام اجناس برده شده توجه بیشتر متوجه می‌شود طراحان این عملیات هدفی جز خشک حرمت و اسائه ادب به یک رجوع تقلید با آن همه موانع رجستان در انقلاب نداشته‌اند. کاری کردند که در تاریخ کم‌ساله با بی‌سالانه است، بعضی گذاشتند که معلوم نیست به کجا می‌جاود.

هم‌زمان با عملیاتی که در دفتر حسینه انجام می‌گرفت برای همسایگان هم مزاحمت‌هایی صورت می‌گرفت. منزل ما با دفتر یک کوهیه فاصله دارد. مادرم در شروع عملیات در منزل همیشه که صدور بیست متر با منزل ما فاصله دارد دفتر در بعد از ساعتی جهت استراحت قصد مزاحمت به منزل را داشتند ولی با همین مانع شده بوزند و بعد به واسطه خشونتها و اهانت‌های مأمورین که از ذکر بعضی از آنها شرم دارم، حالشان بهم خورده برد و غش کردند. هر چه همیشه تلاش و التماس کرده بود که اجازه بدهند از منزلشان دارو بیاورند مورد قبول واقع نشده بود. تلفن هم قطع در رو نمی‌دانستند از او زانس گنگ بگیرند. مادرم بعین حال مانده بود تا بعد از مدتی بهوش آمد. ساعت ۲:۳۰ که عملیات تمام شده برد ایشان گذاشتند به خانه بیاوند و این گوشه‌ای از حرکات آقایان در آن شب بود جزو ردی که با یک خانم مرصع داشتند. خامی که تا آنجا که من از کردگی خردم یاد دارم یا بیست در زندانها برای ملاقات بیدم بود

یا در تبعیگاه حاکمراه پیغم .

راستی این بر ضرر و حایجه تبعیجی دارد شکستن جمیع جمعیت برای اسلام و مسلمین چه نفعی دارد که آقایان با دروغ و افترا و اعمال خلاف
 شرع این کار را با جدیت تعقیب می کنند . استفاده از تیرهای نظامی و انتظامی و اطلاعاتی و شکستن نقل حاد و در سبای حسینیه و
 دفتر در تایلندی شب و درون رسایل و دلایل مزبور در آجانشان چیست ؟ آیا این کارها باست تعدیت نظام و استحکام وحدت
 مردم می شود ؟ هر شخص منصفی از واقعیت این بر ضررها آگاه شود چه می گوید ؟ چرا دست آقایان اینقدر باید باز باشد تا به نام
 اسلام و انقلاب و استفاده از امکانات دولت اسلامی هر کاری در شان می خواهد بکنند و متأسفانه سنکس گفته که دستورات حضرت
 را اجرا می کنند . آقایانی که طراحان این قضایا هستند توجه بدارند که مسوولیت قائم مقام خبری باری بود بر درش حضرت آیه الله العظمی مطهری
 که با تفضل خداوند نشان این بار را در ش ایشان بر داشته شد . ظاهر استیضاح آقایان از مسوولیت حاد و جمهوری اسلامی غیر از این
 است که اینک در نظر می کنند . ایشان به اندازه سن اکثر این آقایان سابقه اعتبار و سابقه ساریاتی در جهان دارند بشخصیت ایشان باشی
 از مسوولیت ظاهری که جناب صاحب علیه السلام علیهم السلام ایشان بر عهده شان گذاشته بود نمی باشد . نمی توان فضایل و ارزشهای والای اسلامی
 ایشان را نادیده گرفت و هرگز به تلاشی در این جهت ظلمی که نتیجه ای جز خسارت دنیا و آخرت برای عظیمین آن در پی ندارد .

از این که با ذکر این مطالب مصدح ادوات شریف جناب عالی شدم عذری خواهم ولی واقعیت این است که بنده به عنوان مقلد
 و مرید حضرت آیه الله العظمی مطهری در این چند سال از این بر ضررها بسیار جز کشیده ام زیرا همان حدیثی که نسبت به حفظ سلامت
 منقش حضرت امام (ره) داشته ام برای ایشان نیز به عنوان مرجع تقلیدم قائم نمی توانم ببنیم عده ای بی توجه هر روز به بیانه ای قصد
 شکستن این حریم را دارند و به عنوان یک فرد علاقمند به انقلاب و طینده ای جز شاهد این ماجراها بودن و جز کشیدن نداشته ام
 هر چند مستقدم این اعمال ناشایست خللی به عظمت و اعتبار ایشان وارد نمی کند .

آنچه مسلم است ظلم بزرگی به معظم له در داشته می شود هم از ناحیه عاملین و هم از ناحیه ناظرینی که به ظلم بودن این بر ضررها
 معتقدند و اقدامی جهت رفع آن نمی کنند . معلوم نیست کی در کجا آثار این ظلم در جامعه آشکار می شود و همین موضوع حایجه گمانی بسیار
 دارد . « و انقوا فتنة لا تصيب الذين ظلموا منكم خاصة » از خداوند تعالی توفیق روز افزون و حضرتعالی و تمام منکران را
 به اسلام و مملکت اسلامی رانخواه نام .
 باشند
 از آنکه
 فتح الله ربانی المصلح

پیوست شماره ۲۳۳: مربوط به صفحات ۷۳۹ و ۷۴۱

تلفنگرام معظم له به امام خمینی در مورد دادگاه ویژه روحانیت، مورخه ۶۵/۷/۱۱

بسمه تعالی

محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

پس از سلام، در مورد دادگاه ویژه در حوزه علمیه قم از قرار مسموع حضرتعالی موافق با تشکیل مجدد آن می‌باشید مناسب دانستم به اطلاع برسانم شورای عالی مدیریت اخیراً پنج نفر از فضلا که عبارتند از آقایان حاج شیخ علی میانجی، بدلاء، محفوظی، دیباجی و حاج شیخ حسین کریمی مسئول دادگستری شهرستان قم را جهت رسیدگی به مسائل اخلاقی و فکری و نظارت بر اعمال طلاب حوزه و حرکت‌های افراد ضدانقلاب تعیین و به تایید آیت الله العظمی گلپایگانی و اینجانب نیز رسانده‌اند و قرار شده است با حفظ شئون مورد نظر مراتب لازم از قبیل تذکر و تهدید به قطع شهریه و محرومیت از دیگر مزایای حوزه و اخراج از مدارس و یا حوزه و یا خلع لباس، با افراد مربوطه برخورد شود و اگر در موردی این مراتب موثر واقع نشد به دادگاه‌های مربوطه شهرستان قم اعم از انقلاب و عمومی و حقوقی معرفی تا طبق ضوابط قانونی و اسلامی با آن فرد عمل گردد، با توجه به آنچه عرض شد و اینکه اکثریت قاطع فضلا و طلاب و بسیاری از مدرسین نظرشان همین است و به علاوه در گذشته دادگاه ویژه تجربه خوبی نداشت و کارهای بی‌رویه و خارج از شئون روحانیت و اهل علم در حوزه زیاد انجام شد و اینکه در دستگاه قضائی شهرستان قم قضات شرع روحانی زیادی بکار مشغولند علیهذا به نظر اینجانب نیازی به تشکیل مجدد دادگاه ویژه نیست، منتهی الامر باید به دادگاه انقلاب شهرستان قم سفارش شود در مواردی که به حرکات ضدانقلابی مربوط می‌شود قاطعانه و بدون محافظه‌کاری برخورد نماید مع ذلک امر، امر مبارک است. سلامت کامل و طول عمر حضرتعالی را از خدای متعال مسئلت دارم. ادام الله ظلکم علی رؤس المسلمین.

حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۳۴: مربوط به صفحات ۷۳۹ و ۷۴۱

پاسخ آقای سید احمد خمینی از قول حضرت امام به معظم له

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله العظمی آقای منتظری دامت برکاته

پس از عرض سلام، حضرت امام مدظله فرمودند:

من صلاح آقایان میانجی، بدلا، محفوظی، دیباجی و کریمی را نمی دانم که هر روز یک و یا چند روحانی نما را خلع لباس و یا تبعید و زندان نمایند. آقایان محترم در حد تذکر و حداکثر تهدید بسنده کنند ولی آنچه به نظرشان میرسد را به فردی که برای این موضوع انتخاب می شود که باید قاطع و محکم باشد و تحت تاثیر تلفنها و فشارها قرار نگیرد، معرفی نمایند تا او برخوردی حساب شده در حد روحانی نمای معرفی شده از طرف آقایان بنماید، و هم چنین فرد مذکور می تواند با گزارشاتی که در این زمینه دریافت می نماید بدون واسطه آقایان اقدام نماید. این به هیچ وجه با آنچه حضرت آیت الله آقای گلپایگانی و شما موافقت کرده اید منافات ندارد.

راقم این سطور به حضرتعالی و سایر دوستان سلام دارد.

۶۵/۷/۱۳ - احمد خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آية الله العظمى في الدين والعلوم الإسلامية السيد محمد باقر

پس از عرض سلام حضرت ۴۱ مدینه فرمودند

۴ من صلح آقايان مسايحي بدلا محفوظي دسايحي و كرمي را نميدانم و هر روز يك دياچه رويان نما
 راضع لباس و با بعيه و زنتان نمايند . آقايان محرم در صدمه تكرومه اگر تديد سنده كنند و ل
 آنچه منظرش ن برسد را بر فرزند كمي بر اين موضوع انتقاد مسود در بايد قاطع و حكيم باشد و
 تحت تاثير تلقين و وقت قرار نگيرد ، موفقي نمايند تا او بر خود در كند در صدمه و تا موفقي شده
 از طرف آقايان بنمايد . و هم چنين فرزند كورمي تواند با زارشان كند در اين زمينه دريافت
 مي نمايد بدون واسطه آقايان اقدام نمايد . اين بهيچ وجه با آنچه حضرت ابراهيم عليه السلام فرموده
 مراوقت كرده ايد منافات ندارد ۴

راقم آنچه بطور مجفوفانه دسايه در دستن سلام دارم

احمد حسيني

۶۵/۷/۱۳

پیوست شماره ۲۳۵: مربوط به صفحه ۷۴۲

نامه معظم له به آیت الله العظمی گلپایگانی در ارتباط با ضرورت حفظ استقلال

حوزه‌های علمیه، مورخه ۱۳۷۱/۱۲/۴

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی آقای گلپایگانی دامت برکاته

پس از سلام و تحیت به عرض می‌رساند: حوزه علمیه قم «صانها الله تعالی عن الحدثان» با وسعتی که پیدا کرده و از هر جهت مورد توجه عالم تشیع و دوست و دشمن قرار گرفته، اینک زعامت و حفظ استقلال و عظمت آن عملاً به عهده حضرتعالی گذاشته شده و قهراً تحمل زحمات در این راه موجب خوشنودی خدا و اجر عظیم خواهد بود. خاطر شریف مستحضر است که عظمت حوزه‌های علمیه شیعه همیشه مرهون استقلال آن‌ها و جدائی از مراکز قدرت بوده است. معیار فضیلتها در حوزه‌های علمیه باید درجات علمی و تقوی و جنبه‌های معنوی و بزرگ منشی اشخاص باشد. و اداره شئون حوزه باید در داخل آن به دستور زعیم حوزه و به تصدی منصوبین از قبل او انجام شود. در چنین حوزه ای است که ممکن است امثال شیخ انصاری و میرزای شیرازی قدس سرهما تربیت شوند که علاوه بر درجات علمی و معنوی دارای استقلال فکری و قاطعیت بودند و تحت تاثیر قدرت‌های مادی و سیاسی جهان قرار نمی‌گرفتند. ولی متأسفانه مشاهده می‌شود که مسیر حوزه علمیه قم به سمتی است که در آینده چیزی شبیه حوزه‌های دولتی اهل سنت خواهد شد که از خود استقلال ندارند و حقوق بگیران حکومتها هستند، و بالاجبار ثناگوی دولت‌ها و ابزاری در دست مراکز قدرت و ملعبه سیاست‌های حاکم می‌باشند. دولت‌ها و مراکز قدرت هر چند خوب و صالح باشند ولی بالاخره وابستگی به آن‌ها استقلال فکری و قاطعیت را از علمای حوزه‌ها خواهد گرفت. این درست است که دین مقدس اسلام از سیاست جدا نیست، ولی این بدان معنی است که حوزه‌های علمی و دینی باید سیاست ممالک اسلامی و مسلمین را مورد توجه قرار دهند و حتی المقدور جلوی اشتباهات و انحرافات را بگیرند، نه اینکه حوزه و علمای اعلام ابزار سیاست‌های حاکم باشند. شورای مدیریت

حوزه علمیه قم هر چند صادقانه عمل کنند ولی وقتی می‌توانند عظمت حوزه را حفظ نمایند و حوزه را در مسیر صحیح قرار دهند که ارگان‌های حاکم کشور، حوزه و افراد حوزه را به صورت عوامل سیاست‌های خود قرار ندهند. و روی همین اصل بود که مرحوم امام(ره) در وقتی که قدرت داشتند مع ذلک چون در حوزه نبودند برای نظم حوزه و تشکیل شورای مدیریت نظر حضرتعالی را مورد توجه قرار دادند و خودشان کمتر دخالت می‌کردند. سیاست بازی و قدرت زدگی در حوزه علمیه قم بشدت رو به گسترش است و عملاً به جای رشد ارزش‌های علمی و معنوی وابستگی به قدرت و سیاست و شئون دنیوی رشد پیدا می‌کند. در حوزه علمیه پایگاه‌هایی احداث شده که طلاب و محصلین ساده لوح را به صورت ثناگو و زنده بادگو درمی‌آورد و بر اساس اهدافی که از خارج حوزه تعیین و شعارهایی که دیکته می‌شود طلاب و فضایی حوزه را به این طرف و آن طرف می‌کشند. آیا با این وضع حضرتعالی انتظار دارید در آینده فقهای اصیل و جامع الشرائط و علمای قاطع و خدمتگزار به عالم اسلام و تشیع که مخالف هوی و مطیع لامرالله باشند داشته باشیم؟ من اطلاع دارم که بسیاری از علما و فضایی حوزه علمیه از وضع موجود ناراحت هستند و نظرشان متوجه تصمیم حضرتعالی است.

بجا است حضرتعالی به وسیله شورای مدیریت جدید و یا به هر وسیله ای که صلاح می‌دانید جلوی دخالت‌های بیجا را بگیرید. احتیاج ارگان‌های دولتی به اهل علم و روحانین برای تصدی امر قضاء و ارشاد و تبلیغ البته باید در حوزه علمیه مورد توجه قرار گیرد و در این جهت با آن‌ها همکاری شود، ولی این امر مستلزم دخالت‌های بیجای ارگان‌های دولتی در حوزه و ملعبه قراردادان طلاب جوان و ساده لوح و تحریک آنان در مسیر سیاست بازی‌های آنان نیست. و بالاخره اگر حضرتعالی اقدام نکنید و چاره ای نیندیشید در آینده ای نه چندان دور حوزه علمیه قم هویت معنوی و استقلال و عظمت خود را از دست خواهد داد و در نتیجه ملت نیز از روحانیت منقطع خواهد شد. دولت حتی اگر بخواهد امکاناتی از قبیل بهداشت و بیمه و امثال این‌ها را در اختیار روحانیت و حوزه قرار دهد باید از مسیر ریاست حوزه و تحت نظارت او باشد. البته می‌دانیم که

علما و طلاب معصوم نیستند و ممکن است از ناحیه بعضی از آنان اشتباهات و یا خلافهائی بروز نماید ولی برای جلوگیری از آنها باید از طرف شورای مدیریت حوزه هیئتی مامور رسیدگی و تذکر دادن و توبیخ و تنبیه متهمین تعیین شود که خودشان مسائل را بررسی و حل نمایند و یا نهایتاً از طرف آنان به محاکم قضائی رسمی ارجاع شود. قدرتمندان معمولاً گره‌هایی را که از دست باز می‌شود با دندان باز می‌کنند و این امر صحیحی نیست. امید است حضرتعالی به هر نحو صلاح می‌دانید اقدامات لازمه را مبذول دارید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱ رمضان المبارک ۱۴۱۳ - ۱۳۷۱/۱۲/۴

حسینعلی منتظری

بتفاتی

تاریخ

شماره

پیوست

بسم الله الرحمن الرحيم

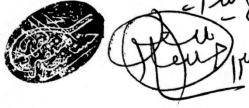
محضر مبارک آیه الله العظمی آقای گلپایگانه داماد بزرگوارانه

پس از سلام و تحیت بفرموده می‌رساند: حوله علییه قم «صالحان الله تعالی عن الخرفان» با وصال که بیدار کرده
 و از هر جهت مورد توجه عالم شیعی و دولت و دین قرار گرفته، اینک زمامت و حفظ استقلال و عظمت آن
 عملاً بعد از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) گذاشته شده و قدر آنقدر زحمت در این راه موجب خودنوی خود ابرو عظیم خواهد بود.
 خاطر شریف محضرت که عظمت حوله قم علییه تبعه هدیه مرمیون استقلال آنها و جدائی از مرکز قدرت بوده است
 معیار فضیلتها در حوله قم علییه باید در جرات علمی و تقوی و جنبه علمی معنوی و بزرگی نفس آنها باشد.
 و اداره کشور حوله باید در دل خدا آن بدستور زعم حوله و تصدی مضمونین از جبر او انجام شود.
 در چنین حوله ای است که ممکن است ارسال شیخ انصاری و میرزای شیرازی قدس سرها تربیت شوند
 که علاوه بر در جرات علمی و معنوی دارای استقلال فکری و قاطعیت بودند و حکمت تأثیر قدرتهای مادی و سیاسی
 قرار نمی‌گرفتند. و البته آستانه ایشان بود که حوله علییه قم بسبب است که در آینده چیزی شبیه حوله قم
 دولتی اهرست خواهد شد که از خود استقلال ندارند و حقوق بگیران چگونه هستند.
 و بالاخره رسالتی دولتها و ابراری در دست مراکز قدرت و طبعه سیاستهای حاکم می‌باشند.
 دولتها و مراکز قدرت هر چند خوب و صالح باشند و لا باالافه و استتگی به آنها استقلال فکری و قاطعیت را
 از شما، حوله قم خواهد گرفت. این درست است که دین تقدس اسلام از سیاست جدا نیست.
 و این بدان معنی است که حوله قم علییه و دین باید سیاست حاکم اسلامی و مسلمین را مورد توجه قرار دهند
 و حتی المقدور جلو استیلاآت و انحانات را بگیرند. نه اینکه حوله و علماء اسلام ابرار سیاستهای حاکم باشند.
 شورای مدیریت حوله علییه قم هر چند صادقانه عمل کنند و لا و تقی می‌توانند عظمت حوله را حفظ نمایند
 و حوله را در مسیر صحیح قرار دهند که اگر آنها حاکم کشور، حوله و افراد حوله را بصورت عوامل سیاستهای خود
 قرار دهند. و روی همین اصل بود که مرحوم امام ره در وقتیکه قدرت داشتند مع ذلک چون در حوله بودند
 برای نظم حوله و تکمیل شورای مدیریت نظر حضرت فاطمه را مورد توجه قرار دادند و خودشان کمره دغا نمیکردند.

بتعمیل

تاریخ _____
شماره _____
پیوست _____

بسیار بازی و قدرت زدگی در حوزه علمیه قم شدت رو بگسترش است و عملاً بجای رشد ارزشهای علمی معنوی
و ابتکالی قدرت و سیاست و متون دشمنی رشد پیدا می کند ، در حوزه علمیه پایگاهها تعدادی شده که
طلاب و محصلین ساده لوح را بصورت ننگ و زنده باد گو در می آورد و برپاسش ایستاده که از خارج
هوزه تعیین و شعاری که در دیکته می شود طلاب و فضلا و حوزه را با این طرف و آن طرف می کنند . سلام
از ما با این وضع حضرت را انتظار دارید در آینده فتاوا صادر و جامع الزامات و خطاهای ما طبع و ضد متکذرات و احکام اسلام
و شیخ که مخالف هوی و مطیع الامران باشند داشته باشیم ؟ من اطلاع دارم که بسیاری از علماء و فضلا
هوزه علمیه از وضع موجود ناراحت هستند و نظریات متوجه تصحیح حضرت است .
بجای است حضرت را بوسیله شورای مدیریت جدید و یا هر وسیله ای که صلاح میدانند جلوه خائنها را بیاورند
احتیاج از گانهای دولتی به اهل علم و روحانیین برای تصدیی احقرضا و عوارض و تبلیغ البته باید در حوزه
علمیه مورد توجه قرار گیرد و در این جهت با آنها همکاری شود و این امر مستلزم دخالتهای بیجای از گانهای
دولتی در حوزه و تبلیغ قرار دادن طلاب جوان و ساده لوح و تحریک آنان در مدیریت بازی های آنان نیست .
و بالاخره اگر حضرت را اقدام نکنند چهاره ای بنشیند در آینده ای نه چندان دور حوزه علمیه قم هویت معنوی
و استقلال و عظمت خود را از دست خواهد داد و در نتیجه ملت نیز از روحانیت منقطع خواهد شد .
دولت حتی اگر نخواهد امکاناً از جسید بهداشت و بیمه و ائمهال اینها را در اختیار روحانیت و حوزه قرار دهد
باید از مدیریت حوزه و تحت نظارت او باشد .
البته می دانیم که علماء و طلاب معصوم نیستند و ممکن است از ناحیه بعضی از آنان استیفاء و خطاهای
بسیار بروز نماید ولی برای جلوگیری از آنها باید از طرف شورای مدیریت حوزه هیئتی مأمور رسید
و تذکر دادن و توبیخ و تنبیه متباین تعیین شود که خود را مناسراً بر روی و خطا نماند و اینها تنها از طرف
آنان بجا کم قضاای رسمی انجام می شود ، قدرتمندان معمولاً گره های را که از دست باز می شود
بازند ان بازی کنند و این امر صحیح نیست . امید حضرت را بر نحو صلاح میداند اما استیفاء از آنها را میداند و دارد .
و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ایضاً ان المبارک ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴ / ۱۱ / ۱۳۷۱



پیوست شماره ۲۳۶: مربوط به صفحه ۷۴۳

پیام تسلیت معظم له به مناسبت ارتحال حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

اذا مات المؤمن الفقيه ثلم في الاسلام ثلثة لا يسدها شئ (اصول کافی، ج ۱)
رحلت اسفبار استوانه تقوی و فضیلت، فقیه بزرگوار و مرجع عالیقدر عالم تشیع، زعیم
حوزه‌های علمیه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید محمدرضا گلپایگانی
اعلی الله مقامه برای جهان اسلام و روحانیت شیعه ضایعه ای بزرگ و ثلمه جبران ناپذیری
بود. فقیه متعهد و گرانقدری که بیش از نیم قرن به تدریس علوم اسلامی و تربیت علما و
فضلا اشتغال داشتند و با ذهن وقاد و حسن سلیقه و پشتکار مسائل عمیق فقهی را بررسی
و تحقیق می کردند و در این زمینه هزاران نفر شاگردان خوب تحویل حوزه‌های علمیه و
بلاد اسلامی دادند. فقیه والا مقامی که بیش از سی سال متصدی مرجعیت شیعه بودند و
همواره در تقویت مذهب اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین و دفاع از
ارزش‌های اسلامی سعی و کوشا بودند، و در مبارزات با طاغوت و به ثمر رساندن انقلاب
اسلامی ایران از یاران صدیق رهبر فقید انقلاب و پشتیبان محکمی برای ایشان بودند، و در
حملات رژیم طاغوت بر حوزه علمیه قم مورد هجوم واقع شدند و متحمل فشارهای
طاقت‌فرسایی گردیدند، و پس از بازداشت و تبعید امام راحل رضوان الله تعالی علیه
عاهده دار اداره حوزه مقدسه قم بودند.

و بالاخره با دلی پرخون از تعدیات و تجاوزات و گرفتاری‌های مسلمین در مناطق
بحرانی جهان اسلام دعوت حق را لبیک گفتند فجزاه الله تعالی عن الاسلام و اهله خیر
الجزاء و حشره مع اجداده الکرام.

اینجانب این مصیبت بزرگ را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و
حضرات آیات و حجج اسلام و حوزه‌های علمیه شیعه و مجامع علمی بخصوص حوزه علمیه
قم، و به شیعیان جهان بخصوص شاگردان و علاقه مندان و مقلدین، و به بیت شریف و معظم
ایشان بخصوص آیات و حجج اسلام آقایان آیت الله زادگان و اصهار و احفاد معظم له

دامت افاضاتهم تسلیت می گویم، و از خداوند قادر متعال علو درجات و حشر با اجداد طاهرین برای آن بزرگوار و صبر جمیل و اجر جزیل و سلامت و توفیق بیشتر خدمت به اسلام عزیز برای همه منسوبین و علاقه مندان ایشان، و حفظ قداست و حرمت حوزه‌های علمیه و روحانیت متعهد را تحت حمایت و توجه حضرت ولی عصر ارواحناله الفداء و همت و فداکاری مردم شریف و مبارز ایران مسئلت می نمایم.

والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله و برکاته

۱۳۷۲/۹/۱۹ - قم، حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اِنَّا نَسْتَعِیْنُکَ وَ اِنَّا اِلَیْکَ رَاغِبُونَ .

اِذْ اَنزَلْنَا الذِّکْرَ الْفَیْقِدَ عَلَیْکَ فَاِذْ اَلَّا لَم نَمَلْکَ اِلَّا رَسَدًا هَیْجًا (اصول کلامه ۱۲)

احمد استغفار اسطوانات تقوی و فضیلت فقیه بزرگوار و مرجع عالیقدر عالم شیخ زین‌العابدین علی‌علیه حضرت آیت‌الله العظمی
 آقایی جامع سید محمد رضا گلپایگانی اعلی‌المراتب مقامه برای جهان اسلام در وصانت سعده ضایعه ای بزرگ و بی‌سابقه نماند بری بود
 فقیه معتمد و گران قدری که بیش از نیم قرن بتدریس علوم اسلامی و تربیت علماء و فضلاء اکتفا نمودند و با دقت و
 دبا ذهن و قاده حسن سلفه و بی‌شک کارش بیشتر محققان را بر روی واقعیت مسلک کردند و در این زمینه هزاران نفر را در
 جنوب خود پروراند که علی‌البداهه در بلاد اسلامی دادند . فقیه و الاتقامجی که پیش ازین سال مصدق و معیت سعده بودند
 و هو الله در تقویت نهضت علمیه و طهارت سلام الله علیه الجعین و دفاع از ارزشهای اسلامی داخلی و خارجی بودند .
 و در مبارزات باطل غوث و بهر رساندن انقلاب اسلامی ایران از مبارزان صدیق رهبر فقیه انقلاب و پیشانیان علمای برای
 این بودند ، و در حلاله رژیم طاغوت بر عهده علی‌هم‌تم مورد هجوم واقع شدند و تحمل فرایط طاقت فرسای کردند .
 و پس از بازداشت و تبعید امام راحل رضوان الله تعالی علیه محمد دار اداله عدول تقدس تم بودند .
 و بالاخره با دل پر خون از تعدیات و تجاوزات و گرفتاریهای مسلمان در مناطق بحران جهان اسلام دعوت حق را بصدور
 فجزاه الله تعالی عن الکلام و اهل خبر الخیر و عسره مع بعداده الکلام .
 این جانب این مصیبت بزرگ را بحضرت و لا عظمی محمد را تعالی فرجاً شریف و حضرت آیات و حجج اسلام و عهده‌های علی‌علیه
 مخصوص عهده علی‌هم‌تم ، و پیشانیان جهان مخصوص شاگردان و علاقه‌مندان و تعلیقین ، و به بیت شریف و معظّم این مخصوص
 آیات و حجج اسلام اقامان آیت از زادگان و اصحاب و اعداء معظّم له دامت افاضاتهم تسلیت می‌گویم .
 و از خداوند قادر تعالی علو درجات و عسره بالعداد طاهرین برای آن بزرگوار و صبر جمید و اجر جزیر و سلامت و توفیق را
 بپرت خدمت کلام عزیز برای هم منسوبین و علاقه‌مندان این ، و حفظ قدرات و حرمت عهده‌های علی‌علیه و وصانت
 تحت حمایت و توفیق حضرت و لا عظمی و اجماله الغداه و همت و فدایاری مردم شریف و مبارز ایران مسکت می‌نالم .
 و السلام علی جمیع انبیا الطین و روحه اله و برکاته . ۱۹-۱۳۷۲/۹/۱۳۷۲ ق م حیدرآباد مطبوعی



پیوست شماره ۲۳۷: مربوط به صفحه ۷۴۳

پیام تسلیت معظم له به مناسبت ارتحال حضرت آیت الله العظمی سبزواری

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

اذا مات المؤمن الفقيه ثلم في الاسلام ثلثة لا يسدها شي. (اصول کافی)

رحلت فقیه بزرگوار و مرجع عالی مقدار استاد حوزه علمیه نجف اشرف حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید عبدالاعلی موسوی سبزواری اعلی الله مقامه ضایعه ای بزرگ و ثلمه جبران ناپذیری بود برای عالم تشیع. عالم جلیل القدری که در علوم اسلامی از قبیل تفسیر و فقه و اصول محقق و متبحر و مؤلف و در زهد و تقوی مشارالبنان بودند و آخر الامر با خشونت های بعثیان ظالم و یورش های آنان به حوزه علمیه نجف اشرف و اعتاب مقدسه و مردم مسلمان عراق مواجه شدند و در این راه متحمل رنج و فشارهای طاقت فرسا شدند و بالاخره با دلی پر خون نسبت به جنایات و حملات شدید علیه اسلام و تشیع به دار بقاء شتافتند، فجزاه الله تعالی خیر الجزاء.

اینجانب این مصیبت بزرگ را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرات آیات عظام و علماء اعلام و حوزه های علمیه و شیعیان جهان بالاخص حضرات حجج اسلام آیت الله زادگان محترم ایشان و همه منسوبین و مقلدین معظم له تسلیت می گویم. و از خداوند قادر متعال علو درجات و حشر با اجداد طاهرین برای آن بزرگوار و صبر جمیل و اجر جزیل برای همه منسوبین و علاقه مندان و رفع شر ظالمین و طواغیت زمان، و عظمت اسلام و مسلمین و حفظ حوزه های علمیه را در پناه حضرت ولی عصر عجل الله فرجه مسألت می نمایم.

والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله و برکاته

۲۸ صفر ۱۴۱۴ - ۱۳۷۲/۵/۲۶

قم المقدسه - حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اِنَّا نَسْتَعِينُكَ يَا اَللّٰهُمَّ

اذا مات المؤمن الفعیه نام فی الاسلام کلمه لا یدهائی . (اصول کافی)

رحلت فقیه بزرگوار و مرجع عالی مقام ارتقا دهوله علمیه نجف اشرف حضرت آیه الکریمه العظمی آقا میرزا محمد باقر (اعلیٰ موسوی تبریزی) علی الله تعالی ضایعه ای بزرگ و کلمه جبران ناپذیر بود برای عالم جامع عالم جلیل القدری که در علوم اسلامی از قبیل تفسیر و فقه و اصول و حقوق و تفسیر و تالیف و در زهد و تقوی و مبارزه با بدعت و آخر الامر با خصوصیات بیسیان عالم و بزرگان آمان بخوله علمیه نجف اشرف و اعتقاد معتدیه و مردم مسلمان عراق مواجه شدند و در این راه مکتب رنج و فراقی طاقت فرسایشنده با لاف و باطل پرستی نسبت بجنایات و حملات شدید علیه اسلام و تشیع بدارتقاء و ستاندن فخر آیه الله تعالی خدا خیراء این جانب این مصیبت بزرگ را بحضرت و آئینه محجل الله تعالی فرجه الکریمه حضرت آیات عظام و علماء اسلام و هوله کای علمیه و سعیا جهان بالا حضرت آیت عظام آیه الله العظمی آقا محمد تقی و هم منسوبین و معتدین معظمّ لم تسلیم سکون . و از خداوند قادر متعال علو درجات و عترت با اجداد طاهرین برای آن بزرگوار و صید جمیل و لاجرم بران همه منوبین و علاقه مندان و رفیع نظر طالبین و طواغیت زمان ، و عظمت اسلام و مسلمین و حفظ هوله کای علمیه را در پناه حضرت و آئینه محجل الله فرجه الکریمه نام .

و السلام علی جمیع انوارنا المسلمین و رحمة الله وبرکاته ۲۸ صفر ۱۴۱۴ - ۲۶ / ۲۷ / ۱۳۷۲

تمّ المقدّسه - حین علی منظری

پیوست شماره ۲۳۸: مربوط به صفحات ۷۴۳ و ۷۵۱

پیام تسلیت معظم له به مناسبت ارتحال حضرت آیت الله العظمی اراکی

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

اذا مات المؤمن الفقيه ثلم في الاسلام ثلثة لايسدها شيء (اصول كافي)

رحلت عالم بزرگوار و مجتهد عالی مقدار استوانه تقوی و فضیلت مرجع عالیقدر تشیع شیخ الفقهاء و المجتهدین آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمدعلی اراکی طاب ثراه برای عالم اسلام و روحانیت شیعه ثلمه ای بود جبران ناپذیر. عالم جلیل القدری که بیش از نیم قرن بر مسند تدریس علوم عالیہ اسلامی تکیه زدند و شاگردان عالم و متعهدی تربیت کردند. معظم له آخرین مجتهد مبرز از شاگردان و تربیت شدگان موسس و پایه گذار حوزه علمیه قم مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس سره و از یاران و علاقه مندان رهبر فقید انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس سره بودند، و مرحوم امام برای ایشان احترام خاصی قائل بودند.

اینجانب این مصیبت بزرگ را به حضرت ولی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرات آیات و علماء اعلام و حوزه‌های علمیه بخصوص حوزه علمیه قم -حرم ائمه اطهارسلام الله علیهم اجمعین و مدفن پاک حضرت معصومه سلام الله علیها- و به خدمتگزاران اسلام و تشیع و جمهوری اسلامی ایران پایگاه تشیع و به همه شیعیان جهان و علاقه مندان و مقلدین معظم له و به بیت شریف معظم له و همه فرزندان و بازماندگان محترم بخصوص دو عالم متعهد حضرات حجج اسلام والمسلمین آقایان مصلحی و الهی فرزند و داماد معظم له دامت افاضاتهما تسلیت می گویم. و از خداوند قادر متعال علو درجات و حشر با ائمه اطهارسلام الله علیهم اجمعین برای آن بزرگوار و صبر جمیل و اجر جزیل برای همه فرزندان و منسوبین و علاقه مندان آن مرحوم و دفع شر همه ظالمین و طواغیت زمان و عظمت و قدرت اسلام و مسلمین جهان و توفیق جهاد و کوشش برای حضرات آیات و علماء اعلام در نشر علوم و معارف اسلامی و حفظ حوزه‌های علمیه در پناه حضرت ولی عصرعجل الله تعالی فرجه الشریف مسئلت می نمایم.

والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله و برکاته

۲۶ جمادی الثانیه ۱۴۱۵ - ۱۳۷۳/۹/۹ قم، حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۳۹. مربوط به صفحه ۷۴۵

نامه معظم له به آقای دکتر فضل الله صلواتی پس از حادثه اهانت و سوء قصد به ایشان

بسم الله الرحمن الرحيم

اصفهان - جناب مستطاب آقای دکتر فضل الله صلواتی استاد محترم دانشگاه دام عزه و توفیقه

پس از سلام و تحیت - حادثه اخیر ایذاء و تهدید و اهانت به جنابعالی که به شکل سوء قصد اتفاق افتاد موجب تاجر و تاسف شد، مراتب علم و فضل و سوابق مبارزاتی و انقلابی جنابعالی در رژیم گذشته بر کسی پوشیده نیست. شما یک چهره شناخته شده ای هستید که توسط ساواک شاه کراراً یا زندانی و شکنجه و تبعید می شدید و یا به اشکال دیگر مورد ایذاء و آزار قرار می گرفتید، با این حال در تمام مراحل با استقامت و تحمل شدائد هم جنابعالی و هم خانواده محترمتان به راه حق که حمایت از نهضت اسلامی مردم به رهبری مرحوم امام راحل (قده) بود ادامه می دادید؛ و به علاوه نسبت به بسیاری از فارغ التحصیلان این کشور حق استادی و تربیت اسلامی دارید.

جای تاسف است که در جمهوری اسلامی - که امثال جنابعالی برای تشکیل آن تاکنون آن همه سختی‌ها را متحمل شده اید- به جای استفاده از فضل و درایت و تجربیات ارزنده شما این گونه با امثال شما برخورد می شود.

اینجانب حرکات اخیر در اصفهان مخصوصاً نسبت به جنابعالی و در مشهد مقدس نسبت به بعضی از جوان‌های متعهد و انقلابی را سیاست غلط جدید و زنگ خطری می دانم برای نظام اسلامی کشور که جناح قدرت طلب شکست خورده در انتخابات ریاست جمهوری برای قلع و قمع مخالفین سیاسی خود شروع کرده اند، و آثار سوء آن نسبت به اصل انقلاب و نظام و در جهت تامین اهداف دشمنان خارجی بر کسی پوشیده نیست. سیاست حذف فیزیکی و یا ترور شخصیتی نیروهای اصیل انقلاب و نظام یکی از برنامه‌های قدیمی آمریکا و اسرائیل و ایادی آنان بوده و هست.

این سیاست شیطانی یک روز توسط گروه‌های الحادی و منافق صورت می گرفت،

و امروز توسط عناصر ساده لوح و فریب خورده دیگری که متاسفانه با نام‌های مقدس، آنان را مامور اجرای این سیاست‌های شیطانی نموده اند.

امیدوارم مسئولین کشور به خطر این گونه برخوردها توجه نمایند و تا دیر نشده درصدد اصلاح امور و تغییر این سیاست برآیند.

از خداوند قادر متعال سلامت و توفیق جنابعالی را در راه خدمت به اسلام عزیز و انقلاب و کشور مسألت می‌نمایم.


والسلام علیکم و علی جمیع اخواننا المومنین و رحمة الله و برکاته.

۱۳۷۶/۸/۲۳ - قم المکرمة

حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اصفهان - جنبش منتطب آقای دکتر فضل الله صلوات الله علیه دامت محترم دانشگاه دام عشق و توفیق .
 این از سلام و محبت - عادت اخیر انداز و نامه ~~که~~ و احانت به جنبه‌ها که به شکل موقصد اتفاق افتاد
 موجب تأثر و تأسفند ، مراتب علم و فضل و مواهب مبارزانه و انقلابی جنبه‌ها در رژیم گذشته ^{مستند} ~~مستند~~
 یک چهره شناخته شده ای هستید که توسط ساواک کرا را بازندان و شکنجه و تبعید میدید و با به اشکال دیگر
 مورد اذیت و آزار قرار می گرفتید ، با این حال در تمام مراحل با استقامت و تجارته اندام هم جنبه‌ها و هم خانواده
 محترمان به راه حقوق حمایت از نهضت اسلامی مردم به رهبری مرحوم امام راضی (قدح) بود ادا می میدادید .
 و به علاوه نسبت به بیاری از فارغ التحصیلان این کشور حق استادی و تربیت اسلامی دارید .
 جای تأسفست که در جمهوری اسلامی که اشکال جنبه‌ها را برای تشکیل و حفظ آن ماکنون آن هم سختیها را متحمل شده اید -
 بجای استغاده از فضل و درایت و تجربیات ارزنده که این گونه با اشکال شما برخورد می کرد .
 این جانب حرکات اخیر در اصفهان مخصوصاً نسبت به جنبه‌ها در مورد تقدس نسبت به بعضی از جوانان ^{معهد و انقلاب} ~~معهد و انقلاب~~
 سیاست غلط جدید و زنگ خطری می دانم برای نظام اسلامی کشور که جنبه قدرت طلبی خود را در تمام ^{است} ~~است~~
 جمهوری برای قلع و قمع مخالفین سیاسی خود شروع کرده اند ، و آثار سوء آن نسبت به اصل انقلاب و نظام
 و در جهت تأمین اهداف دشمنان خارجی بر کسی پوشیده نیست . سیاست حذف فیزیکی و یا ترور شخصی نزدیک
 اصیل انقلاب و نظام یکی از برنامه های قدیمی امریکای و اسرائیل و ایدای انان بوده و هدست .
 این سیاست سبطی یک روز توسط گروه کماک الحادسی و منافق صورت می گرفت ، و امروز توسط شما سرساده لوح
 و فریب خورده دیگری که تماسف نه بانا همای تقدس انان را تا امور اجراء این سیاست کمی بیخود نموده اند .
 امیدوارم مسئولین کشور به خطر این گونه برخورد ها توجه نمایند و اقدامات در حد اصلاح امور و تغییر این سیاست برآیند
 از خداوند قادر متعال سلامت و توفیق جنبه‌ها را در راه خدمت به اسلام عزیز و انقلاب و کشور مسألت می نمایم .

والسلام علیکم و علی اهل بیاتنا المؤمنین ورحمة الله وبرکاته ۱۳۷۶/۱۸/۲۳ قم المکرمة


پیوست شماره ۲۴۰: مربوط به صفحه ۷۴۷

نامه معظم له به آیت الله پسندیده در مورد کسالت حجة الاسلام سید احمد خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

جماران - آیت الله آقای حاج سید مرتضی پسندیده دام عزه و بقائه

پس از سلام و تحیت، استماع خیر ناگوار کسالت ناگهانی و سخت یادگار حضرت امام طاب ثراه جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج سید احمد خمینی حفظه الله موجب تاسف و تأثر شد. امید است خداوند قادر متعال به لطف خود و به برکت اجداد طاهرین ایشان سلام الله علیهم اجمعین به ایشان و به همه بیماران اسلام شفای عاجل عنایت فرماید. مستدعی است مراتب تأثر و تفقد اینجانب را به مخدره مجلله والده محترمه ایشان و به خانواده محترمه و آقازادگان ایشان مخصوصاً جناب عماد الاعلام آقای حاج سید حسن آقا و به همه علاقه مندان محترم ابلاغ فرمایید. انتظار می رود آنان در همه گرفتاری‌ها صابر و بردبار باشند که: «انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب». والسلام علیکم ورحمة الله.

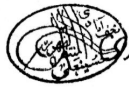
۱۳ شوال ۱۴۱۵ - ۱۳۷۳/۱۲/۲۳

قم، حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جماران آیة الله آقای حاج سید مرتضیٰ پندیده دام ظلّه و بقائه .

پس از سلام و تحیات استماع خبر ناگوار کالت ناگهانی و سخت یادگار حضرت امام
 طب سوره جناب مستطاب حجه الاسلام آقای حاج سید احمد خمینی حفظه الله مهیبت یافت
 و تأثر شد امید است خداوند قادر متعالی بملطف خود و ببرکت اجداد طاهریین آن
 سلام الله علیهم اجمعین باین ولیمه بیاران اسلام سفای طاهر عنایت فرماید .
 مستدعی است مراتب تأثر و تفقد این جانب را بخدمت مجلله والده محترمه این
 و بجانواده محترمه و اقارادگان این محضراً جناب عماد الاعلام آقای حاج سید حسن آقا
 ولیمه علاقه مند آن محترم ابلاغ فرمائید . انتظار میرود آمان در ره گرفتارها صابر
 و بردبار باشند که « انما یوفی الصابرون اجورهم بغیر حساب » و اسلام علیکم ورحمة الله .



۱۳ سوال ۱۴۱۵ - ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۷۳ ق م سنغلی منتظر

پیوست شماره ۲۴۱: مربوط به صفحه ۷۴۷

پیام تسلیت معظم له به مناسبت درگذشت حجة الاسلام حاج سید احمد خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

جماران - جناب مستطاب آیت الله آقای حاج سید مرتضی پسندیده دام عزه و توفیقه پس از سلام و تحیت، مصیبت ناگوار ارتحال نابهنگام مرحوم مغفور یادگار حضرت امام طاب ثراه جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج سید احمد خمینی رحمة الله علیه که عمر خود را در راه انقلاب و اهداف حضرت امام قدس سره صرف نمود موجب تاسف و تاثیر شد.

اینجناب این مصیبت بزرگ را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و به حضرات علماء اعلام و خدمتگزاران به اسلام و کشور و به همه علاقه مندان و به بیوت شریفه و محترمه حضرات امام خمینی(ره) و طباطبائی و ثقفی مخصوصا به حضرتعالی و والده مجلله مکرمه ایشان و خانواده و فرزندان بخصوص جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای حاج سید حسن آقا دامت توفیقاته و به جناب مستطاب آیت الله سلطانی دامت برکاته تسلیت می گویم. و از خداوند قادر متعال برای آن مرحوم غفران و حشر با اجداد طاهرین سلام الله علیهم اجمعین، و برای همه بازماندگان و علاقه مندان صبر جمیل و اجر جزیل و برای فرزندان و یادگاران آن مرحوم سلامت و سعادت و توفیق بیشتر مسئلت می نمایم.

در خاتمه به منظور تسلی خاطر والده مجلله ایشان که سابقا داغ فرزند عزیز و ارزنده خود مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج آقا مصطفی طاب ثراه و فعلا داغ حجة الاسلام آقای حاج سید احمد را دیده اند حدیث با ارزش و تسلی دهنده ای از امام صادق علیه السلام را یادآور می شوم باشد موجب صبر و بردباری ایشان گردد:

فی الکافی (ج ۳، ص ۲۱۸) بسنده عن ابی عبدالله(ع) قال: «ولد یقدمه الرجل افضل من سبعین ولدا یخلفهم بعده کلهم قد رکبوا الخیل و جاهدوا فی سبیل الله».

«انسان یک فرزند را از پیش بفرستد و داغ او را ببیند برای او افضل است از هفتاد اولاد که بعد از او بمانند و در راه خدا جهاد نمایند». والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۷ شوال المکرم ۱۴۱۵ - ۱۳۷۳/۱۲/۲۷ قم، حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اِنَّا نَسْتَعِينُكَ يَا اَللّٰهُمَّ

جانان جناب منتظاب آیت الله آقای حاج سید مرتضی حسینی دام غفرته و توقیفه .
پس از سلام و تحیت مصیبت ناگوار ارتحال نابینگام مرحوم بغفور یادگار حضرت امام طباب براه :
جناب منتظاب حجه الاسلام آقای حاج سید احمد حسینی رحمه الله علیه که بحر خود را در راه انقلاب و اهدا

حضرت امام قدس سره صرف نمود موجب تأسف و تأثر شد .

این جانب این مصیبت بزرگ را به حضرت ولی عصر محمد رسول الله تعالی فرج فرماید و بی حضرت استغاثه اسلام

و خدمتگذاران به اسلام و کشور و به هم علاقه مندان و بی بیوت سرگشته و محترمه حضرت امام حسینی راه

و طباب طباب و تقنی مخصوصاً به حضرتعالی و والده مجله مکرمه این و خانواده و فرزندان به خصوص

جناب منتظاب ثقه الاسلام آقای حاج سید حسن آقا دامت توقیفاته و به جناب منتظاب آیت الله

سلطه زدامت برکات تملکت میگویم . و از خداوند قادر تعالی برای آن مرحوم غفران و شرف بآورد

طاہرین سلام الله علیهم اجمعین و برای همه بازماندگان و علاقه مندان صبر جمیل و اجر جلیل و برای فرزندان

و یادگاران آن مرحوم سلامت و سعادت و توفیق بئیر مسألت می‌نمایم .

در خاتمه به منظور تسلی خاطر والده مجله این که سابقاً داغ فرزند عزیز و از رزید خود مرحوم حجه الاسلام

و المسلمین آقای حاج آقا مصطفی طباب براه و فعلاً داغ حجه الاسلام آقای حاج سید احمد را در دنیا

حدیث با ارزین و تسلی دهندہ ام از امام صادق علیه السلام را یاد آور میگویم باینکه سید صبر و بردباری این است که در

فی الکافی (ج ۳ ص ۱۱۸) بسنده عن ابی عبد الله ع قال : « ولد یقعد ثم الریح افضل من بعضین

ولداً یخلفهم بعدہ کلهم قد ركبوا الخیل و جاهدوا فی سبیل الله . »

« آنانیک فرزندان از پیش بفرستد و داغ او را به بند برای او افضل است از هفتاد و اولاد که بعد

از او باشند و در راه خدا جهاد نمایند . » و السلام علیکم ورحمة الله و بركاته .

۱۷ سوال المکرم ۱۴۱۵ - ۱۲/۲۷/۱۳۷۳ - قم حسینی منتظاب



پیوست شماره ۲۴۲: مربوط به صفحه ۷۵۱

فرازهایی از نصایح پدرانہ معظم له به اعضای دفتر پس از درگذشت آیت الله العظمی

اراکی، مورخه ۱۳۷۳/۹/۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

... بارها گفته ام من امتیازی بر دیگران ندارم، من یک طلبه ای هستم مثل شما...

از همه شما آقایان خواهش می کنم اگر کسانی نسبت به من اهانت می کنند چه به زبان یا در روزنامه و یا شبنامه عکس العمل نشان ندهید زیرا عکس العمل باعث اختلاف و نزاع می شود، ما نیاز به آرامش داریم، باید حوزه آرام باشد، باید برای حفظ حوزه، حفظ کشور، حفظ اسلام و مسلمین وحدت کلمه داشته باشیم، درگیری به مصلحت اسلام نیست، اختلاف و تفرقه به مصلحت کشور و حوزه علمیه نیست؛ حالا یک انسانی چیزهایی می گوید بگوید، یا می نویسد بنویسد، اینها جواب دادن ندارد و بالاخره روز قیامت باید چیزهایی باشد که جبران گناهانمان را بکند، بنابراین من تاکید می کنم و خواهش می کنم در مقابل اهانت‌هایی که به شخص من می شود عکس العمل نشان ندهید و به دیگران هم بگویید...

وحدت کلمه را در برابر دشمنان بیگانه و خارجی حفظ کنیم، باید با هم باشیم تا بتوانیم حریم اسلام و مسلمین را حفظ نماییم، و قتمان را صرف منازعات جزئی و درگیری‌های داخلی نماییم، چون امروز جهان اسلام گرفتار است، امروز در افغانستان می بینید چه می گذرد، امروز در بوسنی و هرزگوین می بینید چه جنایاتی می شود چگونه صرب‌ها دارند مسلمانان را قتل عام می کنند و دنیا ساکت است، این مصیبت نیست که اروپاییها برای یک سگ یا یک گربه شان راهپیمایی می کنند به اسم حمایت از حیوانات، اما این همه مسلمان را دارند می کشند هیچ حرفی نمی زنند و سازمان ملل هم دفع الوقت می کند و برای آن که پرستیزشان حفظ شود گاهی یک چیزی می گوید ولی امتیاز بیشتر را به صرب‌ها می دهد، آیا این درد نیست برای ما مسلمان‌ها. این مساله فلسطین مگر کم مهم است که یک روز با اسرائیل می جنگیدند و امروز خود فلسطینی‌ها به جان هم افتادند، در روایت است: نهضتی از قم شروع می شود و قدس عزیز را از دست یهود و اسرائیل نجات می دهد، امیدواریم شاهد آن روز باشیم، علی ای حال با توجه به این مشکلات و دردهایی که عالم اسلام به آن گرفتار است استکبار و دشمنان اسلام در کمین نابودی ما و همه مسلمانان نشسته اند، باید بیدار باشیم و تشتت و تفرقه در میانمان نباشد و از منازعات جزئی و درگیری‌ها اجتناب نماییم، لذا من تاکید می کنم کسی چیزی برای من می گوید یا می نویسد که موجب وهن من می شود

اعتنا نکنید و از آن بگذرید، چیز مهمی نیست...
 واقعا اگر گناه نبود و احساس مسئولیت شرعی نمی کردم می رفتم در گوشه ای مشغول مطالعه و عبادت و دعا می شدم و از همین کار جزئی هم که مراجعات مردم هست کنار می کشیدم، اما می ترسم اگر کنار بروم روز قیامت مسئول باشم ...

به همه آقایان عرض می کنم که اگر شما مرید و علاقه مند به یک آقای هستید احترام شما به او مستلزم این نیست که به دیگران اهانت کنید و یا نسبت به دیگری جسارت نمایید، سعی کنید به هیچ یک از علماء، بزرگان، فضلاء، مدرسین و حتی به یک مسلمان ساده بی احترامی نشود، در حدیث است: «من اهان لی ولیا فقد بارزنی بالمحاربه، هرکس به یکی از مومنین اهانت کند با خدا سر جنگ دارد». پس توهین به کسی نکنید، که این‌ها جواب دارد، بازخواست دارد، شخصی خدمت رسول اکرم(ص) آمد گفت: «یا رسول الله اوصنی، ای رسول خدا وصیت کن مرا» حضرت فرمود: «احفظ لسانک» تا سه مرتبه فرمود زبانت را حفظ کن، و در آخر فرمود: «هل یکب الناس فی النار علی مناخرهم الا حصائد السنتهم، آیا چیزی مردم را در آتش خواهد انداخت مگر درو شده‌های زبانشان»، ما خیال نکنیم هرچه گفتیم یا نوشتیم تمام شد، این طور نیست، هر حرفی می زنیم عواقب دارد، دنباله دارد، و تمام آثارش در نامه عمل ما نوشته می شود که چرا این حرف را زدیم، لذا در حرف‌هایتان و گفتارتان مراقب باشید....

هر حرفی را انسان نباید بزند، تازه این هم به نفع دیگری، آیا عقلایی است آدم برای دیگری به جهنم برود. بنابراین سعی کنید که به کسی اهانت نکنید، به علماء، بزرگان، خدمتگزاران و مسلمان‌ها احترام بگذارید، کاری نکنید دشمنان اسلام از ما سوءاستفاده کنند....

بارها گفته ام که بیت ما مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، این امکانات جزئی که هست مربوط به ایشان و بیت المال است، و این دفتر برای امور شرعی و مسائل دینی و مباحث علمی و اعتقادی باز می باشد، و شما هرکاری می کنید برای خدا و امام زمان باشد.

از خداوند می خواهیم به همه ما توفیق دهد که به اسلام و مسلمین خدمت کنیم.
 خداوند درجات حضرات امام خمینی و آیت الله العظمی گلپایگانی و آیت الله العظمی اراکی قدس سرهم را متعالی فرماید.
 والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۴۳: مربوط به صفحه ۷۵۲

نامه جمعی از شاگردان معظم له به حضرات آقایان علما و مراجع درباره اخلاص لگری در درس فقه ایشان، مورخه ۱۳۷۳/۱۰/۳

بسمه تعالی و الیه المشتکی

حضرات آیات و علماء اعلام و مسئولین محترم حوزه علمیه قم «وفقههم الله لمرضاته» ضمن عرض سلام، به اطلاع آقایان می‌رسانیم که در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۳ و در پایان درس فقیه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی منتظری (حفظه الله تعالی) جمعی تحریک شده - حدود ۴۰ تا ۳۰ نفر از طلاب مبتدی و جوان - اقدام به شکستن و تخریب وسائل در حسینیه شهدا (محل درس) نمودند و با شعارهای بسیار زنده که حاوی توهین نسبت به استاد گرامی حوزه و نیز حمایت از رهبری بود به ایجاد ناامنی پرداختند و بعد هم با تهدید طلاب و فضلا (به اینکه از فردا درس تعطیل است و اگر کسی در درس حاضر شود به عنوان ضدانقلاب با او برخورد خواهد شد) سعی در به تعطیل کشاندن درس نمودند؛ البته هیچکس به آن‌ها پاسخی نداد و طبق سفارشات مکرر فقیه عالیقدر و همانند معظم له سکوت نمودیم.

حال جای سؤال است که این افراد با چه مجوزی این اقدامات غیرقانونی و غیرشرعی را انجام می‌دهند؟

چرا از سوی مسئولین امر اقدامی برای رعایت امنیت و قانون صورت نمی‌گیرد؟ اگر ادعا می‌شود که این‌ها مردمند، آیا شاگردان ایشان جزء مردم نیستند؟ یا عده ای از مردم حق دارند حق دیگر مردمان را نادیده بگیرند؟

آیا این عده که روز قبل هم (بعد از نماز جمعه) اقدام به هتاک کرده و روز قبل از آن اطلاعیه داده بودند و هیچ گونه مانعی برای حرکات غیرقانونی خویش نیافتند! از دیدگاه مسئولین و آقایان علماء کاری پسندیده انجام داده اند و این گونه اعمال را حمایت از رهبری می‌دانند؟ اگر این اعمال را ناروا می‌دانند، پس چرا اقدام صریحی برای توقف این حرکات نابخردانه انجام نمی‌گیرد؟

آیا اگر حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) به جای سفارش به استفاده مردم و نظام از درس ایشان نعوذ بالله سفارش به آزار و اذیت می‌نمودند این افراد زشت تر از

این عمل می‌کردند؟

آیا مسئولین توان جلوگیری از این ناامنی‌ها را ندارند؟! گمان ما بر این است که هم‌توان جلوگیری از ناامنی را دارند و هم موظف به پیشگیری هستند؛ وگرنه موجبات وهن و خسارات غیر قابل جبران برای حوزه‌های علمیه و نظام جمهوری اسلامی فراهم آمده و سستی عقیده و ایمان عمومی مردم را در پی خواهد داشت، و در آینده‌ای نه چندان دور همه شخصیت‌ها و درسهای حوزه دچار ناامنی گردیده و در نهایت خدای ناکرده اضمحلال حوزه را شاهد خواهیم بود.

والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین

شاگردان درس حضرت آیت الله العظمی منتظری

پیوست شماره ۲۴۴: مربوط به صفحه ۷۵۲
 نامه جمعی از اساتید و مدرسین دانشگاه به حجة الاسلام والمسلمین هاشمی
 رفسنجانی در مورد حمله به حسینیه و درس فقیه عالیقدر

بسمه تعالی

جناب حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

همانگونه که استحضار دارید، روز جمعه دوم دی ماه ۱۳۷۳ گروهی با اعلام قبلی در مقابل بیت آیت الله العظمی منتظری در قم اجتماع کرده و شعارهای موهن و تهدیدآمیز نسبت به ایشان روا داشتند. همچنین گروه مذکور علاوه بر پخش اعلامیه‌های توهین آمیز در سطح شهر، روز شنبه مجدداً با حمله به درس خارج فقه ایشان و به منظور تعطیل کردن درس اقدام به تعرض و تخریب در محل کردند که با تاکید آیت الله منتظری بر سکوت و خودداری حاضران از عکس العمل، از یک نزاع بی حاصل جلوگیری شد.

با توجه به اینکه این قبیل اقدامات ناقض حقوق فردی مشروع و مصرح در قانون اساسی است و همچنین عواقب و عوارض سوئی را در جامعه به دنبال دارد، از آن جناب به عنوان حافظ قانون اساسی خواهانیم که از تکرار این گونه اعمال جلوگیری فرمایند تا حاکمیت قانون و اصول انقلاب تضمین گردد.

والسلام

۱۳۷۳/۱۰/۶

جمعی از اعضای هیئت علمی، اساتید و مدرسین دانشگاه‌های تهران و محققین و نویسندگان

علی مدرسی: لو ترک القطا لنام- سید هاشم آقاجری: اقدام ضداسلامی،
 ضدانقلابی و ضدقانونی تجاوز به حریم استوانه انقلاب حضرت آیت الله العظمی
 منتظری را محکوم می کنم- عباس عبدی- حسین قاضیان- محمد ترکان-

حاتم قادری - علی رضاقلی - سعید سبزیان - مجتبی بدیعی - حسین اعتمادی - قاسم میقانی: حداقل انتظار اجرای قانون اساسی به عنوان خونبهای شهدای انقلاب است تا موجب دوام سایر نهادهای انقلاب گردد - حمید حقانی - علیرضا علوی تبار - سید مجتبی شیری - سید محمود حسینی - محمود صارمی - سید عبدالحسین حجت زاده - جلیل رضایی - مهدی باقی - مهدی آل یاسین - عمادالدین باقی: تجاوز، توهین و ارباب، نسبت به هر شهروندی محکوم است چه رسد به یک مرجع بزرگ دینی. چهره خشونت همیشه زشت است. پایه گذاری این سنت‌ها جز بی اعتمادی و از هم گسیختگی در پی نخواهد داشت. این روشها چون تیغ دو دم است و قربانیان بعدی اش مرتکبین و مویدین آن خواهند بود. فرهنگ خشونت همه سرمایه‌ها و استعدادهای کشور را می بلعد - حسین واله - تحسین طبیعت شناس - محمود دهاقانی - اکبر گنجی - محمد ریحانی - محمدعلی زکریایی - محمدرضا قزوینی - محمدنقی شهیدی - احمد جعفرنژاد - طهمورث حسنقلی پور - محمدرضا نیکبخت - هادی اسفندیاری - منصور مومنی - عبدالرضا افتخاری - بهروز دری - داود سلیمانی - رضا تهرانی - کاظم میقانی - اسماعیل بلوری.

رونوشت: مدیریت محترم حوزه علمیه

مطبوعات

پیوست شماره ۲۴۵: مربوط به صفحات ۷۵۲ و ۷۶۲

نامه آقای سعید منتظری به آیت الله خامنه ای، مورخه ۱۳۷۳/۱۰/۲۴

بسمه تعالی

حضور محترم مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای حفظه الله با عرض سلام و درود خالصانه و تبریک صمیمانه ایام مبارک شعبان المعظم و با امید به سرفرازی جمهوری اسلامی و برقراری عدل و تحقق نظرات بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و خشنودی حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان (عج) و بنا به وظیفه شرعی و برادری اسلامی، پس از سالها فراق لحظاتی مصدع اوقات شریفتان می گردم. چند سال است که فضای مسموم ایجاد شده باب گفتگو را با شما و سایر دوستان و یاران دیروز بسته است، در حالی که «گفتگو» کلید دریافت حقایق و حتی به طور کلی رمز تفاهم ملی و مذهبی هر اجتماعی است.

پس از حملات زشت و نابخردانه روزهای جمعه و شنبه ۲ و ۳/۱۰/۷۳ به حسینیه شهدا، گرچه مانند هر آزاده ای آزرده خاطر شدم اما آن را به فال نیک گرفته و با خود اندیشیدم که گوشه‌هایی از این آزارهای چندساله را در نامه ای به عنوان درد دل برای شما بنویسم (و اگر فرصتی دست داد تفصیل آن را در مجالی دیگر برایتان بگویم) اما چند بار فرازهایی از آن را نوشته و پاره کردم. می نوشتم اما انبوهی از سئوالات بر من هجوم می آورد و مایوس می شدم و فکر می کردم آیا کسانی که احياناً از این نامه مطلع می شوند آن را حمل بر سوء نیت نخواهند کرد؟ آیا دستخوش تحلیل‌هایی که در مخیله من هم خطور نکرده قرار نخواهد گرفت؟ و آیا و آیا...؛ اما سرانجام در این جدال حس اعتماد پیروز شد و تصمیم گرفتیم با تداعی آن روزهای خدایی و به یادماندنی انقلاب و جنگ و آن گذشته پر از وفاق و صمیمیت و یکدلی قلم به دست بگیریم و با شما در آن فضای ملکوتی گفتگو کنم، و چون در هفته‌های گذشته جانناز بسر می بردیم و عبارات زیبای شما را در مورد جاننازان دیدم خود انگیزه ای مضاعف شد که نه فقط به عنوان سعید منتظری بلکه به عنوان جانناز کوچکی از انقلاب نیز علاوه بر اینکه هیچ متنی

ندارم تاسف می خورم از اینکه چرا مانند بسیاری دوستان همه وجودم رهین منت شهادت نشد- با شما سخن بگویم.

حضرت آیت الله خامنه ای

عقاید و نظرات پدر من که دوست و دشمن بر سابقه طولانی و درخشان مبارزه و فقاہتش اعتراف دارند بر کسی پوشیده نیست که هر روز عده ای می خواهند چیزی را به ایشان نسبت دهند. پدرم همواره معتقد بود که در ایران با توجه به خصوصیات خاصی که از نظر انسانی، جغرافیایی، فکری، مذهبی، زبانی و... وجود دارد باید همه کسانی که اسلام، ایران و انقلاب را قبول دارند (حتی اگر من و شما را قبول ندارند) زیر یک پرچم واحد جمع شوند و در فضایی آزاد به سازندگی پرداخته و در گردش امور مشارکت کنند، وگرنه این کشور همیشه دچار بی ثباتی و... خواهد بود و هیچ وقت فرصت پیشرفت پیدا نخواهد کرد و بقای حکومت اسلامی و ولایت فقیه را هم در گرو عمل به این مهم می دیدند.

ایشان آزادی و گرایش به وفاق ملی را آرمان مهم انقلاب اسلامی دیده که استقلال کشور را هم تضمین خواهد کرد، و این نظریه هیچ وقت دلالت بر نفی دوستان و یاران او در انقلاب و ترجیح مخالفان آنها نمی کرد، و با وجود آنکه ایشان از پایه گذاران انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی بوده و از همه نزدیکتر به کارگزاران نظام می باشند اما همواره عناصری کوشیده اند نظام و دست اندرکاران آن را در جبهه دشمنی با ایشان قرار دهند و بالعکس. شما و همه کسانی که از سالها پیش که من کودکی بیش نبودم ایشان را می شناسید و به روحیه خاص و صراحت لهجه ایشان بخوبی واقفید، اما هر بار که کلامی بر زبان جاری نمودند بدون اینکه روحیه معروف ایشان را در نظر بگیرند حمل بر غرض کردند و به همین بهانه‌های واهی طی چند سال گذشته یکسره و یکطرفه به ایشان تاخته اند و دهها هزار جلد کتاب و جزوه و صدها مطلب و مقاله در روزنامه‌های کثیرالانتشار با امضاهای معلوم و مجهول و یا مجعول علیه ایشان منتشر شده و می شود و در هر کوی و برزن و شهر و روستا توزیع کرده و می کنند، و اگرچه حجم آنچه به عنوان دفاع در آمده در مقایسه با آنها بی مقدار و غیر قابل ذکر است و با آنکه در مقابل آن همه گفته‌ها و نوشته‌های کاملاً یکطرفه

جواب و سند و دلیل کافی وجود داشت اما ایشان سکوت کردند، زیرا آنان را هم عضو خانواده خود دانسته و دفاع کردن را موجب تشدید تضاد خانوادگی و داخلی و به زیان نظام و انقلاب می دانند و لذا سکوت برایشان گواراتر بوده و هست، و به همین خاطر من هم نمی خواهم از این مقوله‌ها حرف بزنم که این قبیل مجادله‌ها پنجه در روی برادر افکندن است، بلکه می خواهم بر اساس «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» از ظلم‌هایی که در این راستا به کسانی دیگر شده و از عوارضی که ایجاد کرده و می کند سخن بگویم.

حضرت آیت الله خامنه ای

در طی چند سال گذشته به عناوین مختلف دهه‌انفر دستگیر شده اند و مسائل مختلفی بر ما گذشته است که فقط به مواردی از آن پرداخته و توضیحاتی مختصر پیرامون آن‌ها نگاشته که امید است مطمح نظر قرار گیرد. البته اینجانب در حدی نیستم که خواسته باشم در مقام قضاوت قرار گیرم ولی آنچه مهم و باعث ذکر این مورد گشت اتفاق نظر راجع به عدم تناسب جرم! و احکام صادره نسبت به برادران و سروران عزیزی است که جملگی از مخلصین و محبین امام و انقلاب اسلامی بوده و در این راه افتخار آفرین لحظه ای تردید به خود راه نداده اند و همین بس که جملگی از پیش کسوتان انقلاب و جبهه و جنگ و از خانواده‌های محترم و گرانقدر شهدا می باشند و به همین جهت است که این مورد را مقدم بر بقیه موارد و به جهت مراعات مصالح عالیه و حقوق شرعیه مسلم این عزیزان، تقاضامندم مورد توجه و امعان نظر حضرتعالی قرار گیرد.

الف - افراد و احکام صادره:

۱ - حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ غلامحسین ایزدی: اینجانب کوچکتر از آنم که خواسته باشم در مورد فضائل و مناقب و مراتب بلند زهد و تقوا و ... ایشان توضیح دهم و خود حضرتعالی یقیناً نسبت به ایشان و سوابق و لواحقشان شناخت کامل دارید. به هنگام دستگیری، ایشان نماینده فقیه عالیقدر در نجف آباد و سرپرست و مدرس حوزه علمیه با افتخار این شهر شهید داده بودند که بازداشت ایشان منجر به

بروز مسائل ناهنجاری از جمله حمله به زنان محترمه ای شد که برای آزادی ایشان تحصن آرام برگزار نموده و مشغول خواندن دعا بودند، و نهایتاً با عنوان نمودن اتهامهای موهوم و بی اساسی ایشان را مظلومانه به ۵ سال تبعید! در خرم آباد محکوم کردند.

۲ - روحانی خدوم و بسیجی حجة الاسلام آقای زمانیان: که به جرم حمایت از آقای ایزدی!! به ۶ سال زندان محکوم گردیده است و هیچ اتهام دیگری ندارد.

۳ - مهندس محمود دردکشان: از دوستان و یاران برادر شهیدم از قبل از انقلاب و بعد آن و از فعالین جبهه و جنگ و قرارگاه رمضان و در زمان دستگیری، مدیر کل تخلفات اداری وزارت پست و تلگراف و تلفن و استاد دانشکده مخابرات و سرپرست دو خانواده شهید گرانقدر جنگ تحمیلی. (جرم ایشان حداکثر تکثیر و توزیع جوابیه‌هایی بر تهمت‌های مطرح شده نسبت به فقیه عالیقدر و محکومیت ایشان ۴ سال زندان که تا به حال دو سال آن را گذرانده است.)

۴ - برادر جانباز حجة الاسلام شیخ حسنعلی نوریها: گوینده و نویسنده توانایی که اوایل انقلاب در کنار برادر شهیدم و بعد از آن همواره در جبهه‌های جنگ حضور داشت و به اتهام ترویج فقیه عالیقدر به ۲ سال زندان محکوم گردیده و حدود یک سال از آن را گذرانده است.

۵ - کارگر زحمتکش و مخلص آقای خیراللهی: که به جرم فروش رساله فقیه عالیقدر در نماز جمعه اصفهان به سه ماه تبعید در یزد و پس از گذراندن این دوران نظر به اینکه باز به فروش کتاب ادامه دادند! به ۷۰ ضربه شلاق و ۹ سال زندان محکوم گردیده و بیش از یک سال است که در زندان بسر می برد (بسیار جای تاسف است که این جرم و حکم صادره بر آن را روزنامه کیهان هم چاپ کرده بود). قابل توجه است که ایشان علاوه بر سوابق حضور مکرر در جبهه و مجروحیت، چند تن از اعضای خانواده اش به شهادت رسیده اند و او تنها سرپرست مادر سالخورده خود می باشد.

۶ - روحانی مخلص و برادر عزیزم حجة الاسلام حاج شیخ غلامرضا حجتی: که حدود سه ماه است دستگیر شده و با آنکه طی تلفنی که زده اند از ناراحتی کلیه شکایت داشته ولی با این حال در تمام این مدت در سلول انفرادی بوده و با کمال تاسف خبر از بی‌خوابی دادندهای مداوم و...؟! نسبت به ایشان وجود دارد و تاسف انگیزتر اینکه تنها

جرمی که نسبت به وی سراغ دارم حدود ۱۲ سال هم بحث بودن با اینجانب در درس حوزوی می باشد. لازم به ذکر است که برادر ایشان اولین شهید جهاد سازندگی نجف آباد بوده است.

۷ - برادر عزیز حجة الاسلام حاج سید ناصر موسوی: که از زندانیان قبل از انقلاب و از علمداران قیام ۱۵ خرداد ۱۳۵۴ در مدرسه مبارکه فیضیه و بعد از انقلاب هم در خدمت سپاه پاسداران انقلاب و دفتر فقیه عالیقدر که حدود ۲ ماه زندان انفرادی و ...؟! را متحمل و اینک موقتا تا زمان دادگاه آزاد گردیده است. (جرم ایشان فتوکپی کردن چند نسخه از جوابیه تهمت‌های وارده بر فقیه عالیقدر بوده است.) قابل ذکر است که ایشان هم برادرش شهید مفقود الجسد می باشد.

۸ - روحانی مخلص و جانباز حجة الاسلام آقای سید ابراهیم حجازی: که به جرم نوشته وزینی که در جواب اتهام‌های وارده بر فقیه عالیقدر در جزوه ای موسوم به «قضاوت نامه» تهیه کرده بود به ۲۰ ماه حبس محکوم و تا حال اکثر آن را گذرانده است. هر کس که این جوابیه به جزوه قضاوت نامه را می خواند و از این محکومیت مطلع می شود انگشت حیرت بر دهان می گیرد.

۹ - دانشجو و روحانی بسیجی حجة الاسلام آقای رضا احمدی: که حدود سه ماه است دستگیر و در تمام این مدت در سلول انفرادی و با کمال تاسف در طی این مدت متحمل فشارهای روحی و جسمی؟! گردیده است. این برادر عزیز قبلا هم یک سال تمام در زندان بسر برده و در دوران جنگ نیز داوطلبانه مدت مدیدی در جبهه حضور داشته است.

- لازم به ذکر است که دهه‌انفر دیگر هم طی این مدت دستگیر و با گذراندن محکومیت‌های خود آزاد گردیده اند و همچنین برای اکثر آنان زندان‌های تعلیقی و... در نظر گرفته اند.

ب - عزل و برکناری افراد لایق و مخلص و باصلاحیتی که غیر از خدمتگزاری نظام هیچ داعیه ای نداشته اند که در این مورد حرف فراوان است و تنها دو مورد آن را متذکر می شوم:

۱ - برادر عزیزم آقای جلالی، معاونت دادستان انقلاب مشهد را به خاطر اینکه پدرم

در مسافرت به مشهد مقدس در منزل ایشان مهمان شده بود از کار برکنار نمودند و حتماً حضرتعالی ایشان را خوب می‌شناسید. سوابق مبارزاتی ایشان نیاز به توضیح ندارد.

۲ - عزل چند تن از حضرات آقایان ائمه محترم جمعه تنها به دلیل علاقه مندی به آیت الله منتظری.

ج - تصاحب منزلی که در اختیار خانواده برادر شهید و گرانقدرم بود که البته اصل آن مهم نیست بلکه برخوردهای زشت و ناپسندی که در هنگام تصاحب مرتکب شدند مورد نظر است. لازم به ذکر است که این منزل در دوران جنگ به عنوان پناهگاه ساخته شده بود و درب آن به منزل پدرم و منزل برادر شهیدم باز می‌شد که بدون اطلاع قبلی و با ایجاد رعب و وحشت و... در روز عید مبعث پارسال قفل آن را شکسته و وارد شدند و آنجا را به یکی از شعبات وزارت اطلاعات تبدیل کردند. آیا اگر خود شما بدانید که در خانه دیوار به دیوارتان عده ای بهانه جو و افراد غریبه و نامحرم با وسایلی گفتگوهای عادی خانوادگی تان را گوش می‌کنند چه احساسی پیدا خواهید کرد؟ (مشروح این ماجرا در نامه ای به ریاست محترم جمهوری نوشته شده بود که جهت اطلاع ضمیمه می‌گردد).

د - اموال و اسباب و اثاثیه و آرشیو دفتر: بعد از قضایای بهمن ۱۳۷۱ که منجر به غارت و توقیف اموال و اسباب و اثاثیه دفتر و حسینیه گردید بنا شده بود که نسبت به عودت آن‌ها اقدام شود و اکنون بعد از گذشت دو سال هنوز قسمت اعظم آن را عودت نداده‌اند. بد نیست در این مورد مطلبی را نقل نمایم؛ دفعه آخری که برای تحویل گرفتن مختصری از اثاثیه به اداره اطلاعات قم رفته بودم مسئول آن اداره چنین گفت: «دیدید که جوسازی و پیش این و آن رفتن اثر ندارد، ما همان جور که اثاثها را بردیم هر وقت هم خودمان خواستیم پس می‌دهیم». اینجانب گفتم این حرف خوبی نیست که می‌زنید زیرا آیت الله مومن گفتند که آیت الله خامنه ای فرموده اند کلیه اموال و اثاثیه که برده شده بازگردانده شود و حالا شما می‌گویید هر وقت خواستیم پس می‌دهیم. وی گفت که: «ایشان چنین نفرموده و آقای مومن خودشان چنین

برداشتی نموده اند» و من هم در جواب گفتم اگر امر دایر شود بین اینکه بگویند آیت الله مومن راست می گوید یا اطلاعات و دادگاه ویژه همه خواهند گفت آیت الله مومن، که ایشان ناراحت شد و دیگر بحثی نشد.

تا این ساعت اکثر اسباب و اثاثیه و کل آرشیو دفتر در اختیار آنهاست و بر حسب ظاهر آن را فراموش شده تلقی می نمایند.

ه - در تمام سنوات گذشته با لطائف الحیل سعی شده که حالت ترس و خودگریزی نسبت به دفتر و بیت فقیه عالیقدر ایجاد شود و به منظور اخلال در درس فقیه عالیقدر به طرق مختلف عده ای از فضلا را تهدید و مرعوب کرده اند که البته توفیقی هم نیافته اند.

و - و اما آخرین قضیه: در روز جمعه ۷۳/۱۰/۲ (پس از پخش اعلامیه‌های اهانت آمیز در سطح شهر قم) حدود ۲۰۰ نفر با اجتماع در مقابل حسینیه شهدا شعارهای زشت و زننده ای سر دادند و سپس بر درب ورودی حسینیه (که زمانی نه چندان دور محل برگزاری سمینارهای ائمه جمعه و تجمع نهضت‌های آزادیبخش سراسر جهان و محل درس فقیه عالیقدر است و ایشان در تمام دوران جنگ تحمیلی از این حسینیه مشوق رزمندگان عزیز و... بودند) پلاکاردی با عنوان «مسجد ضرار» نصب نمودند.

بد نیست بدانید که از اول ماجرا تا آخر نیروهای انتظامی و اطلاعاتی شاهد ماجرا بودند و هیچ گونه عکس‌عملی از خود نشان ندادند، گرچه لابد بر حسب قوانین و مقررات بایستی برگزار کنندگان چنین اجتماعاتی ولو محدود مشخص و مجوز لازمه را از وزارت کشور و فرمانداری محل کسب نمایند. یکی از سرکردگان این اجتماع چیزی شبیه قطعنامه ایراد و در آن خواستار برکناری آیت الله مومن و تعطیلی درس فقیه عالیقدر شد و به مسئولین یک هفته مهلت داد تا نسبت به تعطیلی درس اقدام کنند و الا خود آنها چنین خواهند کرد.

در جلسه ای که عصر همان روز در مدرسه معصومیه گرفته شد گفته اند که تا یک هفته دیگر که مهلت داده ایم آنها از آسیاب می افتد و لذا خودمان فردا برای تعطیلی

درس خواهیم رفت و حتی تصمیم به تخریب داخل حسینیه هم در همان جلسه گرفته شده بود، و وقتی اواخر شب از این مطلب مطلع شدم نتوانستم به خود بقبولانم که آن‌ها چنین عمل زشتی را مرتکب خواهند شد و لهذا با هیچکس در میان نهدم و چنین پنداشتم که لابد عده ای خواهند آمد و وقتی جلسه درس و استاد و شاگردان معنون و بزرگوار و... را دیدند از خود شرم کرده و حداکثر شعاری داده و خواهند رفت.

صبح شنبه ۷۳/۱۰/۳ ساعت ۸/۵۰ صبح، زشت ترین روزی است که بر تاریخ انقلاب اسلامی مان گذشته است.

پس از پایان درس فقه، عده ای به اصطلاح طلبه ۲۰ الی ۳۰ ساله به سرکردگی دونفر طلبه معمم!! شعارهای همیشگی شان را تکرار و ناگهان در برابر چشمان حیرت زده و ناباورانه شاگردان درس فقیه عالیقدر که بنا بر توصیه‌های مکرر ایشان با صبر و حلم انقلابی و توصیف ناپذیری سکوت نموده و فقط تماشاگر آن‌ها بودند شروع به شکستن تریبون و صندلی و آینه و واژگون کردن بخاریهای روشن و... نمودند و سپس با کمال بیشرمی اعلام کردند که فردا هم خواهند آمد و مانع برگزاری درس خواهند شد و هر کس فردا برای درس حضور یابد حکم ضدانقلاب را خواهد داشت.

حضرت آیت الله خامنه ای

خدای متعال خود شاهد است که ارادت و علاقه و دلسوزی که اینجانب به شما و انقلاب و نظام دارم بیش از علاقه این جمع تظاهراتچی است و به همین جهت است که نمی توانم در مقابل حرکات زشتی که در ظاهر به نام حمایت از شما و در واقع برای بدبینی و اختلاف و... از طرف عناصر معلوم الحال و فرصت طلب انجام می شود ساکت باشم و ناچار دست به قلم بردم، و با توجه به شناختی که از حضرتعالی دارم یقین دارم که از کلام این حقیر آزرده خاطر نخواهید شد و الا مانند گذشته و مانند بقیه فقط تماشاگر این اوضاع می گردیدم.

آنچه بیش از همه موجب تاثر خاطر حقیر و بسیاری از مومنین گشته است مسائلی می باشد که بر افراد زندانی و خانواده‌های آنان و... می گذرد، چه اینکه به هیچ وجه توجیهی بر آن نمی توان یافت، و بسیار سخت است باور این مطلب که دلسوزان انقلاب و نظام به اتهامات واهی در زندان و در معرض برخوردهایی باشند که

مکتوب نمودن آن را هم به مصلحت نمی دانم.

آیا کسانی که در اطلاعات و دادگاه ویژه مسئول این اعمال هستند حتی یک لحظه به کرده خود شک نموده اند؟ آیا حتی یک لحظه با مرور بر سوابق این افراد با خود فکر کرده اند که چرا با آنان که همگی از فرزندان انقلاب و جبهه و جنگ بوده اند این گونه رفتار می شود؟ و اصلاً چرا کار به اینجا کشیده است؟ آیا یک لحظه با خود فکر کرده اند که چنین افرادی چطور می توانند نسبت به نظام جمهوری اسلامی مغرض باشند که البته و متأسفانه با علم به اینکه نسبت به نظام اسلامی مغرض نبوده اند با آن‌ها این گونه معامله شده؟ آیا خودشان را دقایقی به جای این مظلومان گذاشته اند تا ببینند اگر به همین راحتی و با چرخش قلم (و به دلیل توبه نکردن یا عفو و عذرخواهی ننوشتن و... در مورد عمر یک نفر تصمیم بگیرند و) او را حبس کنند و کانون گرم خانواده‌ها را از هم بپاشند چه می کنند؟ آیا از افرادی که این چنین مورد ستم قرار گرفته اند و همه اقوام و آشنایان آن‌ها متاثر شده اند دیگر می توان انتظار اعتماد و علاقه داشتن به مسئولین را داشت؟ چرا باید با این کارها بهانه به دست دشمنان حقوق بشر بدهیم که با ادعای دروغین دفاع از حقوق بشر کشور زخم آلود ما را بدنام کنند و به آن خنجر بزنند؟ آیا احتمال نمی دهید که برخی از افراد دچار توهم شده اند؟ آیا احتمال نمی دهید جعل اخبار سری کنند؟ آیا احتمال نمی رود که برخی می خواهند در شکاف میان دلسوزان انقلاب و نظام زندگی کنند و نان و زندگی و رشد و موقعیت خود را از تشدید این فاصله‌ها به دست می آورند؟ آیا احتمال نمی رود که نوعی بدبینی افراطی بوجود آمده باشد؟ (چون در امور مهمه احتمال هم منجز است.) چرا به هر نحوی کوشش می شود ما را از نظام و نظام را از ما دور کنند و فرزندان انقلاب را به موضع مخالف سوق دهند، و هر چه آن‌ها بر عقیده شان نسبت به انقلاب و نظام پافشاری می کنند (که با کارنامه مبارزه و ایثار و شهادت خود و خانواده و نزدیک ترین دوستانشان امضا شده) اصرار دارند آن را انکار کنند؟ چه دستی در کار است و چرا باب گفتگو را سد کرده اند؟ کیست که نداند پدر من ذره ای به فکر قدرت و مرجعیت نبوده و از گسترش آزادی و تقویت اسلام و نظام و انقلاب به دست شما و هر شخص دیگری همان اندازه و بلکه بیشتر لذت می برد که به دست خودش؟ آنچه اهمیت دارد هدف است و لاغیر. ایشان که بارها گفته است «اگر احساس مسئولیت نبود دوست داشتم منزوی باشم...

و انسان عاقل حتی الامکان از قبول مسئولیت سنگین می‌گریزد» و حضرت‌عالی و حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای هاشمی و سایرین هم با شناخت دیرینه‌ای که از ایشان دارید می‌دانید که واقعیت جز این نیست، اما چرا می‌کوشند ایشان را خطری برای انقلاب و نظام جلوه دهند به گونه‌ای که آن آقا می‌گوید امپریالیسم ما آقای منتظری است! شما که حتماً بیشتر از ما از مسائل مطلع می‌باشید و می‌دانید که گسترش وحشتناک پنهان و آشکار مفاسد جنسی، مالی، اعتیاد، بی‌بندوباری و... کشور را با خطر جدی مواجه کرده و شما که می‌دانید فروپاشی اقتصاد بیمار ما در اثر توطئه‌های مرموز اجانب و ۸ سال جنگ تحمیلی و انواع و اقسام تهدیدات داخلی و خارجی چقدر جدی است، و یقیناً اوضاع اسفبار مسلمین و مستضعفین جهان را در نظر دارید، آیا این خطرات را رهاکردن و این همه سرمایه‌گذاری کردن علیه کسانی که همه سلولهایشان فریاد اسلام و انقلاب اسلامی را می‌زند منصفانه است؟

استاد و رهبر بزرگوار

اکنون بیش از هر زمانی دریافته‌ام که تمام عمر جز لحظه‌ای و چشم به هم زدنی بیش نیست و ارزش جدال کردن را ندارد و آنچه به نام ما در تاریخ می‌ماند همان است که در روز جزا در برابر ما قرار می‌گیرد، و من به عنوان برادر کوچک و فرزند شما وظیفه دانستم که آنچه را در دلم می‌گذرد برایتان بازگو کنم که در روز جزا رؤسید باشم. به امید روزی که ابرهای تیره کدورت کنار رود و همدلی و وفاق بر ما و بر همه کشور سایه افکند و یک دست و یک صدا برای پیشرفت اسلام و کشور عزیزمان بکوشیم.

دوازدهم شعبان المعظم ۱۴۱۵ - ۱۳۷۳/۱۰/۲۴

فرزند شما - سعید منتظری

ضمیمه نامه به آیت الله خامنه ای:

به نام خدا

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران دامت افاضاته

با سلام و آرزوی موفقیت برای آن جناب، با کمال تاسف به عرض می رساند که مامورین اداره اطلاعات قم پیرو دخالتهای تحریک آمیز در امور مربوط به حسینیه شهدا که آخرین آن کندن شیروانی جلو درب ورودی حسینیه در تاریخ ۷۲/۱۰/۱ است که صرفاً جهت جلوگیری از ریزش برف و باران در کفشهای طلبه‌ها و مراجعین دیگر تهیه شده بود، کار را به جایی رسانده اند که در یک اقدام بسیار زشت و رسوا و بدون اطلاع و تذکر قبلی و ارائه حکم و... در ساعت ده صبح بیستم دی ماه (عید سعید مبعث) از دیوار منزلی بالا رفتند که اصالتاً مربوط به سپاه و به عنوان پناهگاه بیت ساخته شده و در طول سال‌های گذشته در اختیار خانواده فقیه عالیقدر و خانواده شهید مظلوم ایشان قرار داشت، سپس با دیلم و چکش و دلم... که با سر و صدای زیاد و رعب و وحشت همراه بود قفل‌های درب ساختمان و... را شکسته و آن را تصرف نمودند.

جناب آقای هاشمی رفسنجانی

این ساختمان و چند قطعه موکت و کمد و مختصر اثاثیه منزل چندان مهم نیست که وقت آن جناب به خاطر آن گرفته شود، ولی پیدایش صحنه‌هایی این چنین در زمان حکومت حضرتعالی و در شهر مقدس و امن قم - و نه اینکه در بوسنی و فلسطین اشغالی - و برای خانواده و فرزندان معصوم برادر شهیدم - که افتخار سرپرستی شان را دارم و غم و اشکشان را در حادثه هجوم به بیت و غارت اموال در بهمن ۷۱ و در مورد اخیر شاهد بودم - شاید برای شما خوشایند نباشد و آن را قلباً محکوم نمایم ولی خدا و آخرت و قانون و عدل و انصاف و وجدان بیش از این را می طلبد؛ هر چند نامه برادر عزیزم آقای حاج احمد منتظری به جنابعالی راجع به حمله به بیت و بردن اموال و اثاثیه و آرشو و... که هنوز هم برگشت داده نشده است بی جواب ماند، ولی برای اینکه نگویید بی اطلاع بودیم اقدام به نوشتن این یادداشت نمودم. ان شاء الله موفق باشید.

۱۳۷۲/۱۰/۲۱ - برادر شما، سعید منتظری

پیوست شماره ۲۴۶: مربوط به صفحه ۷۵۴

نامه معظم له به حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در مورد ذبح در منی

تاریخ ۱۳۷۶/۱/۱۸

بسمه تعالی

تهران - جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور

محترم دامت افاضاته

پس از سلام

در جراید خواندم که محتمل است به حج مشرف شوید، چنانچه ان شاءالله موفق شدید
بجا است - علاوه بر مذاکرات سیاسی - یک امتیاز مذهبی نیز تحصیل نمایید:

بر حسب فتاوی فقهاء سنت ذبح هدی در خارج منی نیز مجزی است و آنان مشکلی
ندارند؛ ولی بر حسب اخبار ما و فتاوی فقهاء ما ذبح هدی باید در منی باشد و فعلا اکثر
شیعه به عنوان ضرورت در خارج منی ذبح می کنند، و جمعی نیز در ایام تشریق مخفیانه
ذبح را در منی انجام می دهند که بسیار بد نما است. اگر بتوانید دوستانه از مسئولین بالای
عربستان بخواهید محلی را در گوشه ای از منی برای مذبح شیعه اختصاص دهند و از ناحیه
خودشان یا دولت ایران به وسائل ذبح و سردخانه مجهز شود، این امر موجب خوشنودی و
امتنان علماء و ملت شیعه و یادگاری خوب از جنابعالی و مسئولین عربستان خواهد بود.
این موضوع چون مربوط به تکلیف متجاوز از دویست میلیون شیعه است اهتمام نسبت به
آن بسیار بجا است. والسلام علیکم.

قم - حسینعلی منتظری

بیتالی

تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۴۸

شماره

بیوست

تهران جناب مستطاب حجی الاسلام والمسلمین آقای کوشی زینباز رئیس جمهور محترم دست افشا
 پس از سلام درجواند خواندم که محمد استبجج مرف لوید ، چنانچه ان شاء الله توفیق شود
 سجا است - علاوه بر مذاکرات سیاسی - یک امتیاز مذهبی نیز تحصیل نمایند :
 بر حسب فتاوی فقهاء سنت ذبح بدنی در خاروج من نیز مجزی است و آنان مشکلی ندارند
 ولی بر حسب اخبار ما و فتاوی فقهاء ما ذبح بدنی باید در من باشد و فعلاً اگر شیعه لغو ضرورت در خاروج من ^{میلند} ذبح
 و جمعی نیز در امام شریف مخفیانه ذبح را در من انجام میدهند که بسیار بدنام است . اگر بتوانند دوستانه
 از مسئولین بالای عربستان بخواهند مجازی را در گوشه ای از من برای ذبح شیعه اختصاص دهند و از ناخیم ^{فرد}
 یا دولت ایران بوسایل ذبح و سردخانه مجز شود ، این امر موجب خوشنودی و امتنان علماء و ملت شیعه
 و یادگاری خوب از جنابعالی و مسئولین عربستان خواهد بود . این موضوع چون مربوط به تکلیف بینا و از
 دولت میلیون شیعه است اهتمام نسبت به آن بسیار بجاست و السلام علیکم - تم حسینعلی منتظری



پیوست شماره ۲۴۷: مربوط به صفحه ۷۵۴
رونوشت پاسخ دفتر رئیس جمهور به نامه معظم له

بسمه تعالی

جناب آقای نوری شاهرودی
سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران - ریاض
با سلام

نامه مورخ ۷۶/۱/۱۸ آیت الله حسینعلی منتظری در خصوص
اختصاص محلی در گوشه ای از منی برای مذبح شیعه، که تصویر آن
به پیوست ارسال می گردد، به استحضار مقام محترم ریاست جمهوری
رسید، پی نوشت فرمودند:

جناب آقای نوری
مذاکرات مقدماتی را داشته باشند تا در فرصت مناسبی مطرح شود.
محسن هاشمی

۷۹۸/۱۱

۱۳۷۶/۱۱/۲۳

رونوشت:

- جناب آقای دکتر ولایتی وزیر محترم امور خارجه، همراه با تصویر
- آیت الله حسینعلی منتظری



جمهوری اسلامی ایران

دفتر رئیس جمهور

رئیس دفتر

شماره
تاریخ
پوست

بسمه تعالی

جناب آقای نوری شاهرودی
سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران - ریاض

باسلام

نامه مورخ ۷۶/۱/۱۸ آیت ا... حسینعلی منتظری درخصوص
اختصاص محلی در گوشه ای از منی برای مذبح شیعه، که تصویر آن
به پیوست ارسال می گردد، به استحضار مقام محترم
ریاست جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

جناب آقای نوری

مذاکرات مقدماتی را داشته باشند
تا در فرصت مناسبی مطرح شود.

محسن هاشمی

۷۹۸/۱۱

۷۹۴/۱۱/۲۲

رونوشت:

- جناب آقای دکتر ولایتی
- وزیر محترم امور خارجه، همراه با تصویر
- آیت الله حسینعلی منتظری ✓

پیوست شماره ۲۴۸: مربوط به صفحه ۷۵۴

نامه معظم له به حجة الاسلام والمسلمین خاتمی در مورد ذبح در منی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد خاتمی رئیس جمهور
محترم دامت افاضاته

پس از سلام، چون بنا دارید به عربستان سفر کنید و روابط دو کشور در سطح خوبی قرار گرفته بجا است مساله ای را که سابقا به جناب آقای هاشمی نوشتم و ایشان -از قرار مسموع- مساله را با مقامات عربستان مطرح کرده اند جنابعالی تعقیب کنید تا -ان شاءالله- به نتیجه مطلوب برسند. توجه دارید که حج از ارکان اسلام است، و راجع به ذبح و نحر اهل سنت مشکلی ندارند چون به نظر علمای آنان «جبال مکه کلها منحر» ولی استفاد از روایات ما که فتاوی فقهای ما نیز بر آن متطابق می باشند جای ذبح و نحر خصوص منی است. چنانچه عمل حضرت ابراهیم(ع) نیز در منی واقع شد، و فعلا اکثر شیعه به عنوان ضرورت در خارج منی ذبح می کنند، و جمعی نیز در ایام تشریق مخفیانه در منی ذبح می کنند که هم مشکل و هم زننده است.

لذا بجا است دوستانه از مقامات عربستان بخواهید محلی را در گوشه ای از منی که سابقا مذبح بوده برای ذبح اختصاص دهند و از ناحیه خود آنان یا دولت جمهوری اسلامی ایران به وسایل ذبح و نحر و سردخانه مجهز شود؛ این امر موجب خوشنودی خدا و امتنان علما و ملت شیعه و یادگاری خوب از جنابعالی و مقامات محترم عربستان خواهد بود. توجه دارید که این مساله مربوط به تکلیف شرعی متجاوز از دویست میلیون شیعه می باشد و اهتمام به آن -در کنار مسائل سیاسی و اقتصادی- از اهم واجبات است. ان شاءالله موفق باشید.

و التمس منكم الدعاء

قم المقدسه - ۲۳ محرم ۱۴۲۰ - ۱۳۷۸/۲/۲۰

حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جناب منتظاب حجۃ الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمد خالصی رئیس جمهور محترم را
 پس از سلام چون بنا دارم به عربستان سفر کنید، دروالتاد و کتور در سطح خوب قرار گرفته
 بجایست سائلم ای را که سابقاً به جناب آقای کاشمی نوشتیم و این - از قرار سموح - سائل را
 با مقامات عربستان مطرح کرده (زند، جناباً تعصیب کنند تا - ان شاء الله - به نتیجه مطلوب
 توجه دارم که حج ازارگان اسلام است، و راجع به ذبح و کخر اهر سنت مسلمانی ندارند چون
 بنظر علماء آنان «جبال مکة کلها منحر» و متفاد از اروايات ما که فتاوی فقهاء ما
 نیز بر آن متفقین می باشند جای ذبح و کخر خصوص منی است - چنانچه محل حضرت ابراهیم
 نیز در منی واقع شد، و فعلاً اگر تسبیح به عنوان ضرورت در خارج منی ذبح می کنند
 و جمعی نیز در انا تم سترق محضاً نه در منی ذبح می کنند هم مشکل و هم زنده است
 لذا بجایست دوستان از مقامات عربستان بخواهید محلی را در گوشه ای از منی که سابقاً
 مذبح بوده برای ذبح اخصاص دهند و از ناچید خود آنان یا دولت جمهوری اسلامی ایران
 به وسایل ذبح و کخر و سردخانه مجهز شود؛ این امر موجب فوئودوی خدا و امتسان علماء
 و ملت تسبیح و یادگاری خوب از جنابان و مقامات محترم عربستان خواهد بود
 توجه دارم که این سائل مربوط به تکلیف شرعی میجاوز از محبت دینون تسبیح می باشد
 و اهتمام به آن - در کنار مسائل سیاسی و اقتصادی - از اهم و مهم است ان شاء الله موفق باشید
 والسلام منکم الدعاء تم القعدة ۲۳ محرم ۱۴۲۰ - ۲۰/۲/۱۳۷۸

پیوست شماره ۲۴۹: مربوط به صفحه ۷۵۵

پیام تبریک معظم له به مناسبت انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری

تاریخ ۶۸/۵/۱۲

بسمه تعالی

تهران جناب مستطاب حجة الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور محترم
جمهوری اسلامی ایران دامت افاضاته

پس از سلام و تحیت و تبریک به مناسبت انتخاب جنابعالی به مقام ریاست
جمهوری از طرف ملت شریف و آگاه ایران، با توجه به اینکه مقام‌ها و پست‌ها از نظر
اسلام مسئولیت و امانت الهی است، و با شناختی که از سوابق مبارزاتی و تعهد
جنابعالی نسبت به اسلام و انقلاب چه قبل از پیروزی و چه بعد از آن دارم، و اینکه
همواره مورد اعتماد رهبر فقید انقلاب حضرت امام قدس سره الشریف بوده اید،
امیدوارم با عنایت خداوند قادر متعال بتوانید در این مسئولیت خطیر به اسلام و
انقلاب و اقشار محروم و مستضعف که صاحبان اصلی انقلاب و کشور می باشند
خدمت کنید، و با قاطعیت و صراحت با استفاده از افراد با تجربه و متعهد و دلسوز
به ارزش‌ها و اهداف والایی که شهدای عزیز ما جان‌های پاک خود را در راه تحقق
آن‌ها تقدیم کردند عینیت بخشید و موجب عزت اسلام و مسلمین و سربلندی
کشور عزیز و قطع طمع دشمنان گردید. توفیق بیشتر شما را از خدای بزرگ
مستلت می نمایم.

قم - حسینعلی منتظری

بسمه تعالی

تاریخ ۱۳۰۵/۱/۹

شماره

سازشی

تهران جناب مستطاب حجه الاسلام آقای محمد حسن رفیعی رشتی رئیس جمهور محترم جمهوری
ایران دامت افاضاته

پس از سلام و تحیت و تبریک بمناسبت انتصاب جناب عالی به مقام ریاست جمهوری
از طرف ملت شریف و آلاء ایران، با توجه باینکه معاها و پستها در نظر اسلام
مسئولیت و امانت الهی است، و ما نمائندگی که از سوی این مبارزان و قهرمانان بنا نسبت
باسلام و انقلاب چه قدر از پیروزی و چه بعد از آن دارم، و اینکه همواره مورد اعتماد
رهبان فقید انقلاب حضرت امام قدس سره الشریف بوده اید

امید دارم با عنایت خداوند قادر متعال بتوانید در این مسئولیت خطیر با سلام و انقلاب
و اوقار محروم و مستضعف که صاحبان اصلی انقلاب و شوروی باشند خدمت کنید
و با قاطعیت و صراحت با استفاده از افراد با تجربه و شعهد دل سوز بارز که با اهدا
والا نه که آمدن عزیز ما جانانی با ک خود را در راه تحقق التا قدم کردند غنیمت بخشد
و لوصب عزت اسلام و مسلمین و سر بلندی کور عزیز و قطع طمع دشمنان گردید
توفیق بکثیر را از خدای بزرگ منالست می نامم تم حسینی منتظر است

پیوست شماره ۲۵۰: مربوط به صفحه ۷۵۵

پاسخ جناب آقای هاشمی رفسنجانی به پیام معظم له

بسمه تعالی

محضر مبارک فقیه عالیقدر حضرت آیت الله منتظری
نامه محبت آمیز و دلگرم کننده جنابعالی در خصوص انتخاب و
مسئولیت جدید اینجانب واصل گردید.
ضمن اعلان تشکر و دعا برای سلامتی و توفیق بیشتر وجود
مبارک شما، امیدوارم که در آینده از محبت‌ها و راهنمایی و نصایح
جنابعالی برخوردار باشم.
تردیدی ندارم که حضرت تعالی از حمایت و تشویق خدمتگزاران
انقلاب و اسلام که عمرتان را در راه تقویت آن‌ها صرف کرده اید و
بزرگترین هدف و آرزوی شما در زندگیتان بوده است دریغ
نخواهید نمود.

ارادتمند، اکبر هاشمی رفسنجانی

۶۸/۶/۲۰



بسمه تعالی"

محضر مبارک فقیه عالیقدر حضرت آیه الله المنتظری

نامه‌ی محبت آمیز و دلگرم کننده‌ی جناب عالی در خصوص انتخاب و مسئولیت جدید اینجانب واصل گردید .
ضمن اعلان تشکر و دعا برای سلامتی و توفیق بیشتر وجود مبارک شما، امیدوارم که در آینده از محبت‌ها و راهنمایی و نصایح جناب عالی برخوردار باشم .
تردید ندارم که حضرت عالی از حمایت و تشویق خدمتگزاران انقـلاب و اسلام که عمرتان را در راه تقویت آنها صرف کرده‌اید و بزرگترین هدف و آرزوی شما در زندگی‌تان بوده‌است دریغ نخواهید نمود . /

ارادتمند

اکبرهاشمی رفسنجانی

پیوست شماره ۲۵۱: مربوط به صفحه ۷۵۵

رهنمودهای معظم له راجع به هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی آقای منتظری دامت برکاته

پس از سلام، با توجه به وظیفه و نقش رئیس جمهور در اجراء احکام و اداره کشور بر اساس اسلام و قانون اساسی و اهمیت انتخابات ریاست جمهوری و با توجه به اینکه حضرتعالی از اول همگام انقلاب بوده و همیشه در مقاطع حساس آن اظهار نظر فرموده اید، مستدعی است وظیفه شرعی-سیاسی مقلدین و علاقه مندان خود را در مقطع حساس فعلی یعنی انتخاب رئیس جمهور که به سرنوشت انقلاب و کشور مربوط است تعیین فرمایید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱۳۷۶/۲/۴ - جمعی از علاقه مندان و مقلدین حضرتعالی

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعین

پس از سلام و تحیت، اهمیت و حساسیت انتخابات در جمهوری اسلامی ایران بخصوص برای تعیین رئیس جمهور - که وظیفه اش اداره کشور بر اساس دستورات اسلام عزیز و قانون اساسی و آرمان‌های انقلاب است - بر کسی پوشیده نیست، و بر این اساس لازم است به دو موضوع مهم توجه شود:

۱ - از طرف مسئولین محترم و ارگان‌ها، دادن آزادی واقعی به مردم در تشخیص و انتخاب فرد اصلح بدین نحو که همه طبقات مردم - که صاحبان اصلی انقلاب و کشور هستند - احساس کنند که واقعا فردی را که تشخیص داده اند اصلح است، می توانند آزادانه انتخاب نمایند، و چنین نباشد که گروهی یا جناح خاصی با تبلیغات یا اعمال نفوذ خود را قیم و عقل منفصل مردم فرض کنند و به نام مصلحت خواهی مردم کسی را بر آنان تحمیل نمایند که در این صورت مردم بی تفاوت شده و به تدریج از صحنه انقلاب و سیاست کشور و تعیین سرنوشت خویش کنار می روند و قهراً انقلاب و کشور

در برابر خطرات و تهاجمات احتمالی آسیب پذیر خواهد بود.

۲ - مردم عزیز ما نیز توجه کنند که آرای آنان به منزله امانت‌هایی است که به کسی می‌سپارند، سعی کنند با دقت در شناخت و مشورت با اشخاص آگاه و متعهد امانت را به اهلش سپرده و افراد امین، متعهد، قوی‌الاراده، آگاه و باتجربه را برای مسئولیت‌های حساس انتخاب نمایند.

چنین نباشد که ناآگاهانه تحت تاثیر فشارها و جوسازی‌های تبلیغاتی قرار گیرند، و بدانند اگر فرد غیرامین و ناصالحی با آراء آنان انتخاب شود، آنان نیز در کارهای خلافی که ممکن است به وسیله او انجام شود مسئول می‌باشند. ملاک انتخاب را صلاحیت و لیاقت و کاردانی و تعهد عملی افراد نسبت به اسلام و ارزش‌های انقلاب و حقوق مردم قرار دهند. کسی را انتخاب نمایند که هدفش واقعا تامین مصالح کشور و انقلاب و مردم است و عملا پای بند به دین و قانون اساسی و خواسته‌های مشروع مردم و آزادیهای مصرح در قانون اساسی می‌باشد، و توانایی این مسئولیت سنگین را در او احراز کرده باشند. با توجه به دو موضوع فوق، شرکت در انتخابات ریاست جمهوری وظیفه هر فرد عاقل و علاقه مند به ارزش‌های دینی و انقلابی خواهد بود. از خداوند قادر متعال توفیق همگان را در انجام وظائف و مسئولیت‌ها مسئلت می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱۸ ذی الحجة الحرام ۱۴۱۷ - ۱۳۷۶/۲/۶

قم - حسینعلی منتظری

پیوست شماره ۲۵۲: مربوط به صفحه ۷۵۶

پیام تبریک معظم له به مناسبت انتخاب آقای سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد خاتمی رئیس جمهور
محترم دامت افاضاته بحق محمد و آله

پس از سلام و تحیت و تبریک به مناسبت انتخاب شایسته جنابعالی از طرف مردم آگاه و
متعهد ایران، و تقدیر و تشکر از ملت عزیز که با حضور در پای صندوقهای رای و دخالت
در تعیین سرنوشت کشور خود مراتب رشد و آگاهی خود را به نمایش گذاشتند، به عرض
می رساند:

هرچند محتمل است بعضی از علاقه مندان جنابعالی خوش نداشته باشند که من
برای شما نامه بنویسم ولی با سابقه آشنایی که با خود شما و با ارادت خاصی که
نسبت به مرحوم والد شما مرد فضیلت و تقوا حضرت آیت الله آقای حاج سید
روح الله خاتمی (طاب ثراه) داشته و دارم، لازم دیدم پس از انتخاب جنابعالی به عنوان
رئیس جمهور ایران اسلامی ضمن تبریک به شما و به مردم رشید ایران مطالبی را مختصراً
یادآور شوم:

۱ - می دانم که الان مسئولیت سنگینی به عهده جنابعالی گذاشته شده و اداره امور
اجرائی کشور وسیع ایران در شرائط فعلی -باقی ماندن بسیاری از خرابی های جنگ
تحمیلی، مشکلات اقتصادی و تورم، وجود برنامه های نیمه تمام، توقعات و انتظارات
طبقات مختلف، وجود فشارهای خارجی و احتمال کارشکنی های داخلی - بسیار طاقت فرسا
و مشکل است، ولی شما با صبر و استقامت کامل و توکل به خدا و سعه صدر تصمیم
بگیرید به اسلام و بندگان خدا و انقلاب و کشور خدمت کنید، ان شاء الله خدا یار و پشتیبان
شما خواهد بود، «ان تنصروا الله ینصرکم و ینصركم و ینصركم و ینصركم»؛ و از رسول خدا (ص) سؤال شد:
«من احب الناس الی الله؟» قال: «انفع الناس للناس» (الکافی ۲/۱۶۴) خداوند ان شاء الله وجود
شما را در هر حال نافع و مفید قرار دهد.

۲ - جنابعالی به این انتخاب به عنوان یک موقعیت بالا نگاه نکنید بلکه به عنوان یک
مسئولیت سنگین و یک امانت الهی و مردمی نگاه کنید؛ امیرالمومنین (ع) به استنادار

آذربایجان نوشتند: «ان عملک لیس لک بطعمة و لکنه فی عنقک امانة» (نهج البلاغه، نامه ۵)؛ انتخاب جنابعالی در شرائط فعلی ایران یک انتخاب عادی نبود بلکه یک انقلاب مردمی بود در برابر وضع موجود، اهمیت این مسئولیت و انتظارات بجای اقشار آگاه و متعهدی که با آراء کم نظیر خود جنابعالی را به قدرت رساندند بر کسی پوشیده نیست، این انتخاب پیام گویایی بود به همه متصدیان امور و مسئولین محترم کشور.

اینکه بعضی می خواهند وانمود کنند که -خدای ناکرده- مردم از اسلام و انقلاب منحرف شده اند چنین نیست، مردم از اسلام و دین خسته نشده اند و معارف حیات بخش اسلام در اعماق دل مردم نفوذ کرده است و به شعارهای انقلاب یعنی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی وفادارند؛ ولی از وعده‌های توخالی، از تبعیضات ناروا، از سوء مدیریت‌ها و پارتی بازی‌های اداری، از انحصارطلبی‌های جناحی و انگ زدن‌های بیجا و طرد نیروهای با ارزش به بهانه‌های واهی، از محور قرارگرفتن تملق‌ها و ثناگوییهای مبتذل، از ایجاد محدودیت‌های ناروا و سلب آزادیهای مشروع و مصرح در قانون اساسی، از اسراف و تبذیرها در بیت المال و انجام کارهای تشریفاتی و پرهزینه و نادیده گرفتن نیازهای ضروری جامعه رنج می برند.

۳- استحکام و استقرار یک نظام و یک کشور مرهون قانونمندی آن و اعتبار عملی قانون اساسی و دیگر قوانین مصوبه آن کشور است در تمام عرصه‌ها و برای همه طبقات، همه اقشار و اشخاص در برابر قانون یکسان می باشند و حقوق و اختیارات ملت، رئیس جمهور و سایر مسئولین و حتی رهبر انقلاب در قانون اساسی مشخص شده است؛ در اصل یکصد و هفتم قانون اساسی تصریح شده که: «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است» و در اصل یکصد و دهم وظائف و اختیارات او تعیین شده است، قانون اساسی را هم بنیانگذار جمهوری اسلامی مرحوم امام خمینی (قدس سره) و هم مراجع بزرگ و علمای اعلام و هم اکثریت قریب به اتفاق ملت تایید کردند و به آن رای دادند و جنابعالی برای حفظ آن سوگند یاد خواهید نمود؛ برای حفظ حاکمیت اسلامی و تحقق ارزش‌های انقلاب باید به جای محور قراردادن نظر و خواست اشخاص و جناح‌ها، قانون اساسی و قوانین مصوبه بر اساس موازین اسلامی محور باشد و پشتیبان اجرایی آن نیز مردم می باشند؛ کسانی که دم از فوق قانون بودن شخص یا اشخاص می زنند و یا مردم و جمهور را می خواهند نادیده بگیرند در حقیقت ثبات سیاسی کشور را خدشه دار می کنند، شخص یا اشخاص جزئی است

و قانون امری است کلی و باقی، و من و شما در منطق خواننده ایم که: «الجزئی لایکون کاسبا و لا مکتسبا».

۴ - قربانی کردن حقیقتها و واقعیتها و حقوق اشخاص و ملت در پای مصلحتهای خیالی و زودگذر که اکنون به شکل یک سنت و فرهنگ غلط درآمد علاوه بر مسئولیت الهی به ضرر استقرار نظام اسلامی است؛ راه انداختن یک عده افراد ناآگاه و بی اطلاع از حقائق را با نامهای فریبنده و حمله به شخصیتها و یا ارگانهای مخلص و وفادار به اسلام و انقلاب صددرصد ثبات سیاسی کشور و قانونمند بودن آن را مخدوش می کند، باید به هر نحو شده جلوی این قبیل بی نظمیها را گرفت؛ در وصیت مولی امیرالمومنین (ع) خطاب به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) آمده است: «اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم و صلاح ذات بینکم». (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

۵ - جنابعالی اگر بخواهید در این مسئولیتی که پذیرفته اید موفق باشید و افکار عمومی را همراه داشته باشید راهی جز به کارگیری نیروهای مخلص، متعهد، مستقل، کاردان و دلسوز که در گذشته و حال عملا به آرمانهای انقلاب پایبند بوده اند ندارید؛ چنین نباشد که تحت فشارها و جوسازیهای معمول، افراد متملق و طالب مقام که متاسفانه زمینه رشد آنها در شرائط فعلی کاملا مساعد است بر شما تحمیل گردد و فقط شخص رئیس جمهور عوض شده باشد، که در این صورت جنابعالی اعتبار کنونی خود را از دست خواهید داد و در رای دهندگان به جنابعالی یعنی اکثریت قاطع کشور یاس کلی و بدبینی حکمفرما خواهد شد.

۶ - جنابعالی از عوارض و عواقب خطرناک تنگ نظری و انحصارطلبی به خوبی مطلعید و خودتان نیز طعم تلخ آن را چشیده اید؛ هرچند جناح خاصی بیشتر به شما علاقه دارند و برای انتخاب شما فعالیت کرده اند ولی در تفویض مسئولیتها و به کارگیری نیروها، فراجناحی فکر کنید و ملاک انتخاب را صلاحیت، تجربه، تعهد، تخصص، لیاقت و قانونمندی اشخاص قرار دهید و با سنت سیئه طرد نیروهای خوب و ترور شخصیتهای با ارزش مبارزه کنید. نیروی عاقله و مغزهای متفکر و متعهد کشور سرمایه‌های معنوی کشورند که باید برای اداره کشور و سازندگی آن در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از آنان استفاده نمود و طرد نیروهای خوب و منزوی کردن آنان ظلم است هم به خود آنها و هم به ملت، و ضمنا به علاقه مندان خود نیز سفارش کنید

که مبادا در فکر مقابله به مثل و انتقامجویی برآیند. گذشت و تحمل افکار و سلیقه‌های مختلف و شرح صدر نشانه بزرگ منشی انسان است، و در کلمات قصار نهج البلاغه (حکمت ۱۷۶) می‌خوانیم: «آلة الرياسة سعة الصدر» و باز می‌خوانیم: «لا يقيم امرالله سبحانه الا من لا يصانع ولا يضارع ولا يتبع المطامع» (حکمت ۱۱۰) «فرمان خدا را اجرا نمی‌کند مگر کسی که اهل سازش، بی اطلاع و مقلد دیگران و پیرو مطامع نباشد».

۷ - مساله تورم و هماهنگ نبودن دخل و خرج ملت و تبعیض عمیق طبقاتی و وضع نابسامان بهداشت و درمان از مشکلات فعلی کشور است؛ هرچند لازم است بیشترین بودجه کشور به مصرف سازندگی اساسی و زیربنایی برسد ولی کمبود ضروریات زندگی فعلی مردم نیز باید مورد توجه قرار گیرد، آدم گرسنه و مریض را نمی‌شود با وعده و وعید سرگرم کرد، بیمارستان‌های عمومی باید به اقسام و سائل مورد نیاز مجهز باشند و همه طبقات محروم بتوانند از آن‌ها استفاده کنند، باید از مخارج غیر ضروری و تشریفات کاست و نیازهای ضروری جامعه را مورد توجه قرار داد.

۸ - کشاورزی علاوه بر اینکه مجرای ارتزاق میلیون‌ها جمعیت کشور می‌باشد - زیربنای استقلال اقتصادی و بی‌نیازی کشور است؛ پس باید به نحوی برنامه ریزی شود که کشاورزان محترم دلگرم باشند و ماندن در روستاها برای آنان مقرون به صرفه باشد. ما می‌بینیم جوانان آنان فوج فوج سرازیر شهرها می‌شوند و روستاها خالی می‌شود، وقتی که از مزایای بهداشت و درمان و آموزش و یارانه‌ها محروم باشند و حتی برای حفر یک چاه ناچار باشند مالیات زیادی بدهند و کود و سموم را به قیمت‌های زیاد تهیه کنند قهراً روستاها را رها می‌کنند و دولت ناچار می‌شود گوشت و مواد غذایی را با دلارهای نفتی برای آنان تهیه کند.

۹ - از اموری که همه ملت انتظار دارند مورد توجه واقع شود تامین حقوق ملت و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی است؛ شعارهای اول انقلاب چنین بود: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» البته آزادی در چهارچوب رعایت موازین اسلامی و حقوق یکدیگر؛ از نظر شرع و قانون اساسی تفتیش عقائد ممنوع است؛ استراق سمع، شنودگذاری و هر گونه تجسس ممنوع است، حیثیت و جان و مال اشخاص محترم است و هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم قانون و ابلاغ کتبی موارد اتهام.

نشریات و مطبوعات باید در بیان مطالب آزاد باشند مگر در امور ضد دین یا

ضد عفت عمومی؛ در جهان امروز روزنامه‌ها زبان گویای مردمند و طبقات مختلف می‌توانند به وسیله آن‌ها پیام خود را به مسئولین برسانند و چنین نیست که فقط سخنگوی دولت باشند و موظف باشند فقط اخبار تکراری القا شده از طرف مسئولین را بنویسند.

تشکیل احزاب سیاسی باید آزاد باشد -البته در چهارچوب موازین اسلامی- تا مردم از همه طبقات با عضویت در آن‌ها بتوانند افکار و نظریات خودشان را تبیین کنند، و در اثر تضارب و برخورد افکار مختلف هم خودشان آگاهی و رشد سیاسی پیدا کنند و هم دولت را در مواقع حساس یاری دهند و هم نسبت به رجال سیاسی و با ارزش شناخت کامل پیدا کنند تا در مواقع انتخاب نمایندگان یا رئیس جمهور آمادگی کامل داشته باشند و چنین نباشد که هنگام انتخابات گرفتار گروه‌های خلق الساعه و تبلیغات مبتذل آنان گردند؛ و بالاخره شرکت مردم در انتخابات آزاد توقف به شناخت قبلی و آمادگی کامل دارد و راه آن تشکیل احزاب سیاسی آزاد است.

۱۰- در خاتمه امیدوارم جنابعالی که شخصیتی متدین و متعهد و لایق و کاردان می‌باشید در پرتو توکل به خدای متعال و اقتدا به پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) و دعای حضرت ولی عصر (عج) در اجرای احکام اسلام و قانون اساسی و قوانین مصوبه، و در سازندگی کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی موفق باشید، و بتوانید با انتخاب افراد خوب و حذف تشریفات غیرضروری و ادغام یا حذف ارگان‌های تکراری و اختیار روشهای ساده زیستی موقعیت کشور و انقلاب را در برابر دشمنان حفظ نمایید، و سعی کنید در هر حال جنبه مردمی بودن خود را از دست ندهید.

در نهج البلاغه می‌خوانیم: «الولايات مضامیر الرجال» (حکمت ۴۴۱)
و باز می‌خوانیم: «ان الله فرض علی ائمة العدل ان یقدروا انفسهم بضعفة الناس کیلا یتبغ بالفقیر فقره» (خطبه ۲۰۹).

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱۹ محرم الحرام ۱۴۱۸ - ۱۳۷۶/۳/۵

قم، حسینعلی منتظری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چنانچه منتصاب محمدی از اسلام و المسلمین آقای حاج سید محمد خاتمی رئیس جمهور محترم داشت اما خانها به بحق محمد و آل
 پس از اسلام و حجت و تبریک به مناسبت انتصاب سالیته جنابعالی از طرف مردم آگاه و متعهد ایران و تقدیر و تشکر از
 ملت عزیز که با حضور درهای صند و قهای رأی و در خالت در تعیین سرزودت کشور خود مراتب برسد و آگاهای خود را
 به نایب گذار شدند بعضی میرسانند :

هر چند محترم است بعضی از علاقه مندان جنابعالی خوش ندانسته باشند که فرز برای شما نام بنویسم ، و با سابقه
 که با خود شما و باراد است خاصه که نسبت به معلوم والدین مرد فضیلت و تقوی حضرت آیت الله آقای حاج سید علی
 خاتمی (طاب ثراه) داشته و دارم ، لازم دیدم پس از انتصاب جنابعالی به عنوان رئیس جمهور ایران اسلامی
 ضمن تبریک به شما و به مردم رسید ایران مطالبی را مختصر آید آورم :

۱- می دانم که الان مسئولیت سنگینی به عهد جنابعالی گذاشته شده و اداره امور اجرا کشور وسیع ایران
 در شرائط فعلی - با وجود نادرین بسیاری از خرابیهای جنگ تحمیلی ، مشکلات اقتصادی و تورم ، وجود بزناغمی
 نیمه تمام ، توقعات و انتظارات طبقات مختلف ، وجود فشارهای خارجی و احتمال کار شکنیهای داخلی -
 بسیار طاقت فرسا و مشکل است و شما با صبر و استقامت کامل و توکل به خدا و سرعه صدر تصمیم بگیرید به اسلام
 و بندگانی خدا و انقلاب و کشور خدمت کنید ، ان شاء الله خدا یار و پشتیبان شما خواهد بود .
 « ان تصرفوا الله بنصرکم و یدبکت اعدائکم » - و از رسول خدا (ص) سؤال شد : « من جئت الناس
 قال : « انفع الناس للناس » (الکافی ۲/۱۶۴) خداوندان شایسته وجود شما را در حال نافع و مفید قرار دهد .

۲- جنابعالی به این انتصاب به عنوان یک موقعیت بالانگاه ننگیند بلکه به عنوان یک مسئولیت سنگین و یک
 امانت الهی و مردمی نگاه کنید . امیر المؤمنین (ع) به پیمان دار آذربایجان نوشتند :
 « ان حملکم الله لکن لطفه و لکنه فلیثق امانه » (نهج البلاغه نامه ۵)
 انتصاب جنابعالی در شرائط فعلی ایران یک انتصاب عادی نبود بلکه یک انقلاب مردمی بود در برابر وضع موجود .
 اهمیت این مسئولیت و انتظارات بجای آقای آگاه و متعهدی که با آراکم نظیر خود جنابعالی را به قدر
 رسانند بر کسی پوشیده نیست ، این انتصاب پیام گویا بود به همه متصدیان امور و مسئولین محترم کشور .
 اینکه بعضی می فوایند و انمود کنند که - خدای ناکرده - مردم از اسلام و انقلاب منفرده اند چنین نیست .
 مردم از اسلام و دین خسته نشده اند و معارف حیات بخش اسلام در احقاق دل مردم نفوذ کرده است

صلح

و به سحرهای انقلاب یعنی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی وفادارند، و از زوایه‌های توحلاً، از تبعیضات ناروا، از سوء مدیریتها و پارتی‌بازی‌های اداری، از انحصار طلبی‌های جناحی و انگ‌زدنهای بیجا و طردنیه و گمی بازرسی به بهانه‌های داهی، از محور قرار گرفتن مملکتها و ننگ‌نمایی مبتذل، از ایجاد محدودیت‌های ناروا و سلب آزادیها، کم‌تر و بی‌مصرف در قانون اساسی، از اسراف و تبذیرها در بیت‌المال و انجام کارهای غیرنفعی و پرهزینه و نادریده گرفتن نیازهای ضروری جامعه رنج می‌برند.

۲- استکلام و استقرار یک نظام و یک کشور مرهون قانونمند شدن آن و اعتبار عملی قانون اساسی و درگیر خواندن مصوبه آن کشور است در تمام عرصه‌ها و برای همه طبقات، هم افسار و اشخاص در برابر قانون یک نمی‌باشد و حقوق و اختیارات ملت، رئیس‌جمهور و سایر مسئولین و حتی رهبر انقلاب در قانون اساسی مشخص شده است. در اصل یکصد و هفتم قانون اساسی تصریح شده که: «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.» و در اصل یکصد و دهم وظایف و اختیارات او تعیین شده است.

قانون اساسی را هم بنیان‌گذار جمهوری اسلامی مرحوم امام خمینی (قدس سره) و هم مراجع بزرگ و علماء اسلام و هم اکثریت قریب به اتفاق ملت تأیید کردند و به آن رأی دادند، و چنانچه برای حفظ آن سوگند یاد خواهم نمود. برای حفظ حاکمیت اسلامی و تحقق ارزشهای انقلاب باید به‌جای محور قرار دادن نظر و خواست اشخاص و جناحها - قانون اساسی و قوانین مصوبه بر اساس موازین اسلامی محور باشد، و بی‌شک آن اجزای آن نیز مردم می‌باشند، گمانه‌ها که دم از فوق قانون بودن شخص یا اشخاص می‌زنند و یا مردم و جمهور را می‌خواهند نادیده بگیرند در حقیقت ثبات سیاسی کشور را خدشه دار می‌کنند. شخص یا اشخاص جزئی است و قانون امری است کلی و باقی، و من و شما در منطق خوانده ایم که:

«الجزئیة لا یکون کالسبأ ولا ملکبأ»

۳- قربان کردن حقیقتها و واقعیتها و حقوق اشخاص و ملت در پامصلحت‌های حیناً و زودگذر که اکنون به شکل یک کسب و فرزند غلط در آمده علاوه بر مسئولیت‌های به ضرر استقرار نظام اسلامی است. راه انداختن یک عده افراد ناآگاه و بی‌اطلاع از حقایق را با نامهای فریبنده و جعلی به شخصیت‌ها و یا ارگانه‌های مخلص و وفادار به اسلام و انقلاب صد در صد ثبات سیاسی کشور را قانونمند بودن آن را مخدوش می‌کند، باید به هر نحو سوره جلوی این قبیل برنامه‌ها را گرفت. در وصیت‌نامه امیرالمؤمنین (ع) خطاب به امام حسن و امام حسین (ع) آمده است: «او صلیکما و جمیع ولدی و اهلی و من یلغه کتابه بتقوی ارت و نظم احکم و صلاح ذات بینکم» (تذویر البلاغه نامه ۴۷)

۵- جنبه‌های اگر نخواهد در این مسئولیتی که پذیرفته‌اید موفق باشید و افکار عمومی را همراه دست‌ها بر سر راهی خوب کارگیری نیروهای مخلص، متعدد، مستقل، کارداران و دل‌سوز که در گذشته و حال محلاً به آرمانهای انقلاب پایبند بوده‌اند ندرید، چنین بنامند که تحت فشارها و جوسازیهایی معمول، افرادی مملوق و طالب مقام که متأسفانه زمینه رشد آنها در شرایط فعلی کاملاً مساعد است بر شما تحمیل گردد و فقط شخص رئیس جمهور عوض شده باشد که در این صورت جنبه‌های اعتبارگونی خود را از دست نخواهید داد و در رأی دهندگان به جنبه‌های اعتبارگونی قاطع کسور آس کسبی و بد بینی حکم فرما خواهد شد.

۶- جنبه‌های از عوارض و عواقب خطرناک تنگ نظری و انحصار طلبی تجویز مطلقه و خودمانی نیز طمع بلای آن را می‌سازد. هر چند جنبه خاصی بیشتر به شما علاقه دارند و برای انتیاب شما فعالیت کرده‌اند ولی در تفویض مسئولیتها و بکارگیری شما جنبه‌های فکری و مملکت را صلاحیت، تجربه، تعهد، تخصص، لیاقت و توانمندی شما می‌تواند در حد و با مسئولیت سینه‌گردن و کمی خوب و تر در خصوصیهایی با ارزشش مبارزه کنید. نیروی عاقله و معجزه‌های متفکر و متعهد کسور سرمایه‌های معنوی کسورند که باید برای اداره کسور و سازندگی آن در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از آنان استفاده نمود و طردنیروهای خوب و منزوی کردن آنان ظلم است هم به خود آنها و هم به ملت و ضمناً به علاقه‌مندان خود نیز سفارش کنید که مبادا در فکر مقابل به مثل و انتقام جوئی برآیند. گذشته و تحمل افکار و شیوه‌های مختلف و شرح صدرش نیز بزرگ‌کنشی آن است و در کلیات قضایای احوال و مشکلات می‌توانیم: «آله الکرامه سعه الصدر» و بازمی‌فوانیم: «لا تقم امر الله سبحانه الا الا من لا یصلح ولا یتعارف ولا یتبع المطاع» (حکمت ۱۱۰) «فرمان خدا را اجرا نمی‌کنند مگر کسی که اهل سائزین» به اطلاع و معقه دیگران و بیرون مطاع بنامند.

۷- ما که تو را هم و هم‌هنگام نبودن دخل و خرج ملت و تبعیض عمیق طبقاتی و وضع نابرابریها در امور رزمی و کلاعات فعلی کسور است، هر چند لازم است بدترین بودجه کسور به مصرف سازندگی آن می‌وزیر بنای کسور و کمبود ضروریات زندگی فعلی مردم نیز باید مورد توجه قرار گیرد، آدم گرسنه و مریض را نمی‌شود با او مشورت و عهد سرگرم کرد، بیمارستانهای عمومی باید به اوقام و وسائل مورد نیاز تجهیز باشند و همه طبقات محروم شوند از آنها استفاده کنند، باید از مخارج غیر ضروری و تشریفات کاسه و نیازهای ضروری جامعه را مورد توجه قرار داد.

۸- کسور درسی - علاوه بر اینکه مجرای ارتباط میلیونها جمعیت کسور می‌باشد - زیربنای استقلال اقتصادی و بنیاد کسور است، پس باید به نحوی برنامه ریزی شود که کسور در زمان محرم دلگرم باشند و مانند در روزهای برای آنان مقرون به صرفه باشد، مامی بنیم جوانان آنان فوج فوج سرازیرترها می‌شوند و روستاها خاموشی و قوی که از رفاه‌های بهداشت و درمان و آموزش و یارانها محروم باشند و حتی برای هفتریک چاه ناچار باشند

ص ۴

مالیات زیادی بدهند و کلود سوم را به قیمت های زیاد تهیه کنند قهرآوردن آنها را همی کنند و دولت ناچار می شود گوشت و مواد غذایی را با دلار کمی نفی برای آنان تهیه کند.

۹- زیرا موری که همه ملت انتظار دارند مورد توجه واقع شود آئین حقوق ملت و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی است شعارهای اول انقلاب چنین بود: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی». البته آزادی در چهار چوب رعایت موازین اسلامی و حقوق یکدیگر، از نظر شرح و قانون اساسی تعریف لغات منوع است، استراق سمع، شنودگذاری و هرگونه تخلف علیه حریت و جان و مال انجمن محترم است و هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم قانون و ابلاغ کتبی موارد آنها. نشریات و مطبوعات باید در بیان مطالب آزاد باشند مگر در امور ضد دین یا ضد هفت محرمی، در جهان امروز روزنامه ها زبان گویای مردم و طبقات مختلف می توانند به وسیله آنها پیام خود را به مسئولین برسانند و چنین نیست که فقط سخنگوی دولت باشند و موظف باشند فقط اخبار تکراری اعلا شده از طرف مسئولین را بنویسند.

تشکیل اجواب سیاسی باید آزاد باشد - البته در چهار چوب موازین اسلامی - تا مردم از هم طبقات با عضویت در آنها بتوانند افکار و نظریات خودشان را تبیین کنند و در برابر تضارب و برخورد افکار مختلف هم خودشان آگاهی و رشدی پیدا کنند و هم دولت را در مواقع حساس یاری دهند، و هم نسبت به جهان سیاسی و بازار رزق شناخت کامل پیدا کنند تا در مواقع انتخاب نمایندگان یا رئیس جمهور آنگاه که کامل داشته باشند و چنین نباشد که هنگام انتخابات گرفتار گروههای حلقه ای و تبلیغاتی مبتذل آنان گردند، و بالاخره شرکت مردم در انتخابات آزاد توقف به شناخت قبلی و آنگاه که کار دارد، و راه آن تشکیل اجواب سیاسی آزاد است.

۱۰- در خاتمه امید دارم جنابعالی که شخصیت مدین و متعهد و لایق و کارداران می باشید در پرتو توفیق الهی متعال و اقتداء به پیامبر اکرم (ص) و ائمه المؤمنین (ع) و دعای حضرت و لا غیره عجل الله تعالی فرجه الشریف در اجرای احکام اسلام و قانون اساسی و قوانین مصوبه، و در سازندگی کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی موفق باشید و بتوانید با اتیان افراد خوب و حذف تشرفات غیر ضروری و ادغام یا حذف ارگانهای تکراری، و اختیار روشهای ساده زرتی، موقعیت کشور و انقلاب را در برابر دشمنان حفظ نمایید و سعی کنید در هر حال جنبه مردمی بودن خود را از دست ندهید.

در بیخ البلاغه می خوانیم: «الولايات رضا میرالجمال» (حکمت ۴۴) - «ص ۲۰۹»
و بازمی خوانیم: «ان الله فرض على ائمة العدل ان يقدروا النفس بضعة الناس كيدلا يتبع بالفقر فقرة» (ص ۲۰۹)
و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته - ۱۹ محرم الحرام ۱۴۱۸ - ۲۵/۶/۱۳۷۶ - قم، صنع علی منتظری



پیوست شماره ۲۵۴: مربوط به صفحه ۷۷۴

متن کامل سخنان معظم له در روز ولادت باسعادت مولی الموحدین حضرت
علی(ع)، مورخه ۱۳ رجب ۱۴۱۸ - ۲۳ آبان ۱۳۷۶

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

امروز روز ولادت با سعادت مولی امیرالمومنین(ع) است. افتخار ما شیعیان این است که از دوستان امیرالمومنین(ع) هستیم. این را من بارها عرض کرده ام که بعضی‌ها خیال می‌کنند لفظ «شیعه» که به ما گفته می‌شود لفظ مستحدثی است؛ در صورتی که این نام را پیغمبر اکرم(ص) بر شیعیان علی(ع) اطلاق فرموده اند. حال من حدیثش را از کتب اهل سنت می‌خوانم. «درالمنثور سیوطی» تفسیری است که «جلال الدین سیوطی» نوشته، در جلدششم چاپ سابق در تفسیر سوره «بینه» چند روایت نقل می‌کند؛ می‌گوید: «اخرج ابن عساکر عن جابر بن عبدالله؛ «ابن عساکر» که از علمای اهل سنت است، صاحب تاریخ دمشق، از «جابر بن عبدالله» با سند نقل می‌کند: «قال كنا عند النبی(ص)» می‌گوید ما نزد پیغمبر اکرم(ص) بودیم؛ «فاقبل علی(ع)» امیرالمومنین(ع) وارد مجلس شد «فقال(ص)» پیغمبر فرمود: «والذی نفسی بیده ان هذا و شیعته لهم الفائزون یوم القیامة» این شخصی که علی بن ابیطالب(ع) باشد و شیعیانش، این‌ها هستند که روز قیامت رستگارانند؛ تعبیر «شیعه» کرده اند. بعد می‌گوید: «ونزلت» این آیه نازل شد: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة» یعنی آن‌هایی که ایمان آوردند و کارهای صالح کردند، آن‌ها بهترین مخلوقاتند؛ «فکان اصحاب النبی(ص) اذا اقبل علی(ع) قالوا: جاء خیر البریة» از آن وقت وقتی که امیرالمومنین(ع) وارد مجلس می‌شد اصحاب پیغمبر(ص) می‌گفتند: خیر البریة یعنی «بهترین خلق» وارد شد.

همچنین [در حدیث دیگر]: «واخرج ابن عدی وابن عساکر عن ابی سعید (که ابی سعید الخدری است) مرفوعا (خبرش را مرفوعا نقل کرده است) علی خیر البریة» علی(ع) بهترین

مخلوقات است. این‌ها همه را از «سیوطی» نقل می‌کنم که از علمای اهل سنت است. همچنین [در حدیث دیگر] ابن عدی از ابن عباس نقل کرده: قال لما نزلت: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه» قال رسول الله (ص) لعلی (ع): «هم انت و شیعتک یوم القیامه راضین مرضیین»: وقتی که این آیه نازل شد پیغمبر (ص) به علی (ع) فرمود: آنان تو و شیعیان تو هستید؛ در روز قیامت خدا از دست شما راضی است، شما هم از دست خدا راضی هستید. این خیلی مقام است؛ پیغمبر (ص) این اسم را گذاشته است.

همچنین [در حدیث دیگر]: «واخرج ابن مردویه عن علی (ع) قال: قال لی رسول الله (ص)»: «ابن مردویه» که از محدثین اهل سنت است از امیرالمومنین (ع) نقل می‌کند که پیغمبر (ص) به من فرمود: الم تسمع قول الله: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه» علی (ع) می‌فرماید: پیغمبر (ص) به من فرمود: این آیه را نشنیدی؟ «انت و شیعتک» این آیه مصداقش تو و شیعیان تو هستید. «و موعدی و موعدم الحوض» پیغمبر (ص) می‌فرماید: وعده گاه من و شما حوض کوثر است؛ «اذا جئت الامم للحساب» وقتی که من می‌آیم سراغ امتهای برای حساب، پیغمبر (ص) در حساب امتهای دخالت دارد، «تدعون غرا محجلین» شیعیان علی (ع) افراد بارز و مشخص هستند، البته این یک اصطلاح است؛ عربها به اسب پیشانی سفید می‌گویند «اغر» که جمعش «غر» می‌شود، و به اسبی که دست و پایش هم سفید باشد می‌گویند «محجل» یعنی اسبهای بارز برجسته؛ می‌خواهد بفرماید در میان همه امتهای شیعیان در روز قیامت یک درخشندگی دارند. این‌ها چند روایت از طرق اهل سنت است که راجع به امیرالمومنین (ع) وارد شده و پیغمبر (ص) پیروان علی (ع) را تعبیر به «شیعه» کرده اند. پس این اسم اسمی نیست که بعداً گذاشته باشند. البته دشمنان برای اینکه با شیعه مخالف بودند می‌گفتند: «رافضی» هستند؛ یعنی رفض کردند، ترک کردند سیره و سنت پیغمبر (ص) را، در صورتی که ما عقیده مان این است که سنت پیغمبر (ص) را ما اخذ کرده ایم، ولی این اخبار را دیگر نتوانسته اند کاری بکنند. خود علمای سنت این را نقل کردند که پیغمبر (ص) پیروان علی (ع) را تعبیر به «شیعه» کرده اند. بسیار خوب! روز

ولادت امیرالمومنین(ع) را به شما برادران و خواهران شیعه و به همه شیعیان و به همه مسلمان‌هایی که علاقه مند به اسلام و دین هستند تبریک می‌گویم؛ و اینکه اسم شیعه را پیغمبراکرم(ص) بر شما اطلاق کرده، این را هم به شما تبریک می‌گویم.

اما می‌دانید که به اسم تنها نمی‌شود قناعت کرد؛ خوب ما شیعه علی بن ابیطالب(ع) هستیم، «شیعه» یعنی پیرو؛ اگر من بگویم شیعه علی(ع) هستم، علی(ع) اهل دفاع از اسلام بود، اهل دفاع از حق بود، تمام عمرش را صرف اسلام کرد؛ در زمان پیغمبر(ص) در همه جنگ‌ها، مبارزه‌های علی(ع)، فداکاری‌های علی(ع) برای حق و حقیقت و دین؛ و بعد هم در زمان حکومتش چقدر علی(ع) برای دین خدا زحمت کشید؛ علی(ع) دلسوز فقرا بود، علی(ع) اهل سخاوت بود، علی(ع) وقتی که مثلاً زنی را دید که بچه‌های یتیم دارد به قدری ناراحت شد که خودش در زمان خلافت و حکومتش رفت در خانه آن زن و یتیم نوازی کرد؛ به فقرا و ضعفا و درماندگان رسیدگی می‌کرد؛ امیرالمومنین(ع) در نامه ۴۵ نهج البلاغه که به «عثمان بن حنیف» می‌نویسد، می‌فرماید: «الا و ان لکل ماموم اماما یقتدی به و یستضیء بنور علمه» هر ماموم یک امامی دارد که به او اقتدا می‌کند. بعد در ادامه می‌فرماید «... الا وانکم لا تقدرون علی ذلک» شما قدرت ندارید که مثل علی عمل کنید؛ «و لکن اعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد» و لکن کمک کنید علی را، اهل ورع باشید، اهل محکم کاری باشید، سراغ حرام نروید، سراغ شبهه ناک نروید.

حالا من آن نامه را نمی‌خواهم بخوانم؛ آن نامه بسیار خوبی است و به عثمان بن حنیف نوشته‌اند، که (عثمان بن حنیف) استاندار علی(ع) بوده است در بصره؛ یک جوانی یک مجلس عروسی یا مهمانی داشته، سران و اعیان شهر را دعوت کرده، عثمان بن حنیف را هم دعوت کرده و در آن غذاهای رنگارنگ و سفره چرب و نرمی بوده است، به امیرالمومنین(ع) خبر می‌رسد. حالا ببینید آن وقت نه تلگراف بوده، نه تلفن و نه فاکس و نه تلکس، مع ذلک حضرت می‌فرماید: «به من خبر رسیده ...» حتی یک مجلس مهمانی استاندار خبرش به علی(ع) می‌رسد و گزارش می‌شود؛ و چون مجلسی بوده است که اعیان و اشراف شرکت کرده‌اند و خلاصه ریخت و پاش در آن

بوده و فقرا از آن محروم بوده اند، امیرالمومنین(ع) او را توبیخ می کند که تو نباید در یک چنین مجلسی شرکت می کردی! مجلسی که «غنیهم مدعو و عائلهم مجفو» فقرا از آن محروم و ثروتمندان به آن دعوت شده اند، حتی یک مجلس شامی که استاندار رفته خبرش به علی(ع) می رسد با وسایل کم آن روز؛ و امیرالمومنین(ع) بی تفاوت نمی گذرد؛ خوب این استاندار است یک شب خوشش باشد! نه، می گوید یک چنین مجلسی شأن تو نیست، تا آخر نامه.

یکی از چیزهایی که امیرالمومنین(ع) در کلمات و خطب خود در نهج البلاغه زیاد روی آن عنایت دارد مساله «امر به معروف و نهی از منکر» است.

شاید بعضی از آقایان دیده باشند، یک عده از اساتید دانشگاه از من راجع به احزاب سؤال کرده اند؛ سؤال کتبی. اول اینجا آمدند گفتم سوالتان را بنویسید؛ سوالشان را نوشتند و من جواب دادم، جواب آن آقایان را راجع به تشکیل احزاب سیاسی از راه امر به معروف و نهی از منکر وارد شدم. در آن نامه اول من آیه شریفه قرآن را ذکر کردم که خداوند تبارک و تعالی در سوره توبه می فرماید: «والمؤمنون والمومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»، در این سوره آیه دیگری هم راجع به منافقین است که در آنجا تعبیر می کند: «المنافقون والمنافقات بعضهم من بعض»، یعنی: منافقین و منافقات بعضی هایشان از بعضند؛ تعبیر به «اولیاء» نمی کند، در حالی که آن‌ها هم دوست هم هستند؛ اما «ولی» به معنای دوست نیست. منافقون و منافقات بعضی هایشان از بعضند یعنی سرشان در یک آخور است. اما راجع به مومنین و مومنات می فرماید: «والمؤمنون والمومنات بعضهم اولیاء بعض»، «ولی» در لسان قرآن و حدیث به معنای «صاحب اختیار» است؛ «ولایت» یعنی صاحب اختیاری؛ متنها ولایت مراتب دارد؛ «الله ولی الذین آمنوا» خدا ولایت دارد، اما ولایتش مطلقه است. درباره پیغمبر(ص) هم خدا می فرماید: «النبی اولی بالمومنین من انفسهم»؛ امام(ع) هم ولایت دارد؛ ولی فقیه هم اگر واجد شرایط باشد ولایت دارد. در این آیه خدا یک ولایت عمومی را می گوید؛ آقایان اهل ادب توجه دارند، الف و لام موصوله که بر سر اسم فاعل و اسم مفعول درآید مفید عموم و استغراق است. خدا می فرماید: همه مردان

مومن و همه زن‌های مومن - فقط منحصر به مردها نیست- «بعضهم اولیاء بعض» بعضی‌هایشان نسبت به بعضی دیگر ولایت دارند. این را اول خدا مقدمه چینی می‌کند؛ چرا؟ برای اینکه اگر از اول امر به معروف و نهی از منکر را بیان می‌کرد ممکن بود کسی به ذهنش بیاید من که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنم دخالت در کار دیگران می‌کنم، طرف هم می‌گوید به توجه؟! جهنم می‌روم، خودم می‌روم به توجه؟! برای اینکه نگوید به توجه، خدا از قبل جوابش را داده. می‌گوید خدایی که ولی همه مردم است این مومن را ولی قرار داده؛ پس راجع به امر به معروف و نهی از منکر، همه مردان و زنان مومن نسبت به همه مومنین و مومنات ولایت دارند؛ همه، از آن بالا تا پایین؛ نسبت به هرکس کج برود، ظلم بکند، خلاف شرع انجام بدهد؛ اینجا منحصر به یک عده خاصی نیست؛ پس قبل از دستور امر به معروف و نهی از منکر به عنوان مقدمه ولایت عمومی را ذکر می‌کند که همه مردم ولایت دارند؛ کسی نمی‌تواند بگوید به توجه؟! هیچ کس نمی‌تواند از امر به معروف و نهی از منکر جلوگیری کند. همه مردم مسئولند و هیچ کس نمی‌تواند بی تفاوت باشد. خوب گاهی امر به معروف و نهی از منکر موارد جزئی دارد؛ یک وقت هم معروف و منکر یک چیزی است که شخص نمی‌تواند وظیفه را به تنهایی انجام دهد؛ احتیاج به تجمع، تشکل و تشکیلات دارد. روزگار فرق می‌کند، در هر زمان بایستی معروف در جامعه بسط پیدا کند و جلوی منکرات گرفته شود. حالا یک فردی یک کار جزئی انجام می‌دهد که خلاف است، این را من می‌توانم نهی از منکر کنم؛ اما مثلاً یک منکری است در جامعه که این نهی را شخص نمی‌تواند انجام دهد، باید مردم متشکل شوند. حالا شما از لفظ «حزب» نترسید، قرآن هم می‌گوید: (الا ان حزب الله هم المفلحون). من در این نامه ام تذکر دادم که این دو آیه چقدر با هم تناسب دارند، یک جا می‌گوید: (ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون): از میان شما امتی باید باشند که امر به معروف و نهی از منکر کنند و این‌ها رستگارانند. یک جا هم می‌گوید: «الا ان حزب الله هم المفلحون»: همانا حزب الله رستگارانند.

حزب الله این‌هایی نیستند که یک عده تحریکشان می‌کنند، یک شعار عوضی هم به

آن‌ها می دهند، می روند یک شعاری می دهند، جو را به هم می زنند، یک هیاهو راه می اندازند، بعد هم غیب می شوند؛ این که حزب الله نیست. «حزب الله» آن است که روی مبنا متشکل بشوند، مجتمع باشند، یکی باشند و جامعه را زیر نظر بگیرند. تا جامعه به طرف خیر برود؛ معروف را در جامعه بسط بدهند، جلوی منکر را بگیرند. و این وظیفه است؛ این را خدا در سوره توبه و سوره‌های دیگر واجب کرده است.

علی(ع) وقتی که می خواهند از دنیا بروند در نامه ۴۷ نهج البلاغه - که وصیتنامه امیرالمومنین هست - می فرمایند: حسن(ع) و حسین(ع) را و هر کسی را که نامه من به او برسد وصیت می کنم به «تقوی الله و نظم امرکم...» تا به اینجا می رسد: «لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنکر»: امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید؛ خوب اگر ترک کنیم چه می شود؟ «فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یستجاب لکم»، اگر ترک کنیم چه می شود؟ اثر طبیعیش این است: ملت مسلمان، شیعه علاقه مند که متشتت شد، متفرق شد، هرکس رفت سراغ کار خودش و نسبت به اموری که در جامعه می گذرد بی تفاوت شد، طبعاً نتیجه اش این می شود که از این صحنه خالی بدان سوءاستفاده می کنند؛ پستها، مقام‌ها، تشکیلات، امتیازات به دست بدان می افتد؛ آن وقت شما بنشین هر چه می خواهی دعا کن، دعا مستجاب نمی شود؛ برای اینکه راهش دست خودت است. چرا بی تفاوت ماندی نسبت به آنچه در جامعه می گذرد؟ تمام مردم مسئولند؛ به فرمایش پیغمبر اکرم(ص): «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة».

بنابراین بایستی این وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل شود. وقتی که مردم مجتمع شدند، متشکل شدند، تشکیلات درست شد، آدم‌های هماهنگ، آدم‌های علاقه مند؛ حالا اسم این تجمع را می گذارند «حزب»؛ از لفظ حزب هم ناراحت نشوید؛ قرآن می گوید: «الا ان حزب الله هم المفلحون»، «فان حزب الله هم الغالبون».

آن وقت قهراً یک حزبی که متشکل از مردم علاقه مند و هماهنگ باشد این‌ها کاری که می توانند بکنند اولاً کادرسازی کنند؛ یعنی افرادی را در حزب بسازند؛ در مسائل اقتصادی، در مسائل سیاسی، در نیازهای کشور، یک آدم‌های متخصص را تربیت کنند

که یک روزگاری اگر سفیر کم هست، اگر کاردار کم هست، اگر وزیر کم هست، اگر استاندار کم هست، آدم حسابی ندارند، این‌ها را بسازند؛ احزاب سیاسی که در دنیا هست دنیا را این طور اداره می‌کنند.

حالا دیگر در دنیا با چماق نمی‌شود کار کرد؛ حکومت چماقی دیگر در دنیا پیش نمی‌رود. مردم روشن شده‌اند، بیدار شده‌اند، هر کسی اهل مطالعه است، اهل کتاب خواندن است، بیدار است. در دنیا این گونه حکومت می‌کنند؛ حکومت دست ملت است؛ ما هم که گفته ایم «جمهوری اسلامی». جمهور باید خودشان کشور را اداره کنند؛ مردم و جمهور بایستی متشکل بشوند، نیروهای خوب را بسازند و برنامه‌های خوب داشته باشند. این انتخابات که در کشور انجام می‌شود، یک روز انتخابات ریاست جمهوری است، یک روز انتخابات مجلس است، یک روز انتخابات خبرگان، شما آقایان دیده‌اید در وقت انتخابات یک افرادی قیم می‌شوند و آقابالاسر و یک گروه‌های خلق الساعه و آئی درست می‌کنند و به طور چماقی می‌خواهند پیش ببرند، برای این که یک عده می‌خواهند از ناآگاهی مردم و از اینکه مردم در صحنه نیستند سوء استفاده کنند؛ و این یک گرفتاری است. باید مردم خودشان مجهز باشند، تشکیلات داشته باشند، نیرو و کادر ساخته باشند. یک حزب قوی حزبی است که اگر در انتخابات پیروز شد هم وزیر خوب داشته باشد، هم وکیل خوب داشته باشد، هم استاندار خوب داشته باشد؛ در همه قسمت‌ها دارای نیروهای خوب باشد.

در دنیای امروز که بشر پیشرفته است و به مسائل اقتصادی و سیاسی توجه دارد و به مسائل دینی هم الحمدلله روی آورده است، این مردم باید تشکیلات داشته باشند؛ تشکیلات که داشته باشند قهراً باید روزنامه داشته باشند، رادیو و تلویزیون در اختیارشان باشد؛ روزنامه‌ها، جراید، رادیو و تلویزیون این‌ها که فقط مال دولت نیست؛ دولت را مردم روی کار می‌آورند؛ مردم نباید دستشان به رادیو و تلویزیون برسد؛ رادیو و تلویزیون فقط در اختیار چهار نفر که آن بالا می‌نشینند و یک دستوری می‌دهند باشد؟ مردم اگر حرفی داشته باشند باید حرفشان را رادیو و تلویزیون پخش کنند؛ روزنامه‌ها باید افکار و نظریات مردم را منتشر کنند. در دنیا این گونه است و اگر ما کوتاه

بیایم پس گردنی می خوریم و عقب می مانیم. آن طور که دوسه نفر بنشینند برای کشور تصمیم بگیرند این در دنیای فعلی پیش نمی رود؛ «جمهوری» یعنی «حکومت مردم».

البته این را هم ذکر کنم: در عین حالی که مردم، باید حزب داشته باشند، تشکیلات داشته باشند، در وقت انتخابات بیدار باشند، با شعور و با بینش خودشان مستقلاً افرادی را انتخاب کنند. با این همه در قانون اساسی ما یک «ولایت فقیه» ذکر شده است؛ اما معنایش این نیست که ولی فقیه یعنی همه کاره؛ آن وقت دیگر «جمهوری» معنایی نخواهد داشت. ولی فقیه هم با آن شرایطی که در قانون اساسی دارد وظایفی در قانون اساسی برایش مشخص شده؛ عمده وظیفه اش - که مهمتر است - اینکه نظارت کند بر جریان جامعه، مشی جامعه یک وقت از موازین اسلام و حق منحرف نشود؛ «فقیه» به این مناسبت است. در حکومت کمونیستی شوروی وقتی که می خواستند حکومت را براساس مارکسیزم و کمونیزم اداره کنند می آمدند ایدئولوگ حزب را راس کار می گذاشتند که او بتواند برنامه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی کشور را براساس همان مرام کمونیسم تنظیم کند؛ خوب این یک چیز طبیعی است. حالا ما از باب اینکه می خواهیم بر اساس اسلام و شرع کشورمان اداره بشود با اینکه جمهوری است، همه مردم باید شرکت کنند، حزب باید باشد، تشکیلات باید باشد، با این همه در راس کشور باید فقیه جامع شرایط باشد و نظارت کند.

البته مردم هستند که دولت را روی کار می آورند. «دولت» یعنی رئیس حکومت، رئیس جمهور، نماینده‌ها را واقعاً باید مردم بیاورند روی کار؛ هیچ کس حق ندارد دخالت کند؛ اگر بنشینند خاصه خرجی (رفاقت بازی) کنند یک افرادی - ولو شورای نگهبان - ظلم کرده اند به حقوق مردم.

کسی را که صالح باشد حق ندارند کنار بگذارند؛ از نظر دینی صالح باشد، در عین حال مسائل سیاسی و فرهنگی و اقتصادی را بلد باشد؛ متملق هم نباشد، مستقل باشد؛ مثل مرحوم مدرس باشد که به تنهایی در مقابل تمام حکومت رضاخان می ایستاد؛ نماینده مجلس باید یک چنین شخصی باشد؛ نه آدم متملق خودفروخته که

احیاناً هزار دروغ و تملق بگوید برای اینکه بخواهد وکیل مردم باشد! علاوه بر اینکه خود مردم باید دولت را بیاورند روی کار، رییس جمهور را بیاورند روی کار، مع ذلک در راس باید یک کسی باشد که به اسلام و دستورات شرع از همه آگاه تر است؛ این از باب این است که ما مذهبی هستیم، دینی هستیم. حال اگر در زمان پیغمبر(ص) بود، پیغمبر(ص) راس کار قرار می گرفت؛ اگر در زمان علی(ع) بود، علی(ع) در راس کار بود. همین علی(ع) خودش می گوید امر به معروف و نهی از منکر بکنید، مردم وارد شوند در کارها؛ اما در راسش علی(ع) است. حالا اگر علی(ع) و امام معصوم(ع) حاضر نباشد، ولی فقیه در راس است. یعنی «مجتهد عادل اعلم ناس»؛ این اعلامیت در روایات هست؛ این شخص بیاید راس کار. راس کار به این معنا که علاوه بر وظایف و حقوق مقرر در قانون اساسی، نظارت داشته باشد بر کار دولت؛ نه اینکه دارای یک تشکیلات جدای از مردم باشد؛ نمی دانم کدام یک از شما مشرف شده اید نجف، خانه امیرالمومنین(ع) در کوفه پشت مسجد کوفه نزدیک دارالاماره است؛ من داخل آن خانه رفته ام؛ حدود صد تا صد و پنجاه متر است، دوسه تا اطاق کوچک داشته، آن وقت علی(ع) حکومت مطلقه داشته، از همین خانه یک کشوری را که شاید ده برابر ایران شما بوده اداره می کرده.

حضرت با اینکه حاکم بودند می آمدند در بازار کوفه و صدا می کردند: «یا معشر التجار الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر» یک روز در این بازار، یک روز در آن بازار؛ در روایت داریم - من در کتاب ولایت فقیه این روایت را نوشته ام - نقل شده در این بازار کوفه یک عده ایرانی‌ها هم بودند، یک ایرانی در آنجا بود تا دید علی(ع) می آید، گفت: «جاء المرء شکمبه!»، علی(ع) یک مقداری شکمش بزرگ بود، امیرالمومنین(ع) فهمید، یک خنده ای کرد؛ نگفت بگیریش و... حضرت فرمودند: بالایش علم است و پایش هم غذا! یعنی امیرالمومنین یک شوخی با او کردند، اینجور می روند در میان مردم؛ مردم هم می رفتند حاجاتشان را به ایشان می گفتند. ولایت فقیه آن طور نیست که یک تشکیلات سلطنتی و مسافرت‌های تشریفاتی میلیاردی و اینجور چیزها داشته باشد؛ این‌ها با ولایت فقیه سازگار نیست.

آقایان تا چیزی می شود به ما می گویند «ضد ولایت فقیه» ضد ولایت فقیه! خدا پدرت را بیامزد، اصلا ولایت فقیه را ما گفتیم، ما علم کردیم، ما کتاب درباره اش نوشتیم، حالا ما شدیم ضد ولایت فقیه؟! یک عده بچه که اصلا وقتی که ما بودیم و این کارها را می کردیم اصلا نطفه شان هم منعقد نشده بود، حالا راه می افتند: ضد ولایت فقیه! خجالت بکشید؛ این چه کارهایی است؟!!

ولایت فقیه مثل ولایت امیرالمومنین(ع) باید نظارت بر کشور داشته باشد، نظارت بر احزاب داشته باشد، نظارت بر دولت داشته باشد؛ اما نه اینکه در همه جا دخالت کند، در جمهوری اسلامی دولت باید مستقل باشد؛ یعنی دولتی که بتواند کار بکند. من یکی از اشکالاتم به آقای رییس جمهور آقای خاتمی واقعا این است، من پیغام هم دادم نمی دانم به ایشان گفته اند یا نه، البته ایشان با من ارتباطی ندارند، اما من اول که انتخاب شدند برایشان پیام دادم، بعد هم به ایشان پیام (شفاهی) دادم که این طور که پیش می روید نمی توانید کار کنید؛ یک نفر رییس دولت اگر وزیرش، استاندارهایش، با او هماهنگ نباشند یک قدم نمی تواند بردارد؛ من پیغام دادم که من اگر جای شما بودم می رفتم پیش رهبر می گفتم: شما مقام محفوظ، احترام محفوظ، ولی ۲۲ میلیون مردم به من رای دادند، به من هم که رای دادند این ۲۲ میلیون همه می دانستند که رهبر کشور به کسی دیگر نظر دارد. دفترشان و خودشان و همه، شخص دیگری را تایید می کردند؛ ۲۲ میلیون آمدند به ایشان رای دادند؛ معنایش این است که ما آن تشکیلات را قبول نداریم. رای این ۲۲ میلیون معنایش این است که ما آن را که شما می گوئید قبول نداریم، ایشان قاعده اش این بود می رفت پیش مقام رهبری می گفت شما احترام محفوظ، ۲۲ میلیون به من رای دادند، از من انتظارات دارند و اگر بنا بشود که بخواهید در وزیرای من، در استاندارهای من دخالت بکنید، افرادی را به من تحمیل کنید من نمی توانم کار بکنم؛ بنابراین من ضمن تشکر از مردم استعفا می دهم، به مردم می گویم: ایها الناس می خواهند در کار من دخالت کنند. قاعده این بود که به این صورت عمل نماید.

مردم از وزرا هم انتظارات دیگری داشتند. من برای آقای دری هم که وزیر اطلاعات

شد، پیغام دادم که مشکل وزارت اطلاعات فقط وزیرش نبود، اصلاً بافت وزارت اطلاعات خراب است. در عین حالی که در اطلاعات آدم‌های خوب، آدم‌های علاقه مند و متدین نیز وجود دارد. ما خودمان طرفدار تشکیل اطلاعاتیم؛ شما مبانی فقهی من را مطالعه کنید، در جلد چهارم یک فصلش به طور مفصل راجع به «اطلاعات» است - به طور جداگانه هم چاپ شده است؛ آقای سراج (وقتی که رییس کمیته بود) آن را چاپ کرد - اما اطلاعات باید روی اساس باشد نه این کارهایی که می‌کنند. به ایشان پیغام دادم که اطلاعات بافتش خراب است. اگر بناست همان معاونها و همان کادر باشند و جنابعالی فقط ماشین امضا باشی و در اطاق وزارتخانه بنشیني هر چه معاونها و مدیرکل‌ها آوردند فوراً امضا کنی بدان کلاهت پس معرکه است. آنچه مردم از تو می‌خواهند این است که اصلاً بافت آنجا را عوض کنی، اطلاعاتی که هماهنگ با مردم باشد؛ نه یک آدم‌های ناجور، آدم‌هایی که می‌خواهند پرونده برای افراد درست کنند. من اطلاع دارم بعضی آدم‌های عوضی آنجا هستند؛ البته آدم خوب هم در آنجا هست.

آقای رییس جمهور به عقیده من قاعده اش این بود یک قدری محکم‌تر می‌آمد. مقام رهبری هم بایستی که همان رهبریش را می‌کرد. معنای رهبری این است که نظارت کند که در کشور کارهای خلاف شرع انجام نشود. اگر یک وقت رییس جمهوری، وزیری خواست کار خلاف بکند، از مقررات شرع منحرف شود او جلوی او را بگیرد؛ نه اینکه یک تشکیلات و یک گارد سلطنتی درست کند از پادشاهان دنیا زیادتر؛ و کسی هم دسترسی نداشته باشد و در وزارتخانه دخالت کنند، در استاندار دخالت کنند، در همه جا دخالت کنند؛ خود ایشان، این‌هایی که اطراف ایشان هستند، این غلط است. این طور کشور پیش نمی‌رود؛ کشوری که چند ارگان حکمفرما داشته باشد، دولت جدا، مجمع تشخیص مصلحت جدا و دفتر رهبری جدا، هر کدام بخواهند اعمال قدرت کنند، اینجور کشور اداره نمی‌شود؛ و حکومت مطلقه به این صورت که تکلیف کشور را دوسه نفر معین کنند و مردم هیچ کاره باشند این در دنیای امروز مواجه با شکست می‌شود. گاهی از اوقات هم می‌گویند این حرف‌هایی که می‌زنید تضعیف نظام است؛ آقای هاشمی شنیدم گفته: می‌ترسیم ایران هم افغانستان شود؛ خوب اشتباه کرده، «نظام»

که شخص نیست، نظام یعنی نظام اسلامی؛ والله همین مردم اگر ببینند نظام اسلامی - یعنی اسلام - بخواهد زیر پا برود قیام می کنند.

این مردم روی علاقه به اسلام آمدند قیام کردند؛ زورگویی های مامورین و مسئولین است که مردم را از آخوند زده می کند! اینجور مرتب ولایت فقیه گفتن، این بیشتر زدگی دارد. ما آنچه از آقای دری در این مدت که وزیر شده دیدیم هرجا رسیده - در خطبه جمعه شهری و هرجای دیگر - مرتب می گوید ولایت مطلقه، ولایت مطلقه! باباجان یک چیز را اگر خیلی تعریف کردی، این بد تعریف کردن است. اصلا مردم می گویند ولایت فقیه چیست؟ اما اگر به او بفهمانی که دولت را مردم انتخاب می کنند، حکومت حکومت مردم باید باشد، مردم خودشان کشور را اداره کنند.

«ولی فقیه» هم به شرط اینکه اعلم باشد، مجتهد اعلم مدیر مدبر باید نظارت کند که بر خلاف شرع و قانون کاری انجام نشود.

آن وقتی که بازنگری قانون اساسی بود - مشروح مذاکراتش چاپ شده - در مشروح مذاکرات بازنگری قانون اساسی آقای امینی این روایاتی را که دلالت می کند کسی را که انتخاب می کنیم، باید اعلم باشد خوانده است؛ آنجا آقای خامنه ای یک صحبتی کرده اند؛ من عین عبارت را یادداشت کردم برای برادران بخوانم. در جلد اول مذاکرات بازنگری قانون اساسی صفحه ۱۹۴ وقتی آقای امینی روایات را می خوانند آقای خامنه ای می گویند - این عبارتی است که در بازنگری چاپ شده - : «متها آن دوسه روایتی که آقای امینی اشاره کردند که در ذهن ما هم این روایات همواره بود واقعا باید این روایات علاج شود. این جوابی که جناب آقای یزدی فرمودند که اعلمیت یعنی اعلمیت به اداره امر، نه این انصافا خلاف ظاهر است؛ علاوه بر اینکه افقهیت، و فیهم من هو افقه منه، و فیهم من هو اعلم منه؛ این را حالا آقایان علما و فضلا فکر کنند و یا برایش علاجی بکنند.»

خوب جناب آقای خامنه ای علاجی ندارد، دوسه روایت نیست بلکه برحسب ضبط من دوازده روایت است، صحیحه هم در آنها هست؛ در روایت آمده: «هر ملتی که کسی را بیاورد روی کار در صورتی که اعلم از او در مردم وجود دارد، این مردم کارشان به

سراشیب و سقوط می رود؛ مگر اینکه برگردند به آنچه ترک کردند». در آن موقع من روایات را جمع آوری کردم و نوشتم لیکن بعضی از آقایان مانع از ارسال آنها شدند، ولی حالا بجاست آقایان آنها را ببینند. این روایات دوازده روایت است؛ روایت‌های خیلی محکم و متقن. نوشتم: «حضرات آیات و حجج اسلام و آقایان محترم اعضای شورای بازنگاری قانون اساسی دامت برکاتهم (و در همان نامه روایاتش را ذکر کرده ام یکی از روایات این است): «انهم قد سمعوا رسول الله (ص) يقول عودا و بدءا (یعنی پیغمبر همیشه می فرمود): ما ولت امة رجلا قط امرها و فیهم من هو اعلم منه الا لم یزل امرهم یدهب سفلا حتی یرجعوا الی ما ترکوا».

بنابراین رهبر باید اعلم باشد؛ شخص اعلم به کتاب خدا باید نظارت داشته باشد که مردم کج نروند. اما کشور را دولت باید اداره کند و منتخب مردم باشد؛ جمهوری است؛ قانون اساسی ما این را می گوید. جمهوری است، مردمی است، مردم هم باید احزاب تشکیل بدهند، خودشان حکومت تشکیل بدهند و ولی فقیه - اگر واجد شرایط باشد - باید نظارت بکند، البته اختیاراتی هم دارد که در قانون اساسی ذکر شده است.

و این را هم به شما بگویم اینکه می گویند «خط قرمز»! این خط قرمز که مرتب می گویند، خط قرمز خدا و پیغمبر (ص) و امام معصوم (ع) است، غیر از اینها خط قرمز نیست. کسی به خلیفه دوم گفت اگر کج بروی من با این شمشیر راست می کنم. تازه مردم به پیغمبر (ص) هم می آمدند نظرشان را می گفتند.

این را هم به شما بگویم اینکه چهارتا روزنامه را وادارند به یکی حمله کنند، یک عده بچه در قم راه بیندازند، اینها دیگر فصلش گذشته است. فرضاً ائمه جمعه را هم تحریک کنند یک چیزی بگویند، همه می دانند که امام جمعه‌ها بعضاً حقوق بگیرند؛ اگر چهارتا بچه را راه بیندازند همه فهمیده اند اینها دیگر برد ندارد. اگر روزنامه‌ها را وادارند بنویسند روزنامه‌ها این همه چیز نوشتند، آبروی خودشان را می برند. اینها دیگر برد ندارد باید روش را عوض کرد، باید حق را شنید و عمل کرد.

اینجا باید به آقای خامنه ای گفت اینکه می گویند این دوسه روایت را باید علاج کرد اولاً دوسه تا روایت نیست بلکه من تا دوازده روایت را اینجا جمع کرده ام، ثانیاً باید

عمل کرد، (اینکه می گویند) باید فکری کرد فکرش این است که به آن‌ها عمل کنید. حالا صرف نظر از مساله رهبری، مرجعیت را چرا دیگر؟ شما که در شأن و حد مرجعیت نیستید. من قبلاً به ایشان تذکر دادم، در شرف فوت مرحوم آیت الله اراکی بود، من به وسیله آیت الله مومن راجع به چند چیز برای ایشان پیام دادم. این صورت متن پیام است؛ به دست ایشان هم رسیده است، بند هفتم آن را من می خوانم؛ به ایشان پیام دادم: «مرجعیت شیعه همواره قدرت معنوی مستقلی بوده؛ بجاست این استقلال به دست شما شکسته نشود و حوزه‌های علمیه جیره خوار حکومت نشوند که برای آینده اسلام و تشیع مضر است؛ و هرچند ایادی شما تلاش کنند جنابعالی اثباتاً موقعیت علمی مرحوم امام(ره) را پیدا نمی کنید؛ نگذارید قداست و معنویت حوزه‌ها با کارهای دیپلماسی ارگان‌ها مخلوط شود. -تیپ فلان چه حقی دارد بیاید در قم یک عده بچه راه بیندازد و حوزه را به هم بزنند؟! - به مصلحت اسلام و حوزه‌ها و جنابعالی است که دفتر شما رسماً اعلام کند: چون ایشان کارشان زیاد است و وظیفه اداره کشور را به دوش دارند از جواب دادن مسائل شرعی معذورند و از حال به بعد جواب مسائل شرعی داده نمی شود و رسماً مراجعات علمی و دینی و حتی وجوه شرعیه جزئی را کمافی السابق به حوزه‌ها ارجاع دهید»، این پیام تاریخش ۷۳/۸/۱۲ است وقتی که تازه آقای اراکی را برده بودند بیمارستان؛ و خود آیت الله مومن به من گفت یکی از این آقایان که می رود در دفتر ایشان در قم می نشیند و مسائل را مطابق نظر آقای خامنه ای جواب می دهد به ایشان گفتم که ایشان که رساله ندارد، شما چگونه فتاوا را بر طبق نظر ایشان جواب می دهید؟ گفت ما روی تحریر امام جواب می دهیم! گفتم مردم آخر مساله ایشان را می خواهند، گفت: می گویند ایشان فتوایش مثل فتوای امام است، ما روی تحریر امام جواب می دهیم!

خوب این معنایش مبتدل کردن مرجعیت شیعه نیست؟ اینکه آمدند در شب بعد از فوت آیت الله اراکی، عده ای بچه راه انداختند در خیابان جلوی جامعه مدرسین، مثل همین الان که راه می اندازند؛ بعد هم سه چهار نفر از تهران آمدند و اصلاً (کسانی که ایشان را می گفتند) هفت هشت نفر بیشتر نبودند و به زور هفت نفر را به عنوان مرجع

گفتند که ایشان را هم جزو کنند، در صورتی که ایشان در حد فتوا و مرجعیت نیست. بنابراین مرجعیت شیعه را مبتذل کردند، بچه گانه کردند، با یک عده بچه اطلاعاتی که راه انداختند! این‌ها مصیبت‌هایی است که ما در این کشور می بینیم.

خدایا به حق محمد و آل محمد(ص) استقلال این کشور امام زمان (عج) را حفظ فرما.
(آمین حضار)

گرفتاری‌ها برطرف بفرما.

مریضها شفای عاجل عنایت بفرما.

به حق محمد و آل محمد(ص) تعجیل در فرج امام زمان (عج) بفرما.

نام ما را در طومار طرفداران امیرالمومنین(ع) ثبت و ضبط بفرما.

از همه شما معذرت می خواهم.

والسلام علیکم جمعاً و رحمة الله و برکاته.

پیوست شماره ۲۵۵: مربوط به صفحه ۷۷۶

پیام معظم له پس از حمله به حسینیه و بیت ایشان، مورخه ۱۳۷۶/۸/۲۸

بسم الله قاصم الجبارین

انا لله و انا الیه راجعون

برادران و خواهران مسلمان و هموطنان عزیز

پس از سلام و درود بی پایان بر پیامبر رحمت حضرت خاتم انبیاء(ص) و ائمه هدی بخصوص حضرت ولی عصرعجل الله تعالی فرجه الشریف و بر همه پیامبران الهی سلام الله علیهم اجمعین، و سلام و تحیت به شما برادران و خواهران، به عرض می رساند: معمولاً آیه شریفه فوق برای اعلام رحلت یک فرد مسلمان نوشته می شود ولی اینک من آن را برای شکستن حریم قرآن و دین و حوزه مقدسه علمیه قم و روحانیت شیعه و مقدسات دینی و علما و بزرگان حوزه و حتی حریم فقه و ولایت به کار بردم.

روز جمعه سیزدهم رجب ۱۴۱۸، مطابق با ۱۳۷۶/۸/۲۳ روز ولادت باسعادت مولی الموحدین امیرالمومنین(ع) اینجانب مطالبی را که تذکر آن‌ها را وظیفه دینی خود می دانستم با منطق کتاب و سنت پیامبراکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) بیان کردم به خیال اینکه کشور ما کشور اسلام و پایگاه ائمه معصومین(ع) می باشد، و ظاهراً شما کم و بیش از سخنان من مطلع شده اید.

پس از اینکه بعضی از روزنامه‌های مزدور و متملق همچون سابق هر چه خواستند از تهمت و اهانت دریغ نکردند، در روز چهارشنبه ۱۸ رجب مطابق با ۱۳۷۶/۸/۲۸ به بهانه حمایت از ولایت فقیه جمعی از افراد بی منطق را به نام حزب الله به راه انداختند و به زور و تهدید و اغفال، بعضی از محصلین بی گناه دبیرستان‌ها را هم با آنان همراه کردند و ضمن راهپیمایی در خیابان‌های قم آنان را به طرف حسینیه شهدا و دفتر اینجانب حرکت دادند؛ و با شکستن درب‌ها و قفل‌ها آن‌ها را اشغال کردند و هر چه توانستند شکستند و پاره کردند و هر چه خواستند گفتند و اهانت کردند، و در این میان همکاری بعضی از افراد اطلاعاتی با حمله کنندگان بسیار محسوس بود. در این میان اصرار داشتند به بهانه محافظت از من - مرا از اطاق و کتابخانه و منزل شخصی خارج نمایند و ببرند و همه هستی مرا در اختیار رجّاله‌ها و غارتگران قرار دهند، و معلوم نبود مرا به کجا می خواستند ببرند، و همین بی سیم به دستها حتی می خواستند برای این منظور

درب خانه اندرونی را با دیلم از جا بکنند تا به من دسترسی پیدا کنند و به زور ببرند. جمعی از فضلا و طلاب و برادران را بازداشت و تلفنها را قطع کردند و بلندگوهای حسینیه را در اختیار گرفتند، و مانند لشگر مهاجم پیروز شده با شعارهای انحرافی و توهین آمیز و به نام حمایت از ولایت فقیه و ولی فقیه خودشان هر چه خواستند گفتند و پنخس کردند و موجبات ناراحتی همه همسایگان محترم را فراهم نمودند. معلوم شد در منطق آقایان ولایت فقیه یعنی غارت اموال و شکستن و پاره کردن کتاب‌ها و حتی قرآن کریم، ولایت فقیه یعنی تصرف غاصبانه در خانه و ملک دیگران، ولایت فقیه یعنی اهانت به حوزه‌های علمیه و علما و فقه و علم و بی احترامی به همه مقدسات. خوب شد نمردیم و ثمره ولایت فقیه آقایان را برای چندمین بار لمس کردیم.

فرستادن رجاله‌ها برای غارت هستی من سابقه دارد؛ در بهمن ۱۳۷۱ نیز همین عمل را انجام دادند و هستی مرا و حتی آرشیو چهارده ساله مرا بردند و پس ندادند؛ و بالاخره در زمان عملیات وحشیانه آقایان، من مشغول مطالعه نهج البلاغه بودم، ولی زنان و همسایگان همه گریه و زاری می کردند، این ولایت فقیه چماقی و آمیخته با غارت و فحاشی برای آقایان مبارک باد.

و برحسب اخبار واصله موثقه آتش بیار معرکه رییس قوه قضائیه -که باید مظهر قانون و عدالت باشد- بوده است، ایشان در شب چهارشنبه به قم آمدند و فرمان آتش را صادر کردند و به تهران بازگشتند، و با این حال مردم ما انتظار دارند قانون و عدالت در کشور حکم فرما باشد، وقتی که با مثل من که هم سابقه مبارزاتی دارد و هم استاد بسیاری از علما و مسئولین کشور بوده ام این طور عمل می شود، پس وای به حال مردم بی گناه بی پناه.

من تا حال برای رعایت نظام اسلامی که با خون شهدای عزیز ما آبیاری شده است ساکت بودم، و با تحمل همه تعدیات و ظلم‌هایی که نسبت به من و بیت من و شاگردان و علاقه مندان به من و زندانی کردن بسیاری از آنان انجام می شد می خواستم خدای ناکرده از ناحیه من به اسلام و انقلاب ضربه ای وارد نشود، ولی چه کنم که دخالت‌های ناروا در حوزه علمیه قم و شکستن حریم حوزه علمیه و از بین بردن استقلال آن و قداست مرجعیت و مراجع به وسیله راه انداختن بچه‌های بی منطق و خشن در مقاطع مختلف موجب اعلام نظر صریح اینجانب شد. الان هم به همه علمای اعلام و بزرگان حوزه‌ها اعلام خطر می کنم -که علاوه بر خطراتی که اقتصاد و امنیت کشور با آن

مواجه است - حوزه‌های دینی و علمی با وضع فعلی در معرض سقوط قرار گرفته، و هرکس ساکت و بی تفاوت باشد باید در روز قیامت پاسخ گوی سکوت خود باشد. اینجانب از ابتدای شروع انقلاب اسلامی در سال ۴۲ همواره آسایش و آرامش خود و خانواده و حتی جان خود را در معرض تهاجم از خدا بی خبران قرار داده ام و فرزند عزیزم شهید محمد منتظری در همین راه توسط منافقین کوردل به شهادت رسید، هم اکنون نیز از هرگونه جان فشانی در راه اسلام و انقلاب و کشور دریغ ندارم.

جای تعجب است که بعضی از آقایان محترم به من اظهار می کردند با اینکه گفته‌های شما حق بوده ولی در شرایط فعلی و دعوت از سران کشورهای اسلامی خوب بود شما صحبت نمی کردید، غافل از اینکه صحبت من به جایی ضرر نمی زد، آنچه در شرایط فعلی صلاح نبود و صددرصد به ضرر بود حمله وحشیانه و غارت با سر و صدا و زمینه سازی برای تبلیغات رادیوهای بیگانه بود، که قهراً می فهماند کشور ما از نظر امنیت نامساعد است، و من به سهم خود ضمن تشکر از کسانی که دعوت دولت جمهوری اسلامی ایران را پذیرفته اند از ریاست محترم جمهوری اسلامی سؤال می کنم که آیا جنابعالی توان حفظ امنیت آنان را در برابر حمله احتمالی مهاجمین دارید؟ اگر ندارید پس با چه جرأتی از آنان دعوت نموده اید؟ و اگر توان آن را دارید پس چرا برای حفظ امنیت مراکز فرهنگی و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و جاهای دیگر کاری جدی انجام نمی دهید و از این بی نظمی‌ها جلوگیری نمی کنید؟

در خاتمه متذکر می گردد که آقایان با شعار «مرگ بر ضد ولایت فقیه» دست به همه خرابکاری‌ها می زنند، در صورتی که من از بنیانگذاران ولایت فقیه می باشم و در این موضوع چهارجلد کتاب مفصل از من چاپ شده، آقایان عنوان کلی ولایت فقیه را با شخص مخلوط می کنند. من اگر کسی را واجد شرایط ندانم این امر به معنای ضدیت با کلی ولایت فقیه نیست. چه کنیم که کار دست بچه‌های بی سواد و بی منطق افتاده، و بالاخره قلم اینجا رسید و سر بشکست.

اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا(ص) و غيبة ولينا و كثرة عدونا و قلة عددنا و شدة الفتن بنا و تظاهر الزمان علينا...

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال
والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین و رحمة الله و برکاته

«پایان»